

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

• شماره: ۶۶ • زمستان ۱۴۰۳

• شاپای الکترونیکی: ۱۲۸۶-۲۸۲۱

• شاپای چاپی: ۱۲۷۸-۲۸۲۱

• صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان

• مدیر مسئول: امیرحسین واعظی

• سردبیر: علی محمد صفانیا

• مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان

• صفحه آرا: سعید گیوری

مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی

بزرگراه نلسون ماندلا، خیابان شهید سلطانی، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir

سامانه ارسال مقاله: <http://faslname.msy.gov.ir>

اقتباس و درج مطالب با ذکر مأخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان دارای اعتبار علمی - پژوهشی ۳۳/۸۰/۱۸/۳ مورخ

۱۳۹۳/۱/۲۵ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

نمایه می‌شود.

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سید عبدالحمید احمدی

دانشیار تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) جهاد دانشگاهی

محمد جوادی پور

دانشیار برنامه ریزی درسی گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

علی محمد صفابا

استاد گروه تربیت بدنی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران ایران

غلامرضا شعبانی بهار

استاد تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه

طباطبائی

رسول صادقی

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

فرزاد غفوری

دانشیار تربیت بدنی (مدیریت و برنامه ریزی) گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه

طباطبائی

کوروش فتحی واجارگاه

استاد برنامه ریزی درسی گروه آموزش عالی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

رضا قراخانو

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه تربیت بدنی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

شهلا کاظمی پور

دانشیار جامعه شناسی گروه جمعیت شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

عباسعلی گائینی

استاد تربیت بدنی (فیزیولوژی ورزشی) گروه فیزیولوژی ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران

مشاوران علمی و همکاران این شماره:

حسن کلاشلو، مهدی شکرانی، عباس خدایاری، محمد جوادی پور، مظفر یکتایار، علی زارعی، مجید سلیمانی، علی همتی عفیف، زین العابدین فلاح، سیدحسین علوی، اکبر آفرینش خاکی، میثم رحیمی زاده، مهدی سلیمی، فرشاد امامی، شهرام نظری، محمد نصیری، مجید خوروش، محمدرضا برومند، آرام مرادی، مجید نامور، امین راجی، جواد یوسفیان، هادی باقری، اکبر فریدفتحی، رسول طریقی، ستار پروین، جمال عبدالله پور، جابر مولائی، داود نوری، ناهید طالبی، فریده شریفی فر، الهام فسنتوری، مژگان خدامرادپور، الهام مشکل گشا، شهلا کاظمی پور ثابت و زهرا حضرتی صومعه.

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست‌ها و برنامه‌های موجود
۲. کمک به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش‌های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه‌ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته‌های جوا پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقالات

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۱. مقاله‌های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش‌های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته‌ها، بحث و تفسیر، نتیجه‌گیری و منابع باشند.
۲. حجم مقاله‌ها باید بین ۱۵ تا ۲۰ صفحه A4 (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 به پایین با فونت 12 Blotus تایپ شده باشد.
۳. ساختار مقاله‌ها باید شامل اجزای زیر باشد:
 - صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه‌ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.
 - چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده‌ای سازمان‌یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش‌های هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده و منعکس‌کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه‌ای که مقاله بر مبنای آن نمایه‌سازی شود) ارائه گردد.
 - مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه‌ای از تعاریف، اصول، تئوری‌ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی، چارچوب نظری، فرضیه‌ها یا پرسش‌ها، نتایج، بحث و منابع به صورت کامل ارائه گردد.
 - روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و ابزارهای پژوهش است.

- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری می‌تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود - تعداد جدول‌ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
- بحث و نتیجه‌گیری: ضمن مقایسه یافته‌های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به درستی یا نادرستی فرضیه‌ها و هدف تحقیق اشاره گردد.
- منابع: تمامی مقاله‌ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می‌باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.
- ۴. ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پرانتز و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشار منبع: شماره صفحه یا صفحات) - چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
- ۵. معادل غیر فارسی واژه‌های تخصصی، اسامی افراد یا مکان‌ها، کومه نوشت‌ها و سر واژه‌ها، در پاورقی هر صفحه با شماره‌گذاری مستقل بیان شود.
- ۶. هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.
- ۷. فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:
- الف . کتاب: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). **عنوان مقاله**. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر
- ب . مقاله: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). «**عنوان مقاله**». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.

- ج . مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). «عنوان مقاله». نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم) در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د . رساله تحصیلی: نام خانوادگی مولف، نام. (سال تدوین). «عنوان مقاله». مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه . پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی مولف، نام. (آخرین زمان به روز نمودن سایت). «عنوان مقاله». نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

فهرست

- تبیین مدل حکمرانی مطلوب نظام ورزش ایران با استفاده از دیمتل فازی ۱۴
اکبر اخوان، زهرا حاجی انزهائی، فریده اشرف گنجوئی
- طراحی مدل دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران براساس تئوری داده‌بنیاد ۱۷
رضا قاسمی، سیده فریده هادوی، رحیم رمضانی نژاد
- دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس ۲۱
رضا صابونچی، مریم حسینی عسگرآبادی
- کیفی نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان ۳۵
محمدرضا غلامزاده، نصراله محمدی، عظیم صلاحی کجور، فرشاد امامی
- کارکرد رسانه‌ها در توسعه ورزش ایران ۳۸
مجتبی احمدی، ایمان صفائی، محمدعلی نودهی
- مدل‌سازی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران ۴۶
زهرة ذوالفقاری، حسین زارعیان، سیروس احمدی
- ارائه چارچوب اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان با رویکرد ساختاری تفسیری ۴۶
سارا خندان، احمد ترکفر، سیدمحمدعلی میرحسینی، رحیم شیرازی نژاد
- شناسایی چالش‌ها و راهبردهای حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی ۵۰
نازنین راسخ، حمید قاسمی، سعید جعفری، عابد محمودیان
- تدوین الگوی عوامل مؤثر در کسب میزبانی بازی‌های المپیک ۵۵
سعید مولائی، ابوالفضل فراهانی، علیمحمد صفی‌نیا، حمید قاسمی
- طراحی مدل مدیریت استعداد کارکنان در وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران ۱۴
الهام قاسمی هرسینی، بهرام یوسفی، علی فروغی پور
- تدوین مدل توانمندسازی کارکنان بر اساس سرمایه اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای در ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری ۱۷
طهماسب شیروانی، روح اله اسدی
- شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان ۲۱
طاهره باقری زاده، سیداحسان امیرحسینی، ولی نوذری
- شناسایی عوامل مؤثر در توسعه شهر فعال با رویکرد ترویج ورزش شهروندی ۳۵
سحر قاسمی، امین دهقان دهفرخی، احمد محمودی
- تدوین مدل کمی عوامل مؤثر بر مدیریت شکاف بین نسلی در ورزش همگانی ایران ۳۸
امیرماهان جاغرقی، شهریار خرازیان، احسان اسداللهی، میثم رضائی

- ۴۶..... بررسی عوامل و موانع موثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا و ارائه راهکارهای مناسب در پسا کرونا
- مهرعلی همتی نژاد طولی، حسین براخاص، لیلا بیرامی جغتاب، طویی بیگ محمدی، مژگان صالحی پور
- ۵۰..... شناسایی پیشران‌های کلیدی توسعه والیبال جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آینده‌نگاری راهبردی
- محمد سلیمانی، طیبه سادات زرگر، فریده شریفی فر، رضا نیک بخش
- ۵۵..... عوامل موثر بر خود توسعه‌ای مدیران ورزش کشور و مدل‌سازی
- منصوره طهرانچی، رضا نیک بخش، فریده شریفی فر
- ۱۴..... مطالعه تأثیر سبک زندگی ورزش‌محور بر سلامت اجتماعی و روان زنان
- غلامرضا تاج بخش
- ۱۷..... ارائه مدل نهاده‌سازی ورزش در میان زنان خانه‌دار و شاغل شهر تهران
- ابراهیم علیدوست قهفرخی، مهدی غفوری یزدی، علی امانی سامانی
- ۲۱..... ارائه مدل پوشش خبری مناسب ورزش بانوان با رویکرد تئوری داده‌بنیاد
- ناصر رسول زاده جدی، فاطمه عبدوی، علی جمالی، حامد عظیمی نوجه ده
- ۳۵..... شناسایی و تبیین چالش‌های راهبردی و پیامدهای آنها در برگزاری رویدادهای ملی ورزشی: با رویکرد ساختگرا
- فرزین پورقاسم، وجیهه جوانی، فاطمه عبدوی
- ۳۸..... الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی با بکارگیری مدل‌های زبانی هوش مصنوعی
- مهران حق پرست، محمدسلطان حسینی، سیدنصر اصفهانی
- ۴۶..... تدوین الگوی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران
- مسعود فریدونی، سیدمحمدحسین رضوی
- ۵۰..... چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران
- سمیه محمدی، بهزاد ایزدی
- ۵۵..... شناسایی عوامل موثر بر آینده صنعت محصولات ورزشی ایران
- حسین دهقان دیزجی، مهدی کهن‌دل، سیدنعمت خلیفه، پریوش نوربخش
- ۵۵..... طراحی و تبیین مدل توسعه مهارت‌های شغلی جوانان متناسب با مشاغل انقلاب صنعتی چهارم
- حامد عبداللهی، محمود دهقان نیری، علی رجب زاده قطری، خدیجه مصطفائی دولت آباد
- ۶۲..... طراحی الگوی ارتقای نشاط اجتماعی در میان جوانان
- زهره فیضی، لیلا خسروی مراد، محمد پارسائیان
- ۷۰..... مطالعه پدیدارشناختی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در آستانه ازدواج
- فاطمه اکبرزاده، مجیدرضا کریمی، کرامت الله راسخ

۷۶. بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز).
امیرتقی زاده، محمدحسین بنی فاطمه، توکل آقایی هیر
- ۸۲..... شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی (با تأکید بر جوانان)
داوود محمدی، سیدعلی جبار گلباغی ماسوله، عاطفه لرججوری، وحید زارعی شریف

تبیین مدل حکمرانی مطلوب نظام ورزش ایران با استفاده از دیمتل فازی

اکبر اخوان^۱

زهرا حاجی‌انزهایی^۲

فریده اشرف گنجویی^۳



[10.22034/ssys.2024.3240.3367](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3240.3367)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴

نظام ورزشی در کشور همواره با چالش‌ها و مسائل مختلفی در حوزه حکمرانی، تعامل میان نهادهای متعدد و برآورده ساختن انتظارات کلیه ذینفعان روبه‌رو بوده است. پژوهش حاضر باهدف دستیابی به الگویی مطلوب در حوزه حکمرانی ورزشی به منظور درک بهتر این پدیده و ارائه پیشنهادهای لازم صورت پذیرفت. برای طراحی الگوی حکمرانی مطلوب ورزشی، روش تحقیق آمیخته و مبتنی بر دیمتل فازی و جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری با تکنیک گلوله برفی انجام استفاده گردید. در بخش کیفی از نظرات خبرگان مدیریت ورزشی و جامعه‌شناسی در قالب پرسش‌نامه دلفی فازی بهره‌گیری شد. ۱۵ مدل حکمرانی مطلوب استخراج و مورد مطالعه قرار گرفتند. خلاصه این مدل‌ها وجود ۴ بعد، ۱۵ مولفه و ۴۱ شاخص را نشان می‌دهد. ماتریس حاصله از تکنیک دیمتل (ماتریس ارتباطات داخلی)، هم رابطه علی و معلولی بین عوامل را آشکار و اثرپذیری و اثرگذاری متغیرها را شناسایی نمود. روایی پرسش‌نامه‌ها در بخش کیفی به روش‌های CVR و CVI (شاخص‌های نسبت روایی محتوایی و روایی محتوایی) با استفاده نظر خبرگان تایید گردید. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و بر طبق فرمول کوکران ۲۲۵ نفره عنوان نمونه آماری تعیین و پرسش‌نامه حکمرانی مطلوب در بین اعضای نمونه توزیع گردید. برای ترسیم مدل تحلیلی، تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. در نهایت چهار بعد شامل کنترل مالی، شفافیت و پاسخگویی، شایستگی منابع انسانی و اجرای سیاست و خط‌مشی به‌دست آمد و براساس یافته‌های یادشده پیشنهادهای پژوهش ارائه گردید.

واژگان کلیدی: حکمرانی مطلوب، نظام ورزش کشور، روش دلفی فازی و معادلات ساختاری.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E=mail: Sara_haji1982@yahoo.com

^۳ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

موضوع ورزش که بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فناوری تأثیر گذاشته و حتی از آنان تأثیر می‌پذیرد، مورد توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته است. با عنایت به تحولات قرن گذشته، ورزش یکی از مهمترین بخش‌هایی است که منافع زیادی برای اقتصاد هرکشوری فراهم کرده و مورد مذاقه قرار گرفته است. تأثیر ورزش بر اقتصاد و جامعه، چند بعدی است - برای مثال، مشخصاً در مورد ورزش فوتبال، مطابق با کمیسیون اروپایی رویدادهای فوتبال میلیون‌ها بیننده را جذب می‌کند. حضور هزاران تماشاگر، ایجاد اشتغال، ورود مطمئن سرمایه خارجی، پرورش بازیکنان و ورزشکاران از بازخوردهای حاصل از این فرایند است که می‌تواند سهم قابل توجهی در اقتصاد داشته باشند. علاقه رسانه‌ها به ورزش و ظهور رسانه‌های اجتماعی در دهه اخیر به ارتباطات و شاخص‌های مهم اجتماعی کمک نموده است. از ابعاد مالی مرتبط با ورزش با عنوان «اقتصاد ورزش» می‌توان نام برد. (گرات و اکرن، ۲۰۲۲: ۱۱۷)

اهمیت ورزش در قوانین بالادستی از جمله قانون اساسی در کشورمان همواره مورد تأکید بوده و مسئولان نظام همواره مردم را به این امر تشویق نموده‌اند. بنابراین توسعه ورزش از امور مهم ایران است. هرچند طی این سال‌ها بهبود نسبی در بعضی از ابعاد ورزش کشور حاصل شده است، اما چالش‌هایی مانند شفافیت ناکافی در امور مالی و شایستگی منابع انسانی فدراسیون‌ها و باشگاه‌ها وجود دارد. (بحرینی، ۱۴۰۰) بنابراین، لزوم تبیین عوامل مؤثر در توسعه این مقوله مهم و بازنگری، تغییر و تحول اساسی در اهداف، سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌های اجرایی ورزش می‌تواند در نیل به اهداف و سیاست‌های راهبردی کشور مؤثر واقع شود. (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲)

حکمرانی، یک واژه رایج در دنیای مدرن است و فرایند حکمرانی مطلوب همانند یک رویکرد توسعه‌ای ارزش فراوانی دارد و در راستای مفاهیمی مانند پاسخگویی، شفافیت، برابری و عدالت اجتماعی برای ساماندهی به امور اجتماعی در هر جامعه‌ای دارای اهمیت است. این رویکرد به‌خصوص با اصلاح سیستم حقوقی، جلب مشارکت عمومی، مشارکت نهادهای اجتماعی و ارتقای شفافیت، وضعیت خوبی را برای هر کشوری رقم می‌زند. کشورهای توسعه‌یافته اقدامات فراوانی برای رسیدن کلیه نهادها به این رویکرد اتخاذ نموده‌اند. لذا این مفهوم عموماً به‌عنوان یک مفهوم جدید در مورد دولت و مدیریت دولتی به‌کار می‌رود و برای بسیاری از حوزه‌ها مانند حکمرانی محلی، حکمرانی جهانی، حکمرانی محیطی، توسعه بین‌المللی و حکمرانی ورزشی نیز استفاده می‌شود. (گندمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶)

حکمرانی در ورزش به ساختارها و فرآیندهای مورد استفاده توسط یک سازمان ورزشی برای دستیابی به اهداف راهبردی و نظارت بر عملکرد سازمان در برابر اهداف تدوین‌شده و اطمینان از این که مدیریت سازمان منافع همه اعضا را در نظر گرفته است یا نه اشاره دارد. به بیان دیگر، حکمرانی در ورزش فرایندی است که مدیریت سازمان ورزشی از آن استفاده می‌کند تا راهبردها، جهت‌گیری‌ها و اولویت‌ها، سیاست‌ها و انتظارات مدیریت عملکرد را تعیین

¹ Geeraert, A.

کند، عوامل مختلف سازمانی را ارزیابی نماید، خطرات را مدیریت و آن چه که سازمان به آن باید می‌رسید را کنترل و ارزیابی کند تا به خواسته‌های ذینفعان سازمان پاسخ داده شود. (کشاوری، ۱۳۹۶)

بیشتر تحقیقات حکمرانی سیستماتیک در حوزه ورزش با محوریت تغییر ساختارهای حکمرانی در کشورها انجام گرفته است. بسیاری از این پژوهش‌ها به بررسی ماهیت متغیر ساختارهای حکمرانی و پیامدهای این تغییر در سازمان‌های ورزشی پرداخته‌اند. (محمدي رثوف و همکاران، ۱۴۰۱) به نظر می‌رسد دانشمندان ورزشی عمدتاً عوامل بهینه حکمرانی را در سطوح بین‌المللی بررسی کرده‌اند و در برخی مواقع حکمرانی را بر اساس نظریات عمدتاً مدیریتی در حوزه سازمانی و مدیریتی مورد تحلیل قرار داده‌اند. پژوهشی که بتواند نشانگر چارچوب‌های نظری مدیریت دولتی و سیاسی در حوزه ورزشی باشد، کمیاب است و خلأ نظری پژوهش در حوزه فکری مشاهده می‌گردد. لذا تحقیقات انجام گرفته در داخل کشور متنوع هستند. بخشی از این پژوهش‌ها مانند قدمی (۲۰۱۵) تنها به معرفی شاخص‌های حکمرانی مطلوب ورزشی در سازمان‌های ورزشی می‌پردازد، اما گندمانی و همکاران با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل حکمرانی خوب در فدراسیون دو و میدانی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰) با استفاده از روش پژوهش ترکیبی، پنج مضمون اصلی نقش و حاکمیت قانون، مشارکت (اجماع)، شفافیت و پاسخگویی، کنترل و نظارت و سلامت را یافته‌اند. همینطور محمدی رثوف و همکاران (۱۴۰۱) در طراحی الگوی حکمرانی ورزشی مطلوب در ایران، پارادایم‌های نداشتن امید به آینده، عدم عقلانیت معناداری و اکنون‌زدگی را به‌عنوان پدیده مرکزی شناسایی نمودند. بحرینی و همکاران (۱۴۰۰) هم به بررسی نقش ابعاد حکمرانی خوب در تبیین توسعه منابع انسانی ادارات ورزش و جوانان پرداختند و نشان دادند که شش مؤلفه حکمرانی خوب یعنی نتیجه‌گرایی، اثربخشی نقش‌ها و وظایف، ارتقای ارزش‌ها، شفافیت و شفاف‌سازی، ظرفیت‌سازی و پاسخگویی بر توسعه منابع انسانی ادارات ورزش و جوانان تأثیر مستقیم و معنادار دارد. جمشیدیان و همکاران (۲۰۲۰) عوامل حکمرانی بهینه در روابط بین‌الملل ورزش ایران را بررسی و شاخص‌های برازش مدل را تایید نمودند. پورآتش و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «تأثیر حکمرانی خوب بر سلامت سازمانی با نقش میانجی پاسخگویی در وزارت ورزش و جوانان ایران» انجام دادند و دریافتند حکمرانی خوب و پاسخگویی به طور مستقیم بر سلامت سازمانی مانند شفافیت و پاسخگویی اثر مثبت و معناداری دارد. همچنین حکمرانی خوب اثر مثبت و معناداری بر پاسخگویی دارد.

بر مبنای اظهارات زیتول^۱ (۲۰۲۳) شیوه‌های حکمرانی مطلوب به منظور به حداقل رساندن ناکارآمدی‌ها و فعالیت‌های غیرقانونی در هر رشته ورزش تبیین شده است. برای ارتقای کارایی ورزش در حکمرانی مطلوب چهار مولفه شفافیت و پاسخگویی، کنترل مالی، شایستگی منابع انسانی و اجرای مطلوب خط مشی‌های دولت شناسایی و ارائه شده است. از نظر آنها حکمرانی مطلوب دلالت بر این دارد که کارایی، پاسخگویی، قابل‌پیش‌بینی بودن، اثربخشی، مدیریت مالی خوب و شفافیت در راستای موضوع می‌تواند ارتقا یابد و ناکارآمدی را کاهش دهد. در بعد اجرای خط‌مشی‌ها، محققان سیاست‌های مختلفی را پیشنهاد کرده‌اند. آنان به مواردی مانند سیاستی که حکمران برای اجرای عملیات در نظر می‌گیرد، حکمرانی مطلوب، خط‌مشی حاکمیتی که در فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌کند و میزان توانایی حکمران به اجرای خط‌مشی‌ها اشاره دارند. بعد شناسایی شایستگی منابع انسانی (نیروی انسانی

¹ Zaitul et al.

دارای سیاست‌هایی است که بر استخدام کارمندان حاکم است) به مکفی بودن منابع انسانی و در جذب نیرو به سیاست منابع انسانی پایبند است و به مهارت‌های لازم کارکنان در زمینه مدیریت ورزشی، انجام آموزش‌های منظم برای کارکنان، متعهد بودن کارکنان به مسئولیت‌های خود، مدیریت مهارت‌ها و در برداشتن دانش مدیریت اشاره دارد. همچنین در بعد کنترل مالی شاخص‌هایی مانند کمیته حسابرسی عینی، مستقل و فعال، بررسی به موقع گزارش‌های حسابرسی و رفع هرگونه عدم انطباق در گزارش‌های حسابرسی و سیستم کنترل داخلی در بخش‌های مالی به صورت دوره‌ای برای اطمینان از اثربخشی آن وجود دارد. بودجه و هزینه برای اجرا به سطوح پایین‌تر ابلاغ می‌شود. فرآیندهای مستقل، بررسی‌ها و ارزیابی فعالیت‌های کنترل مالی به طور مداوم وجود دارد. نظارت دقیق بر سیستم کنترل مالی داخلی انجام می‌شود. صورت‌های مالی و سایر گزارش‌های حسابرسی با سایر ذینفعان به اشتراک گذاشته می‌شود. برنامه‌ریزی مالی بلندمدت ایجاد کرده است. صورت‌های مالی خود را حسابرسی خارجی می‌کند. سیستم‌ها می‌توانند سیگنال اولیه مشکل را ارائه دهند. صورت‌های مالی خود را برای ارائه اطلاعات در مورد وضعیت مالی و عملکرد منتشر کنند. در تهیه و ارائه صورت‌های مالی به استفاده‌کنندگان خارجی، استانداردهای بین‌المللی حسابداری را رعایت کنند و فرآیند مشارکتی بودن بودجه‌بندی را بپذیرند. (آلن و همکاران^۱، ۲۰۲۳)

همچنین در بعد شفافیت شاخص‌هایی مانند چشم انداز، قوانین و مقررات است. وب‌سایت‌ها و رسانه‌های اجتماعی، اقدامات انضباطی نسبت به باشگاه‌ها به دلیل هرگونه تخلف، منصفانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و همگی دارای کد رفتاری برای هدایت رفتار رهبران و کارکنان هستند، اعضای هیئت مدیره، مدیریت و کارکنان همگی به وظایف خود متعهد هستند، انجمن‌های منطقه‌ای به طور موثر وظایف خود را انجام می‌دهند، اطلاعات دقیق و مفید شناسایی و به موقع به اطلاع افراد می‌رسد تا افراد بتوانند مسئولیت‌های خود را انجام دهند و با تمام ذینفعان صادقانه و منصفانه برخورد کنند. در نهایت رویه‌های رسمی برای همه عملیات وجود دارد. خط مشی حاکمیتی از طریق وب‌سایت با ذینفعان به اشتراک گذاشته می‌شود. دارای مقررات داخلی است که به بازیکنان، مربیان، داوران و باشگاه‌ها اجازه می‌دهد علیه یک تحریم تجدیدنظر کنند. (بخش و همکاران^۲، ۲۰۲۳: ۷۱) شناسایی مؤلفه‌های حکمرانی متعالی در حوزه فکری مدیریت دولتی و جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد، اما در حوزه ورزشی شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها و طراحی مدل حکمرانی مطلوب و بومی که بیشترین اثرگذاری را بر رتبه‌بندی و کسب افتخار ورزشی داشته باشد به همراه طراحی مدلی که به بهبود حکمرانی مطلوب کمک کند و متناسب با فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و محیط داخلی کشور برای حکمرانی مطلوب ورزشی باشد، از اهمیت خاصی برخوردار است. براین اساس، این تحقیق به دنبال یافتن ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی مطلوب ورزشی می‌باشد و پرسش اصلی پژوهش این است:

حکمرانی مطلوب ورزشی در کشور ایران دارای چه الگویی می‌باشد؟

روش‌شناسی پژوهش

جدید بودن تحقیق درباره مفهوم حکمرانی مطلوب در ورزش ایران، استفاده از روش تحقیق توسعه‌ای را ضروری می‌نماید. روش‌شناسی این پژوهش ماهیتاً توصیفی و کیفی بود که در مرحله اول به شکل اسنادی و

¹ Allen et al.

² Bakhsh et al.

کتابخانه‌ای به گردآوری شاخص‌ها، ابعاد و معرف‌های در نظر گرفته شده حکمرانی ورزشی در سطوح بین‌المللی و ملی پرداخته شد؛ به این شکل که پس از واکاوی و شناسایی شاخص‌ها و ابعاد یادشده در اجلاس‌ها و مجامع رسمی بین‌المللی، گزارش‌ها، کتب، تحقیقات و مقالات مرتبط خارجی و داخلی و همچنین قوانین و برنامه‌های حکمرانی کشور، اقدام به گردآوری و تشکیل بانک اطلاعات ورزشی (ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها) گردید. در مرحله بعد با علم بر این موضوع که در دستیابی به هدف اصلی این مطالعه، کسب اطلاعات دقیق و طراحی مدل‌های ریاضی و آماری معتبر با محدودیت‌های جدی مواجه خواهد بود، از روش دلفی فازی استفاده شد. سپس با استفاده از روش D-ANP یا همان روش ترکیبی DEMATEL و ANP به ساخت مدل حکمرانی دست یافتیم. گفتنی است که این پژوهش رویکرد پیمایشی دارد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش از دو بخش تشکیل شده است. یک بخش آن مربوط به رویکرد کیفی پژوهش شامل متخصصان و صاحب‌نظران دو رشته مدیریت ورزشی و جامعه‌شناسی بود. بخش دوم برای آزمون مدل حکمرانی مطلوب در وزارتخانه ورزش و جوانان، ادارات کل وابسته به آنها در استان‌ها، روسای فدراسیون‌های ورزشی و روسای هیئت‌های استانی در نظر گرفته شده بود که مشارکت‌کنندگان آن شامل مسئولان ارشد وزارتخانه، خبرگان ادارات کل ورزش و جوانان استانی، روسای فدراسیون‌های ورزشی، روسای هیئت‌های ورزشی، افراد برتر ورزشی، مربیان ملی و سرپرستان تیم‌های ورزشی به تعداد ۵۴۲ نفر بود.

جدول ۱: طبقه‌بندی نسبت جمعیت طیف‌های جامعه مورد نظر

تعداد	جمعیت طیف‌های جامعه
۸۰	مسئولان ارشد وزارتخانه
۱۰۰	خبرگان ادارات کل ورزش و جوانان استانی
۵۳	روسای فدراسیون‌های ورزشی
۵۳	روسای هیئت‌های ورزشی
۱۵۰	افراد معروف ورزشی
۵۷	کارشناسان اداره کل ورزش
۵۰	سرپرستان تیم‌های ورزشی
۵۴۲	تعداد کل طیف‌های جمعیتی

با استفاده از فرمول کوکران، ۲۲۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. با بهره‌گیری از نظر تمامی افراد منتخب به عنوان خبرگان، جمع‌آوری اطلاعات با مراجعه مستقیم به آنها از طریق تکمیل پرسش‌نامه صورت گرفت. خبرگانی که برای شناسایی عوامل نظر دادند دارای ویژگی‌هایی چون حداقل مدرک دکتری تخصصی در یکی از رشته‌های مدیریت ورزشی، مدیریت استراتژیک و مدیریت دولتی، سابقه تدریس و مطالعه و پژوهش قبلی در زمینه های مدیریت توسعه، حکمرانی، حکمرانی ورزشی و مدیریت استراتژیک بودند. برای شناسایی و بررسی رابطه متقابل بین معیارها و ساختن نگاشت روابط شبکه در مدل حکمرانی مطلوب از روش دیمتل استفاده شد. در بخش کمی پژوهش، کلیه طبقه‌بندی‌ها طبق طیف لیکرت و براساس پرسش‌نامه حکمرانی مطلوب، برای سنجش حکمرانی مطلوب صورت گرفت. برای جمع‌آوری داده‌های اولیه و ورود داده‌های پرسش‌نامه از نرم افزار Excel و برای ترسیم مدل تحلیلی (تحلیل مسیر) از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد.

روایی و پایایی آزمون‌ها

در بخش کیفی ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها در قالب پرسش‌نامه دلفی (فازی) طی سه مرحله در اختیار ۲۱ نفر از خبرگان قرار گرفت تا در مورد اعتبار و روایی این اجزا برای مدل حکمرانی مطلوب ورزشی در ایران نظر دهند. برای آزمون روایی اجزا از تکنیک‌های نسبت روایی محتوایی^۱ (CVR) و شاخص روایی محتوایی^۲ (CVI) استفاده گردید. در این تحقیق گویه‌هایی که مقدار شاخص روایی محتوایی آنها کمتر از ۰/۷۹ بودند، حذف گردیدند. همچنین با توجه به اینکه حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVR در این مطالعه، برابر با ۰/۴۲ است، گویه‌هایی که مقدار شاخص روایی محتوایی آنها کمتر از ۰/۴۲ بودند، حذف گردیدند. در بخش کمی، روایی پرسش‌نامه به روش تحلیل اکتشافی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و تحلیل عاملی (تاییدی) با استفاده از نرم‌افزار AMOS مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۲، وضعیت معیار KMO را برای تحلیل سازه‌ای متغیرها نشان می‌دهد:

¹ content validity ratio

² content validity index

جدول ۲: آماره KMO و نتایج آزمون بارتلت برای متغیرها

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	میزان KMO	میزان بارتلت	درجه آزادی	سطح معنی داری	درصد واریانس تبیین شونده
موارد شفافیت و پاسخگویی	۱۲	۰/۸۶	۰/۸۵	۱۱۲۷/۸۰	۶۶	۰/۰۰	۷۱/۰۰
کنترل مالی	۱۲	۰/۸۲	۰/۷۸	۱۲۳۱/۳۷	۷۸	۰/۰۰	۹۳/۵
شایستگی منابع انسانی	۱۱	۰/۸۹	۰/۷۰	۲۰۳۱/۷۰	۵۵	۰/۰۰	۸۲۷/۶
اجرای سیاست و خط‌مشی	۸	۰/۸۴	۰/۸۵	۷۵۳/۸۱	۲۸	۰/۰۰	۷۸/۰۰

در جدول فوق مقدار سطح معنی‌داری آزمون بارتلت کوچکتر از ۰/۰۵ است (۰/۰۰ < ۰/۰۵) که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار و مدل عاملی برای کل متغیرها مناسب است و فرض شناخته‌شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود. همچنین در مورد شاخص KMO با مقادیر ۰/۸۵، ۰/۷۸، ۰/۷۰ و ۰/۸۵ که در ابتدای این جداول آمده است، با توجه به نزدیکی این اعداد به عدد ۱ می‌توان نتیجه گرفت که تعداد نمونه‌ها (پاسخ‌دهندگان) برای تحلیل عاملی کافی می‌باشد. در ادامه تک تک گویه‌های پرسش‌نامه‌ها تحلیل عاملی بررسی و روایی پرسش‌نامه‌های تحقیق تایید گردید. به منظور اندازه‌گیری قابلیت اعتماد، از روش آلفای کرونباخ با نرم‌افزار SPSS استفاده شد. مقدار آزمون آلفای کرونباخ در همه متغیرها نشان‌دهنده اعتبار گویه‌های پرسش‌نامه است.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول: حکمرانی مطلوب ورزشی شامل چه ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌هایی می‌باشد؟

طبق مطالعات انجام‌شده و پیشینه تحقیقاتی توسط دانشمندان زیر تعداد ۱۵ مدل حکمرانی مطلوب ارائه شده است. خلاصه این مدل‌ها وجود ۴ بعد، ۱۵ مولفه و ۴۱ شاخص را نشان می‌دهد. هدف آن است که تمام عوامل حکمرانی مطلوب از ادبیات موجود استخراج شود. از این رو، علاوه بر مطالعه آثار مربوط به حکمرانی مطلوب در بازه زمانی و مکانی مقاله، آثار دیگر هم مطالعه شدند. جدول ۴، خلاصه عوامل موثر در حکمرانی مطلوب را در ورزش نشان می‌دهد:

جدول ۳: جدول عوامل اصلی و شاخص‌های فرعی

شاخص‌های فرعی شفافیت و پاسخگویی	
چشم انداز	(گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران، ۲۰۲۲)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱) (آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران، ۲۰۲۲)، (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (مونوز و همکاران، ۲۰۲۳)، (ماریک، ۲۰۲۳)، (باکشس و همکاران، ۲۰۲۳)، (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶) (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱) (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱) (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱) (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰) (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)
اقدامات انضباطی نسبت به باشگاه‌ها و بازیکنان	
هدایت رفتار رهبران و کارکنان	
ارزش‌های اخلاقی در تمام تصمیمات	
متعهد بودن به وظایف	
اطلاعات دقیق و مفید	
خطوط ارتباطی	

با تمام ذینفعان صادقانه و منصفانه برخورد نمودن	(گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران، ۲۰۲۲)، (آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (مکلئود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)
وجود رویه‌های رسمی برای همه عملیات	(گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (مکلئود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)
اشتراک گذاشته شدن خط‌مشی حاکمیتی از طریق وب	(ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (مکلئود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)
سایت با ذینفعان	(مونوز و همکاران، ۲۰۲۳)، (ماریک، ۲۰۲۳)، (باکشس و همکاران، ۲۰۲۳)، (مکلئود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)
فعالیت‌ها بر اساس برنامه راهبردی مصوب	(آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران، ۲۰۲۲)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)

شاخص‌های فرعی کنترل مالی

کمیته حسابرسی عینی	(آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)
انتشار وضعیت مالی	(گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران، ۲۰۲۲)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (مکلئود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)
عملکرد مستقل و فعال	(گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)

بررسی به موقع گزارش های حسابرسی	(مونوز و همکاران ، ۲۰۲۳)، (ماریک ، ۲۰۲۳)، (باکشس و همکاران، ۲۰۲۳)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران ، ۲۰۲۱)
سیستم کنترل داخلی در بخش های مالی به صورت دوره ای بودجه و هزینه	(آلن و فیصل ، ۲۰۲۳)، (گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران ، ۲۰۲۲)، (اسلم و همکاران ، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت ، ۲۰۲۲)
بررسی ها و ارزیابی فعالیت	(گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)
نظارت دقیق بر کنترل داخلی صورت های مالی و سایر گزارش های حسابرسی با سایر ذینفعان به اشتراک گذاشته می شود	(ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران ، ۲۰۲۱)
برنامه ریزی مالی بلندمدت	(مونوز و همکاران ، ۲۰۲۳)، (ماریک ، ۲۰۲۳)، (باکشس و همکاران، ۲۰۲۳)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران ، ۲۰۲۱)
وجود حسابرسی خارجی	(گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هلیا و همکاران، ۲۰۱۴)
سیگنال اولیه مشکل	(آلن و فیصل ، ۲۰۲۳)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)
رعایت استانداردهای بین المللی حسابداری	(مونوز و همکاران ، ۲۰۲۳)، (ماریک ، ۲۰۲۳)، (باکشس و همکاران، ۲۰۲۳)، (اسلم و همکاران ، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت ، ۲۰۲۲)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران ، ۲۰۲۱)
شاخص های فرعی شایستگی منابع انسانی	
استخدام کارمندان کارمندان	(گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)
مکفی بودن نیروی انسانی	(گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران ، ۲۰۲۲)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران ، ۲۰۲۱)
پایبندی به جذب نیرو به سیاست منابع انسانی	(آلن و فیصل ، ۲۰۲۳)، (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هلیا و همکاران، ۲۰۱۴)

دارای طرح خدمات	(مونوز و همکاران، ۲۰۲۳)، (ماریک، ۲۰۲۳)، (باکشش و همکاران، ۲۰۲۳)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)
داشتن مهارت‌های لازم کارکنان	(آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران، ۲۰۲۲)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)
برخورداري کارکنان از دانش کافی در زمینه مدیریت ورزشی	(گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)
آموزش‌های منظم برای کارکنان	(ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)
با تجربه بودن کارکنان	(ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)
کارکنان به مسئولیت‌های خود متعهد هستند	(مونوز و همکاران، ۲۰۲۳)، (ماریک، ۲۰۲۳)، (باکشش و همکاران، ۲۰۲۳)
رهبران تجربه رهبری خوبی دارند	(آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)
مدیریت دارای مهارت‌ها و دانش مدیریتی پیشرفته می‌باشد.	(گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران، ۲۰۲۲)، (مونوز و همکاران، ۲۰۲۳)، (ماریک، ۲۰۲۳)، (باکشش و همکاران، ۲۰۲۳)

شاخص‌های فرعی اجرای سیاست و خط‌مشی

سیاستی دارد که بر عملیات آن حاکم است	(گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)، (مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)
قادر به اجرای سیاست خود است	(مونوز و همکاران، ۲۰۲۳)، (ماریک، ۲۰۲۳)، (باکشش و همکاران، ۲۰۲۳)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)
تاثیرسیاست بر حکمرانی مطلوب	(گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (ساوفان و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن و همکاران، ۲۰۱۶)

(اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)، (مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)؛

(مکلثود و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)،

(رسولی و همکاران، ۲۰۲۱)

(آلن و فیصل، ۲۰۲۳)، (گیریت و دریسکنس، ۲۰۱۹)،

(هنسفورد و همکاران، ۲۰۲۲)، (گالدینو و همکاران، ۲۰۲۲)،

(می هیلیا و همکاران، ۲۰۱۴)، (اسلم و همکاران، ۲۰۲۳)،

(مورالس و اسچویت، ۲۰۲۲)

اثر سیاست منجر به نتیجه مثبت به خط‌مشی

حاکمیتی را در وب سایت و رسانه‌های

اجتماعی منتشر کرده است

سؤال دوم: رابطه بین اجزای مدل حکمرانی مطلوب ورزشی چگونه است؟

ابعاد، مولف‌ها و شاخص‌های به‌دست آمده از سؤال اول که توسط دانشمندان (آلن و فیصل^۱، ۲۰۲۳)، (گیریت^۲ و دریسکنس، ۲۰۱۹)، (هنسفورد و همکاران^۳، ۲۰۲۲)، (مونوز و همکاران^۴، ۲۰۲۳)، (ماریک^۵، ۲۰۲۳)، (باکشس^۶ و همکاران، ۲۰۲۳)، (گالدینو^۷ و همکاران، ۲۰۲۲)، (می هیلیا^۸ و همکاران، ۲۰۱۴)، (ساوفان^۹ و همکاران، ۲۰۲۳)، (ویراکن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۶)، (مکلثود^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۲)، (بحرینی و همکاران، ۱۴۰۰)، (رسولی و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۱)، (اسلم و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۳) و (مورالس و اسچویت^{۱۴}، ۲۰۲۲) انجام شده بود، در قالب پرسش‌نامه دلفی (فازی) و در سه مرحله در اختیار ۲۱ خبره قرار گرفت تا در مورد اعتبار و روایی این اجزا برای مدل حکمرانی مطلوب ورزشی در ایران نظر دهند- برای آزمون روایی اجزا از تکنیک CVI و CVR استفاده گردید. چنانچه مقدار CVR (شاخص نسبت روایی محتوایی) بیشتر از ۰/۴۲ باشد، مورد تایید و در مورد شاخص CVI (شاخص روایی محتوایی)، حداقل مقدار قابل قبول برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI گویه‌ای کمتر از ۰/۷۹ باشد آن گویه باید حذف شود. بعد از محاسبات و تحلیل‌های CVI و CVR، ۴ بعد، ۱۵ مولفه و ۴۱ شاخص به‌دست آمد. برای تعیین رابطه بین اجزا، از روش دیمتلفازی استفاده شد. گفتنی است که ماتریس حاصله از تکنیک دیمتلف (ماتریس ارتباطات داخلی)، هم رابطه علی و معلولی بین عوامل و هم اثرپذیری و اثرگذاری متغیرها را نمایش می‌دهد. همچنین معیارهای

¹ Mrindoko, A., & Issa, F. H.

² Geereat, A.

³ Hansford, J.; Harrison, A.; Cashin, Aidan G; Bagg, Matthew K; Wewege, Michael A; Ferraro, Michael C; et al.

⁴ Muñoz, Joshua; Solanellas, Francesc; Crespo, Miguel; Kohe, Geoffrey Z.

⁵ Marek Pavlík

⁶ Bakhsh, Jordan T; Taks, Marijke; Parent, Milena M.

⁷ Galdino, Matheus, Lara Lesch, Pamela Wicker

⁸ Mihaela, Iconomescu Teodora; Veronica, Mindrescu; Dana, Badau.

⁹ Safwan, N. S. Z., Ahmad, M. F., Tajri, A. A., Hussain, R. N. J. R., Adnan, M. A., Aznan, E. A. M., Pa, W. A. M. W., & Nadzalan, A. M.

¹⁰ Weerakoon, R.

¹¹ McLeod, Christopher M., Hongxin Li, and Calvin Nite

¹² Rasouli, M., Seyyed Nasrollah, S., Mosaffa, N., & Rasekh, N.

¹³ Islam, Y., Mindia, P. M., Farzana, N., & Qamruzzaman, M.

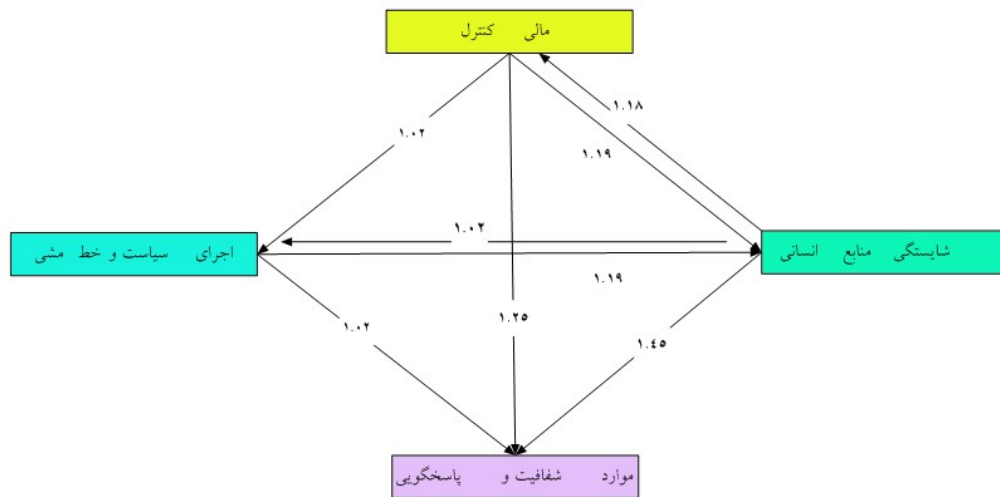
¹⁴ Nelson Morales I and Mathias Schubert

تحقیق با اندیس عددی نامگذاری شده‌اند تا در جریان تحقیق به سادگی قابل ردیابی و مطالعه باشند. همچنین برای دستیابی به ساختار حاکم بر معیارها و شاخص‌ها، ابتدا ماتریس تأثیر مستقیم با استفاده از نظر پنج تن از خبرگان تشکیل شد و پس از آن، از روش DANP برای ساختن ساختار حاکم بر معیارها و شاخص‌ها استفاده گردید. نتایج به شرح جدول ۴ می‌باشد:

جدول ۴: ماتریس ارتباط مستقیم M (تأثیر هریک از مولفه‌ها نسبت به یکدیگر)

نماد	نام مولفه اصلی	A	B	C	D	شاخص جمع روایی محتوایی CVR	شاخص نسبت روایی محتوایی CVI
A	موارد شفافیت و پاسخگویی	۲/۲۰	۱/۰۰	۲/۰۰	۲/۶۰	۷/۸۰	۰/۴۳
B	کنترل مالی	۲/۶۰	۱/۲۰	۳/۴۰	۲/۰۰	۹/۲۲۰	۰/۴۴
C	شایستگی منابع انسانی	۳/۶۰	۳/۰۰	۱/۴۰	۲/۸۰	۱۰/۸۰	۰/۴۳
D	اجرای سیاست و خط‌مشی	۳/۲۰	۱/۸۰	۲/۸۰	۱/۲۰	۸/۰۰	۰/۴۲
	جمع ستون‌ها	۱۰/۶۰	۷/۰۰	۹/۶۰	۸/۶۰		

در نهایت نمودار مختصات دکارتی برون داد دیمتل برای معیارهای اصلی در نمودار ۱ قابل مشاهده است:



نمودار ۱: مدل حکمرانی مطلوب با مولفه‌های اصلی

برای یافتن مدل حکمرانی مطلوب با در نظر گرفتن شاخص‌های مربوط به مولفه‌ها از تکنیک DANP استفاده شد. ابعاد متعلق به هریک از مولفه‌های اصلی به شرح جدول ۵ می‌باشد:

جدول ۵: مولفه‌ها و شاخص‌های مدل حکمرانی مطلوب ورزشی

ابعاد	A موارد شفافیت و پاسخگویی	B کنترل مالی	C شایستگی منابع انسانی	D اجرای سیاست و خط‌مشی
ابعاد	a11 وجود چشم انداز، قوانین و مقررات	b11 گزارش‌های حسابرسی	c11 شیوه‌های استخدام کارمندان	d11 حاکم بودن بر عملیات
	a12 نظم و انضباط در باشگاه‌ها و بازیکنان	b12 سیستم کنترل داخلی	c12 مهارت‌های نیروی انسانی	d12 تاثیر بر حکمرانی
	a11 متعهد بودن	b13 نظارت دقیق بر کنترل داخلی	c13 تجربه رهبری	d13 وجود خط‌مشی‌های حکمرانی
	a12 وجود خط‌مشی حاکمیتی	b14 انتشار وضعیت مالی و عملکرد		

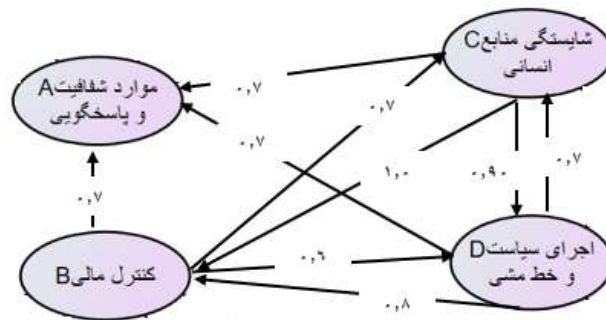
در جدول ۶ نیز جمع عناصر هر سطر (D) نشانگر میزان تاثیرگذاری آن معیار بر دیگر معیارهای مدل است. براین اساس، معیار اجرای سیاست و خط مشی با مقدار ۲/۳۷ از بیشترین تاثیرگذاری برخوردار است. جمع عناصر ستون (R) برای هر عامل نشانگر میزان تاثیرپذیری آن عامل از سایر عامل‌های سیستم است. براین اساس، معیار اجرای سیاست و خط‌مشی از میزان تاثیرپذیری بسیار زیادی برخوردار است. بردار افقی (D+ R)، میزان تاثیر و تاثیر عامل

مورد نظر در سیستم است. به عبارت دیگر، هرچه مقدار $(D + R)$ عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل سیستم دارد. براین اساس، معیار اجرای سیاست و خط‌مشی تعامل را با سایر معیارهای مورد مطالعه دارد. در این دستگاه محور طولی مقادیر $D + R$ و محور عرضی براساس $D - R$ می‌باشد. موقعیت هر عامل با نقطه‌ای به مختصات $(D + R, D - R)$ در دستگاه معین می‌شود؛ به این ترتیب یک نمودار گرافیکی نیز به دست می‌آید. بردار عمودی $(D - R)$ ، قدرت تاثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. بطور کلی اگر $D - R$ مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد، معلول محسوب می‌شود. لذا همه معیارهای مدل (معیارهای اجرای سیاست و خط‌مشی و موارد شفافیت و پاسخگویی کنترل مالی و شایستگی منابع انسانی) یک شاخص مثبت و علی هستند.

جدول ۶: الگوی روابط علی معیارهای اصلی مدل

معیار	D	R	D+R	D-R	معیار	D	R	D+R	D-R
A	۲/۲۹	۱/۴۰۰	۳/۶۱۰	۰/۸۰۹	a11	۱/۵۹	۰/۱۶	۱/۷۵	۰/۴۳
					a12	۱/۲۴	۱/۸۳	۴/۲۶	۰/۶۰
					a13	۲/۵۶	۱/۴۹	۴/۰۵	۱/۰۷
					a14	۲/۲۵	۲/۱۲	۳۷/۳	۰/۱۲
B	۲/۱۹۴	۱/۶۸۹	۳/۸۸۳	۰/۵۸۰۴	b11	۲/۴۴	۱/۸۵	۴/۲۹	۰/۶۰
					b12	۱/۹۵	۱/۰۲	۲/۹۷	۰/۹۳
					b13	۲/۲۶	۱/۴۵	۳/۷۱	۰/۸۰
					b14	۲/۱۳	۲/۴۴	۴/۵۷	۰/۳۲
C	۲/۳۵۳	۱/۶۷۱	۴/۰۵۲	۰/۶۸۲	c11	۲/۳۶	۱/۸۴	۴/۲۲۰	۰/۵۲
					c12	۲/۳۷	۱/۳۷	۳/۷۴	۰/۹۹
					c13	۲/۳۶	۱/۸۰	۴/۱۴	۰/۵۴
					D11	۲/۶۹	۱/۹۳	۴/۶۲	۰/۱۶
D	۲۲/۳۷۹	۱/۸۶۵	۴/۲۴۴	۰/۵۱۵	D12	۲۲/۲۶	۱/۶۱	۳/۸۷	۰/۶۵
					D13	۲/۱۸	۲/۰۵	۴/۲۴	۰/۱۳

در نهایت ماتریس حاصله از تکنیک دیمتل (ماتریس ارتباطات داخلی) هم رابطه علی و معلولی بین عوامل و هم اثرپذیری و اثرگذاری متغیرها را نمایش می‌دهد. لذا مدل نهایی ساختاری به صورت نمودار ۲ می‌باشد:



نمودار ۲: ساختار حاکم بر روابط معیارها

سؤال سوم: مدل حکمرانی مطلوب ورزشی در ایران چگونه است؟

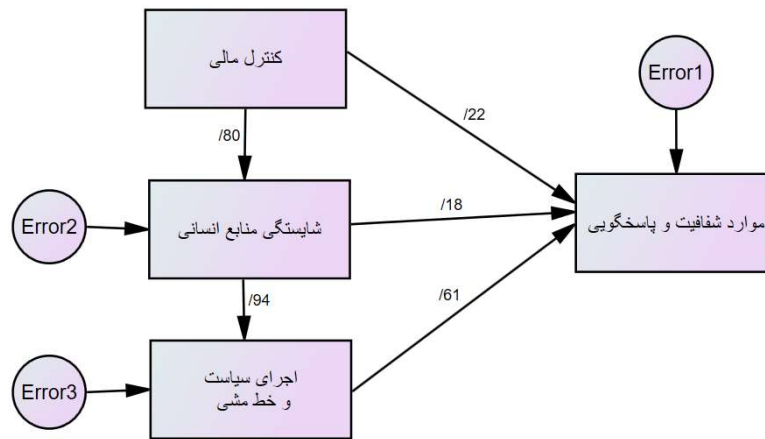
مدل حکمرانی مطلوب به دست آمده در اختیار کارشناسان و خبرگان مدیریت ورزشی قرار گرفت. برای همین منظور پرسش نامه شماره ۴ به کمک اساتید محترم راهنما و مشاور طراحی و به کمک ۷ نفر از اساتید و خبرگان ورزشی ایران تایید گردید. به منظور اندازه گیری قابلیت اعتماد، از روش آلفای کرونباخ با نرم افزار SPSS استفاده گردید. نمودار ۳، مدل برازش شده را نشان می دهد. مدل نمودار مربوط به مدل کل ترسیمی برای چهار متغیر (موارد شفافیت و پاسخگویی، کنترل مالی، شایستگی منابع انسانی و اجرای سیاست و خط مشی) است. مقدار کای اسکور بر روی درجه آزادی χ^2/df برای مدل حاضر $(\chi^2/df=2,63)$ است. همچنین مقدار $RMSEA=0/00$ می باشد که برازش بسیار خوبی است. این مدل نیز در حالت (Standard Solution) قرار دارد. همچنین در قسمت وزن رگرسیونی، نسبت بحرانی (CR) بیانگر مقدار آماره محاسبه شده است که چنانچه سطح خطای ۵ درصد را در نظر بگیریم، مقدار آماره Z در طیف $(-1/96)$ تا $(+1/96)$ است. چنانچه مقادیر CR هر متغیر در این طیف قرار بگیرد، بیانگر تاثیر گذاری آن متغیر بر متغیر وابسته معنادار نیست. ستون P هم احتمال ناشی از این آماره هاست که طبیعتاً چنانچه از سطح خطا کمتر باشد، به مفهوم معنی دار بودن تاثیر گذاری است.

جدول ۷: خلاصه ضرایب مسیر معادلات ساختاری

مسیر (Formative- Reflective)			
مسیر	نسبت C.R	P سطح	معنیداری
کنترل مالی ← شایستگی منابع انسانی	۱۸/۳۰	۰/۰۰	
کنترل مالی ← موارد شفافیت و پاسخگویی	۷/۰۷	۰/۰۰	
شایستگی منابع انسانی ← اجرای سیاست و خط مشی	۳۰/۵۰	۰/۰۰	
شایستگی منابع انسانی ← موارد شفافیت و پاسخگویی	۲/۶۷	۰/۰۰	
اجرای سیاست و خط مشی ← موارد شفافیت و پاسخگویی	۱۰/۸۹	۰/۰۰	

لذا با توجه به مقادیر C.R های به دست آمده در جدول تحلیل مسیر می توان مدل حکمرانی مطلوب ورزشی

در بین سازمان های ورزشی ایران را به شکل زیر طراحی نمود:



نمودار ۳: مدل حکمرانی مطلوب ورزشی (در حالت استاندارد)

بحث و نتیجه گیری

نظام ورزشی در کشور همواره با چالش‌ها و مسائل مختلفی در حوزه حکمرانی، تعامل میان نهادهای متعدد و برآورده ساختن انتظارات کلیه ذینفعان روبه‌رو بوده است. پژوهش حاضر باهدف دستیابی به الگوی مطلوب در حوزه حکمرانی ورزشی به منظور درک بهتر این پدیده و ارائه پیشنهادهای لازم صورت پذیرفت.

بعد شفافیت و پاسخگویی

هر فعالیتی در سازمان که در آن، جایگاه و شرایط شغلی فرد با قدرت، اختیار، مسئولیت، منفعت شخصی و غیره مرتبط باشد، مستعد فساد است و نوعی فعالیت حساس محسوب می‌شود. از این رو، شفافیت یکی از دقیقترین راه حل‌های مبارزه با فساد سازمان یافته اداری است و باعث می‌شود خطاهای اداری کم تر شود و قانون‌مداری بیشتر مورد لحاظ قرار گیرد. این امر سبب افزایش نظارت‌های مردمی بر رفتارها و تصمیم‌های کارگزاران بخش دولتی می‌شود و بدین صورت فرصت ارتکاب فساد محدود و اعمال قانونی مسئولان از لحاظ کیفی نیز به طور مطلوب انجام خواهد شد. این مسئله را ناشی از فساد و اعمال خلاف مدیران و احساس عدم کنترل شهروندان بر سازمان‌ها می‌دانند و بعضی دیگر این عدم اعتماد را به عدم پاسخگویی سازمان‌ها مربوط می‌کنند؛ به این معنا که چون سازمان‌های دولتی نمی‌توانند به مسئولیت اجتماعی خود عمل کنند و به انتظارات شهروندان در این زمینه پاسخ دهند، مورد بدگمانی قرار می‌گیرند. گاهی هم فعالیت سازمان‌ها با ارزش‌ها تطابق ندارد، مثل رفتار تبعیض آمیز که آن هم موجب سلب اطمینان مردم می‌شود. در هر حال برای جلب اعتماد شهروندان و ایجاد سرمایه اجتماعی و ارزش افزوده اجتماعی، لازم است که سازمان در مقابل شهروندان پاسخگو باشد و درعین حال به انتظارات و خواسته‌های آنها توجه کند. (معمارزاده طهران، ۱۴۰۰). پاسخگویی به وسیله قانون‌گذاری دولتی پایه‌ریزی شده و عبارت است از: وظایف رسمی افراد دولتی برای پاسخ دادن در مورد اعمالشان به وزیران، مجلس و دادگاه‌ها. هدف پاسخگویی به معنای عام آن همان

تصمیم، وجود چشم انداز، قوانین و مقررات، نظم و انضباط در باشگاه‌ها و بازیکنان، متعهد بودن، وجود خط‌مشی حاکمیتی، اقدام‌های مجریان و کارگزاران می‌باشد. «چگونگی» و «چرایی» اطلاع شهروندان از صاحب‌نظران پاسخگویی سه هدف عمده دارد: پاسخگویی به عنوان ابزار کنترل دولت، تضمین استفاده صحیح از منابع عمومی و ابزاری برای بهبود خدمات دولتی. مزیت اصلی شفافیت، خطوط ارتباطی، با تمام ذینفعان صادقانه و منصفانه برخورد نمودن، وجود رویه‌های رسمی برای همه عملیات‌ها، به اشتراک گذاشته شدن خط‌مشی حاکمیتی از طریق وب‌سایت با ذینفعان، مقررات داخلی، فعالیت‌ها بر اساس برنامه راهبردی مصوب، کاهش عدم‌تقارن اطلاعاتی بین بدنه حاکم بر ورزش و ذینفعان آن است- به طوری که فرصت کمتری برای پنهان کردن رفتار نامطلوب به وجود می‌آورد (مک کابینز و شوارتز، ۱۹۸۴) سیستم‌های یکپارچه به چهار نوع پاسخگویی نیاز دارند: مسئولیت‌پذیری عمودی، پاسخگویی افقی، مسئولیت‌پذیری متقابل و پاسخگویی اجتماعی. پاسخگویی عمودی مشابه اصل دموکراتیک برگزاری انتخابات منظم، آزاد، عادلانه و شفاف است (دی مارکو ۲۰۱۹). پاسخگویی عمودی به تنهایی برای پاسخگویی ناکافی تلقی می‌شود. پوپ (۲۰۰۸: ۱۹) استدلال کرد که مقامات از انتخاب مجدد توسط جامعه ناراضی «از طریق ترکیبی از رازداری (به طوری که رای‌دهندگان از آنچه در حال وقوع است، بی اطلاع باشند) و ایجاد سیستم‌های حمایتی» و همچنین «افراط در اقدامات پوپولیستی کوتاه‌مدت که ممکن است در درازمدت به ضرر عموم باشد». پاسخگویی افقی نشان‌دهنده تفکیک قواست و نهادهای رسمی را در بر می‌گیرد که دارای اختیار انجام کنترل و تعادل هستند (رودیمارلین اوردرتا، ۲۰۲۱) در تحقیق حاضر نیز از مبانی و تئوری‌های بالا استفاده شده است. شفافیت، از شاخص‌های چشم انداز، قوانین و مقررات، اقدامات انضباطی نسبت به باشگاه‌ها و بازیکنان، هدایت رفتار رهبران و کارکنان، ارزش‌های اخلاقی در تمام تصمیمات، متعهد بودن به وظایف، انجمن‌های منطقه‌ای، دقیق و مفید بودن اطلاعات، خطوط ارتباطی، با تمام ذینفعان صادقانه و منصفانه برخورد نمودن، وجود رویه‌های رسمی برای همه عملیات، به اشتراک گذاشته شدن خط‌مشی حاکمیتی از طریق وب‌سایت با ذینفعان، مقررات داخلی و در نهایت فعالیت‌ها بر اساس برنامه راهبردی مصوب در ورزش کشور تشکیل شده است. موارد شفافیت و پاسخگویی در نظر خبرگان با توجه به مدل به‌دست آمده بر سه عامل دیگر یعنی کنترل مالی، شاخص‌های منابع انسانی و سیاست و خط‌مشی دولتی تاثیر نمی‌گذارد، اما از این عوامل تاثیر می‌پذیرد. از عامل کنترل مالی به اندازه ۷۱ درصد و شایستگی منابع انسانی به اندازه ۷۷ درصد و سیاست و خط‌مشی‌ها به اندازه ۸۴ درصد تاثیر می‌پذیرد. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش گرارت و دریسکنس (۲۰۱۹)، هنسفورد و همکاران (۲۰۲۲)، ساوفان و همکاران (۲۰۲۳)، ویراکن و همکاران (۲۰۱۶)، آلن و فیصل (۲۰۲۳)، گالدینو و همکاران (۲۰۲۲)، می هیلیا و همکاران (۲۰۱۴)، مک‌کلود و همکاران (۲۰۲۲)، بحرینی و همکاران (۱۴۰۰) و رسولی و همکاران (۲۰۲۱) همراستا و همسو بوده است.

بعد کنترل مالی

موضوع نظارت مالی همواره در مدیریت، حسابداری و اقتصاد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و استقرار نظام‌های کارآمد نظارتی مالی از اهداف اولیه و عمده مدیران در هر بخش به شمار می‌آمده است. با تحولاتی که امروزه در شرایط درونی و بیرونی سازمان‌ها ایجاد شده، مسئله کنترل سیستماتیک مالی در سازمان‌های دولتی و خصوصی و نیز خصولتی دستخوش تغییر گردیده است و اگر بخواهیم نظام نظارتی مالی اثربخشی را سازمان‌دهی کنیم، باید ملاحظه خاصی را در نظر داشته باشیم. به منظور حصول حکمرانی خوب منسجم و قابل اعتماد در فدراسیون‌های ورزشی، نیاز به یک چارچوب کنترل مالی به خوبی تعریف شده وجود دارد که نحوه اجرای سیستم‌های مدیریت مالی را کنترل کند. (میراندو و ایسا، ۲۰۲۳).

سیستم‌های مدیریت مالی دولت، بخشی از مجموعه وسیع‌تر فرآیندهای سیاست‌گذاری ملی هستند که با تولید نقشه‌ها و رهنمودها، تخصیص منابع دولتی را جهت‌دهی می‌کنند. این اثرپذیری‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است و این امر مدیریت مالی دولت را به موضوعی اختصاصی برای هر کشور تبدیل می‌کند. با وجود تفاوت‌های ناشی از ویژگی‌های خاص هر کشور، برخی از فرآیندهای نظام مدیریت مالی دولت در بسیاری از کشورها یکسان است. با وجود این، دو موضوع مهم نشان می‌دهد که در واقعیت شرایط پیچیده‌تر است. چرخه‌های بودجه‌ای متعدد به طور همزمان رخ می‌دهد. درحالی که فرآیندهای مدیریت منابع سال مالی جدید در حال اجراست، فرآیندهای نظارت خارجی و پاسخگویی سال گذشته نیز انجام می‌شود. در همین زمان بودجه‌ریزی راهبردی برای سال‌های آتی نیز آغاز شده است.

برای حکمرانی مطلوب مالی در سازمان‌های دولتی، کنترل‌های مالی باید به منظور حصول اطمینان از موارد زیر طراحی و اعمال شود: حفاظت وجوه و اموال متعلق به سازمان دولتی در مقابل سرقت، مفقود شدن، خسارت، اختلاس و استفاده نامطلوب؛ قابل استناد و اعتماد بودن اطلاعات مندرج در اسناد و مدارک مالی و اینکه آن اطلاعات سیاست دقیق و صحیحی برای تصمیم‌گیری‌های مالی ایجاد می‌نماید؛ اتخاذ تصمیمات مالی بعد از بررسی‌ها و مطالعات کافی و دور از تمایلات و تعصبات شخصی و گروهی؛ انجام شدن اقدامات سریع و به موقع جهت اجرای برنامه‌های مصوب و تصمیمات متخذه؛ کنترل سیستماتیک هر ثبت یا فعالیت مالی از طریق بررسی آن به وسیله فرد با افرادی غیر از انجام‌دهنده آن و کمیته حسابرسی عینی، مستقل و فعال و بررسی به موقع گزارش‌های حسابرسی، سیستم کنترل داخلی در بخش‌های مالی به صورت دوره‌ای؛ تبعیت از قوانین و مقررات مالی و بودجه‌ای و اصول و روش‌های متداول حسابداری دولت در انجام و ثبت فعالیت‌های مالی مربوط به وصول درآمدها، واریز درآمدها به حساب‌های بانکی مخصوص و انجام هزینه‌ها از محل اعتبارات مصوب. در بسیاری از کشورهایی که در امر ورزش پیشرو هستند،

سرمایه‌گذاری در ورزش توسط بخش خصوصی انجام می‌گیرد. همه دولت‌ها تلاش می‌کنند به جای شیوه‌هایی مانند باشگاه‌داری با وضع قوانین و تسهیلات تشویقی، شرایط حضور بخش خصوصی در ورزش را فراهم کنند. همچنین در حوزه توسعه زیرساخت‌های پشتیبانی ورزشی نیز نقش محوری بازی می‌کنند. اما در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، دولت حمایت‌کننده و پشتیبان اصلی فعالیت‌های ورزشی است. وابستگی بیش از اندازه ورزش در کشورهای درحال توسعه به اموال، تجهیزات و... دولتی باعث شده است نه تنها سطح مشارکت افراد جامعه در ورزش پایین بیاید، بلکه مشارکت بخش خصوصی نیز به حداقل میزان خود برسد. در این تحقیق کنترل مالی از شاخص‌های گزارش‌های حسابرسی، سیستم کنترل داخلی، نظارت دقیق بر کنترل داخلی و انتشار وضعیت مالی و عملکرد تشکیل شده است که این بعد از متغیرهای کمیته حسابرسی عینی، مستقل و فعال، بررسی به موقع گزارش‌های حسابرسی، سیستم کنترل داخلی در بخش‌های مالی به صورت دوره‌ای بودجه و هزینه، فرآیندهای مستقل، بررسی‌ها و ارزیابی فعالیت، نظارت دقیق بر کنترل داخلی صورت‌های مالی، سایر گزارش‌های حسابرسی با سایر ذینفعان به اشتراک گذاشته می‌شود، برنامه‌ریزی مالی بلندمدت، وجود حسابرسی خارجی، سیگنال اولیه مشکل، انتشار وضعیت مالی و عملکرد، رعایت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و انجام مشارکتی فرآیند بودجه‌بندی تشکیل شده است. در مدل حکمرانی مطلوب ورزشی به دست آمده، کنترل مالی به اندازه ۶۵ درصد بر اجرای سیاست و خط‌مشی و به اندازه ۷۴ درصد بر شایستگی منابع انسانی و در نهایت ۷۱ درصد بر موارد شفافیت و پاسخگویی تاثیر می‌گذارد. همچنین از عامل شایستگی منابع انسانی به اندازه ۱۰۰ درصد و از عامل اجرای سیاست و خط‌مشی به میزان ۸۴ درصد تاثیر می‌پذیرد. نتایج این پژوهش با یافته‌های تحقیق آلن و فیصل (۲۰۲۳)، گالدینو و همکاران (۲۰۲۲)، می‌هلیا و همکاران (۲۰۱۴)، ساوفان و همکاران (۲۰۲۳)، ویراکن و همکاران (۲۰۱۶)، گیریت و دریسکنس (۲۰۱۹)، هنسفورد و همکاران (۲۰۲۲)، ساوفان و همکاران (۲۰۲۳)، مک‌لنود و همکاران (۲۰۲۲)، بحرینی و همکاران (۱۴۰۰) و رسولی و همکاران (۲۰۲۱) همراستا و همسو بوده است.

بعد شایستگی منابع انسانی

در مورد منابع انسانی و حوزه مربوط به مدیریت منابع انسانی تئوری‌های زیادی وجود دارد. نیروی انسانی مهمترین سرمایه در ساختار یک باشگاه ورزشی است. یک باشگاه ورزشی بدون نیروی انسانی متخصص در پست‌های مختلف و بدون آموزش‌های لازم برای مدیریت کارآمد نمی‌تواند وجود داشته باشد. هر باشگاه ورزشی، صرف نظر از شکل سازمانی آن دارای تعداد معینی موقعیت برای سطوح مختلف سلسله مراتبی است. هر چه سطح سلسله مراتبی بالاتر باشد، وظایف سخت‌تر و به همان میزان، نیازمندی‌های آموزشی برای نیروی انسانی است. بنابراین منابع انسانی هم برای مدیریت یک باشگاه ورزشی و هم برای دستیابی به عملکرد در فعالیت ورزشی بسیار مهم است. نیروی انسانی اصلی که در دستیابی به مدیریت عملکرد مسئولیت دارد، تیمی متشکل از مدیر، مربیان و دستیار تیم است. این

تیم می‌تواند شامل مربیان، سایر پست‌های مربیگری (بسته به نوع ورزش)، روان‌شناس، پزشک، فیزیوتراپ و متخصص کامپیوتر باشد. بنابراین توسعه کارکنان، دستیابی به اهداف و نحوه پاداش کارکنان به یک اندازه برای رفاه کل سازمان ورزشی مهم است. اهمیت مدیریت منابع انسانی نیز به وسیله مجموعه کارکردها و فرآیندهای مرتبط با یکدیگر که هدف آنها جذب، اجتماعی کردن، انگیزش و حفظ کارکنان در یک سازمان است، داده می‌شود. این جنبه به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها در یک سازمان در نظر گرفته می‌شود که نتایج آن به مرور زمان به طور فزاینده‌ای قابل مشاهده است. (هویه و همکاران^۱، ۲۰۲۰)

علاوه بر کارکردها و فرآیندهایی که مدیریت منابع انسانی بر آنها تمرکز دارد، تصمیمات مدیریتی از سخت‌ترین تصمیمات هستند، زیرا عوامل فردی، سازمانی و موقعیتی را به هم مرتبط می‌کنند که تأثیر زیادی دارند و در آن تصمیمات گنجانده می‌شوند و در عین حال، آنها باید الزامات مختلفی را برآورده کنند که به نوبه خود ممکن است در زمان متفاوت باشد. بسته به تغییرات عوامل یادشده در بالا منابع انسانی در هر سازمانی به همراه منابع مالی، مادی و اطلاعاتی از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا با توجه به منابع انسانی می‌توان به اهداف و اهداف سازمان دست یافت و در نتیجه سازمان را توسعه بخشید و کسب سود کرد. در بخش منابع انسانی، مهمترین فردی که کل فرآیند مدیریت به آن تکیه می‌کند، مدیر (مدیر، رئیس و غیره) است. شغل یک مدیر مستلزم کارکردهای خاصی است مانند مدیریت، سازماندهی، تصمیم‌گیری، کارکنان، رهبری، توضیح، هماهنگی، تأثیرگذاری، یکپارچه‌سازی، طبقه‌بندی، تأیید و توسعه. در ورزش. مدیران می‌توانند هم به عنوان رهبران سازمان‌های ورزشی و هم به عنوان سرپرست بخش‌ها یا تیم‌های مختلف عمل کنند. آنها در رده دوم مدیریت (مدیریت میانی) قرار می‌گیرند که مدیریت برای آنها اهمیت بیشتری دارد. در دستیابی به یک عملکرد تیمی یا ورزشی، مهمترین فرد مدیر تیم یا ورزشکار است، زیرا او تیم کارشناسان را پشت سر تیم ورزشی یا ورزشکار هماهنگ می‌کند. وظیفه مدیر همراه با مربیان تیم، مربی فیزیکی، فیزیوتراپیست، پزشک، متخصص فناوری اطلاعات و روان‌شناس، هماهنگی و هدایت به عملکرد است (تریویدی و تریواستاوا^۲، ۲۰۲۱). مدیر ورزشی باید آموزش‌های خاص مورد نیاز عملکرد ورزشی را داشته باشد، زیرا بدون این نوع دانش یک مدیر ورزشی نمی‌تواند نیازها و نیازهای سایر اعضای تیم را درک کند. یک تیم با عملکرد بالا را نمی‌توان در سطح رقابتی بالا ساخت، آموزش داد و حفظ کرد مگر اینکه تمام زمینه‌های مدیریتی لازم فراهم شود: آموزش‌های ارائه‌شده توسط تکنسین‌های مجرب، منابع مالی، مادی و انسانی و اطلاعاتی، خدمات اداری، خدمات پزشکی-روانی، تحقیقات، توسعه، روابط عمومی و بازاریابی، همه با هدف انرژی بخشیدن به تیم و شرکت موفق آن در مسابقات بزرگ مدیریت ورزش مستلزم تعهد جدی و مقدار زیادی انرژی است؛ اما اگر همه افراد در سازمان

¹ Hoye, R., Cuskelly, G., Auld, C., Kappelides, P., & Misener, K.

² Trivedi, K., & Srivastava, K. B. L.

مشارکت داشته باشند، می‌واند بسیار مفید باشد. مدیریت افراد در سازمان‌های ورزشی یک چالش برای سازمان در شرایط فعلی تغییرات مداوم فناوریانه، دانش نیروی کار، انتظارات، قوانین استخدامی و افزایش تاثیر رقابت جهانی است. در سازمان‌های ورزشی حرفه‌ای مدیریت منابع انسانی به دلیل پیامدهایش بر تعهد و حفظ کارکنان در تمام سطوح ساختار، کارمندیابی به رویکردی راهبردی‌تر با تمرکز بر سرمایه‌گذاری در توسعه و رفاه همه‌جانبه کارکنان در حال تغییر است. جذب استخدام و حفظ افراد مستعدتر وظیفه دشوارتری است. بنابراین، ارائه مزایایی مانند کار منعطف یا از راه دور، بسته‌های مزایای همه‌جانبه فراوان و برنامه‌های سلامتی کارکنان یا پرداخت مخارج راهبردهای جامع منابع انسانی¹ هستند که می‌توانند به حفظ نیروی کار قدرتمند کمک کنند. به‌ویژه در صنعت ورزش، برنامه‌های رفاه و توسعه بازیکنان که برای تولید شهروندانی مسئولیت‌پذیر از نظر اجتماعی، اخلاقی و معنوی طراحی شده‌اند، نه تنها به نفع ورزشکاران است، بلکه یک راهبرد آگاهانه منابع انسانی برای ایجاد روابط عمومی بهتر و خدمات حامیان مالی است. ورزشکارانی که رفتارهای سالمی دارند و نقش مثبت الگودهی از خود نشان می‌دهند، می‌توانند شهرت تیم‌های ورزشی حرفه‌ای را افزایش دهند و این به معنای سودآوری بیشتر تیم‌ها (فرانشایزها) خواهد بود. در مقابل، از کارفرمایان انتظار می‌رود که روی خوب بودن شخصی کارکنان خود سرمایه‌گذاری کنند و یک بستر مسئولیت اجتماعی شرکتی معنادار اتخاذ کنند که با علایق و ارزش‌های سازمان و کارکنان آن همسو باشد. سازمان‌های موفق، برنامه‌ریزی منابع انسانی را در برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت خود تلفیق می‌کنند. به عنوان راهی برای پیش‌بینی اینکه چگونه سرمایه انسانی می‌تواند به جهت‌گیری و اهداف آینده مطلوب سازمان کمک کند. این برنامه میزان رشد ادراک شده بازارهای هدف جدید محصولات و خدمات را در نظر می‌گیرد. بنابراین برنامه‌ریزی منابع انسانی باید با اهداف سازمانی مطابقت داشته باشد تا بتواند برنامه را عملیاتی سازد. در برخی موارد این موضوع ممکن است به سازمان‌هایی نیاز داشته باشد که مشاغل کاملاً جدیدی را برای سازگاری با رشد تغییر یا سرمایه‌گذاری‌های جدید در سازمان ایجاد کنند. تنوع در سازمان‌های ورزشی به دلایل مختلفی مهم است. مهم‌تر از همه اینکه همه سزاوار آزادی کار در محیطی عاری از تبعیض، تجربه رفاه و انسانیت کامل هستند. همچنین تحقیقات نشان داده است که مزایای بسیاری برای سازمان‌های دارای نیروی کار متنوع وجود دارد در واقع تنوع در محیط کار نیروی کار خلاق‌تر و نوآورتر را پرورش می‌دهد و برای ایجاد یک اقتصاد رقابتی در دنیای جهانی‌شده ضروری است. شایستگی منابع انسانی از شاخص‌های شیوه‌های استخدام کارمندان، مهارت‌های نیروی انسانی و تجربه رهبری تشکیل شده است. لذا متغیرهایی که این مولفه را تشکیل دادند عبارت است از: استخدام کارمندان، مکفی بودن نیروی انسانی، پایداری به جذب نیرو بنا به سیاست منابع انسانی، دارای طرح خدمات، کارکنان مهارت‌های لازم را دارند، کارکنان از دانش کافی در زمینه مدیریت ورزشی برخوردارند، آموزش‌های منظم برای کارکنان، با تجربه بودن کارکنان، کارکنان به مسئولیت‌های خود

¹ Comprehensive strategies of human resources

متعهد هستند، رهبران تجربه رهبری خوبی دارند، مدیریت دارای مهارت‌ها و دانش مدیریتی پیشرفته می‌باشد. نتایج تحقیق برای مدل مطلوب ورزشی نشان می‌دهد شایستگی منابع انسانی به اندازه ۷۷ درصد بر موارد شفافیت و پاسخگویی و به اندازه ۹۰ درصد بر اجرای سیاست و خط‌مشی و به اندازه ۱۰۰ بر کنترل مالی تأثیر دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که از مولفه کنترل مالی به اندازه ۷۴ درصد و از مولفه اجرای سیاست و خط‌مشی به اندازه ۷۸ درصد تأثیر می‌پذیرد. یافته‌های این تحقیق با نتایج پژوهش‌ساوفان و همکاران (۲۰۲۳)، ویراکن و همکاران (۲۰۱۶)، اسلم و همکاران (۲۰۲۳)، مورالس و اسچویت (۲۰۲۲)؛ مونوز و همکاران (۲۰۲۳)، ماریک (۲۰۲۳)، باکشس و همکاران (۲۰۲۳)، آلن و فیصل (۲۰۲۳)، گیریت و دریسکنس (۲۰۱۹) و هنسفورد و همکاران (۲۰۲۲) همراستا و همسو بوده است.

بعد اجرای سیاست و خط‌مشی

این رکن از حکمرانی امروزه در همه سطوح حکمرانی به‌خصوص مدیریت دولتی دارای اهمیت است. در عصر حاضر در تعیین خط‌مشی‌های عمومی اغلب شیوه‌های عقلایی تصمیم‌گیری به کار گرفته می‌شود. خط‌مشی گذار، با توجه به شرایط و امکانات با ترازوی عقل و منطق در عرصه سیاست به تصمیم‌گیری عقلایی و انتخاب و ارائه بهترین راه حل در قالب خط‌مشی عمومی می‌پردازد. ضرورت به‌کارگیری شیوه‌های عقلایی در تعیین خط‌مشی‌های عمومی بیشتر بدان علت است که مردم و جامعه از مراجع حکومتی انتظار دارند که منطقی عمل کنند و منابع را به‌درستی مورد بهره‌برداری قرار دهند. آنها انتظار دارند دستگاه دولت، بهترین شیوه‌ها را برای رسیدن به اهداف نهایی جامعه برگزیند. سازمان‌ها زمانی که بر اساس برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های علمی عمل می‌کنند، در واقع بر تعقل‌گرایی تأکید دارند، زیرا به‌وسیله برنامه‌ریزی به پیش‌بینی آینده پرداخته، طرق رسیدن به هدف را ارزیابی می‌کنند و بهترین روش‌های نیل به مقصود را بر می‌گزینند. همانگونه که ملاحظه می‌شود این روش خود فرایندی منطقی و عقلایی است و وسیله‌ای برای استفاده کامل از منابع موجود به شمار می‌آید. البته در راه تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی عمومی به طریق عقلایی، موانع و محدودیت‌هایی نیز وجود دارد، اما وجود این تنگناها و محدودیت‌ها نمی‌تواند مانع از دستیابی به بهترین و مطلوبترین راه‌ها گردد- بلکه همواره این اصل مهم مطرح است که خط‌مشی‌هایی انتخاب شوند که با اصول علمی و منطقی سازگار باشند. وجود کمیته‌ها و کمیسیون‌های مختلف تخصصی در کنار مجامع خط‌مشی‌گذاری، نشان‌دهنده لزوم بررسی‌های علمی و تخصصی در خط‌مشی‌گذاری عمومی است. وظیفه این کمیته‌ها و کمیسیون‌های تخصصی است که از دیدگاه علمی و به کمک نظریه‌ها و مدل‌های عقلایی، مسائل و موضوعاتی را که باید برای آنها راه حل‌هایی جستجو شود، بررسی و نتایج را در اختیار مقامات خط‌مشی‌گذار قرار دهند. (الوانی و شریف‌زاده، ۱۴۰۰)

به نظر یکی از صاحب‌نظران، خط‌مشی‌گذار باید با نظرخواهی از افراد، سازمان‌ها و گروه‌هایی که به نحوی تحت تأثیر مشکل قرار دارند و همچنین با تحقیق از طرق دیگر مشکل اصلی را تشخیص دهد. پس از این مرحله باید قلمرو و محدوده مشکل و کسانی که مشکل بر آنها مستقیماً اثر می‌گذارد، مشخص گردد تا مشکل با دقت بیشتری شناسایی شود. اهمیت و حساسیت مشکل از نظر ارزش‌ها و سنت‌های حاکم بر جامعه نیز بر انتقال و مطرح‌شدن آن تأثیر دارد. ارزش‌ها می‌توانند به مشکل حساسیت بخشیده، آن را به‌صورت مسئله‌ای حاد مطرح کنند و توجه خط‌مشی‌گذاران را به طرف آن جلب نمایند و یا برعکس ممکن است ارزش‌ها موجب شوند مشکلی نادیده گرفته شود و مطرح نگردد. عوامل فوق و عوامل بسیار دیگری در انعکاس و انتقال مشکل به خط‌مشی‌گذاران مؤثر واقع می‌گردد و اهمیت عوامل منتقل‌کننده مشکل زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم اگر مشکلی به نظر خط‌مشی‌گذار نرسد و یا درست به وی منتقل نگردد، مستقیماً بر خط‌مشی‌گذاری اثر می‌گذارد. در فرآیند عقلایی خط‌مشی‌گذاری، کوشش بر آن است که در مرحله تشخیص مشکل تمامی مجاری و کانال‌های دریافت مشکل شناسایی شود و مورد استفاده قرار گیرد؛ به‌طوری که تا حد امکان تمامی مشکلات مهم کشف گردند و هیچ مشکلی، نادیده گرفته نشود. در تحقیق حاضر مولفه اجرای سیاست و خط‌مشی از شاخص‌های حاکم بودن بر عملیات، تأثیر بر حکمرانی و وجود خط‌مشی‌های حکمرانی تشکیل شده است که متغیرهای آن عبارت‌اند از: سازمان ورزشی سیاستی دارد که بر عملیات آن حاکم است، قادر به اجرای سیاست خود است و اثرسیاست بر حکمرانی و در نهایت اثر سیاست منجر به نتیجه مثبت به خط‌مشی حاکمیتی منتشر می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اجرای سیاست و خط‌مشی به اندازه ۷۸ درصد بر شایستگی منابع انسانی، ۸۴ درصد بر کنترل مالی و ۷۳ درصد بر موارد شفافیت و پاسخگویی تأثیر می‌گذارد. همچنین به میزان ۹۰ درصد از شایستگی منابع انسانی و ۶۵ درصد از کنترل مالی تأثیر می‌پذیرد. نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش گالدینو و همکاران (۲۰۲۲)، می‌هیلیا و همکاران (۲۰۱۴)، ساوفان و همکاران (۲۰۲۳)، ویراکن و همکاران (۲۰۱۶)، اسلم و همکاران (۲۰۲۳)، مورالس و اسپویت (۲۰۲۲)، مک‌لثود و همکاران (۲۰۲۲)، بحرینی و همکاران (۱۴۰۰) و رسولی و همکاران (۲۰۲۱)، همراستا و هم سو بوده است.

پیشنهادهای کلی

پیشنهادهای کلی

به مدیران ارشد کلیه دستگاه‌های ورزشی، نهادها و باشگاه‌ها و مدیران دستگاه‌های اجرایی مستقر در استان‌ها که در امر ورزش فعالیت دارند، پیشنهاد می‌شود در جهت حکمرانی مطلوب با ابعاد اجرای سیاست و خط‌مشی، کنترل مالی، شایستگی منابع انسانی و موارد شفافیت و پاسخگویی گام بردارند. حکمرانی مطلوب به یک چارچوب هنجاری اشاره دارد که امکان قضاوت در مورد ساختارها، فرآیندها و یا محتوا و نتایج سیاست را فراهم می‌کند. پیشوند واجد شرایط «خوب» در واقع نشان می‌دهد که چارچوب‌های حکمرانی خوب هم به‌عنوان معیاری برای ارزیابی حکومت و هم به‌عنوان استاندارد تجویزی برای

حکمرانی استفاده می‌شوند. با این حال، از آنجایی که حکمرانی می‌تواند به بسیاری از عناصر مختلف حکومت منظم اشاره داشته باشد، حکمرانی خوب نیز می‌تواند. تدوین‌های حکمرانی خوب در واقع از سنت‌های مختلف دانشگاهی و بخش‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. اگرچه تفکر هنجاری در مورد حکمرانی به چندین قرن پیش برمی‌گردد، کدگذاری‌های معاصر با عنوان «حاکمیت شرکتی» در بخش شرکت‌ها پدیدار شدند؛ جایی که در پی شکست‌های شرکتی، بیش‌های اقتصاد خرد طرح‌های مؤسسه‌ای را که در ابتدا بودند، نشان داد. استانداردهای حکمرانی خوب از آن زمان برای طیف وسیعی از سیاست‌ها و سازمان‌هایی که در سطوح بین‌المللی، ملی و محلی و در بخش‌های مختلف فعالیت می‌کنند، توسعه یافته است. آنها معمولاً ریشه در اصول انتزاعی مانند مسئولیت‌پذیری، شفافیت، اثربخشی، کارایی و رفتار اخلاقی دارند. به‌ویژه در چارچوب حاکمیت عمومی و سازمان‌های مبتنی بر اعضا، آنها اصول حکمرانی دموکراتیک مانند مشارکت، مشورت، انتخابات آزاد و رقابتی و برابری و تنوع را شامل می‌شوند. به مدیران پیشنهاد می‌شود شرایط و ویژگی‌های حکمرانی در ورزش را شناسایی کنند، تشخیص دهند و برای آن برنامه‌ریزی نمایند. ایستارهای کهنه و منسوخ از دلایل مهم و اساسی است که حکمرانی ورزشی در هر حوزه‌ای را متوقف می‌سازد و حکمرانی خوب «تأمین رفاه عمومی و ارتقای کیفیت ورزش» است. این مؤلفه به قدری حساسیت دارد که اولویت خاصی را در نظام جهانی (و حتی از بُعد سیاست خارجی کشورها) به عنوان «منافع ملی» احراز کرده است.

بعد شفافیت و پاسخگویی

با توجه به نتایج پژوهش به مدیران ارشد پیشنهاد می‌شود:

در محل ارگان ورزش برای سازمان و حوزه ورزشی چشم انداز طراحی کنند. اقدامات انضباطی نسبت به باشگاه‌ها و بازیکنان فراهم نمایند. برای کلیه نیروی انسانی، برنامه‌های هدایت کارکنان وجود داشته باشد و رفتار رهبران را به‌روزرسانی کنند. رعایت ارزش‌های اخلاقی در تمام تصمیمات متخذه توسط مدیران ارتقا یابد. کلیه افراد سازمان محل خدمت به وظایف متعهد باشند. کلیه اطلاعات در دسترس افراد سازمان و محل خدمت دقیق و مفید شوند. در سازمان خطوط ارتباطی شفاف وجود داشته باشد. با تمام ذینفعان صادقانه و منصفانه برخورد شود. رویه‌های رسمی برای همه عملیات و فرایندهای سازمانی در محل خدمت وجود داشته باشد. خط‌مشی حاکمیتی از طریق وب به اشتراک گذاشته شود. برای شفافیت و پاسخگویی عملکرد و نتایج عملکرد سازمانی در سازمان سایت اینترنتی وجود داشته باشد. بر اساس برنامه راهبردی مصوب در سازمان که معمولاً اوایل سال تدوین می‌شود، فعالیت‌های مرتبط تعیین شوند.

بعد کنترل مالی

با توجه به نتایج به دست آمده به مدیران ارشد پیشنهاد می‌شود:

کمیته حسابرسی عینی برای بررسی کلیه فرایندهای مالی اداری و نظارت بر امور مالی وجود داشته باشد. وضعیت مالی سازمان به‌طور سالیانه در روزنامه‌ها، جراید و سایت‌های رسمی انتشار یابد. حساب‌رسان و ذیحسابان مستقر در موسسه ورزشی عملکرد مستقل و فعال داشته باشد. گزارش‌های حسابرسی توسط حساب‌رسان به‌طور دائم بررسی گردد و به‌موقع در دسترس باشد. سیستم کنترل داخلی در بخش‌های مالی به صورت دوره‌ای بودجه و هزینه انعکاس یابد. کلیه رویدادهای مالی از مراحل خرید تا صدور چک توسط کارشناس مالی بررسی گردد و فعالیت‌ها ارزیابی باشد. نظارت دقیق بر کنترل داخلی صورت‌های مالی در سازمان وجود داشته باشد. سایر گزارش‌های حسابرسی با سایر ذینفعان به اشتراک گذاشته شود. در سازمان محل کار و فعالیت برنامه‌ریزی مالی بلندمدت وجود داشته باشد. در راستای ارتقای کیفیت عملکرد مالی حسابرسی خارجی وجود داشته باشد. مشکلات احتمالی در حیطه مالی توسط سیستم به کارشناسان مالی سیگنال شود. استانداردهای بین‌المللی حسابداری رعایت شود.

بعد شایستگی منابع انسانی

با توجه به نتایج پژوهش به مدیران ارشد پیشنهاد می‌شود:

برای استخدام کارمندان از شیوه‌های نوین مانند آزمون‌های رقابتی و مصاحبه و کانون‌های ارزیابی استفاده شود. در محل خدمت عرضه و تقاضای نیروی انسانی رعایت شود و برای هر شغل نیروی انسانی کافی وجود داشته باشد. یکی از سیاست‌های منابع انسانی محل خدمت، پابندی به جذب نیرو به ازای خروج نیروی انسانی از سازمان و یا ایجاد کار و شغل جدید است. در این سازمان شرح وظایف کارمندان تدوین شده و کلیه پرسنل با توجه به پست سازمانی در چارت مصوب آنان دارای طرح خدمات هستند. برای توانمندی کارکنان برنامه‌های مدونی وجود داشته و داشتن مهارت‌های لازم برای کارکنان از ضروریات است. شرح شغل آموزش تعریف شود؛ به‌طوری که به شکل منظم آموزش‌های لازم در راستای شغل و شاغل ارائه شود. ترکیبی از دانش به همراه تجربه در مشاغل سازمانی توسط شاغلان وجود داشته باشد. کلیه کارکنان سازمانی محل خدمت به دو موضوع مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی پایبند و پیوسته به مسئولیت خود متعهد باشند. مدیران از ویژگی‌های رهبری برخوردار و دائماً در صدد اخذ و کسب تجربه باشند. مدیریت دارای مهارت‌ها و دانش مدیریتی پیشرفته باشد.

بعد اجرای سیاست و خط‌مشی

با توجه به نتایج به دست آمده به مدیران ارشد پیشنهاد می‌شود:

نهادهای سازمان‌های ورزشی سیاستی داشته باشند که بر عملیات آن حاکم شوند. سازمان ورزشی دارای رسالت و اهداف و اثر سیاست بر حکمرانی مطلوب قابل احساس باشد. اثر سیاست منجر به نتیجه مثبت خط‌مشی حاکمیتی شود و نتایج به‌طور دائم در وب‌سایت و رسانه‌های اجتماعی منتشر گردد. در ابعاد ساختار سازمان‌های ورزشی تمرکز، پیچیدگی و رسمیت ایجاد شود.

پیشنادهایی برای تحقیقات آتی

در این پژوهش نقص‌هایی هم وجود داشت که به محققان پیشنهاد می‌گردد برای غنای الگوی ارائه‌شده در این تحقیق و افزایش قدرت تعمیم‌پذیری آن به تحقیقات بعدی موارد ذیل را انجام دهند. در این تحقیق با توجه به مدل حکمرانی مطلوب به‌دست آمده و تحلیل مسیر انجام گرفته، عامل اجرای سیاست و خط‌مشی با عامل کنترل مالی رابطه معنی‌داری نداشتند که رابطه این متغیرها را بررسی نمایند. ساختار حاکم بر روابط معیارها و شاخص‌ها (مدل حکمرانی) کمتر از ۹۰ درصد در بین متغیرهاست که پیشنهاد می‌شود به شناسایی ۱۰ درصد باقیمانده بپردازند. در نهایت نقش دولت در حکمرانی مطلوب ورزشی، یکی از موضوعاتی است که محققان آتی می‌توانند به بررسی آن بپردازند. در این پژوهش محدودیت‌هایی هم بود. یکی از محدودیت‌ها، عدم همکاری برخی نهادها در ارائه اطلاعات بوده است. برای مثال، آمار اطلاعات شفافیت و پاسخگویی و آمار استخدام نیروی انسانی در بررسی شاخص‌های نیروی انسانی و در نهایت اطلاعات حسابرسی برخی از موسسات ورزشی با گذر از موانعی به‌دست آمده است.

برای طراحی مدل حکمرانی مطلوب ورزشی سه پرسش‌نامه به جامعه خبرگان ارسال گردید که تنظیم نمودن آنها با اختلال‌هایی مواجه بوده است. برخی از خبرگان معتقد بودند سوالات باز و سوالاتی که می‌بایستی نظرات خبرگان در آن تشریح می‌شد، در پرس لاین نمی‌توان ارائه نمود.

منابع

- بحرینی، الهام؛ میریوسفی، سیدجلیل و بیگلری، نسرین. (۱۴۰۰). «بررسی نقش ابعاد حکمرانی خوب در تبیین توسعه منابع انسانی ادارات ورزش و جوانان». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۳(۲)، صص ۶۵۹-۶۸۶.
- پورآشتی، مهتاب و موحد محمدی، حمید. (۱۴۰۲). راهنمای گام به گام مدل‌سازی معادله ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS Graphic. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- جمشیدیان، م. ا.؛ میرسپاسی، محمد امین و دانش فرد، کرم‌اله. (۲۰۲۰). «طراحی الگوی شفافیت سازمانی در جهت سلامت نظام اداری». فصل‌نامه علمی - پژوهشی مدیریت استاندارد و کیفی. صص ۴۱-۱۰۳.
- شفریتز، جی.ام. و راسل، ای.وی.. (۱۴۰۰). مبانی مدیریت دولتی. غلامرضا معمارزاده طهران. چاپ سوم. تهران: اندیشه‌های گوهر بار
- عسگری گندمانی، روح الله؛ باقری، قدرت‌الله؛ علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم و رحمتی، محمدحسین. (۱۴۰۰). «طراحی و اعتبارسنجی مدل حکمرانی خوب در فدراسیون دو و میدانی جمهوری اسلامی ایران». دوره ۱۲، شماره ۶۳، صص ۱۶۳-۱۸۶.
- کشاورز، لقمان (۲۰۲۰). «تدوین مدل حکمرانی ورزش همگانی ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۵۰(۱۹)، صص ۱۳۱-۱۴۸.
- محمدی رثوف، مصطفی؛ فراهانی، ابوالفضل؛ شجیع، رضا و ملکی، علی. (۱۴۰۰). «شناسایی عوامل موثر بر تحقق حکمرانی مطلوب در صنعت ورزش ایران با رهیافت داده‌بنیاد». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۰(۵۲)، صص ۵۳-۱۳۴.
- Allen E. Mrindoko, Faisal H. Issa. (2023). "Factors That Influence Good Governance in The Tanzania Football Federation". Department of Administrative Studies Mzumbe University, Dar es Salaam Campus College, Tanzania.
- Bakhsh, J. T., Taks, M., & Parent, M. M. (2023). "RESIDENTS' MAJOR SPORT EVENT SOCIAL VALUE: A SYSTEMATIC REVIEW OF THEORY". Event Management.
- Geeraert, A. (2019). "The Limits and Opportunities of Self-Regulation: Achieving International Sport Federations' Compliance with Good Governance Standards". European Sport Management Quarterly, vol. 19, no. 4, pp. 520-38. Doi: 10.1080/ 16184742.2018.1549577

- Geeraert, A. (2022). **“Indicators of good governance in sport organisations: Handle with care”**. In A. Geeraert, & F. van Eekeren (Eds.), *Good governance in sport: Critical reflections* (pp. 152–166). Routledge.
- Guo, Ziyu; Chen, Gang; Ding, Yang. (2023). **“Innovation-Driven Policies, Corporate Governance Structure and Total Factor Productivity in Chinese Sports Sector: Evidence from Listed Sports Firms”**. Sustainability; Basel Vol. 15, Iss. 8, 6991. DOI:10.3390/su15086991.
- Hansford, H. J., Cashin, A. G., Wewege, M. A., Ferraro, M. C., McAuley, J. H., Jones, M. D., & TOP Sport Science Collaborators. (2022). **“Open and transparent sports science research: the role of journals to move the field forward. Knee surgery”**. sports traumatology, arthroscopy, 30(11), 3599-3601.
- Henry, I. & Lee, P. (2004). **“Governance and Ethics in Sport”**. In S Chadwick & J Beech (eds), *The Business of Sport Management*.
- Houlihan, B, Hanstad, DV, Loland, S & Waddington, I. (2019). **“The World Anti- Doping Agency at 20: Progress and Challenges”**. International Journal of Sport Policy and Politics, vol. 11, no. 2, pp. 193–201. doi:10.1080/19406940.2019.1617765.
- Hoye, R., Cuskelly, G., Auld, C., Kappelides, P., & Misener, K. (2020). **Sport volunteering**. London: Routledge.
- Islam, Y., Mindia, P. M., Farzana, N., & Qamruzzaman, M. (2023). **“Nexus between environmental sustainability, good governance, financial inclusion, and tourism development in Bangladesh: Evidence from symmetric and asymmetric investigation”**. Frontiers in Environmental Science, 10, 1056268.
- Morales, Nelson; Schubert, Mathias. (2022). **“Selected Issues of (Good) Governance in North American Professional Sports Leagues”**. Journal of Risk and Financial Management, Basel Vol. 15, Iss. 11: 515. DOI:10.3390/jrfm15110515.
- Morrow, S. (2013). **“Football club financial reporting: Time for a new model?”** Sports Bus. Manag., 3, 297–311
- Mulyana, Fegie Rizkia; Hidayat, Cucu; Hanief, Yulingga Nanda; Juniar, Dicky Tri; Millah, Haikal et al. (2022). **“Analysis of inhibiting factors in regional sports achievement development”**. Journal of Physical Education and Sport, Pitesti Vol. 22, Iss. 12, 3009-3015. DOI:10.7752/jpes.2022.12380.
- Muñoz, J., Solanellas, F., Crespo, M., & Kohe, G. Z. (2023). **“Governance in regional sports organisations: An analysis of the Catalan sports federations”**. Cogent Social Sciences, 9(1), 2209372.
- Parent, M. M., Hoye, R., Taks, M., Naraine, M. L., & Séguin, B. (2022). **Good sport**.
- Rasouli, M., Seyyed Nasrollah, S., Mosaffa, N., & Rasekh, N. (2021). **“Good Governance Elements in Sport International Relations of Iran”**. Strategic Studies on Youth and Sports, 20(51), 97-112.
- Safwan, N. S. Z., Ahmad, M. F., Tajri, A. A., Hussain, R. N. J. R., Adnan, M. A., Aznan, E. A. M., ... & Nadzalan, A. M. (2023). **“Exploring the Role of Human Resource Management Practice: A Study of Employees’ Perceptions at Johor State Sports Council”**. Revista de Gestão Social e Ambiental, 17(6), e03374-e03374.
- Teodora, T.I. (2020). **“Sports center management: competence structure model for sport managers”**. Interdisciplinary Journal of Physical Education and Sports, 20(2), pp.1-7
- Weerakoon, R. K. (2016). **“Human resource management in sports: A critical review of its importance and pertaining issues”**. Physical Culture and Sport. Studies and Research, 69(1), 15-21.
- Weight, E., Taylor, E., Huml, M., & Dixon, M. (2021). **“Working in the sport industry: A classification of human capital archetypes”**. Journal of Sport Management, 35, 364–378.
- Zaitul, Desi Ilona, Neva Novianti. (2023). **“Good Governance in Rural Local Administration”**. Administrative Sciences, Basel Vol. 13, Iss. 1-19. DOI: 10.3390/admsci13010019.

طراحی مدل دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران براساس تئوری داده‌بنیاد

رضا قاسمی^۱

سیده فریده هادوی^۲

رحیم رمضانی‌نژاد^۳

[10.22034/ssys.2024.3142.3290](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3142.3290)



تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۵/۰۸

هدف اصلی تحقیق، طراحی مدل دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران می‌باشد. این تحقیق از نوع کیفی (تک روشی) و به لحاظ راهبرد از نوع داده‌بنیاد براساس رویکرد یا رویه سیستماتیک (استروس و کوربین، ۱۹۹۰) است. شرکت‌کنندگان این تحقیق شامل کلیه متخصصان و کارشناسان، نخبگان آگاه و صاحب‌نظران دارای تجربیات ارزشمند و مدیریتی در حوزه روابط بین‌الملل و دیپلماتیک و فرهنگ با رویکرد ورزشی و غیرورزشی در وزارت ورزش و جوانان، امور خارجه، فرهنگ و ارشاد اسلامی و...، روسای فدراسیون‌ها، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک بودند که با استفاده از روش داده‌بنیاد (هدفمند قضاوتی)، انتخاب شدند. به منظور اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از مصاحبه عمیق (نیمه‌ساختارمند) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از طریق روش استراوس و کوربین صورت گرفت. در مجموع ۴۴۰ کد از میان ۱۹ مصاحبه استخراج شد. بعد از استخراج کدهای مشابه و پس از بررسی و کنار هم قرار دادن آن‌ها و حذف مفاهیم تکراری، ۱۳۴ مفهوم اصلی مشخص گردید. در کدگذاری محوری ۱۳۴ کد که شامل ۱۷ مفهوم به‌عنوان شرایط علی ب‌وجود آورنده وضع موجود چگونگی توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش، ۲۴ مفهوم به‌عنوان زمینه به‌وجود آورنده وضع موجود، ۲۸ مفهوم به‌عنوان عوامل مداخله‌گر به‌وجود آورنده وضع موجود، ۴۹ مفهوم درحوزه راهبردها و راهبردهای اثربخش در ایجاد وضعیت مطلوب و در نهایت ۱۶ مفهوم به‌عنوان پیامدهای ناشی از اعمال راهبردهای عمل‌شناسایی شدند. کدهای محوری در ۲۶ مقوله اصلی (کد انتخابی) دسته‌بندی شدند. مصادیق و مفاهیم به‌دست آمده در قالب الگوی پارادایمی شامل شرایط علی (۵ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۴ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۵ مقوله)، راهبردها (۸ مقوله) و پیامدها (۴ مقوله) بود. براساس مطالعه مبانی نظری، مصاحبه با نخبگان و نتایج مستخرج از تحقیق، محقق به این باور رسید که دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران در مسیر تحقق خود لاجرم با مشکلی با هویت الگوریتم هزارتو روبروست. دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران که بر مبنای ضوابط زیرساختی حکمرانی ایرانی-اسلامی قرار دارد، لازم است تا در مسیر خود با سازمان‌های مختلفی نظیر وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک، فدراسیون‌ها، باشگاه‌ها و شهرداری‌ها تعامل‌های رسمی برقرار نماید. علاوه بر این توجه به ضوابط فرهنگی حکومت جمهوری اسلامی ایران،

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی ایوانکی، سمنان، ایران

^۲ دانشیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه غیردولتی - غیرانتفاعی ایوانکی، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Fa.hadavi@gmail.com

^۳ استاد، گروه تربیت بدنی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

ضوابط دین مبین اسلام، ژئو فرهنگ زیست‌بوم متنوع و ضوابط فرهنگی ۷ قوم اصلی و ده‌ها اقوام اختلاطی با فرهنگ‌های متفاوت را در نظر داشته باشد تا نه تنها مانعی برای برون‌رفت از این معضل پیچیده نداشته باشد، بلکه ورزش ایران بدلیل هویت توأمان ملی-بین‌المللی به‌عنوان عامل یکپارچگی فرهنگ ایرانی-اسلامی باشد. پیشنهاد محقق در حل الگوریتم هزارتوی دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران، استفاده از الگوریتم پیمایش معکوس می‌باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی ورزشی.

در نظام بین‌الملل، کشورها به دنبال افزایش قدرت، ثروت، جایگاه و منزلت خود هستند و برای نیل به این اهداف از تمامی ابزارهای در دسترس استفاده می‌کنند. در گذشته به دلیل ماهیت نظام بین‌الملل که به طور عمده مبتنی بر قدرت سخت بوده، عمده ابزارهای دولت‌ها برای تحقق اهداف بین‌المللی‌شان نیروی نظامی، ارتش، راینی‌ها و ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های بین‌المللی بوده است. اگر چه در چارچوب روابط بین‌الملل سنتی به ورزش و دیپلماسی ورزش توجه شده، اما تحول ماهیت نظام بین‌الملل از لحاظ نظری و عملی ابزارهای مورد استفاده دولت‌ها و کشورها برای پیشبرد اهداف و منافع بین‌المللی‌شان را دگرگون کرده است. در این چارچوب درکنار قدرت سخت مفهوم جدیدی به نام «قدرت نرم» ظهور کرده است. قدرت نرم مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی کشورهاست و بیشتر افکار عمومی کشورهای دیگر تا سیاست‌مداران و دولت‌های آن‌ها را هدف قرار داده است. یکی از منابع قدرت نرم کشورها، ورزش است. در این چارچوب ورزش ارتباط نزدیکی با سیاست پیدا کرده و به یک موضوع روابط بین‌المللی تبدیل شده است (صباغیان، ۱۳۹۴).

ایران به‌عنوان کشوری تأثیرگذار در توسعه تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین به لحاظ حکومتی به‌عنوان یگانه حکومت مردم‌سالاری دینی در جهان، از حیث استقلال سیاسی می‌باشد. همچنین به‌عنوان بازیگری منطقه‌ای از ظرفیت‌های تاریخی- فرهنگی بسیاری برای اعمال نفوذ فرهنگی در جهان برخوردار است. با توجه به پیشینه تمدنی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی و به دلیل ماهیت اسلامی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و جهان‌شمولی آن تأثیرات و آثار متعددی از قبیل بی‌اعتباری نظام دوقطبی حاکم بر جهان، ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی، احیای تفکر اسلامی، ایجاد فرهنگ و تفکر ظلم‌ستیزی و نفی سلطه‌طلبی در جهان و تقویت مبارزه با صهیونیسم جهانی را بر نظام روابط بین‌الملل در پی داشته است. علاوه بر این، دیپلماسی ورزش ایران در قبل از انقلاب سازوکاری منفعلانه داشته و در حقیقت پیچیدگی سیاست خارجی پهلوی موجب قربانی شدن دیپلماسی عمومی به شکل عام و دیپلماسی ورزشی به شکل خاص در عرصه بین‌الملل گردیده بود. شاید نقطه درخشان ورزش ایران پیش از انقلاب را بتوان میزبانی بازی های آسیایی ۱۹۷۴ تهران دانست؛ بازی های آسیایی ۱۹۷۴ در حالی در تهران برگزار گردید که ۲۲۵ نماینده از رسانه‌های ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان این بازی‌ها را پوشش رسانه‌ای دادند. اما در سال‌های پس از انقلاب، ورزش ایران در دوران انقلاب اسلامی توانسته ظرفیت و شرایط لازم برای حضور مؤثر در عرصه بین‌المللی را به دست آورد (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۹؛ درخشه و اسماعیل کلیشمی، ۱۳۹۶؛ بصیری و خوانساری‌فرد، ۱۳۹۵). وزارت ورزش و جوانان در تاریخ ۸ دی‌ماه ۱۳۸۹ و پس از ادغام سازمان تربیت‌بدنی و سازمان ملی جوانان در مجلس هشتم تشکیل شد. وزارت ورزش و جوانان، اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیری و اجرایی در حوزه ورزش و جوانان است که وظیفه و رسالت توسعه ورزش همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای با تأکید بر تأمین سلامت جسمی و روحی، نشاط و تقویت توانمندی افراد و گروه‌های اجتماعی و رشد و تعالی ارزش‌های اسلامی از طریق انجام فعالیت‌های

ورزشی و ارتقای مهارت‌های جسمی و روحی را بر عهده دارد. همچنین ۵۲ فدراسیون ورزشی در ایران وجود دارند که به‌عنوان بازوی اصلی بدنه ورزش ایران در هر رشته ورزشی به صورت تخصصی، مشغول به فعالیت می‌باشند (قوچوند، ۱۳۹۸؛ فرزی و همکاران، ۱۳۹۴؛ کیانی، ۱۳۹۴).

ایران طی سال‌های پس از انقلاب و در طول این دوران در پی به‌کارگیری ورزش برای اهداف سیاسی بین‌المللی و داخلی بوده است. بنیان‌گذاری «فدراسیون ورزش همبستگی زنان مسلمان» در سال ۱۳۷۰، بنیان‌گذاری «فدراسیون ورزشی غرب آسیا» وابسته به شورای المپیک آسیا در تهران در سال ۱۳۷۶ و بنیان‌گذاری «فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای» در سال ۱۳۸۳ از جمله مهم‌ترین اقدامات ایران پس از انقلاب اسلامی بوده است. همچنین عدم‌شرکت در بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و المپیک ۱۹۸۴ لس‌آنجلس نیز نوعی تعبیر و برداشت دیپلماتیک ورزشی ایران در طول این سالیان بوده است.

ایران در تاریخ دیپلماسی طولانی خود با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده است. در دوره پس از انقلاب به‌ویژه در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران به تحریک، آشوب‌گری، خراب‌کاری، گروگان‌گیری و تروریسم از طرف غرب متهم می‌شد. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب نیز تحریم‌های یک‌جانبه و خصمانه آمریکا و اسرائیل و تنظیم لایحه‌ای برای تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ملت ایران، اهمیت دیپلماسی را بیش از پیش آشکار می‌کند. برخورد منفعلانه نسبت به تصویر نادرستی که از ایران وجود دارد و نداشتن یک برنامه راهبردی برای دیپلماسی فرهنگی و عدم‌ترسیم نقشه‌راه روابط فرهنگی بین‌المللی ایران، فرصت‌های گوناگون توسعه ایران را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سلب نموده است. همچنین نتایج نظرسنجی «موسسه تحقیقات پیو»^۱ در آمریکا نشان از افول جایگاه ایران در افکار عمومی جهان دارد (اژدری، ۱۳۹۶؛ پیمان‌فر و همکاران، ۱۳۹۸؛ بخشی‌چناری، ۱۳۹۸).

عدم‌توجه به مقوله مهم دیپلماسی ورزشی باعث کاهش و تضعیف منابع سیاست خارجی ایران شده است و از این طریق بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه ایران را غیرفعال نگاه داشته که آسیبی بزرگ برای تأمین منافع ملی به شمار می‌آید. یکی از ابزارهای دیپلماسی، ورزش است. دیپلماسی ورزش، پدیده جدیدی است که به دنبال افزایش تعامل برای باز کردن افق‌ها و دیدگاه‌های جدید و کمک به درک فرهنگ بین مردم جهان است. ورزش، ابزار فرهنگی قوی برای ملت‌های توسعه‌یافته است که توسط رسانه‌ها و موفقیت‌های ملی توجه‌ها را به خود جلب می‌کند. علاوه بر این، ورزش ابزاری است که می‌تواند اهداف غیرورزشی دولت‌ها همچون نمایش قدرت سیاسی، بهبود توسعه اقتصادی و احیای اماکن شهری را برآورده کند. ورزش مقوله‌ای چند بعدی است که تنها یک خدمت عمومی نیست،

¹ PEW Research Center

بلکه جنبه مهمی از فراهم کردن آسایش و رفاه اجتماعی همراه با فعالیت‌های اقتصادی است (پیمان‌فر و همکاران، ۱۳۹۸؛ شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۸).

طبق نتایج تحقیق هایس^۱ (۲۰۲۴) ورزش به‌عنوان یک کانال مهم برای گسترش بین‌المللی فرهنگ، ارزش‌ها و حتی اهداف سیاست خارجی یک کشور عمل می‌کند. این مقاله دو جنبه از دیپلماسی ورزشی را تحلیل می‌کند: اولی تأثیر دیپلماسی ورزشی بر ابتکارات تصویرسازی و دومی توانایی آن در ارتقای تلاش‌های ایجاد رابطه بین دولت‌هاست. دیپلماسی ورزشی، شکل جذابی از قدرت نرم است و موفقیت آن در روابط بین‌الملل به‌شدت به توجه رسانه‌ها و ادراک عمومی وابسته است. نتایج تحقیق دوبینسکی^۲ (۲۰۲۴) در بررسی بازی‌های المپیک و دیپلماسی جودو (بحث اکتشافی در مورد تصویر ژاپن در توکیو ۲۰۲۰) به منظور استفاده از ورزش جودو برای برندسازی ملی، دیپلماسی عمومی و تصویر ژاپن در بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو، بر اساس سه دور کدگذاری تحلیل موضوعی دستی، چهار موضوع از داده‌ها پدید آمد: (الف) ورزش و میزبان، (ب) ارزش‌های جهانی، (ج) ژئوپلیتیک و (د) فرد و جمع. این مطالعه از آنجایی که باعث افزایش دانش و اطلاعات در مورد نقش جودو، برندسازی ملی، دیپلماسی عمومی و تصویر کشور در طول یک بیماری همه‌گیر جهانی و ورود جنبش المپیک به عصر جدیدی می‌شود، بسیار مهم است. نتایج تحقیق مروات و همکاران^۳ (۲۰۲۴) به‌منظور تعیین نقش دیپلماسی ورزشی در ارتقای دیدگاه‌های روحیه همزیستی، ارتباط مثبت، شمول اجتماعی به‌ویژه در مناطق متأثر از درگیری و خشونت نشان داد که ورزش با فراهم کردن بستری کارآمد برای طرفین درگیر در مناقشه، نقش بسیار مثبتی در مدیریت تعارض دارد. دو عنصر اصلی در ادبیات تحقیق برجسته شده است که به طور مستقیم بر سودمندی دیپلماسی ورزشی تأثیر می‌گذارد: اولی در دسترس بودن منابع مالی برای انجام سریع رویدادهای ورزشی بین کشورهای درگیر در مناقشه است و دومی با هماهنگی بین اراده سیاسی، سیاست اجرا و وضعیت واقعی مرتبط می‌باشد. ادبیات تایید کرده است که دیپلماسی ورزشی توانسته تنش را کاهش دهد و وضعیت درگیری را عادی کند. نتایج تحقیق آخمتکریموف و آمینوا^۴ (۲۰۲۰) در مورد دیپلماسی ورزشی نشان می‌دهد که ورزش در طول تاریخ نقش مهمی در گردهم آوردن ملت‌ها و فرهنگ‌ها داشته است. ورزش می‌تواند نقش موثری در ارتقای صلح، امنیت و توسعه پایدار داشته باشد. همچنین نتایج تحقیق گراماولزی و دوسزی^۵ (۲۰۲۱) نشان می‌دهد که جذابیت جهانی ورزش، اغلب به‌عنوان یک دارایی قدرت نرم با ارزش برای انتقال پیام‌های مثبت به مردم خارجی تلقی می‌شود و با نهادینه شدن ورزش در دیپلماسی عمومی، مجارستان به کشوری پیشگام در اروپای مرکزی

¹ Hayase

² Dubinskyhttps

³ Marwat et al

⁴ Akhmetkarimov & Aminova,

⁵ Garamvölgyi & Dóczy

و شرقی تبدیل شده است و این کشور همچنان به سرمایه‌گذاری عظیم بودجه عمومی برای جذب و سازماندهی مسابقات بین‌المللی ورزشی ادامه می‌دهد. نتایج تحقیق محمدی و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد که عوامل و الزامات دینی، فرهنگی- اجتماعی، رسانه‌ای، ارتقای دانش علمی، تدوین راهبرد موثر، مسولیت‌پذیری نهادهای سیاسی- ورزشی، توسعه منابع انسانی، الزامات ساختاری، برندینگ بین‌المللی، عوامل مدیریتی، برگزاری رویداد و توسعه ارتباطات بین‌المللی از عوامل اصلی تاثیرگذار بر توسعه دیپلماسی بین‌المللی ورزش بانوان ایران می‌باشد. علاوه بر این، اشنایدر^۱ (۲۰۱۸) در تحقیقی به این نتیجه رسید که ورزش از طریق روابط بین‌المللی بهبود یافته، می‌تواند حل مثبت مشکلات جهانی معاصر را تسهیل کند. ورزش‌ها به‌عنوان یک فعالیت مشترک بین‌المللی، می‌توانند موجب تعاملات بین‌المللی، ایجاد حسن‌نیت میان ملت‌ها، ایجاد دوستی و وفاداری در میان افراد ملل مختلف شوند. سیفیسوزولیزی لوو^۲ (۲۰۱۰) در بررسی ورزش به‌عنوان دیپلماسی فرهنگی بیان می‌کند آفریقای جنوبی برای گرفتن حق میزبانی مسابقات جام جهانی ۲۰۱۰، از دیپلماسی فرهنگی و ورزش به‌عنوان ابزاری توانا ساز برای حمایت از اعتبار آفریقای جنوبی استفاده کرد؛ چنین حرکتی این حقیقت را امکان‌پذیر نمود که قرن‌ها از ورزش به‌عنوان یک ابزار موفق بر علیه نژادپرستی استفاده شود (گراماولزی و دوسزی، ۲۰۲۱؛ آتخمروف و آمینوا، ۲۰۲۰؛ اشنایدر، ۲۰۱۸؛ اژدری، ۱۳۹۶).

کشور ایران به‌عنوان کشوری قدرتمند در عرصه دیپلماسی و با وجود بهره‌مندی از فرهنگ متأثر از نظام اسلامی و مولفه‌های فرهنگ غنی، به دلیل نداشتن راهبرد واحد در زمینه دیپلماسی فرهنگی و در پاره‌ای از موارد به دلیل عدم تطابق فرهنگی به جهت ماهیت اسلامی، فرهنگی و ایدئولوژیکی و همچنین نداشتن راهبرد واحد در زمینه دیپلماسی ورزش، بسیاری از فرصت‌ها را برای توسعه روابط بین‌الملل خود از این طریق از دست داده است. حال با توجه به نقش پررنگ دیپلماسی ورزشی، از یک سو و نقش کلیدی ایران در منطقه و جهان، ایران می‌تواند از ورزش به‌عنوان ابزاری به نسبت کم هزینه‌تر و در عین حال جذاب‌تر در تحقق اهداف و منافع سیاسی خود استفاده کند. همچنین با توجه به موقعیت حساس کنونی ایران در عرصه جهانی و ایجاد فشار از سوی برخی کشورهای خاص و از سوی دیگر حضور پررنگ تیم‌های ملی ایران در رقابت‌های المپیک، جام جهانی و مسابقات آسیایی، فرصتی مغتنم است تا ضمن کاهش فشار جامعه جهانی، ورزشکاران ایرانی به ارتقای جایگاه ایران در ساختار جهانی کمک نمایند. پیرامون دیپلماسی ورزشی تحقیقات متعددی توسط سبزی و همکاران (۱۳۹۹)، موسوی گرگری (۱۳۹۹) و پیمان‌فر و همکاران (۱۳۹۸) انجام شده است، اما در مورد دیپلماسی فرهنگی در ورزش تحقیقی مشاهده نمی‌گردد- فقط جوادی‌پور و راسخ (۱۳۹۸) نقش ورزش در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی- اجتماعی ایران را بررسی کردند. از این

¹ Schneider

² Sifiso Mxolisi Ndlovu

رو، برخی مشکلات حوزه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران همچون: رفتار ضعیف و غیراخلاقی قهرمانان ورزشی در اعتراض به قضاوت‌های داوران و عوامل اجرایی مسابقات، عدم توانایی مدیران سطوح عالی در کسب کرسی‌های بین‌المللی و میزبانی مسابقات ناشی از روابط ضعیف بین‌المللی و دیپلماتیک در سایر کشورها، عدم توانایی انتقال فرهنگ ایرانی-اسلامی از طریق حضور تیم‌های ملی زنان ایرانی با حجاب در مسابقات منجر به افول کمی و کیفی جایگاه تیم‌های ملی ایران گردیده است. همچنین، برخوردهای غیرفرهنگی قهرمانان پس از شکست در خارج از زمین مسابقه- مثل پرتاب صندلی توسط یزدانی، قهرمان کشتی پس از شکست از تیلور آمریکایی- باعث بروز مشکلاتی در صحنه‌های بین‌المللی شده است. مشکلات مطروحه، اغلب ناشی از عدم وجود یک مدل دیپلماسی موثق و شفاف، برآمده از اجماع راهبردی وزارت ورزش و جوانان با وزارت امور خارجه، وزارت میراث فرهنگی و... و اسناد بالا دستی دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. لذا پژوهش حاضر سعی دارد تا ضمن بررسی مفاهیم بنیادین دیپلماسی فرهنگی ورزش، موجبات یک همبستگی ملی- فرهنگی از طریق ورزش را در قالب یک "مدل دیپلماسی فرهنگی ورزشی ایران" در داخل (اشاعه فرهنگ از طریق ورزش) و خارج ایران (معرفی فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی) فراهم نماید و از این طریق راهکارهای نوین "قدرت نرم" را جهت توانمندسازی و ارتقای جایگاه ایران در عرصه‌های ملی و بین‌المللی، جایگزین سیاست‌های "قدرت سخت" نماید تا بدین وسیله علاوه بر حفظ اهداف نظام جمهوری اسلامی، راهبردی مناسب را در پیش بگیریم. لذا محقق به دنبال یافتن سوال اصلی تحقیق مبنی بر طراحی مدل دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف اصلی تحقیق که طراحی مدل دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران می‌باشد، پژوهش حاضر به لحاظ روش تحقیق، کیفی (تک روشی) و به لحاظ راهبرد از نوع داده‌بنیاد براساس رویکرد یا رویه سیستماتیک (استروس و کوربین، ۱۹۹۰) بود. شرکت‌کنندگان این تحقیق شامل کلیه متخصصان و کارشناسان، نخبگان آگاه و صاحب‌نظران دارای تجربیات ارزشمند و مدیریتی در حوزه روابط بین‌الملل و دیپلماتیک و فرهنگ در وزارت ورزش و جوانان، وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و...، روسای فدراسیون‌ها، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک که تجارب، سوابق و اطلاعات مفید و تخصصی داشتند، بود. همچنین به منظور شناسایی افراد مصاحبه‌شونده با استفاده از روش داده بنیاد (هدفمند قضاوتی)، نخبگان آگاه و صاحب‌نظرانی که تمایل به همکاری، شرکت، سوابق و اطلاعات مفید و تخصصی داشتند، انتخاب شدند و از آنها در مورد طراحی مدل دیپلماسی فرهنگی ورزش نظرخواهی شد- در شیوه هدفمند قضاوتی، هریک از نخبگان بنا به تجربه و شناخت محقق انتخاب شدند. در مجموع، ۱۹ نفر مدنظر قرار گرفتند. برای کفایت نمونه‌گیری از نمونه‌گیری نظری و به منظور اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، مقالات علمی- پژوهشی و نیز مصاحبه عمیق (نیمه ساختارمند) استفاده

گردید. برای سنجش روایی و پایایی مطالعه از روش ارزیابی لینکلن و گوبا (۲۰۱۳) بهره‌گیری و چهار معیار اعتبار (باورپذیری)، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری و اطمینان‌پذیری برای ارزیابی در نظر گرفته شد. تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از طریق روش استراوس و کوربین صورت گرفت. بدین منظور در ابتدا با استفاده از روش گراندد تئوری یا تئوری زمینه‌ای، مصاحبه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های به‌دست آمده در مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شد. در گام دوم، مرحله به مرحله داده‌ها توصیف شده و در گام بعد ترکیب داده‌ها صورت پذیرفت و در گام آخر یافته‌های اصلی پارادایم دیپلماسی فرهنگی ورزش شناسایی گردید.

یافته‌های پژوهش

در نظریه مبنایی، تجزیه و تحلیل از سه نوع کدگذاری تشکیل شده و تحلیل متون مصاحبه در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام گردیده است. نخستین گام در مرحله تجزیه و تحلیل یافته‌ها، کدگذاری باز یا مفهوم‌سازی است. این مرحله «کدگذاری باز» نامیده می‌شود، چرا که پژوهشگر بدون هیچ محدودیتی به نام‌گذاری مقوله‌ها می‌پردازد. به بیان دیگر، در کدگذاری باز، پژوهشگر با ذهنی باز به نام‌گذاری مقوله‌ها می‌پردازد و محدودیتی برای تعداد کدها و مقوله‌ها قائل نمی‌شود. این مرحله از تجزیه و تحلیل، به شناسایی و استخراج مفاهیم اولیه از محتوای مصاحبه اختصاص دارد؛ بدین‌صورت که پس از انجام هر مصاحبه، پس از چندبار بررسی مصاحبه، مفاهیم موجود در متن مصاحبه استخراج و کدگذاری گردید. در مجموع ۴۴۰ کد از میان ۱۹ مصاحبه استخراج شد. بعد از استخراج کدهای مشابه و پس از بررسی و کنار هم قرار دادن آن‌ها و حذف مفاهیم تکراری، ۱۳۴ مفهوم اصلی مشخص گردید. در کدگذاری محوری، ۱۳۴ کد که شامل ۱۷ مفهوم به‌عنوان شرایط علی بوجود آورنده وضع موجود چگونگی توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش، ۲۴ مفهوم به‌عنوان زمینه به‌وجود آورنده وضع موجود، ۲۸ مفهوم به‌عنوان عوامل مداخله‌گر به‌وجود آورنده وضع موجود، ۴۹ مفهوم درحوزه راهبردها و راهبردهای اثربخش در ایجاد وضعیت مطلوب و در نهایت ۱۶ مفهوم به‌عنوان پیامدهای ناشی از اعمال راهبردهای عمل شناسایی شدند. کدهای محوری در ۲۶ مقوله اصلی (کد انتخابی) دسته‌بندی و مصادیق و مفاهیم به‌دست آمده در قالب الگوی پارادایمی شامل شرایط علی (۵ مقوله)، شرایط زمینه‌ای (۴ مقوله)، شرایط مداخله‌گر (۵ مقوله)، راهبردها (۸ مقوله) و پیامدها (۴ مقوله) قرار گرفتند که در جدول ۱ ارائه شده اند:

جدول ۱: کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها

ردیف	مفاهیم	مقولات	نشانگرها	کدهای اصلی	طبقات
۱.	سابقه میراث فرهنگی ایران		؛ ؛ ؛ ؛	؛ ؛ ؛ ؛	؛ ؛ ؛ ؛
۲.	وجود جاذبه‌های فرهنگی و دینی در ورزش			؛ ؛ ؛ ؛	؛ ؛ ؛ ؛

عوامل زمینه‌ای ناکارآمدی در توانمندسازی کارکنان	P2,P4,P7,P 9,P15,P15, P17,P17	جاذبیت‌های فرهنگی کشور	۳. قدمت و تنوع ورزش‌های بومی- محلی ایران نسبت به سایر کشورها
			۴. تصمیمات دوگانه سیاسی در ورزش جهانی سرمایه‌گذاری کلان کشورها در جهت
			۵. کسب کرسی‌های بین‌المللی سیاسی کاری
			۶. عدم‌میدان دادن خارجی‌ها به مسئولان ایرانی جهانی
			۷. دور شدن ورزش از قوانینی که تاکید بر عدم‌سیاسی بودن ورزش دارند
			۸. رفتار و برخورد ورزشکاران در مسابقات و پس از آن
			۹. آشنایی با فلسفه نمادها در ورزش پیش‌نیازهای
			۱۰. کسب مقام‌های جهانی فرهنگی
			۱۱. رفع نیازهای اولیه ورزشکار 5
			۱۲. پذیرش قوانین و داوری توسط بازیکنان
			۱۳. الگوگیری ورزشکاران از مربیان، داوران و مسئولان
			۱۴. انتقال فرهنگ از خانواده به جامعه الگوگیری فردی
			۱۵. انتقال فرهنگی به ورزشکاران و هواداران P1,P3,P4,P 7,P8,P12, P16,P19
			۱۶. پر مخاطب بودن ورزش جاذبیت‌های
			۱۷. شعارها و قوانین ورزشی در جهت صلح فرهنگی ورزش و جوانمردی، برابری و عدم تبعیض
			۱۸. ضعف در سیستم آموزشی ایران
			۱۹. عدم آشنایی با قوانین و مقررات
			۲۰. کمبود مربیان حرفه‌ای برای سطح پایه آموزش و توسعه
			۲۱. بی توجهی به تقویت فرهنگی در نسل پایه
			۲۲. کمبود آموزش‌های کاربردی مدیران
			۲۳. نبود مدیران توانمند در مبحث دیپلماسی نیروی انسانی

P1,P3,P4,P 8,P12,P16, P18		۲۴. عدم تسلط کافی مسئولان با زبان انگلیسی
		۲۵. عدم چابکی نیروی انسانی در مباحث فرهنگی و ورزشی روز
		۲۶. عدم بهره‌گیری از افراد توانمند و پر سابقه در مدیریت ایران
P1,P2,P3,P 5,P7,P10,P 15,P16,P1 7,P19	بهره‌نگرفتن از فرصت‌ها	۲۷. نبودن کارشناسان و جامعه‌شناسان در بدنه ورزش
		۲۸. عدم آشنایی مسئولان کشور با اصول روابط دیپلماتیک
		۲۹. بی‌توجهی به برندسازی رویدادهای ملی
		۳۰. کوتاهی در ثبت جهانی ورزش‌های بومی و ملی
		۳۱. بی‌توجهی به قدرت چانه‌زنی
		۳۲. عدم حمایت از ورزشکاران طراز اول ایران
		جهت گرفتن پست‌های بین‌المللی در ورزش
		۳۳. نبود نگاه ملی و دیپلماسی در مسئولان ورزش ایران
		۳۴. وجود موانع ذهنی و نبود عزم جدی در توسعه دیپلماسی فرهنگی در مسئولان ایران
		۳۵. نبود عزم جدی در ترویج و توسعه ورزش‌های ملی به جهان
P1,P4,P6,P 7,P9,P10, P11, P13, P19	عوامل نگرشی	۳۶. نگاه رفع تکلیفی به ورزش همگانی
		۳۷. نتیجه‌محوری به جای فرایندمحوری در ورزش
		۳۸. محدود ساختن خود با مسائل فرهنگی مختص به قشر خاص
		۳۹. جمود فکری برخی از مسئولان ورزش کشور
		۴۰. نبود نگاه مسئله‌محور و خلاقانه در مسائل فرهنگی ورزشی
		۴۱. کمیت‌گرایی به جای کیفیت‌گرایی

		عدم پیاده کردن اخلاقیات در سیاست، اقتصاد و سایر ارکان ایران	۴۲.
		همراستا نبودن گفتار و رفتارمبلغان فرهنگی و مسئولان	۴۳.
		پشت کردن به ارزش‌های فرهنگی به دلیل منافع شخصی	۴۴.
P1,P7,P10, P15,P16	تناقضات رفتاری	عدم رعایت فرهنگ در بدنه ارگان‌های ورزشی رشوه‌دهی مدیران نالایق به رسانه‌ها برای تمجید از آنها	۴۵. ۴۶.
		عدم برخورد جدی با ورزشکاران در صورت عدم رعایت قوانین نداشتن جایگاه واقعی اداره کل امور بین‌الملل	۴۷. ۴۸.
P1, P3, P5, P8, P10, P12, P14, P15, P16, P19	عوامل مدیریتی	عدم نظارت و بازرسی و بازخواست مدیران ضعف اداره کل بین‌الملل نبود امکانات ورزشی برابر در استان‌های مختلف عدم همسویی کمیته ملی المپیک با وزارت ورزش	۴۹. ۵۰. ۵۱. ۵۲.
		عدم وجود تفکر راهبردی و بلندمدت در حوزه فرهنگ و ورزش عدم یکپارچگی و کهنگی قوانین نداشتن ضمانت اجرایی تصمیمات شورای عالی ورزش	۵۳. ۵۴. ۵۵.
P1,P4,P9,P 10,P13,P1 4	عوامل قانونی	عدم رعایت شیوه‌نامه‌های بین‌المللی المپیک توسط وزارت ورزش نبود قواعد و ضوابط و چارچوب مشخص برای اهداف دیپلماسی ورزشی	۵۶. ۵۷.

مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه راهبردهای عمل			۵۸. عدم وجود قرارداد محکم برای رعایت ضوابط اخلاقی توسط ورزشکار
			۵۹. نگاه حزبی و سیاسی در انتخابات مدیریت پست‌های ورزشی
			۶۰. دخالت مجلس در انتخاب مدیران وزارت ورزش
			۶۱. قدرت‌دهی بیش از حد به روسای فدراسیون‌ها
	P5,P6,P8,P10,P13,P15,P19	عوامل سیاسی داخلی	۶۲. دخالت مستقیم دولت در ورزش و باشگاه‌داری
			۶۳. وجود تعارضات برخی ارزش‌های کشور با قواعد و هنجارهای حاکم بر ورزش جهان
			۶۴. وجود نگاه‌های حزبی و سیاسی در ورزش
			۶۵. سیاست زدگی ورزش در سطح ملی و فراملی
			۶۶. ضعف در ارائه ارزش‌های مشخص
			۶۷. عدم نگاه به ورزش به‌عنوان یک مکتب تربیتی
	P2,P5,P6,P9,P12,P13,P16	ناآگاهی و بی‌توجهی	۶۸. عدم کارایی رسانه‌های ورزشی با وجود تعدد روزنامه‌های ورزشی
			۶۹. عدم استخراج ارزش‌های فرهنگی و ایدیولوژیک قابل ارائه از طریق ورزش
			۷۰. بهره‌گیری از فضای مجازی و بازی‌های الکترونیک ورزشی برای توسعه فرهنگی
	P2,P3,P4,P10,P14	بهره‌گیری از فناوری و رسانه	۷۱. تولید محتوای فرهنگی جذاب
			۷۲. استفاده از رسانه‌ها در جهت توسعه و ترویج مشارکت فرهنگی در ورزش
		هم‌افزایی	۷۳. برگزاری جلسات منظم بین مسئولان ورزش کشور

P1,P6,P7,P 8,P11,P17, P18, P19		هماهنگی و همفکری با سفرا در کشور مقصد قبل از اعزام تیم هماهنگی بین وزارت ورزش، وزارت آموزش و پرورش، وزارت گردشگری، وزارت فرهنگ و سایر وزارتخانه‌های مرتبط برای توسعه فرهنگی سازو کار بهره‌گیری از تجربیات مدیران قبلی بهره‌گیری و بومی‌سازی الگوهای جهانی شناسایی نقاط ضعف و قوت اقدامات فرهنگی در گذشته	۷۴. ۷۵. ۷۶. ۷۷. ۷۸.
P1,P2,P8,P 9,P10,P13	تجربه‌آموزی	بهره‌گیری از پتانسیل فکری سفرای کشور در جهت الگوگیری فرهنگی خواهرخواندگی با شهرهای کشورهای دیگر ارائه برنامه‌های فرهنگی جهان شمول در ورزش نه مختص به قشر خاص	۷۹. ۸۰. ۸۱.
P5,P6,P8,P 13,P14,P1 6,P17,P18	اتحاد آفرینی	استفاده از بازیکنان خارجی در تیم‌های باشگاهی همکاری با کشورهای دارای قرابت فرهنگی و زبانی لژیونر شدن بازیکنان ایرانی در تیم‌های خارجی انتخاب افراد شایسته در پست‌های فرهنگی ورزش	۸۲. ۸۳. ۸۴. ۸۵.
P1,P2,P3,P 4,P6,P8,P1 0,P11,P12, P14,P15,P 17,P18	توانمندسازی نیروی انسانی	تغییر نگاه مسئولان به دیپلماسی فرهنگی از طریق ورزش برگزاری دوره‌های تخصصی لازم در زمینه روابط بین‌الملل، پروتکل و تشریفات بین‌المللی	۸۶. ۸۷.

		بهره‌گیری از متخصصان برای ضابطه‌مند	۸۸.
		کردن اهداف دیپلماسی فرهنگی	
		آموزش قوانین هر کشور و اعلام قوانین	۸۹.
		داخلی به مسئولان مقصد قبل از اعزام تیم‌ها	
		استقلال مالی ورزش کشور	۹۰.
		تهیه استانداردهای اخلاقی و رفتاری برای	۹۱.
		ورزشکاران و مربیان	
		کسب کرسی‌های بین‌المللی	۹۲.
P1,P2,P5,P	مدیریت و	رعایت قوانین ورزشی بین‌المللی	۹۳.
7,P9,P11,P		حضور کمیته ورزش در کمیسیون فرهنگی ایران	۹۴.
13,P15,P1	برنامه‌ریزی	ثبات مدیریت	۹۵.
6,P16,P19		دریافت تعهد حرفه‌ای از ورزشکار	۹۶.
		شرح وظیفه برای هریک از وزارتخانه‌های	۹۷.
		مرتبط با ورزش کشور و اعزام تیم	
		تغییر نقش مالکیت دولت به نقش نظارتی	۹۸.
		تربیت ورزشکاران به‌عنوان سفیران فرهنگی	۹۹.
		اعتقاد و پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها در	۱۰۰.
		کلیه سطوح ورزشی ایران	
		بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری و	۱۰۱.
		آثار باستانی	
P2,P3,P4,P	ارزش‌سازی	سمبل‌سازی و نمادسازی از اسطوره‌های	۱۰۲.
5,P6,P7,P9	فرهنگی	فرهنگی ورزشی	
,		تقدیر از ورزشکاران برتر در حوزه	۱۰۳.
,P12,P13,P		اخلاقی فرهنگی	
14,P17		تدوین استانداردهای لازم فرهنگی در	
		هوادار همچون فرهنگ اعتراض، فرهنگ	۱۰۴.
		حمایت و ...	

۱۰۵.	توسعه ورزش کارگری و کارمندی	
۱۰۶.	تقویت همبستگی و هویت ملی از طریق ورزش دانش‌آموزی و دانشجویی	
۱۰۷.	انجام مسئولیت اجتماعی توسط ورزشکار و باشگاه‌های ورزشی	
۱۰۸.	بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی در توسعه ورزش	
۱۰۹.	استفاده از پتانسیل فرهنگی استان‌ها و قومیت‌های مختلف	
۱۱۰.	تمرکززدایی و بودجه‌بندی و توسعه زیرساخت بر اساس ورزش محبوب هر استان	
۱۱۱.	توسعه ورزش همگانی به‌عنوان زیربنای فرهنگی	
۱۱۲.	ارائه قابلیت‌های کشور از طریق میزبانی مسابقات با برنامه‌ریزی	
۱۱۳.	حمایت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از ورزش‌های بومی کشور	ظرفیت سازی فرهنگی
۱۱۴.	برگزاری جشنواره‌های متعدد ورزش بومی و محلی و استفاده از آن در مناسبات و مراسمات ملی	P5,P9,P13, P16, ,P17, ,P18
۱۱۵.	همراهی وزیر ورزش با رئیس‌جمهور در سفرهای بین‌المللی	
۱۱۶.	توسعه زیرساخت‌های ورزشی فرهنگی با حمایت دولت	
۱۱۷.	شروع آموزش ورزش‌های باستانی و اصول اخلاقی، فرهنگی در مدارس	

باعث بهبود و توسعه تعاملات از طریق فرهنگ و ورزش می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر در مورد عوامل اصلی توسعه دیپلماسی فرهنگی ایران با نتایج تحقیقات هایس (۲۰۲۴)، چناری بخشی و همکاران (۱۳۹۸)، میروسی و سلاجقه (۱۳۹۷)، ژائو و کنی‌جی‌نینگ (۲۰۲۱) و گراماولزی و دوسزی (۲۰۲۱) همسو می‌باشد و تحقیق ناهم‌سویی در این مورد مشاهده نگردید. در تبیین این هم‌سویی باید گفت که به منظور توسعه دیپلماسی فرهنگ ورزش باید از ظرفیت‌های فرهنگی، پیش‌نیازهای فرهنگی و جذابیت‌های فرهنگی و جذابیت‌های فرهنگ ورزش استفاده نمود. ورزش این قابلیت را دارد که به‌عنوان یک کانال مهم برای گسترش بین‌المللی فرهنگ، ارزش‌ها و حتی اهداف سیاست خارجی یک کشور عمل نماید. لذا وزارت ورزش و جوانان باید به دنبال استفاده از رشته‌های ورزشی، رویدادهای ورزشی و ورزشکاران در تلاش برای ایجاد تصویر یا برقراری رابطه با دیگر کشورها باشد. علاوه بر این باید به مواردی همچون سنت‌های عامه مردم، آداب و رسوم، شعار و اخلاقیات، ارزش‌ها، عقاید و بینش حاکم بر جامعه ایرانی نیز توجه ویژه داشت، چرا که فرهنگ تحت تاثیر این موارد می‌باشد. نتایج تحقیق بیداله‌خانی (۱۴۰۰) نشان داد که کشور نروژ با وجود ضعف‌های مهم ژئوپلیتیکی از جذابیت و محبوبیت بالایی در سطح نظام بین‌المللی برخوردار گردیده است، زیرا توانسته با بهره‌گیری از فرهنگ و از طریق ابزارهای دیپلماسی فرهنگی شهرت و محبوبیت بین‌المللی مثبتی کسب کند.

ورزش از نظر ماهوی و ذاتی، امری فرهنگی است و توجه به توسعه فرهنگی آن از اهمیت بالایی برخوردار است. از آنجا که فرهنگ، زیربنای تمامی تغییرات و تحولات در جامعه است، مسلماً توسعه فرهنگی ورزش نیز در این زمینه تابعی از فرهنگ و توسعه فرهنگی در سطح کلان می‌باشد. لذا همراه کردن دیپلماسی ورزشی با روابط فرهنگی از جمله مؤلفه‌های مولد قدرت نرم می‌باشد و ورزش بستری مناسب برای ارائه و ظهور خرده‌فرهنگ‌های کشورهای مختلف به‌ویژه میزبانان رویدادهای بزرگ ورزشی است. در واقع کشورها از طریق نمایش فرهنگ خود در رویدادهای بزرگ ورزشی می‌توانند به قبض و بسط جایگاه خود در عرصه بین‌المللی بپردازند. هایس (۲۰۲۴) معتقد است که دیپلماسی ورزشی، شکلی جذاب و ارزشمند از قدرت نرم است.

الگوهای فردی در توسعه دیپلماسی، دیپلماسی ورزشی و دیپلماسی فرهنگی ورزش نقش بسزایی دارند. حضور ورزشکاران (رفتار مسئولانه اسطوره‌هایی همچون تختی، علی دایی، ورزشکاران زن محجبه، حضور خانم ساره جوانمردی به‌راه فرزندش برای دریافت مدال قهرمانی در مسابقات پارالمپیک آسیایی هانگ‌کوزه به‌عنوان نماد احترام گذاشتن زن به نقش خانواده و نقش مادری)، مربیان و اسطوره‌های ورزشی ایران به عنوان سفیران غیررسمی ایران علاوه بر ایجاد تفاهم بین مردم ایران و سایر کشورها باعث نفوذ فرهنگی ایران و فراتر از آن، دیپلماسی و روابط مطلوب ایران با سایر کشورها خواهد شد.

از سوی دیگر، مولفه مهم دیگری که می‌تواند در توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران عامل تاثیرگذاری باشد، ارتباطات فراملی و کسب کرسی‌های بین‌المللی می‌باشد که به‌عنوان یکی از منابع قدرت غیرملموس و ابزاری برای دستیابی به اهداف ایران در عرصه بین‌الملل و روابط و جلوگیری‌کننده از برنامه‌ها و اهداف سیاسی کاری جهانی می‌باشد. این امر در تعمیق و نهادینه کردن روابط ایران با سایر کشورها و ایجاد بستر مناسب برای میزبانی رقابت‌های ورزشی و ارتقا و تعمیق روابط می‌باشد. حضور در عرصه‌ها و کرسی‌های بین‌المللی باعث رفع چالش‌های حضور برخی رشته‌های ورزشی، حضور بانوان محجبه در رقابت‌های بین‌المللی، کسب میزبانی در رویدادهای بین‌المللی و اشاعه ارزش‌های ایرانی-اسلامی و روشن شدن مواضع فرهنگی و ملی و تغییرنگرش‌های منفی و تبلیغات موثر خواهد شد.

نتایج بررسی عوامل زمینه‌ساز در توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران نشان داد ناکارآمدی در توانمندسازی کارکنان از طریق آموزش و توسعه نیروی انسانی، بهره‌نگرفتن از فرصت‌ها و عوامل نگرشی می‌تواند بر راهبردهای توسعه تعاملات از طریق فرهنگ و ورزش اثرگذار باشد. این شرایط بستر حاکم بر سازمان‌های متولی و ذی‌نفعان حوزه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران بوده و بر راهبردهای توسعه فرهنگی ورزش ایران تأثیر می‌گذارند. براساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان یکی از عواملی که می‌تواند سبب افزایش توانمندی در توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران شود بحث آموزش و توسعه می‌باشد. با آن‌که سازمان‌های بسیاری در حوزه فرهنگ ذینفع می‌باشند اما به دلیل ناکارآمدی سیستم آموزشی، توسعه فرهنگی دچار مشکل گردیده و لذا دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران نتوانسته موفقیت لازم را داشته باشد. این یافته با نتایج تحقیق محمدحسن و همکاران (۱۴۰۲) ناهمسو می‌باشد. در تبیین این ناهمسویی باید گفت که منابع انسانی اعم از مدیران و کارکنان، نقش پررنگی در توسعه سازمان‌ها و نهادها دارند و توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیست و مدیران و کارکنان وزارتخانه‌های ذی‌نفع در حوزه دیپلماسی فرهنگی ورزش برای انجام فعالیت‌های بین‌المللی و کسب کرسی‌ها نیازمند آموزش و توسعه می‌باشند. علاوه بر این، تأثیر آموزش بر رفتارهای فرهنگی افراد به‌ویژه در حوزه ورزش بسیار با اهمیت و اثرگذار می‌باشد. این آموزش در مراکز آموزشی توسط مدارس و دانشگاه‌ها و از طریق آموزش آداب و رسوم و شعائر و اخلاقیات و ارزش‌ها آغاز می‌گردد. در ادامه و در باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی و مراکز فرهنگی و شهرداری این آموزش را از طریق الگو برداری، ارتباطات فردی و اجتماعی، حقوق و تکالیف میان افراد و گروه‌ها دنبال خواهد شد.

براساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگان عامل مهم و اثرگذار دیگر، نیروی انسانی یا سرمایه انسانی است که می‌تواند گامی بلند در جهت توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران بردارد. به جرات می‌توان گفت که یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت در توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش در طول این سال‌ها، نبود نیروی انسانی کارآمد و با سابقه در مباحث فرهنگی و ورزشی و عدم آشنایی به اصول روابط دیپلماتیک می‌باشد. همین عامل در آموزش و انتقال سنت‌ها،

آداب و رسوم، ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی جامعه و فرهنگ ایرانی- اسلامی، پیشبرد اهداف توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش، بهره‌گیری از فرصت‌ها، کسب کرسی‌های بین‌المللی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نیز بسیار تاثیرگذار می‌باشد. این یافته با نتایج تحقیق محمدحسن و همکاران (۱۴۰۲)، قادری و همکاران (۱۴۰۱) همسوست، چرا که توسعه و توانمندسازی نیروی انسانی نیازمند آموزش و پرورش، بهره‌گیری از مدیران و افراد توانمند در حوزه فرهنگی و ورزشی، آشنایی به قوانین و اصول روابط دیپلماتیک، بهره‌گیری از فرصت‌های مطالعاتی، آشنایی به زبان بین‌المللی، کسب کرسی‌های بین‌المللی و ... می‌باشد.

علاوه بر این استفاده از ورزشکاران نخبه و افراد فعال در جوامع بین‌المللی ورزشی نیز می‌تواند گام مهمی در جهت ارتقای دیپلماسی و توسعه روابط داشته باشد. نخبگان و ورزشکاران طراز اول به‌عنوان دیپلمات‌های ورزشی به نوعی نمایندگان فرهنگی کشورهای خود نیز به حساب می‌آیند که فرهنگ کشور خود را در جهان به نمایش می‌گذارند.

عامل مهم و زمینه‌ساز توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران، عوامل نگرشی می‌باشد. ارتباطات و تعاملات با کشورهای دیگر نیاز به تغییر نگرش در این حوزه دارد. در وهله نخست وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذینفع در حوزه فرهنگ، ورزش و دیپلماسی باید رویکرد منفعلانه و تزئینی خود را تغییر دهند و اقدامات راهگشا و اثربخشی را در پیش بگیرند. بدین منظور باید تغییر نگرشی در نهادهای سیاست‌گذار، ناظر و هماهنگ‌ساز به ویژه در بحث قانون‌گذاری در عرصه بین‌الملل و دیپلماسی فرهنگی ورزش نیز صورت بگیرد، چرا که این موارد می‌توانند با شکل دادن به دیپلماسی فرهنگی از طریق ورزش و رویدادهای ورزشی بستری برای پیشبرد اهداف دیپلماسی در سطح بین‌المللی فراهم نماید. لذا توسعه دیپلماسی فرهنگی از طریق ورزش نیازمند نگاه ملی و عزم جدی در مسئولان، عدم محدود شدن صرف به مسائل فرهنگی مختص به قشر خاص، داشتن نگاه مسئله محور و خلاقانه به مسائل فرهنگی ورزشی و کیفیت‌گرایی، همکاری سازنده بین سازمان‌های ذینفع در فرهنگ و ورزش و در دستور کار قرار دادن و استفاده از پتانسیل ورزش توسط این سازمان‌هاست و در این صورت می‌توان به بهبود شرایط موجود و در نتیجه ارتقای دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران امیدوار بود. این یافته با نتایج تحقیق کریمی و همکاران (۱۴۰۱)، محمدی و همکاران (۱۴۰۱) و موسوی گرگری و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد.

نتایج بررسی عوامل مداخله‌گر در توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران نشان داد عواملی که سبب تسهیل یا مانع از توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران می‌گردد، موانع و تعارضات قانونی- مدیریتی می‌باشد. این عامل از طریق تناقضات رفتاری، عوامل مدیریتی، عوامل قانونی، عوامل سیاسی داخلی و ناآگاهی و بی‌توجهی مانعی در روند توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش خواهد شد که با نتایج تحقیقات جوادی‌پور و راسخ (۱۳۹۸) و پیمان‌فر و همکاران (۱۳۹۸) همسو می‌باشد. در تبیین این همسویی باید گفت که به دلیل نبود قواعد و ضوابط و چارچوب مشخص برای

اهداف دیپلماتیک ورزش، نبود جایگاه مشخص برای دیپلماسی در ورزش، ناهماهنگی و ناهمخوانی شرایط موجود با رویکردهای بین‌المللی، عدم حمایت از جایگاه اشخاص صاحب کرسی‌های بین‌المللی و ناهماهنگی میان متصدیان و پست‌های اداره امور بین‌المللی، همراستا نبودن گفتار و رفتار مبلغان فرهنگی و مسئولان، استفاده از ظرفیت بالقوه در ورزش با چالش‌های جدی مواجه شده است. همچنین نگاه حزبی و سیاسی، دخالت مجلس در انتخاب مدیران سازمان‌ها و وزارتخانه‌های ذینفع در حوزه فرهنگ، قدرت‌دهی بیش از حد به روسای فدراسیون‌ها، دخالت مستقیم دولت در ورزش و باشگاه‌داری، وجود تعارضات برخی ارزش‌های ایران با قواعد و هنجارهای حاکم بر ورزش جهان و سیاست‌زدگی ورزش در سطح ملی و فراملی مزید بر علت شده و جلوی توسعه تعاملات فرهنگی ورزش را گرفته است. لذا برای استفاده از ظرفیت فرهنگی با رویکرد ورزش و برای ارتباط با دیگر کشورها و برقراری ارتباط سازنده و تعامل بهره‌ور می‌توان از پتانسیل‌های فرهنگی و مبنا قرار گرفتن حاکمیت دستگاه‌های سیاست‌گذار در امر فرهنگ استفاده نمود و به عنوان ابزاری کارآمد و مؤثر در بهبود تصویر ایران اسلامی در جامعه بین‌الملل و افزایش و ارتقای قدرت نرم ایران بهره برد. عامل مهم و تسهیل‌کننده دیگر در توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران، مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح می‌باشد که می‌تواند حرکت توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران را منظم‌تر و روند توسعه آن را با سرعت بیشتر دنبال کند.

نتایج بررسی راهبردهای (راهبردهای عمل) توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران نشان داد تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه توسط ذینفعان باعث بهبود و توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران خواهد شد. این راهبرد با بهره‌گیری از فناوری و رسانه، هم‌افزایی، تجربه‌آموزی، اتحاد آفرینی، توانمندسازی نیروی انسانی، مدیریت و برنامه‌ریزی، ارزش‌های فرهنگی و ظرفیت‌سازی فرهنگی میسر خواهد شد. یافته تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات محمدحسن و همکاران (۱۴۰۲)، قادری و همکاران (۱۴۰۱)، کریمی و همکاران (۱۴۰۱)، حسینی عسگرآبادی و همکاران (۱۳۹۹)، پیمان‌فر و همکاران، جوادی‌پور و راسخ (۱۳۹۸)، اژدری و همکاران (۱۳۹۶)، ژائو و کنی‌جی‌نینگ (۲۰۲۱)، آتخمرووف و آمینوا (۲۰۲۰) و ترانکوز و هیبر (۲۰۱۷) همسو می‌باشد. بنظر می‌رسد دلیل همسویی نتایج تحقیقات انجام گرفته با تحقیق حاضر آن است که توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش متاثر از عوامل و سازمان‌های مختلف در حوزه فرهنگ از جمله: آموزش و پرورش، وزارت علوم، وزارت ورزش و جوانان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، باشگاه‌ها، فدراسیون‌ها، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و شهرداری‌ها می‌باشد. لذا با استفاده از هم‌افزایی و هماهنگی بین سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مرتبط و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی و الگوسازی از طریق آموزش و مبادله تجربیات از طریق افراد سرآمد و آموزش‌دیده می‌توان ظرفیت‌های فرهنگی و هویت فرهنگی ایران را بیش از پیش هویدا نمود. همچنین با توجه به گستره فرهنگ و عوامل و سازمان‌های تاثیرگذار در آن، مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح در گرو خلق و بهره‌گیری از الگوهای راهبردی متناسب می‌باشد. مدیریت و

برنامه‌ریزی راهبردی که جنبه‌های متفاوت این پدیده را در بر گرفته و متأثر از ارزش‌های جامعه ایرانی و به دنبال تدوین نقشه راه توسعه آن باشد. بنابراین پیشبرد اهداف در جهت توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران نیازمند جذب و توانمندسازی مدیران در راستای کسب کرسی‌های بین‌المللی، میزبانی رویدادهای بین‌المللی، تهیه استانداردهای اخلاقی و رفتاری برای ورزشکاران و مربیان، رعایت قوانین ورزشی بین‌المللی، حضور کمیته ورزش در کمیسیون فرهنگی، ثبات مدیریت، انتخاب افراد شایسته در پست‌های فرهنگی ورزش، تغییر نگاه مسئولان به دیپلماسی فرهنگی از طریق ورزش، برگزاری دوره‌های تخصصی لازم در زمینه روابط بین‌الملل، بهره‌گیری از متخصصان برای ضابطه‌مند کردن اهداف و آموزش قوانین، استفاده از ظرفیت اسطوره‌ها و قهرمانان ورزشی، ارتباطات فراملی تیم‌ها، مربیان و ورزشکاران است.

علاوه بر این، کشورها از طریق نمایش فرهنگ خود در رویدادهای مختلف به خصوص رویدادهای ورزشی به قبض و بسط جایگاه خود در عرصه بین‌الملل می‌پردازند. لذا به منظور شناساندن ظرفیت‌های فرهنگی ایران اسلامی باید از فناوری، رسانه‌ها، فضای مجازی و تولید محتوا در جهت معرفی و ترویج فرهنگی ایرانی-اسلامی استفاده نمود. رسانه علاوه بر معرفی ویژگی‌های فرهنگی ایران، در انتقال ارزش‌ها، آداب و رسوم (حضور ورزشکاران به‌ویژه بانوان محجبه در مسابقات رسمی) می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. از طرف دیگر، باید گفت که فرهنگ یک ملت تحت تاثیر بینش‌ها، عقاید حاکم و ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر، فرهنگ الگوی یکپارچه‌ای از عقاید و رفتارهاست که بستگی زیادی به ظرفیت‌های فکری و یادگیری اجتماعی دارد. ورزش این پتانسیل را داراست که بر طرز فکر و رفتار مشترک توده‌ها تأثیر بگذارد و فرصت‌هایی را برای ارتباط مردم با مردم فراهم کند که به طور متناوب بر تفکر سیاسی تأثیر می‌گذارد. همین امر باعث ایجاد اعتماد و همبستگی افراد جامعه نیز خواهد شد. لذا با استفاده از این راهبرد و به کمک اسطوره‌های ورزشی (رفتار مسئولانه اسطوره‌هایی همچون تختی، علی دایی و ...) می‌توان در ایجاد همبستگی داخلی نیز استفاده نمود.

نتایج بررسی پیامدهای توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران نشان داد پیامد و نتایج حاصل از به‌کارگیری راهبردهای توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران، توسعه پایدار ورزش در نقش قدرت نرم خواهد بود و باعث بهبود و توسعه اجتماعی، هویت‌سازی، توسعه اقتصادی و حل مناقشات بین‌المللی می‌گردد. اگر ذینفعان، راهبردهای توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران را به درستی تدوین و فرآیندها و مسیرهای مناسبی را ارائه نمایند و این فرایندهای اتخاذ شده خروجی مناسبی داشته باشند، می‌توانند منجر به پیامدهایی شوند که باعث بهبود و توسعه تعاملات از طریق فرهنگ و ورزش خواهند شد. اولین پیامد حاصل از اجرای راهبردهای پیشنهادی در جهت توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران، پیامد توسعه اجتماعی بود. یافته تحقیق حاضر در زمینه پیامد اجتماعی توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران با نتایج تحقیقات مین و چو (۲۰۱۹) و سبزی و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. به نظر می‌رسد دلیل احتمالی

این همسویی، رفتار انسانی و ارزش‌های انسانی ورزشکاران و اسطوره‌های ورزشی ایران در رقابت‌های بین‌المللی و جهانی در قالب بازی جوانمردانه (غلامرضا تختی و ...) باشد.

علاوه بر این، ورزش به عنوان ابزاری دیپلماتیک و تعاملات فرهنگی عامل مهمی در آشتی یا اتحاد، اعتمادسازی، اقناع و جلب مشارکت خواهد بود. همچنین با توجه به فشار گسترده تبلیغات منفی علیه ایران، استفاده از ابزار ترویج دیپلماسی فرهنگی ورزش از جمله سفیران ورزشی، برگزاری مسابقات دوستانه می‌تواند تا حدودی این حجم تبلیغات منفی را کاهش و ارتباطات ایران با سایر کشورها را پیوند دهد، چرا که ایجاد حس صلح و دوستی می‌تواند زمینه را برای کاهش تنش و تبلیغات منفی علیه ایران فراهم سازد و دیدی مثبت را به جهانیان القا کند و باعث احترام بین‌المللی گردد. در نتیجه این امر باعث بهبود و تصحیح تصویر ایران، تقویت دوستی، افزایش صلح، تحقق اهداف، مخاطب‌پذیری، انتقال فرهنگ بومی - محلی و اقلیمی ایران نیز خواهد شد. لذا باید گفت که توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران در حوزه پیامد توسعه اجتماعی موجب شکل‌دهی مثبت به افکار عمومی، بهتر شدن شرایط روانی و توسعه فرهنگی از طریق ورزش خواهد شد.

از طرف دیگر، نتایج تحقیق حاضر در مورد هویت‌سازی به‌عنوان یکی از پیامدهای توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران با نتایج تحقیقات هایس (۲۰۲۴)، گراماولزی و دوسزی، ژائو و کنی‌جی‌نینگ (۲۰۲۱) و اشنایدر (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. دلیل احتمالی همسویی نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات انجام شده این است که فرهنگ یک ملت، بیش از هر چیز تحت تاثیر بینش‌ها و عقاید حاکم بر آن می‌باشد و ورزش می‌تواند به عنوان یک کانال مهم برای گسترش بین‌المللی فرهنگ، ارزش‌ها و حتی اهداف سیاست خارجی یک کشور عمل کند. تصویب مجوز حضور زنان محجبه ایرانی (به‌عنوان بخشی از هویت ایرانی - اسلامی) در میداين بین‌المللی نمونه بارزی از اشاعه بینش ایرانی - اسلامی در ورزش است.

علاوه بر این، رفتار فرهنگی قهرمانان به‌عنوان شخصیت نمادین یک ملت، متاثر از عوامل متعددی همچون ارزش‌ها، آرمان‌های اجتماعی، سنت‌ها، آداب و رسوم و اخلاقیات می‌باشد. به‌طور مثال، خصایص پهلوانی و جوانمردی امروزه منجر به لزوم تدوین دستورالعمل‌هایی برای انجام دادن رقابت‌های جوانمردانه در فدراسیون‌های ورزشی جهان شده است. همچنین توجه و حفظ محیط زیست به عنوان یک فرهنگ عامه‌پسند در بین ملل مختلف - نمونه بارز آن تصویر یوزپلنگ در حال انقراض ایرانی در مسابقات جام جهانی فوتبال بر روی پیراهن تیم ملی فوتبال ایران - مثال‌زدنی است.

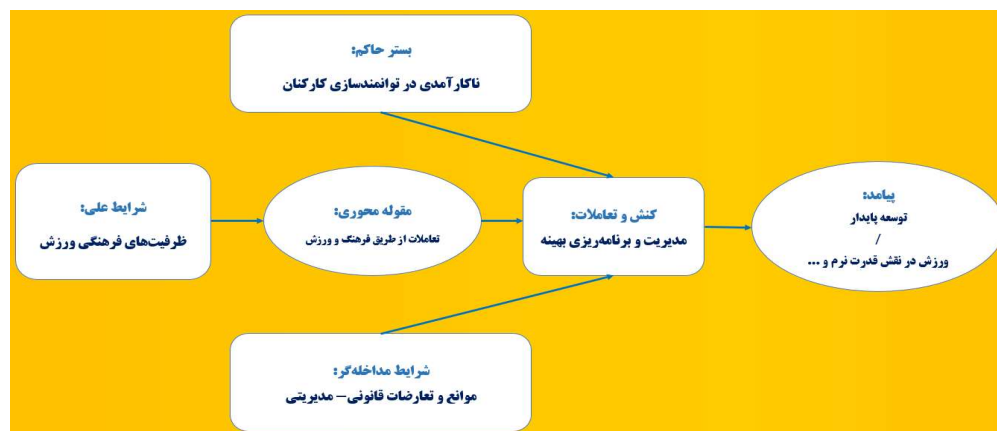
نتایج تحقیق حاضر در زمینه پیامد اقتصادی به عنوان یکی از پیامدهای توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش با نتایج تحقیقات محمدحسن و همکاران (۱۴۰۲)، کریمی و همکاران (۱۴۰۱) و موسوی گرگری و همکاران (۱۴۰۱) همسو می‌باشد. دلیل احتمالی این همسویی این است که ورزش پدیده‌ای فراگیر می‌باشد و به دلیل جذابیتی که بین

ملت‌ها دارد، فرصت تعامل با فرهنگ‌های دیگر ملل را تسهیل و زمینه را جهت تفاهم و ارتباط بیشتر فراهم می‌سازد. همین امر باعث کاهش تحریم‌های مختلف به‌خصوص تحریم‌های اقتصادی چند سال اخیر و گسترش دیگر زمینه‌ها و منافع اقتصادی ایران از طریق میزبانی مسابقات خواهد شد. لذا براساس نتایج به‌دست آمده باید گفت که توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران در حوزه پیامد اقتصادی موجب جمع‌آوری منابع و بهره‌مندی از آنها، کسب میزبانی رویدادهای بزرگ و جذب سرمایه‌گذاران خواهد شد.

از طرف دیگر نتایج تحقیق مروات و همکاران (۲۰۲۴) که به بررسی نقش دیپلماسی ورزشی در ارتقای صلح در چشم اندازهای جهانی پرداخته موید این امر می‌باشد که یکی از مواردی که به طور مستقیم بر سودمندی دیپلماسی ورزشی اثرگذار است، در دسترس بودن منابع مالی برای انجام سریع رویدادهای ورزشی می‌باشد.

یکی دیگر از پیامدهای توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش، حل مناقشات بین‌المللی می‌باشد که با نتایج تحقیقات صورت گرفته توسط، مروات و همکاران، دوبینسکی (۲۰۲۴)، موسوی گرگری و همکاران (۱۴۰۱)، ژائو و کنی‌جی‌نینگ (۲۰۲۱)، آتختمروف و آمینوا (۲۰۲۰)، قادری و همکاران (۱۴۰۰) و سبزی و همکاران (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. دلیل احتمالی این همسویی آن است که ورزش با فراهم کردن بستری کارآمد برای طرفین درگیر در مناقشه، نقش بسیار مثبتی در مدیریت تعارض دارد. دیپلماسی ورزشی توانسته تنش را کاهش دهد و وضعیت درگیری را عادی کند. دیپلماسی کریکت بین هند و پاکستان گواهی بر مثبت بودن ورزش است. کریکت محبوب‌ترین بازی در هر دو کشور بوده است تا جایی که کریکت به منبع پیوندهای زناشویی بین مردم دو کشور نیز تبدیل شده است. همچنین حضور در مسابقات و عرصه‌های ورزشی بین‌المللی می‌تواند منجر به شکل‌گیری روابط نزدیک و صمیمانه‌تر بین ایران با سایر کشورها شود و صلح و دوستی را افزایش دهد. نمونه بارز آن بازی ایران و آمریکا بود که در یک فضای دوستانه و عاری از اختلافات موجود میان دو کشور برگزار شد و حتی زمزمه‌هایی از صلح میان دو کشور وجود داشت. هنگامی که ورزشکاران ایران همچون دیگر کشورها برای شرکت در مسابقات ورزشی جهانی، المپیک، قاره‌ای یا مسابقات دوستانه گرد می‌آیند و وارد میدان‌های ورزشی می‌شوند، برای آنها فرصتی مهیا می‌شود که از مرزهای ملی بگذرند و به برقراری روابط دوستانه در صحنه‌های بین‌المللی مبادرت ورزند و این خود، در تحکیم مبانی صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در سطح جهان تأثیر دارد. این امر بستری را برای کاهش تحریم‌ها و دشمنی‌ها فراهم و زمینه‌ای ایجاد می‌کند تا کشورها روابط دیپلماتیک خود را با ایران از سر بگیرند. لذا با توجه به نتایج تحقیق و مطالب بیان شده، توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران موجب حل گره‌های سیاسی بین ایران با سایر کشورها، کاهش منازعات سیاسی و توسعه فرهنگ و صلح خواهد شد. لذا در پاسخ به سوال اصلی تحقیق مبنی بر طراحی مدل توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران و با توجه به مدل اولیه و الگوی مستخرج از تحقیق می‌توان گفت که در توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران و معرفی هویت فرهنگ ایرانی - اسلامی، عوامل و سازمان‌های متعددی دخیل و

اثرگذار می‌باشند؛ اما با این وجود درک موضوع فرهنگی با رویکرد ورزش از پختگی کامل برخوردار نیست. پس برای ایجاد مجموعه‌ای منسجم و متوازن از عوامل تعیین‌کننده در توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران و اشاعه یک خط‌مشی مناسب فرهنگی، الگوی توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران ارائه گردید تا بتوان از طریق آن توانایی‌ها و ظرفیت‌های ورزش در تغییر و ارائه تصویر ایران فرهنگی نمودار شود. دستیابی به هدف نهایی که همانا توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران است مستلزم هم‌افزایی سازمان‌های متولی و ذینفع در امر دیپلماسی فرهنگی ورزش، استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی ورزش، توانمندی نیروی انسانی در معرفی، انتقال و اشاعه ارزش‌ها، آداب و رسوم و عقاید حاکم بر فرهنگ ایرانی- اسلامی، رفع موانع و تناقضات قانونی و مدیریتی و استفاده از راهبرد مدیریت و برنامه‌ریزی بهینه علاوه بر توسعه تعاملات و بهبود دیپلماسی فرهنگی است که توسعه پایدار (توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)، بهبود و ارتقای هویت ایرانی- اسلامی و حل مناقشات بین‌المللی را نیز در پی خواهد داشت.



شکل ۲: الگوی توسعه دیپلماسی فرهنگی ورزش ایران

منابع

- اژدری، لیلا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ صالحی امیری، سیدرضا و سلطانی فر، محمد. (۱۳۹۶). «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات فرهنگ - ارتباطات. دوره ۱۸، شماره ۳۸، صص ۶۷-۱۰۲.
- بخشی چناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سیدنصرالله و جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۸). «ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی و ارتقای دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. سال ۶، شماره ۲۳، صص ۱۵-۲۲.
- بیداله‌خانی، آرش. (۱۴۰۰). «ساخت‌بندی تصویر ملت؛ دیپلماسی فرهنگی نوژ و جذابیت‌های بین‌المللی». پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل. سال ۱۰، شماره ۱، صص ۵۹-۹۱.
- بصیری، محمدعلی و خوانساری‌فرد، فهیمه. (۱۳۹۵). «تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی». فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی. سال ۱۲، شماره ۳۵، صص ۷۰-۱۰۴.
- پیمان‌فر، محمدحسن؛ الهی، علیرضا؛ سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم و حمیدی، مهرزاد. (۱۳۹۸). «تبیین دیپلماسی ورزشی با استفاده از الگوی پارادایمی: مطالعه‌ای کیفی». مدیریت ورزشی. دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۵۹-۷۵.

- جوادی پور، محمد و راسخ، نازنین. (۱۳۹۸). «نقش ورزش و توسعه دیپلماسی ورزشی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی- اجتماعی و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران». مدیریت ورزشی. دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۱۹-۲۳۴.
- حسینی عسگرآبادی، مریم؛ حیدری نژاد، صدیقه؛ رومی، فرشاد و مرعشیان، سیدحسین. (۱۳۹۹). «شناسایی راهبردهای موثر بر دیپلماسی عمومی ایران از طریق ورزش و پیامدهای آن». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۱۵۳-۱۶۸.
- درخشه، جلال و اسماعیلی کلیشمی، علیرضا. (۱۳۹۶). «دیپلماسی فرهنگی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا؛ فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها». فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال ۷، شماره ۲، صص ۲۷-۵۳.
- سبزی، زهره؛ شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و صابونچی، رضا. (۱۳۹۹). «طراحی مدل مفاهیم اثرگذار دیپلماسی ورزش بر توسعه روابط ایران و ایالات متحده». مدیریت ورزشی. ۱۱۲(۴)، صص ۱۱۱۹-۱۱۴۰.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی؛ دوگانه ورزش در عرصه بین‌المللی». فصل‌نامه مطالعات راهبردی. شماره ۹، صص ۲۰۵-۲۳۳.
- صباغیان، علی. (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزشی». مطالعات فرهنگ- ارتباطات. سال ۱۶، شماره ۳۱، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- فرزی، حامد؛ دعباسی، همایون و زردشتیان، شیرین. (۱۳۹۴). «تبیین رابطه هوش سازمانی و چابکی سازمانی با کارآفرینی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان ایران». مدیریت ورزشی. دوره ۷، شماره ۵، صص ۷۱۲-۷۲۹.
- قادری، منصور؛ سپهرنیا، رزیتا، صالحی امیری، سیدرضا و رضایی، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). «طراحی الگوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ورزش با تأکید بر حوزه سیاسی و ورزشی». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۴۹-۶۱.
- قوچوند، مهیار. (۱۳۹۸). «اثر اعتماد نهادی بر عملکرد با نقش میانجی آتومی سازمانی در وزارت ورزش و جوانان». رساله دکتری، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان.
- کریمی، ابراهیم؛ اصفهانی‌نیا، اکرم؛ احمدی، مجتبی و یای، ناصر. (۱۴۰۱). «شناسایی و تحلیل پیشران‌های کلیدی توسعه دیپلماسی فرهنگی در ورزش». نشریه پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. مقالات آماده انتشار.
- کیانی، شهزاد. (۱۳۹۴). «ارتباط بین سرمایه اجتماعی و تعهد سازمانی با توانمندسازی کارکنان فدراسیون‌های ورزشی منتخب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اسلامشهر.
- محمدحسن، فهیمه؛ هنری، حبیب؛ فراهانی، ابوالفضل، صفانیا، علی‌محمد و باقریان فرح‌آبادی، محسن. (۱۴۰۲). «ارائه مدل توسعه دیپلماسی از طریق ورزش». نشریه مدیریت ورزشی. ۲(۴)، صص ۱۹-۳۵.
- موسوی گرگری، سیده شیمیا. (۱۳۹۹). «طراحی مدل عوامل اثرگذار بر ارتقای دیپلماسی ورزشی ایران». رساله دکتری، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان.
- محمدی، معصومه؛ رضوی، سیدمحمدحسین و کلاته سیفری، معصومه. (۱۴۰۱). «تحلیل تماتیک عوامل موثر بر توسعه دیپلماسی بین‌المللی ورزش بانوان ایران». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۱۵، شماره ۷۷، صص ۲۶۷-۲۹۴.
- میروسی، سیدجلیل و سلاجقه، مریم. (۱۳۹۷). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل هویت دینی- ملی مؤثر در توسعه فرهنگی ورزش قهرمانی از دیدگاه ورزشکاران». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۱۰، شماره ۵۱، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- Akhmetkarimov, B.G., & Aminova, R.R. (2021). "Sport as a tool of soft power in modern international relations". Journal of Human Sport and Exercise, 16(2proc), S421-S426. doi: <https://doi.org/10.14198/jhse.2021.16.Proc2.27>.
- Garamvölgyi, Bence. Dóczy, Tamás. (2021). "Sport as a tool for public diplomacy in Hungary". Physical Culture and Sport. Studies and Research, 90, 39-49.
- Min, D., & Choi, Y. (2019). "Sport cooperation in divided Korea: an overstated role of sport diplomacy in South Korea". Sport in Society, 22(8), 1382-1395.
- Schneider, R. C. (2018). "Sport as a Facilitator of Positive International Relations". International Journal of Sport Culture and Science, 4(Special Issue 3), 843-851.

- Trunkos, J., & Heere, B. (2017). **“Sport diplomacy: A review of how sports can be used to improve international relationships”**. Case studies in sport diplomacy, 1-18.
- Zhao, Chuanqia. , & Knijnik, Jorge. (2021). **“Women’s Tennis Diplomacy: Australia–China Cultural Relations and Li Na as a Sports Celebrity Diplomat of the Australian Open”**. INTERNATIONAL JOURNAL OF SPORT POLICY AND POLITICS, VOL. 13, NO. 2, 341–358. <https://doi.org/10.1080/19406940.2021.1928732>.
- Hayase, Nicole. (2024). **“Sports Diplomacy: A Valuable Form of Soft Power”**. CMC Senior Theses. 3500.
- Dubinsky, Yoav. (2024). **“The Olympic Games and Judo Diplomacy: An Exploratory Discussion on Country Image in Tokyo 2020”**. Communication & Sport, Volume 12, Issue 1, February 2024, Pages 149-169.
- Marwat, Mohibullah Khan. Tabassum Cheema, Fozia. Ali, Yasir. Hussain, Sajid. Mehmood, Kashif. Saman, Samera. (2024). **“Role of Sports Diplomacy in Promoting Peace in global Perspectives”**. Al-Qantara, Volume 10, Issue 1.

دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس^۱

رضا صابونچی^۲

مریم حسینی عسگرآبادی^۳



[10.22034/ssys.2023.2736.2979](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.2736.2979)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

هدف تحقیق حاضر، مطالعه نقش دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین الملل با کشورهای حوزه خلیج فارس بود. از این رو، تحقیقی کاربردی و اکتشافی به روش آمیخته با راهبرد نظریه‌سازی داده‌بنیاد بر اساس مدل گلنیزر و رویکرد استقرایی انجام شد ۱۶ مصاحبه با اساتید مدیریت ورزشی و دیپلماسی ورزشی شاغل یا همکار در وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و وزارت امور خارجه تا اشیاع نظری صورت گرفت. تحلیل داده‌های کیفی طی دو مرحله کدگذاری واقعی و کدگذاری نظری انجام و در نهایت ۶۴ کد باز در ۱۲ مفهوم و ۴ مقوله شناسایی شد. جهت تدوین مدل، داده‌های ۳۱۱ نفر از کارشناسان حوزه مربوط به تحقیق با روش معادلات ساختاری بررسی شد. با توجه به نتایج دیپلماسی فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی و عمومی به ترتیب بیشترین اثر را در دیپلماسی ورزشی با کشورهای حوزه خلیج فارس خواهند داشت. در این بین استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد منطقه، تعامل با دستگاه دیپلماسی کشور و تولید آثار رسانه‌ای مشترک با سایر کشورها، همکاری اقتصادی با کارآفرینان حوزه خلیج فارس و تنظیم سند همکاری وزارت ورزش و جوانان با وزارت امور خارجه موثرترین راهبردها هستند. تشکیل کمیته‌ای مرکب از نهاد های متولی ورزش و دیپلماسی کشور و برنامه‌ریزی برگزاری رویداد ورزشی در حوزه خلیج فارس با پیام صلح و دوستی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: دیپلماسی ورزشی، خلیج فارس و وزارت ورزش و جوانان.

^۱ این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با حمایت اداره کل ورزش و جوانان استان هرمزگان انجام پذیرفته است.

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Saboonchi.reza@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

ورزش پدیده ای جذاب و مورد علاقه همه مردم دنیاست. وقایع ورزشی از زمان‌های قدیم بخش جدایی‌ناپذیر از تلاش برای تقویت روابط بین کشورها بوده و بر این اساس دیپلماسی ورزشی از اشتیاق جهانی به ورزش به‌عنوان راهی برای عبور از اختلافات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی استفاده می‌کند و مردم را به هم پیوند می‌دهد. وقایع ورزشی و مبادلات ورزشی باعث افزایش گفتگو و تفاهم فرهنگی بین مردم در سراسر جهان می‌شود (ماهنتا و دشیپند^۱، ۲۰۱۹). ورزش ابزاری صلح‌آمیز برای امور بین‌المللی بوده و نقش مهمی در تقویت و توسعه روابط دیپلماتیک کشورها و ایجاد صلح جهانی ایفا می‌نماید (مارلین و همکاران^۲، ۲۰۱۹). اگر چه دیپلماسی ورزشی در سال‌های اخیر به‌عنوان زیرشاخه دیپلماسی عمومی مورد توجه بوده است، لیکن تاریخچه این موضوع مربوط به قرن نهم پیش از میلاد و اولین جشنواره بازی‌های المپیک باستان است که یک آتش بس توسط پادشاهان امضا شد (گریس^۳، ۲۰۱۴). در آن زمان توافق شد رفتارهای خشن و دشمنانه طی برگزاری بازی به حالت تعلیق درآید تا موجبات خشنودی تماشاگران و ورزشکاران فراهم گردد. پس از قرن‌ها، امروزه ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته مرزها را کمرنگ و راه‌های بیشتری را برای گفت‌وگو باز کند تا از طریق ورزش افراد با فرهنگ‌ها و عقاید مختلف در کنار یکدیگر جمع شوند (دوستی، ۱۳۹۱).

در نظام بین‌الملل، کشورها به دنبال افزایش قدرت، ثروت، جایگاه و منزلت خود هستند (میلسن^۴، ۲۰۰۵). دیپلماسی عمومی به‌ویژه به لحاظ ارتقای وجهه یک کشور و درواقع سازوکاری برای افزایش قدرت نرم به شمار می‌رود. سیاست‌مداران از رویدادهای ورزشی همچون المپیک و جام جهانی فوتبال به عنوان ابزارهای نرم و جذاب برای دستیابی به اهداف دیپلماسی عمومی استفاده می‌نمایند (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). ورزش نمونه مطالعاتی مهمی برای جامعه جهانی به شمار می‌رود؛ از یک‌سو نقش آن در تحکیم روابط میان کشورها و از سوی دیگر، نقش ابزاری این پدیده در سنجش و مقایسه کشورها با یکدیگر موجب شده تا پژوهشگران ورزش را به‌عنوان مؤلفه‌ای جدانشدنی از تمامی ارتباطات و تعاملات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یاد کنند (فیض‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۳). پیشینه تحقیق نشان می‌دهد دولت‌ها جهت دستیابی به اهداف مختلفی مانند سلامتی و آمادگی جسمانی جهت دفاع ملی، همبستگی اجتماعی، ارتقای ایدئولوژی سیاسی، بالا بردن وجهه ملی، حفظ مقبولیت، روحیه تندرستی و دستیابی به اهداف سیاست خارجه از دیپلماسی ورزش به عنوان ابزاری نرم بهره می‌برند (میشل^۵، ۲۰۱۷ و ماهنتا و دشیپند^۶، ۲۰۱۹). در همین راستا انگلیس میزبان المپیک ۲۰۱۲ لندن از چهار سال قبل کمپین‌هایی را جهت سازمان‌دهی بازی‌های المپیک با هدف ارائه تصویر مناسبی از فرهنگ انگلیسی به گردشگران ورزشی حاضر در رویداد و میلیون‌ها انسانی که این رویداد بزرگ را از تلویزیون رصد می‌کنند، تاسیس نمود. شریعتی فیض‌آبادی (۱۳۹۹) اعلام داشت کشورهای

¹ Mahanta & Deshpande

² Marlene

³ Grix

⁴ Melissen

⁵ Michal

⁶ Mahanta & Deshpande

توسعه یافته مانند ایالات متحده، ژاپن و استرالیا در کنار کشورهای دارای اقتصاد نوظهور روسیه و چین به دنبال تحقق اهداف کلان سیاسی خود در بستر ورزشی هستند، حال آنکه تصمیم گیران سیاسی ایران به ورزش به عنوان پدیده‌ای تفریحی می‌نگرند. با وجود این، بخشی چناری و همکاران (۱۳۹۸) فرهنگ غنی و جاذبه‌های گردشگری کشور و عاری بودن دیپلماسی ورزشی از لحن خصمانه را از مهم‌ترین نقش‌های دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه نخبگان دانستند. نتایج تحقیقات داخلی مهم‌ترین عوامل تبیین دیپلماسی عمومی ایران را توانمندسازی شبکه‌های ارتباطی، دیپلماسی فرهنگی، تعاملات آکادمیک و تشکیل نهاد عهده‌دار تدوین و اجرای دیپلماسی ورزشی گزارش نمودند (شریعتی فیض‌آبادی و منظمی، ۱۴۰۰ و حسینی عسگرآبادی و همکاران، ۱۴۰۰). در نمونه تحقیقات خارجی، مارلین^۱ و همکاران (۲۰۱۹) بیان داشتند که ورزش و رویدادهای ورزشی نقش مهمی در تقویت و توسعه روابط دیپلماتیک بین کشورها و ایجاد صلح در جهان ایفا می‌کنند. مین و چوی^۲ (۲۰۱۹) و بنسی و تاماس^۳ (۲۰۲۱) ورزش را ابزار مهم دیپلماتیک در گسترش روابط دو کره و نیز مجارستان دانستند.

مشارکت در فرهنگ جهانی ورزش در سه دهه گذشته با اهتمام نهادهای متولی ورزش کشور و اقداماتی از جمله تأسیس «فدراسیون ورزش همبستگی زنان مسلمان» در سال ۱۳۷۰، تأسیس «فدراسیون ورزشی غرب آسیا» وابسته به شورای المپیک آسیا در تهران سال ۱۳۷۶، تأسیس «فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای» در مهرماه ۱۳۸۳ و کسب میزبانی، کرسی‌های جهانی و مدال‌های مختلف بین‌المللی در راستای بهبود دیپلماسی عمومی به‌کار گرفته شده است. لیکن همانگونه که اشاره شد، دانش و هدایت روابط در ورزش به عبارتی دیپلماسی ورزشی و اهمیت و ضرورت آن به طور کامل توسط تصمیم‌سازان سیاسی و ورزشی کشور تعقیب نمی‌شود. از سوی دیگر، خلیج فارس از نظر راهبردی در منطقه خاورمیانه، به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مرکز ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرقی است. منابع سرشار نفت و گاز، ویژگی‌های گردشگری، اهمیت ویژه اقتصادی و... موجب تنش‌های فراوان در این منطقه بین هشت کشور حوزه خلیج فارس و حتی دیگر کشورهای جهان شده است. لذا یافتن راهکارهایی علمی و عملیاتی به منظور بهبود روابط و نزدیکی دیدگاه‌های کشورهای این حوزه لازم و ضروری است و بی شک دنیای ورزش نقشی کلیدی دارد. بر اساس آنچه بیان شد، تحقیق حاضر با هدف مطالعه راهبردهای این پدیده مهم به‌ویژه در منطقه و حوزه حساس خلیج فارس طرح‌ریزی و به دنبال ارائه الگوی برآمده از نظر متخصصان و دست‌اندرکاران دیپلماسی ورزش می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر با توجه به هدف ارائه مدلی نظام‌مند و شماتیک، کاربردی و اکتشافی با روش آمیخته است. راهبرد قسمت کیفی، نظریه‌سازی داده‌بنیاد بر اساس مدل گلیزر با رویکرد استقرایی می‌باشد. محقق در فرآیند تحقیق بنا بر توصیه گلیزر، بدون هیچ پیش‌برداشتی از مواجه مشارکت‌کنندگان با مسئله تحقیق مراحل را طی نمود. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، گردآوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به‌صورت هم‌زمان و متوالی انجام گرفت. پژوهشگر

¹ Marlene

² Min & Choi

³ Bence & Tamás

اولین داده‌ها را گردآوری و بلافاصله تحلیل نمود تا مقوله‌های مقدماتی به دست آمد. سپس تصمیم‌گیری مبنی بر این که در نمونه بعدی به دنبال چه داده‌هایی باشد، انجام پذیرفت.

مراحل تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در قالب دو مرحله کدگذاری واقعی (دو مرحله کدگذاری باز و انتخابی یا محوری) و کدگذاری نظری انجام گرفت. در مرحله کدگذاری باز، مطالب خطبه‌خط خوانده و به هر قسمت از داده‌ها (یک کلمه، خط یا پاراگراف) یک برچسب اختصاص داده شد. هر نکته کلیدی، یک واقعه محسوب و سپس واقعه‌ها را به یک سطح بالاتر یعنی مفهوم انتقال دادیم. بعضی از مفاهیم، از ترکیب چند واقعه به دست آمد و بعضی، تنها از یک واقعه یا نکته کلیدی حاصل شدند. بر اساس رویکرد ظاهرشنونده، کدگذاری باز با اقدام به کدگذاری آزاد داده‌ها تا زمانی ادامه پیدا نمود که اثرات مقوله محوری نمودار شد. بدین ترتیب در مرحله بعدی، یعنی کدگذاری انتخابی از طریق مقایسه مستمر کدها و مفاهیم تولیدشده در مرحله قبلی، مقوله‌های فرعی و مقوله محوری یا اصلی شکل گرفت. کدگذاری نظری به تلفیق مقوله‌ها از طریق یک الگوی ارتباطی با بهره‌گیری از تحلیل ادبیات تحقیق تا رسیدن به مدل نظری داده‌ها انجام گرفت. در نهایت ۶۴ کد باز در ۱۲ مفهوم و ۴ مقوله شناسایی شد.

معیار ورود به جامعه آماری بخش کیفی، اساتید مدیریت ورزشی و محققان حیطه دیپلماسی ورزشی شاغل یا همکار در وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و وزارت امور خارجه که در زمینه تحقیق دارای تالیف یا مقالات علمی هستند، می‌باشد. در بخش کمی نیز کارشناسان وزارت ورزش و جوانان، وزارت امور خارجه، کمیته ملی المپیک، روسای فدراسیون‌های ورزشی جامعه آماری را تشکیل می‌دادند. در بخش کیفی، نمونه‌گیری به روش هدفمند و از نوع گلوله‌برفی بود. ابتدا با شرط دارا بودن معیار ورودی، دو نفر از متخصصان شناسایی و مصاحبه عمیق با آنان صورت گرفت. پس از اتمام هر مصاحبه از فرد خواسته شد سایر خبرگان را با رعایت معیار ورودی معرفی کند. این کار تا رسیدن به اشباع نظری- جایی که داده‌های جدید جمع‌آوری شده با داده‌هایی قبلی تفاوتی نداشت- ادامه و در نهایت تعداد ۱۶ مصاحبه انجام شد. در بخش کمی با توجه به تعداد ۶۴ سوال و هر سوال حداقل ۶ نمونه، در مجموع نمونه برابر با ۳۸۴ نفر تعیین و محقق موفق به گردآوری اطلاعات ۳۱۱ نفر (۸۱ درصد) شد.

برای تعیین اعتمادپذیری، انتقال‌پذیری و تأییدپذیری سه نسخه از رونوشت مصاحبه‌ها به همراه نحوه کدگذاری و مدل برخاسته از مدل نهایی در اختیار ۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. آن‌ها با اعمال نظرات و در نهایت با تأیید مطالب برداشت‌شده از مصاحبه‌ها، کلیت الگو و روش رسیدن به آن را تأیید نمودند. از پایایی باز آزمون و روش توافقی درون‌موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها استفاده شد. از بین مصاحبه‌های انجام گرفته، تعداد ۳ مصاحبه انتخاب و هر کدام از آن‌ها دو بار در یک فاصله زمانی ۱۵ روزه توسط پژوهشگر و همکار طرح بررسی گردیدند که میزان توافق درون موضوعی ۰/۹۰ به دست آمد. همچنین جهت سنجش روایی از روایی محتوا، صوری و سازه استفاده و نتایج آن مورد تأیید قرار گرفت. تحلیل داده‌های کمی نیز با استفاده از روش معادلات ساختاری و نرم افزار pls نسخه ۴ انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

بخش کیفی

اطلاعات مربوط به مشخصات فردی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های مرتبط با پژوهش در جدول ۱ ارائه

شده است:

جدول ۱: ویژگی مشخصات نمونه‌های کیفی

نمونه‌ها	شغل	تحصیلات	محل کار یا همکاری	تعداد تالیفات یا مقالات
P1	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	فدراسیون	۱۲
P2	فعال در حوزه دیپلماسی	کارشناسی ارشد	فدراسیون	۴
P3	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	وزارت ورزش	۸
P4	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	وزارت ورزش	۶
P5	فعال در حوزه دیپلماسی	کارشناسی ارشد	فدراسیون	۴
P6	فعال در حوزه دیپلماسی	کارشناسی ارشد	کمیته ملی المپیک	۳
P7	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	کمیته ملی المپیک	۵
P8	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	کمیته ملی المپیک	۵
P9	فعال در حوزه دیپلماسی	کارشناسی ارشد	فدراسیون	۶
P10	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	فدراسیون	۵
P11	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری تخصصی	وزارت ورزش	۵
P12	وزارت ورزش و جوانان	دکتری تخصصی	وزارت ورزش	۳
P13	وزارت ورزش و جوانان	دکتری تخصصی	وزارت ورزش	۳
P14	وزارت ورزش و جوانان	دکتری تخصصی	فدراسیون	۵
P15	وزارت امور خارجه	دکتری تخصصی	وزارت امور خارجه	۹
P16	وزارت امور خارجه	کارشناسی ارشد	وزارت امور خارجه	۴

کدگذاری واقعی و نظری

در نهایت پس طی مراحل کدگذاری، ۶۴ کد باز در ۱۲ مفهوم و ۴ مقوله شناسایی شد. نتایج در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: نتایج کدگذاری‌ها

مقولات	مفاهیم	کدهای باز
		۱. شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر نیازهای ورزشی کشورهای منطقه خلیج فارس
		۲. مخاطب شناسی و آشنایی کافی با ذائقه مخاطبان پیش از تولید محتوا
	نیازسنجی رسانه‌ای	۳. تعریف اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت ورزشی برای ایجاد ارتباط
		۴. تأسیس مجامع جدید رسانه‌ای ورزشی در سطح کشورهای منطقه
		۵. استفاده از آثار هنری و مستندهای ورزشی اثرگذار
		۶. تعامل وزارت ورزش و جوانان دوسویه با سازمان‌های رسانه‌ای
		۷. تعامل سازمان‌های ورزشی بیشتر با دستگاه دیپلماسی رسمی کشور
	تعاملات رسانه‌ای	۸. استفاده از تکنیک برجسته‌سازی در مورد اشتراکات ایران و خلیج فارس
		۹. تولید آثار مشترک ورزشی از طریق همکاری با سایر کشورهای همسایه
دیپلماسی رسانه‌ای ورزش		۱۰. بهره‌مندی از تاریخ و تمدن غنی ایران برای فعالیت در حوزه ورزش
		۱۱. بهره‌گیری از کارکرد سرگرمی در شبکه‌های ورزشی برای جذب مخاطب
	محتوای رسانه‌ای	۱۲. برنامه‌های مشترک بر اساس مزیت‌های نسبی موجود با منطقه

۱۳. تولید محتوا بر اساس قرابت‌های دینی و فرهنگی با کشورهای منطقه		
۱۴. پیشرفت در زمینه ارتباطات با سایر کشورهای منطقه		
۱۵. بهبود سیستم‌های اطلاع‌رسانی در بین جوامع بین‌الملل		
۱۶. توسعه سیستم‌های مجازی ارتباطات		
۱۷. وقوع انقلاب اطلاعات در عصر جدید	فناوری‌های اطلاعاتی	
۱۸. وجود فناوری‌های نوین با استفاده از زیرساخت‌های ارتباطی		
۱۹. وجود و توسعه شبکه‌های بر خط برای ایجاد ارتباط با سایر کشورها		
۲۰. وجود ابزارهای پیشرفته اطلاع‌رسانی در امور ارتباطی		
۲۱. تبلیغ و ترویج فرهنگ غنی اسلامی با استفاده از ظرفیت ورزش		
۲۲. تصویرسازی از رشد ورزشی ایران و انتقال آن به کشورهای همسایه		
۲۳. تقویت اقتدار سیاسی ورزشی ایران در راستای تحکیم روابط با کشورهای منطقه	الزامات ارزشی	
۲۴. نمادسازی و تصویر سازی مشترک در سطح منطقه		
۲۵. اعتبار سازی در مجامع بین‌المللی برای ایجاد ارتباط		
۲۶. ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری در بخش روابط ورزشی		
۲۷. جذب دیپلمات‌های متخصص و متعهد در کشورهای حاشیه خلیج فارس		
۲۸. فعال‌سازی ظرفیت‌های نخبگان ورزشی و همسو با اعتقادات اسلامی		
۲۹. بهره‌برداری از ظرفیت ورزشکاران اعزامی به مسابقات در کشورهای همسایه	دبلماسی فرهنگی ورزش	ارتباطات فرهنگی
۳۰. استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای منطقه		
۳۱. تقویت محافل و تبادل علمی ورزشی با سایر کشورهای منطقه		
۳۲. روابط تجاری ورزشی و گردشگری در حوزه ورزش		

۳۳. روابط بین نهادهای فرهنگی و آموزشی و ورزشی در جهت توسعه ارتباطات	
۳۴. پیوند فکری و اجتماعی آحاد مردم در کشورهای همسایه	
۳۵. برندسازی ورزشی ایران مبتنی بر مفاهیم درست و مبانی فکری	
۳۶. برندسازی متمرکز بر هویت، ذهنیت و منزلت ورزش ایران	برندسازی فرهنگی
۳۷. برندسازی ورزشی مبتنی بر نمایش احساس و ادراک ملت ایران	
۳۸. تخصصی شدن فعالیت دیپلمات‌ها در زمینه اقتصاد ورزشی	
۳۹. آموزش دیپلمات‌ها در زمینه حوزه‌های بازاریابی ورزشی	
۴۰. توجه به ظرفیت‌های اقتصاد ورزش در جامعه هدف	
۴۱. توسعه فعالیت سازمان‌های غیر دولتی و خصوصی	توسعه اقتصادی
۴۲. استفاده از ظرفیت فناوری‌های ارتباطی در توسعه اقتصاد بین‌المللی ورزش	
۴۳. توسعه تجارت و بازاریابی ورزشی و ارتباطات تجاری با سایر کشورها	
۴۴. توسعه ائتلاف‌های سازمان‌های غیر دولتی در ورزش بین‌الملل	دیپلماسی اقتصادی ورزش
۴۵. برنامه‌ریزی برای همکاری اقتصادی در ورزش با کارآفرینان کشورهای منطقه	بازاریابی بین‌المللی
۴۶. بالا رفتن توان تجزیه و تحلیل افراد از ارتباطات بازاریابی بین‌المللی	
۴۷. از بین بردن موانع بازاریابی توسعه کشورها از طریق ورزش	
۴۸. کاهش رقابت‌های بین‌نژادی در منطقه و حفظ انسجام بین‌المللی	
۴۹. دفاع از گروه‌های تحت ستم و گروه‌های آسیب‌دیده در مناطق محروم	درک و بصیرت عمومی
۵۰. آگاهی از میزان تأثیرگذاری افراد بر تحولات بین‌المللی	

۵۱. کاهش خشونت جهانی با استفاده از ظرفیت‌های ورزشی	
۵۲. پاسخگویی در برابر مردم برای ایجاد برنامه‌های جذاب ورزشی	دیپلماسی عمومی
۵۳. پدیدار شدن موضوعاتی با ماهیت فراملی در بخش ورزش	ورزش
۵۴. بازنگری آیین‌نامه‌های اجرایی نهاد های ورزشی	
۵۵. تنظیم سند همکاری بین وزارت ورزش و وزارت امور خارجه	
۵۶. تدوین برنامه های راهبردی در ارتقای دیپلماسی عمومی از طریق ورزش	آموزش و یادگیری
۵۷. برگزاری جلسات هم‌اندیشی بین وزارتخانه‌های مرتبط	
۵۸. آموزش و تقویت مفاهیم مرتبط با دیپلماسی عمومی از طریق ورزش	
۵۹. معرفی دیپلماسی عمومی از طریق ورزشی به صورت فرا حکومتی	
۶۰. هماهنگی بین سیاست‌های کشور و سیاست‌های عمومی	
۶۱. ارتقای فرهنگ شفافیت سیاست‌گذاری در روابط بین‌المللی ورزشی	
۶۲. داشتن صداقت عمومی دولت‌ها در تبیین اهداف ارتباطی	پیشران‌های بین‌المللی
۶۳. بهبود فرهنگ پاسخگویی در مقابل اهداف و برنامه‌های ورزشی	
۶۴. مشارکت افراد در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با ارتباطات منطقه‌ای	

بخش کمی

ویژگی نمونه‌های کمی شامل ۶۷ در صد مرد و ۳۳ در صد زن با میانگین سنی ۳۵ سال است. همچنین ۱۶ درصد دارای مدرک دکتری، ۶۶ درصد کارشناسی ارشد و ۱۸ درصد کارشناسی هستند. نتایج تحلیل عاملی نشان داد بارهای عاملی تمامی گویه‌ها بیشتر از ۰/۶، پایایی مرکب برای همه متغیرها بزرگتر از ۰/۸، میانگین واریانس برای تمام متغیرها بزرگتر از ۰/۵ و همچنین آلفای کرونباخ و Rho نیز بیشتر از ۰/۷ می‌باشد که این مقادیر، اعتبار همگرایی نسبتاً بالایی را نشان می‌دهند. شاخص‌های برازش مدل نیز در

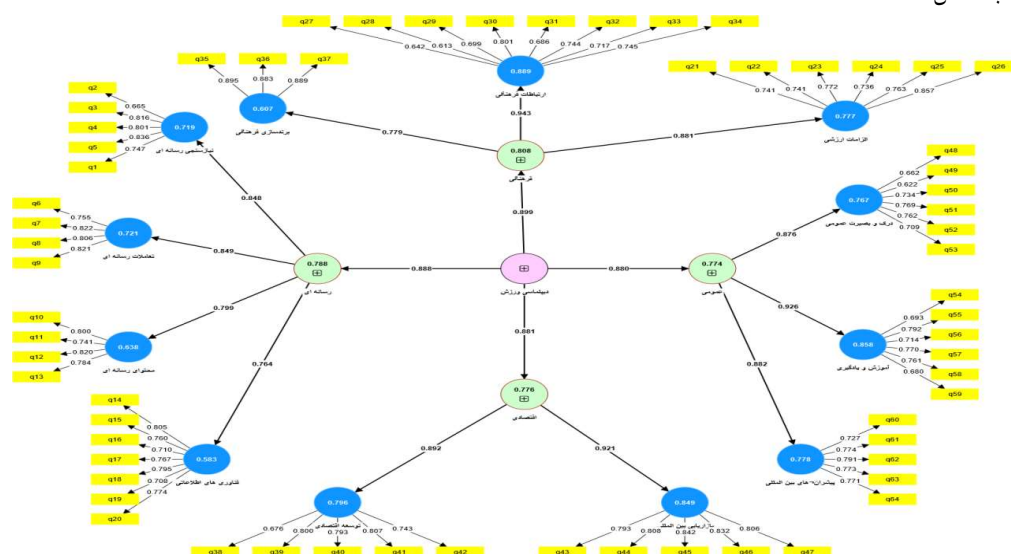
جدول ۳ آمده که نشان‌دهنده کیفیت مناسب مدل آزمون است. مدل تحقیق به همراه ضریب مسیر به دست آمده در شکل ۱ مشخص گردیده است:

جدول ۳: مقادیر شاخص‌های برازش برای متغیرهای مدل تحقیق

مؤلفه	Q2	R2	SRMR
دیپلماسی رسانه‌ای	۰/۴۵۸	۰/۷۸۸	۰/۰۸۶
دیپلماسی فرهنگی	۰/۴۲۵	۰/۸۸۹	
دیپلماسی اقتصادی	۰/۰۴۴۷	۰/۷۷۶	
دیپلماسی عمومی	۰/۴۸۹	۰/۷۷۲	

در ادامه تصویر مدل آزمون‌شده تحقیق به همراه ضریب مسیر به دست آمده برای تمامی مسیرهای مدل در

قالب شکل ۱ آمده است:



شکل ۱: مدل نهایی پژوهش در حالت ضریب مسیر و بارهای عاملی

بر اساس یافته‌های شکل ۱، دیپلماسی فرهنگی بیشترین اثر را در دیپلماسی ورزشی با کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد داشت. همچنین دیپلماسی رسانه‌ای، اقتصادی و عمومی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در این بین، ارتباطات فرهنگی، تعاملات رسانه‌ای، بازاریابی بین‌المللی و آموزش و یادگیری نقش مهم‌تری را ایفا می‌نمایند. از طرفی استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد منطقه، تعامل با دستگاه دیپلماسی کشور و تولید آثار رسانه‌ای مشترک با سایر کشورها، همکاری اقتصادی با کارآفرینان حوزه خلیج فارس و تنظیم سند همکاری وزارت ورزش و جوانان با وزارت امور خارجه به‌عنوان موثرترین مؤلفه‌های راهبردی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌المللی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس شناسایی شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر، مطالعه نقش دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل با کشورهای حوزه خلیج فارس بود. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های راهبردی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، دیپلماسی فرهنگی است. یافته‌های تحقیق حاضر با نتایج پژوهش شریعتی فیض‌آبادی و منظمی (۱۴۰۰)، محمدی عزیزآبادی و بهشتی (۱۳۹۹) همسوست. منظور از دیپلماسی فرهنگی، تاکید بر مفاهیم الزامات ارزشی، ارتباطات فرهنگی و برندسازی فرهنگی است. با شروع قرن بیستم همزمان با افزایش اوقات فراغت در کشورها مفهوم ورزش و توسعه مراکز ورزشی و تفریحی به‌عنوان یکی از ابزارهای درآمدزا در گذران اوقات فراغت اهمیت یافت (صبغیان، ۱۳۹۴). در این بین، دو رویکرد مرتبط به هم شامل افزایش روزافزون تعاملات بین‌المللی و بین‌المللی شدن ورزش اهمیت فراوانی دارد (بخشی چناری و همکاران، ۱۳۹۸). ورزش مردم را متحد و مرزهای میان آنان را کمرنگ می‌سازد (اسپایج^۱، ۲۰۱۱). فرد از طریق ورزش مورد پذیرش اجتماعی قرار گرفته و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهد. همچنین مشارکت در فعالیت‌های ورزشی ارتباطات و اعتمادسازی نسبت به دیگران را افزایش می‌دهد. ورزشکاران با نژاد و فرهنگ متفاوت در جریان یک رویداد ورزشی احساس با هم بودن را قوی و مرزهای تمایز را از بین می‌برند (آدیر رو^۲، ۲۰۱۰). این مسئله همان نقطه ثقل کارآمدی است که دیپلماسی ورزشی باید در سیاست خارجی یک کشور بر آن تکیه کند. دولت‌ها از ورزش برای افزایش باروری غرور ملی در سطح بین‌المللی استفاده می‌کنند و با به‌کارگیری قدرت نرم ایجادشده از این طریق نفوذ منطقه‌ای و جهانی خود را گسترش می‌دهند. علاوه بر این، رخدادهای بین‌المللی می‌توانند محلی برای ملاقات‌های روسای کشورها و سازمان‌های فراملی در چارچوبی صلح طلبانه باشند. در همه این موارد، یک امر مشترک وجود دارد و آن این است که ورزش می‌تواند با ایجاد فرصت گفتگویی صلح‌جویانه در محیطی صلح‌آمیز مردمان را به هم نزدیک‌تر سازد. با توجه به یافته‌های تحقیق، استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای منطقه، مهمترین مؤلفه اثرگذار بر بخش فرهنگی دیپلماسی ورزشی با کشورهای حوزه خلیج فارس گزارش شده است. تلاش در تشکیل این گونه نهادها در استان‌های کشور که در حوزه خلیج فارس مستقر هستند، ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پیوند فکری و اجتماعی آحاد مردم در کشورهای همسایه و توسعه دیپلماسی را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس با توجه به اجتماعی بودن انسان در خلقت، جوامع بشری مانند یک مکانیسم واحد علی رغم اهداف و وظایف به‌ظاهر مختلف بایستی همسو باشند. ملت‌ها و دولت‌ها بدون تعامل در تولید ثروت و دستیابی به اقتصادی پیش رو و مولد دچار نقصان شده و شاهد موفقیت نخواهند بود. لذا توجه به فرهنگ و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی برآمده از این تحقیق به عنوان ابزار مهم تئوری‌سازی (ارائه اطلاعات پذیرفته‌شده) جهت همکاری و همیاری کشورهای حوزه خلیج فارس پیشنهاد می‌گردد.

یکی دیگر از مهم‌ترین مولفه‌های راهبردی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس، دیپلماسی رسانه‌ای است. منظور از دیپلماسی رسانه‌ای پرداختن به مفاهیمی مانند نیازسنجی رسانه‌ای، تعاملات رسانه‌ای، محتوای رسانه‌ای و فناوری‌های اطلاعاتی است. رویکرد ارتباطی بیشتر متضمن نوعی

¹ Spaaij

² Adair & Rowe

دیپلماسی رسانه‌ای است که با این تعریف مدیریت اخبار، پروپاگاندا، جنگ روانی و تأثیرگذاری سریع و سطحی بر افکار عمومی کشور هدف در حیطه رویکرد ارتباطی می‌باشد و در دیپلماسی فرهنگی نمی‌گنجد. فعالیت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، ارتباط یک‌سویه بوده و مخاطب فقط شنونده پیام می‌باشد. به عبارتی، امکان بازخورد گرفتن از فعالیت‌های کشور مبدأ در کشور مقصد کمتر است (آشنا، ۱۳۸۶). این فعالیت‌ها عمدتاً بر اهداف کوتاه‌مدت دیپلماسی عمومی تکیه می‌کنند و معمولاً به دنبال تأمین منافع دولت در یک موضوع خاص هستند. رسانه‌ها با قدرت نفوذ فوق‌العاده خود در جوامع گوناگون قادرند تصویر مثبت یا منفی از یک کشور را در جهان خلق کنند. این مسئله باعث شده تا مدیریت رسانه‌ها مورد توجه خاص دولت‌ها قرار گیرد. در دیپلماسی عمومی چگونگی تعامل دستگاه‌های دولتی و رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت اهداف دیپلماسی عمومی قلمداد می‌شود. گام مهم دیگر این است که اطلاعات حرفه‌ای و قابل قبولی از طریق شبکه ارتباطی به زبان‌های گوناگون در اختیار مخاطبان قرار گیرد که تا حد زیادی اعتبار این گونه شبکه‌ها را بالا ببرد. در حال حاضر اینترنت این امکان را فراهم آورده که از طریق آن می‌توان آخرین اطلاعات را به راحتی در اختیار مخاطبان قرار داد. تقویت اطلاعات و دانش مخاطبان داخلی این امکان را فراهم می‌کند که در تعامل با جهان خارج اطلاعات درست یا مورد نظر یک کشور منتقل شود و کمتر به حدس و گمان و یا ارجاع به اطلاعات منابع دیگر که با اهداف دیگری به جز منافع ملی یک کشور تأسیس شده است، استناد شود. تعامل بیشتر سازمان‌های ورزشی با دستگاه دیپلماسی رسمی کشور و تولید آثار هنری مشترک و مستندهای ورزشی مهمترین مؤلفه‌های اثرگذار بر بخش رسانه‌ای دیپلماسی ورزشی با کشورهای حوزه خلیج فارس گزارش شده‌اند. به عبارتی، تشکیل کمیته‌ای به منظور همکاری و درک مشترک بین وزارت امور خارجه و نهادهای متولی ورزش کشور مانند وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ورزشی و تشکلهای هنری می‌تواند ارتباطات منطقه‌ای را موثرتر و جذابتر پیش ببرد.

دیپلماسی اقتصادی و دیپلماسی عمومی نیز از مؤلفه‌های راهبردی دیپلماسی ورزش در توسعه روابط بین‌الملل ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس است. در واقع، یکی از مهم‌ترین دلایل توجه به چهره مثبت یک کشور را می‌توان تمایل کشورها برای به دست آوردن موقعیت‌های بهتر اقتصادی دانست. به عنوان مثال، کسانی که تمایل به سرمایه‌گذاری خارجی در یک کشور دارند. ابتدا به فضای فرهنگی و میزان دوستی یا خصومت جامعه با مخاطبان خارجی کشور مورد نظر توجه می‌کنند. از جمله کشورهایی که به کمک تقویت توان داخلی در صدد استفاده از دیپلماسی عمومی برآمده، کشور ویتنام می‌باشد. این کشور مانند چین همچنان به مرام سوسیالیستی خود معتقد است و در عین حال می‌کوشد تا با تعامل بهتر با جهان، فرصت‌های بیشتری را برای خود فراهم آورد. ویتنام که پس از جنگ ویرانگر خود با آمریکا صدمات زیادی دیده بود، به زودی و با طراحی برنامه‌های مناسب اقتصادی و سیاسی نه تنها توانست مشکلات بعد از جنگ خود را پشت سر گذارد، بلکه در حال حاضر در مسیر مناسب در جهت رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته است (هادیان و احدی، ۱۳۸۸). نقش کارآفرینان کشورهای منطقه به‌ویژه در سازمان‌های خصوصی و ایجاد مکانیسم موثر جهت برقراری ارتباطات بازاریابی با آنان مهمترین مؤلفه اثرگذار بر بخش اقتصادی دیپلماسی ورزشی با کشورهای حوزه خلیج فارس گزارش شده است. لذا تلاش در جهت آموزش و تسهیل ارتباطات کارآفرینان ورزشی استان‌های حوزه خلیج فارس با کارآفرینان کشورهای همجوار ضرورت دارد. در بخش دیپلماسی عمومی نیز

دولت‌ها سعی دارند از رویدادهای بزرگ ورزشی بین‌المللی همچون جام جهانی فوتبال یا بازی‌های المپیک برای اهداف گسترده و دیپلماتیک خود استفاده کنند (زرگر، ۱۳۹۴). در این بین، برند ملی در واقع هویت‌سازی یک کشور بر مبنای مشروعیت و حمایت مردمی است. این‌گونه اقدامات باید با برنامه‌های اصلاحی عملی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همراه باشد. برندسازی، برجسته کردن هویت یک کشور و بازتابی از آرمان‌های آن است، اما نمی‌تواند ورای واقعیت‌های موجود جامعه حرکت کند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان دیپلماسی عمومی را شامل مؤلفه‌هایی چون: تولید فیلم، تئاتر، مبادله استاد و دانشجو، خبرنگاران اعزامی، انتشار کتاب و تشکیل کتابخانه‌ها، پخش رادیو و تلویزیونی بین‌المللی، برنامه‌های مبادلات آموزشی و فرهنگی، آموزش زبان و نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی و اجرایی به خارج از کشور، ایجاد سایت‌های اینترنتی، مجلات الکترونیکی، برنامه‌های سخنرانی و سی‌دی، برگزاری سمینارها و جلسات با تجار خارجی و چهره‌های شاخص دانشگاهی و ... دانست. بی تردید، کاهش خشونت جهانی با استفاده از ظرفیت‌های ورزشی و تنظیم سند همکاری بین وزارت ورزش و وزارت امور خارجه مهمترین مؤلفه اثرگذار بر بخش عمومی دیپلماسی ورزشی با کشورهای حوزه خلیج فارس گزارش شده است. به عبارتی، تشکیل کمیته‌ای از نهادهای متولی ورزش و دیپلماسی کشور جهت توسعه و گسترش ورزش و برنامه‌ریزی برگزاری رویداد ورزشی در حوزه خلیج فارس با پیام صلح و دوستی پیشنهاد می‌شود.

منابع

- آشنا، حسام الدین و جعفری هفت‌خوانی، نادر. (۱۳۸۶). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، پیوندها و اهداف». دو فصل‌نامه دانش سیاسی. شماره ۵.
- بخشی چناری، امین‌رضا؛ گودرزی، محمود؛ سجادی، سیدنصراله و جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۸). «نقش دیپلماسی ورزشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۷(۲۶)، صص ۲۱-۳۶.
- دوستی، مرتضی. (۱۳۹۱). «علل ورود سیاسیون به ورزش». رساله دکتری دانشکده تربیت‌بدنی، دانشگاه تهران، ص ۱۴.
- زرگر، افشین. (۱۳۹۴). «ورزش و روابط بین‌الملل، جنبه‌های مفهومی و نظری». فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی. ۳۸، صص ۷-۳۸.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی. (۱۳۹۹). «آثار تحریم‌های اقتصادی‌سیاسی ایالات متحده بر ورزش جمهوری اسلامی ایران». دانش سیاست. ۱۶(۱)، صص ۲۱۹-۲۴۶.
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و منظمی، امیرحسین. (۱۴۰۰). «مدل تجربی جایگاه ورزش در توسعه دیپلماسی عمومی». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. ۸(۳)، صص ۸-۹۰.
- صباغیان، علی. (۱۳۹۴). «دیپلماسی ورزش». مطالعات فرهنگی و ارتباطات. سال ۱۶، شماره ۳۱.
- عبدی، کامبیز؛ طالب‌پور، مهدی؛ فولرتون، جیمی و رنج‌کش، محمدجواد. (۱۳۹۸). «شناسایی راهبردهای تبدیل منابع دیپلماسی ورزشی به برآمدهای مطلوب سیاسی از منظر خبرگان بین‌المللی». کنفرانس حکمرانی و سیاست‌گذاری عمومی.
- محمدی عزیزآبادی، مهدی و بهشتی، سیدصمد. (۱۳۹۹). «جامعه‌شناسی سیاسی ورزش: تأثیر ورزش و ورزشکاران حرفه‌ای بر زندگی سیاسی». فصل‌نامه علمی تخصصی سپهر سیاست. ۷(۳۳)، صص ۱۴۱-۱۷۴.
- هادیان، ناصر و احدی، افسانه. (۱۳۸۸). «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی». فصل‌نامه بین‌المللی روابط خارجی. ۱(۳)، صص ۸۵-۱۱۸.
- Adair, D. Rowe, D. (2010). "Beyond boundaries? Race, ethnicity and identity in sport". International Review for the Sociology of Sport, 45(3), September, Sage publications.
- Bence, G. Tamás, D. (2021). "Sport as a tool for public diplomacy in Hungary, Physical Culture and Sport". Studies and Research, 90:39-49 DOI: 10.2478/pcssr-2021-0012.
- Feizabadi, M. S., Khabiri, M., Hamidi, M. (2013). "The relationship between the success of countries at the Guangzhou 2010 Summer Asian Games and demo-economic factors". Social and Behavioral Sciences, 82: 369-374.
- Grix, J., Houlihan, B. (2014). "Sports Mega Events as Part of a Nation's Soft Power Strategy: The Cases of Germany (2006) and the UK (2012)". The British Journal of Politics & International Relations, 16(4), pp: 572-596.
- Mahanta, K., Deshpande, M. (2019). "Sports Diplomacy and International relation: A case study of India". Journal of Politics & International Relations. 12(8): 36-57.
- Marlene, A. Dixon, A. J. Anderson, R. E. Pamela, H. B. Craig, E. (2019). "Management in sport for development: examining the structure and processes of a sport diplomacy initiative". International Journal of Sport Management and Marketing (IJSMM), 19(4): 268-292.
- Melissen, Jan. (2005). "Wielding Soft Power: New Public Diplomacy". Netherland Institute of International Relations, Accessible at: www.peacepalacelibrary.nl.
- Michał, M.K. (2017). "Sports Diplomacy of Norway". International Studies Interdisciplinary Political AND Cultural Journal, 20(1): 131-146.
- Min, D., Choi, Y. (2019). "Sport cooperation in divided Korea: an overstated role of sport diplomacy in South Korea". Sport in Society, 22(8), pp: 1382-1395.
- Spaaij, R. (2011). The Social Impact of Sport. New York: Taylor & Francis Publications.

کیفی نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان

محمدرضا غلامزاده^۱

نصراله محمدی^۲

عظیم صلاحی کجور^۳

فرشاد امامی^۴



[10.22034/SSYS.2023.3090.3248](https://doi.org/10.22034/SSYS.2023.3090.3248)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

هدف این پژوهش، بررسی نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویر سازی مثبت از کشور ایران در جهان بود. پژوهش حاضر بر مبنای جستجوی داده، دارای ماهیت کیفی و مبتنی بر نظریه داده بنیاد و از نوع پژوهش های کاربردی است. جامعه آماری پژوهش را اعضای هیئت علمی دانشگاه در گروه مدیریت ورزشی و بازاریابی، مدیران وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک، ورزشکاران نخبه و مربیان فعال در عرصه ورزش قهرمانی به تعداد ۱۵ نفر تشکیل می دادند. مصاحبه با نمونه آماری به صورت هدفمند بود. براساس نتایج تحلیل داده های کیفی حاصل از مصاحبه، ارائه مدل نهایی شامل ابعاد ورزشی (۴ کد محوری)، ابعاد عملکردی (۳ کد محوری)، ابعاد اجتماعی (۲ کد محوری)، ابعاد بازاریابی (۲ کد محوری)، ابعاد دولتی (۲ کد محوری)، ابعاد رسانه ای (۲ کد محوری) و ابعاد گردشگری (۲ کد محوری) است.

باتوجه به نمایان شدن تاثیر همکاری دستگاه دیپلماسی و دستگاه ورزش در تنظیم تفاهم نامه های بین المللی ورزشی در توسعه تصویر سازی مثبت از کشور پیشنهاد می شود هر کدام از سازمان های مربوطه در شناسایی حدود اختیارات خود، کمک و همکاری در پیشبرد امور و عقد تفاهم نامه های بیشتر با سایر کشورهای دنیا در جهت توسعه تصویر سازی مثبت از کشور بیش از پیش فعالیت نمایند.

واژگان کلیدی: توسعه ورزش قهرمانی، تصویر سازی مثبت، برند ملی و ورزش.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: N_mohammadi@pnu.ac.ir

^۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، موسسه آموز عالی شفق تنکابن، تنکابن، ایران

^۴ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران

در طول سال‌ها، «برند» و «برندینگ» چنان در ادبیات و گفتمان راهبرد کسب‌وکار فراگیر شده‌اند که به‌نظر می‌رسد همه چیز حتی همه، به تنهایی به یک برند تبدیل شده‌اند (بستوس و لوی^۱، ۲۰۱۲). فراتر از محصولات و خدمات معمولی، افرادی مانند کریستیانو رونالدو، مایکل جوردن و لیبرون جیمز، تیم‌های ورزشی مانند یوونتوس، منچستر یونایتد و لوس آنجلس لیکرز و همچنین کشورهایی نظیر چین، قطر و سایر کشورهای اروپایی به‌صورت افراطی وارد حوزه برندسازی شده‌اند (میرزا، ۲۰۱۶ و ریشلیو^۲، ۲۰۱۴).

به گفته زبردست و همکاران (۱۳۹۹) برندسازی منطقه‌ای به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به مزیت رقابتی به منظور افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و گردشگری و همچنین برای ارتقای تصویر شهر، توسعه جامعه و شناخت تصویر منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود (ویگنیر^۳، ۲۰۱۷). به طور کلی، راهبردهای مختلفی برای بازاریابی، برندسازی، موقعیت‌یابی، تغییر موقعیت و بازسازی هر منطقه یا کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد (گریکس و هولیهان^۴، ۲۰۱۲) که همه این تکنیک‌ها سه هدف اصلی را دنبال می‌کنند: ایجاد آگاهی از برند، تأثیرگذاری بر تصویر مکان در ذهن مصرف‌کنندگان و ارتقای مکان به گروه‌های هدف مختلف (آنهولت^۵، ۲۰۰۹) که این امر برای تضمین موفقیت، همکاری و مشارکت همه سهامداران در منطقه، اعم از دولتی و خصوصی ضروری است (نای^۶، ۲۰۱۶) برندسازی منطقه‌ای، دیدگاهی گسترده و عمیق در مورد روابط بین یک مکان و محیط اطراف آن ارائه می‌دهد (بلاتر^۷، ۲۰۱۲). از این رو، مکان‌ها یا حوزه‌های منطقه‌ای که منظور ما شهرها و کشورهاست، خود را به‌عنوان برند در صحنه جهانی تعریف، تثبیت و تبلیغ می‌کنند (آیتکن و کامپلو^۸، ۲۰۱۱). به‌عنوان نمونه، شهر برلین سالانه ۵ میلیون یورو برای بازاریابی خود از طریق راهبرد برندسازی مکان خرج می‌کند. با این حال، تعدادی از محققان نشان می‌دهند که این رشته از فقدان وضوح مفهومی، تعاریف متفاوت و یک پایه نظری ضعیف رنج می‌برد؛ به این معنی که به طیف بسیار وسیعی از موضوعات تحقیقاتی نیازمند است (زنکر^۹، ۲۰۱۴).

به طور کلی برند ملی بر توسعه قدرت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جهان اثرگذار است. همچنین بر خلق وضعیت مثبت برای اعمال فعالیت‌های اقتصادی، دیپلماتی و سیاسی آن کشور با سایر کشورهای رقیب نیز اثربخش می‌باشد. لذا برندینگ ملی می‌تواند به‌صورت برنامه‌های چند مرحله‌ای اجرا شود که بر اساس جست‌وجو، اعمال و ارائه پیشنهادها، ارزشی، خاص و کم‌نظیر شکوفا شود. حاصل برنامه‌های برندینگ موفق برای کشور، پذیرش و تمایز آن از سایر کشورهای رقیب و نقاط مختلف جهان است که مزایای آن افزایش صادرات، حجم فروش، تمایل

¹ Bastos & Levy

² Mirza & Richelieu

³ Vuignier, E

⁴ Grix & Houlihan

⁵ Anholt, S

⁶ Nye, G S

⁷ Blatter, S

⁸ Aitken & Campelo

⁹ Zenker, D

بیشتر در امر سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، توسعه صنعت گردشگری و تسهیل روابط دیپلماتیک خواهد بود. البته آداب و رسوم، علم و هنر و خرده‌فرهنگ‌ها برای اغلب کشورهای جهان جذابیت بیشتری دارد و در پایان محققان، دانشمندان، دانشجویان و سایر افراد این کشور حائز اهمیت خواهند بود (دومازت^۱، ۲۰۱۲). هدف غایی برندسازی ملی ایجاد یک شرایط متمایز، خاص و جذاب است که می‌تواند هم قابلیت شنیداری و هم قابلیت دیداری داشته باشد و به‌وسیله سایر کشورها در شرایط مختلف درک شود، چرا که برند ملی قابلیت درک، نشانگر یک وحدت جمعی می‌باشد (سان و تانگ^۲، ۲۰۲۱). در حالی که زمینه‌ها و بسترهای مختلف مانند معماری، دیپلماسی، غذاشناسی، جغرافیا و تاریخ می‌توانند راهبرد برندسازی مکان را تغذیه کنند، ورزش به یک اهرم مهم برای بسیاری از حوزه‌های قضایی تبدیل شده است. ورزش نقش مهمی در شکل دادن به تصاویر یک مکان دارد. ماهیت جهانی آن، پویایی و دیده شدن ورزش، علاقه رسانه‌ای که ایجاد می‌کند و درک بیشتر از زندگی سالم مرتبط با فعالیت بدنی برخی از عواملی هستند که این اهمیت را توضیح می‌دهند (استایلیدیس^۳، ۲۰۲۲). بنابراین، ورزش یک اهرم مهم برای بسیاری از مناطق بوده است (یانگ و همکاران^۴، ۲۰۲۰). در واقع، نه تنها ورزش رقابتی و حرفه‌ای، بلکه انواع ورزش‌ها در سطوح رقابتی مختلف می‌توانند در فرآیندهای برندسازی مکان مهم باشند (ژیاودونگ^۵، ۲۰۱۱)، این به دلیل طنین احساسی ورزش، توانایی آن در برقراری گفتگو با مخاطبان زیاد، امکان ایجاد پیوند و اعتماد با ورزشکاران، گردشگران، کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و ساکنان می‌باشد (دوس سانتوس و کامپو، ۲۰۱۴؛ هرشتاین و برگر، ۲۰۱۳ و تاکس^۶، ۲۰۱۵). در سال‌های اخیر، برندسازی مکان، به طور کلی و به طور خاص، برندسازی مکان از طریق ورزش جایگزین یا حداقل مکمل چیزی شده است که قبلاً به عنوان «برندسازی دیپلماسی» شناخته می‌شد. بنابراین، بازاریابی "برند ملی" در جهانی که از نظر اقتصادی یکپارچه شده، ارزش فزاینده‌ای پیدا کرده است. بارزترین نمونه از این رویکرد ورزش محور، قطر است که هدف آن سرمایه‌گذاری از ورزش از طریق برگزاری رویدادهای ورزشی بزرگ (جام جهانی ۲۰۲۲)، سرمایه‌گذاری در باشگاه‌های ورزشی خارجی (پاری سن ژرمن) و جذب بازیکنان ستاره مانند ام‌باپه، نیمار و غیره است (ریشلیو^۷، ۲۰۱۸).

برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی به‌طور بالقوه فرصت‌هایی را برای قدرت‌های نوظهور فراهم می‌کند تا حتی در مواردی که دارای ویژگی‌های سیاسی داخلی غیرجذاب باشند، جذابیت ایجاد کنند. شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد بعد بین‌المللی موفقیت ورزشی، چه تیم‌های ملی و چه نمایندگان ملی در خارج از کشور یا برگزاری یک رویداد بزرگ ورزشی، عرصه‌ای است که در آن سیاست‌ها و ترویج وجهه ملی انجام می‌شود. از نظر خارجی دولت‌ها به دنبال جذب دیگران از طریق فعالیت‌هایی هستند که تصویر مطلوب ایجاد می‌کند و درک بین مخاطبان خارجی را افزایش می‌دهد. بنابراین مزیت کلیدی یک رویداد بزرگ ورزشی این است که دولت میزبان

¹ Domazet, I.

² Sun & Tang

³ Styliadis, D.

⁴ Yang et al

⁵ Xiaodong, W.

⁶ Dos Santos and Campo & Herstein and Berger & Taks

⁷ Richelieu, A.

می‌تواند جذابیت آنها را به اشتراک بگذارد و از طریق ارزش‌های فرهنگی مشترک با ورزش اعمال می‌شود (تابرner و جونکا^۱، ۲۰۲۱)، درنهایت با توجه به ادبیات حوزه برندسازی ملی مشاهده شد که الگوی جامع از نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویر سازی مثبت از کشور ایران در جهان وجود ندارد. پس برآن شدیم تا با پیشبرد تحقیق به سؤال اصلی این پژوهش پاسخ دهیم:

مدل نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای جستجوی داده، دارای ماهیت کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد^۲ است. هدف از اجرای پژوهش حاضر، بررسی نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان می‌باشد. لذا پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه در گروه مدیریت ورزشی، کارشناسان وزارت ورزش و جوانان، اعضای هیئت رئیسه فدراسیون‌های ورزشی و کمیته ملی المپیک، ورزشکاران نخبه و مربیان فعال در عرصه ورزش قهرمانی، بازاریاب‌های ورزشی، مدیران و کارشناسان اداره کل تربیت بدنی بودند که در مجموع ۱۵ نفر انتخاب شدند. در گزینش نمونه‌های آماری از افرادی استفاده شد که با موضوع پژوهش ارتباط مستقیمی داشتند؛ بدین صورت که ابتدا سئوالات اصلی پژوهش پرسیده شد و در پایان از مصاحبه‌شوندگان با سؤال باز مانند فکر می‌کنید مطلبی هست که به آن در این حوزه نپرداخته‌اید؟ خاتمه می‌یافت. مدت زمان مصاحبه بین ۴۰ الی ۱۰۰ دقیقه بود که در پژوهش حاضر میانگین مصاحبه با نمونه‌ها ۶۰ دقیقه بود. گفتنی است که به منظور ثبت اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، علاوه بر نکته‌برداری، از دستگاه ویژه ضبط صدا نیز استفاده گردید. به دلیل مسائل اخلاقی، قبل از شروع هر مصاحبه، برای ضبط گفتگو از مصاحبه‌شوندگان اجازه گرفته می‌شد. مصاحبه در مکان مورد توافق مصاحبه‌شونده بود. تعداد ۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان به شکل هدفمند و با توجه به شناخت تیم پژوهش و مطالعه و بررسی مقالات و پژوهش‌های علمی و تعداد ۱۱ نفر هم به شیوه گلوله برفی و با معرفی گروه اول انتخاب شدند. برای هر یک از مشارکت‌کنندگان بعد از هماهنگی زمان مصاحبه، به منظور حداکثر استفاده از اطلاعات صاحب نظران و آشنایی با کلیت موضوع و جوانب آن، نامه‌ای همراه با جزئیات و اهداف اصلی پژوهش و سئوالات مرتبط با آن توسط پست الکترونیکی یا شبکه‌های اجتماعی ارسال شد تا با مطالعه و آمادگی ذهنی بیشتر در مصاحبه پاسخگوی سئوالات پژوهشگر باشند. البته تغییرات لازم در سئوالات برای هر یک از مصاحبه‌شوندگان قبل و حتی حین گفتگو و با توجه به شرایط مصاحبه انجام می‌شد. در نهایت به منظور کشف جنبه‌های خاص و عمیق‌تر از پیشران‌های مدیریت کیفیت جامع، مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته و تا اشباع نظری (مصاحبه شماره ۱۵) انجام شد. مراحل کدگذاری توسط نرم‌افزار مکس کیودا^۳ ۲۰۲۰ صورت گرفت. لذا ضمن تعیین پدیده‌محوری، کدها و مقالات استخراج شده در قالب کدباز، کدمحوری و کدگزینشی جایگذاری شدند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۹۲). برای بررسی روایی پژوهش چهار معیار مقبولیت، انتقال‌پذیری، تاییدپذیری و قابلیت اطمینان بررسی

¹ Taberner & Junca

² Grounded Theory

³ Maxqda 2020

و تایید شدند؛ بدین منظور برای اعتبار از منابع موجود، ارسال متن مصاحبه، کدهای استخراج شده برای برخی از شرکت کنندگان در پژوهش ارسال و از نظرات آنان استفاده شد. به منظور انتقال پذیری، از طریق مستندسازی برای دیگر محققان، گزارش جمعیت شناختی، تجربه نمونه ها و گزارش محیط پژوهش استفاده گردید. به منظور قابلیت اعتماد، از درصد توافق بین دو کدگذار استفاده و درصد توافق طبق جدول زیر ۸۴ درصد گزارش شد:

$$۱۰۰ \times \frac{۲ \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} = \text{درصد پایایی}$$

جدول ۱: نتایج بررسی پایایی دو کدگذار

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	درصد پایایی
۳	۳۸	۱۶	۷	۸۴/۲۱٪
۶	۳۴	۱۴	۶	۸۲/۳۵٪
۱۲	۳۹	۱۷	۸	۸۷/۱۷٪
کل	۱۱۱	۴۷	۲۱	۸۴/۵۷٪

یافته های پژوهش

در جدول ۲ اطلاعات جمعیت شناختی افراد مصاحبه شونده نشان داده شده است:

جدول ۲: اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در پژوهش

ردیف	نوع فعالیت	سن	جنسیت	حیطه و گرایش	حوزه فعالیت	
					اجرائی	دانشگاهی
P1	استاد دانشگاه	۴۳	زن	مدیریت ورزشی	*	*
P2	استاد دانشگاه	۳۸	مرد	مدیریت بازاریابی	*	*
P3	استاد دانشگاه	۴۱	زن	روابط بین الملل	*	
P4	استاد دانشگاه	۵۰	مرد	رسانه و ارتباطات	*	
P5	استاد دانشگاه	۵۴	مرد	مدیریت ورزشی	*	*
P6	استاد دانشگاه	۵۲	مرد	روابط بین الملل	*	*
P7	مدیر ورزشی (وزارت ورزش و جوانان)	۴۹	مرد	مدیریت ورزشی	*	*
P8	مدیر ورزشی (وزارت ورزش و جوانان)	۴۰	مرد	مدیریت ورزشی	*	*
P9	مدیر ورزشی (وزارت ورزش و جوانان)	۳۵	مرد	مدیریت ورزشی	*	
P10	مدیر اجرایی (کمیته ملی المپیک)	۴۲	مرد	مدیریت ورزشی	*	*
P11	مدیر اجرایی (کمیته ملی المپیک)	۳۷	مرد	فیزیولوژی ورزشی	*	

P12	مربی اسبق تیم‌های ملی	۴۵	مرد	فیزیولوژی ورزشی *
P13	مربی اسبق تیم‌های ملی	۵۰	زن	آسیب‌شناسی ورزشی *
P14	ورزشکار فعال در سطح قهرمانی	۲۳	مرد	فیزیولوژی ورزش *
P15	ورزشکار فعال در سطح قهرمانی	۲۶	مرد	مدیریت ورزشی *

در ادامه نتایج حاصل از مصاحبات صورت گرفته در قالب کدهای باز، محوری و گزینشی در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۳: کدهای باز و کدبندی محوری

مقوله محوری	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویر سازی مثبت از کشور ایران در جهان		همکاری دستگاه دیپلماسی و دستگاه ورزش در تنظیم تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی ورزشی
		توافق بین وزارت ورزش و جوانان و وزارت امور خارجه برای همسوسازی راهکارها
	بهره‌مندی از دیپلماسی ورزشی و روابط بین‌الملل	اعمال نفوذ و تاثیرگذاری در ساختار ورزش بین‌المللی
		کسب کرسی‌های بین‌المللی در رشته‌های ورزشی مختلف
		توجه به موازین دیپلماسی ورزش و ارائه قدرت نرم
		تشکیل جلسات تصمیم‌گیری دیپلماسی با حضور ورزشکاران، مربیان، مدیران ورزشی و...
		برقراری ارتباطات بین‌المللی با کشورهای پیشرو در صنعت ورزشی
		توسعه فعالیت‌های بین‌المللی سازمان‌های ورزشی کشور
		نظارت مستمر بر رشد و پرورش نخبگان ورزشی
		سرمایه‌گذاری بیشتر در امر پرورش استعدادها
	نقش حمایتی مسئولان ورزشی کشور	توجه و نگاه مثبت بیشتر مسئولان به مبحث خصوصی سازی در اقتصاد ورزش
		حمایت مالی و معنوی بیشتر از ورزش قهرمانی
		فراهم آوردن پیش‌نیازهای حضور بیشتر بانوان ایران در صحنه رقابت‌های جهانی

بازنگری برنامه‌های اجرایی نهادهای ورزشی با تأکید بر

تصویرسازی مثبت

جلوگیری از مهاجرت ورزشکاران

برنامه دقیق و منسجم در ورزش قهرمانی

تاسیس مجلات، روزنامه و ماهنامه‌های ورزشی

تدارک کلاس‌های داوری و مربیگری بین‌المللی

تدارک سمینارها و همایش‌های بین‌المللی مختلف ورزشی

عقد تفاهم نامه‌های همکاری با باشگاه‌ها دانشگاه‌ها کشورهای

نقش محیط آکادمیک و

مطرح ورزشی

اجرای ورزش

دسترسی بیشتر به علم روز ورزش دنیا

ارتباط هماهنگ محیط آکادمیک و بعد اجرایی ورزش

گسترش نشریات و چاپ کتب ورزشی

افزایش زیرساخت‌های مناسب ورزشی با رویکرد ساخت اماکن سبز

بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل و راه‌سازی

نقش زیرساخت‌های لازم

بهبود زیرساخت‌های پیش‌نیاز در امر گردشگری

در ورزش قهرمانی

وجود ابزار و تجهیزات پیشرفته برای تسهیل مسیر قهرمانی

بهره‌گیری از معماری و تمدن ایرانی در ساخت و طراحی اماکن

و فضاهای ورزشی

افزایش لژیونرهای ورزشی در رشته‌های ورزشی مختلف

کسب افتخارات و عناوین بین‌المللی بیشتر در رشته‌های ورزشی

حضور پررنگ‌تر در عرصه تولید البسه و تجهیزات ورزشی

کسب مقام‌های علمی-ورزشی، اختراعات و سایر دستاوردهای

افتخار آفرینی و ارائه

ارزش‌ها در سطح

ورزشی در سطح بین‌المللی

بین‌الملل

ارائه توانمندی‌های مربیان ایرانی

معرفی و توجه بیشتر به داوران موفق در رشته‌های ورزشی مختلف

وجود نخبگان و قهرمانان در اکثر رشته‌های ورزشی

وجود دیپلمات‌های ورزشی توانمند و باتجربه

فعالیت‌های سفیران ورزشی

حضور فعال ورزشکاران در فعالیت‌های خیرخواهانه بین‌المللی

اعزام داوطلبین ورزشی به مسابقات بین‌المللی

ایجاد تصویرسازی مثبت

تبادلات فرهنگی-ورزشی ورزشکاران در سطح بین‌الملل

در ورزش قهرمانی

افزایش میزبانی رویدادهای ورزشی بین‌المللی

برگزاری مسابقات دوستانه بیشتر در جهت نمایش توانمندی‌ها

برگزاری بازهای خیرخواهانه به منظور نشان‌دادن ارزش‌های اجتماعی

بهبود آمادگی جسمانی، روانی و تغذیه‌ای ورزشکاران نخبه

پرورش روحیه جوانمردی در ورزشکاران نخبه

ایجاد اعتقاد به اخلاق‌مدار بودن در ورزشکاران

پشتوانه‌سازی ورزش

تربیت بیشتر نیروی متخصص و کارآمد در ابعاد مختلف

قهرمانی

استعدادیابی و استعداد گزینی

ارائه متودهای نوین آموزشی و بهره‌گیری از مربیان صاحب

سبک در انواع رشته‌های ورزشی

تلاش و کوشش بیشتر مربیان در جهت پرورش استعدادها

پشتیبانی از ارزش‌های جهانی

پذیرش و تاکید بر برابری اجتماعی

همکاری در فعالیت‌های سارمان ملل

فرهنگ‌سازی ورزش و

رواج فرهنگ همزیستی در جامعه تاکید بر صلح و دوستی بین

ارائه تصویر مثبت

کشورها از طریق ورزش

شناخت آداب و رسوم و ارزش‌های ورزشکاران سایر کشورها

انتقال ارزش‌ها و فرهنگ ملی از طریق رویدادهای ورزشی به

ورزشکاران و تماشاچیان

ارتقای جایگاه ورزش در مجموعه برنامه‌های توسعه اقتصادی -

اجتماعی دولت

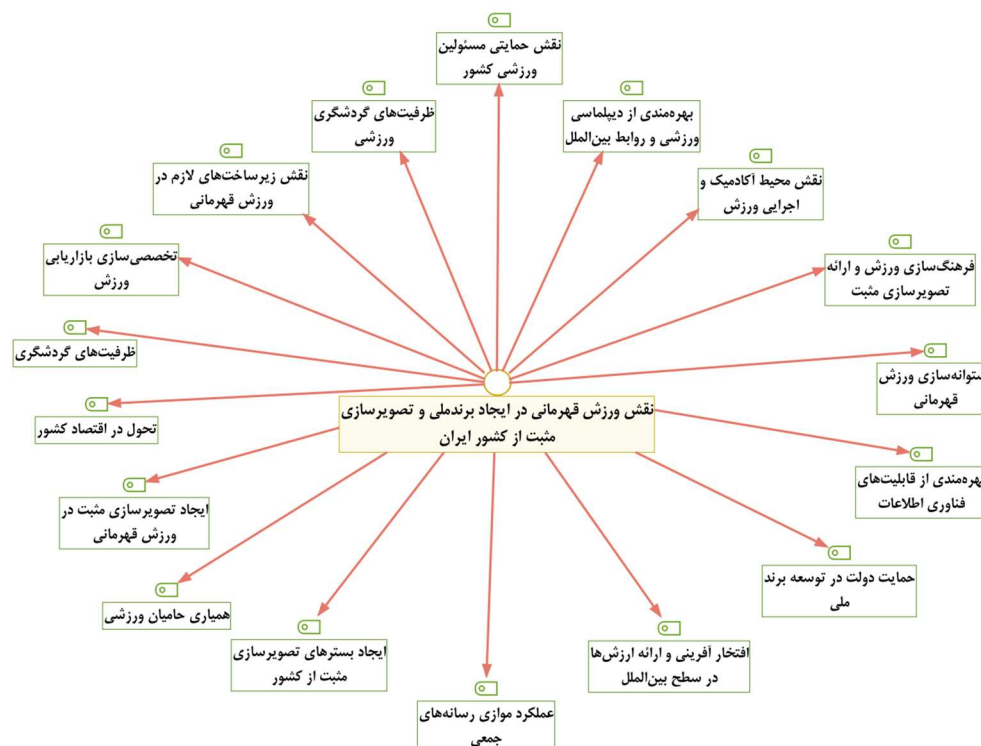
پذیرش جامعه و فرهنگ عمومی در ایجاد تصویرسازی و وجهه مثبت

	بسترسازی مشارکت فعال جامعه
	تعدیل میزان تورم در کشور
ایجاد بسترهای	افزایش رفاه و سلامت اجتماعی جامعه
تصویرسازی مثبت از	تامین امنیت و برقراری نظم و انضباط
کشور	هنجارپذیر بودن جامعه و وجود اتحاد اجتماعی
	حمایت و حفظ محیط زیست
	بسترسازی برای حضور اقتصادی-اجتماعی حامیان ورزشی
	کشور در صحنه رقابت‌های بین‌المللی
	افزایش مشوق‌های حضوری برای حامیان ورزشی با محوریت
	معافیت‌های مالیاتی، بهره‌برداری مشترک و...
همیاری حامیان ورزشی	تشویق به حضور حامیان ورزشی کشور در میان شرکای تجاری
	بین‌المللی رویدادهای ورزشی
	تاکید بر ایجاد پیشنهادات تخصصی و ویژه حمایت مالی برای
	فدراسیون‌ها و کنفدراسیون‌های جهانی ورزشی
	توسعه و گسترش توریسم ورزشی
معرفی ظرفیت‌های	نمایان‌سازی زیبایی‌ها و جاذبه‌های طبیعت بکر ایران برای
گردشگری ورزشی	ورزش در فضای آزاد
	تاکید بر فرهنگ غنی و رشته‌های ورزشی باستانی
	بهره‌مندی از بازی‌های بومی و محلی
	کوه‌ها، دشت‌ها و مناظر بکر
	دریا و سواحل
ظرفیت‌های گردشگری	جاذبه‌های شهری نظیر بازارها، موزه‌ها، رستوران و...
	مناطق آزاد و بنادر
	شهرها و بناهای تاریخی
	نوآوری در تولیدات
تحول در اقتصاد کشور	برخورداری از فناوری اطلاعات به‌روز
	تولید محصول باکیفیت

برخورداری از نیروی کار ماهر

عملکرد موازی رسانه‌های جمعی	برندهای شناخته‌شده در سطح جهانی نظیر برند مروج
	ایجاد رسانه بین‌المللی برای انعکاس هرچه بیشتر اخبار ورزشی کشور
	تبلیغ بیشتر موفقیت‌های ورزش در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی
	معرفی و نمایش تاریخچه عملکرد ورزشی ایران در رسانه
	نمایش میراث بازی‌ها و ورزش‌های بومی و محلی
بهره‌مندی از قابلیت‌های فناوری اطلاعات	ارائه عملکرد و قابلیت‌های ورزشکاران نخبه ایرانی در
	رشته‌های ورزشی نو ظهور از رسانه
	بهبود کمیت و کیفیت پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی
	ایجاد فروشگاه اینترنتی بین‌المللی برای محصولات و خدمات
	ورزشی تولید داخل
تخصصی‌سازی بازاریابی ورزش	طراحی وبسایت برای تیم‌های ورزشی مطرح و ارائه ارزش‌ها
	ایجاد باشگاه مشتریان برای تیم‌های ورزشی مطرح و پرتعداد
	طراحی وبسایت‌ها با محوریت معرفی گردشگری ورزشی ایران
	راه اندازی لیگ مجازی ورزشی در سطح جهانی
	قرداد با خبرنگاران بازاریابی و استفاده از ایده‌های آنها
حمایت دولت در توسعه برند ملی	پرورش متخصصان بازاریابی ورزش
	پرورش مدیر برنامه‌های ورزشی در انواع رشته‌های ورزشی زیر
	نظر فدارسیون‌ها
	بهره‌گیری از حضور حقوقدان‌های ورزشی در عقد قراردادهای
	ایجاد فرصت مطالعاتی و آشنایی با الگوهای موفق درآمدزایی برای
حامیان همراه	
حمایت دولت در توسعه برند ملی	ایجاد محیطی امن برای توسعه کسب‌وکارهای ورزشی
	ایجاد قوانین و مقررات حامی کسب‌وکارهای ورزشی
	وجود حمایت مادی و معمولی برای کسب‌وکارهای ورزشی
	مسئولیت‌پذیری نسبت به توسعه برند ملی کشور
	حمایت و پشتیبانی از استارت‌آپ‌ها و کارآفرین‌های ورزشی

با استناد به نتایج کدبندی محوری و مفاهیم مشترک بین مقوله‌های مورد نظر (جدول ۳) ۱۷ مقوله شناسایی شد: بهره‌مندی از دیپلماسی ورزشی و روابط بین‌الملل، نقش حمایتی مسئولان ورزشی کشور، نقش محیط آکادمیک و اجرایی ورزش، نقش زیرساخت‌های لازم در ورزش قهرمانی، افتخار آفرینی و ارائه ارزش‌ها در سطح بین‌الملل، ایجاد تصویرسازی مثبت در ورزش قهرمانی، پشتوانه‌سازی ورزش قهرمانی، فرهنگ‌سازی ورزش و ارائه تصویر مثبت، ایجاد بسترهای تصویرسازی مثبت از کشور، همیاری حامیان ورزشی، معرفی ظرفیت‌های گردشگری ورزشی، ظرفیت‌های گردشگری، تحول در اقتصاد کشور، عملکرد موازی رسانه‌های جمعی، بهره‌مندی از قابلیت‌های فناوری اطلاعات، تخصصی‌سازی بازاریابی ورزش، حمایت دولتی در توسعه برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان.



شکل ۱: الگوی پارادایمی نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان

بحث و نتیجه‌گیری

هدف کلی از انجام این پژوهش، بررسی نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان می‌باشد. برای ساخت مدل مفهومی پژوهش از روش گلیزری، الگویی برای نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان طراحی و تدوین شد. بر این اساس الگوی نهایی پژوهش مشتمل بر ۱۷ مقوله اصلی بود. بر اساس نتایج تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه، مدل نهایی شامل بعد ابعاد ورزشی (۴ کد محوری)، ابعاد عملکردی (۳ کد محوری)، ابعاد اجتماعی (۲ کد محوری)، ابعاد بازاریابی (۲ کد محوری)، ابعاد دولتی (۲ کد محوری)، ابعاد رسانه‌ای (۲ کد محوری) و ابعاد گردشگری (۲ کد محوری) است.

در نهایت، الگویی برای نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان به عنوان محور یا پدیده محوری انتخاب شد که به عنوان یک متغیر وابسته تحت تأثیر شرایط گوناگونی قرار دارد: نام‌های بهره‌مندی از دیپلماسی ورزشی و روابط بین‌الملل، نقش حمایتی مسئولان ورزشی کشور، نقش محیط آکادمیک و اجرایی ورزش، نقش زیرساخت‌های لازم در ورزش قهرمانی، افتخار آفرینی و ارائه ارزش‌ها در سطح بین‌الملل، ایجاد تصویرسازی مثبت در ورزش قهرمانی، پشتوانه سازی ورزش قهرمانی، فرهنگ سازی ورزش و ارائه تصویر مثبت، ایجاد بسترهای تصویرسازی مثبت از کشور، همیاری حامیان ورزشی، معرفی ظرفیت‌های گردشگری ورزشی، ظرفیت‌های گردشگری، تحول در اقتصاد کشور، عملکرد موازی رسانه‌های جمعی، بهره‌مندی از قابلیت‌های فناوری اطلاعات، تخصصی سازی بازاریابی ورزش، حمایت دولت در توسعه برند ملی در امر نقش ورزش قهرمانی در ایجاد برند ملی و تصویرسازی مثبت از کشور ایران در جهان. این نتایج با یافته‌های پژوهش شفیع‌زاده و همکاران (۱۴۰۱)، کادنی (۲۰۲۲)، ریشلیو (۲۰۱۸)، الهیاری و همکاران (۱۴۰۰)، داسیچ (۲۰۲۱) و کیم و همکاران (۲۰۱۴) هم‌سو می‌باشد. الهیاری و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی تأثیر ۵ دسته عوامل کلیدی (۱) عوامل مرتبط با صنعت؛ (۲) عوامل کلیدی مرتبط با شرکت؛ (۳) عوامل مرتبط با برند؛ (۴) سیاست‌ها و حمایت‌های دولتی و (۵) عوامل کلان محیطی اثرگذار بر برند ملی را شناسایی نمودند. همچنین شفیع‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) طبق نتایج تحلیل مسیر نشان دادند که عامل ویژگی رویداد بر قابلیت برند دارای تأثیر مثبت و بر برندسازی ملی و تجاری تأثیر ندارد. بازاریابی رویداد بر ویژگی رویداد و عملکرد تأثیر مثبتی دارد. عوامل مدیریتی بر بازاریابی و تجاری تأثیر مثبت، بر عملکرد تأثیر منفی و بر ویژگی رویداد تأثیری ندارد. کادنی^۱ (۲۰۲۲) نیز در تحقیقی اذعان نمودند که سازماندهی یک رویداد بزرگ ورزشی بر دو نوع فضای جغرافیایی یعنی تصویر و فضای بازگشایی تأثیر می‌گذارد. به لطف این رویداد، بازنمایی‌های رسانه‌ای (بخشی از فضای تصویر) و تجربه رویداد (بخشی از فضای رفع انسداد) برانگیخته می‌شود. در نتیجه، ذهن انسان در معرض یک سری از تعاملات قرار می‌گیرد که یک نقشه شناختی را ایجاد می‌کند که گدانسک را به عنوان مکان میزبان و برند آن نشان می‌دهد. همچنین دوبینسکی^۲ (۲۰۲۲) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که برندسازی ملی و دیپلماسی عمومی و بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو در مورد موضوعات زیر به اشتراک می‌گذارد: (۱) جنبش المپیک در حال ورود به عصر جدیدی است، (۲) میراث مشکوک، (۳) دور زدن دموکراسی، (۴) دیپلماسی ورزشکاران با مردم رو به پیشرفت است، (۵) نام تجاری آمریکا هنوز یک ابرقدرت المپیک، (۶) مسابقات ورزشی به عنوان میدان‌های نبرد ملی، (۷) جلوه‌های درگیری‌های سیاسی، (۸) بازنگری در دیپلماسی فرهنگی، (۹) چالش‌های جهانی و (۱۰) واکنش‌های اجتناب‌ناپذیر. این تأملات ادبیات چند رشته‌ای را در مورد بازی‌های المپیک، برندسازی ملی و دیپلماسی عمومی گسترش و بینش‌هایی را به دست می‌دهد که دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیرندگان باید هنگام برگزاری مسابقات ورزشی بین‌المللی یا دیگر رویدادهای بزرگ در دنیای پس از همه‌گیری در نظر بگیرند. علاوه بر این، کیم و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در تحقیقی بیان داشتند که رویدادهای ورزشی

¹ Cudny, W.

² Dubinsky, W.

³ Kim et al.

بزرگ به طور مثبت و قابل توجهی بر تصویر مقصد کشور میزبان (از دیدگاه گردشگری) و تصویر کشور (از دیدگاه بازاریابی بین‌المللی) تأثیر می‌گذارند- یافته‌ها نیاز و امکانات تحقیقات بین رشته‌ای و راهبردهای مدیریت یکپارچه را برای بهبود تصاویر مقصد و کشور نشان می‌دهد. ریشلیو^۱ (۲۰۱۸) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسید که مدیران و سیاست‌مداران شهرها، مناطق و کشورها باید هنگام توسعه راهبرد برندسازی مکان خود از طریق ورزش، از رویکردی جامع استفاده کنند. این رویکرد کل نگر را می‌توان در چهار بعد بیان کرد: ورزشی، اقتصادی، تجاری و اجتماعی. همچنین راهبرد برندسازی مکان از طریق ورزش باید به یک میراث اجتماعی-اقتصادی با منافع خصوصی و عمومی برای جامعه تبدیل شود. در نهایت، برندسازی مکان از طریق ورزش یکی از اجزای راهبرد کلی برندسازی مکان یک حوزه منطقه‌ای است. همچنین داسیچ^۲ (۲۰۲۱) در پژوهش خود بیان نمود برندسازی موفق کشورها و ملت‌ها حس تعلق منحصر به فرد و واضحی را برای افراد ایجاد می‌کند؛ یعنی افرادی که آنها را می‌سازند و تصویر مثبتی را به جهان می‌فرستند. هر کشوری متفاوت است و باید راه درستی برای برندسازی و ایجاد تصویر مثبت پیدا کند. ورزش از اهمیت فرهنگی و اقتصادی بالایی برخوردار است. مدت‌هاست که صرفاً یک رقابت نیست و امروزه یکی از راه‌های اصلی برندسازی ملت‌ها و دولت‌هاست. از این حیث، ورزش، یعنی ورزشکاران، با موفقیت خود در سطح جهانی، بر ایجاد شهرت مثبت کشورها و ملت‌ها تأثیر می‌گذارد. اما سرمایه‌گذاری در ورزش، جدای از شهرت‌سازی، اثرات اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و غیره برای یک ملت دارد.

برندسازی موفق دولت‌ها و ملت‌ها حس تعلق منحصر به فرد و واضحی را برای افراد ایجاد می‌کند؛ یعنی افرادی که آنها را می‌سازند و تصویر مثبتی را به جهان ارسال می‌کنند. جهانی شدن، اینترنت و بسیاری از عوامل دیگر باعث شده است که مقصدهای زیادی برای کسب اعتماد گردشگران، سرمایه‌گذاران، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان رقابت کنند. برای یک کشور، بسیار مهم است که بداند "بقیه جهان" آن را چگونه می‌بیند، مزایا و معایب آن چیست (داسیچ، ۲۰۱۷). هر کشوری متفاوت است و باید راه مناسبی برای برندسازی و ایجاد تصویری مثبت پیدا کند. به این معنا، ورزش، یعنی ورزشکاران، از موفقیت خود برای تأثیرگذاری بر ایجاد تصویری مثبت از دولت و ملت در سطح جهانی استفاده می‌کنند. در نتیجه، این امر بر ایجاد موقعیت اقتصادی بهتر کشوری که ورزشکاران از آن سرچشمه می‌گیرند، تأثیر می‌گذارد و همچنین می‌تواند بر بهبود تصویر، سرمایه‌گذاری و همکاری تجاری موثر باشد (عزیز و همکاران^۳، ۲۰۱۲). بنابراین، واضح است که ورزش و مسابقات جهانی در حال تبدیل شدن به ابزاری قدرتمند برای برندسازی کشورها هستند و ورزشکاران و زنان و صنعت ورزش از عوامل مهم در این فرآیند هستند. از این رو، رویدادهای ورزشی و چهره‌های ورزشی عوامل کلیدی در تأثیرگذاری بر بهبود تصویر دولت در سطح جهانی هستند، در حالی که در عین حال صنعت ورزش در نتیجه تلاش‌های سرمایه‌گذاری شده در زمینه ورزش در حال رشد است. به عنوان مثال، درک افریقا در افکار عمومی جهان مدت‌هاست که با ناآرامی‌های مداوم، کمک‌ها، گر سنگی و رژیم بی‌ثبات شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد که برگزاری مسابقات قهرمانی فوتبال جهان در آفریقای

¹ Richelieu, A.

² [Dasić](#)

³ Aziz

جنوبی در سال ۲۰۱۰ تصویر کل قاره را به شدت تغییر داد (ویلکویچ^۱، ۲۰۱۲). برگزاری رویدادهای ورزشی می تواند پشته‌واره اقتصادی خوبی در حین و پس از آن رویداد ورزشی برای کشور میزبان باشد. در کنار این روند، صنعت ورزش در کشورهای برگزارکننده و برنده جایگاه بهتری را به خود اختصاص می‌دهد. تقویت وجهه ملی بر اساس موفقیت ورزشی، خواه سازماندهی موفق یک رویداد ورزشی جهانی باشد یا موفقیت فردی و تیمی ورزشکاران، روشی بسیار مطلوب برای برندسازی در محیطی مدرن است. تصویر را باید در ارتباط با هویت نگریست تا کشورهایی که کاندید تحول با برندسازی از طریق ورزش هستند، بتوانند روی تقویت هویت ملی خود حساب کنند. زیرساخت‌های ورزشی به عنوان یک پارامتر موثر در توسعه تصویرسازی مثبت از کشور شناسایی شده‌اند. لذا توصیه می‌شود متولیان ورزش و فدراسیون ورزشی جمهوری اسلامی ایران در جهت افزایش ساخت‌وساز استاندارد زیرساخت‌های ورزشی، به‌کارگیری روش‌های روز دنیا و تجهیزات به‌روز توجه حداکثری داشته باشند. همچنین باتوجه به نمایان شدن تاثیر همکاری دستگاه دیپلماسی و دستگاه ورزش در تنظیم تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی ورزشی در توسعه تصویرسازی مثبت از کشور، پیشنهاد می‌شود هر کدام از سازمان‌های مربوطه در شناسایی حدود اختیارات خود، کمک و همکاری در پیشبرد امور و عقد تفاهم‌نامه‌های بیشتر با سایر کشورهای دنیا در جهت توسعه تصویرسازی مثبت از کشور بیش از پیش فعالیت نمایند. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود مسئولان و سازمان‌های ورزشی کشور در جهت اخذ میزبانی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بیش از پیش تلاش و پیگیری‌های مستمر داشته باشند تا بتوانیم فرصت‌های بیشتری در جهت نشان دادن ارزش‌های ورزشی کشورمان داشته باشیم.

منابع

- الهیاری، میثم؛ وظیفه‌دوست، حسین؛ حسینی؛ میرزا حسن و پرهیزگار، محمد مهدی. (۱۴۰۰). «طراحی و تبیین الگوی راهبردی توسعه برند ملی در صنایع غذایی». فصل‌نامه علمی پژوهشی مدیریت برند. ۸(۲)، صص ۱۹۲-۲۱۹.
- پیامی، تریفه؛ برقی مقدم، جعفر؛ نجف‌زاده، محمدرحیم و محمدپورقینی، حبیب. (۱۴۰۱). «طراحی مدل برندسازی لیگ برتر فوتبال ایران بر اساس رویکرد داده‌بنیاد». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان.
- دانایی‌فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی. (۱۳۹۲). «راهبردهای پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد». اندیشه مدیریت راهبردی. ۲(۱)، صص ۶۹-۹۸.
- زبردست، محمدعلی؛ سلطان حسینی؛ محمد و سلیمی، مهدی. (۱۳۹۹). «نقش آشنایی مقصد در برندسازی ایران به‌عنوان مقصد گردشگری ورزشی». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۹(۴۹)، صص ۱۹۷-۲۱۰.
- شفیع‌زاده، شهرام؛ رضوی، سید محمد حسین و امیرنژاد، سعید. (۱۴۰۱). «طراحی مدل برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی با تاکید بر توسعه برند ملی». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۱۰(۳۸)، صص ۸۷-۱۰۳.
- Aitken, R., & Campelo, A. (2011). "The four Rs of place branding". Journal of Marketing Management, 27(9-10), 913-933.
- Anholt, S. (2009). "Nation'branding': Propaganda or statecraft?" Public Diplomacy Magazine.
- Bastos, W., & Levy, S. J. (2012). "A history of the concept of branding: practice and theory". Journal of Historical Research in Marketing.
- Blatter, S. (2011). Russia, Qatar Take World Cup to New Lands.

¹ Veljković

- Cudny, W. (2022). **"The impact of events on place branding"**. In *A Research Agenda for Event Impacts* (pp. 169-180). Edward Elgar Publishing.
- Dašić, D. & Jović Bogdanović, A. (2021). **"SPORT AS A CENTRAL COMPONENT OF THE COUNTRY AND NATION BRANDING STRATEGY"**. <https://www.researchgate.net/publication/354423734>.
- Domazet, I. (2012). **Integrirane marketing komunikacije finansijskih organizacija**, Beograd: Institut ekonomskih nauka.
- Grix, J., & Houlihan, B. (2014). **"Sports mega-events as part of a nation's soft power strategy: The cases of Germany (2006) and the UK (2012)"**. *The British journal of politics and international relations*, 16(4), 572-596.
- Herstein, R., & Berger, R. (2013). **"Much more than sports: sports events as stimuli for city re-branding"**. *Journal of Business Strategy*.
- Kim, M. K., Kim, S. K., Park, J. A., Carroll, M., Yu, J. G., & Na, K. (2014). **"Measuring the economic impacts of major sports events: the case of Formula One Grand Prix (F1)"**. *Asia pacific journal of tourism research*, 22(1), 64-73.
- Mirza, F. (2016). **"Changing Perception: 3 Branding Lessons You Can Learn From Pope Francis"**, Business.com website, May 25, available at: www.business.com/entrepreneurship/3-branding-lessons-you-can-learn-from-pope-franci.
- Nye Jr, J. S. (2016). **Bound to lead: The changing nature of American power**. Basic books.
- Richelieu, A. (2014). **"Strategic management of the brand in the world of sport"**. *Journal of brand strategy*, 2(4), 403-415.
- Richelieu, A. (2018). **"A sport-oriented place branding strategy for cities, regions and countries"**. *Sport, Business and Management: An International Journal*.
- Santos, E. R. M. D., & Campo, M. L. R. (2014). **"Destination branding: A reflective analysis of Brand Cape Verde"**. *Place Branding and Public Diplomacy*, 10(1), 87-102.
- Stylidis, D. (2022). **"Exploring resident–tourist interaction and its impact on tourists' destination image"**. *Journal of Travel Research*, 61(1), 186-201.
- Sun, W., Tang, S., & Liu, F. (2021). **"Examining perceived and projected destination image: A social media content analysis"**. *Sustainability*, 13(6), 3354.
- Taberner, I., & Juncà, A. (2021). **"Small-Scale Sport Events as Place Branding Platforms: A Content Analysis of Osona's Projected Destination Image through Event-Related Pictures on Instagram"**. *Sustainability*, 13(21), 12255.
- Taks, M., Chalip, L., & Green, B. C. (2015). **"Impacts and strategic outcomes from non-mega sport events for local communities"**. *European sport management quarterly*, 15(1), 1-6.
- Vuignier, R. (2017). **"Place branding & place marketing 1976–2016: A multidisciplinary literature review"**. *International Review on Public and Nonprofit Marketing*, 14(4), 447-473.
- Yang, F. X., Wong, I. A., Tan, X. S., & Wu, D. C. W. (2020). **"The role of food festivals in branding culinary destinations"**. *Tourism Management Perspectives*, 34, 100671.
- Zenker, S. (2014). **"Measuring place brand equity with the advanced Brand Concept Map (aBCM) method"**. *Place Branding and Public Diplomacy*, 10(2), 158-166.

کارکرد رسانه‌ها در توسعه ورزش ایران

مجتبی احمدی^۱

ایمان صفائی^۲

محمدعلی نودهی^۳

[10.22034/ssys.2024.3259.3382](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3259.3382)



تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸

هدف از انجام این پژوهش، بررسی کارکرد رسانه‌ها در توسعه همه جانبه ورزش کشور بود. جامعه آماری شامل ورزشکاران عضو تیم‌های ملی، صاحبان کسب و کارهای ورزشی و مدیران ورزشی می‌باشد. بدلیل حجم بالای جامعه آماری، نمونه آماری براساس جدول مورگان ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. همچنین روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی ساده می‌باشند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار Smart PLS بهره گرفته شد.

نتایج نشان داد: آموزش رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی رسانه‌ها، فرهنگ‌سازی رسانه‌ها و ارتباطات اجتماعی رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تاثیر معنادار دارد. با توجه به یافته‌های پژوهش، مدیران و دست اندرکاران ورزش کشور می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ها در جهت توسعه همه‌جانبه ورزش کشور گام‌های موثری بردارند.

واژگان کلیدی: رسانه‌های جمعی، اطلاع‌رسانی و ورزش حرفه‌ای.

مقدمه

^۱ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران

^۲ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران (نویسنده مسئول)

[E-mail: Safaei@iaubir.ac.ir](mailto:Safaei@iaubir.ac.ir)

^۳ استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

ورزش در قرن بیست و یکم جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. پول، زمان و انرژی که در رسانه ها و در زندگی روزمره به ورزش اختصاص یافته باعث شده تلاش های ورزشکاران موضوع مورد توجه و هیجان انگیزی در میان همه طبقات اجتماعی، نسل ها و جنسیت ها گردد (صحراگرد و صفائی، ۱۴۰۲). امروزه ورزش به عنوان یک پدیده در زندگی بسیاری از مردم جهان به طرق مختلف فیزیکی، اقتصادی، آموزشی، سیاسی و ارتقای سطح بهداشت و تندرستی نقش به سزایی دارد. ورزش و حرکات گروهی موجب تقویت جسمی و روانی افراد شده، در حفظ سلامت جسم و روان تاثیر مستقیم داشته و در پیشگیری، درمان و بازتوانی بسیاری از بیماری ها و اختلالات جسمی و روحی موثر است (کافی آهیابور و همکاران^۱، ۲۰۲۳). از طرف دیگر، ورزش امروزه در جهان به وسیله ای مبدل شده که انسان ها را با هم متحد و آشنا می کند و بین آنها پیوند اخوت و برادری برقرار می نماید- که البته مهمترین هدف و وظیفه ورزش همین است (شریعتی فیض آبادی و همکاران، ۱۳۹۸). ارتباط امروزه ورزش و رسانه ها به شکل همزیستی است؛ یعنی هر یک برای بقای خود به دیگری نیاز دارد (لوپز کاریل و همکاران^۲، ۲۰۲۰). رسانه ها ارتباطات خود با مخاطبان را به وسیله استفاده از ورزش به عنوان سرگرمی و ساخت برنامه های ورزشی توسعه داده اند. مدیران ورزش با اقدامات اثربخش در بخش رسانه گروهی و روابط عمومی می توانند آسیب به خوشنامی رسانه ها و سازمان را به حداقل برسانند (بخشنده، ۱۳۹۸). رسانه ها به عنوان بخشی از ساختار نوین جامعه و یکی از دستگاه های فراگیر و گسترده در دسترس همگانی، در تمامی کشورها نقش حساس و مهمی را در توسعه زمینه های مختلف ورزشی، سیاسی، فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی و ... ایفا می کنند (احمدی و ذولفقاری، ۱۴۰۱). در حوزه ورزش نیز رسانه های گروهی از ابزارهای مهم توسعه هستند که در تحقق بسیاری از اهداف ورزش اثرگذار هستند. در میان رسانه های گروهی، تلویزیون، رادیو و مطبوعات به دلیل دامنه فراگیری بیشتر، از بقیه مهمتر هستند (پیش^۳، ۲۰۱۸). ترغیب و تشویق همگانی به شرکت در فعالیت های ورزشی و همگانی، الگوسازی از ورزشکاران موفق از طریق برجسته نمایی و معرفی شخصیت، اخلاق و موفقیت های آنان برای نسل جوان اثرات مهمی بر رفتار و فرهنگ جامعه دارد. مطالعات مختلف نشان داده است که هر قدر مطالعه روزنامه یا شنیدن رادیو و تلویزیون کاهش یابد، به همان نسبت مشارکت اجتماعی به عنوان شاخصی از احساس تعلق به جامعه کم می شود. محتوای برنامه های رسانه ای می تواند موجب اصلاح رفتارها، رشد و تعالی انسان ها، همبستگی آنها و گسترش ادب و فرهنگ شوند و یا برعکس، شرایط سقوط و تنزل شخصیت فکری و اجتماعی افراد را فراهم آورند (خجیر و خانیکی، ۱۳۹۸). گفتمان سازی حول محورهایی از جمله ورزش و همبستگی اجتماعی، ورزش و سلامت، ورزش و صلح جهانی، نقش ورزش در گسترش ارتباطات اجتماعی و ... می تواند به تعمیق بخشی و اصالت یافتن کارکردها و تأثیرات ورزش و همگانی و فراگیر نمودن آن کمک نماید (امامی و همکاران، ۱۴۰۱). با توجه به گسترش ورزش در جوامع انسانی و ضرورت توسعه آن در کشور ایران، به نظر می رسد که رسانه ها می توانند نقش بسیار مؤثری در این زمینه ایفا کند. از آنجا که ورزش و مسائل خبری مربوط به آنها همواره مورد توجه اقشار مختلف جامعه بویژه جوانان بوده است، بررسی میزان تأثیرگذاری فعالیت ها و

¹ Kofi Ahiabor et al.

² Lopez-Carril et al.

³ Parrish

برنامه‌های گروهی این پدیده اجتماعی و فرهنگی در ابعاد مختلف ورزشی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (شریعتی - فیض‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸). بدون تردید، سامان‌یافتگی رسانه از طریق عملکرد اصولی، منطقی، حرفه‌ای، علمی، وسیع و همه‌جانبه آن می‌تواند در روند توسعه و اعتلای همه جانبه ورزش کشور نقش به‌سزایی داشته باشد (امامی و همکاران، ۱۴۰۱).

یکی از پدیده‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر رشد چشم‌گیری داشته و آحاد مردم را تحت تأثیر قرار داده، تربیت‌بدنی و ورزش است (احمدی و ذولفقاری، ۱۴۰۱). از طرف دیگر در دهه اخیر، اینترنت با ارائه خدمات چندرسانه‌ای به مثابه عصاره فناوری‌های ارتباطی جهان مطرح و از فراگیری بسیار زیادی برخوردار گردیده است (حیدری مفرد و صفائی، ۱۴۰۱). با توجه به نقش رسانه‌ها که در شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی موثر هستند، در بخش ورزشی، محتوای برنامه‌ها و مطالب درج شده در آن‌ها نیز می‌توانند تأثیر بسزایی در پیشرفت و بهبود وضعیت کشور داشته باشند (ایرج‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). ویلیام سامنر معتقد است که ورزش یکی از راه‌های اجتماعی‌شدن و همانندسازی مانند خوگرفتن با ارزش‌ها و فرهنگ جامعه است. ورزش پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی است که با نهادها و ساختارهای اجتماعی ارتباط دارد. از یک سو می‌توان از طریق ورزش درباره سطح پیشرفت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه داوری کرد و از سوی دیگر، پیشرفت و ترقی ورزشی نیز به داده‌ها و عوامل اجتماعی حاکم بر جامعه وابسته است (قاسم‌پور و همکاران^۱، ۲۰۲۰). همچنین رشد روزافزون علم و فناوری، ابعاد گوناگون زندگی بشری را تحت تأثیر قرار داده و در مقوله ورزش پیامد این رشد، رسیدن به سطوح بالاتر اجرا، کسب رکوردهای بهتر در مقایسه با گذشته و حصول به نتایج مطلوب است که نیازمند توجه نیازهای روانی (مهارت‌های روانی) در مهارت‌های خاص می‌باشد. بنابراین یک ورزشکار برای موفقیت باید از وضعیت روحی روانی مناسبی برخوردار باشد (صفائی و علوی، ۱۴۰۱). در همین راستا رسانه‌ها می‌توانند از طریق راه‌های ارتباطی مانند فضای مجازی، رادیو و تلویزیون به واسطه تبلیغات سازمان‌یافته در برقراری ارتباط سودمند بین ورزش و رسانه‌ها تأثیر به‌سزایی در فرهنگ‌سازی ورزش به خصوص ورزش همگانی داشته باشند (کالکر و ماهر^۲، ۲۰۱۹). این امر با پخش اعلامیه، برنامه‌های خبری، فیلم‌های مستند و برنامه‌های سرگرمی به دلیل سهولت استفاده غالب افراد جامعه از آنها امکان‌پذیر است (کافی‌آهیابور و همکاران^۳، ۲۰۲۳). در ایران نیز رادیو و تلویزیون به‌عنوان رسانه ملی، هدایت‌کننده اصلی توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور، نقش و مأموریت بزرگی در توسعه ورزش بر عهده دارد. از این‌رو، از مهمترین نقش‌های رسانه‌ها در توسعه ورزش، اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و آموزش مداوم در جهت ایجاد روحیه مشارکت و همکاری اجتماعی در جامعه است (ایرج‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

البته نمی‌توان رابطه بین ورزش و رسانه‌ها را همیشه مفید تلقی کرد یا دوطرفه دانست. ورزش می‌تواند در جلب مخاطب به رسانه‌ها کمک شایانی کند، اما اینکه رسانه‌ها به همان اندازه در اشاعه همه‌جانبه ورزش و ترویج فرهنگ ورزش فعالیت می‌کنند یا خیر، محل تردید است (ولف و همکاران^۴، ۲۰۱۷). ساعت‌چیان و همکاران (۱۴۰۱)

¹ Ghasempour et al.

² Clark & Maher

³ Kofi Ahiabor et al.

⁴ Wolfe et al.

در پژوهشی دریافتند بین عوامل زمینه‌ای رسانه‌های اجتماعی مجازی با تمایل به ورزش رابطه مثبت و معناداری برقرار است. ضریب همبستگی برابر با ۰/۴۸ و ضریب تبیین برابر با ۰/۲۲ می‌باشد و می‌توان گفت ۲۲ درصد از تغییرات تمایل به ورزش از طریق عوامل زمینه‌ای رسانه‌های اجتماعی مجازی تبیین می‌شود. از سوی دیگر، کالرک و ماهر^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه خود بیان داشتند ارتباط معنی‌داری بین اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی و سطح بالای شناسایی و تعهد ورزشی وجود نداشت. همچنین نتایج حاکی از آن است که برای سازمان‌های ورزشی، رسانه‌های اجتماعی یک روش مناسب برای رسیدن به تمام بخش‌های بازار براساس شناسایی و تعهد نیست.

نقش دیگر رسانه‌های گروهی در ورزش، بیان مشکلات مربوط به ورزش از طریق نقد و تحلیل این مشکلات و انعکاس آنها به بخش‌های مختلف اجرایی و مردم و ارائه برخی راهکارهای اساسی برای حل معضلات موجود است که می‌تواند حساسیت عمومی و انگیزه را برای توسعه ورزش بالا ببرد. به نظر می‌رسد که «نظریه برجسته‌سازی»، نظریه‌ای بسیار مناسب برای فهم نقش نافذ و فراگیر رسانه‌هاست. بالا بردن شمار تماشاگران و ایجاد هیجانات و نشاط اجتماعی در زمان برگزاری مسابقات مهم ملی و بین‌المللی، برجسته‌سازی فوائد و آثار مثبت فردی و اجتماعی ورزش در جامعه، پوشش گسترده اخبار و اطلاعات ورزشی، ترغیب عمومی و همگانی نمودن ورزش و ... از مسائلی قابل توجهی است که می‌توان در مورد رابطه رسانه‌ها و ورزش مورد بررسی قرار داد (خزایی، ۱۳۹۶). نکته حائز اهمیت این است که ورزشکاران به‌خودی‌خود به دلیل مطالبات مسابقه، ترس از شکست، احساس بی‌کفایتی، تقصیر، ارزیابی اجتماعی، عدم امنیت رسانه‌ای، جو و پذیرا نبودن گروه، اضطراب و نگرانی بالایی را تجربه می‌کنند (سبزیان و صفائی، ۱۴۰۰). لذا می‌توان بیان نمود رسانه‌های گروهی، یکی از مؤلفه‌های مهم در توسعه فرهنگی کشور هستند. رسانه‌های سالم می‌توانند با کارکردهای خود یعنی آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی، آموزش و هدایت به توسعه ورزش کشور کمک کنند. بنابراین استفاده از رسانه ملی برای آگاهی‌بخشی می‌تواند بهترین کارکرد فعلی آن و مدنظر مسئولان باشد و ارائه اطلاعات جذاب، مفید و کاربردی به عنوان مهم‌ترین حیطه اطلاع‌رسانی به صورت جدی‌تری در دستور کار برنامه‌سازان این حوزه قرار گیرد (خادم، ۱۳۹۵). در همین راستا ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۲) دریافتند انواع رسانه‌های جمعی شامل تلویزیون داخلی، ماهواره، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و روزنامه‌ها و مجلات در توسعه سواد اخلاقی در میان بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران نقش دارند و می‌توانند به ارتقای سطح حساسیت اخلاقی، استدلال‌ورزی اخلاقی و پتانسیل اخلاقی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال منجر شوند.

یکی از بخش‌هایی که ورزش می‌تواند در توسعه آن سهم باشد، بخش اقتصادی هر جامعه است. امروزه رشد اقتصادی باعث توسعه همزمان بازارهای کار می‌گردد که این نیز از طریق افزایش قابلیت نیروی کار، انگیزه کافی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف را موجب می‌سازد و ورزش نیز می‌تواند در بعد اقتصادی، گزینه مناسبی جهت سرمایه‌گذاری باشد (خزایی، ۱۳۹۶)؛ چراکه سهم ورزش در اقتصاد ملی رابطه مستقیم با میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در بخش ورزش دارد که در شرایط حاضر با توجه به محدودیت‌ها و تنگناهایی که بخش خصوصی برای مشارکت در توسعه ورزش دارد، در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بسیار پایین است (امامی و همکاران، ۱۴۰۱). در همین زمینه افرادی که می‌دانند چگونه باید از اصول جهان‌شمول بشری در ارزش‌ها، اهداف و

¹ Clark & Maher

فعالیت‌ها در زندگی استفاده کنند و توانایی درک درست از نادرست، اعتقادات قوی اخلاقی و عمل به آن‌ها و همچنین رفتاری صحیح و محترمانه دارند و مسئولیت‌پذیرند و به عبارتی هوش اخلاقی بالاتری دارند، از سلامت روان‌شناختی بیشتری برخوردار هستند (صفائی و شنوائی اصل، ۱۴۰۱). بنابراین تهیه‌کنندگان و برنامه‌سازان ورزشی رسانه باید پیوست اخلاق و معنویت در ورزش را در برنامه‌های خود جانی کنند. اخلاق در ورزش در کشور ما فراتر از آن چیزی است که در دنیا به عنوان اخلاق ورزشی تلقی می‌شود، چرا که در جامعه ورزشی کشور ایران واژه‌ای به نام «پهلوانی» وجود دارد که انسان‌های وارسته و الگویی چون جهان پهلوان تختی و پوریای ولی از درون آن برخاسته‌اند. در این بین، نقش نهادهای حاکمیتی در راهبری این حوزه نقشی مهم و تاثیرگذار است و به نظر می‌سد راهبردهای توسعه این بخش باید تبیین و تعیین گردند. در حال حاضر با توجه به نقش انکارناپذیر رسانه در شکل‌دهی و جهت‌دهی به باورها، نگرش‌ها و افکار جامعه و همچنین فراهم آوردن بستر مناسب برای پرداختن به ورزش و با اشاره به اینکه تعداد کمی از واحدهای تجاری و جهانی به اندازه ورزش از این میزان توجه رسانه‌ها برخوردارند، انجام پژوهش ضروری می‌باشد. بررسی‌ها نشان داد مطالعات انجام شده درباره تاثیر رسانه‌های جمعی کشور اعم از فضای مجازی، مطبوعات رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌ها بر نهادینه کردن ورزش و بیشترین تمرکز بر ورزش‌های قهرمانی و حرفه‌ای است و هیچ یک از مطالعات تاثیر رسانه‌ها از نظر ابعاد مختلف بر توسعه ورزش ایران را مورد بررسی قرار ندادند. منظور از توسعه ورزش در این پژوهش، رشد کمی و کیفی ورزش در ابعاد گوناگون می‌باشد. با توجه به ماهیت‌های مختلف ورزش‌های پرورشی، همگانی، قهرمانی و حرفه‌ای، بدیهی است که رسانه‌های گروهی در هر حوزه ورزشی باید کارکردها و نقش‌های خاصی را برای توسعه داشته باشند. به عبارت دیگر، این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع است که رسانه‌ها چه نقشی در جهت رشد هرچه بیشتر کمی و نیز کیفی ورزش کشور هم در بعد همگانی، هم بعد تربیتی، و هم بعد قهرمانی و حرفه‌ای می‌توانند داشته باشند. لذا این پژوهش در تلاش است تا به سوال زیر پاسخ دهد:

آیا رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تاثیر معنادار دارند؟

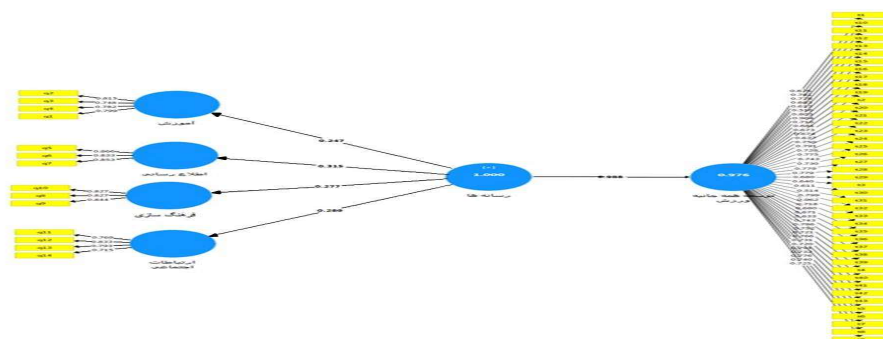
روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی با رویکرد کمی و با توجه به ماهیت، تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ورزشکاران شاغل در لیگ‌های برتر کشور (رشته‌های کشتی، کبدی، والیبال، تکواندو، بسکتبال، فوتسال و ...)، صاحبان کسب و کارهای ورزشی (تولیدکنندگان پوشاک ورزشی، تجهیزات ورزشی و مالکان باشگاه‌های ورزشی) و مدیران ادارات ورزش و جوانان بود. در این پژوهش به دلیل حجم بالای جامعه آماری، نمونه آماری براساس جدول مورگان ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شد. همچنین روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی ساده بود. در این تحقیق از دو پرسش‌نامه جهت جمع‌آوری بهره گرفته شد. پرسش‌نامه محقق‌ساخته «رسانه» پژوهش‌های امیدوارکننده (کوریجانی) و ساعت‌چیان و همکاران (۱۴۰۱) شامل ۱۴ سوال بود. آموزش سوالات ۱ تا ۴، اطلاع‌رسانی سوالات ۵ تا ۷، فرهنگ‌سازی سوالات ۸ تا ۱۰ و ارتباطات اجتماعی سوالات ۱۱ تا ۱۴ به منظور بررسی مولفه توسعه همه‌جانبه ورزش از پرسش‌نامه سواد و همکاران (۱۳۹۴) که شامل ۴۳ سوال بود، استفاده شد. منظور از توسعه همه‌جانبه ورزش، توسعه ورزش همگانی، قهرمانی، حرفه‌ای و تربیتی است. داده‌های

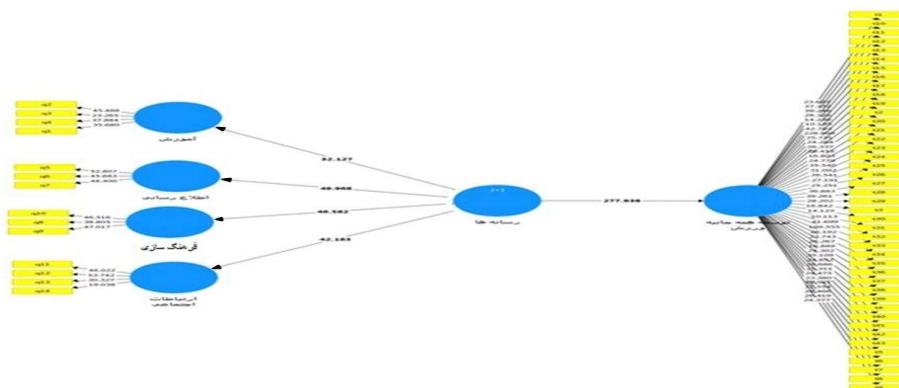
جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای Spss نسخه ۲۲ و معادلات ساختاری Smart PLS نسخه ۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

بخش اول یافته‌های تحقیق مربوط به آمار توصیفی یا ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های آماری تحقیق بود. طبق نتایج به دست آمده: ۲۵ درصد افراد در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۷ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۳۲ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و ۱۶ درصد در گروه سنی ۵۱ سال به بالا قرار دارند. میزان تحصیلات ۲۲ درصد از پاسخگویان لیسانس، ۶۰ درصد فوق لیسانس و ۱۸ درصد دکترا می باشد. همچنین، از بین نمونه‌های آماری تحقیق، ۲۶ درصد ورزشکار، ۴۶ درصد صاحبان کسب و کارهای ورزشی و ۲۸ درصد مدیران ادارات ورزش و جوانان سطح کشور بودند. نمودار ۱، مدل در حالت استاندارد شده بارهای عاملی و ضرایب مسیر را نشان می‌دهد:



شکل ۱: مدل تحقیق با ضرایب استاندارد شده بار عاملی و ضرایب مسیر (ارزیابی مدل‌های اندازه‌گیری)



شکل ۲: مدل تحقیق با ضرایب t-Values (ارزیابی مدل‌های اندازه‌گیری)

برای ارزیابی اعتبار مدل بیرونی از سه شاخص استفاده شده است:

❖ روایی همگرا

❖ پایایی ترکیبی

❖ آلفای کرونباخ

روایی همگرا^۱ نشان می‌دهد چقدر متغیرهای یک سازه با همدیگر همراستا هستند. روایی همگرا براساس مدل بیرونی و با محاسبه میانگین واریانس استخراج^۲ (AVE) بررسی می‌شود. معیار AVE نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است. به بیان ساده‌تر، AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود را نشان می‌دهد که هرچه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معتقدند اگر معیار AVE بالاتر از ۰/۵ باشد، مدل اندازه‌گیری دارای روایی همگراست (خوشدل احمدی و همکاران، ۱۴۰۱).

پایایی ترکیبی^۳ (CR) در مدل‌های ساختاری معیار بهتر و معتبرتری نسبت به آلفای کرونباخ به شمار می‌رود. به دلیل اینکه در محاسبه آلفای کرونباخ در مورد هر سازه تمامی شاخص‌ها با اهمیت یکسان وارد محاسبات می‌شوند، ولی در محاسبه پایایی ترکیبی شاخص‌ها با بارهای عاملی بیشتر اهمیت زیاده‌تری داشته و باعث می‌شود که مقادیر CR، شاخص‌ها با بار عاملی بیشتر اهمیت زیاده‌تری داشته و مقادیر CR سازه‌ها معیار واقعی‌تر و دقیق‌تری نسبت به آلفای کرونباخ باشد.

برای روایی همگرا و پایایی ترکیبی (CR) باید روابط زیر برقرار باشد:

رابطه ۱: $CR > 0.7$; $CR > AVE$; $AVE > 0.5$

جدول ۱: اعتبار درونی سازه‌های مدل تحقیق

سازه‌های اصلی	AVE	پایایی ترکیبی (CR)	آلفای کرونباخ
آموزش	۰/۵۱۲	۰/۷۱۹	۰/۷۰۵
اطلاع‌رسانی	۰/۵۰۵	۰/۸۰۳	۰/۷۵۱
فرهنگ‌سازی	۰/۵۵۱	۰/۷۰۹	۰/۸۳۵
ارتباطات اجتماعی	۰/۵۸۰	۰/۸۰۱	۰/۸۱۳

با توجه به نتایج جدول ۱، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بزرگتر از ۰/۵ است. بنابراین روایی همگرا وجود دارد. آلفای کرونباخ تمامی متغیرها بزرگتر از ۰/۷ بوده و پایایی مورد تأیید است. مقدار پایایی ترکیبی (CR) نیز بزرگتر از AVE و در تمامی موارد از آستانه ۰/۷ بزرگتر است. بنابراین شرط سوم نیز برقرار است.

بررسی مدل کلی

پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل، برازش کلی مدل از طریق معیار GOF که شاخصی برای بررسی برازش مدل جهت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زا می‌باشد، استفاده گردید. این معیار از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

^۱ Convergent Validity

^۲ Average Variance Extracted (AVE)

^۳ Composite Reliability (CR)

$$GOF = \sqrt{Communalities \times R^2}$$

جدول ۲: نتایج برازش کلی مدل با معیار

R ²	Communalities	
۰/۰۰۰	۰/۷۷۹	آموزش
۰/۰۰۰	۰/۷۱۴	ارتباطات اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۶۶۲	اطلاع‌رسانی
۰/۰۰۰	۰/۶۹۱	فرهنگ‌سازمانی
۰/۱۲۰	۰/۷۵۹	توسعه همه‌جانبی ورزش

جدول ۳: نتایج برازش مدل کلی

GOF	R ²	Communality
۰/۲۹۵	۰/۱۲۰	۰/۷۲۱

با توجه به مقدار به‌دست آمده برای GOF به میزان ۰/۲۹۵، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود.

وتزلس^۱ و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای نیکویی برازش معرفی کرده‌اند. با توجه به اینکه مقدار GOF برابر ۰/۲۹۴ به دست آمد و این مقدار بیشتر از ۰/۳۶ است نشان از برازش قوی مدل کلی پژوهش دارد. بنابراین می‌توان گفت برازش کلی مدل پژوهش بسیار مناسب می‌باشد.

آزمون فرضیه های پژوهش

جدول ۴: نتایج ضریب تأثیر رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور

نتیجه	سطح معناداری	T_value	β	مسیر متغیر مستقل ← متغیر وابسته
معنادار	۰/۰۰۱	۲۵۸/۵۲	۰/۹۸۸	رسانه‌ها ← توسعه همه‌جانبه ورزش کشور
معنادار	۰/۰۰۱	۲۶/۴۰	۰/۳۹۳	آموزش رسانه‌ها ← توسعه همه‌جانبه ورزش کشور
معنادار	۰/۰۰۱	۲۵/۶۶	۰/۲۷۳	اطلاع‌رسانی رسانه‌ها ← توسعه همه‌جانبه ورزش کشور
معنادار	۰/۰۰۱	۲۰/۰۵۶	۰/۲۳۹	فرهنگ‌سازی رسانه‌ها ← توسعه همه‌جانبه ورزش کشور
معنادار	۰/۰۰۱	۱۶/۶۷	۰/۲۱۹	ارتباطات اجتماعی رسانه‌ها ← توسعه همه‌جانبه ورزش کشور

^۱ Wetzels

با توجه به یافته‌های جدول ۲، بررسی ضریب اثر متغیرهای مختلف در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور نشان می‌دهد با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری (t-value) از ۱/۹۶ بیشتر می‌باشند و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که این ضرایب مسیر در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی نقش رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور انجام گرفته است. طبق نتایج به دست آمده، آموزش رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی رسانه‌ها، فرهنگ‌سازی رسانه‌ها و همچنین، ارتباطات اجتماعی رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور نقش دارد. این یافته با نتیجه پژوهش‌های احمدی و ذولفقاری (۱۴۰۱)، می‌ریوسی و بخشنده (۱۳۹۹) و عمان و همکاران^۱ (۲۰۱۶) همسوست. احمدی و ذولفقاری (۱۴۰۱) در نتیجه پژوهش خود دریافتند که مقوله‌های تعلق اجتماعی، تعامل‌گرایی، نوگرایی و توسعه، روابط عمومی پویا، نهادهای ورزش، برجسته‌سازی ورزش، توسعه جامعه اطلاعاتی، اطلاع‌رسانی و آموزش رسانه‌ای و سرگرمی و تبلیغات در توسعه ورزش نقش دارند. می‌ریوسی و بخشنده (۱۳۹۹) در مطالعه خود بیان داشتند سه عامل مرتبط با رسانه‌های جمعی شامل فرهنگی، آموزشی و تبلیغی است. در ضمن گویه‌های وجود تفکر راهبردی و درازمدت و پرهیز از روزمرگی در امر برنامه‌سازی در ورزش، تشویق حامیان مالی جهت حمایت از ورزش قهرمانی و صلاحیت حرفه‌ای منتقدان رسانه‌های ورزشی به ترتیب در عامل‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی در اولویت اول قرار داشتند. براساس یافته‌های این پژوهش رسانه‌های جمعی باید به عنوان یک مولفه مهم در جهت توسعه فرهنگ سیاسی در ورزش قهرمانی مورد توجه قرار گیرد. همچنین توسعه فرهنگ سیاسی ورزش قهرمانی با همکاری همه‌جانبه جامعه رسانه‌ای، ورزشی و علم به ورزش قهرمانی صورت می‌گیرد. عمان و همکاران (۲۰۱۶) در نتیجه مطالعه خود دریافتند در انجام دادن ورزش همگانی در مقایسه با رشته‌های دیگر نیاز کمتری به وسایل ورزشی است و با ابتدایی‌ترین وسایل نیز می‌توان این ورزش را انجام داد. رسانه‌های جمعی می‌توانند نقش مؤثری در توسعه ورزش همگانی داشته باشند، اما بیشترین کاری که در این رسانه‌ها صورت می‌گیرد، پخش برنامه‌های مختصر و کوتاه‌مدت و ارائه اطلاعات پزشکی درباره ورزش- هاست. در تفسیر نتایج تحقیق می‌توان اینگونه اذعان نمود که ورزش یک فعالیت اجتماعی است که علاقه‌مندان بسیاری دارد. لذا در صورتی که رسانه‌ها بتوانند برنامه‌های ورزشی را در راستای اجرای همایش‌های ورزشی، مسابقات ورزشی همگانی، مسابقات ورزشی حرفه‌ای و ... به عموم مردم اطلاع‌رسانی نمایند، مردم را در جریان اتفاقات ورزشی روز بگذارند، به‌روز باشند، حرفه‌ای عمل کنند و وبسایت‌های جذاب طراحی نمایند، می‌توانند هم باعث افزایش انگیزه و مشارکت ورزشی مردم در حوزه ورزش باشند و هم باعث توسعه همه‌جانبه ورزش شوند.

نتیجه فرضیه فرعی اول نشان داد آموزش رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور دارای تأثیر مثبت و معناداری است. با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات آموزش رسانه‌ها، شاهد افزایش در نمرات توسعه همه‌جانبه ورزش خواهیم بود. بنابراین فرضیه فرعی اول مبنی بر تأثیر آموزش رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تأیید می‌گردد. این یافته با نتیجه پژوهش قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۰) همسوست. قاسم‌پور و همکاران (۱۴۰۰) دریافتند عامل "آموزش" نقش مهمی در توسعه ورزش زورخانه‌ای داشته است. در واقع، آموزش و یادگیری از مهم‌ترین راه‌ها

¹ Aman et al.

برای رسیدن به موفقیت در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های بشری محسوب می‌شود. افراد و جوامع مختلف برای پیشرفت در امور خود به آموزش و یادگیری نیاز دارند. امروزه یکی از نیازهای جدی زندگی که به سرعت در حال تغییر می‌باشد، شکل دادن به تحولات و نوآوری‌های آموزشی به‌ویژه در ابعاد مختلف ورزش است، چرا که این امر شاید یکی از مؤثرترین زمینه‌هایی است که ما را قادر می‌سازد تا فاصله خود را با تحولات و دگرگونی‌های جهانی کمتر کنیم. آموزش مهارت‌های جدید، علاوه بر کمک به رشد و تعالی انسان و شکوفا ساختن استعدادهای نهفته افراد و ایجاد تغییرات تدریجی ماندگار، به افزایش اعتماد به نفس انسان‌ها و رشد شخصیت آن‌ها کمک خواهد کرد. تعیین منبع را می‌توان مهم‌ترین مرحله در آموزش معرفی کرد، زمانی که تصمیم می‌گیرید مهارتی را آموزش ببینید، در اولین قدم باید بهترین منابع را برای آموزش انتخاب کنید. منابع از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند از این جهت رسانه‌ها می‌توانند با معرفی و تبلیغ منابع آموزشی مناسب و با کیفیت در مسیر توسعه ورزش کشور موثر باشند. آموزش تنها به معنای انتقال دانش فنی نیست، بلکه فرآیندی گسترده است که افراد را در زمینه‌های مختلف زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. مهارت‌های آموزشی، نه تنها راه توسعه شخصیت افراد را می‌گشایند، بلکه یک پایگاه قوی برای دستیابی به اهداف موفقیت‌آمیز فراهم می‌کنند.

نتیجه فرضیه فرعی دوم نشان داد اطلاع‌رسانی رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات اطلاع‌رسانی رسانه‌ها، شاهد افزایش در نمرات توسعه همه‌جانبه ورزش خواهیم بود. بنابراین فرضیه فرعی دوم مبنی بر تأثیر اطلاع‌رسانی رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تأیید می‌گردد. این یافته با نتیجه پژوهش ساعت‌چیان و همکاران (۱۴۰۱) همسوست. ساعت‌چیان و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود دریافتند بین عوامل زمینه‌ای رسانه‌های اجتماعی مجازی با تمایل به ورزش رابطه مثبت و معناداری برقرار است. با توجه به اینکه از بین این عوامل مشارکت اجتماعی و اطلاع‌رسانی بیشترین تأثیر بر تمایل به ورزش را دارا می‌باشند، در صورتی که رسانه‌ها بتوانند برنامه‌های جمعی را در راستای اجرای همایش‌های ورزشی و پیاده‌روی‌های عمومی ورزشی در سطح شهر به عموم مردم اطلاع رسانی نمایند، می‌توانند باعث افزایش انگیزه مشارکت ورزشی مردم گردند. در رابطه با اهمیت عامل اطلاع‌رسانی که در یافته‌های این تحقیق نیز مورد تأکید قرار گرفت می‌توان گفت تبلیغ و اطلاع‌رسانی یک ابزار و یک روش مهم در رواج یک رفتار در جوامع بشری می‌تواند باشد، خواه این رفتار صحیح یا ناصحیح باشد. از الگوبرداری جوانان و نوجوانان از افراد و اشخاص و تبلیغات گسترده صنایع در زمینه مصرف دخانیات می‌توان به عنوان یک رفتار ناصحیح نام برد یا تبلیغات دینی در زمینه نوع دوستی و ستایش خداوند نیز از دسته رفتارهای صحیح و جامعه‌پسند به شمار می‌رود. صنعت تبلیغات را می‌توان استفاده از وسایلی مانند زبان، خط، تصویر، موسیقی و نمایش در جهت ایجاد آگاهی‌های خاص و اعمال نظر در جهت‌دهی به افکار عمومی دانست. اهمیت تبلیغات در جهان امروز و نقش آن در مراودات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، هنری و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. آگاهی عمومی حاصله از تبلیغات می‌تواند درست، دقیق و شفاف باشد و با افزودن اطلاعات به اعتلای فکری و فرهنگی انسان‌ها کمک رساند یا نادرست و مبهم باشد و نقشی ویرانگر ایفا نماید. تبلیغات از طریق رسانه‌های مختلف اعم از مطبوعات، رادیو، تلویزیون، تبلیغات محیطی و غیره می‌تواند در اشاعه و شتاب فعالیت‌های مختلف جامعه موثر باشد. استفاده روز افزون از تبلیغات در فعالیت‌های فرهنگی، بررسی اهمیت

و نقش تبلیغات در این امور را ضروری می‌سازد. از این رو، استفاده مناسب از ابزار رسانه برای تبلیغ و اطلاع‌رسانی در مورد نقش و اهمیت ورزش و فعالیت‌های بدنی در سلامت فردی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند بستری مناسب برای گرایش مردم به فعالیت‌های ورزشی فراهم نماید.

نتیجه فرضیه فرعی سوم نشان داد فرهنگ‌سازی رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات فرهنگ‌سازی رسانه‌ها، شاهد افزایش در نمرات توسعه همه‌جانبه ورزش خواهیم بود. بنابراین فرضیه فرعی سوم مبنی بر تأثیر فرهنگ‌سازی رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تأیید می‌گردد. این یافته با نتیجه پژوهش ایرج‌پور و همکاران (۱۳۹۵) همسوست. ایرج‌پور و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود دریافتند بین نقش‌های چهارگانه رسانه‌های جمعی (فرهنگ‌سازی، آموزشی، اطلاع‌رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی) و توسعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه‌ای کشور رابطه مثبت و معنی‌داری مشاهده شد. بر اساس میانگین‌های به‌دست‌آمده، عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه‌ای کشور رتبه‌بندی گردید. نقش فرهنگ‌سازی رسانه‌های جمعی، رتبه اول و نقش‌های آموزشی، اطلاع‌رسانی و ایجاد مشارکت اجتماعی به ترتیب، رتبه‌های بعدی را به دست آوردند. در مورد عامل فرهنگ‌سازی که طبق یافته‌های این تحقیق می‌تواند بر توسعه ورزش تأثیرگذار باشد می‌توان اذعان کرد که فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه و یکی از مهم‌ترین عوامل در شکوفا کردن استعدادهای درونی افراد جامعه به شمار می‌آید. هر یک از جوامع انسانی، فرهنگ خاص خود را دارد که در طول تاریخ شکل گرفته است و همین فرهنگ، هویت‌دهنده یک جامعه می‌باشد. گسترش فرهنگ هماهنگ با ارزش‌ها، آداب و هنجارهای جامعه از طریق فعالیت‌های مختلف فرهنگی امکان‌پذیر است. ورزش نیز به‌عنوان یک امر فرهنگی در جامعه می‌تواند آثار و نتایج مثبت فراوانی را به همراه داشته باشد که در این زمینه فرهنگ‌سازی برای حضور و مشارکت افراد جامعه در فعالیت‌های ورزشی نقش مهمی دارد. رسانه‌ها می‌توانند با ترویج و تبلیغ اهمیت و کارکردهای فعالیت‌های بدنی و ورزش همگانی بر سلامت جسمانی و روانی، فرهنگ مشارکت در ورزش را در جامعه ایجاد کنند تا افراد ورزش را به عنوان بخشی از برنامه‌های روزمره زندگی خود قرار دهند. همچنین، معرفی اهمیت ورزش در اقتصاد و گردشگری یک کشور از جمله مواردی است که رسانه‌ها می‌توانند با تولید محتواهای مناسب و بهره‌گیری از افراد متخصص و صاحب‌نظر در این زمینه، فرهنگ‌سازی را در بین مسئولان و دست‌اندرکاران کشور نیز انجام دهند تا بتوانند از کارکردهای اقتصادی و اجتماعی ورزش استفاده کنند.

نتیجه فرضیه فرعی چهارم نشان داد ارتباطات اجتماعی رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تأثیر مثبت و معناداری دارد. با افزایش یک انحراف استاندارد در نمرات ارتباطات اجتماعی رسانه‌ها، شاهد افزایش در نمرات توسعه همه‌جانبه ورزش خواهیم بود. بنابراین فرضیه فرعی چهارم مبنی بر تأثیر ارتباطات اجتماعی رسانه‌ها در توسعه همه‌جانبه ورزش کشور تأیید می‌گردد. این یافته با نتیجه پژوهش اسکندری و غفوری (۱۳۹۴) و کیم و همکاران (۲۰۱۸) همسوست. اسکندری و غفوری (۱۳۹۴) در پژوهش خود دریافتند رسانه‌های اجتماعی گروهی از انواع جدید رسانه‌های آنلاین هستند که همه یا تعدادی از ویژگی‌های زیر را دارند: امکان مشارکت کردن، باز بودن برای روی‌دادن، کامنت گذاشتن و به اشتراک‌گذاری اطلاعات، ارتباط دو سویه برای گفت و گو و محاوره دو سویه،

شکل‌گیری جماعت آنلاین و توانایی برقراری ارتباط. برای اینکه درصد بالای افراد جامعه جزو کاربرای شبکه‌های اجتماعی هستند می‌تواند به عنوان یک رسانه برای ترغیب افراد به ورزش کردن استفاده شود. کیم و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود نشان دادند رسانه‌های اجتماعی علاوه بر حفظ و توسعه تعاملات اجتماعی در رویدادهای ورزشی می‌توانند برای اشتراک‌گذاری تجاری جمعی در مورد رویدادهای ورزشی استفاده شوند و حتی رسانه‌های اجتماعی ورزش محور دانشگاه‌ها می‌توانند احساس دلبستگی و عضویت دانشجویان به دانشگاه را افزایش دهند. در مورد نقش ارتباطات اجتماعی رسانه‌ها که در نتایج این تحقیق نیز به آن تاکید شد می‌توان گفت امروزه سرعت پیشرفت فناوری در جهان روبه رشد است. رسانه‌های اجتماعی دائماً در دامنه خود در حال گسترش و پیشرفت هستند و به طور قابل توجهی زندگی مردم را در سراسر جهان تحت تاثیر قرار می‌دهند. این تحول در جهان ورزش بسیار قابل توجه است، چرا که رسانه‌های اجتماعی بر روی مردم بسیار تاثیر گذار هستند. در سال‌های اخیر، دانشمندان به دنبال بررسی رسانه‌های اجتماعی در ورزش، ویژگی‌ها و روند استفاده از آن و غیره هستند. در واقع، طیف وسیعی از پژوهش‌های مربوط به شبکه‌های اجتماعی بر مدیریت ورزشی سرمایه‌گذاری شده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در شبکه‌های اجتماعی مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از طریق شبکه‌های اجتماعی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی نقش پررنگی در دنیای امروز دارند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. در همین راستا به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی به دلیل استفاده جمعی از مردم در کشور می‌تواند بر توسعه ورزش همگانی نقش داشته باشد. با توجه به استفاده گسترده افراد جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان از شبکه‌های اجتماعی که همواره از آن به‌عنوان یک تهدید برای جامعه یاد می‌شود، چنانچه برای این فضا برنامه‌ریزی مناسبی داشت، می‌توان توسعه این شبکه‌های اجتماعی را به فرصت تبدیل کرد و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی به طیف وسیعی از جوانان دست یافت و با ساخت و انتشار برنامه‌های متنوع و مختلف تبلیغی و آگاهی‌بخشی در زمینه ورزش و فعالیت‌های بدنی، آنان را به مشارکت در برنامه‌های ورزشی ترغیب و تشویق نمود.

اساساً رسانه‌ها در دنیای امروز، اصلی‌ترین ابزار هدایت و آموزش جامعه محسوب می‌شوند و مقوله‌ها و مسائل زندگی هر چه بیشتر در فضای رسانه‌ای جای بگیرند، به احتمال زیاد از طرف مردم نیز بیشتر مورد توجه قرار گرفته می‌شوند. در عصر حاضر، رسانه‌ها تار و پود نمادین زندگی ما را تشکیل می‌دهند و نقش تسریع‌کننده‌ای در جامعه دارند. برخلاف مدرسه و دیگر نهادها، رسانه‌ها امری فراگیرند که ویژگی اصلی‌شان همه‌جا بودن آن‌هاست. رسانه‌ها می‌توانند یک کلاس بدون دیوار با میلیاردها مخاطب ایجاد کنند. با توجه به کارکردهای متنوع رسانه‌های جمعی همچون: آموزش، آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی، فرهنگ سازی و ارتباطات اجتماعی، فراهم کردن زمینه‌هایی برای استفاده از این پتانسیل برای توسعه ورزش در کشور اهمیت فراوانی دارد. یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که رسانه‌ها در توسعه ورزش کشور نقش تاثیرگذاری دارند و مسئولان و دست‌اندرکاران ورزش کشور می‌توانند با استفاده از این ظرفیت و برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌برداری بجا از رسانه‌های مختلف برای معرفی هرچه بیشتر و بهتر ورزش، از اهمیت و کارکردهای آن در جامعه بهره ببرند. از این رو، هم می‌توانند میزان مشارکت افراد در ورزش‌های

همگانی را افزایش دهند و هم در راستای توسعه ورزش‌های قهرمانی و حرفه‌ای و نیز بهبود اقتصاد ورزش و گردشگری از آن گام بر دارند. بر همین اساس، سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که نقش رسانه در توسعه گردشگری ورزشی و همچنین، نقش رسانه‌ها در توسعه اقتصاد پایدار بر اساس رویدادهای ورزشی را در تحقیقات آتی خود مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- ابراهیمی، رضا؛ قربانی، سعید؛ نودهی، محمد علی؛ احمدی، مجتبی و چهار باغی، زهرا. (۱۴۰۲). «تدوین مدل ارتباطی رسانه‌های جمعی بر توسعه سواد اخلاقی بازیکنان حرفه‌ای فوتبال ایران». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. ۱۱(۱)، صص ۱۱۴-۱۲۷. doi: 10.30473/jsm.2022.64260.1629
- احمدی، مهرداد و ذولفقاری، ماریا. (۱۴۰۱). «شناسایی نقش‌های رسانه در توسعه ورزش با رویکرد فراترکیب». نشریه مدیریت ورزشی. ۳(۱۴)، صص ۲۲۹-۲۴۹.
- اسکندری، ستاره و غفوری، فرزاد. (۱۳۹۴). «نقش شبکه‌های اجتماعی بر توسعه ورزش همگانی». دومین همایش ملی انجمن علمی مدیریت ورزشی ایران. تهران. <https://civilica.com/doc/1027747>
- امامی، لطیف و نمایان، فرشید. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر عملکرد سازمانی با تبیین نقش متغیر میانجی ساختار سازمانی (مورد مطالعه: کارکنان بانک ملی شهرستان ایلام)». فصل‌نامه فرهنگ ایلام. دوره ۱۶، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۵۹-۸۰.
- ایرج‌پور، علیرضا؛ مجرد، ناهید و دباغ رضاییه، مهران. (۱۳۹۵). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در توسعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه‌ای کشور». دوفصل‌نامه مدیریت و توسعه ورزش. ۵(۲). پیاپی ۹، صص ۳۵-۵۳.
- بخشنده، حسین. (۱۳۹۸). «برآورد مدل رشد اقتصادی صنعت ورزش ایران و رتبه‌بندی عوامل موثر با رویکرد Swot- Ahp». رساله دکتری. پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- حیدری مفرد، الهام و صفائی، ایمان. (۱۴۰۱). «ارتباط سه‌گانه تاریک شخصیت با بازی‌های آنلاین آسیب‌زا نوجوانان در سطح ملی: نقش میانجی انگیزه و نوع بازی». مطالعات روان‌شناسی ورزشی. ۱۱(۴۲)، صص ۱۵۹-۱۷۸. doi:10.22089/spisyj.2022.12139.2283
- خادام، امیررضا. (۱۳۹۵). «نقش‌های رسانه ملی در توسعه ورزش‌های همگانی - تفریحی». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۵(۳۲)، صص ۲۵-۳۴.
- خبیری، محمد. (۱۳۹۶). «جایگاه ورزش در دیپلماسی عمومی». طرح پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش‌های وزارت ورزش و جوانان.
- خجیر، یوسف و خانیکی، هادی. (۱۳۹۸). «گفت و گو در شبکه‌های اجتماعی مجازی (تحلیل سیستماتیک پژوهش‌های مرتبط)». فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۱۵(۵۴)، صص ۵۳-۷۷.
- خزایی، علی. (۱۳۹۶). «شناسایی چالش‌های پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی در صنعت ورزش کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۴۸)، صص ۵۹-۷۸.
- خسروی‌زاده، اسفندیار؛ رضایی، گلناز و سلیمانی، مجید. (۱۴۰۱). «اعتباریابی و شناسایی عوامل موثر بر جریان‌سازی رسانه‌ای در ورزش». مجله پژوهش‌های ارتباطی. شماره ۱۰۹، صص ۱۷۱-۱۹۹.
- خوشدل احمدی، محبوبه؛ قربانی، سعید و نودهی، محمد علی. (۱۴۰۱). «طراحی الگوی مدیریت بحران پاندمی کرونا و ویروس در صنعت ورزش با استفاده از ظرفیت فناوری‌های نوین». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. ۱۰(۲)، صص ۴۸-۶۱. doi: 10.30473/jsm.2021.59064.1536
- ساعت‌چیان، وحید؛ محمودی، احم؛ قربانی، محمدحسین و ایزدخواه، امیر. (۱۴۰۱). «نقش عوامل زمینه‌ای رسانه‌های اجتماعی مجازی در تمایل به گذران اوقات فراغت با رویکرد فعالیت‌های ورزشی». فصل‌نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات. ۱۸(۶۶)، صص ۲۵۱-۲۶۸.

- سبزان، مهدیه و صفائی، ایمان. (۱۴۰۰). «ارتباط علائم روان‌شناختی با پرستش سلبریتی در قهرمانان تکواندو کشور: نقش میانجی‌گر رؤیادری ناسازگار و تمایل به شهرت». مطالعات روان‌شناسی ورزشی. ۱۱(۳۷)، صص ۱۷۹-۲۰۶. doi: 10.22089/spsyj.2021.9537.2051
- شریعتی فیض‌آبادی، مهدی؛ رحیمی‌زاده، میثم و دستگردی، مهدی (۱۳۹۸). «نقش ورزش در توسعه روابط خارجی کشورهای اقتصاد نوظهور». فصل‌نامه پژوهش در مدیریت ورزشی. ۸ (۹)، صص ۶۳-۱۰۸.
- شیرخدا، میثم؛ شاهی، محبوبه؛ نجات، سهیل و محمودی‌نسب، سحر. (۱۳۹۶). «بررسی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر شکل‌گیری اعتماد و وفاداری به برند در جامعه برند (مطالعه موردی: شبکه اجتماعی اینستاگرام)». مجله علمی پژوهشی تحقیقات بازاریابی نوین. ۷ (۳). شماره پیاپی ۲۶، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- صحرارگر، سمیه و صفائی، ایمان. (۱۴۰۲). «ارتباط چندکارگی رسانه‌ای با کیفیت خواب نوجوانان ورزشکار: نقش میانجی مشکلات عاطفی رفتاری». مطالعات روان‌شناسی ورزشی. ۱۲(۴۴)، صص ۱۵۹-۱۸۴. doi: 10.22089/spsyj.2022.12627.2305
- صفائی، ایمان و شتوایی اصل، نسیم. (۱۴۰۱). «تدوین مدل عملکرد شغلی و دستیابی به اهداف در رابطه با اثربخشی سمن‌های ورزشی با نقش میانجی جو اخلاقی». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۴(۱)، صص ۳۵۲-۳۷۲. doi: 10.22059/jsm.2021.311841.2600
- صفائی، ایمان؛ علوی، سیدحسین و نجات، علی. (۱۴۰۱). «بررسی تأثیر رایحه درمانی استنشاقی گل محمدی و گیاه اسطوخودوس بر اضطراب رقابتی ورزشکاران». فصل‌نامه علمی کارافن. ۱۹(۲)، صص ۵۶۶-۵۵۱. doi: 10.48301/kssa.2022.300624.1685
- قاسم‌پور، سجاد؛ شهلائی، جواد و ذاکریان، علیرضا. (۱۴۰۰). «بررسی نقش رسانه‌های نوین در توسعه ورزش زورخانه‌ای». نشریه رویکردهای نوین در فیزیولوژی ورزش. ۴، صص ۱۵-۳۶.
- مشتاقی، مهتاب؛ قاسمی، حمید. راسخ، نازنین. (۱۴۰۰). «طراحی الگوی نقش رسانه‌های جمعی در توسعه ورزش همگانی کشور و راهبردهای آن». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۳ (۶۶). صص ۳۹۲-۳۶۳.
- نقوی، محبوبه؛ حسینی، سید عماد؛ رضائی‌نژاد، رحیم و کشکر، سارا. (۱۴۰۰). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی ورزشی بر شکل‌دهی رفتارهای اجتماعی ورزشکاران حرفه‌ای ایران». مدیریت ورزشی. ۱۳ (۱)، صص ۱۸۳-۲۰۲.
- Agnihotri, R., Dingus, B, R., Michael, Hu, C., Michael, T. (2016). **“Social media: Influencing customer satisfaction in B2B sales”**. Industrial Marketing Management, vol 53,172–180.
- Clark, J. S., Maher, J. K. (2019). **“Exploring the Relationship between Sport Fan Identification and Addiction to Digital Sports Media”**. In *Multigenerational Online Behavior and Media Use: Concepts, Methodologies, Tools, and Applications* (1018- 1030) IGI Global.
- Cotterill, S, T. (2022). **“Sport psychology practitioner’s perceptions and use of social media”**. Asian Journal of Sport and Exercise Psychology, 2. 156–164.
- Ghasempour, S., Shahlae, J., Zakerian, A. (2020). **“An Investigation on the Role of Modern Media on Developing Zurkhaneh Sport”**. New Approaches in Sport Sciences (NASS), 2 (5), 1-14.
- Kofi Ahiabor, D., Basewe Kosiba, J, P., Dotse Gli, D., Tweneboah-Koduah, E, Y., Ebo Hinson, R. (2023). **“Satellite fans engagement with social networking sites influence on sport team brand equity: A UGT perspective”**. Digital Business. (3).
- Lopez-Carril, S., Anagnostopoulos, C., Parganas, P. (2020). **“Social media in sport management education: Introducing LinkedIn”**. Journal of Hospitality, Leisure, Sport& Tourism Education, 27, 100262.
- Parrish, R (2018). **“Sources and origins of EU sports policy”**. In *Research Handbook on EU Sports Law and Policy*. Edward Elgar Publishing
- Wolfe, R., Tony, M., & Sullivan, P. (2017). **“The sport network: Insight into the shifting balance of power”**. Journal of Business Research, 55, 611-622.

مدل‌سازی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران

زهره ذوالفقاری^۱

حسین زارعیان^۲

سیروس احمدی^۳

 [10.22034/ssys.2024.3244.3371](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3244.3371)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۲۷

پژوهش حاضر با هدف مدل‌سازی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران انجام شد. این پژوهش حر از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری آن شامل تمامی کارکنان فدراسیون‌های ورزشی ایران بود که با توجه به گستردگی جامعه آماری، بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۳۸۴ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود. جهت بررسی و تایید روایی پرسش‌نامه از نظر متخصصان حوزه مدیریت ورزشی، شاخص AVE و ماتریس فورنل لارکر و جهت تایید پایایی ابزار نیز از شاخص‌های میزان بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد و میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه نیز ۰/۸۷ به دست آمد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و همچنین روش‌های آمار استنباطی شامل آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزار SmartPLS3.1.1 و در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است و عوامل علی تأثیر معنی‌داری بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی دارد ($t=25/629$; $P=0/001$) و پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی ($t=4/368$; $P=0/001$)، عوامل زمینه‌ای ($t=2/612$; $P=0/009$) و عوامل مداخله‌گر ($t=7/347$; $P=0/001$) تأثیر معنی‌داری بر راهبردها دارند و راهبردها نیز تأثیر معنی‌داری بر پیامدهای پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی فدراسیون‌های ورزشی ایران دارد ($t=26/009$; $P=0/001$).

نتایج نشان داد که دسترسی به اهداف، پیش‌گیری از مشکلات، ویژگی برنامه‌های راهبردی تدوین‌شده، ضعف اجراکنندگان برنامه‌ها، مشکلات مدیریتی، مشکلات اقتصادی، مشکلات سیاسی و نحوه پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی تأثیر معنی‌داری بر پیامدهای پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی از جمله راهبردهای مرتبط با نیروی انسانی، مالی، نظارتی، انگیزشی و قانونی دارد. بنابراین به منظور پیاده‌سازی مناسب برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران می‌توان با استفاده از راهبردهای ارائه شده به توسعه ورزشی، اجتماعی و اقتصادی دست یافت.

واژگان کلیدی: فدراسیون‌های ورزشی، پیاده‌سازی برنامه‌ها و راهبردها.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

^۲ دانشیار، مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: H.zareian@ssrc.ac.ir

^۳ استادیار، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

سازمان‌ها در راستای کسب موفقیت در میدان رقابت باید از نوعی برنامه‌ریزی بهره گیرند که آینده‌نگر و محیط‌گرا باشد؛ به طوری که ضمن شناسایی عوامل و تحولات محیطی، در افق زمانی بلندمدت تأثیر آن‌ها بر سازمان و نحوه تعامل سازمان با آن‌ها را مشخص کند (مک‌کولوغ^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ کورونیس^۲ و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۵). این نوع برنامه‌ریزی، در واقع همان برنامه‌ریزی راهبردی است که با بررسی محیط داخلی و خارجی سازمان، قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی را شناسایی می‌کند و با در نظر داشتن چشم‌انداز و مأموریت سازمان، اهدافی بلندمدت برای سازمان تنظیم و برای دستیابی به این اهداف، از بین گزینه‌های راهبردی، اقدام به انتخاب راهبردهایی می‌نماید که مشخص می‌کنند منابع محدود سازمان (منابع مالی، منابع انسانی، امکانات و تسهیلات) باید به کدامیک از فعالیت‌های اولویت‌دار اختصاص یابند تا بدون اتلاف منابع و زمان، بهترین نتایج حاصل شوند و در واقع بیشترین بهره‌وری به دست آید (دینگل^۳ و همکاران، ۲۰۲۳؛ توماس و توماس^۴، ۲۰۲۱: ۶۹).

جهت برنامه‌ریزی سازمانی، برنامه راهبردی برای سازمان‌ها آنقدر گسترش یافته است که سازمان‌های غیرانتفاعی همچون فدراسیون‌های ورزشی همانند سازمان‌های انتفاعی و تجاری از آن بهره می‌برند (هومز^۵ و همکاران، ۲۰۲۳؛ کاسال^۶ و همکاران، ۲۰۲۳: ۷۵). برای مثال، می‌توان از برنامه‌های راهبردی برخی سازمان‌های ورزشی همچون برنامه راهبردی (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲) انجمن ملی ورزش‌های دانشگاهی آمریکا، برنامه راهبردی (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴) سازمان ورزش بین دانشگاهی کانادا، برنامه راهبردی (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱) سازمان ورزش دانشگاهی استرالیا و برنامه راهبردی (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲) فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی آفریقای جنوبی که همگی مبین استفاده از برنامه‌ریزی راهبردی و شناخت محیط پیرامون سازمان‌های ورزشی برای کسب موفقیت و تداوم بقاست، نام برد (شریت‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱؛ خسروی و همکاران، ۱۴۰۰؛ علی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۵). به‌طورکلی، برنامه‌ریزی راهبردی در دستیابی به اهدافی از قبیل شکل گرفتن تفکر و اندیشه راهبردی در سازمان، تشخیص جهت‌گیری آینده سازمان و توجه به فرصت‌ها و موقعیت‌های آن، تأثیرپذیری تصمیمات حال از نتایج و بازخوردهای تصمیمات آتی، تدوین و تنظیم شاخص‌ها و مبنای جامع و قابل دفاع برای تصمیم‌گیری، توجه به حل مشکلات اساسی و کمرنگ شدن مشکلات جاری و بحرانی، بهبود عملکرد و معیارهای سنجش اهداف و کسب آمادگی‌های لازم برای مواجهه با محیط بسیار متغیر و متلاطم به سازمان‌ها کمک می‌نماید (اتینگر^۷، ۲۰۲۳؛ پرت^۸ و همکاران، ۲۰۲۳: ۶). در این میان، آنچه مسلم

¹ McCullough

² Koronios

³ Dingle

⁴ Thomas & Thomas

⁵ Hums

⁶ Kasale

⁷ Ettinger

⁸ Parent

است اینکه فدراسیون‌های ورزشی با چالش‌ها و مشکلات بسیاری برای انجام مسئولیت‌ها و نیل به اهداف خود مواجه می‌باشند (سلطانی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳؛ شهلائی و همکاران، ۱۴۰۰؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۱) و یکی از اساسی‌ترین مشکلات پیش روی این فدراسیون‌ها، با وجود داشتن برنامه راهبردی اجرا نشدن این برنامه‌هاست (نیک‌دست، ۱۴۰۱ : ۸). لذا اجرا و پیاده‌سازی برنامه راهبردی فدراسیون‌های ورزشی، مهم و ضروری به نظر می‌رسد تا با استفاده حداکثر از قوت‌ها و فرصت‌ها و برطرف ساختن ضعف‌ها و تهدیدها به انجام اثربخش‌تر و کارآمدتر مسئولیت‌ها، توسعه بیشتر اصول و آرمان‌های ورزشی کشور و همچنین کسب جایگاه بهتر در عرصه‌های بین‌المللی نائل آیند (بهادر و همکاران، ۱۴۰۰). از طرف دیگر اینکه فدراسیون‌های ورزشی بتوانند به درستی آسیب‌های موجود خود را شناسایی نمایند، موانع پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی را تشخیص دهند و نحوه رسیدن به اهداف را معین نمایند. همچنین این کار باعث می‌شود این نهادهای ورزشی برای مقابله با چالش‌های آینده ورزش در حیطه کاری خود چاره‌اندیشی و مقابله نمایند. بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که در حوزه پژوهشی پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در سازمان‌های مختلف ورزشی و غیر ورزشی، تحقیقات مختلفی با رویکردهای گوناگون انجام شده است. هوانگ و کیو^۱ (۲۰۲۴) به پرورش استعدادها و اصلاح قوانین جهت بهبود راهبردهای تدوین‌شده و کیفیت لوازم ورزشی تأکید داشتند. تادس^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیق خود نشان دادند که مدیریت منابع انسانی مناسب نقش مؤثری در تبدیل راهبرد به عملیات دارد. صادقی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند که اجرایی کردن راهبردهای مدیریت منابع انسانی سازمان‌های ورزشی تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند عوامل تخصصی، تعاملی، سالم‌سازی، عوامل فرهنگی، عوامل جغرافیایی، دانشی، مسائل مدیریتی، مشکلات اقتصادی و مسائل اعتقادی- فرهنگی قرار می‌گیرد. هانلن^۳ و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق خود نشان دادند که جهت نتیجه‌بخش بودن راهبردهای افزایش مشارکت ورزشی زنان باید ظرفیت‌سازی و بسترسازی کرد. گوهری و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود نشان دادند که اقداماتی از قبیل توانمندسازی و به‌روزرسانی دانش مدرسان و برگزاری کارگاه‌های کیفی توانمندسازی منابع انسانی در منظر رشد و یادگیری، تحقق راهبردهای منظر فرایندها را تسهیل خواهد کرد و به مسئولان برای احصای شاخص‌ها و استانداردهای فوتبال حرفه‌ای و طراحی و اجرای مدل بومی فوتبال حرفه‌ای کمک خواهد نمود. زیمرس^۴ و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که عوامل مالی، دانشی و منابع انسانی در اجرای راهبردهای مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی در فدراسیون‌های ورزشی مؤثر هستند. محمدی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به شناسایی موانع اجرای راهبرد در سازمان‌های دولتی ایران پرداخت و نشان داد اگرچه که بیشتر موانع به اجرای راهبرد برمی‌گردند، اما آنچه چنین وضعیتی را ایجاد کرده است آن بوده که برنامه‌های راهبردی اغلب

¹ Huang & Qiu

² Tadesse

³ Hanlon

⁴ Zeimers

بسیار بلندپروازانه و دست‌نیافتنی تدوین شده‌اند. شهرکی و اسماعیلی (۱۴۰۱) نیز به شناسایی عوامل موثر در پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی سازمان‌های ورزشی ایران پرداختند و نشان دادند که نیروهای پیشران کلیدی اقتصادی، فناوریانه، ارتباطات، سیاسی و ساختار سازمانی بیشترین تأثیرگذاری را در این زمینه دارند. در پژوهشی دیگر رضایی و منظمی (۱۳۹۸) به طراحی مکانیزم مؤثر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در سازمان‌ها و فدراسیون‌های ورزشی ایران پرداختند که نتایج آن نشان داد پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی تابعی از عوامل توسعه منابع انسانی، عوامل بیرونی، عوامل فضای سازمانی، عوامل مدیریتی، عوامل آموزش، عوامل اصلاح فرهنگی، عوامل اصلاح ساختاری و فرایندی و استقرار مکانیزم پیاده‌سازی است.

بررسی پیشینه تحقیق نشان‌دهنده این نکته است که در زمینه پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در سازمان‌های ورزشی و غیر ورزشی تحقیقاتی مختلفی انجام شده است، اما تفاوت و نوآوری پژوهش حاضر نسبت به تحقیقات گذشته این نکته اساسی می‌باشد که بیشتر این پژوهش‌ها به صورت کمی و با استفاده از ابزارهای استاندارد صورت پذیرفته و اغلب در یک سازمان مشخص انجام شده‌اند، در حالی که سازمان‌های ورزشی مانند فدراسیون‌های ورزشی بسیار متفاوت‌تر از سازمان‌های غیرورزشی هستند و به کار بردن ابزاری یکسان برای این دو نوع سازمان خیلی منطقی به نظر نمی‌رسد. در پژوهش حاضر این خلأ پژوهشی پر شده تا بتواند برخی از مشکلات مربوط به پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران را برطرف کند. با وجود تلاش‌هایی که در فدراسیون‌های ورزشی کشور صورت گرفته، در حال حاضر برنامه مناسبی برای توسعه ورزش‌های مختلف مورد توجه نیست و فعالیت‌ها و برنامه‌ها، بدون چشم‌انداز روشن و اهداف منطقی که در سطح ملی مورد پذیرش قرار گرفته باشند، به اجرا گذاشته می‌شوند و تحقق آرزوهای بزرگ به صورت تصادفی و سلیقه‌ای تعقیب می‌شوند. بنابراین برای رسیدن به موفقیت لازم است فدراسیون‌های ورزشی کشور فعالیت‌های خود را در راستای برنامه‌های ورزشی ملی و کلان، هدف‌دار و منسجم کند که این امر از طریق اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی میسر است. ضرورت پژوهش به این دلیل است که اگر چنین پژوهش‌هایی بررسی نشود و برنامه‌ریزی برای ورزش نداشته باشیم، مدیریت ورزشی کشور دچار مشکل می‌شود و سطح ورزش کشور در سطح جهانی و بین‌المللی پایین خواهد آمد. بنابراین این پژوهش به دنبال مدل‌سازی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران بود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها، کمی و از نظر گردآوری داده‌ها از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کارکنان فدراسیون‌های ورزشی ایران بود (۵۲ فدراسیون ورزشی). با توجه به گستردگی جامعه آماری، از بین کارکنان فدراسیون‌ها تعداد ۳۸۴ نفر به صورت تصادفی خوشه‌ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. روش جمع‌آوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعه اسناد بالادستی (آیین‌نامه‌های مصوب سازمان‌های ورزشی و سند چشم‌انداز بیست ساله کشور) و همچنین پرسش‌نامه محقق ساخته بود. پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش حاضر دارای ۶ بعد، ۱۶ مؤلفه و ۹۱ گویه بود. ابعاد این پرسش‌نامه شامل عوامل علی (دسترسی به اهداف و پیش‌گیری از مشکلات)، عوامل زمینه‌ای (ویژگی برنامه‌های راهبردی تدوین شده، ضعف اجراکنندگان برنامه‌ها و مشکلات مدیریتی)، عوامل مداخله‌گر (مشکلات اقتصادی و مشکلات سیاسی)، پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی، راهبردها (راهبردهای مرتبط با نیروی انسانی، راهبردهای مالی، راهبردهای مدیریتی، راهبردهای نظارتی، راهبردهای انگیزشی و راهبردهای قانونی) و پیامدها (توسعه ورزشی، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی) می‌باشد. جهت بررسی و تایید روایی پرسش‌نامه پژوهش به ۱۰ تن از متخصصان حوزه مدیریت ورزشی ارجاع داده شد و همچنین از شاخص AVE و ماتریس فورنل لارکر جهت بررسی روایی همگرا و واگرایی پرسش‌نامه استفاده گردید. جهت تایید پایایی ابزار نیز از شاخص‌های میزان بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بهره‌گیری شد که همه معیارها نشان‌دهنده روایی و پایایی بالای ابزار پژوهش بود- به طوری که میزان آلفای کرونباخ پرسش‌نامه نیز ۰/۸۷ به دست آمد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) در نرم‌افزار SPSS23 مورد استفاده قرار گرفت و با استفاده از روش‌های آمار استنباطی شامل محاسبه اعتبار سازه پرسش‌نامه و بررسی ساختار عاملی آن بر اساس تحلیل عاملی تأییدی (معادلات ساختاری و تحلیل مسیر) در نرم افزار SmartPLS3.1.1 به تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش پرداخته شد. گفتنی است که تمامی تجزیه و تحلیل‌ها در پژوهش حاضر در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ انجام شد.

یافته‌های پژوهش

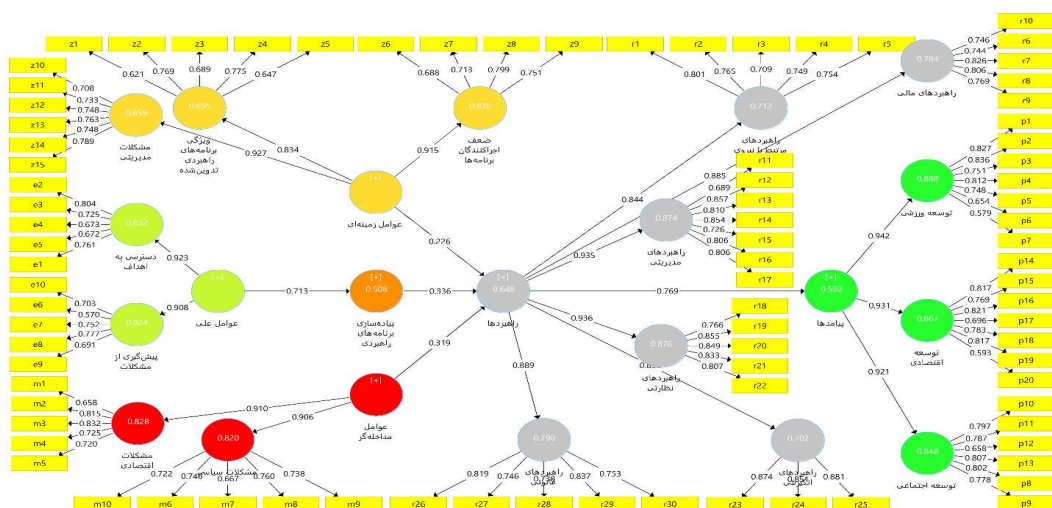
در جدول ۱، نتایج توصیفی اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر آمده است:

جدول ۱: نتایج توصیفی اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

متغیر	طبقه	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۸۶	۲۲/۴
	مرد	۲۹۸	۷۷/۶
سن	۳۰ سال یا کمتر	۳۱	۸
	۳۰ تا ۴۰ سال	۱۴۷	۳۸/۳
	۴۰ تا ۵۰ سال	۱۴۵	۳۷/۷
	بالای ۵۰ سال	۶۱	۱۵/۹
	لیسانس	۱۲۴	۳۲/۳
تحصیلات	فوق لیسانس	۱۹۶	۵۱
	دکتری	۶۴	۱۶/۶
	۵ سال یا کمتر	۶۱	۱۵/۹
سابقه خدمت	۶ تا ۱۰ سال	۱۳۲	۳۴/۳
	۱۱ تا ۱۵ سال	۱۴۳	۳۷/۲
	بیشتر از ۱۵ سال	۴۸	۱۲/۵

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده

گردید. به همین منظور ابتدا جهت بررسی برازش مدل پژوهش از شاخص‌های برازش مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی مرتبه اول و سازنده مرتبه دوم بهره‌گیری شد. جهت بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری انعکاسی مرتبه اول از شاخص‌های پایایی ترکیبی، آلفای کرونباخ، بررسی بارهای عاملی، روایی همگرا (AVE) و شاخص فورنل‌لارکر (روایی واگرا) و جهت بررسی برازش سازنده مرتبه دوم از شاخص افزایش نرخ واریانس (VIF) استفاده گردید. در شکل ۱ نتایج مربوط به بررسی اولیه بارهای عاملی تمامی سوالات پرسش‌نامه‌ها آورده شده است:



شکل ۱: مدل با ضرایب بار عاملی

بر اساس شکل ۱، بررسی ضرایب بارهای عاملی هر یک از سوالات پرسش‌نامه‌ها نشان داد که بارهای عاملی تمامی سوالات بیشتر از ۰/۴ بودند. در ادامه نتایج مربوط به آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی همگرا (AVE) و شاخص افزایش نرخ واریانس (VIF) در جدول ۲ آورده شده است:

جدول ۲: نتایج آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، روایی همگرا و شاخص افزایش نرخ واریانس

متغیرها	AVE	VIF	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
عوامل علمی	۰/۶۱۳	۱/۴۱۷	۰/۸۸۳	۰/۸۵۶
دسترسی به اهداف	۰/۵۴۷	۱/۳۴۳	۰/۸۷۴	۰/۸۴۱
پیش‌گیری از مشکلات	۰/۵۶۷	۱/۱۲۶	۰/۸۱۷	۰/۷۷۷
عوامل زمینه‌ای	۰/۷۱۵	۱/۳۹۶	۰/۹۲۵	۰/۸۸۵
ویژگی برنامه‌های راهبردی تدوین شده	۰/۵۳۱	۱/۲۶۹	۰/۸۳۷	۰/۸۰۱
ضعف اجراکنندگان برنامه‌ها	۰/۶۵۹	۱/۶۲۲	۰/۸۵۷	۰/۸۱۵
مشکلات مدیریتی	۰/۷۴۳	۱/۴۵۴	۰/۸۸۳	۰/۸۴۶
عوامل مداخله‌گر	۰/۸۴۵	۱/۳۲۷	۰/۹۱۶	۰/۸۶۱
مشکلات اقتصادی	۰/۵۶۱	۱/۱۶۴	۰/۸۳۷	۰/۸۱۳
مشکلات سیاسی	۰/۶۲۹	۱/۰۵۸	۰/۹۴۷	۰/۸۹۷
پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی	۰/۵۹۸	۱/۱۱۷	۰/۸۷۶	۰/۸۲۵
راهبردها	۰/۵۹۵	۱/۷۲۵	۰/۸۸۴	۰/۸۵۳

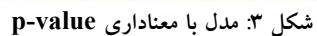
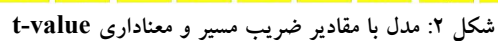
۰/۹۱۴	۰/۹۴۵	۱/۴۹۴	۰/۶۳۱	راهبردهای مرتبط با نیروی انسانی
۰/۸۸۵	۰/۹۲۸	۱/۱۸۳	۰/۷۱۳	راهبردهای مالی
۰/۸۴۲	۰/۸۷۳	۱/۴۲۷	۰/۵۲۱	راهبردهای مدیریتی
۰/۸۹۴	۰/۹۲۸	۱/۲۶۹	۰/۵۴۵	راهبردهای نظارتی
۰/۷۸۹	۰/۸۱۸	۱/۷۷۱	۰/۷۶۷	راهبردهای انگیزشی
۰/۸۱۱	۰/۸۶۴	۱/۶۲۵	۰/۵۹۹	راهبردهای قانونی
۰/۸۶۸	۰/۹۱۳	۱/۱۱۴	۰/۶۱۹	پیامدها
۰/۸۶۶	۰/۹۱۷	۱/۲۶۴	۰/۵۲۹	توسعه ورزشی
۰/۸۴۷	۰/۸۸۵	۱/۲۳۳	۰/۶۲۸	توسعه اجتماعی
۰/۸۵۶	۰/۸۹۱	۱/۰۸۷	۰/۶۶۳	توسعه اقتصادی

بر اساس نتایج جدول ۲، تمامی متغیرها مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷، شاخص AVE بالاتر از ۰/۵ و شاخص VIF پایین‌تر از ۵ می‌باشند. بنابراین ابزار مورد استفاده در این پژوهش از پایایی، روایی همگرا و افزایش نرخ واریانس و مدل پژوهش نیز از برازش مناسبی برخوردار است. در ادامه نتایج مربوط به ماتریس فورنل-لارکر جهت بررسی روایی و اگرایی ابزار پژوهش در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۳: نتایج ماتریس فورنل و لارکر

متغیر	عوامل علی	عوامل زمینه‌ای	عوامل مداخله‌گر	پیاده‌سازی	راهبردها	پیامدها
عوامل علی	۰/۸۲۸					
عوامل زمینه‌ای	۰/۶۶۶	۰/۹۱۵				
عوامل مداخله‌گر	۰/۷۱۷	۰/۷۴۶	۰/۸۵۱			
پیاده‌سازی	۰/۵۲۴	۰/۵۳۵	۰/۵۱۸	۰/۷۹۵		
راهبردها	۰/۶۳۴	۰/۶۱۸	۰/۵۹۳	۰/۶۱۱	۰/۸۶۸	
پیامدها	۰/۶۳۸	۰/۵۵۱	۰/۵۹۴	۰/۶۰۴	۰/۴۸۴	۰/۸۴۶

بر اساس نتایج جدول ۳، مقدار جذر AVE تمامی متغیرهای مرتبه اول از مقدار همبستگی میان آن‌ها بیشتر است که این امر روایی و اگرایی ابزاری تحقیق و برازش مناسب مدل پژوهش را نشان می‌دهد. در ادامه، مدل‌ها با مقادیر ضریب مسیر و معناداری t-value در شکل ۲ و p-value در شکل ۳ نشان داده شده است. همچنین مقادیر ضریب مسیر، آماره t و معناداری مرتبط با تمامی مسیرهای مدل پژوهش حاضر، در جدول ۴ آورده شده است:



جدول ۴: مقادیر ضریب مسیر، آماره t و معناداری مرتبط با مسیرهای مدل

مسیر	ضریب مسیر	آماره t	معناداری	نتیجه
دسترسی به اهداف ← عوامل علی	۰/۹۲۳	۱۲۶/۳۱۰	۰/۰۰۱	تأیید
پیش‌گیری از مشکلات ← عوامل علی	۰/۹۰۸	۷۹/۸۹۶	۰/۰۰۱	تأیید
عوامل علی ← پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی	۰/۷۱۳	۲۵/۶۲۹	۰/۰۰۱	تأیید
پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی ← راهبردها	۰/۳۳۶	۴/۳۶۸	۰/۰۰۱	تأیید
ویژگی برنامه‌های راهبردی تدوین‌شده ← عوامل زمینه‌ای	۰/۸۳۴	۴۰/۹۶۲	۰/۰۰۱	تأیید
ضعف اجراکنندگان برنامه‌ها ← عوامل زمینه‌ای	۰/۹۱۵	۱۱۰/۱۴۲	۰/۰۰۱	تأیید
مشکلات مدیریتی ← عوامل زمینه‌ای	۰/۹۲۷	۱۰۱/۸۱۷	۰/۰۰۱	تأیید
عوامل زمینه‌ای ← راهبردها	۰/۲۲۶	۲/۶۱۲	۰/۰۰۹	تأیید
مشکلات اقتصادی ← عوامل مداخله‌گر	۰/۹۱۰	۸۷/۷۲۴	۰/۰۰۱	تأیید
مشکلات سیاسی ← عوامل مداخله‌گر	۰/۹۰۶	۷۹/۰۶۵	۰/۰۰۱	تأیید
عوامل مداخله‌گر ← راهبردها	۰/۳۱۹	۷/۳۴۷	۰/۰۰۱	تأیید
راهبردها ← راهبردهای مرتبط با نیروی انسانی	۰/۸۴۴	۳۳/۳۴۵	۰/۰۰۱	تأیید
راهبردها ← راهبردهای مالی	۰/۸۵۵	۵۸/۱۳۶	۰/۰۰۱	تأیید
راهبردها ← راهبردهای مدیریتی	۰/۹۳۵	۱۲۵/۴۱۷	۰/۰۰۱	تأیید
راهبردها ← راهبردهای نظارتی	۰/۹۳۶	۱۴۳/۰۴۲	۰/۰۰۱	تأیید
راهبردها ← راهبردهای انگیزشی	۰/۸۳۸	۴۷/۶۴۲	۰/۰۰۱	تأیید
راهبردها ← راهبردهای قانونی	۰/۸۸۹	۷۱/۲۳۱	۰/۰۰۱	تأیید
راهبردها ← پیامدها	۰/۷۶۹	۲۶/۰۰۹	۰/۰۰۱	تأیید
پیامدها ← توسعه ورزشی	۰/۹۴۲	۱۲۲/۲۴۴	۰/۰۰۱	تأیید
پیامدها ← توسعه اجتماعی	۰/۹۲۱	۷۲/۳۱۴	۰/۰۰۱	تأیید
پیامدها ← توسعه اقتصادی	۰/۹۳۱	۱۲۸/۰۵۶	۰/۰۰۱	تأیید

در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر اساس نتایج جدول ۴ و با توجه به اینکه مقدار آماره t تمامی مسیرها بزرگ‌تر از ۱/۹۶ و معنی‌داری آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان چنین بیان کرد که مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است و تمامی مسیرها تایید می‌شود. همچنین با توجه به نتایج این جدول می‌توان گفت که عوامل علی تأثیر معنی‌داری

بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی دارد ($p=0/001$; $t=25/629$) و پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی ($p=0/001$; $t=4/368$)، عوامل زمینه‌ای ($p=0/009$; $t=2/612$) و عوامل مداخله‌گر ($p=0/001$; $t=7/347$) تأثیر معنی‌داری بر راهبردها دارند و راهبردها نیز تأثیر معنی‌داری بر پیامدهای پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی فدراسیون‌های ورزشی ایران دارد ($p=0/001$; $t=26/009$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی از پژوهش حاضر، مدل‌سازی عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران بود. نتایج تحقیق نشان داد که عوامل علی شامل دسترسی به اهداف و پیش‌گیری از مشکلات تأثیر معنی‌داری بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی دارند. این یافته با بخشی از نتایج تحقیقات تادس و همکاران (۲۰۲۳)، صادقی و همکاران (۱۴۰۲) و رضایی و منظمی (۱۳۹۸) همسو می‌باشد. این بخش از نتایج تحقیق را این گونه می‌توان تبیین کرد که مدیران فدراسیون‌های ورزشی به منظور پیاده‌سازی مناسب برنامه‌های راهبردی تدوین شده باید به طور دقیق مسیرهای رسیدن به اهداف مد نظر سازمان را مشخص و شرایط اجرایی شدن این برنامه‌ها را فراهم کنند، چرا که تنظیم برنامه‌های راهبردی بدون اجرا کردن آن، هیچ ارزشی ندارد. از طرف دیگر، مدیران فدراسیون‌های ورزشی باید در تمامی اقدامات خود پویا و متغیر بودن محیط رقابتی فدراسیون‌های ورزشی را در نظر بگیرند و در کنار آن به مشکلات درون‌سازمانی مانند عدم هماهنگی بین بخش‌های مختلف فدراسیون‌های ورزشی که ممکن است رخ دهد، رسیدگی کنند تا از این طریق شرایط را برای پیاده‌سازی هر چه بهتر برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران فراهم شود.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی تأثیر معنی‌داری بر راهبردها شامل راهبردهای مرتبط با نیروی انسانی، راهبردهای مالی، راهبردهای مدیریتی، راهبردهای نظارتی، راهبردهای انگیزشی و راهبردهای قانونی دارند. این یافته با بخشی از نتایج تحقیقات هوانگ و کیو (۲۰۲۴)، صادقی و همکاران (۱۴۰۲) و هانلن و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد. این بخش از نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به منظور پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران می‌توان اقدامات مختلفی اعم از تقویت نیروی انسانی موجود و به‌کارگیری نیروی متخصص، تقسیم وظایف مناسب، تأکید بر استعدادیابی، حمایت از سرمایه‌گذاران خصوصی، بودجه‌بندی مناسب، فراهم کردن زیرساخت‌ها، برنامه‌ریزی عملیاتی مناسب، ادامه دادن مسیر مدیران موفق، نیازسنجی، هم‌فکری بین سازمانی، تصمیم‌گیری گروهی، نظارت بر کیفیت و اجرای برنامه‌ها، ارائه انگیزه‌های مالی به اعضای فدراسیون‌های ورزشی و تدوین قوانین مناسب جدید و اصلاح قوانین پیش پا افتاده قدیمی انجام داد.

دیگر نتایج تحقیق نشان داد که عوامل زمینه‌ای شامل ویژگی برنامه‌های راهبردی تدوین شده، ضعف اجراکنندگان برنامه‌ها و مشکلات مدیریتی تأثیر معنی‌داری بر راهبردها دارند. این یافته تحقیق با بخشی از نتایج

تحقیقات هوانگ و کیو (۲۰۲۴)، تادس و همکاران (۲۰۲۳)، زیمرس و همکاران (۲۰۲۱) و محمدی (۱۴۰۰) همسو می‌باشد. این بخش از نتایج تحقیق نشان‌دهنده این نکته است که ویژگی برنامه‌های راهبردی تدوین‌شده در فدراسیون‌های ورزشی مانند قابل اجرا بودن، صریح و آشکار بودن و کیفیت برنامه‌ها می‌تواند در پیاده‌سازی مناسب آن برنامه‌ها نقش مؤثری داشته باشد و هرچه برنامه‌های تدوین شده قابل اجراتر و صریح‌تر باشند و کیفیت برنامه‌ها نیز بالا باشد، امکان موفقیت در پیاده‌سازی آن‌ها نیز بالا خواهد بود. علی‌رغم موارد مذکور اگر برنامه‌های تدوین‌شده در بالاترین کیفیت ممکن نیز تدوین شده باشند، ولی اجراکنندگان آن برنامه تخصص و مسئولیت‌پذیری کافی را نداشته باشند و مشکلات مدیریتی مانند ضعف زیرساختی و مالی نیز در فدراسیون‌های ورزشی ایران وجود داشته باشد، پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی تدوین‌شده در فدراسیون‌های ورزشی با مشکل مواجه خواهد شد و امکان کسب موفقیت در این زمینه بسیار کاهش پیدا می‌کند.

بخش دیگری از نتایج تحقیق نشان داد که عوامل مداخله‌گر شامل مشکلات اقتصادی و مشکلات سیاسی تاثیر معنی‌داری بر راهبردها دارند. این یافته با بخشی از نتایج تحقیقات صادقی و همکاران (۱۴۰۲)، شهرکی و اسماعیلی (۱۴۰۱) و زیمرس و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. در مورد این بخش از نتایج تحقیق می‌توان چنین بیان کرد که از یک طرف وجود مشکلات اقتصادی مانند تورم بالا در جامعه، عدم حمایت مالی دولت و توزیع ناعادلانه بودجه بین سازمان‌های ورزشی و غیر ورزشی و از طرف دیگر، وجود مشکلات سیاسی مانند دخالت کردن افراد سیاسی در تنظیم راهبردهای فدراسیون‌های ورزشی، بلوکه شدن مبالغ هنگفت ورزش کشور به دلیل تحریم و ناتوانی فدراسیون‌ها از بهره‌برداری از آن‌ها جهت پیشبرد اهداف خود و نداشتن رابطه مطلوب سیاسی- ورزشی با بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته همواره موانعی اساسی در مسیر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی فدراسیون‌های ورزشی ایران بوده‌اند که جهت رفع این مشکلات می‌توان اقدامات اقتصادی مانند شناسایی منابع مالی مورد نیاز برای موفقیت ورزشکاران رشته‌های مختلف ورزشی در عرصه‌های بین‌المللی و تأمین آن‌ها و اقدامات مدیریتی مانند استفاده از خرد جمعی مانند فراخوان پیرامون تصمیم‌گیری‌های کلان فدراسیون‌های ورزشی بهره گرفت.

در نهایت نتایج تحقیق نشان داد که راهبردها تأثیر معنی‌داری بر پیامدهای پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی فدراسیون‌های ورزشی شامل توسعه ورزشی، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی دارد. این یافته با بخشی از نتایج تحقیقات هانلن و همکاران (۲۰۲۲)، گوهری و همکاران (۱۴۰۱) و رضایی و منظمی (۱۳۹۸) همسو می‌باشد. بر اساس این بخش از نتایج تحقیق می‌توان بیان کرد که اگر راهبردهای ارائه شده در این پژوهش جهت پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی فدراسیون‌های ورزشی به درستی انجام شوند، ورزش پایه کشور توسعه می‌یابد، افتخارات ورزشی بین‌المللی افزایش می‌یابد، مشارکت ورزشی در بین مردم بیشتر می‌شود، اقتدار ملی و انسجام اجتماعی افزایش و

بزهکاری اجتماعی کاهش پیدا می‌کند و از نظر اقتصادی نیز اشتغال‌زایی اتفاق می‌افتد، ورود ارز به داخل کشور افزایش پیدا می‌کند و هزینه‌های مرتبط با برنامه‌ریزی مجدد و اجرای ناقص برنامه‌های راهبردی کاهش می‌یابد.

بر اساس نتایج تحقیق می‌توان گفت که برنامه‌های راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارند که با مدیریت آن‌ها، می‌توان به توسعه ورزشی، اجتماعی و اقتصادی در کشور دست یافت. به طور کلی عوامل مختلفی اعم از عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر وجود دارند که به طرق مختلف بر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی فدراسیون‌های ورزشی ایران تأثیر می‌گذارند و مدیران و مسئولان مربوطه می‌توانند با در نظر گرفتن آنها برنامه‌های راهبردی تدوین‌شده در فدراسیون‌های ورزشی را به خوبی پیاده‌سازی کنند که همین امر موجب توسعه ورزشی، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی در ورزش کشور می‌شود.

منابع

- بهادر، مرضیه؛ افشاری، مصطفی و باقریان فرح آبادی، محسن. (۱۴۰۰). «تحلیل اکتشافی عوامل موثر بر برنامه راهبردی موفق در فدراسیون‌های ورزشی المپیک». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۰(۵۴)، صص ۱۴۹-۱۷۰.
- خسروی، آذر؛ رضائی‌نژاد، رحیم و محمدیان، فریبا. (۱۴۰۰). «طراحی الگویی برای تحلیل سیستم توسعه ورزش‌های پایه (مطالعه موردی: ژیمناستیک)». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۰(۵۲)، صص ۹۵-۱۱۲.
- رضایی، شمس‌الدین و منظمی، امیرحسین. (۱۳۹۸). «طراحی مکانیزم مؤثر پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی در سازمان‌ها و فدراسیون‌های ورزشی». نشریه رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۷(۲۶)، صص ۷۷-۹۴.
- سلطانی‌زاده، آزاده؛ نیک‌آیین، زینت؛ حاجی انزهایی، زهرا و منوچهری، جاسم. (۱۴۰۳). «کاربست نوآوری در ارتباط بین تفکر راهبردی و عملکرد سازمانی در فدراسیون‌های ورزشی». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۱۱(۱).
- شربت‌زاده، رضا؛ نادری نسب، مهدی و علی‌دوست، ابراهیم. (۱۴۰۱). «طراحی برنامه راهبردی ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۴». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۱(۵۷)، سس ۱۲۳-۱۴۸.
- شهرکی، محدثه و اسماعیلی، محمدرضا. (۱۴۰۱). «شناسایی عوامل مؤثر در پیاده‌سازی برنامه‌های راهبردی سازمان‌های ورزشی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۴(۷۳)، صص ۳۳۵-۳۶۲.
- شهلائی، جواد؛ شعبانی بهار، غلامرضا؛ غفوری، فرزاد و مظلومی سونبی، فرزانه. (۱۴۰۰). «پایش چالش‌های راهبردی ناشی از پاندمی کووید-۱۹ در فدراسیون‌های ورزشی». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۳(۳)، صص ۱۰۴۷-۱۰۶۹.
- صادقی، محسن؛ کاشف، سیدمحمد و بهنام، محسن. (۱۴۰۲). «مدل‌سازی عوامل مؤثر بر به‌کارگیری منابع انسانی بین‌المللی در ورزش ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۵(۴)، صص ۳۵۳-۳۷۱.
- علی‌زاده، محمود؛ اکبری یزدی، حسین و الهی، علیرضا. (۱۳۹۸). «تدوین برنامه راهبردی فدراسیون ورزشی تنیس روی میز ایران با استفاده از رویکرد WOT A'». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۸(۴۵)، صص ۱-۲۶.
- کریمی، اسلام؛ شریفی‌فر، فریده و نیک‌بخش، رضا. (۱۴۰۱). «تدوین علل تأثیرگذار بر مدیریت راهبردی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۱(۵۸)، صص ۸۳-۱۰۸.
- گوهری، ظهرا؛ حمیدی، مهرزاد؛ امیرحسینی، سید احسان و عمادی، سمیه. (۱۴۰۱). «طراحی الگوی جاری‌سازی راهبردهای فدراسیون فوتبال ایران با روش کارت امتیازی متوازن». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۴(۷۱)، صص ۱۵۵-۱۸۴.
- محمدی، شیرکوه. (۱۴۰۰). «فرا ترکیب موانع اجرای راهبرد در سازمان‌های دولتی ایران». نشریه اندیشه مدیریت راهبردی. ۱۵(۱)، صص ۳۶۳-۳۹۶.

- نیک‌دست، حوریه. (۱۴۰۱). «طراحی مدل ساختاری موانع اجرای برنامه‌ریزی راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۱(۵۵)، صص ۱۴۷-۱۶۴.

- Dingle, G., Dickson, G., & Stewart, B. (2023). **“Major sport stadia, water resources and climate change: Impacts and adaptation”**. *European Sport Management Quarterly*, 23(1), 59-81.
- Ettinger, A. (2023). **“Saudi Arabia, sports diplomacy and authoritarian capitalism in world politics”**. *International journal of sport policy and politics*, 15(3), 531-547.
- Hanlon, C., Millar, P., Doherty, A., & Craike, M. (2022). **“Building capacity of community sport clubs to increase female participation”**. *Leisure Sciences*, 44(7), 827-846.
- Huang, H., & Qiu, J. (2024). **“Strategic choices for high-quality development of intelligent wearable sporting goods industry in the new era”**. *Wearable Technology*, 1(1), 41-55.
- Hums, M. A., Kluch, Y., Schmidt, S. H., & MacLean, J. C. (2023). **Governance and policy in sport organizations**. Routledge.
- Kasale, L. L., Morrow, S., & Winand, M. (2023). **“An institutional work perspective to performance management: The case of Botswana National Sport Organizations”**. *Journal of Global Sport Management*, 8(1), 95-116.
- Koronios, K., Vrontis, D., & Thrassou, A. (2021). **“Strategic sport sponsorship management—A scale development and validation”**. *Journal of Business Research*, 130, 295-307.
- McCullough, B. P., Hardie, A., Kellison, T., & Dixon, M. (2023). **“Environmental perspectives of external stakeholders in sport”**. *Managing Sport and Leisure*, 28(6), 670-683.
- Parent, M. M., Hoye, R., Taks, M., Thompson, A., Naraine, M. L., Lachance, E. L., & Séguin, B. (2023). **“National sport organization governance design archetypes for the twenty-first century”**. *European sport management quarterly*, 23(4), 1115-1135.
- Tadesse, S., Asgedom, T., & Taddese, A. (2023). **“Leadership Behavior and Human Resource Management Practice Mediation between Strategic Plan and Performance of Selected Ethiopian Sports Federation”**. *Indonesian Journal of Sport Management*, 3(1), 84-92.
- Thomas, R. K., & Thomas, R. K. (2021). **“Strategic planning”**. *Health services Planning*, 215-245.
- Zeimers, G., Lefebvre, A., Winand, M., Anagnostopoulos, C., Zintz, T., & Willem, A. (2021). **“Organizational factors for corporate social responsibility implementation in sport federations: a qualitative comparative analysis”**. *European sport management quarterly*, 21(2), 173-193.

ارائه چارچوب اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان با رویکرد ساختاری تفسیری

سارا خندان^۱

احمد ترکفر^۲

سیدمحمدعلی میرحسینی^۳

رحیم شیرازی‌نژاد^۴



[10.22034/ssys.2024.3194.3329](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3194.3329)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

هدف این پژوهش، ارائه چارچوب اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان با رویکرد ساختاری تفسیری بود. روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی و به لحاظ هدف کاربردی بود. داده‌های تحقیق به صورت میدانی و به شیوه آمیخته (کیفی و کمی) جمع‌آوری شد. در بخش کیفی ۱۸ نفر از خبرگان به صورت هدفمند انتخاب شدند. جامعه آماری در بخش کمی، شامل مدیران و کارشناسان ورزش قهرمانی بانوان در فدراسیون‌ها و ادارات ورزش و جوانان بودند که ابتدا به صورت تصادفی خوشه‌ای و سپس به صورت در دسترس ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسش‌نامه محقق‌ساخته شامل ۴۶ شاخص اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان و فرم خودتعاملی ساختاری بود که روایی پرسش‌نامه توسط ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد ($\alpha=0/83$). در این تحقیق، برای سطح‌بندی مؤلفه‌ها از تکنیک مدلسازی ساختاری تفسیری استفاده شد.

براساس یافته‌ها، در ابعاد خط‌مشی‌ها و مجریان، الزامات مدیریتی و شرایط محیطی و فرهنگی-اجتماعی ۴۶ شاخص مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان در قالب ۱۴ مؤلفه شناسایی شد و مدل تحقیق، ساختاردهی مؤلفه‌ها را در هفت سطح نشان داد. مؤلفه‌های قابلیت‌ها و توان مجریان و مالی و سرمایه‌گذاری در سطح زیربنایی مدل تحقیق قرار گرفتند. می‌توان گفت توانمندسازی منابع انسانی مدیریتی، فنی و تخصصی و بالا بردن قابلیت و توان مجریان خط‌مشی‌ها، افزایش درآمدزایی و جذب منابع مالی بخش خصوصی در ورزش قهرمانی بانوان دستیابی به مؤلفه‌های اجرای خط‌مشی‌ها و توسعه ورزش قهرمانی بانوان را تسهیل می‌کند.

واژگان کلیدی: خط‌مشی، محیط خط‌مشی، مدل ساختاری تفسیری و ورزش قهرمانی بانوان.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۲ استاد، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: A_torkfar@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

^۴ استادیار، گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

توسعه تربیت بدنی و ورزش به عنوان زمینه ساز تأمین نیروی انسانی سالم و تندرست، بخشی از برنامه های توسعه ملی به شمار می آید و حضور زنان به عنوان بخش مهمی از پیکره جامعه ما در عرصه ورزش ضرورتی انکارناپذیر است (خاموشی و همکاران، ۱۴۰۰). ورزش برای زنان فرصت های یادگیری، تجربه موفقیت، کار جمعی و لحظات ممتاز فراهم می سازد. ورزش زنان، جدا از مسائل فنی و ورزشی مقوله ای است فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که رشد و ترقی آن در هر کشوری بیانگر رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تمام طیف های جامعه در قبال رویکرد زنان به ورزش است (اندام و همکاران، ۱۳۹۵: ۱). البته ورزش بانوان در سال های اخیر از محبوبیت بیشتری برخوردار شده است (قوی پنجه و همکاران، ۱۴۰۳).

بانوان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و این واقعیت بر هیچ کس پوشیده نیست که بدون در نظر گرفتن بانوان، دستیابی به توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای میسر نخواهد بود (آجورلو و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۹). از این رو، پرداختن به ورزش های بانوان به خصوص ورزش های قهرمانی بانوان ایران از جمله دغدغه های امروز است. ورزش نقش مهمی در سلامت بانوان، حضور در جامعه و سایر عوامل فرهنگی و اجتماعی خواهد داشت. البته این نیز فراموش نشود که ورزش بانوان چه در سطح قهرمانی و چه در سطح حرفه ای به دلیل کمبود منابع مالی، فقدان پشتیبانی حامیان، نبود پخش رسانه ای و تلویزیونی و به مراتب کمبود تماشاگران و سایر مسائل اجتماعی و فرهنگی دچار عقب ماندگی و کاستی هایی است (گچی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱) با وجود افزایش چشمگیر نقش ورزش در توسعه کشورها و اهمیت ورزش در سلامت فردی و اجتماعی بانوان، هنوز مشارکت و حضور آنان در فعالیت های ورزشی محدود است و هنوز جامعه ایران به اهمیت و ضرورت ورزش در بین زنان و دختران پی نبرده است (مشکل گشا، ۱۴۰۲: ۱۲۳، فغانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۴۰).

موفقیت بین المللی ورزشکاران زن در رقابت های جهانی و المپیک، تقویت کننده وجهه و اعتبار آن کشور در سطح جهانی است. اهمیت موفقیت های بین المللی بانوان، فرصت هایی برای یادگیری، تجربه موفقیت، کار جمعی و لحظات ممتاز فراهم می سازد. البته ورزش قهرمانی بانوان جدا از مسائل فنی و ورزشی مقوله ای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به شمار می رود که رشد و ترقی آن در هر کشوری بیانگر توسعه کلی جامعه است (بنار و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). قهرمانان ورزشی، سرمایه های ملی هستند و می توانند نقش مهمی در رشد و توسعه ورزش کشور داشته باشند. زنان ورزشکار، توانایی لازم برای رسیدن به سکوهای افتخار را دارند و با متحمل شدن تلاش، رنج و زحمت فراوان در طول دوران ورزشی شان برای کشور افتخار آفرینی کرده اند و پرچم جمهوری اسلامی ایران را به اهتزاز درآورده اند (ممسنی و همکاران، ۱۴۰۰). در رقابت های بین المللی نیز زنان می توانند بخش مهمی از برتری کشورها را رقم بزنند. به عنوان مثال، با بررسی گزارش های سایت کمیته بین المللی المپیک در دو دوره اخیر المپیک، حدود ۶۰ درصد از مدال های چین، ۵۰ درصد از مدال های روسیه، ۴۵ درصد از مدال های آمریکا و ۴۲ درصد از مدال های آلمان توسط زنان کسب شده است و این کشورها در بین برترین های المپیک قرار داشته اند. بنابراین، به نظر می رسد که در این کشورها، زنان و مردان از فرصت های برابری برای مشارکت در ورزش برخوردارند. در حقیقت، زنان همانند مردان برای رشد بیشتر در ورزش قهرمانی به وجود اماکن و زیرساخت های ورزشی استاندارد، تجهیزات مناسب و باکیفیت، منابع مالی کافی، آموزش و پرورش رسمی در مدارس، دانشگاه ها و بخش عمومی، تشویق و حمایت اجتماعی و

مواردی از این دست نیاز دارند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰، پاملا^۱ و همکاران، ۲۰۱۳: ۵۴). در همین راستا نیز وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ورزشی، برای ورزش قهرمانی بانوان، مأموریت‌ها و چشم‌اندازهایی را دنبال می‌کنند. ضمن این که در سند جامع تربیت بدنی (۱۳۸۲) اهدافی مبنی بر ارتقای رکوردهای ورزشی و کسب رتبه و مدال شامل ورزش قهرمانی بانوان و آقایان تدوین شده است که در واقع خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی شمرده می‌شوند.

خط‌مشی، عبارت است از بیانیه حکومت درباره آنچه قصد دارد در مورد مسئله‌ای عمومی انجام دهد. چنین بیانیه‌ای ممکن است در قانون اساسی، اساسنامه و مقررات در هر سطحی ابلاغ شود (بیرکلند^۲، ۲۰۲۰: ۳۸). خط‌مشی به قواعد، راهبردهای مدیریتی، فرایندها و طرح‌هایی اشاره دارد که مدیران در پی اجرای آن هستند. همچنین خط‌مشی‌ها همان اهدافی هستند که سازمان‌ها به دنبال رسیدن به آن‌ها هستند (هیرش^۳، ۲۰۱۷: ۱۴۸). برخی از صاحب‌نظران، خط‌مشی‌گذاری را مجموعه‌ای از اعمالی می‌دانند که به‌منظور دستیابی به هدفی به اجرا درمی‌آید و برخی آن را به معنای آنچه دولت‌ها انتخاب می‌کنند که انجام بدهند یا انجام ندهند تعریف کرده‌اند (دی^۴، ۲۰۱۷). در واقع خط‌مشی‌گذاری باید بهترین و مناسب‌ترین راه‌حل‌ها را برای حل مشکلات یا جلوگیری از آن‌ها اتخاذ کند (مارشال لاکونا و سگال^۵، ۲۰۱۷: ۸۳). اما موفقیت خط‌مشی‌ها، فقط تابع مرحله تدوین خط‌مشی نیست (بوستان‌زر و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹). اجرایی نشدن خط‌مشی‌ها، یا اجرای ناموفق آن‌ها هم موجب بی‌اعتمادی مردم به مجریان و خط‌مشی‌گذاران و هم کاهش انگیزه متفکران این حوزه، جهت خلاقیت‌های جدید و هم از جهت عدم بهره‌گیری از بازخوردهای اجرا، موجب نحیف شدن دانش اجرای خط‌مشی در ایران شده است (قرباغی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۳، قانونی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴۵).

در گذشته در فرایند خط‌مشی‌گذاری، توجه چندانی به اجرا نمی‌شد و اکثر تصمیمات و خط‌مشی‌ها، بدون توجه به جنبه‌های اجرایی آن، تهیه و تصویب می‌شد. اما امروزه جزء جدایی‌ناپذیر و مکمل خط‌مشی محسوب می‌شود و تأثیر آن روی شکل‌گیری خط‌مشی، اجتناب‌ناپذیر است و امروزه اجرای مناسب خط‌مشی سنگ‌زیرین آن محسوب می‌شود (استیلمن^۶، ۲۰۲۱). اجرای خط‌مشی‌ها محوری‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین موضوعات فرایند خط‌مشی‌گذاری است (رحیمی مقدم و همکاران، ۱۴۰۱). اجرای خط‌مشی‌ها، نقش بسیار حیاتی در حل معضلات و مشکلات برعهده دارند (پیکانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۹). برخی محققان، مرحله اجرای خط‌مشی را قطب فرایند خط‌مشی‌گذاری می‌دانند (طاهری و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۷). اصلی‌ترین مسئله اجرا این است که بعد از اتخاذ تصمیم

¹ Pamela

² Birkland

³ Hirsch

⁴ Dye

⁵ Marsal-Llacuna & Segal

⁶ Stillman

برای اجرای فعالیت‌ها، آن‌گونه عمل شود که تشابهی معقول و منطقی با آنچه که در مورد آن تصمیم گرفته شده، وجود داشته باشد و در چارچوب آن به‌خوبی عمل شود (بوستان‌زور و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹، الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۶).

در برخی موارد اگر خط‌مشی به شکست بینجامد، ممکن است ناشی از ضعف نظریه باشد و به دلیل اجرای نامناسب نباشد. به همین دلیل بسیاری از محققان، در اجرای موفقیت‌آمیز خط‌مشی‌ها، تدوین و اجرای توأم را مورد توجه قرار می‌دهند، چرا که اجرا و تدوین در هم تنیدگی دارد. در مطالعات پیاده‌سازی خط‌مشی بیان می‌شود، لازم است خط‌مشی‌ها هم به‌لحاظ محتوایی و هم در فرایند اجرا، مورد توجه قرار گیرند (دون^۱، ۲۰۱۸). علاوه بر این، تعامل نامناسب اداره و اجرا، فقدان مبنای نظری مناسب برای خط‌مشی، فناوری اطلاعات ضعیف، ابزار اجرای نامناسب، سیستم نظارتی نامناسب و هماهنگی ناکافی در اجرا، موانعی هستند که در اجرای خط‌مشی‌ها در سازمان‌های دولتی وجود دارد (رنگریز، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

نظام خط‌مشی‌گذاری به ویژه در بخش ورزش در ایران، بنیادهای معرفتی و نظری خاصی دارد که به وجود آورنده ابزارها و فنون متناسب با خود هستند. از این‌رو، برای شناخت سیاست و سیاست‌گذاری، شناخت این بنیادها از یک سو به بهینه‌سازی فرایندهای آینده کمک قابل توجهی می‌کند و از سوی دیگر، ما را با قوت‌ها، ضعف‌ها و خلاهای موجود آشنا می‌کند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۶). فقدان یکپارچگی در نظام سیاست‌گذاری و وجود نهادهای متعدد سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در عرصه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نظیر وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و فدراسیون‌های ورزشی منجر به نداشتن وحدت رویه در این نهادها در عرصه سیاست‌گذاری ورزش قهرمانی و عدم ثبات در کسب مدال شده است (گیاه‌شناس بن بازاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹). در زمینه اجرای خط‌مشی نیز علی‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) موانع اجرا را موانع ماهیتی (فقدان متولی واحد، فقدان استانداردسازی قوانین، تعدد قوانین و همسو نبودن قوانین)، موانع مشارکتی (فقدان مشارکت مجریان و ذینفعان)، موانع مربوط به مجریان (نبود مسئولیت‌پذیری در مجریان، فقدان آموزش مناسب برای مجریان، ضعف و ناکارآمدی مجریان، فقدان هماهنگی مناسب بین مجریان و تغییر مجریان کارآمد)، موانع محیطی (شرایط محیطی نامناسب، ساختار اداری نامناسب، اراده سیاسی ناکافی و عدم پای‌بندی به برنامه)، موانع پیاده‌سازی (عدم نیازسنجی برای اجرا، زمان اجرا نامناسب، فقدان ابزار اجرا و ظرفیت ناکافی اجرا) و موانع نظارتی (نظارت نامناسب بر اجرا، فقدان ضمانت اجرایی، وجود دستگاه‌های نظارتی مستقل، ابزار نامناسب ارزیابی و عدم دریافت و انعکاس بازخور) بیان کرده‌اند. همچنین کاستا^۲ (۲۰۱۶) بر این باور است که فقدان ارتقای ظرفیت فناوری، فقدان آموزش فناوری جدید، نبودن تضمین خط‌مشی از طرف مقامات بالایی خط‌مشی‌گذار، فقدان افزایش تعهد نمایندگان دولت از موانع اجرای خط‌مشی عمومی است.

فعالیت‌های ورزشی چه به صورت ورزش‌های حرفه‌ای و چه ورزش‌های قهرمانی، فرصت‌هایی نابرابر برای حضور زنان و محدودیت‌های فراوان داشته و دارد. محدودیت‌های مدیریتی، ساختاری، فرهنگی، اجتماعی و امکاناتی از جمله این محدودیت‌هاست. لیکن این محدودیت‌ها در ایران به عنوان یک کشور اسلامی به دلیل شرایط

¹ Dunn

² Costa

فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی برجستگی بیشتری دارد (کوبلوا^۱، ۲۰۲۱). عیوضی کلش و همکاران (۱۴۰۱) هم در تحقیق خود به موانع برنامه‌ریزی و سازماندهی، منابع مالی و بازاریابی، امکانات و تجهیزات، قوانین و مقررات، منابع انسانی، نظارت و کنترل و عامل اطلاع‌رسانی به‌عنوان موانع ساختاری توسعه جایگاه زنان در ورزش دست یافتند.

با توجه به اهمیتی که مسئولان در دهه‌های اخیر برای ورزش بانوان قائل شده‌اند، تحقیقاتی در این زمینه انجام شده است، اما تحقیقات اجرای خط‌مشی‌های ورزشی اندک است. در ادامه به اختصار یافته‌های برخی از تحقیقات انجام شده در ورزش بانوان و خط‌مشی ورزشی مرور می‌شود. ساگر و گوفن^۲ (۲۰۲۲) پژوهشی در مورد اجرای خط‌مشی سازمان انجام دادند. آن‌ها در پژوهش خود دریافتند که اجرای خط‌مشی مرحله شکل‌دهنده از فرآیند خط‌مشی است. اجرای خط‌مشی در یک محیط سازمانی مشخص صورت می‌گیرد و ساختار و سازمان خاصی نیاز است تا خط‌مشی اجرا شود. آن‌ها نیز بیان کردند که همکاری عمودی و افقی در سطوح خرد و کلان، با اجرای خط‌مشی مرتبط است. خسنیس^۳ و همکاران (۲۰۲۱) عوامل مؤثر بر اجرای موفق خط‌مشی‌های ورزش المپیک هند را اهداف واضح و روشن، مناسب بودن راه حل خط‌مشی، تامین منابع کافی، داشتن افراد با دانش و مهارت‌های مناسب در اجرای خط‌مشی، تعامل و ارتباطات و حمایت مستمر می‌دانند. ین ایلماز^۴ (۲۰۲۱) در تحقیق خود اشاره کرد که حقوق نابرابر، در دسترس نبودن امکانات ورزشی برای بانوان، انتشار نادرست رسانه‌ها و فشارهای خانواده از جمله عوامل محدودکننده حضور بانوان در ورزش ترکیه است. پاتواردهان^۵ و همکاران (۲۰۱۵) یکی از مهمترین محدودیت‌ها و چالش‌های ورزش بانوان را نابرابری‌ها در مدیریت می‌دانند. ضمن این که بانوان سهم اندکی در انتخاب شدن برای رتبه‌های بالای مدیریت سازمانی داشته‌اند. زارعی و همکاران (۱۴۰۲) در تدوین مدل اجرای خط‌مشی‌های کمیته ملی المپیک، به اثرگذاری مؤلفه‌های منابع انسانی، عوامل ساختاری، عوامل محیطی، وحدت رویه، عوامل سازمانی، منابع مالی، ارتباطات، اطلاعات و هماهنگی میان سازمانی، عوامل مدیریتی، قوانین و مقررات و مجریان خط‌مشی دست یافتند. گیاه‌شناس بن بازاری و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی خط‌مشی‌گذاری ورزشی دریافتند که روند ناپایدار ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در ورزش ایران منجر به عدم تحقق مطلوب برنامه‌های پنج ساله شده و فعالیت‌های موازی، فقدان هم افزایی نهادهای تاثیرگذار در ورزش، ضعف در بسترسازی ورزش قهرمانی، عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصاد ورزشی و تعارض در اهداف از جمله چالش‌های اجرای خط‌مشی‌های ورزشی ایران است. میرشکاران و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی عوامل توسعه ورزش قهرمانی بانوان به امکانات عمومی ورزش قهرمانی، امکانات اختصاصی بانوان، منابع درآمدی و ساختار مدیریتی، توسعه حرفه‌ای، مدیریت استعداد و آماده‌سازی عمومی، عوامل فنی- ورزشی و دسترسی به منابع انسانی، شایستگی‌ها، حمایت‌ها و محدودیت‌های عرفی نیز در بستر

¹ Koblova

² Sager & Gofen

³ Khasnis

⁵ Yenilmez

⁶ Patwardhan

اجتماعی دست یافتند. شعبانی و همکاران (۱۳۹۸) در تدوین الگوی ساختاری تحلیلی توسعه ورزش قهرمانی زنان به حمایت مالی، ساختار، سیاست گذاری ورزش و رقابت های بین المللی به عنوان اثرگذارترین عوامل دست یافتند. برای توسعه ورزش قهرمانی بانوان خطمشی هایی تعیین و تدوین شده است که اگر به طور موفقیت آمیزی اجرا شوند، توسعه ورزش قهرمانی بانوان تضمین خواهد شد. از طرفی در دهه های اخیر، اغلب کشورها توجه جدی به توسعه ورزش قهرمانی بانوان دارند و در این زمینه سرمایه گذاری فزاینده ای انجام می دهند. لذا این دغدغه وجود دارد که در صورت اجرای ناقص خطمشی ها و یا شکست در اجرای خطمشی های توسعه ورزش قهرمانی بانوان، فقدان توسعه ورزش قهرمانی بانوان را در پی داشته باشد و در رویدادهای آسیایی، جهانی و المپیکی با درجا زدن در کسب افتخارات و نزول مدال آوری، جایگاه فعلی نیز متزلزل و ضعیف تر از گذشته شود. از این رو، پرداختن به توسعه ورزش قهرمانی بانوان اهمیت بسیار بالایی دارد. بنابراین پژوهش حاضر ابتدا به دنبال شناسایی شاخص ها و مؤلفه های اثرگذار بر اجرای خطمشی های توسعه ورزش قهرمانی بانوان و سپس با توجه به دشواری در تمرکز همزمان بر همه مؤلفه ها و لزوم تعیین اولویت های اقدام، به دنبال سطح بندی و تعیین مؤلفه های اثرگذار و اولویت دار در اجرای خطمشی های توسعه ورزش قهرمانی بانوان بود.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق، توصیفی- پیمایشی و به لحاظ هدف، کاربردی بود که به شیوه آمیخته کیفی و کمی انجام شد. نمونه آماری در بخش کیفی ۱۸ نفر از خبرگان ورزش قهرمانی بانوان بودند که براساس تخصص، تجربه، تسلط نظری، تمایل و دسترسی به صورت هدفمند براساس معیارهای سابقه فعالیت، سطح تحصیلات و تألیفات انتخاب شدند (جدول ۱):

ردیف	محل خدمت	سمت	سطح تحصیلات		سابقه خدمت		سابقه مدیریت		تألیفات		
			کارشناسی ارشد	دکتری	۱۰ الی ۲۰ سال	بالاتر از ۲۰ سال	کمتر از ۱۰ سال	بالاتر از ۱۰ سال	کتاب	مقاله	
P1	فدراسیون ورزش	مدیر		*	*			*		*	*
	قهرمانی باشگاه ورزشی	مدیر	*		*			*			
P3	هیئت ورزش قهرمانی	مدیر	*		*			*			
	فدراسیون ورزش قهرمانی	مدیر		*	*			*		*	*
P5	دانشگاه	هیئت علمی		*	*			*		*	*
	دانشگاه	هیئت علمی		*	*			*		*	*
P7	فدراسیون ورزش قهرمانی	کارشناس	*		*			*			
P8	باشگاه ورزشی	مدیر	*		*			*			
	باشگاه ورزشی	مدیر	*		*			*			

					فدراسیون	
		*	*	*	مدیر ورزش قهرمانی	P10
					فدراسیون	
		*	*	*	مدیر ورزش قهرمانی	P11
					هیئت ورزش قهرمانی	P12
		*	*	*	مدیر ورزش قهرمانی	P13
		*	*	*	مدیر هیئت ورزش قهرمانی	P14
		*	*	*	مدیر هیئت ورزش قهرمانی	P15
*	*	*	*	*	هیئت علمی دانشگاه	P16
					فدراسیون	
		*	*	*	مدیر ورزش قهرمانی	P17
					فدراسیون	
		*	*	*	مدیر ورزش قهرمانی	P18

جامعه آماری در بخش کمی شامل مدیران و کارشناسان ورزش قهرمانی بانوان در فدراسیون‌ها، هیئت‌ها و باشگاه‌های ورزش قهرمانی و مسئولان ورزش بانوان در وزارت ورزش و جوانان و ادارات ورزش و جوانان در استان‌ها و شهرستان‌ها بودند که ابتدا به صورت تصادفی خوشه‌ای استان‌های تهران، ایلام، بوشهر، گیلان، مرکزی، البرز، خراسان جنوبی، فارس، کرمان و آذربایجان شرقی انتخاب شدند و سپس به دلیل نامحدود بودن جامعه آماری، تعداد ۳۸۴ نفر به صورت در دسترس به عنوان نمونه برگزیده شدند.

داده‌های پژوهش حاضر به صورت مطالعه کتابخانه‌ای، اینترنتی، روش پرسش‌نامه و همچنین مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختارمند با مشارکت‌کنندگان به دست آمد. داده‌های اولیه حاصل از ادبیات پیشینه و متن مصاحبه‌ها، تعداد ۹۱ مفهوم (کد) بود که پس از یکسان‌سازی و جمع‌بندی به ۶۹ مفهوم کاهش یافت (۲۴ مفهوم از ادبیات پیشینه و ۴۵ مفهوم از متن مصاحبه‌ها). پس از آن برای استحکام داده‌ها و قابلیت اعتماد آن‌ها، متون مصاحبه‌ها و کدهای ادبیات پیشینه در اختیار دو کدگذار به غیر از گروه تحقیق قرار گرفت و بازبینی شد که با اصلاحات جزئی مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر این، کدهای احصاشده از متن مصاحبه‌ها به ۵ نفر از مشارکت‌کنندگان برگردانده شد تا بازنگری لازم را انجام دهند و نظر خود را در مورد این‌که آیا کدها به درستی استخراج شده است یا خیر، اعلام نمایند که درستی کدهای استخراج شده مورد تأیید مشارکت‌کنندگان بود. سپس پنل دلفی تشکیل شد و داده‌ها به منظور بازنگری، ویرایش، اضافه نمودن مفهوم جدید و یا حذف موارد کم‌اهمیت و یا بی‌ارتباط در اختیار اعضای پنل دلفی قرار گرفت. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نظرات اصلاحی داده شد و در مرحله اول، داده‌ها از ۶۹ مفهوم (شاخص) به ۵۶ شاخص کاهش داده شد. در واقع، عوامل کم‌اهمیت و یا بی‌ارتباط حذف شد. در ادامه برای بازنگری در مرحله دوم، داده‌ها دوباره در اختیار پنل دلفی قرار گرفت و اصلاحات لازم انجام شد. موارد مشابه یکسان‌سازی شد و تعداد شاخص‌ها به ۴۹ مورد کاهش یافت. در مرحله سوم، نیز به منظور توافق نهایی، شاخص‌ها به اعضای پنل دلفی ارسال شد و اعضای پنل دلفی بر اثرگذاری ۴۶ شاخص بر اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان توافق کردند. در آخرین مرحله به منظور دسته‌بندی شاخص‌ها در قالب مؤلفه‌ها و ابعاد مجدداً برای اعضای پنل دلفی ارسال شد و ۴۶ شاخص در ابعاد خط‌مشی‌ها و مجریان، الزامات مدیریتی و شرایط محیطی و فرهنگی-اجتماعی و در قالب ۱۴ مؤلفه (ویژگی خط‌مشی‌ها، محیط خط‌مشی، ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی مجریان خط‌مشی‌ها، قابلیت‌ها و توان مجریان، عوامل ساختاری، برنامه محوری، فرایندهای اجرایی، مدیریت ارتباطات، عدالت محوری، توسعه منابع انسانی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، مالی و سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌ها) دسته‌بندی شدند. سپس ترتیب و اهمیت عوامل و همچنین تهیه پرسش‌نامه انجام شد و در نهایت توافق کلی اعضا حاصل گردید. روایی پرسش‌نامه توسط ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی دانشگاه و پایایی این پرسش‌نامه نیز با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت ($\alpha = 0.83$). گفتنی است که پرسش‌نامه پس از توزیع بین نمونه کمی و جمع‌آوری آن، تحلیل شد و نتایج تحلیل عاملی تأییدی، نشان‌دهنده بار عاملی بالاتر از ۰.۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌ها و نیز ضریب استاندارد و برازش مطلوب گویه‌ها بود که به دلیل محدودیت حجم مطالب، ارائه نگردید.

در بخش دوم تحقیق به منظور ساختاردهی مؤلفه‌ها و تعیین اولویت‌های تصمیم‌گیری و اقدام، روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری انتخاب شد، زیرا بر اساس نظر فایسال^۱ و همکاران (۲۰۰۶) یکی از اصلی‌ترین منطقی‌های مدل ساختاری تفسیری آن است که همواره عناصری که در یک سیستم اثرگذاری بیشتری بر سایر عناصر دارند، از اهمیت بالاتری برخوردارند (فایسال و همکاران، ۲۰۰۶). به همین منظور تعداد ۱۴ مؤلفه شناسایی شده مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان در جدول ماتریس خود تعاملی ساختاری درج گردید و به صورت پرسش‌نامه در اختیار نمونه کیفی پژوهش (خبرگان) قرار گرفت و از آنان درخواست شد که مؤلفه‌ها را دو به دو

^۱ Faisal

به صورت زوجی مقایسه کنند؛ به این صورت که چنانچه مؤلفه i بر مؤلفه j تاثیر می گذارد حرف V، در صورتی که مؤلفه j بر مؤلفه i تاثیر می گذارد حرف A، اگر تاثیر دو طرفه هست، حرف X و در صورتی که مقایسه ارتباط دو عامل، هیچ کدام بر دیگری تاثیر نمی گذارد، حرف O بنویسند. در ادامه برای تعیین روابط علی- معلولی عوامل، از روش مدل سازی ساختاری-تفسیری استفاده شد.

یافته های پژوهش

اولین یافته های پژوهش حاضر، ویژگی های جمعیت شناختی نمونه پژوهش بود که در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: ویژگی های نمونه تحقیق

نمونه پژوهش	جنسیت	فراوانی	درصد	تحصیلات	فراوانی	درصد	سابقه فعالیت	فراوانی	درصد
زن	۱۷	۹۴/۴۴	دکتری	۶	۳۳/۳۳	بیش از ۱۰ سال	۱۷	۹۴/۴۴	
کیفی			کارشناسی	۹	۵۰	کمتر از ۱۰ سال	۱	۵/۵۶	
مرد	۱	۵/۵۶	ارشد	۳	۱۶/۶۷				
			کارشناسی						

با بررسی کتابخانه ای و نظرات خبرگان ورزش های قهرمانی بانوان با بهره گیری از روش دلفی در ابعاد خط مشی ها و مجریان، الزامات مدیریتی و شرایط محیطی و فرهنگی-اجتماعی، تعداد ۴۶ شاخص مؤثر بر اجرای خط مشی های توسعه ورزش قهرمانی بانوان در قالب ۱۴ مؤلفه شناسایی شد. جدول ۳ مؤلفه ها و شاخص ها نشان می دهد:

جدول ۳: شاخص‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد
وجود اهداف روشن و سازگار در خط‌مشی‌گذاری ورزش قهرمانی بانوان		
هم‌سویی خط‌مشی‌ها با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی	ویژگی	
تدوین مناسب خط‌مشی در توسعه ورزش قهرمانی بانوان	خط‌مشی‌ها	
عدم وجود اهداف متناقض سازمانی در توسعه ورزش قهرمانی بانوان		
توافق همگانی در مورد خط‌مشی‌های تدوین‌شده		
روش‌های انجام کار از پیش تعریف و تعیین شده در محیط خط‌مشی	محیط خط‌مشی	
نقش‌های هدایتگر در تدوین و اجرای خط‌مشی		
فرهنگ سازمانی حاکم در تدوین و اجرای خط‌مشی		
عقاید و ایده‌های مجریان درگیر اجرای خط‌مشی ورزش قهرمانی بانوان	ویژگی‌های	
تعهد مجریان در اجرای خط‌مشی‌ها	روانشناختی و	
انگیزش کافی مجریان برای اجرای دقیق خط‌مشی	شخصیتی	
تمایل مجریان به اجرای خط‌مشی	مجریان	خط‌مشی‌ها و
ادراک مجریان خط‌مشی از مفید بودن خط‌مشی	خط‌مشی‌ها	مجریان
باور مجریان به خط‌مشی‌ها و اجرای آن‌ها		
توانمندی و تسلط مجریان خط‌مشی در انجام وظایف		
تسلط فناورانه مجریان خط‌مشی	قابلیت‌ها و توان	
توان مجریان در هنگام پذیرش نقش‌های مرتبط با اجرای خط‌مشی	مجریان	
قابلیت‌های کاری مجریان از طریق تفویض اختیار		
یکپارچگی و وحدت مدیریت در توسعه ورزش قهرمانی بانوان		
مشارکت بانوان در تصمیم‌گیری‌ها و اختصاص پست‌های مدیریتی به بانوان	عوامل ساختاری	
اتخاذ رویکردهای مشارکتی در اجرای خط‌مشی‌های ورزش قهرمانی بانوان		
افق و چشم‌انداز ورزش قهرمانی بانوان		
تدوین طرح‌های توسعه ورزش قهرمانی در راستای خط‌مشی‌های	برنامه محوری	
تدوین شده		
اقدامات راهبردی متناظر با خط‌مشی‌های ورزش قهرمانی بانوان		

		توسعه لیگ‌ها و باشگاه‌های قهرمانی بانوان در رشته‌های مختلف ورزشی
الزامات مدیریتی	فرایندهای اجرایی	نظام نوین مربیگری در ورزش قهرمانی بانوان بستر و زمینه لازم جهت بروز استعدادها و توانایی‌های ورزشی بانوان میزبانی رویدادهای بزرگ قاره‌ای و جهانی ورزش بانوان ارتباط با کشورهای پیشرو به منظور الگوگیری در تدوین و اجرای خط‌مشی ورزش قهرمانی بانوان
	مدیریت ارتباطات	افزایش تعامل با نهادهای آموزشی و علمی-ورزشی تعامل و هماهنگی مجریان و تدوین‌کنندگان خط‌مشی‌های ورزش قهرمانی بانوان ارتباطات مناسب ذی‌نفعان و مجریان خط‌مشی
	عدالت محوری	تقسیم عادلانه منابع مالی و مادی در ورزش قهرمانی بانوان و آقاییان ایجاد فرصت‌های برابر با مردان در خط‌مشی‌گذاری و اجرای خط‌مشی
	توسعه منابع انسانی	توانمندسازی منابع انسانی مدیریتی، فنی و تخصصی مجریان خط‌مشی متناسب بودن نیروهای متخصص از قبیل مربی و داور با تعداد بانوان ورزشکار توسعه شناختگی و تجلیل از بانوان قهرمان رشته‌های مختلف ورزشی
		در جامعه
عوامل اجتماعی		حمایت اجتماعی از بانوان ورزشکار و مربیان نخبه حمایت خانواده‌ها از مشارکت ورزشی بانوان
	عوامل فرهنگی	ارتقای سطح فرهنگی جامعه و سازوکارهای مناسب برای رفع برخی محدودیت‌های اجتماعی
	شرایط محیطی	وجود بستر فکری و فرهنگی جامعه در زمینه ورزش قهرمانی بانوان وضعیت اقتصادی و معیشتی خانواده‌های بانوان مستعد در رشته‌های
مالی و سرمایه‌گذاری زیرساخت‌ها	مختلف ورزشی	
	تقویت سرمایه‌گذاری در رشته‌های ورزشی انفرادی و پر مدال بانوان	
	استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و توسعه درآمدزایی در اجرای خط‌مشی	
		امکانات برگزاری رویدادهای ملی و بین‌المللی (اماکن تمرینی، مسابقه، اسکان و...)

جهت بررسی و سطح‌بندی و تعیین ارتباط عوامل اصلی در این پژوهش از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری استفاده شد. ابتدا جهت تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری، یک ماتریس ۱۴ در ۱۴ شامل مؤلفه‌های اجرای خط‌مشی‌های ورزش قهرمانی بانوان در اختیار خبرگان قرار داده شد. آن‌ها بر اساس اصول زیر ماتریس را تکمیل کردند. سپس براساس نظر اکثریت، جدول خودتعاملی ساختاری تکمیل شد. نتایج در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴: ماتریس خود تعاملی ساختاری مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط مشی توسعه ورزش قهرمانی بانوان

کد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														

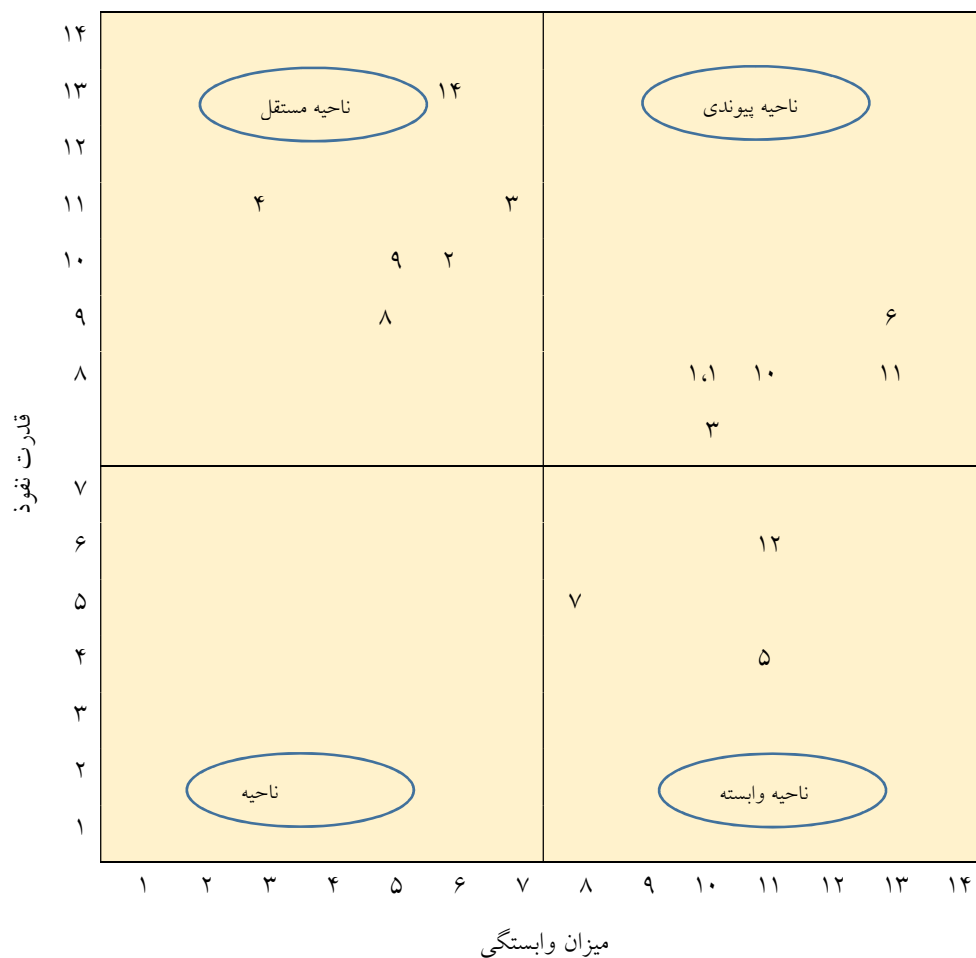
برای به‌دست آوردن ماتریس دست‌یابی، نمادهای تعاملی ساختاری، برحسب قواعد زیر به صفر و یک تبدیل شدند. حرف A در ورودی I به صفر و در ورودی J به یک، حرف V در ورودی I به یک و در ورودی J به صفر، حرف X در ورودی I و J به یک و O در ورودی I و J به صفر تبدیل شد. سپس به منظور تفکیک نتایج

به دست آمده از نظرات خبرگان تحقیق، قدرت نفوذ (امتیاز ۱ به دست آمده از سطر) میزان وابستگی (امتیاز ۱ به دست آمده از ستون) مشخص گردید (جدول ۵):

جدول ۵: ماتریس دسترسی نهایی مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط مشی توسعه ورزش قهرمانی بانوان

کد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	قدرت نفوذ
۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۸
۲	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱۰
۳	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱۱
۴	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱
۵	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۴
۶	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۹
۷	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۵
۸	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۹
۹	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱۰
۱۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۸
۱۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۸
۱۲	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۶
۱۳	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۸
۱۴	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
میانگین وابستگی															۱۰
میانگین قدرت نفوذ															۶

نمودار تحلیلی MICMAC از دو محور افقی و عمودی تشکیل شده است. این نمودار برحسب میزان وابستگی و قدرت نفوذ حاصل شده در ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌گردد. در تجزیه و تحلیل MICMAC متغیرها بر حسب قدرت هدایت و وابستگی به چهار دسته تقسیم می‌شوند. گروه اول (خودمختار) شامل معیارهایی هستند که دارای نفوذ و وابستگی ضعیف هستند. گروه دوم (وابسته) شامل متغیرهایی هستند که دارای نفوذ ضعیف و میزان وابستگی بالا هستند. گروه سوم (پیوندی) شامل متغیرهایی هستند که نفوذ و وابستگی قوی دارند. گروه چهارم (نفوذی) شامل متغیرهایی هستند که دارای قدرت نفوذ بالا و وابستگی ضعیف هستند.



شکل ۱: نمودار MICMAC مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط‌مشی توسعه ورزش قهرمانی بانوان

نتایج نمودار MICMAC مشخص نمود که عوامل ۱، ۶، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ از اثرگذاری و همچنین وابستگی بالایی برخوردارند و در ناحیه پیوندی واقع شده‌اند و مؤلفه‌های ۵، ۷ و ۱۲ وابستگی بالا و اثرگذاری کمتری برخوردار هستند. بنابراین در ناحیه وابسته واقع شده‌اند. همچنین مؤلفه‌های ۲، ۳، ۴، ۸، ۹ و ۱۴ در ناحیه نفوذی جا گرفته است- هیچ یک از مؤلفه‌ها در ناحیه خودمختار قرار نگرفته است.

برای تعیین سطح، با استفاده از ماتریس دستیابی مجموعه قابل دستیابی (خروجی) مجموعه پیش نیاز (ورودی) و عناصر مشترک برای هر عامل تعیین شد. در اولین جدول تکرار، آن عامل، دارای بالاترین سطح (سطح اول) است که مجموعه خروجی و عناصر مشترک آن کاملاً یکسان باشد. پس از تعیین این متغیرهای سطح اول، کدهای آن‌ها از ادامه جدول حذف و بقیه متغیرهای باقی مانده در ادامه جدول، برای تعیین سطح دوم نیز همانند جدول اول متغیر سطح دوم مشخص شد. این کار تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه داده شد. سپس ماتریس استاندارد

تشکیل شد. نتایج تعیین سطوح مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط‌مشی توسعه ورزش قهرمانی بانوان در جدول ۶ آمده است:

جدول ۶. تعیین سطوح مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط‌مشی توسعه ورزش قهرمانی بانوان

سطوح	کد	خروجی‌ها	ورودی‌ها	اشتراک‌ها	سطح
	۱	۱،۵،۶،۱۰،۱۱،۱۲،۱ ۳،۱۴	۱،۲،۳،۵،۶،۹،۱۰،۱۱،۱۳	۱،۵،۱۰،۱۱،۱۳	-
	۲	۱،۲،۵،۶،۸،۱۰،۱۱، ۱۲،۱۳	۲،۵،۶،۱۰،۱۳	۲،۵،۶،۱۰،۱۳	-
	۳	۱،۳،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰، ۱۱،۱۲،۱۳	۳،۴،۶،۷،۸،۱۳	۳،۶،۷،۱۳	-
	۴	۱،۳،۴،۵،۶،۹،۱۰،۱ ۱،۱۲،۱۳،۱۴	۴،۱۳،۱۴	۴،۱۳،۱۴	-
	۵	۱،۲،۵،۶،۱۱	۱،۳،۴،۵،۶،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴	۱،۲،۵،۶،۱۱	۱
	۶	۱،۲،۳،۵،۶،۷،۱۰،۱ ۱،۱۲	۱،۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱ ۲،۱۳	۱،۲،۳،۶،۷،۱۰،۱۱	-
	۷	۳،۶،۷،۱۱،۱۴	۳،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۴	۳،۶،۷،۱۱،۱۴	۱
	۸	۳،۵،۶،۷،۸،۱۰،۱۱، ۱۳،۱۴	۲،۳،۸،۹،۱۲،۱۴	۳،۸،۱۴	-
سطح اول	۹	۱،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱ ۱،۱۲،۱۴	۱،۳،۴،۹،۱۴	۱،۹،۱۴	-
	۱۰	۱،۲،۵،۶،۷،۱۰،۱۱، ۱۳	۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۳، ۱۴	۱،۲،۶،۱۰،۱۱،۱۳	-
	۱۱	۱،۶،۷،۱۰،۱۱،۱۲،۱ ۳	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۸،۹،۱۰،۱۱،۱ ۲،۱۴	۱،۶،۷،۱۰،۱۱،۱۲	-
	۱۲	۵،۸،۱۱،۱۲،۱۳	۱،۲،۳،۴،۶،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲، ۱۳،۱۴	۸،۱۱،۱۲،۱۳	-
	۱۳	۱،۲،۳،۴،۱۰،۱۲،۱۳	۱،۲،۳،۴،۸،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱ ۴	۱،۲،۳،۴،۱۰،۱۲،۱۳	۱
	۱۴	۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱ ۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴	۱،۴،۷،۸،۹،۱۴	۴،۷،۸،۹،۱۴	-
	۱	۱،۶،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴	۱،۲،۳،۴،۶،۹،۱۰،۱۱	۱،۱۰،۱۱	-

-	٢,٤,١٠	٢,٤,١٠	١,٢,٤,٨,١٠,١١,١٢	٢	
-	٣,٤,١٣	٣,٤,٤,٨	١,٣,٤,٩,١٠,١١,١٢	٣	
-	٤,١٤	٤,١٤	١,٣,٤,٤,٩,١٠,١١,١٢, ١٢,١٤	٤	سطح
٢	١,٢,٣,٤,١٠,١١,١٢	١,٢,٣,٤,٤,٨,٩,١٠,١١,١٢, ١٤	١,٢,٣,٤,١٠,١١,١٢	٤	دوم
-	٣,٨,١٤	٢,٣,٨,٩,١٢,١٤	٣,٤,٨,١٠,١١,١٤	٨	
-	١,٩,١٤	١,٣,٤,٩,١٤	١,٤,٨,٩,١٠,١١,١٢, ١٤,	٩	
٢	١,٢,٤,١٠,١١	١,٢,٣,٤,٤,٨,٩,١٠,١١,١٤	١,٢,٤,١٠,١١	١٠	
٢	١,٤,١٠,١١,١٢	١,٢,٣,٤,٤,٨,٩,١٠,١١,١٢, ١٤	١,٤,١٠,١١,١٢	١١	
٢	٨,١١,١٢	١,٢,٣,٤,٤,٨,٩,١٠,١١,١٢, ١٤	٨,١١,١٢	١٢	
-	٤,٨,٩,١٤	١,٤,٨,٩,١٤	٣,٤,٤,٨,٩,١٠,١١, ١٢,١٤	١٤	
-	١	١,٢,٣,٤,٩	١,١٤	١	
-	٢	٢	١,٢,٨	٢	
-	٣	٣,٤,٨	١,٣,٩	٣	
-	٤,١٤	٤,١٤	١,٣,٤,٩,١٤	٤	
٣	٣,٨,١٤	٢,٣,٨,٩,١٤	٣,٨,١٤	٨	سطح
-	١,٩,١٤	١,٣,٤,٩,١٤	١,٨,٩,١٤	٩	سوم
٣	٤,٨,٩,١٤	١,٤,٨,٩,١٤	٣,٤,٨,٩,١٤	١٤	
٤	١	١,٢,٣,٤,٩	١	١	
-	٢	٢	١,٢	٢	
-	١,٣	١,٣,٤	١,٣,٩	٣	سطح
-	٤	٤	١,٣,٤,٩	٤	چهارم
٤	١,٩	١,٣,٤,٩	١,٩	٩	
٥	٢	٢	٢	٢	
٥	٣	٣,٤	٣	٣	سطح
٥	٤	٤	٣,٤	٤	پنجم

مدل ساختاری تفسیری مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط‌مشی توسعه ورزش قهرمانی بانوان بر حسب سطوح حاصل شده در جدول ۶ به ترتیب از بالا به پایین تنظیم شده‌اند. در پژوهش حاضر مؤلفه‌ها در ۵ سطح در شکل ۲ نمایش داده شده است:



شکل ۲. مدل ساختاری تفسیری مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف ارائه چارچوب اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان با رویکرد ساختاری تفسیری انجام شد. براساس یافته‌ها در اجرای موفق خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان ۴۶ شاخص در قالب مؤلفه‌های ویژگی خط‌مشی‌ها، محیط خط‌مشی، ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی مجریان خط‌مشی‌ها، قابلیت‌ها و توان مجریان، عوامل ساختاری، برنامه محوری، فرایندهای اجرایی، مدیریت ارتباطات، عدالت‌محوری، توسعه منابع انسانی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، مالی و سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌ها اثرگذار هستند. این مؤلفه‌ها در ابعاد خط‌مشی‌ها و مجریان خط‌مشی‌ها، الزامات مدیریتی و شرایط محیطی و فرهنگی- اجتماعی قرار دارند. آگاهی مدیران از این مؤلفه‌ها در توسعه ورزش قهرمانی بانوان ارزشمند است. اما مدیران با این چالش مواجه خواهند شد که در وهله اول بر کدام عوامل تمرکز کنند. چون توجه همزمان بر همه عوامل ضمن دشوار بودن موجب هدررفت هزینه و انرژی خواهد شد، بنابراین ضرورت دارد که ابتدا بر دستیابی به مؤلفه‌هایی بپردازند که ضمن اثرگذاری مستقیم بر اجرای موفق خط‌مشی‌ها، موجب تقویت و یا ایجاد دیگر مؤلفه‌های اثرگذار می‌شوند. در این تحقیق برای تعیین اولویت‌های تصمیم و اقدام از مدل‌یابی ساختاری تفسیری استفاده شده است. براساس یافته‌ها، مؤلفه‌ها در پنج سطح ساختاردهی شدند که در ادامه مؤلفه‌های هریک از سطوح بررسی می‌شود.

یافته‌ها نشان داد در سطح اول مدل ساختاری تفسیری این تحقیق، محیط خط‌مشی، عوامل ساختاری و فرایندهای اجرایی قرار گرفته‌اند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش ساگر و گوفن (۲۰۲۲)، زارعی و همکاران (۱۴۰۲)، میرشکاران و همکاران (۱۳۹۸) و شعبانی و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است. در سلسله مراتب اثرگذاری مدل ساختاری تفسیری، عواملی که در سطح اول قرار می‌گیرند، ممکن است عوامل مهمی باشند، اما ویژگی این متغیرها اثرگذاری بر دیگر متغیرها نیست و دستیابی به آنها به متغیرهای سطوح پایین وابسته است و به همین دلیل در اولویت اقدام مدیران قرار ندارند. در این تحقیق مشخص شد که محیط خط‌مشی، عوامل ساختاری و فرایندهای اجرایی در صورتی با سهولت بیشتری محقق خواهند شد و به اجرای موفق خط‌مشی‌های

ورزش قهرمانی بانوان کمک خواهند کرد که مجریان خط‌مشی‌ها توانایی و قابلیت مطلوب داشته باشند و منابع انسانی توسعه یابد و کمبودهای مالی و تسهیلاتی مانع اجرای موفق خط‌مشی‌ها نشود. پس علاوه بر این موارد، لازم است در مورد خط‌مشی‌های تدوین‌شده، توافق مدیران مرتبط با فدراسیون‌های ورزش قهرمانی در بخش بانوان حاصل شود و روش‌های از پیش تعیین‌شده در اجرای خط‌مشی‌ها وجود داشته باشد. ضمن این‌که یکپارچگی و وحدت مدیریت و مشارکت بانوان در تصمیم‌گیری‌ها و اختصاص پست‌های مدیریتی به توسعه کیفی هرچه بیشتر لیگ‌ها و رویدادها کمک خواهد کرد.

مؤلفه‌های سطح دوم تحقیق حاضر، مدیریت ارتباطات، ویژگی خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی و عوامل اجتماعی هستند. این نتیجه با یافته‌های تحقیق خسینس و همکاران (۲۰۲۱)، ین ایلماز (۲۰۲۱)، زارعی و همکاران (۱۴۰۲)، رضایی و همکاران (۱۴۰۱)، گیاه‌شناس بن بازاری و همکاران (۱۳۹۹) و میرشکاران و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است. می‌توان گفت در مؤلفه‌های سطح دوم هم مانند مؤلفه‌های سطح اول، ویژگی اثرپذیری آن‌ها بیشتر از ویژگی اثرگذاری است. بنابراین در اولویت اقدام و تصمیم مدیران قرار ندارند، اما پس از دستیابی به متغیرهای سطوح پایین‌تر لازم است مورد توجه قرار گیرند. با این وجود توجه به هم‌سو بودن خط‌مشی‌ها با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و نبودن اهداف متناقض سازمانی در توسعه ورزش قهرمانی بانوان مهم است. همچنین توسعه تعاملات و ارتباطات با نهادها و سازمان‌های مؤثر داخلی و خارجی و نیز فعالیت در چارچوب برنامه راهبردی اهمیت بالایی دارد. بنابراین ضرورت دارد ضمن توسعه ارتباطات با کشورهای اسلامی پیشرو در توسعه ورزش بانوان و نیز ارتباط تنگاتنگ با مراکز علمی و پژوهشی، فدراسیون‌های ورزش قهرمانی برای بخش ورزش قهرمانی بانوان با در نظر گرفتن اسناد و اساسنامه‌ها، افق و اهداف شفاف و روشنی را برای توسعه ورزش بانوان ترسیم کنند و برای دستیابی به این اهداف در قالب برنامه راهبردی اقدام نمایند.

یافته‌ها نشان داد در سطح سوم ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی مجریان و عوامل فرهنگی و در سطح چهارم، زیرساخت‌ها و عدالت‌محوری قرار دارند. این نتایج با یافته‌های پژوهش ین ایلماز (۲۰۲۱)، پاتواردهان و همکاران (۲۰۱۵)، رضایی و همکاران (۱۴۰۱) و میرشکاران و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است. در مدل ساختاری تفسیری، متغیرهایی که در سطوح میانی قرار می‌گیرند، از ویژگی اثرگذاری و اثرپذیری نسبتاً مطلوب برخوردارند. بنابراین کنش و واکنش نسبتاً مطلوبی دارند. با وجود این در اولویت اول اقدام قرار ندارند، اما به اقتضای زمان، ضرورت دارد مورد توجه قرار گیرند و غفلت از متغیرهای میانی ممکن است خساراتی به سازمان وارد کند. البته در این تحقیق به دلیل این‌که پنج سطح حاصل شده است، مؤلفه‌های زیرساخت‌ها و عدالت‌محوری که در سطح چهارم واقع شده‌اند، از جمله مؤلفه‌های اولویت‌دار به‌شمار می‌روند. در این مورد لازم است نسبت به رفع تبعیض جنسیتی و توزیع عادلانه منابع سخت‌افزاری و مالی مورد توجه مدیران ارشد مانند رؤسای فدراسیون‌های ورزش قهرمانی و حوزه ورزش قهرمانی وزارت ورزش و جوانان و ادارات کل تابعه قرار گیرد و اماکن ورزشی کافی، مدرن و استاندارد برای بانوان در نظر گرفته شود.

در آخرین سطح مدل تحقیق که سطح زیربنایی محسوب می‌شود، مؤلفه‌های قابلیت‌ها و توان مجریان، توسعه منابع انسانی و حمایت‌های مالی و سرمایه‌گذاری جای دارند. خسینس و همکاران (۲۰۲۱) به تأمین منابع کافی و داشتن افراد با دانش و مهارت‌های مناسب در اجرای خط‌مشی اشاره کردند. همچنین این نتایج با یافته‌های زارعی و همکاران (۱۴۰۲)، گیاه‌شناس بن بازاری و همکاران (۱۳۹۹) و شعبانی و همکاران (۱۳۹۸) همخوان است. در تحقیق حاضر مؤلفه‌های سطح پنجم به لحاظ بیشترین

میزان اثرگذاری و هدایت‌گری نسبت به دیگر مؤلفه‌ها در اولویت اول اقدام و تصمیم مدیران قرار دارند. بنابراین شایسته است مدیران ارشد ورزش قهرمانی کشور، توانمندسازی منابع انسانی مدیریتی، فنی و تخصصی و متناسب بودن نیروهای متخصص از قبیل مربی و داور با تعداد بانوان ورزشکار، اهتمام بورزند و نسبت به توانمندسازی و تسلط مدیران (مجریان خط‌مشی‌ها) و بالا بردن قابلیت و توان آن‌ها در ایفای نقش‌های مجریان در دستور کار مدیران ارشد قرار گیرد. از طرفی در طول سالیان گذشته همواره به ورزش قهرمانی مردان، توجه بیشتری شده است. همین مسئله باعث شده که مردان از ظرفیت‌های مالی و حتی اماکن ورزشی بیشتری نسبت به بانوان برخوردار شوند. در این زمینه لازم است ضمن توسعه احداث اماکن ورزشی ویژه بانوان، تقویت سرمایه‌گذاری در رشته‌های ورزشی انفرادی و پرمدال بانوان و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و توسعه درآمدزایی در اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان با جدیت پیگیری شود و تحقق یابد.

نیمی از جمعیت جوامع را بانوان تشکیل می‌دهند و در دهه‌های اخیر توجه جدی به توسعه ورزش بانوان شده است. بر همین اساس مسابقات و رویدادهای جهانی رشته‌های مختلف ورزش بانوان برگزار می‌شود و در بازی‌های المپیک نیز مدل‌های فراوانی به ورزش بانوان تعلق دارد. در ایران نیز خط‌مشی‌هایی (اهداف و مأموریت‌ها) برای توسعه ورزش قهرمانی بانوان تدوین شده است. اجرای موفقیت‌آمیز این خط‌مشی‌ها، توسعه ورزش قهرمانی بانوان را تضمین خواهد کرد. اجرای موفق خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان نیازمند مدلی بود تا مدیران ورزش قهرمانی بانوان از آن بهره بگیرند و به توسعه بیش از پیش ورزش قهرمانی بانوان بپردازند. در مدل به دست آمده در تحقیق حاضر، شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های اثرگذار بر اجرای خط‌مشی‌های توسعه ورزش قهرمانی بانوان موجب افزایش آگاهی مدیران می‌شود و تعیین اولویت‌های اقدام و تصمیم‌بینش جدیدی به مدیران خواهد داد و مدیران را از ابلا تکلیفی در اولویت‌گذاری فعالیت‌ها خارج خواهند کرد.

براساس یافته‌ها، توسعه منابع انسانی در پایین‌ترین سطح مدل ساختاری تفسیری قرار گرفته است. از طرفی توسعه هر سازمان بدون منابع انسانی متخصص و توانمند دشوار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که ضمن جذب مدیران با دانش و منابع انسانی فنی و تخصصی در ورزش قهرمانی بانوان، نسبت به برگزاری مستمر دوره‌های توانمندسازی منابع انسانی، برگزاری همایش‌های علمی در راستای توسعه ورزش قهرمانی بانوان و الگوگیری از کشورهای پیشرو اسلامی در توسعه ورزش قهرمانی بانوان و بومی‌سازی آن اقدام لازم انجام شود. همچنین براساس یافته‌ها، مؤلفه مالی و سرمایه‌گذاری در سطح پنجم مدل تحقیق حاضر قرار گرفته است. از طرفی در اغلب ورزش‌های تیمی و گروهی مردان مانند فوتبال، فوتسال، هندبال و غیره سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به ورزش بانوان انجام می‌شود؛ به‌طوری که لیگ‌های کشوری از ورزش قهرمانی به ورزش حرفه‌ای تبدیل شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود نسبت به حساس نمودن مسئولان ضمن پرهیز از تبعیض جنسیتی تدابیری بیاندیشند تا بخش خصوصی در ورزش قهرمانی بانوان سرمایه‌گذاری بیشتری نسبت به قبل انجام دهد و با جذب و به‌کارگیری بازیابان مجرب نسبت به بازیابی و درآمدزایی بیشتر در ورزش بانوان اقدام گردد.

این تحقیق با محدودیت‌هایی مانند پراکندگی جغرافیایی، انگیزه پایین برخی از مشارکت‌کنندگان و کمبود مطالعات اجرای خط‌مشی در سازمان‌های ورزشی و ناسازگاری بسیاری از متغیرهای اجرای خط‌مشی سازمان‌های غیر ورزشی با اجرای خط‌مشی ورزش قهرمانی بانوان رو به‌رو بود.

منابع

- آجورلو، فاطمه؛ قدیمی، بهرام؛ محمدکاظمی، رضا و آزادفدا، شیوا. (۱۴۰۰). «طراحی مدل جایگاه ورزش بانوان در بهبود شاخص‌های توسعه‌یافتگی در ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۲۰، شماره ۵۳، صص ۱۵۹-۱۷۴.

- ابراهیمی، عبدالحسین؛ مهدی‌پور، عبدالرحمن و ازمشا، طاهره. (۱۳۹۵). «تأثیر زیرساخت‌های ورزشی و ویژگی‌های دموگرافی بر میزان مشارکت ورزشی شهروندان اهوازی با استفاده از مدل چند سطحی (HLM)». مجله پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۱، صص ۷۷-۹۰.
- الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۹۶). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی
- اندام، رضا؛ آقایی، علی اکبر؛ عنبریان، مهرداد و پارساجو، علی. (۱۳۹۵). «تحلیل راهبردی ورزش قهرمانی بانوان استان همدان با استفاده از تکنیک SWOT». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۱-۱۶.
- بنار، نوشین؛ احمدی، نسرين و کریمی، فریبا. (۱۳۹۲). «بررسی مشکلات ورزش قهرمانی زنان استان گیلان». نشریه مدیریت منابع انسانی در ورزش. دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۱-۲۵.
- بوستان‌زر، جمال؛ رحمان سرشت، حسین و شریف‌زاده، فتاح. (۱۴۰۱). «مدل اجرای هوشمند خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی: مطالعه‌ای با روش داده‌بنیاد». علوم مدیریت ایران. دوره ۱۷، شماره ۶۵، صص ۲۹-۵۱.
- پیکانی مهربان، هادی؛ رشیدپور، علی و اسعدی، محمود. (۱۳۹۹). «شناسایی عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های عمومی گمرک جمهوری اسلامی ایران». مطالعات راهبردی ناجا. دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۰۹-۱۴۶.
- خاموشی، مینا؛ محرم‌زاده، مهرداد و عزیزان کهن، نسرين. (۱۴۰۰). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش فوتسال بانوان استان اردبیل». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- رحیمی مقدم، فاطمه؛ امیری، مجتبی؛ صفری، حسین و خوش‌چهره، محمد. (۱۴۰۱). «اجرای خط‌مشی در فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی درحوزه رفاه و تأمین اجتماعی: معرفی مدل کاربردی». پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری، بانکداری و اقتصاد.
- رنگریز، حسن؛ خیراندیش، مهدی و لطیفی جلیسه، سلیمه. (۱۳۹۷). «بررسی موانع اجرای خط‌مشی‌های عمومی در سازمان‌های دولتی با استفاده از روش فراترکیب». سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۲۷-۱۴۲.
- زارعی، محسن؛ نودری، ولی و امیرحسینی، سیداحسان. (۱۴۰۲). «انسجام بین سازمانی در اجرای خط‌مشی‌های کمیته ملی المپیک». رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج.
- شعبانی، اکرم؛ رضوی، سید محمد حسین و هادوری، فریده. (۱۳۹۸). «تدوین الگوی ساختاری تحلیلی توسعه ورزش قهرمانی زنان». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. سال ۹، شماره ۱۸، صص ۵۳-۶۴.
- طاهری، مها؛ معمارزاده طهران؛ غلامرضا و موسی‌خانی، مرتضی. (۱۴۰۰). «شناسایی موانع اجرای خط‌مشی‌ها در سازمان امور مالیاتی». مدیریت توسعه و تحول. ویژه‌نامه ۱۴۰۰، صص ۱۷۷-۱۸۹.
- علی آبادی، ابراهیم؛ عزیزی، محمد؛ عالم تبریز، اکبر و داوری، علی. (۱۳۹۷). «شناسایی موانع اجرای خط‌مشی‌های کارآفرینی و نوآوری در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران». ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. دوره ۸، شماره ۳، صص ۹۵-۱۳۲.
- عیوضی کلش؛ علیدوست قهفرخی، ابراهیم و دهقان قهفرخی، امین. (۱۴۰۱). «ارائه الگوی موانع ساختاری رشد و توسعه جایگاه زنان در ورزش ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. مقالات آماده چاپ.
- فغانی، گیتی؛ حضرتی صومعه، زهرا و امیرظاهری، امیرمسعود. (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر ورزش قهرمانی بانوان ایران و مالزی در ۵۰ سال اخیر». جامعه‌شناسی سیاسی ایران. دوره ۴، شماره ۴، صص ۹۴۰-۹۷۵.
- قرباغانی، میثم؛ مقیمی، سیدمحمد و لطفی، میثم. (۱۴۰۰). «فراترکیب مطالعات اجرای خط‌مشی‌های عمومی در ایران». سیاست‌گذاری عمومی. دوره ۷، شماره ۳، صص ۲۴۳-۲۶۰.
- قانونی، حسین؛ هاشمی، علی و کریمی خوزانی، علی. (۱۴۰۱). «چهارچوب ارزیابی عملکرد کلاتری‌ها بر اساس طرح تحول کلاتری و پاسگاه». پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی). دوره ۱۷، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۷۷.

- قوی‌پنجه، ناهید؛ کلاته سیفری و معصومه؛ تابش، سعید. (۱۴۰۳). «طراحی الگوی هم‌آفرینی ارزش در اکوسیستم فوتبال بانوان ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. آماده انتشار
- گچی، آرش؛ غفوری، فرزاد و کارگر، غلامعلی. (۱۳۹۸). «شناسایی سهم عوامل تعیین‌کننده موفقیت فردی و ملی در توسعه ورزش قهرمانی». چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش. محمودآباد، ۱-۱۲.
- گیاه شناس بن بازاری، جواد؛ ساعی، احمد؛ زیباکلام، صادق و ملک محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۹). «بررسی خطمشی‌گذاری ورزشی در ایران بر اساس مدل مرجعیت‌های تصمیم‌گیری پیرمولر». فصل‌نامه خطمشی‌گذاری عمومی در مدیریت. دوره ۱۱، شماره ۴۰، صص ۲۹-۴۸.
- مشکل‌گشا، الهام. (۱۴۰۲). «مروری بر چالش‌ها و چشم‌اندازهای مشارکت ورزشی بانوان با رویکرد بازاریابی اجتماعی». مطالعات راهبردی جامعه‌شناختی در ورزش. دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۳۲.
- ممسنی، مرضیه؛ سرداری، نسرين و یوسفی، بهرام. (۱۴۰۰). «مفهوم‌شناسی رقابت و قهرمانی از دیدگاه زنان نخبه ورزشی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خلیج فارس، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- میرشکاران، زهره؛ بحرالعلوم، حسن و باقری، هادی. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان ایران». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۱-۱۴.
- Birkland, A. (2020). **An Introduction to the Policy Process Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making**. 5th Edition, Routledge.
- Costa, M. (2016). “Water policy implementation in the state of São Paulo, Brazil: Key challenges and opportunities”. *Environmental Science & Policy*, 60, 1–11
- Dunn, w.n. (2018). “Public Policy Analysis, Graduate School of Public and International Affairs”. University of Pittsburgh
- Dye, T. R. (2017). **Understanding Public Policy**. (15th ed.). Florida State University.: Pearson
- Hirsch, C. (2017). “Makers and shapers of environmental policy making: Power and participation in forest legislation in Bolivia”. *Journal of Rural Studies*, 2017, 50(4): 148-158
- Khasnis, U., Toering, T., Collins, D. (2021). “Policy implementation in Indian Olympic sport”. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 13(4): 623-640.
- Warner S. (2019). “Sport as medicine: How F3 is building healthier men and communities”. *Sport Management Review*, 2019;22(1):38-52.
- Koblova, V. S. (2021). “Women’s freestyle wrestling in global sports movement: progress analysis”. *Theory & Practice*, 3 (2), 74-86
- Marsal-Llacuna, M., & Segal, M. (2017). “The Intelligent Method (II) for smarter, urbanThe Intelligent Method (II) for smarter urban policymaking and regulation drafting”. *Cities*, 83-95
- Sager, F. & Gofen, A. (2022). “The polity of implementation: Organizational and institutional arrangements in policy implementation”. *Governance*, 35(2): 347–364.
- Stillman, R. (2021). **Public Administration (Concept and Cases)**. Houghton Mifflin.
- Pamela, W., Kirstin, H., Christoph, B. (2013). “Analyzing the impact of sport infrastructure on sport participation using geo-coded data: Evidence from multi-level model neighbourhoods”. *Journal of Sport Management Review*, 16, 54– 67
- Patwardhan, V., Mayya, S., Joshi, H. G. (2015). “Determinants of career progression for woman in hospitality industry: Reflections of woman managers in five Star hotels in India”. *African Journal of hospitality, tourism and leisure*, 4(2), 123-42.
- Yenilmez, M. (2021). “Gender Inequality and Female Sports Participation in Turkey”. *Central European Journal of Sport Sciences and Medicine*, 27(33), 27-41.

شناسایی چالش‌ها و راهبردهای حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی^۱

نازنین راسخ^۲

حمید قاسمی^۳

سعید جعفری^۴

عابد محمودیان^۵

 [10.22034/ssys.2024.3209.3342](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3209.3342)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌ها و راهبردهای مطلوب حضور بانوان در ورزش قهرمانی انجام شد. این پژوهش مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد با رویکرد استراوس-کوربین بود و مشارکت‌کنندگان شامل بازیگران مختلف حوزه ورزش قهرمانی زنان از جمله اساتید و پژوهشگران، مدیران و مسئولان کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌ها، مربیان، ورزشکاران، مالکان تیم و باشگاه‌های بانوان بودند. روش انتخاب شرکت‌کنندگان نمونه‌گیری هدفمند بود و مصاحبه‌هایی نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از آنان تا رسیدن به اشباع نظری صورت گرفت.

یافته‌ها حاکی از آن است ۱۸ مقوله فرعی در قالب پنج مقوله اصلی دسته‌بندی می‌شوند؛ به‌طوری که عوامل علی شامل دست‌اندازه‌های مالی و اداری، قواعد حاکم بر ورزش بانوان و فقدان بالندگی مربیان خانم، عوامل زمینه‌ای شامل ارزش‌های جنسیتی خانوادگی، نابرابری جنسیتی و محدودیت فضا و امکانات، عوامل مداخله‌گر شامل مسئله‌آفرینی فقهی و واکنش منفعلانه در رویارویی با نابرابری، راهبردها شامل تجاری‌سازی ورزش قهرمانی بانوان، مدیریت استعداد، الگوسازی، حمایت همه‌جانبه از ورزش قهرمانی بانوان، تعامل سازنده، جامعه‌پذیری جنسیتی و قانون‌گذاری در ورزش قهرمانی بانوان و پیامدها نیز شامل توسعه کیفی و کمی ورزش قهرمانی بانوان در داخل و خارج از کشور هستند. مدل پیشنهادی می‌تواند به‌عنوان ابزاری تحلیلی مبنای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اقدام در زمینه ورزش قهرمانی بانوان ایران قرارگیرد تا با به‌کارگیری راهبردهای متنوع، چالش‌های موجود حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی مرتفع شوند.

واژگان کلیدی: سازمان‌های ورزشی، بانوان، تئوری داده‌بنیاد و عدالت جنسیتی.

^۱ این پژوهش مستخرج از طرح پژوهشی است که با سفارش و حمایت مالی وزارت ورزش و جوانان انجام شده است.

^۲ دانشیار، مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، تهران. ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: N.rasekh@ssrc.ac.ir

^۳ استاد، مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۴ دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۵ استادیار، مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

توسعه ورزش به عنوان یکی از مهم ترین سیاست ها برای کشورها در فرآیند جهانی شدن تلقی شده (باریرا^۱ و همکاران، ۲۰۲۲؛ اویانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۲) و می تواند راهکاری مفید و کاربردی به منظور نیل به اهداف در ابعاد مختلف توسعه برای کشورها به شمار آید (پرشن^۳، ۲۰۲۲). یکی از مهمترین بخش های توسعه ورزش، توسعه ورزش قهرمانی است (عبدالملکی، ۱۴۰۲). ورزش قهرمانی عبارت است از بازی ها و ورزش های رقابتی و سازمان یافته که برای رسیدن به اهداف و کسب نتیجه و رتبه برتر انجام می شوند و افراد ماهر و نخبه در آن شرکت می کنند. ورزش قهرمانی مانند هر نظام دیگری نیازمند تدوین اهداف کلان، راهبردها و برنامه های عملیاتی است تا ضمن آگاهی از مسیر حرکت بتواند از هرگونه دوباره کاری، بیراهه و هدر رفتن منابع مالی، انسانی، فیزیکی و اطلاعاتی خود اجتناب ورزد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۳). یکی از مهمترین اتفاقات تأثیرگذار در ورزش کشور در چند سال اخیر، موفقیت بانوان در ورزش قهرمانی بوده است. حضور زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه در عرصه ورزش قهرمانی ضرورتی انکارناپذیر است. نخستین بار در تاریخ ورزش کشور، بانوان ایران در بازی های آسیایی ۲۰۲۲ گوانجو توانستند برای اولین بار ۲۴ مدال (۲۵ درصد) از مقام هایی که در کاروان جمهوری اسلامی کسب شده بود را به خود اختصاص دهند (عبدالملکی، ۱۴۰۲). موفقیت های یاد شده، نشان از پتانسیل بالای ورزشکاران زن کشور در ورزش قهرمانی است، اما در این حوزه هنوز موانعی برای توسعه ورزش قهرمانی زنان وجود دارد که باید برطرف شوند (برآبادی، ۱۴۰۲؛ شمالی و کشکر، ۱۴۰۱).

مطالعات زیادی در زمینه توسعه ورزش قهرمانی زنان در داخل کشور در سطح ملی و استانی و در رشته های ورزشی مختلف صورت گرفته است. برآبادی (۱۴۰۲) معتقد است تبعیض جنسیتی، عدم تأمین منابع مالی، عدم حمایت از ورزشکاران زن در سطح خانواده و جامعه و عدم توجه به نیازهای خاص ورزشکاران زن از محدودیت های ورزش قهرمانی زنان بوده که باعث کاهش شانس های موفقیت در رقابت های بین المللی شده است. همچنین، رضایی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در پژوهشی با عنوان «آینده پژوهی توسعه ورزش حرفه ای زنان ایران بر پایه سناریونویسی در افق ۱۴۱۰» معتقدند ۱۲ متغیر کفایت سرمایه، مشارکت بخش خصوصی، درآمدزایی و تجاری سازی ورزش بانوان، سرمایه گذاری دولت، جذب سرمایه مالی، افزایش سطح درآمد، افزایش قدرت و حضور بانوان در فضای ورزش، افزایش تعداد باشگاه های ورزشی در حوزه ورزش بانوان، حمایت جامعه از توسعه ورزش زنان، افزایش زنان تحت پوشش ورزش قهرمانی، حمایت رسانه ها و کسب سهمیه در رقابت های المپیک نقش کلیدی را در آینده ورزش حرفه ای زنان دارند. نتایج پژوهش طالقانی و همکاران (۱۴۰۱) نیز با عنوان «آسیب شناسی ورزش قهرمانی بانوان ایرانی در دهه ۹۰ از طریق تحلیل گفتمان غالب» حاکی از آن است عوامل بازدارنده شامل عدم حمایت مالی دولت، عدم حمایت مسئولان، تبعیض جنسیتی، عدم امکانات باشگاهی، محدودیت های زیرساختی، فرهنگ مردسالاری و عدم دریافت پاداش هستند. علاوه بر این، نتایج پژوهش شمالی و کشکر (۱۴۰۱) با عنوان «تدوین الگوی مدیریت موانع

¹ Barreira

² Ouyang

³ Precious

حمایت مالی ورزش قهرمانی زنان ایران» حاکی از آن است شرایط علی شامل چالش‌های فرهنگی و اجتماعی، چالش‌های قانونی و مدیریتی، شرایط زمینه‌ای شامل چالش‌های رسانه‌ای، چالش‌های اقتصادی، شرایط مداخله‌گر شامل چالش‌های ساختاری، راهبردها شامل اصلاح ساختاری اجرایی، ایجاد فرهنگ و پیامدها شامل توسعه همه‌جانبه ورزش بانوان هستند.

همچنین، میرشکاران و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان ایران» بیان کردند مؤلفه‌های زیرساختی، فنی - ورزشی و اجتماعی از مهمترین عوامل تأثیرگذار هستند. علاوه براین، شعبانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تدوین الگوی ساختاری تحلیلی توسعه ورزش قهرمانی زنان» معتقدند اساس تحلیل میک مک مؤلفه‌های «حمایت مالی»، «ساختار و سیاست‌گذاری ورزش» در منطقه نفوذی، «رقابت‌های ملی (بین‌المللی)» در منطقه پیوندی، «اماکن و تسهیلات آموزشی»، «حمایت شغلی» و «سیستم مربیگری» در منطقه خودمختار و «محیط قهرمانی» و «مشارکت ورزشی» در منطقه وابسته قرار می‌گیرند. نتایج پژوهش آراین و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «ساخت و اعتباریابی ابزار حمایت از بانوان ورزشکار نخبه در ورزش قهرمانی» حاکی از آن است که این مقیاس از ۹ عامل نیاز به حمایت اجتماعی، حمایت مالی، نیازهای شغلی، سبک زندگی، حمایت‌های پزشکی، حمایت‌های ورزشی، حمایت‌های آموزشی - تحصیلی، حمایت دولت و زیرساخت‌ها و امکانات تشکیل شده است. در نهایت، راسخ و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود با عنوان «تدوین برنامه راهبردی ورزش قهرمانی بانوان کشور» بیان کردند این حوزه با ضعف‌هایی مانند اختصاص محدود بودجه، عدم حمایت مالی بخش خصوصی، کمبود فضاها، امکانات و تجهیزات، محدودیت برگزاری رقابت‌های بین‌المللی در داخل کشور و کمبود ارتباطات با سازمان‌ها و ارگان‌های بین‌المللی و با تهدیدهایی نظیر محدودیت‌های فرهنگی، عدم مشارکت بخش خصوصی، فقدان اطلاع سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران از منافع ورزش قهرمانی بانوان، محدودیت قوانین مدنی و شرعی برای برخی رشته‌ها و رشد سریع ورزش قهرمانی بانوان در منطقه و غیره مواجه است.

تحقیقات دیگری نیز در زمینه ورزش قهرمانی بانوان در سطح استان‌های کشور صورت گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، تحلیل SWOT ورزش قهرمانی بانوان استان همدان (اندام و همکاران، ۱۳۹۵)، عوامل محیط درونی مؤثر بر ورزش قهرمانی بانوان در استان گیلان (ملکی و همکاران، ۱۳۹۹)، عوامل محیطی بیرونی مؤثر بر ورزش قهرمانی بانوان در استان گیلان (ملکی و همکاران، ۱۴۰۲) و در نهایت، بررسی مشکلات ورزش قهرمانی زنان (بنار و همکاران، ۱۳۹۲) به بررسی مشکلات ورزش قهرمانی زنان استان گیلان پرداختند. علاوه بر این، برخی از مطالعات صورت گرفته قبلی تنها روی یک رشته ورزشی در زمینه ورزش قهرمانی بانوان تمرکز داشته‌اند. به‌عنوان مثال، شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه رشته وزنه‌برداری (عبدالملکی، ۱۴۰۲)، تحلیل موانع توسعه والیبال قهرمانی زنان (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۵)، شناسایی موانع ارتقای ورزشی زنان ورزشکار لیگ برتر فوتبال (پورگچی و همکاران، ۱۳۹۶)، عوامل مؤثر در توسعه استعدادهای موفق لیگ دسته اول و دسته دوم فوتبال زنان (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۸)، بررسی مشکلات زنان ورزشکار قهرمان قایقران (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵)، بررسی موانع توسعه مدیریتی فوتبال زنان (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۷) و شناسایی و رتبه‌بندی چالش‌های اقتصادی توسعه فوتبال بانوان (خالدی‌فر و همکاران، ۱۳۹۷).

در زمینه ورزش قهرمانی بانوان در خارج از کشور نیز پژوهش‌های زیادی صورت گرفته که مرتبط‌ترین آنها بدین شرح هستند. والتی و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «سیاست‌های ورزشی نخبگان و موفقیت ورزشی بین‌المللی، تجزیه و تحلیل داده‌های پانلی از عملکرد ورزش بانوان اروپا» بیان کردند ارائه مربیگری بسیار تخصصی در موفقیت بین‌المللی در ورزش بانوان تأثیر معنادار و مثبتی دارد، درحالی‌که نمایندگان ما برای حمایت مالی، منابع انسانی و فعالیت مرحله بنیادی هیچ قدرت توضیحی قابل‌توجهی برای موفقیت تیم‌های ملی بانوان ندارند. همچنین، میکونن^۲ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «حمایت مالی در باشگاه‌های فوتبال زنان فنلاند» معتقد است مهم‌ترین مشکلات شامل جذب حامی مالی، توجه کم به بهره‌وری بانوان در ورزش، کمبود پرسنل و کم‌توجهی باشگاه‌داران به زنان هستند.

مرور گسترده مطالعات و ادبیات حوزه پژوهش نشان می‌دهد با توجه به اهمیت ورزش قهرمانی بانوان امروزه تحقیقات زیادی به ابعاد مختلف و زوایای مختلف این امر پرداخته‌اند. لذا جا دارد این موضوع در کشور ما نیز به‌طور دقیق و موشکافانه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گیرد، زیرا پتانسیل کافی برای ورزش قهرمانی بانوان وجود دارد. علی‌رغم همه پتانسیل‌ها، بانوان قهرمان در کشور با مشکلات متعددی در حوزه‌ها و در سطوح مختلف مواجه هستند (شمالی و کشکر، ۱۴۰۱؛ طالقانی و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، تحقیقات فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی بانوان یا تدوین برنامه‌های راهبردی در رشته‌های مختلف ورزشی انجام گرفته است که بیشتر آنها روی برنامه‌های راهبردی توسعه ورزش قهرمانی بانوان متمرکز شده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز ابعاد خاصی از عوامل اثرگذار بر توسعه ورزش قهرمانی بانوان را بررسی کرده‌اند و برخی نیز راهبردهایی برای توسعه ورزش قهرمانی بانوان ارائه داده‌اند. اما همچنان این سؤال باقی است چرا برنامه‌ها و راهبردها در مورد ورزش قهرمانی بانوان در همان مرحله نخست دچار مشکل می‌شوند و قابلیت اجرایی پیدا نمی‌کنند یا آن‌هایی که به‌صورت برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت اجرا می‌شوند، نتایج مطلوب چندانی ندارند- چنانکه جز در دو یا سه رشته، در بسیاری از رشته‌های ورزشی در بازی‌های آسیایی، جهانی و المپیک مقامی کسب نشده است (مرادی و همکاران، ۱۴۰۳). علاوه بر این، بررسی نتایج تحقیقات در حوزه ورزش قهرمانی زنان نشان داد تحقیق جامعی درباره چالش‌ها و راهبردهای حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی، صورت نگرفته و یا اگر هم انجام شده به‌صورت بررسی مشکلات استانی و یا با تمرکز روی یک رشته ورزشی خاص بوده تا تنظیم یک چارچوب مفهومی منسجم. انجام پژوهش حاضر از نوآوری لازم برخوردار بوده و ضرورت دارد. لذا در صورت شناسایی موانع و چالش‌های حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی و تدوین و اجرای برنامه‌های راهبردی و هدفمند بر اساس این چالش‌ها، می‌توان شاهد موفقیت‌های روزافزون ورزش بانوان کشور در سطح ملی و بین‌المللی بود. نتایج طرح حاضر می‌تواند به‌عنوان یک نقشه راهنما برای نهادهایی همچون وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌های ورزشی، کمیته ملی المپیک و سازمان‌های مرتبط مورد توجه و کاربرست قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

¹ Valenti

² Mikkonen

این پژوهش با ماهیت اکتشافی و با هدف بسط دانش و شناخت چالش‌ها و راهکارهای حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی انجام شد. همانطور که مک کراکن (۱۹۸۸) بیان داشت: «وقتی سوالاتی که داده‌ها برای پاسخ به آنها جمع‌آوری می‌شوند، با مقداری دشواری برای پاسخ‌دهنده همراه هستند، شبکه گسترده‌تر و انعطاف‌پذیرتری که با استفاده از تکنیک‌های کیفی ارائه می‌شود، مناسب است» (ص ۱۷). در نتیجه، پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و بر مبنای جستجوی داده‌ها، دارای ماهیت کیفی بود که با روش گراند تئوری با رویکرد استراوس-کوربین انجام شد.

داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از مصاحبه در گروه اسمی و با در نظر داشتن راهبرد مثلث‌سازی جمع‌آوری گردید، زیرا عموماً برای انتخاب جامعه تحقیق در تحقیقات کیفی از راهبرد مثلث‌سازی استفاده می‌شود. مثلث‌سازی به استفاده از روش‌های مختلف یا منابع داده مختلف در تحقیقات کیفی اشاره دارد (پاتن، ۱۹۹۹). در نتیجه تلاش شد تا داده‌ها از افراد مختلفی که به نوعی با موضوع تحقیق در ارتباط و یا دارای زمینه تخصصی، تجربه و یا تحقیقات مرتبط بودند، جمع‌آوری شود. به این ترتیب، مشارکت‌کنندگان در این پژوهش را کلیه بازیگرانی تشکیل می‌دادند که به‌صورت مستقیم بر حوزه ورزش قهرمانی بانوان تأثیر می‌گذارند. این بازیگران شامل مسئولان فدراسیون‌ها، مربیان تیم‌های ملی بانوان، پژوهشگران (اعضای هیئت علمی) حوزه ورزش قهرمانی بانوان، مالکان باشگاه و تیم‌های بانوان و ورزشکاران ملی بودند. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری استفاده شد، زیرا مصاحبه‌های طولانی، به مصاحبه‌کننده اجازه می‌دهد تا جهان را از نقطه نظر شخص دیگری تجربه کند (مک کراکن، ۱۹۸۸). این امر با مشارکت ۱۵ نفر (۱۲+۳) از نمونه آماری پژوهش محقق شد که مشخصات آنان در جدول ۱ آمده است. به این ترتیب، هر مصاحبه به‌طور میانگین یک ساعت (۵۰ الی ۷۰ دقیقه) به‌طول انجامید. در روند مصاحبه به‌طور کلی سوالاتی از قبیل چالش‌های موجود و پیش‌روی ورزش قهرمانی بانوان در ابعاد مختلف اقتصادی و مالی، فرهنگی و اجتماعی، دینی و مذهبی، رسانه، سیاست و قوانین، منابع انسانی و غیرانسانی، فرآیندهای آموزشی و پژوهشی، مدیریت و سیاست‌گذاری، نگرشی و انگیزشی، رویدادها و مسابقات ورزشی و غیره؛ پیشنهاد، راهکارها و راهبردهای برون‌رفت از وضعیت موجود و دستیابی به شرایط مطلوب در ابعاد یاد شده و پیامدهای ایجاد بستر و تسهیل شرایط حضور مطلوب بانوان در زمینه ورزش قهرمانی در سطح ملی و بین‌المللی پرسیده می‌شد.

برای اطمینان از اعتمادپذیری و انتقال‌پذیری (روایی)، شرایطی فراهم گردید که به‌طور همزمان از برخی مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها استفاده شد. سپس برای تطبیق توسط اعضا، دو نفر از افراد خبره مرحله نخست، فرآیند تحلیل و مقوله‌های به‌دست آمده را بازبینی کردند. در ادامه برای اتکاپذیری (پایایی) پژوهش، دو اقدام اساسی صورت گرفت: ۱- کدگذاری مجدد توسط محقق: پس از یک ماه از کدگذاری هر مصاحبه، محقق مجدداً جهت کدگذاری داده‌ها اقدام نمود. به عبارت دیگر، چند مصاحبه به‌عنوان نمونه در یک بازه زمانی ۳۰ روز مورد کدگذاری مجدد قرار گرفتند. پایایی باز آزمون این تحقیق برابر ۷۶ درصد به‌دست آمد. با توجه به اینکه میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد بوده، بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است. ۲- در نهایت برای کسب اطمینان بیشتر،

از فرمول اسکات^۱ استفاده شد. بدین منظور ۱۰ درصد از صفحات متن مصاحبه‌ها به‌همراه تعاریف عملیاتی، برای کدگذاری به پژوهشگر دیگر داده شد. کدگذاری مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها و نیز شاخص‌ها، برابر دستورالعمل صورت گرفت. درصد توافق میان دو کدگذار از طریق ضریب پایایی اسکات محاسبه گردید. از آنجایی که میزان ضریب پایایی اسکات ۷۸ درصد به‌دست آمد، این عدد نشان‌دهنده اتکاپذیری بسیار بالای پژوهش است- در صورتی که ضریب توافق بین آنان بیش از ۷۰ درصد باشد، می‌توان گفت که بین کدگذاران توافق وجود دارد (اسکات، ۱۹۵۵).

جدول ۱: گزارش پایایی مصاحبه‌ها

مصحبه‌ها	تعداد کل کدها	تعداد کدهای		درصد پایایی
		موافق	تعداد کدهای مخالف	
P۲	۶۹	۲۹	۱۰	۸۴٪
P۲	۷۷	۳۳	۵	۸۵٪
P۱۱	۶۴	۲۴	۴	۷۵٪
P۱۵	۴۳	۱۶	۱۱	۷۴٪
P۱۸	۷۱	۲۵	۶	۷۰٪
کل	۳۲۴	۱۲۷	۳۶	۷۸٪

یافته‌های پژوهش

مشخصات افراد شرکت‌کننده در بخش مصاحبه تحقیق در جدول ۲ آمده است. گفتنی است که در تحقیقات به‌دلیل الزامات اخلاقی از ذکر نام و یا مشخصات معرف فرد مصاحبه‌گر اجتناب شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود کلیه شرکت‌کنندگان از نظر ویژگی‌های تحصیلی و شغلی در زمینه موضوع تحقیق از شرایط مطلوب برخوردار بوده‌اند.

^۱ Scott

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مشارکت کننده	جنسیت	سن	تحصیلات	سمت سازمانی
۱	خانم	۴۸	دکتری	معاون توسعه ورزش بانوان وزارت ورزش و جوانان
۲	آقا	۶۸	دکتری	سرپرست کاروان بازی‌های المپیک
۳	آقا	۴۶	دکتری	دبیر فدراسیون
۴	آقا	۵۱	دکتری	دبیر کل
۵	خانم	۴۶	کارشناس ارشد	نائب رئیس فدراسیون
۶	آقا	۵۳	دکتری	رئیس فدراسیون
۷	خانم	۲۴	کارشناس ارشد	ورزشکار
۸	آقا	۵۵	دکتری	دبیرکل فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی
۹	آقا	۳۶	دکتری	مربی تیم ملی بانوان
۱۰	خانم	۴۶	دکتری	عضو هیئت علمی
۱۱	خانم	۳۷	کارشناس ارشد	مربی تیم ملی بانوان
۱۲	آقا	۴۷	دکتری	عضو هیئت علمی
۱۳	خانم	۲۲	دکتری	ورزشکار
۱۴	خانم	۴۱	کارشناس ارشد	مالک تیم بانوان
۱۵	آقا	۳۸	کارشناس ارشد	رئیس کمیته استعدادیابی فدراسیون

جهت تحلیل داده‌ها، ابتدا محقق اقدام به خواندن چند باره مصاحبه‌ها کرد تا شرایط حضور بهینه و مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در مصاحبه را به‌طور کامل درک کند. این مرحله از تجزیه و تحلیل را می‌توان استقرایی در نظر گرفت (کرسول، ۲۰۱۴)، زیرا محقق در وهله اول علاقه‌مند است تا دیدگاه شرکت‌کنندگان را درک و سپس بر اساس سوالات پژوهش، کدهایی را استخراج نماید که بهره‌گیری از آنها، نتایج ثمربخش‌تری در فرآیند تحقیق دارند (محمودیان و همکاران، ۱۴۰۲). در ادامه، عبارت‌ها (کلمات منفرد یا مجموعه‌های کوچک از چند کلمه) براساس واحدهای معنایی دسته‌بندی شدند تا مفاهیم کدها به آنها ضمیمه گردند. در مرحله بعد، این کدها براساس مضامینی که به‌طور مستقیم با پرسش‌های پژوهش ارتباط داشتند، دسته‌بندی شدند. در این مرحله ۹۸ کد باز به‌دست آمد. سپس مقوله‌های به‌دست آمده مجدداً به کدهایی مرتبط شدند که انتزاعی‌تر از کدهای مرحله قبل بودند. در این مرحله ۱۸ مقوله فرعی ایجاد گردید. در نهایت، کدها به شکل بارزی نمایانگر محتوای مقوله شدند که به یادآوری مرجع مقوله کمک کرده و به عوامل شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و

پیامدها دسته‌بندی شدند. برای تهیه عنوان و نام برای کدها، سعی شده است تا عناوینی که از هر لحاظ معرف و برازنده مقولات خود است، انتخاب شوند. از آنجایی که فرایند تحقیق کیفی ماهیتی غیرخطی دارد، فرایند کدگذاری در سه مرحله تکرار شد تا در نهایت، کدهای استخراجی براساس نظریه گراند تئوری و رویکرد استراوس- کوربین دسته‌بندی شوند و در جدول ۳ و شکل ۱ به نمایش درآیند.

جدول ۳: کدگذاری شرایط حضور بهینه و مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
حمایت مالی ناکافی دولت از ورزش قهرمانی بانوان		
در اولویت نبودن ورزش بانوان در سازمان		
فقدان به کارگیری مدیران ورزشی خانم در رأس هیئت‌ها و فدارسیون‌ها		
نبود برنامه مدون و راهبردی به روز در حوزه ورزش قهرمانی بانوان		
جزیره‌ای عمل کردن سازمان‌های ورزشی پیرامون ورزش قهرمانی	دست اندازهای	
بانوان		
نبود نظارت اثربخش و کارا	مالی و اداری	
محدودسازی کنش اجتماعی بانوان در امر ورزش		
فقدان توجه لازم به ورزش بانوان از سوی مدیران		
فقدان حمایت اداره‌های کل ورزش و جوانان از ورزش قهرمانی بانوان	عوامل علی	
نابرابری حقوق ورزشکاران خانم و آقا		
شعار دادن و عمل نکردن		
نظام مند نبودن برنامه‌های مسابقات ورزشی بانوان	قواعد حاکم بر	
فقدان پوشش رسانه‌ای ورزش بانوان	ورزش بانوان	
محدودیت در پوشش		
بهره نبردن کافی از مربیان خانم خارجی		
فقدان حضور فیزیکی مکفی مربیان خانم خارجی در ایران	فقدان بالندگی	
محدودیت شرکت در دوره‌های مربیگری بازآموزی	مربیان خانم	
کمبود مربیان خانم با درجات بالای مربیگری		
فقدان حمایت کافی از مربیان با دانش در کشور		
حمایت نکردن خانواده‌ها از فرزندان دختر در زمینه ورزش	عوامل زمینه‌ای	
نگاه سستی خانواده‌ها نسبت به حضور فرزندان دختر در فعالیت‌های ورزشی		

ارزش‌های	غالب بودن فرهنگ مردسالاری در جامعه	
جنسیتی		
خانوادگی		
	فقدان امکان حضور منظم بانوان در استادیوم‌های ورزشی	
نابرابری جنسیتی	نابرابری اختصاص اماکن ورزشی	
	پایین بودن تعداد مسابقات ورزشی مختص بانوان به نسبت مردان	
	کمبود مکان تمرینی مناسب	
محدودیت فضا و	مهیا نبودن محیط شهری برای ورزش بانوان	
امکانات	کمبود امکانات و تجهیزات مورد نیاز	
	فقدان دسترسی مکفی محلی به فضاهای لازم برای ورزش بانوان	
	تغییر نیافتن فقه، متناسب با تحولات جامعه بانوان ورزشکار	
مسئله‌آفرینی	نگاه محافظه‌گرایانه فقها به بانوان جامعه	
فقهی	نبود اجماع نظر پیرامون ورزش بانوان در بین فقها	
عوامل مداخله	مطالبه‌گر نبودن فعالان حوزه ورزش بانوان	
گر	تمایل پایین بانوان به انجام ورزش	
	نداشتن امنیت روانی	
واکنش منفعلانه	فقدان مشارکت جدی بانوان در فعالیت‌های ورزشی	
در رویارویی با	مشارکت بخش خصوصی در ورزش قهرمانی بانوان	
نابرابری		
	پرداخت‌های برابر	
تجاری‌سازی		
ورزش قهرمانی	ارائه معافیت‌های مالی برای حامیان مالی	
بانوان	تأمین رفاه اقتصادی ورزشکاران خانم	
راهنما	افزایش سطح دستمزدها (مربی، داور، ورزشکاران و ...) متناسب با آقایان	
	شناسایی استعدادهای ورزشی در زمان مناسب و به موقع	
	برگزاری دوره‌های آموزشی برای ورزشکاران و مربیان خانم در خارج	
مدیریت استعداد	از کشور	
	تربیت مربی، بازیکن و داور در حوزه ورزش قهرمانی بانوان	
	هدایت استعدادهای ورزشی در مسیری صحیح	

	روایت زندگی ورزشکاران خانم نخبه
الگوسازی	تجلیل از قهرمانان ورزشی خانم
	پوشش رسانه‌ای ورزش قهرمانی بانوان از سوی رسانه ملی
	تشریح دستاوردهای ورزش قهرمانی بانوان از سوی رسانه‌ها
	ایجاد فرصت‌های برابر در سطوح نظارتی و تصمیم‌گیری در ورزش
حمایت همه	اختصاص بودجه لازم از سوی سازمان‌ها به ورزش قهرمانی بانوان
جانبه از ورزش	سرمایه‌گذاری میان‌مدت و بلندمدت در ورزش قهرمانی بانوان
قهرمانی بانوان	حمایت مالی دولت از ورزش قهرمانی بانوان
	حمایت معنوی خانواده‌ها
	دعوت از مربیان خارجی خانم
	افزایش همکاری‌های بین‌المللی با سازمان‌های ورزشی
تعامل سازنده	تشریح دستاوردهای ورزشی از بعد اجتماعی و سیاسی
	استفاده از دانش مردان در حوزه ورزش بانوان
	توسعه دیپلماسی ورزشی از طریق ورزش قهرمانی بانوان
	تشریح فواید انجام ورزش از بعد فقهی
	تغییر نگاه زن ستیزی جامعه
جامعه‌پذیری	تأکید بر شایسته‌سالاری به جای جنسیت‌سالاری
جنسیتی	رفع هرگونه نابرابری و تبعیض در کلیه امور
	موظف کردن دولت جهت به کارگیری همه امکانات خود در امر ورزش
	قهرمانی بانوان
قانون گذاری در	ایجاد مکانیزم‌هایی قانونی برای رشد گسترش ورزش قهرمانی بانوان
ورزش قهرمانی	تدوین قانون حمایت از ورزشکاران خانم
بانوان	اصلاح قانون گذرنامه در راستای تسهیل امکان خروج بانوان از کشور
	تدوین دستورالعملی مدون و همه شمول در زمینه ورزش قهرمانی بانوان
فراهم سازی	ساخت اماکن ورزشی مختص بانوان
زیرساخت‌های	ایجاد پایگاه‌های قهرمانی مجهز به امکانات و تجهیزات به روز
محیطی	اختصاص فضا و امکانات استاندارد به ورزش بانوان

افزایش مشارکت بانوان ورزشکار در ورزش قهرمانی

توسعه اماکن، امکانات و تجهیزات ویژه ورزش قهرمانی بانوان

افزایش تعداد ورزشکاران خانم

حمایت مدیران ستادی از ورزش قهرمانی بانوان

افزایش مسابقات بین‌المللی مختص بانوان نخبه

افزایش تنوع ورزش‌ها در حوزه بانوان

مناسب‌سازی اماکن ورزشی برای حضور بانوان

توجه اصحاب رسانه به ورزش قهرمانی بانوان

رفع هژمونی جنسیتی

توسعه کیفی و

کمی ورزش

افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی مختص بانوان

توجه خانواده‌ها به فعالیت‌های ورزشی فرزندان دختر

قهرمانی بانوان در

اختصاص کرسی‌های مهم در ورزش به بانوان

داخل کشور

یکپارچگی مدیریت ورزش قهرمانی بانوان در کشور

اصلاح مدیریت بهره‌وری ورزش قهرمانی بانوان

افزایش بودجه ورزش قهرمانی بانوان

حل شدن مشکلات معیشتی ورزشکاران خانم

نهادینه شدن ورزش در بین بانوان

ورود حامیان مالی به ورزش قهرمانی بانوان

تثبیت جایگاه حقوقی بانوان در هیئت رئیسه و ارکان فدراسیون

افزایش تصدی‌گری مدیریت بانوان در سازمان‌های مختلف ورزشی

توسعه و تقویت فعالیت‌های بین‌المللی ورزش قهرمانی بانوان

توانمندسازی بانوان در کسب کرسی‌های بین‌المللی ورزشی

توسعه کیفی و

کمی ورزش

افزایش مجوز حضور بانوان محجبه در رویدادهای بین‌المللی ورزشی

افزایش میزبانی مسابقات بین‌المللی مختص کشورهای مسلمان

قهرمانی بانوان در

افزایش استحکام پیوند دوستی بین کشورهای مسلمان

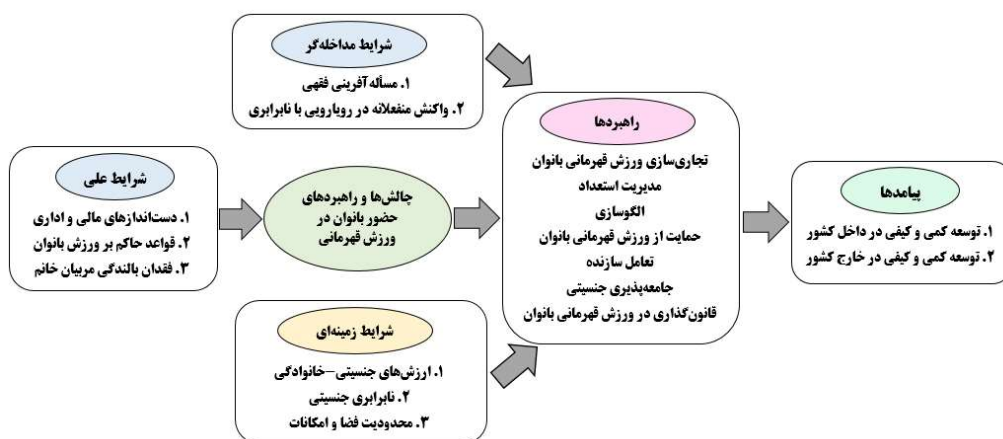
خارج از کشور

هماهنگی و همسویی با جامعه جهانی

رشد مدال‌آوری بانوان در میادین بین‌المللی، آسیایی و جهانی

پیامد

برای بهبود فرایند طبقه‌بندی کدها در قالب مقوله‌ها، ابزار مقایسه‌های نظری به‌وسیله استراس و کوربین به‌کار گرفته شد. پس از مراحل سه‌گانه کدگذاری، مدل پارادایمی شرایط حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی تدوین شد؛ مدلی که شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و اقدامات و پیامدهاست (شکل ۱).



شکل ۱: مدل پارادایمی شرایط حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه بحث ورزش قهرمانی زنان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و سیاست‌های کمیته بین‌المللی المپیک نیز کاملاً در راستای افزایش حضور زنان در رویدادهای جهانی ورزشی است (شمالی و کشکر، ۱۴۰۱). پژوهش حاضر با هدف شناسایی چالش‌ها و راهبردهای مطلوب حضور بانوان در ورزش قهرمانی انجام شد. در ادامه یافته‌های پژوهش در قالب نظریه داده‌بنیاد تحلیل و تشریح شده‌اند.

شرایط علی: استراوس و کوربین (۲۰۱۴) معتقدند شرایط علی، عواملی است که باعث به‌وجودآمدن پدیده مورد مشاهده می‌شوند. در این پژوهش شرایط علی شامل مقوله‌های فرعی دست‌اندازه‌های مالی و اداری، قواعد حاکم بر ورزش بانوان و فقدان بالندگی مربیان خانم بودند. مقوله دست‌اندازه‌های مالی و اداری، چالش‌های متنوعی هستند که در زمینه مالی و اداری حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی را با مشکل مواجه کرده‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد مقوله دست‌اندازه‌های مالی و اداری شامل چالش‌هایی مانند حمایت مالی ناکافی دولت از ورزش قهرمانی بانوان، در اولویت‌نبودن ورزش بانوان در سازمان، فقدان به‌کارگیری مدیران ورزشی خانم در رأس هیئت‌ها و فدارسیون‌ها، نبود برنامه مدون و راهبردی به‌روز در حوزه ورزش قهرمانی بانوان، جزیره‌ای عمل کردن سازمان‌های ورزشی پیرامون ورزش قهرمانی بانوان، نبود نظارت اثربخش و کارا، محدودسازی کنش اجتماعی بانوان در امر ورزش، فقدان توجه لازم به ورزش بانوان از سوی مدیران، فقدان حمایت اداره‌های کل ورزش و جوانان از ورزش قهرمانی بانوان و نابرابری حقوق ورزشکاران خانم و آقایان است. باید اذعان داشت نقش دولت‌ها در فراهم‌سازی منابع انسانی و مالی برای ورزش قهرمانی بسیار حیاتی است و دولت‌ها با فراهم کردن حمایت‌های مناسب و به موقع، موفقیت ورزش قهرمانی را هموار می‌سازند. به‌عنوان مثال، صدا و سیما می‌تواند با فراهم‌سازی پخش مسابقات ورزش قهرمانی بانوان،

مجلس شورای اسلامی با تصویب قوانینی مانند معاف‌های مالیاتی و یا تسهیلاتی برای حامیان مالی و بخش خصوصی فعال در عرصه ورزش قهرمانی بانوان، زمینه کاهش مشکلات و دست‌اندا‌زهای مالی را در این بخش ورزش به ارمغان آوردند. همچنین، مدیران سازمان‌های ورزشی مانند فدراسیون‌ها می‌توانند با جذب کمک مالی و غیرمالی سازمان‌های غیرورزشی مختلف مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، مراکز دینی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و خیرین موجبات کاهش مشکلات مالی ورزش قهرمانی بانوان را فراهم سازند. در نهایت، وزارت ورزش و جوانان می‌تواند با تشکیل کارگروه ویژه توسعه ورزش قهرمانی بانوان جهت تدوین برنامه و نقشه راه جامع، همکاری و هماهنگی با دیگر سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی مرتبط و پیگیری و رصد اقدامات و راهبردها زمینه کاهش دست‌اندا‌زهای اداری را فراهم و شرایط حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی را تسهیل نماید.

علاوه بر این، منظور از مقوله قواعد حاکم بر ورزش بانوان چالش‌هایی مانند شعار دادن و عمل نکردن، نظام‌مند نبودن برنامه‌های مسابقات ورزشی بانوان، فقدان پوشش رسانه‌ای ورزش بانوان و محدودیت در پوشش هستند. وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک می‌توانند با الزام فدراسیون‌های ورزشی جهت افزایش تعداد تنوع مسابقات داخلی ورزش قهرمانی بانوان زمینه توجه ویژه مدیران ورزشی را به این حوزه جلب و بستر گسترش و رشد این بخش از ورزش کشور تسهیل نمایند. همچنین ایجاد ارتباطات اثربخش با سازمان‌های اداره‌کننده ورزش در سطح بین‌الملل و وجود برنامه‌های مدون در برگزاری اردوها و اعزام‌ها ورزشکاران فدراسیون‌های مدال‌آور و برگزاری مسابقات تدارکاتی و دوستانه با تیم‌های مطرح در سطح جهان می‌تواند منجر به تسهیل و افزایش حضور بانوان در ورزش قهرمانی گردد.

در نهایت، فقدان بالندگی مربیان خانم با چالش‌هایی مانند فقدان بهره‌گیری از مربیان خانم خارجی، محدودیت شرکت در دوره‌های مربیگری بازآموزی، کمبود مربیان خانم با درجات بالای مربیگری و فقدان حمایت کافی از مربیان با دانش در کشور اشاره داشتند. با توجه به اینکه در کشور ما مربیگری ورزش زنان برعهده مربیان زن است، لذا در وهله اول پیشنهاد می‌گردد فدراسیون‌ها با همکاری وزارت ورزش شرایط حضور مربیان زن مطرح سطح اول جهانی را برای هدایت تیم‌های ملی و باشگاهی بانوان تسهیل سازند تا ورزش قهرمانی بانوان با دانش مربیان سطح بالای خارجی هدایت و مدیریت شود. همچنین، وزارت ورزش و جوانان باید با حمایت مالی و معنوی و اعزام ورزشکاران و مربیان جوان به کشورهای خارجی جهت گذراندن دوره‌های آموزشی بلند و کوتاه مدت و کسب تجارب در کنار مربیان مطرح با کلاس جهانی، زمینه پرورش مربیان داخلی با دانش را به ارمغان آورد.

شرایط زمینه‌ای: استراوس و کوربین (۲۰۱۴) معتقدند منظور از شرایط زمینه‌ای شرایط خاصی هستند که در آنها فرایندها و تعاملات برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرند. در پژوهش حاضر شرایط زمینه‌ای، عواملی بوده که باعث تشدید عدم حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی شده و شامل مقوله‌های فرعی ارزش‌های جنسیتی خانوادگی، نابرابری جنسیتی و محدودیت فضا و امکانات هستند. منظور از مقوله ارزش‌های جنسیتی خانوادگی، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در مورد حضور بانوان در عرصه ورزش قهرمانی است. چالش‌هایی از قبیل حمایت نکردن خانواده‌ها از فرزندان دختر در زمینه ورزش، نگاه سنتی خانواده‌ها نسبت به حضور فرزندان دختر در فعالیت‌های

ورزشی و غالب‌بودن فرهنگ مرد سالاری در جامعه در زمره مقوله ارزش‌های جنسیتی خانوادگی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش به شمار می‌آیند. هر چند امروزه فرصت‌های فراوانی برای پیشرفت ورزش قهرمانی بانوان آنان فراهم شده است، اما فاصله آن با ورزش قهرمانی مردان زیاد بوده و ورزش قهرمانی زنان با مشکلات و محدودیت‌های متعددی مواجه است که این امر لزوم هرچه بیشتر فرهنگ‌سازی را بیشتر از پیش نمایان می‌کند و در راستای رفع موانع فرهنگی و اجتماعی، سازمان‌های فرهنگ‌ساز جامعه از جمله، آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما باید گام‌هایی را در جهت صلاح دید جامعه نسبت به زنان ورزشکار بردارند.

علاوه بر این، مؤلفه نابرابری جنسیتی به چالش‌هایی مانند فقدان امکان حضور منظم بانوان در استادیوم‌های ورزشی، نابرابری اختصاص اماکن ورزشی و پایین‌بودن تعداد مسابقات ورزشی مختص بانوان به نسبت مردان اشاره دارد. در این راستا، به‌منظور تحقق اصل بسیار مهم عدالت جنسیتی در بازی‌های المپیک و در دیگر مسابقات، باید اصولی مانند تخصیص بودجه‌های خاص برای بانوان ورزشکار، بهره‌گیری از بودجه‌ها به‌عنوان محرکی برای سازمان‌ها در پیاده‌سازی عدالت جنسیتی در سازمان‌های ورزشی توسط وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک مدنظر قرار گیرند. همچنین، وزارت ورزش و فدراسیون‌ها باید با بازنگری اساسنامه‌ها و تسهیل بیشتر حضور زنان به‌عنوان تصمیم‌گیرنده در مدیریت ورزش، اختصاص درصد قابل توجهی از بودجه فدراسیون‌های ورزشی به ورزش قهرمانی بانوان، پوشش رسانه‌ای برابر برای ورزش بانوان و مردان، حذف کلیشه‌ها و تبعیض جنسیتی در ورزش و حمایت عادلانه همه جانبه فدراسیون از ورزش بانوان وارد عمل گردد.

در نهایت، مقوله محدودیت فضا و امکانات به چالش‌هایی مانند کمبود مکان تمرینی مناسب، مهیا نبودن محیط شهری برای ورزش بانوان، کمبود امکانات و تجهیزات مورد نیاز و فقدان دسترسی مکفی محلی به فضاهای لازم برای ورزش بانوان اشاره دارد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود مدیران و مسئولان ورزش با تأمین زیرساخت‌ها و فضاهای ورزشی مجهز به تجهیزات روز دنیا در استان‌ها و شهرستان‌ها، همچنین افزایش و تسهیل دسترسی آسان به اماکن و فضاهای ورزشی و امکان استفاده از باشگاه‌ها، محل تمرین و امکانات و تجهیزات ورزشکاران مرد، زمینه رفع چالش محدودیت امکانات و فضاها برای ورزش زنان ورزشکار فراهم نمایند.

شرایط مداخله‌گر: شرایط مداخله‌گر به مثابه بستری عمل می‌کنند که باعث تخفیف یا تشدید پدیده‌ها می‌شوند (استراوس و کوربین، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر شرایط مداخله‌گر شامل مقوله‌های فرعی مسئله‌آفرینی فقهی و واکنش منفعلانه در رویارویی با نابرابری بوده که در ادامه هر یک تشریح و تحلیل می‌گردند.

مقوله مسئله‌آفرینی فقهی شامل چالش‌هایی مانند تغییر نیافتن فقه متناسب با تحولات جامعه بانوان ورزشکار، نگاه محافظه‌گرایانه فقها به بانوان جامعه و نبود اجماع نظر پیرامون ورزش بانوان در بین فقهاست. با وجودی که موفقیت بانوان در میادین بین‌المللی ورزشی از مهم‌ترین عوامل خشی‌کننده تبلیغات دروغین و تصحیح نگاه جهانیان به جایگاه زن مسلمان می‌شود (فرزادفر و همکاران، ۱۳۹۸)، متأسفانه در جامعه، از اسلام و قواعد آن استفاده سلیقه‌ای می‌شود و این امر تأثیر خود را روی حضور بانوان در ورزش قهرمانی و نگاه آنان گذاشته است؛ به‌طوری که در برخی مناطق آنچنان مسائل فرهنگی با اعتقادات دینی افراد عجین شده که بسیاری از محدودیت‌های فرهنگی با نگاه دینی تفسیر می‌شوند. پیشنهاد می‌گردد فراکسیون ورزش در مجلس شورای اسلامی، وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی

المپیک و فدراسیون‌های ورزشی از طریق رایزنی با مراجع دینی و نهادهای مذهبی، سیاست فقهی ورزشی متناسب با پیشرفت‌های ورزش با رعایت احادیث و مسائل شرعی در پیش گیرند و با بازنگری و تدوین چارچوبی مشخص و شفاف، از تصمیم‌های سلیقه‌ای برخی فقها و مدیران جلوگیری نمایند تا ورزش قهرمانی بانوان بیش از این متضرر نگردد.

در نهایت، تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد مقوله واکنش منفعلانه در رویارویی با نابرابری آخرین مقوله شرایط مداخله‌گر در حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی است. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان این مقوله خود شامل چالش‌هایی مانند مطالبه‌گر نبودن فعالان حوزه ورزش بانوان، تمایل پایین بانوان به انجام ورزش، نداشتن امنیت روانی و فقدان مشارکت جدی بانوان در فعالیت‌های ورزشی است. حمایت معنوی رهبران سیاسی، سازمان‌های ورزشی ملی، مدیران سازمان‌های ورزشی، مراجع تقلید، افراد محبوب و پیشکسوتان ورزشی از ورزش قهرمانی بانوان می‌تواند فضایی فراهم کند که زنان ورزشکار در یک فضای حمایتی مطالبه‌گر بتوانند با ابراز چالش‌ها و مشکلات موجود، زمینه رفع، کنترل و مدیریت آنان را فراهم سازند.

راهبردها: رفتارها، واقعیت‌ها و تعاملات هدفداری هستند که تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و زمینه‌ای حاصل می‌شوند (استراوس و کوربین، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر بعد راهبردها شامل مقوله‌های راهبردی تجاری‌سازی ورزش قهرمانی بانوان، مدیریت استعداد، الگوسازی، حمایت، تعامل سازنده، جامعه‌پذیری جنسیتی، قانون‌گذاری در ورزش قهرمانی بانوان و فراهم‌سازی زیرساخت‌های محیطی است که در ادامه هر یک تشریح و تحلیل می‌گردند.

مقوله تجاری‌سازی ورزش قهرمانی بانوان شامل راهکارهایی مانند مشارکت بخش خصوصی در ورزش قهرمانی بانوان، پرداخت‌های برابر، ارائه معافیت‌های مالی برای حامیان مالی، تأمین رفاه اقتصادی ورزشکاران خانم و افزایش سطح دستمزدها (مربی، داور، ورزشکاران و ...) متناسب با آقایان است. سازمان‌های ورزشی باید با بازسازی و بازارگرایی برای ورزش قهرمانی بانوان زمینه تجاری شدن آن را فراهم نمایند. تشکیل کارگروه و کمیته‌های بازاریابی در ورزش بانوان، به‌کارگیری فناوری‌های جدید برای بازاریابی، استفاده از روش‌های نوین بازاریابی و تسهیل حضور بخش خصوصی در ورزش قهرمانی بانوان باید در دستور کار سیاست‌گذاران و مدیران ورزشی قرار گیرد.

همچنین راهبرد مدیریت استعداد شامل مفاهیمی مانند شناسایی استعدادهای ورزشی در زمان مناسب و به موقع، برگزاری دوره‌های آموزشی برای ورزشکاران و مربیان خانم در خارج از کشور، تربیت مربی، بازیکن و داور در حوزه ورزش قهرمانی بانوان و هدایت استعدادهای ورزشی در مسیری صحیح است. طراحی و استقرار نظام استعدادیابی در ورزش قهرمانی بانوان باید جزو مهمترین اولویت‌های سیاست‌گذاران و سازمان‌های ورزشی مانند وزارت ورزش باشد. لذا می‌توان گفت طراحی یک برنامه جامع توسعه سیستم استعدادیابی و جلوگیری از رویه‌های جزیره‌ای برای کشف، نگهداری، توسعه و نظارت منسجم بر پیشرفت زنان ورزشکاران مستعد ضروری است. برای دستیابی به این امر مهم اقداماتی نظیر افزایش برگزاری مسابقات داخلی و بین‌المللی به‌صورت منظم در رده‌های مختلف، بهره‌گیری از استعدادیاب‌های با دانش خارجی، پرورش استعدادیاب‌های داخلی مجرب، تأسیس مدارس ورزشی برای دختران ورزشکار و غیره بسیار حائز اهمیت است.

علاوه بر این، راهبرد الگوسازی شامل راهکارهایی مانند روایت زندگی زنان ورزشکاران نخبه، تجلیل از زنان قهرمان، پوشش رسانه‌ای ورزش قهرمانی بانوان از سوی رسانه ملی و تشریح دستاوردهای ورزش قهرمانی بانوان از سوی رسانه‌ها تشکیل شده است. در این راستا، وزارت ورزش و جوانان می‌تواند اقدام به ساخت یکسری فیلم و مستندهای ورزشی با محوریت زنان ورزشکار و تهیه و تدوین برنامه‌های ورزشی تلویزیونی برای زنان ورزشکار نماید. همچنین، تولید و به اشتراک‌گذاری محتوای حرفه‌ای از زنان ورزشکار در صفحات مجازی سازمان‌های ورزشی و غیره می‌تواند به الگو شدن آنان کمک شایانی نماید و در درازمدت برای خود ورزشکار و جامعه ورزشی پیامدهای مثبت زیادی به همراه دارد.

راهبرد حمایت همه‌جانبه از ورزش قهرمانی بانوان شامل مفاهیمی مانند ایجاد فرصت‌های برابر در سطوح نظارتی و تصمیم‌گیری در ورزش، اختصاص بودجه لازم از سوی سازمان‌ها به ورزش قهرمانی بانوان، سرمایه‌گذاری میان‌مدت و بلندمدت در ورزش قهرمانی بانوان، حمایت مالی دولت از ورزش قهرمانی بانوان و حمایت معنوی خانواده تشکیل شده است. سیاست‌گذاران و سازمان‌های ورزشی بالادستی مانند وزارت ورزش باید با ارائه و انجام اقداماتی از جمله افزایش روند استفاده از بانوان در نقش‌های نظارتی مانند عضویت هیئت مدیره اجرایی سازمان‌های ورزشی و انتصاب زنان ورزشکار در سطوح اجرایی، تضمین ترکیب موقعیت‌های معاونت به شرایط برابر بین بانوان و مردان، تضمین پوشش ۳۰ درصد بانوان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، تضمین برقراری عدالت جنسیتی در کاندیداتوری‌های کمیته‌های ملی المپیک و فدراسیون‌های بین‌المللی، برابری جنسیتی در ساختارهای حاکمیتی، تضمین رعایت برابری در نقش‌های تصمیم‌گیری در اجرا و نظارت و تضمین رعایت برابری در تصویرسازی، تامین بودجه، منابع انسانی و موضوعات نظارتی حمایت همه‌جانبه خود را از ورزش قهرمانی بانوان نشان دهند تا بخشی از چالش‌های پیش روی این حوزه از ورزش کشور مرتفع گردد.

همچنین راهبرد تعامل سازنده شامل مفاهیمی مانند دعوت از مربیان خارجی خانم، افزایش همکاری‌های بین‌المللی با سازمان‌های ورزشی، تشریح دستاوردهای ورزشی از بعد اجتماعی و سیاسی، استفاده از دانش ورزشکاران مرد در حوزه ورزش بانوان، توسعه دیپلماسی ورزشی از طریق ورزش قهرمانی بانوان و تشریح فوائد انجام ورزش از بعد فقهی است. سیاست‌گذاران ورزشی و وزارت ورزش و جوانان باید با دعوت از مقامات ورزشی و مدیران سازمان‌های ورزشی بین‌المللی، مربیان زن مطرح جهانی یا ارتباط و تعامل با آنان، زمینه توسعه دیپلماسی ورزش زنان ایران را تسهیل نمایند. همچنین، تدوین برنامه و نقشه راه جهت عضویت زنان ورزشکار و پیشکسوتان ورزشی زن ایرانی در مجامع ورزشی بین‌المللی، اخذ کرسی‌های ورزشی و غیره باید در دستور کار وزارت ورزش قرار گیرد. تدوین چشم‌انداز و برنامه جامع ارتباطات بین‌المللی در عرصه ورزش قهرمانی بانوان باید از دیگر اقدامات سازمان‌های ورزشی از جمله وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ورزشی باشد.

علاوه بر این، راهبرد جامعه‌پذیری جنسیتی دربردارنده مفاهیمی مانند تغییر نگاه زن‌ستیزی، تأکید بر شایسته‌سالاری به‌جای جنسیت‌سالاری و رفع هرگونه نابرابری و تبعیض در کلیه امور است. در زمینه تأکید بر شایسته‌سالاری به‌جای جنسیت‌سالاری به مدیران سازمان‌های ورزشی پیشنهاد می‌شود بر نظام شایسته‌سالاری تأکید کنند و کمیته‌ای از افراد معرب با عنوان «کمیته مشورتی» شایسته‌گزینی را در سازمان رواج دهند. از آنجایی که وجود

سقف شیشه‌ای در بیشتر سازمان‌های ورزشی به اثبات رسیده است، پیشنهاد می‌شود از بانوانی که قابلیت‌های لازم را در پست‌های مدیریتی از خود نشان داده‌اند، حمایت جدی به عمل آورند و آنان را مانند مردان در پست‌های کلیدی منصوب کنند. همچنین، وزارت ورزش و جوانان با همکاری وزارت آموزش و پرورش در راستای مبارزه با جامعه‌پذیری ضعف بانوان باید نقش فعالی را از بانوان در تصاویر و متون کتاب‌های درسی با هدف الگوگیری کودکان ارائه نمایند.

راهبردهای قانون‌گذاری نیز دربردارنده مفاهیمی مانند موظف کردن دولت جهت به‌کارگیری همه امکانات خود در امر ورزش قهرمانی بانوان، ایجاد مکانیزم‌هایی قانونی برای رشد گسترش ورزش قهرمانی بانوان، تدوین قانون حمایت از ورزشکاران خانم، اصلاح قانون گذرنامه در راستای تسهیل امکان خروج بانوان از کشور و تدوین دستورالعملی مدون و همه شمول در زمینه ورزش قهرمانی بانوان است. پیشنهاد می‌گردد وزارت ورزش با همکاری کمیسیون ورزش در مجلس، در مرحله اول اقدام به بازنگری اسناد بالادستی مانند قوانین مربوط به خروج زنان ورزشکار در قانون اساسی کشور نمایند تا محدودیت حضور برخی از بانوان در مسابقات بین‌المللی مرتفع گردد. در نهایت می‌توان گفت آنچه در حوزه توسعه و حمایت از ورزش بانوان در بخش قوانین و مقررات مشاهده می‌شود، نیازمند بازنگری اساسی در توسعه ضمانت اجرایی این قوانین است. بنابراین راهکار برون‌رفت از این وضعیت، بررسی جامع قوانین و مقررات در حوزه ورزشی بانوان و اصلاح و بهبود و به‌روزرسانی آن با توجه به الزامات جدید ملی و بین‌المللی است.

در نهایت، راهبرد فراهم‌سازی زیرساخت‌های محیطی شامل مفاهیمی مانند ساخت اماکن ورزشی مختص بانوان، ایجاد پایگاه‌های قهرمانی مجهز به امکانات و تجهیزات به‌روز و اختصاص فضا و امکانات استاندارد به ورزش بانوان است. کمبود امکانات و تجهیزات ورزشی، عدم دسترسی آسان به فضاها و سالن‌های ورزشی مناسب بانوان، کمبود و گرانی وسایل ورزشی، نامناسب بودن وقت فعالیت اماکن ورزشی، وضعیت فضا و امکانات ورزشی از نظر مسائل بهداشتی و ... جزو موانع توسعه ورزش بانوان است. وزارت ورزش باید با تدوین یک برنامه جامع در زمینه تجهیزاتی و امکانات، در سریع‌ترین زمان ممکن نسبت به تهیه جدیدترین و استانداردترین تجهیزات روز دنیا اقدام کند و با تجهیز اماکن ورزشی به این تجهیزات و رعایت تعادل و عدالت و استفاده برابر با ورزشکاران مرد، زمینه افزایش عملکرد ورزشی زنان ورزشکار را بهبود بخشد.

پیامدها: نتایجی هستند که نشان می‌دهند با اجرا و پیاده‌سازی راهبردهای شناسایی و مطرح‌شده می‌توان چالش‌های موجود و آتی را کنترل و کاهش داد. تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد پیامدهای حاصل از پژوهش در دو بعد توسعه کیفی و کمی ورزش قهرمانی بانوان در داخل کشور و توسعه کیفی و کمی ورزش قهرمانی بانوان در خارج از کشور قابل ارائه است که در ادامه هر یک تشریح خواهند شد.

مؤلفه توسعه کیفی و کمی ورزش قهرمانی بانوان در داخل کشور دربردارنده مفاهیمی مانند افزایش مشارکت بانوان ورزشکار در ورزش قهرمانی، توسعه اماکن، امکانات و تجهیزات ویژه ورزش قهرمانی بانوان، افزایش تعداد ورزشکاران خانم، حمایت مدیران ستادی از ورزش قهرمانی بانوان، افزایش مسابقات بین‌المللی مختص بانوان نخبه، افزایش تنوع ورزش‌ها در حوزه بانوان، مناسب‌سازی اماکن ورزشی برای حضور بانوان، توجه اصحاب رسانه به

ورزش قهرمانی بانوان، رفع هژمونی جنسیتی، افزایش تعداد باشگاه‌های ورزشی مختص بانوان، توجه خانواده‌ها به فعالیت‌های ورزشی فرزندان دختر، اختصاص کرسی‌های مهم در ورزش به بانوان، یکپارچگی مدیریت ورزش قهرمانی بانوان در کشور و اصلاح مدیریت بهره‌وری ورزش قهرمانی بانوان است. سیاست‌گذاران و سازمان‌های ورزشی ملی باید در وهله اول به دنبال توسعه کمی ورزش قهرمانی بانوان و سپس پیگیر توسعه کیفی آن باشند. ایجاد شرایط و بسترهای توسعه کمی ورزش قهرمانی باید در اولویت قرار گیرد. همچنین، سرمایه‌گذاری روی رشته‌های جدید می‌تواند هم توسعه ورزش زنان و هم زمینه افزایش تعداد زنان ورزشکار را به ارمغان آورد.

در نهایت، مؤلفه توسعه کیفی و کمی ورزش قهرمانی بانوان در خارج کشور شامل مفاهیمی مانند توسعه و تقویت فعالیت‌های بین‌المللی ورزش قهرمانی بانوان، توانمندسازی بانوان در کسب کرسی‌های بین‌المللی ورزشی، افزایش مجوز حضور بانوان محجبه در رویدادهای بین‌المللی ورزشی، افزایش میزبانی مسابقات بین‌المللی مختص کشورهای مسلمان، افزایش استحکام پیوند دوستی بین کشورهای مسلمان، هماهنگی و همسویی با جامعه جهانی و رشد مدال‌آوری بانوان در میادین بین‌المللی، آسیایی و جهانی است. وزارت ورزش و جوانان و دیگر سازمان‌های ورزشی باید شرایطی را فراهم نمایند تا حضور حداکثری ورزش قهرمانی بانوان در رقابت‌های بین‌المللی متنوع در رده و رشته‌های مختلف تسهیل گردد. همچنین، وزارت ورزش و جوانان با کمک فدراسیون‌های ورزشی باید با ساختار شکنی و تسهیل ایجاد شرایط میزبانی به دنبال کسب امتیاز میزبانی مسابقات متنوع در رشته و رده‌های مختلف ورزش قهرمانی بانوان باشد. این اقدامات همراه با برنامه‌ریزی بلندمدت و کاربردی جهت توسعه ورزش بانوان مسلمان، الگو شدن بانوان ورزشکار محجبه در جامعه محلی خود، عدم تضاد حجاب و انجام ورزش حرفه‌ای و توجه بیشتر والدین به ورزش زنان، افزایش استحکام پیوند دوستی کشورها، جلب توجه کشورهای مسلمان و ایجاد برنامه ریزی برای حضور پررنگ بانوان، افزایش توجه دولت‌ها به ورزش زنان، شناساندن فرهنگ کشور خود به سایر جوامع، نشان دادن تصویر مطلوب دین اسلام و پیشبرد جامعه از لحاظ فرهنگی از پیامدهای اجتماعی و فرهنگی موفقیت زنان ورزشکار مسلمان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی هستند.

نتیجه‌گیری کلی

قهرمانان ورزشی، سرمایه‌های ملی هستند و می‌توانند نقش مهمی در رشد و توسعه ورزش کشور داشته باشند. حضور زنان به عنوان بخش مهمی از جامعه ما در عرصه ورزش قهرمانی ضرورتی انکارناپذیر است، چون نیمی از استعدادهای جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. هدف این پژوهش، شناسایی چالش‌ها و راهبردهای حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی بود. مدل پارادایمی ارائه شده، ضعف و چالش‌هایی را که در این زمینه موجود است، شناسایی و راهکارهای عملی و مناسب در سطح مختلف سازمانی و برای سازمان‌های متنوع ورزشی و غیرورزشی پیشنهاد داده است. این مدل می‌تواند راهنمای علمی و عملی مطلوبی برای سیاست‌گذاران حوزه ورزش قهرمانی بانوان باشد. از آنجایی که ورزش بانوان یک محصول اجتماعی و یک فراورده بین بخشی و خروجی کل جامعه است، یکی از دلایل ناکامی برنامه‌های فعلی، سلیقه‌ای عمل کردن، نداشتن یک مدل مطلوب و نقشه نظام‌مند کلی‌نگر در این حوزه است. مدل پیشنهادی می‌تواند به عنوان ابزاری تحلیلی مبنای عمل ورزش قهرمانی بانوان ایران قرارگیرد تا بتواند خط‌مشی منطقی و اصولی چالش‌های موجود در مسیر حضور بهینه و مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی را ارائه و با پیشنهاد

راهکارها و راهبردهای متنوع به این بخش از سیستم ورزش کشور کمک نماید. مدل پارادایمی پژوهش نشان می‌دهد حوزه‌ها و سازمان‌های مختلف ورزشی و غیرورزشی در بخش چالش‌ها و راهکارها تأثیرگذار هستند. لذا مدیریت، کنترل و رفع این مشکلات و چالش‌های حضور مطلوب بانوان در ورزش قهرمانی نیازمند تلاش ملی و همکاری همه بخش‌ها و سازمان‌های جامعه است تا با فراهم آوردن شرایط مطلوب جهت حضور بانوان در ورزش قهرمانی از پیامدهای مثبت بی‌شمار آن در سطح مختلف استانی، ملی و بین‌المللی برخوردار بود.

هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبه‌روست و پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنا نیست. به‌عنوان مثال، پژوهش حاضر تنها به بخش کیفی اکتفا کرده و با حذف بخش کمی، ضریب رگرسیونی و وزن و اولویت‌بندی چالش‌های و راهبردهای مختلف را مشخص ننموده است. در نتیجه نقشه راه بهتر و مطلوب‌تری جهت اولویت‌بندی برنامه‌های سازمان‌ها و مدیران در جهت اجرا و پیاده‌سازی مدل در ورزش کشور تدوین نشده است. لذا، پژوهشگران علاقمند به این حوزه جهت انجام تحقیقات بهتر و کاربردی‌تر می‌توانند موضوعاتی از جمله مطالعه موردی با روش پژوهش ترکیبی در زمینه رشته‌های ورزشی مدال آور بانوان، بررسی شرایط موجود و بهینه رشته‌های مدال آور بانوان و ارائه راهکارهایی اجرایی اثربخش، مطالعه تطبیقی به‌صورت موردی درباره چگونگی توسعه رشته‌های مدال آور بانوان ایرانی در مقایسه با کشورهای مینا و آینده پژوهی ورزش قهرمانی بانوان ایران با یک افق پنج الی ده ساله را در نظر بگیرند.

منابع

- افتخاری، عذرا؛ بنار، نوشین؛ مینا، امامی و منصور صادقی، منیژه. (۱۳۹۵). «ارائه مدل اندازه‌گیری موانع توسعه والیبال قهرمانی زنان ایران در سه سطح کلان، میانی و خرد». مطالعات مدیریت ورزشی. ۸ (۴۰)، صص ۳۹-۶۰.
- افتخاری، عذرا؛ گوهررستمی، حمیدرضا و برومند، محمدرضا. (۱۳۹۷). «شناسایی موانع توسعه مدیریتی فوتبال زنان در ایران». مدیریت و توسعه ورزش. ۷ (۲)، صص ۱۴۳-۱۶۳.
- افتخاری، عذرا؛ گوهررستمی، حمیدرضا؛ و درویشی، ابوالفضل. (۱۳۹۸). «تحلیل عوامل مؤثر در توسعه استعدادهای موفق لیگ دسته اول و دسته دوم فوتبال زنان ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۱ (۵۵)، صص ۱۱۷-۱۴۲.
- اندام، رضا؛ آقایی، علی‌اکبر؛ عنبریان، مهرداد و پارساجو، علی. (۱۳۹۵). «تحلیل راهبردی ورزش قهرمانی بانوان استان همدان با استفاده از تکنیک SWOT». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۶ (۱۲)، صص ۱-۱۶.
- آرین، الهام؛ یوسفی، بهرام و عیدی، حسین. (۱۳۹۷). «ساخت و اعتباریابی ابزار حمایت از بانوان ورزشکار نخبه در ورزش قهرمانی». مدیریت ورزشی. ۱۰ (۲)، صص ۲۵۷-۲۷۱.
- بنار، نوشین؛ احمدی، نسرين و کریمی، فریبا. (۱۳۹۲). «بررسی مشکلات ورزش قهرمانی بانوان استان گیلان». مدیریت منابع انسانی در ورزش. ۱۱ (۱)، صص ۱۱-۲۴.
- پورگچی، سمیه؛ حیدری‌نژاد، صدیقه؛ شتاب بوشهری، سیده ناهید و خطیبی، امین. (۱۳۹۶). «شناسایی موانع ارتقای ورزشی زنان ورزشکار لیگ برتر استان خوزستان». مطالعات مدیریت ورزشی. ۹ (۴۲)، صص ۱۳۷-۱۶۲.
- خالدی‌فر، رضا؛ دوستی، مرتضی و غلام‌پور، محمد. (۱۳۹۷). «چالش‌های اقتصادی توسعه فوتبال بانوان ایران». دومین همایش ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت اهواز، دانشگاه علوم پزشکی اهواز.
- راسخ، نازنین؛ سجادی، سید نصرالله؛ حمیدی، مهرداد و خبیری، محمد. (۱۳۹۴). «تدوین برنامه راهبردی ورزش قهرمانی بانوان ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۷ (۳)، صص ۳۰۹-۳۳۴.

- رمضانی‌نژاد، رحیم؛ ملائی، مینا و خلیلی، سیده‌لیلا. (۱۳۹۵). «شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات زنان ورزشکار قهرمان قایقران ایران». مدیریت منابع انسانی در ورزش. ۳ (۲)، صص ۲۳۱-۲۴۴.
- شمالی، سولماز و کشکر، سارا. (۱۴۰۱). «تدوین الگوی مدیریت موانع حمایت مالی ورزش قهرمانی زنان ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۲ (۱۴)، صص ۲۷۳-۲۹۲.
- عبدالملکی، مهسا. (۱۴۰۲). «شناسایی و اولویت‌بندی موانع و راهکارهای توسعه رشته وزنه‌برداری در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان. سنندج.
- فرزادفر، منا؛ یوسفی، بهرام و بهرامی، شهاب. (۱۳۹۸). «شناسایی پیامدهای اجتماعی ملی و بین‌المللی موفقیت زنان ورزشکار مسلمان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی». مدیریت و توسعه ورزش. ۸ (۳)، صص ۱۸۱-۱۹۵.
- محمودیان، عابد؛ صادقی بروجردی، سعید و جی بیکر، برادلی. (۱۴۰۲). «شناسایی عوامل تهدیدکننده هویت تیمی هواداران تیم ملی فوتبال ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۵ (۳)، صص ۲۳۲-۲۵۰.
- مرادی، سهیلا؛ صادقی بروجردی، سعید و محمودیان، عابد. (۱۴۰۳). «شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه رشته تیراندازی در ایران». مدیریت و توسعه ورزش. [10.22124/JSMD.2022.19947.2584](https://doi.org/10.22124/JSMD.2022.19947.2584).
- میرشکاران، زهره؛ بحرالعلوم، حسن و باقری، هادی. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه ورزش قهرمانی زنان ایران». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۹ (۱۸)، صص ۱-۱۴.
- Barreira, J., Santos, F., Mazzei, L. C., & Galatti, L. R. (2022). "The sport development and its socio-cultural and managerial aspects: an integrative review". *Motriz: Revista de Educação Física*, 28.
- Creswell, J. W. (2014). *Qualitative, quantitative and mixed methods approach*. Sage
- Green M. (2007). "Olympic glory or grassroots development? Spoty policy priorities in Australia, Canada and United Kingdom, 1960-2006". *International Journal of History of Sport*, 24, 921-53
- McCracken, G. (1986). "Culture and consumption: A theoretical account of the structure and movement of the cultural meaning of consumer goods". *Journal of Consumer Research*, 13(1), 71-84.
- Patton, M. Q. (1999). "Enhancing the quality and credibility of qualitative analysis". *Health services research*, 34(5 Pt 2), 1189.
- Valenti, M, Scelles, N, & Morrow, S. (2019). *Elite sport policies and international sporting success: a panel data analysis of European women's national football team performance*
- Wang, Y., Mao, L. L., & Smith, A. B. (2023). "Appraisal and coping with sport identity and associated threats: Exploring Chinese fans reactions to 'little fresh meat'in NBA advertisements". *European Sport Management Quarterly*, 23(6), 1759-1780.
- Scott, WA (1955). "Reliability of content analysis: The case of nominal scale coding". *Public opinion quarterly*.

تدوین الگوی عوامل مؤثر در کسب میزبانی بازی‌های المپیک

سعید مولایی^۱

ابوالفضل فراهانی^۲

علی محمد صفانیا^۳

حمید قاسمی^۴



[10.22034/ssys.2022.2176.2556](https://doi.org/10.22034/ssys.2022.2176.2556)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

کسب میزبانی یک رویداد بزرگ همچون المپیک در صورتی می‌تواند شکل بگیرد که شرایط مورد نیاز برای برگزاری آن رویداد در کشور هدف فراهم باشد که لازمه آن شناخت عوامل و زیرساخت مورد نیاز می‌باشد. بنابراین هدف از این پژوهش، تدوین الگوی عوامل مؤثر در کسب میزبانی بازی‌های المپیک بود. روش تحقیق از نظر ماهیت کاربردی، از نظر راهبرد کیفی به روش داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند بود. جامعه آماری پژوهش شامل نخبگان حوزه رویدادهای ورزشی و برگزارکنندگان المپیک در کشور آلمان بودند که ۱۵ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و در حد اشباع نظری به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. اعتماد بخش کیفی به روش ۴ مرحله‌ای گابا و اعتبار پروتکل مصاحبه، از روش درصد توافق بین دو کدگذار ۸۶/۱۲ محاسبه و تایید شد. در نهایت عوامل استخراج‌شده شامل ۲۲۹ مولفه، ۱۴۱ بُعد در قالب ۱۸ عامل از منابع کتابخانه‌ای و نظرات مدیران و خبرگان (مصاحبه) بود. که این ۱۸ عامل اصلی ویژگی‌های زیرساخت‌های فیزیکی، زیرساخت‌های حمل و نقلی، زیرساخت‌های ورزشی، زیرساخت‌های اقتصادی، زیرساخت‌های مدیریت، زیرساخت‌های سیاسی- قانونی، زیرساخت‌های مالی-محیطی، زیرساخت‌های فناوری، زیرساخت‌های نما و ساختمان، زیرساخت‌های مرتبط با تماشاگران، زیرساخت‌های بازاریابی و فروش، زیرساخت‌های ساختاری، زیرساخت‌های زیست محیطی، راهبردهای ساختاری-سازمانی، راهبردهای انسانی، راهبردهای فنی-اجرایی، پیامدهای اولیه و پیامدهای ثانویه بودند. بنابر نتایج ارائه‌شده این پژوهش در راستای تامین زیرساخت‌های کسب میزبانی المپیک برای کشورهای مختلف در جهت تدوین راهبرد میزبانی و برنامه‌ریزی برای کسب میزبانی موثر می‌باشد.

واژگان کلیدی: زیرساخت‌های ورزشی، زیرساخت‌های المپیک، کسب میزبانی و داده‌بنیاد.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۲ استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Afarahani@pnu.ac.ir

^۳ استاد، گروه مدیریت ورزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

امروز شاهد شکل‌گیری دهکده جهانی هستیم؛ دنیایی که همه مردم آن از ملت‌های مختلف در شکل‌گیری و نمایش رویدادهای آن سهیم هستند. احیای بازی‌های المپیک نوین سبب تشکیل فدراسیون‌های مختلف ورزشی در جهان و افزایش میزان مشارکت مردم در ورزش و تماشاجری ورزش شد و این محبوبیت، ایجاد، تعدد و تنوع رویدادهای بین‌المللی ورزشی و سازمان‌های ورزشی را به دنبال داشت. رویدادهای بزرگ ورزشی^۱، مسابقات ورزشی بین‌المللی^۲ هستند که در آن ورزشکاران حرفه‌ای و نخبه ورزشی به رقابت می‌پردازند مانند بازی‌های المپیک، جام جهانی فوتبال، مسابقات اتومبیل‌رانی^۳ و موتورسواری^۴ و رویدادهایی در مقیاس کوچکتر مانند بازی‌های آسیایی^۵ و جام قهرمانی فوتبال قاره‌ها و مسابقات دانشجویان جهان^۶ (دولس و سودرمن^۷، ۲۰۰۸). رویدادهای ورزشی بسیاری در نقاط مختلف جهان همه ساله در حال برگزاری است و به دلیل ماهیت جذاب ورزش و علاقمندی مردم به تماشای این رویدادها، توجه رسانه‌ها، سیاست‌مداران، صاحبان صنایع و دیگر گروه‌های ذی‌نفع ملی و بین‌المللی به این رویدادها جلب شده است. این رویدادها به عنوان ابزاری برای جلب توجه ملت‌های مختلف جهان به موقعیت جغرافیایی خاص (کشور و شهر میزبان)، به شدت در حال محبوب شدن هستند (گتر^۸، ۱۹۹۷). از این رو، شهرهای بزرگ دنیا با جدیت اقدامات توسعه زیرساخت‌ها برای قسمت‌های مختلف خود را بر روی رویدادهای بزرگ ورزشی متمرکز می‌کنند (کاراداکیس و کاپلانیدو^۹، ۲۰۱۰).

در سال‌های اخیر، رویدادهای ورزشی بزرگ مانند بازی‌های المپیک، مسابقات جام جهانی فوتبال و غیره، ارزش و اهمیت بسیاری پیدا کرده‌اند. این ارزش و اهمیت در رقابت شدید بین شهرها یا کشورهای متقاضی میزبانی و همچنین، برنامه‌ریزی‌های وسیع برای برگزاری موفق رویداد مشاهده می‌شوند (دنیلز^{۱۰}، ۲۰۱۲). امروزه، کشورهای جهان با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رویدادهای جهانی و قاره‌ای زمینه رشد اقتصادی را فراهم کرده‌اند (رستم زاده و همکاران، ۱۳۹۳). طبق نظر کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، توانایی استفاده از بازی‌های المپیک برای پیشبرد توسعه مناطق محروم و بهبود زیرساخت‌ها ضمن تقویت اقتصاد و افزایش تعداد گردشگران، یک مزیت مهم

¹ Big sporting events

² International sports competitions

³ Car Racing

⁴ motor riding

⁵ Asian Games

⁶ Fiso

⁷ Dulles and Soderman

⁸ Geter

⁹ Karadakis and Caplanido

¹⁰ Daniels

میزیانی است (ساها^۱، ۲۰۱۸). برگزاری رویدادهای ورزشی به‌ویژه در سطح کلان و جذب گردشگران خارجی مستلزم توسعه بسیاری از زیرساخت‌ها از جمله امکانات پیشرفته ورزشی، هتل‌های درجه یک، سیستم‌های حمل و نقل پیشرفته شهری و... است که تأثیر بسزایی در توسعه مناسب شهری دارد (اصفهانی، ۱۳۸۸) در این راستا، علاوه بر درآمد مالی، توسعه گردشگری ورزشی ناشی از میزبانی رویدادهای ورزشی دارای مزایای اقتصادی دیگری مانند ایجاد شغل، توسعه زیرساخت‌های ورزشی و غیر ورزشی، توسعه شهری و رفاه اجتماعی است (سولبرگ و پروس^۲، ۲۰۰۷).

در این راستا بالگو^۳ و همکاران (۲۰۱۰) اظهار داشتند که رویدادهای مهم ورزشی مانند بازی‌های المپیک، فرصتی ارزشمند برای کشور میزبان و جوامع محلی برای رشد اقتصاد، بهبود سرگرمی‌های ورزشی، شناخت برند و افزایش اعتماد به نفس جامعه فراهم می‌کنند. آنها معتقد بودند که یکی از مزایای رویدادهای بزرگ ورزشی، ایجاد زیرساخت‌های جدید است که در نهایت منجر به توسعه جامعه میزبان می‌شود. زیرساخت‌های جدید می‌تواند رشد شغل، دسترسی بهتر به خدمات و تحریک اقتصاد را فراهم کند. با وجود این، زیرساخت‌ها مسئول ۷۰ درصد گازهای گلخانه‌ای هستند (ساها^۴، ۲۰۱۸) که می‌توانند مردم را آواره، کیفیت هوا را بدتر و زیستگاه‌ها را نابود کنند (تاکر^۵، ۲۰۱۹). رویدادهای ورزشی در سطوح مختلف به‌عنوان فاکتور نیرومندی برای آسان‌تر و سرعت بخشیدن به زندگی شهری تلقی می‌شوند، زیرا منجر به تغییر چشمگیر در چهره و شکل ظاهری شهر می‌شوند و از طرف دیگر میراثی از تجهیزات ورزشی را برای مردم شهر به جا می‌گذارند. تجربه بیشتر کشورها نشان داده است که درآمد مستقیم حاصل از مسابقات بسیار ناچیز است، اما برای مدت زمان طولانی، جامعه میزبان می‌تواند از این امکانات برای اهداف مختلف از جمله استفاده فرهنگی و ورزشی و غیره بهره‌مند شود و از طرف دیگر، پس از یک دوره مسابقات، همیشه برخی افراد هستند که لحظات باشکوه آن رویدادهای ورزشی را به یاد می‌آورند و با یادآوری به بازدید از این مکان‌ها می‌روند و از این طریق، درآمد حاصل از گردشگری ورزشی در سال‌های پس از مسابقات به این کشورها (محل شهرها) سرازیر می‌شود (مافی و خستو، ۱۳۹۷). شواهد زیادی وجود دارد که برگزاری رویدادهای مهم ورزشی به امکانات ویژه‌ای نیاز دارد و محرکی برای شهرهای میزبان است تا امکانات ورزشی و

¹ Saha

² Solberg & Preuss

³ Balgo

⁴ Saha

⁵ Taker

زیرساخت‌های عمومی خود را برای به دست آوردن امتیاز میزبانی بهبود بخشند (تورکو و دیگران^۱، ۲۰۰۲؛ اسمیت و فاکس^۲، ۲۰۰۷؛ پریوس^۳، ۲۰۰۷؛ اسپلینگ^۴، ۲۰۰۰؛ ریچی^۵، ۱۹۸۴؛ هال^۶، ۱۹۹۲؛ گتز^۷، ۱۹۹۱).

مروری بر تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که هیچ تحقیق جامعی در زمینه تجزیه و تحلیل زیرساخت‌های ورزشی کشور میزبان انجام نشده است. هژبری و همکاران (۱۳۹۹) بیان داشتند برای کسب میزبانی در کشور موانع زیادی- مانند سیاست‌های ناقص یا زیرساخت‌های ناکافی- پیش روی ورزش کشور است که این را می‌توان در سطح فردی (احساسات و انگیزه‌های فردی) و در سطح جامعه (نهادهای مدنی) یافت. همچنین همتی و همکاران (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که میزبانی رویدادهای ورزشی بر توسعه اقتصادی تأثیر دارد. بنابراین، برگزاری رویدادهای مهم ورزشی در کشور می‌تواند منجر به ایجاد ساختارهای سازمانی منسجم، تأمین اعتبار، توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه شهری شود و به مدیریت شهری برای دستیابی به توسعه پایدار شهری کمک کند. در مطالعه دیگری، مافی و خستو (۱۳۹۷) گزارش دادند که بیشترین تأثیرات زیرساختی، فیزیکی و حتی اجتماعی به دلیل برگزاری المپیک در بارسلونا و سپس لندن رخ داده و پس از آنها نیز آتن و مونیخ می‌باشند. در مجموع بیشترین تأثیرات از نوع اجتماعی، سپس اقتصادی و در نهایت محیطی است. یوسفی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی نشان دادند که شهر تهران در مقایسه با استانداردهای میزبانی رویدادهای ورزشی با مشکلات زیرساختی، حمل و نقل، مسکن و فضاهای ورزشی مواجه است. همچنین، منابع انسانی و مدیریت مطابق با رویدادهای مهم ورزشی برنامه‌ریزی نشده است. شرایط اقتصادی، اجتماعی و آب و هوایی تهران و سایر عوامل تعیین‌کننده در موفقیت میزبانی رویدادهای مهم ورزشی از دیگر شاخص‌های تأثیرگذار بر میزبانی بودند. از جهتی دیگر بریدیکنا^۸ (۲۰۱۹) به این نتیجه رسید که چهار عامل زیرساخت‌ها، محیط زیست، اماکن ورزشی و گردشگری در کسب میزبانی المپیک به‌عنوان زیرساخت ورزشی و شهری از اهمیت زیادی برخوردارند. ملیسا^۹ و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای گزارش دادند که اغلب میلیاردها دلار پرداخت‌شده توسط مودیان برای ایجاد زیرساخت‌ها بدون استفاده یا کم استفاده می‌ماند که جامعه را در وضعیتی بدتر از آغاز خود قرار می‌دهد. به همین ترتیب، پروژه‌هایی که فقط به اطلاعات یا توصیه‌های اندک افراد نگاه می‌کنند، می‌توانند به اصطلاح راه حلی ایجاد کنند که جامعه آن را نمی‌خواهد یا از آن

¹ Turko et al.

² Smith and Fox

³ Prius

⁴ Spelling

⁵ Ritchie

⁶ Hall

⁷ Getz

⁸ Bridikhna

⁹ Melisa

استفاده نمی‌کند. ملیسا پیشنهاد می‌کند برای اینکه جامعه‌ای بتواند در زیرساخت‌ها و بازی‌های المپیک سرمایه‌گذاری کند و بازدهی مثبت و میراث طولانی مدت داشته باشد، باید به درخواست‌ها و بازخورد کسانی که بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند توجه شود. ویکتوریا^۱ و همکاران (۲۰۱۷) نیز به این نتیجه دست یافتند که اعطای بازی‌های المپیک به یک شهر خاص ممکن است به‌عنوان یک شوک که بر انتظارات بازار تأثیر مستقیم دارد، باشد. این شوک تأثیرات بالقوه‌ای را در روند سازگاری پویا به وجود می‌آورد که تغییرات نه تنها نوسانات را تغییر می‌دهد، بلکه باعث می‌شود که سطوح پایدار دولت در درازمدت و نیز اقتصادی درونی نیز تغییر کند. رابرت^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه اقتصاد المپیک به این نتیجه رسیدند که رقابت کشورها برای گرفتن میزبانی مسابقات المپیک بسیار شگفت‌آور است و کشورهایی که از لحاظ اقتصادی قدرت بالایی داشته باشند، توانایی برگزاری بهتر این رویداد ورزشی را دارند و کشورهای ضعیف‌تر نیز با به‌دست آوردن میزبانی می‌توانند اقتصاد کشور خود را بهبود بخشند، زیرا المپیک بر اقتصاد کشور تأثیر کاملاً مستقیم دارد. طبق گفته‌های سولبرگ و پروس (۲۰۰۷) رویدادهای بزرگ ورزشی علاوه بر سرمایه‌گذاری زیاد در اماکن و تجهیزات ورزشی، نیاز به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های غیرورزشی شهر میزبان دارند. این سرمایه‌گذاری‌ها باید متناسب با برنامه‌های بلندمدت شهر برای موفقیت در این رویداد و توسعه شهر باشد. بیشتر شهرهای میزبان به دلیل درآمد قابل توجه کوتاه‌مدت یا بلندمدت منطقه‌ای، اقدام به برگزاری مسابقات مهم ورزشی می‌کنند.

از آنجا که ذینفعان رویداد المپیک به دنبال دستیابی به اهداف مختلف با سرمایه‌گذاری در این رویداد هستند، یکی از این اهداف، توسعه اقتصادی حاصل از برگزاری المپیک است. برگزاری المپیک نیاز به زیرساخت‌های مناسب برای این رویداد دارد و تأمین زیرساخت‌های لازم برای برگزاری المپیک از مهمترین برنامه‌های کشور میزبان است. کشور میزبان با سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز شرایط برگزاری این رویداد را ایجاد می‌کند که البته بودجه قابل توجهی نیز صرف ساخت زیرساخت‌ها می‌شود. از طرف دیگر، بررسی ابعاد اقتصادی بازی‌های المپیک با مطالعه المپیک گذشته امکان‌پذیر است. بیشتر تحقیقات قبلی تأثیر اقتصادی میزبانی المپیک در کشورهای میزبان را بررسی کرده است. مطالعات در مورد اقتصاد کشورهای میزبان نشان می‌دهد که اقتصاد این کشورها قبل، حین و بعد از واقعه تحت تأثیر قرار گرفته است. مطالعات قبلی هزینه و مزایای ساخت زیرساخت‌ها را در بسیاری از کشورهای میزبان المپیک محاسبه کرده است، اما هیچ یک از آنها وضعیت زیرساخت‌های ورزشی کشور میزبان المپیک و نقش آن در توسعه اقتصادی این کشور را تحلیل نکرده‌اند. لذا با توجه به خلا تحقیقاتی موجود و حجم بالای سرمایه‌گذاری مالی در بخش برگزاری المپیک، پرداختن به این موضوع از ضرورت بسیار زیادی برخوردار

¹ Viktoria

² Robert

است. بدون شک هزینه‌های گزاف بازی‌های المپیک و سرمایه‌گذاری در بنای زیرساخت‌های مختلف فیزیکی و غیر فیزیکی، ورزشی و غیرورزشی هزینه‌های زیادی را برای شهر میزبان المپیک به همراه دارد که ظاهراً توجیه اقتصادی ندارد و در تحقیقات گذشته برخی آن را قابل توجیه (رابرت و همکاران، ۲۰۱۶؛ مافی و خاستو، ۱۳۹۷؛ هزبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ بالگو، براون و باسر، ۲۰۱۲؛ کسمیث و داسون، ۲۰۰۹ و دانیلز، ۲۰۰۷) و برخی غیرقابل توجیه مالی (ملیسا و همکاران، ۲۰۱۹؛ اسکری، ۱۳۹۷؛ بریدیکانا، ۲۰۱۹؛ وات، ۲۰۱۳ و اسکس و لی، ۲۰۱۰) دانسته‌اند. آنچه مسلم است یک ابهام گسترده در زمینه اثرات اقتصادی بازی‌های المپیک وجود دارد که نیاز به انجام پژوهش در این زمینه را به‌عنوان یک مشکل اساسی با توجه به گستردگی رویداد و اثرات مالی فراوان آن بر اقتصاد کشور میزبان و معیشت مردمان اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. نتایج این تحقیق راهنمایی‌هایی را در زمینه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشورهای میزبان المپیک در پی دارد تا بتوانند بر اساس آن به نتایج مثبت و گسترده‌ای در توسعه اقتصادی دست یابند. بنابراین کشورهای داوطلب برگزاری رویداد المپیک می‌توانند با استفاده از نتایج این تحقیق برنامه‌ریزی‌های آتی خود را به شیوه‌ای طراحی کنند که توسعه اقتصادی قبل، در طول و بعد از بازی‌های المپیک در کشورشان تحقق یابد. برگزاری رویدادهای ورزشی نیازمند یک سری زیرساخت‌های فیزیکی، مدیریتی و اجتماعی است که بتوان به شیوه‌ای صحیح و بدون نقص رویداد را برگزار کرد. این پژوهش در پی آن است تا این تأثیرات را بررسی کند و آخرین یافته‌های توسعه اقتصادی متأثر از نقش زیرساخت‌های ورزشی را در کشور میزبان ارائه نماید. بنابراین سوال اصلی این تحقیق این است:

وضعیت زیرساخت‌های ورزشی میزبان المپیک چگونه است و این زیرساخت‌ها چه نقشی در توسعه اقتصادی کشور میزبان دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر فلسفه (پارادایم) پراگماتیسم، از نظر روش کیفی و از نظر راهبرد داده‌بنیاد است. شیوه گردآوری داده‌ها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه بود. ابتدا با بررسی متون مرتبط با زیرساخت‌های ورزشی کشور میزبان، رویدادهای ورزشی به طور عام و زیرساخت‌های ورزشی میزبان المپیک به طور خاص، ابعاد و مولفه‌های کشور میزبان المپیک استخراج و به دنبال آن برای تکمیل ابعاد کشور میزبان المپیک مصاحبه‌ای بین تعدادی از نخبگان (به‌ویژه متخصصان در حوزه مدیریت برگزاری رویداد المپیک) انجام و فهرست مولفه‌ها تکمیل و تعدیل شد. سپس براساس نتایج مصاحبه به روش داده‌بنیاد، ابعاد کشور میزبان المپیک در سه شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر شناسایی و راهبردهای لازم اتخاذ و در نهایت پیامدهای زیرساخت‌های ورزشی میزبان المپیک تعیین و مدل پارادایمی ترسیم شد. جامعه آماری برای تعیین ابعاد زیرساخت‌های ورزشی میزبان المپیک، نخبگان صاحب‌نظر در حوزه مدیریت رویدادهای ورزشی و مدیران برجسته برگزارکننده المپیک در کشور آلمان بودند (با توجه به

تجربه دو میزبانی المپیک در این کشور در سال‌های ۱۹۳۶ در برلین و مونیخ (۱۹۷۲). به روش نمونه‌گیری هدفمند با تعداد ۱۵ نفر از کسانی که سوابقی در برگزاری، مدیریت یا حضور اجرایی در المپیک‌های آلمان یا جام جهانی ۱۹۷۴ یا ۲۰۰۶ داشتند مصاحبه شد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در حیطه تخصصی مدیریت رویدادهای ورزشی و با مصاحبه از نخبگان صاحب‌نظر در حوزه مدیریت رویدادهای ورزشی صورت می‌پذیرد، انتخاب این روش نمونه‌گیری ضروری بود. برای گزینش این خبرگان (مطلعان)، چهار معیار مهم و اساسی به وجود داشت:

۱- مطلع باید با جامعه هدف آشنایی داشته و در وضعیتی باشد که از رویدادها و مسائل مهم میدانی آگاه باشد. به‌منظور اطمینان از این معیار، سؤالاتی را در حوزه کشور میزبان المپیک از قبل طراحی و برای افراد جامعه آماری ارسال و سپس مشارکت‌کنندگان از این میان افرادی انتخاب شد که با موضوع پژوهش آشنایی داشتند.

۲- مطلع باید در زمان انجام مطالعه میدانی در آن جامعه حضور داشته باشد یا به شکلی با آن در ارتباط نزدیک باشد. به همین جهت سعی شد از مدیران برگزارکننده المپیک در کشور آلمان و افرادی که در این زمینه پژوهش داشته‌اند، بهره گرفته شود.

۳- مطلع باید وقت کافی برای همراهی، گفتگو و ارتباط با محقق داشته باشد.

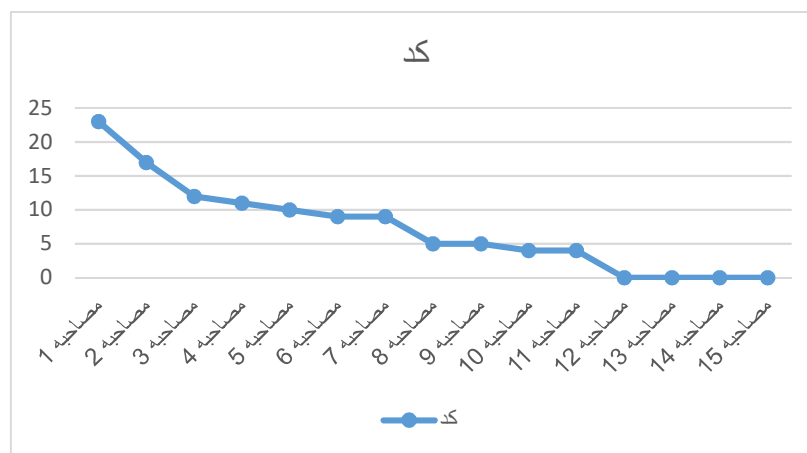
۴- مطلع باید فردی با ذهن غیرتحلیلی باشد؛ یعنی با زبان بومی و دانش عامیانه آن جامعه صحبت کند و تحلیل شخصی را در مسائل مطالعه وارد نکند. به‌منظور اطمینان از غیرتحلیل‌بودن ذهن مصاحبه‌شوندگان پیش از انجام مصاحبه نهایی، جلسات گفتگو کوتاهی در مورد وضعیت مفاهیم بازاریابی در سازمان محل فعالیتشان پرسیده شد و سپس براساس پاسخ‌های داده‌شده، افرادی انتخاب شدند که با زبان عامیانه درباره موضوعات گفتگو می‌کردند (دانایی‌فرد و کاظمی، ۱۳۸۹).

جدول ۱: وضعیت جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش

افراد	تحصیلات	سوابق و پست	سن	جنسیت
۱	دکتری	مدیریت برگزاری	۶۵	مرد
۲	دکتری	کادر اجرایی	۶۲	مرد
۳	دکتری	عضویت در کمیته‌های برگزاری	۵۱	مرد
۴	دکتری	عضویت در کمیته‌های برگزاری	۵۳	زن
۵	دکتری	کادر اجرایی	۵۹	مرد
۶	کارشناسی ارشد	کادر اجرایی	۵۵	مرد
۷	کارشناسی ارشد	کادر اجرایی	۴۹	مرد
۸	کارشناسی ارشد	مدیریت برگزاری	۴۱	مرد

۹	کارشناسی ارشد	مدیریت برگزاری	۵۵	زن
۱۰	کارشناسی ارشد	عضویت در کمیته‌های برگزاری	۵۹	مرد
۱۱	کارشناسی ارشد	عضویت در کمیته‌های برگزاری	۶۳	مرد
۱۲	کارشناسی ارشد	عضویت در کمیته‌های برگزاری	۶۱	مرد
۱۳	کارشناسی	کادر اجرایی	۵۴	مرد
۱۴	کارشناسی	کادر اجرایی	۶۴	زن
۱۵	کارشناسی	عضویت در کمیته‌های برگزاری	۴۶	مرد

با توجه به نتایج جدول ۱، بیش از ۸۰ درصد مصاحبه‌شوندگان دارای تحصیلات تکمیلی بودند و میانگین سنی آنان ۵۵/۸ سال و کمتر از ۲۰ درصد افراد را زنان تشکیل می‌دادند. به‌منظور طراحی مدل پژوهش حاضر، براساس روش نمونه‌گیری هدفمند تا حد اشباع نظری فرایند، با ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان که با توجه به سوابق علمی و اجرایی به‌عنوان متخصص در رویدادهای ورزشی مطرح می‌باشند مصاحبه شد. البته در مصاحبه ۱۲ با توجه به تکراری شدن نظرات و عدم شناسایی کدهای جدید به حد اشباع دست یافتیم، اما به علت اطمینان از دستیابی به اشباع نظری در فرایند مصاحبه، تعداد سه مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت و در نهایت تعداد مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به ۱۵ نفر رسید.



نمودار ۱: فرایند اشباع نظری

تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه در این مطالعه با استفاده از روش داده‌بنیاد به شیوه اشتراوس و کوربین انجام شد. برای اطمینان از نتایج اعتبار و اعتماد روش کیفی از روش گوبا و لینکلن (۲۰۰۰) به جهت بررسی صحت و تایید روایی و پایایی در تحقیقات کیفی شامل چهار معیار اعتبار، انتقال پذیری، اطمینان پذیری و تایید پذیری می‌باشد. بنابراین موردی که می‌تواند به تناسب داده‌ها کمک کند، ارائه جزئیات بیشتری از شرکت‌کنندگان و

مصاحبه شونده‌گان و خصوصیات و ویژگی‌های آنان است. همچنین صدای مصاحبه‌گر و مصاحبه شونده در برخی جلسات با کسب اجازه از مصاحبه شونده ضبط شده است. سپس یک نسخه کتبی از مصاحبه‌های ضبط شده تهیه گردید. در پژوهش حاضر جهت تأییدپذیری تمامی یافته‌های پژوهش، چگونگی تفهیم و تحلیل آن‌ها مستند و در هر مرحله ثبت و گزارش شده است. جهت ارزیابی پایایی پروتکل مصاحبه، از روش درصد توافق بین دو کدگذار استفاده گردید. سپس محقق به همراه همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه مذکور را کدگذاری کرد و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود (معلومی، ۱۳۹۱) با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد:

$$100 * (\text{تعداد کل کدها}) / (\text{تعداد کدهای مورد توافق}) = \text{درصد توافق درون موضوعی}$$

نتایج این بررسی در جدول زیر ارائه گردیده است:

جدول ۱: ارزیابی پایایی بین دو کدگذار

ردیف	شماره مصاحبه	تعداد کدها	کدهای مورد توافق	پایایی
۱	مصاحبه سوم	۲۸	۲۱	٪ ۸۶٫۶۷
۲	مصاحبه دهم	۱۹	۱۷	٪ ۹۷٫۷
۳	مصاحبه پانزدهم	۲۶	۱۹	٪ ۸۴٫۶۲
	کل	۷۳	۵۷	٪ ۸۶٫۱۲

بر اساس این بررسی، ضریب پایایی برای پروتکل مصاحبه در این مطالعه، برابر با ۸۶/۱۲ درصد می‌باشد.

این مقدار از دیدگاه پژوهشگران مقدار مطلوبی است، چون حداقل مقدار قابل قبول برای ضریب پایایی برابر با ۰/۶ (۶۰ درصد) ذکر گردیده است (مس^۱ و همکاران، ۱۹۹۸).

یافته‌های پژوهش

در این بخش نتایج حاصل از تحلیل متون مصاحبه با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی براساس مقولات علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبرد و پیامدها ارائه شد. ابتدا به شیوه داده‌بنیاد کدگذاری باز، محوری و انتخابی مقوله‌های برگرفته از مصاحبه انجام شد. کدگذاری باز با استفاده از خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان مقوله‌ها و مولفه‌ها مشخص شد و در کدگذاری محوری پیوند بین مقوله‌ها صورت گرفت و در کدگذاری انتخابی مقوله‌ها دسته به طور منظم و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقوله‌هایی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند صورت گرفت.

¹ Moss

مصاحبه شونده	نقل قول	کد باز استخراجی
E1	میزبانی المپیک شرایط ویژه‌ای رو طلب میکنه که کشور متقاضی میزبانی بایستی حداقل‌های اون رو فراهم کنه از جمله زیرساخت‌های شهری منسجم و با کیفیت و حمل و نقل و دسترسی به آن که ... همچنین در مبحث خود رویداد زیرساختی ورزشی ایمن و افزایش امنیت رویداد از لحاظ سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از اهمیت ویژه یا برخوردار است.	ایجاد زیرساخت‌های شهری، تامین انرژی، زیبایی فضای شهری، حمل و نقل هوایی، دسترسی به وسائل حمل و نقل عمومی، توسعه زیر ساخت‌های ورزشی، امنیت رویداد، ایمنی اماکن مرتبط با مسابقه،
E3	...یک میزبان خوب بایستی مشکلات اقامتی رو به حداقل رسانده باشه، هتل، متل، مترو، هواپیما، قطار و.. یک ترمینال مسافری مجهز و.. که بایستی برپا باشه .. وقتی حمایت مالی کافی جلب بشه میزبان خدمات خوب، باکیفیت و حتی رایگان در حوزه‌های مختلف چون حمل و نقل و.. ارائه میدن و این یعنی یک میزبانی خوب	هتل‌ها و اماکن اقامتی جاده‌ها و ریل و...، مترو شهری، تعداد ترمینال‌های مسافری، جلب حمایت مالی، کیفیت خدمات، حمل و نقل رایگان، توجه به ویژگی‌های زیست محیطی،
E10	دهکده المپیک بایستی مجهز باشه، ایمن باشه، بلیط فروشی مستقل و مجیز داشهه باشه که همه اینها فقط با تامین بودجه حاصل میشه ...توسعه نیروی انسانی و کاهش آلاینده‌های محیطی در جهت حفظ زیست بوم در کسب میزبانی موثر است	دهکده المپیک، ورزشگاه‌های مجهز، ایمنی سازه‌های ورزشی، بلیط فروشی، تامین بودجه، سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی، توسعه نیروی انسانی، کاهش آلاینده‌های محیطی
E12	یک میزبان که وضعیت مالی و تامین مالی خوبی را دارا باشه از عهده هزینه‌های دائم و موقت بر	وجهه ورزشی میزبان، توسعه تامین مالی رویداد، حامیان مالی دائم و

می‌آیند که این تامین مالی بر عهده حامب مالی	موقت، هزینه‌های حمل و نقل و
دائم و موقت می‌باشد که وجهه میزبان هم در این	اقامت، ارتباط با نهادهای بین‌المللی
موضوع موثر است ..	ورزشی، هتل‌ها و اماکن اقامتی،
	دهکده المپیک،

جدول ۲: ب) خلاصه نتایج کدگذاری ها

نقش کد استخراجی	کدهای انتخابی	کدهای محوری
	زیرساخت‌های فیزیکی	ایجاد زیرساخت‌های شهری، بازسازی مناطق شهری، توسعه زیرساخت‌های فرهنگی-اجتماعی، تامین انرژی، زیبایی فضای شهری، هتل‌ها و اماکن اقامتی
	زیرساخت‌های حمل و نقلی	جاده‌ها و ریل و... حمل و نقل هوایی، دسترسی به وسائل حمل و نقل عمومی، مترو شهری، تعداد ترمینال‌های مسافربری، جاذبه‌های اماکن ورزشی، فناوری ورزشگاه، توسعه زیر ساخت‌های
شرایط علی	زیرساخت‌های ورزشی	ورزشی، امنیت رویداد، ایمنی اماکن مرتبط با مسابقه، دهکده المپیک، ورزشگاه‌های مجهز، تعداد ورزشگاه‌ها، ایمنی سازه‌های ورزشی، بلیط فروشی، وجهه ورزشی میزبان
	زیرساخت‌های اقتصادی	تعداد حامیان مالی، توسعه تامین مالی رویداد، تسهیلات بانکی کم بهره، صرفه جویی در مخارج، جلب حمایت مالی، حامیان مالی دائم و موقت، تامین بودجه، بیمه، مالیات، تقسیم سود، ثبات اقتصادی، هزینه‌های حمل و نقل و اقامت
	زیرساخت‌های مدیریت	برنامه راهبردی، نظافت و بهداشت، امنیت برگزاری رویداد، زمان‌بندی و مدیریت برنامه‌ها، تعامل با رسانه‌ها، نیروی انسانی ماهر، وجهه میزبانی، ارتباط با نهادهای بین‌المللی ورزشی،
عوامل	زیرساخت‌های	تغییرات دراز مدت سیاسی، نقض قوانین زیست محیطی و حقوق
مداخله‌گر	سیاسی- قانونی	بشر ساکنان محلی، سیاست‌های ناقص، مشکلات اجتماعی و

فردی، تحریم‌های بین‌المللی، تروریسم، قوانین دست و پاگیر	
صدور ویزا، تنگناهای فناورانه،	
زیرساخت‌های ورزشی ناکافی، فساد و خسارات شدید اقتصادی،	زیرساخت‌های
نوسانات بازار، نرخ تورم ارز بالا، بازاریابی کمین، هرج و مرج	مالی-محیطی
عمومی، شدت بزهکاری اجتماعی	
استفاده از پروژکتور، سیستم‌های هوشمند، فناوری‌های نوین	زیرساخت‌های
اطلاع‌رسانی، سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی، بهره‌گیری از	فناورانه
فناوری‌های نوین نظارتی	
رنگ‌آمیزی محیط، نورپردازی، افتاب‌گیر، پخش موسیقی،	زیرساخت‌های
نمابرداری، مطابقت شکل نما ساختارهای فرهنگی، چیدمان و رنگ	نما و ساختمان
صندلی‌ها، هارمونی (تناسب و نظم)،	
کیفیت خدمات، حمل و نقل رایگان، نحوه برخورد با تماشاگران،	
ایجاد کمیته هواداری، افزایش انگیزه تماشاگران، توسعه کانون‌های	زیرساخت‌های
هواداران، توسعه و گسترش شبکه‌های اجتماعی، توجه به جایگاه	مرتبط با
تماشاگران، امکانات رفاهی مجموعه‌های ورزشی، تخفیفات ویژه،	تماشاگران
تسهیلات ترجمه و زبان، اماکن تفریحی و مذهبی	عوامل
اعطای مجوزها، بازاریابی رویداد، سیستم فروش اینترنتی،	زمینه‌ای
برندسازی رویداد، راه‌اندازی فروشگاه‌ها، اجاره اماکن به صنایع	زیرساخت‌های
مختلف، برگزاری نمایشگاه، برگزاری فستیوال‌های بومی ورزشی	بازاریابی و فروش
توسعه نهادی، ساختار و مالکیت، توسعه رسانه‌ای، توسعه علمی -	
پژوهشی، توسعه هواداران و درآمد حاصل از آن، توسعه نیروی	زیرساخت‌های
انسانی، توسعه حقوقی و قانونی، توسعه بنگاه‌های صادرات، توسعه	ساختاری
و گسترش شبکه‌های اجتماعی، توجه به ورزش زنان، فرهنگ	
مهمان‌نوازی،	
گل و درخت کاری محیط، مناظر سبز، جذابیت شهر برگزاری،	زیرساخت‌های
سالم بودن محیط، توجه به ویژگی‌های زیست محیطی، کاهش	زیست محیطی
آلاینده‌های محیطی، استانداردها زیست محیطی	

توسعه زیرساخت‌های شهری، توسعه زیرساخت‌های ورزشی، تامین

ساختاری- مالی، تدوین برنامه راهبردی، همکاری سطوح بالای مدیریت ملی،

سازمانی افزایش تعامل با رسانه‌ها، افزایش تعامل با نهادهای بین‌المللی،

تدوین خط‌مشی‌های میزبانی

توسعه منابع انسانی، افزایش فرهنگ عمومی، آموزش همگانی،

راهبردها ایجاد کانون‌های داوطلبی، افزایش مانیتورینگ اجتماعی، وضع

قوانین بازدارنده و حمایتی

ایجاد رسانه‌های مستقل ورزشی، معرفی شهر میزبان، برند سازی

شهری، گسترش تعامل با افراد ذی‌نفوذ، افزایش امکانات رفاهی،

فنی-اجرایی گسترش حمل و نقل، جذب حامیان مالی، کاهش هزینه‌های مسکن

و اقامت، تسهیل روند اخذ ویزا

توسعه همه‌جانبه، کاهش هزینه‌ها، کاهش تورم، افزایش اشتغال،

کاهش جرم و جنایت، توسعه سیاسی و دموکراسی

بهبود وجهه شهر، افزایش زیرساخت‌های شهری، افزایش رفاه

عمومی، افزایش نشاط، ایجاد روحیه و غرور ملی

پدیده محوری: کسب میزبانی المپیک، توسعه زیرساخت‌های ورزشی، توسعه

میزبانی المپیک زیرساخت‌های برگزاری رویدادهای ورزشی

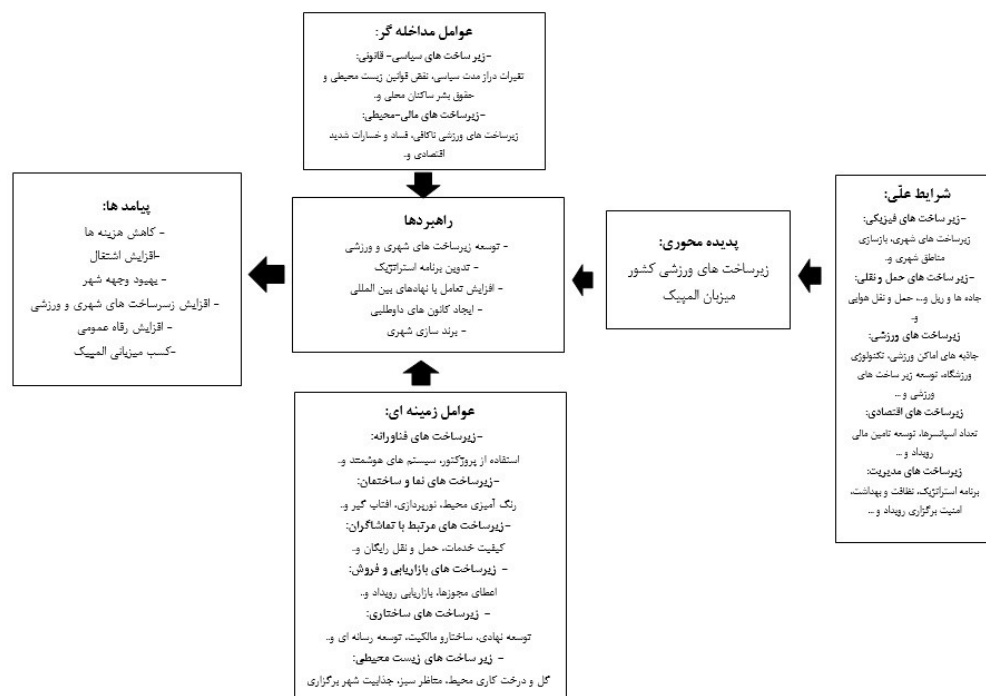
اولیه

پیامدها

ثانویه

یافته‌ها نشان داد که از تعداد ۶۸ مفهوم اولیه (کد باز)، ۴۰ مفهوم محوری در قالب ۵ مقوله انتخابی در شرایط علی استخراج شد. همچنین تعداد ۲۹ مفهوم اولیه (کد باز)، ۱۵ مفهوم محوری در قالب ۲ مقوله انتخابی در شرایط مداخله‌گر و تعداد ۸۱ مفهوم اولیه (کد باز)، ۵۲ مفهوم محوری در قالب ۶ مقوله انتخابی در شرایط زمینه‌ای به‌دست آمد که تعداد ۳۲ مفهوم اولیه (کد باز)، ۲۳ مفهوم محوری در قالب ۳ مقوله انتخابی به‌عنوان راهبرد اتخاذ شدند که منجر به تعداد ۲ پیامد انتخابی از میان ۱۱ مفهوم محوری و ۱۹ کد باز شد- جمعا ۲۲۹ مولفه (کد باز)، ۱۴۱ بُعد (کد محوری) در قالب ۱۸ کد گزینشی استخراج گردید. بررسی و تحلیل متون مصاحبه‌ها نشان داده است که زیرساخت‌های ورزشی میزبان المپیک به همراه شاخص‌های آن که همانا خصوصیات و ویژگی‌ها و شرایط یک میزبانی خوب در رویداد المپیک را به نمایش می‌گذارد، پدیده مرکزی این مطالعه قلمداد می‌شود. تحلیل‌های انجام‌گرفته در این مطالعه ۳ مفهوم با عنوان خصوصیات یا شاخص‌های اصلی زیرساخت‌های ورزشی میزبان المپیک در نظر گرفته است. تحلیل متون مصاحبه در بخش شرایط علی به دنبال یافتن عواملی است که بر پدیده مرکزی این

مطالعه (میزبانی المپیک) تاثیرگذارند. شرایط مداخله‌گر به دنبال شناسایی عواملی است که بر انتخاب راهبرد یا راهبرد در وضعیت موجود اثرگذار می‌باشد. عوامل زمینه‌ای به عواملی عمومی اشاره دارد که بر راهبردها اثرگذار است. تحلیل متون مصاحبه در بخش راهبردها در پی یافتن کنش‌ها و برهم‌کنش‌هایی است که از پدیده مرکزی منتج می‌شود. کاربست راهبردها یا راهبردهای انتخابی، پیامدهایی را به همراه خواهد داشت که در نهایت به الگوی پارادایمی پژوهش بر اساس نظر کوربین و اشتراوس ختم می‌شود. در شکل ۱، الگوی استخراجی پژوهش براساس مصاحبه با مشارکت‌کنندگان طراحی و تدوین شده است:



شکل ۱: الگوی پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، تدوین الگوی عوامل مؤثر در کسب میزبانی بازی‌های المپیک بود. از این رو، با رویکرد روش داده‌بنیاد اشتراوس و کوربین - که زمینه‌ها، شرایط و علل اصلی به وجود آمدن شرایط را برای تغییر سیستماتیک وضعیت موجود با ارائه راهکارهای مطلوب بررسی می‌کند و در نهایت می‌تواند به پیامدهای مطلوب در جهت بهبود اوضاع منجر شود - شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای الگوی داده‌بنیاد بررسی و الگوی پارادایمی برای تحقق میزبانی المپیک طراحی گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بهترین راه حل با توجه به الگوی داده‌بنیاد پژوهش دارای ۱۳ عامل در سه شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای و ۱۰۷ مولفه مرتبط با آن است. یافته‌های این پژوهش زمینه‌های لازم برای توسعه و رشد امکانات و

زیر ساخت‌های مورد نیاز برای کسب میزبانی و یا درخواست میزبانی بازی‌های المپیک را مشخص کرد و نشان داد که هر کدام از بخش‌های ضروری مورد نیاز باید دارای چه مولفه‌ها و قالب‌هایی باشند لذا با توجه به اینکه شهری که زیرساخت‌های ورزشی لازم برای میزبانی رویداد را داشته باشد در اولویت کسب میزبانی قرار می‌گیرد، یافته‌های این پژوهش همه موارد و حداقل‌ها را برای این مهم در اختیار مدیران شهری و ورزشی شهرهای داوطلب قرار می‌دهد. از سوی دیگر، از آنجا که در زمینه حداقل‌های میزبانی بسیاری از کشورهای و شهرهای دنیا پیشرفت کرده‌اند- به گونه‌ای که تقریباً همه داوطلبان میزبانی رویدادهای بین‌المللی ورزشی زیرساخت‌های اولیه لازم برای دریافت میزبانی را دارا می‌باشند- لذا توجه به زیرساخت‌های تکمیلی که سایرین به آن توجه نکرده‌اند در این پژوهش در قالب عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بیان شده‌اند و به‌عنوان یک مزیت رقابتی می‌تواند توان کشور یا شهر را در کسب میزبانی المپیک و رویدادهای بزرگ ورزشی دوچندان کنند.

آنچه در میان مولفه‌های شناسایی شده به چشم می‌خورد که با نتایج سایر پژوهش‌ها متفاوت است، گوناگونی متغیرهاست که جنبه‌های مختلف زیرساختی میزبانی المپیک را به نمایش می‌گذارند. عوامل، ابعاد و مولفه‌های شناسایی شده در برخی از مطالعات پیشین نیز بیان شده‌اند. لذا می‌توان گفت که نتایج این تحقیق در بعد شناسایی عوامل، ابعاد و مولفه‌های استخراج شده با یافته‌های تحقیقات جعفری و همکاران (۱۳۹۹)، نقش‌زن خواجهی و همکاران (۱۳۹۹)، نوری و همکاران (۱۳۹۹)، قورچیان و همکاران (۱۳۹۸)، کیانی و نظری (۱۳۹۷)، همتی و همکاران (۱۳۹۸)، یانپی و دوستی (۱۳۹۷)، همتی مرادبادی و همکاران (۱۳۹۷)، وفایی مقدم (۱۳۹۷)، کوشا و همکاران (۱۳۹۷) مجیدی (۱۳۹۵)، عیدی و یوسفی (۱۳۹۵)، بیرامی ایگدر (۱۳۹۴)، رضوی (۱۳۹۲)، ملیسا (۲۰۱۹)، پروس (۲۰۱۹)، گابریل (۲۰۱۸)، لامانت (۲۰۱۸)، وندل، درومرز، کرمرز و همکاران (۲۰۱۷)، ال کامب و تیم ال (۲۰۱۲) و کیم و همکاران (۲۰۱۱) همخوانی دارد. همتی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی بیان داشتند برگزاری رویدادهای مهم ورزشی در کشور می‌تواند منجر به ایجاد ساختارهای سازمانی منسجم، تأمین اعتبار و توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه شهری شود و به مدیریت شهری برای دستیابی به توسعه پایدار شهری کمک کند. همچنین الزامات بازی‌های المپیک را که بر تغییرات آب و هوایی تأثیر می‌گذارد و جوامع محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بر سب می‌کند (ملیسا، ۲۰۱۹). از سوی دیگر، پروس (۲۰۱۹) در مقاله‌ای پیرامون مسائل محیطی و مرتبط با تماشاگران بیان کرد شواهد زیادی وجود دارند که برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی به امکانات خاصی نیاز دارد و تحرکی برای شهرهای میزبان است که برای کسب امتیاز میزبانی، امکانات ورزشی و زیرساخت‌های عمومی خود را بهبود بخشند. کوشا و همکاران (۱۳۹۷) بهره‌گیری از دانش و فناوری را برای شاداب کردن محیط اماکن ورزشی موثر می‌دانند. مجیدی (۱۳۹۵) و رضوی (۱۳۹۲) بر اثرات فضا و ناپردازی بر افزایش انگیزه و نشاط مخاطبان اشاره کردند و آن را از عوامل مهم در جذب مخاطبان اماکن ورزشی دانستند. محیط شاداب و جذاب هم از نکات بسیار مهم جهت جذب افراد به حضور در محیط ورزشی است. همچنین رضوی و همکاران (۱۳۹۱) طی پژوهشی دریافتند که هارمونی و تناسب و وحدت اجزای یک اثر می‌تواند نقش مؤثری در گرایش افراد به فعالیت بدنی داشته باشد. یانپی و دوستی (۱۳۹۷) در مطالعه تحلیلی بر ورزش سوارکاری از منظر مالی تجهیزات و خدمات استان گلستان، نشان دادند که توجه به بعد مالی و تجهیزات و خدمات در مجموعه سوارکاری ارتباط مستقیمی با کیفیت برگزاری مسابقات دارد. بنابراین توجه به عواملی همچون تلاش برای استفاده از حامیان مالی دائم و موقت، استفاده از تجهیزات پیشرفته در مکان برگزاری مسابقات، توجه به جایگاه تماشاگران و امکانات رفاهی مجموعه سوارکاری بر کیفیت مسابقات سوارکاری تأثیرگذار است.

در مورد عوامل و زیرعوامل مرتبط با انواع زیرساخت‌های فیزیکی، ورزشی و شهری می‌توان گفت که اینگونه زیرساخت‌ها، عوامل علی به وجود آمدن پدیده محوری پژوهش یعنی زیرساخت‌های بنیادی کسب میزبانی المپیک می‌باشند که بودن آنها نیز اصلی و ضرورت کسب میزبانی می‌باشد و نبود آن نقصان جدی می‌باشد. لذا نیاز است که نامزدهای میزبانی المپیک به این زیرساخت‌ها بیش از سایر زیرساخت‌ها توجه داشته باشند. وندل، درومرز، کرمرز و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که یکی از عوامل محیطی که موجب افزایش گرایش افراد به ورزش کردن در اماکن ورزشی شده، مزایای زیبایی شناختی بوده است. ال کامب و تیم ال (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «ورزش، تجربه زیبایی شناختی و هنر به عنوان تجسم ایده‌آل» به این نتیجه مهم دست یافتند که بعد زیبایی شناختی در معماری اماکن ورزشی می‌تواند باعث جذب و گرایش بیشتر افراد به ورزش شود. جعفری و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که موانع دانشی و فناوریانه به عنوان موانع مؤثر در رویدادهای ورزشی هستند. نوری و همکاران (۱۳۹۹) به وجهه شهر میزبان رویدادهای ورزشی اشاره داشتند. قورچیان و همکاران (۱۳۹۸) موانع اجتماعی گردشگری ورزشی را قوانین مختلف دست و پاگیر در مورد صدور ویزا، گمرکات و مدت اقامت گردشگران و عدم ارائه امکانات و خدمات رفاهی مناسب را بیان کردند. عیدی و یوسفی (۱۳۹۵) تاکید کردند که فرصت‌های میزبانی دربرگیرنده توسعه زیرساخت‌ها، صنعت گردشگری، افزایش وجهه ایران و بهبود روابط اجتماعی می‌باشند و تهدیدات نیز مواردی مانند وجود کشورهای رقیب قدرتمند، مدیریت ناهماهنگ، خطر تحمیل هزینه مالی رویداد و رهاکردن حمایت دولت را در بر می‌گیرد. پروس (۲۰۱۹) بیان کرد که برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی به امکانات خاصی نیاز دارد و تحریکی برای شهرهای میزبان است که برای کسب امتیاز میزبانی، امکانات ورزشی و زیرساخت‌های عمومی خود را بهبود بخشند. وفایی مقدم (۱۳۹۷) نشان داده است که در محیط درونی سازمان ابعاد مدیریتی، انسانی، مالی، امکانات و زیرساخت‌ها و ساختار سیستم آموزش و پرورش به ترتیب در اولویت موانع اثرگذار بر توسعه ورزش مدارس ابتدایی می‌باشند. از طرف دیگر، در محیط بیرونی سازمان ضعف در محیط فرهنگی، عدم استفاده از فناوری، محیط اجتماعی ناسالم، عدم وجود قوانین و رکود محیط اقتصادی به ترتیب در اولویت اثرگذاری هستند. عدم توسعه ورزش مدارس ابتدایی راه را برای توسعه ورزش همگانی و قهرمانی بسته و با بررسی موانع و هم‌اندیشی کلیه مسئولان و سیاست‌گذاران باید سعی در برطرف کردن آنها داشت. بیرامی ایگدر (۱۳۹۴) نیز نشان داد که کیفیت محیط در باشگاه سوارکاری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. لامانت (۲۰۱۸) بیان داشت که در حالی که انگیزه خودمختاری مشخص شد، عوامل محیطی که انگیزه کنترل را ایجاد می‌کنند، در تحریک شرط‌بندی ورزشی مردان جوان به گونه‌ای است که آنها در جستجوی هویت‌های اجتماعی در چارچوب آرمان‌های فرهنگی هژمونیک استرالیا هستند.

زیرساخت‌های اقتصادی و بازاریابی نیز زمینه‌های مهم و حیاتی کسب میزبانی هستند و زمینه‌های اجرای منظم و تامین مالی رویداد را فراهم می‌آورند. هر اندازه یک شهر در زمینه‌های اقتصادی و بازاریابی دارای مزیت‌های بیشتری باشد، بدون شک کسب میزبانی المپیک برای آن آسانتر خواهد بود، چرا که ریسک مالی رویداد به حداقل می‌رشد. به همین جهت شهرهای میزبان رویدادهای ورزشی باید حداکثر تلاش خود را در زمینه تقویت این بخش بکار ببرند. نقش‌زن خواجهی و همکاران (۱۳۹۹) نبود سیستم بازاریابی را از موانع برگزاری رویدادهای ورزشی برشمردند. کیانی و نظری (۱۳۹۷) نشان دادند که عوامل سیاسی و اقتصادی مهم‌ترین ریسک‌های برگزاری المپیادهای ورزشی دانشجویی هستند. همتی مرادآبادی و

همکاران(۱۳۹۷) دریافتند که میزبانی رویدادهای ورزشی، یک متغیر پیش‌بین برای توسعه شهری است. بنابراین، برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی در کشور می‌تواند به ایجاد ساختارهای سازمانی منسجم، تأمین منابع مالی و توسعه زیرساخت‌های موردنیاز توسعه شهری منجر شود و به مدیریت شهری در راستای تحقق توسعه شهری پایدار کمک کند. گابریل (۲۰۱۸) بیان داشت که مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مؤثر در میزبانان رویدادهای بزرگ بین‌المللی عبارت‌اند از: مشارکت و علاقه‌مندی افراد جامعه، وجود امکانات اقامتی و ورزشی مناسب، وجود منابع انسانی آموزش‌دیده، داشتن امکانات تفریحی و اوقات فراغت مناسب، حمل و نقل مناسب، وجود قوانین حقوقی، مدنی و شهروندی مناسب، اعتبار مناسب و وضعیت مالیاتی موجود در کشورها. جعفری و همکاران(۱۳۹۹) نشان دادند که موانع قانونی، موانع مؤثر در رویدادهای ورزشی بودند. کیانی و نظری(۱۳۹۷) و کوشا و همکاران(۱۳۹۷) نیز دریافتند که عوامل فرهنگی- اجتماعی جزو مهم‌ترین ریسک‌های برگزاری المپیادهای ورزشی دانشجویی هستند. گابریل (۲۰۱۸) بیان داشت که مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای مؤثر در میزبانان رویدادهای بزرگ بین‌المللی عبارت‌اند از: مشارکت و علاقه‌مندی افراد جامعه، وجود امکانات اقامتی و ورزشی مناسب، وجود منابع انسانی آموزش‌دیده، داشتن امکانات تفریحی و اوقات فراغت مناسب، حمل و نقل مناسب، وجود قوانین حقوقی، مدنی و شهروندی مناسب، اعتبار مناسب و وضعیت مالیاتی موجود در کشورها. اتوانگر(۲۰۰۷) به این نتیجه دست یافت که به ترتیب اولویت عامل‌های انگیزه، سرگرمی، میزبانی مقصد، مسائل روحی و شخصی، تجربه اجتماعی، مسائل سیاسی، امنیت و مسائل بهداشتی به عنوان عوامل بازدارنده انگیزش شرکت‌کنندگان در یک رویداد ورزشی به شمار می‌آیند. کیم و همکاران (۲۰۱۱) طی تحقیقی گزارش کردند که اهمیت رویداد ورزشی، توسعه تسهیلات مدرن جهت حضور در تورنمنت، افزایش کیفیت و کمیت خدمات، تسهیل‌سازی امکان تماشای رویداد از مهمترین عوامل مؤثر رضایت گردشگری ورزشی هستند.

در مورد زیرساخت‌های مدیریتی و ساختاری باید گفت که یکی از ضعف‌های کشورهای غیرتوسعه‌یافته مانند ایران، نداشتن مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی منسجم می‌باشد که به عنوان مانعی در کسب میزبانی رویدادها تلقی می‌شود که با وجود اینکه برخی از پیش نیازها و زیرساخت‌های مهم میزبانی رویدادهای بزرگ را در اختیار دارند، اما در کسب میزبانی موفق نیستند لذا توجه به جنبه‌های مدیریت اجرایی و داشتن برنامه راهبردی از حیاتی‌ترین زیرساخت‌ها برای کسب میزبانی المپیک و سایر رویدادهای بزرگ ورزشی می‌باشد. در این راستا جعفری و همکاران(۱۳۹۹) نشان دادند که مسائل دانشی، مدیریتی و هماهنگی به عنوان زیرساخت‌های مؤثر در رویدادهای ورزشی هستند. کیانی و نظری(۱۳۹۷) نشان دادند که عوامل مدیریتی، سیاسی و زیرساختی، مهم‌ترین ریسک‌های برگزاری المپیادهای ورزشی دانشجویی به شمار می‌آیند. کارگر و همکاران(۱۳۹۷) موانع ایمنی و امنیتی را از مهمترین موانع برگزاری رویدادهای ورزشی برشمردند. قرفلسلو(۱۳۹۴) بیان داشت که انتخاب مناسب مکان رویدادهای ورزشی به لحاظ ارائه و وجود تسهیلات خدماتی و برگزاری فستیوال‌های بومی ورزشی در زمان فراغت ورزشکاران و گردشگران ورزشی از مهمترین راهکارهای توسعه میزبانی رویدادهای ورزشی می‌باشد.

این مطالعه به وضوح نشان داد که زیرساخت‌های ورزشی میزبان المپیک، پدیده‌ای چندوجهی است که می‌تواند از یک سو، منبع قوی برای توسعه نظری علوم ورزشی و بازاریابی ورزش باشد و از سوی دیگر، در حوزه اجرا به شدت مورد توجه و مطالبه مسئولان در زمینه کسب و اجرای میزبانی المپیک و رویدادهای بزرگ ورزشی قرار گیرد. اجرای راهبردهای

توصیه شده در این پژوهش می تواند در جهت تقویت زیرساخت های مورد نیاز با توجه به تجربه کشورهای میزبان المپیک (آلمان) در راستای ارتقای کیفیت درخواست میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی به خصوص المپیک موثر باشد. این تحقیق بر اساس الگوی پارادایمی خود یک مدل هجده عاملی با ۱۴۱ مولفه کاربردی و ۲۲۹ زیر مولفه است که در راستای تامین زیرساخت های کسب میزبانی المپیک برای کشورهای مختلف به کار می آید.

این پژوهش با توجه به شیوع بیماری کرونا و فقدان مصاحبه های حضوری با خبرگان دارای محدودیت هایی بود. همچنین با اینکه محقق در پی مصاحبه با افرادی بود که مستقیماً درگیر رویدادهای المپیک بودند، محدودیت های فاصله گذاری اجتماعی مانع این موضوع شد.

پژوهشگر با توجه به نتایج این پژوهش به مسئولان کمیته ملی المپیک و برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی در کشور پیشنهاد می کند که با الگوبرگشتن از چهارچوب ارائه شده در این پژوهش، زیرساخت های مورد نیاز برای برگزاری رویدادهای المپیک و بزرگ در کشور را مهیا کنند. همچنین با همکاری با سازمان های خصوصی و دولتی در جهت تامین زیرساخت های شهری و ورزشی و توسعه امکانات و تجهیزات و بهبود روند بازاریابی و جذب حامیان مالی زمینه را برای برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی در کشور فراهم نمایند.

منابع

- بیرامی ایگدر، جمال الدین؛ بیرامی ایگدر، بی بی گل و رژیعی، عبدالحکیم. (۱۳۹۴). «مقایسه کیفیت خدمات در تماشاگران باشگاه های سوارکاری و والیبال». مطالعات مدیریت ورزشی. ۷(۲۹)، صص ۱۴۰-۱۲۹.
- جعفری، پورشات؛ فهیمی نژاد، علی؛ مرسل، باقر و طیبی ثانی، سیدمصطفی. (۱۳۹۹). «مطالعه موانع مؤثر بر شکل گیری لجستیک معکوس در رویدادهای ورزشی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۲(۶۲)، صص ۳۹-۶۴.
- دوستی، مرتضی؛ درویشی، ابوالفضل و باقریان، بهزاد. (۱۳۹۵). «موانع اقتصادی توسعه ورزش های ساحلی (مطالعه موردی: بخش مرکزی استان مازندران)». فصل نامه علمی آموزش علوم دریایی. ۳(۷)، صص ۱۷-۳۰.
- رستم زاده، پرویز؛ صادقی، حسین؛ عصار، عباس و یآوری، حسین. (۱۳۹۳). «اثر سرمایه گذاری دولت در بخش ورزش بر رشد اقتصادی در ایران». فصل نامه پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال ۱۴، شماره ۴، صص ۱۷۷-۲۱۰.
- رضوی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰). «بررسی ابعاد زیبایی شناختی در گرایش مشتریان به اماکن ورزشی». پژوهش های مدیریت ورزشی. شماره ۱۶، ص ۸۱.
- سلیمی، مهدی؛ خلیلی، مجید و صالحی، سید سعادت الله. (۱۳۹۳). «تحلیل میزان توسعه یافتگی شهرهای میزبان گردشگران ورزشی خارجی در کشور بر اساس عوامل جذب با استفاده از روش تاکسونومی». مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۶۲، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- کوشا، محمد، عیدی، حسین، یوسفی، بهرام. (۱۳۹۷). «تحلیل شکاف صنعت ورزش ایران از منظر میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰(۴۹)، صص ۱۵-۳۶.
- کیانی، محمد سعید و نظری، لیلا. (۱۳۹۷). معرفی و دسته بندی عوامل ریسک در برگزاری رویداد ورزشی غرب کشور، دومین همایش ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت اهواز، اهواز.
- مافی، هادی و خسرو، مریم. (۱۳۹۷). «بررسی تاثیر بازی های المپیک بر ساختار اجتماعی اقتصادی و محیطی شهرهای میزبان». پنجمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی ایران در گذار آثار و اندیشه ها. قزوین.
- مجیدی، چالاک؛ کاشف، سید محمد؛ احدی، بهزاد و رسول آذر، گلاله. (۱۳۹۴). «عوامل مرتبط با شادابی سازی و زیباسازی اماکن ورزشی بر گرایش دانشجویان خوابگاهی به فعالیت بدنی». فصل نامه پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۴(۳)، صص ۲۹-۳۹.

- نقش‌زن خواجهی، ریحانه؛ سلیمی، مهدی و نظری، رسول. (۱۳۹۹). «ارائه مدل ساختاری برند رویدادهای ورزشی در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی.
- هژبری، کاظم؛ رمضانی‌نژاد، رحیم و شجیع، رضا. (۱۳۹۹). «مارپله‌های تو سعه پایدار از طریق ورزش در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. (۱)۱۲.
- همتی مرادآبادی، جمشید؛ سجادی، نصرالله و جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۷). «تأثیر میزبانی رویدادهای ورزشی بر تو سعه شهری». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۵۰، صص ۱۰۵-۱۲۴.
- ولادیمیر، آندرف و فرانسوئیس، ژان. (۱۳۸۳). *اقتصاد ورزش*. الله‌وردی جزایری. چاپ اول. تهران: انتشارات علم ورزش
- یانپی، طیه و دوستی، مرتضی. (۱۳۹۷). «تحلیلی بر ورزش سوارکاری از منظر مالی تجهیزات و خدمات استان گلستان». چهارمین همایش ملی علوم ورزشی و تربیت‌بدنی ایران. تهران.
- یوسفی، بهرام؛ عیدی، حسین و کوشا، محمد. (۱۳۹۵). «بررسی زیر ساخت‌های شهر تهران برای میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی مردان». نشریه مدیریت ورزشی. (۱)۸، صص ۱۳۷-۱۵۰.
- Balogu, S., Brown, C., & Busser, A. (2010). "Sport tourists in a gaming destination: Predicting gaming and non-gaming expenditures". UNLV Gaming Research & Review Journal, 2, 59-68.
- Blake, Adam. (2005). "The Economic Impact of the London 2012 Olympics". Unpublished paper, Christel DeHaan Tourism and Travel Research Institute, Nottingham University Business School, Jubilee Campus.
- Bredikhina, N. (2019). "Olympic Dreams or Broken Promises: Evaluation of the XXII Olympic Winter Games' Vision and Impact on Infrastructure, Environment, Athletic Venues, and Tourism". International Journal of Sport & Society, 10.(۳)
- British Broadcasting Corporation (BBC). (2013). "London 2012: Olympics and Paralympics £528m Under Budget". July 19. <http://www.bbc.com/sport/0/olympics/20041426>.
- Brückner, Markus, and Evi Pappa. (2015). "News Shocks in the Data: Olympic Games and Their Macroeconomic Effects." Journal of Money, Credit and Banking 47(7): 1339-67.
- Coates, Dennis, and Brad R. Humphreys. (2008). "Do Economists Reach a Conclusion on Subsidies for Sports Franchises, Stadiums, and Mega-Events?" Econ Journal Watch, 5(3): 294-315.
- Daniels, M. (2012). "Central place theory and sport tourism impacts". Annals of Tourism Research, 34(2), 332-47.
- Elcombe, Tim L. (2012). "Sport, aesthetic experience, and art as the ideal embodied metaphor". Journal of the Philosophy of Sport, Volume 39, Issue 2, Page 201-217 | Published online: 10 Oct 2012.
- Esfahani, N. (2009). "Sports tourism". Tehran: Waiting Period. (In Persian). explorations/play/beijings-watercube-water-park-now-open-040746.
- Farrar, Lara. (2010). "Beijing's Water Cube Now Has Slides, Rides, A Wave Pool and Spa". CNN.com, August 11. <http://travel.cnn.com/>
- Federal Reserve Bank of St. Louis. (2012). "The Legacy of the Olympics". Economic Burden.
- Flyvbjerg, Bent, and Allison Stewart. (2012). "Olympic Proportions: Cost and Cost Overrun at the Olympics 1960-2012". Saïd Business School Working Paper, University of Oxford.
- Gableal, R., Bell, P., & Bond, C. (2018). "Sports betting and the integrity of Australian sport: Athletes' and non-athletes' perceptions of betting-motivated corruption in sport". International Journal of Law, Crime and Justice, 52, 185-198.
- Galavan, R. Murray, J. Markides.C. (2008). *Strategy, Innovation and Chang*. Oxford university press, New York
- Getz, D. (1991). *Festivals, special events and tourism*. Van Nostrand Reinhold, New York.
- Hall, C.M. (1992). *Hallmark Tourist Events - Impacts, Management and Planning*. Bellhaven Press, London.
- H la Fehri-Odile Piton- Abdelmajid Ben Hamadou. (2009). "Recognition and translation Arabic-French of Named Entities: case of the Sport places". Cornell university library.
- Howard, Rohm. (2009). "Improving Government Performance Using the Balanced scorecard to Plan and Manage Strategically". Balanced Scorecard Institute.WWW. Balanced scorecard .Org

- Humphreys, Jeffrey, and Michael Plummer. (1995). **"The Economic Impact on the State of Georgia of Hosting the 1996 Summer Olympic Games"**. Selig Center for Economic Growth, University of Georgia.
- Jones, c. (2001). **"Mega-events and host region impacts- determining the true worth of the 1999 Rugby World cup"**. International Journal of tourism, 3, 241-251.
- Jordan, Mary, and Kevin Sullivan. (1999). **"Nagano Burned Documents Tracing '98 Olympics Bid."** Washington Post, January 21, p. A1. <http://www.washingtonpost.com/wp-srv/digest/daily/jan99/nagano21.htm>.
- Kostas, K. Kaplanidou, K. (2015). **"Event leveraging of mega sport events: A SWOT analysis approach"**. International Journal of Event and Festival Management. Vol. 1 No.3, pp. 170-185.
- Lamont, M., & Hing, N. (2018). **"Sports betting motivations among young men: An adaptive theory analysis"**. Leisure Sciences, 1-20.
- Manzenreiter, W. (2008). **"The benefits of hosting: Japanese experiences from the 2002 football World Cup"**. Asian Business & Management, 7, 201-224.
- Matheson, V. (2014). **"College of the Holy Cross. Economic Multipliers and Mega-Event Analysis"**. Retrieved from: http://college.holycross.edu/RePEc/hcx/Matheson_Multipliers.
- McCormak, G. Giles Corti, B. Lange, A. Smith, T. Martin, K. & Pikora, T.J. (2004). **"An update of recent evidence of the relationship between objective and self-report measures of the physical environment and physical activity behaviors"**. Journal of Science and Medicine in sport, Volume 7, Issue 1, pp 81-92.
- Meek, A. (1997). **"An Estimate of the Size and supported Economic Activity of the Sport Industry in the United State"**. Sport Marketing Quarterly 6(4): 15-21.
- Melissa M. Elder, Burns & McDonnell Inc. (2019). **"The Olympics Infrastructure: The Importance of Stakeholder Engagement and Sustainable, Intentional Urban Planning"**. International Conference on Sustainable Infrastructure 2019: Leading Resilient Communities through the 21st Century (715 - 721).
- Mullholland, Hélène. (2012). **"David Cameron Claims London 2012 Will Bring £13bn 'Gold for Britain'"**. The Guardian, July 5.
- Overmyer, Michael P. (2017). **"Economic Impact Analysis on Olympic Host-Cities"**. Honors Projects. 647. <http://scholarworks.gvsu.edu/honorsprojects/647>.
- Preuss, H. (2019). **"The role of sport tourism in employment, income and economic development"**. Journal of Hospitality Management and Tourism, 2(3), 34-7.
- Preuss, H. (2007). **"The Conceptualization and measurement of mega sport event legacies"**. Journal of Sport & Tourism, 4, 207-228.
- Ricketts, L.R., & Wolla, S.A. (2012). **"The legacy of the Olympics: economic burden or boon?"** Federal Reserve Bank of St. Louis. (pp. 1-4). Page One Economics Newsletter.
- Robert A. Baade and Victor A. Matheson. (2016). **"Going for the Gold: The Economics of the Olympic"**. Journal of Economic Perspectives, Volume 30, Pages 201–218.
- Robert A. Baade, Victor A. Matheson. (2016). **"Going for the Gold: The Economics of the Olympics"**. Journal of Economic Perspectives, vol. 30, no. 2, 18-22.
- Rose, Andrew K., and Mark M. Spiegel. (2011). **"The Olympic Effect."** Economic Journal 121(553): 652–77.
- Shah, S. (2018). **"Hosting the Olympic Games: City Perspectives"**. Retrieved from <https://www.olympic.org/olympism-in-action/hosting-the-olympic-games-city-perspectives>.
- Sky Sports. (2015). **"Olympic Stadium Costs Soar Ahead of West Ham Move."** June 19. <http://www.skysports.com/football/news/11685/9890173/olympic-stadium-costs-soar-ahead-of-west-ham-move>.
- Smith, A., Fox, T. (2007). **"From Event-led to Event-themed Regeneration-The 2002 Commonwealth Games Legacy Programmed"**. Urban Studies, 5, 1125-1143.
- Solberg, H., & Preuss, H. (2007). **"Major sport events and long-term tourism impacts"**. Journal of Sport Management, 21(2), 213-34.
- Spilling, O. (2000). **"Beyond intermezzo? On the long-term Industrial impacts of mega-event- the case of Lillehammer 1994"**. Cognizant Communication Corporation, New York.
- Turco, D. M., Riley, R., & Swart, K. (2002). **Sport Tourism**. Fitness Information Technology, Inc.

- Viktoria C. E. Langer, Wolfgang Maennig, Felix Richter. (2017). **The Olympic Games as a News Shock.**
- Wendel-Vos, W; Droomers, M; Kremers, S; Brug J; van Lenthe F (2017). **“Potential environmental determinants of physical activity in adults: a systematic review”**. Journal of obesity reviews.8. pp 425-440.
- Yang, J., Zeng, X., & Gu, Y. (2010). **“Local residents' perceptions of the impact of 2010 EXPO”**. Journal of Convention and Event Tourism, 11(3), 161-75.

طراحی مدل مدیریت استعداد کارکنان در وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران

الهام قاسمی هرسینی^۱

بهرام یوسفی^۲

علی فروغی پور^۳

[10.22034/ssys.2024.3076.3239](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3076.3239)



تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴

هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران بود. روش پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه اجرا با رویکرد ترکیبی (کمی-کیفی) بود. در بخش کیفی ۱۱ نفر از مدیران ارشد ستادی در وزارت ورزش و جوانان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و در بخش کمی ۳۳۵ نفر از مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان با استفاده از جدول کرجسی مورگان و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختارمند و در بخش کمی، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود. در بخش کیفی کدگذاری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA و در بخش کمی برازش مدل با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و نرم‌افزار PLS انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد ۱۱۵ کد اولیه در قالب ۱۶ مقوله اصلی، مفهوم مدل عوامل موثر بر مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران را تبیین می‌کند. براساس نتایج، مقوله‌های «جذب نیروی کارآمد»، «ساختار سازمانی» و «شایستگی‌های کارکنان» به‌عنوان شرایط علی استقرار مدل مدیریت استعداد، مقوله‌های «حمایت و پشتیبانی»، «گردش شغلی» و «ایجاد فرصت» به‌منزله شرایط بستر، مقوله‌های «انعطاف سازمانی»، «توجه به استعداد کارکنان»، «دانش سازمانی» و «ارزیابی» به‌منزله شرایط مداخله‌گر، مقوله‌های «مشارکت کارکنان در سازمان»، «جانشین پروری»، «تفویض اختیار» و «آموزش و ارزشیابی» راه‌حل‌هایی جهت استقرار مدل مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان و مقوله‌های تعهد و مسئولیت‌پذیری، عزت نفس و نگهداری و حفظ کارکنان به‌عنوان پیامدهای مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران معرفی شدند. همچنین مدل یابی معادلات ساختاری و روش مربعات جزئی نشان از تایید برازش مدل مذکور داشت. لذا مدیران در فرآیند مدیریت استعداد به عوامل به‌دست آمده باید توجه کنند.

واژگان کلیدی: مدیریت استعداد، جذب و نگهداری کارکنان و وزارت ورزش و جوانان

مقدمه

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت‌بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

E-mail: Elham.ghasemi14020@gmail.com

^۲ دانشیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

^۳ استادیار، گروه تربیت‌بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

امروزه، با ورود به هزاره سوم و عصر اقتصاد دانش محور و در پی تغییرات وسیع اقتصادی و اجتماعی جهان، سازمان‌ها به خوبی دریافته‌اند که برای موفقیت در محیط رقابتی کسب و کار، به داشتن بهترین استعدادها نیاز دارند. این موضوع چنان فراگیر شده است که در اواخر دهه ۱۹۹۰، بزرگترین تهدید برای سازمان‌ها این بود که تقاضا برای کارکنان با استعداد از عرضه آنها پیشی گرفت و بنابراین کمبود استعدادهای جهانی مطرح شد (کینگ^۱، ۲۰۱۹). از آن زمان، موضوع مدیریت استعداد^۲ بیش از پیش اهمیت یافته و توجه هر دو حوزه ادبیات و تجارت را به خود جلب کرده است (کراواریتی^۳، ۲۰۲۰). مدیریت استعداد از دید افراد مختلف متفاوت است و از سه جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد: اول، فرایند توسعه و پرورش کارکنان جدید به وسیله مصاحبه، استخدام و آشناسازی با سازمان- به طوری که افراد جدید با فرهنگ سازمان همراه شوند؛ دوم، در مورد توسعه و نگهداری از کارکنان موجود در سازمان و سوم، جذب افراد با مهارت‌های بالا برای کار کردن در سازمان (یزدانی و همکاران، ۲۰۲۰). فرد مستعد را به صورت‌های مختلفی تعریف کرده‌اند؛ مانند مهم‌ترین و ارزش‌افزاترین افراد که بیش از سایرین در خلق مزیت رقابتی نقش دارند (تارنر و همکاران^۴، ۲۰۱۶) یا افراد دارای مهارت بالا و پرورش‌یافته یا افراد دارای پتانسیل بالا برای موفقیت در سازمان (سعادت و همکاران، ۲۰۱۶) یا نیروی کار ماهر و عجین شده با کار و متعهد (مایرز و همکاران^۵، ۲۰۲۰). بر این اساس، در حوزه مدیریت منابع انسانی بر لزوم طراحی فرآیند جامعی از مدیریت استعداد تاکید می‌شود. فراهم آوردن یک فرایند کلی و جامع مدیریت استعداد کاری سخت است، زیرا هر سازمان با توجه به اجزا و رویه‌هایی که نیل به اهداف راهبردی سازمان را ممکن می‌سازد، گزینه‌های مختلفی را انتخاب خواهد کرد (ماریناکو^۶، ۲۰۱۹). مدیریت استعداد شامل مجموعه کاملی از فرایندها برای شناسایی، به‌کارگیری و مدیریت افراد به منظور اجرای موفقیت‌آمیز راهبرد کسب و کار مورد نیاز سازمان است (سیو و همکاران^۷، ۲۰۱۸). برخی افراد در یک زمینه یادگیری بهتر و کارایی زیادتری از خود نشان می‌دهند و پیشرفت آنها در آن زمینه سریع‌تر است، در حالی که افراد دیگر در زمینه‌های دیگری ممکن است از خود کارایی و مهارت و سرعت پیشرفت بیشتری نشان دهند (حاجیان و همکاران، ۱۴۰۲). با توجه به مطالعات انجام‌شده، محققان (معماری و همکاران، ۱۴۰۲، باقری، ۲۰۲۰، بولاندر و همکاران^۸، ۲۰۱۷؛ بونیتون و همکاران^۹، ۲۰۱۹ و کروولی^{۱۰}، ۲۰۱۸) معتقدند که مدیریت استعدادها همان مدیریت راهبردی جریان استعدادها در سرتاسر سازمان است که هدف آن اطمینان حاصل کردن از وجود جریانی از افراد متسعد در درون سازمان است که افراد مناسب با مهارت‌های مناسب را در زمان مناسب برای شغل مناسب براساس اهداف راهبردی سازمان فراهم می‌آورد (چونگ و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۸). بنابراین موضوع مدیریت استعداد، یک اولویت اساسی برای بسیاری از سازمان‌هاست و موفقیت سازمان‌های امروزی به‌طور مستقیم با استفاده از کارکنان با استعداد مرتبط است (احمدی مقدم و همکاران، ۲۰۱۹). طبق نتایج پژوهش معماری و آرای (۱۴۰۲) الگوی نظام مدیریت استعدادها در شبکه بانکی

¹ King

² Talent management

³ Kravariti

⁴ Turner

⁵ Meyers

⁶ Marinakou

⁷ Cui

⁸ Bolander

⁹ Bonneton

¹⁰ Crowley

¹¹ Chung

کشور مبتنی بر سه مؤلفه اصلی ورودی، فرایند مدیریت استعداد و خروجی می‌باشد. طاهری و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند سازه فرایند مدیریت استعداد شامل پنج بعد شناسایی و تعیین نیازهای استعدادی، جذب و توسعه توانایی‌های بالقوه، به‌کارگیری راهبردی و حفظ و نگهداری استعدادها می‌باشد. براساس نتایج تحقیق حاجیان و همکاران (۱۴۰۲) مکانیزم‌های جذب استعداد بر مکانیزم‌های توسعه و توانمندی استعداد، بهره‌برداری، اکتشاف و حفظ استعداد تاثیر مثبت دارد. کوهی‌خور و همکاران (۱۳۹۹) فراترکیب مدل یکپارچه مدیریت استعداد را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های پژوهش، کدهای مدیریت و برنامه‌ریزی جانشینی، یادگیری، درگیرکردن کارکنان مستعد، پذیرش سازمانی، ارتباط راهبرد استعداد با راهبرد کسب و کار، مدیریت مسیر پیشرفت و فرهنگ سازمانی، بیشترین تاثیر را دارند. روشن و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند سیستم مدیریت استعداد، حداقل باید شامل سه مولفه کلیدی جذب و انتخاب، آموزش و توسعه و نگهداشت باشد. اموتنده و آگ-بلی (۲۰۲۱) نشان دادند عمده‌ترین مشکلات موثر بر مدیریت استعداد از دست دادن مداوم/بودجه اندک و ارتباطات/ افراد مستعد (فرار مغزها) می‌باشد. مارسلو و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «مدل مدیریت استعداد معلمان» بیان داشتند که توجه به رشد و یادگیری معلمان، ارتقای آنها و حفظ استعدادها در میان مولفه‌های مدیریت استعداد بیشترین اهمیت را دارا می‌باشند. دوی و همکاران^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود با عنوان «مدل مدیریت استعداد کارکنان بانک» بیان داشتند که توجه به انگیزه کارکنان و رهبری آنها می‌تواند به عنوان دو مولفه مهم در مدل مدیریت استعداد در بانک جهت افزایش کیفیت زندگی کارکنان مطرح باشد. مود و همکاران^۴ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه مدیریت استعداد معلمان بیان داشتند که جهت توسعه استعداد معلمان توجه به آموزش آنها و حفظ معلمان نخبه می‌تواند به مدارس در راستای تحقق امر مدیریت استعداد کمک نماید. کاتازینا^۵ (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان «مدل مدیریت استعداد: کلید توسعه کارکنان» بیان داشت که کارکنان خبره نیازمند رشد و توسعه اند که از طریق یک مسیر شغلی راهبردی می‌توانند استعدادهای خود را بروز دهند و به عنوان یک مزیت رقابتی برای سازمان مطرح باشند.

گفتنی است که یک شکاف عمده در بین پژوهشگران وجود دارد. آنها استدلال می‌کنند که این تعاریفی که عمدتاً در حوزه مدیریت استعداد وجود دارد، در دیدگاه غربی شکل گرفته‌اند و عموماً مبتنی بر بافت کشورهای توسعه‌یافته هستند و نمی‌توان آنها را در مورد کشورهای مختلف به کار بست. از سوی دیگر، هیچگاه از دیدگاه مدیران به این مفهوم توجه نشده است و ادعا می‌شود که درک نکردن دیدگاه مدیر در مورد این تعریف مهم در بازارهای نوظهور منجر به مشکلاتی مانند عدم توانایی در طراحی کامل مولفه‌های مدیریت استعداد در این بازارها و بروز خطا در مرحله اجرا می‌شود (خوریوا^۶، ۲۰۱۹).

امروزه سازمان‌های ورزشی از جمله وزارت ورزش و جوانان در معرض تغییر و تحولات محیطی و جهانی قرار دارند. به همین دلیل، این سازمان‌ها ناگزیرند به‌طور دائم بر رویدادهای داخلی و خارجی نظارت کنند تا بتوانند در زمان مناسب و برحسب ضرورت، خود را با تغییرات وفق دهند (انگراما و گلدا^۷، ۲۰۲۲). با توجه به این تغییر و تحولات، مدیریت استعداد، یکی از مهمترین مقوله‌ها در زمینه همسو شدن سازمان‌های ورزشی با این امر می‌باشد.

¹ Omotunde, O, I., Alegbeleye

² Marcello et al.

³ Dewi et al.

⁴ Mohd et al.

⁵ Katarzyna

⁶ Khoreva

⁷ Ingrama & Gloda

جذب افراد مستعد، کشف استعداد، توسعه آن و ارزیابی آن با توجه به استانداردهای جهانی و حفظ آنها می‌تواند از فرار مغزها که این روزها به معضل اساسی در کشور و پیشبرد اهداف سازمانی مبدل گشته است، پیشگیری نماید (علی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). سازمان‌های استعدادگرا و سلامت‌محور به مانند وزارت ورزش و جوانان دائماً در جستجوی استعدادهای جدیداند؛ محیط چالشی برای آنها ایجاد می‌کنند تا بتوانند به کار و فعالیت بپردازند و برای سازمان خود خلاق و نوآور باشند. از این رو، نیازمند طراحی یک مدل مدیریت استعداد هستند (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۲). به عبارت دیگر، یک نیاز شدید برای مدیریت مؤثر استعدادهای در خدمات عمومی با پیروی از یک رویکرد مدیریت استعداد یکپارچه وجود دارد. هدف این تحقیق، استفاده از داده‌های کیفی و کمی در وزارت ورزش و جوانان کشور ایران برای تعیین وضعیت مدیریت استعداد است. بررسی‌ها نشان داد که اختلاف‌های قابل توجهی بین مدل‌های مدیریت استعداد در کشور و در سازمان‌های مختلف وجود دارد (ظاهری و همکاران، ۱۴۰۱).

پژوهش‌های انجام‌شده چه در سطح داخلی و چه در سطح خارجی عموماً بخشی‌نگر بوده و در بهترین حالت به چند بعد جزئی یا مولفه از فرایند مدیریت استعداد پرداخته‌اند. همچنین یک مدل جامع برای فرایند مدیریت استعداد در جهت شناسایی و تعیین نیازهای استعدادی، کشف، جذب، توسعه، ارزیابی و نگهداشت سرمایه‌های انسانی ارزشمند وجود ندارد تا پاسخگوی چالش‌ها و نیازهای نو ظهور باشند. از این رو، محقق به دنبال آن است تا بعد از پیمایش کیفی مؤلفه‌های پدیدار شونده در جریان پژوهش، به تبیین الگوی مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان بپردازد تا نشان دهد شرایط علی نقش‌پذیر بر ایفای مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان کدام‌اند؟ شرایط زمینه‌ای نقش‌پذیر بر مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان کدام‌اند؟ شرایط مداخله‌گر در قالب نقش‌های تسهیل‌کننده و محدودکننده به چه صورتی بر مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان وارد می‌شوند؟ همچنین راهبردهای ایجاد مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان کدام‌اند؟ و در نهایت پیامدهای حاصل از رویکرد مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان به چه صورتی تبیین خواهند شد؟ از وی دیگر با توجه به وجود مشکلات عدیده در حوزه مدیریت استعداد از قبیل جذب، نگهداشت و ... در وزارت ورزش و جوانان، پژوهش حاضر در صدد طراحی و تبیین الگویی در این زمینه می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه، ترکیبی از نوع اکتشافی است. رویکرد ترکیبی از نظر نوع داده‌ها در زمره روش‌های کمی و روش‌های کیفی قرار دارد. در طرح ترکیبی اکتشافی، ابتدا داده‌های کیفی گردآوری می‌شود. داده‌های این بخش مقدمه انجام بخش کمی هستند (کرسول و پلانوکلاک^۱، ۲۰۰۷). بخش کیفی از نوع تحلیل محتوای کیفی و داده‌بنیاد است. ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز، اسناد و مدارک علمی-پژوهشی، مصاحبه باز و پرسش‌نامه است. در تحلیل محتوای کیفی، ابتدا محتوای متون و اسناد علمی تحلیل و طبقه‌بندی شد و با ۱۱ نفر از مدیران ارشد و ستادی در وزارت ورزش و جوانان که با استفاده از روش گلوله برفی و به صورت هدفمند انتخاب شدند، مصاحبه باز انجام و تا رسیدن به حد اشباع ادامه یافت. پس از پیاده کردن تمامی مصاحبه‌ها در مرحله اول، تمام مفاهیم مطرح‌شده از سوی افراد مورد مصاحبه به صورت کد باز استخراج شد. در این پژوهش به منظور تعیین روایی و بررسی صحت یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی (سه‌سویه‌نگری) منابع داده‌ها یعنی بررسی و بازبینی مطالب ارائه‌شده از سوی صاحب‌نظران (مصاحبه‌شوندگان)، بازنگری منابع مورد مطالعه و در نهایت بازنگری مجدد صاحب‌نظران استفاده شده است. یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها تا حد زیادی مطالب مطروحه در ادبیات و

¹ Creswell & Plano Clark

مبانی نظری مورد مطالعه را در هریک از حوزه‌ها دربرداشت که این خود نشان از روایی این پژوهش است. در مرحله نهایی، طبقه‌بندی حاصل از نتایج کدگذاری انجام شد و تحلیل متون و مبانی نظری به شماری از شرکت‌کنندگان به منظور تایید درستی نتایج ارائه و براساس آن اصلاحات مورد نظر اعمال گردید. سپس فهرستی از عوامل در قالب پرسش‌نامه طراحی و نظرات شماری از افراد مصاحبه‌شونده اخذ و اصلاحات لازم انجام شد و در نهایت و با استفاده از نظرات اساتید و مشاوران موضوعی نهایی گردید. پرسش‌نامه اولیه به صورت آزمایشی روی ۳۰ نفر از نمونه پژوهش اجرا و ابهامات احتمالی در سؤالات مشخص و برطرف شد. پرسش‌نامه نهایی در ۵ بعد و ۴۶ گویه طراحی و در مرحله کمی میان افراد نمونه توزیع، گردآوری و تجزیه تحلیل نهایی گردید. در بخش کمی، این مطالعه از نوع توصیفی-پیمایشی و به لحاظ هدف کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان بود که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، ۳۳۵ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل در بخش کیفی از نرم افزار MAXQDA و فرایند کدگذاری و در بخش کمی، از تحلیل عاملی تاییدی و مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار SPSS و SMART PLS استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

نتایج کیفی تحقیق حاضر با استفاده از فرایند کدگذاری مصاحبه‌های انجام‌شده نشان داد که ۱۱۵ کد اولیه در قالب مفهوم مدل عوامل موثر (علی و زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبرد و پیامد) بر مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران تاثیرگذار هستند.

سوال اول پژوهش: عوامل علی موثر بر مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

جدول: ۱ مقولات و مفاهیم احصاشده شرایط علی

سازه	مقوله	مفاهیم
شرایط علی	جذب نیروی کارآمد	بررسی و گزینش مناسب کارکنان قبل از استخدام
		داشتن برنامه سودمند در جذب کارکنان
		استخدام افرادی که شغل مورد نظر با سبک زندگی آنان هماهنگ باشد
		برنامه استخدام بر مبنای پاداش مناسب
		تبلیغات مناسب در هنگام استخدام نیرو (کارکنان)
	ساختار سازمان	جستجوی ظرفیت‌ها برای استخدام نیروی جدید
		آزمودن عملی متقاضیان جذب در سازمان، طراحی مناسب سوالات مصاحبه
		توجه به یادگیری کارکنان در سازمان
		تسهیل پیشرفت کارراه و مسیر شغلی کارکنان
		تنظیم مصوباتی در مورد ارائه مزایایی به کارکنان مستعد
	شایستگی های کارکنان	داشتن راهبردهای روشن در به‌کارگیری استعدادهای سازمانی
		ارائه برنامه کاری منعطف برای کارکنان
		ایجاد جو دوستانه در سازمان، فرهنگ سازمانی مشارکتی در میان کارکنان
		مشخص کردن رویکردهای سازمان در تشخیص کارکنان مستعد
		انگیزه بالا در کارکنان
		تخصص کافی کارکنان در انجام وظایف
		قابلیت‌های فکری بالا در میان کارکنان
		مهارت‌های ارتباطی قوی توسط کارکنان
		قابلیت‌های بالای یادگیری دانش سازمانی
		قابلیت‌های کافی برای اجرای درست و مناسب وظایف

علاقه به موقعیت کاری

داشتن نگرش مثبت به سازمان

داشتن مهارت بالا در انجام وظایف

داشتن خلاقیت در انجام وظایف شغلی

انعطاف‌پذیری

کسب مهارت‌های چندگانه در انجام وظایف مختلف

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود مقوله‌های «جذب نیروی کارآمد»، «ساختار سازمانی» و «شایستگی‌های کارکنان» به‌عنوان شرایط علی استقرار مدل مدیریت استعداد احصا شده‌اند.

سوال دوم پژوهش: عوامل زمینه‌ای موثر بر مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

جدول ۲: مقولات و مفاهیم احصاشده شرایط زمینه‌ای

سازه اصلی	مقوله محوری	مفاهیم
		وجود قوانین حمایتی در مورد کارکنان مستعد در سازمان
		حمایت مدیران از افراد مستعد
		ارائه امکانات و تجهیزات مناسب برای افراد مستعد
	حمایت و پشتیبانی	دادن امنیت شغلی به افراد مستعد
		ایجاد محیطی امن و توأم با آرامش برای کارکنان
		تخصیص بودجه و اعتبار کافی برای خلاقیت‌های کارکنان
		استقبال از نوآوری‌های کارکنان در انجام وظایف
		سرمایه‌گذاری روی ایده‌های خلاق کارکنان مستعد
		تنوع فعالیت‌های شغلی کارکنان
		جابه‌جایی مناسب و دوره‌ای میان کارکنان
شرایط زمینه‌ای (بستر)	گردش شغلی	به‌کارگیری کارکنان در بخش‌های مختلف سازمان
		آشنایی بیشتر افراد با مشاغل مختلف
		جابه‌جایی کارکنان در شغل‌های مشابه دارای تنوع فعالیت شغلی
		جابه‌جایی و آشنایی کارکنان با بخش‌های مختلف سازمان به منظور رسیدن به دیدگاهی کل‌نگر و جامع
		ایجاد فرصت برای کارکنان جهت بروز استعدادهایشان
		دادن فرصت به کارکنان به منظور انجام کارهای به شیوه‌های خلاقانه
		ارائه فرصت و امکانات به کارکنان برای آشنایی با بخش‌ها و وظایف مختلف سازمانی
ایجاد فرصت		دادن فرصت کافی به کارکنان برای جامعه‌پذیری و درونی‌کردن ارزش‌های سازمانی
		ارائه شرایط مطلوب به کارکنان برای یادگیری مهارت‌های جدید
		دادن فرصت مجدد به افراد ناموفق
		ایجاد محیط رقابتی سالم برای تمامی کارکنان

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ، مقوله‌های «حمایت و پشتیبانی»، «گردش شغلی» و «ایجاد فرصت» به‌منزله شرایط زمینه‌ای در نظر گرفته شده‌اند.

سوال سوم پژوهش: عوامل مداخله‌گر موثر بر مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

جدول ۳: مقولات و مفاهیم احصاشده شرایط مداخله‌گر

سازه اصلی	مقوله	مفاهیم
شرایط مداخله‌گر	پاداش و تقویت	تخصیص پاداش به ایده‌های خلاقانه کارکنان
		حمایت مالی و ارائه تسهیلات ویژه برای افراد مستعد
		تشویق کارکنان به انجام صحیح وظایف به شیوه‌های متنوع و خلاق
		جشن گرفتن موفقیت‌های کسب‌شده
		تخصیص مرخصی‌های تشویقی به افراد مستعد
		قدر دانی مدیران ارشد از ایده‌ها و فعالیت‌های خلاقانه کارکنان
		تقویت ریسک منطقی برای انجام کارهای خلاقانه
		داشتن برنامه انگیزشی برای کارکنان
		برنامه‌ریزی راهبردی نیروی انسانی
		برنامه‌ریزی نیروی انسانی در بخش‌های مختلف بر حسب نیاز هر بخش
توجه به سرمایه‌های روان شناختی	برنامه‌ریزی نیروی انسانی	میزان صحیح جایابی کارکنان بر اساس وظایف آنان
		تقسیم وظایف بر اساس استعداد کارکنان
		مطابقت جذب و به‌کارگیری کارکنان بر اساس اهداف سازمانی
		فراهم‌سازی منابع و امکانات لازم و مناسب برای کارکنان سازمان
		جذب و جایابی کارکنان بر اساس پیچیدگی و سطوح سازمانی
		خوش‌بینی به سازمان و اهداف سازمانی
		خودکارآمدی عملکردی کارکنان در مواجهه با وظایف شغلی
		استقامت در مواجهه با مسائل و مشکلات پیش‌آمده در سازمان
		اشتیاق به یادگیری خودجوش در میان کارکنان
		واقع‌گرایی و توجه به مسائل عینی سازمان
		همکاری تیمی و گروهی در حل مسائل سازمانی

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقوله‌های «انعطاف سازمانی»، «توجه به استعداد کارکنان»، «دانش سازمانی» و «ارزیابی» به‌منزله شرایط مداخله‌گر در طراحی و پیاده‌سازی تعالی سازمانی در نظر گرفته شده‌اند. سوال چهارم پژوهش: عوامل راهبردی موثر بر مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

جدول ۴: مقولات و مفاهیم احصاشده راهبردها

سازه اصلی	مقوله	مفاهیم
راهبردها	مشارکت در کارکنان در سازمان	مشارکت کارکنان در مدیریت سازمان و مدیریت مشارکتی
		مشارکت کارکنان در تصمیم‌گیری‌های سازمان
		مشارکت فعال کارکنان در ارتقای عملکرد سازمان
		مشارکت تیمی و انجام فعالیت‌های گروهی در میان کارکنان جهت توسعه سازمان
		مشارکت بالای کارکنان در حل مشکلات به وجود آمده در سازمان
	جانشین‌پروری	گرفتن مشورت از کارکنان به‌عنوان یکی از منابع بازخورد در سازمان
		برگزاری جلساتی با هدف تبادل نظر با کارکنان
		توجه به شایستگی‌های حرفه‌ای کارکنان
		پرورش استعدادهای کارکنان مستعد سازمان
		انجام دوره‌های عملی مدیریتی در سازمان توسط کارکنان
تفویض اختیار	ارزیابی وضعیت کنونی استعدادهای کارکنان	
	درگیر شدن کارکنان در فعالیت‌های مختلف سازمانی	
	تلاش برای به‌روز رسانی فعالیت‌های حرفه‌ای و مهارت‌های کارکنان	
	ترغیب کارکنان به سمت شایستگی‌های مورد نظر در سازمان	
	دادن فرصت رشد و پیشرفت به کارکنان در سازمان	
	دادن آزادی عمل به کارکنان در انجام وظایف	
	دادن اختیارات کافی به کارکنان در نحوی انجام فعالیت‌ها و وظایف	
	تقسیم اختیارات سازمانی میان کارکنان مستعد	
		کاستن از تمرکز تصمیم‌گیری در سطوح بالای سازمان

اعتماد به کارکنان و بها دادن به نحوه انجام فعالیت‌های سازمانی

برگزاری دوره‌های آموزشی برای کارکنان

ارائه آموزش‌های تکمیلی در راستای استعداد کارکنان

ارزیابی عملکرد کارکنان بر حسب ویژگی‌های آنان

آموزش خود ارزیابی به کارکنان

آموزش و ارزشیابی

آموزش نحوه مدیریت به کارکنان

آموزش مهارت‌های خودمدیریتی به کارکنان

ارزیابی بر اساس الگوهای مشخص و ملموس

همان گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، راهبردهای «مشارکت کارکنان در سازمان»، «جانشین‌پروری»، «تفویض اختیار» و «آموزش و ارزشیابی» راه‌حلی جهت استقرار مدل مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان هستند.

سوال پنجم پژوهش: پیامدها و نتایج حاصل از مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

جدول ۵: مقولات و مفاهیم احصاشده پیامدها

نوع مقوله	مقوله	مفاهیم
پیامدها	تعهد و مسئولیت‌پذیری بالا	تعهد بالا برای تحقق اهداف سازمانی
		پذیرش مسئولیت در قبال اختیارت کسب‌شده
		پاسخگویی سریع در قبال مسئولیت‌ها
		احساس تعهد نسبت به انجام وظایف تعیین‌شده
		انجام تعهدات تعیین‌شده از سوی مدیران و سازمان توسط کارکنان
عزت نفس		احترام قائل شدن کارکنان برای شخصیت‌شان
		احساس ارزشمند بودن در سازمان
		احساس هویت در سازمان
		اعتقاد به عضوی مهم بودن در سازمان
		احترام گذاشتن مدیران به عملکرد کارکنان
		نفوذ و تاثیرگذاری بر دیگران
		احترام به عزت‌نفس کارکنان

دادن قدرت انتخاب در گزینش پروژه‌ها و طرح‌ها

اعتماد و مورد احترام قرار گرفتن توسط همکاران

دلبستگی بالا به سازمان و شغل

عدم تمایل به ترک شغل

تلاش برای کسب ارتقای شغلی در سازمان

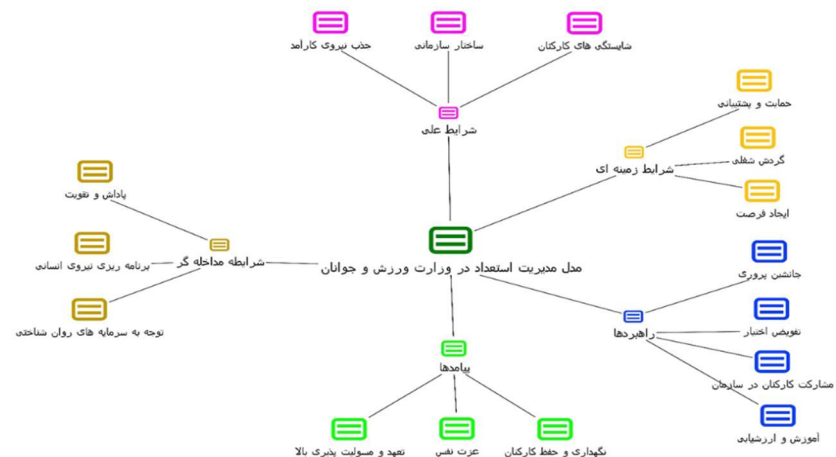
احساس رضایت از شغل و موقعیت سازمانی

پایبندی به قوانین و مقررات سازمانی

احترام به ارزش‌ها و هنجارهای سازمان

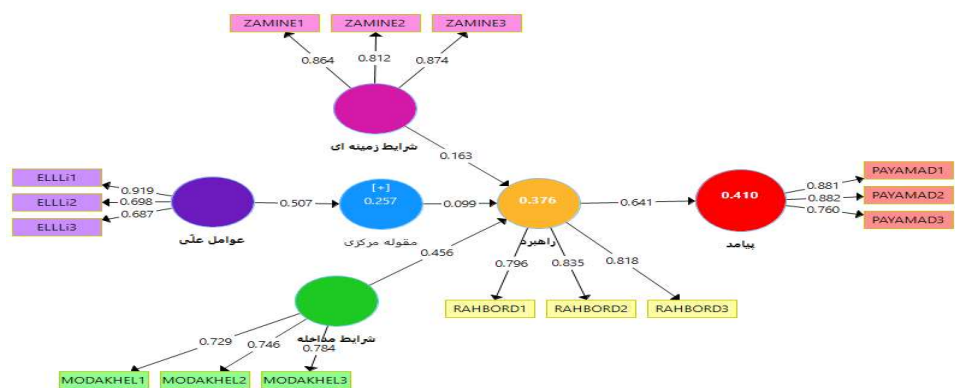
نگهداری و حفظ کارکنان

همان گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، مقوله‌های تعهد و مسئولیت‌پذیری، عزت نفس و نگهداری و حفظ کارکنان به عنوان پیامدهای مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران معرفی شدند. برای بهبود فرایند طبقه‌بندی کدها در قالب مقوله‌ها، ابزار مقایسه‌های نظری به وسیله اشتراوس و کوربین پیشنهاد شده است. بر این اساس، ۱۱۵ کد مستخرج نهایی در قالب ۱۶ مفهوم دسته‌بندی گردید. در شکل ۱، مدل نظری مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران مطابق با ابعاد مدل پارادایمی قابل مشاهده است:

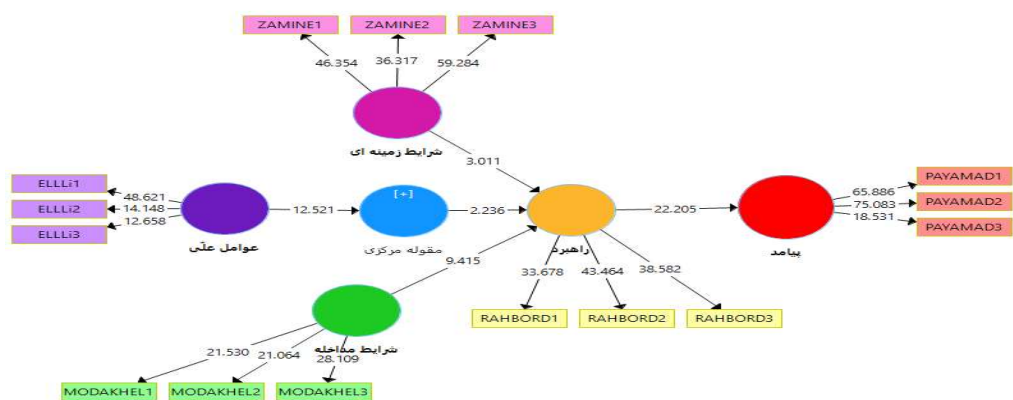


شکل ۱: الگوی نهایی مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان

در این قسمت به بررسی آزمون مدل معادلات ساختاری تحقیق با استفاده از نرم افزار PLS می‌پردازیم.



شکل ۲: مدل ساختاری تحقیق همراه با ضرایب بارهای عاملی



شکل ۳: مدل ساختاری تحقیق همراه با ضرایب معناداری

برای بررسی برازش مدل کلی از معیار GOF استفاده می‌شود که سه مقدار $0/۰۱$ ، $۰/۲۵$ و $۰/۳۶$ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی گردیده است. این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\overline{communalities} \times \overline{R^2}}$$

$\overline{Communalities}$ از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان پژوهش به دست می‌آید.

جدول ۶: میزان Commuality و R² متغیرهای تحقیق

متغیرهای مکنون	Commuality	R ²
راهبرد	۰/۶۶۷	۰/۳۷۶
شرایط زمینه‌ای	۰/۷۲۳	۰/۰۰۰
شرایط مداخله‌گر	۰/۵۶۷	۰/۰۰۰
عوامل علی	۰/۶۰۱	۰/۰۰۰
پیامد	۰/۷۱۱	۰/۴۱۰

۱۱

Commuality	R ²	GOF
۰/۶۵۳	۰/۱۵۶	۰/۳۲۰

با توجه به مقدار به دست آمده برای GOF به میزان ۰/۳۲۰، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود. با توجه به شکل ۳ مدل ساختاری تحقیق، چون ضرایب t بیشتر از ۱/۹۶ به دست آمده‌اند، لذا در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن آنها تأیید می‌شود.

جدول ۷: نتایج رابطه مستقیم و ضرایب معناداری سوال مدل پژوهش

سوال	روابط علی بین متغیرهای پژوهش	GOF	نتیجه آزمون
ششم	آیا مدل مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان از برازش مناسبی برخوردار است؟	۰/۳۲۰	تایید برازش مدل

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران بود. یافته‌ها نشان داد مقوله‌های «جذب نیروی کارآمد»، «ساختار سازمانی» و «شایستگی‌های کارکنان» به عنوان شرایط علی استقرار مدل مدیریت استعداد، مقوله‌های «حمایت و پشتیبانی»، «گردش شغلی» و «ایجاد فرصت» به منزله شرایط زمینه‌ای، مقوله‌های «انعطاف سازمانی»، «توجه به استعداد کارکنان»، «دانش سازمانی» و «ارزیابی» به منزله شرایط مداخله‌گر، مقوله‌های «مشارکت کارکنان در سازمان»، «جانشین‌پروری»، «تفویض اختیار» و «آموزش و ارزشیابی» راه‌حلی جهت استقرار مدل مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان و مقوله‌های «تعهد و مسؤلیت‌پذیری»، «عزت نفس» و «نگهداری و حفظ کارکنان» به عنوان پیامدهای مدیریت استعداد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران معرفی شدند. همچنین مدل‌یابی معادلات ساختاری و روش مربعات جزئی نشان از تایید برازش مدل مذکور داشت که همسو با نتایج پژوهش‌های طاهری و همکاران (۱۴۰۲) نشان معماری و آرای (۱۴۰۲)، کوهی‌خور

و همکاران^۱(۱۳۹۹)، حاجیان و همکاران^۲(۱۴۰۲)، روشن و همکاران^۳(۱۳۹۹)، اموننده و آگ-بیلی^۴(۲۰۲۱)، مارسلو و همکاران^۱(۲۰۱۵)، مود و همکاران^۲(۲۰۱۷) و دوی و همکاران^۳(۲۰۱۵) بود.

با توجه به نتیجه به دست آمده می توان گفت در چند سال اخیر با توجه به ورود فناوری به تمامی کسب و کارها اعم از سازمان های ورزشی و غیرورزشی، توجه به دانش در کسب و کارها و توسعه روز افزون اقتصاد دانش بنیان باعث شده تا مقوله مدیریت استعداد به یک دغدغه ذهنی برای مدیران منابع انسانی تبدیل گردد(بولاندر و همکاران،۲۰۱۷). در چنین زمانی، مدیریت استعدادهای سازمانی، نقش بسیار راهبردی در بهبود عملکرد فردی و سازمانی و ارتقای عملکرد سازمان ها و ایجاد بهره دارد(بونیتون و همکاران^۴،۲۰۱۹). این فرآیند در واقع مجموعه ای از اقدامات سازمانی برای جذب، آموزش و توسعه، توانمندسازی، بسیج و در نهایت حفظ افراد کلیدی و متخصص سازمان است. به این دلیل که سازمان ها به این درک رسیده اند که برای پیشتازی در محیط کسب و کار، به نیروی انسانی با استعداد نیاز فراوانی دارند. به همین دلیل سازمان ها باید از این توانمندی برخوردار باشند که افراد با استعداد را شناخته و با ارائه آموزش لازم به آنها و حفظ و نگهداری شان برای سازمان ارزش بلند مدت ایجاد نمایند(بولاندر و همکاران^۴،۲۰۱۷). مولفه های شناسایی شده این پژوهش می تواند برای سازمان ها و ارگان های شبیه به کارگرفته شود؛ به عبارتی، یکی از مزیت های مهم مدل ۵ بعدی پژوهش این است که می توان آن را برای سازمان های مشابه هم بکار بست، چرا که این مدل به نوعی با فرهنگ و نوع سازمان ها مطابقت دارد و از طرفی، کامل تر از مدل های ارائه شده قبلی می باشد. نگرش استعدادمحور بر بنیان باور مشترک ایجاد می شود. اول اینکه، روسای دانشگاه ها تصدیق کنند که استعداد برای تحقق نیازهای فعلی و آتی سازمان های ورزشی و وزارت ورزش و خود آنها حیاتی است و اینکه استعداد یک ویژگی متمایزکننده برای آنها و سازمان شان ایجاد می کند. دوم اینکه مدیران و معاونان باور داشته باشند که می توان شخصا به افزایش استعداد در دسترس سازمان کمک کنند. بدین طریق با توجه به مولفه های شناسایی شده، این فرایند بدین شرح می تواند انجام پذیرد: در گام نخست، وزارت ورزش باید از نیازها و کمبودهای فعلی استعداد و چالش های پیش روی استعداد، آگاه شود و اطمینان حاصل کند که سازمان در مسیر رسیدن به اهداف، در مسیر درستی قرار دارد. بعد از آنکه مدیران نیازهای استعدادی خود را درک کردند باید سطوح شایستگی عمومی و تخصصی مدیر و معاون به منظور انجام وظایف کاری و تحقق بخشیدن به اهداف راهبردی وزارت را تعیین کنند. برای تعیی سطوح شایستگی عمومی می توان شایستگی هایی در ابعاد شخصیت، هوش هیجانی و مهارت های کلامی، رفتار، نوجویی، آرمان خواهی، قدرت یادگیری و قانون شناسی در نظر گرفت و برای تعیین سطوح شایستگی تخصصی می توان شایستگی هایی در

¹ Marcello et al.

² Mohd et al.

³ Dewi et al.

⁴ Bonneton

ابعاد تخصص، سابقه‌های علمی- پژوهشی و مهارت اجرایی را مد نظر قرار داد. مرحله بعد از شناسایی منابع استعداد، جذب آنهاست. در این مرحله باید به ارزیابی سطوح شایستگیها (غربالگری و گزینش) متقاضیان پرداخت. درگام بعدی وارد مرحله توسعه استعدادهای افراد خواهیم شد. ظاهری و همکاران (۱۴۰۱) هم راستا با نتایج این پژوهش دریافتند که سرمایه‌گذاری‌ها زمانی درست و اثر بخش خواهند بود که برنامه‌های یادگیری و توسعه بر مبنای شکاف صلاحیتی و مهارتی خاص و نیازهای توسعه‌ای افراد طراحی و اجرا گردند. بعد از به‌کارگیری استعدادها، حفظ و نگهداری آنها مرحله بعدی است. در این مرحله، مهمترین عوامل تاثیرگذار بر حفظ و نگهداری افراد، میزان حمایت و پشتیبانی سازمان از آنها می‌باشد.

این پژوهش همانند بسیاری از پژوهش‌های دیگر با محدودیت‌هایی رو به‌رو بوده است. بسیاری از صاحب‌نظران که می‌توانستند کمک فراوانی به شناسایی اعتباریابی مولفه‌ها کنند به دلیل ماهیت شغلی قادر به همکاری نبودند. بنابراین نتایج این پژوهش محدود می‌باشند.

با توجه به قابلیت یادگیری بالای نیروی مستعد پیشنهاد می‌گردد که استعدادپروری، نیازسنجی، طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های توسعه و آموزش این نیروها متناسب با ویژگی‌ها و سبک‌های یادگیری آنها صورت پذیرد و مدیران منابع انسانی قبل از هر اقدامی در این زمینه نسبت به خواست و نظر مدیران ارشد در این حوزه اطمینان حاصل نمایند و از طریق ارائه اطلاعات موردنیاز و رفع ابهامات مطرح به مدیران ارشد کمک نمایند تا تصویر و درک شفافی نسبت به مقوله مدیریت استعداد و تصمیم‌گیری در این زمینه داشته باشند.

منابع

- امیرخانی، طیب؛ ابراهیمی، محمدرضا؛ هادی‌زاده مقدم، اکرم و اخوان خرازیان، مریم. (۱۴۰۱). «طراحی و تبیین مدل مدیریت استعداد (مورد مطالعه: صنعت خودرو)». نشریه چشم‌انداز مدیریت دولتی. ۱۳(۱)، صص ۶۱-۹۰.
- حاجیان، هادی و دانایی، ابوالفضل. (۱۴۰۲). «طراحی مدل ساختاری مدیریت استعداد کارکنان در دانشگاه‌های دولتی». فصل‌نامه رهبری و مدیریت آموزشی. ۱۷(۱)، صص ۲۴۸-۲۷۵.
- روشن، سیدعلیق؛ برزگر، کیوان و یعقوبی، محسن. (۱۳۹۹). «طراحی الگوی بنیادی مدیریت استعداد». نشریه پژوهش‌های مدیریت عمومی. ۱۳(۱)، صص ۱۶۱-۱۸۸.
- طاهری، فاطمه؛ حسین‌پور، محمد و سیادت، سیدعلی. (۱۴۰۲). «شناسایی و اعتباریابی مولفه‌های مدیریت استعداد در دانشگاه علوم پزشکی». مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی. ۱۶(۳)، صص ۲۲۵-۲۰۵.
- قهرمانی، سهیلا؛ نجفی، محسن و مومنی، ماندانا. (۱۴۰۱). «بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت نظام جانشین‌پروری (مورد مطالعه: یکی از سازمان‌های تابعه آجا)». نشریه سرمایه انسانی دفاعی. ۲(۱)، صص ۷۸-۱۰۴.
- گودرزی، نادر؛ اشرف گنجویی، فریده؛ زارعی، علی و حاجی انزهایی، زهرا. (۱۴۰۲). «مدیریت استعداد بر مبنای نوآوری در سازمان ورزشی: فراتحلیلی بر سازمان‌های سلامت‌محور (شهرداری)». تعالی بالینی. ۲(۲)، صص ۵۰-۵۸.
- ظاهری، رشید؛ موسوی، سید جعفر و امامی، فرشاد. (۱۴۰۱). «شناسایی عوامل مؤثر بر مدیریت استعداد در وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران». رویکردهای نوین در مدیریت ورزشی. ۱۰(۳۶)، صص ۱۷۵-۱۶۲.

- کوهی خور، محمد؛ کمالیان، امین رضا؛ یعقوبی، نورمحمد و پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۹). «فراترکیب مدل یکپارچه مدیریت استعداد». نشریه چشم‌انداز مدیریت دولتی. ۱(۱). صص ۱۲۰-۱۴۳.
- معماری، فاطمه و آرای، وحید. (۱۴۰۲). «ارائه الگوی سیاستی نظام مدیریت استعدادها در شبکه بانکی کشور». فصل‌نامه اقتصاد مالی. ۱۷(۳)، صص ۱۰۱-۱۱۱.
- علی‌زاده، رویا؛ فهیم دوین، حسن؛ پیمانی‌زاد، حسین و کشتی‌دار، محمد. (۱۴۰۰). «تدوین شاخص‌های نظری به‌کارگیری مدیریت استعداد در سازمان‌های ورزشی ایران (با رویکرد داده‌بنیاد)». پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۴(۳۶)، صص ۱۴۷-۱۶۰.
- Ahmadi Moghadam, A., Soleimanpour, M. (2019). "Analyzing the relationship between electronic human resource management (e-HRM) and organizational innovation and talent management". Journal of New Approach in Educational Administration, 9(4): 107-126.
- Bagheri, M., Baum, T., Ebrahimi, A., Abbasi, A. (2020). "Talent management in the tourism and hospitality industry, evidence from Iran". Anatolia, 31(1):88-98.
- Bolander, P., Werr, A., Asplund, K. (2017). "The practice of talent management: a framework and typology". Pers Rev, 46(8):1523-1551.
- Bonneton, D., Schworm, SK., Festing, M., Muratbekova-Touron, M. (2019). "Do global talent management programs help to retain talent? A career-related Framework", Human Resource Management, 22: 1-36
- Chung, KL., D'Annunzio-Green, N. (2018). "Talent management practices in smalland- medium sized enterprises in the hotel sector: an entrepreneurial owner-manager perspective". Worldwide Hospitality Tourism Themes, 10(1):101-116.
- Crowley-Henry, M., Al-Ariss, A. (2018). "Talent management of skilled migrants: propositions and an agenda for future research". Human Resource Management, 29(13):2054-2079.
- Cui, W., Khan, S., Tarba, Z. (2018). "Strategic talent management in service SMEs of China". Thunderbird Int Bus Rev, 60(1):9-20.
- Dewi, T., Roslan, Badrul, A. (2015). "Developing Talent Management Crisis Model for Quality Life of Bank Employees in Malaysia". Procedia - Social and Behavioral Sciences. Volume 201, Pages 80-84
- Den Broek, J. V., Boseli, P., Paauwe, J. (2018). "Cooperative innovation through a talent management pool: A qualitative study on coopetition in healthcare". European Management Journal, 76: 1- 10.
- Golubovskaya, M., Solnet, D., Robinson, RNS. (2019). "Recalibrating talent management for hospitality: a youth development perspective". Contemp Hosp Management, 31(10):4105-4125.
- Harsch, K., Festing, M. (2020). "Dynamic talent management capabilities and organizational agility-a qualitative exploration", Human Resource Management, 59(1):43-61.
- Ingrama, T., & Gloda, W. (2022). "Talent Management in Healthcare Organizations: Qualitative Research Results". Procedia Economics and Finance, 39, 339-346.
- Katarzyna, N. (2016). "TALENT MANAGEMENT AS A KEY ASPECT OF HUMAN RESOURCES MANAGEMENT STRATEGY IN CONTEMPORARY ENTERPRISE". Maria Curie-Skłodowska University in Lublin, Poland.
- Khoreva, V., Kostanek, E. (2019). "Evolving talent management patterns and challenges in Russia and Kazakhstan investigating employer perspective". Balt J Management, 14(3):411-426.
- King, KA., Vaiman, V. (2019). "Enabling effective talent management through a macro-contingent approach: a framework for research and practice". Bus Res Q .. 22(3), 194-206.
- Kravariti, F., Johnston, K. (2020). "Talent management: a critical literature review and research agenda for public sector human resource management". Public Management Rev, 22(1):75-95.
- Marinakou, E., Giousmpasoglou, C. (2019). "Talent management and retention strategies in luxury hotels: evidence from four countries". Contemp Hosp Management, 31(10):3855-3878.
- Marcelo, C. Butter, A. (2015). "Intercultural Talent Management Model: Virtual communities to promote collaborative learning in indigenous contexts. Teachers' and students' perceptions". Computers in Human Behavior. Volume 51, Part B, Pages 1191-1197.

- Mohd, I. Mohd, H. Shuhaida, SH. (2017). **“Talent Management and Teacher Leadership Talent Development in High Performing School in Malaysia”**. International Journal of Educational Best Practices, Vol. 1, Number 1.
- Meyers, MC., Van Woerkom, M., Paauwe, J., Dries, N. (2020). **“HR managers’ talent philosophies: prevalence and relationships with perceived talent management practices”**. Human Resource Management, 31(4):562–588.
- Omotunde, O, I., Alegbeleye, G, O. (2021). **“Talent management practices and job performance of librarians in university libraries in Nigeria”**. The Journal of Academic Librarianship, 47:1- 13.
- Saadat V, Eskandari Z. (2016). **“Talent management: The great challenge of leading organizations”**. International Journal of Organizational Leadership. 5:103-9.
- Turner P, Glaister A, Al Amri R. (2016). **“Developing talent strategies: Research based practice in Oman”**. International Journal of Human Resource Development Practice Policy and Research, 1(1):53-64.
- Yazdani M, Mohebbi S, Bagheri M, Ranjbar, MH. (2020). **“A Comparative Study of Talent Management Models: Lessons for Iran's Human Resources System”**. Iranian Journal of Comparative Education, 3(1):609-23.

تدوین مدل توانمندسازی کارکنان بر اساس سرمایه اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای در ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری

طهماسب شیروانی^۱

روح اله اسدی^۲

[10.22034/ssys.2022.2057.2466](https://doi.org/10.22034/ssys.2022.2057.2466)



تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

هدف از تحقیق حاضر، تدوین مدل توانمندسازی کارکنان بر اساس سرمایه اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای در ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری بود. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، میدانی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری بود. نمونه آماری به صورت کل شمار و برابر با جامعه آماری انتخاب شده است. ابزار تحقیق شامل پرسش‌نامه سرمایه اجتماعی توسط ناهایت و گوشال (۱۹۹۸)، توانمندسازی اسپیتز (۱۹۹۵) و اخلاق حرفه‌ای کرستن و همکاران (۲۰۱۱) بود که روایی و پایایی آنها مورد تایید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی در قالب مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای Smart PLS2 و SPSS19 استفاده گردید.

نتایج تحقیق نشان داد که مدل پیشنهادی تحقیق از برازش مناسبی برخوردار است ($GOF=0/586$). بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی کارکنان ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین ۴۹/۴ درصد از اثر سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی کارکنان از طریق غیرمستقیم و توسط متغیر میانجی اخلاق حرفه‌ای تبیین شده است. با توجه به یافته‌ها، نتیجه گرفته می‌شود سرمایه اجتماعی کارکنان از طریق افزایش اخلاق حرفه‌ای باعث توسعه توانمندسازی آنها می‌شود و مدیران جهت افزایش توانمندسازی کارکنان باید به تقویت سرمایه اجتماعی در آنها اهتمام ویژه داشته باشند.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توانمندسازی، اخلاق حرفه‌ای و ورزش و جوانان.

مقدمه

^۱ استادیار، مدیریت ورزشی، دانشکده گردشگری دانشگاه تهران، تهران، ایران (ویسنده مسئول)

E-mail: Tahma.shirvani@ut.ac.ir

^۲ دکترای مدیریت دولتی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

ورزش از عوامل بسیار مهم و اساسی در تأمین سلامت و نشاط جامعه است و توجه به فعالیت‌های ورزشی، نقش به‌سزایی در رونق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد. برای مدیران، تلاش برای تأمین توانمندسازی منابع انسانی سازمان، حفظ و ارتقای سطح آن، نسبت به سایر فعالیت‌ها و وظایفی که برعهده دارند در اولویت قرار دارد. ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران به عنوان بالاترین نهاد ورزشی در زمینه ارتقای ورزش کشور نقش اساسی دارد. هدف وزارت ورزش و جوانان در استان‌ها، پرورش نیروی جسمانی و تقویت روحیه سالم در افراد و توسعه و تعمیم ورزش و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های تربیت‌بدنی و تفریحات سالم و همچنین ایجاد و اداره امور مراکز ورزش و توسعه ورزش کشور در بخش ورزش قهرمانی و همگانی است که این خود عاملی در رشد و توسعه در همه جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی کشور می‌باشد (کیانی، شعبانی بهار و عرفانی، ۹۶: ۹۵). چنانچه سازمان‌ها بخواهند از رشد و بالندگی بهره‌مند گردند، باید از کارکنان و مدیرانی برخوردار باشند که توجه ویژه‌ای به معقوله توانمندسازی داشته باشند و در این زمینه برای افزایش عملکرد شغلی از اخلاق حرفه‌ای و سرمایه اجتماعی در سازمان استفاده کنند.

امروزه یکی از مهمترین چالش‌های سازمان‌ها، عدم استفاده کافی و درست از توان کارکنان می‌باشد. کارکنان مهمترین دارایی‌های یک سازمان هستند، چرا که بیشترین هزینه‌های سازمان مربوط به این حوزه می‌باشد و بدون آنها دستیابی به اهداف سازمان امکان‌پذیر نیست (هاشمی و پور امین‌زاده، ۱۳۹۶: ۴). در واقع، دارایی هر سازمان نیروی انسانی و کیفیت و توانمندسازی نیروی انسانی، مهمترین عامل بقا و حیات سازمان است. کارمندان توانمند، سازمان را توانمند می‌کنند (محمودزاده سیستانی و رافتی، ۱۳۹۹: ۳۸). تغییر در سازمان‌های عصر حاضر، به تغییر در نگرش آن‌ها به منابع انسانی منجر شده است. در این شرایط کارکنان سازمان به‌عنوان سرمایه سازمان، به گردانندگان اصلی جریان کار و شرکای سازمان تبدیل شده‌اند. بنابراین، صرف داشتن مهارت‌های رهبری برای مدیریت کافی نیست و کارکنان نیز به روش‌های خودرهبری نیازمند هستند. برای دستیابی به این ویژگی سازمان باید مهم‌ترین منبع و عامل رقابتی خود، یعنی منابع انسانی را توانمند سازد (هورتادو، ایچيرو و سودارسکی^۱، ۲۰۱۲: ۴۵۹). توانمندسازی کارکنان موجب اثرات مثبت بر نگرش و رفتار کارکنان است. بنابراین در این شرایط متلاطم کنونی، سازمان‌ها چاره‌ای جز بهره‌برداری مناسب از منابع انسانی به‌عنوان یک مزیت رقابتی ندارند. (سویفان، دیاب، الهیاری و سوویس^۲، ۲۰۲۰: ۴۱۰). در این بین، سرمایه اجتماعی مانند سرمایه‌های دیگر بستر مناسبی برای دسترسی به فرصت‌ها و اهداف سازمان را آماده ساخته و یکی از منابع مهم موفقیت سازمانی و اجتماعی محسوب می‌شود. در عصر کنونی مدیران برای توسعه، بیشتر از آن‌که به سرمایه‌های فیزیکی احتیاج داشته باشند به سرمایه اجتماعی نیازمند هستند. سرمایه اجتماعی مجموع منابع بالقوه و واقعی است که در شبکه روابط بین افراد نهفته است (ویل و لی^۳، ۲۰۱۲: ۱۱۰). از مزایایی

¹ Hurtado, Ichiro & Sudarsky

² Suifan, Diab, Alhyari & Sweis

³ Weil & Lee

سرمایه اجتماعی این است که باعث افزایش ارتباطات متقابل و اعتماد و صمیمیت و همکاری در بین افراد می شود (هورتادو و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۵۹). تحقیقاتی در زمینه ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی منابع انسانی صورت گرفته است. نتایج تحقیقات متعدد حاکی از آن است که ارتقای سرمایه اجتماعی در سازمان ها می تواند عاملی برای بهبود توانمندسازی در بین مدیران و کارکنان باشد (کشاورزی، حسینی، حیدری نسب و آمده، ۱۳۹۰: ۳۳۵ و نصر اصفهان، فرخی و امیری، ۱۳۹۵: ۱۱۲ و کاظمی، یعقوبی و نعیمی، ۱۳۹۷: ۱۴۹ و هیدالگو وهریس، ۲۰۱۸: ۲۱۵۳). صاحب نظران رفتار سازمانی معتقدند سرمایه اجتماعی به عنوان منبعی از لحاظ اخلاقی مثبت است که در ارتباط با روابط اجتماعی و شبکه قرار می گیرد و در جهت منافع مشترک بین اجتماع و یا سازمان و ارزش های اخلاقی استفاده خواهد شد (زارعی متین، شمسی و ادیب زاده، ۱۳۹۶: ۲۸). سرمایه اجتماعی، اخلاق حرفه ای را از طریق روابط اجتماعی، شبکه و غیره ایجاد می کند. اعتماد متقابل در شبکه اجتماعی محدود، از طریق دستیابی به یک هدف مشترک در جهت منافع اجتماعی گسترده تر، سرمایه اجتماعی را شکل می دهد (فریس^۱، ۲۰۱۴: ۱۰۵). کرستن، گارزا و اسلوتر^۲ (۲۰۱۱: ۸۹) مؤلفه های هشتگانه ای را برای اخلاق حرفه ای بیان کردند که شامل مسئولیت پذیری، صادق بودن، عدالت و انصاف، وفاداری، برتری جویی و رقابت طلبی، احترام به دیگران، همدردی با دیگران و رعایت و احترام نسبت به ارزش ها و هنجارهای اجتماعی بوده است که در تحقیق حاضر نیز از این مؤلفه ها برای ارزیابی اخلاق حرفه ای بهره گیری شد. نتایج تحقیقات متعددی حاکی از آن است که بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و اخلاق حرفه ای ارتباط مستقیم و معنی داری وجود دارد (عطاپور، حسنی و قلاوندی، ۱۳۹۶: ۱۲۸ و علی زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲ و پورحسن، ۱۳۹۷: ۸۵ و آیوس، جیورسن، منینگ و اسپنس^۳، ۲۰۱۴: ۱۰۸ و مارتینز، گنزالز و نیتو^۴، ۲۰۲۱: ۱) از طرفی دیگر، یکی از متغیرهایی که می تواند تحت تاثیر ارزش های اخلاقی و اخلاق حرفه ای در محیط کار قرار گیرد، توانمندسازی کارکنان است. مدیران سازمان ها از طریق تشویق و توانمندسازی، کارکنان خود را برمی انگیزند تا منافع گروهی را به عنوان منافع خود برگزینند و از راهبردهای توانمندسازی برای کارآمدی و اعتماد به نفس کارکنان به اشکال مختلف بهره می گیرند. سازمان های اخلاق مدار، رفتار نوع دوستانه را در میان اعضای سازمان رواج می دهند و در نتیجه از کارکنان انتظار می رود به جای رقابت، وابستگی متقابل بیش تری داشته باشند و بر مشارکت تاکید بیشتری کنند و با شایستگی و توانمندی بیشتری در راستای اهداف سازمان تلاش کنند. محمودزاده سیستانی و رافتی (۱۳۹۹: ۳۸) در پژوهشی به بررسی تاثیر اخلاق حرفه ای در توانمندسازی کارکنان رسمی سازمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی مشهد پرداخته اند که نتایج این تحقیق نشان داد اخلاق حرفه ای ارتباط مثبت و معناداری با توانمندسازی کارکنان دارد و می تواند عاملی مؤثر و قدرتمند برای توانمندسازی محسوب شود. نتایج تحقیقات متعددی حاکی از

¹ Frith

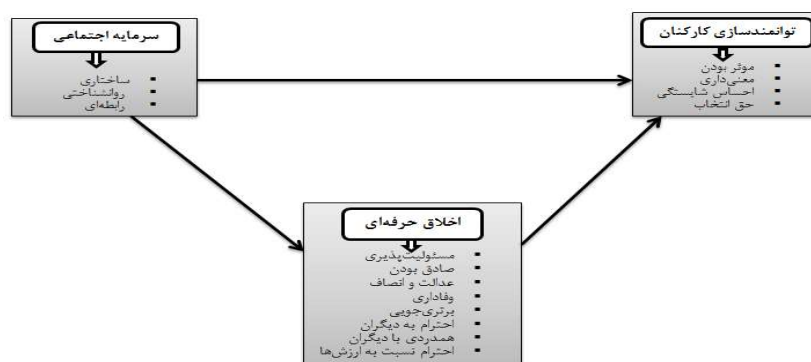
² Christian, Garza & Slaughter

³ Ayios, Jeurissen, Manning & Spence

⁴ Martínez, González & Nieto

آن است که بین ابعاد مختلف اخلاق حرفه‌ای و توانمندسازی ارتباط مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (غریب‌زاده، جاهدی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۳۹ و ایایوکیلی، والتی، گاگلیاردی و انتانن^۱، ۲۰۱۸: ۲ و سویفان و همکاران، ۲۰۲۰: ۴۱۰). از آنجا که توانمندسازی کارکنان به بسترسازی اولیه و مناسب در محیط سازمان نیاز دارد، در سازمان‌هایی که عوامل موثر بر توانمندسازی به طور صحیح و کامل اجرا می‌شود، می‌توان اطمینان داشت که بهترین استفاده از نیروی انسانی صورت می‌پذیرد. از طرفی یکی از متغیرهای مهم در سازمان‌ها، اخلاق حرفه‌ای کارکنان است. رعایت اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها به خصوص سازمان‌های ورزشی با دستورالعمل و شیوه‌نامه میسر نمی‌شود و مدیران این سازمان‌ها باید با ایجاد جو سازمانی مناسب به این امر دست یابند. در این بین به نظر می‌رسد نقش سرمایه اجتماعی بسیار بارز است و مدیران می‌توانند با شناسایی، اعمال و ایجاد سرمایه اجتماعی و تمرکز بر آن به افزایش اصول اخلاق حرفه‌ای مبادرت ورزند. ترویج اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها، نه تنها محیط با نشاط و مساعدی برای افزایش بهره‌وری می‌آفریند، بلکه نقش مؤثری در تبدیل پتانسیل‌های بالقوه به بالفعل منابع انسانی سازمان دارد و می‌تواند به کارکنان اعتماد به نفس بالایی ببخشد. لذا با توجه به مطالب یاد شده و پیشینه تحقیق، مدل مفهومی پژوهش در برگرفته سه متغیر سرمایه اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای و توانمندسازی کارکنان است. به رغم پیوند این سه متغیر در مبانی نظری به شکل مفهومی، در هیچ پژوهشی به صورت تجربی رابطه این سه متغیر بررسی نشده است. نوآوری پژوهشگر در این پژوهش آن است که این ارتباط را در سطح عملیاتی و تجربی دنبال کرده و با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری این رابطه را در محیط ادارات ورزش و جوانان آزموده است. در واقع محققان در این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستند:

نقش میانجی‌گری اخلاق حرفه‌ای در بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی کارکنان اداره ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری چگونه است؟



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات، میدانی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری به تعداد ۱۶۱ نفر بوده

¹ Iavicoli, Valenti, Gagliardi & Rantanen

است که نمونه آماری به صورت کل شمار و برابر با جامعه آماری انتخاب شد. بعد از توزیع پرسش نامه ها، ۹۴/۴ درصد از آن ها (۱۵۲ پرسش نامه) که قابلیت تجزیه و تحلیل داشتند، جمع آوری شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسش نامه سرمایه اجتماعی، توانمندسازی و اخلاق حرفه ای کارکنان و متغیرهای جمعیت شناختی بوده است. «پرسش نامه سرمایه اجتماعی» توسط ناهاپیت و گوشال^۱ (۱۹۹۸) ساخته شد که شامل ۲۴ سؤال و حاوی ۳ بعد ساختاری، روان شناختی و رابطه ای می باشد. این پرسش نامه بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) می باشد. برای ارزیابی توانمندسازی کارکنان از «پرسش نامه توانمندسازی» اسپیتز^۲ (۱۹۹۵) استفاده شده است که شامل ۱۲ سؤال و دارای نمره گذاری لیکرت ۵ گزینه ای است. این پرسش نامه دارای ۴ زیر مقیاس است: موثر بودن، معنی داری، احساس شایستگی و حق انتخاب. «پرسش نامه اخلاق حرفه ای» کرستن و همکاران (۲۰۱۱) ۱۶ سؤالی است که اخلاق حرفه ای کارکنان را در هشت بعد مسئولیت پذیری، صادق بودن، عدالت و انصاف، وفاداری، برتری جویی و رقابت طلبی، احترام به دیگران، همدردی با دیگران و رعایت و احترام نسبت به ارزش ها و هنجارهای اجتماعی در طیف پنج ارزشی لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) مورد اندازه گیری قرار داده است. همچنین متغیرهای فردی افراد نمونه شامل سن، جنسیت، سطح تحصیلات، نوع استخدام و سابقه خدمت بوده است. برای تعیین روایی صوری و محتوایی، پرسش نامه های تحقیق بین ۱۲ نفر از اساتید مدیریت ورزشی توزیع گردید. در بررسی کیفی روایی صوری پرسش نامه مواردی مانند یافتن سطح دشواری، میزان عدم تناسب، ابهام، عبارات و یا وجود نارسایی در معانی کلمات انجام گرفت که نظرات متخصصان به صورت تغییراتی جزئی در پرسش نامه اعمال شد. در بخش روایی محتوایی مواردی مانند دستور زبان، استفاده از کلمات مناسب، اهمیت سوالات، قرارگیری سوالات در جای مناسب خود مورد بررسی قرار گرفت. پس از عودت پرسش نامه ها و دریافت نظرات و پیشنهادها ارائه شده، پرسش نامه نهایی تدوین گردید. همچنین به منظور بررسی روایی همگرا و واگرا پرسش نامه ها از نرم افزار PLS استفاده گردید. برای بررسی روایی همگرا از شاخص AVE^۳ (میانگین واریانس استخراج شده) بهره گیری شد که نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر متغیر با سوالات خود است. همچنین برای بررسی روایی واگرا از شاخص فورنل و لارکر^۴ (۱۹۸۱) استفاده گردید که میزان رابطه یک متغیر با سوالاتش در مقایسه رابطه آن متغیر با سایر متغیرهاست. نتایج مربوط به روایی همگرا و واگرا در بخش نتایج تحقیق ارائه شده است. به منظور تعیین پایایی پرسش نامه نیز از روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده گردید. معیار آلفای کرونباخ، یک معیار سنتی برای تعیین پایایی سازه ها می باشد، در حالی که روش حداقل مربعات جزئی^۵ (PLS) معیار پایایی ترکیبی را به کار می برد و برتری نسبی آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه ها نه به صورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سازه هایشان با یکدیگر محاسبه می شوند. در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی^۶ (CR) هر سازه بالای ۰/۷ شود، مدل های اندازه گیری، از پایداری

¹ Nahapiet & Ghoshal

² Spreitzer

³ Average Variance Extracted

⁴ Fornell & Larker

⁵ Partial Least Squares

⁶ Composite Reliability

درونی مناسب برخوردارند و اگر این مقدار کمتر از ۰/۶ باشد، فقدان پایایی را نشان می‌دهد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵: ۶۷).

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)
سرمایه اجتماعی	۲۴	۰/۸۶	۰/۸۸
توانمندسازی	۱۲	۰/۸۳	۰/۸۵
اخلاق حرفه‌ای	۱۶	۰/۸۶	۰/۸۶

همانطور که در جدول ۱ مشخص شده است، مقادیر مربوط به پایایی متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰/۷ می‌باشد، که نشان از پایایی مناسب پرسشنامه‌های پژوهش حاضر دارد. برای آزمون مدل این پژوهش از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم افزار Smart PLS استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

بررسی عوامل جمعیت‌شناختی نمونه آماری نشان داد از مجموع ۱۵۲ پرسش‌نامه برگشتی از نمونه آماری، ۸۱ درصد مرد (۱۲۳ نفر) و ۱۹ درصد زن (۲۸ نفر) بودند. بیشترین سابقه شغلی آنها در طبقه ۵ تا ۱۱ سال، ۴۶ درصد بود. همچنین بررسی سطح تحصیلی شرکت‌کنندگان نشان داد بیشتر کارکنان دارای مدرک کارشناسی (۳۵ درصد) و از طریق استخدام قراردادی (۵۱ درصد) مشغول به کار هستند.

به منظور اجرای مدل‌سازی معادله ساختاری توجه به پیش فرض هم‌خطی چندگانه حائز اهمیت است. اگر هم‌خطی در یک معادله رگرسیون بالا باشد، بدین معنی است که بین متغیرهای مستقل همبستگی بالایی وجود دارد و اعتبار مدل زیر سوال می‌رود. از طرف دیگر، یک ارتباط علی وقتی تأیید می‌شود که بتوان نشان داد هیچ متغیر دیگری بر رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته از طریق هم‌خطی بالا با متغیر مستقل تأثیر نمی‌گذارند. در این حالت است که می‌توان ادعا کرد، هم‌خطی وجود ندارد و یا تأثیر آن خیلی اندک است و می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. در پژوهش حاضر به منظور بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل در مدل معادله ساختاری از مقادیر مربوط به دو شاخص تورم واریانس^۱ و ضریب تحمل^۲ استفاده گردیده است که نشان‌دهنده میزان هم‌خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشند (جدول ۳).

جدول ۳: برآورد هم‌خطی چندگانه با استفاده از شاخص ضریب تحمل و عامل تورم واریانس

شاخص‌های هم‌خطی چندگانه		متغیرها
عامل تورم واریانس	شاخص تحمل	
۲/۰۱۲	۰/۴۸۱	سرمایه اجتماعی
۲/۳۰۴	۰/۵۱۹	توانمندسازی

^۱Variance Inflation Factor (VIF)

^۲Tolerance

با مدنظر قرار دادن نقطه برش مربوط به شاخص‌های تحمل و عامل تورم واریانس که به ترتیب ۰/۴ و ۲/۵ است (بیشتر از ۰/۴ بودن شاخص تحمل و کمتر از ۲/۵ بودن عامل تورم واریانس) (بایرن^۱، ۲۰۱۰) نتایج این دو شاخص در پژوهش حاضر بیانگر عدم وجود هم‌خطی چندگانه و یا به عبارتی مطلوبیت این پیش‌فرض است. برازش مدل تحقیق در سه بخش انجام شده است: ۱) برازش مدل‌های اندازه‌گیری، ۲) برازش مدل‌های ساختاری و ۳) برازش مدل کلی. به این ترتیب که ابتدا، از صحت روابط موجود در مدل‌های اندازه‌گیری با استفاده از معیارهای پایایی و روایی اطمینان حاصل گردید و سپس به بررسی و تفسیر روابط موجود در بخش ساختاری پرداخته و در مرحله پایانی نیز برازش کلی مدل پژوهش بررسی شد. مدل اندازه‌گیری، مربوط به بخشی از مدل کلی می‌شود که در برگیرنده یک متغیر به همراه سوالات مربوط به آن است. برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شده است.

سنجش بارهای عاملی: بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی سوالات یک متغیر با آن متغیر محاسبه می‌شوند که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۴ شود، مؤید این مطلب است که واریانس بین متغیر و سوالات آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن متغیر بیشتر بوده و پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است (هالند^۲، ۱۹۹۹: ۱۹۵). نتایج مربوط به بارهای عاملی سوالات مدل‌های اندازه‌گیری و ضرایب معناداری (t-values) مربوط به آنها، در شکل ۲ و ۳ قابل مشاهده است. همانطور که در شکل ۳ مشخص است، تمامی ۵۲ ضرایب بارهای عاملی گویه‌ها از ۰/۴ بیشتر است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. با توجه به ضرایب معناداری t سوالات که همه بالاتر از ۱/۹۶ می‌باشد (شکل ۲)، می‌توان بیان کرد که بارهای عاملی همه سوالات در سطح ۹۵ درصد معنادار هستند و نیازی به حذف هیچ‌کدام از سوالات نیست (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵: ۶۷).

آلفای کرونباخ و پایایی مرکب: دومین معیار برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش PLS، محاسبه و گزارش ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهاست. مقادیر مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی مرکب در بخش روش تحقیق بیان شده است.

روایی همگرا: روایی همگرا بعد از پایایی دومین معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش PLS به کار برده می‌شود. معیار AVE (میانگین واریانس استخراج شده) نشان‌دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر متغیر با سوالات خود است. به بیان ساده‌تر، AVE میزان همبستگی یک متغیر با سوالات خود را نشان می‌دهد که هرچه همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. مقدار بحرانی برای معیار AVE که برای سنجش روایی همگرا معرفی شده است، ۰/۵ می‌باشد؛ بدین معنی که مقدار AVE بالای ۰/۵ روایی همگرای قابل قبول را نشان می‌دهد (بارکلای، هیگینز و تامپسون^۳، ۱۹۹۵: ۲۸۵). ضرایب مربوط به AVE متغیرهای تحقیق در جدول ۴ مشخص شده است.

¹ Bayern

² Hultand

³ Barclay, Higgins & Thompson

جدول ۴: ضرایب AVE متغیرهای تحقیق

متغیر	AVE (میانگین واریانس استخراج شده)
سرمایه اجتماعی	۰/۶۵
توانمندسازی	۰/۷۷
اخلاق حرفه‌ای	۰/۵۹

با توجه به بالا بودن ضرایب AVE نشان داده شده در جدول ۴ که بالای ۰/۵ هستند، می‌توان بیان کرد که مدل تحقیق از روایی همگرای مناسب برخوردار است.

روایی واگرا: روایی واگرا سومین شاخص سنجش برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش PLS است. فورنل و لارکر^۱ (۱۹۸۱: ۳۹) روشی را برای تعیین میزان روایی واگرای مدل‌های اندازه‌گیری تعیین نمودند. در این روش میزان رابطه یک متغیر با سؤالاتش در مقایسه رابطه آن متغیر با سایر متغیرهاست؛ به‌طوری‌که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک متغیر در مدل تعامل بیشتری با سؤالات خود دارد تا با سؤالات دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر متغیر بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن متغیر و متغیرهای دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین متغیرها) در مدل باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱: ۳۹). جدول ۵، ماتریس مربوط به روایی واگرای مدل‌های اندازه‌گیری تحقیق را نشان می‌دهد:

جدول ۵: ماتریس روایی واگرای مدل اندازه‌گیری

اخلاق حرفه‌ای	توانمندسازی	سرمایه اجتماعی	متغیر
-	-	۰/۸	سرمایه اجتماعی
-	۰/۸۷	۰/۷۲	توانمندسازی
۰/۷۶	۰/۶۹	۰/۶۷	اخلاق حرفه‌ای

همان‌گونه که از جدول ۵ برگرفته از روش فورنل کورنر (۱۹۸۱) مشخص می‌باشد، مقدار جذر AVE متغیرها در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آنها در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند بیشتر است. از این رو، می‌توان اظهار داشت که در پژوهش حاضر، متغیرها در مدل تحقیق حاضر تعامل بیشتری با سؤالات خود دارند تا با متغیرهای دیگر. به بیان دیگر، روایی واگرای مدل در حد مناسب است.

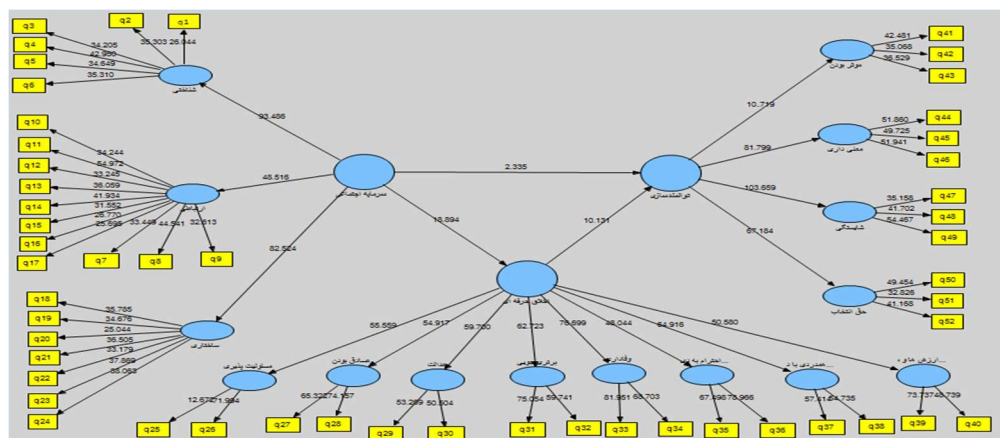
شاخص‌های ارزیابی برازش مدل ساختار: به منظور برازش مدل ساختاری، به ترتیب شاخص‌های ارزیابی زیر صورت گرفت: ۱. اعداد معناداری $t(t\text{-values})$ ، ۲. شاخص R^2 ، ۳. شاخص Q^2 و ۴. شاخص افزونگی. اعداد معناداری $t(t\text{-values})$: ابتدایی‌ترین شاخص برای سنجش رابطه بین متغیرها در مدل (بخش ساختاری)، اعداد معناداری t است. در صورتی که مقدار این اعداد در سطح ۹۵ درصد از ۱/۹۶ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه‌ی

¹ Fornell, & Larcker

بین متغیرها دارد. شکل ۲، مقادیر t -values را برای ارزیابی بخش ساختاری مدل تحقیق را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در شکل ۳ قابل مشاهده است، تمامی ضرایب معناداری t از ۱/۹۶ بیشتر بوده و این حاکی از معنادار بودن تمامی مسیرهای مشخص شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد و مناسب بودن مدل ساختاری دارد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵: ۶۷).

شاخص R^2 : برازش بخش ساختاری مدل بوسیله شاخص R^2 تعیین می‌شود. هنسeler و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 معرفی نموده‌اند. ضرایب مربوط به R^2 متغیرهای درون‌زای مدل ساختاری در جدول ۶ قابل مشاهده است. با توجه به مقادیر R^2 در جدول ۶، می‌توان بیان کرد که مدل ساختاری پژوهش از برازش قوی برخوردار است.

شاخص Q^2 : این شاخص که توسط استون و گیزر^۲ (۱۹۷۵: ۱۱۱) معرفی شد، قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. هنسeler، رینگل و سینوکویس^۳ (۲۰۰۹: ۲۷۷) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد متغیرهای درون‌زا سه مقدار ۰/۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را تعیین نمودند که به ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی متغیر و یا متغیرهای برون‌زای مربوط به آنرا دارد. در جدول ۶ مقادیر مربوط به Q^2 متغیرهای مدل تحقیق حاضر مشخص شده است. با توجه به اینکه مقدار Q^2 برای تمامی متغیرهای درون‌زای مدل تحقیق حاضر بیشتر از ۰/۳۵ می‌باشد، نشان از قدرت پیش‌بینی قوی متغیرهای برون‌زای مربوط به آنها را دارد و در نتیجه می‌توان بیان کرد که قدرت پیش‌بینی مدل ساختاری تحقیق مناسب و قوی می‌باشد.



شکل ۲: مقادیر t -values برای ارزیابی بخش ساختاری مدل

شاخص افزونگی: این شاخص نشان‌دهنده مقدار تغییرپذیری سؤالات یک متغیر درون‌زاست که از یک یا چند متغیر برون‌زا تأثیر می‌پذیرد. در مورد مقدار ملاک شاخص افزونگی عددی بیان نشده و فقط مثبت بودن آن حائز اهمیت

¹ Henseler

² Stone-Geisser

³ Henseler, Ringle & Sinkovics

است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵: ۶۷). جدول ۶ ضرایب مربوط به شاخص افزونگی متغیرهای مدل تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.

جدول ۶: مقادیر مربوط به شاخص‌های ارزیابی برازش مدل ساختاری

متغیر	R2	Q2	شاخص افزونگی
سرمایه اجتماعی	-	۰/۴۱۸	-
توانمندسازی	۰/۹۶۰	۰/۵۰۱	۰/۷۳۶
اخلاق حرفه‌ای	۰/۴۸۶	۰/۳۹۲	۰/۵۳۹

شاخص ارزیابی برازش بخش مدل کلی: مدل کلی شامل هر دو بخش مدل‌های اندازه‌گیری و معادلات ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی تنها از یک شاخص به نام شاخص نیکویی برازش GOF استفاده می‌شود و از آن می‌توان برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل تحقیق بصورت کلی استفاده کرد. وتزلز، اودکرکن و والوپن^۱ (۲۰۰۹: ۱۷۷) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی کرده‌اند.

مقدار GOF برای مدل تحقیق ۰/۵۸۶ به دست آمد. با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است و حصول مقدار ۰/۵۸۶ برای GOF در مورد مدل تحقیق، برازش بسیار مناسب مدل کلی آن تأیید می‌گردد.

آزمودن فرضیه‌های تحقیق: پس از برازش مدل‌های اندازه‌گیری، مدل ساختاری و مدل کلی، اجازه بررسی و آزمودن فرضیه‌های تحقیق به وجود آمده است. با توجه به مقادیر t روابط بین متغیرهای مدل و ضرایب استاندارد شده مدل پژوهش در شکل ۲ و ۳، نتایج معناداری فرضیه‌های تحقیق و همچنین ضرایب استاندارد مربوط به هر کدام در جدول ۷ مشخص شده است.

جدول ۷: بررسی فرضیه‌های تحقیق

ردیف	مسیر (فرضیه)	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه آزمون
۱	سرمایه اجتماعی <----- اخلاق حرفه‌ای	۰/۶۹۸	۱۸/۸۹۴	پذیرش فرضیه
۲	اخلاق حرفه‌ای <---- توانمندسازی	۰/۷۹۸	۱۰/۱۳۱	پذیرش فرضیه
۳	سرمایه اجتماعی <---- توانمندسازی	۰/۵۷	۲/۳۳۵	پذیرش فرضیه

همانطور که در جدول ۷ قابل مشاهده است، با توجه به ضریب مسیر و آماره t ، کلیه فرضیه‌های تحقیق مورد پذیرش قرار گرفتند.

¹ Wetzels, Odekerken, & Vanoppen

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که با توجه به ضریب مسیر در مدل تحقیق (۰/۶۹۸)، بین سرمایه اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد (جدول ۷) و فرضیه اول تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحقیق در این فرضیه با نتایج تحقیق عطاپور و همکاران (۱۳۹۶: ۱۲۸)، علی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷: ۵۲)، آیوس و همکاران (۲۰۱۴: ۱۰۸) و مارتینز و همکاران (۲۰۲۱: ۱) همخوانی دارد. در این راستا پورحسن (۱۳۹۷: ۸۵) بیان می‌کند اگر سازمان دارای مسئولیت اجتماعی بالایی باشد و سرمایه اجتماعی بالایی را در کارکنان خود داشته باشد، مدیران و کارکنان موارد اخلاقی را به‌خوبی رعایت می‌کنند. بعد شناختی سرمایه اجتماعی در برگیرنده میزان اشتراک کارکنان درون یک شبکه اجتماعی در یک دیدگاه یا درک مشترک میان آنان است و مانند بعد ارتباطی به ماهیت ارتباطات میان افراد در یک سازمان می‌پردازد (علی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۲). همچنین عطاپور و همکاران (۱۳۹۶: ۱۲۸) در پژوهش خود تحلیل کرده‌اند که طبق نظریه بورديو، کارکنان در طول زمان و با توجه به شرایط، به رفتارهای خود معنی می‌بخشند. اگر سازمان دارای مسئولیت اجتماعی باشد و سرمایه اجتماعی بالایی را در بین کارکنان خود داشته باشد، مدیران و کارکنان موارد اخلاقی را به‌خوبی رعایت می‌کنند.

این ارتباط متقابل همراه با درک متقابل می‌تواند بین کارکنان احترام به وجود آورد و در زمان مشکلات و تعارضات بین کارکنان یک نوع احساس همدردی بین آنها القا نماید و باعث بروز رفتارهای اخلاقی مثبت گردد. در بعد ساختاری سرمایه اجتماعی نیز وقتی فرایند تصمیم‌گیری و اطلاعات مربوط به ادارات ورزش و جوانان به طور شفاف در اختیار مجموعه سازمانی و کارکنان قرار می‌گیرد، کارکنان هم شفافیت و صداقت را در رفتارهای خود خواهند داشت و بدین ترتیب باعث تقویت اخلاق حرفه‌ای آنها خواهد شد.

نتایج پژوهش در دومین فرضیه نشان داد بین اخلاق حرفه‌ای و توانمندسازی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری با توجه به ضریب مسیر ارائه شده در جدول ۷ (۰/۷۹۸)، ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد. نتایج تحقیق در این قسمت با یافته‌های پژوهش غریب‌زاده و همکاران (۱۳۹۵: ۳۹)، سیستانی و رافتی (۱۳۹۹: ۳۸)، ایوب‌یکلی و همکاران (۲۰۱۸: ۲) و سویفان و همکاران (۲۰۲۰: ۴۱۰) همخوانی دارند. سیستانی و رافتی (۱۳۹۹: ۳۸) در پژوهش خود دریافتند که اخلاق حرفه‌ای به عنوان یکی از ویژگی‌های سرمایه انسانی رایج شده است و مهمترین متغیر در موفقیت سازمان می‌باشد. اخلاق حرفه‌ای بر توانمندسازی کارکنان تأثیر به سزایی دارد و مایه افزایش بهره‌وری نیروی انسانی می‌باشد. همچنین ایوب‌یکلی و همکاران (۲۰۱۸: ۲) در پژوهش خود تحلیل کردند که بهبود اخلاق حرفه‌ای کارکنان می‌تواند احساس شایستگی، احساس مؤثر بودن، احساس معنادار بودن و حق انتخاب را در کارکنان به دنبال داشته باشد و همین عوامل، توانمندسازی در بین آنها و در کل سازمان را به دنبال خواهد داشت. وقتی در سازمان اخلاق حرفه‌ای رعایت گردد و کارکنان مطمئن باشند که با آنان منصفانه و یکسان رفتار خواهد شد و حتی در مقام زیردست نیز نتیجه‌نهایی کارهایشان، نه آسیب و زیان بلکه عدالت و صفا خواهد بود، بنابراین، ایجاد جو اعتماد و برقراری ارتباطات صادقانه در سازمان موجب ایجاد انگیزه در کارکنان برای اجرا و انجام وظایف شغلی و ایجاد حس تعلق و مسئولیت‌پذیری بیشتر در امور می‌شود و توانمندسازی بیشتر کارکنان در شغل خود را در پی خواهد داشت (غریب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲). احترام قایل شدن به انسان و اندیشه‌های والای او که یکی از

مولفه‌های اخلاق حرفه است، در واقع پاسخگویی به یکی از نیازهای اساسی اوست که نتیجه آن تقویت اعتماد به نفس و وجدان کاری در نیروهای فعال سازمان است. در واقع نیروی کار وقتی مورد احترام قرار گیرد و ایده‌ها و افعال او پاس داشته شود، بهتر می‌تواند به فعالیت بپردازد. قدرت خلاقیت در کارهای او به مراتب بیشتر خواهد شد و می‌تواند موثرتر برای سازمان فعالیت کند. این موثرتر بودن در واقع توانمند شدن نیروی کار در سازمان است.

نتیجه بعدی تحقیق در مورد ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری است. با توجه به نتایج جدول ۷ و ضریب مسیر ۰/۵۷ بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی کارکنان می‌توان بیان نمود بین این دو متغیر ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد. نتایج این بخش پژوهش با نتایج تحقیقات کشاورزی و همکاران (۱۳۹۰: ۳۲۹)، نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۵: ۱۱۱)، کاظمی و همکاران (۱۳۹۷: ۱۴۳) و هیدالگو و هریس (۲۰۱۸: ۲۱۵۳) همخوانی دارد. در تبیین این نتایج می‌توان بیان نمود که سازمانی با سرمایه اجتماعی نیرومند، قادر به دسترسی سریع با زمانبندی مناسب به مجموعه متنوعی از اطلاعات به منظور خلق عملکرد بالاست. این سرمایه نوعی دارایی ناملموس برای سازمان‌ها به شمار می‌آید و در این میان، موفق‌ترین سازمان‌ها آنهایی هستند که از این دارایی به نحو مطلوب و در سریع‌ترین زمان ممکن استفاده کنند. در این راستا نصر اصفهانی و همکاران (۱۳۹۵: ۱۱۱) در پژوهش خود، سرمایه اجتماعی را منبعی می‌دانند که افراد، گروه‌ها و جوامع برای رسیدن به نتایج مطلوب آن‌را به کار می‌گیرند و از طریق تسهیل روابط اجتماعی باعث توانمندتر شدن افراد می‌گردد. سرمایه اجتماعی از طریق مؤلفه‌هایی همچون: اعتماد، ارتباطات و مشارکت و همکاری در میان اعضا سبب تسهیم دانش و ارتقای یادگیری سازمانی می‌شود و از این طریق ارتقا و بهبود توانمندی را برای کارکنان سازمان به همراه خواهد داشت (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۳). بدین ترتیب که سرمایه اجتماعی با ایجاد کانال‌های ارتباطی و اطلاعاتی و همچنین شبکه‌های اجتماعی در سازمان موجب توسعه ارتباطات بین فردی می‌شود که این تعاملات و ارتباطات به نوبه خود باعث تسهیل و تسریع خلق، تسهیم و کاربرد دانش در بین اعضای سازمان می‌گردد. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی با اداره دارایی‌های دانشی و فکری در سازمان، شرایط به کارگیری فرایندهای مدیریت دانش در سازمان را تسهیل می‌کند که این به نوبه خود می‌تواند در توانمندسازی کارکنان موثر باشد.

در نهایت با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۸ تحقیق حاضر می‌توان بیان کرد که متغیر اخلاق حرفه‌ای به عنوان یک متغیر میانجی در رابطه بین سرمایه اجتماعی و توانمندسازی کارکنان ادارات ورزش و جوانان استان چهارمحال و بختیاری تأثیرگذار است. در تبیین این یافته می‌توان به این نکته اشاره کرد سرمایه اجتماعی به عنوان یک سازه مفهومی، منجر به شکل‌گیری بینش‌های تازه‌ای در روابط اجتماعی و تأثیر این بینش‌ها بر زندگی افراد می‌شود. توسعه نظری این مفهوم ما را به سوی دانشی فراتر از دانش قبلی نسبت به روابط اجتماعی سوق می‌دهد. بدین ترتیب وجود عناصر سرمایه اجتماعی در سازمان هم سبب ایجاد و افزایش وجدان کاری در میان کارکنان می‌گردد و هم باعث می‌شود که رضایت قلبی، تعهد و التزام عملی نسبت به وظیفه‌هایی که قرار است انسان آنها را انجام دهد، افزایش یابد و افراد با پشتکار، سختکوشی و انگیزش، سازمان را در دستیابی به اهداف خود یاری رسانند (قلاوندی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۲). از طرفی رعایت عدالت، صداقت و احترام به ارزش‌ها در سازمان‌ها که به عنوان مولفه‌های مهم اخلاق حرفه‌ای محسوب می‌شوند، می‌تواند به کارکنان این حس را القا کند که

برای سازمان مهم هستند و از این طریق مسئولیت‌پذیری آنها ارتقا یابد و این موضوع باعث گردد کارکنان با توانمندی بیشتری برای سازمان فعالیت کنند.

در مجموع می‌توان گفت توسعه روابط بر مبنای اعتماد، محبت، تعهد و التزام در بین کارکنان و مدیران ادارات ورزش و جوانان موجب ایجاد درک مشترک و نزدیکی اهداف و ارزش‌های فردی و سازمانی می‌شود که این زبان مشترک با محوری‌ترین موضوعات منشور اخلاقی سازمان، یعنی توجه و حفظ کرامت انسانی همسویی دارد و باعث می‌شود کارکنان با اشتیاق و توانایی بیشتر و توجه به این نکته که اثر بهتر و بیشتری برای سازمان داشته باشند، فعالیت کنند. با توجه به اینکه نتایج نشان داد سرمایه اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای نقش به‌سزایی در بهبود توانمندسازی کارکنان دارند، لذا مدیران ادارات ورزش و جوانان باید به دنبال رفع موانع و فراهم کردن بستر استقرار سرمایه اجتماعی و بهبود اخلاق حرفه‌ای سازمان خود باشند. همچنین مدیران و کارکنان ورزش و جوانان که یکی از متولیان اصلی ورزش محسوب می‌شوند، در توسعه ورزش استان و کشور و نهادینه کردن آن نقش مهمی را ایفا می‌کنند. لذا به منظور حضور کارا و مؤثر در عرصه‌های مختلف ورزشی، اقتصادی و اجتماعی چاره‌ای جز توجه بیشتر به حوزه‌های مختلف اخلاق حرفه‌ای و سرمایه اجتماعی ندارند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر پیشنهاداتی برای مدیران ادارات ورزش و جوانان ارائه می‌گردد. ارتباط خوب و مداوم مدیران با کارکنان، زمینه مناسبی برای وجدان کاری و رعایت اخلاق حرفه‌ای فراهم می‌آورد. از این رو، ارتباط دوستانه مدیران نسبت به کارکنان باعث وفاداری آنان به سازمان می‌شود و در محیط کار، توانمندسازی و مسئولیت‌پذیری را گسترش می‌دهد. بنابراین لازم است مدیران جوی صمیمی همراه با ارتباطات خوب و مناسب در سازمان ایجاد نمایند. احترام قائل شدن به انسان، در واقع پاسخگویی به یکی از نیازهای اساسی اوست که نتیجه آن تقویت اعتماد به نفس و وجدان کاری در نیروهای فعال سازمان است. در واقع، نیروی کار وقتی مورد احترام قرار گیرد و ایده‌ها و افعال او پاس داشته شود، بهتر می‌تواند به فعالیت بپردازد و توانایی او در کارها به مراتب بیشتر خواهد شد. لذا پیشنهاد می‌گردد همواره در سطح سازمان کارکنان مورد احترام باشند. همچنین پیشنهاد می‌گردد که مدیران ادارات ورزش و جوانان دوره‌های آموزشی متنوعی و منظمی را برای آشنایی کارکنان با مفاهیم، اصول و راهکارهای بهبود اخلاق حرفه‌ای، سرمایه اجتماعی و توانمندسازی کارکنان برگزار نمایند. برگزاری جلسات مشترک بین کارکنان ادارات ورزش و جوانان و کارکنان ستادی موجب افزایش دیدگاه‌های مشترک و تسهیم دانش میان کارکنان می‌شود و در نتیجه بعد شناختی سرمایه اجتماعی تقویت می‌گردد.

منابع

- پورحسن، سمیه. (۱۳۹۷). «مدل‌سازی رابطه بین سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اخلاق حرفه‌ای در شرکت‌های بازرگانی». اخلاق در علوم و فناوری. جلد ۱۳ شماره ۴، صص ۷۷-۸۵.
- داوری، علی و رضازاده، آرش. (۱۳۹۵). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. چاپ سوم. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- زارعی‌متین، حسن؛ شمسی، فاطمه و ادیب‌زاده، مرتضی. (۱۳۹۶). «سرمایه اخلاقی مولد سرمایه اجتماعی». مدیریت سرمایه اجتماعی. دوره ۴، شماره ۱، صص ۲۷-۴۴.
- عطاپور، ژیلدا؛ حسنی، محمد و فلاوندی، حسن. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین اخلاق حرفه‌ای و سرمایه اجتماعی با رفتار شهروندی سازمانی در بین دبیران دوره دوم متوسطه شهرستان مشگین شهر». پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی. دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۵۶-۱۲۷.

- علی‌زاده، معصومه؛ مهاجران، بهناز و قلعه‌ای، علیرضا. (۱۳۹۷). «تحلیل کانونی رابطه بین مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای و ابعاد سرمایه اجتماعی». فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری. سال ۱۳، شماره ۲، صص ۵۲-۶۰.
- غریب‌زاده، رامین؛ غریب‌زاده، شیمیا؛ جاهدی، محمد و کاظمی، سلیم. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه بین اخلاق حرفه‌ای مدیران با توانمندسازی روان‌شناختی و نوآوری سازمانی (مورد مطالعه: کارکنان آموزش و پرورش اردبیل)». دو فصل‌نامه پژوهش‌های روان‌شناختی در مدیریت. سال ۳، شماره ۵، ص ۳۹.
- قلاوندی، حسن؛ اشرفی، فرشید و علی‌زاده، سیما. (۱۳۹۶). «رابطه بین سرمایه اجتماعی و وجدان کاری به عنوان یک اصل اخلاقی». فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۱۴۱-۱۳۲.
- کاظمی، رحیم؛ یعقوبی، جعفر و نعیمی، امیر. (۱۳۹۷). «تحلیل تأثیر سرمایه اجتماعی بر روی توانمندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهرستان سلماس». علوم ترویج و آموزش کشاورزی. دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۵۹.
- کشاورزی، حسین؛ حسینی، سید احمد؛ حیدری‌نسب، لیلا و آمده، علی اصغر. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توانمندسازی روان شناختی کارکنان در سطح استانداری قم». راهبردهای بازرگانی. جلد ۹، شماره ۵۰، صص ۳۴۳-۳۲۹.
- کیانی، مجید؛ شعبانی‌بهار، غلامرضا و عرفانی، نصرالله. (۱۳۹۶). «تدوین مدل سلامت سازمانی براساس فضیلت سازمانی کارکنان وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران». مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. دوره ۴، شماره ۳، صص ۹۵-۱۰۶.
- محمودزاده سیستانی، سمانه و رافتی، محمد. (۱۳۹۹). «بررسی تأثیر اخلاق حرفه‌ای در توانمندسازی کارکنان رسمی سازمان مرکزی دانشگاه علوم پزشکی مشهد». مجله علوم پیراپزشکی و بهداشت نظامی. سال ۱۵، شماره ۴، صص ۳۸-۴۲.
- نصر اصفهانی، علی؛ فرخی، مجتبی و امیری، زینب. (۱۳۹۵). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی کارکنان (مورد مطالعه: پرستاران بیمارستان شریعتی تهران)». جامعه‌شناسی کاربردی. دوره ۲۷، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۲۶.
- هاشمی، سیدحامد و پورامین‌زاده، سعیده. (۱۳۹۰). «چالش‌های فراروی توسعه منابع انسانی و راهکاری برای رفع آن». ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۳۶، صص ۴-۲۱.
- Ayios, A., Jeurissen, R., Manning, P., & Spence, L. (2014). "Social Capital: A Review from an Ethics Perspective". Business Ethics: A European Review, Vol. 23, Issue 1, pp. 108-124.
- Barclay, D., Higgins, C., & Thompson, R. (1995). "The Partial Least Squares (PLS) Approach to Causal Modeling: Personal Computer Adoption and Use as an Illustration". Technology Studies, 2(2), 285-324.
- Byrne, B. M. (2010). **Structural equation modeling with AMOS: Basic concepts, applications, and programming**. (2nd Ed.) Routledge/Taylor & Francis Group.
- Christian, M. S., Garza, A. S., & Slaughter, J. E. (2011). "Work engagement: A quantitative review and test of its relations with task and contextual performance". Personnel psychology, 64(1), 89-136.
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). "Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error". Journal of Marketing Research, 18 (1), Pp: 39-50.
- Frith, L. (2014). "Social enterprises, health-care provision and ethical capital". Social Enterprise Journal, 10(2), 105-120.
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sinkovics, R. R. (2009). "The use of partial least squares path modeling in international marketing". Advances in International Marketing, 20, Pp: 277-320.
- Hidalgo, A. & Harris, I. (2018). "Social Capital, political empowerment and social difference: a mixed-methods study of an ecotourism project in the rural Volta region of Ghana". Journal of Sustainable Tourism, Volume 26, Issue 12, P: 2153-2172.
- Hulland, J. (1999). "Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies". Strategic Management Journal, 20, Pp: 195-204.
- Hurtado, D., Ichiro, K., & Sudarsky, J. (2012). "Social Capital and Self-Rated Health in Colombia: The Good, the Bad and the Ugly". Social Science & Medicine, 72(4): 584-590.
- Iavicoli, S., Valenti, A., Gagliardi, D., & Rantanen, J. (2018). "Ethics and Occupational Health in the Contemporary World of Work". International Journal of Environmental Research and Public Health, (15), 1713; Pp: 2-17.
- Martínez, D., González-Álvarez, N., & Nieto, M. (2021). "Social Capital, Corporate Ethics and Social Progress. Strategic Responses for a Sustainable Future". New Research in International Management (Emerald Studies in Global Strategic Responsiveness), pp. 1-20. <https://doi.org/10.1108/978-1-80071-929-320214001>.
- Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). "Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage". Academy of management review, 23(2), 242-266.

- Spreitzer, G. M. (1995). "Social Structural Characteristics of Psychological Empowerment". Academy Of Management Journal, Volume 39, Number 2, 483-504.
- Stone, M. & Geisser, F. (1975). "Cross validity choice and assessment of statistical predictions". Journal of the Royal Statistical Society, 36, 2, Pp: 111-147.
- Suifan, T., Diab, H., Alhyari, S., & Sweis, R. (2020). "Does ethical leadership reduce turnover intention? The mediating effects of psychological empowerment and organizational identification". Journal of Human Behavior in the Social Environment, Volume 30, Issue 4, P: 410-428.
- Weil, F., & Lee, M. (2012). "The Burdens of Social Capital: How Socially-Involved People Dealt with Stress after Hurricane Katrina". Social Science Research, 41(1):110-119.
- Wetzels, M., Odekerken, S. G. & Vanoppen, C. (2009). "Using PLS Path Modeling for Assessing Hierarchical Construct Models: Guidelines and Empirical Illustration". MIS Quarterly, 33(1), 177-195.

شناسایی و اولویت بندی مؤلفه های مدیریت پیش کنشی در وزارت ورزش و جوانان

طاهره باقری زاده^۱

سیداحسان امیرحسینی^۲

ولی نودری^۳

 [10.22034/ssys.2022.2210.2577](https://doi.org/10.22034/ssys.2022.2210.2577)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و اولویت بندی مؤلفه های مدیریت پیش کنشی در وزارت ورزش و جوانان بود. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی بود و داده ها به صورت میدانی و به شیوه آمیخته (کیفی و کمی) جمع آوری شد. جامعه آماری در بخش کیفی ۱۸ نفر از خبرگان و در بخش کمی شامل مدیران وزارت ورزش و جوانان و مدیران کل و معاونان ادارات کل ورزش و جوانان استان ها برابر با ۱۵۸ نفر بود که در این پژوهش ۱۳۱ نفر همکاری کردند. به دلیل محدود بودن اعضا، جامعه آماری با نمونه برابر شد. ابزار پژوهش در بخش اول، پرسش نامه محقق ساخته شامل ۳۹ شاخص مدیریت پیش کنشی بود که روایی پرسش نامه توسط ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد ($\alpha=0/92$). داده ها با روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و اولویت بندی عوامل با روش AHP و با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS انجام شد.

یافته ها نشان داد که در مدیریت پیش کنشی وزارت ورزش و جوانان ۸ مؤلفه و ۳۹ شاخص وجود دارد. همچنین بر اساس نتایج رتبه بندی به ترتیب مؤلفه های ایجاد زمینه توسعه شغلی، اجتماعی کردن، کارراهه، ایجاد آمادگی برای تغییر، رقابت پذیری، شخصیت پیش کنشی، دانش، مهارت و توانایی و انگیزش درونی توسعه مدیریت پیش کنشی وزارت ورزش و جوانان مؤثر هستند. می توان گفت که دوره های توانمندسازی، مدیریت استعداد و جانشین پروری در

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Amirhoseini474@gmail.com

^۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد ارسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، ارسنجان، ایران

چارچوب نقشه راه و مدیریت پیشرفت شغلی به مدیریت پیش‌کنشی این وزارتخانه کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی: اجتماعی‌کردن، پیش‌کنشی و وزارت ورزش و جوانان.

امروزه با پیچیده‌تر شدن روزافزون جوامع و تغییرات سازمانی، رسالت سازمان‌های ورزشی به منظور برآورده شدن انتظارات جوامع، حساس‌تر و با اهمیت‌تر شده است (ولتی پیچی، شولنکورف و اسپایچ^۱، ۲۰۱۹). در ایران وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ورزشی، نقش ترویج ورزش به منظور ارتقای سلامتی و تندرستی افراد را بر عهده دارند. وجود آن‌ها در واقع معرف نوع مهمی از سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن زمینه ارتقای سلامت و تندرستی مردم، توسعه مهارت‌ها، بهبود نگرش‌ها، توسعه ورزش قهرمانی و رسیدگی به امور جوانان به توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور کمک می‌کند (معصومی، غرایاق زندی، کیا کجوری و همکاران، ۱۳۹۵). وزارت ورزش و جوانان از جمله سازمان‌های مهم کشور است که به سبب ماهیت آن، همواره با تغییر و تحولات شگرفی مواجه است.

در عصر حاضر، با توجه به جهانی و دانشی شدن سازمان‌ها و پیشرفت سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین شتاب تغییرات و پیچیدگی‌های محیطی، سازمان‌هایی کارآمد و موفق هستند که علاوه بر پذیرش تغییرها، قادر باشند این تغییرات را برای بهبود و ارتقای محیط کار خود هدایت کنند. بنابراین امروزه سازمان‌ها برای حفظ بقا و موفقیت خود به مدیران و کارکنان پیش‌کنش نیاز دارند که نه تنها تغییرهای محیطی را بپذیرند، بلکه فراتر از آن حرکت کنند و توانایی خلق محیط کاری جدید و کارآمدی را داشته باشند (یانگ، یان و لو^۲، ۲۰۱۷: ۴۳). مدیران پیش‌کنش نقش خود را به صورت انعطاف‌پذیر در درون شغل و فراتر از شغل تعریف می‌کنند و با تعیین اهداف بلندمدت، فراتر از شغلشان فعالیت می‌کنند که این رفتار، پیامدهای مثبتی مثل اثربخشی، تعهد سازمانی، خلاقیت و نوآوری برای خود فرد و سازمان در بردارد (جیانگ، اکسیو و اکسیو^۳، ۲۰۱۸: ۹۶۴). مدیر پیش‌کنش تلاش می‌کند برای حفظ مزیت رقابتی سازمان خود در محیط پویا و متغیر امروزی، با تغییرات هماهنگ‌شده، توانایی پاسخگویی در برابر آن‌ها را در خود ایجاد کند و با توجه به شرایط، ارزیابی از وضع موجود و مطلوب داشته باشد تا بتواند مناسب‌ترین راهبرد را اجرا کند (رضایی دولت‌آبادی و مهرآذین، ۱۳۹۲: ۸۹). در یک سازمان، جهت‌گیری پیش‌کنشی، به طور معمول در نوع روش‌هایی که دنبال می‌شوند و عملکرد سازمانی، منعکس می‌گردد (گراهام و پتر^۴، ۲۰۱۵: ۱۴۶). در واقع مدیریت پیش‌کنشی مبتنی بر نوعی رفتار پیش‌گیرانه است. برای مفهوم رفتار پیش‌کنشی تعبیری چون: غیرانفعالی، مداخله‌های پیش‌کنشی، بازداري پیش‌گستر، بازدارندگی فعال، بازدارندگی مؤثر، برنامه‌ریزی فراکنشی و پیش‌نگرانه بکار رفته است. (گرانث و رتبارد^۵، ۲۰۱۳: ۸۱۰). از این رو، سازمان‌ها تمایل دارند در انجام فعالیت‌های خود علاوه بر رعایت قوانین و چارچوب‌ها به مسائل دیگری از جمله کارایی توجه کنند با این امید که ارزش‌ها حفظ شوند و از این طریق پیش‌کنشی حاصل می‌گردد (گراهام و پتر، ۲۰۱۵: ۱۴۶). با این حال، بسیاری از سازمان‌ها در رویارویی با عملکرد پایین‌تر از حد انتظار و دست‌نیافتن به اهداف سازمانی، ابتدا به ساکن، مسائل را متوجه کارکنان می‌دانند تا

¹ Jon Welty Peachey, Schulenkorf & Ramon Spaaij

² Yang, Yan & Luo

³ Jiang, Xue & Xue

⁴ Graham, & Potter

⁵ Grant & Rothbard

مدیران و این مسئله را ناشی از فقدان انگیزش لازم، رضایت شغلی، دانش و مهارت کافی و غیره کارکنان می‌پندارند. از این رو، علل همه مشکلات عملکردی را با یک سو نگری در کارکنان جستجو می‌کنند و دست به اقدامات هزینه‌بر و وقت‌گیری می‌زنند که چاره‌ساز نیست (فورنیز^۱، ۱۳۹۱).

در حقیقت سازمان‌ها برای حفظ بقا، کسب موفقیت و ارتقای بهره‌وری، نیازمند وجود مدیرانی هستند که خلاق، نوآور و پیش‌کنش باشند و بر خلاف افراد منفعل، نه تنها تغییرات محیطی را بپذیرند، بلکه فراتر از آن حرکت نمایند و به منظور بهبود و ارتقای شرایط کاری به خلاقیت و نوآوری دست بزنند و تغییرات سازنده را در محیط کار ایجاد نمایند. این مهم، نیاز به وجود مدیران پیش‌کنش را برای هدایت و سازماندهی فعالانه و پیش‌کنشانه امور سازمانی اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (یانگ و همکاران، ۲۰۱۷: ۴۳). عملکرد کارکنان، وابسته به برخی رفتارهای پیش‌کنشی است که مدیران از خود بروز می‌دهند. این گونه رفتارها بر عملکردی که از کارکنان انتظار می‌رود، اثر می‌گذارد و در صورتی که به درستی و مطلوب صورت بگیرند، از دریافت عملکردی که مطلوب نظر سازمان و مدیران سازمان نباشد، جلوگیری به عمل می‌آورد. همین‌طور اگر مدیران نسبت به انجام رفتارهای پیش‌کنشی لازم در مدیریت خود بر دیگران بی‌توجه باشند و کوتاهی بورزند، شاهد خروجی‌های نه‌چندان مطلوب کارکنان و به دور از انتظار از ایشان خواهند بود که موجب بوجود آمدن نارضایتی دو جانبه و مشکلات عدیده کاری خواهد شد (محمدی مقدم و تفتی، ۱۳۹۵). پیش‌کنشی بر نگرش مثبت شغلی و تعهد افراد و عملکرد سازمان تأثیر بسزایی دارد. بنابراین می‌توان آن را به‌عنوان یک عامل کلیدی و حیاتی در موفقیت و پیشرفت سازمان‌ها در نظر گرفت (هورنگ، تسای، یانگ^۲ و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۵). پیش‌کنشی در محل کار باعث افزایش خلاقیت، نوآوری، رهبری با کیفیت و ارتقای کارایی سازمان می‌شود و این عوامل نیز به نوبه خود به بهبود عملکرد سازمان کمک می‌کند (باتیستیک، کرن، کاس و همکاران^۳، ۲۰۱۶: ۵۷۶). مطالعات متعدد نیز نشان می‌دهند که کارکنان در محیط‌های کاری چالش‌برانگیز، غنی و پرمایه و همچنین محیط‌هایی که اشتیاق آن‌ها را افزایش می‌دهد، بهترین عملکرد را دارند (فجری و سبزی، ۱۴۰۰).

نتایج پژوهش‌های مختلف، ویژگی‌های سازمان‌های دولتی ایران را دارای بوروکراسی زائد اداری و مقاوم در برابر تحولات توصیف نموده‌اند (رهنورد، ۱۳۹۱: ۱۵). با توجه به نقش مهم مدیران پیش‌کنش در ارتقای عملکرد سازمان در شرایط پویا و مزایای اقدامات پیش‌کنشانه مدیران، ارائه مدل پیش‌کنشی مدیران به منظور تصمیم‌گیری در زمینه انتخاب مدیران پیش‌کنش ضرورت دارد (کاظمی‌راد، الوانی، عطایی، معمارزاده طهران و البرزی، ۱۳۹۸: ۸۷). این در حالی است که در این زمینه تحقیقات اندکی صورت گرفته است. در ادامه به برخی از یافته‌های این تحقیقات اشاره می‌شود.

آیریش، کریستیان و دانیل^۴ (۲۰۲۲) در تحقیقی بیان کردند که مدیریت پیش‌کنشی یک رویکرد سیستماتیک برای مدیریت تغییر است و برای ارزیابی و کاهش ریسک تغییر در سازمان مورد نیاز است. لوکا و دلیو^۵ (۲۰۲۲) در

¹ Forniz

² Horng, Tsai, Yang

³ Batistic, Cerne, Kase et al.

⁴ Iris, Christian & Daniel

⁵ Luca & Delia

تحقیقی دریافتند که رفتار پیش‌کنشی برای بهینه‌سازی عملکرد اثرگذار است. یانگ و مییر^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان دادند که ترکیب پیوستگی پیش‌کنشی با توانایی‌های فنی و رشد بازار، بیشترین تأثیر را بر عملکرد سازمان دارد. ویشواکارما، نما و سنگل^۲ (۲۰۱۸) عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری راهبرد پیش‌کنشی را فشار نهادی، بهبود عملکرد، روش‌های تجاری، فشار و مزایای بازار می‌دانند و معتقدند که فشار نهادی و بهبود عملکرد در مقایسه با بقیه تعیین‌کننده‌ها، در بالاترین سطح قرار دارند. الرازی، ویلیرز و وان^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود بیان کردند که در یک سازمان پیش‌کنش اگر مدیریت دارای قوه قضاوت عملکرد باشد و گزارش ارائه دهد، این امر منجر به مقبولیت سازمان می‌شود. به علاوه، پاسخگویی می‌تواند به وسیله پیش‌کنشی افزایش یابد. پیش‌کنشی یک مفهومی است که مدیریت، حسابداری و فعالیت ذینفعان را در بردارد. وو، پارکر و بیندی^۴ (۲۰۱۳) پیش‌کنشی را شامل سه عامل مهم تمرکز بر آینده، گرایش به تغییر و خودجوش بودن می‌دانند. کامیر مولر^۵ (۲۰۱۱) در بررسی رفتارهای پیش‌کنشی دنبال کردن بازخورد، اجتماعی کردن عمومی و ایجاد رابطه با سرپرست دریافتند که این رفتارها به بالاترین سطح از شفافیت نقش، تعهد سازمانی و مقبولیت اجتماعی از جانب همکاران منجر می‌شود.

در داخل کشور فقط چند پژوهش در مورد سازمان پیش‌کنش و یا مدیریت پیش‌کنشی انجام شده است. قجری و سبزی (۱۴۰۰) در پژوهشی دریافتند که رفتار پیش‌کنشی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد. همچنین، رفتار پیش‌کنش سازمانی بر عملکرد سازمانی و نیز رفتار پیش‌کنش همکارانه و رفتار پیش‌کنش فردی بر عملکرد سازمانی اثرگذار است. مرادی، الوانی و کاظمی (۱۳۹۸) در پژوهشی اشاره کردند که وضعیت مطلوب برای داشتن یک سازمان پیش‌کنش، از ترکیب ابعاد روابط انسانی، سیستم باز، فرایند داخلی و اهداف عقلانی حاصل می‌شود. کاظمی‌راد (۱۳۹۷) در پژوهشی نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی، انگیزش درونی، ویژگی‌های رفتاری، حس خدمت‌گزاری و دانش، مهارت و توانایی از جمله ویژگی‌های مدیران پیش‌کنش محسوب می‌شوند. محمدی مقدم و تفتی (۱۳۹۵) در پژوهشی دریافتند که مدیریت پیش‌کنشی بر عملکرد مورد انتظار کارکنان تأثیر مثبت و معنادار دارد که از این میان، اجتماعی کردن و فرصت‌سازی برای پیشرفت، بیشترین شدت تأثیر را نشان داد. قجری (۱۳۹۵) در پژوهش خود بیان کرد که عوامل فردی با هدف جهانی‌شدن بر رفتار پیش‌کنشی اثرگذار است. کاظمی‌راد، الوانی، عطایی، معمارزاده طهران و البرزی (۱۳۹۶) در تحقیقی به شاخص‌هایی از قبیل برون‌گرایی، وجدان، داشتن ذهن باز، حیطه کنترل درونی، ریسک‌پذیری، قاطعیت، مشورت‌جویی، بردباری، برخورداری از نظم، انتقادپذیری، مثبت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، توکل‌گرایی، خوش‌بینی، وظیفه‌شناسی و عمل‌گرایی به عنوان شاخص‌های شخصیت پیش‌کنش اشاره کردند.

وزارت ورزش و جوانان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های ورزشی کشور است و نقش اساسی در توسعه ورزش و امور جوانان ایفا می‌کند. با توجه به گستردگی این وزارتخانه در سراسر کشور و نظارت بر فعالیت‌های ورزشی فدراسیون، هیئت‌ها و باشگاه‌ها، با توجه به پیچیدگی‌های سازمانی، مدیران منفعل، قادر به توسعه همه‌جانبه ورزش

¹ Yang & Meyer

² Vishwakarma, Nema & Sangle

³ Alrazi, Villiers & Van

⁴ Wu, Parker, Bindl

⁵ Kammeyer-Mueller

نخواهند بود. بنابراین شناسایی مؤلفه‌های مدیریت پیش‌کنشی، بینش جدیدی را به مدیران ارشد وزارت ورزش خواهد داد تا با انتصاب مدیران پیش‌کنش به پیشرفت و توسعه ورزش کشور و اعتلای وزارتخانه کمک نمایند. از طرفی، تاکنون تحقیقی پیرامون مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان و حتی فدراسیون‌ها و ادارات کل تابعه صورت نگرفته است. از این رو، ضرورت انجام پژوهش حاضر احساس گردید. بنابراین محقق در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است:

مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان کدام‌اند؟ و مؤلفه‌های اولویت‌دار و دارای اهمیت کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی و به لحاظ هدف، کاربردی است که به شیوه آمیخته کیفی و کمی انجام شد. داده‌های تحقیق از طریق مطالعه اسنادی، اینترنتی، روش پرسش‌نامه و همچنین نظرخواهی از خبرگان (نمونه کیفی تحقیق) در مورد مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان به دست آمد. داده‌ها در این پژوهش، ابتدا با روش کیفی و سپس با روش کمی جمع‌آوری شد. جامعه آماری در بخش کیفی تعداد ۱۸ نفر از خبرگان آشنا به مدیریت در وزارت ورزش و جوانان براساس تخصص، تجربه، تسلط نظری، دسترسی و تمایل به صورت هدفمند انتخاب شدند. در بخش کمی، تعداد ۱۵۸ نفر شامل مدیران وزارت ورزش و جوانان (۳۴ نفر)، مدیران کل ورزش و جوانان استان‌ها (۳۱ نفر) و معاونان ادارات کل ورزش و جوانان استان‌ها (۹۳ نفر)، ۱۳۱ پرسش‌نامه را تکمیل و با گروه تحقیق حاضر همکاری کردند.

داده‌های پژوهش به صورت مطالعه کتابخانه‌ای، اینترنتی، روش پرسش‌نامه و هم چنین نظرخواهی از مشارکت‌کنندگان به صورت مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته به دست آمد؛ به این صورت که مبانی اساسی از داده‌های حاصل از مرور ادبیات و مصاحبه‌های باز با مشارکت‌کنندگان، با روش تحلیل محتوا و کدگذاری باز، استخراج و داده‌ها جمع‌بندی گردید. تعداد کدهای شناسایی شده مؤثر بر توسعه مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان در مرحله اول ۷۲ مفهوم بود که پس از آن پل دلفی تشکیل گردید و داده‌های جمع‌بندی شده در اختیار اعضای پل دلفی قرار گرفت. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، نظرات اصلاحی داده شد و پس از جمع‌بندی نظرات اصلاحی توسط اعضای پل دلفی، داده‌ها از ۷۲ مفهوم (زیرمؤلفه) به ۵۱ زیر مؤلفه کاهش داده شد. در واقع، عوامل کم‌اهمیت و یا بی‌ارتباط حذف گردید. در ادامه برای بازنگری در مرحله دوم، داده‌ها دوباره در اختیار پل دلفی قرار گرفت و ویرایش‌های لازم انجام شد. موارد مشابه یکسان‌سازی و تعداد ۳۹ زیر مؤلفه کاهش داده شد. در مرحله سوم ترتیب و اهمیت عوامل و همچنین تهیه پرسش‌نامه انجام شد و در نهایت توافق کلی اعضا، حاصل گردید. روایی پرسش‌نامه توسط ۱۰ نفر از اساتید مدیریت ورزشی آشنا و صاحب‌نظر به مدیریت وزارت ورزش و جوانان و پایایی این پرسش‌نامه نیز با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت ($\alpha=0.92$). برای توصیف متغیرهای تحقیق مانند توزیع فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد از آمار توصیفی و نرم افزار SPSS استفاده گردید. تحلیل داده‌ها نیز با روش تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون تحلیل مسیر و همچنین اولویت‌بندی عوامل با روش AHP و استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS انجام شد.

یافته‌های پژوهش

اولین یافته‌های تحقیق، مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه کیفی تحقیق بود. نمونه کیفی تحقیق به صورت هدفمند از بین مدیران صاحب‌نظر و با سابقه فعلی و سابق وزارت ورزش و جوانان و ادارات کل تابعه و نیز اساتید دانشگاهی در رشته مدیریت ورزشی انتخاب شدند. ویژگی‌های جنسیت، سطح تحصیلات و سوابق مدیریتی و تجربی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی تحقیق

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۱/۶۱
	زن	۷/۳۸
سطح تحصیلات	کارشناسی	۲/۱۱
	کارشناسی ارشد	۸/۴۴
	دکتری	۸/۴۴
	کمتر از ۱۰ سال	۱/۵۵
و جوانان یا هیئت علمی دانشگاه	بیشتر از ۱۰ سال	۱۷/۹۴

با بهره‌گیری از ادبیات پیشینه، نظرات خبرگان و روش دلفی، تعداد ۳۹ شاخص مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان شناسایی و برای خوشه‌بندی عناصر از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. گام‌های آن به شرح زیر است. پیش از اقدام به استفاده از روش تحلیل عاملی باید از کافی بودن حجم نمونه جهت تحلیل عاملی اطمینان حاصل شود. به این منظور از روش محاسبه شاخص کفایت نمونه^۱ (KMO) بهره گرفته شد. برون‌داد نرم‌افزار SPSS برای آماره KMO مانند زیر بود.

^۱ Sampling Adequacy

جدول ۲: برونداد نرم افزار SPSS برای KMO

ضریب کی ام او برای تعیین بسندگی حجم نمونه	۰/۷۲
آماره کای اسکور	۲۷۱۹/۳۷۶
درجه آزادی	۷۱۹
سطح معناداری	۰,۰۰۱

اگر مقدار شاخص KMO بیش از ۰/۷ باشد، حجم نمونه برای تحلیل عاملی مناسب است. مقدار KMO نیز ۰/۷۲ و در بازه مورد قبول به دست آمد. نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی قبل از چرخش در برونداد نرم افزار SPSS در جدول ۳ درج شده است. ماتریس مؤلفه‌ها در برونداد نرم افزار SPSS نشان می دهد که ۸ عامل اصلی وجود دارد.

جدول ۳: شناسایی مؤلفه‌های اصلی با تحلیل عاملی اکتشافی

عوامل استخراج شده	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	درصد کل واریانس
عامل	توسط عامل	تبیین شده	
ایجاد زمینه توسعه	۱۱/۳۲۸	۱۰/۲۸۰	۱۰/۲۸۰
اجتماعی کردن	۱۱/۱۰۱	۸/۹۱۲	۱۹/۱۹۲
نقشه راه و مدیریت مسیر پیشرفت	۱۰/۳۹۲	۸/۸۶۷	۲۸/۰۵۹
ایجاد آمادگی برای تغییر	۹/۸۸۴	۱۰/۶۱۳	۳۸/۶۷۲
توسعه رقابت پذیری	۹/۲۱۹	۷/۱۰۶	۴۵/۷۷۸
شخصیت پیش کنشی	۷/۳۱۳	۸/۰۲۱	۶۴/۰۶۱
دانش، مهارت و توانایی	۶/۸۲۷	۹/۵۱۹	۷۳/۵۸
انگیزش درونی	۶/۲۲۷	۷/۱۵۶	۴۵/۹۸۸

استخراج آیتم‌ها پس از چرخش واریانس صورت می گیرد. برای استخراج آیتم‌ها پس از چرخش از جدول Rotated Component Matrix استفاده شد. با توجه به داده‌های مندرج در جدول ۴ گویه‌هایی که بارعاملی بزرگتر از ۰/۳ با عامل مورد نظر را داشتند، انتخاب شدند و از سایر گویه‌ها صرف نظر گردید. در جدول ۴، تعداد شاخص‌های هر یک از مؤلفه‌ها درج شده است:

جدول ۴: سازه‌های پژوهش و توزیع گویه‌های هریک از سازه‌ها و بررسی ساختار عاملی قبل از تحلیل عاملی اکتشافی

ابعاد (عامل‌ها)	تعداد گویه‌ها	گویه‌های حذف شده
ایجاد زمینه توسعه	۴	۰
اجتماعی کردن	۳	۰
نقشه راه و مدیریت مسیر پیشرفت	۵	۰
ایجاد آمادگی برای تغییر	۷	۰
توسعه رقابت‌پذیری	۴	۰
شخصیت پیش‌کنشی	۷	۰
دانش، مهارت و توانایی	۵	۰
انگیزش درونی	۴	۰

با توجه به داده‌های مندرج در جدول، گویه‌هایی که بازعاملی بزرگتر از ۰/۳ با عامل مورد نظر را داشته‌اند انتخاب شدند و از سایر گویه‌های صرف نظر گردید. یافته‌ها نشان داد که همه گویه‌ها بار عاملی بزرگتر از ۰/۳ را داشته‌اند. بنابراین هیچ یک از گویه حذف نشده است. در ادامه، ماتریس چرخشی آیت‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵: ماتریس چرخشی آیت‌ها

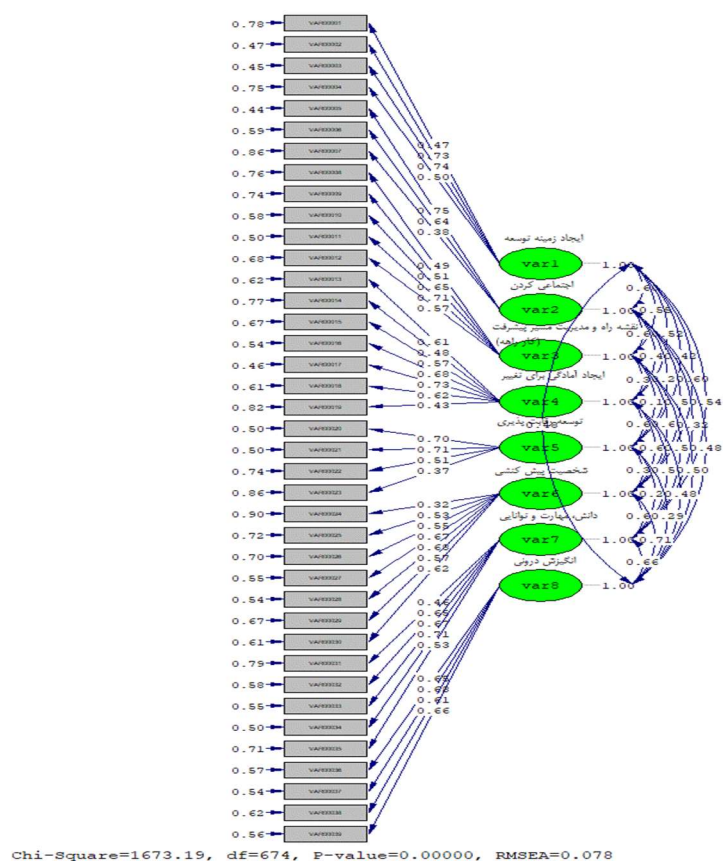
عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳	عامل ۴	عامل ۵	عامل ۶	عامل ۷	عامل ۸
A1	۰/۷۷۸	-	-	-	-	-	-
A2	۰/۵۱۸	-	-	-	-	-	-
A3	۰/۵۱۶	-	-	-	-	-	-
A4	۰/۴۰۳	-	-	-	-	-	-
A5	-	۰/۷۷۴	-	-	-	-	-
A6	-	۰/۶۱۹	-	-	-	-	-
A7	-	۰/۳۳۳	-	-	-	-	-
A8	-	-	۰/۸۱۱	-	-	-	-
A9	-	-	۰/۷۶۳	-	-	-	-

-	-	-	-	-	•/۷۵۶	-	-	A10
-	-	-	-	-	•/۷۲۳	-	-	A11
-	-	-	-	-	•/۶۵۵	-	-	A12
-	-	-	-	•/۸۸۴	-	-	-	A13
-	-	-	-	•/۷۷۳	-	-	-	A14
-	-	-	-	•/۷۵۳	-	-	-	A15
-	-	-	-	•/۶۸۱	-	-	-	A16
-	-	-	-	•/۶۴۷	-	-	-	A17
-	-	-	-	•/۶۳۳	-	-	-	A18
-	-	-	-	•/۵۸۱	-	-	-	A19
-	-	-	•/۸۳۸	-	-	-	-	A20
-	-	-	•/۷۷۷	-	-	-	-	A21
-	-	-	•/۶۹۴	-	-	-	-	A22
-	-	-	•/۵۱۳	-	-	-	-	A23
-	-	•/۷۱۳	-	-	-	-	-	A24
-	-	•/۶۵۸	-	-	-	-	-	A25
-	-	•/۵۹۲	-	-	-	-	-	A26
-	-	•/۵۳۰	-	-	-	-	-	A27
-	-	•/۵۲۰	-	-	-	-	-	A28
-	-	•/۵۱۹	-	-	-	-	-	A29
-	-	•/۵۰۹	-	-	-	-	-	A30
-	•/۷۲۷	-	-	-	-	-	-	A31
-	•/۶۹۳	-	-	-	-	-	-	A32
-	•/۶۶۰	-	-	-	-	-	-	A33
-	•/۶۴۸	-	-	-	-	-	-	A34
-	•/۶۳۰	-	-	-	-	-	-	A35
•/۶۸۸	-	-	-	-	-	-	-	A36

A37	-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۷۲
A38	-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۶۳
A39	-	-	-	-	-	-	-	۰/۵۷۶

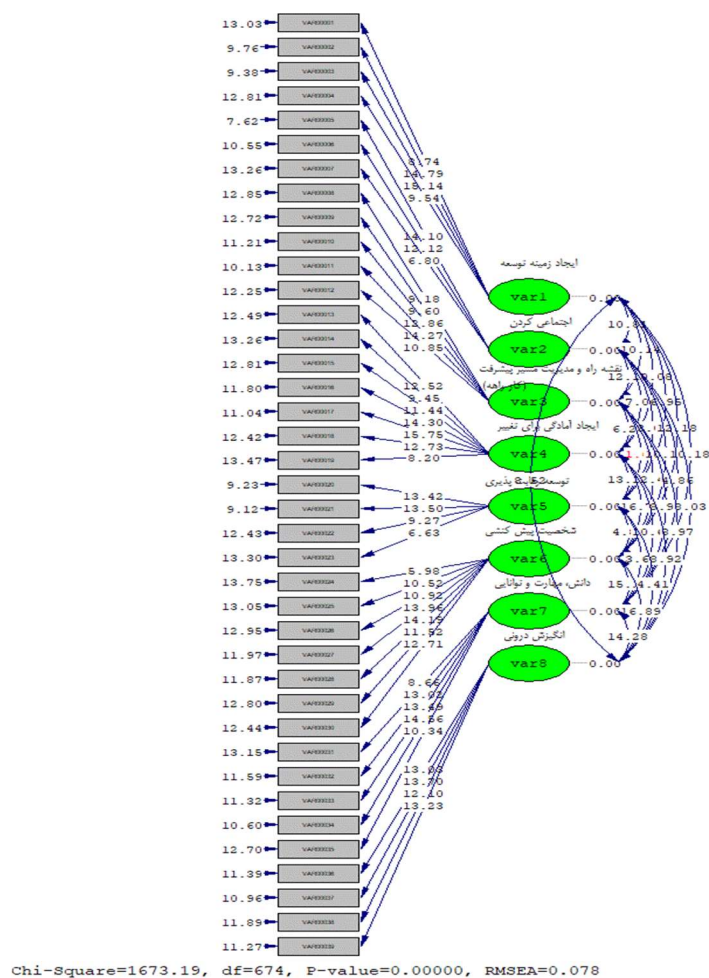
براساس جدول ۵، تعداد ۳۹ معیار براساس ضریب همبستگی که با هریک از ۸ عامل به دست آمده داشته اند، در عامل‌های مختلف قرار گرفته‌اند. هر کدام از معیار ها که با عامل یادشده همبستگی بالا و مثبت تری داشته باشد، در دسته‌بندی آن عامل قرار می‌گیرد.

سپس تحلیل عاملی تأییدی انجام شد. نتایج تحلیل عاملی عوامل شناسایی شده در شکل ۱ آمده است. این مقیاس شامل ۸ متغیر پنهان و ۳۹ متغیر قابل مشاهده است. اگرچه بار عاملی کمتر از ۰/۳ از معناداری عملی برخوردار نیست (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۳)، در این پژوهش، بار عاملی مشاهده در تمامی موارد مقداری بزرگتر از ۰/۳ دارد که نشان می‌دهد همبستگی بین متغیرهای پنهان (ابعاد هر یک از سازه‌های اصلی) با متغیرهای قابل مشاهده قابل قبول است. پس از اینکه همبستگی متغیرها شناسایی گردید، باید آزمون معناداری صورت گیرد. جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره t -value استفاده و معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی می‌شود. بنابراین اگر آماره آزمون t -value از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر باشد، رابطه معنادار است. براساس نتایج شاخص‌های سنجش هر یک از مقیاس‌های مورد استفاده در سطح اطمینان ۵٪ مقدار آماره t -value بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد که نشان می‌دهد همبستگی‌های مشاهده شده معنادار است. خروجی آزمون تحلیل عاملی تأییدی برای مؤلفه‌های تحقیق در قالب دو نمودار مقادیر استاندارد (standard) و مقادیر حالت معنی‌داری یا ضریب (t -value) در زیر ارائه شده است.



شکل ۱: تحلیل عاملی تأییدی در حالت تخمین استاندارد (بار عاملی)

جهت بررسی اعتبار مقیاس عوامل شناسایی شده که دارای ۸ متغیر پنهان و ۳۹ متغیر آشکار بود، از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. شکل ۲ مدل تحلیل عاملی تأییدی عوامل را در حالت ضرایب معناداری (آماره تی) نشان می‌دهد. از آنجا که بار عاملی تمام متغیرهای مشاهده شده (شاخص‌ها) بزرگتر از ۰/۳ است، بنابراین رابطه مطلوبی بین شاخص‌ها (متغیر مشاهده شده) با مولفه خود (متغیر پنهان) برقرار است و نقش مهم و معناداری در اندازه‌گیری مولفه‌های تحقیق دارند.



شکل ۲- تحلیل عاملی تأییدی در حالت ضرایب معناداری (آماره تی)

جدول ۶: شاخص‌های برازش عوامل شناسایی شده

مدل	df	X ² /df	RMSEA	NFI	CFI	GFI	IFI	RFI	PRATIO	PNFI	PCFI	SRMR
میزان قابل قبول	≤ 5	< 0.1	< 0.1	> 0.9	> 0.9	> 0.9	> 0.9	> 0.9	> 0.5	> 0.5	> 0.5	< 0.08
محاسبه شده	۲/۸۴۲	۰/۰۷۸	۰/۰۷۸	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۶۱۰	۰/۵۸۸	۰/۶۲۲	۰/۰۷۶

شکل ۱ و ۲ معنی‌داری ضرایب بین متغیرهای آشکار و پنهان را نشان می‌دهد. از آنجا که معنی‌داری در سطح ۰/۰۱، ۰/۰۵ بررسی شده است اگر میزان مقادیر یا ضرایب بدست آمده $t\text{-value}$ خارج از بازه $\pm 1/96$ باشند، رابطه معنی‌دار است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد مقادیر t برای تمامی ارتباطات معنی‌دار می‌باشند. در بخش

پایانی تحقیق، با استفاده از تکنیک MADM-AHP عوامل اصلی و فرعی مؤثر بر مدیریت پیش کنشی در وزارت ورزش و جوانان رتبه بندی شد. نتایج مؤلفه های اصلی و زیر مؤلفه ها در جدول شماره ۶ درج شده است.

جدول ۷: رتبه بندی تمامی شاخص ها (مؤلفه های اصلی و فرعی) بر اساس MADM-AHP

رتبه	مؤلفه	وزن مؤلفه	زیر مؤلفه	وزن معیار	وزن نهایی
(۱)			دوره های توانمندسازی و آموزشی در وزارت ورزش و جوانان	۰/۳۵۸	۰/۱۱۵
(۲)	ایجاد زمینه توسعه	۰/۳۲۲	مدیریت استعداد و جانشین پروری در وزارت ورزش و جوانان	۰/۳۳۰	۰/۱۰۶
(۴)			توسعه یادگیری مهارت های جدید	۰/۳۱۲	۰/۱۰۰
(۵)			استقرار و تحکیم ترفیع شغلی مبتنی بر تخصص و اثربخشی	۰/۳۰۶	۰/۰۹۸
(۶)	اجتماعی کردن	۰/۲۲۷	مرحله پیش از ورود کارکنان به وزارت ورزش و جوانان	۰/۴۰۲	۰/۰۹۱
(۹)			مرحله رویارویی کارکنان با فرهنگ سازمانی وزارت ورزش و جوانان	۰/۳۱۵	۰/۰۷۱
(۱۴)			مرحله دگردیسی کارکنان	۰/۲۸۳	۰/۰۶۴۲
(۳)	نقشه راه و مدیریت مسیر پیشرفت (کار راه)		تعیین اهداف توسعه شغلی در وزارت ورزش و جوانان	۰/۴۹۸	۰/۱۰۸
(۷)			توسعه نظام آموزش	۰/۳۵۵	۰/۰۷۷
(۱۱)			استقرار و توسعه ارزیابی و بازخورد	۰/۳۱۵	۰/۰۶۸
(۱۵)		۰/۲۱۷	ایجاد روابط روابط توسعه ای با سازمان های ورزشی پیشرو کشورهای توسعه یافته	۰/۲۹۵	۰/۰۶۴۰
(۱۷)			به کارگیری سبک رهبری سازمانی مناسب	۰/۲۹۰	۰/۰۶۲۹
(۸)	ایجاد آمادگی برای تغییر		برانگیختن نوآوری	۰/۳۶۱	۰/۰۷۶
(۱۰)		۰/۲۱۱	توانمندسازی کارکنان	۰/۳۲۸	۰/۰۶۹
(۱۲)			تیم سازی	۰/۳۱۱	۰/۰۶۵
(۱۳)			توسعه مشارکت مدیران و کارکنان در تصمیمات	۰/۳۰۶	۰/۰۶۴۵

توسعه حمایت و تحقق تعهدها	۰/۳۰۲	۰/۰۶۳	(۱۶)
تغییر منصفانه در فرایندهای مختلف	۰/۲۹۵	۰/۰۶۲۲	(۱۸)
توسعه سازمانی در راستای مدیریت پیش‌کنشی	۰/۲۸۰	۰/۰۵۹	(۱۹)
وجود تنوع مهارت‌ها و تخصص‌ها	۰/۲۴۷	۰/۰۴۸۴	(۲۳)
ایجاد و استقرار همسانی وظیفه	۰/۲۵۰	۰/۰۴۹	(۲۲)
اهمیت وظیفه نزد مدیر و کارکنان	۰/۲۳۳	۰/۰۴۵	(۲۵)
غنی‌سازی و توسعه شغلی	۰/۲۱۵	۰/۰۴۲۱	(۲۸)
عمل‌گرایی مدیران	۰/۳۷۶	۰/۰۵۲	(۲۰)
برخورداري مدیران از استقلال عمل	۰/۳۵۷	۰/۰۵	(۲۱)
انعطاف‌پذیری مدیران	۰/۲۶۷	۰/۰۳۷	(۳۰)
برخورداري از نظم و انضباط	۰/۲۶۱	۰/۰۳۶۵	(۳۱)
قاطعیت مدیران	۰/۲۴۷	۰/۰۳۴	(۳۳)
وجدان کاری مدیران	۰/۲۳۵	۰/۰۳۲۹	(۳۴)
عزت نفس مدیران	۰/۲۳۲	۰/۰۳۲۴	(۳۵)
برخورداري از دانش محیطی ورزش و جوانان	۰/۳۷۶	۰/۰۴۴	(۲۶)
برخورداري از دانش شغلی در حیطه ورزش و جوانان	۰/۳۵۷	۰/۰۴۲۴	(۲۷)
برخورداري مدیران از هوش هیجانی	۰/۲۶۷	۰/۰۳۱	(۳۶)
برخورداري مدیران از مهارت‌های ارتباطی	۰/۲۳۲	۰/۰۲۷۶	(۳۸)
برخورداري از هوشمندی عمومی و خردمندی	۰/۲۳۰	۰/۰۲۷۳	(۳۹)
وجود انگیزه پیشرفت در نزد مدیران و کارکنان	۰/۴۱۰	۰/۰۴۷۵	(۲۴)
علاقه‌مندی مدیران و کارکنان به شغل	۰/۳۵۷	۰/۰۴۱	(۲۹)
احساس خودکارآمدی	۰/۳۱۲	۰/۰۳۶۱	(۳۲)
برخورداري از انگیزه خودشکوفایی	۰/۲۶۷	۰/۰۳۰	(۳۷)

توسعه رقابت
پذیری

شخصیت
پیش‌کنشی

دانش،
مهارت و
توانایی

انگیزش
درونی

با توجه به یافته‌های اولویت‌بندی مندرج در جدول ۷، مؤلفه‌های ایجاد زمینه توسعه، اجتماعی‌کردن و نقشه راه و مدیریت مسیر پیشرفت (کار راهه) و نیز شاخص‌های دوره‌های توانمندسازی و آموزشی در وزارت ورزش و جوانان، مدیریت استعداد و جانشین‌پروری در وزارت ورزش و جوانان، تعیین اهداف توسعه شغلی در وزارت ورزش و جوانان، توسعه یادگیری مهارت‌های جدید و استقرار و تحکیم ترفیع شغلی مبتنی بر تخصص و اثربخشی به ترتیب دارای بیشترین اولویت هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، مطالعه اکتشافی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان بود. یافته‌ها نشان داد که به ترتیب مؤلفه‌های ایجاد زمینه توسعه، اجتماعی‌کردن، نقشه راه و مدیریت مسیر پیشرفت، ایجاد آمادگی برای تغییر، توسعه رقابت‌پذیری، شخصیت پیش‌کنشی، دانش، مهارت و توانایی و انگیزش درونی و همچنین ۳۹ شاخص در توسعه مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان مؤثرند. وا و همکاران (۲۰۱۳) به گرایش به تغییر، کامیر مولر (۲۰۱۱) به دنبال کردن بازخورد، اجتماعی‌کردن عمومی، کاظمی راد (۱۳۹۷) به ویژگی‌های شخصیتی، انگیزش درونی، ویژگی‌های رفتاری و مهارت و توانایی و محمدی مقدم و تفتی (۱۳۹۵) به اجتماعی‌کردن و فرصت‌سازی برای پیشرفت، با بیشترین شدت تأثیر اشاره کردند که این یافته‌ها با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر، دوره‌های توانمندسازی و آموزشی، مهم‌ترین شاخص ایجاد زمینه توسعه شغلی و ترفیع شغلی، کم‌اهمیت‌ترین شاخص می‌باشد. بنابراین توانمندسازی مدرسين، مدیران و کارکنان وزارت ورزش و جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین نتایج نشان داد که به هنگام اجتماعی‌کردن کارکنان جدید در بدو ورود، شاخص پیش از ورود دارای اهمیت می‌باشد. بنابراین چنانچه در ابتدای ورود نیروهای جدید به ورزش و جوانان، به اندازه کافی به نکته‌های توجیهی و شرح وظایف و نیز فرهنگ سازمانی موجود اشاره گردد، به پیش‌کنشی بودن مدیریت این سازمان کمک خواهد شد. از بین شاخص‌های کارراه در وزارت ورزش و جوانان، تعیین اهداف توسعه شغلی، دارای بیشترین اهمیت و سبک رهبری دارای کمترین اهمیت می‌باشد. بنابراین، بهتر است که تعیین و اعلام اهداف توسعه شغلی مورد توجه مدیران قرار گیرد. مدیران پیش‌کنش، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد مأموریت‌های سازمان ایفا می‌کنند. وزارت ورزش و جوانان از جمله سازمان‌هایی است که در اقصی نقاط کشور، ادارات ورزش و جوانان و فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی فعالیت دارد و به جامعه خدمات می‌دهد و مدیران بسیاری مشغول فعالیت هستند. بهره‌گیری از مدیران پیش‌کنش در پست‌ها و مناصب ورزش و جوانان و فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی، دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا مدیر پیش‌کنش به جای رفتار واکنشی به دنبال پیش‌بینی اتفاقات آینده سازمان است و سازمان را برای مواجه شدن با آن آماده خواهد کرد. بنابراین با توجه به یافته‌های تحقیق، چنانچه زمینه توسعه این وزارتخانه در محیط ناپایدار و پیچیده عصر حاضر فراهم گردد و متناسب با تغییرات سازمانی و تحولات جهانی نسبت به اجتماعی‌کردن کارکنان در چارچوب کارراه وزارت ورزش اقدام لازم صورت پذیرد، توسعه و شکوفایی ورزش کشور دور از ذهن نخواهد بود.

بخش دیگری یافته‌های پژوهش حاضر، اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شناسایی شده در وزارت ورزش و جوانان با رویکرد AHP بود. یافته‌ها نشان داد که از بین مؤلفه‌های اصلی، مؤلفه ایجاد زمینه توسعه در اولویت اول قرار گرفته و شاخص‌های دوره‌های توانمندسازی و آموزشی، مدیریت استعداد و جانشین‌پروری، یادگیری مهارت‌های جدید و ترفیع شغلی به ترتیب در اولویت قرار دارند. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعه یانگ و مییر (۲۰۱۹)، کامیر مولر (۲۰۱۱)، کاظمی راد (۱۳۹۷) و محمدی مقدم و تفتی (۱۳۹۵) همخوان است. توسعه سازمان در محیط پرتلاطم امروزی از جمله مباحثی است که هر سازمانی به طور دائم به آن خواهد پرداخت و هیچگاه متوقف نخواهد شد. توسعه وزارت ورزش و جوانان از منظر به کارگیری مدیریت پیش‌کنشی، در وهله اول مستلزم مهیا کردن زمینه توسعه شغلی کارکنان است. چنانچه جانشین‌پروری و ایجاد خزانة استعداد و نیز توسعه یادگیری مهارت‌های گوناگون و جدید مورد نیاز در چارچوب توانمندسازی مدرسين، مدیران و کارکنان و نیز توسعه فعالیت‌های آموزشی به درستی انجام شود، نقش تعیین‌کننده در هموار نمودن مسیر توسعه ورزش کشور خواهد داشت. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که مؤلفه اجتماعی‌کردن در اولویت دوم و نقشه راه و مدیریت مسیر پیشرفت (کار راه) در اولویت سوم قرار گرفته اند که با یافته‌های ویشواکارما و همکاران (۲۰۱۸)، کامیر مولر (۲۰۱۱) و محمدی مقدم و تفتی (۱۳۹۵) همخوانی دارد. کارکنان در بدو ورود به وزارت ورزش و جوانان، مقررات سازمانی و الگوهای رفتاری را برای

ایفای نقش فرا می‌گیرند و با آن همسو می‌شوند. در واقع مراحل پیش از ورود، رویارویی و دگردیسی را طی می‌نمایند. به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری سازمانی اتفاق می‌افتد. چنانچه این مهم به بهترین شکل ممکن انجام شود، نقش پر رنگی در افزایش بهره‌وری سازمان دارد. از طرفی، تعیین کارراه سازمان توسط مدیران در توسعه سازمان مؤثر است. در این رابطه، تعیین اهداف توسعه شغلی و بهره‌گیری از سبک رهبری مناسب و در نهایت، ارزیابی و بازخورد در فرایند مدیریت سازمان، اهمیت قابل توجهی دارد. بنابراین می‌توان گفت که اجتماعی کردن کارکنان و در پی آن تعیین و تدوین نقشه راه، وزارت ورزش و جوانان را در مسیر رسیدن به مأموریت‌ها تسهیل خواهد نمود.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، قرار گرفتن مؤلفه‌های ایجاد آمادگی برای تغییر، توسعه رقابت‌پذیری، شخصیت پیش‌کنشی، دانش، مهارت و توانایی و انگیزش درونی در رتبه‌های چهارم تا هشتم می‌باشد. در یافته‌های تحقیقات وا و همکاران (۲۰۱۳)، یانگ و میر (۲۰۱۹)، الرازی و همکاران (۲۰۱۵)، ویشواکارما و همکاران (۲۰۱۸)، کاظمی راد (۱۳۹۷)، محمدی مقدم و تفتی (۱۳۹۵) و کاظمی راد و همکاران (۱۳۹۳) به مؤلفه‌های به دست آمده در پژوهش حاضر اشاره شده است و با یافته‌های این پژوهش همخوانی دارد. انتخاب مدیرانی با شخصیت پیش‌کنشی و داشتن ویژگی‌هایی از قبیل عمل‌گرایی، استقلال عمل، انعطاف، نظم و قاطعیت، توسعه رقابت‌پذیری وزارت ورزش و جوانان در بخش‌های مختلف هموار خواهد کرد و این وزارتخانه در مواجهه با شرایط جدید و تغییر، آماده خواهد کرد. چنانچه مدیرانی برای پست‌ها و مسئولیت‌های وزارت ورزش و جوانان انتخاب شوند که شخصیت پیش‌کنشی نداشته باشند در تحقق مؤلفه‌های پیش‌کنشی یاد شده در پژوهش حاضر، نمی‌توان امیدوار بود.

وزارت ورزش و جوانان یکی از گسترده‌ترین سازمان‌های کشور است که ضمن این که مخاطبان بی‌شماری را به خود اختصاص داده است، دارای پیچیدگی‌های خاص سازمانی می‌باشد. توسعه مدیریت پیش‌کنشی به پیشرفت امور و رسیدن هرچه سریع‌تر و بهتر به اهداف کلان و رسالت وزارت ورزش و جوانان کمک می‌کند، زیرا نتایج این پژوهش، بینش جدیدی را به مدیران ارشد سازمان خواهد داد و در فرایند مدیریت این وزارتخانه و همچنین در انتصابات مدیران به آن‌ها کمک خواهد کرد. انجام این پژوهش در وزارت ورزش و جوانان ضروری بود، چرا که مدیر پیش‌کنش به جای رفتار واکنشی به دنبال پیش‌بینی اتفاقات آینده سازمان است و سازمان را برای مواجه شدن با آن آماده خواهد کرد.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، مؤلفه ایجاد زمینه توسعه از بیشترین اهمیت برخوردار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود تا در این زمینه به منظور توسعه شغلی مدیران و کارکنان، نسبت به توانمندسازی و توسعه اقدامات آموزشی و نیز استعدادیابی و پشتوانه‌سازی اقدام لازم صورت پذیرد. همچنین نتایج نشان داد که پس از ایجاد زمینه توسعه، اجتماعی‌سازی دارای بیشترین اهمیت است. از این رو پیشنهاد می‌گردد تا نسبت به تشریح مأموریت و رسالت وزارت ورزش و جوانان و عملکرد مورد انتظار و آشناسازی نیروها به ویژه نیروهای جدید با وظایف و الگوهای رفتاری مورد انتظار اقدام لازم صورت پذیرد.

با توجه به این که مأموریت بخش‌های مختلف از زیر مجموعه‌های وزارت ورزش و جوانان با یکدیگر تا حدودی تفاوت دارد و پژوهش حاضر، صرفاً در وزارت ورزش و جوانان و ادارات کل ورزش و جوانان انجام شده است، پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آینده، الگوی مدیریت پیش‌کنشی در فدراسیون‌های پر مخاطب و مهم و همچنین باشگاه‌های بزرگ ورزشی انجام شود. همچنین بر اساس یافته‌ها، پیشنهاد می‌گردد که پژوهشی پیرامون موانع و چالش‌های توسعه مدیریت پیش‌کنشی در وزارت ورزش و جوانان و راه حل‌های برون‌رفت از آن‌ها ارائه گردد. در نهایت با توجه به این که توسعه مدیریت پیش‌کنشی مرتبط با رفتار سازمانی می‌باشد، پیشنهاد می‌شود تا در آینده، پژوهش‌هایی در زمینه عوامل فردی- روانی و ویژگی‌های شخصیتی مؤثر بر رفتار پیش‌کنشی مدیران صورت پذیرد.

منابع

- رضایی دولت‌آبادی، حسین و مهر آذین، سمیرا. (۱۳۹۲). «تحلیل نقش حسابداری مدیریت در ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان‌ها در محیط‌های متغیر و پویا». پژوهش حسابداری، ۳ (۱)، صص ۸۹-۹۹.
- رهنورد، فرج اله. (۱۳۹۱). «معماری نظام اداری در پرتو سیاست‌های کلی ابلاغی». مدیریت توسعه و تحول، ۱۰، صص ۱۵-۲۲.
- شهپازی، مهدی؛ طهماسبی بروجنی، شهزاد و متشرعی، ابراهیم. (۱۳۹۳). «تعیین روایی عاملی و پایایی نسخه فارسی آزمون راهبردهای اجرا». رفتار حرکتی، شماره ۱۷، صص ۱۵-۴۲.
- -فورنیز، فردیناند اف. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی عملکرد کارکنان. سید محمد زاهدی. انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
- قجری، سمیه. (۱۳۹۴). «طراحی مدل بوم پیش‌کنش برای مدیران سازمان‌های دولتی ایران». پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین.
- قجری، سمیه و سبزی، محمد. (۱۴۰۰). «تاثیر رفتار پیش‌کنش بر عملکرد سازمانی در اورژانس ۱۱۵ کاشان». دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، علوم انسانی و رفتاری در ایران و جهان اسلام.
- کاظمی راد، شیرین؛ الوانی، سید مهدی؛ عطایی، محمد؛ معمارزاده طهران، غلامرضا و البرزی، محمود. (۱۳۹۶). «شناسایی و اولویت‌بندی ویژگی‌های مدیران پیش‌کنش در نیروی انتظامی». فصل‌نامه پژوهش‌های مدیریت انتظامی. دوره ۱۲، شماره ۹، صص ۳۱۹-۳۴۰.
- کاظمی راد، شیرین؛ الوانی، سید مهدی؛ عطایی، محمد؛ معمارزاده طهران، غلامرضا و البرزی، محمود. (۱۳۹۸). «ارائه مدل پیش‌کنشی مدیران نیروی انتظامی بر اساس ویژگی‌های فردی آنها با استفاده از سیستم استنتاج فازی». فصل‌نامه مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی. سال ۲، شماره ۳، صص ۸۷-۱۱۲.
- کاظمی راد، شیرین. (۱۳۹۷). «طراحی مدل ویژگی‌های اثربخش مدیران پیش‌کنش و تعیین میزان ترکیب بهینه این ویژگی‌ها در سازمان‌های دولتی ایران». رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین.
- محمدی مقدم، یوسف و تفتی، محمود. (۱۳۹۵). «تحلیل اثرات مدیریت پیش‌کنشی بر عملکرد مورد انتظار از کارکنان». کنفرانس بین‌المللی نخبگان مدیریت دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- مرادی، فاطمه؛ الوانی، سید مهدی و کاظمی، ابوالفضل. (۱۳۹۸). «طراحی الگوی سازمان پیش‌کنش در سازمان‌های دولتی ایران». مدیریت سازمان‌های دولتی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۳۹-۵۴.
- معصومی، حسن؛ غرایاق زندی، حسن؛ کیا کجوری، داود و عمادی، سید رسول. (۱۳۹۵). «شنا سایی و اولویت‌بندی موانع مدیریت راهبردی در وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون‌های ورزشی با استفاده از روش تصمیم‌گیری آنتروپی-فازی». پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. سال ۱۲، شماره ۲۳، صص ۲۹۵-۳۱۷.
- Alrazi, B., De Villiers, C. & Van Staden, C. J. (2015). "A comprehensive literature review on, and the construction of a framework for, environmental legitimacy, accountability and proactivity". Journal of Cleaner Production, 102, 44-57.
- Batistic, S.; Cerne, M.; Kase, R. & Zupic, I. (2016). "The role of organizational context in fostering employee proactive behavior: The interplay between HR system configurations and relational climates". European Management Journal, 34, pp. 579-588
- Graham, S., & Potter, A. (2015). "Environmental operations management and its links with proactivity and performance: A study of the UK food industry". International Journal of Production Economics, 170, pp 146-159.
- Grant, A. M., & Rothbard, N. P. (2013). "When in doubt, seize the day? Security values, prosocial values, and proactivity under ambiguity". Journal of Applied Psychology, 98(5), pp 810. Retrieved from: <https://psycnet.apa.org/record/2013-14497-001>.
- Horng, J.; Tsai, Ch.Y.; Yang, T.C.; Liu, Ch.H. & Hu, D.Ch. (2016). "Exploring the relationship between proactive personality, work environment and employee creativity among tourism and hospitality employees". International Journal of Hospitality Management, 54, pp. 25-34.
- Iris, G, Christian, O. and Daniel P. (2022). "Proactive Management of Requirement Changes in the Development of Complex Technical Systems". Chair for Product Creation, Heinz Nixdorf Institute, Paderborn University, Paderborn, Germany, Appl. Sci12(4), 1874; <https://doi.org/10.3390/app12041874>

- Jiang, Y., Xue, X. & Xue, W. (2018). **“Proactive Corporate Environmental Responsibility and Financial Performance: Evidence from Chinese Energy Enterprises”**. *Sustainability*, 10(4), 964.
- Jon Welty Peachey, J., Schulenkorf, N and Ramon Spaaij, R. (2019). **“Sport for Social Change: Bridging the Theory–Practice Divide”**. *Journal of Sport Management*. <https://doi.org/10.1123/jsm.2019-0291>
- Kammeyer-Mueller, J. D., Livingston, B. A., & Liao, H. (2011). **“Perceived similarity, proactive adjustment, and organizational socialization”**. *Journal of Vocational Behavior*, 78, 225–236.
- Luca T & Delia, V. (2022). **“Proactive Vitality Management, Work Home Enrichment Performance: A Two-Wave Cross-Lagged Study on Entrepreneurs”**. ORIGINAL RESEARCH article *Front. Psychol.*, 03 March 2022 | <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.761958>
- Vishwakarma, A. K., Nema, A. K.& Sangle, S. (2018). **“Study of determinants of proactive environmental strategies in India's power sector”**. *Journal of cleaner production*,194, 43-53.
- Wu, C. H., Parker, S. K.& Bindl, U. K. (2013). **“Who is proactive and why? Unpacking individual differences in employee proactivity”**. *In Advances in positive organizational psychology*. (pp. 261-280). Emerald Group Publishing Limited
- Yang, K.; Yan, X.; & Luo, Z. (2017). **“Leader-follower congruence in proactive personality & work engagement: A polynomial regression analysis”**. *Personality & Individual Difference*,105, pp. 43-46.
- Yang, W., & Meyer, K. E. (2019). **“Alliance proactiveness and firm performance in an emerging economy”**. *Industrial Marketing Management*. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S001985011830525>.

شناسایی عوامل موثر در توسعه شهر فعال با رویکرد ترویج ورزش شهروندی

سحر قاسمی^۱

امین دهقان قهفرخی^۲

احمد محمودی^۳



[10.22034/ssys.2023.2971.3175](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.2971.3175)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

هدف از این پژوهش، شناسایی عوامل موثر در توسعه شهر فعال با رویکرد ترویج ورزش شهروندی بود. روش پژوهش از نوع مطالعه کیفی اکتشافی نظام‌مند بر مبنای رویکرد تحلیل مضمون (تحلیل تماتیک) بود. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی، مدیران و کارکنان خبره شهرداری کلانشهرها، مدیران مجموعه‌های ورزشی شهرداری، افراد متخصص و آگاه به ورزش شهروندی و اساتید مدیریت ورزشی دانشگاهی بود که مورد مصاحبه قرار گرفتند. نمونه‌گیری در بخش کیفی به روش قضاوتی انجام گرفت (۲۱ نفر). ابزار پژوهش شامل دو ابزار مطالعه کتابخانه‌ای و مصاحبه بود. روایی محتوایی ابزار مصاحبه ابتدا با استفاده از نظر متخصصان و توافق مصححان مورد تأیید قرار گرفت.

نتایج نشان داد که شاخص‌های مؤثر در توسعه شهر فعال با رویکرد ترویج ورزش شهروندی شامل سه بخش شاخص‌های فرآیندی، عملکردی و پیامدی بود. یافته‌ها حاکی از آن بود که مدیران شهرداری‌ها و فدراسیون ورزش‌های همگانی به برگزاری همایش‌های پیاده‌روری و دوچرخه‌سواری بیشتر از قبل توجه کنند و برنامه‌های (اهدای جوایز برای افراد و برگزاری رایگان برنامه) را در جهت ترغیب مردم به این فعالیت‌ها برنامه‌ریزی کنند. همچنین توجه ویژه‌ای به ایجاد مسیرهای اختصاصی (دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی و دویدن)، پارک‌های بانوان، زیرساخت‌های لازم برای ورزش همگانی در پارک‌ها و ایستگاه‌های تندرستی داشته باشند تا بتوانند مردم را در جهت ایجاد شهر فعال به ورزش شهروندی و فعالیت بدنی ترغیب کنند.

واژگان کلیدی: شهر فعال، ورزش شهروندی و ورزش همگانی.

مقدمه

^۱ کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

در دوران معاصر، شهروندان به‌ویژه ساکنین شهرهای بزرگ کشورهای درحال توسعه مانند کشورمان ایران، در اثر کم‌توجهی به عوامل اثرگذار بر سلامت آدمی از قبیل کاهش شدید فعالیت فیزیکی افراد، از میان رفتن ارتباطات (با محیط و با جامعه)، سلامت روانی و جسمانی شان در مرز هشدار قرار گرفته است. همچنین به جهت استفاده از سرگرمی‌های کم‌تحرك و الکترونیکی محدودیت‌هایی برای فعالیت‌بدنی بوجود آمده است (نژاد اسد و همکاران، ۱۳۹۷، آصفی و همکاران، ۱۳۹۷ و سازمان بهداشت جهانی^۱، ۲۰۱۶). سبک زندگی ماشینی، شلوغی، فقر، جنایت، ترافیک، کیفیت بد هوا، فقدان پارک و سایر مکان‌های سالم، فعالیت‌بدنی را به انتخابی دشوار تبدیل کرده و تفریحات غیرفعال مثل تماشای تلویزیون بیشتر شده است. نتیجه این تغییرات در زندگی و بی‌تحركی، افزایش میزان چاقی، دیابت و بیماری‌های قلبی و عروقی را به همراه داشته است. (نژاد اسد و همکاران، ۱۳۹۷، آصفی و همکاران، ۱۳۹۷ و سازمان بهداشت جهانی^۲، ۲۰۱۶)

فعالیت‌بدنی^۳ به‌عنوان ستون اساسی سلامت حال و آینده ما شناخته می‌شود و به هرگونه حرکتی گفته می‌شود که با حرکت ماهیچه‌های اسکلتی تولید و ایجاد می‌گردد و با مصرف انرژی همراه باشد که ورزش را نیز شامل می‌شود. فعالیت‌بدنی می‌تواند کیفیت زندگی را برای همگان و در تمام سنین بهبود بخشد (اسدی و شعبانی مقدم، ۱۳۹۵، صفاری و لطیفی فرد، ۱۳۹۷، نژاد اسد و همکاران، ۱۳۹۷، آفریدگان، ۱۳۹۹، سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۶ و مک‌فادن و همکاران^۴، ۲۰۲۰). از تاثیرات مطلوب فعالیت‌های‌بدنی می‌توان به حفظ سلامتی و تندرستی و آمادگی جسمانی؛ بهبود قدرت و استقامت؛ کنترل وزن؛ بهبود سوخت و ساز قند؛ کم شدن چربی بدن؛ کاهش فشارخون؛ بهبود آمادگی قلبی- تنفسی؛ پیشگیری از بیماری‌های قلبی و عروقی، برخی سرطان‌ها و دیابت نوع دوم اشاره کرد (صفاری، ۱۳۹۱، پتکوویچ^۵، ۲۰۰۴، بالیش^۶، ۲۰۱۷ و چن و لیو^۷، ۲۰۲۰). فوائد ذهنی و روانی مثل کاهش میزان افسردگی و افزایش شادی، علاقه، نشاط، هیجان، شور و شوق (صفاری، ۱۳۹۱، پاسکو و همکاران^۸، ۲۰۱۱ و سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۶)؛ گسترش تعاملات، روابط و مهارت اجتماعی و جلوگیری از بروز ناهنجارهایی چون مصرف الکل، مواد مخدر و دخانیات، پرخاشگری و خشونت (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۶) و مزیت‌های اقتصادی از جمله کاهش هزینه‌های مراقبت بهداشتی و پزشکی (صفاری، ۱۳۹۱) نیز

¹ World Health Organization

² World Health Organization

³ Physical activity

⁴ McFadden & etal

⁵ Petkovich

⁶ Balish

⁷ Chen & Liu

⁸ Pasco ET AL

قابل توجه‌اند و به توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع نیز کمک می‌کند (کارتاکولیس و همکاران^۱، ۲۰۱۵). بنابراین، نقش ورزش و فعالیت‌بدنی به عنوان راهبردی که توانایی بالقوه‌ای در یاری رساندن به اهداف سلامتی، اجتماعی و اقتصادی دارد، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. داشتن نیروی انسانی سالم و جامعه‌ای که بیشتر افراد آن از عمر طولانی همراه با سلامتی برخوردار باشند، از شاخص‌های مهم توسعه انسانی و فرهنگی به شمار می‌آید. به همین دلیل کشورهای پیشرفته و صنعتی توجه خاصی به گسترش ورزش و تربیت‌بدنی در جامعه دارند تا با استفاده از دستاوردهای بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و رشد و گسترش ورزش، هم خود را به شاخص‌های توسعه نزدیک و هم با استفاده از نیروی انسانی سالم و کارآمد برای تحقق اهداف دیگر توسعه برنامه‌ریزی کنند (سیدعامری و بردی محمدآلق، ۱۳۹۱ و آفریدگان، ۱۳۹۹).

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش رو در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جوامع امروزی، کاهش تحرک و فعالیت‌های بدنی است که با صنعتی شدن جوامع و پیشرفت فناوری و غلبه ماشین‌ها بر زندگی و گسترش امکانات رفاهی و شیوه‌های نوین زندگی به وقوع می‌پیوندد (اسدی و شعبانی مقدم، ۱۳۹۵، شعبانی و همکاران، ۱۳۹۰ و نورگس^۲، ۲۰۱۱). بنابراین، ورزش یکی از عوامل اصلی توسعه کشورهاست و بیش از هر زمان دیگری مورد توجه مدیران ورزشی و ذینفعان قرار گرفته، زیرا به عنوان یکی از عوامل تضمین‌کننده سلامت جسمی و روحی افراد جامعه است (پرونا و همکاران^۳، ۲۰۱۸ و هوگو و همکاران^۴، ۲۰۱۸). ضرورت برنامه‌ریزی در راستای تأمین حرکت مورد نیاز جسمانی و عمومیت بخشیدن به انجام فعالیت‌های منظم و مستمر ورزشی را در بین مردم بیش از پیش نمایان می‌سازد و آموزش، ترغیب آحاد مختلف جامعه به ورزش امری لازم و حیاتی به نظر می‌رسد؛ کاری که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته از سال‌ها پیش جزو اولویت‌های برنامه‌ریزی برای ایجاد شهر فعال مدنظر قرار گرفته و با به کار بستن راهکارهای مشخص به نحوی ورزش را در آن جوامع به صورت همگانی درآورده و در قالب یک فرهنگ در راستای سالم زیستن و ایجاد شهر فعال در جامعه شده است (باقری و عظمتی، ۱۳۸۹). ایجاد و گسترش محیط‌ها و مکان‌های مناسب و با کیفیت بالا و دسترسی مناسب برای فعالیت‌بدنی و ورزش کردن مثل پارک‌ها می‌تواند باعث افزایش انجام فعالیت و ورزش توسط مردم شود. چون اکثریت جامعه از دهک‌های پایین درآمدی هستند، توانایی تخصیص درآمد برای ورزش کردن را ندارند. بنابراین یکی از سیاست‌گذاری‌های دولت باید فراهم آوردن امکان ورزش ارزان و رایگان باشد (پاسکو و همکاران، ۲۰۱۵). اگر فقط فضاهای ورزشی متعلق به بخش خصوصی با کمک‌های دولتی افزایش یابد، ولی سیاست‌های بهره‌برداری عموم از این امکانات وجود نداشته

^۱Kartakoullis et al.

^۲ Norges

^۳ Pruna et al.

^۴ Hugo et al.

نبا شد، نتیجه‌ای از توسعه اماکن و تجهیزات ورزشی حاصل نخواهد شد. - کما اینکه بسیاری از ارگان‌های دولتی علی‌رغم در اختیار داشتن اماکن ورزشی مختلف، ساعات زیادی در طول روز را تعطیل هستند (پاسکو و همکاران، ۲۰۱۵). با این حال، اهمیت وجود فضاهای ورزشی کافی برای افزایش مؤلفه‌های نشاط و سلامت شهروندان، به صورت دو چندان بروز یافته است که متأسفانه به دلیل کاهش اعتبارات تخصیص‌یافته در حوزه ورزش همواره این بخش مورد غفلت واقع می‌شود. به طور مثال در قوانین، شهرداری‌ها وظایف مهمی در توسعه ورزش و تسهیلات رفاهی دارند. با اینکه گام‌هایی در راستای ارائه تسهیلات ورزشی برای شهروندان برداشته شده، اما هنوز در آغاز راه است و نیازمند پیمودن مسیری طولانی می‌باشد (سیدعامری و همکاران، ۱۳۹۱ و رهبری و همکاران، ۱۳۹۶).

شعار «ورزش برای همه» به صورت اصل بنیادی و اولویت برنامه‌های ورزشی در اغلب کشورهای جهان پذیرفته شده است. برای تحقق این شعار همگانی، شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی و بسیاری از سازمان‌های غیرورزشی با صرف هزینه‌های بسیار زیاد برنامه‌هایی مدون و سازمان‌یافته را به منظور مشارکت همه قشرهای اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌های برابر در ورزش‌های تفریحی و انواع فعالیت‌های مفرح جسمانی شروع و اجرا کردند. هدف اصلی از این فعالیت‌ها و برنامه‌ها، افزایش کیفیت شیوه‌های زندگی، افزایش میزان تفریح، شادابی و ارتقای بهداشت و سلامتی افراد با تأکید بر برنامه‌های گوناگون ورزشی است (مک‌ینتاش^۱، ۱۹۹۰). توسعه ورزش همگانی و افزایش فعالیت بدنی منظم، برای تمام افراد در همه رده‌های سنی سلامت جسمانی، اجتماعی و روانی به همراه دارد (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۱۶). با توجه به اینکه ورزش همگانی برای تمامی گروه‌های سنی، جنسی، نژادی و طبقاتی باید قابل دسترسی باشد، بنابراین نوعی دموکراسی در ورزش محسوب می‌گردد و ورزش همگانی را به عنوان حقی مطرح می‌سازد که متعلق به ملت‌ها و بر دوش دولت‌ها می‌باشد و برآورده نمودن آن حق نوعی مردم‌سالاری اجتماعی را تداعی می‌نماید که در چنین جامعه‌ای وجود دارد. لذا دولت‌ها باید تا حد ممکن تلاش نمایند که موانع مشارکت گروه‌های مختلف اجتماعی را در ورزش از میان بردارند و از طرفی، مشوق‌ها و انگیزه‌های لازم را در مردم برای شرکت در ورزش فراهم نمایند. یکی از این مشوق‌ها و انگیزه‌ها، توجه به نیازها، سلیقه‌ها و گرایش‌های مختلف ورزشی و تفریحی در جامعه است که با توجه به آن به طور اثربخشی اقدام به توسعه و گسترش ورزش همگانی در میان اقشار مختلف جامعه نمایند (سعیدی^۲، ۲۰۰۸). در استرالیا پیش‌بینی شده است که اگر تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش همگانی ده درصد افزایش یابد، سالانه ۶۰۰ میلیون دلار بودجه در این کشور صرفه‌جویی می‌شود. هزینه مستقیم مراقبت بهداشتی بیماری‌های ناشی از کم‌تحرکی ۳۰۶ میلیون دلار استرالیا برآورد

^۱ McIntosh

^۲ Saaidi

شده است. نتیجه یک بررسی در نیویورک نشان می‌دهد که ۵۹ درصد از بزرگسالان این شهر غیرفعال هستند. تخمین زده شده است کل هزینه ناشی از این بی‌فعالیتی، سه میلیارد دلار است که به مالیات‌دهندگان و کارمندان تحمیل می‌شود (صفاری، ۱۳۹۱). به طور کلی، پرداختن به موضوع ورزش و سرمایه‌گذاری در آن از دیدگاهی راهبردی و آینده‌نگر ضرورت و اهمیت هزینه در ورزش همگانی را آشکار می‌سازد. در بلندمدت هزینه کردن در ورزش همگانی را می‌توان نه یک هزینه صرف، بلکه یک منبع درآمد عمده به‌ویژه از طریق صرفه‌جویی‌های اقتصادی ناشی از رواج تحرک و نشاط در جامعه به حساب آورد. علاوه بر این، باتوجه به بررسی مبانی پژوهش و مطالعات مختلف و اهمیت اجرایی‌شدن طرح ملی شهر فعال با همکاری وزارت کشور و وزارت ورزش و جوانان و با همراهی مدیریت شهری برای ایجاد شهر دوستدار ورزش، دوستدار بازی کودکان، دوستدار پیاده‌روی، شهر دوستدار دوچرخه و شهر دوستدار تناسب و آمادگی جسمانی و همچنین اهمیت موضوع ورزش و سلامت مردم که از موضوعات مهمی است که دستگاه‌های مختلف بر آن تاکید دارند و برنامه‌های متعددی در این چند سال برای اجرای انجام آن شده است محقق ضرورت دید که به تحقیق در این باره بپردازد.

حق مشارکت در ورزش و سایر فعالیت‌های تفریحی و فراغتی به سیاست مهمی در بسیاری از کشورهای پردرآمد اروپا تبدیل شده است و در آنجا به‌عنوان «ورزش همگانی» یا «ورزش شهروندی» شناخته می‌شود (دونلی^۱، ۲۰۰۸). گاس شوان^۲ (۲۰۱۴)، شهروندی را حالتی می‌داند که در آن یک فرد به‌عنوان عضوی از جامعه در تصمیمات جمعی که زندگی اجتماعی را تنظیم می‌کند، مشارکت فعال دارد. این تعریف نشان می‌دهد که شهروندی مسئله‌ای عمومی است. این تعریف شهروندی نه فرازمانی است و نه جهانی. شهروندی نیازمند مشارکت دموکراتیک در دولت است که شهروندان را از یک شخص حکومتی که فاقد مسئولیت سیاسی رسمی است، متمایز می‌کند. علاوه بر این، یک بخش عمده از ورزش که با سلامتی و نشاط جامعه ارتباط نزدیک دارد و بسیاری از کارکردهای اساسی ورزش در آن خلاصه می‌شود، ورزش همگانی و یا ورزش برای همه است؛ یعنی همه افراد در همه جا و هر زمانی که توانستند در هر رشته‌ای که تمایل به آن دارند، چه به صورت فردی و چه گروهی به آن بپردازند تا نشاط، شادابی، سلامت جسم و روح خویش را ارتقا دهند (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۲، ساو^۳، ۲۰۰۱، کمیته ورزش‌های اجتماعی کمیسیون ورزش^۴، ۲۰۰۹، تان و همکاران، ۲۰۰۹ و شو و موکواسی^۵، ۲۰۰۷). درحالی که مفهوم ورزش شهروندی فراتر از این‌هاست و به درک اجتماعی افراد از زندگی شهری، امکانات و موقعیت‌های موجود در آن، پتانسیل و

^۱ Donnelly

^۲ Guschwan

^۳ SAO

^۴ Community Sports Committee of the Sports Commission

^۵ Shehu & Mokgwathi

علاقه‌مندی منطقه‌ای، امکان انجام دادن اکثر رشته‌های ورزشی مثل ورزش‌های رزمی، ایروبیک، بدن‌سازی، بازی‌های تویی از قبیل والیبال، بدمینتون، فوتبال گل کوچک و... است (الله‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۸). ورزش شهروندی نقش مهمی در ساخت زیربنای جامعه شهری دارد. آنچه فصل تمایز ورزش شهروندی با دیگر ورزش‌هاست، شیوه ورود به عرصه ورزش و حمایت‌ها و پشتیبانی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای تحقق این ورزش است (یزدانی، ۲۰۱۳). برابری در ارائه خدمات عمومی، رضایت عموم افراد جامعه را به منظور اجرای ورزش همگانی ایجاد خواهد کرد و اگر برای عموم این خدمات به صورت قابل دسترس ارائه گردد، همگان از فرصت‌های برابر برای استفاده از این خدمات برخوردار هستند (سیو^۱، ۲۰۱۲).

یکی از موارد ضروری در زمینه ورزش همگانی، استفاده از تجربیات کشورهای دیگر و الگو گرفتن از موفقیت‌های آنهاست. مشابهت‌هایی در روش‌ها و نگرش‌های اتخاذ شده در سیاست‌های ورزش همگانی در جهان وجود دارد. این سیاست‌ها با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و پس از مشورت با ذینفعان، با همکاری بخش خصوصی و دولتی و با هدف ایجاد فرصت‌هایی برای افزایش مشارکت مردم در ورزش همگانی، اتخاذ می‌شوند. در بسیاری از کشورهای جهان، برنامه‌ریزی دولت‌ها در جهت بهینه‌سازی و برنامه‌ریزی اوقات فراغت در جهت ایجاد تحرک و فعالیت ورزشی و مشارکت افراد در ورزش‌های شهروندی و همگانی صورت می‌گیرد. محققان زیادی در مورد ورزش تفریحی اوقات فراغت، انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها و رضایت‌مندی تحقیق کرده‌اند و تلاش همه آن‌ها برای نیل به یک هدف بوده است: بهبود کیفیت زندگی- این هدف، اصلی‌ترین هدف در مدیریت شهری محسوب می‌شود. مدیریت شهری در زمینه وظایف و تکالیف متعدد شهری از اهمیت بسزایی برخوردار است و شامل فعالیت‌هایی همچون امور فرهنگی، تفریحی و ورزشی، مراقبت از سلامت و ارائه تسهیلات برای اوقات فراغت شهروندان می‌باشد. بنابراین نقش ورزش شهروندی در ارتقای و بهبود فعالیت بدنی و ایجاد شهر فعال بیشتر می‌شود (الله‌مرادی و همکاران، ۱۳۹۸). یکی از اصولی که باید در همه خدمات ورزشی- تفریحی که سازمان‌های دولتی یا خصوصی ارائه می‌کنند در نظر گرفته شود، با برنامه و هدفمند بودن فعالیت‌هاست تا نتایج محسوس و چشمگیری در اجتماع برجای گذارد. سوابق موفقیت‌های کسب شده در کشورهای مختلف در زمینه سلامت نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری اغلب نقش مهمی در این زمینه دارد. افزایش تعداد افرادی که کمتر به فعالیت بدنی می‌پردازند، نیاز به سیاست‌گذاری به منظور رواج فعالیت بدنی ارتقا دهنده سلامت را نشان می‌دهد. تدوین سیاستی در این زمینه سبب حمایت دولت، مسئولان محلی، سهامداران و بخش خصوصی می‌شود. سیاست‌گذاری همچنین امکان جذب سرمایه و قانون‌گذاری را افزایش و احتمال ناکامی را کاهش می‌دهد. یکی از

^۱ Cui

شاخص‌های پیشنهادی برای موفقیت برنامه‌ها و سیاست‌ها، درگیر کردن تمام بخش‌های دولتی، غیر دولتی و خصوصی است (بل و همکاران، ۲۰۱۱).

«پروژه شهر فعال»^۱ برای تشویق افراد در شهرهای مختلف جهان به تحرک بیش‌تر و افزایش فعالیت‌بدنی طراحی شده است. (برگرفته از برنامه ارزیابی فاز چهارم برنامه شهر سالم در اروپا، ۲۰۰۸). شهر فعال، شهری است که با همکاری وزارت کشور و وزارت ورزش و جوانان و با همراهی مدیریت شهری برای ایجاد شهر دوستدار ورزش، دوستدار بازی کودکان، دوستدار پیاده‌روی، شهر دوستدار دوچرخه و شهر دوستدار تناسب و آمادگی جسمانی به‌وجود بیاید (گزارش سالانه سازمان بین‌المللی ورزش برای همه^۲، ۲۰۱۶). ساختار و کالبد شهر بر سلامت جسمی شهروندان تأثیر بسیاری دارد، زیرا که محیط زندگی مردم را شکل می‌دهد و تصمیماتی را که مردم در مورد شیوه زندگی‌شان می‌گیرند تحت تأثیر قرار می‌دهد. طراحی شهری با چیدمان و طراحی ساختمان‌ها و فضاهای بین آن‌ها این پتانسیل را دارد تا از طریق ایجاد محیط‌هایی که فعالیت‌های بدنی را تقویت می‌کند، بر سلامتی تأثیر بگذارد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۶ و نژاداسد و همکاران، ۱۳۹۷). شهرها به عنوان مهم‌ترین سکونت‌گاه بشر باید بستر ساز ایجاد زندگی سالم، با کیفیت و پایدار برای تمام شهروندان باشند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲). وضعیت محیط شهری و چگونگی اداره و استفاده از آن توسط ساکنان، تعیین‌کننده سلامتی و تندرستی انسان است. مردم نیاز به فضاهای خوب برای زندگی و بهره‌بردن از سلامتی و تندرستی دارند که این فضای خوب با دسترسی به خدمات عمومی خوب، امنیت و ایمنی، فضاهای سبز و باز، حمل و نقل آسان، در دسترس بودن منازل با کیفیت و قیمت مناسب، دستیابی به شغل و حس امنیت و حس جمع‌گرایی تعریف می‌شود (نژاداسد و همکاران، ۱۳۹۷). یک شهر سالم همان شهر فعال است. برنامه‌ریزی شهر سالم، برنامه‌ریزی‌هایی را شامل می‌شود که سلامت و رفاه را تشویق می‌کند و با اصول توسعه پایدار هماهنگی زیادی دارد. در این برنامه‌ریزی به جای این که تنها به اقتصاد و ساختمان‌ها توجه گردد، انسان‌ها و چگونگی استفاده از محیط زیست اهمیت دارد. با توجه به اینکه نظام‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی در کشورهای مختلف متفاوت است، هرکشور و هم شهری باید مناسب‌ترین روش‌ها را برای اجرای مفهوم برنامه‌ریزی شهر سالم پیدا کند (محمدی ده چشمه و همکاران، ۱۳۹۶). به منظور دستیابی به شهرهای سالم و فعال باید به روش‌های پیاده‌مداری توجه ویژه‌ای شود و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های برنامه‌ریزی شهری در جهت افزایش فعالیت‌بدنی و ارتقای سلامتی شهروندان تنظیم گردد. نحوه طراحی و شکل محیط‌های زندگی به‌شدت می‌تواند باعث یا مانع انجام فعالیت‌بدنی و زندگی فعال و سالم شود. زندگی فعال، روشی از زندگی است که در آن فعالیت‌بدنی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره است و با زندگی تلفیق شده و با ارزش در نظر گرفته

^۱Active city

^۲ The Association for International Sport for All

می‌شود؛ شیوه زندگی فعال در بهبود کیفیت زندگی انسان اثر گذاشته و باعث از بین بردن فقر حرکتی، بهبود و افزایش تعادل، قدرت، هماهنگی، انعطاف‌پذیری و تحمل در آنان خواهد شد (وفایی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶، نژاد اسد و همکاران، ۱۳۹۷، آفریدگان، ۱۳۹۹ و مک‌فادن و همکاران^۱، ۲۰۲۰). لذا دولت‌های محلی در ایجاد محیط‌هایی که بتواند فرصت فعالیت‌بدنی و فضاهای سبز را فراهم نماید و زندگی را فعال‌تر سازد، نقش تعیین‌کننده‌ای خواهند داشت. بهداشت و سلامت، محرک مهمی برای توسعه و بهره‌وری اقتصادی است. ترویج زندگی فعال در شهرها می‌تواند علاوه بر تضمین سلامت شهروندان، منافع اقتصادی و اجتماعی زیادی به دنبال داشته باشد (محمدی ده چشمه و همکاران، ۱۳۹۶). یک شهر سالم و فعال فرصت‌هایی را برای فعالیت‌بدنی و زندگی فعال برای همه ایجاد می‌کند که در این راه محیط کالبدی و اجتماعی نقاط کلیدی هستند. فعالیت‌بدنی رفتاری است که توسط عوامل متنوعی تحت تاثیر قرار می‌گیرد که شامل زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و اولویت‌های فردی در محیط‌های کالبدی شامل محیط‌های مصنوع و طبیعی (در جایی که مردم زندگی می‌کنند) می‌شود (نژاداسد و همکاران، ۱۳۹۷).

کیانی و همکاران (۱۴۰۲) با تدوین مدل شهروندی کلان‌شهرهای ایران نشان دادند که ۱۶ عامل مؤثر شناسایی‌شده بر توسعه ورزش شهروندی در ۷ سطح قرار گرفته‌اند که عوامل چشم‌انداز و مدیریت کلان و برنامه‌ریزی و مدیریت جامع در سطح زیربنایی مدل قرار دارند. محمودی یکتا و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند مدیریت ارتباط بخش علمی و اجرایی ورزش، تمرکز بر مهارت‌افزایی جوانان، برنامه‌ریزی اصولی، عوامل سیاسی - اقتصادی و حمایت سازمان‌های مرتبط بیشترین تاثیر را بر توسعه فرهنگ دوچرخه‌سواری (با رویکرد ترویج ورزش شهروندی) داشتند. عزتی و همکاران (۱۴۰۲) بیان کردند چالش‌های پیش روی ورزش شهروندی استان کردستان در برگیرنده ۳ مضمون فراگیر و ۹ مضمون سازمان‌دهنده (چالش‌های زمینه‌ای، چالش‌های ساختاری و چالش‌های رفتاری) و ارتقای ورزش شهروندی استان کردستان در برگیرنده ۳ مضمون فراگیر و ۸ مضمون سازمان‌دهنده (حمایت زمینه‌ای، حمایت ساختاری و حمایت رفتاری) است. فروچی تملی و همکاران (۱۴۰۱) با ارائه مدل پارادایمی تحقق شهرهای فعال و دوست‌دار ورزش ایران بیان کردند که مدیریت شهری باید در راستای انعطاف‌پذیری خود تلاش بیشتری کند و سیستم یاز را گسترش دهد و فضا را برای توسعه مشارکت نهادها و سازمان‌های عمومی و مردمی جهت توسعه ورزش همگانی ایجاد نماید. زارعی متین و محسنی (۱۴۰۰) مدل نشاط اجتماعی با تاکید بر توسعه ورزش شهروندی را طراحی کردند که در برگیرنده ۱۰ عامل اصلی است و در مجموع با یکدیگر تشکیل یک مدل ساختارمند می‌دهند. عباسی و همکاران (۱۴۰۰) ۶ درون مایه فرعی در قالب ۲ درون‌مایه اصلی به عنوان "راهبردها" و "پیامدها" در ورزش شهروندی سلامت‌محور در کلان‌شهرهای ایران شناسایی کردند.

^۱ McFadden et al.

الله‌مرادی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که سیاست‌گذاری کلان، الزامات توسعه‌بخش، وظایف سازمان متولی ورزش شهروندی، شهر ورزشی، مدیریت واحد شهری و در نهایت محیط کلانشهری تهران عوامل تأثیرگذار بر ورزش شهروندی هستند. الله‌مرادی و همکاران (۱۳۹۸) در ارائه مدل مفهومی ورزش شهروندی در تهران نشان دادند که عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده به عنوان شرایط علی، بستر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به عنوان زمینه حاکم، عوامل سطح رفتاری، ساختاری و محیطی به عنوان شرایط مداخله‌گر، همچنین اقدامات تبلیغاتی، قانونی، مالی، آموزشی، تعاملی و عمرانی به عنوان راهبردها و تامین منافع ملی، پیامدهای اقتصادی، توسعه ورزشی، پیامدهای بهداشتی - سلامتی و فرهنگی - اجتماعی به عنوان نتایج حاصل از کاربری راهبردها شناسایی شدند. نتایج تحقیق قاکوچ و پدیسچ^۱ (۲۰۲۲) نشان می‌دهد نزدیک به ۳۰ درصد از بزرگسالان در سراسر جهان توصیه‌های فعالیت‌بدنی را رعایت نمی‌کنند. ساکنان کشورهای با درآمد بالا، مردان و افراد جوانتر تمایل به فعالیت‌بدنی بیشتری نسبت به ساکنان کشورهای کم درآمد، زنان و افراد مسن دارند. شفا و همکاران (۲۰۲۱) در مدل سازی تأثیر عوامل اجتماعی بر مشارکت ورزشی شهروندان، سلامت جسمی و روانی نشان دادند که عوامل اجتماعی تأثیر مستقیم و معناداری بر مشارکت ورزشی، سلامت جسمی و روانی داشتند. نقش واسطه‌ای مشارکت ورزشی نیز مشاهده شد. گریث سنکو و ایندوکاو (۲۰۲۱) در بررسی دیجیتال کردن حکمرانی شهر در روسیه در پلتفرم شهروند فعال نشان دادند که نحوه انجام نظر سنجی‌ها بر روی پلتفرم پیامدهای مختلفی دارد و برخی از پلتفرم‌ها از طریق مشارکت دادن شهروندان در تصمیم‌گیری برای توانمندسازی شهروندان به کار می‌روند. سواکر و همکاران (۲۰۲۰) در بررسی نقش فلسفه شهر فعال در برنامه‌ریزی و طراحی زندگی بهتر نشان دادند که این نظریه با هدف افزایش دوره فعالیت‌بدنی به مدت ۳۰ دقیقه یا بیشتر در روز برای بالا بردن سطح سلامتی، جسمی و روحی شهروندان علاوه بر کاهش میزان ابتلا به بیماری‌های عفونی و همچنین کاهش علائم چاقی، بیماری‌های قلبی و فشار خون بالا، به ارتقای کارایی شهر در سطح بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی و در کل کشور کمک می‌کند.

نقش ورزش شهروندی در ارتقای سلامت و شادابی جامعه مؤثر است، زیرا ورزش همگانی به توسعه یک جامعه متحد با سیاست ورزش برای همه از طریق مشارکت بیشتر در ورزش هدفمند اشاره دارد (آمان و همکاران^۲، ۲۰۰۹). یکی از مداخلات در توسعه فعالیت بدنی در شهرها و ایجاد شهر فعال، عوامل سیاسی و سیاست‌گذاری است. هدف اصلی سیاست عمومی مربوط به فعالیت‌بدنی، ایجاد محیط‌های حمایتی، زیرساخت‌ها و برنامه‌هایی برای توانمندسازی مردم با ایجاد بخش‌هایی مانند پارک‌های شهری، فضاهای سبز، مسیرهای پیاده‌روی و

¹ Rakovac & Pedisic

² Aman et al.

دوچرخه‌سواری، سیستم حمل و نقل فعال و محلات و ایجاد و توسعه شهر فعال با ایجاد زیرساخت‌های عمرانی و دادن آموزش، مشوق و محرک و فرهنگ‌سازی ملی است تا مردم را به مشارکت در ورزش و انجام فعالیت‌بدنی و به سمت زندگی فعال ترغیب و هدایت کرد (بلوو و همکاران، ۲۰۱۱ و فاسکنگر^۱، ۲۰۱۳). شهرهای فعال یک منبع سرمایه‌گذاری در توسعه هر چه بیشتر سرمایه‌های زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و انسانی هستند. علیرغم اینکه ورزش شهروندی در کشورهای پیشرفته جهان به رفتار پایدار تبدیل شده است، ولی همچنان در شهرهای ایران خلا و نقص‌هایی وجود دارد که سبب عدم توسعه ورزش شهروندی و افزایش مشارکت عموم شهروندان به ورزش شده است. این در حالی است که کلان‌شهرهای ایران دارای توان بالقوه مطلوبی هستند که مبدل به شهرهای فعال در ورزش شهروندی شوند. قطعاً عناصر متعددی در این وضعیت نقش داشته‌اند. یکی از این عناصر نبود چهارچوبی معتبر و بومی برای بهبود وضعیت فعالیت‌بدنی و عدم شناسایی شاخص‌های مورد نیاز برای ایجاد شهر فعال در کلان‌شهرهای ایران است. لذا محقق در این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سوال است:

عوامل موثر در توسعه شهر فعال با رویکرد ترویج ورزش شهروندی کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های کیفی با رویکرد اکتشافی نظام‌مند با استفاده از تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) است و از لحاظ فلسفه از نوع تفسیرگرایانه، به لحاظ رویکرد از نوع استقرایی، به لحاظ راهبرد از نوع تحلیل مضمون، از لحاظ بازه زمانی مقطعی، گردآوری داده از طریق مصاحبه و مطالعات اسنادی و از لحاظ هدف نیز کاربردی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی، مدیران و کارکنان خبره شهرداری کلانشهرها، مدیران مجموعه‌های ورزشی شهرداری، افراد متخصص و آگاه به ورزش شهروندی و اساتید مدیریت ورزشی دانشگاهی بود که مورد مصاحبه قرار گرفتند- جامعه محدود و نامشخص است. نمونه‌گیری در بخش کیفی به روش قضاوتی (به دلیل نیاز با افراد خبره) آن انجام گرفت. در این پژوهش، کار گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر اطمینان حاصل کرد که ادامه کار چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید (پس از انجام ۲۱ مصاحبه). جهت تکمیل نتایج کیفی مستخرج از بخش مصاحبه از منابع اطلاعاتی نیز شامل منابع کتابخانه‌ای و علمی، گزارش‌ها و اسناد اجرایی و حقوقی و منابع و آرشیوهای رسانه‌ای بود. نمونه آماری این بخش شامل ۲۵ نسخه براساس رسیدن به اشباع نظری چارچوب پژوهش انتخاب و به روش نمونه‌گیری نظری و از نوع قضاوتی نمونه‌گیری شد.

روایی رونوشت مطالعه کتابخانه‌ای و ابزار مصاحبه ابتدا با استفاده از نظر متخصصان ارزیابی گردید. در این پژوهش، با ارائه بازخورد به مصاحبه‌شوندگان و قراردادن آن‌ها در مسیر پژوهش- به طوری که بر نحوه

¹ Faskunger

پاسخگویی آن‌ها تأثیر نگذارد- به منظور افزایش روایی درونی اقدام شد. در ضمن، پس از انجام هر مصاحبه، الگوی به دست آمده تا آن مرحله ارائه می شد و در صورتی که مصاحبه شونده نکاتی را نسبت به الگو داشت، مورد بحث قرار می داد. این کار پس از انجام مصاحبه انجام می شد تا مصاحبه خالی از هر گونه پیش فرض و جهت گیری باشد. از آنجایی که مؤلفه پایایی به گستره تکرارپذیری یافته های پژوهش اشاره دارد، در انجام مطالعات کیفی پژوهشگر به تفسیر موضوع مورد مطالعه می پردازد. کار گردآوری داده ها تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر اطمینان حاصل کند که ادامه کار چیز تازه ای به دانسته های او نمی افزاید. پس از انجام ۲۱ مصاحبه در طی دوره شش ماه، تحلیل داده ها حاکی از اضافه نشدن داده جدید به داده های قبلی بود، چرا که درصد بالایی از داده های مستخرج از مصاحبه های آخر تکراری بود. بنابراین، با رسیدن به حد اشباع نظری، به مصاحبه ها پایان داده شد. پژوهشگران کیفی به جای واژه اعتبار و روایی، از واژه های مقبولیت، انتقال پذیری و تأییدپذیری استفاده می کنند.

جدول ۱: مشخصات ابزارهای پژوهش

روش	ابزار	زمینه مطالعه	روایی
رونوش			
مطالعه	(چک		
کتابخانه-ای	لیست	منابع اطلاعاتی	انتخاب نسخه‌های معتبر به لحاظ علمی و حقوقی
	استخراج مفاهیم)		روایی محتوایی توسط (۸ نفر متخصص)
	چارچوب		میزان توافق بین کدگذاران و مصححان
مصاحبه	پرسش (پرسشنامه بازپاسخ)	منابع انسانی	انتخاب افراد بر حسب شایستگی علمی و فنی

همچنین در تحقیق حاضر از پایایی باز آزمون برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده شده است. روش محاسبه پایایی بین کدگذاری‌های انجام گرفته توسط پژوهشگر به ترتیب زیر است:

$$2 \times \frac{\text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} = \text{درصد پایایی آزمون}$$

از بین مصاحبه‌های انجام گرفته، به صورت تصادفی، تعداد ۴ مصاحبه انتخاب شد و هر کدام از آنها دو بار در یک فاصله زمانی ۳۰ روزه (یک ماه) توسط پژوهشگر کد گذاری شدند. نتایج حاصل از کدگذاری‌ها در جدول ۲ آمده است. همانطور که در جدول ۲، مشاهده می شود تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی ۳۰ روزه برابر ۵۹، تعداد کل توافقات بین کدها در این دو زمان برابر ۲۴ و تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۸ بود. پایایی باز آزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۸۱ صدم است. استملر (۲۰۰۱) در پژوهش خود میزان پایایی بیشتر از ۶۰ صدم را مورد تأیید و قابل قبول بیان نمود. بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید و قابل قبول است.

جدول ۲: نتایج پایایی باز آزمون

عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	درصد پایایی باز آزمون
۱ P3	۲۳	۱۰	۵	۸۷٪
۲ P8	۱۹	۸	۳	۸۴٪
۳ p۱۲	۱۶	۶	۳	۷۵٪
۴ P۲۰	۱۵	۶	۲	۸۰٪
کل	۲۳	۳۰	۱۳	۸۲٪

از روش کدگذاری چندمرحله‌ای جهت چارچوب‌بندی مؤلفه‌های استخراجی با روش تحلیل ساختاری و نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شد. در تحلیل ساختاری متن پیاده شده، اجزای ساختار متن نوشتاری مصاحبه، یعنی واژه‌ها، مفاهیم و ارتباط میان آنها بر حسب میزان تکرار، تعداد واژه‌ها، الفاظ، کنایه‌ها و اصطلاحات به کار رفته در جمله‌ها و میزان تکرار شان شمارش و بررسی می‌گردد تا الگوهای موجود در گفته‌ها کشف شود. کدگذاری و تحلیل داده‌ها همزمان با گردآوری آنها انجام شد، تا در فرآیند پژوهش به نمونه‌گیری نظری کمک کند. از آن‌جا که این پژوهش به لحاظ روش شناختی کیفی است، مراحل اجرای پژوهش نیز بر این اساس طی شده است. کلیه تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^۱ نسخه پروفشنال^۲ انجام پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۳: ویژگی و ابعاد ویژگی مشارکت کنندگان

ردیف	جنسیت	سن	پست/سمت	سابقه فعالیت	تحصیلات
اجرای در ورزش					
P1	مرد	۳۴	اعضای هیئت علمی دانشگاه	۱۲	فوق لیسانس
P2	مرد	۳۸	اعضای هیئت علمی دانشگاه	۱۰	دکتری
P3	مرد	۴۲	مدیر ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان	۲۱	دکتری
P4	مرد	۴۶	اعضای هیئت علمی دانشگاه	۲۳	فوق لیسانس

^۱ MAXQDA

^۲ Professional

P5	مرد	۴۶	کارشناس سازمان ورزش شهرداری	۲۲	دکتری
P6	مرد	۴۸	کارشناس زیباسازی شهر	۱۶	دکتری
P7	مرد	۴۹	کارشناس سازمان ورزش شهرداری	۱۳	دکتری
P8	مرد	۵۲	مسئول فدراسیون ورزش های همگانی	۳۲	فوق لیسانس
P9	مرد	۵۲	مسئول فدراسیون ورزش های همگانی	۲۴	دکتری
P10	مرد	۵۵	کارشناس زیباسازی شهر	۳۱	دکتری
P11	مرد	۵۶	مسئول فدراسیون ورزش های همگانی	۳۴	دکتری
P12	مرد	۵۶	مدیر ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان	۳۲	فوق لیسانس
P13	مرد	۵۸	مسئول فدراسیون ورزش های همگانی	۳۱	دکتری
P14	مرد	۶۳	اعضای هیئت علمی دانشگاه	۲۹	دکتری
P15	مرد	۶۳	مسئول فدراسیون ورزش های همگانی	۲۸	دکتری
P16	مرد	۶۵	مدیر ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان	۲۶	دکتری
P17	زن	۳۳	کارشناس سازمان ورزش شهرداری	۱۰	فوق لیسانس
P18	زن	۴۴	کارشناس زیباسازی شهر	۱۳	دکتری
P19	زن	۴۷	اعضای هیئت علمی دانشگاه	۲۷	دکتری
P20	زن	۵۲	مدیر ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان	۲۷	فوق لیسانس
P21	زن	۶۱	اعضای هیئت علمی دانشگاه	۳۲	دکتری

بر اساس مصاحبه با ۲۱ نفر از صاحب نظران و متخصصان در زمینه پژوهش حاضر، شاخص های شهر فعال بر اساس تکنیک تحلیل مضمون، شناسایی و استخراج شدند که ویژگی های شناسایی شده در قالب کدگذاری در جدول ۴ نشان داده شده است. در این جدول به هر فرد کد p_{21} تا p_{1} داده شد.

جدول ۴: یافته‌های حاصل از کدگذاری

تم اصلی	تم فرعی	مفاهیم	فراوانی
تأثیرات اجتماعی-فرهنگی	برنامه‌های تشویقی و انگیزشی	تعداد همایش‌های دوچرخه‌سواری	P1, P3, P11, P12, P15
		تعداد برگزاری جشنواره‌های خانوادگی	P1, P3, P6, P7, P10, P12
		تعداد اهدای جوایز	P9, P21, P2P
		تعداد برنامه‌های ورزشی رایگان	P1, P2, P10, P11, P13, P20, P19, P3P
	زیست محیطی	نظافت معابر	P19, P3P
		طراحی عرصه‌های عمومی	P1, P4, P5, P8, P17, P20
		ایجاد سرپناه‌های مناسب	P2, P10, P14, P16
	اماکن ورزشی	احداث زمین‌های ورزشی چند منظوره	P3, P6, P9, P20
		میزان مسیر اختصاصی جاده سلامت و پیاده‌روی	P1, P5, P6, P9, P12, P19, P3P1
		ساخت اماکن ورزشی کوچک و زیاد	P2, P15, P16, P17, P19
بوستان‌ها و پارک‌ها	اماکن ورزشی	میزان قیمت بلیط‌های ورودی	P2, P15, P17, P20
		تعداد پارک‌های ویژه بانوان	P2, P18
		تعداد ایستگاه‌های تندرستی ورزشی	P3, P4, P19
	بوستان‌ها و پارک‌ها	ایجاد فضاهای ورزشی در ادارات دولتی و شرکت‌های خصوصی	P4, P19, P21
		دوقلو ساختن اماکن ورزشی	P5, P7, P17, P18
		استفاده از کف‌پوش‌های مناسب	P8, P11, P13, P5
		زیرساخت‌های لازم برای فعالیت در شب	P1, P14, P17, P19, P21, P5

۱۱, P۸P1, P4, P6, P۱۲, P1	نصب تجهیزات ورزشی در پارک‌ها	
P1, P3, P5, P6, P7, P20	توزیع تجهیزات ورزشی	
P2, P9, P14, P16	میزان مساحت فضاهای ورزشی	
P2, P3, P5, P9, P21	سرانه فضای سبز	
P2, P5, P6, P12	قوانین و مقررات متناسب	
P2, P1	میزان مشارکت بخش خصوصی	
P3, P8, P9, P10	وجود سیستم جامع اطلاعاتی	
P3, P10, P1	میزان تصویب و انجام طرح‌های پژوهشی	
P3, P9, P12, P19	فعالیت هیئت‌های همگانی	
6, P21, P3, P4, P5, P۸P3, P4, P7, P8, P1۹	دستورالعمل‌های لازم	مدیریت، برنامه ریزی و سیاست گذاری
P19	میزان استفاده از فناوری در اماکن و تجهیزات	
P16, P17, P۲P۵, P10, P1۳, P1۹, P۲P	میزان برنامه‌ها و اقدامات عمرانی در آینده	
P5, P10, P1	چک‌لیست اماکن و تجهیزات	
۳, P1۹, P۲P	سیستم جامع ارزیابی عملکرد	
P13, P۹, P1۳P1, P۱۵	شاخص‌های توسعه پایدار	
P1, P6, P7, P19	تعداد مربیان ورزشی	سازماندهی
7, P۱, P۱۰, P۸, P۲P1, P20	تعداد داوطلبان	نیروی انسانی
P14, P16, P۱۰P2, P۸P2, P3, P5, P۲۱, P۱P۲, P1۱, P۲P۲۰, P۹, P1۹, P۲P۱۳, P1۹, P7, P۲P	تعداد سرویس‌های بهداشتی	
P2, P3, P5, P	روشنایی مناسب	
P21, P۱P	دسترسی به امکانات رفاهی	امکانات رفاهی
P1۱, P۲P	نیمکت و فراهم کردن امکان نشستن	
P۲۰, P۹, P1۹, P۲P	علایم راهنمایی زیبا و مناسب	
P13, P1۹, P7, P۲P	استفاده از درختان و سایه‌ان‌ها	زیباسازی

زیباسازی مسیرها	۲P2, P5, P6, P9, P1 P19۳P1
زیباسازی تجهیزات	P16, ۲P2, P10, P1 P17
استفاده از کف پوش های استاندارد	P12۷P2, P5, P
استاندارد و ایمن بودن مسیرها	P3, P10, P19
در معرض دید بودن اماکن ورزشی	P9, P12, P19۱P
وجود محوطه های بازی	۱۷P1, P3, P5, P6, P P20
استاندارد بودن مسیر برای افراد معلول دارای صندلی چرخدار	۸, P9, P14, P1۱P
شبکه ارتباطی با اولویت به حرکت عابر پیاده	P14, P16۱۰P2, P
مرغوبیت و کیفیت کف پوش ها	P5, P9, P21۴P2, P
خطوط تردد دوچرخه تمیز	P2, P5, P6, P9, P10
تعداد علائم و تابلوهای راهنمایی و ایمنی	P15, P16, ۱P2, P1 ۱۹P
تجهیزات ورزشی استاندارد و ایمن	۱۳P2, P5, P6, P
جلوگیری از ورود موتورسیکلت و خودرو به پیاده راه ها	P12, P19۱۰P3, P
عوامل خطرزا مسیرهای پیاده	P4, P5, P6, P21۱P
مناسب سازی مسیرها با افراد معلول	P8۸, P4, P۱P
احداث فضاهای ورزشی بزرگ	P3, P8, P11
امکان دسترسی پیاده به فضاهای ورزشی	۴, P1۹, P7, P۲, P۱P ۱P2
امکان دسترسی با حمل و نقل عمومی به فضاهای ورزشی	۸, P17, P1۲P1, P

ایمنی و امنیت

دسترسی و

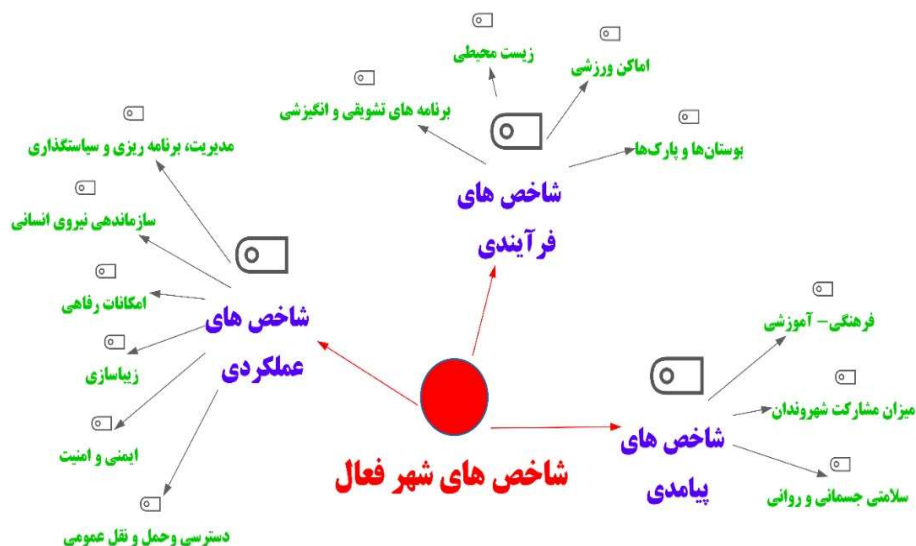
حمل و نقل

عمومی

P1, P14,P17۳P5,P11,P1	امکان دسترسی با وسیله نقلیه شخصی به فضاهای ورزشی	
,P9, ۸P1,P4,P6, P P12, P14	فضای پارکینگ مناسب	
, P18۹P1, P	تسهیلات پارک یا کرایه دوچرخه در ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی	
, P10, P13, ۳P1, P2,P ۹P15, P1	تعداد دوچرخه کرایه‌ای	
, P16۵P2, P9, P1	طراحی عرض مناسب مسیرهای دوچرخه‌سوار	
۱۳, P9, P۳, P۲, P۱P	نصب تابلوهای اعلان برای دوچرخه‌سواران	
۲۰ P۱۳P4, P7, P9, P	ایجاد مسیر دوچرخه‌سواری تفریحی	
, P16, ۵P7, P8, P1 P17	نشانه‌گذاری و رنگ‌آمیزی مسیرها	
P7, P8, P13, P15	تعداد خیابان‌های بدون امکان تردد خودرو	
, ۷, P12, P1۹P4, P7, P P20	تعداد پل‌های عابر پیاده مجهز به پله برقی و آسانسور	
۸, P8, P1۴P	استفاده از رسانه‌های جمعی	
۲۱, P۲۰, P۱۳P1, P	اقدامات تبلیغاتی در شبکه‌های اجتماعی	
۱۵, P5, P۲P1, P	اقدامات تبلیغاتی و ترویجی در رسانه‌های ملی	
۸, P1۱, P1۸P2, P	تعداد بیلبوردها با محوریت ترویج فعالیت بدنی	فرهنگی - آموزشی
, P21۱۲, P۶P2, P3, P	وجود برنامه‌های ورزشی صبحگاهی در پارک‌ها	
1,P14,P17۱P4, P7, P	برگزاری کلاس‌های آموزشی به شهروندان	
۰, P2۹, P۲P	ایجاد سواد حرکتی و سواد سلامتی	
۶, P13, P1۱۰, P7, P۱P	میزان سلامتی جسمانی افراد	سلامتی
۰, P7, P2۲P	میزان سلامتی روانی و اجتماعی افراد	جسمانی و روانی

۷, P1۴, P1۲, P1۴P1, P	میزان مشارکت انفرادی یا خانوادگی در فعالیتهای ورزشی
۱۹, P۸, P۳, P۲P1, P	میزان مشارکت اقشار خاص
, P18۱۷, P۸P	میزان مشارکت سالمندان
, ۸, P1۲, P1۴P1, P2, P	میزان مشارکت بانوان و کودکان
۲۰P	میزان مشارکت شهروندان
۲۰, P۶, P1۵P1, P	تعداد مشارکت کنندگان در برنامه های ورزشی
	صبحگاهی گاهی و شامگاهی

در نهایت داده های برآمده از روش تحلیل مضمون و شکل گیری شبکه مضامین نشان دهنده آن است که شاخص های شهر فعال دارای ۳ مضمون (تم اصلی) سازمان دهنده و ۱۳ مضمون (تم فرعی) پایه و ۱۴۷ مضمون اولیه است. نتایج حاصل از ادغام نیز نشان داد که مضامین برآمده از روش تحلیل مضمون در این پژوهش با مبانی نظری و پژوهشی همسو می باشد. در شکل ۱، نقشه تماتیک نهایی به دست آمده از یافته های پژوهش نمایش داده می شود:



شکل ۱: کدهای محوری و انتخابی مدل مفهومی پژوهش

نتایج تحلیل مضمون نشان داد شاخص های شهر فعال شامل شاخص های فرآیندی (برنامه های تشویقی و انگیزشی، زیست محیطی، اماکن ورزشی و بوستان ها و پارک ها)؛ شاخص های عملکردی (مدیریت، برنامه ریزی و سیاست گذاری، سازماندهی نیروی انسانی، امکانات رفاهی، زیباسازی، ایمنی و امنیت، دسترسی و حمل و نقل عمومی و فرهنگی-آموزشی) و شاخص های پیامدی (سلامتی جسمانی و روانی و میزان مشارکت شهروندان) است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، شناسایی عوامل موثر در توسعه شهر فعال با رویکرد ترویج ورزش شهروندی بود. بر اساس یافته‌های پژوهش، چارچوب مفهومی نهایی شناسایی شده شامل ۸۲ کد باز (مؤلفه)، ۱۳ کد محوری (بعد) و ۳ انتخابی (منظر) بود. سه منظر مدل شامل شاخص‌های فرایندی، شاخص‌های عملکردی و شاخص‌های پیامدی بودند که متغیرهای زیرمجموعه آن‌ها به صورت متوالی بر هم اثرگذاری- اثرپذیری داشتند. این چارچوب رویکردی جامع، سیستمی و چندسطحی به موضوع شهر فعال با رویکرد ورزش شهروندی دارد. از دیدگاه جامعیت، انواع متغیرها و عوامل دارای نقش و اثر مشهود در نظر گرفته شده‌اند. از منظر سیستمی، رویکرد مؤلفه از شاخص‌های فرایندی به سوی شاخص‌های عملکردی و در نهایت شاخص‌های پیامدی است.

منظر شاخص‌های فرایندی شامل ابعاد برنامه‌های تشویقی و انگیزشی، زیست محیطی، اماکن ورزشی، بوستان‌ها و پارک‌ها بود. در بخش برنامه‌های تشویقی و انگیزشی وجود کمی و تعداد زیاد همایش‌های دوچرخه‌سواری، برگزاری جشنواره‌های خانوادگی، برنامه‌های مرتبط با اهدای جوایز و وجود برنامه‌های ورزشی رایگان از اهمیت زیادی برخوردار است. در بخش مباحث زیست محیطی، توجه به مواردی همچون نظافت معابر، طراحی عرصه‌های عمومی و ایجاد سربانه‌های مناسب برای ترویج شهروندی فعال اهمیت دارد. در بخش اماکن ورزشی ضروری است که مدیران و مسئولان ترویج ورزش شهروندی و ایجاد شهر فعال به مواردی همچون احداث زمین‌های ورزشی چند منظوره، میزان مسیر اختصاصی جاده سلامت و پیاده‌روی، ساخت اماکن ورزشی کوچک و زیاد، میزان قیمت بلیط‌های ورودی، تعداد پارک‌های ویژه بانوان، تعداد ایستگاه‌های تندرستی ورزشی، ایجاد فضاهای ورزشی در ادارات دولتی و شرکت‌های خصوصی و دوقلو ساختن اماکن ورزشی توجه داشته باشند و در نهایت در بخش بوستان‌ها و پارک‌ها توجه به مواردی همچون استفاده از کف‌پوش‌های مناسب، زیرساخت‌های لازم برای فعالیت در شب، نصب تجهیزات ورزشی در پارک‌ها، توزیع تجهیزات ورزشی و میزان مساحت فضاهای ورزشی اهمیت زیادی دارد. این یافته‌ها با برخی نتایج پژوهش‌های عامری و بردی (۱۳۹۱)، قدرت‌نما (۱۳۹۶)، زارعی متین و محسنی (۱۴۰۰)، پرنیس و همکاران (۲۰۱۲)، دیمستر و همکاران (۲۰۱۳) و شفا و همکاران (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. بنابراین با توجه به پایین بودن سطح حمایت اجتماعی در بین خانواده‌های شیرازی لازم است فرهنگ ورزش در بین افراد به متغیرهای بین فردی مانند حمایت و هنجارهای اجتماعی از طریق آگاهی شهروندان از فوائد متعدد فعالیت بدنی، جشنواره‌های ورزشی خانوادگی و گروهی نهادینه شود.

در تفسیر این یافته‌ها می‌توان گفت که مدیران شهرداری و ورزش‌های همگانی برای علاقمند کردن مردم به فعالیت‌های ورزشی و ساختن شهر فعال لازم و ضروری است که با برگزاری همایش‌های عمومی دوچرخه‌سواری و جشنواره‌های خانوادگی و در نظر گرفتن جوایز برای شرکت‌کنندگان و ایجاد برنامه‌های رایگان برای شرکت‌کنندگان در سطح کلان‌شهرهای ایران بیشتر مردم را به انجام ورزش و به خصوص ورزش‌های همگانی و شهرندی ترغیب و زمینه را برای ایجاد شهر فعال فراهم کنند. علاوه بر این، مدیران باید به محیط زیست نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند تا بتوانند برنامه‌های خود را با شرایط و امکانات بهتری انجام دهند که در این زمینه باید به ایجاد سربانه‌ها در معابر عمومی و نظافت کامل و تمیز معابر برای برگزاری برنامه‌های ورزشی توجه ویژه‌ای شود. همچنین برای برگزاری این برنامه‌ها، احداث زمین‌های ورزشی چندمنظوره، وجود جاده سلامت و مسیر پیاده‌روی برای مردم، ایجاد پارک‌های بانوان و ایستگاه‌های تندرستی ورزشی و در نظر گرفتن مکان‌های رایگان و یا با هزینه کم برای ترویج ورزش شهروندی و ایجاد شهر فعال ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر موارد گفته شده، وجود زیرساخت‌های لازم برای فعالیت

در شب، نصب تجهیزات ورزشی در پارک‌ها و در نظر گرفتن مساحت فضاهای ورزشی زیاد برای ورزش همگانی نیز اهمیت زیادی دارد.

منظر شاخص‌های عملکردی شامل ابعاد مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، سازماندهی نیروی انسانی، امکانات رفاهی، زیباسازی، ایمنی و امنیت، دسترسی و حمل و نقل عمومی و فرهنگی - آموزشی بود. در بخش مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مدیران و مسولان ورزش شهروندی در راستای ایجاد شهر فعال باید به مواردی همچون قوانین و مقررات متناسب، میزان مشارکت بخش خصوصی، وجود سیستم جامع اطلاعاتی، میزان تصویب و انجام طرح‌های پژوهشی، فعالیت هیئت‌های همگانی، دستورالعمل‌های لازم، میزان استفاده از فناوری در اماکن و تجهیزات، میزان برنامه‌ها و اقدامات عمرانی در آینده، چک‌لیست اماکن و تجهیزات، سیستم جامع ارزیابی عملکرد و شاخص‌های توسعه پایدار توجه داشته باشند. همچنین در بخش سازماندهی نیروی انسانی، توجه به تعداد مربیان ورزشی و تعداد داوطلبان اهمیت دارد و در بخش امکانات رفاهی لزوم ایجاد تعداد سرویس‌های بهداشتی، روشنایی مناسب، دسترسی به امکانات رفاهی و نیمکت و فراهم کردن امکان نشستن و در بخش زیباسازی توجه به علایم راهنمایی زیبا و مناسب، استفاده از درختان و سایه‌ان‌ها، زیباسازی مسیرها و زیباسازی تجهیزات اهمیت زیادی برای ترغیب مردم به فعالیت‌های ورزشی در راستای ایجاد شهر فعال دارد. در بخش ایمنی و امنیت در راستای توسعه فعالیت‌بدنی و ترویج آن و ایجاد شهر فعال توجه به موارد همچون استفاده از کف‌پوش‌های استاندارد، استاندارد و ایمن بودن مسیرها، در معرض دید بودن اماکن ورزشی، وجود محوطه‌های بازی، استاندارد بودن مسیر برای افراد معلول دارای صندلی چرخدار، شبکه ارتباطی با اولویت به حرکت عابر پیاده، مرغوبیت و کیفیت کف‌پوش‌ها، خطوط تردد دوچرخه تمیز، تعداد علائم و تابلوهای راهنمایی و ایمنی، تجهیزات ورزشی استاندارد و ایمن، جلوگیری از ورود موتورسیکلت و خودرو به پیاده‌راه‌ها و عوامل خطرزای مسیرهای پیاده اهمیت زیادی دارد. همچنین در بخش دسترسی و حمل و نقل عمومی مواردی همچون مناسب - سازی مسیرها برای افراد معلول، احداث فضاهای ورزشی بزرگ، امکان دسترسی پیاده به فضاهای ورزشی، امکان دسترسی با حمل و نقل عمومی به فضاهای ورزشی، امکان دسترسی با وسیله نقلیه شخصی به فضاهای ورزشی، فضای پارکینگ مناسب، تسهیلات پارک یا کرایه دوچرخه در ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی، تعداد دوچرخه کرایه‌ای، طراحی عرض مناسب مسیرهای دوچرخه‌سواری، نصب تابلوهای اعلان برای دوچرخه‌سواران، ایجاد مسیر دوچرخه‌سواری تفریحی، نشانه‌گذاری و رنگ‌آمیزی مسیرها، تعداد خیابان‌های بدون امکان تردد خودرو و تعداد پل‌های عابر پیاده مجهز به پله برقی و آسانسور و در بخش فرهنگی - آموزشی، استفاده از رسانه‌های جمعی، اقدامات تبلیغاتی در شبکه‌های اجتماعی، اقدامات تبلیغاتی و ترویجی در رسانه‌های ملی، تعداد بیلبوردها با محوریت ترویج فعالیت بدنی، وجود برنامه‌های ورزشی صبحگاهی در پارک‌ها، برگزاری کلاس‌های آموزشی به شهروندان و ایجاد سواد حرکتی و سواد سلامتی برای ایجاد شهر فعال و ترغیب مردم به فعالیت ورزشی اهمیت زیادی دارند. این یافته‌ها با برخی نتایج پژوهش‌های الله‌مرادی و همکاران (۱۳۹۹)، الله‌مرادی و همکاران (۱۳۹۸)، نصیری و دستوم (۱۳۹۹)، عبدالله زاده میلانی و همکاران (۱۳۹۷)، هامفریز و روسیچکی (۲۰۰۷)، پرینس و همکاران (۲۰۱۲)، ادوارد و همکاران (۲۰۱۵) و مک و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد.

در تفسیر این یافته‌ها می‌توان گفت که برای اینکه مدیران و مسئولان شهرداری‌ها و ورزش‌های همگانی بتوانند مردم را به فعالیت‌های ورزشی ترغیب کنند و زمینه را برای ایجاد شهر فعال در کلانشهرهای ایران فراهم کنند باید به قوانین و

مقررات لازم توجه داشته باشند و با انجام طرح‌های پژوهش مشکلات و موانع را شناسایی کنند و با فراهم کردن زمینه برای مشارکت بخش خصوصی و استفاده از فناوری‌های نوین و داشتن یک سیستم جامع ارزیابی عملکرد و توجه به شاخص‌های توسعه پایدار این مشکلات و موانع را برطرف و با اجرای فعالیت‌های لازم توسعه فدراسیون و هیئت‌های ورزش همگانی زمینه را برای ایجاد و توسعه شهر فعال فراهم کنند. از سوی دیگر، برای ایجاد شهر فعال وجود تعداد مربیان، ورزشکاران و داوطلبان ورزشی زیاد و وجود سرویس‌های بهداشتی و ایجاد روشنایی و به‌طور کلی داشتن امکانات رفاهی لازم همچون نیکم‌های نشستن و امکانات و تجهیزات لازم برای ورزش اهمیت دارد. علاوه بر این، جذابیت محیط ورزش هم برای ترغیب مردم اهمیت زیادی دارد که در آن توجه به علائم راهنمایی مناسب و رنگ‌آمیزی و زیباسازی مسیرها، محیط ورزش و تجهیزات در مشارکت مردم به ورزش اهمیت دارد. علاوه بر موارد یاد شده، مدیران باید به مسائلی در زمینه ایمنی و امنیت مکان‌های ورزشی و تفریحی و آسان‌تر کردن دسترسی به آن مکان‌ها با استفاده از حمل و نقل عمومی و استفاده از برنامه‌های فرهنگی آموزشی برای مردم توجه داشته باشند.

منظر شاخص‌های پیامدی شامل ابعاد سلامتی جسمانی و روانی، میزان مشارکت شهروندان و فرهنگی-آموزشی بود. در بخش سلامتی جسمانی و روانی، توجه به مواردی همچون میزان سلامتی جسمانی افراد و میزان سلامتی روانی و اجتماعی افراد اهمیت زیادی دارد و در بخش میزان مشارکت شهروندان توجه به میزان مشارکت اقشار خاص، میزان مشارکت سالمندان، میزان مشارکت بانوان و کودکان و تعداد مشارکت‌کنندگان در برنامه‌های ورزشی صبحگاهی گاهی و شامگاهی اهمیت دارد و در بخش فرهنگی-آموزشی اقدامات تبلیغاتی و ترویجی در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ملی اهمیت دارد. این یافته‌ها با برخی نتایج پژوهش‌های سارا دنبلی (۱۳۹۰)، عباسی و همکاران (۱۴۰۰)، هامفریز و روسیچکی (۲۰۰۷)، سواکر و همکاران (۲۰۲۰) و گریپ سنکو و ایندوکاو (۲۰۲۱) همسو می‌باشد.

در تفسیر این یافته‌ها می‌توان گفت وضعیت سلامت جسمی بر سلامت روان و تداوم افراد مبتلا به بیماری روانی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، نشان داده شده است که بیماری روانی نیز بر وضعیت سلامت جسمی تأثیر عمیقی دارد. از این رو، افراد و خانواده‌های آنان به میزان سلامتی خود اهمیت می‌دهند، چون اگر افراد سالم نباشند ممکن است به بسیاری از بیماری‌ها دچار شوند. به همین دلیل در فعالیت‌های ورزشی و برنامه‌های ورزشی که توسط شهرداری‌ها و هیئت‌های همگانی برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند تا بتوانند از لحاظ جسمانی از سلامت لازم برخوردار باشند. یکی دیگر از پیامدهای شرکت در برنامه‌ها ورزشی مداوم، سلامتی روانی و اجتماعی افراد است. پیشرفت علم و فناوری، رشد سریع شهرنشینی، گسترش حاشیه‌نشینی، خانواده‌های هسته‌ای و بروز مشکلات روانی اجتماعی از جمله بزهکاری، خشونت و سوء مصرف مواد مخدر نیاز به خدمات سلامت روانی، اجتماعی را دوچندان نموده است. به همین دلیل شرکت در فعالیت‌های ورزشی میزان بروز این پدیده‌های مضر را در افراد کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، اگر شهرداری‌ها و فدراسون و هیئت‌های همگانی تلاش کنند و شرایط را فراهم آورند می‌توانند زمینه را برای مشارکت بیشتر و بهتر افراد به تنهایی و یا همراه با خانواده فراهم کنند. همچنین می‌توانند به افراد قشر خاص همچون سالمندان، بانوان و کودکان با فراهم کردن شرایط لازم کمک کنند که در فعالیت‌های ورزشی شرکت و زمینه لازم را برای توسعه ورزش شهروندی و ایجاد شهر فعال ایجاد نمایند.

محدودیت‌های پژوهش شامل عدم همکاری برخی از اساتید و افراد مصاحبه‌شونده در فرآیند مصاحبه و عدم پاسخگویی به محقق؛ عدم کنترل شرایط روانی و مکانی افراد مصاحبه‌شونده بود که به همین دلیل امکان سوءگیری در پاسخ به سوالات پرسش‌نامه وجود داشت. با توجه به اهمیت اماکن ورزشی به عنوان شاخص‌های فرآیندی موثر در ایجاد شهر فعال، به مدیران و متولیان برگزاری ورزش‌های شهروندی پیشنهاد می‌شود که توجه ویژه‌ای به ایجاد مسیرهای اختصاصی (دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی و دویدن)، پارک‌های بانوان، زیرساخت‌های لازم برای ورزش همگانی در پارک‌ها و ایستگاه‌های تندرستی داشته باشند تا بتوانند مردم را در جهت ایجاد شهر فعال به ورزش شهروندی و فعالیت‌بدنی ترغیب کنند. با توجه به اهمیت مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به عنوان شاخص‌های عملکردی موثر در ایجاد شهر فعال به مدیران و متولیان برگزاری ورزش‌های شهروندی پیشنهاد می‌شود که با تهیه قوانین و مقررات لازم و مشارکت بخش خصوصی و انجام طرح‌های پژوهشی در راستای موانع و توسعه ورزش شهروندی، زمینه لازم را برای ایجاد شهر فعال فراهم کنند. با توجه به اهمیت سلامتی جسمانی و روانی و میزان مشارکت شهروندان به عنوان شاخص‌های پیامدی موثر در ایجاد شهر فعال، به مدیران و متولیان برگزاری ورزش‌های شهروندی پیشنهاد می‌شود با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و رایگان در سطح شهر و مشارکت بیشتر افراد و قشرهای مختلف در فعالیت‌های تفریحی و آموزشی زمینه را برای ایجاد شهر فعال در کلان‌شهرها فراهم نمایند.

با توجه به اهمیت داشتن پیامدها و شاخص‌های پیامدی ایجاد شهر فعال، پیشنهاد می‌شود پژوهشی با عنوان «شناسایی پیامدهای ایجاد شهر فعال در کلان‌شهرها» جهت شناسایی پیامدهای کاربردی و عملیاتی‌تر به صورت جداگانه انجام شود. همچنین با توجه به اهمیت داشتن این شاخص‌ها در ایجاد شهر فعال، پیشنهاد می‌شود پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی راه‌های ایجاد شهر فعال و ارائه راهکارهایی جهت توسعه ورزش شهروندی و ترغیب مردم به ورزش شهروندی» به صورت کیفی و کمی انجام شود.

منابع

- اسدی، حسن و شعبانی مقدم، کیوان. (۱۳۹۵). مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های همگانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- آصفی، احمدعلی؛ اسدی، حسن و خبیری، محمد. (۱۳۹۷). «عوامل موثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران: عوامل فردی». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۰(۳)، صص ۴۱۵-۴۳۴.
- آفریدگان، حیدر. (۱۳۹۹). «آسیب‌شناسی راهبردی ورزش همگانی در جزیره کیش و ارائه راهکارهای توسعه بر اساس مدل swot». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، واحد بین‌المللی قشم.
- الله مرادی، میثم؛ رضوی؛ سید محمدحسین و دوستی، مرتضی. (۱۳۹۸). «ارائه مدل مفهومی ورزش شهروندی در تهران». پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۹(۱۸)، صص ۱۷-۳۰.
- الله مرادی، میثم؛ رضوی، سید محمد حسین و دوستی، مرتضی. (۱۳۹۹). «طراحی مدل ورزش شهروندی در کلان‌شهر تهران با استفاده از نظریه داده‌بنیاد». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۲(۳)، صص ۷۸۹-۸۱۷.
- باقری، محمد وعظمتی، حمید رضا. (۱۳۸۹). «ارتقای سلامت جسمی- روانی شهروندان با طراحی محیط و منظر شهری». انسان و محیط زیست. شماره ۴، پیاپی ۲۶، صص ۸۳-۸۸.
- رمضانی‌نژاد، رحیم؛ واعظ موسوی، کاظم و مختاری، سید محمد رباب. (۱۳۸۹). «مقایسه کیفیت زندگی افراد شرکت‌کننده و غیر شرکت‌کننده در ورزش همگانی». حرکت. دوره ۲، شماره ۷.

- رهبری، سیمه؛ مستحفظیان، مینا؛ حلاجیان، علی و فدایی، افسانه. (۱۳۹۶). «مقایسه کیفیت زندگی شهروندان فعال و غیر فعال حرکتی (مطالعه موردی: اماکن ورزشی شهرداری اصفهان)». اولین همایش ملی دستاوردهای علوم ورزشی و سلامت دانشگاه علوم پزشکی آبادان. اهواز. <https://civilica.com/doc/723593>
- زارعی متین، حسن و محسنی، امیر. (۱۴۰۰). «طراحی مدل نشاط اجتماعی با تاکید بر توسعه ورزش شهروندی». چهارمین کنفرانس بین‌المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری. تهران. <https://civilica.com/doc/1268264>
- سیدعامری، میرحسین و بردی، محمدآلق و بردی، قربان. (۱۳۹۱). «تبیین راهکارهای جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزش همگانی و تفریحی (مطالعه موردی: ارومیه)». پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۲۳-۳۴.
- شعبانی، عباس؛ غفوری، فرزاد و هنری، حبیب. (۱۳۹۰). «بررسی چالش‌های ورزش همگانی در ایران». دوماهنامه مطالعات مدیریت ورزشی. ۳ (۱۰)، صص ۱۳-۲۶.
- صفاری، مرجان و لطیفی فرد، مهدی. (۱۳۹۷). «مدل شهر دو ستار فعالیت‌بدنی با رویکرد شهرهای فعال، جوامع فعال، شهروندان فعال». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۰ (۴۸)، صص ۸۹-۱۱۲.
- صفاری، مرجان. (۱۳۹۱). «طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی ایران». رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- عباسی، بهاره؛ نظری، رسول و صفاری، مرجان. (۱۴۰۰). «راهبردها و پیامدهای ورزش شهروندی سلامت‌محور در کلان‌شهرهای ایران: مطالعه کیفی (تحلیل محتوا)». مجله مدیریت ارتقای سلامت. ۱۰ (۲)، صص ۳۳-۴۳.
- عبدالله‌زاده میلانی، نازلی؛ سوزنچی، کیانوش و کریمی فرد، لیلا. (۱۳۹۷). «راهکارهای طراحی فعال برای توسعه فعالیت فیزیکی در پارک‌های شهری». سومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و طراحی شهری، تبریز. <https://civilica.com/doc/806091>
- عزتی و جلالی، نوید. (۱۴۰۲). «بررسی چالش‌های پیش‌روی ورزش شهروندی استان کردستان و ارائه مدل ارتقا». مدیریت دانش در ورزش.
- فروچی تملی، محمدرضا؛ محرم‌زاده، مهرداد؛ ایمان‌زاده، مسعود و اسگندری دستگیری، سیمین. (۱۴۰۱). «ارائه مدل تحقق شهرهای فعال و دوستدار ورزش با تاکید بر سیاست‌گذاری باز مدیریت شهری در ایران براساس مدل پارادایمی». مدیریت و توسعه ورزش.
- کیانی، احمد رضا؛ امیرحسینی، سید احسان و حمیدی. (۱۴۰۲). «تدوین مدل ورزش شهروندی کلان‌شهرهای ایران: رویکرد توسعه‌یافتگی اجتماعی». مطالعات راهبردی جامعه‌شناختی در ورزش.
- گودرزی، محمود؛ نصیرزاده، عبدالمهدی؛ فراهانی، ابوالفضل و وطن‌دوست، مریم. (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین راهبرد توسعه ورزش همگانی استان کرمان». مدیریت ورزشی. دوره ۵، شماره ۲، صص ۱۵۵.
- محمودی یکتا، مهدی؛ همت یار، زهرا؛ خزائی، علی و ظریفی خامنه، محسن. (۱۴۰۲). «تحلیل عوامل موثر بر توسعه فرهنگ دوچرخه‌سواری با رویکرد ترویج ورزش شهروندی». نشریه مدیریت ورزشی.
- نژاد اسد، فهیمه؛ دهقان قهفرخی، امین و خبیری، محمد. (۱۳۹۷). «تدوین سیاست‌های طراحی فضاهای شهری سالم با رویکرد فعالیت‌بدنی و ورزش». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- نصیری، مهران و دستوم، صلاح. (۱۳۹۹). «طراحی الگویی برای تحلیل اکوسیستم ورزش شهروندی و برنامه‌ریزی توسعه آن (مطالعه موردی: شهر بندرانزلی)». مدیریت و توسعه ورزش. ۹ (۲)، صص ۱۵۶-۱۷۳.
- وفایی مقدم، علی. (۱۳۹۶). «طراحی مدل سیاست‌گذاری ورزش همگانی». رساله دکتری. دانشگاه مازندران، دانشکده تربیت‌بدنی.
- Aman, M. S., Mohamed, M., & Omar-Fauzee, M. S. (2009). "Sport for all and elite sport: underlining values and aims for government involvement via leisure policy". European journal of social sciences, 9(4), 659-668.
- Balish, S. M. (2017). "Democracy predicts sport and recreation membership: Insights from 52 countries". Journal of epidemiology and global health, 7(1), 21-28.
- Bellew, B., Bauman, A., Martin, B., Bull, F., & Matsudo, V. (2011). "Public policy actions needed to promote physical activity". Current Cardiovascular Risk Reports, 5 (4), 340-9.

- Chen, Q., & Liu, T. (2020). **"The effectiveness of community sports provision on social inclusion and public health in rural China"**. International journal of environmental research and public health, 17(2), 597.
- Community Sports Committee of the Sports Commission. (2009). **"Consultancy Study on Sport for All Participation Patterns of Hong Kong People in Physical Activities"**. Submitted by The Chinese University of Hong Kong Department of Sports Science & Physical Education.
- Cui, R. (2012). **"Research status on equalization of public sports service for nationwide fitness in Hebei"**. Physics Procedia, 25, 2298-2303.
- Donnelly, P. (2008). **"Sport and human rights"**. Sport in society, 11(4), 381-394.
- Faskunger, J. (2013). **"Promoting active living in healthy cities of Europe"**. Journal of Urban Health, 90(1), 142-53.
- Gritsenko, D., & Indukaev, A. (2021). **"Digitalising City Governance in Russia: The Case of the 'Active Citizen' Platform"**. Europe-Asia Studies, 73(6), 1102-1124.
- Guschwan, M. (2014). **"Sport and citizenship: Introduction"**. Sport in Society, 17(7), 859-866.
- Hugo, S., Teresa, A., & PereiraDuarte, A. (2018). **"Talent Identification and Development in Male Football: A Systematic Review"**. Sports Medicine; 48 (4): 907-931
- Karakatsanis, K., Kipreos, G., Mountakis, C., & Stergioulas, A. (2015). **"The commuting profiles of the principals: Their views on the surrounding built environment and infrastructure of their schools and the factors that affect the active commuting of students to and from School"**. International Journal of Sport Management, Recreation and Tourism, 17, 1-13.
- Kartakoullis, N., Webb, E., Karlis, G., Pouloukas, S., Loizou, C., & Kartakoullis, N. (2015). **"Leisure sport participation in Cyprus"**. International Journal of Sport Management, Recreation and Tourism, 20(2015), 40-57.
- McFadden, T., Fortier, M., Sweet, Sh. N. & Tomasone, J. R. (2020). **"Physical activity participation and mental health profiles in Canadian medical students: latent profile analysis using continuous latent profile indicators"**. Psychology, Health & Medicine, 26 (6):671-683.
- McIntosh, p. (1990). **"Sport for All Programmes Throughout the World"**. New York: UNESF Meeting Report, (2004), Physical Activity Expert Meeting "Agita Europe", Magglingen, Switzerland
- Norges, I. (2011). **"Joy of sport for all"**. Sport Policy Document, (3), 1-68.
- Pasco, J. A., Jacka, F. N., Williams, L. J., Brennan, S. L., Leslie, E., & Berk, M. (2011). **"Don't worry, be active: Positive affect and habitual physical activity"**. Australian and New Zealand Journal of Psychiatry, 45(12), 1047-52.
- Petkovich, DrenaTrkulja. (2004). **"An Attempted Determination of the Latent Structure of Leisure-Time Sporting and Other Recreation Activities physical activity involvement among Botswana youths"**. Journal of Sport & Exercise psychology, Vol.23, Issue, PS.16.
- Pruna, R., Tribaldos, L.M., & Bahdur, K. (2018). **"Player talent identification and development in football"**. Apunts. Medicina de l'Esport, 53 (198): 43-46.
- Rakovac, M., & Pedisic, Z. (2022). **Physical activity and sport participation in the European Union.**
- Saaïdi M. (2008). **"Assessment of Physical Activity Pattern IV Nurses of Esfahan Social Security Organization Hospitals"**. JRRS; 3(2): 71-8.
- SAO (Sport Alliance of Ontario). (2001). **Sport for all; overview.**
- Shefa, S., Jahromi, M. N., Dastbarhagh, H., Safania, A. M., & Afroozeh, M. S. (2021). **"Modeling the Impact of Social Factors on Citizen Sports Participation, Physical and Mental Health"**. International Journal of Medical Investigation, 10(1), 105-110.
- Shehu, J., & Mokgwathi, M. M. (2007). **"A discourse analysis of the National Sport and Recreation Policy for Botswana"**. Sport, education and society, 12(2), 193-210.
- Soakr, S., El Ghamry, W., & Moawad, A. M. M. (2020). **"Role of an Active City Philosophy in Planning and Designing a Better Life"**. 5(20), 760-775.
- Tan, Tien-Chin et al. (2009). **"Sport policy in Taiwan, 1994-2008: a brief history of government involvement in sport"**. International Journal of Sport Policy, Vol. 1, No. 1, 99-111
- World Health Organization. (2016). **"Global report on urban health: Equitable healthier cities for sustainable development"**. World Health Organization. Available at: <http://www.who.int> (Accessed 28 December 2016).

- Yazdani, M. (2013). **“Citizenship Sports, Indicators, Demands and Citizenship rights”**. EntesharatTisa, pp 208. <https://www.gisoom.com/book/1974344/>.

تدوین مدل کمی عوامل موثر بر مدیریت شکاف بین نسلی در ورزش همگانی ایران

امیر ماهیان جاغرقی^۱

هه‌ریار خرازیان^۲

احسان اسداللهی^۳

میثم رضایی^۴



[10.22034/ssys.2023.3029.3204](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.3029.3204)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل کمی عوامل موثر بر مدیریت شکاف بین نسلی در ورزش همگانی ایران بود. برای دستیابی به مدل مفهومی و تایید آن ابتدا با استفاده از رویکرد کیفی (تحلیل مضمون) و مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان به شیوه نمونه‌گیری هدفمند شامل اساتید علوم ورزشی و مدیریت ورزشی، متخصصان حوزه ورزش همگانی، خبرگان حوزه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی ورزش و مدیران ورزشی سازمان‌های متولی امر ورزش مانند شهرداری‌ها، فدراسیون ورزش‌های همگانی و تفریحی و فدراسیون ورزش دانشجویی به شناسایی عوامل پرداخته شد. در ادامه برای تایید مدل مفهومی برخاسته از تحقیق، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. به منظور امکان‌پذیری انجام مطالعه، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده اقدام به نمونه‌گیری از این جامعه شد. با توجه به نامشخص بودن تعداد حجم جامعه، تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق مشخص شدند. یافته‌های تحلیل مضمون نشان داد که در مجموع ۵۱ کد باز به عنوان عوامل موثر بر مدیریت شکاف بین نسلی در ورزش همگانی کشور وجود دارد که در ۹ مضمون فرعی و ۴ مضمون اصلی جای می‌گیرد. همچنین با توجه به نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری، مدل کیفی تحقیق تایید شد و تمامی مسیرها مثبت و معنادار بودند و از برازش مطلوبی برخوردار بود. در یک نتیجه‌گیری کلی باید گفت وجود شکاف بین نسلی سبب گردیده است تا علائق ورزشی افراد به صورت جدی متفاوت گردد؛ به صورتی که شکاف بین نسلی می‌تواند عاملی مهم در ایجاد اجتماع مطلوب و یا خود علتی در جهت ایجاد تضاد اجتماعی گردد.

واژگان کلیدی: شکاف بین نسلی، عوامل تخصصی، عوامل کلان محیطی، عوامل ترویجی و عوامل مدیریتی.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

^۲ استادیار، مدیریت ورزشی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Kharazian.Shahryar@yahoo.com

^۳ استادیار، مدیریت ورزشی، موسسه آموزش عالی سناباد، گلپه‌ار مشهد، مشهد، ایران

^۴ استادیار، مدیریت ورزشی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

تعهد به نسل آینده از کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ به مسائل بین‌المللی و توسعه پایدار^۱ وارد گردید. این مفهوم بر دو پایه بنا شده است: (۱) زندگی بشری و وابستگی انسان به منابع طبیعی زمین از جمله فرایند اکولوژی^۲ و در نتیجه وابستگی لاینفک تمام نسل‌ها به شرایط محیط زیست؛ (۲) انسان همواره در حال ایجاد تغییر در محیط خود می‌باشد که در نتیجه این موضوع مطرح شد که انسان‌های نسل حاضر، تعهدی در نگهداری از سیاره زمین برای تضمین حقوق نسل‌های آینده بر عهده دارند. بنابراین حقوق نسل‌های آینده سبب می‌گردد تا در فعالیت‌ها و برنامه‌ها این مسئله را مدنظر قرار داد (بارتولینی و ساراسینو^۳، ۲۰۱۸). در مورد توجه به نسل آینده، ماده ۴ «کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان» در سال ۱۹۷۲، آگاهی کشورها را درباره وظیفه آنان برای حصول اطمینان از شناسایی، حمایت، حفاظت، معرفی و انتقال میراث فرهنگی و طبیعی موجود در قلمرو خود به نسل‌های بعدی تصریح می‌کند. در ادبیات مربوط به توسعه پایدار، لزوم تعهد به نسل آینده مورد توجه قرار گرفته است (جلیلی و جعفری، ۱۴۰۰). مفهوم توسعه پایدار با هدف ارائه راه‌حلی در مقابله الگوهای فانی زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی مطرح می‌شود که در آن انسان را هدف نهایی توسعه قرار می‌دهد و زمینه‌های لازم برای زندگی پایدار مادی و معنوی را فراهم می‌آورد (بیلگن و ساریکایا^۴، ۲۰۱۸).

مشارکت ورزشی به عنوان یکی از دغدغه‌ها و مسائل مهم و کلیدی در هر جامعه‌ای مشخص می‌باشد و تلاش‌های گسترده‌ای در جهت بهبود آن انجام شده است (وایت^۵، ۲۰۲۱). بهبود مشارکت ورزشی، یکی از سیاست‌های مهم کشورهای توسعه‌یافته است که به صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است (مارتین^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). با توجه به کارکردهای ورزش در حوزه‌های جسمانی و روانی باید تلاشی جدی در جهت ارتقای ورزش همگانی انجام پذیرد (چالپ^۷ و همکاران، ۲۰۱۷). ورزش نقش مهمی در بهبود شاخص‌های سلامتی، اجتماعی و بهزیستی افراد دارد و این مسئله سبب گردیده است تا تلاش جهت بهبود آن به عنوان یک هدف مهم همواره درک گردد (تکس^۸ و همکاران، ۲۰۱۴). اگرچه مسئله توسعه ورزش همگانی به صورت جدی دنبال شده، اما این مسئله به صورت مناسب در تمامی گروه‌ها و جوامع انجام نگردیده است (نومان^۹ و همکاران، ۲۰۲۰).

الگوهای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی در کشورهای مختلف متفاوت می‌باشد. از این رو، بررسی عواملی که سبب افزایش و کاهش تعهد ورزشی افراد می‌گردد، باید مورد بررسی قرار گیرد. گرین^{۱۰} (۲۰۱۸) در تحقیق خود به عوامل مربوط به مشارکت ورزشی در سطح افراد جامعه و همچنین ورزشکاران حرفه‌ای اشاره داشت. وی اعلام

¹ Sustainable Development

² ecology

³ Bartolini & Sarracino

⁴ Bilgen & Sarikaya

⁵ White

⁶ Martin

⁷ Chalip

⁸ Taks

⁹ Newman

¹⁰ Green

کرد که در مشارکت ورزشی افراد، سه فرایند انتخاب، جذب و ورود افراد، حفظ و نگهداری و در نهایت رشد و پیشرفت باید اجرا گردد که در هر یک از این فرایندها این امکان وجود دارد که برخی شرایط سبب گردد تا افراد از شرکت در فعالیت‌های ورزشی به دور شوند. مطابق با گرین (۲۰۱۸) اولین گام در توسعه ورزش، کشف و پی بردن به عواملی می‌باشد که در تصمیم‌گیری مردم جهت شرکت در فعالیت‌های ورزشی تاثیر گذار می‌باشند. این عوامل می‌تواند مسائل مختلف فردی، خانوادگی و یا حتی سیستمی باشد. هنگامی که افراد در فعالیت‌های ورزشی جذب می‌شوند، نگهداری آنان مهم و ضروری به نظر می‌رسد. در سطح فردی مسائل مختلفی از جمله مسائل مالی، اجتماعی و مهارتی در میان افراد می‌تواند حتی در صورتی که آنان انگیزش مناسب را داشته باشند، سبب دور نمودن آنان از ورزش گردد. در سطح سیستمی ممکن است تعهد ورزشی افراد به واسطه برنامه‌ها و مربیان محدود گردد (سوتسلیفی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

در حالی که ورزش به ظاهر فوائد متعددی برای شرکت‌کنندگان در سراسر جهان فراهم می‌سازد، اما سطح مشارکت ورزشی رو به کاهش و یا راکد رفته است (چالپ^۲، ۲۰۱۷). برای تمامی افراد مشخص است که افزایش مشارکت‌های ورزشی در سطح جامعه می‌تواند سبب توسعه سلامت، مسائل اقتصادی و اجتماعی گردد (وانگ و همکاران^۳، ۲۰۰۴). مطالعات بسیاری نشان داده است که مشارکت‌های ورزشی به صورت نابرابر در گروه‌ها و جوامع مختلفی وجود دارد (مارتین و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات گذشته نشان داده‌اند که مردان نسبت به زنان مشارکت ورزشی بیشتری دارند و یا جوانان و نوجوانان مشارکت ورزشی بیشتری نیست به افراد بزرگسال دارا می‌باشند. این مسئله در تحقیقات مختلفی به اثبات رسیده است، اما این مسئله را نمی‌توان در تمامی جوامع و کشورها تایید نمود (ایواساکی و همکاران^۴، ۲۰۰۷). یکی از مسائل مهم موجود در روند توسعه ورزش همگانی، شکاف بین‌نسلی می‌باشد. شکاف بین نسلی اشاره به اختلاف نظر، نگرش‌ها و تفکرات یک نسل با نسل دیگر دارد و ممکن است سبب بروز تنش‌هایی در این زمینه گردد (سوبرامانیان، ۲۰۱۷). شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری بین دو نسل جوانان و بزرگسالان به‌خصوص در بعد هویتی به‌طور وسیع‌تری در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. شکاف بین‌نسلی اگرچه امروزه بیشتر نمایان است، پدیده‌ای کهن و جزئی از زندگی بشر بوده است (مجلس آذر و همکاران، ۱۴۰۰). شکاف بین‌نسلی پس از توسعه فناوری و تجهیزات از اهمیت بیشتری برخوردار شده است؛ به صورتی که کاهش رده سنی بین نسل‌ها سبب گردیده است تا یک نسل با نسل قبلی و بعدی خود از تفاوت سنی کوچکی برخوردار باشد که این مسئله اهمیت شکاف بین‌نسلی را بیش از پیش مهم تلقی نموده است (وود و همکاران، ۲۰۱۷). توجه به تفاوت‌های موجود بین‌نسلی باید به صورت مناسب در تمامی حوزه‌ها مدنظر قرار گیرد. گیانکولا (۲۰۰۶) اشاره داشت که شکاف بین‌نسلی به عنوان یک مسئله مهم باید مورد توجه قرار گیرد تا بدین وسیله بحران‌های ناشی از این شکاف به صورت جدی دنبال گردد. مک‌فرسون (۲۰۰۹) اشاره داشت که عدم توجه به شکاف بین‌نسلی می‌تواند آسیب‌های جدی به جوامع داشته باشد.

¹ Sutcliffe

² Chalip

³ Wang et al.

⁴ Iwasaki et al.

شکاف بین‌نسلی به عنوان یکی از مسائل مهم در سیستم‌های امروزه می‌تواند نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در مسیر مدیریت بین‌نسلی داشته باشد؛ به صورتی که شکاف بین‌نسلی می‌تواند عاملی مهم در ایجاد اجتماع مطلوب و یا علتی در جهت ایجاد تضاد اجتماعی باشد (سوبرامانیا، ۲۰۱۷). مدیریت شکاف بین‌نسلی به‌عنوان یک مسئله مهم می‌تواند نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در جهت ایجاد همدلی در سیستم‌های اجتماعی داشته باشد (وود و همکاران، ۲۰۱۷). در تحقیقات مختلفی شکاف بین‌نسلی مورد توجه قرار گرفته است. استروناچ و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیق خود با عنوان «زنان ورزشکار بومی استرالیا: الهام‌بخش نسل بعدی»، پی بردند که توسعه ورزش در میان زنان می‌تواند به واسطه تاثیرگذاری بر نسل‌های بعد سبب ارتقای عملکرد و سلامت نسل‌های بعدی گردد. عبدالرازکو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که شکاف بین‌نسلی در بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی پیرامون مصرف زنده ورزشی کاربرد بسیاری دارد. ماک^۲ (۲۰۲۰) در تحقیق خود که با هدف کار تیمی مجازی و تعهد به نسل آینده انجام گرفت، پی برد که تغییرات فناورانه موجود در سطح بین‌المللی به علت تغییرات در نیازهای انسان‌ها سبب گردیده است تا یک مسئله آموزشی برای نسل فعلی و آینده فراهم آید؛ به صورتی که جهت تعهد به نسل آینده باید آموزش‌های نرم‌افزاری در موسسات آموزشی به صورت مناسبی اجرایی گردد. جونز^۳ و همکاران (۲۰۱۸) اشاره داشتند که ایجاد نمایندگی‌هایی برای نسل آینده در سطح جوامع که هدف آن نظرات بر اجرای تعهدات به نسل آینده می‌باشد، سبب می‌گردد تا فرهنگ انجام تعهدات نسبت به نسل آینده به شکل مناسبی توسعه یابد. الدی (۲۰۱۶) نیز در بررسی‌های خود دریافت که ایجاد برخی فشارهای سیاسی از جمله وتو در تمامی حوزه‌های مربوط به جوامع، سبب می‌گردد تا بتوان از نیروی سیاسی در جهت پاسخگویی به نیازهای مربوط به تعهدات به نسل آینده بهره کافی را برد. صفانیا و برهمند (۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان «مشارکت سالمندان در فعالیت‌های بین‌نسلی فراغتی - ورزشی» نشان دادند فعالیت‌های بین‌نسلی برای سالمندان فوائد زیادی دارند؛ از جمله بهبود شرایط فیزیکی، ذهنی، اجتماعی و شناختی در گروه سنی هدف. فناوری اطلاعات و شاخص‌های محیطی نیز جزو عواملی هستند که موجب مشارکت بیشتر افراد سالمند در این فعالیت‌ها می‌گردند. توحیدلو (۱۴۰۰) به بررسی جامعه‌شناختی صورت‌بندی نسلی در جامعه ایران پرداخت و بیان کرد نسل جدید دانشگاهیان می‌توانند کانون تحلیلی جدیدتری را برای جوانان مانند سبک زندگی لذت‌گرا بازتولید نمایند و از هژمونی گفتمانی نسل گذشته در ارتباط با موضوع نسل‌ها فارغ شوند. ابتدایی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیق خود با عنوان «علل شکاف بین‌نسلی در ایران امروز؛ دیدگاه فرزندان» دریافت از آنجا که ارزش‌ها به‌عنوان یکی از عناصر تعیین‌کننده نظام فرهنگی جامعه محسوب می‌شوند، بنابراین مدیریت ارزش‌ها به‌خصوص در دوران حساس نوجوانی دارای اهمیت فوق‌العاده است، زیرا نوجوانان بیش از هر گروه دیگر تحت تأثیر خانواده و ارزش‌های حاکم بر آن می‌باشند. مطالعات انجام‌شده در حوزه شکاف بین‌نسلی نشان می‌دهد که مسئله شکاف بین‌نسلی در تحقیقات انجام‌شده به صورت یک مسئله مهم مدنظر قرار گرفته است، اما روندهای جدی در جهت کاهش معضلات مربوط به آن به صورت عمقی و جامع مورد مطالعه قرار نگرفته است. این مسئله در برخی محیط‌ها از جمله محیط‌های

¹ Abdourazakou

² Maak

³ Jones

ورزشی کاملاً مشهود می‌باشد؛ به صورتی که شکاف بین‌نسلی در حوزه‌های ورزشی به‌عنوان یک دغدغه و مسئله مهم به صورت جدی مدنظر قرار نگرفته است. خلا تحقیقاتی پیرامون شکاف بین‌نسلی در ورزش به‌خصوص ورزش همگانی در کشور ایران از جمله مشکلاتی می‌باشد که تحقیق حاضر سعی در رفع آن دارد.

امروزه ورزش همگانی در مسیر رشد و تعالی دارای انواع مختلفی می‌باشد و فعالیت‌های جدید و متنوعی در این زمینه شکل گرفته است. فعالیت‌های ورزشی امروزه با توجه به علائق و خواسته‌های تمامی گروه‌ها تعیین شده است که این مسئله باعث گردیده تا فعالیت‌هایی مطابق با افراد و گروه‌ها ایجاد شود. تنوع فعالیت‌های ورزشی از طرفی به علت پاسخ به نیازهای مخاطبان مناسب بوده، اما به علت عدم‌آشنایی اعضای خانواده با برخی از این فعالیت‌ها و جدیدبودن آن باعث شده است تا مشکلاتی در جهت حضور افراد در فعالیت‌های ورزشی شکل گیرد. از طرفی، وجود شکاف بین‌نسلی سبب گردیده است تا علائق ورزشی افراد به صورت جدی متفاوت گردد. عدم‌توجه به شکاف بین‌نسلی در روند توسعه ورزش همگانی در تحقیقات انجام‌شده کاملاً مشهود می‌باشد؛ به صورتی که در نسل‌های گذشته، وقت گذراندن و ورزش‌های پارکی مانند تنیس روی میز، والیبال، پیاده‌روی، شطرنج و ورزش‌های گروهی مورد استقبال بود و افراد اوقات فراغت خود را به شکل ورزش می‌گذراندند، اما در نسل جدید سلیقه‌ها متفاوت شده است و به رفتارهای هیجان‌انگیز، اشتیاقی بیشتری نشان می‌دهند. به عبارتی، امروزه در روند توسعه ورزش همگانی و ارتقای سطح مشارکت ورزشی باید به شکاف بین‌نسلی توجه جدی داشت. این در حالی است که خلا تحقیقاتی در زمینه بررسی شکاف بین‌نسلی در روند توسعه ورزش همگانی ایران سبب گردیده است تا مشکلات جدی در این مورد ایجاد گردد. همچنین نبود تحقیقات جامع پیرامون شکاف بین‌نسلی در روند توسعه ورزش همگانی ایران باعث شده است تا شواهد دقیقی در زمینه توسعه ورزش همگانی با مدیریت شکاف بین‌نسلی موجود نباشد. از این رو، تحقیق حاضر با هدف طراحی مدل عوامل موثر بر مدیریت شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی کشور به دنبال تفهیم شکاف بین‌نسلی و راهکارهای مدیریت آن است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر طرح، ترکیبی و روش آن، با توجه به اینکه از قبل الگویی وجود نداشته و پژوهشگر درصدد کشف این الگو بوده است، از مدل‌های ترکیبی اکتشافی متوالی (کیفی-کمی) است. از نظر زمانی، حال‌نگر و از نظر گردآوری داده‌ها، پیمایشی به روش مقطعی است. در تحقیق حاضر برای دستیابی به مدل مفهومی عوامل موثر بر مدیریت شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی کشور و تایید آن مراحل زیر طی شد. ابتدا با استفاده از رویکرد کیفی و مصاحبه با ۱۴ نفر از خبرگان شامل اساتید علوم ورزشی و مدیریت ورزشی (افرادی که در زمینه ورزش همگانی یا تغییر نسلی تخصص داشتند)، متخصصان حوزه ورزش همگانی، خبرگان حوزه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی ورزش و مدیران ورزشی سازمان‌های متولی امر ورزش مانند شهرداری‌ها، فدراسیون ورزش‌های همگانی و تفریحی و فدراسیون ورزش دانشجویی به شیوه نمونه‌گیری هدفمند به بررسی عوامل موثر بر مدیریت شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی کشور پرداخته شد. با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از روش تحقیق کیفی استفاده گردید، برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از تکنیک تحلیل تم^۱ بهره‌گیری شد. تحلیل تم

¹ Thematic Analysis

روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌ها) موجود درون داده‌هاست. این روش در حداقل خود داده‌ها را سازمان‌دهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند، اما می‌تواند از این فراتر رود و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. برای مطالعه و تحلیل شکاف بین‌نسلی در روند توسعه ورزش همگانی ایران، محقق به شکلی مداوم و هدفمند، طی فرایند تحلیل داده‌ها بین کدگذاری باز و توصیفی-تفسیری حرکت کرده است. گفتنی است که مصاحبه شامل ۷ سوال بود: "به نظر شما بین نسل‌های مختلف کشوری در روند توسعه ورزش همگانی، شکاف وجود دارد؟ اگر از نظر شما بین نسل‌های مختلف کشور شکافی برای توسعه ورزش‌های همگانی وجود دارد، فاصله بین نسل‌ها و عوامل موثر بر آن را توضیح دهید؟ چه عواملی باعث ایجاد شکاف بین‌نسلی در روند توسعه ورزش همگانی شده است؟ به نظر شما به طور خاص چه کارکردهایی در شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی وجود دارد؟ چگونه می‌توان این شکاف بین‌نسلی (توسعه ورزش همگانی) را مدیریت کرد؟ اگر بخواهید بین کارکردهای که مطرح نمودید اولویت‌بندی کنید، چه عواملی در راس هرم قرار می‌گیرد؟ چنانچه مطلبی مهمی نیازمند توضیحات بیشتری است، بیان بفرمایید. قبل از اقدام به انجام مصاحبه، سوالات مصاحبه توسط ۵ نفر از اساتید مدیریت ورزشی از نظر اعتبار، به تایید رسید. پس از بررسی مصاحبه‌ها، در ابتدای کدگذاری، مقوله‌ها از طریق کدگذاری باز مشخص شدند و طی کدگذاری محوری، مقوله‌ها به یکدیگر مرتبط گردیدند. بعد از این که ارتباط بین مقوله‌ها طی کدگذاری باز و محوری شناسایی شد، طی کدگذاری انتخابی، مضمون اصلی، مضامین فرعی و ارتباط آنها یکپارچه شد تا مدل نظری ترسیم شد. در ابتدا برای کدهای باز، از تحلیل جزء به جزء استفاده شد و نکات و مضامین کلیدی هدف پژوهش کدگذاری گردید. در بخش بعدی برای شناسایی مضامین فرعی از ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) استفاده شد و اساس این قسمت بر مبنای بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار گرفت. در نهایت به انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن نظام‌مند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند، پرداخته شد. در بخش دوم تحقیق برای تأیید مدل مفهومی برخاسته از تحقیق، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. ابزار اولیه تحقیق ساخته و گویه‌ها به سوالات و مولفه‌ها به متغیر تبدیل گردیدند. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه ابتدا توسط ۸ نفر از اساتید مدیریت ورزشی تأیید و سپس در بین نمونه آماری توزیع شد. جامعه آماری در این بخش همان طیف بالا به علاوه کارکنان سازمان‌های ورزشی، متخصصان علوم ورزشی شامل فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری (به دلیل آشنا بودن با مفاهیم تخصصی ورزش همگانی و وجود افراد از نسل‌های مختلف که طبعاً ورزشکار نیز هستند) و سایر افراد درگیر در حوزه ورزش همگانی بودند. به منظور امکان‌پذیری انجام مطالعه، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده اقدام به نمونه‌گیری از این جامعه شد. با توجه به نامشخص بودن تعداد حجم جامعه، ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه تحقیق مشخص شدند. پایایی و روایی در PLS در دو بخش سنجیده می‌شود: الف) بخش مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری، ب) بخش مربوط به مدل ساختاری (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲). پایایی مدل اندازه‌گیری بوسیله ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بارعاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۴ شود، موید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر و پایایی در مورد آن سازه قابل قبول است. در مورد هر

دو فرم سؤالات (مصاحبه) و پرسش‌نامه نهایی جهت توزیع، روایی محتوی با استفاده از نظرسنجی از ۸ نفر از اساتید به دست آمد. بنابراین روایی محتوی ابزارهای پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. روایی واگرا و همگرا که مربوط به معادلات ساختاری است. پرسش‌نامه‌ها در بازه زمانی دو ماهه به صورت الکترونیکی و حضوری توزیع شدند که ۷۰ درصد آن‌ها به صورت آنلاین جمع‌آوری گردید. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس نسخه ۳ که از مزیت‌هایی بالاتری نسبت به نرم‌افزارهای نسل اول برخوردار است، استفاده گردید. مدل‌سازی معادلات ساختاری با این نرم‌افزار نسل دوم در مقایسه با روش‌های نسل اول که کواریانس‌محور بودند، دارای مزیت‌های بیشتری می‌باشد. مهمترین دلیل برتری این روش برای داده‌های غیرنرمال است که برخی پژوهشگران با آن رو به رو هستند. همچنین دلیل دیگر استفاده از این روش، سرو کار داشتن با مدل سازنده است.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ مشخصات افراد مصاحبه‌شونده آمده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	حیطه تخصص	جنسیت	سمت و شغل	تحصیلات	سابقه کار	زمان مصاحبه
۱	آسیب شناسی ورزشی	مرد	عضو هیئت علمی	دکتری تخصصی	۱۵ سال	۳۰ دقیقه
۲	مدیریت ورزشی	مرد	عضو هیئت علمی	فوق لیسانس	۲۰ سال	۳۵ دقیقه
۳	مدیریت ورزشی	زن	عضو هیئت علمی	دکتری تخصصی	۲۰ سال	۳۰ دقیقه
۴	فیزیولوژی ورزشی	مرد	عضو هیئت علمی	دکتری تخصصی	۲۵ سال	۴۰ دقیقه
۵	مدیریت ورزشی	زن	عضو هیئت علمی	دکتری تخصصی	۱۰ سال	۲۵ دقیقه
۶	مدیریت ورزشی	مرد	عضو هیئت علمی	فوق لیسانس	۳۰ سال	۲۵ دقیقه
۷	فیزیولوژی ورزشی	زن	عضو هیئت علمی	دکتری تخصصی	۲۸ سال	۲۵ دقیقه
۷	جامعه شناسی ورزشی	مرد	عضو هیئت علمی	دکتری تخصصی	۱۵ سال	۴۰ دقیقه
۹	مدیر ورزشی	مرد	مدیر ورزشی	فوق لیسانس	۲۰ سال	۳۰ دقیقه

۱۰	محقق حوزه ورزش همگانی	مرد	—	دانشجوی دکتری	۶ سال	۴۰ دقیقه
۱۱	جامعه شناسی ورزشی	زن	عضو هیئت علمی	دکتری تخصصی	۱۲ سال	۳۰ دقیقه
۱۲	رئیس فدراسیون ورزش همگانی	مرد	رئیس فدراسیون	دکتری تخصصی	۲۵ سال	۲۵ دقیقه
۱۳	رئیس سابق فدراسیون ورزش دانشجویی	مرد	مدرس دانشگاه	دکتری تخصصی	۲۵ سال	۳۰ دقیقه
۱۴	مدیریت ورزشی	مرد	عضو هیئت علمی	دکتری تخصصی	۱۰ سال	۲۵ دقیقه

در جدول ۲، اطلاعات جمعیت شناختی نمونه تحقیق به طور خلاصه درج شده است:

جدول ۲: ویژگی های جمعیت شناختی تکمیل کنندگان پرسش نامه تحقیق

متغیر	ویژگی	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۲۰-۲۵ سال	۱۹	۵
	۲۶-۳۰ سال	۱۱۶	۳۰
	۳۱-۳۵ سال	۱۰۲	۲۷
	۳۶-۴۰ سال	۶۹	۱۸
	بالتر از ۴۰ سال	۷۸	۲۰
تحصیلات	دیپلم و فوق دیپلم	۵۵	۱۴
	لیسانس	۱۱۴	۳۰
	فوق لیسانس	۱۵۹	۴۲
	دکتری	۵۶	۱۴
	کارمند ادارات ورزشی (شهرداری بخش ورزش)	۱۲۳	۳۲
سمت	متخصص علوم ورزشی	۱۴۲	۳۷
	اعضای هیئت و فدراسیون ورزش همگانی	۳۹	۱۰
	سایر	۸۰	۲۱

در ادامه به بررسی و تحلیل بخش کیفی تحقیق پرداخته شد. برای انجام تحلیل‌های کیفی ابتدا سعی شد با خواندن چندباره متن مصاحبه‌های انجام شده، فهمی کلی از عبارت و مفاهیم موجود در متن حاصل گردد. سپس از طریق کدگذاری باز، تعداد ۵۱ کد باز در متون مصاحبه‌ها کشف و علامت‌گذاری شد. کدهای مورد نظر به ۹ تم فرعی تبدیل و تم‌های فرعی نیز بر اساس مشابهت معنایی در ۴ تم اصلی طبقه‌بندی گردید- هرکدام از این ۴ تم اصلی با موضوعی ویژه سروکار داشتند؛ به عبارتی، به حوزه خاصی اشاره می‌کردند. گفتنی است که در طبقه‌بندی‌های صورت‌گرفته (کدها به تم‌های فرعی و سپس تم‌های اصلی) هم جنبه‌های مشاهده‌پذیر و ملموس محتوای متن و هم محتوای پنهان متن در نظر گرفته شده است. جدول ۳ جزئیات تحلیل کیفی را نشان می‌دهد:

جدول ۳: جزئیات کدگذاری

ردیف	تم اصلی	تم فرعی	کد باز
۱	عوامل کلان محیطی	فرهنگی	۱. عدم انتقال فرهنگ بین‌نسلی در ورزش همگانی
			۲. شکل‌گیری تنش بین‌فرهنگی
			۳. کاهش مقبولیت فرهنگی بین‌گروهی و فردی در ورزش همگانی
			۴. ممانعت از تعالی فرهنگی در ورزش همگانی
			۵. عدم شکل‌گیری میراث فرهنگی در ورزش همگانی
			۶. وجود تنش در پایداری فرهنگی در ورزش همگانی
			۷. کاهش سرمایه اجتماعی در ورزش همگانی
			۸. جلوگیری از تحول اجتماعی در ورزش همگانی
			۹. عدم پویایی اجتماعی در ورزش همگانی
			۱۰. عدم بلوغ اجتماعی در ورزش همگانی
۲	عوامل تخصصی ورزشی	اجتماعی	۱۱. وجود سطح‌بندی اجتماعی در ورزش
			۱۲. ممانعت از ترکیب بین‌نسلی در ورزش
			۱۳. وقت کافی گذاشتن برای توسعه ورزش همگانی
			۱۴. توسعه رشته‌های جدید مفرح در ورزش همگانی
			۱۵. مخدوش شدن فرایند استعدادیابی در ورزش همگانی
			۱۶. عدم جذب تمامی گروه‌ها در ورزش همگانی
			۱۷. عدم شکل‌گیری تنوع در مخاطبان ورزش همگانی
			۱۸. عدم یکپارچگی در ورزش همگانی
			۱۹. عدم استفاده از تمامی ظرفیت‌ها در ورزش همگانی
			۲۰. جذاب، متنوع و به روز کردن ورزش‌های همگانی

۲۱. تسهیل دسترسی به استفاده از وسایل ورزش عمومی	
۲۲. تبیین تفکر فردگرایی به جای گروهی در نسل جدید	
۲۳. جلوگیری از حضور افراد ناکارآمد در ورزش	
۲۴. به حاشیه رفتن برخی افراد در حوزه ورزش همگانی	فردی
۲۵. نادیده گرفتن توانایی‌های ورزشی افراد	
۲۶. وجود تنش بین نسلی در ورزش همگانی	
۲۷. وجود مدیران متخصص در راس ورزش همگانی	
۲۸. مدیریت رسانه به دلیل جذابیت بیشتر رسانه‌ها نسبت به قبل	
۲۹. برنامه‌ریزی برای سطح سواد خانواده‌ها	برنامه‌ریزی
۳۰. از بین بردن موازی‌کاری در مدیریت ورزش همگانی	
۳۱. بهره‌گیری از تورهای گردشگری با الگوبرداری از کشورهای موفق	
۳۲. برگزاری همایش‌های عمومی با حضور افراد مختلف سنی	
۳۳. تربیت نسل‌ها زیر نظر مربیان متعهد و مجرب	
۳۴. ساخت انیمیشن‌های آموزشی و موثر در تبیین تفکر ورزش همگانی	آموزشی
۳۵. برپایی کارگاه‌های دانش‌افزایی اعضای هیئت ورزش همگانی	
۳۶. ایجاد شرایط برای ارتباط بین مدارس و مراکز مختلف به منظور آشناسازی با اهداف ورزش همگانی	عوامل مدیریتی
۳۷. تعامل ارگان‌ها و ادارات مختلف در اجرای برنامه‌های ورزش همگانی	۳
۳۸. حمایت سطوح بالای مدیریت ورزشی استان‌ها	
۳۹. سیاست‌گذاری وزارت آموزش و پرورش در بحث ورزش دانش‌آموزی	
۴۰. ایجاد فضاهای ورزش همگانی برای مشارکت هم‌زمان افراد از نسل‌های مختلف	سیاست‌گذاری برای هم‌افزایی نسلی
۴۱. توجه و برنامه‌ریزی بر اساس سلايق نسل جدید در ساخت اماکن ورزشی همگانی	
۴۲. استفاده از افراد جوان و خلاق در کادر هیئت	
۴۳. استفاده از اتاق فکر برای هم‌اندیشی‌های خلاقانه‌تر	
۴۴. انتخاب نیروی کار جوان، با انگیزه و آشنا به تفکرات نسل جدید	
۴۵. استفاده و بهره‌برداری درست از اینترنت	
۴۶. پشتیبانی از طریق رسانه‌های قوی به‌خصوص فضای مجازی	عوامل ترویجی تبلیغات و رسانه ۴

۴۷. همسو کردن نگرش‌های جوانان و والدین با فرهنگ‌سازی رسانه‌ای

۴۸. استفاده از ابزارهای تبلیغاتی محیطی

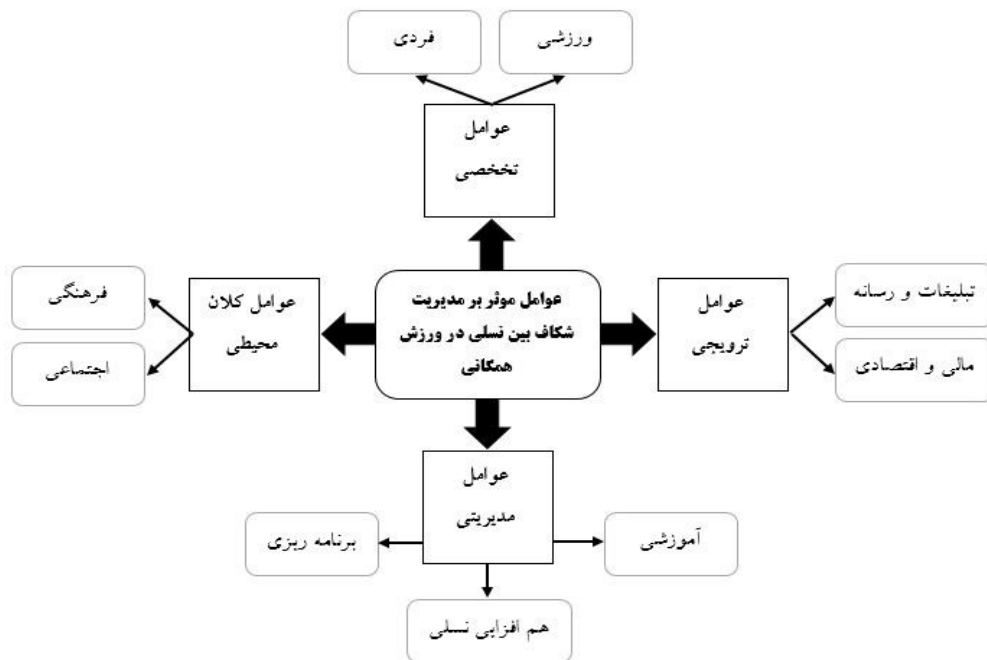
۴۹. اعتبار و بودجه کافی برای آموزش و اجرای برنامه‌های همگانی

۵۰. نگاه اقتصادی مردم به ورزش

مالی و اقتصادی

۵۱. پوشش مالی و تعیین بودجه برای از بین بردن معضلات

با توجه به ایجاد تم‌های فرعی و اصلی در این مرحله، شبکه مضامین بین مفاهیم شناسایی شده ترسیم گردید. شبکه مضامین ارتباط میان مفاهیم مختلف شناسایی شده را نشان می‌دهد و به شناخت الگوهای موجود در داده‌ها کمک می‌نماید. شکل ۱ شبکه تماتیک را نشان می‌دهد:



شکل ۱: شبکه مضامین مستخرج از داده‌های کیفی مدل‌سازی معادلات ساختاری

در این بخش پایایی مدل با سه شاخص ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و مجذور واریانس استخراج شده ارزیابی گردید. سپس روایی همگرا با استفاده از متوسط واریانس استخراج شده^۱ تحلیل و روایی واگرا نیز به روش فورنل - لارکر بررسی شد.

^۱ Average Variance extract (AVE)

جدول ۴: بررسی شاخص‌های روایی و پایایی سازه تحقیق

سازه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	مجذور واریانس استخراج شده AVE
آموزشی	۰/۷۶۳	۰/۸۲۰	۰/۵۸۴
اجتماعی	۰/۸۷۰	۰/۹۰۲	۰/۶۰۷
برنامه‌ریزی	۰/۷۴۳	۰/۸۸۰	۰/۵۶۷
تبلیغات و رسانه	۰/۸۵۷	۰/۹۰۳	۰/۷۰۰
شکاف بین نسلی	۰/۷۶۰	۰/۷۷۷	۰/۵۷۵
فردی	۰/۸۶۳	۰/۹۰۱	۰/۶۴۷
فرهنگی	۰/۸۶۰	۰/۸۹۴	۰/۵۸۷
مالی و اقتصادی	۰/۸۵۱	۰/۹۱۰	۰/۷۷۱
هم‌افزایی نسلی	۰/۸۴۴	۰/۸۷۸	۰/۵۰۳
	۰/۸۱۰	۰/۸۵۱	۰/۵۹۷

بر اساس نتایج آزمون در جدول بالا میزان آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ است که ثبات درونی بالای پرسش‌نامه را نشان می‌دهد. ضریب دیلون- گلد اشتاین یا پایایی ترکیبی (شاخص سازگاری درونی مدل اندازه‌گیری) سازه‌ها می‌باشد که باید بیشتر از ۰/۷ باشد. مقادیر به‌دست آمده برای این شاخص‌ها نیز حاکی از پایایی قابل قبول مدل تحقیق حاضر می‌باشد. همچنین برای بررسی روایی همگرا از شاخص متوسط واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد. مقادیر بالای ۰/۵ در این بخش قابل قبول است.

دو روش رایج برای اندازه‌گیری روایی تفکیکی^۱ یا افتراقی در نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس نسخه ۳ عبارت‌اند از: (۱) تفسیر ماتریس فورنل و لارکر^۲: شاخص دیگر، روایی تفکیکی یا افتراقی بر اساس ماتریس فورنل و لارکر است. (۲) بارهای عاملی متقاطع^۳: روایی افتراقی را از طریق ماتریس دیگری نیز بررسی می‌کنند و آن بارهای عاملی متقاطع است؛ یعنی وقتی به جدول خروجی نرم افزار نگاهی می‌اندازیم، باید مقدار همبستگی گویه‌های یک سازه با مقدار همبستگی گویه‌های آن سازه با سازه‌های دیگر، بیشتر باشد. ولی با توجه به مقالات متعدد، گزارش مقادیر ماتریس فورنل و لارکر برای روایی افتراقی کفایت می‌کند.

^۱ Discriminant validity

^۲ Fornell & Lurker

^۳ Cross loading

جدول ۵: نتایج آزمون فورنل - لارکر

نمونه	آموزشی	اجتماعی	برنامه ریزی	تبلیغات و رسانه	شکاف بین نسلی	فردی	فرهنگی	مالی و اقتصادی	هم افزایی نسلی	ورزشی
آموزشی	۰/۸۰۷									
اجتماعی	۰/۵۷۹	۰/۸۰۲								
برنامه ریزی	۰/۶۸۶	۰/۷۷۹	۰/۸۳۱							
تبلیغات و رسانه	۰/۶۴۸	۰/۶۹۷	۰/۵۲۶	۰/۸۳۷						
شکاف بین نسلی	۰/۳۷۰	۰/۷۴۴	۰/۷۱۰	۰/۳۶۵	۰/۷۵۹					
فردی	۰/۴۸۲	۰/۴۸۲	۰/۴۴۶	۰/۲۷۹	۰/۲۷۰	۰/۸۰۴				
فرهنگی	۰/۵۲۰	۰/۳۸۵	۰/۴۷۱	۰/۷۶۸	۰/۴۲۵	۰/۳۰۹	۰/۷۶۶			
مالی و اقتصادی	۰/۶۲۸	۰/۷۱۹	۰/۶۷۱	۰/۲۴۵	۰/۴۴۴	۰/۲۹۰	۰/۷۵۰	۰/۸۷۸		
هم افزایی نسلی	۰/۶۹۶	۰/۷۴۵	۰/۶۶۶	۰/۷۵۸	۰/۳۲۴	۰/۳۶۰	۰/۶۱۱	۰/۷۶۵	۰/۷۰۹	
ورزشی	۰/۵۵۸	۰/۶۳۴	۰/۶۵۰	۰/۶۹۵	۰/۴۰۶	۰/۴۶۲	۰/۵۶۳	۰/۷۴۱	۰/۶۲۲	۰/۶۳۰

برای ارزیابی مدل درونی یا مدل ساختاری، شاخص‌های متعددی وجود دارد که از جمله می‌توان به ضریب تعیین (R^2) (F^2) و ضرایب مسیر اشاره کرد. ضریب تعیین یک معیار اساسی برای ارزیابی متغیرهای مکنون درون‌زا می‌باشد. مقادیر R^2 برابر ۰/۱۷ و ۰/۵۲ در مدل‌های مسیری PLS به ترتیب ضعیف و قابل توجه توصیف می‌شود. براساس نظر کوهن (۱۹۸۸) میزان شاخص F^2 به ترتیب ۰/۰۲ (ضعیف) ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (قوی) می‌باشد. اگر این شاخص بین ۰/۰۲ تا ۰/۱۵ باشد، قدرت پیش‌بینی پایینی دارد. اگر مقدار شاخص اندازه اثر بین ۰/۱۵ تا ۰/۳۵، قدرت پیش‌بینی متوسطی دارد. در نهایت اگر شاخص اندازه اثر بیش از ۰/۳۵ باشد، قدرت پیش‌بینی بالا دارد. بر اساس نتایج در جدول زیر، ضریب تعیین برای تمام متغیرهای درون‌زا مقدار قابل قبول است که کیفیت مدل ساختاری را نشان می‌دهد.

جدول ۶: ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای تحقیق

متغیرهای درونزا	آموزشی	اجتماعی	برنامه ریزی	تبلیغات و رسانه	فردی	فرهنگی	مالی و اقتصادی	هم افزایی نسلی	ورزشی
R Square	۰/۲۳۷	۰/۳۳۲	۰/۲۹۹	۰/۲۳۳	۰/۲۷۳	۰/۲۸۱	۰/۲۹۷	۰/۳۰۵	۰/۳۶۵

جدول ۷: مقدار شاخص (F2) کوهن برای متغیرهای برونزای تحقیق

متغیرها	آموزشی	اجتماعی	برنامه‌ریزی	تبلیغات و رسانه	فردی	فرهنگی	مالی و اقتصادی	هم افزایی نسلی	ورزشی
شکاف بین نسلی	۰/۱۵۹	۰/۳۰۳	۰/۲۴۹	۰/۱۵۴	۰/۱۷۹	۰/۲۲۰	۰/۲۴۶	۰/۳۱۷	۰/۲۹۸

در مورد ضریب مسیر که معادل بتای استاندارد شده در رگرسیون است، مقادیر کمتر از ۰/۳ ضعیف، بین ۰/۳ تا ۰/۶ متوسط و از ۰/۶ به بالا خوب تفسیر می‌شود. معنی‌داری ضریب مسیر به روش BT و بوسیله بررسی شاخص t مشخص می‌شود؛ به طوری که مقادیر t بالاتر از ۱/۹۶ معنی‌دار در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۸. ضرایب مسیر مدل ساختاری و اثر کل متغیرها

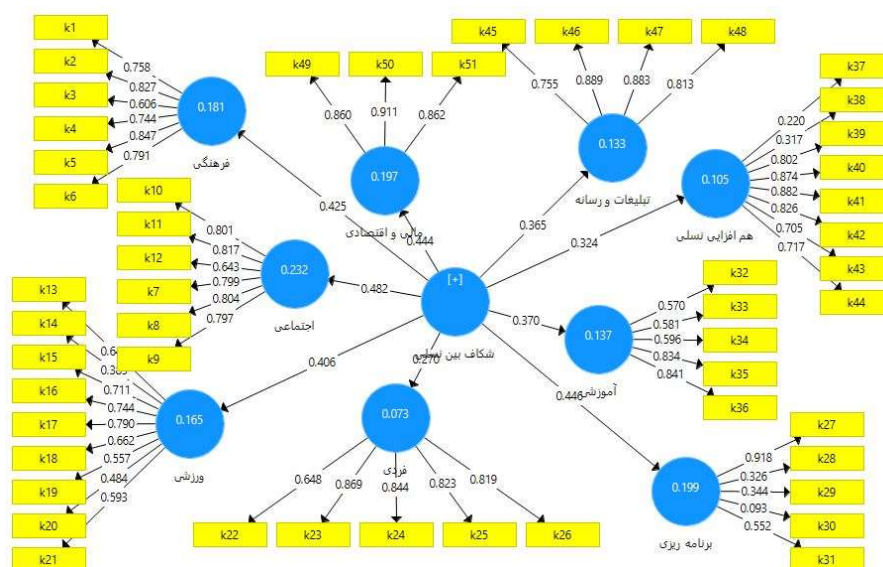
مسیر	ضریب اثر استاندارد	t-value	تفسیر
شکاف بین نسلی به فرهنگی	۰/۴۲۵	۷/۵۷۴	معنی دار
شکاف بین نسلی به اجتماعی	۰/۴۸۲	۹/۴۴۱	معنی دار
شکاف بین نسلی به ورزشی	۰/۴۰۶	۶/۸۶۶	معنی دار
شکاف بین نسلی به فردی	۰/۲۷۰	۳/۸۵۸	معنی دار
شکاف بین نسلی به برنامه‌ریزی	۰/۴۴۶	۲/۱۵۳	معنی دار
شکاف بین نسلی به آموزشی	۰/۳۷۰	۶/۷۶۸	معنی دار
شکاف بین نسلی به هم‌افزایی نسلی	۰/۳۲۴	۴/۷۲۰	معنی دار
شکاف بین نسلی به تبلیغات و رسانه	۰/۳۶۵	۶/۱۲۶	معنی دار

شاخص‌های برازش مدل

از دو شاخص SRMR و NFI برای بررسی برازش مدل تحقیق استفاده شد. هرچه این معیار به صفر نزدیکتر باشد، نیکویی برازش مدل بالاتر است. شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده SRMR در مطالعات جدیدتر پیشنهاد گردید. اگر مقدار این شاخص کمتر از ۰/۰۵ باشد، مناسب است. شاخص NFI که شاخص بنتلر-بونت^۱ یا هم نامیده می‌شود برای مقادیر بالای ۰/۹ قابل قبول و نشانه برازندگی مدل است.

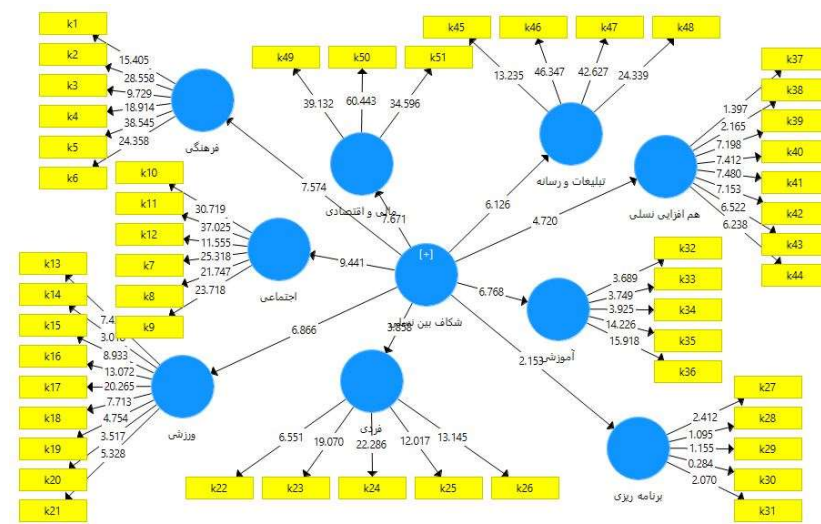
جدول ۹: شاخص‌های برازش مدل

مدل اشباع	مدل تخمینی
SRMR	۰/۰۳۹
NFI	۰/۹۱



شکل ۲: مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد

^۱ Bentler-Bonett



شکل ۳: مدل تحقیق در حالت شاخص تی

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، تدوین مدل کمی عوامل موثر بر مدیریت شکاف بین نسلی در ورزش همگانی ایران بود. از این رو ابتدا به شناسایی عوامل پرداخته شد و بعد از آن با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری، مدل مفهومی تحقیق ارائه گردید. یافته های تحلیل تم نشان داد که ۵۱ کد باز به عنوان عوامل موثر بر مدیریت شکاف بین نسلی در ورزش همگانی وجود دارد. کدهای مورد نظر به ۹ تم فرعی تبدیل و تم های فرعی نیز بر اساس مشابهت معنایی در ۴ تم اصلی طبقه بندی شد. اولین تم اصلی شناسایی شده، عوامل کلان محیطی بودند که خود دارای دو عامل فرهنگی و اجتماعی بود. این یافته با پژوهش یوسفیان (۱۴۰۰) همسو بود. وی مسائل فرهنگی و اجتماعی را به عنوان یکی از چالش های اصلی و کلی پیش روی توسعه ورزش همگانی شناسایی کرد. اولین عامل کلان محیطی به فرهنگ اشاره دارد. فرهنگ و مسائل هنجاری یک جامعه، نقش انکارناپذیری در رفتارهای نسل های گذشته، حال و آینده داشته است و بسیاری از رفتارهای مردم تحت تاثیر فرهنگ شکل گرفته است. به همین دلیل در شکاف بین نسلی در ورزش همگانی نیز مسئله فرهنگ کاملاً مشهود خواهد بود. از مهمترین عوامل فرهنگی در مدیریت شکاف بین نسلی در ورزش همگانی می توان به عدم انتقال فرهنگ بین نسلی در ورزش همگانی، شکل گیری تنش بین فرهنگی، کاهش مقبولیت فرهنگی بین گروهی و فردی در ورزش همگانی، ممانعت از تعالی فرهنگی در ورزش همگانی، عدم شکل گیری میراث فرهنگی در ورزش همگانی و تنش در پایداری فرهنگی در ورزش همگانی اشاره کرد. در پژوهش های هدایتی (۱۳۹۹) و عیوضی (۱۳۹۴) از نقش فرهنگ در توسعه ورزش همگانی اشاره یاد شده که با این نتیجه همسو بود. همچنین جونز و همکاران (۲۰۱۸) اشاره داشتند که ایجاد نمایندگی هایی برای نسل آینده در سطح جوامع که هدف آن نظرات بر اجرای تعهدات به نسل آینده می باشد، سبب می گردد تا فرهنگ انجام تعهدات نسبت به نسل آینده به

شکل مناسبی توسعه یابد. دومین عامل کلان محیطی مربوط به مسائل اجتماعی بود. روکساس (۲۰۲۰) در تحقیق خود توجه به نسل آینده را از منظر رهبری و اجتماعی مدنظر قرار داد و با هدف توسعه رهبری با تاکید بر مسائل اجتماعی برای نسل های آینده مشخص نمود که تربیت رهبران و مدیران می تواند یکی از اقدامات عملی در جهت ایجاد یک میراث گرانبها برای نسل بعدی باشد. شکاف بین نسلی به عنوان یکی از مسائل مهم در سیستم های امروزی مشخص می باشد که می تواند نقش مهم و تعیین کننده ای در مسیر مدیریت بین نسلی داشته باشد؛ به صورتی که شکاف بین نسلی می تواند عاملی مهم در ایجاد اجتماع مطلوب و یا خود باعث علتی در جهت ایجاد تضاد اجتماعی گردد. این مطالب نشان می دهد که عوامل اجتماعی در مدیریت شکاف بین نسلی در ورزش همگانی اثرگذار است. از مهمترین گویه های این عامل می توان به کاهش سرمایه اجتماعی در ورزش همگانی، جلوگیری از تحول اجتماعی در ورزش همگانی، عدم پویایی اجتماعی در ورزش همگانی، عدم بلوغ اجتماعی در ورزش همگانی، کاهش سطح بندی اجتماعی در ورزش و ممانعت از ترکیب بین نسلی در ورزش اشاره کرد.

دومین مضمون اصلی شناسایی شده مدیریت بین نسلی در ورزش همگانی کشور، عوامل تخصصی بود که خود شامل دو مضمون فرعی عوامل ورزشی و عوامل فردی بود. عوامل ورزشی مشخص می کنند که برای مدیریت بین نسلی در ورزش همگانی کشور در قدم اول باید به مفاهیمی اشاره کرد که ورزش همگانی را تقویت بخشد و سعی کند تا از طریق فعالیت های ورزشی، شکاف نسلی به وجود آمده را از بین ببرد یا کاهش دهد. این نتیجه منطقی نیز به نظر می رسد، زیرا شکاف بین نسلی که در ورزش همگانی به وجود آمده به دلایل متفاوتی ایجاد شده است که یکی از مهمترین آنها، تغییر سلیقه نسل جدید به ورزش های شادتر و هیجان انگیزتر است. از این رو، عامل ورزش در مدیریت بین نسلی اثرگذار است. گویه های زیادی در این عامل شناسایی شدند که شامل وقت کافی گذاشتن برای توسعه ورزش همگانی، توسعه رشته های جدید مفرح در ورزش همگانی، مخدوش شدن فرایند استعدادیابی در ورزش همگانی، عدم جذب تمامی گروه ها در ورزش همگانی، عدم شکل گیری تنوع در مخاطبان ورزش همگانی، عدم یکپارچگی در ورزش همگانی، عدم استفاده از تمامی ظرفیت ها در ورزش همگانی، جذاب، متنوع و به روز کردن ورزش های همگانی و تسهیل دسترسی به استفاده از وسایل ورزش عمومی می باشد. عامل دیگری که به مسائل تخصصی مربوط می شود، عامل فردی است. عامل فردی به طور خاص اشاره می کند که تفکر فردگرایی در نسل جدید نفوذ بیشتری دارد و کار گروهی و تیمی به اندازه گذشته جایگاهی برای آنها ندارد- در صورتی که در نسل قدیم، ورزش های همگانی همانطور که از اسم آن بر می آید توسط گروه های مختلف انجام می شد. از این رو، فردگرایی یک معضل جدی در مدیریت بین نسلی می باشد. علاوه بر این، در این عامل باید از حضور افراد ناکارآمد در حوزه ورزش همگانی جلوگیری کرد، از حاشیه رفتن برخی افراد اجتناب کرد، توانایی های ورزشی افراد را نادیده نگرفت و وجود تنش بین نسلی در ورزش همگانی را به حداقل رساند. جونز و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود با عنوان «نمایندگی نسل های آینده در بریتانیا» که

حاصل مطالعات طبیعی از برخی کشورهای دیگر بود پی بردند که ایجاد نمایندگی‌هایی برای نسل آینده در سطح جوامع که هدف آن نظرات بر اجرای تعهدات به نسل آینده می‌باشد، سبب می‌گردد تا فرهنگ انجام تعهدات نسبت به نسل آینده به شکل مناسبی توسعه یابد. آنان در تحقیق حاضر سیاست‌ها، اهداف و راهبردهایی در جهت دستیابی به این مهم مشخص و معرفی نمودند و نقش عوامل فردی را بسیار با ارزش تلقی کردند.

سومین مضمون اصلی شناسایی شده، عوامل مدیریتی بود. رضایی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیق خود که با هدف بررسی نقش عوامل مدیریتی در ارتقا و توسعه ورزش همگانی (مطالعه موردی: شهر زابل) انجام گرفت، دریافتند که با توجه به نقش و اهمیت عوامل مدیریتی در رغبت مردم به ورزش همگانی به همراه برنامه‌ریزی مدون و هماهنگ، تنظیم و تدوین یک برنامه راهبردی و جامع، ارائه راهکارها و برنامه‌هایی برای توجیه سیاست‌گذاران در مورد پرداختن به ورزش، ترویج و تقویت نشاط و امید از طریق تعمیم ورزش همگانی و دیگر عوامل این نتیجه قابل توجیه می‌باشد. بدون شک در مدیریت بین‌نسلی در ورزش همگانی کشور باید به مسائل مدیریتی نیز اشاره کرد. اولین مضمون فرعی به برنامه‌ریزی اشاره دارد. بدون برنامه‌ریزی نمی‌توان شکاف بین‌نسلی به وجود آمده در ورزش همگانی را از بین برد یا کاهش داد. به همین دلیل مولفه برنامه‌ریزی اشاره به افق بلندمدتی دارد که در سایه آن می‌توان از شکاف بین‌نسلی به بهترین شکل نیز استفاده نمود. از مهمترین گویه‌های این مولفه می‌توان به وجود مدیران متخصص در راس ورزش همگانی، مدیریت رسانه به دلیل جذابیت بیشتر رسانه‌ها نسبت به قبل، برنامه‌ریزی برای سطح سواد خانواده‌ها، از بین بردن موازی‌کاری در مدیریت ورزش همگانی و بهره‌گیری از تورهای گردشگری با الگوبرداری از کشورهای موفق اشاره کرد. از این رو، ماک (۲۰۲۰) در تحقیق خود پس از بررسی‌ها پی برد که تغییرات فناورانه موجود در سطح بین‌المللی به علت تغییرات در نیازهای انسان‌ها سبب گردیده است تا یک مسئله آموزشی برای نسل فعلی و آینده به وجود آید؛ به صورتی که جهت تعهد به نسل آینده باید برنامه‌ریزی مناسبی صورت بگیرد تا شکاف‌های به وجود آمده مدیریت شوند و بتوان به نحو مطلوب از تفاوت‌های نسلی استفاده نمود. دومین مضمون فرعی، عامل آموزشی بود. گارسیا و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیق خود که با هدف بهبود تعامل نسل‌های آینده انجام گرفت، دریافتند که آموزش‌های والدین و همچنین رفتارهای آنان نقش مهمی در نهاده‌سازی تعامل نسل‌های آینده دارد. کروسویت (۲۰۲۰) نیز نشان داد که به علت عدم شناخت نسبت به نسل آینده، یادگیری در این زمینه نقش مهم و اساسی را دارا می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئله آموزش در مفاهیم بین‌نسلی نقش ویژه‌ای دارد. از این رو، برای مدیریت شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی کشور باید همایش‌های عمومی با حضور افراد مختلف سنی برگزار کرد، نسل‌های جوان را زیر نظر مربیان متعهد و مجرب تربیت و آموزش داد، حتی می‌توان از ابزارهای رسانه‌ای و ساخت انیمیشن‌های آموزشی و موثر برای تبیین بیشتر تفکر ورزش استفاده نمود، کارگاه‌های دانش‌افزایی برای اعضای هیئت‌های ورزش همگانی برگزار کرد و در نهایت شرایط را برای ارتباط بین مدارس و مراکز مختلف به منظور آشناسازی با اهداف

ورزش همگانی ایجاد نمود. سومین مضمون فرعی که دارای گویه‌های زیادی نیز می‌باشد، سیاست‌گذاری برای هم‌افزایی نسلی است. الدی (۲۰۱۶) نیز نشان داد که ایجاد برخی فشارهای سیاسی از جمله قوانین مانند و تو در تمامی حوزه‌های مربوط به جوامع سبب می‌گردد تا بتوان از نیروی سیاسی در جهت پاسخگویی به نیازهای مربوط به تعهدات به نسل آینده بهره کافی را برد. این مولفه می‌تواند نقش به‌سزایی در مدیریت موثر شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی کشور داشته باشد، زیرا باعث می‌شود که نسل جدید و قدیم با یکدیگر ارتباطات قوی‌تری ایجاد نمایند. از مهمترین گویه‌های این مولفه می‌توان به تعامل ارگان‌ها و ادارات مختلف در اجرای برنامه‌های ورزش همگانی، حمایت سطوح بالای مدیریت ورزشی استان‌ها، سیاست‌گذاری وزارت آموزش و پرورش در بحث ورزش دانش‌آموزی، ایجاد فضاهای ورزش همگانی برای مشارکت هم‌رمان افراد از نسل‌های مختلف، توجه و برنامه‌ریزی بر اساس سلايق نسل جدید در ساخت اماکن ورزشی همگانی، استفاده از افراد جوان و خلاق در کادر هیئت، استفاده از اتاق فکر برای هم‌اندیشی‌های خلاقانه‌تر و انتخاب نیروی کار جوان، با انگیزه و آشنا به تفکرات نسل جدید اشاره کرد.

در نهایت آخرین مضمون اصلی شناسایی شده، اشاره به عوامل ترویجی دارد. برای مدیریت شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی کشور، علاوه بر مطالب قبلی (کلان محیطی، مدیریتی و تخصصی) نیازمند مسائلی هستیم تا به ترویج و ترفیع ورزش همگانی در بین نسل‌های مختلف جامعه بپردازد. دو مضمون فرعی در اینجا وجود دارد: ابتدا تبلیغات و رسانه است. آرامی و قدرت نما (۱۴۰۱) در تحقیق خود که با هدف شناسایی و اولویت‌بندی رسانه‌های جمعی موثر بر توسعه ورزش همگانی استان فارس انجام گرفت، دریافت که مولفه انعکاس برنامه‌های ورزشی مختلف از طریق رسانه صوتی و تصویری، پوشش مسابقات مختلف ورزشی توسط شبکه استانی، ساخت میان‌برنامه، پویانمایی و زیرنویس در راستای افزایش آگاهی ورزشی شهروندان، ترویج فرهنگ الگوهای صحیح ورزشی و سلامتی و آموزش عمومی روش‌ها و اصول صحیح ورزش به ترتیب پنج عامل برتر بود. این نتیجه همسو با یافته‌های پژوهش حاضر است، زیرا به وسیله تبلیغات موثر می‌توان به توسعه ورزش همگانی در بین تمامی نسل‌ها پرداخت. پس باید از اینترنت و فضای مجازی به‌درستی بهره‌برداری کرد، از طریق رسانه‌های قوی به‌خصوص فضای مجازی از ورزش همگانی پشتیبانی نمود، با فرهنگ‌سازی رسانه‌ای، نگرش‌های جوانان و والدین را همسو کرد و از ابزارهای تبلیغاتی محیطی نیز بهره گرفت. عامل مالی و اقتصادی نیز مضمون فرعی دیگر بود. چراغ بیرجندی و فتاده (۱۴۰۰) پس از بررسی‌های خود پی بردند که عوامل اقتصادی و حمایت‌های مالی موتور محرکه توسعه ورزش همگانی استان خراسان جنوبی بوده و با توجه به عوامل تاثیرگذار در بخش فرهنگی و اجتماعی، بخش داوطلبی ورزش، تبلیغات و روش‌های ترویجی ورزش و سیستم‌های اطلاعاتی در ورزش می‌توان در جهت توسعه ورزش همگانی استان خراسان جنوبی امیدوار بود. می‌توان ادعا نمود که درست است بخش ورزش همگانی برای مسائل مالی و درآمدزایی ایجاد نمی‌شود، اما بدون توجه به بودجه و مسائل مالی نمی‌توان به مدیریت شکاف بین‌نسلی پرداخت. از این رو، باید اعتبار و بودجه

کافی برای آموزش و اجرای برنامه‌های همگانی وجود داشته باشد، نگاه اقتصادی مردم به ورزش را کاهش داد و پوشش مالی و تعیین بودجه برای از بین بردن معضلات شکاف بین‌نسلی را مورد بررسی قرار داد.

با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزار اسمارت پی ال اس، نتایج حاکی از برآزش مناسب مدل تحقیق بود که در ادامه پیرامون مدل تحقیق بحث و نتیجه‌گیری می‌شود. برای ارزیابی مدل ساختاری باید ضرایب مسیرها را بررسی کرد که بحث و تحلیل در مورد مدل تحقیق، حول محور این موضوع می‌چرخد. یافته‌های ضریب مسیر نشان داد که تمامی مسیرها مثبت و معنادار هستند و تمامی مولفه‌های شناسایی‌شده در مدیریت شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی کشور نقش به‌سزایی دارند. از این رو، یافته‌های بخش کیفی تحقیق تایید شد. در یک نتیجه‌گیری کلی باید گفت که مدیریت شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا شکاف بین‌نسلی به عنوان یکی از مسائل مهم در سیستم‌های امروزه مشخص می‌باشد که می‌تواند نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در مسیر مدیریت بین‌نسلی داشته باشد؛ به صورتی که شکاف بین‌نسلی می‌تواند عاملی مهم در ایجاد اجتماع مطلوب و یا خود باعث علتی در جهت ایجاد تضاد اجتماعی گردد. مدیریت شکاف بین‌نسلی به عنوان یک مسئله مهم می‌تواند نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در جهت ایجاد همدلی در سیستم‌های اجتماعی داشته باشد. مطالعات انجام شده در حوزه شکاف بین‌نسلی نشان می‌دهد که مسئله شکاف بین‌نسلی در تحقیقات انجام‌شده به صورت یک مسئله مهم مدنظر قرار گرفته است، اما روندهای جدی در جهت کاهش معضلات مربوط به آن به صورت عمقی و جامع مورد مطالعه قرار نگرفته است. این مسئله در برخی محیط‌ها از جمله محیط‌های ورزشی کاملاً مشهود می‌باشد. خلا تحقیقاتی پیرامون شکاف بین‌نسلی در ورزش به‌خصوص ورزش همگانی در کشور ایران از جمله مشکلاتی می‌باشد که تحقیق حاضر سعی در رفع آن داشت. امروزه ورزش همگانی در مسیر رشد و تعالی دارای انواع مختلفی می‌باشد و فعالیت‌های جدید و متنوعی در این زمینه شکل گرفته است. فعالیت‌های ورزشی امروزه با توجه به علائق و خواسته‌های تمامی گروه‌ها تعیین شده است که این مسئله باعث گردیده تا فعالیت‌های مطابق با افراد و گروه‌ها ایجاد شود. تنوع فعالیت‌های ورزشی از طرفی به علت پاسخ به نیازهای مخاطبان مناسب بوده است، اما به علت عدم‌آشنایی اعضای خانواده با برخی از این فعالیت‌ها و جدیدبودن آن باعث شده است تا مشکلاتی در جهت حضور افراد در فعالیت‌های ورزشی شکل گیرد. از طرفی وجود شکاف بین‌نسلی سبب گردیده است تا علائق ورزشی افراد به صورت جدی متفاوت گردد.

مهمترین محدودیت این پژوهش، عدم‌تمایل برخی صاحب‌نظران و مدیران حوزه ورزش همگانی به انجام مصاحبه بود. پیشنهادات زیر می‌تواند در جهت هدف پژوهش کاربردی باشد:

- با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد تا با جذاب‌سازی فعالیت‌های ورزش همگانی به واسطه نیازسنجی در زمینه توسعه ورزش همگانی، شرایطی جهت کاهش شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی به واسطه تدارک برنامه‌های ورزشی ویژه هر گروه را فراهم نمود.
- با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد تا با بهبود تنوع نژادی در ورزش همگانی، ضمن غربال‌گری اجتماعی جهت پوشش سراسری ورزش همگانی شرایطی جهت شناسایی افراد غیرفعال در ورزش همگانی در جهت ایجاد یکپارچگی اجتماعی را فراهم نمود.
- با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد تا با ایجاد مراکز و محیط‌های ویژه بانوان در ورزش همگانی و همچنین کشف تنش‌های بین‌نسلی موجود در ورزش همگانی شرایطی جهت کاهش شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی را فراهم نمود.
- با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد تا با آموزش ورزش همگانی ویژه تمامی گروه‌ها به پاسخگویی به نیازهای نسلی در ورزش همگانی را فراهم نمود. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد تا با آموزش کاهش فاصله بین‌نسلی در ورزش همگانی به واسطه ایجاد اهداف یکسان، شرایطی جهت کاهش شکاف بین‌نسلی در ورزش همگانی را فراهم نمود.
- با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد تا با نبود تبعیض جنسیتی در زیرساخت‌های ورزش همگانی، شرایطی جهت بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی در حوزه ورزش همگانی را فراهم نمود.

منابع

- Abdourazakou, Y., Deng, X. N., & Abeza, G. (2020). "Social media usage during live sport consumption: Generation gap and gender differences among season ticket holders". International Journal of Sport Communication, 13(4), 696-718.
- Aldy, J. E. (2016). "Mobilizing political action on behalf of future generations". The Future of Children, 157-178.
- Arami, Arman and Ghadrat Nama, Akbar. (2022). "Identification and prioritization of effective mass media on the development of public sports in Fars province". the first national conference of applied studies in the promotion and development of sports sciences, Shiraz
- Bartolini, S., & Sarracino, F. (2018). "Do people care about future generations? Derived preferences from happiness data". Ecological Economics, 143, 253-275
- Bilgen, S., & Sarıkaya, J. (2018). "Energy conservation policy and environment for a clean and sustainable energy future". Energy Sources, Part B: Economics, Planning, and Policy, 13(3), 183-189.
- Chalip, L., Green, B. C., Taks, M., & Misener, L. (2017). "Creating sport participation from sport events: Making it happen". International journal of sport policy and politics, 9(2), 257-276.
- Cheragh Birjandi, K. Fetadeh, S. (2021). "Q analysis in the development of public sports in South Khorasan province (with a social marketing approach)". Management and organizational behavior in sports, 10(3), 65-81.
- Ebteyayi, Majid and Arab, Zahra and Jafarzadeh, Shabbo. (2018). "The causes of the generation gap in Iran today; Children's perspective". the first international conference on religion, spirituality and quality of life, Mashhad.

- Garcia, P. R. J. M., Sharma, P., De Massis, A., Wright, M., & Scholes, L. (2019). **"Perceived parental behaviors and next-generation engagement in family firms: A social cognitive perspective"**. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 43(2), 224-243
- Giancola, F. (2006). **"The generation gap: More myth than reality"**. *People and strategy*, 29(4), 32.
- Green, H., Broun, P., Cook, D., Cooper, K., Drewnowski, A., Pollard, D., ... & Roulin, A. (2018). **"Healthy and sustainable diets for future generations"**. *Journal of the Science of Food and Agriculture*, 98(9), 3219-3224.
- Hedayati, F. (2020). **"Education understand passion, enthusiasm, agility, dynamics, ethics. Color, motivation, hope, move which is late tomorrow ..."**. *New Approach in Educational Sciences*, 2(1), 69-77. "
- Iwasaki, Y., Nishino, H., Onda, T., & Bowling, C. (2007). **"Research reflections leisure research in a global world: Time to reverse the western domination in leisure research?"** *Leisure Sciences*, 29(1), 113-117.
- Jalili, A., & Jafari, M. (2021). **"Success or failure in wealth creation" This is the main story.\Strategic Goal Setting in Climate Change"**. *Iran Nature*, 6(3), 142-142.
- Jones, N., O'Brien, M., & Ryan, T. (2018). **"Representation of future generations in United Kingdom policy-making"**. *Futures*, 102, 153-163.
- Maak, K. (2020). **"Virtual teamwork and the future generation: The challenges of teaching intercultural and virtual competences"**. In *Challenges and opportunities in global approaches to education* (pp. 20-34). IGI Global.
- Majlesazar M, ghaffari K, nateghi F. (2021). **"Design and validation of parental education model based on Islamic lifestyle to reduce the intergenerational gap"**. *Journal of Psychological Science*, 20(100), 609-620.
- Martin, E. M., True, L., Pfeiffer, K. A., Siegel, S. R., Branta, C. F., Wisner, D., ... & Seefeldt, V. (2021). **"An examination of sport participation tracking and adult physical activity for participants of the Michigan State University motor performance study"**. *Measurement in Physical Education and Exercise Science*, 25(1), 35-42.
- Newman, T. J., Magier, E., Kimiecik, C., & Burns, M. (2021). **"The relationship between youth sport participation and aggressive and violent behaviors: A scoping review of the literature"**. *Journal of the Society for Social Work and Research*, 12(2), 371-389.
- Rezaei, Morteza, Hajipour, Hojjat, Glovi, Tayyaba. (2022). **"Investigating the role of management factors in the promotion and development of public sports (case study of Zabul city), the first national conference of sports management with an organizational health approach"**. *Ardabil*
- Roxas, E. M. (2020). **"Servant Leadership To Greatness: Challenge To Lead Leaders Of Future Generation"**. *International Journal of Advanced Research and Publications*, 4 (4), 80-85.
- Safania, Barhamand, & Reha. (2022). **"Participation of the elderly in intergenerational leisure-sports activities"**. *Knowledge management in sports*, 3(2), 86-98.
- Subramanian, K. R. (2017). **"The generation gap and employee relationship"**. *International Journal of Engineering and Management Research (IJEMR)*, 7(6), 59-67.
- Sutcliffe, J. T., Kelly, P. J., & Vella, S. A. (2021). **"Youth sport participation and parental mental health"**. *Psychology of Sport and Exercise*, 52, 101832.
- Stronach, M., Maxwell, H., & O'Shea, M. (2022). **"Indigenous Australian sportswomen: inspiring the next generation"**. *A Closer Look at Women's Health*, 95-136.
- Taks, M., Green, B. C., Misener, L., & Chalip, L. (2014). **"Evaluating sport development outcomes: The case of a medium-sized international sport event"**. *European sport management quarterly*, 14(3), 213-237.
- Tohidlou S. (2022). **"Changing the generational formulation in Iranian society"**. *Social Problems of Iran*. 12(2), 35-56.

- Wang, G., Pratt, M., Macera, C. A., Zheng, Z. J., & Heath, G. (2004). **“Physical activity, cardiovascular disease, and medical expenditures in US adults”**. *Annals of Behavioral Medicine*, 28, 88-94.
- White, J. (2021). **The Influence of Youth Sport Participation on Social-Emotional Development**.
- Wood, D., Griffiths, K., & Emslie, O. (2019). **Generation gap: ensuring a fair go for younger Australians**. Grattan Institute.
- Yousefian, J. (2022). **“Challenges to Develop Sport for All, Professional and Vocational, Women’s and Educational Sports in Yazd Province”**. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 20(54), 171-192.

بررسی عوامل و موانع مؤثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا و ارائه راهکارهای مناسب در پسا کرونا

مهرعلی همتی نژاد طولی^۱

حسین براخاص^۲

لیلا بیرامی جغناب^۳

طوبی بیگ محمدی^۴

مژگان صالحی پور^۵

 [10.22034/ssys.2024.3264.3385](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3264.3385)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

هدف از پژوهش حاضر، بررسی عوامل و موانع مؤثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا و ارائه راهکارهای مناسب در پسا کرونا بود. روش تحقیق از نوع کیفی مبتنی بر تحلیل مضمون انتخاب شد. جامعه آماری پژوهش شامل دو بخش منابع انسانی و منابع اطلاعاتی بود. مصاحبه‌شوندگان و منبع اطلاعاتی، به صورت هدفمند و بر مبنای رسیدن به اشباع نظری (۱۶ نفر) انتخاب شدند. جهت تحلیل یافته‌ها از روش کدگذاری مفهومی سه مرحله‌ای استفاده شد. چارچوب مفهومی نهایی در بخش عوامل: ۶۶ مولفه و ۹ بعد؛ در بخش موانع: ۱۳۸ مولفه و ۱۱ بعد و در بخش راهکارها: ۷۷ مولفه و ۷ بعد بود. نتایج یافته‌ها نشان داد که عوامل شامل ساختاری و مدیریتی، مالی و اقتصادی، تفریحی و ورزشی، شناختی و ارزشی، خلاقیت و نوآوری، تسهیلات و خدمات‌رسانی، امکانات و تجهیزات، علمی و آموزشی و اطلاعاتی و رسانه‌ای بودند. موانع شامل مانع ساختاری و مدیریتی، فردی و شخصی، روان‌شناختی، خانوادگی، رفاهی و زیست‌محیطی، قابلیت دسترسی، امکاناتی و اقتصادی، زیرساختی، فرهنگی، اجتماعی و اطلاع‌رسانی و علمی و آموزشی بودند که بر اساس این عوامل و موانع، راهکارهایی برای توسعه ورزش همگانی در پسا کرونا ارائه گردید. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت در حوزه ورزش همگانی، وضعیت ورزش همگانی در این شرایط نیازمند توجه به بخش‌ها و بر طرف کردن موانع آن از طریق حوزه‌هایی همچون تأسیس اماکن ورزشی جدید و نیز تجهیز و تعمیر اماکن ورزشی موجود است.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، ویروس کرونا، توسعه ورزش و فدراسیون ورزش همگانی.

^۱ استاد، مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

^۲ دکترای مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

[E-mail: Leila.beirami@yahoo.com](mailto:Leila.beirami@yahoo.com)

^۴ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

^۵ استادیار، مدیریت ورزشی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

در سال ۲۰۲۰، سازمان بهداشت جهانی (WHO) کوید-۱۹ را به عنوان یک بیماری همه گیر جهانی اعلام کرد (هوکنمن و همکاران^۱، ۲۰۲۴). با ظهور بیماری کرونا در سراسر جهان، به منظور مهار انتشار ویروس کووید-۱۹، دولت‌ها محدودیت‌هایی را در فعالیت‌های فضای باز یا حتی قرنطینه جمعی برای مردم اعمال کردند (پاسکارلا^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). اعمال سیاست‌هایی چون فاصله‌گذاری اجتماعی و تعطیلی مراکز تجمع و تعامل افراد مانند پارک‌ها، کافه‌ها، زیارتگاه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، باشگاه‌ها و مانند آنها، پیامدهای اجتماعی خاصی را به دنبال خواهد داشت که تأثیر آن بر گروه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت خواهد بود (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹). تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها موجب جدا شدن میلیون‌ها کودک، نوجوان و جوان از فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی برای مدت طولانی خواهد بود که بعداً ممکن است جبران آن به آسانی ممکن نباشد (نقوی، ۱۴۰۱). همچنین این فاصله اجتماعی و انزوا در خانه می‌تواند منجر به تغذیه نامناسب، کیفیت پایین خواب، کاهش سطح فعالیت بدنی و عادات کم‌ تحرکی با پیامدهای منفی مختلف مانند افزایش چربی بدن و کاهش توده عضلانی شود (دی استفانو و همکاران^۳، ۲۰۲۱)، تغییراتی در پارامترهای متابولیک و چاقی ایجاد کند و منجر به افزایش خطر حوادث قلبی-عروقی (چاقی و کم‌ تحرکی دو عامل اساسی در شروع آسیب‌های مهم از جمله بیماری‌های قلبی عروقی و بیماری‌های تنفسی)، استرس و اضطراب و اختلالات استرس پس از سانحه و علائم افسردگی گردد (فورنیلی و همکاران^۴، ۲۰۲۱). وجود فشار روانی ناشی از دوره قرنطینه باعث افزایش مشکلات رفتاری از جمله کاهش فعالیت بدنی و افزایش رفتارهای بی‌ تحرک شده است (نعیمی کیا و غلامی، ۱۳۹۹). با شیوع بیماری کووید-۱۹، ورزش و فعالیت‌های بدنی نیز تحت تأثیر قرار گرفتند و واکنش کشورهای مختلف به این پدیده متفاوت بود. چین به عنوان خاستگاه این بیماری، نخستین کشور بود که اقداماتی در این زمینه انجام داد و تمامی بازی‌های لیگ داخلی خود را در دو هفته اول شیوع، بدون تماشاگر برگزار کرد و سپس همه بازی‌ها لغو شد و تقویم مسابقات باشگاه‌های چین به طور کامل به حالت تعلیق درآمد (محسنی فر و همکاران، ۱۳۹۹). پس از آن، کشورهای ژاپن، کره جنوبی، تایلند و فیلیپین نیز تصمیم به لغو یا تعویق بازی‌ها یا برگزاری رقابت‌ها بدون تماشاگر گرفتند. همچنین، با شدت گرفتن بیماری کووید-۱۹، کمیته بین‌المللی المپیک و پارالمپیک اعلام کرد که تمامی بازی‌ها و مسابقات المپیک و پارالمپیک ۲۰۲۰ به تابستان ۲۰۲۱ موکول گردید (سایت کمیته بین‌المللی المپیک، ۲۰۲۰). در سوئد برخلاف بسیاری از کشورها، فعالیت‌های ورزشی در فضای باز در صورتی که «ایمن» انجام می‌شدند، مجاز به ادامه و حتی تبلیغ بودند- یعنی تا زمانی که توصیه‌های آژانس سلامت ملی نقض نشده بودند (هدنبورگ و همکاران،

¹ Hoekman et al.

² Pascarella

³ Di Stefano et al.

⁴ Fornili et al.

۲۰۲۴). بدین ترتیب، فعالیت‌های ورزشی به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و افراد بسیاری از شرکت در آنها بازماندند (دالولیو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). به‌طور مداوم گزارش شده است مشکلات اقتصادی ناشی از کوید-۱۹ مانع از بازگشت بسیاری از افراد به ورزش شده است. تحقیقات نشان می‌دهد که پس از محدودیت‌های کرونا، برخی افراد به ویژه کودکان، عادات بی‌حرکی خود را حفظ کرده‌اند. با اینکه تعداد کلی شرکت‌کنندگان در ورزش در سال ۲۰۲۱ مشابه دوران قبل از کرونا بوده، اما زنان نسبت به مردان کمتر به فعالیت‌های ورزشی بازگشته‌اند (استالی و همکاران^۲، ۲۰۲۴). درک نحوه بازگشت افراد، خانواده‌ها و جوامع به ورزش و فعالیت‌بدنی پس از برداشته شدن محدودیت‌های کرونا، به دلیل تأثیرات سنگینی که این محدودیت‌ها بر سلامت و رفاه افراد داشته، چالش‌برانگیز است (الیوت و همکاران^۳، ۲۰۲۳).

ورزش همگانی نقش بسزایی در حفظ سلامت، تاب‌آوری و تقویت روحیه جوامع به‌ویژه در دوران بحران‌هایی نظیر همه‌گیری کوید-۱۹ و دوران پس از آن دارد (استالی و همکاران، ۲۰۲۴). در دوران همه‌گیری کوید-۱۹، کشورهای مختلف با اتخاذ راهبردهای متنوع تلاش کردند تا مشارکت در ورزش‌های همگانی را افزایش دهند و موانع موجود را برطرف کنند. برای نمونه در کره جنوبی، با افزایش نگرانی‌ها از عفونت در فضاهای بسته، تمایل به فعالیت‌های ورزشی در فضای باز مانند پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری افزایش یافت و ایجاد اعتماد در سیاست‌های ورزشی، رضایت عمومی را تقویت کرد (کیم و همکاران^۴، ۲۰۲۳؛ لی و همکاران^۵، ۲۰۲۲). در کانادا، تمرکز بر سلامت روان از طریق مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه و ورزش به بهبود سلامت روان کودکان و جوانان و کاهش اضطراب و افسردگی کمک کرد (لافورژ-ماکنزی و همکاران^۶، ۲۰۲۲). در ایالات متحده، از سرگیری فعالیت‌های ورزشی منجر به بهبود نسبی سطح سلامت جسمی و روانی در بین ورزشکاران نوجوان شد (مک‌گوین و همکاران^۷، ۲۰۲۲). در آلمان و اتریش، ورزش‌های فضای باز مانند گلف محبوبیت بیشتری یافتند و به کاهش اثرات منفی روانی و اجتماعی ناشی از قرنطینه کمک کردند (جونگ‌ویرث و همکاران^۸، ۲۰۲۲). در بلژیک، فعالیت‌های ورزشی آنلاین نقش مهمی در حفظ فعالیت بدنی افراد ایفا کرد (تیبو و همکاران^۹، ۲۰۲۱) و در اندونزی، تعاملات اجتماعی از طریق فعالیت‌های ورزشی در فضای باز با تأکید بر اجتناب از ازدحام، مورد استقبال قرار گرفت (پراناتا^{۱۰}، ۲۰۲۰). همچنین، همه‌گیری

¹ Dallolio et al.

² Staley et al.

³ Elliott et al.

⁴ Kim et al.

⁵ Lee et al.

⁶ LaForge-MacKenzie et al.

⁷ McGuine et al.

⁸ Jungwirth et al.

⁹ Thibaut et al.

¹⁰ Pranata

اهمیت سرمایه‌گذاری در برنامه‌هایی برای افزایش فعالیت‌بدنی کودکان را نمایان ساخت (واتسون و کوئنتز^۱، ۲۰۲۰). علاوه بر این، دورکاری فرصت‌های بیشتری برای مشارکت در ورزش به‌ویژه برای افراد با سواد کمتر و اقشار محروم اقتصادی ایجاد کرد (گروبن و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

در کشورهای پیشرفته و صنعتی، توجه به فعالیت‌های‌بدنی که با هدف ارتقای شادابی، نشاط و سلامت جامعه اجرا می‌شوند، عمدتاً در قالب ورزش همگانی سازمان‌دهی شده است. نگرانی‌ها در مورد افزایش نرخ چاقی در میان جوانان و نیاز به حفظ تحرک و سلامتی در جمعیت‌های مسن‌تر، ورزش همگانی را به یکی از سیاست‌های کلیدی برای ارتقای رفاه و سلامت عمومی تبدیل کرده است (ایمی و همکاران^۳، ۲۰۲۴). این توجه به ورزش همگانی نه تنها به عنوان یک ابزار برای بهبود سلامت جسمانی، بلکه به عنوان یک راهکار اساسی برای بهبود کلی کیفیت زندگی جامعه تلقی می‌شود. گرچه مسائل مالی و عدم‌آگاهی از فوائد فعالیت‌بدنی به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های مرتبط با ورزش مطرح می‌شوند، راهکارهای فرهنگی و اقتصادی به‌عنوان کلیدی‌ترین راهبردها در این زمینه شناخته می‌شوند. بنابراین، لازم است سیاست‌هایی تدوین گردد که به افزایش آگاهی عمومی از فوائد ورزش و فعالیت بدنی کمک کند و تغییرات در سبک زندگی را به‌منظور افزایش مشارکت افراد در ورزش به‌عنوان یک فعالیت ارتقادهنده سلامت، ترویج نماید (شهریاری و همکاران، ۱۴۰۲). پیرامون موانع و عوامل موثر بر توسعه ورزش‌های همگانی نیز پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله پژوهش کاشانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که اصلاح ساختار نظام ورزشی و آموزش صحیح برای توسعه ورزش همگانی در دوران قرنطینه کووید-۱۹ ضروری است و این امر به بهبود سلامتی و کاهش مرگ و میر ناشی از کرونا کمک می‌کند. همچنین، گودرزی و موسوی (۱۴۰۰) چالش‌ها و فرصت‌های مدیریت ورزش ایران در دوران کووید-۱۹ را بررسی کردند. چالش‌ها شامل تهدید سلامت ورزشکاران و کاهش درآمد و فرصت‌ها شامل بهبود پایش سلامت و استفاده از فناوری برای آموزش تربیت‌بدنی بود. این تحقیقات نشان می‌دهند که کووید-۱۹ علاوه بر چالش‌ها، فرصت‌هایی نیز فراهم کرده است. آصفی و اسدی دستجردی (۱۳۹۵) نیز گزارش کردند که ۹ مانع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، شناختی، مالی، آموزشی، قانونی، اطلاعاتی، انسانی، فردی و زیرساختی در توسعه ورزش همگانی دانشگاه‌ها مؤثرند. عاشقی و همکاران (۱۴۰۱) ترغیب مشارکت اجتماعی به ورزش همگانی، اطلاع‌رسانی و افزایش فرهنگ ورزش همگانی همگی از طریق شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و آموزش از مهم‌ترین نقش‌های رسانه در گرایش جامعه به ورزش همگانی بیان کردند. کاشانی و همکاران (۱۴۰۰)، اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی در دوران قرنطینه را اصلاح ساختار نظام ورزشی یک کشور و آموزش صحیح در این عرصه بیان کردند. بابایی و همکاران

¹ Watson & Koontz

² Grubben et al.

³ Eime et al.

(۱۳۹۷)، مهدی‌زاده و اندام (۱۳۹۳) و روزبهرانی و همکاران (۱۳۹۳) نیز گزارش کردند عوامل سازمانی و مدیریتی، محیطی، محدودیت زمانی، عدم حمایت اجتماعی، عوامل درون فردی و روان‌شناختی، سلامتی، امکانات و تسهیلات، عوامل اقتصادی، عوامل شخصی، زمان، کمبود اماکن و تجهیزات ورزشی و عدم توجه دیگر سازمان‌ها به ورزش همگانی مهم‌ترین موانع توسعه ورزش همگانی در کشور هستند. طبق پژوهش زادمهر و خدابخش هفشجانی (۱۳۹۹) و شعبانی و خواجه (۱۳۹۶) احساس امنیت، حقوق شهروندی، حمایت اجتماعی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی، سلامت جامعه، رسانه‌های جمعی، فضاهای طبیعی، توسعه هیئت‌های ورزش همگانی، اینترنت، دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی، تعالیم دینی و تأکید بر رایگان بودن ورزش از مهمترین عوامل اثرگذار بر توسعه ورزش همگانی کشور هستند. نتایج تحقیقات منتظر حجت و منصوری (۱۳۹۴) و قره و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان داد عوامل اقتصادی - اجتماعی، سیاسی - حقوقی، محیط زیست، محیط فرهنگی و محیط بین‌الملل، ویژگی‌های فردی و زیرساخت‌های فیزیکی و نهادی از عوامل موثر بر همگانی شدن ورزش در ایران است. سالاری اسکر (۱۳۹۴) و شهبازی و همکاران (۱۳۹۲) هم راهکارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، ساختار تشکیلاتی، آموزشی و رسانه، نیروی انسانی و زیرساخت‌ها را در زمینه پرداختن به ورزش همگانی ارائه دادند. استالی و همکاران (۲۰۲۴)، چالش‌های مرتبط با بازگشت به ورزش پس از تعطیلی کوید-۱۹ را به ترتیب از رتبه بالاتر به پایین، داوطلبان، فرهنگ باشگاه، پروتکل‌های بهداشتی، عضویت، وضعیت اقتصادی، تأسیسات، رقابت، دولت و نحوه مدیریت بیان کردند. ایمی و همکاران (۲۰۲۴) در نتایج پژوهش خود گزارش کردند که شرکت‌کنندگان در ورزش باشگاهی در سال ۲۰۲۰ در طول محدودیت‌های کوید-۱۹ مجبور به ترک ورزش شدند و کمتر از نیمی از آنها پس از محدودیت‌های کوید-۱۹ به ورزش بازگشته‌اند. توسلی و همکاران^۱ (۲۰۲۲) نشان دادند که با درگیر کردن افراد با فعالیت بدنی در پارک‌ها، طبیعت یا فضاهای سبز در واقع به‌عنوان یک راهبرد امیدوارکننده برای بهبود سلامت، تندرستی، کیفیت زندگی و رفاه شهروندان در محیط‌های شهری به خصوص زمانی که فعالیت بدنی داخل خانه مجاز نباشد مورد استفاده قرار گرفته است. موتز و همکاران^۲ (۲۰۲۱) مشخص نمودند که امروزه تجارب ایجاد شده از شیوع کرونا سبب گردیده است تا محیط‌های ورزشی سیستم‌های بهداشتی را به‌صورت جدی‌تر دنبال نمایند، اما نبود اطلاع‌رسانی در این زمینه سبب گردیده است تا نگرانی‌هایی ایجاد شود. پیلای و همکاران^۳ (۲۰۲۰) بیان کردند که شیوع ویروس کرونا، عواقب جسمی و روانی بسیار زیادی برای افراد ورزشکار دارد. از بین رفتن فرصت‌ها، شرایط مالی و سلامت روحی ورزشکاران به صنعت ورزش ضررهای جبران‌ناپذیری را وارد می‌کند. در نتیجه آموزش صحیح به افراد برای مواجهه با این شرایط را بسیار مهم دانستند. با توجه به نیازمندی‌ها و مشکلات عدیده موجود در ورزش همگانی اعم از تأمین زیرساخت‌ها، تأمین منابع

¹ Toselli et al.

² Mutz et al.

³ Pillay et al.

مالی، تأمین منابع انسانی، برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری و سازماندهی، وسعت جغرافیایی کشور و پراکندگی مخاطبان ورزش همگانی - که تمامی افراد جامعه از کودک تا کهنسال را در بر می‌گیرد- راهبری ورزش همگانی به مسئله‌ای بغرنج تبدیل گردیده است (مؤیدی جاهد و همکاران، ۱۴۰۳). بنابراین دولت در توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا و پساکرونا به‌ویژه در ارتباط با دسترسی، استفاده، کیفیت و کمیت امکانات ورزشی و فضاهای عمومی (ورزشی) مسئولیت مهمی دارد (نانداکومار و همکاران^۱، ۲۰۲۰).

با توجه به اینکه کم‌ترکی در جامعه ما در زمان همه‌گیری ویروس کرونا و پس از دوره قرنطینه خانگی ناشی از آن به یک مسئله مهم مبدل شده است. از سوی دیگر، به دلیل مشکلات اقتصادی درصد کمی از مردم به فعالیت بدنی منظم روزانه می‌پردازند. سازمان‌های متولی توسعه ورزش همگانی همچون فدراسیون ورزش‌های همگانی، معاونت ورزش همگانی وزارت ورزش و جوانان، شهرداری‌ها، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش نتوانستند به اهداف خود دست یابند. بنابراین لازم است که همه نهادهای مرتبط با این زمینه در سطح جامعه با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و عملیات مناسب در توسعه این سطح از ورزش مشارکت داشته باشند. لازمه برنامه‌ریزی جهت توسعه ورزش همگانی، بررسی عوامل و موانع توسعه ورزش همگانی به‌خصوص در دوران اپیدمی کرونا و به‌صورت کلی بحران‌های غیر منتظره می‌باشد. به نظر می‌رسد عواملی زیادی در این میان مؤثرند و تا به حال تحقیقی عوامل و موانع توسعه ورزش همگانی در دوران اپیدمی کرونا را به‌صورت جامع بررسی نکرده و راهکارهای کاربردی جهت توسعه این ورزش در دوران پساکرونا برای توسعه و بهبود آن ارائه ننموده است. بنابراین از آنجا که توسعه همه‌جانبه ورزش در دوران پساکرونا از دغدغه‌های اساسی مدیران و کارشناسان حوزه ورزش و از نیازهای اصلی جامعه است، انجام تحقیقی به منظور بررسی عوامل، موانع و راهکارهای توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا و پساکرونا از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران اهل فن و مردم ضروری به نظر می‌رسد تا هم شکاف بین درک و نگرش مسئولان و مدیران مشخص گردد و هم با مراجعه به نظرات مردم نسبت به ارائه راهکارهای اساسی اقدام شود.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق از نوع کیفی با رویکرد اکتشافی نظام‌مند (مبتنی بر تکنیک تحلیل مضمون) و جامعه آماری شامل دو جامعه انسانی و جامعه اطلاعاتی (منابع علمی، اسنادی و کتابخانه‌ای) بود. مشارکت‌کنندگان بخش منابع انسانی را مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی، هیئت‌های شهرستان‌ها، به همراه اساتید مدیریت ورزشی تشکیل می‌دادند. مصاحبه‌شوندگان و منابع اطلاعاتی به صورت هدفمند و در دسترس انتخاب و نظرخواهی شدند.

¹ Nandakumar et al.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان پژوهش

مشارکت‌کنندگان	گروه مطالعه	نمونه‌گیری	نمونه
منابع انسانی	مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی	قضاوتی مبتنی بر شایستگی علمی و اجرایی	۵ نفر
	مدیران و کارشناسان هیئت‌های شهرستان‌ها	//	۵ نفر
	اساتید دانشگاهی مطلع در حوزه ورزش همگانی	//	۶ نفر

ابزار پژوهش شامل مصاحبه اکتشافی نیمه‌ساختارمند بود. جهت تکمیل و شناسایی مولفه‌ها و ابعاد کامل‌تر از مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون و سندهای مختلف استفاده شد. مشخصات ابزارهای پژوهش به صورت زیر می‌باشد. روایی ابزار با استفاده از روش‌های روایی سنجی کنترل و مطلوب ارزیابی شد.

جدول ۲: مشخصات ابزار پژوهش

روش	مطالعه کتابخانه‌ای	مصاحبه
نوع	نظام‌مند و ساختارمند	نیمه‌ساختاریافته
ابزار	رونوشت (چک‌لیست استخراج مفاهیم)	چارچوب پرسش (پرسش‌نامه باز پاسخ)
زمینه	نمونه آماری منابع اطلاعاتی	نمونه آماری منابع انسانی
روایی و پایایی	انتخاب نسخه‌های معتبر به لحاظ علمی و حقوقی	انتخاب افراد برحسب شایستگی علمی و اجرای روایی محتوایی و صوری سوالات مصاحبه از دیدگاه متخصصان
	روایی محتوایی و صوری رونوشت از دیدگاه متخصصان	محاسبه ضریب توافق بین اساتید کدگذار//ضریب کاپا: ۰/۷۵

در نمونه‌گیری نظری و هدفمند، پژوهشگر تلاش دارد که نمونه‌های تحقیق را هدف دار و بر اساس توانایی در شکل‌گیری نظریه و تکرارپذیری یافته‌ها انتخاب کند. محقق در این پژوهش، جهت افزایش روایی درونی و جلوگیری از پیش‌فرض و جهت‌گیری مصاحبه‌شونده‌ها، در هر مرحله به مصاحبه‌شوندگان بازخورد می‌داد. کار گردآوری داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر اطمینان حاصل کرد که ادامه کار موضوع تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید. پس از انجام ۱۶ مصاحبه و رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه‌ها پایان یافت و سپس با استفاده از منابع اطلاعاتی یافته‌ها و مولفه‌های شناسایی شده تکمیل و کدگذاری با استفاده از مطالعات قبلی و نظر چند پژوهشگر تکمیل شد. مدل پژوهش نیز بر اساس روابط شناسایی شده به صورت یک چارچوب مفهومی ترسیم گردید. کدگذاری در سه مرحله کدگذاری اول (باز)، کدگذاری دوم (گزینشی) و

کدگذاری سوم (موضوعی) انجام شد تا مقوله‌ها تبدیل به مولفه‌ها، سپس ابعاد و در نهایت عامل‌های اصلی در مدل مفهومی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش شامل چهارچوب کدگذاری مولفه‌ها و مدل مفهومی برخاسته از آن است. یک نمونه از کدگذاری به صورت جدول ۳ می‌باشد:

جدول ۳: چهارچوب بندی و کدگذاری مؤلفه‌های شناسایی شده

منظرها	ابعاد	مولفه‌ها	مفاهیم متن مصاحبه	مصاحبه‌شونده - تکرار در مطالعه
			«توسعه در راستای توجه به	
			تغییرات و حوزه‌های مختلف	مصاحبه‌شونده
			ساختارورزش کشور در بعد از	دوم (P2)
			کرونا ایجاد خواهد شد»	
عوامل	عامل		«ساختار ورزش کشور با توجه	
موثر	ساختاری	اصلاحات در	به شرایط اپیدمیک به وجود آمده،	مصاحبه‌شونده
توسعه	و	ساختار ورزش	جهت هماهنگی با ابعاد نوین	پنجم (P5)
ورزش	مدیریتی	کشور	توسعه ورزش نیازمند تغییرات	
همگانی			اساسی دارد»	
			«توسعه ورزش همگانی نیازمند	
			هماهنگی و تغییراتی در ساختار	مصاحبه‌شونده
			فدراسیون‌ها و بخش‌های مرتبط	ششم (P6)
			با آن دارد»	

در بخش عوامل موثر بر توسعه ورزش همگانی، ۹ عامل همراه با ۶۶ مولفه کلیدی (دارای تکرار مضامین)

بود. عوامل و مؤلفه‌های آن‌ها در جدول ۴ گزارش شده است:

جدول ۴: چارچوب‌بندی و کدگذاری مؤلفه‌های شناسایی‌شده عوامل موثر بر توسعه ورزش همگانی

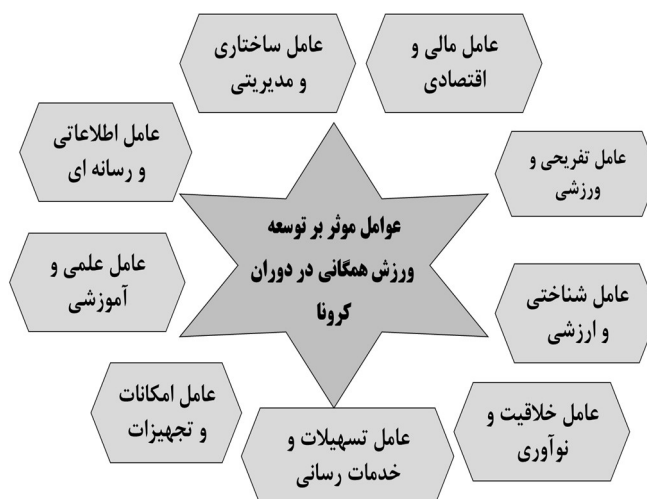
کدهای گزینشی (عوامل)	کد محوری (مؤلفه‌ها)	فراوانی مضامین
	اصلاحات اساسی در ساختار ورزش کشور	۶
	استفاده از نخبگان در نظام ورزش کشور	۳
	تدوین برنامه‌های همگانی‌شدن رشته‌های مختلف در هیئت‌های ورزشی و اداره کل	۵
	داشتن برنامه راهبردی و عملیاتی سازمان‌ها در توسعه ورزش همگانی در دوران همه‌گیری کرونا	۷
	تشکیل اتاق فکر در فدراسیون ورزش همگانی، اداره کل و هیئت‌های ورزشی برای تولید روش‌های جذاب کردن رشته‌های مختلف ورزشی	۹
عامل ساختاری و مدیریتی	نظارت هدفمند بر اعتبارات ورزش همگانی در ادارات و هیئت‌های ورزشی	۶
	قوانین حمایتی در همگانی کردن رشته‌های مختلف ورزشی در دوران شیوع کرونا	۹
	تصمیم‌سازی‌های شخصی مدیران ورزشی	۳
	همسان بودن امکانات ورزشی بانوان با آقایان	۴
	تشکیل شورای ورزش همگانی در نهادهای ذی‌ربط مثل استانداری- شهرداری	۱۱
	توجه مسئولان ارشد استان به توسعه ورزش همگانی در دوران شیوع کرونا	۸
	توجه مسئولان توانمند و آگاه به مبانی علمی ورزش همگانی در ارگان‌های مختلف	۹
	برنامه‌ریزی و آمادگی هیئت‌های ورزشی استان مطابق با این بیماری	۱۱
	تفکیک بودجه ورزش قهرمانی و ورزش همگانی در ادارات و هیئت‌های ورزشی	۷
عامل مالی و اقتصادی	نظام‌مند کردن تخصیص اعتبارات ورزش همگانی به ادارات و هیئت‌های ورزشی بر مبنای تأکید بر ورزش همگانی	۹
	ارائه تخفیف به ثبت‌نام‌های گروهی و خانوادگی در باشگاه‌های ورزشی	۴

۷	سطح درآمد مردم و تأثیر آن بر انجام فعالیت‌های ورزشی در دوران شیوع کرونا	
۹	برگزاری جشنواره‌های تفریحی در رشته‌های ورزشی مختلف	
۹	برگزاری مسابقات و جشنواره‌های خانوادگی در سطح استان در دوران شیوع کرونا	
۵	برگزاری مسابقات در محلات با همکاری شهرداری‌ها برای افراد عادی	عامل تفریحی و ورزشی
۳	برگزاری مسابقات ابداعي برای رده‌های سنی مختلف با رعایت فاصله اجتماعی	
۱۰	برگزاری مسابقات ورزشی ویژه خانواده کارگران و کارمندان با همکاری وزارت کار و سایر نهادهای دولتی و غیردولتی	
۸	میزان دانش مدیران ورزشی برای توسعه ورزش همگانی در دوره شیوع کرونا	
۳	مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزش همگانی در دوران شیوع کرونا	
۱۰	تغییر در نگرش صدا و سیما از توجه صرف به بعد قهرمانی به بعد همگانی ورزش	
۹	تغییرات رفتاری و نگرشی مربوط به دوره کرونا در مردم نسبت به فعالیت بدنی، ورزشی و تفریحی	
۹	ترویج ورزش خانوادگی در دوران شیوع کرونا	عامل شناختی و ارزشی
۱۱	افزایش باور ورزش به عنوان یک ضرورت زندگی در افراد جامعه و ترویج شیوه زندگی سالم در دوران شیوع کرونا	
۵	مشارکت بانوان در فعالیت‌های ورزشی و همگانی در دوران کرونا	
۳	فراهم کردن زمینه حضور دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب در ورزش همگانی	
۳	بهره‌گیری از زمینه‌های مذهبی- قومی و عادات اجتماعی در تشویق به ورزش همگانی	
۴	تأثیر فرهنگ داوطلبی نیروی انسانی متخصص در ورزش همگانی	
۲	ایجاد تجارب مناسب فعالیت بدنی و ورزشی دوران قرنطینه کرونا در مردم	

۸	طراحی الگوهای تفریحی و نشاط‌آور در رشته‌های مختلف ورزشی	
۳	توسعه فعالیت رشته‌های مختلف ورزشی با رویکرد تفریحی در بوستان‌ها با رعایت فاصله اجتماعی	
۴	ترکیب موسیقی با رشته‌های مختلف ورزشی در هنگام فعالیت‌های ورزشی	عامل خلاقیت و نوآوری
۳	اجرای آموزش‌های رایگان رشته‌های مختلف ورزشی در نقاط مختلف شهر در دوره شیوع کرونا	
۸	افزایش گرایش به فضای مجازی در دوره کرونا به‌ویژه در زمینه مصرف رسانه‌ای مرتبط با تندرستی	
۴	توجه مسئولان به فعالیت رشته‌های ورزشی در بین سنین مختلف	
۷	ارائه خدمات ورزش همگانی در مراکز خاص همچون خانه سالمندان	
۵	ارائه خدمات ورزشی به خانواده‌ها و سالمندان در باشگاه‌های ورزشی	
۲	ارائه تسهیلات ویژه به دوستان شرکت‌کننده گروهی در رشته‌های مختلف ورزشی	
۶	ارائه اقلام ورزشی رشته‌های مختلف ورزشی به افرادی که به طور خانوادگی در ورزشگاه‌ها به‌منظور حفظ سلامتی ورزش می‌کنند	
۴	ارائه تسهیلات ویژه به مربیان فعال در توسعه همگانی رشته‌های مختلف ورزشی	عامل تسهیلات و خدمات‌رسانی
۶	ارائه آموزش رشته‌های مختلف ورزشی توسط داوطلبان در پارک‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، شرکت‌ها و کارخانجات	
۷	بهره‌مندی از ورزش برای پیشگیری و درمان برخی بیماری‌ها	
۴	میزان دسترسی شهروندان به امکانات آموزشی و ورزشی	
۶	تنوع رشته‌ها و برنامه‌های ورزش همگانی در سطح استان	
۲	تأثیر دوره‌ها و برنامه‌های ورزش همگانی در غنی‌سازی اوقات فراغت شهروندان در دوره شیوع کرونا	
۸	تأثیر ورزش همگانی بر احترام و قومیت‌های مختلف در کشور	
۹	تجهیز بوستان‌ها به لوازم و اقلام ورزشی در رشته‌های مختلف ورزشی	

۸	امکانات هیئت‌های ورزشی برای توسعه همگانی رشته‌های ورزشی	عامل امکانات و تجهیزات
	در دوره کرونا	
۴	کیفیت لوازم و تجهیزات ورزشی در پارک‌ها برای توسعه ورزش همگانی	
۳	ایمن بودن فضاهای ورزشی از نظر بهداشتی در محله‌های مختلف	
۵	نحوه طراحی و ساخت اماکن و فضاهای ورزش همگانی	
۱۱	بهره‌مندی از روش‌های آموزشی نوین و نشاط‌آور در رشته‌های مختلف ورزشی در دوران کرونا	عامل علمی و آموزشی
۹	برگزاری دوره‌های آشنایی با بعد همگانی رشته‌های مختلف ورزشی	
	در دوران کرونا	
۵	تربیت مربیان متخصص در همگانی کردن رشته‌های مختلف ورزشی	
	در دوران کرونا	
۵	تربیت کارشناسان و ناظران حرفه‌ای برای نظارت بر همگانی شدن رشته‌های مختلف ورزشی در ادارات و هیئت‌های ورزشی	عامل اطلاعاتی و رسانه‌ای
۳	آموزش تردد افراد با لباس‌های ورزشی رشته‌های مختلف	
۶	وجود روش‌های اطلاع‌رسانی فدراسیون، اداره کل و هیئت‌های ورزشی جهت جذب افراد به شرکت در ورزش همگانی در دوران کرونا	
۵	تولید فیلم‌های آموزشی رشته‌های مختلف ورزشی در دوران کرونا	
۴	پخش ورزش‌های تفریحی رشته‌های مختلف ورزشی از رسانه‌ها در دوران کرونا	
۱۱	توسعه محصولات ورزشی - تفریحی قابل پخش از تلویزیون در دوران کرونا	عامل اطلاعاتی و رسانه‌ای
۴	ارائه مشاوره‌های رایگان توسط داوطلبان به منظور ترویج رشته‌های مختلف ورزشی در دوران کرونا	
۳	تهیه و تکثیر بروشور و تراکت در بعد همگانی رشته‌های مختلف ورزشی در دوران کرونا	
	ورزشی در دوران کرونا	

مدل پژوهش در شکل ۱، مستخرج از جدول ۱۴ استخراج شده است. مدل شامل ۹ عامل ساختاری و مدیریتی، مالی و اقتصادی، تفریحی و ورزشی، شناختی و ارزشی، خلاقیت و نوآوری، تسهیلات و خدمات رسانی، امکانات و تجهیزات، علمی و آموزشی، اطلاعاتی و رسانه ای است.



شکل ۱: چارچوب مفهومی عوامل موثر بر توسعه ورزش همگانی

در بخش موانع موثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا و پساکرونا، ۱۱ مانع همراه با ۱۳۸ مولفه کلیدی (دارای تکرار مضامین) دسته بندی شدند. موانع و مؤلفه های آنها در جدول ۵ گزارش شده است:

جدول ۵: چارچوب بندی و کدگذاری مؤلفه های موانع موثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا

کدهای گزینشی (ابعاد)	کد محوری (مؤلفه ها)	فراوانی مضامین
موانع ساختاری و مدیریتی	نداشتن برنامه راهبردی و عملیاتی سازمان ها در توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا	۳
	عدم برنامه ریزی مدون در برگزاری مسابقات نوین، خلاقانه، پرهیجان و مفرح در محله ها	۹
	عدم وجود برنامه مشخص در دوران شیوع ویروس کرونا	۶
	عدم امکان برنامه ریزی هدفمند و بلندمدت برای ورزش با توجه به اپیدمی نامشخص	۸
	عدم مدیریت و سازماندهی در برنامه های ورزشی پارک ها، به- منظور توسعه ورزش محله ها در دوران کرونا	۴

۹	کمبود نیروی انسانی متخصص ورزشی در حوزه ورزش همگانی
۴	عدم مکان‌یابی مناسب برای ساخت زمین‌های ورزشی در محله- های شهری
۳	عدم استفاده از زمین‌ها یا مکان‌های بلااستفاده به منظور توسعه ورزش محله‌ها
۱۱	عدم حضور مربیان متخصص در پارک‌ها برای ارائه تمرین، راهنمایی و مشاوره به شرکت‌کنندگان در دوران کرونا
۷	عدم ایجاد نظام آماری یا بانک اطلاعاتی فراگیر و جامع در ورزش همگانی
۶	عدم هماهنگی لازم بین سازمان‌ها و نهادهای دیگر جهت اجرای برنامه‌های ورزشی
۹	عدم برنامه‌ریزی و استفاده از نیروهای داوطلب در قالب شوراهای ورزشی محله
۸	تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده مدیران ارشد مبنی بر تعطیلی کلیه فعالیت‌های ورزشی حتی در فضای باز (کوهنوردی، پیاده‌روی‌های خانوادگی ...)
۸	عدم حمایت وزارت بهداشت از انجام فعالیت‌های بدنی حتی در محیط‌های باز
۵	نگاه ضعیف وزارت آموزش و پرورش به ورزش همگانی
۴	دستور قرنطینه سراسری اماکن عمومی، ادارات، و افراد در سطح وسیع
۳	تعطیلی اماکن ورزشی و عدم وجود برنامه‌های بهداشتی جایگزین
۱۰	فقدان نوآوری در بدنه کارشناسان و مدیران ورزش‌های همگانی در دوران شیوع کرونا
۹	عدم حمایت بیمه‌ای از مربیان ورزشی توسط ادارات ورزش در دوران شیوع کرونا
۶	کاهش تقاضاهای میزبانی رویدادهای هیجان‌انگیز در حوزه ورزش‌های همگانی

۷	عدم رعایت فاصله گذاری اجتماعی در دوران شیوع کرونا	
۶	بسته شدن مرزهای کشورهای همسایه و کاهش رویدادهای بین المللی در کشور	
۵	کاهش مسابقات و برنامه های ورزشی در کشور در دوران کرونا	
۴	ترس از آسیب دیدن در برنامه های ورزش همگانی	
۳	ترس از بیماری و ناشناخته بودن ویروس و راه های مقابله با آن	
۷	بی اطلاعی از روش های پیشگیری و کنترل ویروس	
۱۰	عدم مدیریت زمان برای مشارکت در برنامه های ورزش همگانی	
۵	گرایش بیش از حد به بازی های مجازی و غیرفعال در اوقات فراغت نسبت به گذشته	
۴	عدم امکان برقراری ارتباط با دوستان و همسالان برای انجام ورزش های فراغتی	
۳	بلا تکلیفی ورزشکاران برای زمان شروع مجدد رقابت های ورزشی و تشکیل اردوها	
۱۱	نداشتن تخصص ورزشی و علم تمرین در افراد برای ورزش در محلات و فضاهای باز	مانع فردی و شخصی
۸	مشکلات معیشتی مردم و برهم خوردن نظم و سبک زندگی	
۶	نداشتن اطلاعات کافی در مورد برنامه های ورزش همگانی	
۶	جذاب نبودن برنامه های ورزش همگانی برای مشارکت کنندگان	
۵	مناسب نبودن زمان برگزاری برنامه های ورزش همگانی	
۴	عدم نیازسنجی پیرامون نیازهای ورزشی مشارکت کنندگان	
۸	نداشتن انگیزه و علاقه برای مشارکت در برنامه های ورزش همگانی	
۶	نداشتن مهارت های لازم برای مشارکت در برنامه های ورزش همگانی	
۵	تنبلی و بی حوصلگی برای مشارکت در برنامه های ورزش همگانی	
۸	داشتن تجربه های ناخوشایند از فعالیت بدنی در گذشته	
۴	سخت و خسته کننده بودن فعالیت بدنی و ورزش همگانی	
۷	کاهش فعالیت ورزش بانوان نسبت به آقایان به دلیل انجام امور منزل	

۶	مشکلات جسمانی، بیماری و منع پزشکی	
۳	عدم احساس راحتی در فضاهای ورزشی	
۵	ترویج عادت به فعالیت‌های خانه محور	
۹	عدم امنیت روان‌شناختی از ابتلا یا عدم ابتلا افراد شرکت‌کننده در فضاهای ورزشی	
۸	ترس از بدتر شدن مشکلات جسمانی	
۴	ترس از حضور در جامعه به علت شیوع ویروس کرونا	
۸	بالا رفتن استرس، افسردگی و اضطراب در بین ورزشکاران	مانع روان‌شناختی
۷	قدرت و توان بدنی کم در مقایسه با دیگران	
۶	خودپنداره منفی (برداشت منفی از خود)	
۱۰	ترس از قضاوت دیگران درباره خود	
۳	خجالتی بودن از برخورد با دیگران	
۵	عدم حمایت و تشویق خانواده‌ها از حضور افراد در فعالیت‌های ورزشی به دلیل ترس از مبتلا شدن به بیماری کرونا	
۹	عدم همراهی اعضای خانواده برای مشارکت در برنامه‌های ورزش همگانی	
۸	عدم موافقت خانواده در خصوص نوع و زمان برنامه‌های ورزش همگانی	
۱۲	عدم مشارکت در برنامه‌های ورزش همگانی به دلیل مسئولیت‌های خانوادگی	مانع خانوادگی
۵	عدم آگاهی خانواده در مورد فوائد برنامه‌های ورزش همگانی در دوران کرونا	
۴	بی‌تحرک بودن و عدم فعالیت بدنی سایر اعضای خانواده در دوران کرونا	
۳	نداشتن یار ورزشی مناسب و هم‌سطح	
۷	آلودگی هوا، فضاهای پارک‌ها و محلات به ویروس کرونا و عدم رغبت افراد به ورزش در شرایط شیوع کرونا	
۱۰	نور نامناسب پارک‌ها به‌ویژه در قسمت امکانات ورزشی	مانع رفاهی و زیست-محیطی
۵	بی‌توجهی به زیبایی و جانمایی تجهیزات و امکانات ورزشی	
۴	آلودگی صوتی و سروصدای زیاد در پارک‌ها	

۳	فضای بی‌نشاط مکان ورزشی پارک‌ها و عدم پخش موسیقی مناسب و آرام‌بخش	
۱۱	عدم وجود استانداردهای بهداشتی لازم برای حضور افراد در محیط‌های ورزشی موجود در پارک‌ها و محلات	
۸	عدم دسترسی راحت و کم‌هزینه به پارک‌ها یا مکان ورزشی در منطقه موردنظر	
۶	عدم دسترسی به باشگاه‌ها با توجه به تعطیلی اماکن ورزشی در دوران شیوع کرونا	
۶	ترس از استفاده از وسایل نقلیه عمومی برای رفت‌وآمد به اماکن ورزشی، پارک‌ها و محلات به دلیل آلودگی	
۵	تبعیض جنسیتی در مدت زمان استفاده از اماکن ورزشی در دوران کرونا	
۴	کمبود پارکینگ و ترافیک زیاد در هنگام ورود و خروج در دوران شیوع کرونا	مانع قابلیت دسترسی
۳	کمبود وسایل نقلیه عمومی برای رفت‌وآمد به محل موردنظر در دوران شیوع کرونا	
۹	دور بودن پارک‌ها از محل زندگی و عدم دسترسی آسان به امکانات ورزشی پارک‌ها	
۸	تداخل امکانات ورزشی پارک‌ها با فضای عمومی و خانوادگی در دوران شیوع کرونا	
۴	نداشتن درآمد کافی برای شرکت در ورزش همگانی بانوان در دوران شیوع کرونا	
۹	نبودن اماکن ورزشی مناسب برای مشارکت در ورزش همگانی در دوران شیوع کرونا	مانع امکاناتی و اقتصادی
۳	کمبود و گرانی وسایل ورزشی برنامه‌های ورزش همگانی در دوران شیوع کرونا	
۱۱	بالا بودن هزینه استفاده از اماکن ورزشی در دوران شیوع کرونا	

۷	توزیع نامناسب اماکن ورزشی در سطح شهر در دوران شیوع کرونا
۱۰	عدم وجود فضای باز محصور شده مناسب برای فعالیت بانوان در دوران شیوع کرونا
۵	تعطیل، اخلال یا تغییر کاربری تعداد زیادی از فضاهای ورزشی به دلیل شرایط بهداشتی در دوره رکود کرونا
۴	نامناسب بودن امکانات اماکن ورزشی در دوران شیوع کرونا
۳	کاهش سطح درآمدی خانوادها و کاهش و قدرت خرید محصولات ورزشی در دوران شیوع ویروس کرونا
۵	عدم حمایت مالی دولت از باشگاه‌های ورزشی فعال متضرر در ورزش‌های همگانی
۹	کاهش توانایی سازمان‌های ورزشی در پرداخت بدهی‌های موقه فعالان ورزشی
۸	عدم توسعه مناسب اماکن ورزشی
۴	کاهش میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ورزش در خانه
۸	عدم امکانات کافی بهداشتی در اماکن و فضاهای ورزشی (دستکش، ماسک، الکل و...)
۶	ضرر و زیان به تولیدکنندگان و فروشندگان لوازم ورزشی و عدم فروش محصولات با قیمت پایین به افراد
۵	عدم ایمنی فضاها و اماکن ورزشی و کیفیت پایین وسایل و تجهیزات ورزشی
۸	پایین بودن حق الزحمه مربیان رشته‌های ورزش همگانی
۶	عدم بیمه تامین اجتماعی مربیان ورزشی و نبود انگیزه لازم جهت فعالیت در حوزه ورزش همگانی
۶	نامناسب بودن سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی در اماکن ورزشی سرپوشیده
۵	عدم وجود امکانات و فضاهای ورزشی با نیازهای ویژه (کودکان، معلولان، افراد مسن)

۴	وضعیت ظاهری نامطلوب اماکن و فضاهای ورزشی	
۳	عدم هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی با شهرداری‌ها به منظور تخصیص فضاهای ورزشی شهری	
۹	کمبود یا فقدان سالن‌های ورزشی یا زمین‌های ورزشی روباز در محله‌ها	
۸	عدم طراحی مناسب مسیرهای دوچرخه‌سواری، پیاده‌روی در محله‌ها و پارک‌ها	
۴	وجود ترافیک در پارک‌ها و تداخل فضاهای ورزشی با فضاهای عمومی و خانوادگی	
۹	عدم وجود تعداد کافی پارک‌های کوچک در داخل محله‌ها که امکانات ورزشی دارند	
۳	عدم پیش‌بینی امکانات و فضاهای لازم جهت ورزش معلولان در پارک‌های محله	
۵	عدم ساخت پیست‌های مناسب پیاده‌روی و بازی برای کودکان و سالمندان در محله‌ها	مانع زیرساختی
۳	ضعف در طراحی و مبلمان شهری در پارک‌ها به سبب کم‌توجهی به فضای ورزش	
۵	عدم وجود فضای کافی برای فعالیت‌های ورزشی با رعایت فاصله‌گذاری فیزیکی	
۴	عدم وجود زیرساخت‌های فناوری مناسب برای فعالیت‌های ورزشی مجازی در منزل	
۳	وجود فرهنگ مردم‌محوری در جامعه	
۱۱	عدم رعایت اصول اخلاقی در برنامه‌های ورزش همگانی	
۸	مزاحمت از جانب دیگران در مسیر رفت و برگشت	
۶	نگرش منفی در مورد برنامه‌های ورزش همگانی	مانع فرهنگی
۶	وجود تفکرات و نگرش‌های منفی در سطح جامعه در مورد ورزش خانوادگی	

۵	عدم رغبت خانواده‌ها برای حضور خود و فرزندانشان در پارک‌ها، برای ورزش	
۴	کم توجهی متولیان فرهنگی به تبلیغ ورزش همگانی و مزایای آن	
۸	فقدان مراسم فرهنگی- ورزشی مفرح و بانشاط (جشن، مسابقه و شو) در محله‌ها	
۶	کم رنگ بودن فعالیت رسانه‌ها به‌ویژه در بخش فرهنگی و اجتماعی به ورزش محله‌ها	
۵	جنبه نمایشی پیدا کردن شرکت در فعالیت‌های ورزشی به جای نهادینه کردن آن	
۵	کم تحرکی کودکان و نوجوانان و علاقه مندی آنها به شرکت در بازی های رایانه‌ای به علت قرنطیه شدن طولانی مدت	
۴	گسترش آپارتمان نشینی و عدم رعایت استانداردهای فضاهای سبز و اماکن ورزشی	
۳	عدم اعتقاد اکثریت جامعه به تاثیرات مثبت فعالیت‌های ورزشی در تقویت سیستم ایمنی بدن و مبارزه با ویروس کرونا	
۱۱	تغییر سبک زندگی فعال به غیرفعال	
۸	گرایش بیش از حد افراد به بازی‌های مجازی و غیرفعال در اوقات فراغت نسبت به گذشته	
۶	عدم اطلاع رسانی مناسب در مورد برنامه‌های ورزش همگانی در سطح جامعه	
۵	عدم حمایت سازمان‌های دولتی و غیردولتی از برنامه‌های ورزش همگانی	
۴	عدم حمایت رسانه‌های جمعی از برنامه‌های ورزشی و تبلیغات لازم در ورزش همگانی	مانع اجتماعی و اطلاع رسانی
۸	نبود برنامه منظم ورزشی از سوی رسانه های ملی جهت فعالیت ورزش در خانه	
۶	عدم گزارش رسانه‌ها در مورد امکانات و فضاهای ورزشی موجود در پارک‌ها	

۵	عدم اهمیت برنامه‌های ورزش همگانی در دوران کرونا برای سیاست‌گذاران
۸	عدم برگزاری رشته‌های ورزشی مهیج و پرترفدار زیر مجموعه ورزش‌های همگانی در رسانه‌های ملی در دوران کرونا
۴	عدم حمایت اصحاب رسانه از سازمان‌ها و کمپین‌های ورزشی خودجوش در دوران کرونا
۷	کمبود پارک‌ها و زمین‌های ورزشی در مناطق کم‌برخوردار (محروم)
۶	فقدان ایمنی و امنیت جسمانی و روانی شرکت‌کنندگان در برنامه‌های ورزشی پارک‌ها در دوران کرونا
۳	وجود فیلترینگ برخی رسانه‌های فضای مجازی
۵	افزایش خبرهای ضد و نقیض در دوران کرونا
۹	عدم برنامه‌ریزی قبلی برای استفاده از رسانه‌های دیجیتال در دوران کرونا
۵	عدم تناسب دوره‌های آموزشی با فعالیت‌های حوزه ورزش همگانی در دوران کرونا
۴	نبود فضای مناسب آموزشی برای مربیان
۸	مانع علمی و آموزشی به روز نبودن اطلاعات بهداشتی و فنی مربیان ورزش همگانی
۶	هزینه‌های هنگفت شرکت در دوره‌های آموزشی مربیان در دوران کرونا
۷	کاهش برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌های تخصصی برای مربیان و ورزشکاران در دوران همه‌گیری کرونا

مطابق جدول ۵، موانع توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا در ۱۱ مانع ساختاری و مدیریتی، فردی و شخصی، روان‌شناختی، خانوادگی، رفاهی و زیست‌محیطی، قابلیت دسترسی، امکاناتی و اقتصادی، زیرساختی، فرهنگی، اجتماعی و اطلاع‌رسانی، علمی و آموزشی دسته‌بندی شدند. در آخر راهکارهایی توسعه ورزش همگانی در دوران پساکرونا در قالب ۷ راهکار اساسی (ساختاری و مدیریتی، اقتصادی، آموزشی، امکانات و زیرساخت‌ها، اطلاعاتی، فرهنگی و شناختی و ارزشی) دسته‌بندی گردیدند (جدول ۶):

جدول ۶: چارچوب‌بندی و کدگذاری مؤلفه‌های راهکارهای توسعه ورزش همگانی در دوران پسا کرونا

راهکار ساختاری و مدیریتی	راهکار اقتصادی
مشخص کردن مأموریت، چشم‌انداز و اهداف بلندمدت	تسهیلات مالی و اعتباری کافی برای توسعه ورزش همگانی
ورزش همگانی جهت به‌کارگیری در پسا کرونا	تخصیص منابع مالی کافی برای اجرای برنامه‌های ورزش همگانی در دوران پسا کرونا
طرح برنامه‌های سالانه و عملیاتی توسعه ورزش همگانی	پایین نگه داشتن هزینه‌های ورزش جهت ترغیب افراد به شرکت در ورزش همگانی
جهت عملیاتی کردن آن در در دوران پسا کرونا	اختصاص بودجه به استانداردسازی زیرساخت‌های حوزه ورزش همگانی
سیاست‌گذاری در سه سطح کلانی، میانی، خرد برای دوران پسا کرونا	ایجاد تسهیلات بانکی کم‌بهره برای باشگاه‌ها، مربیان و ورزشکاران متضرر از کرونا
اهداف کلان در دسترس بر اساس شرایط پسا کرونا	معافیت در پرداخت قبوض برای برخی مجتمع‌هایی که باشگاه ورزشی دارند
افزایش محیط ورزشی برای بانوان در دوران پسا کرونا	پایین آوردن هزینه‌های جاری اماکن ورزشی از جمله هزینه اجاره
فقدان برنامه‌ریزی‌های مدون برای توسعه ورزش همگانی طبقات کم‌درآمد و اقشار آسیب‌پذیر در دوران پسا کرونا	توسعه تفکر بازگشت سرمایه مصرفی از طریق کسب سلامتی
شناسایی و مشخص کردن نیازها و اولویت‌های تمامی سازمان‌های مسئول ورزش همگانی شور در دوران بحران کرونا جهت به‌کارگیری آن در دوران پسا کرونا	استفاده از ظرفیت خیرین ورزشی برای توسعه ورزش همگانی
افزایش حقوق مادی و معنوی کارکنان مسئول ورزش همگانی در دوران پسا کرونا	درآمدزایی برای خصوصی‌سازی راهکار آموزشی
تغییر سیاست‌های کلان بین‌المللی با جهت‌گیری تعامل بین‌المللی در دوران پسا کرونا	طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی مناسب ورزش همگانی
استفاده از افراد متخصص در برنامه‌ریزی توسعه ورزش همگانی در دوران پسا کرونا	طراحی و اجرای نظام آموزشی مناسب ورزش همگانی
تدوین و تصویب قوانین مشوق و لازم‌الاجرا برای ورزش همگانی در دوران پسا کرونا	تربیت مدیران و مربیان متخصص ورزش همگانی

حمایت دولت از باشگاه‌ها و نیروی انسانی متضرر در شرایط کرونا در دوران پسا کرونا	- ارائه برنامه‌های نوآورانه شامل ساخت کلیپ‌های آموزشی ورزش در خانه
تهیه بانک‌های اطلاعاتی همه سازمان‌های مسئول ورزش همگانی کشور در دوران پسا کرونا	- آموزش از طریق ارسال جزوات و کتب تخصصی به منازل مربیان رشته‌های ورزشی همگانی در دوران شیوع کرونا
فعال کردن ورزش آموزش و پرورش در دوران پسا کرونا	- برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های ورزشی برای مربیان و ورزشکاران و تاکید بر لزوم از سرگیری فعالیت‌های ورزشی
ایجاد و توسعه پارک‌های محله و ایستگاه‌های ورزش همگانی در دوران پسا کرونا	- حضور ورزشکاران در کارگاه‌های پیشگیری و مقابله با کروناویروس راهکار امکانات و زیرساخت‌ها
بازاریابی اجتماعی برای شیوه‌های نوین فعالیت بدنی و ورزشی در دوران پسا کرونا	- طراحی و ساخت اماکن، تجهیزات و فضاهای مناسب ورزش همگانی در دوران پسا کرونا
شبکه‌سازی بین‌سازمانی برای فعال‌سازی فرایندهای توسعه ورزش همگانی در دوران پسا کرونا	- تقویت زیرساخت‌های الکترونیکی شامل طراحی وب سایت‌های به روز باشگاه‌ها و ارتباط با مشتریان در دوران پسا کرونا
جریان‌سازی رسانه‌ای برای تبدیل ورزش پسا کرونا به یک گفتمان ملی، دولتی، دانشگاهی و اجتماعی	- تهیه ماسک و اقلام بهداشتی برای مراجعه‌کنندگان به اماکن ورزشی در دوران پسا کرونا
همکاری هیئت پزشکی ورزشی در مورد بیمه ورزشکاران و تمدید رایگان یکساله بیمه ورزشکاران در دوران پسا کرونا	- به‌روزرسانی تجهیزات و امکانات آموزشی به مسائل بهداشتی در دوران پسا کرونا
برگزاری مسابقات و چالش‌های مجازی ورزشی توسط دستگاه‌های اجرایی ورزش کشور در دوران پسا کرونا	- تهیه بسته‌های بهداشتی و مراقبتی در دوران پسا کرونا
افزایش تعداد کلاس‌های ورزشی با حضور محدود افراد در هر کلاس در دوران پسا کرونا	- واگذاری امانی وسایل ورزشی به خانواده‌ها جهت سپری کردن اوقات فراغت در منزل در دوران پسا کرونا
برگزاری رشته‌های ورزشی در محیط‌های باز با رعایت پرتکل‌های بهداشتی در دوران پسا کرونا	- به روز کردن و رفع ایرادات وسایل ورزشی مستقر در پارک‌ها و محلات در دوران پسا کرونا
همسوسازی برنامه‌ها و فرایندهای ورزش همگانی با رویکردهای موفق و رایج بین‌المللی در دوران پسا کرونا	- فراهم کردن زیرساخت‌های ورزشی ویژه بانوان در دوران پسا کرونا
	راهکار اطلاعاتی

— طراحی و کاربرد سیستم‌های اطلاع- رسانی مناسب در برگزاری و اجرای مسابقات ورزش همگانی در دوران پسا کرونا — آگاه سازی مردم در مورد فوائد شرکت در فعالیت‌های ورزشی در دوران پس از کرونا — به‌کارگیری کارآفرینان خلاق در دستیابی به اپلیکیشن‌های گردشگری مجازی در دوران پسا کرونا — ایجاد نشست‌های مداوم و گزارش‌گیری از بخش‌های مختلف ورزش همگانی در فضای مجازی در دوران پسا کرونا — تولید برنامه در فضای مجازی توسط هیئت‌های ورزشی در دوران پسا کرونا — ایجاد زمینه تبادل اطلاعات و تجربه بین پژوهشگران و مدیران در دوران پسا کرونا — کاربرد برنامه‌ها و روش‌های تبلیغاتی برای معرفی و شناساندن ورزش همگانی در دوران پسا کرونا	پرداخت بیمه بیکاری تمام بیمه‌شدگان ورزشی در دوران پسا کرونا تعامل بیشتر بخش‌های ورزش آکادمیک با بدنه اجرایی ورزش در دوران پسا کرونا تقویت ورزش روستاها در دوران پسا کرونا توسعه ورزش همگانی بر اساس شرایط زیست محیطی هر منطقه در دوران پسا کرونا تعامل بین‌بخشی سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی در دوران پسا کرونا شناسایی نیازها و انگیزش اقشار مختلف در دوران پسا کرونا القای حس افتخار به مردم پس از اجرای ورزش همگانی در دوران پسا کرونا ایجاد انجمن‌های محلی ورزش همگانی در دوران پسا کرونا ایجاد کمپ‌های ورزش همگانی محلی در دوران پسا کرونا استفاده از قهرمانان ورزشی در دوران پسا کرونا
راهکار فرهنگی و ورزشی	راهکار فرهنگی
ارزش‌سازی ورزش همگانی در کشور در دوران پسا کرونا تغییر باور و نگرش شهروندان نسبت به ورزش همگانی در دوران پسا کرونا آشنا کردن شهروندان با ماهیت ورزش همگانی در دوران پسا کرونا استفاده از مشوق‌های انگیزشی به‌منظور تحریک شرکت دانشجویان در ورزش همگانی در دوران پسا کرونا	تشکیل شوراهای ورزش همگانی با حضور متولیان فرهنگی و فرهنگ‌سازی فعالیت‌های ورزشی در پارک‌ها و اماکن عمومی در دوران پسا کرونا مصاحبه با متولیان و قهرمانان ورزش همگانی جهت ترویج این رشته‌ها تشویق افراد فعال در زمینه ورزش همگانی در دوران پسا کرونا کمک از چهره‌های محبوب استان برای فرهنگ‌سازی در استفاده از ماسک و ترغیب به ورزش در خانه، پارک‌ها و فضاهای باز در دوران پسا کرونا

شناسایی و مشخص کردن نیازمندی‌ها و اولویت‌های	آگاه و مطلع کردن مسئولان از اهمیت و کارکرد
انگیزاننده قومی با رویکرد ورزشی - تفریحی در دوران	مثبت ورزش همگانی در دوران پسا کرونا از طریق
پسا کرونا	برگزاری کلاس‌های آموزشی و توجیهی مختلف

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی عوامل و موانع مؤثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا و ارائه راهکارهای مناسب در پساکرونا بود. براساس یافته‌های پژوهش، عوامل شناسایی شده شامل ۶۶ مولفه و ۹ بعد، موانع شناسایی شده شامل ۱۳۸ مولفه و ۱۱ بعد و راهکارهای شناسایی شده برای پسا کرونا شامل ۱۳۵ مؤلفه و ۷ بعد بود. ۹ بعد عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی شامل ساختاری و مدیریتی، مالی و اقتصادی، تفریحی و ورزشی، شناختی و ارزشی، خلاقیت و نوآوری، تسهیلات و خدمات‌رسانی، امکانات و تجهیزات، علمی و آموزشی، اطلاعاتی و رسانه‌ای بود. ۱۱ بعد موانع مؤثر بر توسعه ورزش همگانی شامل مانع ساختاری و مدیریتی، فردی و شخصی، روان‌شناختی، خانوادگی، رفاهی و زیست‌محیطی، قابلیت دسترسی، امکاناتی و اقتصادی، زیرساختی، فرهنگی، اجتماعی و اطلاع‌رسانی، علمی و آموزشی بود و ۷ راهکار توسعه ورزش همگانی در پساکرونا شامل راهکار ساختاری و مدیریتی، اقتصادی، آموزشی، امکانات و زیرساخت‌ها، اطلاعاتی، فرهنگی و شناختی و ارزشی بود.

ابعاد شناسایی شده در بخش عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا شامل عوامل ساختاری و مدیریتی، مالی و اقتصادی، تفریحی و ورزشی، شناختی و ارزشی، خلاقیت و نوآوری، تسهیلات و خدمات‌رسانی، امکانات و تجهیزات، علمی و آموزشی، اطلاعاتی و رسانه‌ای بود. در تفسیر این نتایج می‌توان گفت که عوامل ساختاری و مدیریتی به عنوان یکی از مضامین مربوط به رشد و یادگیری برای توسعه راهبردی برنامه‌های ورزش همگانی در دوران کرونا اهمیت زیادی دارد و می‌تواند با تجکیم روابط موجود میان فعالیت‌های گوناگون سازمان و فراهم آوردن نظم میان کارکردهای سازمان در راستای دستیابی به اهداف کاربردی سازمان‌ها اثرگذار باشد (صنعتی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). عامل دیگر اثرگذار، عامل مالی و اقتصادی بود که می‌تواند از طریق راه‌های اثربخش مختلف موجب درآمدزایی و مدیریت هزینه در سازمان‌های ورزش شود و به همین جهت اجرای برنامه‌های ورزشی از اهمیت خاصی برخوردار است. بدون شک، در دوران شیوع کرونا، همگانی شدن ورزش در میان مردم نیازمند منابع مالی است. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی سطح ورزش همگانی منابع مالی باید از بخش‌های متعدد همچون بودجه دولتی، بودجه نهادهای عمومی، حامیان مالی، بیمه‌ها و کمک‌های مردمی تأمین گردد. عوامل تفریحی و ورزشی، شناختی و ارزشی، خلاقیت و نوآوری، تسهیلات و خدمات‌رسانی به عنوان عوامل دیگر مؤثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا دارای اهمیت بودند. از این رو زمانی که سازمان‌های ورزشی با بحرانی همچون کرونا روبه‌رو می‌شوند باید با برگزاری جشنواره‌های تفریحی ورزشی، برگزاری مسابقات در محلات با همکاری شهرداری‌ها، برگزاری مسابقات ابداعی در رده‌های سنی مختلف و برگزاری مسابقات ویژه خانواده کارگران و کارمندان نهادهای دولتی و غیردولتی با رعایت فاصله اجتماعی تأثیرات این بحران‌ها را کمتر کنند و زمینه را برای باور بیشتر ورزش همگانی در

دوران کرونا با ایجاد شناخت و نگرش مثبت به ورزش همگانی و درک اهمیت آن در زندگی روزمره فراهم کنند. علاوه بر این موارد با فراهم آوردن رویکردی خلاقانه جهت توسعه ورزش همگانی با استفاده از طراحی الگوهای تفریحی و نشاط‌آور در رشته‌های مختلف ورزشی و اجرای آموزش‌های رایگان رشته‌های مختلف ورزشی در نقاط مختلف شهر و ایجاد تسهیلات و خدمات‌رسانی بیشتر از طریق افزایش تلاش و اقدامات در جهت ارائه خدمات حوزه ورزش همگانی در سازمان‌ها و مراکز مختلف شرایط گذر از دوران بحرانی همچون کرونا را تسهیل دهند. در بخشی توجه به عوامل حوزه امکانات، علمی و رسانه‌ای، باید بر استفاده از همه امکانات و تجهیزات ورزشی، فضاها و هم عوامل تأسیساتی و بهداشتی و ایجاد آموزش اهمیت ورزش همگانی جهت افزایش دانش و آگاهی عمومی از ارزش‌های ورزش و فعالیت‌بدنی و شکل‌گیری باور و نگرش مثبت نسبت به ورزش و فعالیت بدنی و همچنین آگاهی بخشی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات از طریق رسانه‌های جمعی و مجازی تاکید شود. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های تحقیق نانداکومار و همکاران (۲۰۲۰)، کیوگ و همکاران^۱ (۲۰۱۷) و ویکر همکاران^۲ (۲۰۱۲)، ترابی و محمدی (۱۴۰۲)، نیکبخش و همکاران (۱۴۰۲)، تابش و همکاران (۱۴۰۰)، زادمهر و خدابخشی هفشجانی (۱۳۹۹)، شهریاری و همکاران (۱۳۹۸)، آصفی و قنبرپور نصرتی (۱۳۹۷)، خالدی‌فرد و همکاران (۱۳۹۷)، نسترن بروجنی و همکاران (۱۳۹۷)، بابایی و همکاران (۱۳۹۷)، آصفی و همکاران (۱۳۹۷)، کشاورز (۱۳۹۶) و رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) همسو بود.

موانع شناسایی شده در بخش موانع موثر بر توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا شامل موانع ساختاری و مدیریتی، فردی و شخصی، روان‌شناختی، خانوادگی، رفاهی و زیست‌محیطی، قابلیت دسترسی، امکاناتی و اقتصادی، زیرساختی، فرهنگی، اجتماعی و اطلاع‌رسانی، علمی و آموزشی بود. در تفسیر این نتایج می‌توان گفت که نداشتن برنامه راهبردی و عملیاتی، کمبود نیروی انسانی متخصص، عدم مکان‌یابی مناسب برای ساخت زمین‌های ورزشی و عدم هماهنگی لازم بین سازمان‌ها می‌تواند باعث عدم توسعه ورزش همگانی در دوران کرونا باشند که باید به آن توجه شود. به همین دلیل باید با برطرف کردن موانع فردی و خانوادگی همچون عدم مدیریت زمان، نداشتن اطلاعات کافی در مورد برنامه‌های ورزش همگانی، ترس از آسیب دیدن در برنامه‌های ورزش همگانی، گرایش بیش‌ازحد افراد به بازی‌های مجازی و غیرفعال و ترس از بدتر شدن مشکلات جسمانی و حضور در جامعه به علت شیوع کرونا و حمایت و تشویق خانواده‌ها، همراهی اعضای خانواده، فعال کردن و ایجاد روند فعالیت‌بدنی در اعضای خانواده جهت توسعه ورزش کرونا در دوران بحران (اپیدمی کرونا) برآمد. علاوه بر این باید با برطرف کردن موانع رفاهی و زیست‌محیطی و قابلیت دسترسی همچون آلودگی هوا و فضای پارک‌ها و با شگاه‌ها به ویروس کرونا، نور نامناسب فضاهای ورزشی و بی‌توجهی به زیبایی و جانمایی تجهیزات و امکانات ورزشی و دسترسی راحت و کم‌هزینه به پارک‌ها یا اماکن ورزشی، ترس از استفاده از وسایل نقلیه عمومی، آلودگی و وسایل پارک‌ها و محلات به ویروس، تبعیض جنسیتی، کمبود پارکینگ و ترافیک زیاد، کمبود و وسایل نقلیه عمومی برای رفت و آمد شرایط را برای توسعه بهتر و راحت‌تر ورزش همگانی در دوران بحران فراهم کنند. همچنین با توجه

¹ Keogh et al.

² Wicker et al.

بیشتر به موانعی همچون امکاناتی و اقتصادی، زیرساختی و فرهنگی همچون نبودن اماکن ورزشی مناسب، کمبود و گرانی وسایل ورزشی، بالا بودن هزینه استفاده از اماکن ورزشی، عدم طراحی مناسب مسیرهای دوچرخه سواری و پیاده روی، تداخل فضاهای ورزشی با فضاهای عمومی و خانوادگی در پارکها و عدم طراحی مناسب مسیرهای دوچرخه سواری و پیاده روی، تداخل فضاهای ورزشی با فضاهای عمومی و خانوادگی در پارکها زمینه بیشتری را برای توسعه ورزش همگانی فراهم کنند. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های تحقیق ژنگ و لی^۱ (۲۰۲۳)، پارنل و همکاران^۲ (۲۰۲۰)، تیمپکا^۳ (۲۰۲۰)، پیلائی و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، لریچ و والچاک^۵ (۲۰۱۴)، گراوند و همکاران (۱۴۰۲)، کشاورز و همکاران (۱۴۰۲)، شاهمنصوری و همکاران (۱۴۰۰)، کاشانی و همکاران (۱۴۰۰)، حسینی کریم آبادی و همکاران (۱۴۰۰)، مرادی (۱۴۰۰)، نخعی نیازی و همکاران (۱۳۹۸)، خالدی فرد و همکاران (۱۳۹۷)، وفایی مقدم و همکاران (۱۳۹۷)، آصفی و دستجردی (۱۳۹۵)، شهبازی و همکاران (۱۳۹۲) همسو بود.

در انتها ارائه راهکارهای لازم جهت توسعه ورزش همگانی در دوران پسا کرونا دارای اهمیت زیادی است. نتایج در این بخش نشان داد که می‌توان راهکارهای ساختاری و مدیریتی، اقتصادی، آموزشی، امکانات و زیرساخت‌ها، اطلاعاتی، فرهنگی و شناختی و ارزشی جهت توسعه ورزش همگانی در دوران پسا کرونا ارائه داد. در تفسیر این نتایج می‌توان گفت که با مشخص کردن مأموریت، چشم‌انداز و اهداف بلندمدت، افزایش اماکن ورزشی برای بانوان، ایجاد کمپ‌های ورزش همگانی محلی، شبکه‌سازی بین‌سازمانی برای فعال‌سازی فرایندهای توسعه ورزش همگانی و تدوین قوانین مشوق و لازم‌الاجرا برای ورزش همگانی و حمایت دولت از باشگاه‌ها و نیروی انسانی متضرر در شرایط کرونا می‌توان جهت تقویت ساختار و مدیریت توسعه ورزش همگانی در پسا کرونا اقدام کرد. همچنین می‌توان با فراهم کردن تسهیلات مالی و اعتباری کافی برای توسعه ورزش همگانی، پایین نگه داشتن هزینه‌های ورزش جهت ترغیب افراد به شرکت در ورزش همگانی، تسهیلات بانکی کم‌بهره برای باشگاه‌ها، مربیان و ورزشکاران متضرر از کرونا، توسعه تفکر بازگشت سرمایه مصرفی از طریق کسب سلامتی و اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی مناسب ورزش همگانی، طراحی و اجرای نظام آموزشی مناسب ورزش همگانی، تربیت مدیران و مربیان متخصص ورزش همگانی، ارائه برنامه‌های نوآورانه جهت توسعه ورزش همگانی از لحاظ اقتصادی و فرهنگی در دوران پسا کرونا بهره برد. علاوه بر این موارد، ارائه راهکارهایی همچون طراحی و ساخت اماکن، تجهیزات و فضاهای مناسب ورزش همگانی در دوران پسا کرونا، طراحی و کاربرد سیستم‌های اطلاع‌رسانی مناسب در برگزاری و اجرای مسابقات ورزش همگانی، آگاه‌سازی مردم در مورد ورزش همگانی و فوائد شرکت در آن و تغییر باور و نگرش شهروندان نسبت به ورزش همگانی، آشنا کردن شهروندان با ماهیت ورزش همگانی جهت توسعه اسن ورزش در دوران پسا کرونا دارای اهمیت زیادی است. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های تحقیق کاشانی و

¹ Zheng & Li

² Parnell et al.

³ Timpka

⁴ Pillay et al.

⁵ Leriche & Walczak

همکاران (۱۴۰۰)، شهبازی و همکاران (۱۳۹۲)، توسلی و همکاران^۱ (۲۰۲۲) و حمامی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) همسو بود.

بطور کلی می‌توان گفت که توجه به عوامل ساختاری و مدیریتی، مالی و اقتصادی، تفریحی و ورزشی، شناختی و ارزشی، خلاقیت و نوآوری، تسهیلات و خدمات‌رسانی، امکانات و تجهیزات، علمی و آموزشی و اطلاعاتی و رسانه‌ای می‌تواند جو محیطی سالم و ایمنی را برای افزایش مشارکت ورزشی افراد جامعه در دوران شیوع کرونا و پساکرونا ایجاد نماید. از طرفی مواردی که به عنوان موانع توسعه ورزش همگانی معرفی شدند زنجیروار بهم مرتبط هستند و در برنامه‌ریزی برای رفع این موانع باید به ماهیت و میزان اهمیت آن‌ها از دیدگاه مسئولان، اساتید و سایر نخبگان ورزش همگانی توجه نمود. هر یک از موانع شناسایی‌شده در این پژوهش، با اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب قابل رفع هستند و در این پژوهش سعی شد به برخی راهکارهای مهم برای رفع این موانع جهت توسعه ورزش همگانی در دوران پساکرونا اشاره شود. بیان همه عوامل، موانع و راهکارها در این مقاله مقدور نمی‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌شود مسئولان و تمامی دست‌اندرکاران ورزش همگانی با برگزاری جلسات و اتاق‌های فکر، عوامل مؤثر و موانع پیش روی ورزش همگانی را شناسایی کنند تا بتوانند از اثرات مخرب آن‌ها جلوگیری و راهکارهایی را برای برون‌رفت از این شرایط و بهتر شدن در دوران پساکرونا اتخاذ نمایند.

منابع

- آصفی، احمدعلی و اسدی دستجردی، حسن. (۱۳۹۵). «بررسی موانع توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و ارائه راهکارهای کاربردی توسعه آن». مدیریت ورزشی. ۸(۸)، صص ۸۲۳-۸۴۴.
- ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۹). «پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در جامعه ایران». ارزیابی تأثیرات اجتماعی. ۱(۲)، صص ۸۷-۱۰۳.
- بابایی، محمد؛ فتاحی مسرور، فروغ و شاکری، نادر. (۱۳۹۷). «شناسایی وضعیت موجود و موانع توسعه ورزش همگانی در کشور». فصل‌نامه علمی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۷(۴۱)، صص ۲۳۵-۲۴۷.
- روزبهرانی، محبوبه؛ کامکاری، کتابون و میرزاپور، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر موانع مشارکت زنان سالمند در فعالیت‌های ورزشی تفریحی استان البرز». مطالعات مبانی مدیریت در ورزش. ۱(۲)، صص ۳۳-۴۲.
- زادمهر، رقیه و خدابخشی هفشجانی، نسرین. (۱۳۹۹). «بررسی عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی مؤثر بر میزان مشارکت در ورزش‌های همگانی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلیخال)». فصل‌نامه مطالعات رهبری فرهنگی. ۲(۲)، صص ۸۸-۱۰۶.
- سالاری اسکر، مختار. (۱۳۹۴). «چالش‌ها و راهکارهای توسعه ورزش همگانی در شهرستان کهنوج». دومین همایش ملی چالش‌ها و راهکارهای توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کهنوج.
- شعبانی، عباس و خواجه، فرزاد. (۱۳۹۶). «اولویت‌بندی عوامل اثرگذار بر توسعه ورزش همگانی و قهرمانی کشور». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۶(۳۶)، صص ۵۷-۶۸.

¹ Toselli et al.

² Hammami et al.

- شهبازی، مهدی؛ شعبانی مقدم، کیوان و صفاری، مرجان. (۱۳۹۲). «ورزش همگانی (ضرورت، موانع و راهکارها)». فصل‌نامه علمی مجلس و راهبرد. ۲۰(۷۶)، صص ۶۹-۹۷.
- شهریاری، ناصر؛ تابش، سعید و ذوالفقارزاده، محمدمهدی. (۱۴۰۲). «تدوین سناریوهای آینده مطلوب ورزش همگانی ایران». مدیریت ورزشی. ۱۵(۱)، صص ۱۹۳-۲۱۳.
- صنعتی‌زاده، ستاره؛ شائمی برزوکی، علی و نیلی‌پور طباطبائی، سید علی‌اکبر. (۱۳۹۶). «ارائه الگوی تاثیر ساختار سازمانی بر عملکرد با نقش میانجی موفقیت در سازمان امور مالیاتی کشور». فصل‌نامه علمی- پژوهشی مدیریت استاندارد و کیفیت. ۷(۲۴)، صص ۱۲۵-۱۴۶.
- عاشقی، بهنام؛ نظریان، علی؛ اسکندری‌پور، مجتبی و منصوری، فرزاد. (۱۴۰۱). «شناسایی و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر گرایش جامعه به ورزش همگانی از طریق رسانه‌ها». فصل‌نامه پژوهش‌های ارتباطی. ۲۹(۴)، صص ۱۳۵-۱۵۵.
- قره، محمدعلی؛ صفاری، مرجان و نیری، شهرزاد. (۱۳۹۵). «بازپردازی کارکردهای رسانه ملی جهت توسعه ورزش‌های تفریحی: ارائه راهبردها و راهکارها». دوفصل‌نامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۶(۱۱)، صص ۶۳-۷۶.
- کاشانی، سعید؛ میرزازاده، زهرا سادات و دارابی، مسعود. (۱۴۰۰). «مروری بر وضعیت ورزش همگانی در دوران پاندمی کووید-۱۹». هفتمین همایش ملی دانشجویی علوم ورزشی. دانشگاه شهید بهشتی.
- کشاورز، لقمان. (۱۳۹۶). «تدوین مدل توسعه ورزش برای همه در فدراسیون‌های ورزشی فعال در ورزش قهرمانی». فصل‌نامه علمی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۷، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- محسنی‌فر، علی؛ دوستی، مرتضی؛ حسینی‌نیا، سیدرضا و تابش، سعید. (۱۳۹۹). «تعویق مسابقات فوتبال در ایران به منظور کاهش انتقال ویروس کرونا از فرد به فرد». مجله طب نظامی. ۲۲(۲)، صص ۲۱۴-۲۱۵.
- منتظرحجت، امیرحسین و منصوری، بهزاد. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان اهواز در ورزش همگانی». فصل‌نامه دانش انتظامی خوزستان. ۳(۱۴)، صص ۱۳-۴۲.
- مهدی‌زاده، رحیمه و اندام، رضا. (۱۳۹۳). «راهکارهای توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۶(۲۲)، صص ۱۵-۳۸.
- مؤیدی جاهد، سید محمدعلی؛ فراهانی، ابوالفضل؛ قاسمی، حمید و حسینی، معصومه. (۱۴۰۳). «الگوی پارادایمی حکمرانی شبکه‌ای در ورزش همگانی ایران». پژوهش‌نامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۲۰(۳۹)، صص ۳۹-۵۰.
- نعیمی‌کیا، ملیحه و غلامی، ایمن. (۱۳۹۹). «اثر فعالیت بدنی بر میزان فشار روانی ادراک‌شده در دوران قرنطینه خانگی ناشی از شیوع ویروس کرونا». دوماهنامه علمی پژوهشی طب توانبخشی. ۹(۳)، صص ۲۱۷-۲۲۴.
- نقوی، محبوبه. (۱۴۰۱). «بررسی رابطه فعالیت بدنی با بهزیستی روان‌شناختی زنان در دوران پسا کرونا (مطالعه موردی: استان گلستان)». دو فصل‌نامه فیزیولوژی حرکت و تندرستی. ۲(۱)، صص ۷۶-۸۸.
- Cheval, B., Sivaramakrishnan, H., Maltagliati, S., Fessler, L., Forestier, C., Sarrazin, P., ... & Boisgontier, M. P. (2021). "Relationships between changes in self-reported physical activity, sedentary behaviour and health during the coronavirus (COVID-19) pandemic in France and Switzerland". Journal of sports sciences, 39(6), 699-704.
- Dallolio, L., Marini, S., Masini, A., Toselli, S., Stagni, R., Bisi, M. C., ... & Cecilian, A. (2022). "The impact of COVID-19 on physical activity behaviour in Italian primary school children: a comparison before and during pandemic considering gender differences". BMC Public Health, 22(1), 52.

- Di Stefano, V., Battaglia, G., Giustino, V., Gagliardo, A., D'Aleo, M., Giannini, O., ... & Brighina, F. (2021). **"Significant reduction of physical activity in patients with neuromuscular disease during COVID-19 pandemic: the long-term consequences of quarantine"**. *Journal of neurology*, 268, 20-26.
- Eime, R., Harvey, J., & Charity, M. (2024). **"Australian sport and physical activity behaviours pre, during and post-COVID-19"**. *BMC Public Health*, 24(1), 834.
- Elliott, S., Eime, R., Harvey, J., Charity, M., Drummond, M., Pankowiak, A., & Westerbeek, H. (2023). **"The impact of COVID-19 restrictions on perceived health and wellbeing of young Australian sport and physical activity participants"**. *Youth & Society*, 55(7), 1327-1347.
- Forlenza, O. V., & Stella, F. (2020). **"Impact of SARS-CoV-2 pandemic on mental health in the elderly: perspective from a psychogeriatric clinic at a tertiary hospital in São Paulo, Brazil"**. *International psychogeriatrics*, 32(10), 1147-1151.
- Fornili, M., Petri, D., Berrocal, C., Fiorentino, G., Ricceri, F., Macciotta, A., ... & Baglietto, L. (2021). **"Psychological distress in the academic population and its association with socio-demographic and lifestyle characteristics during COVID-19 pandemic lockdown: Results from a large multicenter Italian study"**. *PLoS One*, 16(3), e0248370.
- Green, M. (2006). **"From 'Sport for All' to Not About 'Sport' at all?: Interrogating Sport Policy Interventions in the United Kingdom."** *European Sport Management Quarterly*, 6(3), 217-238.
- Grubben, M., Wiertsema, S., Hoekman, R., & Kraaykamp, G. (2022). **"Is working from home during COVID-19 associated with increased sports participation? Contexts of sports, sports location and socioeconomic inequality"**. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(16), 10027.
- Hammami, A., Harrabi, B., Mohr, M., & Krustup, P. (2020). **"Physical activity and coronavirus disease 2019 (COVID-19): specific recommendations for home-based physical training"**. *Managing Sport and Leisure*, 20, 1-6.
- Hedenborg, S., Fredman, P., Hansen, A. S., & Wolf-Watz, D. (2024). **"Outdoorification of sports and recreation: a leisure transformation under the COVID-19 pandemic in Sweden"**. *Annals of Leisure Research*, 27(1), 36-54.
- Hoekman, R., Grubben, M., & Kraaykamp, G. (2024). **"Bouncing back or staying inactive? The social inequality in sport participation before, during and after the COVID-pandemic"**. *Leisure Studies*, 43(2), 342-351.
- Jungwirth, D., Angerer, M., & Haluza, D. (2022). **"The Impact of COVID-19 on Physical Activity and Life Satisfaction of Golfers: A Cross-Sectional Study in German-Speaking Countries"**. *Frontiers in Sports and Active Living*, 4, 913244.
- Kimmelmeier, M., & Kühnen, U. (2012). **Culture as process: The dynamics of cultural stability and change.**
- Kim, D. K., Choi, C., & Park, S. U. (2023). **Relationship between sports policy, policy satisfaction, and participation intention during COVID-19 in Korea.** *Sage Open*, 13(4), 21582440231219537.
- LaForge-MacKenzie, K., Tombeau Cost, K., Tsujimoto, K. C., Crosbie, J., Charach, A., Anagnostou, E., ... & Korczak, D. J. (2022). **"Participating in extracurricular activities and school sports during the COVID-19 pandemic: Associations with child and youth mental health"**. *Frontiers in Sports and Active Living*, 4, 936041.
- Lee, O., Park, S., Kim, Y., & So, W. Y. (2022). **"Participation in sports activities before and after the outbreak of COVID-19: analysis of data from the 2020 Korea national sports participation survey"**. In *Healthcare* (Vol. 10, No. 1, p. 122). MDPI.
- Liu, J., Zhang, C. C., Zhang, S. Q., Wang, J. H., Xu, R. R., Yang, S. L., ... & Tang, X. D. (2023). **"Clinical factors affecting platelet growth in the treatment of aplastic anemia by tonifying kidney and generating blood"**. *World Journal of Traditional Chinese Medicine*, 9(4), 438-446.
- McGuine, T., Biese, K., Hetzel, S., Schwarz, A., Reardon, C., Bell, D., ... & Watson, A. (2022). **"A multi-year assessment of sport participation during the COVID-19 pandemic on the health of adolescent athletes"**. *Journal of Athletic Training*.
- Mutz, M., Müller, J., & Reimers, A. K. (2021). **"Use of digital media for home-based sports activities during the COVID-19 pandemic: results from the German SPOVID survey"**. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(9), 1-12.

- Nandakumar, M., Ingalhalli, V., & Devaki, K. K. (2020). **“What drives satisfaction and willingness to pay for sports facilities? Survey results of users of government sports facilities in India”**. *GIS Business*, 15(4), 512-530.
- Pascarella, G., Strumia, A., Piliego, C., Bruno, F., Del Buono, R., Costa, F., ... & Agrò, F. E. (2020). **“COVID-19 diagnosis and management: a comprehensive review”**. *Journal of internal medicine*, 288(2), 192-206.
- Pillay, L., van Rensburg, D. C. C. J., van Rensburg, A. J., Ramagole, D. A., Holtzhausen, L., Dijkstra, H. P., & Cronje, T. (2020). **“Nowhere to hide: The significant impact of coronavirus disease 2019 (COVID-19) measures on elite and semi-elite South African athletes”**. *Journal of science and medicine in sport*, 23(7), 670-679.
- Pranata, D. Y. (2020). **“Aktivitas olahraga masyarakat pada masa pandemi covid-19 berdasarkan usia”**. *Altius: Jurnal Ilmu Olahraga Dan Kesehatan*, 9(2), 32-38.
- Staley, K., Randle, E., Donaldson, A., Seal, E., Burnett, D., Thorn, L., ... & Nicholson, M. (2024). **“Returning to sport after a COVID-19 shutdown: Understanding the challenges facing community sport clubs”**. *Managing Sport and Leisure*, 29(1), 107-127.
- Sun, X., & Ding, IO. (2024). **“Analyzing the dilemma and countermeasures of Sino-Russian sports and cultural exchange and cooperation in the post-epidemic era”**. *Modern Humanities Success*, 5(252-259).
- Thibaut, E., Constandt, B., De Bosscher, V., Willem, A., Ricour, M., & Scheerder, J. (2023). **“Sports participation during a lockdown. How COVID-19 changed the sports frequency and motivation of participants in club, event, and online sports”**. In *Lockdown Leisure* (pp. 100-113). Routledge.
- Toselli, S., Bragonzoni, L., Grigoletto, A., Masini, A., Marini, S., Barone, G., ... & Dallolio, L. (2022). **“Effect of a park-based physical activity intervention on psychological wellbeing at the time of COVID-19”**. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(10), 6028.
- Watson, A., & Koontz, J. S. (2021). **“Youth sports in the wake of COVID-19: a call for change”**. *British journal of sports medicine*, 55(14), 764-764.

شناسایی پیشران‌های کلیدی توسعه والیبال جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آینده‌نگاری راهبردی

محمد سلیمانی^۱

طیبه سادات زرگر^۲

فریده شریفی‌فر^۳

رضا نیک‌بخش^۴



[10.22034/ssys.2024.3070.3233](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3070.3233)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸۵/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

هدف این پژوهش، شناسایی پیشران‌های کلیدی فدارسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران با رویکرد آینده‌نگری راهبردی بود. این پژوهش به لحاظ روش‌شناسی از نوع آمیخته بود. در بخش کیفی رویکرد پژوهش تحلیل مضمون و در بخش کمی دلفی فازی و آینده‌نگری رهیافت تحلیل ساختاری بود. مشارکت‌کنندگان این پژوهش را در بخش کیفی، مربیان تیم‌های ملی و باشگاهی، ورزشکاران تیم ملی، داوران بین‌المللی، روسای هیئت والیبال، سرپرستان و اعضای هیئت‌رئیس فدارسیون والیبال و در بخش کمی، کارشناسان و اساتید دانشگاه تشکیل می‌دادند. در بخش کیفی انتخاب مشارکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند انجام و مبتنی بر اشباع نظری با ۲۰ نفر از آن‌ها مصاحبه شد. معیار انتخاب این افراد تخصص و تجربه، نمایندگی، تنوع و قابلیت همکاری بود. در بخش کمی نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و براساس ۴ معیار تجربه کاری در حوزه ورزش والیبال، دانش در حوزه آینده‌پژوهی، داشتن تحصیلات تکمیلی و سابقه کاری بالاتر از ۱۰ سال ۱۰ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها در مطالعه کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی، پرسش‌نامه دلفی و ماتریس ۴۶×۴۶ بود که روایی و پایایی آن‌ها تأیید گردید. جهت تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون و داده‌های کمی نیز از دلفی فازی و تحلیل ساختاری استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد در مجموع ۴۶ پیشران مؤثر بر آینده فدارسیون والیبال ایران و ۸ پیشران با عناوین «قرارگرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک»، «لیگ پویا»، «قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی»، «سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی»، «ظرفیت والیبال ایران»، «قدرتمندشدن رقبا»، «جذب حامیان مالی» و «پشتوانه‌سازی» نقش کلیدی‌تری بر اقدامات فدارسیون والیبال ایران در آینده دارند. براساس نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که توسعه ورزش والیبال در ایران در آینده بیشتر تحت تأثیر این ۸ پیشران خواهد بود. از این رو، به فدارسیون والیبال پیشنهاد می‌شود برای تحقق آینده مطلوب، به این پیشران‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشد و اقدامات لازم را پیرامون آن‌ها انجام دهد.

واژگان کلیدی: آینده‌نگری، لیگ پویا، رقبا، پشتوانه‌سازی، عدم قطعیت و والیبال.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Zargar_ta@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

والیبال یکی از محبوب‌ترین ورزش‌ها در سطح جهان می‌باشد که شرکت‌کننده‌های آن، رو به افزایش است و اکنون جزو یکی از ورزش‌هایی است که بیشترین تعداد شرکت‌کننده را دارد (اکبری، صاحب‌الزمانی و سید احمدی، ۱۴۰۱). طبق آمار فدراسیون جهانی والیبال^۱ حدود ۲۰۰ میلیون نفر در جهان به این ورزش می‌پردازند (بهرامی، مینوژاد و آرچین، ۱۴۰۲). والیبال در دو سطح ساحلی و سالنی اجرا می‌شود (کاظمی پاکدل و نورسته، ۱۴۰۱) و رشد و توسعه آن تنها از طریق برنامه‌ریزی و داشتن یک برنامه راهبردی مناسب میسر می‌گردد (نظری، رضوی، حسینی و رئیسی، ۱۳۹۲؛ عبدالهی، اسماعیلی و سجادی، ۱۴۰۱).

برنامه‌ریزی در سیر تکاملی خویش دستخوش تحولاتی بسیار قرار گرفته است که طی دوره گذار از «دوره محصول‌گرایی» در قرن نوزدهم به «دوره بازارگرایی» و در نهایت «دوره فراصنعتی»، قابل تفکیک است. این گذار باعث شده برنامه‌ریزی روش‌ها و انواع آن متناسب با نیاز هر دوره متحول شود (نظری، رشوی و حسینی، ۱۳۹۳). در حال حاضر برای رسیدگی به محیط‌های که به سرعت در حال تغییر هستند و به عنوان محیط‌های نوسان^۲، نامطمئن^۳، پیچیده^۴ و مبهم^۵ شناخته می‌شوند (وان دویجن و بیشاپ^۶، ۲۰۱۸)، سازمان‌ها باید قابلیت‌هایی پویای^۷ خود را توسعه دهند (شوارز، روهربیک و واچ^۸، ۲۰۲۰). یکی از عناصر مهم قابلیت‌های پویا، آینده‌نگری راهبردی^۹ است، زیرا به سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا عواملی را که باعث تغییر می‌شوند شناسایی، مشاهده و تفسیر کنند، پیامدهای احتمالی سازمان را تعیین و پاسخ‌های سازمانی مناسب با آن را ایجاد نمایند (شوارز، واچ و روهربیک، ۲۰۲۳).

آینده‌نگاری راهبردی، ابزاری نظام‌مند برای کشف و ساختن آینده مطلوب و فرآیندی یکپارچه و کل‌نگر است که با استفاده از فنون و ابزارهای آینده‌پژوهی و مدیریت راهبردی و مشارکت نخبگان می‌تواند در محیط نامطمئن، رقابتی و غیرقابل پیش‌بینی، موقعیتی مطلوب در سازمان ایجاد کند (پراگر و ویلی^{۱۰}، ۲۰۲۱) و پیامدهای تغییرات در حال ظهور و آینده را شناسایی کند (میلز و ویلنر^{۱۱}، ۲۰۲۳). از نظر اسلاتر^{۱۲}، آینده‌نگاری راهبردی، یک ظرفیت بشری عام است که افراد را قادر می‌سازد تا درباره آینده بیاندیشد، احتمالات آینده را بررسی، مدل‌سازی و خلق کنند و در مقابل آن واکنش نشان دهند. این توانایی بر پایه توانایی‌های نظام ذهنی عصبی مغز انسان بنا شده است که از پیوندهای

¹ Fédération Internationale de Volleyball (FIVB)

² volatile

³ uncertain

⁴ complex

⁵ ambiguous

⁶ Van Duijne & Bishop

⁷ dynamic capabilities

⁸ Schwarz, Rohrbeck & Wach

⁹ strategic foresight

¹⁰ Prager & Wiebe

¹¹ Mills & Wilner

¹² Slaughter

رشته‌های عصبی به منظور انجام روش‌های پیچیده اجرا که کارکرد تصحیح‌کننده و حمایت‌کننده دارند، بهره می‌برد (اسلاتر، ۲۰۲۰).

هدف آینده‌نگری راهبردی، پیش‌بینی آینده با قطعیت مطلق نیست، بلکه آینده را به عنوان یک دوره از پیش تعیین شده رویدادها در نظر می‌گیرد که می‌توان آن را به طور کامل از قبل پیش‌بینی کرد (اوبوم مگیها و اونوها^۱، ۲۰۲۳). مزیت‌ها و ظرفیت‌های دیگر که آینده‌نگری راهبردی دارد این است که منجر به هدایت تصمیمات برنامه‌ریزان، مدیران و سیاست‌گذاران می‌شود (وستاپل، استوارانت، ریس، کیوگلی و کرابتری، بنگستون و پلیسینسکی^۲، ۲۰۲۳)، با در نظر گرفتن عدم قطعیت‌ها در فرایند تصمیم‌گیری راهبردی به سازمان‌ها کمک می‌کند عدم قطعیت‌ها را کاهش دهند، با ترکیب تحلیل روندهای داخلی و خارجی با یکدیگر، فرایند اتخاذ راهبرد و پشتیبانی از تصمیم‌گیری را تسهیل می‌نماید که خود می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری برنامه‌های خلاق شود (گونگ، وانگ، جیو، گونگ و وای^۳، ۲۰۲۰). همچنین آینده‌نگری راهبردی با پیش‌بینی تغییرات آینده منجر به آگاهی و آمادگی بهتر برای تغییر می‌شود (اوبوم مگیها و اونوها، ۲۰۲۳).

با توجه به ظرفیت‌های آینده‌نگری راهبردی، بسیاری از حوزه‌ها درصدد هستند از این ابزار استفاده کنند، مبنی بر اینکه آینده‌نگری راهبردی مجموعه‌ای از چشم‌اندازهای مختلف از آینده برای توسعه راهبردی جدید فراهم می‌کند که هم به موفقیت آن حوزه کمک می‌کند و در عین حال ضامن بقا و تعالی آن خواهد بود (هال، ورکمن، هاردی، مازو، انبل، پول و واگنر^۴، ۲۰۲۲). فدراسیون‌های ورزشی نیز از این قاعده مستثنی نیستند (چوری، رضوی، دوستی و فرزاد، ۱۴۰۲)، زیرا که محیط ورزش سرشار از عدم قطعیت است (نظری و شهولی، ۱۴۰۱) و فدراسیون‌های ورزشی نیز همانند سایر سازمان‌ها در محیط پویا، پر ابهام و متحول فعالیت می‌کنند (نیک‌دست، رضوی و امیرنژاد، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، فدراسیون‌های ورزشی به لحاظ وظایف و نقشی که در عرصه ورزش کشور ایفا می‌کند، نیازمند چنین برنامه‌ای هستند (سهرابیان مقدم، صابونچی و شعبانی، ۱۳۹۸).

با این همه؛ سیر تحقیقاتی این موضوع در کشور در مورد فدراسیون‌های ورزشی به‌طور ویژه فدراسیون والیبال رشد چندانی به خود نگرفته است و در گذشته بیشتر نگاه پژوهشگران به توانمندسازها و بازدارنده‌های ورزش معطوف شده است. به طور خاص در ورزش والیبال می‌توان به مطالعه سرمست، پورکیانی و سیارنژاد (۱۴۰۲) اشاره کرد که در پژوهشی با عنوان «شناسایی چالش‌ها و راهکارهای توسعه رشته والیبال زنان در ایران» گزارش کردند والیبال زنان در ایران با چالش‌های سازمانی، نیروی انسانی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی مواجه است و لازمه مرتفع کردن این چالش‌ها، انتخاب مسئولان فنی و شایسته در فدراسیون والیبال با نگاه ویژه به بانوان و ایجاد خط‌مشی برای برنامه‌ریزی حرفه‌ای والیبال بانوان می‌باشد. همچنین عبدالهی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تدوین مدل پارادایمی عوامل موفقیت فدراسیون والیبال ایران»، عوامل نظارتی و مدیریتی، زیرساخت فنی و انسانی، عوامل نهادی، سیاسی و قانونی، رسانه و فناوری، مدیریت منابع و عوامل بنیادی را گزارش کردند. این مطالعه همچنین نشان داد

¹ Obomeghia & Onuoha

² Westphal, Sturtevant, Reese, Quigley, Crabtree, Bengston & Plisinski

³ Gong, Wang, Guo, Gong & Wei

⁴ Hall, Workman, Hardy, Mazur, Anable, Powell & Wagner

استعدادیابی، اقدامات فرهنگی و اجتماعی، توانمندسازی ساختاری، افزایش سرمایه مادی، حمایت دولتی و توانمندسازی نیروی انسانی و ساختاری راهبردهایی هستند که فدراسیون والیبال ایران جهت تحقق موفقیت لازم است مدنظر قرار دهد. همزمان نظری، رضوی، دوستی و فرزاد (۱۴۰۱) در پژوهشی با هدف واکاوی کیفی عوامل اثرگذار بر استقرار باشگاه‌داری حرفه‌ای والیبال ایران نشان دادند عوامل قانونی، اقتصادی، مالی، حقوقی، سرمایه گذاری و مدیریتی بر استقرار باشگاه‌داری حرفه‌ای ایران مؤثر هستند. شیخ محمدی دیزجی، سید عالی‌نژاد و احمدی (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی با عنوان «طراحی و روان‌سنجی مقیاس عوامل مؤثر بر برندسازی باشگاه‌های لیگ برتر والیبال» گزارش کردند که مدیریت و نیروی انسانی متخصص، ثبات باشگاه، شهرت و محبوبیت، مدیریت ارتباط با هواداران، موفقیت و عملکرد باشگاه، تبلیغات، سرمایه و دارایی باشگاه، راهبرد باشگاه و پرورش و جذب بازیکنان و مربیان مؤثر بر برندسازی باشگاه‌های لیگ برتر والیبال هستند. محرم‌زاده و نوری (۱۴۰۰) با بررسی راهکارهای جذب حامیان مالی در والیبال حرفه‌ای ایران (مطالعه موردی: باشگاه راهیاب ملل میوان) به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های ساختاری- مدیریتی و شرایط تبلیغاتی مؤثر بر جذب حامی مالی در والیبال حرفه‌ای هستند. این پژوهش همچنین نشان داد عدم جذب حامی مالی در والیبال حرفه‌ای ایران ریشه در ساختار اقتصادی کشور، برخی مشکلات حقوقی و قانونی، مالکیت دولتی باشگاه‌ها، ساختار و نیروی انسانی دارد. همچنین پورعروجی، خدایاری، زارعی و نوروزی سید حسینی (۱۳۹۹) در پژوهشی با هدف طراحی الگوی بهره‌وری فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران نشان دادند متغیرهای مدیریتی، محیطی، انسانی، فرهنگ سازمانی، آموزشی، اقتصادی، عملکردی، ساختار سازمانی و روانی بر بهره‌وری فدراسیون والیبال مؤثر هستند. علاوه بر این، اولیورا، تلس، نیری و تکسیرا^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «مدیریت والیبال ساحلی در برزیل» گزارش کردند که پویایی عملیاتی مکان، ساختارمندی فدراسیون، پیوند فدراسیون با باشگاه‌ها و تیم‌ها و حامیان مالی، دلایل موفقیت فدراسیون والیبال برزیل می‌باشند. علی و قسیم^۲ (۲۰۲۳) با بررسی تأثیر راهبردهای علمی آموزشی بر میزان عملکرد مهارت‌های والیبال نشان دادند آموزش یکی از راهبردی کلیدی برای توسعه والیبال است و فناوری‌های آموزشی در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در پژوهشی دیگر تابان و ایمغلو^۳ (۲۰۲۳) با بررسی تأثیر فیلم‌های تعاملی بر آموزش والیبال به این نتیجه دست یافتند که ویدئوهای تعاملی تأثیر مثبتی بر دانش والیبال دارد. بنابراین استفاده از آن‌ها در محیط‌های آموزشی باید تشویق شود. همچنین گاو و شاو^۴ (۲۰۲۳) با مطالعه پرورش استعدادهای ذخیره والیبال دریافتند که پرورش استعدادهای ذخیره ثانویه والیبال نقش مهمی در توسعه پایدار والیبال دارد. ارتقای سطح رقابتی والیبال نه تنها به قانون توسعه خود والیبال و قانون رشد ورزشکاران بستگی دارد، بلکه تا حدود زیادی به پرورش استعدادهای ذخیره والیبال وابسته است. سرانجام لی^۵ (۲۰۲۲) در پژوهشی با بررسی نقش فناوری اطلاعات کامپیوتری در بازی والیبال نشان داد ارتقای سطح فنی و تاکتیکی ورزش والیبال مستلزم استفاده از برنامه‌های کاربردی به کمک رایانه و فناوری می‌باشد.

¹ Oliveira, Telles, Nery & Teixeira

² Kasim

³ Taban & İmamoğlu

⁴ Guo & Shuo

⁵ Li

در یک نتیجه‌گیری منتج از بررسی ادبیات ارائه‌شده می‌توان گفت که امروزه ورزش والیبال و فدراسیون آن به طور خاص فدراسیون ورزش والیبال جمهوری اسلامی ایران در معرض تغییرات محیطی پیچیده، پرابهام و نامطمئن قرار دارند، چرا که با بررسی مطالعات گذشته در داخل کشور مشخص می‌شود که موفقیت و ناکامی ورزش والیبال و فدراسیون آن تابع عوامل مختلفی است که نه تنها طیف گسترده‌ای را شامل می‌شوند، بلکه پراکندگی بالایی دارند. این بدان معنی است که هیچ قطعیتی در مورد یک عامل تعیین‌کننده خاص وجود ندارد و فدراسیون والیبال در آینده ممکن است از آن‌ها تأثیر بپذیرد. از سوی دیگر، با جمع‌بندی پژوهش‌های انجام گرفته مشخص می‌شود که ورزش والیبال در یک محیط پیچیده زیست می‌کند و پیش‌بینی تحولات پیش‌روی آن به سادگی امکان‌پذیر نیست، زیرا ناشناخته‌های زیادی در مورد آینده آن وجود دارد.

گفتنی است پیچیدگی تغییرات و عدم قطعیت‌ها در مورد اینکه چه چیزی تغییر خواهد کرد همراه با افزایش ناشناخته‌ها و ابهامات می‌تواند عامل ناکامی فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران در تحقق برنامه‌هایش باشد. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌هایی با رویکرد آینده‌نگری و اجتناب از رویکردهای سنتی برنامه‌ریزی بتواند تاحدودی این مشکل را مرتفع کند، زیرا تحلیل‌های راهبردی متداول معمولاً نگاه خطی و گذشته‌نگر دارند و بر مبنای اطلاعات و داده‌های گذشته، به‌طور خطی سعی دارند تا تحولات آتی را پیش‌بینی کنند؛ اما آینده‌نگری راهبردی و کلان‌محور این امکان را فراهم می‌کند تا با بررسی وضعیت گذشته، حال و آینده و بهره‌گیری از شیوه‌های نوین در تعیین عوامل کلیدی مؤثر و حیاتی و همچنین سناریوسازی فدراسیون والیبال را به سمت تعالی و آینده مطلوب سوق دهد. اکنون مسئله این است که فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران نه تنها چارچوبی مشخص جهت مواجهه با تغییرات آتی و عدم قطعیت‌های کلیدی ندارد، بلکه نیروهای تغییر را نیز نمی‌شناسد - چرا که اساساً در فدراسیون والیبال از ابزار آینده‌نگری راهبردی استفاده نشده و بیشتر برنامه‌های آن بر مبنای رویکردهای سنتی برنامه‌ریزی طراحی و تدوین گردیده است. این در حالی است که جامعه علمی به‌طور فزاینده‌ای توسعه روش‌های مؤثر و کارا را برای تحلیل و پیش‌بینی چالش‌های بالقوه آینده دنبال می‌نماید و طی سال‌های اخیر پژوهشگران بیشترین توجه را به آینده‌پژوهی و آینده‌نگری داشته‌اند. گفتنی است پیشران‌های کلیدی، تحولات تأثیرگذار هستند که می‌توانند آینده فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار دهند و با شناخت این پیشران‌ها نه تنها این امکان برای فدراسیون والیبال فراهم می‌شود که عکس‌العمل مناسب نسبت به آن‌ها از خود نشان دهد، بلکه به آن کمک می‌کند در مواجهه با آنها غافل‌گیر نشود. کما اینکه آینده‌نگری راهبردی به درک بهتر و نظام‌مند تغییر در فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران در برنامه‌هایش کمک می‌کند و آن را قادر می‌سازد تا در مورد نوسانات، عدم قطعیت‌ها، پیچیدگی و ابهام روندها بیاموزد. از سوی دیگر، آینده‌نگری به دلیل درک بهتر آینده کوتاه‌مدت می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های بهبودیافته در مورد برنامه‌های اقدام کوتاه‌مدت فدراسیون والیبال شود. براین اساس برای پر کردن شکافی که مطرح شد و در راستای حمایت از فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران که بتواند نیروهای تغییر و عدم قطعیت‌هایش را شناسایی کند، این مطالعه درصدد است با استفاده از رویکرد آینده‌نگری راهبردی به این سؤال پاسخ دهد:

پیشران‌های کلیدی فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ روش‌شناسی از نوع آمیخته (کیفی و کمی) است. در بخش کیفی رویکرد پژوهش تحلیل مضمون (روش اترید- استرلینگ^۱) و در بخش کمی دلفی فازی و آینده‌نگری رهیافت تحلیل ساختاری بود. مشارکت‌کنندگان این پژوهش را در بخش کیفی مربیان تیم‌های ملی و باشگاهی، ورزشکاران تیم ملی، داوران بین‌المللی، روسای هیئت والیبال، سرپرستان و اعضای هیئت‌رئیس فدراسیون والیبال و در بخش کمی کارشناسان و اساتید دانشگاه تشکیل می‌دادند. در بخش کیفی، انتخاب مشارکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد و مبتنی بر اشیاع نظری با ۲۰ نفر از آن‌ها مصاحبه شد. معیار انتخاب این افراد تخصص و تجربه (انتخاب افرادی با تخصص و تجربه در زمینه ورزش والیبال)، نمایندگی (انتخاب افرادی که نماینده گروه‌ها و سازمان‌های مختلف در حوزه والیبال هستند مانند روسای هیئت والیبال)، تنوع (تشکیل یک تیم متنوع از نظر جنسیت، سن، تخصص و نقش‌های مختلف در والیبال) و قابلیت همکاری بود. در بخش کمی نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و براساس ۴ معیار تجربه کاری در حوزه ورزش والیبال، دانش در حوزه آینده‌پژوهی، داشتن تحصیلات تکمیلی و سابقه کاری بالاتر از ۱۰ سال، ۱۰ نفر انتخاب شدند (جدول ۱):

جدول ۱: ویژگی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر	طبقه	مطالعه کیفی		مطالعه کمی	
		فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۲	۱۰	۴	۴۰
	مرد	۱۸	۹۰	۶	۶۰
تحصیلات	کارشناسی	۸	۴۰	-	-
	کارشناسی‌ارشد	۵	۲۵	۴	۴۰
	دکتری	۷	۳۵	۶	۶۰
سن	کمتر از ۴۰ سال	۴	۲۰	۲	۲۰
	۴۰ تا ۵۰ سال	۶	۳۰	۷	۷۰
	۵۱ تا ۶۰ سال	۵	۲۵	۱	۱۰
	بالاتر از ۶۰ سال	۵	۲۵	-	-
	کمتر از ۱۰ سال	۱	۵	۰	۰
سابقه فعالیت	۱۰ تا ۲۰ سال	۵	۲۵	۷	۷۰
	۲۱ تا ۳۰ سال	۱۱	۵۵	۲	۲۰
	بیشتر از ۳۰ سال	۴	۲۰	۱	۱۰
زمینه فعالیت	مربیگری	۹	۴۵	-	-

¹ Attride-Stirling

متغیر	طبقه	مطالعه کیفی		مطالعه کمی	
		فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
ورزشکار	۳	۱۵	-	-	-
هیئت‌های والیبال	۴	۲۰	-	-	-
سرپرست	۲	۱۰	-	-	-
فدراسیون والیبال	۲	۱۰	-	-	-
کارشناس	-	-	۵	۵۰	-
دانشگاه	-	-	۵	۵۰	-

ابزار گردآوری داده‌ها در مطالعه کیفی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بخش کمی، پرسش‌نامه دلفی و ماتریس ۴۶×۴۶

بود. در مطالعه کیفی برای ارزیابی اعتبار و قابلیت اطمینان به نتایج، اقدامات زیر انجام شد (جدول ۲):

جدول ۲: اعتبار و قابلیت اطمینان به نتایج در بخش کیفی

روایی / پایایی	راهبرد	روش
	قابلیت باورپذیری (اعتبار)	تأیید فرایند پژوهش توسط ۲ نفر از کارشناسان
روایی	انتقال‌پذیری	نظرات سه نفر از فعالان ورزش والیبال که در پژوهش مشارکت نداشتند.
	تأیید‌پذیری	ثبت و ضبط تمامی مصاحبه‌ها
	مطالعه حسابرسی	در اختیار قرار دادن کدهای استخراج‌شده از متن مصاحبه به ۳ نفر از شرکت‌کنندگان در پژوهش
پایایی	فرآیند	تحلیل دو مصاحبه توسط محقق و یک تحلیل‌گر دیگر و مشخص نمودن کدهای مشابه و غیرمشابه (میزان توافق برابر ۸۶٪ بود)
	توافق درون‌موضوعی	تحلیل دو مصاحبه توسط محقق و یک تحلیل‌گر دیگر و مشخص نمودن کدهای مشابه و غیرمشابه (میزان توافق برابر ۸۶٪ بود)
	دو کدگذار	تحلیل دو مصاحبه توسط محقق و یک تحلیل‌گر دیگر و مشخص نمودن کدهای مشابه و غیرمشابه (میزان توافق برابر ۸۶٪ بود)

در مطالعه کمی ضمن ارزیابی روایی صوری و پایایی ابزار تحقیق ($\alpha=0/87$) برای اطمینان از بازنمایی دیدگاه‌هایی مشارکت‌کنندگان مطالعه کیفی از دلفی فازی که روشی برای دستیابی به توافق از دیدگاه خبرگان مبتنی بر اصول محاسبات منطق فازی و سیستم استنتاج فازی است (حبیبی، جهان تیگ و سرافرازی، ۲۰۱۵) استفاده شد. نحوه گردآوری داده‌ها در این مطالعه به این صورت بود که ابتدا با مشارکت‌کنندگان مطالعه کیفی مصاحبه شد و با کدگذاری نظرات آن‌ها ۷۱ پیشران پایه که در ۱۰ پیشران سازمان‌دهنده و ۲ پیشران فراگیر دسته‌بندی می‌شدند شناسایی شد. در ادامه و در بخش کمی پس از مشخص شدن پیشران‌های مؤثر برای اطمینان از پیشران‌های انتخاب‌شده دلفی فازی در یک راند با مشارکت کارشناسان و اساتید دانشگاه انجام شد. مبنی بر اینکه حبیبی و همکاران (۲۰۱۵) در کاربرد تکنیک دلفی برای غربال‌گری، با فازی‌زدایی مقادیر و انتخاب شدت آستانه بیان داشته‌اند با یک مرحله یا راند می‌توان به نتیجه

قابل اطمینان در دلفی فازی دست پیدا کرد. اما برای کاربرد دلفی در پیش‌بینی دیدگاه هر کارشناس با میانگین دیدگاه‌ها محاسبه شده نیاز است چرخه دلفی تکرار شود و از آنجائی که در این پژوهش کاربرد دلفی با رویکرد غربال‌گری بود، یک مرحله از تحلیل دلفی انجام شد. سپس با فازی‌زدایی مقادیر برای غربال آیت‌ها آستانه تحمل ۰/۷ در نظر گرفته شد و در نتیجه آن ۴۶ پیشران نهایی انتخاب شدند. سرانجام پیشران‌های استخراج شده با استفاده از روش تحلیل ساختاری در محیط میک‌مک بررسی و تحلیل گردیدند. برای این منظور از ماتریسی به ابعاد ۴۶×۴۶ که شامل ۴۶ پیشران بود استفاده شد تا وضعیت هر یک از آن‌ها (از حیث تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و روابط متقابل) در سیستم مشخص گردد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون اترید-استرلینگ (۲۰۰۱) که یکی از روش‌های مرسوم کدگذاری در تحلیل مضمون و مبتنی بر سه دسته کد مضامین پایه^۱، مضامین سازمان‌دهنده^۲ و مضامین فراگیر^۳ است، استفاده شد. در بخش آینده‌نگری از روش تحلیل ساختاری با کمک نرم‌افزار میک‌مک^۴ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

با تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، فهرستی از ۷۱ پیشران پایه به‌دست آمد که در ۱۰ پیشران سازمان‌دهنده به نام‌های پیشران‌های سیاسی، پیشران‌های اقتصادی، پیشران‌های اجتماعی، پیشران‌های فناوری، پیشران‌های محیطی، سیاست‌های جذب و تربیت نیروی انسانی فدراسیون، ارتباطات فدراسیون، سیاست‌های اجرایی فدراسیون، رقبا و آرمان‌های فدراسیون و ۲ پیشران فراگیر با عنوان پیشران‌های خارجی و پیشران‌های داخلی دسته‌بندی شدند. در ادامه دلفی فازی در یک راند انجام گرفت. در این روش دیدگاه هر خبره به صورت عدد فازی مثلثی ثبت و با استفاده از فرمول زیر میانگین فازی دیدگاه خبرگان محاسبه شد:

$$F_{AVE} = \frac{\sum l}{n}, \frac{\sum m}{n}, \frac{\sum u}{n}$$

پس از تجميع فازی دیدگاه خبرگان مقادیر به دست آمده با روش میانگین اعداد فازی مثلثی فازی‌زدایی گردید:

$$F_{ave} = (L, M, U)$$

$$x_m^1 = \frac{L+M+U}{3}; x_m^2 = \frac{L+2M+U}{4}; x_m^3 = \frac{L+4M+U}{6}$$

$$\text{Crisp number} = Z^* = \max(x_{max}^1, x_{max}^2, x_{max}^3)$$

¹ basic themes

² organizing themes

³ global themes

⁴ MICMAC

پس از فازی‌زدایی مقادیر، ۴۶ پیشران نهایی که مقادیر فازی‌زدایی آنها ۰/۷ و بالاتر بود انتخاب و ۲۵ پیشران حذف شدند (جدول ۳):

جدول ۳: پیشران‌های مؤثر بر فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران

پیشران‌های فراگیر	پیشران‌های سازمان‌دهنده	پیشران‌های پایه	میانگین فازی			فازی‌زدایی	نتیجه
			U	M	L		
		اهمیت سیاست‌مداران به والیبال	۰/۷۸	۰/۶۵	۰/۴۸	۰/۶۳	رد
		دخالت سیاسیون در ورزش	۰/۹۰	۰/۸۳	۰/۵۸	۰/۷۷	تأیید
		سیاست‌گذاری نادرست ورزش	۰/۸۵	۰/۷۰	۰/۵۰	۰/۶۸	رد
		در روابط بین‌المللی					
	پیشران‌های سیاسی	انتخاب‌های دستوری و سفارشی	۰/۸۸	۰/۸۰	۰/۵۸	۰/۷۵	تأیید
		تحریم‌های اقتصادی و سیاسی	۰/۹۰	۰/۸۰	۰/۵۸	۰/۷۶	تأیید
		نبود ثبات مدیریتی	۰/۷۸	۰/۶۵	۰/۴۸	۰/۶۳	رد
		استفاده از افراد غیروالیبالی در رأس فدراسیون	۰/۴۸	۰/۲۵	۰/۱۳	۰/۲۸	رد
		تلفیق سیاست و ورزش در کشور	۰/۶۵	۰/۴۵	۰/۲۸	۰/۴۶	رد
		فشار مدیران بر نتیجه‌گرایی	۱/۰۰	۰/۸۵	۰/۶۰	۰/۸۲	تأیید
	پیشران‌های خارجی	جذب حامیان مالی	۰/۸۵	۰/۷۵	۰/۵۵	۰/۷۲	تأیید
		سرمایه‌گذاری سخت‌افزاری	۱/۰۰	۰/۹۵	۰/۷۰	۰/۸۸	تأیید
		توان مالی فدراسیون	۰/۸۵	۰/۷۵	۰/۵۳	۰/۷۱	تأیید
		سرمایه‌گذاری دولت در ورزش	۱/۰۰	۰/۸۵	۰/۶۰	۰/۸۲	تأیید
		مشارکت بخش خصوصی	۰/۸۵	۰/۷۵	۰/۵۵	۰/۷۲	تأیید
	پیشران‌های اقتصادی	نبود حامی مالی برای تیم‌های شهرستانی	۰/۸۳	۰/۷۰	۰/۵۰	۰/۶۸	رد
		سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی	۰/۸۵	۰/۸۰	۰/۶۰	۰/۷۵	تأیید
		تبلیغات	۰/۹۵	۰/۹۰	۰/۶۸	۰/۸۴	تأیید
		افزایش قیمت ارز	۰/۸۵	۰/۷۸	۰/۵۸	۰/۷۳	تأیید
		افزایش هزینه‌های اقتصادی	۰/۶۵	۰/۴۸	۰/۳۳	۰/۴۸	رد
		نبود حامی مالی برای تمامی رده‌ها	۰/۶۰	۰/۳۵	۰/۱۸	۰/۳۸	رد

پیشران‌های فراگیر	پیشران‌های سازمان‌دهنده	پیشران‌های پایه	میانگین فازی			فازی زدایی	نتیجه
			U	M	L		
		جایگاه والیبال بین مردم و خانواده‌ها	۰/۷۵	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۹۲	تأیید
		گرایش نوجوانان و جوانان به والیبال	۰/۵۵	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۷۳	تأیید
		باندبازی	۰/۵۵	۰/۷۵	۰/۸۳	۰/۷۱	تأیید
		ورود دلال‌ها	۰/۵۸	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۷۳	تأیید
	پیشران‌های اجتماعی	همبستگی و همدلی خانواده والیبال	۰/۷۰	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۸۸	تأیید
		نابرابری والیبال زنان و مردان	۰/۵۸	۰/۷۸	۰/۸۵	۰/۷۳	تأیید
		ظرفیت والیبال ایران	۰/۵۵	۰/۷۵	۰/۸۳	۰/۷۱	تأیید
		کانون‌های والیبال	۰/۴۳	۰/۶۳	۰/۸۵	۰/۶۳	رد
		حمایت نشدن ورزشکاران بی‌بضاعت	۰/۱۰	۰/۱۵	۰/۴۰	۰/۲۲	رد
		مربیان سفارشی	۰/۵۳	۰/۶۸	۰/۸۰	۰/۶۷	رد
	پیشران‌های فناوری	هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی	۰/۵۸	۰/۸۰	۰/۸۸	۰/۷۵	تأیید
		تجهیزات و فناوری‌های آموزشی	۰/۶۵	۰/۹۰	۱/۰۰	۰/۸۵	تأیید
		ارتباطات و رسانه‌های اجتماعی	۰/۶۳	۰/۸۸	۱/۰۰	۰/۸۳	تأیید
		فروخته بودن زیرساخت‌ها	۰/۵۵	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۷۲	تأیید
		کمبود زیرساخت‌های آموزشی	۰/۴۵	۰/۶۳	۰/۷۸	۰/۶۲	رد
	پیشران‌های محیطی	نبود سالن‌های مکفی در سراسر کشور	۰/۵۳	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۷۱	تأیید
		قوانین و مقررات کشور در حوزه ورزش	۰/۴۸	۰/۶۸	۰/۸۳	۰/۶۶	رد
		قوانین و مقررات اداری	۰/۲۰	۰/۴۰	۰/۶۵	۰/۴۲	رد
		قوانین و مقررات مالیاتی	۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۳۳	۰/۱۵	رد
	پیشران‌های داخلی	جذب مربیان مطرح جهان	۰/۶۸	۰/۹۳	۱/۰۰	۰/۸۷	تأیید
		بی توجهی و بی مهری به بخش بانوان	۰/۵۵	۰/۸۰	۱/۰۰	۰/۷۸	تأیید
		عدم استفاده از مربیان با دانش و کارآمد	۰/۵۰	۰/۷۰	۰/۸۵	۰/۶۸	رد
	فدراسیون	پشتوانه سازی	۰/۵۵	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۷۲	تأیید
		بازیکن‌سالاری	۰/۷۸	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۹۰	تأیید

پیشران‌های فراگیر	پیشران‌های سازمان‌دهنده	پیشران‌های پایه	میانگین فازی			فازی زدایی	نتیجه
			U	M	L		
		توجه نکردن به پرورش مربیان	۰/۵۰	۰/۷۵	۰/۸۸	۰/۷۱	تأیید
		فعالیت در رده‌های سنی پایه برای آقایان و خانم‌ها	۰/۱۸	۰/۳۵	۰/۶۰	۰/۳۸	رد
		کلاس‌های آموزشی	۰/۴۵	۰/۶۵	۰/۷۸	۰/۶۳	رد
		استفاده نکردن از مربیان جوانان	۰/۵۸	۰/۸۰	۰/۸۸	۰/۷۵	تأیید
		طرح استعدادیابی در کل کشور	۰/۱۵	۰/۳۰	۰/۵۵	۰/۳۳	رد
		توجه به تیم‌های پایه	۰/۴۵	۰/۶۵	۰/۷۸	۰/۶۳	رد
		ناهماهنگی بین فدراسیون والیبال	۰/۱۵	۰/۳۰	۰/۵۵	۰/۳۳	رد
		ارتباط فدراسیون والیبال با فدراسیون‌های سایر کشورها	۰/۵۸	۰/۸۰	۰/۹۰	۰/۷۶	تأیید
		ناهماهنگی فدراسیون با خانواده والیبال	۰/۶۰	۰/۸۵	۰/۹۳	۰/۷۹	تأیید
ارتباطات فدراسیون		ارتباط فدراسیون با نهادهای سیاسی کشور	۰/۵۸	۰/۸۳	۰/۹۸	۰/۷۹	تأیید
		مراودت مربی و بازیکنان در جهان	۰/۲۳	۰/۴۵	۰/۷۰	۰/۴۶	رد
		ارتباط با اصحاب رسانه	۰/۵۸	۰/۸۰	۰/۸۸	۰/۷۵	تأیید
		فاصله گرفتن فدراسیون از کشورهای صاحب سبک والیبال	۰/۶۰	۰/۸۵	۱/۰۰	۰/۸۲	تأیید
		نبود برنامه‌ریزی هدفمند در کلیه رده‌ها	۰/۵۸	۰/۸۰	۰/۸۸	۰/۷۵	تأیید
		برگزاری اردوهای تیم ملی در سطوح بالا	۰/۵۳	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۷۱	تأیید
سیاست‌های اجرایی فدراسیون		عدم‌حمایت از هیئت‌های استانی	۰/۴۸	۰/۷۰	۰/۸۳	۰/۶۷	رد
		لیگ پویا	۰/۵۰	۰/۷۳	۰/۸۸	۰/۷۰	تأیید
		نتیجه‌محوری فدراسیون	۰/۵۸	۰/۸۰	۰/۸۸	۰/۷۵	تأیید
		نظارت نکردن فدراسیون بر آکادمی‌ها	۰/۴۳	۰/۶۵	۰/۸۰	۰/۶۳	رد
		نبود برنامه‌ریزی بلندمدت	۰/۵۰	۰/۷۰	۰/۸۵	۰/۶۸	رد
رقبا		قدرتمند شدن رقبا	۰/۶۳	۰/۸۸	۱/۰۰	۰/۸۳	تأیید

پیشران‌های فراگیر	پیشران‌های سازمان‌دهنده	پیشران‌های پایه	میانگین فازی			فازی‌زدایی	نتیجه
			U	M	L		
		رقبای سستی و دیرینه	۰/۶۵	۰/۹۰	۱/۰۰	۰/۸۵	تأیید
		حضور در لیگ جهانی	۰/۶۳	۰/۸۵	۰/۹۰	۰/۷۹	تأیید
		قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی	۰/۶۰	۰/۸۳	۰/۹۰	۰/۷۸	تأیید
آرمان‌های فدارسیون		حضور موفق بانوان در عرصه‌های بین‌المللی	۰/۵۰	۰/۷۳	۰/۹۳	۰/۷۲	تأیید
		کسب کرسی‌های بین‌المللی	۰/۷۰	۰/۹۳	۰/۹۸	۰/۸۷	تأیید
		قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک	۰/۵۳	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۷۱	تأیید

سپس روابط پیشران‌هایی نهایی شده با روش تحلیل ساختاری ارزیابی شد. بر اساس تشکیل ماتریس 46×46 با محاسبه دو دور چرخش داده‌ها مشخص شد از مجموع ۱۴۴۳ رابطه تأثیرگذار و تأثیرپذیر ارزیابی شده ۶۷۳ رابطه دارای ارزش صفر (بدون تأثیر)، ۲۳۷ رابطه دارای ارزش ۱ (تأثیر کم)، ۶۲۵ رابطه دارای ارزش ۲ (اثرگذاری متوسط) و ۵۸۱ رابطه دارای ارزش ۳ (اثرگذاری شدید) می‌باشند. همچنین ضریب پرشدگی ماتریس برابر ۶۸/۱۹٪ بود که نشان از تأثیر نسبتاً زیاد و پراکنده عوامل دارد (جدول ۴):

جدول ۴: تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و تأثیرات متقاطع	
شاخص‌ها	مقادیر حاصل از دو دور چرخش ماتریس
ابعاد ماتریس	۴۶
تعداد چرخش	۲
تعداد صفر	۶۷۳
تعداد یک	۲۳۷
تعداد دو	۶۲۵
تعداد سه	۵۸۱
تعداد P	۰
جمع	۱۴۴۳
درجه پرشدگی	۶۸/۱۹٪

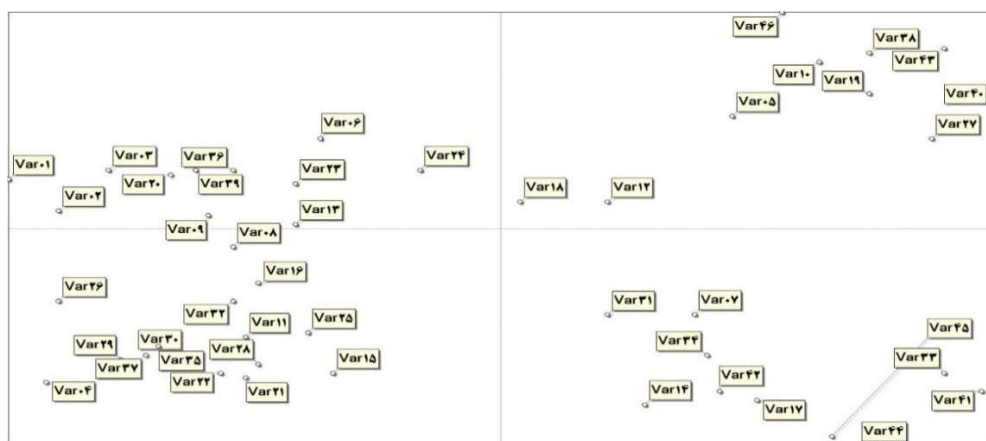
همچنین مشخص شد ماتریس این پژوهش بر اساس پیشران‌های مورد مطالعه با ۲ بار چرخش از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰٪ درصد برخوردار است که حاکی از روایی بالایی پرسش‌نامه و پاسخ‌های آن دارد. با تکمیل ماتریس، میزان اثرگذاری (نفوذ) و اثرپذیری (وابستگی) هر عامل به طور مجزا توسط نرم‌افزار میک مک محاسبه شد (جدول ۵):

جدول ۵: میزان نفوذ و وابستگی پشیران‌ها

نماد (معرف)	پشیران‌های پایه	نفوذ	وابستگی
V1	دخالت سیاسیون در ورزش	۸۸	۳۴
V2	انتخاب‌های دستوری و سفارشی	۸۱	۳۸
V3	تحریم‌های اقتصادی و سیاسی	۹۰	۴۲
V4	فشار مدیران بر نتیجه‌گرایی	۴۳	۳۷
V5	جذب حامیان مالی	۱۰۲	۹۲
V6	سرمایه‌گذاری سخت‌افزاری	۹۷	۵۹
V7	توان مالی فدراسیون	۵۸	۸۹
V8	سرمایه‌گذاری دولت در ورزش	۷۳	۵۲
V9	مشارکت بخش خصوصی	۸۰	۵۰
V10	سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی	۱۱۴	۹۹
V11	تبلیغات	۵۳	۵۳
V12	افزایش قیمت ارز	۸۳	۸۲
V13	جایگاه والیبال بین مردم و خانواده‌ها	۷۸	۵۷
V14	گرایش نوجوانان و جوانان به والیبال	۳۸	۸۵
V15	باندبازی	۴۵	۶۰
V16	ورود دلال‌ها	۶۵	۵۴
V17	همبستگی و همدلی خانواده والیبال	۳۹	۹۴
V18	نابرابری والیبال زنان و مردان	۸۳	۷۵
V19	ظرفیت والیبال ایران	۱۰۷	۱۰۳
V20	هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی	۸۹	۴۷
V21	تجهیزات و فناوری‌های آموزشی	۴۴	۵۳
V22	ارتباطات و رسانه‌های اجتماعی	۴۵	۵۱
V23	فرسوده بودن زیرساخت‌ها	۸۷	۵۷
V24	نبود سالن‌های مکفی در سراسر کشور	۹۰	۶۷
V25	جذب مربیان مطرح جهان	۵۴	۵۸
V26	بی‌توجهی و بی‌مهری به بخش بانوان	۶۱	۳۸
V27	پشتوانه‌سازی	۹۷	۱۰۸
V28	بازیکن‌سالاری	۴۷	۵۴

۴۳	۴۸	توجه نکردن به پرورش مربیان	V29
۴۸	۴۹	استفاده نکردن از مربیان جوانان	V30
۵۲	۵۸	ارتباط فدراسیون والیبال با فدراسیون‌های سایر کشورها	V31
۵۲	۶۱	ناهماهنگی فدراسیون با خانواده والیبال	V32
۱۰۹	۴۵	ارتباط فدراسیون با نهادهای سیاسی کشور	V33
۹۰	۴۹	ارتباط با اصحاب رسانه	V34
۴۶	۵۱	فاصله گرفتن فدراسیون از کشورهای صاحب سبک والیبال	V35
۵۲	۹۰	نبود برنامه‌ریزی هدفمند در کلیه رده‌ها	V36
۴۵	۴۹	برگزاری اردوهای تیم ملی در سطوح بالا	V37
۱۰۳	۱۱۶	لیگ پویا	V38
۴۹	۹۰	نتیجه‌محوری فدراسیون	V39
۱۱۳	۱۰۹	قدرتمند شدن رقبا	V40
۱۱۲	۴۱	رقبای سنتی و دیرینه	V41
۹۱	۴۱	حضور در لیگ جهانی	V42
۱۰۹	۱۱۷	قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی	V43
۱۰۲	۲۹	حضور موفق بانوان در عرصه‌های بین‌المللی	V44
۱۰۰	۳۱	کسب کرسی‌های بین‌المللی	V45
۹۶	۱۲۵	قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک	V46
۳۲۳۰	۳۲۳۰	مجموع	

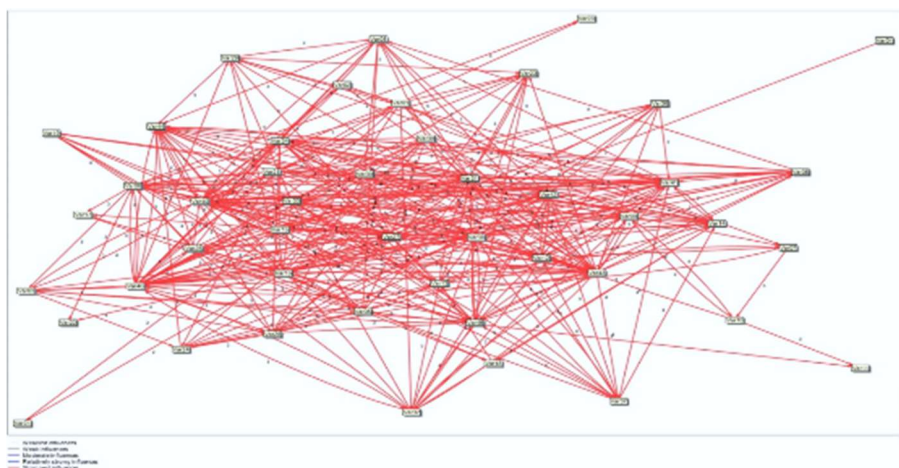
پیشران‌ها بعد از ارزیابی اثرات آن‌ها بر یکدیگر (شکل ۱) با عنوان نقشه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری قرار می‌گیرند. براساس موقعیت پیشران‌ها در نمودار با عنوان پیشران‌های تأثیرگذار، دوجهی (ریسک-هدف)، وابسته، مستقل و تنظیمی طبقه‌بندی می‌شوند که به دلیل نقش خود در پویایی سیستم تفاوت‌هایی با همدیگر دارند.

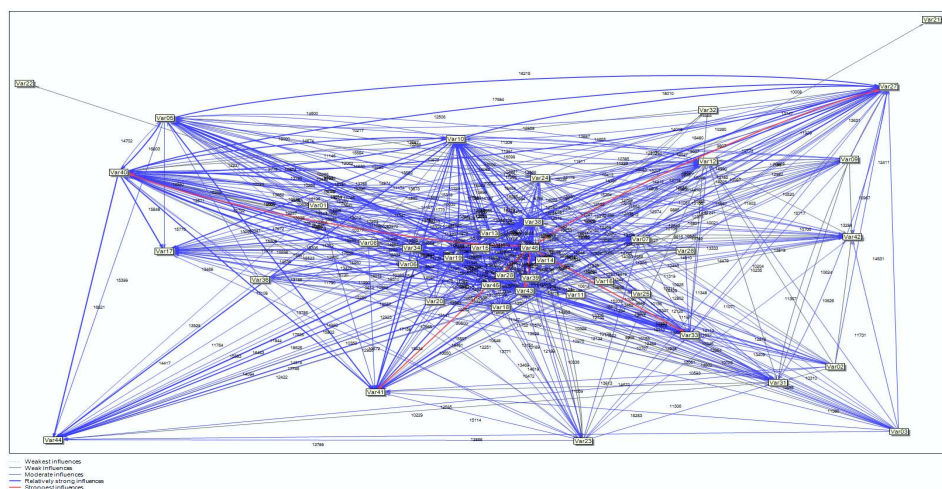


شکل ۱: نقشه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم پیشران‌ها بر همدیگر

در ادامه برای تبیین بهتر نحوه تعامل بین پیشران‌ها نمودار روابط مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها در سطح ۲۵٪ ارائه شد. این نمودار به پژوهشگران، مدیران و تصمیم‌سازان کمک می‌کند تا یک تصویر کلی از ساختار کنش‌گیری موضوع و سیستم‌های مورد مطالعه فراهم آورند. این نمودارها شامل چهار نوع مختلف (اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم، اثرات بالقوه مستقیم، اثرات بالقوه غیرمستقیم) هستند که در این مطالعه فقط نمودار اثرات مستقیم (شکل ۲) و نمودار اثرات غیرمستقیم (شکل ۳) در سطح ۲۵٪ به دلیل اینکه در مبانی آینده‌پژوهی و آینده‌نگری پیشنهاد شده است (خزائی، اوضاعی و دفنوک، ۱۳۹۸؛ سعیدپور و بهبودی، ۱۳۹۶) بررسی گردید.

شکل ۲: نمودار روابط مستقیم مستقیم پیشران‌ها در سطح (۲۵٪)





شکل ۳: نمودار روابط غیرمستقیم پیشران‌ها در سطح (۲۵٪)

سرانجام با بررسی نقشه پراکندگی پیشران و جایگاه آنها در محور تأثیرگذاری- تأثیرپذیری از بین ۴۶ پیشران بررسی شده در این پژوهش، ۸ پیشران کلیدی (قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک، لیگ پویا، قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی، سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی، ظرفیت والیبال ایران، قدرتمند شدن رقبا، جذب حامیان مالی و پشتوانه‌سازی) شناسایی شدند. پیشران‌های کلیدی، متغیرهایی قابل دست‌کاری و قابل کنترل هستند که بر پویایی و تغییر سیستم اثرگذارند. این متغیرها در ناحیه اول نقشه پراکندگی واقع شده‌اند و به دلیل اینکه هم قابلیت کنترل دارند و هم بر سیستم اثرگذار هستند، «پیشران‌های کلیدی» نامیده می‌شوند (جدول ۶):

جدول ۶: پیشران‌های کلیدی فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران

معرف	پیشران کلیدی	دسته‌بندی
V46	قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک	آرمان‌های فدراسیون
V38	لیگ پویا	سیاست‌های اجرایی فدراسیون
V43	قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی	آرمان‌های فدراسیون
V10	سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی	پیشران‌های اقتصادی
V19	ظرفیت والیبال ایران	پیشران‌های اجتماعی
V40	قدرتمند شدن رقبا	رقبا
V05	جذب حامیان مالی	پیشران‌های اقتصادی
V27	پشتوانه‌سازی	سیاست‌های جذب و تربیت نیروی انسانی فدراسیون

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه، آینده‌نگری راهبردی فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر پیشران‌های کلیدی بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک، لیگ پویا، قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی، سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی، ظرفیت والیبال ایران، قدرتمند شدن رقبای جذاب حامیان مالی و پشتوانه‌سازی، پیشران‌های کلیدی فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. این یافته با نتایج مطالعات عبدالهی و همکاران (۱۴۰۱) که استعدادیابی و افزایش سرمایه مادی را به عنوان راهبردهایی موفقیت فدراسیون والیبال ایران گزارش کرده بودند، نظری و همکاران (۱۴۰۱) که دریافتند سرمایه‌گذاری مؤثر بر استقرار باشگاه‌داری حرفه‌ای در والیبال ایران است، شیخ محمدی دیزجی و همکاران (۱۴۰۰) که موفقیت و عملکرد را تعیین‌کننده برندسازی در والیبال مطرح کرده بودند، محرم‌زاده و نوری (۱۴۰۰) که به جذب حامی مالی در والیبال حرفه‌ای اشاره داشتند، اولیورا و همکاران (۲۰۲۳) که حامیان مالی را دلیل موفقیت فدراسیون والیبال برزیل می‌دانستند و گاو و شاو (۲۰۲۳) که به پرورش استعدادها و ذخیره در والیبال تأکید داشتند، همخوان است. این همخوانی نشان می‌دهد که این عوامل در توسعه و پیشرفت والیبال ایران و در دستیابی به اهداف آن فدراسیون نقش موثری دارند.

پیشران‌ها، مجموعه‌ای از نیروهای داخلی و خارجی شکل‌دهنده آینده هستند که بر آینده‌های مختلف تأثیر می‌گذارند و آینده را شکل می‌دهند. با بررسی نقشه پراکندگی مشخص شد قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک و قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی، پیشران‌های مهم فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشند که در دسته آرمان‌های فدراسیون‌های والیبال قرار دارند و جزو پیشران‌های داخلی محسوب می‌شوند. دلیل اینکه این پیشران‌ها در آینده فدراسیون والیبال کلیدی هستند این است که نتیجه‌محوری یکی از ویژگی‌های فدراسیون حال حاضر می‌باشد و مشارکت‌کنندگان مطالعه کیفی نیز به آن اشاره داشتند. این نتیجه‌محوری که احتمالاً متأثر از فشار مدیران بر نتیجه‌گرایی است می‌تواند به شکلی عملکردی و رابطه‌ای باشد، زیرا وقتی که فدراسیون والیبال متمرکز بر نتیجه و آرمان‌هایش می‌باشد، تصمیمات و اقداماتش را بر اساس نتیجه‌محوری تنظیم می‌کند. همچنین، فدراسیون ممکن است سیاست‌ها و برنامه‌هایش را بر اساس این اهداف تنظیم کند که می‌تواند هم تأثیر مثبت و هم تأثیر منفی بر آینده والیبال داشته باشد. تأثیر مثبت از این جهت که والیبال ایران در عرصه بین‌المللی جزو یکی از قدرتمندترین والیبال مطرح می‌شود. در مقابل، هنگامی که فدراسیون صرفاً به دنبال نتیجه است، این اقدام ممکن است فدراسیون را از پرداختن به پشتوانه‌سازی و سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی دور کند.

یکی دیگر از پیشران‌های کلیدی آن است که فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران لیگی پویاست. دلیل اینکه لیگ پویا بر آینده‌های مختلف تأثیر می‌گذارد این است که برگزاری یک لیگ پویا با مشارکت تیم‌های قوی و رقابتی به توسعه استعدادها و والیبال در کشور کمک می‌کند و باعث ارتقای سطح بازیکنان، مربیان و تیم‌ها و شاخص‌های فنی و تاکتیکی می‌شود. از سوی دیگر، برگزاری یک لیگ پویا با کیفیت و جذاب باعث افزایش شهرت والیبال در کشور می‌شود و بازیکنان، تیم‌ها و هواداران را جذب می‌کند. این امر می‌تواند به جذب حامیان مالی برای فدراسیون والیبال کمک کند و منابع مالی و انسانی لازم برای توسعه و پیشرفت والیبال را فراهم نماید. همچنین لیگ

پویا نقش بسزایی در ایجاد پایه‌های قوی برای آینده فدراسیون والیبال ایران دارد. توسعه و پیشرفت لیگ پویا باعث ارتقای سطح بازی، حمایت مالی و افزایش شهرت و البته توسعه والیبال کشور خواهد شد.

همچنین مشخص شد سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی در آینده فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی نقش دارد، چون که استعدادیابی یکی از تعیین‌کننده‌های مهم موفقیت والیبال است که در مطالعه عبدالهی و همکاران (۱۴۰۱) نیز به آن اشاره شده است. همچنین استعدادیابی به فدراسیون والیبال ایران کمک می‌نماید تا استعدادهای ورزشی جوان را شناسایی و از آنها در تیم‌ها و برنامه‌های تمرینی استفاده کند. این اقدام به تربیت بازیکنان حرفه‌ای و قابلیت توسعه استعدادهای می‌انجامد. از سوی دیگر، استعدادیابی می‌تواند به عنوان یک بستر برای ایجاد برنامه‌های توسعه و آموزشی در فدراسیون والیبال عمل کند. این بستر می‌تواند به تربیت بازیکنان حرفه‌ای، مربیان ماهر و کادر فنی متخصص کمک کند و باعث افزایش سطح بازی و کیفیت تیم‌ها و بازیکنان شود. به موازات آن استعدادیابی به فدراسیون والیبال ایران کمک می‌کند تا استعدادهای ورزشی را به پتانسیل واقعی تبدیل کند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها همچنین نشان داد ظرفیت والیبال ایران در آینده فدراسیون والیبال نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، چرا که والیبال در ایران بعد از فوتبال به عنوان یک ورزش تیمی نزد مردم و جامعه ورزش اهمیت بالایی دارد و سابقه این ورزش در ایران طولانی است و در طی دهه‌های گذشته رونق چشمگیری داشته است. از سوی دیگر، در مناطق جغرافیایی کشور به‌ویژه در شمال غرب، شمال شرق و نواحی مرکزی به این ورزش توجه ویژه‌ای شده است و در دهه اخیر والیبال ایران در سطوح آسیایی و جهانی در رده‌های مختلف دستاوردهای مشهودی داشته است - البته این دستاوردها در سال‌های مختلف ناهمگون و ناپایدار بوده و به موازات آن سیاست‌ها و برنامه‌های فدراسیون به صورت مقطعی تغییر پیدا کرده است.

ششمین پیشرانی که در این مطالعه پیرامون فدراسیون والیبال ایران شناسایی شد، قدرتمند شدن رقبا بود. دلیل اینکه قدرتمند شدن رقبا بر آینده‌های مختلف فدراسیون والیبال ایران تأثیر می‌گذارد این است که رقبا در ورزش یکی از بازیگران کلیدی هستند و اقدامات آنها بر اقدامات سایر بازیگران بی تأثیر نیست. همچنین مشاهده می‌شود در برخی از موارد سیاست‌ها و اقدامات فدراسیون مبتنی بر قدرت رقبا تنظیم می‌شود و تلاش می‌شود از آنها الگوبرداری شود بدون در نظر گرفتن این موضوع که قدرتمند شدن رقبا یک فرایند نظام‌مند، زمان‌بر و هدفمند را طی کرده است. علاوه بر این مشخص شد جذب حامیان مالی جزو پیشران‌های کلیدی فدراسیون والیبال ایران می‌باشد. دلیل اینکه جذب حامیان مالی بر آینده‌های مختلف فدراسیون والیبال ایران تأثیر می‌گذارد این است که جذب حامی مالی با استقرار باشگاه‌داری حرفه‌ای والیبال که یکی از الزامات سطح کلان موفقیت والیبال است ارتباط دارد و رضوی و همکاران (۱۴۰۱) بر آن صحنه می‌گذارند. از سوی دیگر، ورزش والیبال، به خصوص در سطح بین‌المللی، هزینه‌های زیادی دارد. برای رشد و توسعه ورزش والیبال در کشور و تحقق اهداف واقعی برنامه‌های فدراسیون، منابع مالی قابل توجهی نیاز است. حامیان مالی می‌توانند منابع مالی لازم را فراهم کنند و نقش مؤثری در تأمین تجهیزات، صورت‌های مالی تیم‌ها، حقوق و دستمزد مربیان و بازیکنان و دیگر هزینه‌های مربوط به فعالیت‌های ورزشی بر عهده بگیرند. همچنین حامیان مالی نقش تعیین‌کننده‌ای در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های کلان والیبال ایران دارند، زیرا توان مالی

فدراسیون و نقش حمایتی دولت در ورزش والیبال محدود است. از این رو، جذب آن‌ها می‌تواند روی اقدامات فدراسیون والیبال مؤثر باشد.

همچنین مشخص شد پشتوانه‌سازی یکی دیگر از پیشران کلیدی فدراسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که در مطالعه گاو و شاو (۲۰۲۳) از آن به عنوان «پرورش استعدادهاى ذخیره در والیبال» نامبرده شده است. دلیل اینکه پشتوانه‌سازی بر آینده‌های مختلف فدراسیون والیبال ایران تأثیر می‌گذارد این است که پشتوانه‌سازی که در سطح تاکتیکی و تکنیکی مقصود صاحب‌نظران بود به فدراسیون والیبال ایران کمک می‌کند تا راهبردها و برنامه‌های مناسب را برای رشد و توسعه ورزش والیبال در کشور تدوین نماید. همچنین پشتوانه‌سازی تاکتیکی و تکنیکی فدراسیون والیبال را قادر می‌سازد تا تصمیماتی درست و بهینه بگیرد و برای تحقیق آینده مطلوب بهتر برنامه‌ریزی کند.

به طور کلی نتایج این پژوهش نشان داد در مجموع ۴۶ پیشران مؤثر بر آینده فدراسیون والیبال ایران، ۸ پیشران با عناوین «قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک»، «لیگ پویا»، «قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی»، «سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی»، «ظرفیت والیبال ایران»، «قدرتمند شدن رقبا»، «جذب حامیان مالی» و «پشتوانه‌سازی» نقش کلیدی‌تری بر روی اقدامات فدراسیون والیبال ایران در آینده دارند. بنابراین لازم است فدراسیون والیبال ایران برای سرمایه‌گذاری در آینده و همگام بودن با آن راهبردهایش را مبتنی بر این پیشران‌ها تنظیم کند. همچنین فدراسیون باید تشخیص دهد که در جهان پویای آینده والیبال با طیف وسیعی از عوامل غیرقابل پیش‌بینی و موقعیت‌های غیرمنتظره فراتر از افزایش تحریم‌ها و تنش‌های اقتصادی کشور مواجه می‌شود. بنابراین به فدراسیون والیبال ایران پیشنهاد می‌شود برای حرکت در مسیر توسعه و تعالی پایدار و به منظور همسویی با برنامه راهبردی و تحقق سند چشم‌اندازش با اتکا به این پیشران‌ها در راستای کاهش عدم قطعیت‌ها گام بردارد. همچنین پیشنهاد می‌شود تصمیم‌سازی کلان، برنامه‌ریزی راهبردی و شرایط آینده فدراسیون والیبال با توجه به نیروهای پیشران تأثیرگذار کلیدی ترسیم گردد تا در افق‌های پیش‌رو اهداف فدراسیون والیبال ایران محقق شود. در این راستا، برای دستیابی به لیگ پویا برگزاری یک لیگ پویا و رقابتی درون کشور با مشارکت تیم‌های قوی، توجه به استقلال داورى، ارائه جوایز مناسب، جذب توجه مردم و حمایت بیشتر از لیگ پیشنهاد می‌گردد. برای قهرمانی در آسیا و بازی‌های آسیایی و قرار گرفتن در جمع چهار تیم برتر جهان و المپیک، ارتقای سطح فنی و تکنیکی بازیکنان، استفاده از تاکتیک‌های نوین، استفاده از مربیان نامدار جهانی و توانمندسازی تیم ملی پیشنهاد می‌شود. در راستای سرمایه‌گذاری در بحث استعدادیابی ایجاد برنامه‌های استعدادیابی مستمر، ارائه منابع و تسهیلات لازم برای شناسایی و پرورش استعدادهاى والیبال در سطح کشور پیشنهاد می‌گردد. همچنین برای افزایش ظرفیت والیبال ایران لازم است برنامه‌های آموزشی و توسعه‌ای متناسب با نیازهای والیبال در سطح کشور طراحی شود و ساختار لیگ و زیرساخت‌های ورزشی ارتقا پیدا کند. برای قدرتمند شدن رقبا نیز به فدراسیون والیبال ایران پیشنهاد می‌شود ضمن توجه به رقبا، با آنها همکاری و تعامل لازم داشته باشد و از تجربیات و دانش آنها استفاده کنند. در نهایت در راستای پشتوانه‌سازی نیز پیشنهاد می‌شود پشتوانه‌های لازم از جمله زیرساخت‌های ورزشی استاندارد، تسهیلات مناسب، مدیریت حرفه‌ای، همکاری و تعامل نهادهای ذینفع در امر توسعه والیبال فراهم گردد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی هم مواجهه بوده که لازم است به آن‌ها توجه شود. محدودیت اول اینکه نتایج حاصل از این پژوهش نشان نمی‌دهند که محیط فدارسیون والیبال ایران در آینده به چه شکل خواهد بود. همچنین به دلیل گستردگی جغرافیایی محل کار و تخصص مشارکت‌کنندگان، امکان برگزاری جلسات گروهی وجود نداشت. بنابراین نظرخواهی به صورت فردی انجام گرفت. بنابراین به پژوهش‌گران آتی پیشنهاد می‌شود با استفاده از سناریونگاری خارجی شرح دهند که مبتنی بر پیشران‌های کلیدی شناسایی‌شده، محیط فدارسیون والیبال جمهوری اسلامی ایران در آینده به چه شکل خواهد بود.

منابع

- اکبری، هادی؛ صاحب الزمانی، منصور و سید احمدی، محمد. (۱۴۰۱). «همه‌گیرشناسی آسیب‌های والیبال در ایران و راهکارهای پیشگیری (مطالعه موردی: ارتقاء ایمنی و پیشگیری از مصدومیت‌ها)». دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۲۹۰-۳۰۳.
- بهرامی، آذین؛ مینونژاد، هومن و آرچین، محمدحسین. (۱۴۰۲). «مقایسه آسیب‌های بازیکنان نخبه والیبال تیم ملی ایران و بازیکنان شاغل در لیگ حرفه‌ای ایتالیا». مطالعات وضعیت بدنی. دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۵-۵۳.
- پورعروجی، علی؛ خدایاری، عباس؛ زارعی، علی و نورزی سید حسینی، رسول. (۱۳۹۹). «طراحی الگوی بهره‌وری فدارسیون والیبال ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. شماره ۴۷، صص ۱۴۷-۱۶۴.
- خزائی، سعید؛ اوضاعی، افسانه و دفنوک، ملیحه. (۱۳۹۸). «سناریو ویزارد: راهنمای جامع تدوین سناریو. انتشارات سبز رایان گستر
- چوری، علی؛ رضوی، سید محمد حسین؛ دوستی، مرتضی و فرزاد، فرزاد. (۱۴۰۲). «آینده‌نگاری در حوزه صنعت اسب و ورزش سوارکاری با رویکرد سناریونویسی». مدیریت ورزشی. دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۵۲-۷۳.
- سرمد؛ پورکیانی، محمد و سیارنژاد، جمشید. (۱۴۰۲). «شناسایی چالش‌ها و راهکارهای توسعه رشته والیبال زنان در ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. پذیرفته شده انتشار آنلاین.
- سهرابیان مقدم، علیرضا؛ صابونچی، رضا و شعبانی، عباس. (۱۳۹۸). «برنامه‌های راهبردی فدارسیون قایق‌رانی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. دوره ۱۱، شماره ۵۷، صص ۱۵۹-۱۷۶.
- سعیدپور، سعید و بهبود، رضا. (۱۳۹۶). «راهنمای کاربردی سناریوویزاد (تدوین راهبردهای سازمانی با رویکرد سناریونگاری)». انتشارات دانشگاه هرمزگان
- شیخ محمدی دیزجی، اکبر؛ سید عالی‌نژاد، آزاده و احمدی، سیروس. (۱۴۰۰). «طراحی و روان‌سنجی مقیاس عوامل مؤثر بر برندسازی باشگاه‌های لیگ برتر والیبال». مدیریت ارتقای سلامت. دوره ۱۰، شماره ۵، صص ۷۱-۸۲.
- عبداللهی، فاطمه؛ اسماعیلی، محمدرضا و سجادی، حمید. (۱۴۰۱). «تدوین مدل پارادایمی عوامل موفقیت فدارسیون و والیبال ایران». فصل‌نامه علوم ورزش. دوره ۱۴، شماره ۴۸، صص ۶۷-۸۸.
- کاظمی پاکدل، احمد و نورسته، علی‌اصغر. (۱۴۰۱). «مقایسه تعادل بازیکنان والیبال ساحلی و سالتی». نشریه مطالعات وضعیت بدنی. دوره ۱، شماره ۱، صص ۸-۱.
- محرم‌زاده، مهرداد و نوری، محمد سیوان. (۱۴۰۰). «راهکارهای جذب حامیان مالی در والیبال حرفه‌ای ایران». مطالعات بازاریابی ورزشی. دوره ۲، شماره ۲، صص ۴۹-۷۰.
- نظری، رسول و شهولی، جواد. (۱۴۰۱). «سناریوهای راهبردی آموزش ورزش سلامت‌محور ایران». نشریه مدیریت ورزشی. دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۱۵۱-۱۷۲.
- نظری، وحید؛ رضوی، سید محمد حسین و حسینی، سید عماد. (۱۳۹۳). «طراحی و تدوین برنامه راهبردی والیبال ساحلی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۲۷، صص ۶۳-۸۶.

- نظری، وحید؛ رضوی، سید محمدحسین؛ حسینی، سید عماد و رئیسی، مجتبی. (۱۳۹۲). «تبیین راهبرد والیبال ساحلی ایران». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. دوره ۱۳، شماره ۵، صص ۷۳-۹۰.
- نظری، وحید؛ رضوی، محمد حسین؛ دوستی، مرتضی و فرزانه، فرزانه. (۱۴۰۱). «واکاوی کیفی عوامل اثرگذار بر استقرار باشگاه‌داری حرفه‌ای والیبال ایران». مدیریت و توسعه ورزش. پذیرفته شده انتشار آنلاین.
- نیک دست، حوریه؛ رضوی، سید محمد حسین و امیرنژاد، سعید. (۱۴۰۱). «طراحی مدل ساختاری موانع اجرای برنامه‌ریزی راهبردی در فدراسیون‌های ورزشی ایران». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۲۱، شماره ۵۵، صص ۱۴۷-۱۶۴.
- Ali, H. F. S., & Kasim, M. A. (2023). **“The effect of using the strategy of educational scientific pillars on the level of performance of volleyball skills among students at the college of physical education and sports sciences”**.
- Attride-Stirling, J. (2001). **“Thematic networks: an analytic tool for qualitative research”**. Qualitative research, 1(3), 385-405.
- Gong, Z., Wang, H., Guo, W., Gong, Z., & Wei, G. (2020). **“Measuring trust in social networks based on linear uncertainty theory”**. Information Sciences, 508, 154-172.
- Guo, H., & Shuo, W. (2023). **“Research on the Cultivation of volleyball Reserve Talents in Ganzhou Middle School”**. In International Conference of Sports Science-AESA 7(1), 1-3.
- Habibi, A., Jahantigh, F. F., & Sarafrazi, A. (2015). **“Fuzzy Delphi Technique for Forecasting and Screening Items”**. Asian Journal of Research in Business Economics and Management, 5(2), 130-143.
- Hall, S., Workman, M., Hardy, J., Mazur, C., Anable, J., Powell, M., & Wagner, S. M. (2022). **“Doing business model innovation for sustainability transitions—Bringing in strategic foresight and human centred design”**. Energy Research & Social Science, 90, 1-10.
- Li, J. (2022). **“The application of Computer Information Technology in the analysis system of volleyball game technique and tactics”**. In *MATEC Web of Conferences* (Vol. 365, p. 01044). EDP Sciences.
- Mills, B., & Wilner, A. (2023). **“The science behind “values”: Applying moral foundations theory to strategic foresight”**. Futures & Foresight Science, 5(1), e145.
- Obomeghia, A. K., & Onuoha, B. C. (2023). **“Strategic Foresight and Competitiveness of SMES in Rivers State, Nigeria”**. International Journal of Business Systems and Economics, 13(3), 40-54.
- Oliveira, F., Telles, S., Nery, L., & Teixeira, M. (2023). **“Beach Volleyball Management in Brazil”**. In G. Cepeda Carrión, J. García-Fernández & J.J. Zhang (Eds.), *Sport Management in the Ibero-American World: Product and Service Innovations*, 1, 274-294.
- Prager, S. D., & Wiebe, K. (2021). **“Strategic foresight for agriculture: Past ghosts, present challenges, and future opportunities”**. Global Food Security, 28, 1-4.
- Schwarz, J. O., Rohrbeck, R., & Wach, B. (2020). **“Corporate foresight as a microfoundation of dynamic capabilities”**. Futures & Foresight Science, 2(2), e28.
- Schwarz, J. O., Wach, B., & Rohrbeck, R. (2023). **“How to anchor design thinking in the future: Empirical evidence on the usage of strategic foresight in design thinking projects”**. Futures, 149, 103137.
- Slaughter, R. (2020). **The Knowledge Base of Futures Studies**. Association of Professional Futurists.
- Taban, Z., & İmamoğlu, M. (2023). **“The Effect of interactive videos on volleyball education”**. Journal of Learning and Teaching in Digital Age, 8(2), 267-275.
- Van Duijne, F., & Bishop, P. (2018). **Introduction to strategic foresight**. Future, Colophon.
- Westphal, L. M., Sturtevant, B. R., Reese, G. C., Quigley, K. M., Crabtree, J., Bengston, D. N., & Plisinski, J. S. (2023). **“Preparing for an uncertain future: Merging the strategic foresight toolkit with landscape modeling in northeast Minnesota’s forests”**. Landscape and Urban Planning, 237, 104798.

عوامل موثر بر خود توسعه‌ای مدیران ورزش کشور و مدل‌سازی

منصوره طهرانچی^۱

رضا نیک‌بخش^۲

فریده شریفی‌فر^۳



[10.22034/ssys.2024.3168.3312](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3168.3312)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱/۲۰

هدف کلی پژوهش حاضر، مدل‌سازی عوامل موثر بر خودتوسعه‌ای مدیران ورزش کشور بود. جامعه آماری این تحقیق را تمامی روسا، نواب رئیس و دبیران فدراسیون‌های ورزشی کشور به تعداد ۲۰۴ نفر (۵۱ نفر رئیس، ۱۰۲ نفر نواب رئیس و ۵۱ نفر دبیر) تشکیل می‌دادند که نمونه آماری به صورت تمام‌شمار انتخاب شد. پس از توزیع پرسش‌نامه، تعداد ۱۹۲ پرسش‌نامه برگشت داده شد. در این تحقیق از یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته و برای تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی از روش آماری توصیفی استفاده گردید و از فراوانی، درصد و مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره‌گیری شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس. پی. اس. و اسمارت پی. ال. اس. نسخه ۳ استفاده شد. نتایج نشان داد عوامل سازمانی، عوامل فراسازمانی، عوامل فردی و مکانیسم‌های خودتوسعه‌ای بر خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور تاثیر مثبت معنادار دارد.

واژگان کلیدی: خودتوسعه‌ای، عوامل سازمانی، عوامل فراسازمانی، عوامل فردی و مکانیسم‌های خودتوسعه‌ای.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(نویسنده مسئول) E-mail: R_nikbakhsh@azad.ac.ir

^۳ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

در سازمان‌های امروزی علاقمندی زیادی جهت شناسایی کارکرد روان‌شناسی سازمانی در حوزه ورزش ایجاد شده است و این امر به طور خاص بر چگونگی به‌کارگیری دانش و مهارت‌های کسب شده و تسهیل توسعه سازمان‌های ورزشی در راستای ایجاد عملکرد بهینه متمرکز شده است (مولان^۱ و دیگران، ۲۰۲۱). در این راستا، سازمان‌های ورزشی در حال تبدیل شدن به محیط‌های اجتماعی پیچیده‌تر هستند که در آن طیف متنوعی از پرسنل (مانند مدیر، مربیان، کارکنان پشتیبانی) به منظور توسعه، آماده‌سازی و بهبود عملکرد تلاش می‌کنند (آرنولد^۲ و دیگران، ۲۰۱۹). بنابراین، سازمان‌ها و کارکنان در محیطی با تغییرات دائمی فعالیت می‌کنند. در واقع، در دنیای کار امروزی معمولاً سازمان‌ها نمی‌توانند به کارهایی که در گذشته انجام می‌دادند تکیه کنند و دائماً نیاز دارند قبل از اینکه رقیب دیگری صنعت و تجارت آن‌ها را مختل کند، خود را توسعه دهند. بنابراین، یکی از سازگاری‌هایی که سازمان‌ها برای مقابله با این چالش‌ها انجام می‌دهند، تأکید بیشتر بر برنامه‌های یادگیری و توسعه غیررسمی است. با تغییرات روزافزون در محل کار، سازمان‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که برنامه‌های آموزشی رسمی به اندازه کافی همه نیازهای توسعه کارکنان آنها را برطرف نمی‌کند (سیمونز^۳، ۲۰۱۷).

یکی از حوزه‌هایی که تأکید فزاینده بر توسعه غیررسمی نیز در آن صورت گرفته، توسعه مدیران است. برنامه‌های توسعه مدیر اساساً بر مداخلات آموزشی رسمی مانند آموزش کلاس درس و برنامه‌های چرخش شغلی برای افزایش ظرفیت رهبری مدیران تکیه دارند. با این حال، راه‌های مختلفی برای توسعه ظرفیت رهبری افراد وجود دارد (منصور^۴، ۲۰۲۱). یکی از شکل‌های جالب توجه توسعه غیررسمی مدیران، خودتوسعه‌ای^۵ است (سیمونز، ۲۰۱۷). خودتوسعه‌ای مدیریتی به فعالیتی اشاره دارد که رهبران برای توسعه ظرفیت رهبری خود بر عهده می‌گیرند (بیکه^۶ و دیگران، ۲۰۱۰). این شکل از توسعه احتمالاً غیررسمی‌ترین شکل است، زیرا یک رفتار فعالانه از سوی رهبران است و می‌تواند بدون سرمایه‌گذاری از سوی سازمان‌هایی که رهبران در آن کار می‌کنند رخ دهد. بنابراین، خودتوسعه‌ای مدیریتی به عنوان یک جایگزین مقرون به صرفه برای برنامه‌های آموزشی رسمی نامیده می‌شود که می‌تواند برای توسعه ظرفیت رهبری در سازمان‌ها مورد استفاده قرار گیرد. خودتوسعه‌ای مدیریتی را می‌توان به عنوان "فرایند توسعه مهارت‌ها و دانش خودراهبر و خودگردان" تعریف کرد که می‌تواند به دو مرحله تقسیم شود - درک خود^۷ و تغییر خود^۸ (نسبیت^۹، ۲۰۱۲). در حالی که مرحله اول به درک شکاف عملکرد مربوط می‌شود، فاز دوم با توانایی ایجاد تغییر خودگردان مرتبط است.

¹ Molan

² Arnold

³ Simmons

⁴ Munsoor & Munsoor

⁵ Self-development

⁶ Boyce

⁷ Self-understanding

⁸ Self-change

⁹ Nesbit

از سوی دیگر، هم سازمان‌ها و هم مدیران کاربرد خودتوسعه‌ای را در افزایش قابلیت‌ها و پتانسیل‌های مدیران درک می‌کنند. سازمان‌ها تشخیص می‌دهند که برای رقابت‌پذیری باید مدیران خود را ارتقا دهند و به یادگیری خودتوسعه‌ای روی آورند و کارمندانی که در فعالیت‌های خودتوسعه‌ای شرکت می‌کنند، مولدتر و اثربخشی بالاتری را از خود نشان می‌دهند (بیکه و دیگران، ۲۰۱۰). علاوه بر این، از آنجایی که مدیران امروزی در طول دوران حرفه‌ای خود بیشتر در سازمان‌های متعدد کار می‌کنند و سازمان‌ها را با سرعت بیشتری نسبت به گذشته تغییر می‌دهند، حفظ مهارت حرفه‌ای به یک مسئولیت شخصی بزرگ‌تر تبدیل می‌شود (مارکوف^۱ و دیگران، ۲۰۲۱). سازمان‌ها همچنین نقش مهمی در ارزیابی و حمایت از فعالیت‌های خودتوسعه‌ای مدیران دارند. فعالیت‌های خودتوسعه‌ای مدیران با کیفیت باید مرتبط با محتوا، فراگیرنده، چالش‌برانگیز، ساختارمند و متمایز باشد (وروس و راتوانی^۲، ۲۰۱۰). به طور کلی، پشتیبانی و منابع سازمانی می‌تواند به تبدیل مقاصد خودتوسعه‌ای مدیران به رفتارهای رشدی واقعی رهبر کمک کند (ریچارد^۳ و دیگران، ۲۰۱۷). بنابراین، خودتوسعه‌ای ماهیتاً بر اساس نظریات یادگیری است و مواردی چون بازتاب دستاوردها، شناسایی نقاط قوت و موارد قابل بهبود، هدف‌گذاری، تعیین مهارت‌ها، ثبت بازخوردها، برقراری ارتباط بین یادگیری با تمام زمینه‌های کاری و اقدام به پرورش قابلیت‌ها و شناسایی حوزه‌های نیازمند توسعه اقدامات و دستاوردها را شامل می‌شود (کهرودی و دیگران، ۱۴۰۰). تحقیقات مختلفی نقش خودتوسعه‌ای در حوزه مدیریت و رهبری را بررسی کرده‌اند. جیانگ^۴ و همکاران (۲۰۲۱) مدل خودتوسعه‌ای رهبران را با چهار شاخص اکتشاف‌کننده، تسهیل‌گر، آینده‌نگر و پیشرفت‌کننده توسعه داده‌اند. در حالی که مارکوف و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که سازمان‌ها از طریق فراهم ساختن زیرساخت‌ها از جمله مراکز خودتوسعه‌ای مدیران، محیط خودتوسعه‌ای مدیران، اطلاعات، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌توانند بر پیوند شغلی مدیران تاثیرگذار باشند. قمر ضیاء^۵ و همکاران (۲۰۲۱) عوامل فردی و زمینه‌ای را بر نتایج مثبت حاصل از خودتوسعه‌ای موثر دانسته‌اند. صحرائی بیرانوند و همکاران (۱۴۰۰) نیز نشان دادند که فرآیند خودتوسعه‌ای رهبران از طریق یکی از انواع خودتوسعه‌ای یعنی ساختاریافته، هدایت‌شده یا فردی و با استفاده از یکی از سازوکارهای خودتوسعه‌ای خودرهبری، خودمدیریتی، خودنظم‌دهی و خودراهنبری یادگیری شکل می‌گیرد. اما همانطور که از نتایج تحقیقات مذکور بر می‌آید از یک سو، این تحقیقات در سازمان‌های غیرورزشی بوده‌اند و عوامل گوناگونی در مدل خودتوسعه‌ای مدیران موثر بوده است که بومی‌سازی آن در سازمان‌های ورزشی مستلزم یک رویکردی جامع‌تر است و از سوی دیگر، برای شناسایی شاخص‌های مناسب‌تر و مطلوب‌تر برای مدیریت سازمان‌های ورزشی نیز یک شکاف تحقیقاتی وجود دارد- چرا که تاکنون تحقیقی در حوزه ورزش گزارش نشده است. علاوه بر این، در حوزه اجرایی به نظر می‌رسد مدیران سطح عالی کشور نیازمند توسعه و پیشرفت متناسب با شرایط به روز و متغیر ورزش هستند تا بتوانند در این حوزه متناسب با شرایط تصمیم‌سازی کنند و راهبردهای مطلوب‌تری را ارائه دهند. این امر در ورزش کشور چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد و این یکی از مهم‌ترین ابهاماتی

¹ Markov

² Orvis & Ratwani

³ Reichard

⁴ Jiang

⁵ Qamar Ziaa

است که مدیران ورزش کشور در راستای توسعه باید برطرف سازند. لذا محقق با در نظر گرفتن مطالب بیان شده در این تحقیق درصدد پاسخ به این سوال است:

مدل خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور چگونه می‌تواند باشد؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌سازی معادلات ساختاری است که از لحاظ هدف نیز جزو تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. داده‌های این تحقیق به صورت میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شد. تمامی روسا، نواب رئیس و دبیران فدراسیون‌های ورزشی کشور به تعداد ۲۰۴ نفر جامعه آماری را تشکیل می‌دادند (۵۱ نفر رئیس، ۱۰۲ نفر نایب رئیس و ۵۱ نفر دبیر) که نمونه آماری به صورت تمام‌شمار انتخاب شد. تعداد ۱۹۲ پرسش‌نامه برگشت داده شد. در این تحقیق از یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شد که شامل ۳۲ سوال بود و شرکت‌کنندگان از طریق لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) به گویه‌ها پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های توصیفی از روش آماری توصیفی استفاده شد و از این طریق فراوانی، درصد، محاسبه گردید. جهت تعیین طبیعی بودن توزیع داده‌ها از شاخص چولگی و کشیدگی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس و اسمارت پی‌ال‌اس نسخه ۳ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان نشان داد که از نظر وضعیت سنی بیشترین فراوانی به تعداد ۸۸ نفر به دامنه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال (حدود ۴۶ درصد) و کمترین فراوانی به تعداد ۲۴ نفر ۴۰ سال و کمتر (حدود ۱۲) تعلق داشت. از لحاظ وضعیت جنسیت، تعداد ۱۱۸ نفر مرد (حدود ۱۲ درصد) و تعداد ۷۴ نفر زن (حدود ۳۸ درصد) بودند. از لحاظ وضعیت تحصیلی، بیشترین فراوانی به تعداد ۸۹ نفر دکترا و کارشناسی ارشد (حدود ۴۶ درصد) و کمترین فراوانی به تعداد ۴۳ نفر دارای مدرک کارشناسی (حدود ۱۰ درصد) بودند.

طبق جدول ۱ می‌توان مشاهده کرد که پرسش‌نامه‌های تحقیق به ترتیب دارای واریانس ۰/۶۹، ۰/۶۱، ۰/۷۱، ۰/۷۸ و ۰/۶۷ هستند و از وضعیت مطلوبی برخوردار می‌باشند. هم‌چنین، پایایی ترکیبی (ضریب دیلون - گلدشتاین) نیز به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۱، ۰/۸۳، ۰/۷۵ و ۰/۸۰ به دست آمد که از ملاک ۰/۷۰ بالاتر می‌باشد و نشان‌دهنده قابل قبول بودن آن می‌باشد. هم‌چنین، پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۶، ۰/۷۰، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ به دست آمد که حاکی از مطلوب بودن آن‌هاست.

جدول ۱: ضرایب رگرسیونی

میانگین واریانس مستخرج Mean variance extracted (AVE)	پایایی ترکیبی Composite reliability	آلفای کرونباخ rho_A Cronbach's alpha	سازه‌ها (Constructs)
۰/۶۹	۰/۷۹	۰/۷۸	خودتوسعه‌ای (Self-development)
۰/۶۱	۰/۸۱۰	۰/۷۳	عوامل سازمانی (Organizational factors)
۰/۷۱	۰/۸۳	۰/۷۰	عوامل فراسازمانی (Extra-organizational factors)
۰/۷۸	۰/۷۵	۰/۷۵	عوامل فردی (Individual factors)
۰/۶۳	۰/۸۴	۰/۷۱	مکانیسم‌های خودتوسعه‌ای (Self-development mechanism)

Table1: Regression Coefficients

هم‌چنین برای بررسی برازش مدل از شاخص GOF استفاده می‌شود. برای به‌دست آوردن برازش مدل در ابتدا باید مقدار اشتراکی متغیر وابسته (خودتوسعه‌ای) را (۰/۶۹۰) و سپس مقدار ضریب تعیین متغیر وابسته (خودتوسعه‌ای) (۱/۰۰) را در نظر گرفت و سپس این مقادیر را در فرمول زیر گذاشت. در نتیجه مقدار شاخص GOF برابر است با ۰/۸۳۰ که این عدد با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، و ۰/۴۱ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF، حاکی از برازش کلی قوی می‌باشد.

$$GOF = \sqrt{Communalities \times Rsquare}$$

$$GOF = \sqrt{0.690 \times 1.00} =$$

$$GOF = \sqrt{0.690}$$

$$GOF = 0.830$$

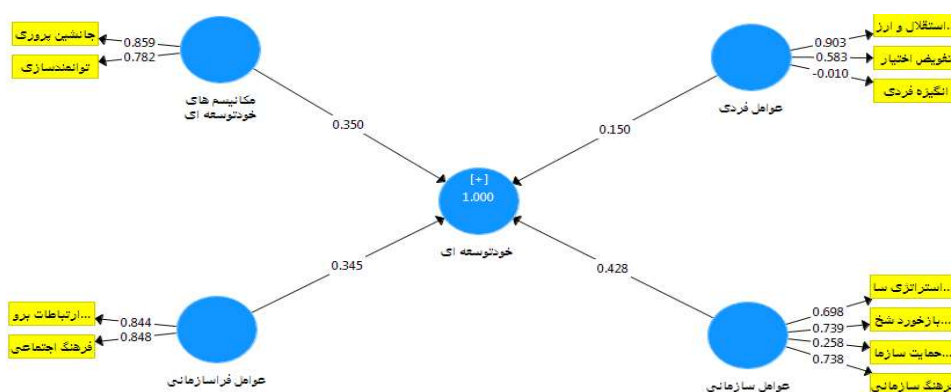
نتایج جدول ۱، وزن‌های رگرسیونی استاندارد شده مدل را نشان می‌دهد. براساس نتایج، می‌توان گفت با توجه به ضریب رگرسیونی ۰/۴۲ و نسبت بحرانی ۷/۵۱ که خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارد (بر اساس قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا -۱/۹۶ هر پارامتر مدل)، و هم‌چنین سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ می‌توان گفت که عوامل سازمانی بر خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور تاثیر مثبت معنادار دارد. همچنین، با توجه به ضریب رگرسیونی ۰/۳۴ و نسبت بحرانی ۵/۲۲ که خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارد (بر اساس قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا -۱/۹۶ هر پارامتر مدل) و

هم‌چنین سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ می‌توان گفت که عوامل فراسازمانی بر خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور تاثیر مثبت معنادار دارد. علاوه بر این، با توجه به ضریب رگرسیونی ۰/۱۵ و نسبت بحرانی ۲/۰۶ که خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارد (بر اساس قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا ۱-۱/۹۶ هر پارامتر مدل) و هم‌چنین سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ می‌توان گفت که عوامل فردی بر خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور تاثیر مثبت معنادار دارد. با توجه به ضریب رگرسیونی ۰/۳۵ و نسبت بحرانی ۶/۶۸ که خارج از بازه $\pm 1/96$ قرار دارد (بر اساس قاعده خطای پنج درصد در ناحیه رد فرض صفر برای مقادیر خارج بازه ۱/۹۶ تا ۱-۱/۹۶ هر پارامتر مدل) و هم‌چنین سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ می‌توان گفت که مکانیسم‌های خودتوسعه‌ای بر خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور تاثیر مثبت معنادار دارد.

جدول ۲: ضرایب رگرسیونی

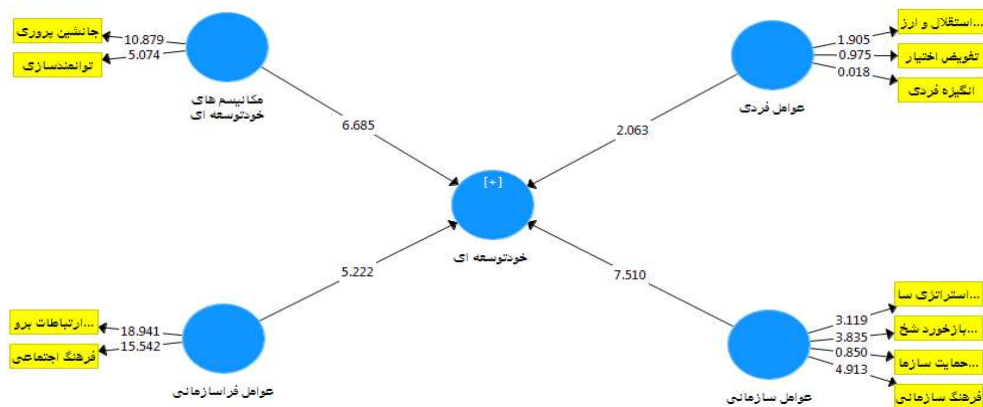
متغیرهای تحقیق Variables	ضرایب رگرسیونی Beta	آماره تی t-value	سطح معنی- داری Sig
عوامل سازمانی -> خودتوسعه‌ای Organizational factors----> Self-development	۰/۴۲۸	۷/۵۱۰	۰/۰۰۱
عوامل فراسازمانی -> خودتوسعه‌ای Extra-organizational ----> Self-development	۰/۳۴۵	۵/۲۲۲	۰/۰۰۱
عوامل فردی -> خودتوسعه‌ای Individual factors ----> Self-development	۰/۱۵۰	۲/۰۶۳	۰/۰۰۱
مکانیسم‌های خودتوسعه‌ای -> خودتوسعه‌ای Self-development mechanism ----> Self-development	۰/۳۵۰	۶/۶۸۵	۰/۰۰۱

Table1: Regression Coefficients



شکل ۱: مدل در حالت تخمین ضرایب استاندارد

Model in standard coefficient estimation mode



شکل ۲: مدل نهایی تحقیق در حالت معناداری (مقدار t)

The final research model in meaningful mode – value (t)

بحث و نتیجه گیری

هدف کلی پژوهش حاضر، طراحی مدل خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که مکانیسم‌های خودتوسعه‌ای بر خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور موثر است. این بدان مفهوم است که وقتی در سازمان‌های ورزشی تعیین شایستگی‌های شغلی مورد نیاز برای آینده مدیریتی، آموزش و پرورش، نیاز به دانش و آموزش لازم را برای مدیران و کارکنان، تربیت نیروهای متخصص برای آینده، مشخص شدن مسیر پیشرفت شغلی، به روزرسانی دانش تخصصی هر شغل، پویا بودن شرح وظایف و مسئولیت‌های مدیران ورزشی، فراهم ساختن زیرساخت فناوری برای فعالیت‌های علمی و پژوهشی، تعیین جایگاه آموزش از لحاظ قوانین و مقررات، ایجاد ارتباط با آموزش و پیشرفت شغلی، فراهم ساختن فرصت‌های ارتباطاتی بیشتر جهت کسب دانش و تخصص بیشتر، برنامه‌های آموزشی رسمی و تشویق کارکنان فعال انجام شود، در واقع این سازمان علاقمند و تمایل به توسعه مدیران دارد. در این راستا، یافته‌های پژوهش سرشار و همکاران (۱۴۰۰) حاکی از تاثیر راهبردهای خودتوسعه‌ای بر خودتوسعه‌ای بود. بنابراین، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق سرشار و همکاران (۱۴۰۰) همسو است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که عوامل سازمانی بر خود توسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور موثر است. از دیدگاه شرکت‌کنندگان در این تحقیق عواملی نظیر راهبردهای هدفمند، تعیین چشم‌انداز و آینده شغلی جهت ایجاد انگیزه و علاقمندی، چشم‌انداز سازمانی، داشتن راهبرد سازمانی، کار تیمی، مدیریت منابع انسانی، اعتماد به سازمان، ساختار سازمانی منعطف، حمایت از افراد متخصص و خبره ورزشی، حمایت روانی، حمایت ساختاری، حمایت و فراهم کردن شرایط برای توسعه دانش تخصصی و فرهنگ سازمانی می‌تواند بر خودتوسعه‌ای مدیران سازمان‌های ورزشی کشور موثر واقع شوند. این بدان مفهوم است که از دیدگاه شرکت‌کنندگان در این تحقیق اگر سازمان‌های ورزشی در ایران بتوانند در برنامه‌های راهبردی و چشم‌اندازی که برای ورزش تدوین می‌کنند بخش مدیریت ورزش کشور را در دو بخش مدیران فعال و مدیران آینده به سمت و سوی خودتوسعه‌ای هدایت کنند و از مدیران حمایت کنند و برنامه‌های حمایتی برای مدیران ارائه دهند، در این حالت مدیران در واقع توانمندتر شده و

خودشان را توسعه می دهند. در این راستا، کهرودی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که عوامل سازمانی (فرهنگ سازمانی، حمایت سازمانی، عدالت سازمانی و تعهد سازمانی از عوامل موثر بر خودتوسعه‌ای اعضای هیئت علمی است. یافته‌های پژوهش سرشار و همکاران (۱۴۰۰) حاکی از شناسایی توسعه سازمانی به عنوان یکی از راهبردهای خودتوسعه‌ای بود. بنابراین، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق کهرودی و همکاران (۱۴۰۰) و سرشار و همکاران (۱۴۰۰) همسوست.

یافته‌های دیگر نشان داد که عوامل فراسازمانی بر خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور موثر است. از دیدگاه شرکت‌کنندگان در این تحقیق مفاهیمی نظیر ارتباطات با دنیای بیرونی، الگوبرداری از سایر سازمان‌های ملی و بین‌المللی، تأثیرات سازمان‌های برتر بیرونی، مراودات و همکاری با سازمان‌های بیرونی و بین‌المللی، عدم تمایل برخی از مدیران ورزش به بهبود توانمندی کارکنان، محیط و شرایط جامعه، نحوه تربیت افراد در محیط خانوادگی، هنجارها و فرهنگ جامعه می‌توانند به عنوان عواملی فراسازمانی باشند که مدیران را به خودتوسعه‌ای سوق دهند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد وقتی مدیران ورزش به منظور همکاری و تعامل و حتی رقابت با سایر سازمان‌ها بتوانند در سطح بالاتری حضور داشته باشند نیاز مبرمی به خودتوسعه‌ای دارند تا بتوانند شرایط موجود ورزش را به نحوه مطلوب مدیریت کنند. در این راستا، کهرودی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که عوامل سازمانی (فرهنگ سازمانی، حمایت سازمانی، عدالت سازمانی و تعهد سازمانی) از عوامل موثر بر خودتوسعه‌ای اعضای هیئت علمی است. یافته‌های پژوهش سرشار و همکاران (۱۴۰۰) حاکی از شناسایی فراسازمانی به عنوان یکی از راهبردهای خودتوسعه‌ای بود. قمر ضیاء و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان داد که عوامل فردی و زمینه‌ای بر نتایج مثبت حاصل از خودتوسعه‌ای تأثیر مثبت معنادار دارد. بنابراین، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق کهرودی و همکاران (۱۴۰۰) و سرشار و همکاران (۱۴۰۰) و قمر ضیاء و همکاران (۲۰۲۱) همسوست.

نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که عوامل فردی بر خودتوسعه‌ای در مدیریت کلان ورزش کشور موثر است. براساس دیدگاه‌های افراد شرکت‌کننده در این تحقیق احساس ارزشمندی در سازمان، استقلال و آزادی عمل، حس استقلال در سازمان، خودشکوفایی، ویژگی‌های فردی، انطباق‌پذیری، انگیزه شغلی، توسعه دانش فردی، تفویض اختیار، احساس نیاز اختیاری به نوآوری شغلی و بلوغ ذهنی می‌تواند منجر به بهبود خودتوسعه‌ای در افراد شود. این بدان مفهوم است که وقتی مدیران و کارکنان در سازمان‌های ورزشی خودشان را به عنوان فردی موثر قلمداد کنند و از اختیار و قدرت عمل کافی برخوردار باشند و بتوانند با انگیزه بیشتر و اختیارات کافی برای ایجاد نوآوری در فرآیند مدیریت و تصمیم‌گیری‌ها عمل کنند، به خودتوسعه‌ای دست یافته‌اند. در این راستا، کهرودی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که عوامل فردی (خودکارآمدی، درگیری شغلی، انگیزش شغلی، تعهد حرفه‌ای، نیاز به موفقیت، مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی روان‌شناختی، تاب‌آوری شغلی، خودشکوفایی، پایگاه اقتصادی/اجتماعی و سرمایه فرهنگی) از عوامل موثر بر خودتوسعه‌ای اعضای هیئت علمی است. یافته‌های پژوهش سرشار و همکاران (۱۴۰۰) هم حاکی از شناسایی توسعه فردی به عنوان یکی از راهبردهای خودتوسعه‌ای بود. گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که خودآگاهی بر خودتوسعه‌ای تأثیرگذار است. قمر ضیاء و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که عوامل فردی بر خودتوسعه‌ای تأثیر مثبت

معنادار دارد. بنابراین، یافته‌های این بخش از پژوهش با نتایج تحقیق کهرودی و همکاران (۱۴۰۰) و سرشار و همکاران (۱۴۰۰)، قمر ضیاء و همکاران (۲۰۲۱) و گودرزی و همکاران (۱۳۹۸) همسوست.

براساس یافته‌های حاصل از این تحقیق پیشنهاد می‌شود مدیران عالی ورزش کشور در دوره‌های بین‌المللی مدیریت ورزشی از جمله دوره‌های المپیک سولیداریتی شرکت کنند. سازمان‌های ورزشی تسهیلات ویژه‌ای برای شرکت در دوره‌ها و کارگاه‌های تخصصی برای مدیران و کارکنان ارائه دهند. حضور و گواهی دوره‌های تخصصی را به عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد قرار دهند. پیشنهاد می‌شود مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی وزارت ورزش و جوانان دوره‌های تخصصی کاربردی مدیریت ورزشی را برای مدیران ورزش کشور برگزار نماید.

منابع

- سرشار، نیما؛ مختاری بایع کلایی، مهران و کیاکچوری، داوود. (۱۴۰۰). «توسعه منابع انسانی با طراحی الگوی رفتار خود توسعه‌ای». نظارت و بازرسی. ۱۵(۵۵)، صص ۴۷-۷۰.
- صحرایی بیرانوند، مهدی؛ خراسانی، اباصلت؛ خیاطیان یزدی، محمدصادق و شمس مورکانی، غلامرضا. (۱۴۰۰). «ارائه الگوی خودتوسعه‌ای رهبران: سنتزپژوهی پژوهش‌ها». آموزش و توسعه منابع انسانی. ۲۸(۸)، صص ۱۳۷-۱۶۷.
- کهرودی، زهرا؛ ایران‌نژاد، پریرسا و جهانیان، رمضان. (۱۴۰۰). «ارزیابی و شناسایی عوامل موثر بر خودتوسعه‌ای اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان‌های مازندران، گیلان و گلستان و ارائه الگوی بهینه آن». خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت. ۱۲(۴۱)، صص ۹۷-۱۱۱.
- گودرزی، محمدعلی؛ مزاری، ابراهیم و خبار، کبری. (۱۳۹۸). «نقش واسطه‌ای خودتوسعه‌ای در رابطه خودآگاهی و عملکرد شغلی». مدیریت فرهنگ سازمانی. ۱۷(۱)، صص ۵۳۱-۵۴۷.
- Arnold, Rachel; Collington, Sam; Manley, Hannah; Rees, Samuel; Soanes, James; & Williams, Matthew. (2019). "The Team Behind the Team: Exploring the Organizational Stressor Experiences of Sport Science and Management Staff in Elite Sport". Journal of Applied Sport Psychology, 31(1), 7-26. <https://doi.org/10.1080/10413200.2017.1407836>
- Boyce, Lisa A.; Zaccaro, Stephen J.; & Wisecarver, Michelle Zazanis. (2010). "Propensity for self-development of leadership attributes: Understanding, predicting, and supporting performance of leader self-development". The Leadership Quarterly, 21(1), 159-178. <https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2009.10.012>
- Jiang, Xueting; Xu, Sen; Houghton, Jeffery D.; & Kulich, Steve J. (2021). "Leader self-development: Why do people develop themselves as leaders?" Business Horizons, 64(2), 239-248. <https://doi.org/10.1016/j.bushor.2020.12.002>
- Markov, Denis; Markova, Nina; & Chernovalova, Galina. (2021). "Impact of information-infrastructure mechanism of self-development management at industrial enterprises on employee engagement: empirical evidence". (N. Akatov & K. Antipyev, eds.), SHS Web of Conferences, 116, 20. <https://doi.org/10.1051/shsconf/202111600020>
- Molan, Conor; Arnold, Rachel; Kelly, Seamus; Toomey, Elaine; & Matthews, James. (2021). "An exploration of performance management processes used within Olympic sport programmes". Journal of Applied Sport Psychology, 0(0), 1-21. <https://doi.org/10.1080/10413200.2021.1894506>
- Munsoor, Mohamed Safiullah; & Munsoor, Mohamed Safiullah. (2021). "Spiritual Leadership and Self-Development Model". In *Wellbeing and the Worshipper* (Vol. 7, pp. 241-321). Springer International Publishing.
- Nesbit, Paul L. (2012). "The Role of Self-Reflection, Emotional Management of Feedback, and Self-Regulation Processes in Self-Directed Leadership Development". Human Resource Development Review, 11(2), 203-226. <https://doi.org/10.1177/1534484312439196>

- Orvis, Karin A.; & Ratwani, Krista Langkamer. (2010). **“Leader self-development: A contemporary context for leader development evaluation”**. The Leadership Quarterly, 21(4), 657-674. <https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2010.06.008> •
- Qamar Zia, Muhammad; Naveed, Muhammad; Iqbal, Asif; & Ghauri, Shagufta. (2021). **“Predictors and outcomes of self-directed development: an investigation of individual and contextual factors”**. International Journal of Training Research, 1-20. <https://doi.org/10.1080/14480220.2021.1991834> •
- Reichard, Rebecca J.; Walker, Dayna O.; Putter, Stefanie E.; Middleton, Eric; & Johnson, Stefanie K. (2017). **“Believing Is Becoming: The Role of Leader Developmental Efficacy in Leader Self-Development”**. Journal of Leadership & Organizational Studies, 24(2), 137-156. <https://doi.org/10.1177/1548051816657981> •
- Simmons, Mathias. (2017). **“Leader self-development: an emerging strategy for building leadership capacity”**. Kansas State University. •

مطالعه تاثیر سبک زندگی ورزش محور بر سلامت اجتماعی و روان زنان

غلامرضا تاج بخش^۱



[10.22034/ssys.2024.3216.3348](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3216.3348)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

سبک زندگی ورزش محور، یکی از مفاهیم مهم حوزه علوم انسانی به خصوص جامعه‌شناسی ورزش می‌باشد. بررسی وضعیت سبک زندگی افراد جامعه به‌ویژه زنان در جامعه ایرانی با توجه به قرار گرفتن جامعه ایران در جریان گذار و فرایند مدرنیزاسیون ضروری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت تأثیر سبک زندگی ورزش محور زنان بر سلامت اجتماعی و روان زنان انجام شد. این پژوهش با روش کمی و رویکرد پیمایشی صورت گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان شهرستان بروجرد بود که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی و با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته، داده‌های مربوط به آن جمع‌آوری شد. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار سمپل پاور ۲۵۰ نفر تخمین زده و برای اعتبار و پایایی پژوهش از نظر متخ‌صصان و آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس. پی. اس. ۲۶ و آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، آزمون تی، آنالیز واریانس و رگرسیون چندمتغیره بهره‌گیری شد. همچنین برای مدل معادله ساختاری پژوهش از نرم‌افزار ایموس گرافیک ۲۴ استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه دو متغیر سبک‌زندگی ورزش محور و سلامت اجتماعی زنان شهرستان بروجرد در سطح متوسط معنادار است و برای متغیر سلامت روان زنان این شهرستان رابطه ضعیف معنادار، اما معکوسی دارد. از سوی دیگر، نتایج رگرسیون چندمتغیره پژوهش حکایت از اثرگذاری ابعاد حمایت بین‌فردی، خودشکوفایی و مسئولیت‌پذیری بر متغیرهای وابسته سلامت اجتماعی و سلامت روانی زنان دارد. همچنین متغیر مستقل سبک‌زندگی ورزش محور با ۵۵/۰ درصد از واریانس متغیر سلامت اجتماعی و ۳۵/۰ درصد از واریانس متغیر سلامت روان شهرستان بروجرد را تبیین می‌کند. در نهایت مدل‌سازی معادله ساختاری پژوهش نیز نشان داد که مدل پژوهش از برازش خوبی برخوردار است و داده‌های تجربی این پژوهش از مدل نظری پژوهش حمایت می‌کند. سبک‌زندگی ورزش محور به مثابه یک پدیده چندعلیتی و چندبعدی، منبع ارزشمندی برای ارتقای سلامت جسم و روان و بهبود کیفیت زندگی بانوان است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی ورزش محور، سلامت اجتماعی، سلامت روان و بروجرد.

^۱ استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران. E-mail: Tajbakhsh@abru.ac.ir

مقدمه

سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارهای روزمره فرد در زندگی می‌باشد که این رفتارها با همدیگر انسجام نسبی دارند. به عقیده گیدنز، کشف و شناخت رفتار منظم و همچنین الگوهای رفتاری که توسط افراد جامعه انتخاب و اجرا شده است و کنش افراد را در عمل به آنها کنترل می‌کند، همان سبک زندگی است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۷۷). سبک زندگی دارای ابعاد گوناگونی است که یکی از مهمترین آنها بعد ورزش محور است. سبک زندگی ورزش محور شامل ابعاد مختلفی از زندگی افراد می‌باشد و نه تنها سلامت روان، بلکه بر سلامت اجتماعی نیز تأثیرگذار است. سبک زندگی ورزش محور ناظر بر توانمندسازی افراد برای افزایش کنترل و در دست گرفتن عوامل مرتبط با سلامت و در نتیجه ارتقای سلامت آنهاست. بنابراین انتخاب نوع سبک زندگی و رفتارهای مربوط به آن نقش مهمی در سلامت افراد دارد و می‌تواند بر وضعیت بهزیستی و سلامت جسمانی، سلامت روانی و ذهنی و در نهایت سلامت اجتماعی آنها مؤثر باشد. سبک زندگی ارتقادهنده سلامت ابعاد مختلفی از جمله مدیریت استرس و مدیریت بدن، مسئولیت‌پذیری و کنترل روابط بین فردی، سبک غذایی و رشد معنویات افراد را در بر می‌گیرد. ارتقای سبک زندگی سلامت محور، یکی از عوامل اصلی در فرایند توسعه اجتماعی است، زیرا سلامت جسمانی، روانی، فردی و اجتماعی افراد در جامعه نیرومحرکه و عامل اصلی رشد و توسعه جوامع به شمار می‌رود. (پارسامهر و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷) در صورت وجود سلامت در فرد و جامعه فعالیت‌ها به صورت درست و کامل صورت می‌گیرد و حالت برعکس آن نیز وجود دارد؛ یعنی در صورت عدم وجود سلامت در فرد و جامعه که از یک سبک زندگی نادرست سرچشمه می‌گیرد، علاوه بر بیماری‌های مختلف در فرد باعث شکل‌گیری آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و ... می‌شود. (صباغ و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹)

نوریت الیاس، ورزش را کلید شناخت جوامع برمی‌شمارد و آن را مدخلی برای تحلیل ساختارهای حاکم بر جامعه می‌داند. به زعم وی، در بیشتر جوامع به‌طور متعارف فعالیت‌های ورزشی با مردان تعریف شده و به تبع آن امکانات ورزشی نیز در اختیار آنها قرار گرفته است. ورزش اساساً فعالیتی مبتنی بر جنسیت است. ورزش، ورزشکار و حتی تماشاچی اغلب امری مردانه تلقی می‌شود و حتی منحصر به گروه خاصی از مردان بوده است (قادرزاده و حسینی، ۱۳۹۴: ۳۱۰). همچنین ورزش به‌عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی در سال‌های اخیر یکی از جذاب‌ترین موضوعات در جهان بوده است. این پدیده در زندگی بسیاری از مردم جهان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نقش به‌سزایی داشته و ازجمله فعالیت‌های مهم انسانی است که تقریباً هیچ جامعه بشری را نمی‌توان یافت که در آن ورزش به‌گونه‌ای وجود نداشته باشد. در سال‌های اخیر جذابیت مسابقات ورزشی موجب افزایش محبوبیت ورزش در جوامع و ارتباط بین ورزش و رسانه‌ها شده است (زردشتیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴).

در جامعه امروزی، تأکید فرهنگی اجتماعی بسیاری بر روی جذابیت و تناسب جسمانی وجود دارد. هنجارهای اجتماعی درباره زنان به نسبت بیشتری بر جذابیت جسمانی تأکید دارد. در چند دهه اخیر، تناسب‌انداز معیار زیبایی زنان شده است. آنچه به لحاظ اجتماعی تصویری مطلوب از بدن تعریف می‌شود، بر لاغری اندام و

تناسب جسمانی دلالت دارد (پوپ و همکاران، ۲۰۰۰).

باآنکه زنان گرایش بالایی به سایر روش‌های مدیریت بدن مانند رژیم غذایی، مصرف مواد آرایشی و بهداشتی، داروهای افزایش و کاهش وزن و جراحی‌های زیبایی دارند، اما با توجه به‌وقت‌گیر بودن، گران بودن و عوارض جانبی این روش‌ها، امروزه ورزش و فعالیت جسمی به‌منزله یکی از روش‌های درمانی مدیریت بدن بیشتر موردتوجه زنان قرارگرفته است؛ به‌گونه‌ای که امروز می‌توان از پدیده کنش ورزشی زنان سخن به میان آورد. توجه به بدن در جوامع معاصر روندی فزاینده داشته است تا جایی که محققانی چون ترنر^۱ (۱۹۹۲) سخن از نوعی چرخش اجتماعی به میان می‌آورند و جامعه معاصر را «جامعه جسمانی» می‌نامند.

ازنظر ترنر، «بدن به‌مثابه یک پروژه» امکانی است که دیگر مخصوص نخبگان یا فرهنگ بورژوازی نیست و اکنون این امکان بر روی همگان گشوده شده است (ترنر، ۱۹۹۶: ۱۳). در این پروژه، بدن موجودیتی همواره در حال شدن است و بخشی از فرایند همیشگی هویت‌یابی فرد محسوب می‌شود. نمونه بارز از بدن به‌مثابه پروژه، توجه بی‌سابقه و فراگیری است که افراد به‌سلامتی و بر ساختن بدن‌های سالم می‌کنند (شیلینگ، ۲۰۰۳: ۵).

بنابر گزارش کارشناسان حوزه سلامت در سال‌های اخیر، کاهش سلامت عمومی حاصل از سبک زندگی و شیوع بیماری‌های مختلف جسمانی و روانی در شهرستان بروجرد کاملاً مشهود، ملموس و عینی بوده و این امر باعث توجه محققان به سبک زندگی ورزش‌محور گردیده است، زیرا بی‌توجهی به سلامت جسمانی و روانی زنان، اهداف سبک زندگی و روابط و مناسبات اجتماعی را تحت شعاع خود قرار داده و این عوامل بر فضای رفتارهای مبتنی بر زندگی سالم تأثیر می‌گذارند. از این رو، بررسی تأثیرات سبک زندگی ورزش‌محور بر سلامت اجتماعی و روان زنان به‌واسطه تأثیرگذاری آن بر دیگر ابعاد زندگی، امری ضروری و مهم به شمار می‌رود. بنابراین هدف اصلی تحقیق همین موضوع می‌باشد و سوال اصلی پژوهش حاضر این است:

آیا سبک زندگی ورزش‌محور بر سلامت اجتماعی و روان زنان شهرستان بروجرد اثرگذار است؟

مروری بر متون

تاج‌بخش و احمدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر سبک‌زندگی سلامت‌محور» با استفاده از روش پیمایش و حجم نمونه ۳۸۴ نفر از جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال شهر همدان که به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شده‌اند، به این نتیجه رسیدند که الگوی ورزشی، سرمایه اجتماعی، مصرف فرهنگی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر سبک‌زندگی سلامت‌محور اثرگذار است.

شریبتیان و شادلو (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه سرمایه فرهنگی با سبک‌زندگی سلامت‌محور(مورد مطالعه: زنان بالای ۲۰ تا ۴۸ سال شهر دامغان)» با بهره‌گیری از روش پیمایش و حجم نمونه ۴۰۰ نفر از زنان دامغان که به روش خوشه‌ای و تصادفی انتخاب شده‌اند، به این نتیجه رسیدند که سرمایه فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با سبک‌زندگی سلامت‌محور زنان شهر دامغان دارد.

ریواده و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی را باهدف ارائه مدل و تبیین راهکارهای همگانی شدن ورزش بانوان انجام دادند. نتایج نشان داد توسعه ورزش در بین بانوان نیازمند بهبود باورهای اجتماعی، نگاه عادلانه و منصفانه در هیئت‌ها، حس ورزش‌خواهی بانوان و اجرای طرح‌های انگیزشی است.

زائری اصفهانی (۱۴۰۰) در تحقیق خود با عنوان «نقش ورزش در سلامت روان زنان» نشان داد ورزش ایروبیکی نه تنها سلامت جسمی را افزایش می‌دهد، بلکه شامل اثرات روانی واضح نیز می‌شود.

جوانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی فرهنگ مصرف ورزش زنان مبتنی بر نظریه فرهنگ مصرف‌کننده» ۴ بعد و ۲۶ گزاره را به‌عنوان ابعاد تأثیرگذار فرهنگ مصرف ورزش شناسایی و مورد بررسی قرار داد. بعد اول، سبک زندگی، بعد دوم و سوم به ترتیب زیبایی‌شناختی و رهایی‌بخشی و درنهایت چهارمین بعد حاصل از این پژوهش بعد اجتماعی- اقتصادی فرهنگ مصرف ورزش بود.

عزیزی و خسروزاده (۱۴۰۰) در پژوهش خود با عنوان «واکاوی شکل‌گیری و رشد ورزش زنان در عصر رضا شاه» دریافتند که به دنبال روی کار آمدن رضاشاه، ورزش هم مانند بس- بیاری دیگر از پدیده‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و در این میان، هم‌سو با ضرورت تغییر موقعیت اجتماعی زنان، لزوم توجه به ورزش بانوان در جهت سلامت جسم و روان آنان نیز مطرح شد.

بورایتا^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «عادات سبک‌زندگی، شاخص‌های سلامت و عوامل جمعیت‌شناختی مرتبط با کیفیت زندگی مرتبط با سلامت و عزت‌نفس در نوجوانان» به بررسی نسبت سبک‌زندگی با شاخص‌هایی چون بهداشت و سلامت در میان ۷۶۱ دانشجو پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین سبک‌زندگی و سلامت اجتماعی و بهداشت روانی رابطه معناداری وجود دارد.

پیلا^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص سبک‌زندگی سالم و ریسک بیماری‌های قلبی و عروقی» با حجم نمونه ۴۰۱۱۸ شرکت‌کننده زن که به روش پیمایشی مورد بررسی قرار گرفتند به این نتیجه رسیدند که سبک‌زندگی سالم و سلامت‌محور به طور قابل توجهی بر کاهش ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی در میان زنان کمک می‌کند.

گلندینینگ^۳ و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با عنوان «سبک‌زندگی، بهداشت و طبقه اجتماعی در حال بلوغ» به بررسی رابطه سبک‌زندگی و سلامت اجتماعی در نوجوانان ۱۷ تا ۱۸ ساله در کشور اسکاتلند پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عواملی چون خانواده، مدرسه و گروه همسالان در انتخاب نوع سبک‌زندگی و ایجاد سلامت اجتماعی در میان نوجوانان این کشور اثرگذار هستند.

¹ Boraita

² Peila

³ Glendinning

روین و استیب^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «ساختن یک تعهد سلامت‌محور به وسیله سبک‌زندگی سالم: تحلیل انتقادی برنامه‌های درسی فعلی در آلمان» به بررسی این موضوع پرداختند که ورزش نقش مهمی در سلامت دانش‌آموزان آلمانی دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نوعی گرایش در کاهش سبک‌زندگی ورزشی و سلامت‌محور در میان دانش‌آموزان آلمانی به واسطه برنامه‌های درسی به وجود آمده که ممکن است سلامت و بهداشت آنها را به خطر بیندازد.

سافونومو همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای با عنوان «اگر تحت کنترل هستید، چگونه می‌توانید از ورزش لذت ببرید؟ توسعه سبک‌زندگی ورزشی در میان جوانان و خودسازماندهی» با بررسی این مسئله که سبک‌زندگی ورزش‌محور چگونه بر هویت جوانان اثرگذار است، نشان دادند که توسعه سبک‌زندگی ورزش‌محور در میان جوانان علاوه بر سلامت فردی و اجتماعی به تکامل هویت جوانان نیز کمک می‌کند.

گیلکریست و ویتون^۲ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «فوائد اجتماعی ورزش‌های غیررسمی و سبک‌زندگی: یک دستور کار تحقیقاتی» به این نتیجه رسیدند که درک ورزش از دریچه منافع اجتماعی به یکی از پایه‌های اصلی سیاست ورزشی تبدیل شده است. انبوهی از تحقیقات در نظر گرفته‌اند که چگونه ورزش به دستیابی به فضای اجتماعی گسترده‌تر کمک می‌کند. مزایای سبک‌زندگی ورزش‌محور، از جمله بهبود سلامت و رفاه، رضایت از زندگی، کاهش جرم و جنایت، انسجام جامعه و کنشگری، نظارت بر محیط زیست، پیشرفت تحصیلی، کار مشارکت در بازار، نوسازی مدنی و بازآفرینی شهری به توسعه می‌انجامد.

گیلکریست و اُسبورن^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «خطرات و فوائد در سبک‌زندگی ورزشی: پارکور، قانون و ارزش اجتماعی» به مطالعه سبک‌زندگی افراد که به ورزش پارکور علاقه دارند در بریتانیا پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که هر چند به لحاظ قانونی ورزش پارکور مانعی ندارد، اما ممکن است انجام چنین ورزشی و اتخاذ چنین سبک‌زندگی ورزش‌محوری برای سلامت افراد علاقه‌مند به این ورزش مشکلاتی را ایجاد کند.

با بررسی پیشینه‌های یاد شده می‌توان این‌گونه تبیین نمود که محتوای مربوط به پیشینه پژوهش، شامل مقاله‌های مختلفی است که هر یک از آنها مباحث متنوعی را در مورد مسئله پژوهش به خود اختصاص داده‌اند. این مباحث از بعضی جهات دارای نکات مثبت و مهمی هستند، زیرا هرکدام از آنها به موضوعات و مباحث مختلفی در مورد آثار سبک‌زندگی سلامت‌محور و ورزش‌محور اشاره دارند. این پژوهش‌ها به لحاظ روشی تقریباً همگی به روش کمی انجام شده‌اند، اما نسبت سبک‌زندگی ورزش‌محور با سلامت اجتماعی و سلامت روان را نادیده انگاشته‌اند. از سوی دیگر مطالعه در مورد زنان نیز اندک بوده است، از این جهت می‌توان ادعا نمود که پژوهش حاضر قصد دارد کاستی‌های مطالعات پیشین را از برخی جهات مورد بررسی قرار دهد و جبران نماید.

¹ Ruin and Stibbe

² Gilchrist and Wheaton

³ Gilchrist and Osborn

چارچوب نظری پژوهش

در این بخش از پژوهش تلاش می‌شود که مبانی نظری مربوط به مفاهیم و متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گیرد. سبک زندگی، یکی از مفاهیم مهم و پرکاربرد در حوزه علوم انسانی به‌ویژه جامعه‌شناسی می‌باشد. از این مفهوم نیز تعاریف زیادی به عمل آمده است، اما در تعریفی جامع و منسجم می‌توان گفت «سبک زندگی به معنای شیوه سازماندهی زندگی برای ارضای نیازها و خواسته‌ها با به‌کارگیری مجموعه‌ای از رفتارها می‌باشد. وجود سبک زندگی از طریق چگونگی صرف زمان، گذراندن اوقات فراغت، انتخاب کالاهای مصرفی، علائق و ترجیحات و نظایر آن صورت می‌گیرد» (توکلی و شاهزائی، ۱۳۹۶: ۲۱۰).

مفهوم سبک زندگی برای اولین بار در اندیشه‌های ماکس وبر^۱ مطرح شد. این مفهوم به عنوان ابزار مهمی در رابطه با مدل قشربندی اجتماعی که وبر طرح‌ریزی کرده بود، مطرح شد و در واقع چالشی با مدل قشربندی تک بعدی کارل مارکس^۲ بود (بنِت^۳، ۱۳۸۶: ۹۷). جرج زیمل^۴ دیگر اندیشمند آلمانی به نسبت وبر، نگاه عمیق‌تری به مفهوم سبک زندگی داشته و دو مفهوم فراغت و مصرف‌گرایی را در ارتباط با این مفهوم بررسی می‌کند (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۵). زیمل بر این باور است که مفهوم سبک زندگی تصویری از تلاش بشر برای نیل به ارزش‌های بنیادین یا به عبارتی فردیت برتر خود در فرهنگ عینی و شناساندن آن به دیگران می‌باشد (مهدی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳۶). تورستاین وبلن^۵، سبک زندگی را شکلی از الگوی رفتار گروهی می‌داند و بر این باور است که این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی است. از سوی دیگر، او سبک زندگی فرد را در تجلی رفتاری مکانیسم روحی، عادات فکری و معرفت فرد تلقی می‌کند (مختارپور و فتحی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

گونزالس و بلو^۶ بر این باورند که سبک زندگی یک مفهوم روان‌شناختی است که می‌تواند به وسیله اعمال فردی، روش تفکر، نوع زندگی و در نهایت چرخه زندگی و عملکرد فرد در پاسخ به تحریکات محیطی ارائه شود. از این رو، مفهوم سبک زندگی مربوط به دانش فردی می‌باشد که اجازه می‌دهد خصوصیات فردی با رفتار همان فرد آمیخته شود (گونزالس و بلو، ۲۰۰۳).

¹Max Weber

²Karl Marx

³Benet

⁴Georg Simmel

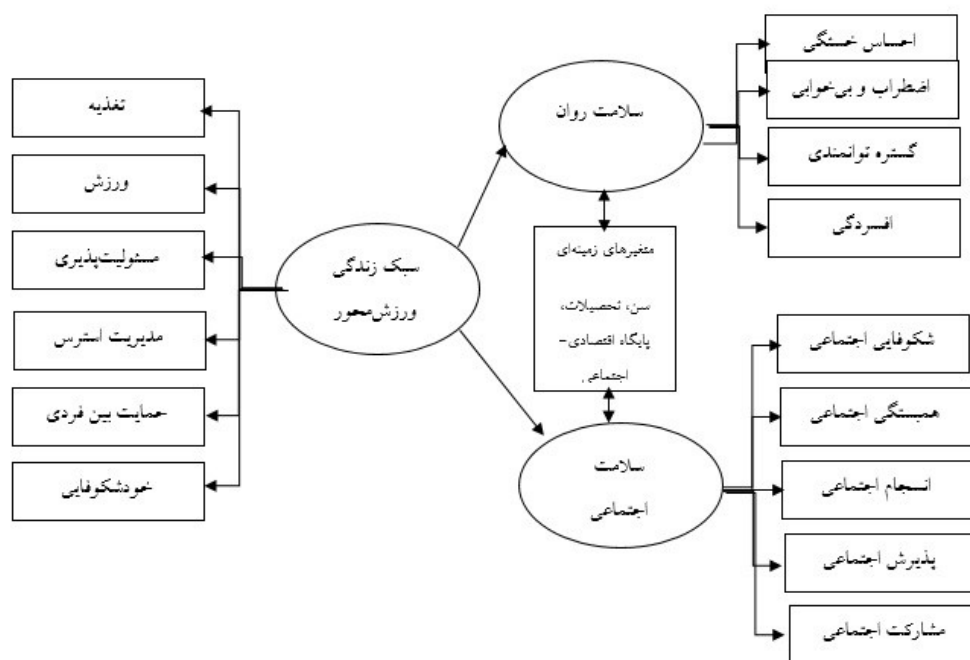
⁵Thorstein Veblen

⁶Pierre Bourdieu

⁷RobStones

بلوخ سبک‌زندگی سلامت‌محور را راهنمایی برای جلوگیری از مشکلات بهداشتی و تضمین‌کننده حد اعلای سلامتی برای فرد می‌داند و به زمینه رژیم غذایی و ورزش نیز اشاره دارد (کیوان‌آرا، ۱۳۸۶: ۶۷). ماکس وبر، سبک‌زندگی سلامت‌محور را به الگوهای جمعی از رفتار مرتبط با سلامت نسبت می‌دهد که بر انتخاب‌هایی که طبق فرصت‌های زندگی در دسترس مردم است، متکی هستند. این فرصت‌ها بر مبنای عناصری از قبیل طبقه، سن، جنس، قومیت و دیگر متغیرهای ساختاری مناسب که انتخاب‌های سبک‌زندگی را شکل می‌دهند، قابل مشاهده هستند (درویش و عیلرضانژاد، ۱۴۰۰: ۶۸). کاکرهام^۱ به پیروی از وبر، سبک زندگی سلامت‌محور را مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری مرتبط با سلامت می‌داند که مبتنی بر انتخاب‌های افراد از گزینه‌ها و فرصت‌های موجود در زندگی‌شان می‌باشد (کاکرهام، ۲۰۱۰: ۲۰). او معتقد است که انتخاب‌های سبک‌زندگی و رفتار برآمده از این انتخاب‌ها می‌تواند نتیجه‌های مثبت و منفی برای بدن و ذهن افراد در پی داشته باشد. بنابراین سبک‌زندگی سلامت‌محور به عنوان بخشی از سبک‌زندگی هر فرد ممکن است متأثر از میزان و ساختار سرمایه فرهنگی او باشد. آبل معتقد است که مفهوم سرمایه فرهنگی بوردیو را می‌توان در مورد موضوع سلامت به کار گرفت. او سرمایه فرهنگی را برای اقدام به نفع سلامتی در دسترس افراد می‌داند (آبل، ۲۰۰۷: ۴۳).

مدل نظری پژوهش



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

¹ Cockerham

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت مسئله پژوهش، این پژوهش از روش کمی و تکنیک پیمایش بهره برد. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شد. مطالعات و بررسی‌های لازم درباره مبانی نظری پژوهش، پیشینه موضوعی پژوهش، سوابق مسئله و موضوع پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه منابع، پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های مرتبط با موضوع و پایگاه‌های اینترنتی انجام گردید. به دلیل اینکه استفاده از پرسش‌نامه، شیوه متداول جمع‌آوری داده‌ها در پیمایش است، در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه ساختمان آنلاین استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان شهرستان بروجرد بودند. برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار تعیین حجم «سمپل پاور»^۱ استفاده گردید. بر اساس جامعه آماری، حجم نمونه با احتساب خطای ۵/۰ و با توان ۸۰ درصد که توان مطلوب نرم‌افزار سمپل پاور می‌باشد، ۲۵۰ نفر بود. نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی و برای پردازش اطلاعات از نرم‌افزار «اس پی اس ۲۶»^۲ استفاده گردید. همچنین برای ترسیم مدل معادله ساختاری پژوهش از نرم‌افزار «ایموس گرافیک ۲۴»^۳ بهره‌گیری شد. در این پژوهش، آمارهای توصیفی همچون فراوانی مطلق، میانگین، انحراف معیار و در آمار استنباطی از آمارهای ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی، رگرسیون و ... استفاده گردید.

جدول ۱: خلاصه ای از مباحث روش‌شناسی پژوهش

ردیف	مبحث	رویکرد، ابزار و داده‌ها
۱	پارادایم	اثبات‌گرایی – کمی رایانه
۲	رویکرد روشی	پیمایش
۳	ابزار جمع‌آوری داده‌ها	پرسش‌نامه آنلاین
۴	واحد تحلیل	فرد
۵	جامعه آماری	زنان شهرستان بروجرد
۶	شیوه نمونه‌گیری	خوشه‌ای چندمرحله‌ای
۷	تعیین حجم نمونه	نرم‌افزار سمپل پاور
۸	حجم نمونه	۲۵۰
۹	اعتبار	مراجعه به متخصصان
۱۰	پایایی	آزمون آلفای کرونباخ
۱۱	نرم‌افزار تحلیل داده‌ها	اس پی اس ۲۶ و ایموس گرافیک ۲۴

^۱Sample Power

^۲ Spss 26

^۳Amos Graphic 24

یافته‌های پژوهش

یافته‌های استنباطی

در این بخش از پژوهش به تحلیل استنباطی داده‌ها می‌پردازیم و به دنبال کشف رابطه بین متغیرهای پژوهش هستیم. بر این اساس با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب، به سنجش متغیرهای زمینه‌ای و فرضیات تحقیق می‌پردازیم. همچنین برای بررسی روابط بین متغیرها با توجه به ماهیت متغیرها از آزمون‌های همبستگی پیرسون، آزمون آنالیز واریانس، آزمون تی و در نهایت برای تبیین میزان رابطه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل از رگرسیون چند متغیره و برای بررسی مدل‌های معادله ساختاری پژوهش نیز از نرم‌افزار «ایموس گرافیک ۲۴» استفاده شد.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌ها

فرضیه نخست به بررسی رابطه بین سن زنان و سلامت اجتماعی و روان زنان می‌پردازد.

جدول ۲: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سن و سلامت اجتماعی و سلامت روان زنان

فرضیه	مقدار پیرسون	سطح معناداری	تعداد	آزمون فرضیه
سن ← سلامت اجتماعی زنان	-۰/۱۳۴	۰/۰۳	۲۵۰	تأیید
سن ← سلامت روان زنان	۰/۱۰۴	۰/۱۰	۲۵۰	عدم تأیید

بر اساس داده‌های جدول ۲، ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای سن زنان و سلامت اجتماعی زنان برابر با -۰/۱۳۴- و همچنین سطح معناداری ۰/۰۳ است که نشان‌دهنده ارتباط معنادار، اما ضعیف بین دو متغیر به صورت معکوس است؛ بدین معنا که با افزایش سن زنان، سلامت اجتماعی آنها کاهش می‌یابد. از سوی دیگر ضریب همبستگی بین سن و سلامت روان زنان برابر با ۰/۱۰۴ و سطح معناداری ۰/۱۰ است که نشان‌دهنده رابطه ضعیف و غیرمعنادار است.

فرضیه دوم به بررسی رابطه بین سن زنان و سلامت اجتماعی و روان زنان می‌پردازد.

جدول ۳: نتایج آزمون آنالیز واریانس مربوط به رابطه بین تحصیلات و سلامت اجتماعی و روانی زنان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مجموع مربعات	مقدار F	میزان معناداری
بین گروهی	۲۳۱۰/۰۲	۷	۳۳۰/۰۰۳		
درون گروهی	۵۹۷۷۳/۹۷	۳۹۲	۱۵۲/۴۸۵		۰/۰۲۷
مجموع	۶۲۰۸۴	۳۹۹		۲/۱۶۴	

برای آزمون این فرضیه از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد. طبق جدول ۳ و با توجه به مقدار f که ۲/۱۶۴ و مقدار معناداری که برابر با ۰/۰۲۷ می‌باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تحصیلات متفاوت زنان، دارای

نمره‌های متفاوتی از سلامت اجتماعی و روانی زنان نیست. همچنین با استفاده از آزمون‌های تکمیلی شفه و توکی مشخص شد که میانگین سلامت اجتماعی و روانی زنان در سطح معناداری چندان متفاوت نمی‌باشد. بنابراین با توجه به داده‌های این پژوهش بین تحصیلات و سلامت اجتماعی و سلامت روان زنان رابطه معناداری وجود ندارد. فرضیه سوم به بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سلامت اجتماعی و سلامت روان زنان می‌پردازد. جدول ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سلامت اجتماعی و روانی زنان

فرضیه	مقدار پیرسون	سطح معناداری	تعداد	آزمون فرضیه	
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	←	سلامت اجتماعی زنان	۰/۰۶۶-	۰/۲۹۵	عدم تأیید
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	→	سلامت روان زنان	۰/۱۶۷	۰/۰۰۸	تأیید

بر اساس داده‌های جدول ۴، ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سلامت اجتماعی زنان برابر با ۰/۰۶۶- و همچنین سطح معناداری ۰/۲۹۵ است که نشان‌دهنده عدم معناداری بین دو متغیر است. از سوی دیگر، ضریب همبستگی بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سلامت روان زنان برابر با ۰/۱۶۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۸ است که نشان‌دهنده رابطه ضعیف و معنادار می‌باشد؛ بدین معنا که هر چقدر پایگاه اقتصادی- اجتماعی بالاتر باشد، سلامت روان زنان نیز بهبود می‌یابد.

فرضیه چهارم این پژوهش به بررسی رابطه بین متغیر سبک زندگی ورزش محور و سلامت اجتماعی زنان می‌پردازد.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سبک زندگی ورزش محور و سلامت اجتماعی زنان

فرضیه	مقدار پیرسون	معناداری	تعداد	آزمون فرضیه
سبک زندگی ورزش محور ← سلامت اجتماعی زنان	۰/۵۰۴	۰/۰۰۰	۲۵۰	تأیید فرضیه

با توجه به یافته‌های جدول ۵، ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای سبک زندگی ورزش محور و سلامت اجتماعی زنان برابر با ۰/۵۰۴ و همچنین سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ است که نشان‌دهنده ارتباط معنی‌دار در حد متوسط رو به بالا بین این دو متغیر است؛ این بدان معناست که با افزایش و رشد زندگی ورزش محور، سلامت اجتماعی زنان نیز بهبود می‌یابد. بر این اساس فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود.

همچنین برای مشخص شدن رابطه هر یک از مؤلفه‌های سبک زندگی ورزش محور با هر کدام از ابعاد سلامت اجتماعی زنان، آزمون همبستگی پیرسون انجام شده است که در جدول ۶ آمده است. بر این اساس بیشترین میزان همبستگی ابعاد متغیر مستقل با ابعاد شکوفایی اجتماعی، انسجام اجتماعی و پذیرش اجتماعی از متغیر وابسته سلامت اجتماعی زنان وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد سبک زندگی ورزش محور و مؤلفه های سلامت اجتماعی زنان

وابسته	ابعاد	شکوفایی		همبستگی		انسجام		پذیرش		مشارکت	
مستقل		اجتماعی		اجتماعی		اجتماعی		اجتماعی		اجتماعی	
		Sig	R	Sig	R	Sig	R	Sig	R		
	تغذیه	۰/۰۰۰	۰/۲۴۴	۰/۰۲۱	-۰/۱۴۶	۰/۲۸۱	۰/۰۰۰	۰/۰۶۹	۰/۲۷۸	-۰/۰۵۴	۰/۳۹۶
	ورزش	۰/۰۰۰	۰/۲۳۳	۰/۰۱۴	۰/۸۳۰	۰/۱۳۸	۰/۰۳۰	۰/۲۴۶	۰/۰۰۰	۰/۱۲۸	۰/۰۴۴
	مسئولیت پذیری	۰/۰۰۰	۰/۳۶۸	-۰/۰۴۱	۰/۵۲۲	۰/۱۸۹	۰/۰۰۳	۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۰/۱۹۲	۰/۰۰۲
سبک	مدیریت	۰/۰۰۰	۰/۴۹۴	-۰/۱۷۷	۰/۰۰۵	۰/۳۹۴	۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	۰/۰۰۰	۰/۱۴۲	۰/۰۲۵
زندگی	استرس										
ورزش محور	حمایت	۰/۰۰۰	۰/۳۷۱	-۰/۰۸۶	۰/۱۷۴	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۷۹	۰/۰۰۰	۰/۱۴۳	۰/۰۲۴
	بین فردی										
	خودشکوفایی	۰/۰۰۰	۰/۶۱۴	-۰/۱۰۷	۰/۰۹۱	۰/۴۷۷	۰/۰۰۰	۰/۲۳۴	۰/۰۰۰	۰/۰۸۷	۰/۱۷۰

فرضیه پنجم این پژوهش به بررسی رابطه بین متغیر سبک زندگی ورزش محور و سلامت روان زنان می پردازد.

جدول ۷: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین سبک زندگی ورزش محور و سلامت روان زنان

فرضیه	مقدار پیرسون	معناداری	تعداد	آزمون فرضیه
سبک زندگی ورزش محور ← سلامت روان زنان	-۰/۱۸۲	۰/۰۰۴	۲۵۰	تأیید فرضیه

با توجه به یافته های جدول ۷، ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای سبک زندگی ورزش محور و سلامت روان زنان برابر با ۰/۱۸۲ منفی و همچنین سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۴ است که نشان دهنده ارتباط معنی دار و معکوس در حد ضعیف بین این دو متغیر است؛ این بدان معناست که با افزایش و رشد زندگی ورزش محور، سلامت روان زنان کاهش می یابد. بر این اساس فرضیه H0 رد و فرضیه H1 تأیید می شود. همچنین برای مشخص شدن رابطه هر یک از مؤلفه های سبک زندگی ورزش محور با هر کدام از ابعاد سلامت روان زنان، آزمون همبستگی پیرسون انجام شده است که در جدول ۸ آمده است. بر این اساس بیشترین میزان همبستگی ابعاد متغیر مستقل، مربوط به دو بعد مدیریت استرس و خودشکوفایی با ابعاد چهارگانه سلامت روان زنان است. البته تمامی این رابطه ها معکوس است؛ بدین معنا که با افزایش مدیریت استرس و خودشکوفایی، احساس خستگی، اضطراب و بی خوابی، گستره توانمندی و افسردگی کاهش می یابد.

جدول ۸. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد سبک زندگی ورزش محور و مؤلفه های سلامت روان زنان

وابسته مستقل	ابعاد	احساس خستگی	اضطراب و بی خوابی	گستره توانمندی	افسردگی
		sig	R	Sig	R
	تغذیه	۰/۰۷۱	-۰/۲۸۸	۰/۰۰۰	۰/۱۹۸
	ورزش	۰/۰۷۸۲	۰/۰۷۶	۰/۲۳۲	۰/۱۳۲
سبک زندگی ورزش محور	مسئولیت پذیری	۰/۰۳۵	-۰/۱۹۸	۰/۰۰۲	۰/۱۷۱
	مدیریت استرس	۰/۰۰۰	-۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۰/۳۱۰
	حمایت بین فردی	۰/۰۸۴۹	۰/۰۷۹	۰/۲۱۲	۰/۲۷۸
	خودشکوفایی	۰/۰۰۰	-۰/۳۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۹۹

تحلیل های رگرسیونی چند متغیره پژوهش

در ادامه پژوهش به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته سلامت اجتماعی زنان به تحلیل رگرسیونی می پردازیم. جدول ۹ و ۱۰، شاخص ها و آماره های تحلیل رگرسیونی و تحلیل رگرسیونی چندمتغیره سلامت اجتماعی زنان را نشان می دهند.

جدول ۹: شاخص ها و آماره های تحلیل رگرسیونی سلامت اجتماعی زنان

مدل	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت f	سطح معناداری f	رگرسیون چندگانه	R ²
رگرسیون چندگانه	۶	۲۳۹۸/۸۶۵	۳۹۹/۸۱۱	۲۰/۲۷۹	۰/۰۰۰	۰/۳۳۴	۰/۵۵۷
باقیمانده	۲۴۳	۴۷۹۰/۹۱۱	۱۹/۷۱۶				
مجموع	۲۴۹	۷۱۸۹/۷۶۶					

همانگونه که در جدول فوق آمده است، میزان F برابر با ۰/۰۰۰ و معنی دار می باشد. همچنین بر اساس ضریب تعیین محاسبه شده حدود ۰/۵۵۷ از واریانس مربوط به سلامت اجتماعی زنان با متغیرهای ارائه شده در مدل توضیح داده شده است. همچنین این جدول میزان همبستگی بین متغیرهای مدل و سلامت اجتماعی زنان را نشان می دهد.

جدول ۱۰: مدل رگرسیونی چند متغیره سلامت اجتماعی زنان

متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		سطح مقدار t	معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta			
تغذیه	-۰/۹۶۰	۰/۱۴۱	-۰/۰۴۰		-۰/۶۸۵	۰/۴۹۴
ورزش	۰/۱۰۲	۰/۰۹۱	۰/۰۷۴		۱/۱۲۹	۰/۲۶۰
مسئولیت پذیری	۰/۴۵۵	۰/۲۰۹	۰/۱۵۳		۲/۱۷۸	۰/۰۳۰
مدیریت استرس	۰/۱۷۵	۰/۱۸۸	۰/۰۶۴		۰/۹۳۱	۰/۳۵۳
حمایت بین فردی	۰/۶۲۰	۰/۱۴۶	۰/۲۶۲		۴/۲۵۴	۰/۰۰۰
خودشکوفایی	۰/۶۳۲	۰/۱۶۴	۰/۲۵۴		۳/۸۴۳	۰/۰۰۰

آماره های موجود در جدول ۱۰ نشان می دهند که بعد حمایت بین فردی با میزان بتای ۰/۲۶۲ درصد بیشتر از سایر ابعاد متغیر سبک زندگی ورزش محور بر سلامت اجتماعی زنان تأثیر می گذارد. جهت تأثیر این متغیر مثبت بوده و بر این اساس با افزایش میزان حمایت بین فردی در میان زنان، سلامت اجتماعی آنها نیز افزایش می یابد. سپس بعد خود شکوفایی با بتای ۰/۲۵۴ و مسئولیت پذیری با بتای ۰/۱۵۳ به ترتیب بیشترین تأثیر را بر سلامت اجتماعی زنان داشته اند. جهت تأثیر این رابطه ها مثبت است و افزایش در میزان هریک از این متغیرها به افزایش متغیر وابسته می انجامد.

جدول ۱۱: شاخص ها و آماره های تحلیل رگرسیونی سلامت اجتماعی زنان

مدل	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت f	سطح معناداری f	رگرسیون چندگانه	R ²
رگرسیون چندگانه	۶	۱۶۶۵/۰۷۴	۲۷۷/۵۱۲				
باقیمانده	۲۴۳	۱۱۶۵۵/۶۶۲	۹۶۶/۴۷	۵/۷۸۶	۰/۰۰۰	۰/۲۳۶	۰/۳۵۴
مجموع	۲۴۹	۱۳۳۲۰/۷۳۶					

همانگونه که در جدول فوق آمده است، میزان F برابر با ۰/۰۰۰ و معنی دار می باشد. همچنین بر اساس ضریب تعیین محاسبه شده حدود ۰/۳۵۴ از واریانس مربوط به سلامت روان زنان با متغیرهای ارائه شده در مدل توضیح داده شده است. همچنین این جدول میزان همبستگی بین متغیرهای مدل و سلامت روان زنان را نشان می دهد. در ادامه پژوهش به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از ابعاد متغیر مستقل بر متغیر وابسته سلامت روان زنان به تحلیل رگرسیونی می پردازیم. جدول ۱۲ تحلیل رگرسیونی چندمتغیره سلامت روان زنان را نشان می دهد:

جدول ۱۲: مدل رگرسیونی چندمتغیره سلامت روان زنان

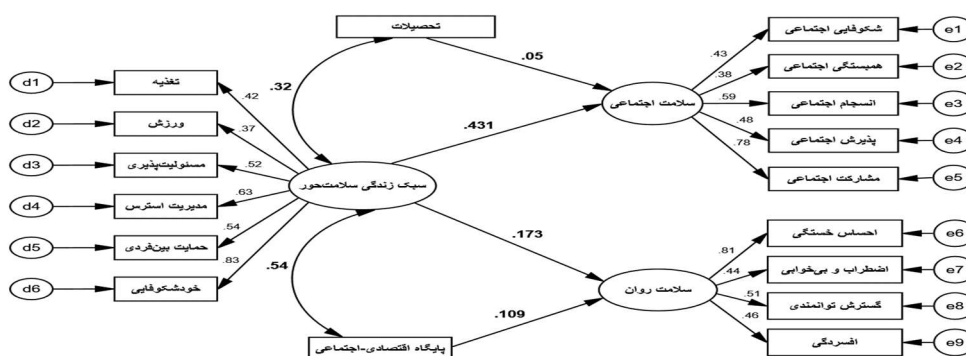
متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		مقدار t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta	خطای استاندارد		
تغذیه	-۰/۴۳۶	۰/۲۲۰	-۰/۱۳۴	۰/۱۹۴	-۱/۹۸۴	۰/۰۴۸
ورزش	۰/۱۶۹	۰/۱۴۱	۰/۰۹۰	۱/۱۹۶	۱/۱۹۶	۰/۲۳۳
مسئولیت‌پذیری	۰/۲۰۴	۰/۳۲۶	۰/۰۵۰	۰/۶۲۶	۰/۶۲۶	۰/۵۳۲
مدیریت استرس	-۰/۶۵۳	۰/۲۹۳	-۰/۱۷۶	-۲/۲۳۱	-۲/۲۳۱	۰/۰۲۷
حمایت بین فردی	۰/۵۷۱	۰/۲۲۷	۰/۱۷۷	۲/۵۱۱	۲/۵۱۱	۰/۰۱۳
خودشکوفایی	-۰/۸۵۱	۰/۲۵۶	-۰/۲۵۲	-۳/۳۱۶	-۳/۳۱۶	۰/۰۰۱

آماره‌های موجود در جدول ۱۲ نشان می‌دهند که بعد حمایت بین فردی با میزان بتای ۰/۱۷۷ درصد بیشتر از سایر ابعاد متغیر سبک زندگی ورزش محور بر سلامت زنان تأثیر می‌گذارد. جهت تأثیر این متغیر مثبت بوده و بر این اساس با افزایش میزان حمایت بین فردی در میان زنان، سلامت روان زنان نیز افزایش می‌یابد. ابعاد خودشکوفایی و مدیریت استرس نیز نیز تأثیر منفی معناداری بر سلامت روانی زنان داشته است.

مدل‌سازی معادله ساختاری پژوهش

در ادامه به منظور درک بهتر تأثیر متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته پژوهش به ارائه مدل‌سازی معادله ساختاری پژوهش با استفاده از نرم‌افزار «ایموس گرافیک ۲۴» می‌پردازیم. هدف ترسیم مدل معادله ساختاری پژوهش، برازش مدل و بررسی نیکویی و بدی برازش مدل است. همچنین مدل‌سازی معادله ساختاری کواریانس محور بر مبنای نرم‌افزار ایموس گرافیک به محقق کمک می‌کند تا بر اساس معیارهای برازش مدل محقق درک بهتری از مدل پژوهش داشته باشد. بر این اساس در این بخش از پژوهش ابتدا مدل معادله ساختاری ارائه و سپس در جدول ۱۳ معیارهای برازش مدل بررسی می‌شود.

شکل ۲: مدل معادله ساختاری تأثیر متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته پژوهش



به طور کلی برازش مدل بالا خوب است. سبک زندگی سلامت محور به مقدار $0/431$ بر متغیر سلامت اجتماعی زنان در سطح معناداری $0/003$ اثرگذار است. همچنین سبک زندگی سلامت محور به میزان $0/173$ بر متغیر سلامت روان زنان در سطح معناداری $0/001$ اثرگذار است. از سوی دیگر، متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی به مقدار $0/109$ با سطح معناداری $0/000$ بر سلامت روان زنان اثرگذار است. همچنین تحصیلات نیز با مقدار $0/052$ و سطح معناداری $0/310$ تأثیر معناداری بر متغیر سلامت اجتماعی زنان ندارد. در جدول ۱۳ تعدادی از معیارهای مهم برازش و تفسیر آنها و مقادیر مفروض مربوط به مدل معادلات ساختاری آمده است. می توان گفت که تمامی شاخص های برازش مدل قابل قبول هستند، بنابراین مدل ترسیم شده، مدلی است که می تواند داده های ما را با مدل نظری تطبیق دهد. به عبارت دیگر، مدل ما نشان می دهد که داده های تجربی ما، مدل نظری ما را به خوبی حمایت می کند.

جدول ۱۳: معیارهای برازش مدل و تفسیر برازش قابل قبول

معیار برازش مدل	مقدار حاصل در مدل مفروض	سطح قابل قبول	تفسیر	وضعیت پذیرش
نیکویی برازش (GFI)	$0/84$	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	مقدار نزدیک به $0/59$ منکس کننده یک برازش مطلوب است.	قابل قبول
نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	$0/93$	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	مقدار نزدیک به $0/59$ منکس کننده یک برازش مطلوب است.	قابل قبول
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	$0/066$	کوچکتر از $0/80$	مقدار کمتر از $0/80$ یک برازش خوب را نشان می دهد.	قابل قبول
توکر لوئیس (TLI)	$0/82$	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	مقدار نزدیک به $0/59$ منکس کننده یک برازش مطلوب است.	قابل قبول
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	$0/89$	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	مقدار نزدیک به $0/59$ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	قابل قبول
کای اسکور نسبی (CMIN/DF)	$2/048$	۱ تا ۵	مقدار کمتر از ۱ نشان دهنده ضعف برازش و مقدار بیشتر	قابل قبول

شاخص برازش هنجار

شده مقصد

۰/۹۰

-

بیشتر از ۰/۰۵ یا ۰/۰۶

قابل قبول

(PNFI)

شاخص برازش تطبیقی

مقصد

۰/۸۶

-

بیشتر از ۰/۰۵ یا ۰/۰۶

قابل قبول

(PCFI)

بحث و نتیجه گیری

حضور زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه در برنامه‌ها و فعالیت‌های ورزشی ضرورتی انکارناپذیر است و از یک سو نقش حیاتی در تأمین سلامت جسم و روان ایفا می‌نماید و از سوی دیگر با پیشگیری از انواع انحراف‌ها و مسائل اجتماعی منجر به کاهش هزینه‌های درمانی و افزایش تولید و بهره‌وری می‌شود.

نظر به اینکه نیمی از جمعیت شهرستان بروجرد را قشر زنان تشکیل می‌دهند، پرداختن به مسائل زندگی زنان ضروری می‌نماید. از جمله مسائل مربوط به زنان این شهرستان، سبک‌زندگی است که با قرارگیری در فرآیند گذار از سنت به مدرنیته دچار تحول شده و ابعاد مختلف زندگی زنان این شهر را تغییر داده است.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی وضعیت تأثیر سبک‌زندگی ورزش‌محور بر سلامت اجتماعی و روانی زنان است. در این پژوهش از یک نمونه ۲۵۰ نفره از زنان شهرستان بروجرد طی یک مطالعه مقطعی درخواست شد پرسش‌نامه پژوهش حاضر را که شامل مقیاس‌هایی پیرامون سبک‌زندگی ورزش‌محور با شش مؤلفه به عنوان متغیر مستقل و رابطه آن با سلامت اجتماعی با شش مؤلفه و سلامت روان با پنج مؤلفه و رابطه متغیرهای زمینه‌ای چون سن، و تحصیلات، پایگاه اقتصادی-اجتماعی است، پاسخ دهند.

نتایج این پژوهش نشان داد که برخی از متغیرهای زمینه‌ای رابطه معناداری با متغیرهای وابسته پژوهش دارند. بر اساس نتایج پژوهش متغیر سن رابطه معنادار ضعیف و معکوسی با سلامت اجتماعی زنان دارد، اما با متغیر سلامت روان رابطه غیرمعناداری داشت. متغیر تحصیلات با متغیرهای سلامت اجتماعی و سلامت روان زنان رابطه معناداری نداشته است. از سوی دیگر، متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی با متغیر سلامت اجتماعی زنان رابطه متوسط و معناداری دارد، هر چند رابطه این متغیر با سلامت روان زنان در حد ضعیف، معکوس و معنادار است. همچنین بر اساس یافته‌های رگرسیونی پژوهش، ابعاد حمایت بین‌فردی، خودشکوفایی و مسئولیت‌پذیری از متغیر مستقل پژوهش به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر سلامت اجتماعی زنان داشته است و ابعاد متغیر مستقل پژوهش به مقدار ۰/۵۵، واریانس متغیر سلامت اجتماعی زنان را تبیین می‌کند. همچنین بعد حمایت بین‌فردی از متغیر مستقل پژوهش بیشترین تأثیر را بر متغیر سلامت روان زنان داشته است و ابعاد متغیر مستقل پژوهش به مقدار ۰/۳۵، واریانس متغیر سلامت روان زنان را تبیین می‌کند.

نتایج مدل‌سازی معادله ساختاری پژوهش نشان داد که متغیر مستقل سبک زندگی ورزش‌محور بیشترین تأثیر را بر سلامت اجتماعی زنان و به مقدار کمتری بر سلامت روان زنان اثر دارد. همچنین پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان بر سلامت روان آنها اثر دارد، در کل برازش این مدل در سطح خوبی قرار داشته و حکایت از حمایت داده‌های تجربی از مدل نظری پژوهش دارد. بر همین اساس می‌توان گفت اکثر فرضیه‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفتند. بر اساس نتایج فرضیات پژوهش باید گفت که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش تاج‌بخش و احمدی (۱۴۰۲) از آن جهت که الگوی ورزشی و سبک‌زندگی بر بهبود کیفیت زندگی افراد اثرگذار هستند، همسوست و نتایج این مطالعه را تاحدودی تعیین می‌کند. از سوی دیگر، پژوهش کاوه‌فیروز و همکاران (۱۳۹۶) نیز نشان داد که سبک‌زندگی سلامت‌محور رضایت شغلی و مهارت‌های زندگی را نیز افزایش می‌دهد و بر این مبنا سلامت اجتماعی را نیز ارتقا می‌دهد. همچنین نتایج این پژوهش با نتایج مطالعات خارجی گلندینینگ و همکاران (۲۰۲۳) همسو بوده است، زیرا نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که سبک‌زندگی، سلامت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی سافونیم و همکاران (۲۰۱۸) نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که سبک‌زندگی ورزش‌محور بر سلامت اجتماعی و فردی اثرگذار است. همچنین نتایج پژوهش گیلکریست و ویتون (۲۰۱۷) و گیلکریست و اسبورن (۲۰۱۷) نیز نشان داد که سبک‌زندگی ورزش‌محور بر سلامت اجتماعی و رفاه اجتماعی افراد اثرگذار است. یافته‌های این فرضیه منطبق بر نظریه کیز می‌باشد- وی مهمترین و اثرگذارترین نظریه‌پرداز حوزه سلامت اجتماعی است. مدل چندوجهی سلامت اجتماعی کیز شامل پنج عنصر است که میزان کارکرد بهینه افراد را در عملکرد اجتماعی‌شان معلوم می‌کند. این پنج عنصر عبارت‌اند از: یکپارچگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انسجام اجتماعی. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد که سبک‌زندگی ورزش‌محور بر سلامت روان زنان شهرستان بروجرد اثرگذار است. بر این اساس می‌توان گفت نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش عزیزی و همکاران (۱۴۰۱) از آن جهت که سبک زندگی سلامت‌محور بر سلامت ذهنی اثر دارد، همسوست. از طرفی نتایج این مطالعه با نتایج پژوهش سجودی و همکاران (۱۴۰۰) از آن جهت که سبک‌زندگی سلامت‌محور به کاهش استرس و بهبود کیفیت زندگی می‌انجامد، همخوانی دارد و نتایج این پژوهش را تأیید می‌کند. از طرفی نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش فتاحی و همکاران (۱۳۹۸) از آن جهت که سبک‌زندگی سلامت‌محور به افزایش رضایت از زندگی می‌انجامد، همسوست. همچنین بر مبنای بررسی مطالعات پژوهش‌های خارجی باید گفت که نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بورایتا و همکاران (۲۰۲۴) بر این اساس که سبک‌زندگی و سلامت اجتماعی و بهداشت روانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد همخوانی دارد.

از منظر پوپ و همکاران (۲۰۰۰) در جامعه امروزی، تأکید فرهنگی اجتماعی بسیاری بر روی جذابیت و تناسب جسمانی وجود دارد. هنجارهای اجتماعی درباره زنان به نسبت بیشتری بر جذابیت جسمانی تأکید دارد. از منظر ترنر (۱۹۹۲) پدیده کنش ورزشی زنان و به تبع آن تناسبات به عنوان معیار مهمی برای زیبایی زنان در نظر گرفته شده که رضایت آنان را در پی دارد. از منظر ترنر جامعه معاصر «جامعه جسمانی» است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک زندگی ورزش‌محور تأثیر مهمی بر سلامت اجتماعی زنان این شهر داشته است. اساساً سلامت اجتماعی به عنوان یکی از عوامل مهم نشاط اجتماعی افراد جامعه شناخته

می‌شود. همانطور که یافته پژوهش حاضر نشان داد از سوی دیگر نقش سبک زندگی ورزش‌محور بر سلامت روان زنان قابل توجه است. این بدان معناست که سبک زندگی ورزش‌محور در توسعه شخصیت و بهبود نشاط شخصی نیز حائز اهمیت است و توسعه سبک‌زندگی ورزش‌محور، عامل مهمی در توسعه نشاط شخصی افراد می‌باشد. در نهایت پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان نیز نقش قابل تبیینی در سلامت اجتماعی و روانی زنان شهر بروجرد دارد؛ بدین معنا که هر چه قدر پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان این شهر ستان بیشتر باشد، از سلامت اجتماعی و روانی بهتری برخوردار هستند.

پیشنهاده‌ها

- با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان چند پیشنهاد در جهت اهداف پژوهش ارائه نمود:
۱. برنامه‌ریزی برای اجرای فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی از راهبردهای توسعه سبک زندگی ورزش‌محور است. در این زمینه ایجاد بستر و زمینه اجتماعی مناسب و مطلوب برای ورزش بانوان و کاهش محدودیت‌های آن و ترویج سبک زندگی سالم و آگاه نمودن بانوان از فوائد ورزش ضروری است.
 ۲. توسعه سبک زندگی ورزش‌محور زنان نیازمند بهبود باورهای اجتماعی و زدودن نگاه‌های کلیشه‌ای و نگاه عادلانه و منصفانه و اجرای طرح‌های انگیزشی است.
 ۳. در راستای ترویج و بسط سبک‌زندگی ورزش‌محور زنان، تولید محتوا در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی راهگشاست.
 ۴. ضرورت دارد مدیران و مسئولان ذی ربط با ایجاد راهکارهای اساسی نظیر طراحی شهری با رویکرد گسترش ورزش همگانی، احداث اماکن ورزشی، پارک‌ها و فضاهای باز و تجهیز آنها باعث مشارکت بانوان در امر ورزش شوند.

منابع

- امیدی، مصطفی؛ حقیقتیان، منصور و هاشمیان‌فر، سیدعلی. (۱۳۹۶). «سلامت اجتماعی و کارکردهای آن در جوامع شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر اصفهان)». مطالعات جامعه‌شناختی شهری. ۷(۲۴)، صص ۱۸۸-۱۵۷.
- تاج‌بخش، غلامرضا و احمدی، برزین. (۱۴۰۲). «عوامل اجتماعی- فرهنگی بر سبک‌زندگی سلامت‌محور جوانان». فصل‌نامه سبک‌زندگی اسلامی. ۷(۱)، صص ۴۵-۵۷.
- تاج‌بخش، غلامرضا. (۱۳۹۹). «واکاوی سبک نوین زندگی پسا کرونا». فصل‌نامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری. ۱۰(۳۵)، صص ۳۴۰-۳۶۰.
- توکلی، مرتضی و شاهزائی، عبدالمجید. (۱۳۹۶). «تحلیل تأثیر قدرت رسانه‌ها بر سبک زندگی روستاییان مرزنشین زهک سیستان». فصل‌نامه قدرت نرم. ۷(۱۶)، صص ۲۰۸-۲۲۸.
- جهانگیری، علیرضا؛ قدیمی، بهرام؛ نوابخش، مهرداد؛ ظهراپی، چنور و عبدی نعمت‌آباد، سهیلا. (۱۴۰۰). «ارائه مدل ساختاری تأثیر تبلیغات رسانه‌ای بر سبک‌زندگی ورزش‌محور با تبیین نقش میانجی‌گری بازهویت مدیریت بدن از دیدگاه کارکنان نیروی انتظامی شهر تهران». فصل‌نامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۰(۵۰)، صص ۹-۲۸.
- جوانی، وجیهه. (۱۴۰۰). «واکاوی فرهنگ مصرف ورزش زنان جوان مبتنی بر نظریه فرهنگ مصرف‌کننده». جامعه‌شناسی سبک زندگی. ۷(۱۷)، صص ۱۲۳-۱۴۰.

- درویش آذر، آذر و علیرضا نژاد، سهیلا. (۱۴۰۰). «سبک زندگی سلامت محور در بین گروه های مختلف سنی: مطالعه ای در شهر سمنان». فصل نامه علمی برنامه ریزی رفاه توسعه اجتماعی. ۱۲(۴۷)، صص ۵۷-۹۱.
- رحمانی، الهه؛ نقیب السادات، سید رضا و تقی آبادی، مسعود. (۱۴۰۲). «نقش رسانه های نوین در سبک زندگی سلامت محور (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی)». فصل نامه مطالعات رسانه های نوین. ۹(۳۳)، صص ۸۱-۱۲۱.
- زائری اصفهانی، صفیه. (۱۴۰۰). «نقش ورزش بر سلامت روان زنان». کنفرانس بین المللی روان شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. SID. <https://sid.ir/paper/901811/fa>
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۹۲). کندوکاو و پنداشته ها، چاپ بیستم، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- سجودی، عادل؛ نیازی، محسن و حسینی زاده آرائی، سیدحسین. (۱۴۰۰). «سبک زندگی سلامت محور و ترک پایدار مواد مخدر در شهر کاشان: یک مطالعه کیفی». فصل نامه علمی جامعه شناسی فرهنگ و هنر. ۳(۱)، صص ۷۶-۹۴.
- شربتیان، محمدحسن و شادلو، ندا. (۱۴۰۲). «رابطه سرمایه فرهنگی با سبک زندگی سلامت محور (مورد مطالعه: زنان بالای ۲۰ تا ۴۸ سال شهر دامغان)». فصل نامه علمی-پژوهشی زن و جامعه. ۱۴(۵۵)، صص ۵۸-۳۵.
- صباغ، صمد. (۱۳۹۰). «سنجش سلامت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن بین خانوارهای شهر تبریز». مطالعات جامعه شناسی. ۳(۱۰)، صص ۲۷-۴۴.
- عزیزی، غلامرضا و خسرو زاده، سیروان. (۱۴۰۰). «واکاوی شکل گیری و رشد ورزش زنان در عصر رضا شاه». تاریخ ایران. ۱۴(۲)، صص ۲۴۵-۲۶۲.
- عزیزی، نیلوفر؛ بدری گرگری، رحیم و کریمی، کیومرث. (۱۴۰۱). «مقایسه اثربخشی آموزش مشغولیت تحصیلی و مداخله مبتنی بر تغییر ذهنیت دوئیک بر سبک زندگی سلامت محور تحصیلی در دانش آموزان دوم متوسطه». دوفصل نامه مطالعات روان شناختی نوجوان و جوان. ۳(۲)، صص ۱۴۶-۱۵۹.
- فتاحی، هدا؛ حقیقتیان، منصور و هاشمیان فر، علی. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مرتبط با سبک زندگی سلامت محور جوانان شهر اصفهان». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۱۲(۱)، صص ۱۵۹-۱۷۲.
- فروم، اریک. (۱۳۹۴). جامعه سالم. اکبر تبریزی. چاپ هفتم، تهران: انتشارات بهجت
- قادرزاده، امید و حسینی، سیدچمنه. (۱۳۹۴). «ورزش زنان و ودالات های معنایی آن». فصل نامه زن در توسعه و سیاست. ۱۳(۳)، صص ۳۰۹-۳۳۴.
- کوچانی اصفهانی، مسعود و محمودیان، حسین. (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر سلامت عمومی با میانجی گری سبک زندگی سلامت محور (مطالعه موردی: دانش آموزان متوسطه دوم شهر تهران)». جامعه شناسی کاربردی. ۲۹(۲)، صص ۱-۱۶.
- کاوه فیروز، زینب؛ صارم، اعظم و فراش، نورالدین. (۱۳۹۶). «مقایسه سبک زندگی سلامت محور زنان شاغل و غیر شاغل شهر شیراز با تأکید بر متغیرهای جمعیتی». نامه جمعیت شناسی ایران، ۱۲(۲۳)، صص ۲۰۵-۱۷۷.
- کرمی، خدابخش؛ رضادوست، کریم؛ عبدی زاده، سیما و چپیشه، فرات. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی سلامت محور دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور و دانشگاه شهید چمران اهواز». فصل نامه توسعه اجتماعی. ۱۰(۱)، صص ۹۷-۱۲۶.
- کیوان آرا، محمود. (۱۳۸۶). اصول و مبانی جامعه شناسی پزشکی. اصفهان: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی اصفهان
- گودرزی، فرشاد؛ کاوند، رضا و شریفی، اسماعیل. (۱۴۰۰). «بازی های ویدئویی و چالش سبک زندگی تحلیل نشانه شناختی بازی سرقت بزرگ اتومبیل». فصل نامه رسانه های دیداری و شنیداری. ۱۵(۳)، صص ۱۴۵-۱۷۲.
- مهدی پور، حمیده. (۱۳۹۴). «سینمای اجتماعی ایران و بازنمایی سبک زندگی زنان در آن (مطالعه موردی: فیلم سینمایی آتش بس)». فصل نامه علمی- تخصصی فرهنگ پژوهش. ۲۲، صص ۱۳۴-۱۶۱.
- موسوی، میرطاهر و شیان، ملیحه. (۱۳۹۴). سرمایه اجتماعی و سلامت اجتماعی؛ مفاهیم و رویکردها. تهران: نشر آگاه

- محمدی، جمال؛ محمدی، فردین و محمدی، حسین. (۱۳۹۳). «تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی سلامت‌محور ورزشکاران؛ با تأکید بر عملکرد تغذیه‌ای ورزشکاران». پژوهش‌نامه توسعه فرهنگی اجتماعی. ۲۱(۲)، صص ۷۵-۸۸.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۹۳). مبانی سلامت اجتماعی، تهران: نشر دوران
- مختارپور، مهدی و فتحی، سروش. (۱۳۹۳). «بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)». فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران. ۲۶(۲)، صص ۱۰۱-۱۱۸.
- نصراللهی، حمیدرضا؛ رضادوست، کریم و نبوی، سیدعبدالحسن. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه موقعیت‌های ساختاری و طبقاتی با سبک زندگی سلامت‌محور (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)». فصل‌نامه جامعه‌شناسی سبک زندگی. ۲(۶)، صص ۱۷۷-۲۰۰.
- وظیفه‌شناس، حمید؛ پتق، مانده و پیراندوجی، سعیده. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه سلامت روان دانش‌آموز با سلامت روان معلم». کنفرانس جهانی روان‌شناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم.
- Abel, T. (2007). **Cultural capital in health Promotion in Health and Modernity**. NewYork: Springer
- Boraita, R. Gargallo Ibort, E. Torres, J. Alsina, D. (2024). **"Lifestyle habits, health indicators and sociodemographic factors associated with health-related quality of life and self-esteem in adolescents"**. Clinical Child Psychology, 29(2), 493-512.
- Cockerham, W. (2010). **"Health life Style Theory and the Covergence of agency and Structure"**. Journal Health Soc behave, 46(1), 11-20.
- Glendinning, A. Hendry, L. Shocksmit, J. (2023). **"Lifestyle, Health and Social Class in Adolescence"**. Journal Sociology, 41(2), 235-248.
- Peila, R. Dannenberg, A. Allison, M. Johnson, K. LaMonte, M. Wild. R. Haring, B. Tindle, H. Foraker, R. Barac, A. Rohan, Th. (2023). **"Healthy Lifestyle Index and Risk of Cardiovascular Disease Among Postmenopausal Women With Normal Body Mass Index"**. Journal of the American Heart Association, 12, 1-27.
- Gilchrist, P. Wheaton, B. (2017). **"The social benefits of informal and lifestyle sports: a research agenda"**. International Journal of Sport Policy and Politics, 9(1), 1-10.
- Gilchrist, P. Osborn, G. (2017). **"Risk and benefits in lifestyle sports: parkour, law and social value"**. International Journal of Sport Policy and Politics, 9(1), 55-69.
- Gonzalez, A; Bello, L (2002). **"The construct lifestyle in market segmentation the behavior of Tourist consumers"**. European Journal of Marketing, (2), 51-85.
- Keyes, C. Ryff, C. (2000). **"Subjective change and mental health: a self-concept theory"**. Journal Social Psychology Quarterly, 63, 246-279.
- Keyes, C. Shapiro, A. (2004). **Social well-Being in the United States: A Descriptive Epidemiology**. Chicago: university of Chicago Press
- Ruin, S. Stibbe, .G. (2023). **"Health-oriented 'Bildung' or an obligation to a healthy lifestyle? A critical analysis of current PE curricula in Germany"**. The Curriculum Journal, 32(1), 136-151.
- Safvenbom, R. Wheaton. B. Agans, J. (2018). **"How can you enjoy sports if you are under control by others? Self-organized lifestyle sports and youth development"**. Journal Sport in Society, 7(2), 1-21.
- Solomon, M (2003). **Consumer Behavior: Buying having and being**, Boston: Allyn and Bacon, London: Routledge
- Shilling, Chris. (2003). **The Body and Social Theory**. (Second Edition). Sage Publication
- Turner, Bryan S. (1996). **Body and Society (Exploration in Social Theory)**. London: sage

ارائه مدل نهاده‌سازی ورزش در میان زنان خانه‌دار و شاغل شهر تهران

ابراهیم علی‌دوست قهفرخی^۱

مهدی غفوری یزدی^۲

علی امانی سامانی^۳



[10.22034/ssys.2024.3341.3437](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3341.3437)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷

هدف از پژوهش حاضر، ارائه مدل نهاده‌سازی ورزش در میان زنان خانه‌دار و شاغل شهر تهران بود. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اکتشافی است که به صورت کیفی با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین و به روش نظام‌مند صورت پذیرفت. جامعه آماری تحقیق شامل متخصصان و صاحب‌نظران حوزه ورزش بانوان، مسئولان ورزش در حوزه بانوان و همچنین زنان شاغل و خانه‌دار در مناطق مختلف شهر تهران بود. روش نمونه‌گیری به صورت غیرتصادفی و هدفمند با استفاده از روش گلوله برفی بود و مصاحبه‌های عمیق تا رسیدن به اشباع نظری (پس از ۳۶ مصاحبه) ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی بهره گرفته شد. در نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۷۱۴ کد باز شناسایی شد که پس از بررسی و تجزیه و تحلیل کدها، ۱۶۱ مفهوم در ۲۲ مقوله دسته‌بندی گردید.

بر این اساس، به نهادها و سازمان‌های متولی در زمینه ترویج و توسعه ورزش و فعالیت بدنی پیشنهاد می‌شود با استفاده از نتایج این تحقیق و با آگاهی از شرایط علی، ایجاد شرایط زمینه‌ای، تقویت عوامل مداخله‌گر مثبت و کنترل عوامل مداخله‌گر منفی و اجرای راهبردها، مدل نهاده‌سازی ورزش در میان زنان خانه‌دار و شاغل شهر تهران را عملیاتی کنند تا ورزش و بانوان شهر تهران از دستاوردهای آن بهره‌مند شوند.

واژگان کلیدی: زنان خانه‌دار، زنان شاغل، شبکه‌های مجازی، فقر حرکتی، مشارکت ورزشی.

^۱ استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: M_ghafoori89@ut.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

با توجه به تغییرات در سبک زندگی، اغلب افراد امروزه تمایل به داشتن زندگی طولانی و سالم دارند. رعایت اصولی مانند مصرف منظم میوه‌ها و سبزیجات، فعالیت فیزیکی مناسب و دوری از مصرف الکل و دخانیات می‌تواند به‌طور موثری طول عمر افراد را افزایش دهد و حتی تا ۱۳ سال بیشتر کند (فدنس و همکاران، ۲۰۲۲). یافته‌های علمی نشان می‌دهد فعالیت بدنی و ورزش آثار مثبتی بر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی افراد در تمامی دوره‌های زندگی دارد و ابزاری کارآمد در ارتقای کیفیت زندگی اقشار مختلف مردم است (رمضانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۵).

برای تحلیل مشارکت ورزشی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، بررسی عوامل کلیدی از جمله ویژگی‌ها و باورهای فردی، اهداف و انگیزه‌های شخصی و تأثیر رفتارهای محیطی و اجتماعی ضروری است (هاپکینز و همکاران، ۲۰۲۲). از بین این سه عامل، شناخت انگیزه‌ها از اجزای ضروری و پیش‌نیاز فعالیت ورزشی و یکی از محوره‌های اساسی در توجیه رفتار افراد برای شرکت در فعالیت‌های مختلف است که میزان تلاش یا استقامت و تعهد فرد را در رسیدن به اهداف نشان می‌دهد. به‌طور کلی، انگیزش، فرایند روی‌آوری به فعالیتی خاص و ادامه آن است. این فرایند فرد را برانگیخته و رفتار او را جهت می‌دهد، تمایلات و سوق‌دهنده‌های درونی و محرک‌های بیرونی را در برمی‌گیرد و نقشی قدرتمند در مشارکت افراد در فعالیت جسمانی دارد (امامی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱). انگیزه‌ها کلید انجام هرگونه فعالیت به شمار می‌روند و می‌توانند رفتارهای افراد را تحریک، تقویت و هدایت کنند یا باعث کنترل و توقف آن شوند (قدرت‌نما و همکاران، ۱۳۹۲: ۱).

کم‌تحرکی یکی از مشکلات بزرگ قرن حاضر است. سبک زندگی بی‌تحرک با بیماری‌های قلبی عروقی، پوکی استخوان، کاهش عملکرد بدنی و افزایش خطر مرگ‌ومیر مرتبط است (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹). طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO) در سال ۲۰۲۲، حدود ۳۱ درصد از بزرگسالان در ایران میزان توصیه شده فعالیت بدنی را ندارند. این روند به‌ویژه در میان زنان نگران‌کننده است، چراکه که میزان بی‌تحرکی این قشر از جامعه به‌طور قابل توجهی بالاتر است. به‌طور کلی، کم‌تحرکی یک موضوع رو به رشد است که به افزایش شیوع بیماری‌های غیرواگیر مانند بیماری‌های قلبی عروقی، دیابت و برخی سرطان‌ها کمک می‌کند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۲).

داشتن فعالیت بدنی و ورزش منظم راه‌حلی مطلوب برای پاسخگویی به مسئله یادشده است. بررسی‌ها حاکی از آن است که رابطه معکوس میان میزان فعالیت بدنی و دلایل مرگ وجود دارد (صفاری، ۱۳۹۲: ۷۰). دراین‌بین آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، داشتن فعالیت بدنی منظم و مستمر می‌باشد، چراکه در مقایسه با فعالیت ورزشی نامنظم و مقطعی، اثرات بیشتری بر روی سلامتی فرد دارد (غفوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱). کمبود حضور

منظم و مستمر افراد در فعالیت‌های ورزشی، جوامع را بر آن داشته است تا راهکارهایی برای ترغیب مردم به ورزش و کاهش بی‌حرکی بیابند.

در گزارش جدید موسسه مکنزی با عنوان «بازنگری در سلامت کارکنان: فراتر از فرسودگی به سوی سلامت جامع» تأکید شده است که ورزش و فعالیت‌های بدنی برای کارکنان، فراتر از کاهش خستگی و فرسودگی شغلی عمل می‌کند و با تأثیر مثبت بر سلامت روان و جسم باعث افزایش بهره‌وری و بهبود کیفیت زندگی آنان می‌شود. از دیدگاه این پژوهش، توجه به سلامت جامع، از جمله ورزش منظم می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد و روحیه کارکنان داشته باشد و محیط کار را به فضایی سالم‌تر و پویاتر تبدیل کند (براسی و همکاران، ۲۰۲۳). بی‌توجهی به فعالیت بدنی و افزایش کم‌حرکی در محیط کار می‌تواند منجر به پیامدهای منفی مختلفی هم برای کارکنان و هم برای سازمان‌ها شود. تحقیقات نشان می‌دهد که حمایت ناکافی از رفاه^۱ کارکنان در محل کار به افزایش غیبت، نرخ ترک خدمت و استرس روانی کمک می‌کند. کارکنانی که کمبود فعالیت بدنی در محل کار را تجربه می‌کنند، بیشتر در معرض فرسودگی شغلی، کاهش رضایت شغلی و تعارضات بین فردی هستند. علاوه بر این، این شرایط می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری و مشارکت کارکنان شود و بر عملکرد سازمانی تأثیر منفی بگذارد (ووردت و جنسن، ۲۰۲۳). یافته‌های مطالعات مختلف نشان می‌دهد اجرای برنامه‌های ورزشی در محیط کار موجب کاهش میزان شکایت کارکنان، کاهش نرخ غیبت از کار، کاهش میزان اعمال مقررات انضباطی، افزایش سلامت جسمانی و روانی آنان و همچنین احساس مفید بودن، کارا و مؤثر بودن در محیط کار که خود یکی از نیازهای انسان می‌باشد، شده است (ممتازبخش و فکور، ۱۳۸۶: ۵۳). امروزه حضور بیشتر و گسترده‌تر بانوان در ورزش و فعالیت‌های بدنی بنا بر دلایل مختلفی همچون تندرستی، شادابی، ارتقای کیفیت زندگی و غیره لازم و ضروری به نظر می‌رسد. از جمله این دلایل، می‌توان به افزایش امید به زندگی و در نتیجه افزایش تعداد افراد سالمند اشاره نمود که موجب افزایش بیماری‌ها و به تبع آن، افزایش هزینه‌های درمانی برای کشور خواهد شد (آجرلو و همکاران، ۱۴۰۰). ورزش همگانی یا ورزش برای همه، بخش عمده‌ای از ورزش است که با سلامتی و نشاط جامعه ارتباط نزدیک دارد. برخی از کشورهای توسعه‌یافته نیز به این رویکرد از ورزش به طور برابر و یا حتی بیشتر از رویکردهای ورزش حرفه‌ای و قهرمانی با هدف کسب مدال توجه نموده‌اند (مهدی‌زاده و اندام، ۱۳۹۳: ۱۵).

بنابراین، ضرورت مشارکت بیشتر زنان در ورزش بیش‌ازپیش احساس می‌شود، اما مشارکت در ورزش نمی‌تواند به‌تنهایی معضل حال حاضر جامعه را حل کند. برای برطرف کردن این مشکل، یک دید چندجانبه و کل‌نگر لازم است. اولین موضوع در فرایند مشارکت ورزشی بانوان، استمرار و تداوم مشارکت ورزشی است که معمولاً با مفهوم نهادینه کردن سنجیده می‌شود.

¹ well-being

در پژوهش نقدی و همکاران (۱۳۹۰) با عنوان «موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در ورزش» نتایج نشان داد پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان سرمایه فرهنگی، تمایل فردی و حمایت اجتماعی زنان ورزشکار نسبت به زنان غیر ورزشکار بیشتر است. نگرش خانواده زنان ورزشکار، مثبت تر و میزان پذیرش باورهای قالبی در بین ایشان به طور معنی داری کمتر از زنان غیر ورزشکار است - اما از نظر سودمندی ادراک شده تفاوت معنی داری بین دو گروه وجود ندارد.

در پژوهش فراهانی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان «اولویت بندی موانع پیش روی بانوان شاغل در انجام فعالیت های ورزشی استان البرز» نتایج نشان داد که به ترتیب عوامل اقتصادی، تجهیزات و امکانات، کمبود نیروی متخصص، تبلیغات و رسانه، موانع فرهنگی و اجتماعی و در نهایت نگرش خانواده جزو مهم ترین عوامل بازدارنده مشارکت در فعالیت های ورزشی زنان شاغل استان البرز می باشد.

حسینی، فرزانه و حسینی نیا (۱۳۹۸) دریافتند عوامل روان شناختی، خانواده، دسترسی به اماکن ورزشی، فرهنگ حاکم و تبلیغات تاثیرات مهمی بر ورزش کردن یا ورزش نکردن بانوان بالای ۱۸ سال دارد. آنها بیان می کنند شاید بتوان با تاکید بر مزایای انجام فعالیت های ورزشی و برنامه ریزی های آموزشی در جهت افزایش اطلاعات بانوان از تاثیرات ورزش بر سلامتی، آگاهی عموم جامعه در جهت تقسیم وظایف و مسوولیت دوران تاهل، ساخت و ساز باشگاه ها با امکانات کامل و استاندارد مطابق با نیاز و خواست بانوان، از میزان کناره گیری بانوان از فعالیت های ورزشی کم کرد.

خطیبی و قلی پور (۱۳۹۸) نیز در تحقیق خود اظهار داشتند تجهیزات و فضای باشگاه، نحوه مدیریت باشگاه، رفتار مربی، دانش مربی، آشنایی مربی با رشته ورزشی مورد نظر در کنار انگیزه های شخصی، مهمترین ملاک ها و شاخص ها مدنظر بانوان برای مراجعه به باشگاه ورزشی و انجام فعالیت های ورزشی در رشته مورد نظر هستند.

مرادی سیاسری و همکاران (۱۳۹۹) بیان کردند احساس امنیت جانی، احساس امنیت اجتماعی و احساس امنیت اخلاقی در فعالیت های ورزشی بانوان در پارک های شهر تهران تاثیر بسیار بالایی دارند، ولی احساس امنیت مالی تاثیر معناداری ندارد. همچنین برای بانوانی که در فعالیت های ورزشی در پارک های تهران شرکت داشتند، امنیت جانی مهمتر از امنیت اخلاقی است.

در تحقیقی که کوماری^۱ (۲۰۱۷) در ایالت هیرانا هند انجام داد مشخص شد اکثر ورزشکاران زن در این ایالت از قشر متوسط به پایین جامعه هستند. خانواده و مربی مهمترین انگیزاننده های دختران ورزشکار هندی بودند و در مرتبه بعدی دوستان و آشنایان قرار داشتند. مهمترین مانع مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی در هند این است

¹ Kumari

که از زن یک تصویر ضعیفی در ذهن جامعه وجود دارد و مردم فکر می کنند زن از لحاظ جسمی و عاطفی ضعیف است.

کالور، کرفت، دین و کایر^۱ (۲۰۱۹) بیان می کنند اگرچه مشارکت زنان کانادایی در فعالیت های ورزشی به شدت در حال افزایش است و جمعیت قابل توجه از زنان کانادایی در فعالیت های ورزشی مشارکت می کنند، اما سیستم مدیریتی ورزش کانادا نتوانسته متناسب با این متقاضیان مشارکت در فعالیت های ورزشی، برای آنها مربی زن تربیت کند و پیشنهاد می کند باید با برنامه های مدون و قوی تعداد مربیان زن برای جمعیت بالای زنان مشارکت کننده در فعالیت های ورزشی در کانادا را افزایش داد. در این میان، واقعیت نحوه مصرف فراغت توسط زنان، مسئله دیرپایی است که گریبان نیمی از جمعیت کشور، یعنی زنان، را گرفته است. اهمیت این مسئله از آن روست که معلوم می شود سهم زنان در اوقات فراغت بسیار کمتر از مردان است و امکانات تفریحی، ورزشی و فراغتی آنها، نسبت به مردان بسیار کمتر و محدودتر است، اما عامل برجستگی تحقیق حاضر نسبت به ادبیات موجود، توجه به مصرف فراغتی زنان برحسب اشتغال و خانه داری است که مطالعات بسیار نادری پیرامون آن انجام شده است. نکته شایان ذکر در حوزه مصرف فراغتی زنان خانه دار و شاغل، نگرش های سنتی و محدود حاکم بر جامعه در مورد چگونگی گذران این اوقات است. بنابراین، مطالعه حاضر در پی پاسخ به این سؤال است:

چه راهکارهایی برای نهادینه سازی ورزش در میان زنان خانه دار و شاغل وجود دارد و مدل مطلوب برای نهادینه سازی این امر چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اکتشافی بود که به صورت کیفی با استفاده از روش نظریه داده بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین (نسخه ۱۹۹۸) و به شیوه نظام مند انجام شد. روش نظام مند خود دارای سه مرحله اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی^۲ است (دیواندری، کرمانشاه و اخلاصی، ۱۳۹۱: ۲۷). پژوهش کیفی در واقع هر نوع پژوهشی است که یافته های آن با شیوه هایی غیر از روش های آماری یا کمی کردن به دست می آید. به بیان دیگر، داده ها در پژوهش کیفی به صورت واژه یا تصویر (و نه به صورت عدد) به توصیف پدیده می پردازند (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۶). دلیل انتخاب روش کیفی در این پژوهش، در درجه اول ماهیت موضوع، نوع سؤالات پژوهش و تجربه و ترجیح پژوهشگر بود. از سوی دیگر، به دلیل فقدان تحقیقات مبنایی و جامع در حوزه نهادینه کردن ورزش در بین زنان شاغل و خانه دار، اتخاذ رویکردی اکتشافی در این پژوهش برای کشف ابعاد پدیده ورزش در بین این قشر از جامعه ضروری به نظر می رسید. بنابراین استفاده از روش کیفی که بتواند با اتخاذ رویکردی

¹ Culver, Kraft, Din, Cayer

² Open Coding, Axial Coding, Selective Coding

اکتشافی و توجه به تفاسیر مصاحبه‌شوندگان، از لایه‌های پنهان پدیده پرده بردارد، به نظر انتخابی منطقی بود. در پژوهش حاضر به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات جهت بررسی عوامل مؤثر در نهادینه کردن ورزش در بین زنان شاغل و خانه‌دار، به مطالعه و جستجو در منابع علمی از جمله مقالات، کتاب‌های معتبر، سایت‌های علمی و خبری معتبر پرداخته شد. همچنین از مصاحبه‌های عمیق و باز با افراد متخصص و صاحب‌نظر در حوزه موضوع پژوهش و افراد مرتبط با موضوع تحقیق به‌ویژه زنان خانه‌دار و شاغل استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق شامل متخصصان و صاحب‌نظران (زنان و مردان) حوزه ورزش بانوان کشور (حدود ۲۰ نفر)، مسئولان ورزش در حوزه بانوان مانند ادارات کل مناطق استان تهران، سازمان ورزش شهرداری و نهادهای مرتبط با موضوع (حدود ۴۰ نفر) و همچنین زنان شاغل و خانه‌دار در سطوح مختلف (حدود ۳ میلیون نفر به صورت برآوردی) بود.

نمونه‌گیری هم‌زمان با گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت غیرتصادفی و هدفمند با استفاده از روش گلوله برفی انجام گرفت و با توجه به ناهمگن بودن افراد جامعه سعی شد از هر گروه تا زمان رسیدن به اشباع نظری داده‌ها نمونه‌گیری ادامه پیدا کند. نمونه‌گیری افراد متخصصان و کارشناس به صورت هدفمند و با هماهنگی قبلی با این افراد انجام شد. در مورد زنان شاغل و خانه‌دار نیز افراد نمونه به صورت تصادفی و از طریق مراجعه میدانی در معابر شهری، بوستان‌ها و ایستگاه‌های مترو انتخاب گردیدند و پس از ارائه توضیحاتی پیرامون موضوع پژوهش، سوالات مطرح و نظرات ایشان گردآوری شد. در مجموع، با ۳۶ نفر (۹ نفر از متخصصان و ۲۷ نفر از زنان شاغل و خانه‌دار) مصاحبه شد که از مصاحبه ۲۷ به بعد تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شد و از مصاحبه ۳۱ به بعد داده‌ها کاملاً تکراری و به اشباع نظری رسیده بود، اما برای اطمینان، مصاحبه تا نفر ۳۶ ادامه یافت. مصاحبه‌ها با طرح سؤالاتی عمیق در مورد موانع ورزش در بین زنان شاغل و خانه‌دار آغاز می‌شد و بقیه سوالات بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شونده طرح می‌شد. گزارش توصیفی از افرادی که با آنها مصاحبه انجام شد، در جداول ۱ و ۲ آمده است:

جدول ۱: گزارش توصیفی نمونه‌های پژوهش (مسئولان و مدیران)

ردیف	عنوان مسئولیت	سابقه کار	تحصیلات
۱	از مسئولان نظارت بر اماکن ورزشی استان تهران	۱۷ سال	دکترای مدیریت ورزشی
۲	از معاونان اداره کل استان تهران	۲۵ سال	دکترای مدیریت ورزشی
۳	از روسای گروه اداره کل استان تهران	۲۵ سال	کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی
۴	از معاونان سازمان ورزش شهرداری تهران	۲۷ سال	کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی فرهنگی
۵	از معاونان اداره کل استان تهران	۲۹ سال	کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی
۶	از مدیران هیئت ورزش همگانی استان تهران	۲۵ سال	کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی
۷	از مدیران حوزه بانوان اداره کل استان تهران	۲۳ سال	کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی
۸	از روسای گروه حوزه بانوان اداره کل استان تهران	۱۹ سال	دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی
۹	از مدیران حوزه بهداشت و سلامت شهرداری منطقه ۹ تهران	۱۵ سال	دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی

جدول ۲: گزارش توصیفی نمونه‌های پژوهش (زنان شاغل و خانه‌دار)

ردیف	وضعیت اشتغال	سن	منطقه	وضعیت تاهل
۱	شاغل	۲۶	۱۱	مجرد
۲	شاغل	۳۱	۶	مجرد
۳	شاغل	۲۸	۶	مجرد
۴	شاغل	۳۱	۱۹	متاهل
۵	خانه‌دار	۵۴	۱۴	متاهل
۶	خانه‌دار	۲۲	۱۵	متاهل
۷	شاغل	۳۲	۴	متاهل
۸	شاغل	۲۹	۲۰	متاهل
۹	خانه‌دار	۵۲	۱۲	متاهل
۱۰	خانه‌دار	۴۹	۷	متاهل
۱۱	خانه‌دار	۵۱	۱۶	متاهل
۱۲	خانه‌دار	۳۰	۱۳	متاهل
۱۳	شاغل	۴۵	۱۴	متاهل
۱۴	خانه‌دار	۵۳	۵	متاهل
۱۵	خانه‌دار	۵۷	۴	متاهل
۱۶	خانه‌دار	۴۳	۴	متاهل
۱۷	شاغل	۵۱	۱۴	متاهل
۱۸	بازنشسته و خانه‌دار	۶۷	۸	متاهل
۱۹	شاغل	۳۵	۱	متاهل
۲۰	شاغل	۴۰	۱	متاهل
۲۱	شاغل	۴۵	۱۰	مجرد
۲۲	شاغل	۴۱	۱۱	متاهل
۲۳	شاغل	۴۸	۱۱	مجرد
۲۴	شاغل	۳۷	۱۸	متاهل
۲۵	شاغل	۳۷	۲	متاهل
۲۶	شاغل	۳۶	۳	مجرد
۲۷	شاغل	۳۹	۱۸	متاهل

علاوه بر مصاحبه‌های انجام‌شده، تمامی مقالات، متون علمی و مصاحبه‌های موجود در سامانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی جمع‌آوری گردید و پس از غربال اولیه مقالات (حدود ۳۷ متن)، تعداد ۱۷ عدد از این مقالات که بیشترین قرابت موضوعی را با موضوع این پژوهش داشتند، انتخاب و کار کدگذاری روی این متون نیز انجام شد. فهرست مقالات مورداستفاده در این زمینه در جدول ۳ آمده است:

جدول ۳: عناوین مقالات مورداستفاده در رویکرد مثلث‌سازی

عنوان مقاله	محققان (سال)
نگرشی جامعه‌شناختی به موانع مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی	خان محمدی، سمیرا (۱۳۹۶)
تبیین الگوی تعهد به مشارکت بانوان استان مازندران در ورزش همگانی	ابراهیمی‌پور، طاهره؛ رمضانی‌نژاد، رحیم؛ امیرنژاد، سعید (۱۳۹۶)
نقش برنامه‌های شبکه ورزش در ارتقای فرهنگ ورزشی زنان خانه‌دار منطقه پنج تهران	قلی‌زاده، آذر؛ سیدصالحی، سپیده (۱۳۹۴)
اولویت‌بندی موانع پیش روی بانوان شاغل در انجام فعالیتهای ورزشی استان البرز	فراهانی، ابوالفضل؛ حسینی، معصومه؛ مرادی، راضیه (۱۳۹۵)
پای ورزش بانوان می‌لنگد (روزنامه جام جم)	شیرازی، پونه (۱۳۹۱)
ورزش زنان و دلالت‌های معنای آن	قادرزاده، امید؛ حسینی، سید چیمین (۱۳۹۴)
بررسی عوامل مؤثر بر موانع مشارکت زنان سالمند در فعالیتهای ورزشی تفریحی استان البرز	روزبهرانی، محبوبه؛ کامکاری، کتایون؛ میرزاپور، علی اکبر (۱۳۹۳)
تحلیل انسان‌شناختی ورزش زنان: مطالعه‌ای بر فعالیتهای ورزشی در پارک‌های بانوان تهران	نادری، احمد؛ شهبازی، مهدی؛ اکبری، الهام (۱۳۹۳)
ارتباط بین ورزش و سلامت روان بانوان فرهنگی شاغل	سلمان، زهرا (۱۳۹۳)
شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیش روی بانوان در انجام فعالیتهای ورزشی	موتمنی، علیرضا؛ همتی، امین؛ مرادی، هادی (۱۳۹۳)
بررسی مشکلات ورزش قهرمانی زنان استان گیلان	بنار، نوشین؛ احمدی، نسرین؛ کریمی، فریبا (۱۳۹۲)
مقایسه کیفیت زندگی زنان شرکت‌کننده در ورزش‌های همگانی و زنان غیرفعال در این زمینه (منطقه ۳ تهران)	ازکیا، مصطفی؛ ساروخانی، باقر؛ بیک وردی، حسن (۱۳۹۱)

حبیب پور گتابی، کرم؛ نازک تبار، حسین؛ فرج
مقایسه مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار
تبار، رضا (۱۳۹۱)

میرغفوری، سید حبیب‌الله؛ صیادی تورانلو،
حسین؛ میرفخرالدینی، سید حیدر (۱۳۸۸)
بررسی و تحلیل مسائل و مشکلات مؤثر بر مشارکت
زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: دختران
دانشجوی دانشگاه یزد)

نقدی، اسداله؛ بلالی، اسماعیل؛ ایمانی، پروین
موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های
ورزشی (۱۳۹۰)

سیاری، احمد (۱۳۹۶)
واکاوی مشکلات عدیده ورزش بانوان در کشور
نوروزی، علی؛ ملکی، امیر؛ پارسا مهر، مهربان؛
قاسمی، حمید (۱۳۹۶)
تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی زنان با تاکید بر
هنجارهای جنسیتی (مورد مطالعه: زنان استان ایلام)

در این پژوهش به منظور بررسی روایی، ابتدا در انتخاب افراد نمونه سعی شد با استفاده از نمونه‌گیری
ناهمگن، افراد از اقشار مختلف و از مناطق مختلف شهری انتخاب شوند. همچنین، یافته‌های پژوهش برای
مشارکت‌کنندگان ارائه شد و مدل پیشنهادی توسط آنان مطالعه و نقطه نظرات آن‌ها اعمال گردید. در پایان، این پژوهش
توسط اساتید مدیریت ورزشی مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و مواردی جهت اصلاح یا تغییر مدل نهایی بیان شد.
پایایی به گستره تکرارپذیری یافته‌های پژوهش اشاره دارد. یکی از راه‌های نشان دادن پایایی، روش حسابرسی فرآیند
است. یافته‌ها زمانی قابل حسابرسی هستند که محقق دیگر بتواند مسیر تصمیم به کار رفته توسط محقق در طول
مصاحبه را با روشنی و وضوح پیگیری کند و سازگاری مطالعه را نشان دهد. بنابراین در تحقیق حاضر، پایایی داده‌ها
از طریق نشان دادن مسیر تصمیمات خود و همچنین قرار دادن تمامی داده‌های خام، تحلیل شده، کدها، مقوله‌ها، فرآیند
مطالعه، اهداف اولیه و سوال‌ها در اختیار اساتید و حسابرسی دقیق صاحب‌نظران، مورد تایید قرار گرفت. علاوه بر
این، بر اساس رویکرد مبتنی بر روش مثلث‌سازی تلاش شد تا پیشینه و مقالات مرتبط با موضوع تحقیق بررسی و
یافته‌های پژوهش و کدهای برآمده از مصاحبه‌ها با مطالب این مقالات تطبیق داده شوند.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، ۷۱۴ کد اولیه استخراج شده از ۳۶ مصاحبه با متخصصان و صاحب‌نظران حوزه تحقیق
و همچنین زنان شاغل و خانه‌دار، به ۱۶۱ مفهوم انتزاعی‌تر تبدیل شدند. سپس این مفاهیم بر اساس مشابهت موضوعی
در ۲۲ مقوله، طبقه‌بندی گردیدند و به هر یک از این طبقه‌ها، عنوانی اختصاص یافت که انتزاعی‌تر از مفاهیمی است که
مجموعه آن طبقه را تشکیل می‌دهند. بنابراین مقوله‌ها نیز در پنج دسته عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پیامدها و
راهردها دسته‌بندی شدند (جدول ۴):

جدول ۴: عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، پیامدها و راهبردها در مدل نهاده‌کننده ورزش در بانوان شاغل و خانه‌دار

عوامل علی	
مقوله فرعی	کدهای باز
تسهیل‌کننده‌های محیطی	محیط ورزشی ارزان و در دسترس؛ دسترسی زیاد و کافی به فضای سبز؛ محیط خوب و سالم باشگاه؛ مربی خوب؛ جو شاد و مفرح کلاس ورزش؛ در نظر گرفتن پاداش برای بانوان شاغلی که مرتب ورزش می‌کنند در محل کار؛ بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی جامعه؛ افزایش امنیت اجتماعی برای ورزش بانوان
	توصیه پزشک؛ ورزشی بودن خانواده؛ همراه بودن همسر؛ تشویق همسر؛ فعالیت بدنی مشترک با همسر؛ مشارکت همسران در کار منزل؛ پایه و همراه داشتن؛ مشوق داشتن توانایی اجرای خوب حرکات ورزشی؛ توانایی مدیریت زمان؛ داشتن بیماری نیازمند ورزش و فعالیت بدنی؛ ترس از چاقی؛ آگاهی از برنامه‌ریزی فردی
انگیزاننده‌های شخصی	ترویج برنامه‌های ورزشی بانوان در رسانه ملی؛ پخش برنامه‌های ورزشی شاد و مفرح در رسانه ملی؛ آموزش چگونه ورزش کردن در رسانه ملی متناسب با افراد مختلف و فرهنگ‌سازی ورزش بانوان در رسانه ملی به طرق مختلف
رسانه	
عوامل زمینه‌ای	
عوامل رفتاری	تبدیل به عادت رفتاری شدن ورزش؛ از بچگی به ورزش پرداختن؛ ارتقای آگاهی همسران و خانواده دختران و بانوان؛ عزم و اراده برای ورزش؛ پذیرش جامعه برای پرداختن بانوان به انواع ورزش‌ها؛
	تغییر نگرش نسبت به ورزش بانوان؛ میل به تناسب‌اندام و زیبایی؛ ادراک مزایای جسمی و روانی ورزش در زندگی؛ درک وجوب ورزش برای بانوان با توجه به جنسیت و فرزندآوری؛ آگاهی از منافع ورزش؛ ارزش برای خود و سلامتی قائل شدن
عوامل بینشی	
عوامل مداخله‌گر	
موانع فردی	فقدان آمادگی و احساس عدم تناسب با اطرافیان در محیط ورزشی؛ یکنواختی و تکراری شدن ورزش؛ تنبلی؛ فقدان انگیزه؛ بی‌حوصلگی؛ شیوع بیشتر افسردگی و بی‌حوصلگی بین بانوان؛ خودکم‌بینی و عدم حضور در جمع‌های ورزشی؛ اعتیاد به تلویزیون و فضای مجازی؛ تجارب منفی گذشته فرد در ورزش؛ خستگی حاصل از ورزش و کار؛ خود را وقف خانواده کردن؛ رعایت شئون اسلامی و حفظ حجاب

خانه‌داری؛ بچه داری؛ اولویت بودن کار خانه در نگاه همسران بانوان؛ ورزشی نبودن همسر؛ مخالفت همسر؛ غر زدن همسر؛ دخالت خانواده همسر؛ تنها ماندن فرزندان؛ ورزشی نبودن اعضای خانواده؛ بارداری

موانع خانوادگی

نپرداختن رسانه‌های جمعی به ورزش بانوان؛ وجود حواشی و مد بازی در باشگاه‌های ورزشی بانوان؛ نبود بستری مناسب جهت جمعی ورزشی کردن بانوان؛ نگاه منفی جامعه برای پرداختن بانوان به برخی ورزش‌ها؛ نگاه مالی و ابزاری به ورزش آموزان در برخی باشگاه‌های بانوان؛ جو چشم و هم‌چشمی در باشگاه‌های بانوان؛ وجود اراذل و اوباش در برخی پارک‌ها و اماکن؛ کمبود امنیت در برخی پارک‌ها؛ وجود برخی نگرش‌های منفی در مورد ورزش بانوان؛ کمبود امنیت اجتماعی برای ورزش بانوان به‌ویژه طرح‌های دوچرخه‌سواری؛ مشوق نداشتن؛ تنهایی و نداشتن همراه

موانع اجتماعی

فقدان امکانات ورزشی بانوان در محل کار؛ حجم کار زیاد؛ کار در منزل؛ عدم تناسب ساعت کاری باشگاه‌ها با شرایط شغلی بانوان؛ ساعت زیاد شغل‌های بانوان؛ شرایط برخی مشاغل خاص مثل پرستاری؛ کار در منزل و شاغل بودن توأمان؛ وقت فراغت بسیار محدود

موانع کاری

خانه‌نشینی حاصل از کرونا؛ بالا رفتن قیمت‌ها به خاطر کرونا؛ تعطیلی استخرها به خاطر کرونا؛ فقدان انگیزه لازم برای ورزش در منزل به علت کرونا؛ ترس از کرونا؛ تعطیلی باشگاه‌ها به خاطر کرونا

کرونا

آلودگی هوا؛ زانودرد و آسیب‌دیدگی؛ کمبود آهن در بانوان ایرانی و خستگی ناشی از آن عدم احساس ضرورت به ورزش؛ ناآگاهی از روش‌های ورزش در منزل؛ اطلاع نداشتن از چگونگی پرداختن به ورزش؛ عدم آگاهی از شیوه استفاده از وسایل داخل پارک‌ها؛ ناآگاهی و عدم اعتقاد به فوائد ورزش؛ عدم آگاهی از ورزش متناسب با شرایط سنی و جنسی

موانع بهداشتی

موانع دانشی

بعد مسافت از باشگاه‌ها و پارک‌ها؛ عدم دسترسی آسان به مراکز ورزشی؛ محدود بودن تعداد پارک‌های بانوان و دسترسی دور از آن؛ زمان‌بندی نامناسب باشگاه‌های ورزشی برای بانوان؛ رفت‌وآمد آقایان در محل ورزش بانوان؛ کمبود فضاهای مناسب و ایمن برای دوچرخه‌سواری بانوان؛ کمبود باشگاه‌های دولتی؛ تنوع کم رشته‌های ورزشی بانوان در باشگاه‌ها

موانع امکاناتی

درآمد نداشتن بانوان خانه‌دار؛ زیاد بودن هزینه‌های ورزش برای بانوان؛ نیازهای مالی زیاد خانواده‌ها؛ نیاز به کار زیاد به خاطر مشکلات اقتصادی جامعه؛ گران بودن باشگاه‌های خصوصی؛ وضعیت نابسامان اقتصادی جامعه و ذهن مشغول و گرفتار خانم و آقا؛ بی‌حوصلگی ناشی از فشارهای مالی؛ هزینه‌های بالای زندگی و خارج شدن ورزش از سبد خانوار؛ هزینه‌های اولیه پرداختن به ورزش مثل کفش، ثبت‌نام و تجهیزات و غیره

موانع اقتصادی

پیامدها

سلامت جسم	زیبایی؛ تناسب‌اندام؛ تسهیل فرآیند زایمان؛ ارتقای سلامتی؛ کاهش بیماری
سلامت روان	پیشگیری از افسردگی؛ آرامش روانی؛ افزایش اعتمادبه‌نفس؛ کاهش استرس؛ افزایش تحمل و سازگاری؛ احساس ارزشمندی
بهبود کیفیت زندگی	توسعه تعاملات اجتماعی؛ تخلیه انرژی؛ گذران مناسب اوقات فراغت؛ بهبود کارایی در زندگی روزمره؛ جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی؛ بازخورد مثبت دیگران؛ احساس رضایت درونی

راهبردها

راهبردهای رسانه‌ای	ساخت برنامه‌های تلویزیونی ورزش در خانه برای بانوان؛ افزایش پخش برنامه‌های ورزشی بانوان در رسانه ملی؛ پخش برنامه‌های ورزش و نرمش در ساعات مختلف شبانه‌روز در رسانه ملی؛ ساخت و ترویج فیلم‌ها و کلیپ‌های خودآموز ورزش؛ معرفی الگوهای برتر ورزشی بانوان در رسانه‌های مختلف؛
اقدامات زیرساختی و فرآیندی	ساخت کارتن‌های ورزشی مهیج و انگیزه‌بخش برای کودکان و نوجوانان؛ روایت داستان موفقیت بانوان ورزشکار علی‌رغم محدودیت‌ها؛ افزایش تبلیغات و اطلاع‌رسانی؛ ترویج پیاده‌روی به‌جای استفاده از حمل‌ونقل عمومی در ایام کرونا افزایش پارک‌ها و مراکز تفریحی؛ قیمت‌گذاری مناسب و ارزان باشگاه‌های بانوان؛ تربیت و افزایش مربیان کارآزموده بانوان؛ ایجاد فضاهای اختصاصی در پارک‌ها برای بانوان؛ ایجاد سراهای ورزش در محلات توسط شهرداری‌ها؛ تجهیز سراهای محله توسط شهرداری؛ ایجاد مهد برای بانوان در مجموعه‌های ورزشی بانوان؛ ایجاد کلاس‌های موازی برای مادرانی که فرزند می‌آورند؛ وجود مربیان ورزش بانوان در پارک‌ها توسعه اماکن ورزشی اختصاصی بانوان؛ توسعه زمان استفاده بانوان از باشگاه‌ها در عصر و شب‌ها

انگیزش‌های شغلی

در نظر گرفتن زمان ورزش در ساعات کاری برای شاغلان دولتی و خصوصی؛ وضع قوانین تشویقی متناسب با هر صنف؛ اهمیت به ورزش بانوان در شرکت‌های خصوصی همچون دستگاه‌های دولتی؛ اهمیت به ورزش بانوان در شرکت‌ها و دستگاه‌ها همچون آقایان؛ ایجاد سانس ورزش در بیمارستان‌ها برای پرستاران و پزشکان؛ ایجاد بستری برای ورزش کردن با همکاران؛ بسته‌های ورزشی شاغلان جزو ساعات کاری محسوب شود؛ ارائه بن‌های تخفیف ورزشی در شرکت‌ها و ارگان‌ها

ساخت و توسعه نرم‌افزارهای ورزشی اندرویدی؛ افزایش طرح‌ها و کسب و کارهایی

با موضوع ارسال مربی در منزل؛ ساخت پلتفرم‌هایی برای پیدا کردن هم بازی و

نوآوری‌های عملکردی همراه ورزشی؛ توانمندسازی کردن بانوان در رسانه، دانشگاه و مدرسه برای پرداختن

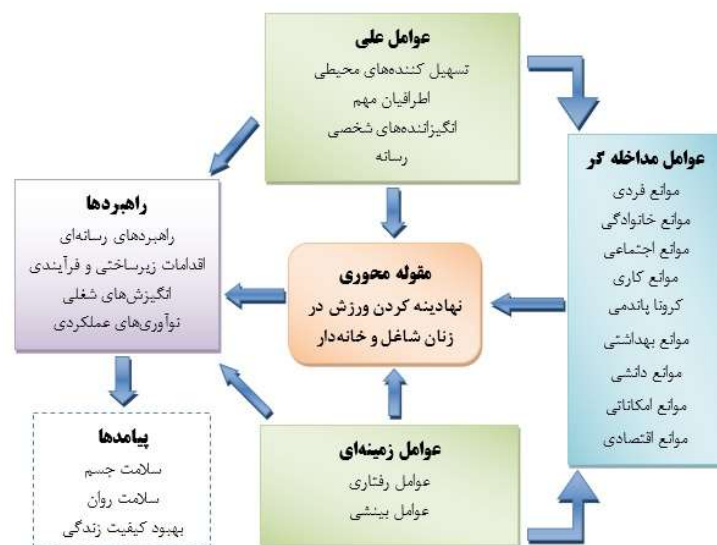
به ورزش؛ ارائه مشاوره‌های ورزشی در مراکز بهداشت؛ برگزاری بازی‌های اجتماعی

و شاد همچون دست رشته در پارک‌های بانوان

پدیده یا مقوله محوری، پدیده‌ای است که اساس و محور فرآیند است. در پژوهش حاضر "نهادینه شدن

ورزش در زنان شاغل و خانه‌دار" به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده است. شکل ۱، مدل پیشنهادی پژوهش

برای نهادینه شدن ورزش در زنان شاغل و خانه‌دار را نشان می‌دهد:



شکل ۱: مدل نهادینه کردن ورزش در زنان شاغل و خانه‌دار

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، ارائه مدل نهادینه‌سازی ورزش در میان زنان خانه‌دار و شاغل شهر تهران بود. در مدل

ارائه شده از مدل نظام‌مند اشتراوس و کوربین استفاده و ۲۲ مقوله شناسایی شد که بر اساس قرابت موضوع در ۵ دسته

عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها طبقه‌بندی شدند. بحث و بررسی نتایج این پژوهش نیز بر همین اساس انجام شده است.

نتایج این پژوهش نشان داد مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر در موضوع نهاده‌ها کردن ورزش در زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران، موانع فردی، موانع خانوادگی، موانع اجتماعی، موانع کاری، پاندمی کرونا، موانع بهداشتی، موانع دانشی، موانع امکاناتی و موانع اقتصادی هستند. کمبود وقت و زمان و نداشتن انگیزه لازم به‌عنوان مهم‌ترین موانع فردی معرفی شدند. زمان عامل مهم و تعیین‌کننده‌ای در میزان اوقات فراغت افراد است و عامل وقت نیز به‌عنوان یکی از موانع بازدارنده شناخته شد. میرغفوری (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود برخی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ورزش زنان را کمبود وقت و زمان به علت مشغله زیاد کاری، کمبود علاقه، عدم خوداعتمادی و خودباوری زنان بیان کرد. فارغ از محدودیت‌های شخصی و داشتن مسئولیت و وظایف خانه‌داری، افرادی که در طبقات بالای اقتصادی اجتماعی قرار دارند از نظر انتخاب نوع تفریح یا رشته ورزشی با محدودیت کمتری مواجه هستند. درعین حال عوامل شخصی و خانوادگی با تدبیر و راهکار مناسب و مدیریت زمان می‌تواند قابل‌رفع باشد. بنابراین از اهمیت کمتری برخوردار هستند.

مهم‌ترین موانع خانوادگی، مفاهیمی مانند خانه‌داری؛ بچه‌داری؛ اولویت بودن کار خانه در نگاه همسران بانوان؛ ورزشی نبودن همسر؛ مخالفت همسر؛ غر زدن همسر؛ دخالت خانواده همسر؛ تنها ماندن فرزندان؛ ورزشی نبودن اعضای خانواده و بارداری را شامل می‌شد. در بعضی از تحقیقات نگرش خانواده به‌عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده مشارکت ورزشی مطرح شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد زنان از کنترل شدید اعضای خانواده و بایدها و نبایدهای ایشان ناراحت هستند (مشکل‌گشا، ۱۳۸۸). همچنین در این پژوهش نیز مخالفت همسر یا خانواده با ورزش جزو عوامل بازدارنده مربوط به خانواده قرارداشت. در همین راستا، نتایج تحقیقات سلطانی و همکاران (۲۰۱۳) و مشکل‌گشا (۱۳۸۸) نیز مؤید نگرش منفی خانواده در انجام فعالیت‌های ورزشی بود.

مهم‌ترین موانع اجتماعی، مفاهیمی همچون نپرداختن رسانه‌های جمعی به ورزش بانوان؛ وجود حواشی و مد بازی در باشگاه‌های ورزشی بانوان؛ نبود بستری مناسب جهت جمعی ورزشی کردن بانوان؛ نگاه منفی جامعه برای پرداختن بانوان به برخی ورزش‌ها؛ نگاه مالی و ابزاری به ورزش آموزان در برخی باشگاه‌های بانوان؛ جو چشم و هم‌چشمی در باشگاه‌های بانوان؛ وجود اراذل و اوباش در برخی پارک‌ها و اماکن؛ کمبود امنیت در برخی پارک‌ها؛ وجود برخی نگرش‌های منفی در مورد ورزش بانوان؛ کمبود امنیت اجتماعی برای ورزش بانوان به‌ویژه طرح‌های دوچرخه‌سواری؛ مشوق نداشتن و تنهایی و نداشتن همراه را شامل می‌شد.

در موانع اجتماعی، عدم حمایت گروه‌های دوستان، مراکز آموزشی، رسانه‌های جمعی، توجه کمتر مسئولان به ورزش زنان و کمبود امنیت اجتماعی، موجب شده است تا زنان و دختران تمایل کمتری به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی داشته باشند. همچنین، موانع فرهنگی از جمله موانع مهمی هستند که تأثیر عمیقی بر کاهش سطح حضور زنان ایرانی در ورزش دارند. وجود فرهنگ مرد محوری در جامعه ورزش، ترس از آسیب رسیدن به اعتقادهای مذهبی، وجود تفکر تأثیرات منفی ورزشی بر ظاهر زنانه و غیره، از مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر در این زمینه‌اند. در برخی تحقیقات به موانع فرهنگی در قالب موانع اجتماعی اشاره شده است که از جمله این تحقیقات می‌توان به پژوهش نقدی، بلالی و ایمانی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

مهم‌ترین موانع کاری، مفاهیمی مانند فقدان امکانات ورزشی بانوان در محل کار؛ حجم کار زیاد؛ کار در منزل؛ عدم تناسب ساعت کاری باشگاه‌ها با شرایط شغلی بانوان؛ ساعت زیاد شغل‌های بانوان؛ شرایط برخی مشاغل خاص مثل پرستاری؛ کار در منزل و شاغل بودن و توأمان و وقت فراغت بسیار محدود را شامل می‌شد. در همین رابطه، تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق نادریان و هاشمی (۱۳۸۸) و سلطانی و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان داد اولویت دادن کار به ورزش و اهمیت ندادن مسئولان اداره به ورزش بانوان کارمند در اولویت عوامل بازدارنده فرهنگی - اجتماعی قرار دارند.

مهم‌ترین موانع مرتبط با پاندمی کرونا، مفاهیمی مانند خانه‌نشینی حاصل از کرونا؛ بالا رفتن قیمت‌ها به دلیل کرونا؛ تعطیلی استخرها به خاطر کرونا؛ فقدان انگیزه لازم برای ورزش در منزل به علت کرونا؛ ترس از کرونا و تعطیلی باشگاه‌ها را شامل می‌شد. با شیوع کووید ۱۹ نه تنها متخصصان ورزش و ورزش‌کاران حرفه‌ای بلکه بسیاری از افرادی که در صنایع خدمات خرده فروشی و ورزشی مرتبط با لیگ‌ها و رویدادهای ورزشی نیز فعالیت می‌کردند از جمله گردشگری، حمل و نقل، رستوران‌های تهیه غذا، شرکت‌های تولیدی وسایل ورزشی، رسانه‌های پخش رویدادها و غیره نیز دچار بحران شدند (ایونس ۱ و همکاران، ۲۰۲۰؛ راتن^۲، ۲۰۲۰) و رکود این فعالیت‌ها، میلیون‌ها دلار خسارت متوجه صنعت ورزش کرد (اوزیلی و آرون^۳، ۲۰۲۰). علاوه بر پیامدهای اقتصادی که لغو بازی‌ها و رویدادهای ورزشی به دنبال داشته، انجام ندادن فعالیت بدنی، پیامدهای نامطلوب روانی و اجتماعی حاصل از عدم تخلیه هیجانات اجتماعی و انزوای اجتماعی را نیز در پی داشت (باس و همکاران، ۲۰۲۰).

¹ Evans

² Ratten

³ Ozili & Arun

مهم‌ترین موانع بهداشتی مفاهیمی همچون آلودگی هوا؛ زانودرد و آسیب‌دیدگی؛ کمبود آهن در بانوان ایرانی و خستگی ناشی از آن را شامل می‌شد. در یک نگاه اجمالی به مراکز ورزشی متوجه خواهیم شد، واقع شدن در محیط‌های دربسته، با تهویه نه چندان مناسب، اغلب کوچک و تا حدی تاریک ازجمله مشخصه‌های اصلی بیشتر این مراکز هستند؛ عواملی که نه تنها باعث ایجاد انگیزه در افراد نمی‌شوند، بلکه در بسیاری از موارد موجب دلزدگی آنان می‌گردند. به همین دلیل بسیاری از افراد بعد از مدت کوتاهی مراجعه به این مراکز بدون توجه به اصل تأمین سلامت روح و جسم خود از طریق پرداختن به ورزش از آمدن به چنین باشگاه‌هایی منصرف می‌شوند.

مهم‌ترین موانع دانشی، مفاهیمی مانند عدم احساس ضرورت به ورزش؛ ناآگاهی از روش‌های ورزش در منزل؛ اطلاع نداشتن از چگونگی پرداختن به ورزش؛ عدم آگاهی از شیوه استفاده از وسایل داخل پارک‌ها؛ ناآگاهی از فوائد ورزش و عدم آگاهی از ورزش متناسب با شرایط سنی و جنسی را شامل می‌شد. همچنین، مهم‌ترین موانع امکاناتی، مفاهیمی همچون بعد مسافت از باشگاه‌ها و پارک‌ها؛ عدم دسترسی آسان به مراکز ورزشی؛ محدود بودن تعداد پارک‌های بانوان و دسترسی دور از آن؛ زمان‌بندی نامناسب باشگاه‌های ورزشی برای بانوان؛ رفت‌وآمد آقایان در محل ورزش بانوان؛ کمبود باشگاه‌های دولتی؛ کمبود فضای ایمن و مناسب برای دوچرخه‌سواری بانوان و تنوع کم رشته‌های ورزشی بانوان در باشگاه‌ها را شامل می‌شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد نبودن تشکیلات ورزشی در محل کار و کمبود اماکن ورزشی در محل سکونت از مهم‌ترین عوامل بازدارنده مربوط به تجهیزات و امکانات قرار دارند. در همین راستا، روزبهانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود اشاره داشتند که نبود امکانات و تأسیسات و تجهیزات ورزشی ایمن و استاندارد، در دسترس نبودن امکانات و تجهیزات ورزشی، در دسترس نبودن وسایل حمل‌ونقل و اتلاف وقت، همچنین عدم تخصیص بودجه و سرمایه کافی در امر حفظ و توسعه اماکن و تأسیسات ورزشی سبب عدم مشارکت بیشتر می‌گردد. نتایج تحقیقات نادریان و هاشمی (۱۳۸۸) و مومنی (۱۳۹۳) نیز مبتنی بر در اولویت قرار داشتن موانع امکاناتی بود. در مورد موانع امکاناتی، به نظر می‌رسد عدم سرمایه‌گذاری لازم در توسعه اماکن ورزشی زنان و عدم دسترسی به فضاها و سالن‌های مناسب ورزشی زنان مهم‌ترین موانع می‌باشد.

مهم‌ترین موانع اقتصادی، مفاهیمی همچون درآمد نداشتن بانوان خانه‌دار؛ زیاد بودن هزینه‌های ورزش برای بانوان؛ نیازهای مالی زیاد خانواده‌ها؛ نیاز به کار زیاد به دلیل مشکلات اقتصادی جامعه؛ گران بودن باشگاه‌های خصوصی؛ وضعیت ناهم‌سامان اقتصادی جامعه؛ بی‌حوصلگی ناشی از فشارهای مالی؛ هزینه‌های بالای زندگی و خارج شدن ورزش از سبد خانوار و هزینه‌های اولیه پرداختن به ورزش مثل کفش، ثبت‌نام و تجهیزات و غیره را شامل می‌شد. همچنین، نتایج تحقیق نشان داد بالا بودن هزینه ورودی اماکن ورزشی در اولویت اول عوامل بازدارنده اقتصادی قرار دارد. نتایج برخی تحقیقات ازجمله پژوهش مومنی (۱۳۹۴)، نادریان و هاشمی (۱۳۸۸) نیز وجود

موانع اقتصادی را به عنوان یک عامل بازدارنده اصلی در مشارکت ورزشی بانوان برشمرده است. به گفته سخنگوی شورای اسلامی شهر تهران، بعضی مناطق تهران مانند مناطق ۹، ۱۰، ۱۳ و ۱۷؛ سرانه های ورزشی و فضای سبز بسیار کمتری نسبت به دیگر مناطق تهران دارند (نادعلی، ۱۴۰۲). با توجه به اینکه در مناطق دیگر امکان توسعه اماکن ورزشی برای زنان وجود دارد، باید تلاش شود در کنار توسعه این مناطق، امکان استفاده رایگان یا با هزینه بسیار ناچیز برای استفاده از سالن های ورزشی به خصوص در مناطق جنوبی شهر فراهم شود- چراکه در مناطق شمالی با برخورداری مردم از امکانات مالی بهتر، باشگاه های ورزشی خصوصی با اقبال عمومی بیشتری مواجه است.

نتایج این پژوهش نشان داد درباره موضوع نهادهای ورزش در زنان شاغل و خانه دار شهر تهران مهم ترین شرایط علی عبارت بودند از: تسهیل کننده های محیطی، اطرافیان مهم، انگیزاننده های شخصی و رسانه. مهم ترین تسهیل کننده های محیطی شامل مفاهیمی همچون محیط ورزشی ارزان و در دسترس؛ دسترسی زیاد و کافی به فضای سبز؛ محیط خوب و سالم باشگاه؛ مربی خوب؛ جو شاد و مفرح کلاس ورزش؛ در نظر گرفتن پاداش برای بانوان شاغلی که مرتب ورزش می کنند در محل کار؛ بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی جامعه و افزایش امنیت اجتماعی برای ورزش بانوان می شد. در همین راستا، سیاری (۱۳۹۶) نیز مشکلات اساسی در عدم گسترش ورزش های همگانی در سطح بانوان را ناشی از عدم فرهنگ سازی مناسب در این زمینه از سوی مسئولان و رسانه های گروهی، کمبود نیروهای کارآموده و با تجربه در زمینه آموزش رشته های مختلف ورزش های همگانی به بانوان و دسترسی نداشتن به فضاهای ورزشی عمومی بیان کرده است.

اطرافیان مهم، مفاهیمی همچون توصیه پزشک؛ ورزشی بودن خانواده؛ همراه بودن همسر؛ تشویق همسر؛ فعالیت بدنی مشترک با همسر؛ مشارکت همسران در کار منزل؛ پایه و همراه داشتن و مشوق داشتن را شامل می شد. هرچه افراد بیشتر بر محدودیت ها غلبه کنند، مشارکت ورزشی آن ها افزایش می یابد. به عنوان مثال، اگر فردی بتواند از طریق شرکت در گروه های ورزشی، بر محدودیت «نبود همراه برای شرکت در فعالیت های ورزشی» غلبه کند، مشارکت ورزشی وی بهبود خواهد یافت (امینی و همکاران، ۱۳۹۶). جاروی (۲۰۰۳) با تاکید بر عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه در زنان برای مشارکت در فعالیت های ورزشی، بعضی از این عوامل را چنین برشمرده: حمایت والدین، اعضای خانواده، همسر، همسالان و دوستان؛ تحصیلات و موقعیت های شغلی بانوان؛ معلمان و استادان، مراکز آموزشی و رادیو و تلویزیون و حمایت اجتماعی زنان به ویژه حمایت خانواده.

مهم ترین انگیزاننده های شخصی، شامل مفاهیمی همچون توانایی اجرای خوب حرکات ورزشی؛ توانایی مدیریت زمان؛ داشتن بیماری نیازمند ورزش و فعالیت بدنی؛ ترس از چاقی و آگاهی از برنامه ریزی فردی برای ورزش کردن می شد. ورزش کردن و فرهنگ ورزش نه تنها در میان زنان بلکه در کل جامعه و در نزد اغلب اقشار به صورت امری

ناملموس و ناهماهنگ با زندگی افراد خودنمایی می کند که تنها نقش ناچیزی آن هم در اوقات فراغت به عنوان سرگرمی برعهده دارد. از این رو، بارها و بارها شاهد هستیم که بسیاری از افراد از جمله زنان، به خصوص در سنین بالا، تنها بنا به توصیه و اجبار پزشکان به ورزش می پردازند و چون از نقش مهم آن در حفظ شادابی روح و جسم خود غافلند در بسیاری از موارد خیلی زود از آن خسته می شوند و آن را کنار می گذارند.

رسانه، مفاهیمی همچون ترویج برنامه های ورزشی بانوان در رسانه ملی؛ پخش برنامه های ورزشی شاد و مفرح در رسانه ملی؛ آموزش چگونگی ورزش کردن در رسانه ملی متناسب با افراد مختلف و فرهنگ سازی ورزش بانوان در رسانه ملی به طرق مختلف را شامل می شد. از آنجایی که ورزش زنان به خوبی ورزش مردان از حمایت رسانه ها برخوردار نیست، بنابراین نمی تواند مخاطبان زیادی را به عنوان تماشاگر تلویزیونی و یا طرفداران ورزشی داشته باشد. از طرف دیگر، به دلیل پوشش رسانه ای کمتر و نداشتن پشتوانه خوب تماشایی و طرفدار، حامیان مالی کمتری نیز دارند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹). در اغلب موارد، برنامه های ورزشی تلویزیون، مردان را با لباس ها و امکانات مناسب در قالب ورزش های مطلوب مردانه که نیاز به کسب مهارت های و تجارب بیشتری دارند، به تصویر می کشند. این مسئله نشانگر نابرابری زنان و مردان در استفاده از امکانات ورزشی متناسب بوده و به همین سبب باعث می شود که زنان گرایش چندانی به آموزش و یادگیری مهارت های ورزشی از طریق تلویزیون نشان ندهند.

نتایج این پژوهش نشان داد، مهم ترین عوامل زمینه ای در موضوع نهادهای ورزش در زنان شاغل و خانه دار شهر تهران، عوامل رفتاری و عوامل بینشی بودند. مهم ترین عوامل رفتاری، مفاهیمی همچون تبدیل به عادت رفتاری شدن ورزش؛ از بچگی به ورزش پرداختن؛ ارتقای آگاهی همسران و خانواده دختران و بانوان؛ عزم و اراده برای ورزش و پذیرش جامعه برای پرداختن بانوان به انواع ورزش ها را شامل می شد. معیارهای سستی لازم برای نجابت و لطافت دخترانه، سر به زیر داشتن و آرام راه رفتن است که در بلندمدت به فقر حرکتی و شکل گیری معیوب استخوان ها منجر و موجب بروز اختلالاتی در اندام ها می شود. آپارتمان نشینی نیز خود بهانه دیگری می شود بر جلوگیری از جست و خیز های کودکان که مدرنیته به ارمغان آورده است. همه اینها شرایط زندگی دختران در خانواده و تا قبل از ورود به نظام آموزشی مدرسه و دانشگاه است. محدودیت های امکانات ورزشی در مدارس و دانشگاه ها به این روند دامن می زند و فقر حرکتی دختران را به حداکثر می رساند.

مهم ترین عوامل بینشی، شامل مفاهیمی همچون تغییر نگرش نسبت به ورزش بانوان؛ میل به تناسب اندام و زیبایی؛ ادراک مزایای جسمی و روانی ورزش در زندگی؛ درک وجوب ورزش برای بانوان با توجه به جنسیت و فرزند آوری؛ آگاهی از منافع ورزش و ارزش برای خود و سلامتی قائل شدن می گردید.

افزایش آگاهی بانوان از پیامدها و فوائد مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی، احتمالاً حضور مستمر و مشارکت بیشتر آن‌ها را در ورزش در پی خواهد داشت. در همین رابطه، نتایج پژوهش لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۸۵) نیز نشان داد آگاهی نسبت به اثرات ورزش، رابطه مثبت و معناداری با علاقه‌مندی به ورزش و روی آوردن به باشگاه‌های ورزشی دارد. همچنین، نتایج پژوهش پارسامهر و همکاران (۱۳۸۵) مؤید این نکته بود که آگاهی از نقش مثبت فعالیت‌های بدنی باعث تمایل بیشتر به انجام آن می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان داد مهم‌ترین راهبردها در موضوع نهادینه کردن ورزش در زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران؛ راهبردهای رسانه‌ای، اقدامات زیرساختی و فرآیندی، انگیزش‌های شغلی و نوآوری‌های عملکردی بودند. راهبردهای رسانه‌ای، شامل مفاهیمی همچون ساخت برنامه‌های تلویزیونی ورزش در خانه برای بانوان؛ افزایش پخش برنامه‌های ورزشی بانوان در رسانه ملی؛ پخش برنامه‌های ورزش و نرمش در ساعات مختلف شبانه‌روز در رسانه ملی؛ ساخت و ترویج فیلم‌ها و کلیپ‌های خودآموز ورزش؛ معرفی الگوهای برتر ورزشی بانوان در رسانه‌های مختلف؛ ساخت کارتن‌های ورزشی مهیج و انگیزه‌بخش برای کودکان و نوجوانان؛ روایت داستان موفقیت بانوان ورزشکار علی‌رغم محدودیت‌ها؛ افزایش تبلیغات و اطلاع‌رسانی و ترویج پیاده‌روی به جای استفاده از حمل‌ونقل عمومی در ایام کرونا می‌شد. نتایج مربوط به مطالعات قره (۱۳۸۴) و ایوبیه و همکاران (۲۰۱۳) نیز حاکی از نقش مثبت رسانه‌ها در افزایش و ارتقای مشارکت زنان خانه‌دار در فعالیت‌های ورزشی بود.

اقدامات زیرساختی و فرآیندی، مفاهیمی همچون افزایش پارک‌ها و مراکز تفریحی؛ قیمت‌گذاری مناسب و ارزان باشگاه‌های بانوان؛ تربیت و افزایش مربیان کارآزموده بانوان؛ ایجاد فضاهای اختصاصی در پارک‌ها برای بانوان؛ ایجاد سراهای ورزش در محلات توسط شهرداری‌ها؛ تجهیز سراهای محله توسط شهرداری؛ ایجاد مهد برای بانوان در مجموعه‌های ورزشی بانوان؛ ایجاد کلاس‌های موازی برای مادرانی که فرزند می‌آورند؛ وجود مربیان ورزش بانوان در پارک‌ها؛ توسعه اماکن ورزشی اختصاصی بانوان و توسعه زمان استفاده بانوان از باشگاه‌ها در عصر و شب‌ها را شامل می‌شد.

عوامل اجتماعی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر قابلیت‌های ورزش بانوان ایرانی دارد. در نتیجه فقر حرکتی در آنان ایجاد شده و باعث نزول عملکرد آنان در اثر کاهش قوای جسمی می‌شود. بدیهی است منع بانوان از ورزش مختلط باید همراه با ایجاد فضا و برنامه‌ریزی لازم برای جداسازی و تفکیک جنسیتی اماکن ورزشی باشد. این در حالی است که تعداد چنین اماکن ورزشی برای بانوان به نسبت جمعیتی بسیار محدود است. این مسئله همت بیش‌ازپیش مسئولان مربوط را می‌طلبد (سیاری، ۱۳۹۶). فعالیت‌های تفریحی ورزشی برای زنان در پارک اختصاصی زنان موجب ایجاد نگرش عدالت جنسیتی و تفکیک جنسیتی می‌شود. زنان مراجعه‌کننده به پارک بانوان و زنان محلات همجوار بر این

باورند که وجود و افزایش چنین برنامه‌های هدفمندی موجب فراهم‌سازی امکان آزادی عمل، کاهش استرس و عصبانیت و غنی‌سازی اوقات فراغت می‌شود (فرشی صبح‌خیز، ۱۳۹۰).

انگیزش‌های شغلی، شامل مفاهیمی همچون در نظر گرفتن زمان ورزش در ساعات کاری برای شاغلان دولتی و خصوصی؛ وضع قوانین تشویقی متناسب با هر صنف؛ اهمیت به ورزش بانوان در شرکت‌های خصوصی همچون دستگاه‌های دولتی؛ اهمیت به ورزش بانوان در شرکت‌ها و دستگاه‌ها همچون آقایان؛ ایجاد سانس ورزش در بیمارستان‌ها برای پرستاران و پزشکان؛ ایجاد بستری برای ورزش کردن با همکاران؛ بسته‌های ورزشی شاغلان جزو ساعات کاری محسوب شود و ارائه بن‌های تخفیف ورزشی در شرکت‌ها و ارگان‌ها می‌شد.

شهرداری به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌ها و پاسخگویی‌ها خود را تقویت نشاط و سلامتی شهروندان و ایجاد بسترهای لازم برای گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های ورزشی شهروندان از طریق تأمین فضای شهری، توسعه امکانات تفریحی و ورزشی و احداث مراکز تفریحی و ورزشی می‌داند. از آنجا که این سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های رفاهی شهرداری برخاسته از مطالبات و نیازهای کنش‌گران شهری است، موجبات رضایت شهروندان از نهادهای شهری را فراهم می‌سازد.

نوآوری‌های عملکردی، شامل مفاهیمی همچون ساخت و توسعه نرم‌افزارهای ورزشی اندرویدی؛ افزایش طرح‌ها و کسب و کارهایی با موضوع ارسال مربی در منزل؛ ساخت پلتفرم‌هایی برای پیدا کردن هم بازی و همراه ورزشی؛ توانمندسازی کردن بانوان در رسانه، دانشگاه و مدرسه برای پرداختن به ورزش؛ ارائه مشاوره‌های ورزشی در مراکز بهداشت و برگزاری بازی‌های اجتماعی و شاد همچون دست رشته در پارک‌های بانوان می‌شد.

کم‌حرکتی و فقر حرکتی (ناشی از سبک زندگی غلط یا حتی شیوع ویروس کرونا) ممکن است زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات و بیماری‌های دیگری باشد. بنابراین انجام ورزش مناسب در پیشگیری و روند بهبودی ویروس کرونا و دیگر بیماری‌ها بسیار موثر است. در دنیای امروز فناوری روز به روز در حال پیشرفت است و همین امر باعث شده که زندگی نسبت به قبل آسان‌تر شود. ممکن است برخی وقت رفتن به باشگاه را نداشته باشند یا از پس هزینه‌های آن بر نیایند و یا حتی قرنطینه را بهانه کنند. دنیای مدرن امروزی برای تمام این مسائل راه چاره دارد. برنامه‌های زیادی در زمینه سلامتی تناسب اندام وجود دارد که می‌توان به راحتی از آنها استفاده کرد و به کمک آن بدنی سالم و روحیه‌ای شاداب داشت و همچنین در وقت و هزینه نیز صرفه‌جویی کرد. ورزش کردن نباید پیچیده، خسته‌کننده و یا هزینه‌بر باشد، زیرا همین موارد به خودی خود به بدن و ذهن آسیب می‌رساند و ورزشکار را دچار مشکلاتی می‌کند. امروزه برنامه‌های هوشمند بهتر از مربیان عمل می‌کند و کاربران را برای رسیدن به فرم بدنی ایده‌آل حمایت می‌نماید.

استفاده از اپلیکیشن ورزش در خانه و بدون باشگاه و تجهیزات ورزشی خاص، موضوعی است که حتی با نادیده گرفتن شرایط کنونی و شیوع ویروس کرونای جدید، بازهم از اهمیت فراوانی برخوردار است، زیرا با کمک این قبیل اپلیکیشن‌ها افراد می‌توانند حتی در سفرهای تفریحی یا کاری و هتل‌ها و حتی محیط اداری با انجام تمریناتی برای تناسب اندام خود تلاش کنند. بنابراین، نصب و استفاده از یک یا چند مورد از این اپلیکیشن‌ها می‌تواند تا حد زیادی میانگین تحرکات فیزیکی افراد جامعه را افزایش دهد.

نتایج این پژوهش نشان داد مهم‌ترین پیامدها در موضوع نهاده کردن ورزش در زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران؛ سلامت جسم، سلامت روان و بهبود کیفیت زندگی بودند. سلامت جسم شامل مفاهیمی همچون زیبایی؛ تناسب اندام؛ تسهیل فرآیند زایمان؛ ارتقای سلامتی و کاهش بیماری می‌شد. نادری و همکاران (۱۳۹۳)، بیان داشتند که پیامدهای جسمانی مثبت ورزش در فضای مختص زنان شامل تناسب‌اندام، تقویت و درمان جسم، تأثیر فیزیولوژی و جذب ویتامین دی می‌شود. ورزش بر تقویت و درمان جسم تأثیر مستقیمی دارد. تحقیقات نیز نشان داده است که پرداختن به ورزش و فعالیت‌های بدنی در زنان، تأثیر عمیقی بر دوران بارداری، شیردهی و همچنین سلامتی در دوران کهنسالی خواهد گذاشت (خان‌محمدی، ۱۳۹۶).

سلامت روان مفاهیمی همچون پیشگیری از افسردگی؛ آرامش روانی؛ افزایش اعتمادبه‌نفس؛ کاهش استرس؛ افزایش تحمل و سازگاری و احساس ارزشمندی را شامل می‌شد. انجام فعالیت‌های بدنی نسبتاً سنگین مثل پیاده‌روی و آهسته دویدن برای رشد طبیعی استخوان‌ها و اسکلت بدن ضروری است. فعالیت‌های فیزیکی منظم در کاهش استرس، اضطراب، افسردگی و احساس تنهایی تأثیر دارد و انجام فعالیت‌های ورزشی در به وجود آمدن اعتمادبه‌نفس و ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی مؤثر است؛ درحالی‌که انفعال زنان، نه تنها آنان را از دستیابی به فرصت‌های برابر در جامعه بلکه از حداقل امکانات ورزشی و حرکتی دور می‌کند که نتیجه آن فقر حرکتی و آسیب‌های فیزیولوژیک است. نادری و همکاران (۱۳۹۳) پیامدهای روان شناختی مثبت ورزش در فضای مختص زنان را شامل شادابی و آرامش روانی، افزایش اعتمادبه‌نفس، پیشگیری از افسردگی و تخلیه انرژی گزارش کردند. آن‌ها اشاره داشتند که ورزش موجب ترشح هورمون‌هایی مثل آدرنالین‌ها، نورآدرنالین‌ها و... می‌شود و فرد احساس آرامش و شادابی می‌کند. ورزش موجب افزایش اعتمادبه‌نفس و در نتیجه موجب افزایش کارایی فرد در مسئولیت‌های زندگی و اجتماعی می‌شود.

بهبود کیفیت زندگی، شامل مفاهیمی همچون توسعه تعاملات اجتماعی؛ تخلیه انرژی؛ گذران مناسب اوقات فراغت؛ بهبود کارایی در زندگی روزمره؛ جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی؛ بازخورد مثبت دیگران و احساس رضایت درونی می‌شد. مردم خواستار بهبود کیفیت زندگی‌اند و از این رو دولت‌ها در سراسر جهان روز به روز بیشتر به بهبود

کیفیت زندگی مردم خود توجه می‌کنند و می‌کوشند خدمات بهداشتی اولیه را تأمین و رفاه جسمی و روانی و اجتماعی مردم را بیشتر کنند. آن‌ها می‌پذیرند که افزایش استاندارد زندگی مردم برای رضایت خاطر و خشنودی آن‌ها کافی نیست و باید کیفیت زندگی هم افزایش یابد- این موضوع به معنای تأکید بیشتر بر سیاست اجتماعی و اصلاح اهداف اجتماعی به منظور ایجاد زندگی شادتر می‌باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۶).

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، به نهادها و سازمان‌های متولی در زمینه ورزش و فعالیت بدنی (ادارات ورزش و جوانان، شهرداری، هیئت‌های ورزشی، مساجد و غیره) پیشنهاد می‌شود در کنار اقدامات انگیزاننده و انگیزشی برای مشارکت بانوان در ورزش، در رفع موانع و محدودیت‌های موجود نیز اقدام کنند تا میزان مشارکت افراد در ورزش افزایش یابد و این نهادها و سازمان‌ها به اهداف اصلی خود، یعنی گسترش و توسعه میزان مشارکت بانوان در ورزش نائل آیند.

نتایج پژوهش نشان داد یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های زنان از مشارکت در ورزش، توصیه و تجویز پزشک است. به نظر می‌رسد با توجه به تنبلی و بی‌حوصلگی نسبت به مشارکت زنان در ورزش و علاقه کم به ورزش، تا زمانی که افراد دچار مشکل نشوند (امراض و بیماری) و احساس نیاز به ورزش پیدا نکنند (تجویز پزشک) اقدامی برای مشارکت در ورزش نخواهند کرد و از آنجاکه آگاهی از پیامد و فوائد مشارکت در ورزش در پژوهش حاضر تأثیر معناداری بر مشارکت مستمر در ورزش داشته است، لازم است با افزایش آگاهی و تأکید بر فوائد ورزش از طریق رسانه‌های گروهی و اجتماعی و نظام آموزشی کشور (مدارس، دانشگاه‌ها و غیره) احساس نیاز در افراد ایجاد شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مدیران و مسئولان امر در ورزش زنان، نسبت به آگاه‌سازی بانوان از فوائد ورزش و مشارکت در آن، همت گمارند و اقدامات مناسب و ویژه‌ای از طریق تهیه بروشورها، تابلوهای تبلیغاتی شهری و رسانه‌های گروهی به انجام برسانند. در راستای رفع موانع فرهنگی، سازمان‌های فرهنگ‌ساز جامعه از جمله آموزش و پرورش، صداوسیما و غیره باید گام‌هایی را در جهت اصلاح دید جامعه نسبت به زنان ورزشکار بردارند. در همین رابطه، تلاش گسترده نیروی انتظامی در راستای ایمن ساختن محیط‌های پیرامون اماکن ورزشی زنان نیز تأثیر بسزایی در افزایش سهم مشارکت زنان در ورزش دارد.

منابع

- ابراهیمی‌پور، طاهره؛ رمضانی‌نژاد، رحیم و امیرنژاد، سعید. (۱۳۹۶). «تبیین الگوی تعهد به مشارکت بانوان استان مازندران در ورزش همگانی». پژوهش در ورزش تربیتی. ۵(۱۳)، صص ۹۳-۱۱۰.
- آجورلو، فاطمه؛ قدیمی، بهرام؛ محمد کاظمی، رضا و آزادفدا، شیوا. (۱۴۰۰). «طراحی مدل جایگاه ورزش بانوان در بهبود شاخص‌های توسعه یافتگی در ایران». نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۲۰(۵۳)، صص ۱۵۹-۱۷۴.

- ازکیا، مصطفی؛ ساروخانی، باقر و حسن بیک‌وردی، لادن. (۱۳۹۱). «مقایسه کیفیت زندگی زنان شرکت‌کننده در ورزش‌های همگانی و زنان غیرفعال در این زمینه (منطقه ۳ تهران)». فصل‌نامه تغییرات اجتماعی - فرهنگی. ۹ (۳)، صص ۱-۱۴.
- امامی، صدیقه سادات؛ حیدری نژاد، صدیقه و شفیع‌نیا، پروانه. (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل انگیزشی مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه ورزشی دانشگاه». پژوهش در ورزش دانشگاهی. صص ۳۱-۶۵.
- امینی، امیرمظفر؛ یوسفی، علی؛ سرائی، سودابه و فتاحی، فروغ. (۱۳۹۶). «جایگاه ورزش در زندگی بانوان روستایی شهرستان اصفهان و عوامل بازدارنده آن». دوفصل‌نامه مشارکت و توسعه اجتماعی. ۵ (۳)، صص ۲۷-۴۶.
- بنار، نوشین؛ احمدی، نسرين و کریمی، فریبا. (۱۳۹۲). «بررسی مشکلات ورزش قهرمانی زنان استان گیلان». نشریه مدیریت منابع انسانی در ورزش. ۱ (۱)، صص ۱۱-۲۴.
- پارسامهر، مهران. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: استان مازندران)». رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم انسانی.
- حبیب‌پور گنابی، کرم؛ نازک تبار، حسین و فرج تبار، رضا. (۱۳۹۱). «مقایسه مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار در شهر ساری». فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق). سس ۱۶۳-۱۹۰.
- حسینی، الهه؛ فرزانه، فرزانه و حسینی‌نیا، سیدرضا. (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل مؤثر بر کناره‌گیری بانوان بالای ۱۸ سال ایران از فعالیت‌های ورزشی با رویکرد کیفی». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۱ (۴)، صص ۷۳۹-۷۵۹.
- خان‌محمدی، سمیرا. (۱۳۹۶). «نگرشی جامعه‌شناختی به موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی». همایش ملی فقه و علوم اسلامی، تهران.
- خطیبی، امین و قلی‌پور، مهشید. (۱۳۹۸). «شناسایی عوامل مؤثر در تقاضای بازار باشگاه‌های تکواندوی بانوان». نشریه مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۱ (۵۴)، صص ۱۵۳-۱۷۰.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید. (۱۳۹۶). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. جلد اول. تهران: انتشارات نگاه دانش
- دیواندری، علی؛ کرمانشاه، علی و اخلاصی، امیر. (۱۳۹۱). «ارائه مدل برندسازی برای کلان‌پروژه‌های تفریحی، اقامتی، گردشگری و ورزشی کشور با رویکرد بومی بر اساس تئوری مبتنی بر داده‌ها». پژوهش‌نامه بازرگانی. ۱۷ (۶۵)، صص ۲۷-۶۴.
- رمضان‌نژاد، رحیم و محبی، دمیرچی. (۱۳۸۸). «بررسی انگیزه‌های شرکت‌کنندگان در ورزش‌های همگانی در فضای روباز». نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۲، صص ۵-۱۹.
- روزبهبانی، محبوبه؛ کامکاری، کتابون و میرزاپور، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر موانع مشارکت زنان سالمند در فعالیت‌های ورزشی تفریحی استان البرز». فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش. ۱ (۲)، صص ۳۳-۴۲.
- سلطانی، هادی؛ ماجدی، نیما و نویخت، زهرا. (۱۳۹۸). «تحلیل محتوی ورزشی پایگاه‌های خبری مجازی». نشریه پژوهش‌های معاصر در مدیریت ورزشی. ۹ (۱۸)، صص ۹۱-۱۰۵.
- سلمان، زهرا. (۱۳۹۳). «ارتباط بین ورزش و سلامت روان بانوان فرهنگی شاغل». فصل‌نامه روان‌شناسی تربیتی، ۱ (۳۳)، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- سیاری، احمد. (۱۳۹۶). «واکاوی مشکلات عدیده ورزش بانوان در کشور». پایگاه اینترنتی وقایع استان، چهارشنبه ۸ آذر ۱۳۹۶، شماره ۷۳۲.
- شهبازی، مهدی؛ شعبانی مقدم، کیوان و صفاری، مرجان. (۱۳۹۲). «ورزش همگانی (ضرورت، موانع و راهکارها)». فصل‌نامه مجلس و راهبرد، سال ۲۰، شماره ۷۶، صص ۶۹-۹۷.
- شیرازی، پونه. (۱۳۹۱). «پای ورزش بانوان می‌لنگد». روزنامه جام جم، یکشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۱، شماره ۳۵۵۵.
- صفاری، مرجان. (۱۳۹۱). «طراحی مدل ورزش همگانی ایران». رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

- غفوری، فرزا؛ کشکر، سارا و چوپانکاره، وحید. (۱۳۹۰). «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه ورزش همگانی از دیدگاه مدیران ورزش شهری تهران». مجموعه مقالات همایش ملی مدیریت و برنامه‌ریزی تفریحات ورزشی، سازمان ورزش و ادراه کل مطالعات فرهنگی، اجتماعی شهرداری تهران.
- فراهانی، ابوالفضل؛ حسینی، معصومه و مرادی، راضیه. (۱۳۹۶). «اولویت‌بندی موانع پیش روی بانوان شاغل در انجام فعالیت‌های ورزشی استان البرز». مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. ۱۳۹۶؛ ۱۵ (۱)، صص ۳۴-۲۳.
- فرش‌ی صبح‌خیز، فاطمه. (۱۳۹۰). «ارزیابی تأثیر اجتماعی پارک بهشت مادران منطقه ۳ شهرداری تهران». معاونت اجتماعی شهرداری تهران.
- قادرزاده، امید و حسینی، سیده چیمین. (۱۳۹۴). «ورزش زنان و دلالت‌های معنایی آن». زن در توسعه و سیاست، ۱۳ (۳)، صص ۳۰۹-۳۳۴.
- قاسمی، حمید؛ تجاری، فرشاد و کشکر، سارا. (۱۳۸۹). «فعالیت‌های رسانه‌ای در ورزش». چاپ سوم، تهران، انتشارات بامداد کتاب
- قدرت نما، اکبر؛ حیدری‌نژاد، صدیقه؛ داودی، ایران و رایگان، ایوب. (۱۳۹۲). «رابطه وضعیت اقتصادی - با میزان فعالیت بدنی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز». مجموعه مقالات SES اجتماعی ششمین همایش ملی دانشجویان تربیت بدنی و علوم ورزشی ایران، تهران.
- قدرتی، غلامرضا. (۱۳۸۰). «چگونگی گذراندن اوقات فراغت دانشجویان مرد و زن دانشگاه شهید چمران اهواز با تأکید بر نقش ورزش و تربیت بدنی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- قره، محمدعلی. (۱۳۸۴). «بررسی وضعیت ورزش همگانی در ایران و مقایسه آن با چند کشور جهان». رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم.
- قلی‌زاده، آذر و سیدصالحی، سپیده. (۱۳۹۴). «نقش برنامه‌های شبکه ورزش در ارتقای فرهنگ ورزشی زنان خانه‌دار منطقه پنج تهران». نشریه مدیریت فرهنگی. ۹ (۲۸)، صص ۲۳-۴۹.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ جهانگیری، جهانگیر و تابعیان، حسن. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل مؤثر بر علاقه دانشجویان به ورزش (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز)». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. ۲۴ (۲)، صص ۹۵-۱۰۵.
- مرادی سیاسری، غلامرضا؛ کشکر، سارا؛ سالار، روح‌الله و قبادی، عباس. (۱۳۹۹). «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت فعالیت‌های ورزشی بانوان در پارک‌های شهر تهران». پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی. ۱۳ (۵۰)، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- مشکل‌گشا، الهام. (۱۳۸۸). «توسعه مشارکت ورزشی زنان: شناسایی انگیزه‌ها و موانع». نشریه علوم حرکتی و ورزش. ۷ (۱۳)، صص ۱۴۵-۱۵۴.
- ممتازبخش، مریم و فکور، یوسف. (۱۳۸۶). «بررسی راهکارهای ارتقا و توسعه ورزش همگانی بانوان دانشگاه علوم انتظامی». دانش انتظامی. ۹ (۲)، صص ۵۳-۶۲.
- مهدی‌زاده، رحیمه و اندام، رضا. (۱۳۹۳). «راهکارهای توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. شماره ۶ (۲۲)، صص ۱۵-۳۸.
- مومنی، علیرضا؛ همتی، امین و مرادی، هادی. (۱۳۹۳). «شناسایی و اولویت‌بندی موانع پیش‌روی بانوان در انجام فعالیت‌های ورزشی». مطالعات مدیریت ورزشی. ۶ (۲۴)، صص ۱۱۱-۱۳۰.
- میرغفوری سید حبیب‌اله؛ صیادی تورانلو، حسین و میرفخرالدینی، سید حیدر. (۱۳۸۸). «بررسی و تحلیل مسائل و مشکلات مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی (مطالعه موردی: دختران دانشجوی دانشگاه یزد)». نشریه مدیریت ورزشی. دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۰.
- نادری، احمد؛ شهبازی، مهدی و اکبری، الهام. (۱۳۹۳). «تحلیل انسان‌شناختی ورزش زنان: مطالعه‌ای بر فعالیت‌های ورزشی در پارک‌های بانوان تهران». پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ۴ (۲)، صص ۵۱-۶۸.

- نادریان جهرمی، مسعود و هاشمی، هاجر. (۱۳۸۸). «عوامل بازدارنده مشارکت زنان کارمند شهر اصفهان». نشریه پژوهش در علوم ورزشی. ۲۳، صص ۱۳۷-۱۵۳.
- نادعلی، علیرضا. (۱۴۰۲). «کدام مناطق پایتخت به لحاظ سرانه‌های فرهنگی، ورزشی و فضای سبز فقیرترند؟» پایگاه خبری تحلیل شهر، قابل دسترس در آدرس: shahr.ir/xqMw
- نقدی، اسدا...؛ بلالی، اسماعیل و ایمانی، پروین. (۱۳۹۰). «موانع فرهنگی واجتماعی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی». نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). ۹ (۱)، صص ۱۴۷-۱۶۳.
- نوروزی، علی؛ ملکی، امیر؛ پارسامهر، مهربان و قاسمی، حمید. (۱۳۹۶). «تبیین جامعه‌شناختی مشارکت ورزشی زنان با تأکید بر هنجارهای جنسیتی (مورد مطالعه: زنان استان ایلام)». فصل‌نامه علمی فرهنگ ایلام. ۱۸ (۵۶،۵۷)، صص ۷-۳۱.
- Abioye, A., Hajifathalian, K., Danaei, G. (2013). "Do mass media campaigns improve systematic review and physical activity? A meta-analysis". Archives of Public Health, 71(20):1-10.
- Bas, D., Martin M., Pollack C. and Venne R. (2020) "United Nations Department of Economic and Social Affairs", POLICY BRIEF NO73. The impact of COVID-19 on sport, physical activity and well-being and its effects on social development.
- Brassey, J., Herbig, B., Jeffery, B., & Ungerman, D. (2023). Reframing employee health: Moving beyond burnout to holistic health. McKinsey Health Institute.
- Culver, D., Kraft, E., Din, C., Cayer, I. (2019) "The Alberta women in sport leadership project: a social learning intervention for gender equity and leadership development." Women in Sport and Physical Activity Journal, 27(2): 110-117.
- Evans, A.B., J. Blackwell, P. Dolan, J. Fahlen, R. Hoekman, V. Lenneis, G. McNarry, M. Smith, and L. Wilcock. (2020). "Sport in the Face of the COVID-19 Pandemic: Towards an Agenda for Research in the Sociology of Sport". European Journal for Sport and Society 17 (2): 85-95. doi:10.1080/16138171.2020.1765100.
- Fadnes, L. T., Økland, J. M., Haaland, Ø. A., & Johansson, K. A. (2022). "Estimating impact of food choices on life expectancy: A modeling study". PLoS medicine, 19(2), e1003889.
- Hopkins, C. S., Hopkins, C., Kanny, S., & Watson, A. (2022). "A systematic review of factors associated with sport participation among adolescent females". International Journal of Environmental Research and Public Health, 19(6), 3353.
- Jarvie, G. (2003) "Communitarianism. Sport and Social Capital". International Review for the Sociology of Sport. 38(2): 139-153.
- Kumari, N. (2017). "A study on barriers to women and girls' participation in sports: a case study of Haryana". International Journal of Arts, Humanities and Management Studies.. 3(7): 64-75.
- Massanori O (2007). "Effect of the physical activity in leisure time and commuting to work on mental health". Journal of Occupational Health.; 49: 46-52.
- Ozili, Peterson K and Arun, Thankom, (2020). "Spillover of COVID-19: Impact on the Global Economy". Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3562570>
- Ratten, V. (2020). "Coronavirus disease (COVID-19) and sport entrepreneurship". International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, 26 (6): 1379-1388. <https://doi.org/10.1108/IJEBr-06-2020-0387>.
- Voordt, T.v.d. and Jensen, P.A. (2023). "The impact of healthy workplaces on employee satisfaction, productivity and costs". Journal of Corporate Real Estate, Vol. 25 No. 1, pp. 29-49. <https://doi.org/10.1108/JCRE-03-2021-0012>.
- World Health Organization. (2022). Physical activity country profile: Iran 2022. <https://www.who.int/publications/m/item/physical-activity-irm-2022-country-profile>.

ارائه مدل پوشش خبری مناسب ورزش بانوان با رویکرد تئوری داده‌بنیاد

ناصر رسولزاده جدی^۱

فاطمه عبدوی^۲

علی جمالی^۳

حامد عظیمی نوجه ده^۴



[10.22034/ssys.2024.3161.3308](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3161.3308)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

پوشش خبری و رسانه‌ای مناسب در ترویج و ارتقای کمی و کیفی ورزش بانوان برای عموم مردم، ورزشکاران و جذب حامیان مالی موثر است. براین اساس هدف پژوهش حاضر، ارائه مدل پوشش خبری مناسب ورزش بانوان بود. این مطالعه به روش کیفی با رویکرد تئوری داده‌بنیاد انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان و مدیران ورزشی، اساتید حوزه مدیریت رسانه و نخبگان ورزشی در استان آذربایجان شرقی بود که تعداد ۱۳ نفر به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و عمیق بود. داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی، با نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی MAXQDA2020 و با روش کدگذاری سه مرحله‌ای اشتراوس و کوربین مورد تحلیل قرار گرفتند. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی ۱۰۵ کد اولیه، ۳۷ کدمحوری و درنهایت ۴ مقوله اصلی شد. یافته‌های پژوهش شامل مقوله‌های اصلی «مولفه‌های پوشش خبری ورزش بانوان»، «عوامل پوشش خبری ورزش بانوان»، «پیامدهای پوشش خبری ورزش بانوان» و «راهکارهای پوشش خبری ورزش بانوان» بودند که نتایج حاصله از این پژوهش می‌تواند مورد توجه و استفاده سازمان‌ها و نهادهای ورزشی قرار گیرد و در حوزه مدیریت رسانه، تبلیغات و بازاریابی ورزش بانوان موثر واقع گردد.

واژگان کلیدی: پوشش خبری، رسانه، ورزش بانوان و ارائه مدل.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Naserrasoulzadeh.j@gmail.com

^۲ استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۳ دکترای مدیریت ورزشی، وزارت ورزش و جوانان، تبریز، ایران

^۴ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

در عصر حاضر، ورزش یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین فعالیت‌های افراد جامعه است که به دلیل فوائد و مزایای اثبات شده آن، به عنوان یکی از نهادهای اجتماعی در جامعه پذیرفته شده است (نجفی، ۱۳۹۹).

همزمان با صنعتی شدن ورزش، کسب سرمایه و درآمدزایی برای سازمان‌های ورزشی با فرایندهایی مانند فروش بلیط، حق پخش تلویزیونی، جذب حامیان معنوی و مالی و بسیاری موارد دیگر همراه شده است. از این رو، بهره‌گیری از فرصت‌های بازاریابی در ورزش سبب ایجاد بسترهای مورد نیاز جهت تعامل بین رسانه، صنعت، تجارت و ورزش شده و پلی راهبردی در خدمت توسعه ورزش و رونق اقتصادی و حرفه ای آن به شمار می‌رود (ایزدی، ۱۴۰۲).

اگر از دیدگاه سنتی به ورزش بنگریم، شاهد قلمروی مردانه برای ورزش خواهیم بود و دلیل این امر ریشه در تمایلات ژنتیکی مردانه، ترکیب بدن خاص مردان و قدرت زیاد آنان دارد. تاریخچه ورزش نشان‌دهنده این موضوع است که با وجود این که ورزش محدود به گروه خاصی از افراد نیست، اما همواره قلمرویی مردانه داشته و بسیاری از ارزش‌های ساختاری آن، بر پایه مردان تشکیل یافته است. تاریخچه این نابرابری جنسیتی به یونان باستان برمی‌گردد؛ زمانی که در بیشتر مناطق این کشور فقط مردان اجازه ورزش داشتند و نقش زنان در حاشیه‌های ورزش دیده می‌شد (طاهری برنتی، ۱۳۹۹). این گونه تفاوت‌های فیزیکی را می‌توان یکی از دلایل دورماندن و محرومیت زنان از ورزش و شرکت در فعالیت‌های ورزشی در گذشته دانست؛ به طوری که در اولین دوره بازی‌های المپیک نوین در سال ۱۸۹۶، حضور زنان در بازی‌ها ممنوع بود. با گذشت سال‌ها اکنون شاهد مشارکت بیشتر زنان در طول بازی‌های ورزشی هستیم. یکی از دلایلی که باعث فرارسیدن زمان برابری میان ورزشکاران مرد و زن بود، «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که اعلامیه آن در سال ۱۹۷۲ به شکل یک سند بین‌المللی حقوق زنان معرفی شد. با نگاهی به چهار دهه گذشته شاهد رشد قابل توجهی از مشارکت بانوان در عرصه ورزش هستیم؛ به طوری که برخی از نظرسنجی‌های انجام شده، نشان‌دهنده این موضوع است که تماشاگران ورزش، به ورزش بانوان نیز علاقه دارند (رامنی و جانسون^۱، ۲۰۱۹).

یکی از راه‌های تبلیغ و ترویج ورزش زنان، رسانه‌های جمعی هستند. نقش رسانه‌ها، هدایت و تاثیرگذاری بر افکار عمومی، ایجاد همبستگی اجتماعی، پرورش شهروندانی نقاد، ساختن ایدئولوژی و فرهنگ توده‌ای و کثرت گراست (دهقان و همکاران، ۱۳۹۸). رسانه‌ها به عنوان مرکز عصبی جامعه محسوب می‌شوند و رسانه‌های جمعی اهداف متنوعی چون سرگرمی، فراهم کردن اطلاعات، متقاعدسازی و همچنین به گونه‌ای نامحسوس انتقال فرهنگ را بین انسان‌ها بر عهده دارند (زردشتیان و همکاران، ۱۳۹۶). رسانه‌های جمعی، نقش انکارناپذیری در ساخت و شکل‌دهی باورها، نوع نگرش و تفکرات افراد جامعه نسبت به ورزش زنان و مشارکت آنان در رویدادهای ورزشی دارند و می‌توانند زمینه بسترسازی این موضوع باشند. رسانه و مطبوعات می‌توانند با پوشش خبری مشارکت ورزشی بانوان، زمینه ترغیب آنان به ورزش و محیط‌های بانشاط ورزشی را حاضر و توسعه و ارتقای ورزش آنان را یاری دهند (علمشاهی و همکاران، ۱۳۹۲). علی‌رغم حجم زیادی از موفقیت‌های ورزشی بانوان، رسانه‌های ورزشی، کمتر آنان را پوشش داده‌اند و بیشتر مواقعی که این موضوعات را پوشش می‌دهند، زنان و ورزش‌های انجام شده توسط آنان را

¹ Romney and Johnson, 2020

بی‌اهمیت جلوه می‌دهند که این تبعیض جنسیتی می‌تواند اثرات مخربی را در مشارکت زنان داشته باشد (شرود^۱، ۲۰۲۰). شرکت‌های رسانه‌ای باید به این نکته توجه داشته باشند که نقش بسیار خطیری در تأثیرگذاری بر افکار و عقاید مخاطبان خود دارند و نباید این موضوع را نادیده بگیرند، چرا که ممکن است کاهش فعالیت و مشارکت‌های زنان در فعالیت‌های ورزشی را باعث شود.

پوششی بی‌طرفانه و با رعایت انصاف نسبت به جنسیت ورزشکاران می‌تواند موانع بسیاری را از راه مشارکت زنان برچیده و به آنان در راه پیشرفت و موفقیت‌های روزافزون یاری رساند (ذن لیم^۲، ۲۰۱۸). این رسانه‌ها در افزایش تعداد مخاطبان ورزش بانوان، شناخته‌شدن و مطرح‌شدن ورزشکاران و مدال‌آوران بانوان و همچنین پوشش خبری آن‌ها نقشی بسیار حائز اهمیت دارند؛ اما متأسفانه کمتر شاهد این مسائل در رسانه‌ها هستیم. نگاه جنسیتی به مسائل به‌عنوان یکی از جوانب زندگی نمود یافته است و شاهد حضور این موضوع در ورزش نیز می‌باشیم (گلنبی، ۱۳۹۴). اکثریت محتوای رسانه‌ای ورزشی که روزانه پخش می‌شود و افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به ورزش مشتاق می‌نماید، در مورد ورزشکاران مرد است و زنان در این پوشش، حضوری نامرئی دارند (یاکوبوسکا و لیچن^۳، ۲۰۱۹). در دنیای ورزش امروزی، پوشش خبری ورزشی زنان بسیار کم‌رنگ‌تر از ورزش مردان است و زمانی هم که شاهد حضور زنان هستیم، بیشتر تمرکزها بر روی زن بودن و جنسیت آنان است و موفقیت آنان کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد (ذن لیم، ۲۰۱۸).

نتایج به‌دست‌آمده در یکی از جدیدترین مطالعاتی که توسط پتی و پوپ^۴ در سال ۲۰۲۳ روی پوشش خبری ورزشی بانوان توسط رسانه‌های انگلیسی در طول بازی‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۱۵ زنان به انجام رسیده حاکی از آن است که ورزش زنان همچنان حضور بسیار کمی در رسانه‌ها دارد و به میزان قابل توجهی ارائه نشده است. فرناندز و مونوز^۵ در سال ۲۰۲۱ به تجزیه و تحلیل پوشش مسابقات بسکتبال المپیک ریو ۲۰۱۶ در دو بخش مردان و زنان در شبکه‌های رسانه‌ای اسپانیا پرداختند و نتایج حاصل‌شده، نشان‌دهنده نابرابری آشکار و واضح در بازنمایی مردان و زنان هم از لحاظ تعداد و زمان‌های تحت پوشش و هم از لحاظ تحلیل‌های محتوا بود و بخش‌های مربوط به زنان کمتر ارائه شده بودند. پژوهش دیگری در فنلاند پیرامون میزان پوشش خبری ورزشی زنان در برنامه‌های تلویزیونی نشان‌دهنده نتایج ناامیدکننده‌ای است. به‌طور میانگین درصد پوشش خبری ورزشی بانوان در دو شبکه ورزشی این کشور کمتر از ۲۰ درصد است و این آمار، عدم‌بازنمایی ورزش زنان و تبعیض جنسیتی بسیار در این کشور را نشان می‌دهد (نینا^۶، ۲۰۱۸). میزان توجه رسانه‌های ورزشی ایران به ورزش بانوان بسیار کم است و برخی از خبرگزاری‌های معتبر با داشتن صدها هزار بازدیدکننده روزانه، فعالیت‌های ورزشی بانوان را پوششی نمی‌دهند. آمار به‌دست آمده از

¹ Sherwood, 2020

² Zen Lim, 2018

³ Jakubowska and Ličen, 2019

⁴ Petty and pope, 2023

⁵ Fernandez and Muñoz-Muñoz, 2021

⁶ Niina, 2018

آرشیو یک ماهه پنج خبرگزاری عمده و پربازدید ایران نشان داد که این خبرگزاری‌ها در مجموع تنها ۱/۱ درصد از کل اخبار ورزشی خود را به حوزه فوتبال و فوتسال بانوان اختصاص داده‌اند (احمدی و احمدی، ۱۳۹۷).

بنابر پژوهش‌های انجام‌شده، زنان و ورزشکاران زن قسمت کوچکی از رسانه‌های ورزشی را به خود اختصاص می‌دهند (شروود و همکاران^۱، ۲۰۱۶). در سال ۲۰۱۴، تنها ۳/۲ درصد از پوشش‌های رسانه‌ای به زنان و ورزش بانوان اختصاص داده شده که در مقابل سهم مردان بسیار کم است (دزیوبینسکی و همکاران^۲، ۲۰۱۸).

زنان از دیرباز با مسائل و مشکلات زیادی اجتماعی زیادی مواجه بوده‌اند که از جمله می‌توان به فقدان فرصت و امکان برای انجام فعالیت ورزشی، یا ممنوعیت پرداختن به آن در تاریخی نه چندان دور، باورهای نادرست فرهنگی در جامعه، تبعیض رسانه‌ها در مورد پوشش خبری ورزش بانوان، عدم تمایل حامیان مالی از ورزش بانوان و غیره اشاره کرد (عیدی و همکاران، ۱۳۹۸).

باتوجه به مطالب گفته‌شده، در بسیاری از جوامع، شاهد مشکلات و محدودیت‌های بسیاری برای زنان و مشارکت ورزشی آنان، از جمله عدم دسترسی به برخی امکانات و تجهیزات آموزشی در مقایسه با مردان، دستمزدها و پاداش‌های بسیار کمتر نسبت به هم‌تایان مرد و... می‌باشیم (عبدالقادر و همکاران^۳، ۲۰۱۷). این‌گونه محرومیت‌ها در کشور جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف به‌ویژه شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر کشور برجستگی دارد. باتوجه به مطالب یاد شده، در این پژوهش مدلی را برای پوشش خبری ورزش بانوان استان آذربایجان شرقی در بستر فرهنگ جامعه با رویکرد کیفی ارائه شد تا شاهد رشد روزافزون حضور بانوان در شبکه‌های رسانه‌ای و بازنمایی ورزش مردان و زنان به یک میزان در آینده‌ای نزدیک شاهد باشیم.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش از نوع کیفی^۴ است و جهت اجرای آن از روش تئوری داده‌بنیاد^۵ استفاده گردیده است. در رابطه با شیوه و روش پژوهش حاضر باید گفت عمدتاً در پژوهش‌های این‌چنینی که معمولاً اطلاعات کمی نسبت به موضوع وجود دارد و تلاش مضاعف محقق را می‌طلبد، رویکرد کیفی به‌عنوان رویکرد برتر انتخاب می‌شود که یکی از نقطه قوت‌های تحقیقات کیفی را می‌توان استفاده منحصر به‌فرد از نظریه‌ها دانست (آترو^۶، ۲۰۲۰). تبادل اطلاعات انجام‌گرفته در مصاحبه‌های با رویکرد کیفی قادر است تا طیف وسیعی از داده‌ها و امکانات را برای محقق باز کند و افق‌های مدنظر را به چالش کشد و مورد بررسی قرار دهد (چرون و همکاران^۷، ۲۰۲۲). از طرفی می‌توان گفت رویکرد کیفی یکی از رویکردهای مفید و سودمند در جهت دستیابی به اطلاعات عمیق و غنی از حاضران در تحقیق است که کلیت پدیده‌های اجتماعی افراد را مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد و به‌همین منظور، یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای تحقیق و پژوهش در مورد تجارب انسان‌ها به‌شمار می‌آید (موسوی، ۱۳۹۸).

¹ Sherwood and et al, 2016

² Dziubin'ski and et al, 2018

³ Abdelkader

⁴ Qualitative Method

⁵ Grounded Theory

⁶ Ataro

⁷ Cheron

روش تئوری داده‌بنیاد که در این پژوهش به کار گرفته شده، بدین صورت بود که پژوهشگر ضمن پیگیری اهداف پژوهشی خود، به زیست جهان افراد مورد مطالعه ورود کرد و درک و فهم آنها را از پدیده مورد نظر مورد کاوش قرار داد. سپس سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی بر روی متون پیاده‌سازی شده از مصاحبه‌ها انجام گردید. در فرایند کدگذاری، ابتدا فعالیت‌های مربوط به کدگذاری باز انجام شد که محقق به بخش‌های مصاحبه به صورت استقرایی کدهایی را اختصاص داد. سپس در کدگذاری محوری، مفاهیم و کدها تقلیل یافت تا به مقولات منجر شدند و در مرحله پایانی یعنی کدگذاری گزینشی، پژوهشگر در پی یافتن یک مقوله هسته‌ای و مرکزی، تمامی مقولات قبلی را ادغام نمود. پس از طی این سه مرحله در تحلیل داده‌های کیفی، یک مدل زمینه‌ای ارائه شد که با کمک آن می‌توان به تحلیل عوامل مؤثر بر پوشش خبری ورزش بانوان پرداخت.

جامعه آماری پژوهش شامل کارشناسان و مدیران ورزشی، اساتید حوزه مدیریت رسانه و نخبگان ورزشی در استان آذربایجان شرقی بودند که تعداد ۱۳ نفر به عنوان نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری که بیشترین و باکیفیت‌ترین اطلاعات را در اختیار محقق قرار می‌دادند، انتخاب شدند. حجم نمونه بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و گرفتن بازخورد تا جایی ادامه یافت که کدهای اولیه اشباع شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود که به مشارکت‌کنندگان اجازه می‌دهد آزادانه به توصیف تجربه خود بپردازند. البته قبل از مصاحبه رضایت مصاحبه‌شوندگان اخذ شد و اصول رازداری در پژوهش برای مصاحبه‌شوندگان توضیح داده شد- به آنها اطمینان داده شد که مطالب مصاحبه محرمانه است و نیازی بر بیان نام و نام خانوادگی آنها نیست. مصاحبه‌ها با سوالات کلی و بدون جهت شروع می‌شد. به عنوان مثال، «به نظر شما پوشش خبری مناسب ورزش بانوان دارای چه مولفه‌هایی است؟». سپس با توجه به پاسخ‌های آزمودنی‌ها از سوالات کاوشی مانند «مثال بزنید، بیشتر توضیح دهید و چطور؟» استفاده شد. مدت زمان مصاحبه با توجه به تمایل و وقت مشارکت‌کنندگان حدود ۳۰ الی ۴۵ دقیقه بود، در ابتدای مصاحبه‌ها سعی شد که رابطه حسنه برقرار گردد و با توضیح اصل محرمانه بودن و کسب اجازه از افراد، مصاحبه ضبط شود. سپس برای تحلیل دقیق‌تر به متن تبدیل شد. درحین هر مصاحبه نتایج به دست آمده از هر مصاحبه با فرد مصاحبه‌شونده بررسی و اختلاف مورد بررسی مجدد، بازنگری، اصلاح و تأیید شد. همچنین مکان مناسبی برای مصاحبه‌شونده فراهم شد تا فرد احساس راحتی داشته باشد.

در پژوهش‌های کیفی به جای دو مفهوم روایی و اعتبار، مفهوم قابلیت اعتماد استفاده می‌گردد. در این پژوهش نیز برای حصول این معیار، از سه تکنیک مرسوم استفاده شد: الف) کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا که بدین منظور از مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره صحت آن نظر دهند؛ ب) مقایسه‌های تحلیلی که به داده‌های خام رجوع می‌شود تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌ها مقایسه و ارزیابی شود. ج) استفاده از تکنیک ممیزی که در این زمینه چند متخصص در کار نظریه زمینه‌ای، بر مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات نظارت داشته باشند- در این پژوهش از نظر دو متخصص در این امر استفاده گردید.

به منظور دستیابی به داده‌هایی که بتوانند سوالات پژوهش را پاسخ دهند، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران انجام شد. تمام مصاحبه‌های انجام شده ضبط و متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی اشتراوس و کوربین با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودی

ای (MAXQDA2020) استفاده شد. در ابتدا به کمک نرم افزار و به روش استقرایی همه مصاحبه ها کدگذاری شدند و در مجموع تعداد ۱۰۵ کد مستقل باز اولیه (مفاهیم) به متن مصاحبه ها اختصاص داده شد. از آنجا که تعداد این کدها معمولاً زیاد است و مفاهیم تکراری یا مشابه نیز وجود دارند، کدها ادغام و در واحدهای کلی تری طبقه بندی شدند (مقولات). لذا پس از ادغام کدهای مشابه و تکراری، در نهایت ۳۷ کد محوری ساخته شد. در مرحله آخر این فرایند نیز این کدهای محوری در طبقه های خاصی قرار گرفتند و در نهایت ۴ مقوله اصلی انتخاب و ایجاد شد.

یافته های پژوهش

پس از طی مراحل کدگذاری باز و محوری، سرانجام محقق باتوجه به سؤالات پژوهش و اهداف یادشده کدهای محوری را در چهار مقوله اصلی سازماندهی نموده است که نشان دهنده مؤلفه ها، عوامل، پیامدها و راهکارهای پوشش خبری ورزش بانوان هستند. کدهای سه گانه طی این مراحل در جدول ۱ آمده است:

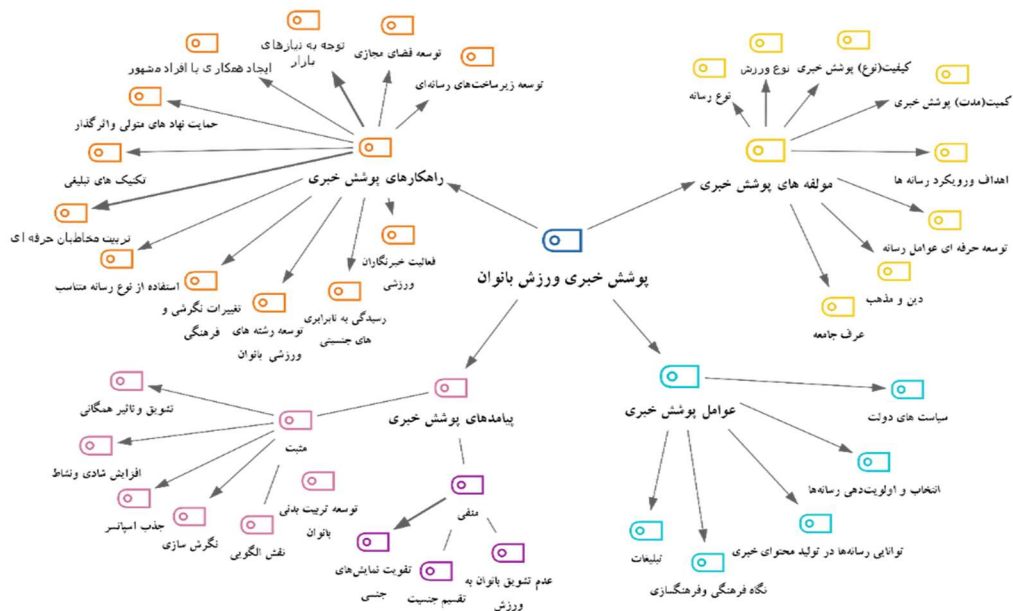
جدول ۱- مقوله های اصلی، کدهای محوری، کدهای باز

مؤلفه های پوشش خبری	عوامل پوشش خبری	پیامدهای پوشش خبری	راهکارهای پوشش خبری
عرف جامعه	سیاست های دولت	پیامدهای مثبت	تکنیک های تبلیغاتی
		(تشویق و تأثیر همگانی)	(شروع به پخش مسابقات
		تأثیر بر عرصه های	از پایتخت، بین آمار،
دین و مذهب	تبلیغات	مختلف جامعه، تشویق	ایده های خلاقانه ترویجی،
		رشته و فرد ورزشکار،	بهره های تبلیغاتی در سطح
		افزایش شادی و نشاط،	شهر، گزارش ورزش
توسعه حرفه ای عوامل	ضعف اقتصادی، استقبال	جذب حامی مالی، توسعه	بانوان در پارک ها، عدک
رسانه	و طرفداری از یک رشته)	تربیت بدنی بانوان،	کپی برداری، بیان اثرات و
(تفکرات حرفه ای، ابزار		افزایش شناخت از	اهمیت ورزش در زندگی
حرفه ای، تخصص و کار		ورزش های بانوان، ترویج	بانوان، افزایش جذب
حرفه ای، نگاه	نگاه فرهنگی و	ورزش بانوان، تشویق به	حامی مالی)
جستجوگرانه، اخلاق	فرهنگ سازی	مشارکت در ورزش های	تربیت مخاطبان حرفه ای
حرفه ای، سواد)		بانوان، فعالیت های	استفاده از نوع رسانه
		ورزشی همگانی و	متناسب
		قهرمانی بانوان، حضور	(مطبوعات و رسانه های
		بانوان در ورزش های	مکتوب، استفاده از رادیو)
اهداف و رویکر رسانه ها	بیش از حد بانوان و آقایان،	افزایش	تغییرات نگرشی و
	پوشش بانوان، نگرش	همگانی،	
	جامعه به ورزش بانوان،	علاقه مندی بانوان،	فرهنگی
	نگاه درجه دوم به زن،	افزایش	(تغییر نگرش مدیران،
		پذیرش در مورد لزوم	استفاده از بانوان در

کمیت (مدت) پوشش	تفکرات تأثیر منفی ورزش	ورزش کردن بانوان،	سازمان‌های ورزشی،
خبری	بر ظاهر زنانه)	کاهش تعصبات و	کاهش نگاه جنسیت‌زده
		قضاوت‌ها، نقش الگویی،	نسبت به زن،
		ترویج سلامتی)	فرهنگ‌سازی پذیرش
کیفیت پوشش خبری	توانایی رسانه‌ها در تولید	جنس زن در ورزش	حرفه‌ای)
(شیوه و مراحل خبری	محتوای خبری	توسعه رشته‌های ورزشی	
ورزش بانوان، حضور	(مشارکت و تعامل ورزش	بانوان	
خبرنگار در میادین	بانوان یا رسانه‌ها، توجه به	پیامدهای منفی	
ورزشی بانوان، دعوت از	شیوه و انتخاب عناوین	(عدم تشویق بانوان به	(ایجاد دسترسی به
بانوان در برنامه‌های	خبری)	ورزش، تقویت	بازی‌های ورزشی بانوان)
ورزشی)		نمایش‌های جنسی، تقسیم	رسیدگی به نابرابری‌های
		(جنسیت)	جنسیتی
نوع ورزش	انتخاب و اولویت‌دهی	فعالیت	خبرنگاران
(سطح مسابقات)	رسانه‌ها	ورزشی	
	(تمرکز بر روی	(تربیت خبرنگار تخصصی	
	ورزش‌های خاص)	و خانم)	
نوع رسانه		حمایت نهادهای متولی و	
(توجه کم در رسانه‌های		اثرگذار	
تصویری)		(اختصاص بخشی برای	
		بانوان، صداوسیما، وزارت	
		ورزش و جوانان)	
		ایجاد همکاری با افراد	
		مشهور	
		توجه به نیازهای بازار	
		توسعه فضای مجازی	
		(فعالیت در اینستاگرام)	
		توسعه زیرساخت‌های	
		رسانه‌ای	
		(پخش زنده مسابقات	
		متناسب با فرهنگ،	

اختصاص فضای مناسب،
دعوت از بانوان در
برنامه‌های زنده، تجهیز
رسانه‌ها)

در شکل ۱، مدل نهایی این پژوهش جهت پوشش خبری ورزش بانوان گردیده است:



شکل ۱: مدل نهایی پوشش خبری ورزش بانوان در استان آذربایجان شرقی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، ارائه مدلی مناسب برای پوشش خبری ورزش بانوان در استان آذربایجان شرقی بود که چهار مقوله اصلی شامل مؤلفه‌ها، عوامل، پیامدها و راهکارهای پوشش خبری ورزش بانوان به همین منظور مطرح شد. نتایج پژوهش کیفی با استفاده از مصاحبه‌ها و یافته‌های پژوهش در این بخش تبیین می‌گردد.

مقوله اصلی اول: مؤلفه‌های پوشش خبری ورزش بانوان

این مقوله شامل کدهای محوری «عرف جامعه، دین و مذهب، توسعه حرفه‌ای عوامل رسانه، اهداف و رویکرد رسانه‌ها، کمیت (مدت) پوشش خبری، کیفیت (نوع) پوشش خبری، نوع ورزش، نوع رسانه» بود که به هریک از آنها اشاره می‌شود.

در مورد کد محوری عرف جامعه و دین و مذهب مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، به وجود مؤلفه‌هایی مانند فرهنگ و تعصبات دست‌وپاگیر، نگاه سنتی به نقش زن در جامعه و ورزش، سیاست‌های دولت و چارچوب‌های دینی اشاره کردند که باید در پوشش خبری ورزش بانوان به آنها توجه شود. این یافته با پژوهش گلنبی (۱۳۹۴) همخوانی داشت که نشان می‌دهد فرهنگ و مذهب در ورزش بانوان نقش مهمی دارد. توسعه حرفه‌ای عوامل رسانه کد محوری

دوم در پژوهش حاضر بود که مصاحبه‌شوندگان بر این نکته تأکید داشتند که سواد عوامل رسانه، حفظ اخلاقی حرفه‌ای در پوشش خبری، نگاه جستجوگرانه خبرنگاران و استفاده از نیروی انسانی و ابزار حرفه‌ای، به‌عنوان دو قرینه مهم در پوشش خبری ورزش بانوان باید مورد توجه قرار گیرند.

اهداف و رویکرد رسانه‌ها به‌عنوان کدمحوری سوم به طبق یافته‌های پژوهش، نگاه جانب‌دارانه و متعصبانه در پوشش خبری ورزشی تأثیر بسزایی در ورزش بانوان دارد و رسالت یک رسانه ایده‌آل پرهیز از سودجویی و نگاه جانب‌دارانه است. پژوهش‌های دیگری از جمله تحقیقات نظرویی (۱۳۹۲) و ایپله^۱ (۲۰۲۳) به این نکته اشاره کرده‌اند که رویکرد و جانب‌داری بعضی از رسانه‌ها به پوشش خبری ورزش بانوان تأثیرگذار است.

در زمینه کمیت (مدت) پوشش خبری و کیفیت (نوع) پوشش خبری، مصاحبه‌های این پژوهش نشان داد که مراحل خبری ورزش بانوان، حضور خبرنگاران در میدان ورزشی بانوان، دعوت از بانوان در برنامه‌های ورزشی و مدت‌زمان برنامه‌های مرتبط، به‌عنوان مولفه‌های کیفی پوشش خبری ورزش بانوان مهم هستند. نوع ورزش و نوع رسانه‌ای که بانوان در آن فعالیت می‌کنند، نقش مهمی در شکل‌گیری تصویر و تصورات عمومی درباره ورزش بانوان دارد. سطح مسابقات و نوع رسانه‌ای که اخبار ورزشی بانوان در آن منتشر می‌شود، ممکن است به شکل‌گیری تصویر مثبت و یا منفی درباره ورزش بانوان کمک کند. پوشش خبری مناسب بانوان از گذرگاه رسانه‌های صداوسیما می‌گذرد و باید در جهت غنی‌سازی اخبار در این دو حوزه باتوجه به نوع ورزش و ملاحظات اخلاقی و عرفی، کوشش بیش‌تری صورت پذیرد. در تحلیل این یافته می‌توان به نتایج پژوهش ادب‌نژاد (۱۳۹۷) اشاره کرد که انواع رسانه‌ها را مورد بررسی قرار داده و از آن میان، تلویزیون و رادیو را به‌عنوان اصلی‌ترین نوع رسانه در جامعه معرفی کرده است - این بدان معنی است که باید در جهت غنی‌سازی اخبار در این دو حوزه باتوجه به نوع ورزش و ملاحظات اخلاقی و عرفی، کوشش بیش‌تری صورت پذیرد.

مقوله اصلی دوم: عوامل مؤثر در پوشش خبری ورزش بانوان

درکدهای محوری احصاشده این پژوهش عوامل شامل «سیاست‌های دولت، تبلیغات، نگاه فرهنگی و فرهنگ‌سازی، توانایی رسانه‌ها در تولید محتوای خبری، انتخاب و اولویت‌دهی رسانه‌ها» بودند که به هریک از آن‌ها اشاره می‌شود.

سیاست‌های دولت در ورزش زنان، فقدان برنامه‌ریزی مناسب و اصولی در سازمان‌های مربوطه از عوامل بازدارنده است و دولت و سیاست‌گذاری‌های آن نیز در این امر نقش مؤثری دارند؛ به‌طوری‌که یافته‌های پژوهش نیز به این نکته اشاره کرده‌اند. در پوشش خبری ورزش بانوان، تبلیغات به‌عنوان عامل مؤثری در افزایش بیشتر پوشش خبری ورزش بانوان، جذب حامیان مالی و رشد و پیشرفت ورزش زنان مهم است. این موضوع در چندین پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شده است. همچنین پژوهش محمدنژاد ۱۳۹۸ که نقش ارتباطات رسانه‌ای و تبلیغات مؤثر در جذب حامیان مالی برای ورزش بانوان در استان اردبیل را مورد بررسی قرار داده نیز نشان داده است که تبلیغات در رسانه‌های جمعی می‌تواند نقش بسیار مهمی را در رشد و پیشرفت ورزش زنان و همچنین جذب حامیان مالی در این زمینه داشته باشند که با یافته‌های این پژوهش همسوست.

¹ Ihle

نگاه فرهنگی و فرهنگ‌سازی در پوشش خبری ورزش بانوان، نوع رشته و سابقه آن، محدودیت‌های مذهبی، نگاه جنسیتی، نگرش‌های افراطی یا نادرست جامعه، تفکرات منفی درباره ورزش بانوان و رواج پیدا کردن آن، از جمله عوامل مؤثر هستند. پژوهش‌های مختلفی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که پوشش خبری ورزش بانوان نسبت به مردان متفاوت و کم‌رنگ‌تر است. رومانی و جانسون (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که پوشش‌های خبری ورزشی بانوان در مقایسه با مردان به طور قابل توجهی متفاوت و کم‌رنگ‌تر می‌باشد. پژوهش زیبگنیو^۱ (۲۰۱۹) و گلنبی (۱۳۹۴) نیز به عوامل فرهنگی مؤثر در پوشش خبری ورزش بانوان اشاره داشته‌اند. توانایی رسانه‌ها در تولید محتوای خبری به عنوان یکی دیگر از کدهای محوری است. اینکه مشارکت و تعامل ورزش بانوان با رسانه‌ها به چه میزان و چه کیفیتی است عامل مؤثری در پوشش مناسب خبر مربوطه است. توجه به شیوه و انتخاب عناوین خبری نیز از جمله توانایی‌های خاص هر رسانه‌ای است که می‌تواند یک خبر و بالطبع یک رخداد ورزشی را تحت تأثیر خود قرار دهد. درباره کد انتخاب و اولویت‌دهی رسانه‌ها نیز برخی رسانه‌ها به ورزش‌های خاص یا رخداد‌های خاص تمرکز می‌کنند که باعث برجسته‌شدن آن‌ها و کم‌رنگ‌شدن رخداد‌های دیگر می‌شود. در اولویت‌بندی رسانه‌ها، تغییراتی باید اعمال شود تا بهترین پوشش خبری ارائه شود، و با برجسته‌کردن برخی از ویژگی‌های افراد یا رخداد‌ها، رسانه‌ها می‌توانند در آشکارسازی و ارتقای پایگاه آن‌ها مؤثر باشند (موسوی، ۱۳۹۵).

مقوله اصلی سوم: پیامدهای پوشش خبری ورزش بانوان

این مقوله شامل نه کد محوری بود: «مثبت: تشویق و تأثیر همگانی، افزایش شادی و نشاط، جذب حامی مالی، توسعه تربیت‌بدنی بانوان، نگرش‌سازی، نقش الگویی و منفی: عدم تشویق بانوان به ورزش، تقویت نمایش‌های جنسی و تقسیم جنسیت» که در ادامه به هریک از این پیامدها پرداخته می‌شود.

تشویق و تأثیر همگانی تأثیر پوشش خبری ورزش بانوان در سلامتی و نشاط بانوان به عنوان عضو مؤثر خانواده، اعضای خانواده و جامعه را بهبود می‌بخشد و در نهایت بر فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، اقتصاد، سیاست‌ها تأثیر می‌گذارد. تشویق ورزش و ورزشکاران نیز پیامدهای مثبتی دارد. در کل، پوشش خبری ورزش بانوان در زندگی تک‌تک افراد جامعه نقش مهمی ایفا می‌کند. افزایش شادی و نشاط امروزه این موضوع کاملاً پذیرفته شده است که ورزش و فعالیت‌های مرتبط با آن برای تمام افراد و به‌ویژه زنان بسیار مفید و سودمند است و برای داشتن جسم و روحی سالم و بانشاط الزامی است (گلنبی، ۱۳۹۴). در مصاحبه‌های انجام‌شده نیز به افزایش نشاط و شادی به عنوان پیامد اشاره شده است که خود می‌تواند مورد توجه و انگیزه‌ای برای گسترش فعالیت‌ها باشد.

جذب حامی مالی از دیگر کدهای محوری مهم ارائه‌شده در این پژوهش است. تحقیقی در استان اردبیل نشان داده است که پوشش خبری مناسب ورزش بانوان می‌تواند باعث جذب حامیان مالی شود. این تحقیق نشان داده است که ارتباطات رسانه‌ای و تبلیغات مؤثر نیز می‌تواند در جذب حامیان مالی مؤثر باشد. این یافته‌ها می‌تواند انگیزه‌ای برای رسانه‌ها باشد تا به طور مداوم رابطه پوشش خبری و جذب حامیان مالی را مدنظر قرار دهند (محمدنژاد، ۱۳۹۸). لذا بسیار قابل توجه است که پوشش مناسب خبری بر جذب حامیان مالی و وجود حامیان مالی بر پوشش خبری مناسب چه تأثیر مثبت، متقابل و فزاینده‌ای را خواهند داشت.

¹ Zbigniew

تحلیل اسناد نشان داده است که پوشش خبری ورزش بانوان می‌تواند به افزایش شناخت، ترویج، تشویق و مشارکت بانوان در ورزش، فعالیت‌های ورزشی همگانی، حضور بانوان در ورزش‌های همگانی و افزایش علاقه‌مندی و مشارکت بانوان در ورزش‌های مربوط به خودشان منجر شود. توجه به این پیامدها می‌تواند برای دست‌اندرکاران انگیزه‌بخش باشد. نگرش‌سازی پوشش خبری مناسب ورزش بانوان می‌تواند منجر به افزایش پذیرش و تقبل در مورد لزوم ورزش کردن بانوان و کاهش تعصبات و قضاوت‌های جامعه شود. رسانه‌های جمعی می‌توانند با نگرش‌سازی وارد فعالیت شوند و نقش انکارناپذیری در ساخت و شکل‌دهی باورها، نگرش و تفکرات افراد جامعه نسبت به ورزش زنان و مشارکت آن‌ها در رویدادهای ورزشی داشته باشند. این یافته پژوهش در پژوهش علمشاهی و دیگران، (۱۳۹۲) نیز با بیان این نکته که رسانه‌های جمعی نقش انکارناپذیری در ساخت و شکل‌دهی باورها، نگرش و تفکرات افراد جامعه نسبت به ورزش زنان و مشارکت آن‌ها در رویدادهای ورزشی دارند و می‌توانند زمینه بسترسازی این موضوع باشند، نیز تصریح و تأیید شده است. نقش الگویی پوشش خبری مناسب ورزش بانوان می‌تواند باعث نقش الگویی برای بانوان خانه‌دار شود. رسانه‌های جمعی می‌توانند الگوی رفتار فرد را تغییر دهند و با توجه به کاهش شاخص ورزش بانوان و بروز بیماری‌ها در آن‌ها، بیشتر دیده‌شدن ورزش بانوان می‌تواند برای خانم‌های خانه‌دار انگیزه برای پیشرفت در سایر کارها باشد. عدم تشویق بانوان به ورزش، ضعف در پوشش خبری ورزش بانوان و کمبود تولید محتوا می‌تواند منجر به عدم تشویق بانوان به ورزش شود. به‌منظور جلوگیری از پیامدهای منفی ناشی از ضعف پوشش خبری، لازم است که رسانه‌ها به نقش ترغیبی و تشویقی خود توجه کنند. تقویت نمایش‌های جنسی بعضی رسانه‌ها ممکن است به جای تأکید بر مهارت‌های ورزشی زنان، به نمایش‌های جنسی و ظاهر آنان تمرکز کنند که این موضوع می‌تواند تأثیرات منفی بر جامعه داشته باشد. در برخی موارد، توانایی ورزشی زنان توسط مبلغان ورزشی موردتوجه قرار نمی‌گیرد و نگاه بیشتر به جذبه جسمانی آنان می‌باشد که با داده‌های ارائه‌شده در پژوهش‌ها همسوست. تقسیم جنسیت مصاحبه‌شوندگان نشان داد که بعضی افراد ممکن است به دلیل پوشش خبری بیشتر ورزش‌های بانوان، احساس کنند که ورزش برای جنس زنان است و برای آنان مناسب نیست. هرچند درباره این یافته نتایج تحقیقاتی همسو یا مخالف، مشاهده نگردید، اما این مورد به‌عنوان داده‌ای برآمده از یک پژوهش کیفی قابل تأمل و تحقیق بیش‌تر است.

مقوله اصلی چهارم: راهکارهای افزایش پوشش رسانه‌ای ورزش بانوان

بر اساس تجزیه و تحلیل انجام‌شده، این مقوله شامل زیرمؤلفه‌های (کدهای محوری) «تکنیک‌های تبلیغی، تربیت مخاطبان حرفه‌ای، استفاده از نوع رسانه متناسب، تغییرات نگرشی و فرهنگی، توسعه رشته‌های ورزشی بانوان، رسیدگی به نابرابری‌های جنسیتی، فعالیت خبرنگاران ورزشی، حمایت نهادهای متولی و اثرگذار، ایجاد همکاری با افراد مشهور، توجه به نیازهای بازار، توسعه فضای مجازی و توسعه زیرساخت‌های رسانه‌ای» بود.

تکنیک‌های تبلیغی مؤثری برای ترویج ورزش بانوان وجود دارد که شامل شروع پخش مسابقات از پایتخت، بیان آمار مربوط به فعالیت‌های ورزشی بانوان، نصب بنرهای تبلیغاتی در سطح شهر، گزارش ورزش بانوان در پارک‌ها و خلاقیت در نوع خبررسانی و عدم کپی‌برداری قالب‌های خبری و افزایش جذب حامیان مالی در اثر تبلیغات است. این تکنیک‌ها با پژوهش‌های قبلی در این زمینه همخوانی دارند. تربیت مخاطبان حرفه‌ای رسانه‌های گروهی به‌عنوان نوعی از وسایل جمعی، وابسته به میزان تقاضای افراد هستند و با افزایش سواد و تحصیلات، رغبت افراد به تحقیق و مطالعه

در این زمینه نیز افزایش می‌یابد. با افزایش تقاضا، عوامل دست‌اندرکار نیز به تولید محتوا و پوشش خبری مناسب اقدام خواهند کرد. باتریت مخاطبان حرفه‌ای که به ورزش بانوان در زمینه‌های مختلف و با دانش کافی در زمینه تخصصی ورزشی اهمیت می‌دهند، می‌توان به پوشش خبری مناسب دست یافت. استفاده از نوع رسانه متناسب استفاده از انواع رسانه‌ها مانند مطبوعات، رادیو، و تلویزیون باید باتوجه به نوع ورزش و سطح آن در دستور کار قرار گیرد، چون رسانه‌های گروهی از اجزای تأثیرگذار در شکوفایی و رشد و توسعه وضعیت ورزشی بسیاری از کشورها هستند. استفاده از رسانه‌های مختلف به منظور تشویق و ترغیب زنان به مشارکت در ورزش، یکی از مؤثرترین عوامل فرهنگی-اجتماعی در جوامع است. یافته‌های پژوهش نجفی (۱۳۹۹) هم با این تأکید موافق است. تغییرات نگرشی و فرهنگی بر اساس یافته‌های پژوهش یکی از عوامل مهم در تغییر نگرش مدیران است. این مهم می‌تواند در نحوه استفاده از بانوان در سازمان‌های ورزشی، استفاده از بانوان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌ها نمود پیدا کند. کاهش نگاه جنسیت‌زده نسبت به زن و فرهنگ‌سازی پذیرش جنس زن در ورزش حرفه‌ای نیز باید توسط جریانات فرهنگی اعمال و ایراد شود. توسعه رشته‌های ورزشی بانوان ایجاد فرصت برای مشاهده بازی‌های ورزشی بانوان باتوجه به نیازهای مختلف بازار و تجاری ایجادشده در این زمینه، باتوجه به سطح علاقه‌مندی و میزان پوشش داده‌شده توسط رسانه‌ها به ورزش بانوان کمک می‌کند و لازم است ایجاد دسترسی به بازی‌های ورزشی بانوان و افزایش فعالیت‌ها و توسعه رشته‌های ورزشی برای بانوان صورت پذیرد.

ترولان (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «تأثیر رسانه‌ها بر نابرابری جنسیتی در ورزش»، به این نتیجه رسید که علی‌رغم پیشرفت‌های بسیار زنان ورزشکار در عرصه رویدادهای ورزشی، تصاویر این ورزشکاران در پوشش‌های رسانه‌ای نسبت به ورزشکاران مرد و فعالیت‌های مرتبط با مردان در حاشیه قرار دارد و به سمت نامرئی شدن پیش می‌رود که با یافته‌های این تحقیق مطابقت دارد و لازم است تا نسبت به رفع این نابرابری اهتمام گردد. فعالیت خبرنگاران ورزشی و تربیت خبرنگار تخصصی باتوجه به مولفه‌های بیان‌شده از جمله نوع ورزش و جنس زنانگی که نیازمند خبرنگار خانم هستند، یکی از راهکارهای مهم و کلیدی است.

حمایت نهادهای متولی و اثرگذار اختصاص دادن بخشی برای بانوان در فضاهای مختلف ورزشی و فضاهای رسانه‌ای توسط نهادهای دست‌اندرکار به‌ویژه صداوسیما (رادیو/تلویزیون) و وزارت ورزش و جوانان نیز از راهکارهای مهم است. همان‌طور که گلنبی (۱۳۹۴) نیز بر حمایت دولت‌ها (و ارگان‌های تحت‌نظر دولت) در عرصه ورزش بانوان تأکید می‌کند، به نظر می‌آید در عرصه پوشش خبری نیز این امر باید موردتوجه قرار گیرد. ایجاد همکاری با افراد مشهور و وجود چهره‌ها و افراد مشهور و همکاری با ایشان به طرق مختلف می‌تواند راهکار مناسبی برای گستره وسیع پوشش خبری مدنظر و جذب مخاطب و افزایش تولیدات خبری مرتبط باشد که مصاحبه‌شوندگان این پژوهش بدان اشاره کرده‌اند. فضای مجازی به دلیل سهولت دسترسی و عمومیت می‌تواند بستر خوبی برای پوشش خبری مناسب باشد و ایجاد فضایی در شبکه‌های اجتماعی ورزشی که متمرکز بر ورزش بانوان باشد، با ایجاد پوشش بیشتر و رسانه‌ای از این رویدادها به مخاطبان علاقه‌مند در سراسر جامعه کمک می‌کند. استفاده گسترده از برنامه اینستاگرام و تشکیل پیج‌هایی در مورد فعالیت‌های ورزشی بانوان به صورت لایو، انیمیشن، گزارش و تاریخچه ورزش بانوان نیز مؤثر خواهد بود. توسعه و تقویت زیرساخت‌های رسانه‌ای، از جمله: پخش زنده مسابقات، اختصاص فضای مناسب

برای ورزش بانوان و تجهیز رسانه‌ها، بهبود وضعیت سلامتی و تناسب اندام بانوان را ترویج می‌دهد و تحقق آن نیازمند توسعه و امکانات زیرساختی است. اگرچه تربیت نیروی خبرنگار و رسانه‌ای حرفه‌ای و تخصصی مهم است، اما بدون توسعه زیرساختی مناسب، پوشش خبری مناسب اتفاق نخواهد افتاد.

در پایان، در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت باتوجه به یافته‌های این پژوهش، مدل پوشش خبری ورزش بانوان استان آذربایجان شرقی در بستر فرهنگ به روش کیفی ارائه شده است که می‌تواند به‌عنوان الگویی برای فعالان حوزه خبر و رسانه از جمله خبرنگاران ورزشی، ورزشکاران و فعالان رسانه قابل استفاده باشد و موجب شناسایی بهتر وضع موجود و مطلوب پوشش خبری ورزش بانوان و نیز بهبود وضعیت کمی و کیفی آن گردد. در الگوی نهایی این پژوهش به چهارمقوله اصلی عوامل، مؤلفه‌ها، پیامدها و راهکارهای پوشش خبری ورزش بانوان اشاره شده است که نگاه جامع به این چهار مقوله می‌تواند در راستای جذب سه دسته مخاطب عام، مخاطبان خاص و حرفه‌ای به‌ویژه ورزشکاران و قهرمانان و حامیان مادی و معنوی راه‌گشا باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود جهت تربیت خبرنگاران، سرفصل‌های متناسب با ورزش بانوان در رشته‌های دانشگاهی تدوین و تعریف شود. همچنین دوره‌های توانمندسازی یا ضمن خدمت برای خبرنگاران در حوزه پوشش خبری ورزش بانوان اجرا گردد و با استفاده از مدل ارائه شده در این پژوهش و با نگاه بازاریابی جلب مشارکت حامیان مادی در دستور کار مدیران ورزشی قرار گیرد تا شاهد رشد کمی و کیفی بیشتری در حوزه ورزش بانوان باشیم. همچنین نهادهای دولتی ازجمله وزارت ورزش و جوانان، شهرداری‌ها و کانون‌های اجتماعی محلات، نقش هماهنگ‌کننده با رسانه‌ها و خبرنگاران ایفا کنند و در راستای ایجاد زیرساخت‌های مناسب، تجهیزات و فضای مناسب ورزش بانوان اقدامات جدی انجام دهند. وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد فرهنگ‌ساز با برنامه‌های آموزش رسمی و غیررسمی و فعالیت‌های اجتماعی نسبت به پوشش خبری مناسب مسابقات و برنامه‌های ورزش دانش‌آموزان دختر اهتمام ورزند تا الگوی نگرشی در سنین پایین‌تر شکل گیرد. همچنین باتوجه به بکر بودن فضای ورزش بانوان، شرکت‌ها و افراد سرمایه‌گذار در حوزه های تبلیغاتی و تولیدات ورزشی نسبت به انتخاب این بازار توجه جدی‌تری داشته باشند تا از این طریق رشد تبلیغاتی و رسانه‌ای ورزش بانوان کشور افزون گردد.

ازجمله محدودیت‌های این پژوهش علی‌رغم نقاط قوت روش کیفی، احتمال سوگیری مصاحبه‌کننده یا مصاحبه‌شوندگان و اعتبار نتیجه‌گیری پژوهشگر بوده است. دیگر محدودیت این پژوهش در ارائه مدل پوشش خبری ورزش بانوان استان آذربایجان شرقی است که قابلیت تعمیم به دیگر جوامع و استان‌ها و فرهنگ‌ها را ندارد. لذا در عمل تعمیم یافته‌های این پژوهش به طور قطعی نیازمند بررسی‌های بیشتر در سایر جوامع است و می‌تواند برای پژوهشگران علاقه‌مند، زمینه مناسبی باشد.

منابع

- احمدی، افشین و احمدی، روزبه. (۱۳۹۷). «بررسی دلایل بی‌توجهی رسانه‌ها به اخبار فوتبال و فوتسال بانوان». چهارمین همایش ملی علوم ورزشی و تربیت‌بدنی ایران. تهران.
- ادب‌نژاد، مینا. (۱۳۹۸). «نقش مطبوعات بر گرایش بانوان به ورزش از منظر کارشناسان ورزش شهر کرمان». دانشگاه پیام نور، استان هرمزگان.

- ایزدی شهنائی، فریده و کشکر، سارا. (۱۴۰۱). «موانع و راهکارهای به کارگیری بازاریابی شبکه‌ای در ورزش کشور». مطالعات بازاریابی ورزشی. ۳۳(۳)، صص ۱-۳۷. doi: 10.22034/sms.2022.62413۳۷
- دهقان، امین؛ ایمان‌زاده، مسعود؛ نامور، مجید و پورپناهی، منور. (۱۳۹۸). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در توسعه مشارکت بخش خصوصی در ورزش». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ۷(۱)، صص ۸۵-۱۳۱۸۹۶. doi: 10.30473/jsm.2019.45305
- زردشتیان، شیرین؛ حسینی، مریم و کریمی، جواد. (۱۳۹۶). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در گرایش بانوان استان کرمانشاه به ورزش همگانی». فصل‌نامه مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. ۴ (۲)، صص ۱۳-۲۰.
- طاهری برنتی، زهرا. (۱۳۹۹). «تاثیر تبعیض جنسیتی بر ورزش قهرمانی بانوان ایران». دانشگاه شمال، دانشکده علوم ورزشی.
- علمشاهی، مریم؛ حیدری‌نژاد، صدیقه و شتاب بوشهری، سیده ناهید. (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای بخش ورزشی مطبوعات استان خوزستان با رویکرد ورزش بانوان». مجله مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ۱(۱)، صص ۹-۱۸. <https://www.magiran.com/paper/1571439>
- عیدی، حسین؛ بخشی چناری، معصومه و فدایی ده چشمه، امین. (۱۳۹۸). «نقش رسانه‌ها بر نگرش زنان ایرانی نسبت به حضور زنان مسلمان در مسابقات المپیک و جهانی». مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ۷(۱)، صص ۴۳-۵۰. doi: 10.30473/jsm.2019.42463.1278
- گلنپی، مونا. (۱۳۹۴). «مقایسه دیدگاه مسئولان ورزش با مسئولان رسانه‌های جمعی در خصوص پوشش رسانه‌ای ورزش بانوان». دانشگاه پیام نور، استان تهران، مرکز پیام نور ری.
- محمدزاده، صغری. (۱۳۹۹). «نقش ارتباطات رسانه‌ای و تبلیغات موثر در جذب حامیان مالی برای ورزش بانوان در استان اردبیل». دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، دانشکده علوم انسانی.
- معصومی، محترم. (۱۳۹۸). «تشخیص نیازهای آموزشی مربیان پیش‌دبستانی برای تربیت جنسی نوآموزان: مطالعه با رویکرد کیفی». دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- موسوی، سمیه. (۱۳۹۵). «سیمای زنان ورزشکار در مطبوعات ورزشی ایران تحلیل ساختار و محتوای اخبار مربوط به ورزش بانوان در روزنامه‌های ورزشی». دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم ارتباطات.
- نجفی، پریسا. (۱۳۹۹). «تاثیر رسانه‌ها بر مشارکت زنان در ورزش همگانی با نقش میانجی حمایت اجتماعی (مطالعه موردی: بانوان شهر رشت)». دانشگاه گیلان، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- نظرویی، حامد. (۱۳۹۲). «رویکرد برنامه‌های ورزشی شبکه‌های تلویزیونی استانی منتخب نسبت به پوشش ورزش بانوان». مجله مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ۱(۲)، صص ۶۳-۶۹.

<https://www.magiran.com/paper/1571430>

- Abdelkader, H., Harbi, S., Kesri, N., & Latreche, N. (2017). "Arab women's right to practice sport between criminalization and prohibition". International Journal of Multidisciplinary Thought, 6, 63-72.
- Ataro, G. (2020). "Methods, methodological challenges and lesson learned from phenomenological study about OSCE experience: Overview of paradigm-driven qualitative approach in medical education". Annals of Medicine and Surgery, 49, 19-23.
- Cheron, C., Salvagni, J., & Colomby, R. K. (2022). "The qualitative approach interview in administration: A guide for researchers". Revista de Administração Contemporânea, 26.
- Ihle, H. (2023). "How gender affects the newsworthiness of sports news on German TV: An application of the news-factors approach to understanding gender-biased sports news presentation". International Review for the Sociology of Sport, 58(2), 253-277.

- Jakubowska, H., & Ličen, S. (2019). **"The role of newspapers in the formation of gendered national identity: Polish coverage of women's and men's basketball championships"**. *International Review for the Sociology of Sport*, 54(3), 302-324.
- Lim, H. Z. (2018). **Media coverage for female sports: A Review of literature**.
- Ludescher, T., Feilhauer, T., & Brezany, P. (2013). **"Cloud-Based Code Execution Framework for scientific problem solving environments"**. *Journal of Cloud Computing: Advances, Systems and Applications*, 2, 11. <https://doi.org/10.1186/2192-113X-2-11>
- Luoma, N. (2018). **The coverage of female athletes in televised sports news in finland**.
- Petty, K., & Pope, S. (2023). **"A New Age for Media Coverage of Women's Sport? An Analysis of English Media Coverage of the 2015 FIFA Women's World Cup"**. In *Women's Football in a Global, Professional Era* (pp. 205-219). Emerald Publishing Limited.
- Romney, M., & Johnson, R. G. (2020). **"The ball game is for the boys: The visual framing of female athletes on national sports networks' Instagram accounts"**. *Communication & Sport*, 8(6), 738-756.
- Salido-Fernandez, J., & Muñoz-Muñoz, A. M. (2021). **"Men's and Women's Basketball Coverage in the Spanish Digital Press During the 2016 Rio Olympics"**. *Journalism Practice*, 1-18.
- Sherwood, M. (2020). **"Developing sport for women and girls: Media influence"**. In *Developing sport for women and girls* (pp. 236-247). Routledge.
- Sherwood, M., Osborne, A., Nicholson, M., & Sherry, E. (2017). **"Newswork, news values, and audience considerations: Factors that facilitate media coverage of women's sports"**. *Communication & Sport*, 5(6), 647-668.
- Trolan, E. J. (2013). **"The impact of the media on gender inequality within sport"**. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 91, 215-227.
- Zbigniew, D., Organista, N., & Mazur, Z. (2019). **"Still marginalized: Gender inequalities in the largest Polish daily's sports coverage"**. *Communications*, 44(1), 33-57.

شناسایی و تبیین چالش‌های راهبردی و پیامدهای آنها در برگزاری رویدادهای ملی ورزشی: با رویکرد ساختگرا

فرزین پورقاسم^۱

وجیهه جوانی^۲

فاطمه عبدوی^۳



[10.22034/ssys.2023.3055.3221](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.3055.3221)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۴

این پژوهش با هدف شناسایی و تبیین چالش‌های راهبردی و پیامدهای آنها در برگزاری رویدادهای ملی ورزشی با رویکرد ساختگرا انجام شده است. پژوهش حاضر جزو تحقیقات کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد بود. شرکت‌کنندگان در این پژوهش روسای هیئت‌های ورزشی رشته‌های مختلف، مدیران اماکن و تأسیسات ورزشی استان و اعضای هیئت علمی رشته مدیریت ورزشی بودند. انتخاب مصاحبه‌شوندگان به روش نمونه‌گیری گلوله برفی صورت گرفت. مصاحبه‌های انجام‌شده به روش کدگذاری نظریه‌مبنایی با رویکرد ساختگرا، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد برگزاری رویدادهای ورزشی در کشور با چالش‌های راهبردی متعددی در سطوح کلان و خرد مواجه است. این چالش‌ها شامل زیرساختی، اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، مدیریتی، حقوقی-قانونی و امنیتی در کنار مشکلات زیست‌محیطی در سطح کلان و چالش‌های سیاست‌زدگی، انحصارگرایی، بازاریابی و جذب سرمایه در سطح خرد می‌باشد. همچنین روندهایی همچون: تغییر قوانین و مقررات مرتبط با رویدادهای ورزشی، تغییر سلیقه‌های مردم و کاهش علاقه به برخی رشته‌های ورزشی، تغییرات آب و هوایی و افزایش شرایط حادثه‌خیز، تحولات فناوری و نیاز به تجهیزات پیشرفته‌تر، افزایش الزامات ایمنی و بهداشتی رویدادها، افزایش هزینه‌های برگزاری رویدادهای ورزشی و کاهش بودجه‌های دولتی برای ورزش این چالش‌ها را تشدید می‌کند. بروز این چالش‌ها می‌تواند پیامدهایی نظیر کاهش کیفیت برگزاری رویداد، نارضایتی ذی‌نفعان، کاهش مشارکت و حضور تماشاگران و افت سطح رقابت‌ها را به همراه داشته باشد. بنابراین، ضروری است تمهیداتی برای کاهش این چالش‌ها از طریق بهبود بسترهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، زیرساختی، امنیتی و فرهنگ ورزش اندیشیده شود. با شناسایی این چالش‌ها و برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند می‌توان بستر لازم برای برگزاری رویدادهای ورزشی موفق و باکیفیت را فراهم نمود.

واژگان کلیدی: رویدادهای ورزشی، چالش‌های راهبردی و نظریه داده‌بنیاد.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: V.javani@tabrizu.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

در قرن حاضر، ورزش به یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین ساختارهای جامعه تبدیل شده است. ورزش در دنیای جدید چنان با اهمیت و فراگیر شده است که همه‌جا هست، چاشنی فرهنگ ملی ماست و در زوایای گوناگون زندگی اجتماعی روزمره جا گرفته است. از این منظر، هیچ موضوع دیگری در علوم اجتماعی وجود ندارد که بیش از ورزش شایان توجه باشد. فعالیت‌های ورزشی تأثیر روزافزونی بر جنبه‌های گوناگون زندگی انسان، از جمله جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارند؛ به‌طوری که ورزش حتی تا عمق نهادهای گوناگون اعم از خانواده، مدرسه، مؤسسات و بخش‌های دولتی و خصوصی رسوخ کرده و با نفوذ در قلب رسانه‌های بزرگ و همگانی، یکی از بزرگترین پدیده‌های اجتماعی قرن حاضر شده است - به‌ویژه زمانی که این فعالیت‌ها به‌صورت سازمان‌یافته و منظم و در قالب مسابقات و رویدادهای ورزشی برگزار می‌شوند (فراهانی و علی‌دوست، ۱۳۹۶: ۸۱).

رویدادها، بخش مهمی از فرهنگ و جامعه امروزی هستند و سالانه بر تعداد آنها افزوده می‌شود. رویدادهای ورزشی، یکی از انواع رویدادها هستند که بخش مهم و در حال رشدی از صنعت ورزش محسوب می‌گردند و امروزه عامل مهمی در رشد جامعه انسانی به شمار می‌روند. این رویدادها نه تنها ورزش و سرگرمی خالص به شمار می‌روند، بلکه دارای بسیاری از کارکردها در مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، رسانه و ارتقای سطح سلامت روانی مردم نیز هستند. رویدادهای ورزشی به عنوان یک عامل محرک در گردشگری و یک راهبرد به منظور جذب گردشگران نیز محسوب می‌شوند که نقش مهمی را در توسعه برنامه‌های بازاریابی اجتماعی و اقتصادی در شهرهای میزبان بر عهده دارند (مرادی، الهی و صفاری، ۱۳۹۷: ۱۲۷). رویدادهای ورزشی موقعیت‌های کاملاً اختصاصی، با برنامه، از قبل آماده‌شده و از نظر زمانی محدود هستند که شرکت‌کنندگان به‌منظور دستیابی به اهداف مشخص در آن شرکت و یا در برگزاری آن مشارکت می‌کنند و به منظور تماشای آن تعداد زیادی تماشاگر نیز انتظار می‌رود. رویدادهای ورزشی بسیاری در نقاط مختلف جهان همه ساله در حال برگزاری است و به دلیل ماهیت جذاب ورزش و علاقه‌مندی مردم به تماشای این رویدادها توجه رسانه‌ها، سیاستمداران، صاحبان صنایع و دیگر گروه‌های ذینفع ملی و بین‌المللی به این رویدادها جلب شده است. این رویدادها به عنوان ابزاری برای جلب توجه ملت‌های مختلف جهان به موقعیت جغرافیایی خاص (کشور و شهر میزبان)، به شدت در حال گسترش هستند (گنز و پیچ^۱، ۲۰۱۶: ۳۷۱). برگزاری رویدادهای ورزشی با چالش‌های متعددی همراه است. کلارک و میسنر^۲ (۲۰۱۵) در پژوهش خود بیان می‌کنند که سیاست‌های شهری و سازمان‌های ورزشی نقش مهمی در شکل‌گیری رویدادها دارند، اما اغلب تضاد اهداف آنها چالش‌آفرین است. وافی، چیو و ابراهیم^۳ (۲۰۲۰) چالش‌های برگزاری رویدادهای ورزشی در مقیاس کوچک را شامل

¹ Getz & Page

² Clark, R., & Misener

³ Wafi, Chiu & Ibrahim

امکانات ناکافی، محدودیت سنی برای شرکت‌کنندگان، نگرانی‌های ایمنی، کیفیت رویداد و مناسب بودن مکان بیان می‌کنند. خدایاری (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود، توجه به تجهیزات، ایمنی، بودجه، نیروی انسانی، زمان و مکان را از جمله چالش‌های مهم برگزاری رویدادهای ورزشی می‌داند. کیم و همکاران^۱ (۲۰۱۵) نشان دادند که بسیاری از شغل‌های ایجادشده توسط رویدادها موقتی هستند و فرصت‌هایی برای رشوه و فساد و همچنین همچنین سایر انواع جرم وجود دارد. نجوروگه، آتینو و ویرا دو ناسیمنتو^۲ (۲۰۱۷) هزینه‌های اقتصادی، مشکلات ترافیکی، خطرات امنیتی، نگرانی‌های زیست محیطی و تعارضات اجتماعی را از جمله چالش‌های برگزاری رویدادها نام بردند. بکر، سولبرگ و هیردال^۳ (۲۰۲۳) به چالش‌های مالی و اقتصادی برگزاری رویدادهای ورزشی اشاره می‌کنند. آنها این چالش‌ها را ناشی از تمرکز بیش از حد بر مشروعیت‌بخشی به رویداد، اعمال بودجه نرم و انعطاف‌پذیر و نیز دخالت منافع سیاسی می‌دانند. عبدی و همکاران (۲۰۱۹) با اشاره به اهمیت رویدادهای ورزشی، بیان می‌کنند که رویدادهای ورزشی می‌توانند نیازهای اساسی بشر مانند نیازهای جسمی، روانی و فردی را برآورده و نقش‌های متعددی از جمله میراث فرهنگی، آگاهی‌های فرهنگی، توسعه جامعه و گردشگری را ایفا کنند. آنها همچنین به اهداف برگزاری رویدادهای ورزشی اشاره می‌کنند و چنین توضیح می‌دهند که رویدادهای ورزشی از یک سو، همواره تمایل دارند تا عملکرد فردی و تیمی جامعه را ارتقا دهند و از سوی دیگر، یک رشته ورزشی را به گونه‌ای به نمایش می‌گذارند که باعث تشویق عموم افراد برای شرکت در آن می‌شوند. بسیاری از شهرهای بزرگ جهان طی سالیان اخیر تلاش کرده‌اند تا میزبان رویدادهای ورزشی مهمی همچون المپیک و جام جهانی فوتبال باشند. میزبانی این رویدادها مزایای اقتصادی قابل توجهی برای این شهرها به همراه داشته است. افزایش درآمد از راه‌هایی مانند فروش بلیت و صدور ویزا، توسعه صنعت گردشگری و هتل‌داری و جذب سرمایه‌گذاری‌های جدید برای احداث ورزشگاه‌ها و زیرساخت‌ها از جمله این مزایا بوده‌اند. البته میزبانی این رویدادها چالش‌هایی را نیز به همراه دارد که باید مدنظر قرار گیرد. (روگن‌دا، دراپکین و ماریف^۴، ۲۰۱۸: ۱۲). با توجه به تجارب مثبت شهرهای بزرگ جهان در میزبانی رویدادهای ورزشی، برگزاری این رویدادها می‌تواند برای کشور ما نیز فرصت مغتنمی فراهم کند. اما موفقیت در میزبانی چنین رویدادهایی نیازمند شناخت دقیق چالش‌ها و موانع پیش‌رو و تدوین راهکارهای مناسب برای مقابله با آنهاست. با توجه به اهمیت شناسایی چالش‌ها و موانع برگزاری رویدادهای ورزشی، مرور مطالعات گذشته نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه جامع و فراگیری پیرامون ابعاد مختلف این چالش‌ها در کشورمان صورت نگرفته و بیشتر مطالعات پیشین بر روی جنبه‌های خاصی تمرکز داشته‌اند. بنابراین انجام پژوهش جامعی با رویکردی فراگیر برای شناسایی چالش‌های راهبردی از جمله

¹ Kim et al.

² Njoroge, Atieno & Vieira Do Nascimento

³ Becker, Solberg & Heyerdahl

⁴ Rogneda, Drapkin & Mariev

محدودیت منابع مالی، نبود زیرساخت‌های لازم، مشکلات مدیریتی و قانونی، چالش‌های زیست محیطی و پیامدهای آن‌ها بر برگزاری موفقیت‌آمیز رویدادهای ورزشی، ضروری به نظر می‌رسد. انجام پژوهش علمی در این حوزه می‌تواند به سیاست‌گذاران، مدیران ورزشی و ذی‌نفعان کمک کند تا با شناسایی جامع چالش‌ها، برنامه‌ریزی منسجم و هدفمندی برای میزبانی موفق رویدادهای ملی ورزشی داشته باشند. لذا انجام چنین پژوهشی با هدف شناسایی چالش‌های پیش‌روی در میزبانی رویدادهای ملی ورزشی، از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر جزو تحقیقات کیفی و مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد^۱ است. جامعه آماری این پژوهش شامل روسای هیئت‌های ورزشی رشته‌های مختلف، مدیران اماکن و تأسیسات ورزشی و اعضای هیئت علمی رشته مدیریت ورزشی بودند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش گلوله برفی بود. پس از انجام ۱۷ مصاحبه، تحلیل داده‌ها حاکی از اضافه‌نشدن داده‌های جدید به داده‌های قبلی بود. با انجام ۱۷ مصاحبه و رسیدن به اشباع نظری، به مصاحبه‌ها پایان داده شد. مصاحبه‌های انجام شده به روش کدگذاری نظریه مبنایی با رویکرد ساختگرا که توسط چارمز (۲۰۰۶) معرفی شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. مفاهیم روایی و پایایی معانی متفاوتی در داده‌های کیفی دارند. اسکینر و ادواردز^۲ (۲۰۰۹) به جای روایی، پیشنهاد می‌کنند با توجه به اهداف و ویژگی‌های متفاوت تحقیقات کیفی، برای اطمینان از مفهوم اعتبار، تلاش گردد این مهم از طریق درگیری طولانی مدت، مشاهده پایدار، چک کردن با مشارکت‌کنندگان در پژوهش و مثلث‌سازی حاصل شود. روش‌های استفاده شده جهت رواسازی پژوهش حاضر در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: روش‌های استفاده‌شده جهت رواسازی

درگیری	جهت افزایش حساسیت نظری، مشارکت عملی و ارتباط با مشارکت‌کنندگان برای ارزیابی
طولانی مدت	برداشت‌های محقق صورت گرفت.
مشاهده پایدار	بازرسی ادواری اطلاعات و کدهای به دست آمده برای پیشگیری از سوگیری و اطمینان از صحت آنها توسط محقق صورت گرفت.
چک کردن با مشارکت‌کنندگان	بررسی اطلاعات به دست آمده به کمک گروه پژوهش و نظرسنجی از مصاحبه‌شوندگان در مورد نتایج انجام گرفت.
مثلث‌سازی	از سه گروه از منابع جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه، ادبیات و مبانی نظری و اسناد/ مدارک استفاده شد.
مقایسه مستمر	مقایسه داده‌های به دست آمده از منابع مورد بررسی با سایر منابع در تمام طول پژوهش صورت گرفت.

^۱ Grounded theory

^۲ Skinner J & Edwards

برای اطمینان از پایایی پژوهش حاضر از فرمول درصد توافقات نیز استفاده شد. برای این کار، از یک همکار پژوهشی درخواست شد تا در پژوهش مشارکت کند. سپس پژوهشگران به همراه همکار پژوهشی، سه مصاحبه را کدگذاری کردند. میزان توافق بین کدگذاران ۷۲/۶۲ درصد بود. با توجه به اینکه میزان پایایی، بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید قرار گرفت و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است (کویل^۱، ۱۹۹۶).

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های فردی ۱۷ خبره مصاحبه شده در پژوهش حاضر در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: ویژگی‌های فردی مصاحبه‌شوندگان

جنسیت		تحصیلات			سمت	
کل	زن	مرد	دکتری	کارشناسی ارشد	اعضای هیئت علمی	مدیر اماکن و تأسیسات ورزشی
۱۵	۶	۱۱	۹	۸	۶	۵
۱۰۰٪	۳۵/۳٪	۶۴/۷۰٪	۵۲/۹٪	۴۷/۰۶٪	۳۵/۲٪	۲۹/۴۲٪

داده‌های به‌دست آمده، به روش کدگذاری نظریه داده‌بنیاد با رویکرد ساختگرا که توسط چارمز (۲۰۰۶) معرفی شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در جداول ۳ و ۴ به ترتیب راهنمای کدگذاری و کدگذاری متمرکز از منابع ارائه شده است:

جدول ۳: راهنمای کدگذاری

کد	منبع	وسایل و ادوات مورد نیاز
IN-M	مصاحبه با مدیران	وسایل ضبط و ثبت
IN-T	مصاحبه با اعضای هیئت علمی	وسایل ضبط و ثبت
DO	ادبیات و مبانی نظری، اسناد و مدارک	کاربرگ‌ها، فهرست‌برداری و چک‌لیست‌ها

کدگذاری در نظریه داده بنیاد با رویکرد ساختگرا^۲ شامل حداقل دو مرحله می‌باشد: کدگذاری اولیه و کدگذاری متمرکز. همچنین در این رویکرد از کدگذاری نظری برای فرم بخشیدن به کدهای متمرکز استفاده می‌شود. کدگذاری اولیه یا باز تجزیه مجموعه داده‌های گردآوری شده به کوچکترین اجزا مفهومی ممکن است (۵۹). در این

^۱ Kvale

^۲ Constructivist Approach

مرحله از پژوهش، از حدود ۶۰۰ جمله پیاده‌سازی شده از مصاحبه‌ها، ادبیات و اسناد مربوطه، بعد از حذف موارد تکراری و غیر مرتبط حدود ۳۸۴ نکته کلیدی به دست آمد که در قالب ۲۴۱ کد اولیه، ۹۸ مفهوم و ۵۱ مقوله تعریف شد. بعد از اینکه کدگذاری اولیه انجام گردید و مسیرهای تحلیلی لازم به وجود آمد، کدگذاری اولیه برای ترکیب و توضیح قطعات بزرگتر داده‌ها به کار گرفته شد. کدگذاری متمرکز به معنای استفاده از مهم‌ترین و یا پرتکرارترین داده‌های اولیه می‌باشد. در این مرحله ۲۷ مقوله به دست آمده در مرحله بعدی به ۱۱ کد متمرکز تبدیل شد. در جدول ۴ فرآیند کدگذاری متمرکز ارائه شده است:

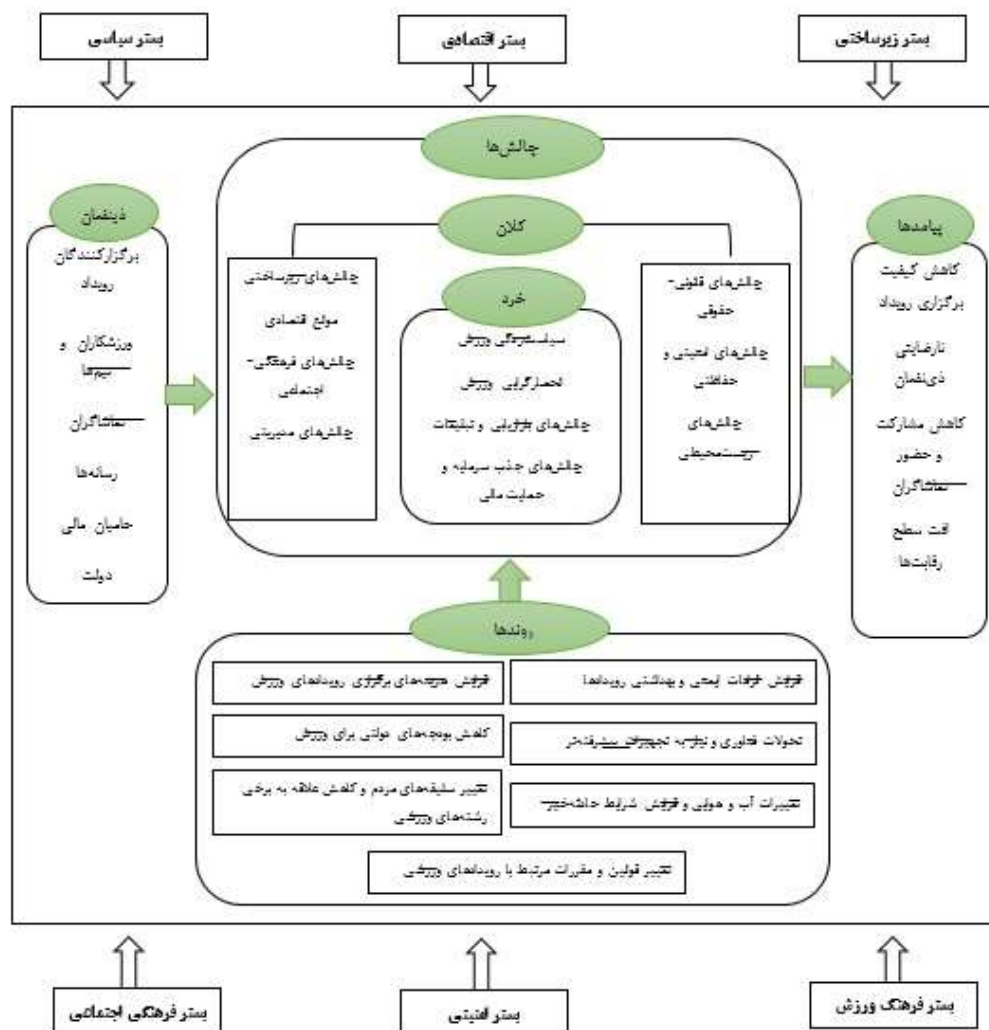
جدول ۴: کدگذاری متمرکز

نشانه‌ها	مقوله‌ها	کد متمرکز شده
IN-M-1,IN-M-6, IN-M-2, DO5, IN-T-6, IN-M-5, IN-M-4, IN-T-4, DO4,,IN-T-4 IN-T-3, IN-T-5 DO3, IN-M-3, IN-M-2, IN-T-2,IN-M-9,IN-T-3, IN-M-3,IN-T-4,DO7, IN-T-5,IN-M-8,IN-T-3,IN-M-7,DO2	چالش‌های زیرساختی	
IN-M-6,IN-M-7,DO7, IN-T-2,DO8, IN-IN-M-1,IN-T-3, IN-T-5,IN-T-8,IN-,3-M M-1, IN-M-5,IN-T-4,IN-T-1 DO7,IN-T-4,IN-M-1,IN-T-8, IN-M-3, IN-5, IN-T-5,IN-M-6-M	موانع اقتصادی	
IN-T-2,DO12 ,DO3,IN-T-1,IN-T-5,DO11, IN-T-3,DO11,DO3,IN-M-6, IN-M-7,IN-T-4, DO4, IN-T-4,DO3, DO5 DO5,IN-M-1,IN-T-4,IN-T-8,DO3, IN-T-7, DO5,IN-M-1,DO11, IN-M-5, IN-T-7,DO4	چالش‌های فرهنگی-اجتماعی	
M-2, IN-M--IN-T-1,DO3, IN-T-7, IN4,IN-M-8, DO6,IN-T-3,DO11, DO4 DO4 ,IN-T-4, DO5,IN-T-1,DO3, DO11, IN-T-2	چالش‌های مدیریتی	
IN-M-3, IN-M-2, DO4,IN-T-7, IN-T-4, T-3-DO4, IN-T-2, DO11, IN IN-M-1, IN-M-6, IN-M-2, DO5, IN-T-4, IN-T-7, IN-M-5, IN-M-4, IN-T-2, DO4, ,IN-M-3, IN-M-2,IN-T-3	چالش‌های قانونی-حقوقی	
IN-T-2,IN-M-1, IN-T-3, IN-M-3,IN-T-IN-M-5,IN-T-8,IN-T-5,IN-M-7, 4,DO7, DO2	چالش‌های امنیتی و حفاظتی	
-IN-M-6,IN-M-7 , IN-T-2,DO2, IN-M IN-M-6,IN-T-5,4	چالش‌های زیست‌محیطی	
	سیاست‌زدگی ورزش	
	انحصارگرایی ورزش	
	چالش‌ها	
	چالش‌های بازاریابی و تبلیغات	
	چالش‌های جذب سرمایه و حمایت مالی	
	برگزارکنندگان رویداد	

پیامدها	ذی‌نفعان	ورزشکاران و تیم‌ها	IN-T-5,IN-M-8,IN-M-1, IN-M-5,IN-T-4,IN-T-1
		تماشاگران	DO3,IN-T-4,IN-M-1,IN-M-8, IN-M-3
		رسانه‌ها	DO9,IN-T-4, ,IN-T-5,IN-M-6, IN-M-6 DO3
		حامیان مالی	IN-M-2,DO12 ,DO3,IN-T-3,IN-T-4,DO11
		دولت	-IN-M-6,IN-M-7 , IN-T-2,DO2, IN-M IN-M-6,IN-T-5,4
		کاهش کیفیت برگزاری رویداد	IN-T-5, IN-M-8, IN-M-1, IN-M-5,IN-T-4, IN-T-1, , IN-M-6, IN-M-7
		نارضایتی ذی‌نفعان	DO3, IN-T-4, IN-M-1, IN-M-8, IN-M-3, , IN-M-7, IN-M-10
		کاهش مشارکت و حضور تماشاگران	-IN-M-6,IN-M-7 , IN-T-2,DO2, IN-M IN-M-6,IN-T-5,4
		افت سطح رقابت‌ها	IN-T-5,IN-M-8,IN-M-1, IN-M-5,IN-T-4,IN-T-1
		روند افزایش هزینه‌های برگزاری رویدادهای ورزشی	DO6,IN-T-4,IN-M-1,IN-M-8, IN-M-3, DO7, DO11
روندها		روند کاهش بودجه‌های دولتی برای ورزش	M-2,DO9, IN-M-8,IN-T-1, -IN-M-1, IN DO7, DO11
		روند تغییر سلیقه‌های مردم و کاهش علاقه به برخی رشته‌ها	IN-M-5, DO11, IN-M-4,IN-T-2, DO6, IN-M-9, IN-M-11
		روند افزایش الزامات ایمنی و بهداشتی رویدادها	DO9, DO11, IN-T-2,IN-T-6, DO6, IN-M-10, IN-M-11, , IN-M-9, IN-M-8
		روند تحولات فناوری و نیاز به تجهیزات پیشرفته‌تر	IN-T-6, IN- IN-T-3,DO3, IN-T-2, DO3, M-8, IN-M-9, IN-M-11
		روند تغییرات آب و هوایی و افزایش شرایط حادثه‌خیز	IN-T-6, IN- IN-T-4, DO4, IN-T-2, DO3, M-10, IN-M-2, DO6
		روند تغییر قوانین و مقررات مرتبط با رویدادها	IN-T-2, DO3, IN-M-5, DO11, IN-M-7, IN-T-6, IN-M-8, DO6 IN-T-2,

کدگذاری نظری: کدگذاری نظری، سطحی پیچیده از روند کدگذاری است. این کدها نه تنها روابط بین کدها را

مفهوم‌سازی می‌کنند، بلکه داستان تحلیلی را به سمت نظری پیش می‌برند.



بحث و نتیجه گیری

هدف از این مطالعه، شناسایی و تبیین چالش‌های راهبردی و پیامدهای آنها در برگزاری رویدادهای ملی ورزشی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد ذی‌نفعانی همچون برگزارکنندگان رویدادها که شامل سازمان‌ها، نهادها و افرادی هستند که مسئولیت برنامه‌ریزی، سازماندهی و اجرای رویدادهای ورزشی را برعهده دارند، ورزشکاران و تیم‌ها که به عنوان شرکت‌کنندگان اصلی رویدادهای ورزشی هستند و از نحوه برگزاری رویدادها و کیفیت آن تأثیر می‌پذیرند، تماشاگرانی که مخاطب اصلی رویدادها محسوب می‌شوند، رسانه‌هایی که نقش بسزایی در پوشش و اطلاع‌رسانی دارند، حامیان مالی که حمایت‌های آنان حیاتی است و دولت به عنوان تسهیل‌گر و حامی اصلی، از ذی‌نفعان کلیدی برگزاری رویدادهای ورزشی محسوب می‌شوند. این ذی‌نفعان در فرایند برگزاری رویدادها نقش محوری دارند و با

چالش‌ها و موانعی در برگزاری رویدادهای ورزشی سطح کلان و خرد مواجه هستند. در سطح کلان بنا به صحبت‌های مشارکت‌کنندگان چالش‌های زیرساختی، موانع اقتصادی، چالش‌های فرهنگی - اجتماعی، چالش‌های مدیریتی، چالش‌های قانونی - حقوقی، چالش‌های امنیتی و حفاظتی و چالش‌های زیست‌محیطی است. چالش‌های زیرساختی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های کلان در برگزاری رویدادهای ورزشی محسوب می‌شود. کمبود امکانات و تجهیزات استاندارد، ضعف در زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی و محدودیت‌های ظرفیت اقامتی، از جمله مصادیق بارز این دسته از چالش‌ها هستند. داشتن برخی زیرساخت‌های مدرن و فضاهای ورزشی مدرن برای میزبانی و برگزاری رویداد الزامی است. به عبارتی، همه شهرهای برگزارکننده رویدادهای ورزشی از ابتدا تمام زیرساخت‌ها را فراهم نمی‌کنند تا سپس به دنبال درخواست میزبانی باشند، بلکه مسیر کسب میزبانی یک برنامه بلندمدت با پیش‌بینی ساخت زیرساخت‌ها برای جلب رضایت مالکان رویداد خواهد بود (یوسفی، عیدی و کوشا، ۲۰۱۶). برای برگزاری رویدادهای کوچک، متوسط و بزرگ ورزشی باید بودجه‌هایی را برای تأسیس زیرساخت‌های اساسی حمل و نقل، اسکان و به‌ویژه استانداردسازی و ساخت دهکده‌های ورزشی و زیرساخت‌های ورزشی اختصاص دهند. با ساخت زیرساخت‌های ورزشی باکیفیت، میزان شانس برنده شدن میزبانی افزایش خواهند یافت. موانع اقتصادی نیز یکی دیگر از چالش‌های کلیدی برگزاری رویدادهای ورزشی محسوب می‌شود. هزینه‌های سنگین برگزاری رویدادها، محدودیت منابع دولتی و عدم حمایت کافی بخش خصوصی، از جمله مصادیق بارز موانع اقتصادی در این حوزه هستند. از جمله چالش‌های فرهنگی - اجتماعی می‌توان به عدم علاقه‌مندی گسترده مردم به ورزش و مشارکت در فعالیت‌ها و رویدادهای ورزشی، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی برای حضور بانوان، وجود برخی آسیب‌های اجتماعی در میان طرفداران ورزشی، چالش‌های فرهنگی در میزبانی رویدادهای بین‌المللی و کمبود فرهنگ مشارکت عمومی و حمایت از فعالیت‌های ورزشی اشاره کرد. این یافته با یافته‌های عیدی و سجادی (۲۰۲۱) همسوست. چالش‌های حقوقی و قانونی، یکی دیگر از دسته‌های مهم چالش‌های کلان در حوزه برگزاری رویدادهای ورزشی است. وجود قوانین و مقررات دست و پاگیر و سخت‌گیرانه، همچنین مشکلاتی که در زمینه حقوق مالکیت و امتیاز برگزاری رویدادها به وجود می‌آید، می‌تواند فرایند برنامه‌ریزی و اجرای رویدادهای ورزشی را با چالش مواجه سازد. لزوم طی مراحل طولانی اداری و قانونی، عدم انعطاف‌پذیری قوانین برای برپایی رویدادهای بزرگ و مشکلات ناشی از مقررات سختگیرانه، از جمله مصادیقی است که می‌تواند به عنوان چالش‌های حقوقی - قانونی مطرح کرد.

چالش‌های مدیریتی را می‌توان یکی دیگر از دسته‌های مهم چالش‌های کلان در عرصه برگزاری رویدادهای ورزشی بیان کرد. مدیران و برگزارکنندگان رویدادهای ورزشی باید بتوانند امور مختلفی مانند حمل و نقل، اسکان، پذیرایی، امنیت و البته خود مسابقات ورزشی را به خوبی سازماندهی و هماهنگ کنند. اگر این سازماندهی و هماهنگی به درستی انجام نشود، می‌تواند منجر به اختلالات، بروز مشکلات گوناگون و در نهایت شکست در برگزاری

موفقیت‌آمیز رویداد شود (لی و همکاران^۱، ۲۰۲۲). چالش‌های امنیتی و حفاظتی یکی از محوری‌ترین دغدغه‌ها در برگزاری موفقیت‌آمیز هر رویداد ورزشی به شمار می‌رود. تأمین امنیت جانی تعداد انبوهی از تماشاگران و عوامل اجرایی رویداد، لزوم برخورداری از زیرساخت‌ها و تجهیزات پیشرفته امنیتی و حفاظتی، آموزش نیروهای انتظامی و امنیتی، و پیش‌بینی و مقابله با تهدیدات و حوادث احتمالی، همگی نشان‌دهنده اهمیت ویژه و حیاتی مقوله امنیت در برنامه‌ریزی و مدیریت رویدادهای ورزشی است. غفلت از این موضوع می‌تواند منجر به شکست و فاجعه شود. مهمترین مسائل در حیطه فعالیت برگزارکنندگان رویدادهای بزرگ ورزشی به علت حضور انبوه جمعیت و تمهیدات امنیتی، کمبود امنیت و ایمنی در مسابقات و به دنبال آن ایجاد حوادث مکرر در اماکن مختلف و رویدادهای ورزشی ازجمله لیگ‌های ورزشی ایران، تأمین امنیت رویداد است (محمدنژاد و همکاران، ۲۰۲۲). به دلیل چالش‌هایی مانند تهدیدات تروریسم، افراط‌گرایی داخلی و اختلال عمومی، بلایای طبیعی، نافرمانی مدنی و اینکه به طور کلی تهدیدات هرگز به طور کامل از بین نمی‌رود، باید تهدیدات احتمالی شناسایی شوند تا بتوان آن‌ها را کاهش داد یا از حوادث جلوگیری کرد (سیلژاک و جورویچ^۲، ۲۰۱۶). همچنین برگزاری رویدادهای ورزشی ممکن است باعث تولید زیادی زباله و آلودگی هوا و آب شود. این مسئله می‌تواند تأثیرات منفی بر روی محیط زیست و سلامتی افراد داشته باشد. همچنین، برگزاری رویدادهای ورزشی ممکن است باعث تخریب منابع طبیعی مانند جنگل‌ها و مراتع شود. بنابراین، برای کاهش این چالش‌ها باید از روش‌های پایدار و دوستدار محیط زیست در برگزاری رویدادهای ورزشی استفاده شود. برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی منجر به افزایش حجم زباله‌های تولیدی، افزایش آلودگی هوا، تخریب برخی زیستگاه‌های طبیعی و افزایش ترافیک و سفرهای جاده‌ای می‌شود (موندی و رابرتز^۳، ۲۰۱۲).

چالش‌های سطح خرد در یافته‌های پژوهش شامل سیاست‌زدگی ورزش، انحصارگرایی ورزش، چالش‌های بازاریابی و تبلیغات و چالش‌های جذب سرمایه و حمایت مالی است. سیاست‌زدگی ورزش یکی از چالش‌های مهم خرد در برگزاری رویدادهای ورزشی محسوب می‌شود. دخالت‌های غیرضروری مسائل سیاسی در امور ورزشی و برگزاری رویدادها می‌تواند منجر به انحراف از اهداف واقعی ورزش شود. همچنین، تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های ورزشی باید بر اساس ضوابط تخصصی باشد تا بتواند منجر به موفقیت رویداد شود. در غیر این صورت، دخالت‌های سیاسی و غیرکارشناسی می‌تواند به اهداف ورزشی و حرفه‌ای رویداد آسیب برساند. همانطور که ورزش مشهور و فراگیر می‌شود، به همان اندازه دخالت سیاستمداران و حکومت‌ها در ورزش افزایش می‌یابد. هرج و مرج در ورزش و ایجاد تنش و حاشیه‌سازی در ورزش از عمده پیامدهای منفی حضور مدیران سیاسی در عرصه ورزش ایران است (دوستی، گودرزی و اسدی، ۲۰۲۱). همه حکومت‌ها بدون توجه به نوع حکومت، از ورزش برای ایجاد حمایت

¹ Li et al.

² Siljak & Djurovic

³ Collins, Munday & Roberts

سیاسی استفاده می‌کنند. سیاستمداران به‌عنوان گردانندگان حکومت‌ها نیز از ورزش برای حمایت از خود و حکومت‌هایشان استفاده می‌کنند. انحصارگرایی در ورزش و برگزاری رویدادهای ورزشی می‌تواند در اشکال مختلفی ظهور پیدا کند و چالش‌زا باشد. انحصارگرایی در رسانه‌های ورزشی باعث می‌شود پوشش رسانه‌ای رویدادها محدود شود و در توزیع امکانات و منابع ورزشی هم می‌تواند باعث محرومیت برخی ذی‌نفعان گردد. در مجموع، انحصارگرایی در ابعاد مختلف می‌تواند مانعی برای توسعه برگزاری رویدادهای ورزشی به شمار آید.

چالش‌های بازاریابی و تبلیغات یکی از چالش‌های مهم در برگزاری رویدادهای ورزشی سراسر جهان است. در واقع، برای جذب حضور بیشتر مخاطبان و حامیان مالی باید از روش‌های بازاریابی و تبلیغاتی مناسب استفاده کرد. با این حال، این چالش‌ها در برگزاری رویدادهای ورزشی به دلیل محدودیت‌های مالی و عدم دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، بیشتر احساس می‌شود. چالش جذب سرمایه و حمایت مالی یکی از چالش‌های خرد دیگر در برگزاری رویدادهای ورزشی است. برای برگزاری یک رویداد ورزشی با کیفیت و موفق، نیاز به سرمایه‌گذاری و حمایت مالی قوی است. صنعت ورزش کشورمان هنوز نتوانسته است از حمایت مالی که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین درآمدهای غیرمستقیم سازمان‌های ورزشی نام برده می‌شود، بهره کافی را ببرد (باقری‌فرد و فرامرزی، ۱۳۹۹).

با توجه به یافته‌ها، روند فزاینده افزایش هزینه‌های برگزاری رویدادهای ورزشی موجب تشدید چالش‌های مالی و اقتصادی می‌شود و روند نزولی بودجه‌های دولتی ورزش باعث کاهش حمایت‌های مالی دولت و بروز مشکلات جدی‌تری در تأمین منابع مالی می‌گردد. سولبرگ و پریوس^۱ (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که ساخت مکان‌ها برای رویدادهای ورزشی بزرگ اغلب هزینه‌های قابل توجهی نیاز دارد و ممکن است بودجه‌ها چندین برابر افزایش یابند. از سوی دیگر، تغییر سلیقه‌های مردم و کاهش علاقه به برخی رشته‌های ورزشی ممکن است باعث کاهش حضور تماشاگران در رویدادهای ورزشی شود. کاهش علاقه به ورزش‌های خاص می‌تواند در واقع منجر به کاهش حضور تماشاگران در رویدادهای ورزشی شود. علاوه بر این، افزایش الزامات ایمنی و بهداشتی باعث افزایش هزینه‌های برگزاری و مشکلات مدیریتی می‌شود. همچنین روند تحولات فناورانه و نیاز به تجهیزات پیشرفته‌تر، فشارهای مالی جدیدی را به برگزارکنندگان تحمیل می‌کند و منجر به بروز چالش‌های زیرساختی و تأمین منابع مالی شده است. پیشرفت‌های فناورانه چالش‌های زیرساختی را در رویدادهای ورزشی در پی دارد (مباح^۲، ۲۰۱۷؛ پتروویچ^۳، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، تغییرات آب و هوایی و افزایش شرایط حادثه‌خیز طبیعی موجب بروز مخاطرات و چالش‌های ایمنی جدیدی می‌شود. همچنین یافته‌ها نشان داد که بروز چالش‌های متعدد در برگزاری رویدادهای ورزشی موجب پیامدهای منفی شده است. از جمله این پیامدها می‌توان به کاهش کیفیت برگزاری رویدادها اشاره کرد که منجر به نارضایتی ذی‌نفعانی

¹ Solberg & Preuss

² Miah

³ Petrović et al.

همچون تماشاگران، ورزشکاران، حامیان مالی و غیره شده است. همچنین کاهش میزان مشارکت و حضور تماشاگران که یکی دیگر از پیامدهای منفی بوده، مشاهده گردید. چالش‌های مالی می‌توانند به حضور کم طرفداران در رویدادهای ورزشی منجر شود (بکر و همکاران^۱، ۲۰۲۳). علاوه بر این، افت کیفیت رقابت‌های ورزشی و عدم رشد سطح ورزش قهرمانی از دیگر آثار سوء چالش‌های موجود بوده است. چالش‌های پیش روی برگزاری رویدادهای ورزشی می‌تواند منجر به عملکرد ضعیف مالی، کاهش مشارکت ورزشی و مشکلات در پخش ویژه ورزشی شود که در نهایت بر کیفیت مسابقات ورزشی تأثیر می‌گذارد (تاکس و همکاران^۲، ۲۰۱۷؛ مایر و همکاران^۳، ۲۰۲۰ و والی^۴، ۲۰۰۷).

یافته‌ها بسترها و شرایط محیطی متعددی بر ظهور و بروز چالش‌های شناسایی کردند. بستر اقتصادی که شامل وضعیت کلان اقتصادی، منابع مالی در دسترس و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی است، بر چالش‌های مالی و اقتصادی تأثیرگذار بوده است. بستر سیاسی و اجتماعی- فرهنگی کشور بر میزان حمایت‌های دولتی، قوانین و مقررات و الگوهای رفتاری و مشارکت اجتماعی مردم تأثیر داشته است. پیشینه سیاسی و اجتماعی- فرهنگی یک کشور بر سطح حمایت دولت، قوانین و مقررات و الگوهای رفتاری و مشارکت اجتماعی مردم در رویدادهای ورزشی تأثیر می‌گذارد. بستر امنیتی نیز بر میزان امکان بروز تهدیدها و خشونت‌های احتمالی حین برگزاری رویدادها مؤثر بوده است. رویدادهای بزرگ ورزشی مانند جام جهانی به عنوان یک فرصت طلایی برای تروریست‌ها عمل می‌کند تا کاری را که می‌خواهند را انجام دهند. علاوه بر این، بستر زیرساختی شامل وضعیت اماکن و تجهیزات ورزشی نیز زمینه‌ساز بروز چالش‌هایی همچون مشکلات زیرساختی و ایمنی بوده است (وانگ و چادویک^۵، ۲۰۱۸). در نهایت، بستر فرهنگی مرتبط با ورزش که شامل میزان علاقه‌مندی عمومی به ورزش است، زمینه‌ساز مشکلاتی مانند کمبود حضور تماشاگران بوده است.

با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر وجود چالش‌های گسترده و متعدد در زمینه‌های مختلف از جمله زیرساخت‌ها، منابع مالی، مدیریت، و فرهنگ عمومی در برگزاری رویدادهای ملی ورزشی، پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران، مدیران ورزشی و سایر ذی‌نفعان مرتبط با هماهنگی و همکاری یکدیگر، اقداماتی همه‌جانبه و بلندمدت در جهت رفع این چالش‌ها از طریق بهبود زیرساخت‌ها، تأمین منابع مالی پایدار، اصلاح نظام مدیریتی و فرهنگ‌سازی عمومی در حوزه ورزش انجام دهند.

¹ Becker et al.

² Taks et al.

³ Meier et al.

⁴ Vail

⁵ Wong & Chadwick

منابع

- باقری فرد، علی اشرف و فرامرزی، ناهید. (۲۰۲۰). «الزامی نوین در راستای حمایت مالی از ورزش در بخش غیردولتی». پژوهش‌های مدیریت در جهان اسلام. ۴(۲)، صص ۷-۱۸.
- جلالی فراهانی، مجید و علی دوست قهفرخی، ابراهیم. (۱۳۹۶). مدیریت رویدادها و اردوهای ورزشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- خدایاری، م. (۱۳۹۸). «عوامل موثر بر برگزاری مناسب یک رویداد ورزشی». مجله رشد تربیت بدنی. ۲۰(۳)، صص ۳۳-۳۵.
- دوستی؛ گودرزی و اسدی. (۲۰۲۱). «تبیین و تحلیل علل و پیامدهای ورود سیاسیون به ورزش ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۳(۱)، صص ۱۵-۳۴.
- عیدی و سجادی. (۲۰۲۱). «مدل سازی و اولویت بندی موانع کسب میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزشی در ایران». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۳(۲)، صص ۳۷۳-۳۹۰.
- عیدی؛ طالب‌پور؛ میرزاده و قربانی. (۲۰۱۹). «شناسایی اثرات برگزاری رویداد ورزشی کشتی با چوخه در جوامع میزبان». توسعه محلی (روستایی- شهری). ۱۱(۱)، صص ۵۵-۷۸.
- کوشا، م. (۱۳۹۲). «تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) درخواست میزبانی و برگزاری مسابقات مگا ورزشی در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کرمانشاه.
- محمدنژاد؛ حسینی، محمدی و مرادی سیاسر. (۲۰۲۲). «طراحی مدل امنیت پایدار در رویدادهای بزرگ ورزشی ایران». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۳(۷۰)، صص ۱۸۶-۲۱۸.
- مرادی، عرفان؛ الهی، علیرضا و صفاری، مرجان. (۱۳۹۷). «مطالعه و تعیین روابط علی انگیزه‌ها و رضایت گردشگران رویداد ورزشی میانجی- درگیری ذهنی». مطالعات مدیریت گردشگری. دوره ۱۳، شماره ۴۲، صص ۱۲۵-۱۵۹.
- یوسفی؛ عیدی و کوشا. (۲۰۱۶). «بررسی زیرساخت‌های شهر تهران برای میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی مردان». نشریه مدیریت ورزشی. ۱(۱)، صص ۱۳۷-۱۵۰.
- Becker, D. M., Solberg, H. A., & Heyerdahl, G. S. (2023). "The financial challenges of hosting sports events: a problem of insufficient separation between decision-making and decision-control". *European Sport Management Quarterly*, 23(5), 1549-1566.
- Charmaz K. (2006). *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide through Qualitative Analysis*. CA: Sage Publications.
- Clark, R., & Misener, L. (2015). "Understanding urban development through a sport events portfolio: A case study of London, Ontario". *Journal of Sport Management*, 29(1), 11-26.
- Collins, A., Munday, M., & Roberts, A. (2012). "Environmental consequences of tourism consumption at major events: An analysis of the UK stages of the 2007 Tour de France". *Journal of Travel Research*, 51(5), 577-590.
- Getz, D. & Page, S.J. (2016). *Event studies: Theory, Research and policy for planned events*.
- Kim, W., Jun, H. M., Walker, M., & Drane, D. (2015). "Evaluating the perceived social impacts of hosting large-scale sport tourism events: Scale development and validation". *Tourism Management*, 48, 21-32.
- Kvale, S. (1996). *InterViews: an introduction to qualitative research interviewing*. Sage.
- Li, L., Chen, Y., Liu, B., Deng, B., & Xu, Y. (2022). "Identification of Critical Risks in Hosting Sports Mega-events: a Social Network Perspective". *Event Management*, 26(5), 1129-1144.
- Meier, H. E., Hagenah, J., & Jetzke, M. (2020). "Aggregation as the remedy for the decline of niche sports broadcasting: A case study of the European championships". *International Journal of Sport Communication*, 13(4), 719-743.
- Miah, A. (2017). *Sport 2.0: Transforming sports for a digital world*. MIT Press.

- Muiruri Njoroge, J., Atieno, L., & Vieira Do Nascimento, D. (2017). **“Sports tourism and perceived socio-economic impact in Kenya: The case of Machakos County”**. *Tourism and hospitality management*, 23(2), 195-217.
- Petrović, L. T., Milovanović, D., & Desbordes, M. (2015). **“Emerging technologies and sports events: Innovative information and communication solutions”**. *Sport, Business and Management: An International Journal*, 5(2), 175-190.
- Rogneda, G., Drapkin, I., & Mariev, O. (2018). **“THE effects of major sports events on economic growth and foreign direct investment inflows: the results of empirical estimation”**. In *Proceedings of Economics and Finance Conferences* (No. 6910164). International Institute of Social and Economic Sciences.
- Siljak, V., & Djurovic, D. (2017). **“Historical Development of the Olympic Movement”**. *Sport Mont*, 15(3), 43-46
- Skinner J & Edwards A. (2009). **Qualitative research in sport management**. Elsevier.
- Solberg, H. A., & Preuss, H. (2015). **“Major sports events: The challenge of budgeting for the venues”**. *Event Management*, 19(3), 349-363.
- Taks, M., Green, B. C., Misener, L., & Chalip, L. (2017). **“Sport participation from sport events: why it doesn’t happen?”** *Marketing intelligence & planning*, 36(2), 185-198.
- Wafi, A. A., Chiu, L. K., & Ibrahim, J. A. (2020). **Organizing small-scale sports events: issues and challenges. Principles and practices of small-scale sport event management**.
- Wong, D., & Chadwick, S. (2018). **“Risk and (in) security of FIFA football World Cups—outlook for Russia 2018”**. In *FIFA World Cup and Beyond* (pp. 37-52). Routledge.

الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی با بکارگیری مدل‌های زبانی هوش مصنوعی

مهران حق پرست^۱

محمد سلطان حسینی^۲

داود نصر اصفهانی^۳



[10.22034/ssys.2024.3394.3481](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3394.3481)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳

هدف اصلی این پژوهش، توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی با بکارگیری مدل‌های زبانی هوش مصنوعی بود. روش‌شناسی این پژوهش از نوع کیفی بوده است. داده‌ها از طریق مصاحبه با مدل‌های زبانی ChatGPT، Command-R، Claude، Google Gemini، Mistral و LLaMA جمع‌آوری و با هوش مصنوعی تاک بات کدگذاری اولیه انجام پذیرفت. سپس جهت تایید کدها، محققان کدهای استخراجی را بازکدگذاری و با رویکرد ساخت‌گرایانه چارمز تجزیه و تحلیل نمودند. روایی و پایایی پژوهش با استفاده از روش مثلث‌سازی، کدگذاری مجدد توسط متخصصان حوزه مالی در ورزش و ضریب پایایی کاپای کوهن تایید گردید. در نتیجه ۲۴۰ کد اولیه شناسایی شد که در مراحل بعد به ۲۸ کد متمرکز و در نهایت به ۱۰ کد محوری تقلیل یافت. یافته‌ها شامل سلامت مالی و پاسخگویی، بهبود افشا در گزارش‌های مالی، برنامه‌ریزی بودجه عملیاتی، تحلیل داده‌های مالی با مبنای تعهدی، مدیریت ریسک مالی، مدیریت جریان نقدینگی، مدیریت هزینه‌ها و بهبود فرآیندها، سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری و حامیان مالی و استفاده از فناوری‌های پیشرفته مالی بر بستر بلاک چین بود. این محورها به صورت زنجیرهای و به هم پیوسته هستند و هر محور به تقویت محوره‌های دیگر کمک می‌نماید. الگوی ارائه شده به بهبود شفافیت، دقت برنامه‌ریزی بودجه و مدیریت ریسک مالی در هیئت‌های ورزشی کمک می‌کند و پیاده‌سازی این الگو می‌تواند به افزایش پایداری و رشد مالی هیئت‌های ورزشی در بلندمدت منجر شود.

واژگان کلیدی: داده‌های مالی، هوش مصنوعی، سازمان‌های ورزشی، عملکرد مالی و مدل‌های زبانی بزرگ.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: M.soltanhoseini@spr.ui.ac.ir

^۳ استادیار، مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

امروزه همه سازمان‌ها و حتی دولت‌ها در سراسر جهان با محدودیت‌های فزاینده‌ای در منابع مواجه می‌باشند، در حالی که انتظارات ذی‌نفعان از ارائه خدمات در عصر کنونی در حال افزایش است (بیک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸). فلسفه زیربنایی مدیریت منابع، ایجاد اثربخشی و کارایی می‌باشد و از جمله منابع مهم و اساسی هر سازمان که در اختیار مدیریت است و می‌توان با آن هدایت و کنترل امور را به دست گرفت، منابع مالی است (پرابودا^۱ و پوروانتو^۲، ۲۰۲۴). هرچند فساد، سوء مدیریت و عدم شفافیت مالی منجر به کاهش اعتماد به سازمان‌ها و دولت‌ها شده است (فیصل صلال و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین، در کنار سایر موارد، مدیریت مالی سالم باعث ارتقای سطح پایداری اقتصادی در بلندمدت می‌گردد (ترمسکی^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). سازمان‌ها و دولت‌ها موظفند مدیریت مالی خود را تقویت نمایند. در واقع این یک عنصر ضروری برای حکمرانی خوب می‌باشد و بانک جهانی به‌عنوان بخشی از حمایت خود از حکمرانی خوب، از پروژه‌هایی که هدف آن نوسازی مدیریت مالی است، حمایت می‌کند (پورغلامرضا و همکاران، ۱۴۰۳). ابعاد این فرآیند شامل مدیریت درآمد، شیوه‌های حسابرسی، مدیریت پرداخت و سیستم‌های اطلاعات مالی و گزارشگری آن می‌باشد (ندوندا^۴، ۲۰۲۴). به همین جهت یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها و مهارت‌هایی که هیچ یک از افراد و سازمان‌های امروزی نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند، مدیریت امور مالی است و از مجموعه رفتارهایی تشکیل شده که باید بر یک سازمان اعمال شود تا آن را در رسیدن به اهداف خود به موفقیت برساند و شامل برنامه‌ریزی^۵، سازماندهی^۶، کنترل^۷ و نظارت بر منابع مالی با هدف دستیابی به اهداف سازمانی است. این نوع از مدیریت یک روش ایده‌آل برای کنترل فعالیت‌های مالی یک سازمان مانند تهیه بودجه^۸، استفاده از وجوه، حسابداری^۹، پرداخت، ارزیابی ریسک و سایر موارد مرتبط با پول است تا این تضمین را ارائه دهد که آیا دارایی‌های^{۱۰} این سازمان به درستی استفاده می‌شود؟ آیا دارایی‌های این سازمان امن هستند؟ آیا مدیریت به نفع منافع مالی سازمان و ذی‌نفعان^{۱۱} اصلی عمل می‌کند؟ در واقع، مدیریت مالی، بخش مهمی از مدیریت می‌باشد و از عملکرد^{۱۲} مالی یک سازمان همچون هزینه‌های مالی گرفته تا نتایج یا پیامدهای آن حمایت می‌کند (اداره کل حسابرسی ولینگتون^{۱۳}، ۲۰۱۲).

علیرغم اهمیت فراوان مدیریت مالی، این حوزه در هیئت‌های ورزشی به‌عنوان نوعی از سازمان‌های ورزشی با چالش‌های خاص خود مواجه است و مدیریت مالی نقش حیاتی در موفقیت آن‌ها دارد. هیئت‌های ورزشی به‌عنوان واحد گزارشگر بر اساس ماده ۲۳ امور مالی باید درآمدها و هزینه‌ها را در دفاتر مالی رسمی همانند شرکت‌های

¹ Prayuda

² Purwanto

³ Teremetskyi

⁴ Ndonda

⁵ Planning

⁶ Organizing

⁷ Controlling

⁸ Budget

⁹ Accounting

¹⁰ Finance

¹¹ Beneficiaries

¹² Function

¹³ Wellington General Audit Office

خصوصی ثبت نمایند. گزارشگری، تهیه صورت‌های مالی و ارائه آن به ذی‌نفعان یکی از وظایف هیئت‌ها می‌باشد که بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تأثیر به‌سزایی دارد. شاید صورت‌های مالی از جهت شکل و فرم در مؤسسات گوناگون مشابه و حتی یکی باشند، ولی همواره طبقه‌بندی حساب‌ها و سرفصل حساب‌ها در مؤسسات گوناگون با توجه به نوع فعالیت دچار تغییرات اساسی می‌گردد. بنابراین، اگر صورت‌های مالی متناسب فعالیت‌های مالی هیئت‌های ورزشی تهیه نگردد، عدم ارائه گزارش‌های مناسب و در نتیجه گمراهی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی را در پی دارد (فیصل صلال^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). در گذشته مدیریت مالی شامل گزارش منابع و مصارف بود و افراد درگیر اهمیت خاصی به آن نداشتند. فلسفه زیربنایی مدیریت منابع، ایجاد اثربخشی و کارایی است و یکی از منابع مهم و ضروری هر سازمانی که در اختیار مدیریت است و می‌توان از آن برای هدایت و کنترل امور استفاده کند، منابع مالی است (سیمون^۲، ۲۰۲۲: ۲). با توجه به این نیاز حیاتی، استفاده از روش‌های جدید و بهینه‌سازی فرآیندهای مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا هیئت‌های ورزشی بتوانند با موفقیت به اهداف ورزشی و تجاری خود دست یابند (پاولیک و کواکوا^۳، ۲۰۱۳: ۳۴). مدیریت مالی نه تنها به تخصیص بهینه بودجه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به سازمان‌ها در سرمایه‌گذاری هوشمندانه و جلوگیری از بحران‌های مالی احتمالی کمک کند. به‌طور کلی، مدیریت مالی خوب به این سازمان‌ها اجازه می‌دهد تا در حین دستیابی به اهداف ورزشی خود، عملکرد پایدار بلندمدتی داشته باشند. همچنین به مدیران ورزشی این فرصت را می‌دهد که تصمیمات راهبردی و هدفمندتری برای بهبود کارایی و بهره‌وری سازمان بگیرند (دستوم^۴ و همکاران، ۲۰۲۳: ۳). توسعه مدیریت مالی شامل یک سری اصلاحات در سیستم‌های حسابداری، رویه‌ها و قوانین، اطلاعات مالی، بودجه‌بندی، حسابرسی و کنترل داخلی، استفاده مؤثر و کارآمد از منابع مالی، ارتقای شفافیت و پاسخگویی است (آقامحمد، کردستانی و کاظمی، ۲۰۲۱). به نظر می‌رسد روش‌های فعلی مدیریت مالی قادر به استفاده مؤثر از حجم زیاد داده‌ها و ارائه تحلیل‌های عمیق نیستند. این امر رویارویی با چالش‌هایی مانند تغییرات مالی و پیش‌بینی جریان نقدی را برای آن‌ها دشوار می‌کند (تابوک، ۲۰۲۴: ۴۳).

با توجه به اینکه اکثر کشورها برای تغییر نگرش در الگوی مدیریت مالی خود به درک عمیقی دست‌یافته‌اند و در این راستا حرکت می‌کنند، بررسی پیامدهای اعمال اصلاحات این شیوه مدیریت، این پژوهش را توجیه می‌کند. نهادهای دولتی در کشور نیز اصلاحاتی ازجمله تغییر سیستم حسابداری از سیستم حسابداری نقدی به تعهدی در مؤسسات بخش دولتی را اعمال کرده‌اند و در حوزه حسابرسی عملیاتی نیز گام‌هایی برداشته شده‌اند، اما کشور همچنان در ابتدای اجرای منسجم این اصلاحات قرار دارد و امید است به‌مرورزمان، با مطالعه، شناخت و توجه به ماهیت آن صورت گیرد، گرچه حوزه مدیریت مالی یکی از حوزه‌هایی است که کمترین توجه محققان و اندیشمندان مدیریت ورزشی را به خود جلب کرده است و شاید به‌یقین بتوان گفت که در این زمینه بی‌توجهی شده است (گودرزی، ۲۰۱۷)، پژوهش در این زمینه با توجه به مباحث مطرح‌شده پیرامون مفهوم مدیریت مالی - اگر این مفهوم

¹ Faisal Salal

² Simion

³ Pavlík & Vaceková

⁴ Dastoom

به‌عنوان یک پدیده در نظر گرفته شود- به شناسایی پارامترهای توسعه آن به بهبود عملکرد مالی آن‌ها در طول زمان و اتخاذ تصمیمات مالی کمک می‌نماید.

بررسی تحقیقات انجام‌شده در فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی نشان می‌دهد که یکی از چالش‌های پیش روی مدیریت مالی فدراسیون‌ها و هیئت‌های ورزشی، استفاده از مدیران دولتی در پست‌های سازمانی و مالی است؛ به‌گونه‌ای که نگرش‌ها و رفتارهای نهادینه‌شده این مدیران شباهت دارد. و به‌جای ترکیب هر دو نقش تأمین مالی و تخصیص مالی، صرفاً بر وظیفه تخصیص تمرکز می‌کنند که این با اساس هیئت‌های ورزشی به‌عنوان سازمان‌های غیرانتفاعی و غیردولتی مغایرت دارد (کامیاب، سلطان‌حسینی و رحیمی، ۲۰۲۳). همچنین تجزیه و تحلیل تحقیقات نشان می‌دهد که مدیریت مالی در سازمان‌های ورزشی همواره با چالش‌هایی مانند بودجه‌ریزی، کنترل هزینه و تخصیص منابع مواجه بوده است. تحقیقاتی مانند زیتلو^۱ و همکاران (۲۰۱۸) و کیناریو^۲ (۲۰۱۸) نشان می‌دهند که ساختار مالی پیچیده این سازمان‌ها و همچنین پیش‌بینی‌های نادرست و هزینه‌های غیرمنتظره منجر به مشکلات جدی می‌شود. تحقیقات اخیر در حوزه مدیریت مالی در ورزش، به‌ویژه مطالعات گودرزی (۲۰۱۷) و غفوری یزدی و همکاران (۲۰۲۱) بر مشکلات و محدودیت‌های روش‌های سنتی مدیریت مالی در فدراسیون‌های ورزشی و سازمان‌های ورزشی حرفه‌ای ایران تأکید دارند. این تحقیقات نشان می‌دهند که روش‌های فعلی، با تکیه بر تحلیل‌های سطحی نمی‌توانند به‌طور مؤثر از فرصت‌های سرمایه‌گذاری حمایت کنند و در برخی موارد، منجر به بحران‌های مالی می‌شوند. بنابراین، محققان بر ضرورت اتخاذ رویکردهای نوین مانند ادغام هوش مصنوعی در مدیریت مالی برای بهبود کارایی و جلوگیری از مشکلات مالی در این حوزه تأکید دارند.

ظهور ماشین‌هایی که با هوش مصنوعی کار می‌کنند، دنیای قرن بیست و یکم را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. هوش مصنوعی با ابزارهای قدرتمند خود به ما کمک می‌کند تا آثار هنری، طرح‌های نوآورانه و محتوای متنوع تولید کنیم. با کمک هوش مصنوعی، شاهد تحول در فرآیندهای تحقیق و تحلیل هستیم و این فناوری راه را برای اختراع مجدد و نوآوری روش‌های سنتی هموار می‌کند. اکنون در طُلوع انقلابی هستیم که در آن هوش مصنوعی راه‌حل‌های نوآورانه‌ای را برای چالش‌های امروزی ارائه می‌دهد. با پیشرفت فناوری هوش مصنوعی، مدل‌های زبانی بزرگ هوش مصنوعی به ابزاری قدرتمند و انقلابی در صنایع مختلف تبدیل شده‌اند. این مدل‌ها با استفاده از یادگیری عمیق و پردازش زبان طبیعی، تحولی شگرف در فرآیندهای مدیریت و تصمیم‌گیری ایجاد کرده‌اند (الغیاری و احمد^۳، ۲۰۲۵: ۸) و می‌توانند متن‌های تولید کنند که از نظر ساختار و معنا شباهت زیادی به متون تولیدشده توسط انسان دارد (جیان^۴ و همکاران، ۲۰۲۵). با استفاده از هوش مصنوعی، روش‌های رایج تصمیم‌گیری امروزی می‌توانند دستخوش

¹ Zietlow

² Kinyariro

³ Algherairy & Ahmed

⁴ Jia

تغییرات اساسی شوند (کونگ^۱، ۲۰۲۵: ۷). همچنین می‌تواند به تجزیه و تحلیل دقیق‌تر و کارآمدتر فرآیندهای مالی کمک کند (ایشاکو^۲ و نادياسو^۳، ۲۰۱۹).

بنابراین نیاز به رویکردهای جدید مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و مدل‌های زبانی بزرگ برای توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی مطرح می‌شود تا هیئت‌های ورزشی بتوانند چهارچوبی ساختاریافته جهت توسعه فرآیندهای مدیریت مالی در مراحل مختلف به دست آورند (غفوری یزدی و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۵). هرچند ادبیات موجود در زمینه مدیریت مالی نشان‌دهنده تمرکز بر رویکردهای سنتی مانند بودجه‌بندی و نظارت بر هزینه‌ها است، اما اهمیت فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی مورد تأکید قرار گرفته شده است. تحقیقات موجود بیشتر بر تحلیل داده‌ها و کاهش خطاها متمرکز بوده‌اند (یوکی^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). لذا به نظر می‌رسد که مدل‌های زبانی هوش مصنوعی می‌تواند موجب توسعه الگوهای پیچیده مالی شود و ریسک تصمیمات و احتمال خطا را کاهش دهد (شین وی^۵ و همکاران، ۲۰۲۴). با این حال، یک نکته قابل توجه در این میان، غفلت از پتانسیل مدل‌های زبانی بزرگ در توسعه الگوهای مدیریت مالی در سازمان‌هاست. اگر مدل‌های زبانی در زمینه توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی مورد استفاده قرار گیرند، می‌تواند تحولی شگرف در این حیطه ایجاد نماید. بر همین اساس این پژوهش، به دنبال پر کردن این خلأ و ارائه یک الگوی نوآورانه مبتنی بر مدل‌های زبانی بزرگ است تا به توسعه فرآیندها و تصمیم‌گیری‌های مالی در هیئت‌های ورزشی کمک کند تا با ارائه راه‌حل‌های نوآورانه این حوزه بتوانند با موفقیت چالش‌های مالی خود را مدیریت نمایند.

در همین راستا تصمیم بر این شد که از این مدل‌های زبانی برای الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی استفاده شود. این رویکرد جایگزین روش‌های سنتی مصاحبه با طرح پرسش‌های پژوهشی با این مدل‌ها می‌شود، زیرا تحقیقات پیشین عمدتاً بر روش‌های سنتی مدیریت مالی تمرکز داشته‌اند و پتانسیل مدل‌های زبانی هوش مصنوعی در این زمینه کمتر در کشور مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش، باهدف توسعه در مدیریت مالی، الگوی جدیدی را پیشنهاد می‌کند که بر اساس مدل‌های زبانی هوش مصنوعی، به بهبود فرآیندهای مالی در سازمان‌های ورزشی کمک می‌نماید. در نتیجه، این مطالعه می‌تواند به غنای مباحث نظری در زمینه مدیریت مالی کمک کند و به عنوان منبعی ارزشمند برای تحقیقات آتی مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، هدف این پژوهش، ارائه یک الگو جامع و کارآمد مبتنی بر هوش مصنوعی است که مدیریت مالی هیئت‌های ورزشی را به سطحی جدید از کارایی ارتقا می‌دهد.

¹ Cong

² Ishaku

³ Nadiyasu

⁴ Yuqi

⁵ Xinwei

این مطالعه یک تحقیق کیفی است که هدف آن بررسی و توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی است. این پژوهش به شیوه‌ای اکتشافی و بنیادی صورت گرفته است و از رویکرد استقرایی برای کشف بینش‌های جدید استفاده می‌کند. پژوهش حاضر در پارادایم تفسیری قرار دارد و از راهبرد نظریه داده‌بنیاد با رویکرد ساخت‌گرا که توسط چارمز مطرح شده است، بهره می‌برد (یالونا^۱، ۲۰۱۹). از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این پژوهش، براساس پیشنهاد پارکر و همکاران (۲۰۲۳) ادغام مدل‌های زبانی در تحقیقات کیفی است و می‌تواند کارایی پژوهش‌ها را افزایش دهد و اتکای آن به مصاحبه با مدل‌های زبانی هوش مصنوعی به‌جای استفاده از کارشناسان و متخصصان سنتی است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با شش مدل زبانی هوش مصنوعی که زبان فارسی را پشتیبانی می‌کنند و شامل ChatGPT، Claude، Google Gemini، Command-R، Mistral و LLaMA هستند، جمع‌آوری شدند. این روش به دلیل توانایی این مدل‌ها در تحلیل و تفسیر حجم وسیعی از داده‌ها و تولید متون مشابه انسان، قابل قبول است (الزوبی^۲ و همکاران، ۲۰۲۴: ۱۲۷).

داده‌های این پژوهش از طریق نمونه‌گیری هدفمند با مدل‌های زبانی یادشده جمع‌آوری گردید. در مصاحبه‌ها از ChatGPT، Claude، Google Gemini و همچنین مدل‌های Mistral و LLaMA که به‌طور خاص برای تجزیه و تحلیل الگوهای پیچیده، تولید متن و ارائه بینش بر اساس داده‌های بزرگ زبانی طراحی شده‌اند و از مدل زبانی Command-R که قابلیت تفسیر داده‌ها را داراست، استفاده شد. همچنین این پژوهش در قلمر زمانی سال ۱۴۰۳ انجام گرفته است.

از هر شش مدل زبانی، سؤالات مشابهی در مورد الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی مطرح شد. براساس پیشنهاد دانجل و همکاران (۲۰۲۳) به‌منظور تجزیه و تحلیل الگوهای مربوط به موضوع و بررسی دقیق عوامل تأثیرگذار بر پاسخ‌ها از مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختارمند استفاده گردید. سؤالات در راستای اهداف تحقیق و مربوط به توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی از قبیل چگونه فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی می‌توانند الگوی مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی را توسعه دهند؟ چگونه می‌توان مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی را توسعه داد؟ چه کاربردهای مشخصی جهت توسعه در شناسایی، تحلیل هزینه‌ها و درآمدهای هیئت‌های ورزشی وجود دارد؟ چه کاربردهای مشخصی در پاسخ‌گویی هیئت‌های ورزشی به ذی‌نفعان وجود دارد؟ نقش منابع انسانی در توسعه مدیریت مالی هیئت‌های ورزشی چیست؟ همچنین، یک نمونه از پاسخ مدل‌های زبانی هوش مصنوعی در جدول ۱ ارائه شده است:

¹ Ylona

² AlZu'bi

جدول ۱: پاسخ مدل‌های زبانی هوش مصنوعی به یک سوال مشترک

مدل زبانی	نمونه سوال: چگونه فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی می‌توانند الگوی مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی را توسعه دهد؟
Chat GPT	فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی می‌توانند به شکل‌های گوناگون الگوی تکامل مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی را ارتقا دهند. این فناوری قادر است داده‌های مالی به‌روز را یکپارچه کرده، روندهای بازار را تحلیل کند و بینش‌های کاربردی که سیستم‌های سنتی اغلب از آن غفلت می‌کنند، ارائه دهد. با پیش‌بینی نوسانات جریان نقدینگی و بهینه‌سازی بودجه‌بندی، هوش مصنوعی به هیئت‌های ورزشی کمک می‌کند تا تصمیمات مالی مبتنی بر داده بگیرند و استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند به بهبود کارایی و شفافیت مالی در هیئت‌های ورزشی منجر شود و زمینه‌ساز موفقیت‌های بیشتر در عرصه‌های مختلف ورزشی شود.
Claude	فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی می‌توانند در ارتقای الگوی مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی نقش مهمی ایفا کنند. با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین و پردازش داده‌های بزرگ می‌توان الگوهای مالی، رفتار ذینفعان و عوامل مؤثر بر درآمدزایی را شناسایی کرد و بر این اساس برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بهتری انجام داد. با این حال، به‌کارگیری این فناوری‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی و مدیریت داده‌های باکیفیت است. همچنین باید به مسائل امنیتی، حریم خصوصی و اخلاقی توجه ویژه‌ای شود.
Google Gemini	فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی می‌توانند انقلابی در مدیریت مالی هیئت‌های ورزشی ایجاد نماید و الگوی تکامل آن را به‌طور چشمگیری ارتقاء دهند. هوش مصنوعی می‌تواند با پیش‌بینی دقیق‌تر درآمد و هزینه و ارائه گزارش‌دهی مالی خودکار و ابزارهای ممیزی لحظه‌ای، عملیات مالی را بهینه کند و هم‌زمان شناسایی و پیشگیری از تقلب و پاسخگویی خود را بهینه نمایند. پیاده‌سازی فناوری‌های هوش مصنوعی در هیئت‌های ورزشی با چالش‌هایی مانند هزینه‌های بالا، نیاز به تخصص فنی و نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی داده‌ها همراه است. باوجود این چالش‌ها، مزایای بالقوه هوش مصنوعی برای ارتقای مدیریت مالی هیئت‌های ورزشی بسیار زیاد است و انتظار می‌رود که این فناوری در آینده نقش پررنگ‌تری در این حوزه ایفا کند.
Mistral	هوش مصنوعی می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر مدیریت مالی هیئت‌های ورزشی داشته باشد. برخی از راه‌های اصلی که فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی می‌توانند الگوی تکامل مدیریت مالی در این حوزه همچون شناسایی الگوهای پنهان در داده‌های مالی، خودکارسازی وظایف تکراری حسابداری و گزارش‌دهی، مدل‌سازی سناریوهای مختلف مالی و ردیابی خودکار تراکنش‌های مشکوک را ارتقا دهند فناوری‌های پیشرفته هوش مصنوعی می‌توانند الگوی تکامل مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی را به طرق همچون پیش‌بینی مالی و برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و با سلامت مالی بلندمدت ارتقا دهند و می‌تواند بینش‌های مبتنی بر هوش مصنوعی همچنین به پایداری مالی و رشد بیشتر سازمان‌ها کمک می‌کند.
Command-R	الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند با شناسایی الگوهای غیرعادی در تراکنش‌های مالی، به تشخیص و پیشگیری از تقلب و سوء استفاده‌های مالی کمک کنند و با تحلیل داده‌های مالی و غیرمالی، به ارزیابی ریسک‌های مالی و عملیاتی هیئت‌های ورزشی کمک کند.

مصاحبه با این شش مدل زبانی تا حد اشباع نظری ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد ساخت‌گرایانه چارمز انجام شد که شامل چهار فرآیند کلیدی کدگذاری اولیه، کدگذاری متمرکز، کدگذاری محوری و کدگذاری نظری بود (ملوگتا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۲). در طی فرآیند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌ها ابتدا با استفاده از هوش مصنوعی تاک بات (کدگذاری اولیه، مرحله کشف رابطه، مرحله تجزیه و تحلیل رابطه، تفسیر رابطه و تحلیل رابطه کدها)، سپس به جهت تایید کدها، محققان کدهای استخراجی را بازکدگذاری نمودند. همچنین در طی جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل، یک رویکرد مقایسه‌ای مداوم به کار گرفته شد. این روش تکراری شامل بررسی و مقایسه مستمر داده‌ها و کدگذاری در تمام مراحل تحلیل بود. با پیشرفت کار، مفاهیم و نظریه‌های جدیدی شکل می‌گرفت و این روند به‌طور پیوسته به‌روزرسانی و اصلاح می‌شد (چوتن‌تای^۲، بیرکس^۳ و فرانسیس^۴، ۲۰۱۹: ۴). در فرآیند تحلیل، محققان با ثبت یادداشت‌های متعدد، به بررسی و توسعه طبقه‌بندی‌ها و مفاهیم پرداختند و ارتباطات پیچیده‌ای بین داده‌های مختلف برقرار کردند. این رویکرد تأملی، به شفاف‌سازی و تقویت پایه‌های نظری الگوی توسعه مدیریت مالی انجامید. همچنین سوالات تضمین کرد که تحقیق، همواره بر اساس داده‌های موجود پیش رود. پژوهشگران برای اطمینان از روایی و پایایی پژوهش‌های کیفی از راهبردهای ممیزی پژوهشی (اعتبار^۵، قابلیت اعتماد^۶، تأیید پذیری^۷ و انتقال‌پذیری^۸) در فرآیند پژوهش مدنظر استفاده نمودند (پوئرتا^۹ و گارسیا^{۱۰}، ۲۰۲۴). به جهت ممیزی اعتبار این پژوهش از تأیید دو داور مستقل بهره برد. این داوران، بدون منفعت شخصی، نظارت و مشاوره‌ای ارزشمند را در اختیار پژوهشگر قرار دادند. همچنین جهت قابلیت اعتماد آن راهکارهای از مصاحبه عمیق با مدل‌های زبانی هوش مصنوعی، نظرخواهی از کارشناسان ورزشی و تحلیل متون موجود در زمینه مدیریت مالی و هوش مصنوعی استفاده گردید تا تنوع در منابع داده به افزایش روایی کمک نماید و به جهت تأیید پذیری پژوهش پس از کدگذاری داده‌ها توسط سه متخصص، از روش توافق کدگذاران استفاده شد. نتایج نشان داد که ضریب پایایی کاپای کوهن^{۱۱} بین ارزیاب‌ها و پژوهشگر در مصاحبه‌ها ۰/۹ بود که بیانگر ۸۲ تا ۱۰۰ درصد اعتبار تحلیل کیفی (کارلتا^{۱۲}، ۱۹۹۶) می‌باشد. یک روش مهم دیگر، مثلث‌سازی با نظرات متخصصان بود. در این روش، نتایج حاصل از هوش مصنوعی با سناریوهای واقعی مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی مقایسه شد تا اطمینان حاصل شود که مدل‌ها با واقعیت‌های عملی همخوانی دارند- این مقایسه، اعتبار و قابلیت اعتماد مدل‌ها را تقویت کرد. علاوه بر این، مشاوره با مدیران و تحلیلگران مالی در صنعت ورزش، به تأیید و اعتبارسنجی بینش‌های حاصل از مدل‌های هوش مصنوعی

¹ Mulugeta

² Chun Tie

³ Birks

⁴ Chouten-Tay, Birks & Francis

⁵ Validity

⁶ Trustworthiness

⁷ Verifiability

⁸ Transferability

⁹ Puerta

¹⁰ García

¹¹ Cohen's Kappa Index

¹² Carletta

کمک نمود. این تعامل با متخصصان، به بهبود دقت و کارایی مدل‌ها و تضمین کاربرد عملی آن‌ها در دنیای واقعی انجامید. گفتنی است تمام پروتکل‌های اخلاقی مرتبط در طول مطالعه رعایت شد و همچنین شناسه اخلاق پژوهش برابر با IR.IAU.KHUISF.REC.1403.334 مصوب گردید تا از انطباق با کدهای اخلاقی لازم و دستورالعمل‌های مدیریت داده‌ها اطمینان حاصل شود. با توجه به استفاده نوآورانه از مدل‌های هوش مصنوعی به عنوان منابع اصلی داده، گروه پژوهشی اطمینان حاصل کرد که خروجی‌های هوش مصنوعی به صورت متقابل بررسی و با شیوه‌های مالی واقعی هم‌راستا هستند.

یافته‌های پژوهش

مصاحبه‌ها با استفاده از رویکرد ساخت‌گرای نظریه داده‌بنیاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یک نمونه از روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در جدول ۲ آورده شده است:

جدول ۲: کدگذاری در رویکرد ساخت‌گرا

کدگذاری ناک بات	ضریب همبستگی	کدگذاری اولیه	کدگذاری متمرکز شده	کدگذاری محوری
"یکی از چالش‌های اصلی ما در توسعه و بهبود مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی این است که برنامه‌ریزی بودجه‌بندی بر مبنای منطقی انجام نمی‌شود. گاهی اوقات به دلیل نبود تحلیل‌های دقیق، بودجه‌ریزی به درستی تخصیص نمی‌یابد و به همین دلیل مجبور به تغییر مداوم برنامه‌های مالی می‌شویم. این مسئله باعث کاهش کارایی در تصمیم‌گیری‌های مالی می‌شود."		-ضعف بودجه‌بندی -تخصیص نادرست منابع -تغییر مداوم برنامه‌های مالی -کاهش کارایی مالی	-الگوی بودجه‌ریزی -تأثیر برنامه‌ریزی ناکارآمد بر تصمیم‌گیری‌های مالی	-
"بسیاری از سازمان‌ها به دنبال بهبود جریان نقدی،	0.8 0.7	-ادغام هوش مصنوعی	-بهبود اثربخشی کسب و کار هیئت	- سیستم مدیریت

کاهش خطرات و	-پیش بینی	0.9	-پیش بینی دقیق مالی	-کاهش مستقیم و	فرآیندهای
دسترسی به اهداف	دقیق مالی		مالی	غیرمستقیم هزینه ها	اساسی و
سازمانی خود،	-کاهش خطا		-کاهش خطا و	-نیاز به سیستم	یکپارچگی
اپلیکیشن های مبتنی بر	و هزینه		هزینه	مدیریت فرآیندهای	اطلاعات
هوش مصنوعی را در			-کاهش مستقیم و	اساسی	
سیستم های ERP ^۱ خود			غیرمستقیم هزینه ها		
ادغام می کنند. با ادغام			- نیاز به سیستم		
هوش مصنوعی در			مدیریت		
سیستم های ERP،			فرآیندهای اساسی		
سازمان ها قادر خواهند					
بود به طور دقیق تری					
پیش بینی کنند و بهترین					
تصمیمات را بگیرند					
استفاده از هوش					
مصنوعی، این سیستم ها					
قادر به تصحیح خطاهای					
احتمالی هستند و به					
کاهش خطرات و					
هزینه های مرتبط با					
عملیات کسب و کار کمک					
می کنند"					

بر اساس ماهیت غیرخطی تحقیق کیفی، فرآیند کدگذاری چندین بار تکرار شد و در نهایت طبقات و مقوله های کامل و جامعی ایجاد شد. ابتدا با استفاده از هوش مصنوعی تاک بات ۲۲۰ کد از جملات استخراج گردید و پس از تکرار کدگذاری توسط پژوهشگران از مصاحبه های اجرا شده و حذف موارد تکراری و نامرتبط، ۲۴۰ مقوله اولیه شناسایی شد. سپس طی کدگذاری متمرکز، ۲۸ کد به دست آمد و در نهایت به عنوان ۱۰ کد محوری طبق جدول ۳ ارائه شده است:

¹ Enterprise resource planning

جدول ۳: کدگذاری و شکل‌گیری محورهای اصلی

کدگذاری محوری	کدگذاری متمرکز شده	کدگذاری اولیه	مصنوعی
		- شفافیت گزارش‌های مالی ماهانه -اطلاعات آنلاین مالی -خطاهای سیستم حسابداری -کنترل گزارش‌دهی نادرست -گزارش‌های مالی دقیق دوره‌ای -دسترسی دیجیتالی به اطلاعات مالی - کنترل خطاهای مالی در حسابرسی -استفاده از حسابداری تعهدی -بازرسی‌ها و حسابرسی‌های دوره‌ای	ChatGPT Claude Google Gemini GPT-4 Claude
سلامت مالی و پاسخ‌گویی	-افزایش نظارت مالی	-ردیابی تراکنش‌های مالی -چک‌لیست‌های مالی - اجرای حسابرسی مستقل -رعایت استانداردهای حسابداری بخش عمومی گزارش‌های شفاف بین اداره مالیات، کار و ذی‌حساب‌ها -تطبیق بودجه با سرفصل‌های بودجه‌بندی - استانداردسازی گزارشگری درون‌سازمانی - ویژگی‌های هیئت مدیره -نرم‌افزارهای حسابداری مورد تأیید ارگان‌های مختلف از جمله اداره مالیات،	GPT-4 Claude LLaMA
بهبود افشا در گزارش‌دهی مالی	-ابزارهای نظارتی آنلاین	کار و ذی‌حساب‌ها -استفاده از پنل‌های نظارت آنلاین بر تراکنش‌ها -مدیریت مخاطرات از طریق اسناد قانونی شفاف‌سازی	GPT-4

	-گزارش عملکرد روزانه و ماهانه	Claude GPT-4	-گزارش های حسابرسی داخلی -تحلیل عملکرد مالی هیئت ها مطابق با فصول بودجه	-گزارش های عملکرد مالی
	-مدیریت جریان های ورودی و خروجی مالی	GPT-4 Mistral Command-R	-رهگیری دقیق هزینه ها -ترازنامه های مالی -بررسی جریان نقدینگی	-بهبود سیستم های گزارش دهی
	-گزارش دهی مالی ماهانه -تحلیل دقیق تر سیستم های حسابداری -پیاپی سازی نرم افزارهای حسابداری -استفاده از روش های بین المللی تعهدی	Claude GPT-4	-استانداردهای جدید گزارش دهی -ارائه گزارش های مالی به هیئت رئیسه و ذینفعان	-استانداردسازی روش های حسابداری
	-پیوند سیستم های حسابداری با سیستم های مدیریت مالی -ادغام سیستم های گزارش دهی -بودجه بندی بهینه عملیاتی	ChatGPT LLaMA	- شکل دهی چارچوب و ردیف های ساختاری بودجه عملیاتی -تحلیل نیازهای مالی مبنی بر بودجه بندی عملیاتی	-یکپارچه سازی سیستم های گزارش دهی
برنامه ریزی بودجه عملیاتی	-تخصیص منابع با اولویت بندی بودجه -پیش بینی درآمدهای سال مالی هیئت -تخمین هزینه ها	ChatGPT LLaMA	- تعیین مرجع و معیار برای اولویت های هزینه ای سازمان -تغییرات بالقوه در بودجه	-تخصیص بودجه کارآمد
		ChatGPT Mistral		-پیش بینی مالی

تحلیل داده‌های مالی	بودجه‌ریزی پروژه‌ها	-تقسیم بودجه پروژه	GPT-4 Claude Google Gemini
		-تحلیل میزان مصرف	
		-پیگیری پیشرفت مالی پروژه	
	تخمین هزینه‌ها	-تحلیل هزینه‌های ثابت و متغیر	GPT-4 Claude
		-مدیریت هزینه‌های غیرقابل پیش‌بینی	
		-تحلیل درآمد سالانه با مبنای تعهدی	
		-تحلیل هزینه‌های ماهانه با مبنای تعهدی	
		-تحلیل نوسانات درآمد با مبنای تعهدی	
	روندهای مالی	-بررسی درآمدهای سالانه با مبنای تعهدی	ChatGPT Claude Mistral Command-R
		-ارزیابی هزینه‌های دوره‌ای با مبنای تعهدی	
		-بررسی تغییرات درآمدی	
مدیریت ریسک‌های مالی	با مبنای تعهدی	-الگوریتم‌های داده‌کاوی	GPT-4 Google Gemini
		-مدل‌سازی مالی	
		-تحلیل الگوهای مالی	
		-تحلیل ترانزنامه‌ها	
		-تحلیل صورت‌های سود و زیان	
	تجزیه و تحلیل دقیق صورت‌های مالی	-تحلیل جریان نقدینگی	Claude ChatGPT LLaMA
		-تحلیل ریسک‌ها	GPT-4 Claude Google Gemini Command-R
		-شناسایی نوسانات بازار	
		-ارزیابی بحران‌های بالقوه	
		-تدوین برنامه‌های مقابله	GPT-4 Gemini LLaMA
سناریوهای مالی	کاهش ریسک	-برنامه‌های بیمه مالی	
		-تحلیل سرمایه‌گذاری‌های پرخطر	
		-پیش‌بینی رویدادهای بحرانی	
		-ارزیابی سناریوهای مختلف درآمدی	ChatGPT Claude Command-R
		-سنجش اثرات بحران‌های مالی	
	سناریوهای مالی	-پیش‌بینی شرایط اضطراری مالی	
		-تحلیل سناریوهای احتمالی درآمد	

مدیریت جریان وجوه	مدیریت	-مدیریت جریان ورودی و خروجی	ChatGPT
	نقدینگی	-تحلیل چرخه‌های نقدی	
	جریان وجوه	-پیش‌بینی جریان‌های مالی آینده	
نقد	بهبود	-مدیریت نقدینگی اضافی	GPT-4 Claude Google Gemini
	نقدینگی	-پیش‌بینی کسری‌های نقدی	
	بهبود	-برنامه‌ریزی برای تأمین نقدینگی	
مدیریت هزینه‌ها و	کاهش	-تحلیل هزینه‌های اضافی	GPT-4 Claude
	هزینه‌های	-کاهش هزینه‌های عملیاتی	
	غیرضروری	-بهبودسازی هزینه‌های غیرضروری	
بهبود فرآیندها	تخصیص منابع	-بهبودسازی منابع موجود	ChatGPT Claude Mistral
	کارآمد	-مدیریت صحیح تخصیص منابع انسانی و مالی	
	تخصیص	-بکارگیری افراد متخصص در	
سرمایه انسانی	کارکنان امور مالی	خزانه‌داری	ChatGPT Claude Command-R
	مالی	-تجربه‌مندی کارکنان	
	سرمایه	-آموزش	
سرمایه‌گذاری و حامیان مالی	ساختار مالی	-انطباق مجریان واحد مالی با قوانین	Command-R
	شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری	-رصد مداوم شرایط مالی در حسابرسی داخلی	
	شناسایی	-احراز شرایط پسا مدیریت مالی	
سرمایه‌گذاری و حامیان مالی	فرصت‌های سرمایه‌گذاری	-تحلیل بازارهای بالقوه	GPT-4
	سرمایه‌گذاری	-بررسی سرمایه‌گذاری‌های مالی با ریسک کمتر	
	سرمایه‌گذاری	-شناسایی حامیان مالی	
سرمایه‌گذاری و حامیان مالی	تأمین منابع مالی جدید	-تحلیل فرصت‌های تأمین مالی	Claude ChatGPT Google Gemini Command-R
	تأمین منابع مالی جدید	-جذب منابع از طریق سرمایه‌گذاری	
	تأمین منابع مالی جدید	-تأمین مالی با راهبردهای مبتنی بر امکان	
سرمایه‌گذاری و حامیان مالی	تأمین منابع مالی جدید	-تأمین مالی با راهبردهای مبتنی بر مشارکت	Claude ChatGPT Google Gemini Command-R
	تأمین منابع مالی جدید	-تأمین مالی با راهبردهای مبتنی بر مشارکت	
	تأمین منابع مالی جدید	-تأمین مالی با راهبردهای مبتنی بر مشارکت	

استفاده از فناوری های پیشرفته مالی بر بستر بلاک چین	-پیاده سازی فناوری های جدید	-استفاده از هوش مصنوعی در تحلیل های مالی -پیاده سازی نرم افزارهای جدید تحلیل داده های مالی -بهره گیری از الگوریتم های هوش مصنوعی برای تحلیل مالی -استفاده از سیستم های پیشرفته تحلیل داده های مالی - پیاده سازی ابزارهای خودکار تحلیل مالی -فناوری بلاکچین ها در حوزه مالی - تحلیل مالی سامانمند	ChatGPT Mistral LLaMA
		-بهینه سازی فرآیندهای مالی با فناوری	
		-بهینه سازی فرآیندهای مالی با فناوری	GPT-4 Claude LLaMA

پس از واکاوی در مقوله های مربوط به الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت های ورزشی، ۱۰ محور اصلی شناسایی گردید. محورها به صورت زنجیره ای و به هم پیوسته هستند و هر محور به تقویت محورهای دیگر کمک می کند. سلامت مالی و پاسخ گویی به عنوان اولین گام، بستری ایجاد می کند که تمامی اطلاعات مالی به طور دقیق و منظم ثبت و گزارش شوند. سپس بهبود افشا در گزارش دهی مالی به هیئت ها امکان می دهد تا این اطلاعات را مدیریت و از صحت آن ها اطمینان حاصل کنند. برنامه ریزی بودجه عملیاتی به هیئت های ورزشی کمک می کند تا منابع خود را به صورت راهبردی تخصیص دهند و تحلیل داده های مالی با مبنای تعهدی نتایج حاصل از این بودجه بندی بر مبنای تعهدی بودن آن ارزیابی می کند. مدیریت ریسک های مالی به عنوان عنصری حیاتی، ریسک های احتمالی را شناسایی و مدیریت می کند. مدیریت جریان وجوه نقد می تواند به بهبود عملکرد در هیئت های ورزشی کمک شایانی نماید و مدیریت هزینه ها و بهبود فرآیندها را به صورت دقیق و استاندارد ارائه کند. پس در کنار آن، سرمایه انسانی در سیستم شکوفا می گردد و باعث ایجاد سرمایه گذاری و تأمین منابع مالی برای هیئت های ورزشی می شود. استفاده از فناوری های پیشرفته مانند هوش مصنوعی بر بستر بلاک چین می تواند ره گیری همه درآمدها و هزینه ها را در بلوک های بلاک چین انجام دهد و مدل های زبانی بزرگ به تحلیل دقیق تر داده ها، پیش بینی های بهتر و تصمیم گیری های مالی هوشمندانه کمک کند. در نهایت، تفاوت در رویکردهای مالی هیئت های ورزشی (همگانی و قهرمانی) به این هیئت ها امکان می دهد تا الگوی توسعه مدیریت مالی خود را تنظیم و بهینه سازی کنند. شکل ۱، الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت های ورزشی مبتنی بر مدل های زبانی هوش مصنوعی را نشان می دهد:



شکل ۱: الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت های ورزشی با به کارگیری مدل های زبانی هوش مصنوعی

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش، توسعه مدیریت مالی در هیئت های ورزشی با بکارگیری مدل های زبانی هوش مصنوعی بود. مدیریت مالی یکی از چالش های اساسی برای حفظ ثبات و رشد بلندمدت هیئت های ورزشی است. با توجه به نوسانات مالی و محدودیت منابع، این نوع سازمان های ورزشی نیازمند مدل مؤثر و به روز برای مدیریت مالی خود هستند، زیرا در صورت عدم تهیه صورت های مالی بر اساس فعالیت های مالی موجب ارائه گزارش نامناسب به ذی نفعان خواهند شد (فیصل صلال و همکاران، ۲۰۱۹). استفاده از فناوری های پیشرفته، از جمله هوش مصنوعی و مدل های زبان می تواند به بهبود شفافیت، دقت برنامه ریزی بودجه و مدیریت ریسک مالی کمک کند. در این تحقیق تلاش شد تا بر اساس تحلیل داده های هوش مصنوعی، الگوی توسعه مدیریت مالی هیئت های ورزشی طراحی شود تا بتواند به چالش های مالی هیئت های ورزشی به طور مؤثر پاسخ دهد.

پس از بررسی و تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده، ۱۰ محور اصلی در الگوی توسعه مدیریت مالی هیئت های ورزشی شناسایی شد. هر یک از این محورها به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر عملکرد مالی هیئت های ورزشی تأثیر می گذارند. این حوزه ها شامل سلامت مالی و پاسخگویی، بهبود افشا در گزارش های مالی، برنامه ریزی بودجه عملیاتی، تجزیه و تحلیل داده های مالی با استفاده از روش حسابداری تعهدی، مدیریت ریسک مالی، مدیریت جریان نقدینگی، مدیریت هزینه و بهبود فرآیند، سرمایه انسانی، سرمایه گذاری و پشتیبان ها می باشد. همچنین استفاده از فناوری های مالی پیشرفته مبتنی بر بلاک چین و رویکرد مالی هیئت های ورزشی به توسعه فرآیندهای مالی، افزایش کارایی و بهره وری آن ها کمک می نماید. در ادامه این محورها مورد بررسی و تبیین قرار گرفته و پیشنهادها عملیاتی ارائه خواهد گردید.

سلامت مالی به عنوان اولین و اساسی ترین گام هر مدل مدیریتی، بستر لازم را برای جمع آوری، گزارش دهی و تجزیه و تحلیل دقیق اطلاعات مالی فراهم می کند. همان گونه که مدل زبانی ChatGPT اشاره داشت: «سلامت مالی به عنوان یک مولفه کلیدی در مدل های مدیریتی به شمار می آید و به هیئت ها این امکان را می دهد که به طور

مؤثر اطلاعات مالی را جمع‌آوری، گزارش‌دهی و تحلیل کنند». ظهیر و همکاران (۲۰۲۴) اشاره داشتند که سلامت مالی نیاز به تجزیه و تحلیل سامانمند اطلاعات دارد.

شفافیت مالی در هیئت‌های ورزشی، نه تنها به افزایش اعتماد ذی‌نفعان و حامیان مالی کمک می‌کند، بلکه قدرت پاسخگویی به حساب‌رسان، بازرسان ادارات کار و امور مالیاتی را افزایش می‌دهد و امکان نظارت بر جریان‌های مالی دقیق را فراهم می‌نماید. همان گونه که مدل زبانی Gemini نشان داد: «شفافیت مالی در هیئت‌های ورزشی برای تقویت اعتماد میان ذی‌نفعان و حامیان مالی و همچنین تضمین پاسخگویی در مدیریت مالی اهمیت دارد. این شفافیت موجب افزایش اعتماد ذی‌نفعان می‌شود». لذا پیشنهاد می‌گردد با بکارگیری مشاوران حوزه مالیاتی و ایجاد امکان نظارت مؤثر بر جریان‌های مالی و رعایت مقررات مربوطه این مقوله تقویت گردد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی بسیاری از هیئت‌های ورزشی، فقدان گزارشگری مالی صحیح است که منجر به تصمیم‌گیری‌های ضعیف می‌شود. همان‌طور که ژانگ و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند سلامت مالی می‌تواند از خطاهای مالی و فساد جلوگیری کند و عاملی کلیدی در ارتقای کارایی مالی سازمان‌های ورزشی است (گودرزی، ۱۳۹۶). مدل زبانی Command-R نیز بیان کرد: «کیفیت پایین گزارشگری مالی می‌تواند منجر به عدم پاسخگویی و سوء مدیریت شود که در نهایت فساد را تقویت می‌کند». لذا پیشنهاد می‌گردد مدیران و خزانه‌داران هیئت‌های ورزشی با آشنایی و بروزرسانی سیستم‌های حسابداری در هیئت‌های ورزشی مبتنی بر هوش مصنوعی - از جمله استفاده از نرم‌افزار فین تک که اخیراً در برخی هیئت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است - به بهبود کیفیت گزارشگری مالی دست یابند.

بهبود افشای اطلاعات مالی به‌طور مستقیم با شفافیت مالی مرتبط است و تضمین می‌کند که اطلاعات جمع‌آوری‌شده به‌درستی و دقیق تجزیه و تحلیل می‌شود. این بخش به هیئت‌ها کمک می‌کند تا از صحت داده‌ها اطمینان حاصل نمایند و هرگونه ناهنجاری را شناسایی و اصلاح کنند. بدون یک سیستم نظارتی کارآمد، حتی دقیق‌ترین اطلاعات مالی را می‌توان به اشتباه تفسیر کرد و تصمیمات ضعیفی گرفت. همان گونه که مدل زبانی Mistral اشاره داشت: «تقویت افشای اطلاعات مالی برای افزایش شفافیت مالی و تضمین تحلیل دقیق داده‌ها امری ضروری است. سیستم‌های نظارتی کارآمد به تفسیر درست داده‌های مالی کمک می‌کنند و از بروز تصمیم‌گیری‌های نادرست جلوگیری می‌نمایند». برای بهبود نظارت و کنترل مالی می‌توان نرم‌افزار حسابداری و مالی پیشرفته‌ای را پیاده‌سازی کرد که در صورت مشاهده ناهنجاری‌ها هشدار دهد. همان‌طور که الزوبی و همکاران (۲۰۲۴) اشاره کردند نظارت مؤثر و پیشگیرانه می‌تواند از بسیاری از بحران‌های مالی جلوگیری کند.

معمولاً بودجه‌بندی عملیاتی یک هیئت ورزشی برای یک دوره زمانی مشخص معمولاً یک‌ساله، برنامه‌ریزی، تعیین و کنترل می‌شود و به هیئت‌ها کمک می‌کند تا منابع مالی خود را به‌طور بهینه تخصیص دهند و از اتلاف منابع

جلوگیری کنند. برنامه‌ریزی مالی دقیق می‌تواند به کاهش هزینه‌های غیرضروری و افزایش کارایی مالی هیئت‌های ورزشی کمک کند. مدل زبانی Gemini اذعان کرد: «شیوه‌های بودجه‌بندی موثر و مدیریت هزینه به سازمان‌ها اجازه می‌دهد منابع مالی خود را با اهداف راهبردی هماهنگ کنند و در نهایت منجر به بهبود عملکرد عملیاتی شود». در سازمان‌های ورزشی که اغلب با محدودیت منابع مواجه هستند، مدیریت خوب بودجه می‌تواند ضامن بقا و موفقیت بلندمدت باشد. استفاده از فناوری‌های جدید از جمله هوش مصنوعی می‌تواند به پیش‌بینی دقیق‌تر بودجه و تخصیص بهینه منابع کمک کند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۴). به هیئت‌ها پیشنهاد می‌شود از ابزارهای پیشرفته پیش‌بینی مالی از جمله نرم‌افزارهای تخصصی مالی مانند SAP، Oracle استفاده کنند تا بتوانند منابع مالی خود را با دقت بیشتری تخصیص دهند. علاوه بر این، تدوین بودجه‌بندی مبتنی بر عملیات سیاست‌های مالی بلندمدت امکان تعدیل در مواقع بحران پیدا می‌کند.

تجزیه و تحلیل داده‌های مالی با استفاده از روش تعهدی یکی از الزامات مهم در همه کشورهای جهان و یکی از استانداردهای حسابداری بین‌المللی است، زیرا درآمدها در زمان تحقق و هزینه‌ها در زمان تعهد یا ایجاد آن‌ها شناسایی و در دفاتر ثبت می‌شوند (رضائیان‌جوئیباری، ۲۰۲۲). این مبنا از اصل تطبیق هزینه با درآمد پشتیبانی می‌کند که با توجه به اصل تطبیق درآمد و هزینه‌های مربوط به یک رویداد مالی باید در همان دوره وقوع ثبت و گزارش شود. Command-R بیان نمود: «انطباق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) می‌تواند به افزایش کیفیت گزارشگری مالی در ایران منجر گردد». با انجام این کار می‌توان سود و زیان کامل یک رویداد مالی را در طول سال مالی گزارش کرد. این به هیئت‌ها ورزشی اجازه می‌دهد تا عملکرد مالی خود را در دوره‌های مختلف ارزیابی و کمبودهای موجود را شناسایی کنند. در نتیجه تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس داده‌های دقیق، به‌روز می‌شود. برای عملیاتی کردن این حوزه پیشنهاد می‌شود که مدیران هیئت‌های ورزشی با استفاده از نرم‌افزار حسابداری چارگون داده‌های مالی خود را جمع‌آوری کنند و از این طریق داده‌های مالی را تحلیل نمایند. علاوه بر این، ایجاد گروه‌هایی از کارشناسان تحلیل مالی می‌تواند دقت تحلیل‌ها را افزایش دهد و تصمیمات مالی را بهبود بخشد.

مدیریت ریسک مالی یکی از مهم‌ترین عوامل پیشگیری از بحران‌های مالی و نشان‌دهنده حرکت شرکت‌ها به سمت ساختار بهینه سرمایه است (رستمی، مهرآور و کارگر، ۲۰۲۱). هیئت‌های ورزشی به دلیل اتکا به منابع مالی محدود و نوسانات درآمدی ناشی از رویدادهای ورزشی و اردوهای آموزشی همواره در معرض خطرات مالی قرار دارند. همان‌گونه که مدل زبانی Claude ارائه کرد: «ورزش در ایران با توجه به کمبود منابع مالی و نوسانات درآمدی، با چالش‌های مالی قابل توجهی مواجه است». یک برنامه جامع مدیریت ریسک می‌تواند شامل شناسایی ریسک‌های بالقوه، ارزیابی آن‌ها و توسعه راهبردهای کاهش ریسک باشد و به هیئت‌ها پیشنهاد می‌شود از ابزارهای تحلیل سناریو و شبیه‌سازی برای شناسایی و مدیریت ریسک‌های مالی همچون نرم‌افزارهای IMS استفاده کنند. علاوه

بر این، همان‌طور که رحمانی و همکاران (۲۰۲۲) پیشنهاد نموده‌اند توسعه برنامه‌های بیمه مالی برای رویدادهای ورزشی و آموزش و ایجاد صندوق‌های اضطراری می‌تواند به کاهش اثرات بحران‌های مالی کمک کند.

مدیریت سطح وجه نقد همواره یکی از پیچیده‌ترین و دشوارترین تصمیمات مدیریت در سطح شرکت و به تبع آن در سطح کل اقتصاد است (کرمی و همکاران، ۲۰۲۱). مدیریت جریان نقدی به هیئت‌ها این امکان را می‌دهد که ورودی و خروجی‌های نقدی خود را به‌دقت کنترل و از کسری نقدینگی جلوگیری کنند. همان‌گونه که مدل زبانی LLaMA اذعان کرد: «مدیریت جریان نقدی به هیئت‌ها این امکان را می‌دهد که خطرات مرتبط با جریان‌های نقدی را کاهش دهند و از طریق استفاده از بدهی، تأمین مالی لازم را فراهم کنند». یکی از چالش‌های هیئت‌های ورزشی مدیریت جریان نقدینگی می‌باشد به‌ویژه در دوره‌هایی که درآمدها در نوسان است. پیشنهاد می‌شود که هیئت‌ها برنامه‌های مالی دقیقی برای مدیریت جریان نقدی داشته باشند و از ابزارهای پیش‌بینی نقدینگی برای جلوگیری از کمبود نقدینگی استفاده کنند. علاوه بر این، بنا به پیشنهاد تابوک (۲۰۲۱) ایجاد یک برنامه ذخیره نقدی می‌تواند به مدیریت بهتر نقدینگی کمک کند. این سیستم‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند با سایر سیستم‌های مالی ادغام شوند و گزارش‌های دقیق و قابل‌اعتماد تولید کنند. به هیئت‌ها پیشنهاد می‌شود از نرم‌افزار حسابداری پیشرفته و یکپارچه همچون سرویس مدیریت تنخواه‌داری و هزینه‌های شرکت و پروژه استفاده کنند که امکان یکپارچگی با سایر سیستم‌های مالی را فراهم می‌کند.

سرمایه انسانی با توجه به تغییرات قابل‌توجه در محیط‌های سازمانی اجتماعی و تشدید رقابت در دنیای امروز، اهمیت زیادی دارد و سازمان‌ها فراتر از جذب نیرو، ملزم به حفظ و توسعه افراد برای هدایت به سوی فرآیندهای فعلی و آینده خود هستند (خسروی، ۲۰۲۳). مدیران به دنبال سرمایه‌های جدید با عنوان «سرمایه انسانی» هستند. به جرأت می‌توان گفت سرمایه انسانی عاملی است که بیش از هر عامل دیگری بر رشد و بقای یک سازمان تأثیر می‌گذارد. همان‌گونه که مدل زبانی Claude بیان نمود: «تحقیقات نشان می‌دهد که سرمایه انسانی به‌طور مثبت بر عملکرد مالی هیئت‌های ورزشی از طریق ارتقای نوآوری و بهبود عملکرد عملیاتی تأثیرگذار است». بنابراین، در توسعه مدیریت مالی، سرمایه انسانی یک نگرش اقتصادی است و افراد سرمایه‌گذاران اجتماعی قلمداد می‌گردد که با تحصیل، کسب مهارت و تجربه حرفه‌ای، صاحب دانش و توانایی‌هایی می‌شوند و قادر به ایجاد ارزش‌افزوده، ابتکار و نوآوری هستند (طاهری، اجدادی، ۲۰۲۴). علاوه بر این، پیشنهاد می‌گردد هیئت‌های ورزشی دوره‌های آموزشی برای کارکنان بخش مالی با کمک ادارات ورزش و جوانان، سازمان بازرسی و ادارات مالیاتی برگزار نمایند تا موجب تقویت مهارت‌های نظارتی و حسابرسی آن‌ها شوند و اثرات مثبتی بر توسعه عملکرد مالی هیئت‌ها داشته باشند.

وظیفه تأمین منابع مالی و سرمایه لازم برای اجرای برنامه‌های تدوین‌شده در چارچوب مدیریت مالی دولت، استفاده از خزانه عمومی بر اساس ردیف‌های مصوب و فرآیند بودجه است (کامیاب، سلطان حسینی و رحیمی،

۲۰۲۳). همان گونه که مدل زبانی Claude ارائه داد: «بودجه‌بندی به عنوان ابزاری اساسی برای برنامه‌ریزی عملیاتی، تاکتیکی و راهبردی در سازمان‌های ورزشی عمل می‌کند». در هیئت‌های ورزشی بنا به ثبت آن‌ها به عنوان شرکت‌های بخش خصوصی دارای محدودیت بخصوص منابع مالی هستند و در شرایط اقتصادی فعلی، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای رشد و توسعه هیئت‌های ورزشی تامین منابع مالی است. مدیران هیئت‌های ورزشی با توجه به استثنای قانونی در مورد عقد قرارداد هیئت‌های ورزشی با حامیان مالی می‌توانند از مبلغ دریافتی حامیان مالی بدون بار مالیاتی استفاده کنند. بنابراین هیئت‌ها باید بتوانند فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناسب را شناسایی و منابع مالی جدید جذب کنند. همچنین فرصت‌های سرمایه‌گذاری را به‌طور مرتب بررسی نمایند و با جذب سرمایه‌گذار و حامی، منابع مالی خود را افزایش دهند. علاوه بر این، تدوین راهبردهای تامین مالی از طریق روش‌های مختلف مانند برگزاری رویدادها، حمایت مالی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت می‌تواند مؤثر باشد.

استفاده از فناوری‌های مالی پیشرفته از جمله هوش مصنوعی و تجزیه و تحلیل داده‌های بزرگ نقش مهمی در بهبود فرآیندهای مالی هیئت‌های ورزشی دارد. این فناوری‌ها کمک می‌کند تا داده‌های مالی خود را با دقت بیشتری تجزیه و تحلیل کنند و تصمیمات بهینه‌تری بگیرند. همان گونه که مدل زبانی Command-R اشاره نمود: «تحولات جدید در فناوری‌های تحلیل داده‌ها امکان تصمیم‌گیری مؤثرتر و پیش‌بینی‌های دقیق‌تر را در حوزه‌های گوناگون فراهم می‌کند». همان‌طور که ژانگ و همکاران (۲۰۲۵) اشاره کردند استفاده از فناوری‌های جدید در تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های بهتر و پیش‌بینی‌های دقیق‌تر شود. یکی از مهم‌ترین فناوری‌های موجود در کشورهای بزرگ، فناوری بلاک‌چین است که از فناوری‌های غیرمتمرکز و رمزنگاری برای ذخیره تاریخچه تمام تراکنش‌های دارای‌ها در یک دفتر کل استفاده می‌کند و قابل حذف یا تغییر نیست و در یک بلوک جدید اطلاعات تاریخچه تغییرات ثبت می‌گردد. به همین منظور به هیئت‌ها پیشنهاد می‌شود از نرم‌افزار هوش مصنوعی مانند Tableau و ابزارهای تجزیه و تحلیل کلان داده برای بهینه‌سازی فرآیندهای مالی آن‌ها استفاده نمایند و همچنین آماده‌سازی لازم را برای ورود به دنیای فناوری بلاک‌چین فراهم نمایند.

یکی از نکات مهم الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی، تفاوت رویکردهای مالی هیئت‌های ورزشی با سایر سازمان‌های ورزشی است. در این نوع سازمان‌ها، ورزش به سطوح همگانی و قهرمانی تقسیم می‌شود و هر سطح نیازها و ساختارهای مالی خاص خود را دارد. این الگو باید به گونه‌ای تطبیق داده شود که به‌طور خاص شرایط مالی خاص هر سطح ورزشی را در نظر بگیرد. ورزش همگانی با چالش‌ها و نیازهای مالی متفاوتی نسبت به ورزش قهرمانی مواجه می‌باشد و این تفاوت‌ها باید در برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای مالی در نظر گرفته شوند. در ورزش قهرمانی، هیئت‌ها به الگوهای مالی پیشرفته‌تر و پیچیده‌تری نیاز دارند، زیرا منابع مالی بیشتری را مدیریت می‌کنند و باید به برنامه‌ریزی بودجه، مدیریت ریسک و استفاده از فناوری‌های پیشرفته توجه بیشتری داشته باشند تا بتوانند در محیط رقابتی ورزش‌های قهرمانی سطح بالا موفق شوند. بنابراین، هدف اصلی این الگو، نشان دادن این نکته است که

الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی با سایر سازمان‌های ورزشی، با توجه به نوع و سطح ورزش متفاوت است. پیشنهاد می‌شود که هیئت‌های ورزشی با توجه به سطح فعالیت خود، راهبردهای مالی متناسب و ویژه‌ای تدوین کنند و در هر سطح، سیاست‌های مالی خاصی برای بهبود کارایی و جذب منابع به کار گرفته شود. همچنین، استفاده از مدل‌های فناوری می‌تواند به بهینه‌سازی منابع مالی و افزایش کارایی در هر یک از این سطوح کمک کند. الگوی توسعه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی، چارچوب جامعی برای بهبود فرآیندهای مالی سازمان‌ها ارائه می‌دهد. این الگو با تمرکز بر شفافیت مالی، نظارت و کنترل، برنامه‌ریزی بودجه عملیاتی، مدیریت ریسک‌ها و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، به سازمان‌ها کمک می‌کند تا منابع مالی خود را به صورت بهینه مدیریت و از بحران‌های مالی جلوگیری کنند. استفاده از این الگو می‌تواند به تطبیق و بهبود راهبردهای مالی بر اساس نیازهای خاص هر حوزه کمک کند. درمجموع فرایند ارائه‌شده در پژوهش حاضر بخش‌های موردنیاز چرخه مدیریت مالی در هیئت‌های ورزشی را با کمک مدل‌های زبانی مشخص می‌نماید و دانش کاربردی هر حوزه را با توجه به ماهیت اصلی هیئت‌ها مشخص می‌کند تا با تشخیص صحیح در این حوزه، چرخه مالی نه به مدیریت دولتی شبیه شود و نه به مدیریت بازرگانی و صنعتی، بلکه تنها مختص مدیریت ورزشی گردد و بتواند به بهبود کارایی مالی هیئت‌های ورزشی کمک کند. همچنین، این الگو با در نظر گرفتن تفاوت‌های مالی بین هیئت‌های ورزشی با سایر سازمان‌های ورزشی، بهینه‌سازی فرآیندهای مالی را بر اساس ماهیت و سطح ورزش تسهیل می‌نماید. لذا پیشنهاد می‌گردد هیئت‌های ورزشی با پیاده‌سازی این الگو شفافیت مالی بیشتری ایجاد کنند و از مزایای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی بهتری بهره‌مند شوند. همچنین این الگو در تدوین اسناد مالی و گزارشگری هیئت‌های ورزشی به ذی‌نفعان خود می‌تواند موجب بهبود کارایی مالی و افزایش پایداری در بلندمدت گردد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مانند عدم دسترسی به داده‌های کامل مالی مواجه بود. این عوامل ممکن است بر دقت برخی از نتایج تأثیر گذاشته باشد. برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌ها بر روی داده‌های بلندمدت و واقعی از هیئت‌های ورزشی مختلف متمرکز شوند تا امکان ارزیابی دقیق‌تر تأثیرات مدل فراهم شود. همچنین، تطبیق الگوی ارائه شده با نیازهای خاص هر هیئت ورزشی می‌تواند به توسعه بهتر این حوزه کمک کند.

منابع

- Agha Mohammad, M., Kurdestani, G., & Kazemi, H. (2021). "Identifying the Dimensions of the Financial Management Model". *Financial accounting and audit research*, 13(52), 241-268(persian). <https://doi.org/10.30495/faar.2021.687686>
- Algherairy, A., & Ahmed, M. (2025). "Prompting large language models for user simulation in task-oriented dialogue systems". *Computer Speech & Language*, 89, 101697. <https://doi.org/10.1016/j.csl.2024.101697>
- AlZu'bi, S., Mughaid, A., Quiam, F., & Hendawi, S. (2024). "Exploring the capabilities and limitations of chatgpt and alternative big language models". *Artificial Intelligence and Applications*, 2(1): 28-37 <https://10.47852/bonviewAIA3202820>
- Chun Tie, Y., Birks, M., & Francis, K. (2019). "Grounded theory research: A design framework for novice researchers". *SAGE open medicine*, 7, 2050312118822927. <https://doi.org/10.1177/2050312118822927>
- Carletta, J. (1996). "Assessing agreement on classification tasks: the kappa statistic". *arXiv preprint cmp-lg/9602004*. 22(2), pp. 249-254 <https://arxiv.org/pdf/cmp-lg/9602004>
- Cong, Y. (2025). "Demystifying large language models in second language development research". *Computer Speech & Language*, 89, 101700. <https://doi.org/10.1016/j.csl.2024.101700>

- Darabi, Z. H. (2024). **“Designing a conceptual model of factors affecting financial health in the life cycle of companies using the Foundation's data approach”**. Budget and finance strategic research, 5(2), 45-76. https://jms.ihu.ac.ir/article_209107.html
- Dengel, Andreas., Rupert, Gehrlein., David, Fernes., Sebastian, Görlich., Jonas, Maurer., Hai, Hoang, Pham., Gabriel, Großmann., Niklas, Dietrich, genannt, Eisermann. (2023). **“Qualitative Research Methods for Large Language Models: Conducting Semi-Structured Interviews with ChatGPT and BARD on Computer Science Education”**. Informatics (Basel), <https://doi.org/10.3390/informatics10040078>
- Dastoom, s., ramzani nezhad, r., & sadeghi borujerdi, s. (2023). **“Designing the evaluation framework of Knowledge-based economy in Iranian sports and analysis of the development gap based on it”**. Sport Management Studies, 110-125(persian). <https://doi.org/https://doi.org/smrj.2020.9137.3095>
- Faisal Salal, F. (2019). **“The effect and application of management incentives to detect fraud in financial reporting by independent auditors”**. Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Administrative and Economic Sciences, 1-120. <https://ganji.irandoc.ac.ir/viewer/087e50008355c868f36638f49b5fa48c?sample=1>
- Ghafouri, M., Alidoust, E., Khabiri, M., & Sajjadi, N. (2021). **“Identifying Financing Barriers in Iran's Professional Sports”**. Sport Physiology & Management Investigations, 13(2), 71-91(persian). <https://dori.net/dor/20.1001.1.1735.5354.1400.13.2.5.8.677>
- Goudarzi, M. (2017). **“Determine The exploratory model of financial management in sport federations”**. Applied Research in Sport Management, 6(2), 67-79(persian). <https://doi.org/20.1001.1.23455551.1396.6.2.6.0>
- Guerrero Puerta, L., & Lorente García, R. (2024). **“Illuminating the path: a methodological exploration of grounded theory in doctoral theses”**. Qualitative Research Journal, 24(4), 384-393. <https://www.emerald.com/insight/1443-9883.htm>
- Ishaku, T., & Nadiyasu, J. (2017). **“Public sector financial management reform (PSFMR) and international accounting standards (IPSASs) ”**. Resource, 8(12), 125-132. <https://www.academia.edu/download/98468069/234632063.pdf>
- Jessica, L, Parker., Veronica, Richard., Kimberly, Becker. (2023). **“Flexibility & Iteration: Exploring the Potential of Large Language Models in Developing and Refining Interview Protocols”**. The Qualitative Report, <https://doi.org/10.46743/2160-3715/2023.6695>
- Jia, N., Luo, X., Fang, Z., & Liao, C. (2024). **“When and how artificial intelligence augments employee creativity”**. Academy of Management Journal, 67(1), 5-32. <https://doi.org/10.5465/amj.2022.0426>
- Kamyab, S., Soltanhoseini, M., & Rahimi Sereshbaderani, G. (2023). **“Methods of financing sports clubs during international sports sanctions”**. Sport Management Studies, 15(79), 105-124(persian). <https://doi.org/10.22089/smrj.2022.11125.3463>
- Kerami, G., Bek Beshrouye, S., Nazari, S., & Samavat, M. (2021). **“The relationship of uncertainty with keeping cash and inventory”**. Accounting developments, 27(14), 221-252(persian). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2086238>
- Khosravi, R. (2023). **“Innovation in the "first part" organization”**. Sama's treasure, 52(7), 1-6(persian). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2186906>
- Mulugeta, B., Williamson, S., Monks, R., Hack, T., & Beaver, K. (2017). **“Cancer through black eyes-The views of UK based black men towards cancer: A constructivist grounded theory study”**. European Journal of Oncology Nursing, 29, 8-16. https://research.edgehill.ac.uk/files/37862512/cancer_through_black_eyes_AAM.pdf
- Pavlík, M., & Vaceková, G. (2013). **“Financial Management of Sports Clubs in the Czech Republic”**. Ekonomika a management, 30-39. <https://scholar.archive.org/work/uygz5krb6vcr7ml7nwni7hn2hu/access/wayback/https://www.vse.cz/polek/download.php?jnl=eam&pdf=232.pdf>
- Rahmani, A., Mollanazari, M., Faal Ghayoumi, A., Mahmoudkhani, M., Behbahaninia, P. S., Parsaei, M., Ghadirian Arani, M. H., & Khadivar, A. (2022). **“Design of the Financial Management and Accounting Maturity Model for Public Sector Entities”**. Accounting and Auditing Review, 29(2), 287-310(persian). <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2022.337562.1008645>

- Rezaian Joybari, A., Gorganli Doji, D. J., Ashrafi, D. M., & Khamaki, D. A. (2022). **"Identifying the most important factors affecting accruals in Iran's capital market and examining how they affect over time"**. Accounting developments, 29(15), 65-93(persian). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2177641>
- Rostami, W., Mehravar, M., & Kargar, H. (2021). **"The effect of risk management on the speed of adjustment of financial leverage in the life cycle stages of companies"**. Accounting developments, 26(14), 59-88(persian). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1976237>
- Simion, A. (2022). **"ANALYSIS AND EVALUATION OF FINANCIAL MANAGEMENT STRATEGIES OF SPORTS CLUBS"**. Annals of the University of Craiova, Economic Sciences Series, 2(50). <https://openurl.ebsco.com>
- Tabuk, M. E. (2024). **"A bibliometric analysis of global publications on financial management in sports clubs"**. SPORT TK-Revista EuroAmericana de Ciencias del Deporte, 13, 43-43. <https://doi.org/10.6018/sportk.491131>
- Taheri Ajjadadi, A. H. (2024). **"Examining the role of accounting information system, human capital and internal performance in the relationship between innovation strategy and financial performance of audit institutions"**. International and national conference on management, accounting and law studies, 11(11), 789-803(persian). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2175480>
- Xinwei, Cao., Shuai, Li., Vasilios, N., Katsikis., Ashraf, Khan., Hongmei, He., Zhengping, Liu., Lieping, Zhang., Peng, Chen. (2024). **"Empowering financial futures: Large language models in the modern financial landscape"**. EAI endorsed transactions on artificial intelligence and robotics, doi: 10.4108/airo.6117
- Yuqi, Nie., Yaxuan, Kong., Xiaowen, Dong., John, M., Mulvey., H., Vincent, Poor., Qingsong, Wen., Stefan, Zohren. (2024). **"A Survey of Large Language Models for Financial Applications: Progress, Prospects and Challenges"**. <https://doi.org/10.48550/arxiv.2406.11903>
- Zhang, J., Zhang, C., Lu, J., & Zhao, Y. (2025). **"Domain-specific large language models for fault diagnosis of heating, ventilation, and air conditioning systems by labeled-data-supervised fine-tuning"**. Applied Energy, 377(12437), 8. <https://doi.org/10.1016/j.apenergy.2024.124378>

تدوین الگوی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران

مسعود فریدونی^۱

سیدمحمدحسین رضوی^۲

 [10.22034/ssys.2022.2263.2622](https://doi.org/10.22034/ssys.2022.2263.2622)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

هدف تحقیق حاضر، تدوین الگوی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های حرفه‌ای فوتبال ایران بود. در این تحقیق از رهیافت نظام‌مند استفاده شد و داده‌های تحقیق به واسطه مصاحبه با متخصصان جمع‌آوری گردید و داده‌های استخراج شده از مصاحبه بعد از طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مفاهیم و مقوله‌ها در قالب الگوی کیفی طراحی شدند.

ابعاد الگوی کیفی شامل شرایط علی (شرایط باشگاه، دبیرخانه اقتصادی، برنامه‌ریزی دنباله‌ای، تطبیق اقتصادی و سیستم اقتصادی)، شرایط زمینه‌ای (چشم‌انداز محیطی، مشارکت متخصصان، برنامه‌ریزی مشارکتی و محیط پویای اقتصادی)، شرایط مداخله‌گر (فرهنگ برنامه‌ریزی اقتصادی و نگرش اقتصادی)، راهبردها (تخصیص منابع پولی، کارکرد اقتصاد فوتبال، برنامه‌ریزی نقدینگی و برنامه سرمایه‌ای) و پیامدها (رشد اقتصادی، هدایت کیفی سرمایه، کنترل هزینه، گسترش سیستم اقتصادی باشگاه و توسعه اقتصادی) بود که براساس آن الگوی کیفی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال طراحی و اعتباریابی شد. براساس یافته‌ها، برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و ترسیم قوانین و معادلات اقتصادی باعث می‌شود که ثبات مالی بلندمدت در باشگاه ایجاد شود و با وجود تغییر مدیران، برنامه‌های مالی باشگاه همچنان دنبال گردد.

واژگان کلیدی: نگرش اقتصادی، تطبیق اقتصادی، برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه اقتصادی و باشگاه‌های فوتبال.

^۱ استادیار، گروه آموزش تربیت‌بدنی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Masoud.freydoni@cfu.ac.ir

^۲ استاد، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابل‌سر، ایران

در گذشته ورزش به عنوان یک سرگرمی و عمدتاً غیر تجاری مورد توجه قرار می‌گرفت و در حال حاضر، ورزش به طور فزاینده‌ای تجاری و توسعه یافته است (وینترز و دروسکی^۱، ۲۰۲۰). افزایش علاقه به ورزش‌های حرفه‌ای^۲ تضمین کرده است که سازمان‌های اصلی ورزشی عمدتاً با استفاده از مدل‌های اقتصادی شرکتی اداره شوند (هامفایرس^۳ و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۷۶). از طرفی، رویدادهای مهم ورزش مانند لیگ‌های فوتبال اروپایی و جام جهانی فوتبال تأثیر اقتصادی و اجتماعی فوق‌العاده‌ای در مقیاس جهانی دارد (روده و بروپر^۴، ۲۰۱۸: ۵۶۳) و به همین جهت تحولات اقتصادی محسوسی در رشته ورزشی فوتبال پدید آمده است و فوتبال حرفه‌ای در معرض مبادلات مالی با سرمایه‌های اقتصادی کلان، خرید و فروش وسایل با برند باشگاه، قرار گرفتن در بازار بورس و بسیاری موارد دیگر، نقش مهمی را در توسعه اقتصادی فوتبال در بسیاری از لیگ‌ها ایفا نموده است (کروپر و آندرسون^۵، ۲۰۱۸: ۵۲۲).

اقتصاد ورزش^۶ هر چیزی است که از اقتصاد و اقتصادسنجی برای تجزیه و تحلیل داده‌های رفتارهای اقتصادی استفاده کند (نانز^۷ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۵۰). برنامه‌ریزی اقتصادی نیز عبارت است از: کنترل کلی ابعاد فعالیت‌های بخش خصوصی در تولید و تجارت خارجی. همچنین برنامه‌ریزی اقتصادی فرایندی است که در طی آن به‌صورت آگاهانه و ارادی و به منظور حصول به اهداف مشخص اقتصادی مانند ایجاد تغییرات مطلوب در متغیرهای کلان اقتصادی و سرمایه‌گذاری تصمیم‌گیری می‌شود (لشکری، ۱۳۹۸: ۹) برنامه‌ریزی اقتصادی، اشاره به یک فرایند مدیریتی دارد که می‌تواند به طور کلی به‌عنوان فرآیند تعیین مأموریت، اهداف اصلی، طرح‌ریزی مالی و سیاست‌های حاکم بر کسب و تخصیص منابع برای دستیابی به اهداف سازمانی تعریف شود (آرنولد و بن ونیست^۸، ۱۹۸۷).

مزایای برنامه‌ریزی اقتصادی برای ورزش متنوع است. این مزایا ممکن است شامل موارد زیر باشد: ۱- ارائه یک ابزار تجزیه و تحلیل و تفکر ساختاریافته به مدیریت؛ ۲- مدیریت را تشویق می‌کند تا زمینه‌هایی را که برنامه‌های اقتصادی مبتنی بر آن‌هاست، توسعه دهد؛ ۳- یک دید بلندمدت اقتصادی را تشویق و حمایت می‌کند و یک وسیله هماهنگی را فراهم می‌آورد (ارویدوسا^۹، ۲۰۱۸). برخی محققان چنین توصیف می‌کنند که برنامه‌ریزی اقتصادی شما را از رقابت جدا می‌کند. این شامل یک دیدگاه منحصر به فرد از سازمان با بازار و همچنین داشتن یک

¹ Winters & Derevensky

² Professional sports

³ Humphreys

⁴ Rohde & Breuer

⁵ Gropper & Anderson

⁶ Sports Economics

⁷ Núñez

⁸ Arnold & Benveniste

⁹ Ervedosa

پیشنهاد منحصر به فرد برای مصرف‌کننده است و سه برنامه اقتصادی را که ممکن است توسط سازمان‌ها مورد استفاده قرار گیرد، در نظر می‌گیرند: ۱- راهبردهای کم هزینه، ۲- تمایز و ۳- طراحی. راهبرد کم هزینه بر این فرض استوار است که سازمان‌ها می‌توانند با کاهش هزینه‌های سازمانی و در نتیجه ارائه ارزان‌ترین یا مقرون‌به‌صرفه‌ترین پیشنهاد به مشتریان خود، از مزیت رقابتی برخوردار شوند. راهبرد تمایز به این طریق است که سازمان به دنبال دستیابی به مزیت رقابتی با متفاوت‌ساختن محصول خود از رقباست. برنامه اقتصادی دیگر با تمایل سازمان برای شناسایی بخش‌های خاصی از بازار و خدمت‌رسانی موثرتر به آن‌ها نسبت به سایر سازمان‌ها پایه‌گذاری می‌شوند (کانگ^۱، ۲۰۱۴: ۲۴۰).

توسعه اقتصادی، تجربه دموکراتیک و نابرابری کم درآمد، عملکرد تیم‌های فوتبال را بهبود می‌بخشد. فوتبال حرفه‌ای معاصر یک "کلای باشگاهی" معمولی است که با تماشای بازی‌ها، سازماندهی انجمن‌ها و سرمایه‌گذاری در استعداد و سرمایه برای موفقیت تیم، اعضا را به فعالیت جمعی ترغیب می‌کند و توسعه اقتصادی فوتبال حرفه‌ای را حفظ می‌کند- به‌ویژه در کشورهای دموکراتیک که اجازه فعالیت جمعی از طریق انجمن‌های فوتبال را می‌دهند. دموکراسی‌های ثروتمند به طور موثر انگیزه‌های نهادی را شکل می‌دهند که شفافیت، انصاف و رقابت لیگ‌ها را بهبود می‌بخشند و به رونق آنها کمک می‌کنند و از استعدادهای تیم‌های ملی فوتبال بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این نابرابری در درآمد، استعدادهای را از بین می‌برد و عملکرد فوتبال ملی را کاهش می‌دهد. در همین راستا و در یک مطالعه برای تأیید فرضیه‌های منتج از داده‌های پانل ۱۱۹ کشور برای دوره ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ و همچنین مدل‌های اثرات ثابت استفاده شد. نتیجه این مطالعه تأیید کرد که دموکراسی عملکرد فوتبال را بهبود می‌بخشد. همچنین نشان داده شد که کاهش نابرابری درآمد باعث افزایش عملکرد تیم‌ها شده است (وان^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

زو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با هدف تجزیه و تحلیل روابط متقابل حامیان مالی، سرمایه‌داران دولتی و صنعت فوتبال چین نشان دادند که سیاست‌های اقتصادی دولت به سرمایه‌داران برای مشارکت در صنعت فوتبال منافع دو طرفه‌ای را به دنبال داشته است. به‌طور مثال، کارآفرین مشهور چین، جک ما- مدیرعامل غول تجارت الکترونیکی علی بابا- اخیراً نزدیک به ۱۵۰ میلیون دلار برای توسعه فوتبال زنان داخلی در این کشور تعهد کرده است. همچنین بنیک^۴ و همکاران (۲۰۱۹) با ترسیم مدل تجارت فوتبال حرفه‌ای نشان دادند که در فوتبال دانمارک باشگاه‌ها برنامه‌های خاصی را به منظور بهینه‌سازی شانس موفقیت ایجاد کرده‌اند. این برنامه‌ها شامل توسعه استعدادهای حامیان مالی جذاب و سهام‌شاور است. در جدول زمانی تجاری‌سازی، توسعه استعدادهای به‌عنوان اولین برنامه توسعه هم از

¹ Kang

² Wan

³ Xue

⁴ Bennike

لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ عملکرد به باشگاه کمک می‌کند و بازیکنانی با عملکرد ورزشی مطلوب می‌توانند در نقل و انتقالات بین‌المللی فروخته شوند و منافع اقتصادی در بر داشته باشند.

هلکامپو^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای نشان داد که باشگاه‌های فوتبال فنلاند در مقایسه با درآمد سالانه خود، برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های کلانی برای توسعه بازیکنان انجام می‌دهند که انگیزه آنها بهبود وضعیت اقتصادی باشگاه‌ها و فروش بازیکنان است.

ترتولینو^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت ورزش در اقتصاد نوظهور: اندازه تیم، هزینه‌ها و نتایج (پرونده لیگ فوتبال برزیل)» نشان دادند که برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و هزینه‌های مالی باشگاه‌ها برای فوتبال بسیار مهم است و باشگاه‌هایی که بیشترین هزینه و برنامه مالی را داشته‌اند، جزو تیم‌های دارای عملکرد بهتر بوده‌اند. همچنین نتیجه گرفتند که برای لیگ دسته اول فوتبال حرفه‌ای برزیل، تعداد ورزشکاران در تیم عامل تعیین‌کننده‌ای برای موفقیت باشگاه‌ها در این رقابت نیستند، اما ارزش سرمایه‌گذاری شده در دستمزدها عامل موثری برای موفقیت می‌باشد. امامی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در تحقیقی نشان دادند که برنامه‌های اقتصادی همچون فراهم کردن سود سرمایه‌گذار، توسعه بازاریابی، ایجاد سازوکار اقتصادی و ثبات و قدرت اقتصادی و پیامدهای حاصل از آن همگانی شدن ورزش، افزایش تعداد تماشاچیان، افزایش تعداد سرمایه‌گذاران، ایجاد ظرفیت‌ها و شاخص‌های اقتصادی به عنوان راهبردهای موثر بر سرمایه‌گذاری در ورزش مطرح می‌باشد.

بررسی مطالعات اقتصادی ورزش و ساختارهای اقتصادی باشگاه‌های فوتبال گواه آن است که هیچ باشگاه توسعه‌یافته‌ای بدون برنامه‌ریزی اقتصادی رشد نیافته است. انجام طرح‌های اقتصادی و ایجاد سازوکارهای مالی مستلزم برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی اقتصادی زمانی قابل اجراست که باشگاه‌های فوتبال کشور کارایی لازم را داشته باشند و عواملی که بر برنامه‌ریزی اقتصادی موثر هستند را شناسایی کنند. شرایط فعلی اقتصادی، کمبود منابع مالی، کاهش کمک‌های مالی دولتی و نیمه‌دولتی به باشگاه‌ها و عدم برنامه‌ریزی صحیح باعث بحران‌های مالی از جمله ناتوانی در پرداخت دستمزد بازیکنان و مربیان داخلی و خارجی شده است. از طرفی، گزارش‌های مالی غیر شفاف، عدم برنامه‌ریزی برای کسب منافع اقتصادی و بدهی‌های انباشته‌شده و تراز مالی منفی موجب لغو مجوز حرفه‌ای برخی از باشگاه‌های فوتبال ایران و حذف از مسابقات لیگ قهرمانان آسیا شده است. در نتیجه باشگاه‌ها به منظور توسعه اقتصاد پایدار ناگزیر به بازسازی اقتصادی براساس الگوهای علمی برنامه‌ریزی اقتصادی خواهند بود. از این رو، تدوین برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال به منظور فرایند یافتن و تنظیم کردن مقررات و نظام برای اجرای اهداف مدیریتی باشگاه ضروری به نظر می‌رسد. تحقیق حاضر در پی ارائه الگویی مستند از داده‌های واقعی پیرامون برنامه‌ریزی اقتصادی

¹ Helokumpu

² Tertuliano

باشگاه‌های فوتبال بود که تاکنون در مورد آن پژوهش جامع و عمده‌ای در کشور مشاهده نشده است و دانش کنونی نیز در این زمینه محدود است. مدیران باشگاه‌ها و تیم‌های فوتبال ایران بدون بهره‌گیری از اطلاعات همه‌جانبه نمی‌توانند به تصمیم‌گیری صحیحی در مورد اجرای برنامه‌های اقتصادی دست بزنند. بنابراین انجام مطالعه‌ای اکتشافی که بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیان نهاده شده باشد ضروری به نظر می‌رسد. بدین ترتیب، هدف اصلی تحقیق حاضر تدوین الگوی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال کشور بود.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش کیفی صورت گرفته است. در روش کیفی، گروه تحقیق از طریق روش‌ها و رویه‌های تحلیل، از تجربه متخصصان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آنها به درک پدیده مورد مطالعه می‌رسد. از بین روش‌های کیفی در این تحقیق از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بهره گرفته شد. روش داده‌بنیاد، نوعی روش کیفی است که هدف آن شناخت و ادراک تجارب مطلعان از وقایع در بستر و موقعیتی خاص می‌باشد. در این تحقیق از رهیافت نظام‌مند استفاده شد و داده‌های تحقیق به واسطه مصاحبه با متخصصان جمع‌آوری گردید و داده‌های استخراج‌شده از مصاحبه بعد طی مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مفاهیم و مقوله‌ها در قالب عوامل علی، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها طبقه‌بندی شد.

نمونه کیفی تحقیق جهت مصاحبه، افراد دارای تحصیلات آکادمیک (اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های زیر مجموعه وزارت عتف، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور) و هم افراد دارای تجربیات مدیریتی در حوزه اقتصاد ورزش بودند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و فرایند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌صورت مصاحبه‌های زیگزاگی و همزمان صورت گرفت و مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که داده‌ها به مرز اشباع رسید و مفاهیم مرتبط با برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال تکراری شد و مطلب جدیدی قابلیت اضافه شدن نداشت. داده‌ها از طریق مصاحبه با ۱۷ نفر از مطلعان کلیدی معرفی‌شده در جدول ۱ مرتبط با پدیده محوری تحقیق گردآوری شد و پس از مستندسازی و ثبت مصاحبه‌ها همگی ویرایش گردید تا در مرحله بعدی تحلیل و مقوله‌ها استخراج شود.

جدول ۱: مشخصات اعضای نمونه

نوع ارتباط با پدیده محوری پژوهش	تحصیلات	تعداد افراد	تعداد مصاحبه
وزیران ورزش و جوانان ج.ا.ا.	دکتری	۱	۱
اعضای هیئت علمی دانشگاه در زمینه اقتصاد ورزش	دکتری با مرتبه علمی استادیار، دانشیار و استاد تمام	۹	۱۴
مدیران و سرپرستان باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال ایران	کارشناسی ارشد و دکتری	۴	۴
مدیران و برنامه‌ریزان اقتصادی باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال ایران	کارشناسی ارشد و دکتری	۳	۴
جمع		۱۷	۲۳

به منظور ارائه یک الگوی نظام‌مند و شماتیک از یافته‌های برخاسته از داده‌های کدگذاری شده، از الگوی پارادایمی^۱ پیشنهاد شده توسط استراوس و کوربین (۱۹۹۰) استفاده شد. لازم به توضیح است که نتایج تحلیل و کدگذاری مقوله‌ها استخراج شده از مصاحبه‌ها، در اختیار ۴ نفر از مشارکت‌کنندگان در این تحقیق و ۴ نفر از اعضای هیئت علمی خارج از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و در نهایت الگوی طراحی شده مورد تأیید واقع گردید.

یافته‌های پژوهش

پدیده مورد مطالعه در این تحقیق دارای ماهیتی کنشی، مبتنی بر تجربیات واقعی مطلعان و فرایندمحور است و یک نقشه جامع از تجربیات افراد در مورد برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال ایران ارائه می‌دهد. طی فرایند تحلیل داده‌ها بین کدگذاری باز و محوری به شکل مداوم و هدفمند رفت و آمد صورت گرفت تا الگوی کیفی توسعه پیدا کند. در واقع فرایند کدگذاری باز و محوری دو گام متوالی نیستند، بلکه فرایند تحلیلی کدگذاری به صورت پویا و شناور صورت پذیرفت. در ابتدا تلاش شد مقوله‌ها از طریق کدگذاری باز مشخص شوند و طی کدگذاری محوری، مقوله‌ها به یکدیگر ارتباط پیدا کنند. بعد از اینکه ارتباط میان مقوله‌ها طی فرایند کدگذاری باز و کدگذاری محوری شکل گرفت، به واسطه کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها، مقوله‌های فرعی و رابطه آنها یکپارچه شد تا الگوی کیفی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال تکمیل گردد.

^۱ Logic Paradigm

جدول ۲: دسته‌بندی طبقات و مقوله‌ها

پارادایم	طبقات و مقوله‌ها
شرایط علی	شرایط باشگاه (نیروی انسانی، آگاهی‌های علمی باشگاه، سوابق باشگاه)، دبیرخانه برنامه‌ریزی اقتصادی (دبیرخانه تخصصی، اعضای متخصص، نظام برنامه‌ریزی)، برنامه‌ریزی دنباله‌ای (وضعیت موجود، وضعیت نامطلوب)، تطبیق اقتصادی (شرایط تورم، ساختار اقتصادی)، سیستم اقتصادی باشگاه (برنامه‌محور، توسعه‌محور)
شرایط زمینه‌ای	چشم‌انداز محیطی (چشم‌انداز اقتصادی باشگاه، چشم‌انداز اجتماعی باشگاه)، مشارکت متخصصان (متخصصان علمی، متخصصان تجربی)، برنامه‌ریزی مشارکتی (مشارکت هواداران، مشارکت سرمایه‌گذاران، مشارکت ذینعان)، محیط پویای اقتصادی (آگاهی از مسائل اقتصادی، تسلط بر محیط اقتصادی ورزش)
شرایط مداخله‌گر	فرهنگ برنامه‌ریزی اقتصادی (ذهنیت فرهنگی مدیران باشگاه، فرهنگ توسعه اقتصادی)، نگرش اقتصادی (نگرش اقتصادی مدیران باشگاه)
پدیده محوری	برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال (مدیریت علمی، تدریجی بودن، هدایت منظم، برنامه مبتنی بر آگاهی، تغییرات محدود، خلاق و نوآور)
راهبردها	تخصیص منابع پولی (تخصیص بهینه، ارزیابی مالی)، کارکرد اقتصاد فوتبال (بازیکنان، مربیان)، برنامه‌ریزی نقدینگی (پیش‌بینی نقدینگی باشگاه، تامین نقدینگی، اداره جریان منابع مالی داخلی)، برنامه سرمایه‌ای (اولویت سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه‌گذار، حمایت از سرمایه‌گذار، بورس)
پیامدها	رشد اقتصادی (محصولات ورزشی، خدمات ورزشی، گسترش سیستم اقتصادی باشگاه، سودآوری)، ساختارهای مالی باشگاه (ساختار مالی هماهنگ، درآمد زایی)، توسعه اقتصادی باشگاه (گسترش، بهبود)، هدایت کیفی سرمایه (هدایت کیفی سرمایه-های باشگاه)، کنترل هزینه (هزینه آشکار، هزینه پنهان)

شرایط علی

شرایط علی به طور مستقیم بر پدیده محوری تحقیق موثر است و مقوله اصلی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. توضیحات مطلعان کلیدی در پاسخ به سوالات مربوط به شرایط علی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال ایران در جدول ۳ مشخص شده است. این جدول شامل ۵ مقوله کلان و ۱۲ زیر مقوله مستخرج از مصاحبه‌ها می‌باشد.

جدول ۳: کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط علی

پارادایم	مقوله کلان	زیر مقوله	مفهوم
		نیروی انسانی	نیروی انسانی متخصص و دارای مهارت
	شرایط	آگاهی‌های	
	باشگاه	علمی باشگاه	وضعیت آگاهی‌های علمی و تحقیقی در باشگاه
		سوابق باشگاه	سوابق سازمانی و توانایی باشگاه در زمینه برنامه‌ریزی اقتصادی
		دبیر خانه	برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه با ایجاد دبیرخانه
		تخصصی	مرتبط شروع شود
			متخصصان دبیرخانه از طرف باشگاه برنامه‌های
	دبیرخانه		اقتصادی را تهیه کنند
	برنامه‌ریزی		دبیرخانه اقتصادی باشگاه متشکل از متخصصان و
	اقتصادی	اعضای	محل تجمع آنان باشد
		متخصص	کوشش باشگاه برای جذب متخصصان اقتصادی
			ورزش در دبیرخانه
		نظام برنامه -	ایجاد نظام برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه توسط
		ریزی	دبیرخانه تخصصی
شرایط علی		وضعیت	در برنامه‌ریزی اقتصادی وضعیت موجود و نیروهای موجود
		موجود	باشگاه باید مطالعه شود و برآن اساس برنامه‌ریزی اقتصادی
	برنامه‌ریزی		صورت بگیرد و از صفر برنامه‌ریزی‌ها شروع نشود
	دنباله‌ای	وضعیت نا	با مطالعه و بررسی وضعیت اقتصادی باشگاه، هر
		مطلوب	نقطه که دارای وضعیت نامطلوب بود باید برنامه‌ریزی
			شود و بقیه برنامه‌ها طبق سابق پیش برود
		شرایط تورم	تطبیق برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه با شرایط تورم
	تطبیق		بر اجرای مطلوب برنامه‌ریزی می‌تواند موثر باشد
	اقتصادی	ساختار	هماهنگی و تطبیق برنامه‌های مالی و اقتصادی باشگاه با
		اقتصادی	ساختارهای مالی می‌تواند اجرای برنامه‌را تسهیل نماید
			رویکرد برنامه‌محوری موجود در سیستم اقتصادی
	سیستم	برنامه‌محور	باشگاه می‌تواند موجب تدوین برنامه‌های اقتصادی در
	اقتصادی		باشگاه باشد
	باشگاه	توسعه محور	دیدگاه توسعه‌ای در سیستم اقتصادی باشگاه می‌تواند
			تدوین برنامه‌های اقتصادی در باشگاه را هدایت نماید

شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای، ویژگی‌های درونی و بیرونی باشگاه‌های فوتبال کشور برای اجرای برنامه‌ریزی اقتصادی هستند که راهبردها را تحت تاثیر قرار می‌دهند و زمینه‌هایی که باید برای موفقیت بهتر در اجرای این فرایندها مورد توجه قرار بگیرند را نشان می‌دهد. توضیحات مطلعان کلیدی در پاسخ به سوالات مربوط به شرایط زمینه‌ای برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال ایران در جدول ۴ مشخص شده است. این جدول شامل ۴ مقوله کلان و ۹ زیر مقوله مستخرج از مصاحبه‌ها می‌باشد.

جدول ۴: کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط زمینه‌ای

پارادایم	مقوله کلان	زیر مقوله	مفهوم
شرایط زمینه‌ای	چشم‌انداز محیطی	چشم‌انداز اقتصادی باشگاه	تحولات احتمالی آتی در محیط باشگاه بررسی محیط‌های اقتصادی بزرگتر که بر باشگاه تاثیر می‌گذارد
		چشم‌انداز اجتماعی باشگاه	تحولات احتمالی در دیدگاه هواداران نسبت به خدمات و کالاهای اقتصادی باشگاه ارزش و هویت تجاری باشگاه از دید هواداران و محیط اجتماعی برنامه ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال باید با توجه به فعالیت‌های علمی طرح‌ریزی شود
	مشارکت متخصصان	علمی	متخصصان علمی در زمینه‌های مرتبط همچون بودجه‌ریزی، اقتصاد ورزش و.. باید در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه مشارکت کنند
		متخصصان تجربی	مشارکت برنامه‌ریزانی که شرایط مختلف اقتصادی باشگاه را در طول سالیان گذشته درک کرده‌اند
	برنامه‌ریزی مشارکتی	مشارکت هواداران	توجه به نظرات هواداران در زمینه برنامه‌های مرتبط با آنان از جمله برنامه‌ریزی قیمت بلیط، ارائه خدمات و... احتمالاً می‌تواند بر اجرای بهتر برنامه‌ریزی‌ها موثر باشد
		مشارکت سرمایه‌گذاران	مشارکت سرمایه‌گذاران اصلی باشگاه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه و اخذ نظراتشان می‌تواند حمایت آنان را بر اجرای بهتر برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات اقتصادی به دنبال داشته باشد

مشارکت	مشارکت ذینفعان باشگاه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه و اعمال نظرات تخصصی آنان احتمالاً طرح‌ریزی، تصویب و اجرای برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه را تسهیل می‌نماید
آگاهی از مسائل اقتصادی	برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌ها باید براساس آگاهی از محیط اقتصادی جامعه، محیط اقتصادی فوتبال و... تنظیم گردد
محیط پویای اقتصادی	برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران اقتصادی باشگاه بایستی بر تسلط بر محیط متغیرهای اقتصادی تاثیرگذار بر تصمیمات آنان تسلط داشته باشند و برنامه‌های اقتصادی را با تسلط بر متغیرهای اقتصادی تنظیم نمایند

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایطی است که بر انتخاب مکانیسم‌های برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال موثر است و می‌تواند اجرای مکانیسم‌ها را تسهیل و تسریع کند. توضیحات مطلعان کلیدی در پاسخ به سوالات مربوط به شرایط مداخله‌گر برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال ایران در جدول ۵ مشخص شده است. این جدول شامل ۲ مقوله کلان و ۳ زیر مقوله مستخرج از مصاحبه‌ها می‌باشد.

جدول ۵: کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط مداخله‌گر

پارادایم	مقوله کلان	زیر مقوله	مفهوم
شرایط مداخله‌گر	فرهنگ برنامه-ریزی اقتصادی	ذهنیت فرهنگی	ذهنیت‌های فرهنگی مدیران باشگاه‌های فوتبال براساس باور به برنامه‌ریزی اقتصادی شکل گرفته باشد
		مدیران باشگاه	ایجاد و حاکم شدن فرهنگ توسعه اقتصادی در تمامی ارکان باشگاه
	نگرش اقتصادی	فرهنگ توسعه اقتصادی	شکل‌گیری نگرش اقتصادی مدیران باشگاه مبنی بر ضرورت ایجاد و طرح‌ریزی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه
		نگرش اقتصادی	مدیران باشگاه

پدیده محوری

پدیده محوری در مرکز فرایند مورد بررسی قرار دارد و سایر مقوله‌ها به آن مرتبط می‌شوند. مقوله برنامه-ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال مکرراً در داده‌ها نمایان شده است و در کانون داده‌ها قرار دارد و تمام مقوله‌ها به نحوی با آن ارتباط دارند. از این رو به‌عنوان پدیده اصلی و محوری انتخاب شد.

جدول ۶: کدهای باز و مقوله‌های مربوط به پدیده محوری

پارادایم	مقوله کلان	زیر مقوله	مفهوم
پدیده محوری	برنامه‌ریزی اقتصادی اقتصادی باشگاه- های فوتبال	مدیریت علمی	برنامه‌ریزی اقتصادی به مفهوم هدایت علمی کارها و فعالیت‌های اقتصادی باشگاه مدیریت علمی ایجاد ساختارهای متوازن اقتصادی در باشگاه
		تدریجی بودن	برنامه‌های اقتصادی باشگاه در طول زمان شکل می‌گیرد و ماهیتاً موضوعی تدریجی است
		هدایت منظم	هدایت فعالیت‌های اقتصادی باشگاه به صورت منظم، با هدف
		برنامه مبتنی بر آگاهی	هدایت برنامه‌های اقتصادی باشگاه متکی بر اراده و آگاهی
راهبردها	تغییرات محدود	تغییرات محدود	برنامه ریزی اقتصادی فرایندی است علمی، محتاطانه در جهت تغییرات نسبتاً محدود در ساختارهای اقتصادی باشگاه که قبلاً ترسیم شده است
			روندی خلاق و نوآور در راستای ایجاد تغییرات در زیر بنای ساختار مالی باشگاه
			خلاق و نوآور

راهبردها

منظور از انجام راهبردها، اداره کردن و به انجام رساندن و محقق کردن بهتر پدیده مورد مطالعه است. راهبردها به صورت دقیق منتخب می‌شوند. با استفاده و عملیاتی کردن راهبردها می‌توان به مقوله محوری جامع عمل پوشاند. در جدول ۷ راهبردهای تحقیق طبقه‌بندی شده اند:

جدول ۷: کدهای باز و مقوله‌های مربوط به راهبردها

پارادایم	مقوله کلان	زیر مقوله	مفهوم
راهبردها	تخصیص منابع پولی	تخصیص بهینه	کاربرد تمام منابع پولی باشگاه و تخصیص مطلوب آن به منظور به حداکثر رساندن کارایی فعالیت‌ها و دستیابی به اهداف
		ارزیابی مالی	ارزیابی صحیح تخصیص منابع پولی متناسب با برنامه‌های اقتصادی باشگاه
		بازیکنان	کارکرد اقتصادی برنامه‌های مالی به طریقی باشد که سرمایه-گذاری بر تیم‌های پایه و جذب استعدادها صورت پذیرد تا

در میان مدت و بلندمدت منافع مالی طریق انتقال بازیکنان		
برای باشگاه فراهم شود		
با توجه به وضعیت اقتصادی کشور و کاهش منابع مالی در		
فوتبال برنامه ریزی ها و کارکردهای مالی به سمت پرورش و	مربیان	
به کارگیری مربیان داخلی پیش یرو		
پیش بینی از میزان نقدینگی باشگاه و برنامه ریزی نیازهای	پیش بینی	
پولی مالی می تواند در اجرای برنامه ها کمک کننده باشد	نقدینگی باشگاه	
وکسری بودجه رخ ندهد		
برنامه ریزی مربوط به تامین مالی باشگاه با کمترین هزینه	تامین نقدینگی	برنامه ریزی
میزان هزینه ها و جریان نقدینگی در امور داخلی باشگاه باید	اداره جریان	نقدینگی
براساس برنامه ریزی دقیق انجام پذیرد و بخش های کلیدی	منابع مالی	
برای تخصیص هزینه مشخص گردد	داخلی	
اولویت های سرمایه گذاری اقتصادی باشگاه در بخش های مختلف	اولویت سرمایه -	
از جمله سرمایه گذاری در بخش های عمرانی، خدمات، تبلیغات	گذاری	
و... در برنامه ریزی اقتصادی در نظر گرفته شود		
تدوین برنامه های تشویقی و ترغیبی از جمله تضمین های	جذب	
اقتصادی و... برای جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی	سرمایه گذار	
شرایطی محیا شود که نرخ بازده سرمایه گذاری توسط حامیان	حمایت از	برنامه سرمایه ای
مالی مثبت باشد تا حمایت اقتصادی بیشتری را از طرف	سرمایه گذار	
حامیان ایجاد شود		
جمع آوری سرمایه های جزیی و پراکنده و انباشت آن برای		
تجهیز منابع مالی باشگاه	بورس	
تامین منابع مالی باشگاه به سرعت و سهولت		

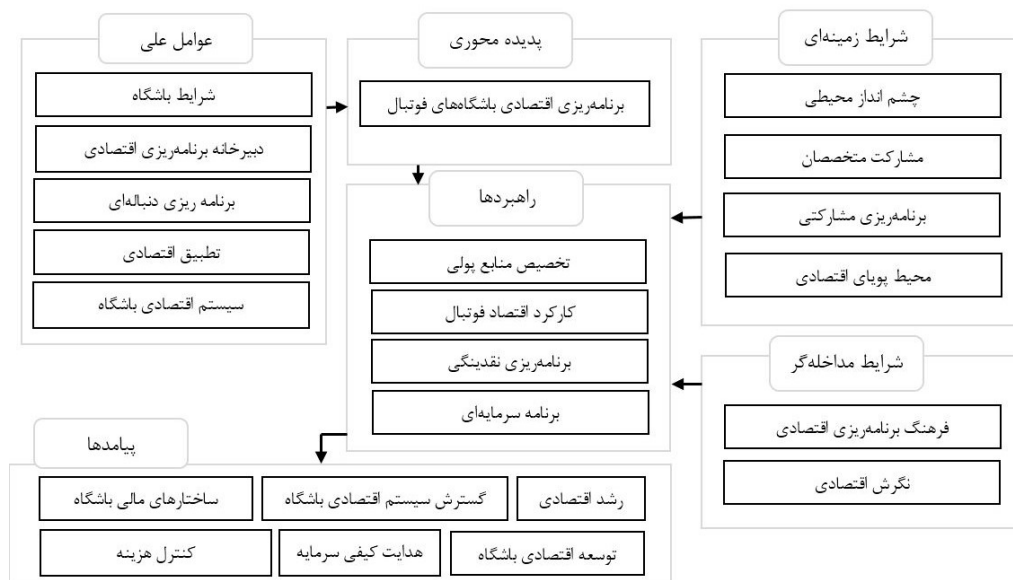
پیامدها

مطلعان کلیدی در پاسخ به سوالات مرتبط با پیامدها و نتایجی که برگرفته از کنش های متناسب با شرایط و زمینه ها وجود داشته توضیحات و مصادیقی را بیان کردند که کدهایی از عبارات آنها استخراج و برچسب گذاری شده است. در ادامه این کدها پالایش شد و مهمترین آنها، کدهای نهایی پیامدهای برنامه ریزی اقتصادی باشگاه های فوتبال را شکل داد. در جدول زیر ۵ مقوله کلان و ۱۱ زیر مقوله نشان داده شده است:

جدول ۸: کدهای باز و مقوله‌های مربوط به پیامدها

پارادایم	مقوله کلان	زیر مقوله	مفهوم
پیامدها	رشد اقتصادی	محصولات	ایجاد محصولات متنوع با برند باشگاه در راستای درآمدزایی و برنامه‌های رشد اقتصادی باشگاه
		ورزشی	تحول در تولید و معرفی محصولات ورزشی بابرند باشگاه از اثرات برنامه‌ریزی اقتصادی می‌تواند باشد
		خدمات ورزشی	برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه اثرات بلندمدت اقتصادی همچون ارائه خدمات ورزشی با برند باشگاه به هواداران و مشتریان خواهد داشت
		گسترش سیستم اقتصادی باشگاه	برنامه‌ریزی اقتصادی می‌تواند موجب گسترش ساختارهای اقتصادی و سیستم‌های مالی از جمله زیر ساخت‌های اقتصادی باشگاه، دارایی‌های سرمایه‌ای، حسابداری مالی و... شود
	ساختارهای مالی باشگاه	سودآوری باشگاه	پیش‌بینی سود بر اثر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی میسر خواهد شد شاخص سودآوری باشگاه بر اثر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه ارتقا پیدا می‌کند
		ساختار مالی	دستیابی باشگاه به یک سیستم مالی موزون و هماهنگ که توانایی اجرای برنامه‌ها و برطرف کردن شرایط نامطلوب را داشته باشد
		هماهنگ	برنامه‌ریزی اقتصادی فرایندی است که به موجب اجرای آن درآمدهای باشگاه از شقوق مختلف افزایش می‌یابد
	توسعه اقتصادی باشگاه	درآمدزایی	افزایش منابع مالی باشگاه در میان‌مدت و بلندمدت
		گسترش	گسترش زیر ساخت‌های اقتصادی باشگاه در زمینه تنوع خدمات و محصولات باشگاه به هواداران، اماکن ورزشی و..
		بهبود	تحقق اهداف مطلوب اقتصادی و بهبود کسب و کار باشگاه از شقوق مختلف
کنترل هزینه	هدایت کیفی سرمایه‌ها	هدایت کیفی	منابع مالی و سرمایه‌های باشگاه بر اثر برنامه‌ریزی اقتصادی در مسیر بهبود کارایی و افزایش کیفیت برنامه‌ها صرف خواهد شد
		سرمایه‌های باشگاه	براساس برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه، هزینه‌هایی همچون دستمزد بازیکنان، کادر فنی، هزینه تمرینات و هزینه‌های متغیر دیگر کنترل می‌شود
	هزینه پنهان	هزینه آشکار	براساس برنامه‌ریزی‌های اقتصادی هزینه‌های مربوط به زمان‌ها و فرصت‌های صرف شده توسط نیروی انسانی و مدیران باشگاهی
		هزینه پنهان	کاهش پیدا می‌کند و بهره‌وری نیز می‌تواند بهبود یابد

کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه پردازی داده بنیاد است که محقق براساس نتایج کدگذاری باز و محوری به ارائه نظریه می پردازد. در مرحله کد گذاری انتخابی، فرایند تکوین الگوی کیفی طی و هماهنگ سازی داده ها پیرامون پدیده اصلی تحقیق انجام شد و نظریه براساس الگوی ارائه شده توسط استراوس و کوربین شکل گرفت (شکل ۱):



شکل ۱: الگوی کیفی برنامه ریزی اقتصادی باشگاه های فوتبال کشور

در مورد روایی تحقیقات کیفی نظریات متفاوتی وجود دارد. برخی محققان اعتقاد دارند روایی تحقیقات کیفی با روایی کمی ارتباطی ندارد و به علت اینکه مفروضات شناخت شناسی و هستی شناسی معیارهای کمی و کیفی متفاوت است، مفهوم روایی در مطالعات کیفی باید نادیده گرفته شود. برخی محققان نیز به مفاهیمی همچون باورپذیری، قابل دفاع و امانت دار بودن نظر دارند. در بین تحقیقات کیفی هیچ آزمون استاندارد برای مشخص کردن روایی وجود ندارد و ماهیت تحقیق توسط پژوهشگر مشخص و جرح و تعدیل می شود. در تبیین الگوی کیفی تحقیق با توجه به رسیدن به اشباع نظری و تجزیه و تحلیل همزمان با جمع آوری داده ها و اینکه نظرات اصلاحی جمعی از متخصصان علمی در بخش های مختلف کدگذاری مورد استناد قرار گرفته، روایی الگو نیز تایید شد. با توجه به اینکه نظرات متخصصان مشارکت کننده در تمامی مراحل و فرایندهای اعمال شده، می توان گفت پایایی مورد قبول به خوبی برآورده گردیده است.

بحث و نتیجه گیری

در سال های اخیر شاهد ضعف های مالی و اقتصادی در باشگاه های فوتبال کشور هستیم و این موضوع نقش برجسته برنامه ریزی اقتصادی را گوشزد می کند. باشگاه های فوتبال جهت رشد مالی و تحقق اهداف خود نیازمند پیروی از الگو برنامه ریزی

اقتصادی با توجه به شرایط محیطی و زمینه‌ای باشگاه می‌باشند. مدیران باشگاه‌های فوتبال باید تصمیمات سرمایه‌ای خود را براساس راهبردها و برنامه‌های اقتصادی پیش بگیرند. با توجه به اهمیت این موضوع هدف اصلی تحقیق حاضر ارائه الگوی کیفی برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال کشور بود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که پدیده برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال متأثر از عوامل گوناگونی است که در شرایط علی، مداخله‌ای و زمینه‌ای قابل طبقه‌بندی است که در الگوی استخراج شده براساس شکل ۱ مشخص شده است. در این تحقیق مدیریت علمی، تدریجی بودن، هدایت منظم، برنامه مبتنی بر آگاهی، تغییرات محدود و خلاق و نوآور بودن به عنوان مولفه‌های اصلی برنامه‌ریزی اقتصادی مشخص شدند؛ به این معنی که برنامه‌ریزی اقتصادی به مفهوم هدایت علمی کارها منتج به ایجاد ساختارهای متوازن اقتصادی در باشگاه می‌شود که براساس الگوی ارائه شده، برنامه‌ریزی‌های اقتصادی به واسطه روندی خلاق و نوآور تغییرات تدریجی و محدودی را ایجاد می‌کند که زیربنای توسعه مالی بلندمدت برای باشگاه خواهد بود.

نتایج حاصل از الگوی کیفی پژوهش نشان داد که شرایط باشگاه (نیروی انسانی، آگاهی‌های علمی باشگاه و سوابق باشگاه)، دبیرخانه برنامه‌ریزی اقتصادی (دبیرخانه تخصصی، اعضای متخصص و نظام برنامه‌ریزی)، برنامه‌ریزی دنباله‌ای (وضعیت موجود و وضعیت نامطلوب)، تطبیق اقتصادی (شرایط تورم و ساختار اقتصادی)، سیستم اقتصادی باشگاه (برنامه‌محور و توسعه‌محور) به عنوان شرایط علی شناسایی شدند. این یافته‌ها به این نکته اشاره دارد که ایجاد دیدگاه توسعه‌ای در سیستم اقتصادی می‌تواند تدوین برنامه‌های مالی باشگاه را هدایت نماید و رویکرد برنامه‌محوری با هماهنگی و تطبیق برنامه‌ها با ساختارهای مالی می‌تواند اجرای برنامه را تسهیل کند. همچنین با مطالعه و بررسی وضعیت اقتصادی باشگاه، هر نقطه که دارای وضعیت نامطلوب می‌باشد باید برنامه‌ریزی مجدد شود و با تطبیق شرایط تورمی، برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه را بهبود بخشید. در تایید این یافته، ژنگ^۱ و همکاران (۲۰۱۸) بیان کردند که بهبود ساختارهای اقتصادی و تعادل آن با حرفه‌ای‌سازی از اولویت‌های توسعه ورزش در چین می‌باشد.

نتایج حاصل از الگوی کیفی پژوهش نشان داد که چشم‌انداز محیطی (چشم‌انداز اقتصادی باشگاه و چشم‌انداز اجتماعی باشگاه)، مشارکت متخصصان (متخصصان علمی و متخصصان تجربی)، برنامه‌ریزی مشارکتی (مشارکت هواداران، مشارکت سرمایه‌گذاران و مشارکت ذینعان)، محیط پویای اقتصادی (آگاهی از مسائل اقتصادی و تسلط بر محیط اقتصادی ورزش) به عنوان شرایط زمینه‌ای شناسایی شدند. اگر برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه‌های فوتبال براساس فعالیت‌های علمی و تسلط بر متغیرهای اقتصادی تنظیم شود و متخصصان علمی در زمینه‌های مرتبط همچون بودجه‌ریزی، اقتصاد ورزش و... در برنامه‌ریزی‌ها مشارکت نمایند، راهبردهای مالی به صورت علمی و متناسب با ساختارهای باشگاه پیش خواهد رفت. همچنین اگر در طراحی الگوی‌های مالی برنامه‌ریزانی که شرایط مختلف اقتصادی باشگاه را در طول سالیان گذشته درک کرده‌اند، مشارکت داده شوند و نظرات تخصصی ذینفعان باشگاه نیز در نظر گرفته شود احتمالاً طرح‌ریزی، تصویب و اجرای برنامه‌ریزی اقتصادی باشگاه تسهیل می‌شود. مشارکت سرمایه‌گذاران اصلی باشگاه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه و اخذ نظراتشان می‌تواند حمایت آنان را بر اجرای بهتر

¹ Zheng

برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات اقتصادی به دنبال داشته باشد. امامی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی نشان دادند که برنامه‌های اقتصادی همچون فراهم کردن سود سرمایه‌گذار، توسعه بازاریابی، ایجاد سازوکار اقتصادی و ثبات و قدرت اقتصادی و پیامدهای حاصل از آن همگانی شدن ورزش، افزایش تعداد تماشاچیان، افزایش تعداد سرمایه‌گذاران و ایجاد ظرفیت‌ها و شاخص‌های اقتصادی را در پی خواهد داشت.

نتایج حاصل از الگوی کیفی پژوهش نشان داد که فرهنگ برنامه‌ریزی اقتصادی (ذهنیت فرهنگی مدیران باشگاه و فرهنگ توسعه اقتصادی)، نگرش اقتصادی (نگرش اقتصادی مدیران باشگاه) به‌عنوان شرایط مداخله‌گر شناسایی شدند. اگر نگرش اقتصادی مدیران باشگاه مبتنی بر ضرورت ایجاد و طرح‌ریزی برنامه‌ریزی اقتصادی باشد و ذهنیت‌های فرهنگی آنان نیز براساس باور به برنامه‌ریزی شکل بگیرد، احتمالاً با ایجاد و حاکم شدن فرهنگ توسعه اقتصادی در باشگاه نگرش اقتصادی در تمامی اجزا و ارکان باشگاه پدیدار می‌شود. نتایج حاصل از الگوی کیفی پژوهش نشان داد که تخصیص منابع پولی (تخصیص بهینه و ارزیابی مالی)، کارکرد اقتصاد فوتبال (بازیکنان و مربیان)، برنامه‌ریزی نقدینگی (پیش‌بینی نقدینگی باشگاه، تامین نقدینگی و اداره جریان منابع مالی داخلی)، برنامه سرمایه‌ای (اولویت سرمایه‌گذاری، جذب سرمایه‌گذار، حمایت از سرمایه‌گذار و بورس) به‌عنوان راهبرد شناسایی شدند. اگر برنامه‌های مالی به طریقی باشد که سرمایه‌گذاری بر تیم‌های پایه و جذب استعدادهای صورت پذیرد، می‌تواند در میان‌مدت و بلندمدت منافع مالی از طریق انتقال بازیکنان برای باشگاه فراهم شود. در همین راستا تر تولینو و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که در لیگ فوتبال برزیل برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و هزینه‌های مالی باشگاه‌ها برای فوتبال بسیار مهم است و ارزش سرمایه‌گذاری شده در دستمزدها عامل موثر برای موفقیت می‌باشد. براساس یافته‌های حاصل از الگوی کیفی تحقیق با پیش‌بینی میزان نقدینگی باشگاه و برنامه‌ریزی نیازهای پولی مالی می‌توان از کسری بودجه جلوگیری کرد. میزان هزینه‌ها و جریان نقدینگی در امور داخلی باشگاه اگر براساس برنامه‌ریزی دقیق انجام پذیرد و بخش‌های کلیدی برای تخصیص هزینه مشخص گردد و اولویت‌های سرمایه‌گذاری اقتصادی باشگاه در بخش‌های مختلف از جمله سرمایه‌گذاری در بخش‌های عمرانی، خدمات، تبلیغات و... در نظر گرفته شود، احتمالاً نتایج کارکردهای اقتصاد تبلور پیدا خواهد کرد. همچنین اگر برنامه‌های تشویقی و ترغیبی از جمله تضمین‌های اقتصادی و... برای جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و شرایطی مهیا شود و نرخ بازده سرمایه‌گذاری توسط حامیان مالی مثبت باشد می‌تواند حمایت اقتصادی بیشتری را از طرف حامیان جلب نماید. در همین راستا بنیک^۱ و همکاران (۲۰۱۹) با ترسیم مدل تجارت فوتبال حرفه‌ای نشان دادند که در فوتبال دانمارک باشگاه‌ها برنامه‌های خاصی را به منظور بهینه‌سازی شانس موفقیت ایجاد کرده‌اند. این برنامه‌ها شامل توسعه استعدادهای حامیان مالی جذاب و سهام‌شاور است که نقل و انتقالات بین‌المللی و منافع اقتصادی را در بر داشته است.

نتایج حاصل از الگوی کیفی پژوهش نشان داد که رشد اقتصادی (محصولات ورزشی، خدمات ورزشی، گسترش سیستم اقتصادی باشگاه و سودآوری)، ساختارهای مالی باشگاه (ساختار مالی هماهنگ و درآمدزایی)، توسعه اقتصادی باشگاه (گسترش و بهبود)، هدایت کیفی سرمایه (هدایت کیفی سرمایه‌های باشگاه)، کنترل هزینه (هزینه آشکار و هزینه پنهان) به‌عنوان

¹ Bennike

پیامدها شناسایی شدند. برنامه‌ریزی اقتصادی می‌تواند موجب گسترش ساختارهای اقتصادی و سیستم‌های مالی از جمله زیرساخت‌های اقتصادی باشگاه، دارایی‌های سرمایه‌ای، حسابداری مالی و... شود و با دستیابی باشگاه به یک سیستم مالی موزون و هماهنگ که توانایی اجرای برنامه‌ها و برطرف کردن شرایط نامطلوب را داشته باشد، هزینه‌های مربوط به زمان‌ها و فرصت‌های صرف‌شده نیروی انسانی و مدیران باشگاهی را کاهش دهد و بهره‌وری را نیز بهبود بخشد. همچنین گسترش زیرساخت‌های اقتصادی باشگاه در زمینه تنوع خدمات و محصولات باشگاه به هواداران و.. احتمالاً می‌تواند تحقق اهداف مطلوب اقتصادی و بهبود کسب و کار باشگاه از شقوق مختلف را در پی داشته باشد. ولنتی^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی نشان دادند که توسعه اقتصادی یک کشور پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی برای عملکرد در ورزش فوتبال است و توسعه اقتصادی فوتبال پیامدی از توسعه اقتصادی در کلان می‌باشد.

براساس نتایج حاصل از رویکرد کیفی این تحقیق توصیه می‌شود دسترسی باشگاه‌های فوتبال به تخصص فنی و علمی برنامه‌ریزی اقتصادی و بکارگیری دانش اقتصادی ارتقا یابد و رویکردهای سنتی باشگاه‌داری دستخوش تغییر شود تا تداوم حیات باشگاه‌های فوتبال در دوران نوین حفظ شود و با تخصیص منابع مناسب به حدکثر کارایی برسد. به هر حال باشگاه‌های فوتبال در حال حاضر با بحران‌های قابل توجه در ابعاد مختلف از جمله بدهی‌های ناشی دستمزد بازیکنان و مربیان و بدهی‌های ناشی از قراردادهای مالی به اشخاص حقیقی و حقوقی مواجه‌اند و انعکاس این گونه ضعف‌های مالی باشگاه احساس نامطلوبی را در بین کادر فنی تیم‌ها و هواداران و سایر ذی‌نفعان ایجاد می‌کند. از طرفی، مدیران باشگاه‌ها نیز دوران مدیریت خود را کوتاه می‌پندارند و فرصت بلندمدتی را برای اجرای برنامه‌های اقتصادی متصور نیستند. لذا توصیه می‌شود برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باشگاه از حالت شخص‌محوری خارج شود و توسط دبیرخانه‌های اقتصادی هر باشگاه دنبال شود و با تغییر مدیران برنامه‌های اقتصادی دستخوش تغییر نشوند و همان مسیر قبلی طرح‌ریزی‌شده استمرار پیدا کند. همچنین توصیه می‌شود با هدایت کیفی، منابع مالی و سرمایه‌های باشگاه به واسطه برنامه‌ریزی اقتصادی در مسیر بهبود کارایی و افزایش کیفیت برنامه‌ها صرف شود.

از محدودیت‌های تحقیق می‌توان به محدودیت در قلمرو تحقیق اشاره کرد که تنها برنامه‌ریزی اقتصادی در باشگاه‌های لیگ برتر فوتبال ایران مورد بررسی قرار گرفت. پیشنهاد می‌شود برای تحقیقات آینده موانع مدیریتی و سیاسی اجرای برنامه‌ریزی اقتصادی در باشگاه‌های فوتبال مورد مطالعه قرار بگیرد.

منابع

- امامی، ابوالفضل؛ امامی، فرشاد و افشاری، مصطفی. (۱۳۹۹). «مدل پارادیمی توسعه سرمایه‌گذاری در ورزش». نشریه مدیریت ورزشی. ۱۲(۳)، صص ۷۵۹-۷۸۸.
- لشکری، محمد (۱۳۹۸). توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی. انتشارات دانشگاه پیام نور
- Arnold, A. J. & Benveniste, I. (1987). "Wealth and Poverty in the English Football League". Accounting and Business Research, 17(67), 195-203.

¹ Valenti

- Bennike, S. Storm, R. K. Wikman, J. M. Ottesen, L. S. (2019). **“The organization of club football in Denmark – a contemporary profile”**. Soccer & Society. 1–21.
- Ervedosa, C. (2018). **“Elective affinities: interdiscursive dynamics between football, the economy and nationalism in Germany”**. National Identities .1–22.
- Gropper, C. C. Anderson, B. C. (2018). **“Sellout, Blackout, or Get Out: The Impacts of the 2012 Policy Change on TV Blackouts and Attendance in the NFL”**. Journal of Sports Economics. 19(4).522–561.
- Helokumpu, Elmo. (2020). **“The impact of training compensations and solidarity payments on economic performance of Finnish football clubs”**. LUT School of Business and Management.
- Humphreys, Brad R. Rodney J. Paul, and Andrew P. Weinbach. (2013). **“Consumption Benefits and Gambling: Evidence from the NCAA Basketball Betting Market”**. Journal of Economic Psychology 39(2): 376–386.
- Kang, N. (2014). **“The Input-Output Real-Time Tabulation and Modernized Enterprise Management”**. American Journal of Economics, 4, 240-256.
- Núñez-Pomar, J.M. Calabuig-Moreno, F. Rodríguez-Guerrero, P. (2018). **“Sports economics and management: An analysis of five journals indexed in the JCR”**. Journal of Sports Economics & Management. 8(3). 150-171.
- Rohde, M. Breuer, C. (2018). **“Competing by investments or efficiency? Exploring financial and sporting efficiency of club ownership structures in European football”**. Sport Management Review .21(5) .563–581.
- Tertuliano, I. Lima, E., Oliveira, V. Santana, B., Pavlović, V. & Machado, A. (2020). **“Sport management in Emerging Economy: Squad size, Expenses and Results – Case of the Brazilian Football League”**. Management: Journal Of Sustainable Business and Management Solutions In Emerging Economies, 25(1) .57-66.
- Valenti, M. Scelles, N. & Morrow, S. (2019). **“Elite sport policies and international sporting success: a panel data analysis of European women’s national football team performance”**. European Sport Management Quarterly .1–21.
- Wan, K.-M. Ng, K.-U. Lin, T.-H. (2020). **“The Political Economy of Football: Democracy, Income Inequality, and Men’s National Football Performance”**. Social Indicators Research. doi:10.1007/s11205-020-02410-y.
- Winters, K. C. & Derevensky, J. L. (2020). **“A review of sports wagering: Prevalence, characteristics of sports bettors, and association with problem gambling”**. Journal of Gambling Issues .43 .102–127.
- Xue, H. Watanabe, N. M. Chen, R. Newman, J. I. Yan, G. (2020). **“Football (as) Guanxi: a relational analysis of actor reciprocity, state capitalism, and the Chinese football industry”**. Sport in Society.1–26.
- Zheng, J. Chen, S. Tan, T.-C. & Lau, P. W. C. (2018). **“Sport policy in China (Mainland)”**. International Journal of Sport Policy and Politics, 1–23.

چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران

سمیه محمدی^۱

بهزاد ایزدی^۲

 [10.22034/ssys.2024.3265.3387](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3265.3387)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران بود. روش تحقیق از نوع (آمیخته) کیفی و کمی و به‌صورت تحلیل مضمون و جامعه آماری شامل صاحب‌نظران حوزه ورزش (رؤسا، نواب رئیس، دبیران و مدیران بازاریابی فدراسیون‌ها و مدیران و معاونان وزارت ورزش و جوانان) بود. روش نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند بود و مصاحبه عمیق با ۲۴ شرکت‌کننده تا اشباع نظری صورت گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تکنیک کدگذاری و نرم‌افزار NVIVO10 استفاده شد. پس از شناسایی چالش‌ها، با هدف رتبه‌بندی آن‌ها پرسش‌نامه AHP طراحی و در اختیار ۱۶ نفر از خبرگان صنعت ورزش و بازاریابی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان داد چالش‌های ساختاری جهت جذب حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای در ۱۰ مضمون و چالش‌های ساختاری جهت حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای در ۸ مضمون شناسایی و به روش AHP اولویت‌بندی شدند. در نهایت با توجه به نتایج به‌دست آمده، به مدیران پیشنهاد می‌شود هنگام تصمیم‌گیری در زمینه بازاریابی، به‌ویژه جذب و حفظ حامیان مالی، به پیامدهای بلندمدت آن برای سازمان توجه کنند. تصمیماتی که آگاهانه و با دقت گرفته می‌شود، می‌تواند افراد را برای دستیابی به اهداف مشترک سازمانی گرد هم آورد.

واژگان کلیدی: تحلیل مضمون، اولویت‌بندی، چالش ساختاری، حامی مالی و ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول) [E-mail: B.izadi@uok.ac.ir](mailto:B.izadi@uok.ac.ir)

مقدمه

ورزش یکی از پرطرفدارترین پدیده‌های اجتماعی عصر حاضر می‌باشد که توجه اقشار مختلف جامعه را به خود جلب می‌کند. همین گستردگی و تنوع مخاطب سبب شده تا سازمان‌های تجاری و صنعتی علاقمندی زیادی نسبت به استفاده از رقابت‌ها و سازمان‌های ورزشی برای معرفی کالاها و خدمات خود داشته باشند. این علاقمندی بستری را فراهم می‌آورد که بر اساس آن یک رابطه برد-برد میان شرکت‌های تجاری و صنعتی، از یک سو و باشگاه‌ها و موسسات مرتبط با ورزش، از سوی دیگر شکل بگیرد که در صنعت ورزش به حمایت ورزشی (اسپانسرشیپ^۱) معروف می‌باشد (رشید لمیر و همکاران، ۱۳۹۶).

ورزش حرفه‌ای، به «فعالیت‌های ورزشی و سازمان‌یافته‌ای گفته می‌شود که به صورت رتبه‌مند و هدفمند، به منظور کسب درآمد برای توسعه ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی انجام می‌گردد» (احسانی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین ویژگی‌های معمول در میان ورزش‌های حرفه‌ای شامل پایگاه‌های بزرگ طرفداران، درخواست گسترده و پوشش رسانه‌ای گسترده است. در مقابل، ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای پشتیبانی محدودی از طرفداران و توجه رسانه‌ها دریافت می‌کنند (گرینهاگ، سیمونز، همبریک و گرینول^۲، ۲۰۱۱). ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای به عنوان ورزش‌هایی شناخته شده‌اند که ورزش اصلی نیستند و مخاطبان زیادی ندارند و شامل ورزش‌هایی مانند والیبال ساحلی، بسکتبال زنان و ... می‌شوند (گرینهاگ، مارتین و اسمیت^۳، ۲۰۲۱). سازمان‌های ورزش حرفه‌ای می‌توانند در کنار اهداف حرفه‌ای خود توسعه و ترویج ورزش‌های تیمی یا انفرادی یا هر دو را بر عهده بگیرند. در ورزش حرفه‌ای ورزشکاران در ازای شرکت در برنامه‌های تمرینی و مسابقات ورزشی وجهی دریافت می‌کنند که از آن به عنوان هزینه زندگی و سایر موارد استفاده می‌شود. وقتی صحبت از ورزش حرفه‌ای می‌گردد، منظور فعالیت‌های ورزشی است که حمایت مالی را برای افراد درگیر در آن به همراه دارد (رغبتی و همکاران، ۲۰۱۸). از طرفی، می‌توان بیان کرد در ایران ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای به عنوان ورزش‌هایی شناخته شده‌اند که با توجه به وسعت فعالیت حرفه‌ای شان اما توجه ویژه رسانه‌ها را دریافت نمی‌کنند و پشتیبانی محدودی از سمت طرفداران دارند. بنابراین درآمد قابل توجهی را از طریق قراردادهای رسانه‌ای، فروش بلیط یا فروش کالا دریافت نمی‌کنند مانند رشته‌های تنیس روی میز، تکواندو، شطرنج و ... البته باید توجه داشت که محبوبیت و وضعیت "حاشیه‌ای" بودن یک ورزش می‌تواند بسته به منطقه جغرافیایی و فرهنگ متفاوت باشد. برای مثال، کریکت در هند یک ورزش اصلی محسوب می‌شود، در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر یک ورزش حاشیه‌ای است.

1 Sponsorship

2 Greenhalgh, Simmons, Hambrick, and Greenwell

3 Greenhalgh, Martin & Smith

در حال حاضر نیز حامیان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی نهادها و مالکان ورزشی در ایران هستند. ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای^۱ به شدت به منابع دریافت شده از طریق حامی مالی وابسته هستند، زیرا بعید است درآمد قابل توجهی را از طریق قراردادهای رسانه‌ای، فروش بلیط یا فروش کالا، به ویژه در مقایسه با ورزش‌های حرفه‌ای اصلی^۲ جذب کنند. علاوه بر این، ورزش‌های حاشیه‌ای در حال رقابت برای جذب حامیان مالی مشابه با هم‌تایان ورزش‌های اصلی هستند. با این حال، مشخص شده است که ورزش‌های حاشیه‌ای، توانایی ارائه حامیان مالی با جمعیتی خاص از طرفداران در مقایسه با ورزش‌های اصلی را دارند (گرینهاگ، مارتین و اسمیت، ۲۰۲۱). اگرچه ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای معمولاً فاقد جذابیت رسانه‌های جمعی برخلاف ورزش‌های اصلی هستند، اما به حامیان مالی این فرصت را می‌دهند که با پیام حمایتی خود بیشتر مورد هدف قرار گیرند (گرگ و همکاران^۳، ۲۰۱۳). ورزش‌های حاشیه‌ای اغلب طرفداران همگن‌تری نسبت به طرفداران گسترده ورزش‌های اصلی رایج‌تر، با توجه به جمعیت (سن، جنسیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی-اقتصادی و قومیت) و روان‌شناختی (نگرش‌ها، باورها و احساسات) جذب می‌کنند (استوتلار^۴، ۲۰۰۹). برخی از بازاریابان معتقدند که حمایت مالی از ورزش حرفه‌ای اصلی به آنها کمک نمی‌کند تا به مخاطبان هدف خود دست یابند. به عنوان مثال، سوبارو^۵ دلیل عدم تبلیغ خود را در طول سوپر بول^۶ این بیان کرده است که تنها ده درصد از بینندگان آن با مشخصات جمعیتی و روان‌شناسی مطابق با برند خود مطابقت دارد. در عوض، سوبارو ترجیح می‌دهد از انجمن بین‌المللی دوچرخه‌سواری کوهستان حمایت مالی کند که ۳۲۰۰۰ عضو آن تقریباً همگی با مشخصات جمعیتی و روان‌شناختی مشتریان سوبارو مطابقت دارند (برنر^۷، ۲۰۰۳). بسیاری از بازاریابان نشان داده‌اند که مخاطبان هدفمندتر ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ممکن است جذابیت قابل توجهی برای حامیان مالی باشد (فولرتون^۸، ۲۰۱۰؛ هاناس^۹، ۲۰۰۷؛ کوجیما^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ گرگ و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین حمایت به عنوان ستون فقرات مالی بسیاری از ویژگی‌های ورزشی توصیف شده است و می‌تواند عنصر اصلی در تصویر یک رویداد باشد. در آمریکای شمالی، یک رویداد ورزشی بدون حمایت اغلب به عنوان یک رویداد درجه دو تلقی می‌شود و اهمیت کمی دارد (لامونت و داول^{۱۱}، ۲۰۰۷).

نظر به این که رشد مداوم هزینه‌های حمایت مالی جهانی در طول چند سال گذشته نشان‌دهنده ارتباط فزاینده حمایت مالی به عنوان یک ابزار ارتباطی در پرتو بازاریابی سازمان‌هاست و با توجه به ارتباط اقتصادی رو به

1 Professional niche sports

2 mainstream

3 Greg et al.

4 Stotlar

5 Subaru

6 Super Bowl

7 Brenner

8 Fullerton

9 Hanas

10 Kojima

11 Lamont & Dowell

رشد آن، حمایت مالی ورزشی به عنوان یک تصمیم بازاریابی راهبردی در نظر گرفته می شود که نیاز به برنامه ریزی راهبردی دارد (کورنول و کون^۱، ۲۰۱۹). بنابراین، کسب حمایت مالی یکی از مهم ترین وظایف هر مدیر ورزشی است.

۱ اصولاً حمایت های ورزشی در ایجاد درآمد چشمگیر برای باشگاه ها و لیگ های ورزشی مؤثر هستند (کورونیوس^۲ و همکاران (۲۰۲۰). طبق اطلاعات ارائه شده توسط مرکز تحقیقات تبلیغات جهانی (هندلی^۳، ۲۰۱۸)، شرکت ها در سطح بین المللی ۶۵/۸ میلیارد دلار در قراردادهای حمایت مالی در سال ۲۰۱۸ پرداخت کردند که بیشترین بخش از دارایی ها صرف ورزش شد. علاوه بر این، طبق پیش بینی های آژانس بین المللی بازاریابی ورزشی انتظار می رود که بازار جهانی حمایت از ورزش به ۸۶/۶۰ میلیارد دلار برسد (متیو^۴، ۲۰۲۰). بدون تردید فرایند توسعه و ترویج رشته های ورزشی به صورت همگانی و نیز قهرمانی نیازمند سرمایه گذاری و برخورداری از منابع مالی به غیر از اعتبارهای دولتی تخصیص یافته می باشد. برای این منظور حامیان مالی نقش کلیدی دارند و پیدا کردن چالش های ساختاری جهت جذب و حفظ حامیان مالی برای سرمایه گذاری در ورزش های حرفه ای یکی از اهداف اصلی سازمان های ورزشی کشور می باشد. در میان سازمان های ورزشی موجود، فدراسیون های ورزشی از جمله سازمان هایی هستند که مدیران آنها مسئولیت فراوانی درباره اهداف سازمان ها و به کارگیری منابع برای دستیابی به آن اهداف جایگاه ویژه را دارند. توسعه کمی و کیفی ورزش حرفه ای در کشور ما نیازمند سازمان های ورزشی اثربخش و مدیران لایق، کارآمد و شایسته است. تحقق اثربخشی سازمان های ورزشی در گرو مدیران ورزشی است که به توان آنان در محیط های خاص بستگی دارد که "سازمان" نامیده می شود (بوسارد و همکاران^۵، ۲۰۲۱).

یکی از مشکلات مربوط به جذب حامی مالی در ورزش کشورمان ایران، تمایل شرکت های بزرگ و سرمایه داران برای حمایت از رویدادهایی است که تماشاگران و گردش مالی بیشتری دارند. در این راستا یکی از منابع درآمدی در ورزش حرفه ای کشور که بیشترین درآمد را برای سازمان ها و باشگاه های ورزشی کشور به همراه دارد، حامیان مالی هستند. حمایت مالی از ورزش به ویژه ورزش حرفه ای، بحثی است که سالهاست مورد توجه بوده و روز به روز بر اهمیت آن افزوده می شود. بدیهی است چرخه سرمایه، حامیان مالی و ورزش اگر با تعامل مثبت و اصولی در کنار هم قرار گیرند، باعث رشد و گسترش یکدیگر می شوند و پیامدهای آن موجب رشد ورزش کشور و در نهایت ایجاد اشتغال می گردد (شعبانی و همکاران، ۱۴۰۲).

مرور گسترده ادبیات نشان می دهد علی رغم پژوهش های زیادی که در زمینه حامی مالی ورزشی انجام شده، محققان مدیریت ورزشی داخلی مشخصاً و به صورت ویژه به شناسایی چالش های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش های حرفه ای حاشیه ای و پیامدهای آن در صنعت ورزش کشور تمایلی نشان نداده اند. علاوه بر

¹ Cornwell & Kwon

² Koronios

³ Handley

⁴ Matthew

⁵ Broussard et al.

این، این حوزه تحقیقاتی در میان محققان مدیریت ورزشی خارجی نیز به تازگی مورد توجه قرار گرفته و بیشتر تمرکز تحقیقات روی رشته‌های ورزشی است که بنابر فرهنگ موجود در آن کشورها حرفه‌ای حاشیه‌ای تلقی می‌شوند.

با توجه به مطالب فوق مبنی بر اهمیت حامی مالی برای تیم‌ها و سازمان‌های ورزشی، درحالی که باشگاه‌های ورزشی، راه‌های محدودی برای کسب درآمد دارند و بسیاری از باشگاه‌های ورزشی همیشه در توجیه دلایل ناکامی‌ها و شکست تیم‌های خود به عواملی همچون کمبود اعتبارات و بودجه مالی اشاره می‌کنند، بررسی چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای از این منظر اهمیت دارد که نهادهای ذیربط صنعت ورزش بهتر بتوانند محیط را برای جلب سرمایه‌گذاری فراهم آورند؛ اما با توجه به اهمیت و جایگاه حامیان مالی در بخش ورزش و نظر به رویکرد بلندمدت و دائمی به آن در ورزش حرفه‌ای به نظر می‌رسد در ایران از نقش حامیان مالی در پیشبرد اهداف ورزش، به اندازه کافی بهره‌برداری نشده است. در این راستا، ایجاد محیطی سالم و مناسب برای جذب و حفظ حامی مالی در ورزش حرفه‌ای حاشیه‌ای لازم و ضروری است. همچنین مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در ورزش و اجرای راهبردهای برنامه‌ریزی شده روند مطلوبی در ورزش کشور نداشته است (امامی و همکاران، ۲۰۲۰). به عنوان مثال، دولت‌ها و مسئولان در مقاطع زمانی مختلف پروژه‌های ورزشی را آغاز کرده‌اند که شاید مبنای آن درست نباشد و هر مسئولی وجود چنین پروژه‌هایی را میراث دولت قبلی خود معرفی می‌کند. عدم سرمایه‌گذاری در ورزش و کمبود امکانات ورزشی در ایران یک واقعیت غیرقابل انکار است (عسکرزاده و حیدری‌نژاد، ۱۳۸۹). شواهد موجود مؤید وضعیت بد در کشور است و در این شرایط یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه‌های غلبه بر رکود و رشد در این شرایط، جذب منابع مالی است. البته دستیابی به نتایج مطلوب در این زمینه مستلزم برنامه‌ریزی گسترده مبتنی بر تحقیقات علمی و انطباق برنامه‌ها با نیازهای اساسی جامعه مورد مطالعه است (صادقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵). بدین منظور پژوهش حاضر با هدف پاسخگویی به این پرسش انجام پذیرفت:

چالش‌های ساختاری در جذب حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با ماهیت اکتشافی و با هدف بسط دانش و شناخت موجود در مورد چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای انجام شد. بنابراین پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و بر مبنای جستجوی داده‌ها، دارای ماهیت کیفی است و با روش تحلیل مضمون تفصیلی انجام شد. از میان انواع روش‌های تحقیق کیفی، روش تحلیل مضمون برای دستیابی به اهداف پژوهش، مناسب تشخیص داده شد، زیرا براون و همکاران^۱ (۲۰۱۶) معتقدند که این روش برای درک فرایندهای فردی یک پدیده خاص، مفید است. تحلیل مضمون، یکی از روش‌های بسیار کارآمد در تحلیل کیفی است. این روش برای شناسایی، تحلیل و گزارش

^۱ Braun et al.

دادن الگوهای (مضامین) موجود در داده‌ها (تعدادی مصاحبه با یک متن) به کار می‌رود (براون و همکاران، ۲۰۱۶). جامعه آماری پژوهش شامل صاحب‌نظران حوزه ورزش شامل رؤسا، نواب رئیس، دبیران و مدیران بازاریابی فدراسیون‌ها و مدیران و معاونان وزارت ورزش و جوانان، معاون مرکز مشارکت‌ها، سرمایه‌گذاری و اقتصاد ورزشی وزارت و کارگروه مربوطه (دارای حداقل ۱۰ سال سابقه کار در حوزه ورزش حرفه‌ای) بود (۱۶۸ نفر). از این رو، در پژوهش حاضر روش نمونه‌گیری هدفمند برای مشخص کردن نمونه‌ها استفاده شد و نمونه‌گیری تا مرحله اشباع نظری صورت گرفت و برای اشباع داده‌ها با سه نمونه بیشتر نیز مصاحبه انجام گرفت. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مصاحبه‌شده به تفکیک جنسیت، سن و ... در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

مشارکت‌کننده	جنسیت	سن	تحصیلات	سابقه کار (سال)	فدراسیون/ وزارت	سمت
P1	زن	۴۵	دکتری	۱۵	وزارت	معاون
P2	مرد	۵۴	دکتری	۲۲	فدراسیون	رئیس
P3	مرد	۴۲	دکتری	۱۰	فدراسیون	دبیر
P4	مرد	۴۷	دکتری	۲۲	فدراسیون	رئیس
P5	زن	۴۶	دکتری	۲۱	فدراسیون	نائب رئیس
P6	زن	۵۱	دکتری	۲۴	فدراسیون	نائب رئیس
P7	مرد	۴۳	دکتری	۱۸	فدراسیون	رئیس
P8	مرد	۴۲	دکتری	۱۴	فدراسیون	دبیر
P9	زن	۵۱	دکتری	۲۵	فدراسیون	رئیس
P10	زن	۳۹	دکتری	۱۶	وزارت	مدیر
P11	مرد	۴۱	دکتری	۱۳	وزارت	مدیر
P12	مرد	۵۸	کارشناس ارشد	۲۹	فدراسیون	رئیس
P13	مرد	۴۷	دکتری	۲۹	فدراسیون	دبیر
P14	مرد	۵۴	کارشناس ارشد	۲۷	فدراسیون	دبیر
P15	مرد	۴۰	دکتری	۱۵	فدراسیون	رئیس
P16	مرد	۴۲	دکتری	۱۱	فدراسیون	دبیر
P17	زن	۴۶	کارشناس ارشد	۱۲	فدراسیون	نائب رئیس
P18	مرد	۴۵	کارشناس ارشد	۱۶	فدراسیون	دبیر
P19	مرد	۴۶	کارشناس ارشد	۱۴	وزارت	معاون
P20	مرد	۴۵	کارشناس ارشد	۱۰	وزارت	کارشناس مسئول
P21	مرد	۴۸	دکتری	۲۸	فدراسیون	رئیس

P22	مرد	۴۴	دکتری	۱۲	فدراسیون	مدیر
P23	مرد	۴۸	دکتری	۲۹	فدراسیون	مدیر
P24	مرد	۴۰	دکتری	۱۰	فدراسیون	مدیر

گفتنی است قبل از شروع مراحل اصلی انجام پژوهش (انجام مرحله کیفی) ابتدا پژوهشگر جهت تعیین ورزش‌های حرفه‌ای اصلی و حاشیه‌ای با طراحی پرسش‌نامه محقق ساخته‌ای به صورت آزمایشی و ارسال آن به کلیه فدراسیون‌ها (۵۳ فدراسیون) از آنها خواسته شد تا مشخص کنند که ورزش‌های زیرمجموعه فدراسیون مربوطه، حرفه‌ای اصلی هستند یا حرفه‌ای حاشیه‌ای که نتایج در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: تعیین نوع ورزش (حرفه ای اصلی / حرفه ای حاشیه ای)

ردیف	فدراسیون / ورزش مربوطه	حرفه ای اصلی	فدراسیون / ورزش مربوطه	حرفه ای حاشیه ای
۱	فوتبال	*	ورزش معلولین	*
۲	فوتسال	*	تنیس روی میز	*
۳	تیراندازی با کمان	*	دو و میدانی	*
۴	تنیس	*	جودو	*
۵	بسکتبال	*	تکواندو	*
۶	والیبال	*	تیراندازی	*
۷	کشتی	*	بوکس	*
۸	وزنه برداری	*	ژیمناستیک	*
۹	هندبال	*	کبده	*
۱۰			شطرنج	*
۱۱			اتومبیلرانی و موتورسواری	*
	مجموع	۹	مجموع	۱۱

* از مجموع ۵۳ فدراسیون وقت، تعداد ۳۳ فدراسیون بدون پاسخ بودند.

در این مطالعه محقق با ۲۴ نفر مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام داد. مصاحبه به صورت حضوری در محل کار هر یک از شرکت کنندگان - برخی در محل برگزاری مجمع انتخاباتی رؤسای هیئت ها و برخی به صورت تلفنی - انجام شد. سؤالات اصلی مصاحبه عبارت بودند از ۱- از دیدگاه شما، چالش های ساختاری جهت جذب حامی مالی در ورزش های حرفه ای حاشیه ای در فدراسیون شما چه می باشند؟ ۲- از دیدگاه شما، چالش های ساختاری جهت حفظ حامیان مالی در ورزش های حرفه ای حاشیه ای در فدراسیون شما چه می باشند؟ مصاحبه ها طی ۱۰ ماه در اواخر سال ۱۴۰۱ (بهمن ماه و اوایل اسفند) و ۸ ماه اول سال ۱۴۰۲ (فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر و آبان ماه) انجام شد.

در بخش اول پژوهش، پس از انجام مصاحبه ها در طی دوره ۱۰ ماهه، تحلیل داده ها حاکی از اضافه نشدن داده جدید به داده های قبلی بود، چرا که درصد بالایی از داده های مستخرج از مصاحبه های آخر تکراری بودند. بنابراین، با انجام این مصاحبه ها و رسیدن به حد اشباع نظری، به مصاحبه ها پایان داده شد.

برای تجزیه و تحلیل داده ها، از تکنیک کدگذاری و نرم افزار ان ویوو^۱ نسخه ۱۰ جهت دسته بندی داده ها استفاده شد. ابتدا داده ها به صورت دستی کدگذاری و سپس کدها برای اهداف سازمانی، در نرم افزار تجزیه و تحلیل داده های کیفی ان ویوو ثبت شدند. برای اطمینان از اعتمادپذیری و انتقال پذیری (روایی)، ابتدا شرایطی فراهم شد که

^۱ NVIVO

پژوهش مشارکتی باشد؛ یعنی همزمان از برخی مشارکت‌کنندگان در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد. سپس برای تطبیق توسط اعضا، سه اقدام اساسی صورت گرفت:

۱. کدگذاری مجدد توسط محقق: پس از یک هفته از کدگذاری هر مصاحبه، محقق مجدداً جهت کدگذاری داده‌ها اقدام کرد. پایایی بازآزمون این تحقیق برابر ۸۱ درصد به دست آمد. با توجه به این که پایایی بیشتر از ۶۰ درصد بوده، بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

۲. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار ان ویو استفاده شد. کرسول^۱ یکی از راه‌های رسیدن به پایایی در پژوهش کیفی را استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های کیفی می‌داند. در نهایت برای کسب اطمینان بیشتر برای تعیین پایایی، از فرمول ویلیام اسکات^۲ استفاده شد. بدین منظور ۱۰ درصد از مصاحبه‌ها به همراه تعاریف عملیاتی، برای کدگذاری به پژوهشگر دیگری داده شد. کدگذاری مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها و نیز شاخص‌ها، برابر دستورالعمل صورت گرفت (کرسول و کرسول^۳، ۲۰۱۸). درصد توافق میان دو کدگذار از طریق ضریب پایایی اسکات محاسبه شد. از آنجا که میزان ضریب پایایی اسکات ۸۱ درصد به دست آمد، این عدد نشان‌دهنده اتکاپذیری بسیار بالای پژوهش است، زیرا در صورتی که ضریب توافق بین آنان بیش از ۷۰ درصد باشد، می‌توان ابراز کرد که بین کدگذاران توافق وجود دارد. در بخش کمی برای وزن‌دهی چالش‌های ساختاری در جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP^۴) استفاده شد. بنابراین، پرسش‌نامه محقق ساخته از بخش اول کیفی جهت اولویت‌بندی چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای در اختیار ۱۶ نفر از خبرگان صنعت ورزش و بازاریابی قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

ابتدا محقق اقدام به خواندن چند باره مصاحبه‌ها کرد تا چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی را به طور کامل درک کند. این مرحله از تجزیه و تحلیل را می‌توان استقرایی در نظر گرفت (کرسول، ۲۰۱۴)، زیرا محقق در وهله اول علاقمند است تا بیانات شرکت‌کنندگان را درک و سپس بر اساس سؤالات پژوهش، کدهایی را استخراج نماید که بهره‌گیری از آن‌ها، نتایج ثمربخش‌تری را در فرایند پژوهش دارند (دیلیا^۵، ۲۰۱۹) و در ادامه، عبارت‌ها (کلمات منفرد یا مجموعه‌های کوچک از چند کلمه) بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی شدند تا مفاهیم کدها به آن‌ها ضمیمه شوند. در مرحله بعد، این کدها بر اساس مضامینی که به طور مستقیم با پرسش‌های تحقیق ارتباط دارند، دسته‌بندی می‌شوند. سپس مقوله‌های به دست آمده مجدداً به کدهایی مرتبط شدند که انتزاعی‌تر از کدهای مرحله قبل بودند. در این مرحله، کدها به شکل بارزی نمایانگر محتوای مقوله شدند که به یادآوری مرجع مقوله کمک می‌کند. برای تهیه عنوان و نام برای کدها سعی شده است تا عناوینی که از هر لحاظ معرف و برازنده

¹ Creswell

² Viliam Scott

³ Creswell & creswell

⁴ Analytical Hierarchy Process

⁵ Delia

مقولات خود است، انتخاب شوند. از آنجا که فرایند تحقیق کیفی ماهیتی غیرخطی دارد، فرایند کدگذاری بارها و بارها تکرار شد تا در نهایت پس از کدگذاری‌های چندمرحله‌ای، کدهای استخراجی به صورت مفاهیم، زیرمضمون و مضامین اصلی به دست آیند. به عبارت دیگر، کدگذاری اولیه با در نظر گرفتن تأکيدات و دفعات اشاره به آن‌ها در قالب مضامین فرعی و در نهایت مضامین اصلی با استفاده از یک رهیافت رفت و برگشتی بارها تکرار شد تا مضامین اصلی و فرعی به شرح جداول زیر به دست آمد. در نهایت پس از کدگذاری‌های چندمرحله‌ای، محقق کدهای استخراجی براساس هر سوال را به شرح زیر بیان است:

جدول ۳: دسته‌بندی چالش‌های ساختاری جذب حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای

مفاهیم	مضمون فرعی	مضامین اصلی
عدم استفاده از تحصیل کرده‌ها در حوزه بازاریابی ورزشی		
عدم حضور مدیران متخصص حوزه بازاریابی با رویکرد درآمدزایی در ورزش		
استفاده از مدیران غیر ورزشی در سطوح مدیریت عالی	سواد بازاریابی	
عدم تشکیل کمیته بازاریابی	مدیران و نیروی	
عدم بهره‌گیری از تجربیات متخصصان در امر جذب حامی	انسانی	
عدم استفاده از نیروی انسانی کارآمد و متخصص تربیت‌بدنی به‌ویژه		
گرایش بازاریابی ورزشی		
چالش‌های ناشی از نحوه شکل‌گیری، تهیه و تدوین سیاست‌ها و		
اهداف راهبردی در جهت توسعه جذب حامی	تفکر راهبردی	
تعیین چشم‌انداز		
نبود چارچوب‌های مشخص جذب حامی مالی		
عدم تعریف ساز و کارهای مناسب جهت جذب و توسعه طرفداران و	برگزاری	
هواداران ورزشی در ساختار	مسابقات و	
عدم وجود لیگ‌های منظم و پویا در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای	جذب هوادار	
عدم تعریف متخصص بازاریاب ورزشی در چارت سازمانی		
نبود طرحی علمی و ساختارمند جهت اجرای بازاریابی ورزشی	ناکارآمدی	
نبود یک فرایند اجرایی کامل و روشن در جذب حامی	ساختار اداری	
ضعف نظام انگیزشی جهت جذب حامی		
فراهم نبودن فضای بازارسازی در رویدادهای ورزشی برای حامی مالی		
ضعف در زیرساخت‌ها	زیرساخت	
عدم گزینش حامی مالی به صورت هدفمند		

نقشه‌های درون سازمانی

مفاهیم	مضمون فرعی	مضامین اصلی
عدم توجه به نیازهای حامیان از سوی فدراسیون‌های ورزشی مربوطه		
عدم اعتبار برند یا علامت ورزشی مورد حمایت		
عدم برندسازی باشگاه‌ها	برندسازی	
وجهه فدراسیون در راهبردهای حمایت مالی		
چالش‌های ناشی از تأثیر تصمیمات دولتی بر ورزش حرفه‌ای		
انتخاب و انتصاب ناشایست و مبتنی بر روابط مدیران در سطوح عالی	سیاست‌زدگی و نقش دولت	
سیاست‌زدگی ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای		
نگاه سلیقه‌ای به ورزش‌های حرفه‌ای		
ارجحیت روابط بر ضوابط		
عدم وجود ظرفیت‌های رسانه‌ای ویژه در ورزش‌های حرفه‌ای		
حاشیه‌ای	نقش رسانه	
پخش نا عادلانه تلویزیونی		
عدم همکاری دست‌اندرکاران ورزش با مراکز علمی و دانشگاهی	جایگاه دانشگاه و تحقیقات دانشگاهی	چالش‌های بیرون سازمانی
عدم استفاده از متخصصان دانشگاهی آگاه به بازاریابی در ساختار		
عدم هزینه‌کرد برای بازاریابی در فدراسیون ورزشی مربوطه		
عدم توجه تقویم رویدادهای ورزشی به شرایط مالی		
وابستگی مالی ورزش‌های حرفه‌ای کشور به بخش دولتی		
نبود استانداردهای مالی تدوین شده		
نبود قوانین حمایتی جهت حامیان مالی	ناکارآمدی نظام مالی و قانون	
نبود قوانین اجباری جهت جذب حامی مالی		
عدم شفافیت در اطلاعات مالی باشگاه‌ها، سازمان لیگ و فدراسیون‌های مربوطه		
موضوع امنیت در حقوق مالکیت معنوی		
وجود فساد		

جدول ۴. دسته‌بندی چالش‌های ساختاری حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای

مفاهیم	مضمون فرعی	مضامین اصلی
عدم هزینه کرد برای بازاریابی در فدراسیون های ورزشی		
عدم حضور متخصصان بازاریابی در ساختار ورزش حرفه ای حاشیه ای	عدم توجه به	
عدم تشکیل کمیته بازاریابی	بازاریابی در	
عدم گزینش حامی مالی به صورت هدفمند	ساختار	
نبود طرحی علمی و ساختارمند جهت اجرای بازاریابی ورزشی		
بازاریابی کمین		
عدم برندسازی باشگاه های حرفه ای	برندسازی و	پایه های درون سازمانی
عملکرد ضعیف تیم ها یا بازیکنان سرشناس	عملکرد تیم ها و	
عدم اهمیت تقویت وجهه فدراسیون در راهبردهای حمایت مالی	بازیکنان سرشناس	
نبود تعامل لازم بین سازمان ورزشی و حامی مالی		
به روز رسانی و تقویت زیرساخت ها	روابط عمومی و	
عدم بهره گیری از تجربیات گذشته	زیرساخت	
ضعف روابط عمومی، سایت و مراکز اطلاعات و فناوری		
عدم وجود سیستم مناسب ارزیابی و کنترل در دو حوزه حمایت و ورزش		
نبود آیین نامه و دستورالعمل مشخص در مورد نحوه نظارت بر	سیستم نظارت و	
عملکرد حامی	ارزیابی	
عدم ایجاد تشکیلات اداری خاص در فدراسیون ها به منظور نظارت بر		
عملکرد حامیان		
نبود استانداردهای مالی تدوین شده		
نبود قوانین حمایتی جهت حامیان مالی	ناکارآمدی نظام	پایه های درون سازمانی
عدم انعطاف در ساختار مدیریت مالی و اقتصادی حوزه ورزش	مالی و قانون	
موضوع امنیت در حقوق مالکیت معنوی		
وجود فساد		
استفاده از مدیران ناگه به جایگاه حامی در ورزش حرفه ای		
عجین بودن سیاست با ورزش حرفه ای	سیاست زدگی و	
انتخاب و انتصاب ناشایست مدیران در سطوح عالی	نقش دولت	
ارجحیت روابط بر ضوابط		

نگرش کوتاه مدت در سیاست های جذب

عدم وجود ظرفیت های رسانه ای ویژه در ورزش های حرفه ای حاشیه ای
نقش رسانه

پخش ناعادلانه تلویزیونی

عدم ساز و کارهای مناسب در حفظ و توسعه طرفداران و هواداران ورزشی

کاهش هواداران

نقش هوادار

هواداران ورزشی خاص

چالش های ناشی از عدم وفاداری هواداران به برند حامی

در نهایت پس از شناسایی چالش های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش های حرفه ای حاشیه ای، اولویت بندی آن ها به صورت مجزا با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی انجام شد. در گام نخست استفاده از این روش، درخت سلسله مراتبی مطابق با چالش های تعیین شده در دو سطح هدف و چالش ها ترسیم گردید. بر این اساس، هدف که همان چالش های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش های حرفه ای حاشیه ای بود در بالاترین اولویت قرار گرفت. در رده دوم نیز چالش های مستخرج مربوطه از فرایند پژوهش کیفی قرار گرفتند. در گام بعدی و به منظور تعیین وزن و اولویت هر چالش، از صاحب نظران خواسته شد با انجام مقایسه های زوجی دو به دو بین چالش ها، میزان اهمیت آن ها را نسبت به یکدیگر مشخص کنند. برای انجام این کار، جدولی در قالب پرسش نامه تهیه و در اختیار صاحب نظران قرار داده شد و از آن ها خواسته شد با انجام مقایسه های زوجی دو به دو و اختصاص عددی بین ۱ تا ۹، میزان اهمیت هر یک از چالش ها را نسبت به هم مشخص نمایند. در حقیقت، این مقایسه ها وزن هر یک از چالش ها را در مقایسه با گزینه های رقیب مورد ارزیابی در تصمیم نشان می دهد. در مرحله بعد، جداول تکمیل شده گردآوری گردید و نرخ ناسازگاری آن ها بررسی شد. محاسبه نرخ ناسازگاری با این هدف انجام می شود تا مشخص گردد که آیا بین مقایسه های زوجی سازگاری وجود دارد یا خیر؟ و بر اساس آن در صورتی که نرخ ناسازگاری کوچکتر و یا مساوی (۰/۱) باشد، می توان گفت که در مقایسه های زوجی سازگاری قابل قبولی وجود دارد. در نهایت نظرات افراد با یکدیگر تلفیق گردید.

جدول ۵. اولویت‌بندی چالش‌های ساختاری جذب حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران

اولویت‌ها	وزن نهایی	تفکر راهبردی	ناکارآمدی ساختار اداری	نقش رسانه	برندسازی	ناکارآمدی نظام مالی و قانون	جایگاه دانشگاه و تحقیقات دانشگاهی	سواد بازاریابی مدیران و نیروی انسانی	سیاست‌زدگی و نقش دولت	زیرساخت	برگزاری مسابقات و جذب هوادار	چالش‌های ساختاری جذب حامی مالی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران
۱۰	۰/۰۶۹	۰/۶	۱/۱۳	۰/۸۳	۰/۴۳	۰/۷۸	۰/۸۳	۰/۶۷	۰/۵۰	۰/۶۳	۱	برگزاری مسابقات و جذب هوادار
۸	۰/۰۹۳	۱/۳۳	۱/۱۴	۰/۸	۰/۶۷	۰/۷۸	۱/۱۴	۰/۷۸	۰/۷۵	۱	۱/۶۰	زیرساخت
۵	۰/۱۰۵	۱/۲۹	۰/۸۶	۰/۳۳	۰/۷۵	۱/۶۰	۱/۸۰	۰/۶۷	۱	۱/۳۳	۲/۰۰	سیاست‌زدگی و نقش دولت
۴	۰/۱۰۶	۰/۷۵	۰/۸	۱/۶۷	۰/۸۸	۰/۸۶	۱/۴۰	۱	۱/۵۰	۱/۱۴	۱/۵۰	سواد بازاریابی مدیران و نیروی انسانی
۹	۰/۰۷۱	۰/۷۱	۰/۸۸	۰/۳۳	۰/۷۱	۰/۷۸	۱	۰/۷۱	۰/۵۶	۰/۸۸	۱/۲۰	جایگاه دانشگاه و تحقیقات دانشگاهی
۷	۰/۰۹۹	۰/۸۹	۰/۷۵	۱/۵	۰/۸۰	۱	۱/۲۹	۱/۱۷	۰/۶۳	۱/۲۹	۱/۲۹	ناکارآمدی نظام مالی و قانون
۳	۰/۱۰۸	۰/۳۳	۰/۸۹	۰/۸۸	۱	۱/۲۵	۱/۴۰	۱/۱۴	۱/۳۳	۱/۵۰	۲/۳۳	برندسازی
۲	۰/۱۲۳	۱/۲	۰/۷۵	۱	۱/۱۴	۰/۶۷	۳/۰۰	۰/۶۰	۳/۰۰	۱/۲۵	۱/۲۰	نقش رسانه
۶	۰/۱۰۰۵	۰/۵۷	۱	۱/۳۳	۱/۱۳	۱/۳۳	۱/۱۴	۱/۲۵	۱/۱۷	۰/۸۸	۰/۸۹	ناکارآمدی ساختار اداری
۱	۰/۱۲۶۹	۱	۱/۷۵	۰/۸۳	۳/۰۰	۱/۱۳	۱/۴۰	۱/۳۳	۰/۷۸	۰/۷۵	۱/۶۷	تفکر راهبردی

نرخ ناسازگاری (CR) = ۰/۰۴

جدول ۶: اولویت‌بندی چالش‌های ساختاری حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران

اولویت‌ها	وزن نهایی	نقش رسانه	روابط عمومی و زیرساخت	سیستم نظارت و ارزیابی	سیاست‌زدگی و نقش دولت	برندسازی و عملکرد تیم‌ها و	عدم توجه به بازاریابی در ساختار	نقش هوادار	ناکارآمدی نظام مالی و قانون	چالش‌های ساختاری حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران
۸	۰/۰۷۶	۰/۸۳	۰/۳۳	۰/۷۸	۰/۵۶	۰/۶۷	۰/۵۰	۰/۶۳	۱	ناکارآمدی نظام مالی و قانون
۶	۰/۱۰۶	۰/۸	۰/۶۷	۰/۷۸	۱/۱۴	۰/۷۸	۰/۷۵	۱	۱/۶۰	نقش هوادار
۵	۰/۱۲۸	۰/۳۳	۰/۷۵	۱/۴۰	۱/۸۰	۰/۶۷	۱	۱/۳۳	۲/۰۰	عدم توجه به بازاریابی در ساختار
۲	۰/۱۵۶	۲	۰/۸۸	۰/۷۱	۲/۳۳	۱	۱/۵۰	۱/۱۴	۱/۵۰	برندسازی و عملکرد تیم‌ها و بازیکنان سرشناس
۷	۰/۰۹۷	۰/۸۶	۰/۷۱	۰/۷۸	۱	۰/۴۳	۰/۵۶	۰/۸۸	۱/۸۰	سیاست‌زدگی و نقش دولت
۴	۰/۱۳۷	۱/۵	۰/۸۰	۱	۱/۲۹	۰/۴۰	۰/۷۱	۱/۲۹	۱/۲۹	سیستم نظارت و ارزیابی
۱	۰/۱۵۹	۰/۸۸	۱	۱/۲۵	۱/۴۰	۱/۴	۱/۳۳	۱/۵۰	۳/۰۰	روابط عمومی و زیرساخت
۳	۰/۱۴۱	۱	۱/۱۴	۰/۶۷	۱/۱۷	۰/۵۰	۳/۰۰	۱/۲۵	۱/۲۰	نقش رسانه

نرخ ناسازگاری (CR) = ۰/۰۴

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و اولویت‌بندی چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران بود. با توجه به این که تحقیقی به صورت ویژه، چالش‌های ساختاری جذب و

حفظ حامی مالی در ورزش های حرفه ای حاشیه ای ایران را در خارج و داخل کشور بررسی کرده باشد، یافت نشد، تحلیل متغیرها بر اساس یافته های پژوهش صورت گرفت.

یافته های پژوهش حاکی از آن است که چالش های ساختاری جذب حامی مالی در ورزش های حرفه ای حاشیه ای ایران در دو مضمون اصلی چالش های درون سازمانی و چالش های برون سازمانی که ۱۰ مضمون فرعی و ۴۱ کد اولیه را در بر می گیرند، دسته بندی می شوند. مضمون اصلی چالش های درون سازمانی در برگیرنده ۶ مضمون فرعی (سواد بازاریابی مدیران و نیروی انسانی، تفکر راهبردی، برگزاری مسابقات و جذب هوادار، ناکارآمدی ساختار اداری، زیرساخت و برندسازی) است. همچنین مضمون اصلی چالش های برون سازمانی در برگیرنده ۴ مضمون فرعی (سیاست زدگی و نقش دولت، نقش رسانه، جایگاه دانشگاه و تحقیقات دانشگاهی و ناکارآمدی نظام مالی و قانون) است.

مضمون "سواد بازاریابی مدیران و نیروی انسانی" به مجموعه ای از مهارت ها و دانش های لازم برای شناخت مشتریان، تحلیل بازار، راهبردهای بازاریابی، ارتباطات بازاریابی و اجرای اقدامات بازاریابی اشاره دارد. بنابراین برگزاری کلاس های آموزشی سواد بازاریابی به صورت ضمن خدمت برای کادر موجود گامی مؤثر در جهت افزایش جذب حامی مالی در ورزش های حرفه ای حاشیه ای است. در پژوهش های کورونیوس (۲۰۲۱) و مورگان^۱ و همکاران (۲۰۲۰) نیز به نتیجه مشابهی اشاره شده است.

مضمون "تفکر راهبردی" یک نوع تفکر است که به منظور برنامه ریزی و انجام اقدامات مؤثر و هدفمند برای دستیابی به اهداف بلندمدت استفاده می شود. این یافته همسو با پژوهش کورنول و کوون (۲۰۱۹) می باشد که بیان کردند با توجه به ارتباط اقتصادی رو به رشد ورزش، حمایت مالی ورزشی به عنوان یک تصمیم بازاریابی راهبردی در نظر گرفته می شود که نیاز به برنامه ریزی راهبردی دارد و این محقق نمی شود مگر با داشتن تفکر راهبردی در ساختار مدیریت سازمان های ورزشی که در رأس قرار دارند. در پژوهش کورونیوس (۲۰۲۱) نیز به نتیجه مشابهی اشاره شده است.

مضمون "برگزاری مسابقات و جذب هوادار" نیز یکی دیگر از مضامین حاصل از مصاحبه های صورت گرفته می باشد. برگزاری مسابقات ورزش های حرفه ای یک فرآیند چالش برانگیز است که نیازمند برنامه ریزی دقیق و همکاری از جانب حامیان مالی می باشد. جذب هواداران نیز در جذب حامی مالی برای رویدادها و مسابقات ورزشی بسیار حائز اهمیت است. تیم ها معمولاً از هواداران خود برای جذب و حفظ حامی مالی استفاده می کنند. هواداران می توانند در تبلیغات، ترویج رویدادها و حتی جذب و حفظ حامیان مالی مؤثر باشند. هواداران می توانند اجتماعی را تشکیل دهند و به تبلیغات ورزشی کمک کنند. این تأثیر اجتماعی می تواند حامیان مالی را جذب و حفظ کند. به طور کلی، هواداران با تشویق، حمایت و تبلیغات مؤثر می توانند به جذب و حفظ حامی مالی برای رویدادها و تیم ها کمک کنند. گرینهالگ و همکاران (۲۰۲۱) نیز در پژوهش خود به این نکته اشاره داشتند که ویژگی های ورزش های حرفه ای

¹ Morgan

حاشیه‌ای نه تنها خود را از ورزش‌های اصلی متمایز می‌کنند، بلکه از طریق توانایی خود در جذب هواداران همگن‌تر، خود را از سایر رقبا در همان بازار متمایز می‌سازند. هواداران با نشان دادن علاقه و حمایت خود به شخصیت یا تیم مورد علاقه، احساس معنوی و انگیزه ایجاد می‌کنند. آنها احساس متعلق بودن و هویت با تیم یا شخصیت مورد حمایت را تجربه می‌کنند و این موجب افزایش انگیزه و شور و شوق در طرف مورد حمایت می‌شود که نتیجه آن حفظ حامی مالی می‌شود. نتایج پژوهش تی سوردیا^۱ و همکارانش (۲۰۲۴) همسو با این یافته می‌باشد.

مضمون "ناکارآمدی ساختار اداری" که به مشکلات و نقاط ضعف مختلف در ساختار سازمانی اشاره دارد باعث کاهش کارایی و عملکرد بهینه سازمان می‌شود. اگر ساختار اداری ناکارآمد باشد، ممکن است مدیریت مالی به درستی انجام نشود و این موجب کاهش جذب حامیان مالی گردد. اگر اطلاعات مربوط به مالیات، بودجه و هزینه‌ها در ساختار اداری به درستی منتقل نشود، حامیان مالی ممکن است اعتماد خود را از دست بدهند. همچنین ساختار اداری باید توانایی در تدوین و اجرای راهبردهای بازاریابی داشته باشد تا حامیان مالی جذب شوند. ساختار اداری باید توانایی در برقراری ارتباط مؤثر با حامیان مالی داشته باشد تا به توافق‌های مالی برسد. در پژوهش سلیمی و تقوی (۲۰۲۳) نیز به نتایج مشابهی اشاره شده است.

مضمون "زیرساخت‌ها" نیز به منظور ایجاد یک محیط مناسب برای ارائه خدمات و فعالیت‌های سازمانی اهمیت بسیاری دارد. زیرساخت‌ها باعث ایجاد اعتماد حامیان مالی می‌شوند و به توسعه ورزش کمک می‌کنند. این یافته با بخشی از نتایج پژوهش سیفری و همکاران (۱۴۰۱) و کرنول و همکاران (۲۰۲۳) همسو می‌باشد.

مضمون "برندسازی" به عنوان فرآیند تبلیغاتی و بازاریابی، به ایجاد شناخت و تصویر مثبت از ورزش و تیم‌ها، بازیکنان، رویدادها و محصولات وابسته به ورزش کمک می‌کند. برندسازی می‌تواند به جذب حامیان مالی از طریق حمایت مالی، تبلیغات و همچنین فروش محصولات مرتبط با ورزش کمک کند. این نتیجه با بخشی از نتایج پژوهش فراند و پیجیز^۲ (۱۹۹۶)، نارین و همکاران^۳ (۲۰۲۳) و علی یاری و همکاران (۱۴۰۰) همسو می‌باشد.

مضمون "سیاست زدگی و نقش دولت" در حوزه ورزش به شکل‌های مختلفی مطرح می‌شود. به منظور رفع چالش‌های مرتبط با سیاست زدگی، اقدامات مختلفی از جمله اصلاح نظام مدیریت ورزش و افزایش شفافیت در عملکرد مالی مدیران ورزشی مورد نیاز است. از این رو، دوری از سیاست‌زدگی و نقش دولت را می‌توان به عنوان یکی از اساسی‌ترین گام‌های موجود در جهت جذب و حفظ حامی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای به شمار آورد. این یافته از پژوهش حاضر با قسمت‌هایی از پژوهش علی یاری و همکاران (۱۴۰۰) همسو می‌باشد.

مضمون "نقش رسانه‌ها" با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته، در بردارنده دو چالش عدم وجود ظرفیت‌های رسانه‌ای ویژه در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای و پخش ناعادلانه تلویزیونی می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباطات رسانه‌ای و تبلیغات می‌توانند در جذب حامیان بخش خصوصی، درآمد از تبلیغات در مسابقات،

¹ Tsordia et al.

² Ferrand & Pages

³ . Naraine et al

درآمد از پخش مسابقات ورزشی و همچنین بازاریابی و معرفی خدمات و محصولات به طور مثبت و معناداری تأثیرگذار باشند. تریودی، سونیاس و کیسور^۱ (۲۰۲۱) مطالعه‌ای در مورد لیگ حرفه‌ای کبده که یک ورزش اقلیت در هند است، انجام دادند. بخشی از نتایج پژوهش آنها حاکی از آن بود که نقش موثر ارتباطات رسانه‌های اجتماعی در تقویت مشارکت جامعه آنلاین طرفداران و متعاقبا حضور در بازی و قصد خرید محصول حامیان را ثابت کرد. این بخش از نتایج با بخشی از نتایج تریودی، سونیاس و کیسور (۲۰۲۱) همسو می‌باشد. میرزایی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در بین عوامل مؤثر بر جذب حامیان مالی، عامل رسانه را به عنوان مهم‌ترین عامل قرار دادند. خرم و همکاران (۱۳۹۱) و خدادادی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود عامل تبلیغاتی و رسانه‌ای را به عنوان انگیزاننده‌های جذب حامیان مالی به لیگ‌های ورزش قهرمانی دانستند. بنابراین نتایج این بخش از پژوهش نیز همسو با پژوهش‌های خدادادی و همکاران (۱۳۹۸)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۳) و خرم و همکاران (۱۳۹۱) می‌باشد. پس به طور خلاصه، ارتباطات رسانه‌ای می‌توانند در تأمین منابع مالی برای ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای نقش مهمی ایفا کنند.

مضمون "جایگاه دانشگاه و تحقیقات دانشگاهی" محیطی را فراهم می‌کند که دانشجویان با استفاده از منابع و تسهیلات موجود، آموخته‌های تخصصی را کسب کنند و مهارت‌های لازم را برای ورود به بازار کار به دست آورند. پژوهش‌ها می‌توانند به توسعه علم و فناوری کمک کنند و برای حل مشکلات اجتماعی و صنعتی موثر باشند؛ به طوری که این باور توسط کورونیوس و همکاران (۲۰۱۶) منعکس شد که علاوه بر علاقه رو به رشد برای حمایت مالی ورزشی، کمبود تحقیقات دانشگاهی در مورد ارزیابی حمایت‌های ورزشی وجود دارد. همچنین شریفی و دهقان قهرخی (۱۳۹۸) نیز در بخشی از پژوهش خود بر لزوم به کارگیری متخصصان بازاریابی در صحنه ورزش ایران تأکید کرده است.

مضمون "ناکارآمدی نظام مالی و قانون" در هر کشوری نقش حیاتی در تنظیم اقتصاد و جامعه دارد، اما در برخی موارد، می‌توان نواقص و ناکارآمدی‌هایی در این نظام‌ها مشاهده کرد. یکی از مشکلات عمده در نظام مالی و قانون، فساد است. فساد می‌تواند باعث عدم اعتماد حامی مالی ورزشی شود. در برخی موارد، قوانین مالی و قانونی بسیار پیچیده و سنگین هستند. این موضوع می‌تواند باعث ایجاد ابهام درباره حقوق و وظایف افراد شود و همچنین موجب افزایش هزینه‌ها و تأخیرها در فرآیندهای قانونی شود. برای بهبود نظام مالی و قانون، نیاز به اصلاحات و تلاش‌های جامعه‌شناسانه و سیاسی مدیران در رأس سازمان‌های ورزشی به‌مخصوص فدراسیون‌ها می‌باشد. نتایج این بخش با قسمتی از یافته‌های شریفی و دهقان قهرخی (۱۳۹۸)، سیف‌ری و همکاران (۱۴۰۱) و مورگان و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد.

در زمینه چالش‌های ساختاری جذب حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای شناسایی شده چالش "تفکر راهبردی" با وزن نسبی ۰/۱۲۶ جایگاه نخست را به خود اختصاص داد که این نشان از اهمیت بالای این چالش مهم در جذب حامی مالی در ورزش‌های حاشیه‌ای دارد. "نقش رسانه"، "برندسازی"، "سواد بازاریابی مدیران و

¹ Trivedi, Soni & Kishor e

نیروی انسانی"، "سیاست‌زدگی و نقش دولت"، "ناکارآمدی ساختار اداری"، "ناکارآمدی نظام مالی و قانون"، "زیرساخت"، "جایگاه دانشگاه و تحقیقات دانشگاهی" و "برگزاری مسابقات و جذب هوادار" به ترتیب جایگاه‌های دوم تا دهم را در این اولویت‌بندی به خود اختصاص دادند.

در ادامه یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که چالش‌های ساختاری حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای ایران در دو مضمون اصلی چالش‌های درون‌سازمانی و چالش‌های برون‌سازمانی که ۸ مضمون فرعی و ۳۲ کد اولیه را در بر می‌گیرند، دسته‌بندی می‌شوند. مضمون اصلی چالش‌های درون‌سازمانی در برگرفته ۴ مضمون فرعی (عدم توجه به بازاریابی در ساختار، برندسازی و عملکرد تیم‌ها و بازیکنان سرشناس، روابط عمومی و زیرساخت، سیستم نظارت و ارزیابی) است. همچنین مضمون اصلی چالش‌های برون‌سازمانی در برگرفته ۴ مضمون فرعی (ناکارآمدی نظام مالی و قانون، سیاست‌زدگی و نقش دولت، نقش رسانه و نقش هوادار) است.

مضمون "عدم توجه به بازاریابی در ساختار" یک از چالش‌های ساختاری حفظ حامی شناخته شد. بازاریابی به عنوان یک فرآیند راهبردی، به تبیین و اجرای رویکردها و تکنیک‌هایی که به جذب و نگهداشت حامیان مالی کمک می‌کنند، می‌پردازد. در پژوهش‌های فراند و پیجیز (۱۹۹۶)، جنسیس و کوبس^۱ (۲۰۱۴) و دهقان پوری و همکاران (۱۳۹۹) نیز به نتایج مشابهی اشاره شده است.

مضمون "برندسازی و عملکرد تیم‌ها و بازیکنان سرشناس" در واقع به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به منظور ایجاد و تقویت شناخت و ارزش برند تیم و بازیکنان در ذهن مخاطبان و طرفداران انجام می‌گردد. اگر در ساختار یک تیم یا سازمان عدم توجه به برندسازی وجود داشته باشد، ممکن است باعث کاهش شناخت و شهرت تیم و بازیکنان سرشناس شود. بنابراین اقدامات هدفمند صورت می‌گیرد تا تیم یا بازیکن مشهور به عنوان یک نشان تجاری قوی و معتبر در بازار ورزشی و تفریحی را با عنوان برند شناخته‌شده برجسته کنند. این یافته از پژوهش حاضر با قسمت‌هایی از پژوهش دهقان پوری و همکاران (۱۳۹۹)، ویکفیلد و بنت^۲ (۲۰۱۰) والراونت^۳ (۲۰۱۳) و کورونیوس (۲۰۲۱) همسو می‌باشد.

مضمون "روابط عمومی و زیرساخت" در حوزه ورزش حرفه‌ای حاشیه‌ای نقش مهمی در حفظ حامیان مالی دارند. اجرای مناسب این دو عامل می‌تواند به حفظ منابع مالی نیز کمک کند. روابط عمومی می‌تواند با ترویج رویدادها و مسابقات ورزشی، حفظ حامیان مالی را تسهیل کند و تصویر مثبتی از سازمان‌های ورزشی و ورزشکاران آن‌ها ایجاد نماید (سید عامری و بردی محمد آلق، ۱۳۹۱). همچنین زیرساخت‌ها می‌توانند منابع مالی را تأمین کنند، از جمله حمایت‌های حامیان خصوصی. نتایج این بخش نیز با پژوهش خدادادی و همکاران (۱۳۹۸)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۳)، خرم و همکاران (۱۳۹۱) و کرنول و همکاران (۲۰۲۳) همسو می‌باشد.

¹ Jensen & Cobbs

² Wakefield & Bennett

³ Walraven

مضمون "سیستم نظارت و ارزیابی" در حوزه ورزش به عملکرد سازمان‌های ورزشی و پروژه‌های ورزشی و تشخیص نقاط قوت و ضعف کمک می‌کند. نظارت بر مالیات، مدیریت بودجه و هزینه‌ها و تأمین منابع مالی، از اهمیت بالایی برخوردار است. این کار می‌تواند حفظ حامیان مالی را تضمین کند. از طرفی، ارزیابی کیفیت و تأثیر پروژه‌ها و برنامه‌های ورزشی، به تصمیم‌گیری در مورد حمایت مالی کمک می‌کند. ارزیابی نیازها و انتظارات حامیان مالی، به تعامل مؤثر با آن‌ها کمک می‌کند. این اطلاعات می‌تواند در حفظ حامیان و جذب حامیان جدید نیز مؤثر باشد. همچنین تحلیل آماری با استفاده از نسبت‌های مالی و داده‌های گذشته می‌تواند در حفظ حامیان مالی در حوزه ورزش مؤثر باشد. این یافته از پژوهش حاضر با قسمت‌هایی از پژوهش مورگان^۱ و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد. در ارتباط با مضامین "ناکارآمدی نظام مالی و قانون"، "سیاست‌زدگی و نقش دولت"، "نقش رسانه" و "نقش هوادار" به تفصیل در قسمت‌های قبلی بحث شد که نشان از اهمیت این مضامین نه تنها در جذب بلکه در حفظ حامیان مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای دارد.

در زمینه چالش‌های ساختاری حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای، "روابط عمومی و زیرساخت" با وزن نسبی ۰/۱۵۹ در فرایند تحلیل سلسله مراتبی جایگاه نخست را به خود اختصاص داد و چالش‌های "برندسازی و عملکرد تیم‌ها و بازیکنان سرشناس"، "نقش رسانه"، "سیستم نظارت و ارزیابی"، "عدم توجه به بازاریابی در ساختار"، "نقش هوادار"، "سیاست‌زدگی و نقش دولت" و "ناکارآمدی نظام مالی و قانون" به ترتیب در جایگاه‌های دوم تا هشتم قرار گرفتند.

به طور کلی برای مدیریت چالش‌های ساختاری مدیران باید برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشند و با استفاده از راهبردهای مناسب، این چالش‌ها را به چالش‌های فرصت‌آفرین تبدیل کنند. فرآیندهای تصمیم‌گیری در سازمان باید شفاف و کارآمد باشند. این امر به سازمان کمک می‌کند تا به طور سریع و مؤثر تصمیمات مربوط به حامیان را اتخاذ و نیازها و توقعات آن‌ها را برآورده نماید. همچنین سازمان باید بتواند عملکرد خود را ارزیابی کند و بهبودهای لازم را در جذب و حفظ حامیان انجام دهد. برای حفظ حامیان، سازمان باید تلاش کند روابط بلندمدت با آن‌ها ایجاد کند. بنابراین حضور حامی مالی در توسعه ورزش حرفه‌ای، بسیار مهم می‌باشد. به عبارتی، وجود حامی مالی به عنوان یکی از چرخه‌های محرکه ورزش حرفه‌ای است. از طرفی، امروزه خلأ منابع مالی در باشگاه‌ها و سازمان‌های ورزشی به شکل قابل توجهی نمایان می‌گردد. این مسئله سبب شده تا حمایت‌های مالی از سازمان‌های ورزشی افزایش یابد. لذا با توجه به نتایج به دست آمده، به مدیران پیشنهاد می‌شود در زمان اتخاذ تصمیمات در حوزه بازاریابی به خصوص جذب و حفظ حامی مالی به پیامدهای طولانی مدت آن برای سازمان توجه کنند. تصمیماتی که آگاهانه و با دقت اتخاذ شوند، می‌توانند موجب همراهی افراد برای دستیابی به اهداف مشترک سازمانی گردند. همچنین پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی ویژه‌ای برای مدیران و کارکنان به منظور افزایش سواد بازاریابی برگزار گردد تا از این طریق بتوان با تعامل بیشتر موجبات جذب و حفظ حامی مالی در سازمان را فراهم آورد.

¹ Morgan

در نهایت با توجه به جدید و حائز اهمیت بودن مقوله چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای حاشیه‌ای، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر در سایر رشته‌های ورزشی پرتعداد تکرار گردد. همچنین نتایج بخش کیفی پژوهش حاضر به صورت کمی و از طریق پرسش‌نامه در سطح گسترده‌تری تکرار شود و برازش مدل‌های معادلات ساختاری چالش‌های ساختاری جذب و حفظ حامی مالی در ورزش‌های حرفه‌ای ایران بررسی گردد.

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش، ممانعت از شرکت برخی از اعضای نمونه در مصاحبه و کسب نظر آنها بود. اگرچه در ابتدای هر مصاحبه به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده می‌شد که اطلاعات آنها محرمانه می‌ماند، اما ملاحظات و گریزهایی در پاسخ به سوالات مصاحبه وجود داشت که تحت کنترل محقق نبود. فقدان تحقیقات در این زمینه از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود. همچنین پژوهش حاضر در محدوده تعدادی از رشته‌های ورزشی حرفه‌ای در ایران انجام شده و تعمیم آن به سایر رشته‌ها مشکل است.

منابع

- احسانی، محمد؛ امیری، مجتبی و قره‌خانی، حسن (۱۳۹۲). «طراحی و تدوین نظام جامع ورزش حرفه‌ای کشور». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۷، ص ص ۱۲۵-۱۳۶.
- امامی، ابوالفضل؛ امامی، فرشاد و افشاری، مصطفی. (۱۳۹۹). «الگوی پارادایمی توسعه سرمایه‌گذاری در ورزش ایران». مدیریت ورزشی. ۱۲ (۳)، صص ۷۵۹-۷۸۸.
- خدادادی، محمدرسلول؛ دهقانپوری، حوریه و صادری، مهدی. (۱۳۹۸). «نقش ارتباطات رسانه‌ای و تبلیغات مؤثر در جذب حامی مالی برای ورزش (مطالعه موردی: هیئت تنیس روی میز استان آذربایجان شرقی)». فصل‌نامه علمی مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. دوره ۶، شماره ۲۳، صص ۱۰۰-۱۱۰.
- خرم، زهرا؛ رضوی، سیدمحمدحسین و حسینی، سیدعماد. (۱۳۹۱). «بررسی علل و موانع ورود حامیان مالی (شرکت‌های صنعتی) به لیگ‌های ورزش قهرمانی استان مازندران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، گرایش مدیریت ورزشی.
- دهقان پوری، حوریه؛ خدادادی، محمدرسلول و سرلاب، رقیه. (۱۳۹۹). «نقش گرایش کارآفرینانه و عوامل انگیزاننده حامیان مالی ورزشی در تقویت جایگاه گردشگری ورزشی». فصل‌نامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری. دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۷۶-۱۹۰.
- رشید لمیر، امین؛ خبیری، محمد؛ گودرزی، محمود و جلالی فراهانی، مجید. (۱۳۹۶). «الگوسازی عوامل درون سازمانی مؤثر بر جذب حامیان مالی در ورزش کشتی کشور». نشریه پژوهش‌های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. دوره ۹، شماره ۲، صص ۸۵-۹۹.
- رغبتی، علی؛ هادوی، فریده؛ آقایی، نجف و الهی، علیرضا. (۱۳۹۸). «راهبردها و پیامدهای توسعه ورزش حرفه‌ای ایران». نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۱۸ (۴۴)، صص ۹-۲۶.
- سید عامری، میرحسن و بردی محمد آلق، قربان. (۱۳۹۱). «تبیین راهکارهای جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزش همگانی و تفریحی (مطالعه موردی: ارومیه)». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی. ۲ (۴)، صص ۲۳-۳۴.
- شریفی، سیدعلیرضا و دهقان قهفرخی، امین. (۱۳۹۸). «اولویت‌بندی موانع جذب حمایت مالی از ورزش حرفه‌ای در شهر صنعتی البرز (استان قزوین)». مدیریت ورزشی. دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۲۰۳-۲۱۹.
- شعبانی مقدم، کیوان؛ بشارتی، آزاد و آقایی، نجف. (۱۴۰۲). «بررسی عوامل مؤثر بر جذب حامی مالی رویدادهای ورزشی داخلی ایران در شرایط تحریم». فصل‌نامه علمی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. ۱۲ (۳)، صص ۱۷-۳۰.

- صادقی پور، حمیدرضا؛ جهانیان، محبوبه و موسوی، سیده رضیه. (۱۳۹۵). «چالش‌ها و فرصت‌های فراوری ورزش بانوان استان بوشهر و راهکارهای توسعه آن». مطالعات راهبردی جوانان و ورزش. ۱۴(۲۹)، صص ۲۰۱-۲۱۴.
- عسکرزاده، مریم و حیدری‌نژاد، صدیقه. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری در ورزش استان خوزستان». مطالعات مدیریت ورزشی. ۱۲، صص ۶۱-۷۴.
- علی یاری، مهدی؛ شعبانی بهار، غلامرضا؛ هنری، حبیب و کارگر، غلامعلی. (۱۴۰۰). «شناسایی راهبردها و پیامدهای ورود ورزشکاران به دنیای سیاست». فصل‌نامه مدیریت و توسعه ورزش. سال ۱۱، شماره ۳، پیاپی ۳۱.
- فیروزی، منصور؛ رضوی، محمدحسین و فرزانه، فرزانه. (۱۳۹۱). «بررسی چالش‌ها و مشکلات رشته‌های مدال‌آور دو و میدانی، قایقرانی و شنای ایران». مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی. ۱۵، صص ۳۷-۶۶.
- کلاته سیفری، معصومه؛ گری، شهلا؛ و رضوی، سیدمحمدحسین. (۱۴۰۱). «توسعه سرمایه‌گذاری حامیان مالی در لیگ برتر فوتبال ایران با تأکید بر حضور بانوان تماشاگر». مدیریت و کارآفرینی در ورزش. ۱۱(۱)، صص ۹۷-۱۱۵.
- میرزائی، ایمان؛ مهدی پور، عبدالرحمن و ازمشا، طاهره. (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل مؤثر بر جذب حامیان مالی در ورزش استان‌های خوزستان و فارس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- Braun, V. Clarke, V. & Weate, P. (2016). "Using thematic analysis in sport and exercise research". In *Routledge handbook of qualitative research in sport and exercise*, 213-227.
- Cornwell, T. B. & Kwon, Y. J. (2019). "Sponsorship-linked marketing: Research surpluses and shortages". *Journal of the Academy of Marketing Science* 1-23. <http://dx.doi.org/10.1007/s11747-019-00654-w>.
- Cornwell, T.B. Frank, A. & Miller-Moudgil, R. (2023). "A research agenda at the intersection of sport sponsorship and service". *Journal of Service Management*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JOSM-02-2022-0057>.
- Creswell, J. W. (2014). *Qualitative, quantitative and mixed methods approach*. Sage.
- Creswell, J.W. and Creswell, J.D. (2018). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Sage, Los Angeles.
- Delia, E. B. (2019). "You can't just erase history": Coping with team identity threat". *Journal of Sport Management*, 33, 203-214.
- Ferrand A. Pages, M. (1996). "Image Sponsoring: A methodology to Match Event and sponsor", *Journal of sport management*; 10:278-9
- Fullerton, S. (2010) *Sport Marketing* (2nd Ed.) New York; NY: McGraw-Hill Irwin.
- Greenhalgh, G. Simmons, J. Hambrick, M. & Greenwell, T.C. (2011). "Spectator support: examining the attributes which differentiate niche from mainstream sport". *Sport Marketing Quarterly*, Vol. 20, No. 1, pp.41-52.
- Greg Greenhalgh, Tiesha Martin, and Allison Smith (2021). "Niche Sport Sponsorship: Providing the Target Market Sponsors Want?" *Journal of Sport Marketing Quarterly*, volume 30, Number 2, 111-121.
- Greg P. Greenhalgh, Jason M. Simmons, Marion E. Hambrick, and T. Christopher Greenwell (2011). "Spectator Support: Examining the Attributes That Differentiate Niche from Mainstream Sport". *Journal of Sport Marketing Quarterly*. Volume 20, Number 1, P:41-52.
- Greg, P. Greenhalgh & T. Christopher Greenwell (2013). "Professional niche sports sponsorship: an investigation of sponsorship selection criteria". *International Journal of Sports Marketing & Sponsorship*, JANUARY 2013.
- Hanas, J. (2007). "Going pro: what's with all these second-tier sports?" *Advertising Age*, 78(5), S3.
- Handley L. (2018). "Sponsorship spending to hit \$66 billion worldwide, but most firms don't know if it really works". *CNBC* (online). Retrieved from: www.cnbc.com/amp/2018/09/25/does-sponsorship-work-deals, Accessed 12 November 2018.

- Jensen, J. Cobbs J. (2014). **“Analyzing Return-on-Investment in Sponsorship: Modeling Brand Exposure, Price, and ROI in Formula One Racing”**. *Journal of Advertising Research*. 54(4):435-447.
- Kojima, S. (2010). **“NLL seeks new sponsorship; Reebok deal expires in 2010”**. Retrieved from: <http://www.nllinsider.com/2010/01/22/nll-seeks-new-sponsorships-reebokdeal-expires-in-2010>
- Konstantinos Koronios, K., Vrontis, D., & Thrassou, A. (2021). **“Strategic sport sponsorship management – A scale development and validation”**. *Journal of Business Research* 130 (2021) 295–307. www.elsevier.com/locate/jbusres.
- Koronios, K., Psiloutsikou, M. Kriemadis, A. Zervoulakos, P. & Leivaditi, E. (2016). **“Sport sponsorship: The impact of sponsor image on purchase intention of fans”**. *Journal of Promotion Management*, 22(2), 238–250.
- Koronios, K. Travlos, A. Douvis, J. & Papadopoulos, A. (2020). **“Sport, media and actual consumption behavior: An examination of spectator motives and constraints for sport media consumption”**. *EuroMed Journal of Business*., 15(2), 151–166.
- Lamont, M. & Dowell, R. (2007). **“A process model of small and medium enterprise sponsorship of regional sport tourism events”**. *Journal of Vacation Marketing*, 14(3), 253-266.
- Matthew W. (2020). **“Study predicts 37-per-cent drop in sports sponsorship spend. Two Circles Agency”**. Retrieved from: <https://www.sportbusiness.com/news/two-circles-predicts-37-decrease-in-sports-sponsorship-spend-in-2020/>, Accessed 12 August 2020.
- Morgan, A. Taylor, T. Adair, D. (2020). **“Sport event sponsorship management from the sponsee’s perspective”**. *Journal of Sport Management Review*, <https://doi.org/10.1016/j.smr.2020.04.006>.
- Naraine, M. Turner, L. Burton, N. (2023). **“Mapping modern sport sponsorship in men’s professional sport: A social network analysis”**. *International Journal of Business in Sports*, Vol.4, No.2, 2023. *Tourism & Hospitality Management*, <https://www.gaics.org/Journal/JBSM>.
- Salimi, M. Taghavi, A. (2023). **“Providing a Comprehensive Model for the Development of Sports Marketing”**. *Journal of Research in Sport Management and Marketing*, Summer 2023:4 (3).
- Stotlar, D. K. (2009). **Developing successful sport sponsorship plans** (3rd ed.). Fitness Information Technology.
- Sutton, W.A. McDonald, M.A. Milne, G.R. Cimperman, J. (1997). **“Creating and fostering fan identification in professional sports”**. *Sport Mark. Q.* 6, 15–22.
- Trivedi, J. Soni, S. & Kishore, A. (2021). **“Exploring the Role of Social Media Communications in the Success of Professional Sports Leagues: An Emerging Market Perspective”**. *Journal of Promotion Management*, 27(2), 306–331. <http://dx.doi.org/10.1080/10496491.2020.1829774>.
- Tsordia, C., Lianopoulos, Y., Dalakas, V. and Theodorakis, N.D. (2024). **“From love to betrayal? When your team’s sponsor decides to also sponsor your rival”**. *International Journal of Sports Marketing and Sponsorship*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/IJSMS-10-2023-0211>.
- Wakefield, K. L. & Bennett, G. (2010). **“Affective intensity and sponsor identification”**. *Journal of Advertising*, 39(3), 99–111.
- Walraven, M. (2013). **Sports sponsorship effectiveness: investigating awareness, sponsor equity and efficiency.** ’s-Hertogenbosch. Uitgeverij BOX Press.

شناسایی عوامل موثر بر آینده صنعت محصولات ورزشی ایران

حسن دهقان دیزجی^۱

مهدی کهندل^۲

سیدنعمت خلیفه^۳

پریوش نوربخش^۴

 [10.22034/ssys.2024.3261.3383](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3261.3383)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸

توسعه صنعت ورزش به عنوان یک عامل مهم در تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق با هدف آینده‌پژوهی صنعت محصولات ورزشی ایران با رویکرد سناریونویسی انجام شد. روش تحقیق آینده‌پژوهی، نحوه گردآوری اطلاعات به صورت کیفی و جامعه آماری تحقیق شامل کلیه متخصصان و خبرگان حوزه علمی و تجربی فعال در ورزش بود. شرط انجام مصاحبه در بخش کیفی داشتن حداقل مدرک تحصیلی دکتری در حوزه مدیریت ورزش (اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در رشته مدیریت ورزشی) و یا حداقل تجربه ۱۵ سال فعالیت در سازمان‌های ورزشی نظیر وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌های ورزشی، کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و ادارات ورزش و جوانان یا فعال در حوزه صنعت ورزش از قبیل تولید تجهیزات ورزشی بود. جامعه آماری در بخش کمی کلیه اساتید مدیریت ورزشی، واردکنندگان، فروشندگان و تولیدکنندگان محصولات ورزشی و کارشناسان سازمان‌های ورزشی به تعداد نامحدود بودند. در انتخاب نمونه آماری بخش کیفی جهت مصاحبه‌های عمیق سعی شد تا هم از افراد دارای تحصیلات آکادمیک (اعضای هیئت علمی) و هم از افراد دارای تجربیات مدیریتی و کسب و کار استفاده شود. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد. بعد از ۱۴ مصاحبه اشباع نظری روی داد، ولی برای اطمینان تا ۱۷ مصاحبه ادامه پیدا کرد. از نرم‌افزار سناریو ویزارد برای سناریونویسی استفاده شد. با توجه به نتایج میزان توانمندی و کیفیت نیروهای انسانی، ارتباط مداوم و دوسویه دانشگاه و صنعت ورزش، وضعیت مدیریتی و ساختاری صنعت ورزش، میزان رشد اقتصاد ملی و وضعیت اقتصادی بین‌المللی، جایگاه فناوری در صنعت ورزش ایران، وضعیت فرهنگی و اجتماعی مرتبط با ورزش در کشور، تجهیزات و امکانات ورزشی، وضعیت سیاست خارجی ایران، میزان توسعه دیپلماسی ورزشی، وضعیت حمایت‌کننده و تسهیل‌کننده محیط قانونی صنعت ورزش، میزان جذب سرمایه داخلی و خارجی در صنعت ورزش، مدیریت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و میزان گرایش به ورزش همگانی به عنوان عوامل کلیدی و پیشران‌های توسعه صنعت ورزش در آینده شناسایی شدند.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mehdi kohandel@yahoo.com

^۳ دانشیار، گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

^۴ استاد، گروه مدیریت ورزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مقدمه

صنعت محصولات ورزشی در ایران از جنبه‌های مختلف با چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری روبه‌روست. در آینده، با توجه به شرایط پیچیده و تحریم‌های فنی و اقتصادی، توسعه این صنعت نیازمند اعتماد به توان نوآوری و استعدادهای موجود در کشور است. ارائه محصولات ورزشی با استفاده از ابزارهای فناورانه و پاسخگویی به نیازهای ورزشی و شرایط پیچیده آینده، از جمله موارد حیاتی برای بقای این صنعت می‌باشد. درواقع ورزش از ملزومات زندگی معاصر گردیده (معینی فرد، ۱۳۸۷) و بخشی از فرهنگ و هویت ملل محسوب می‌شود (بلوور^۱، ۲۰۲۲) تغییر و تحولات جهانی مقوله‌های زندگی معاصر، تربیت بدنی و ورزش را از ضروریاتی ساخته که دوری از آن اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. امروزه ورزش از ضروری‌ترین نیازها و اساسی‌ترین مسائل جوامع بشری است؛ به‌طوری‌که کمتر کشوری را می‌توان یافت که فاقد سازمان ورزشی باشد. در بسیاری از جوامع پیشرفته امروزی جایگاه تربیت بدنی و ورزش برای پیشبرد اهداف کلان هر کشور مشخص و بدیهی است (نصیرزاده، ۱۳۸۷). صنعت ورزش با در اختیارداشتن عامل محرکی همچون مسابقات بزرگ ورزشی، امکان به‌کارگیری از فرصت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ها را فراهم آورده است که این موضوع خود موجب ایجاد بستر لازم برای تعامل مابین صنعت، تجارت و ورزش گردیده است و به‌عنوان یک پل راهبردی در خدمت توسعه ورزش و رونق اقتصادی آن قرار گرفته است (عبدالملکی، ۲۰۲۰). با افزایش چشمگیر نقش ورزش در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی کشورها، پیشرفت در زمینه ورزش به یکی از اولویت‌های راهبردی برنامه‌ریزان در کشورهای مختلف دنیا تبدیل شده است (خسروی، ۱۳۹۱). ورزش اینک به صنعتی مبدل گردیده که بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی کشورها اثر عمیق و با اهمیت دارد. هر کشوری مجبور است برای تسلط هر چه بیشتر بر منابع تعیین‌کننده و منافع خود، به متغیرهای اصلی مؤثر بر آن توجه کند؛ به‌طوری‌که منافع کلان ورزش قهرمانی موجب ترغیب سیاست‌گذاران به توسعه آن در جهت کسب سود بیشتر برای خود شده است (هامر و چامپی^۲، ۱۹۹۲).

گزارش کمیسیون ورزش استرالیا در ۱۹۹۸ نشان داد که اگر تعداد شرکت‌کنندگان در ورزش‌های ملایم ۱۰ درصد افزایش یابد، سالیانه ۶۰۰ میلیون دلار در بودجه این کشور صرفه‌جویی می‌شود و هزینه مستقیم مراقبت بهداشتی چهار بیماری ناشی از کم‌تحركی شامل قلبی - عروقی، سکت، دیابت و سرطان روده ۳۰۶ میلیون دلار برآورد

¹ Bellver

² Hammer, M. & Champy

می‌شود (لیندر و سیت^۱، ۲۰۰۴). در دنیای کنونی که با سرعتی سرسام‌آور در حال تغییر است، دیگر نمی‌توان از تصمیم‌گیری‌های یکباره و مبتنی بر قضاوت‌های شهودی و تجربی استفاده کرد (سرمد، ۱۳۹۰). بررسی عملکرد برخی از سازمان‌های ورزشی نشان می‌دهد که آن سازمان‌هایی که برای انجام مأموریت و دستیابی به اهداف خود از مدیریتی قوی و مبتنی بر آینده‌پژوهی استفاده کردند، توانستند در فعالیت‌های مختلف از جمله ورزش قهرمانی و تأمین منابع مورد نیاز به موفقیت‌های چشمگیری دست یابند. به عنوان نمونه، کشور چین از رتبه چهارم المپیک ۱۹۹۶ آتلانتا به رتبه سوم در المپیک ۲۰۰۰ سیدنی و رتبه دوم در المپیک ۲۰۰۴ آتن دست یافته و کشور استرالیا از رتبه هفتم در المپیک آتلانتا به رتبه‌های چهارم در المپیک سیدنی و آتن رسیده است (منطقی و همکاران، ۱۳۹۲). امروزه تغییرات با آهنگی پرشتاب‌تر رخ می‌دهند. تغییرات فناوری و به دنبال آن تغییر در دیگر جنبه‌های زندگی، افزایش روزافزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکززدایی جوامع و نهادهای موجود که به دلیل گسترش فناوری اطلاعات، شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی‌شدن به همراه حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از «تغییرات» و «آینده» را برای دولت‌ها، کسب‌وکارها، سازمان‌ها و مردم ایجاد می‌کند. آینده اساساً دارای عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیت‌ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون ما به آینده باشند. ادامه «تصمیم‌گیری صرفاً چندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخ‌کامی روبه‌رو خواهد شد. درواقع، آینده‌پژوهی، دانش شکل بخشیدن به آینده متناسب با امیال و آرمان‌های فرد و سازمان است.

توسعه و اعتلای تربیت‌بدنی و ورزش در جامعه ما منوط به تحول سازنده و مثبت در برنامه‌های جاری ورزشی است. بازنگری در برنامه‌های گذشته و جاری و تدوین برنامه‌های کارآمد و مؤثر، بی‌شک نیازمند انجام پژوهش‌های گسترده و همه‌جانبه است که نتایج آن‌ها بتواند خط مشی برنامه جدید را تعیین کند و صحت انطباق آن را با نیازهای اساسی جامعه در حال تحول ما تضمین کند (عظیمی و همکاران، ۲۰۱۹). صنعت ورزش همانند سایر صنایع، در معرض تغییر و تحولات محیطی و جهانی قرار دارد و با مسائل ویژه خود دست‌به‌گریبان است. آینده‌پژوهی در این حوزه سبب می‌شود تا اهداف همه فعالیت‌ها و تلاش‌های گروهی تعیین و نحوه دستیابی به آن اهداف طرح‌ریزی شود (راتن، ۲۰۱۰). صنعت ورزش به دلیل تأثیرات مثبت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به یکی از بزرگ‌ترین صنایع جهانی تبدیل شده است و برای اغلب کشورها، این صنعت منبع مهمی برای فعالیت‌های اقتصادی، کسب درآمد، اشتغال‌زایی و تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود. اسکات^۲ (۲۰۱۲) برای اولین بار از ورزش به عنوان صنعت یاد کرد.

¹ Lindner And Sit

²Scott

او اشاره داشت که هرگونه فعالیت‌های ورزشی آماتور و حرفه‌ای که موجبات افزایش ارزش‌افزوده کالا و خدمات ورزشی را فراهم کند، صنعت ورزش محسوب می‌شود. به‌طورکلی صنعت ورزش، به مجموعه فعالیت‌های مرتبط با تولید، بازاریابی و فروش کالا و خدمات ورزشی گفته می‌شود که در ارتقای ارزش‌افزوده آن‌ها نقش داشته باشد (رضاییان و همکاران، ۲۰۱۰).

صنعت ورزش در سال‌ها و دهه‌های گذشته با چالش‌های مختلفی روبه‌روست. به‌عنوان مثال، در دهه حاضر یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و یکی از مهم‌ترین مشکلات صنعت ورزش کشور کارآفرینی و اشتغال است. ورزش به‌عنوان یک صنعت رو به توسعه، فرصت‌های کارآفرینی فراوانی را در دل خودجای داده است (برومند، ۱۳۹۵) و جنبه‌های گسترده اقتصادی در صنعت ورزش، امکان کارآفرینی را به‌عنوان حل مشکل «بیکاری» بیان کرده است. حل مشکل بیکاری در توجه به ظرفیت‌های پیش روی کسب‌وکار صنعت ورزش است. ظرفیت صنعت ورزش همان پتانسیل‌های موجود در ورزش، افراد و محیط در دستیابی به ایده نو در مسیر کارآفرینی است (یداله‌ی و همکاران، ۱۳۹۰). با اینکه ظرفیت‌های پیش روی صنعت ورزش بی‌شمار هستند، اما اقدام قابل توجهی برای بهره‌مندی از منافع صنعت ورزش در کشور انجام نشده است. برای نمونه، ساخت محصولات ورزشی، فروش محصولات ورزشی، تورهای گردشگری ورزشی، کسب‌وکارهای الکترونیکی ورزشی، مدیریت باشگاه، تسهیلات رفاهی و خدماتی ورزشی، دوره‌های آموزشی و غیره را می‌توان بخشی از پتانسیل بالای این صنعت یاد کرد.

اجرای طرح‌های آینده‌پژوهی یکی از ضرورت‌های هر سازمان و صنعتی می‌باشد و صنعت ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیست. لذا نیازمند به راهبرد برای رشد و توسعه تشکیلاتی می‌باشد. ورزش از نظر مفهوم توسعه‌یافتگی، معنایی گسترده و ژرف یافته است و تقریباً تمامی کشورها می‌کوشند تا زمینه‌های توسعه و گسترش خود را از فراسوی فعالیت‌های ورزشی بهتر بشناسند. از طرف دیگر، کشورهای عقب‌نگه داشته‌شده تلاش می‌کنند با موفقیت در میدان‌های ورزشی از رقابت جهانی باز نمانند (قاسمی، ۱۴۰۰).

چارچوب نظری آینده‌پژوهی یا مطالعات آینده، حوزه پژوهشی نسبتاً جدیدی است که قلمروی آن همه عرصه‌های معرفت‌نظری و تکاپوهای علمی آدمی را درمی‌نورد و نتایج حاصل از آن می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر هریک از این عرصه‌ها داشته باشد. در عصر کنونی که جهان با سرعتی چشمگیر به‌سوی دستیابی به توسعه پایدار گام برمی‌دارد، تکیه بر فرایند آزمون‌وخطا در رشد و بالندگی یک کشور، امری دورازانتظار و بهره‌وری است. براین اساس، برنامه‌ریزی به‌عنوان یکی از مبانی اصلی بهسازی فعالیت‌ها و رکن اصلی رشد و بالندگی هر سازمان، موردتوجه مدیران سازمان‌ها قرار دارد. امروزه، دیگر تدوین برنامه‌ها در سطوح مختلف و نظارت بر همسویی با برنامه‌های کلان کشوری، نه‌تنها یک وظیفه که از اولویت‌های جدانشدنی و موردتوجه هر مدیر محسوب می‌شود. برنامه‌ریزی جریانی مستمر از

تصمیم‌های نظام‌مند است که با در دست داشتن بهترین اطلاعات نسبت به آینده، به مرحله اجرا درمی‌آید. در زندگی روزانه، هر انسانی به‌عنوان موجودی که در محاصره مسائل و مشکلات زندگی است، فقط با برنامه‌ریزی و تعیین اهداف موردنظر و روش دستیابی به آن‌ها، در زمان مشخصی اعم از کوتاه‌مدت می‌تواند در جهت درست حرکت کند و از موانع عبور نماید. توسعه و اعتلای تربیت‌بدنی و ورزش در جامعه ما منوط به تحول سازنده و مثبت در برنامه‌های جاری ورزشی است. بازنگری در برنامه‌های گذشته و جاری و تدوین برنامه‌های کارآمد و مؤثر، بی‌شک نیازمند انجام پژوهش‌های گسترده و همه‌جانبه است که نتایج آن‌ها بتواند خط‌مشی برنامه جدید را تعیین کند و صحت انطباق آن را با نیازهای اساسی جامعه در حال تحول ما تضمین نماید (منظمی، ۲۰۱۱). صنعت ورزش همانند سایر صنایع، در معرض تغییر و تحولات محیطی و جهانی قرار دارد و با مسائل ویژه خود دست‌به‌گریبان است. برنامه‌ریزی در صنعت ورزش سبب می‌شود تا اهداف همه‌فعالیت‌ها و تلاش‌های گروهی در این حوزه تعیین و نحوه دستیابی به آن اهداف طرح‌ریزی شود (راسخ و همکاران، ۲۰۱۱).

آینده‌پژوهی به این موضوع می‌پردازد که چگونه از دل تغییرات و تحولات امروز واقعیت فردا ظهور می‌یابد (خزایی و محمودزاده، ۲۰۱۳). اهمیت اصلی آینده‌پژوهی، به دلیل دنیای پرشتاب امروزی است. مطالعات آینده‌پژوهی، حوزه‌ای بین‌رشته‌ای است و با طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها درباره آینده محتمل، ممکن و مرجح ارتباط دارد. بیش از ۱۷ دیدگاه روش‌شناسی شناسایی شده‌اند که اغلب آن‌ها در ارتباط و هماهنگی با یکدیگر به کار می‌روند. سلسله داده‌های زمانی، مدل‌ها، توفان فکری، سناریونویسی، شبیه‌سازی، قیاس تاریخی، فنون دلفی، تحلیل تأثیر متقابل، مدل‌سازی علی، تبارشناسی‌ها، بازی‌سازی و نگاشت متنی برخی از فنون آینده‌پژوهی هستند (لاشوا^۱، ۲۰۱۸). آینده‌پژوهی شامل چند دیدگاه و مکتب کلی است: دیدگاه‌های مبتنی بر آینده (تحلیلگران الگو، مشاهده گران و غیره)؛ دیدگاه‌های مبتنی بر افق زمانی (چشم‌انداز کوتاه‌مدت در مقابل بلندمدت)؛ دیدگاه‌های کیفی در مقابل دیدگاه‌های کمی؛ دیدگاه‌های برون‌یابی در مقابل دیدگاه‌های هنجاری و غیره (خزایی و محمودزاده، ۲۰۱۳).

به پژوهش‌های آینده‌پژوهی اخیر در حوزه ورزش، به‌ویژه ورزش تربیتی و آموزشی توجه شده است (راتن و جونز^۲، ۲۰۱۸). تضمین موفقیت آینده‌پژوهی به ایجاد مشارکت و تعامل در گستره وسیعی از افراد و سازمان‌ها در جامعه بستگی دارد و ایجاد چنین مشارکت و تعاملی نیازمند گفت‌وگو و جریان‌های اجتماعی است (داویس و همکاران، ۲۰۱۴). هر چند ظرفیت‌های نامبرده مهم بوده، اما پتانسیل افراد در بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها و محیط حاکم نیز قابل اهمیت هستند. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ایجاد ظرفیت کارآفرینی از دیدگاه محققان شامل نگرش کارآفرینانه،

¹ Lashua

² Ratten & Jones

نهادهای مرتبط با حوزه راهاندازی کسب و کار، سیاست‌های کارآفرینانه، حمایت‌ها از کارآفرینان، فرآیندهای استفاده از ظرفیت‌های کارآفرینی، زیرساخت‌های کارآفرینی، عوامل حقوقی و قانونی و اقتصاد کشور معرفی شده‌اند (مژدهی و همکاران، ۱۳۹۶).

در سال‌های اخیر، تحقیقات مختلفی به بررسی عوامل مؤثر بر آینده صنعت محصولات ورزشی ایران پرداخته‌اند. فسقوری و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه خود با بهره‌گیری از «مدل شایستگی‌های کارآفرینی»، ظرفیت‌های این صنعت را در قالب شایستگی‌های فردی، آکادمیک، کاری و حرفه‌ای گسترده صنعت و مدیریت شناسایی کرده‌اند. این دسته‌بندی ابعادی از توانمندی‌های کلیدی در صنعت ورزش ایران را برجسته می‌کند. همچنین، حسینی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به نقش زیرساخت‌های اقتصادی و سیاست‌های حمایتی در توسعه صنعت محصولات ورزشی پرداخته‌اند و دریافته‌اند که تأمین مالی و سیاست‌های حمایتی دولتی تأثیر چشمگیری در رشد و آینده این صنعت دارد. قادری و همکاران (۱۳۹۹) با رویکردی آینده‌نگر، به تحلیل تأثیر فناوری‌های نوین و نوآوری پرداخته و نشان داده‌اند که ورود فناوری‌های جدید و استفاده از نوآوری در تولید محصولات ورزشی می‌تواند رقابت‌پذیری صنعت را افزایش دهد و مشتریان بیشتری را جذب کند. از سوی دیگر، امینی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهش خود به اهمیت برندینگ و بازاریابی در صنعت محصولات ورزشی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که برندینگ قوی می‌تواند به جذب مشتریان و افزایش فروش کمک کند. این پژوهش بر نقش حیاتی تصویر مناسب محصولات ورزشی در توسعه پایدار این صنعت تأکید دارد. در نهایت، خلیلی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر سیاست‌های ورزشی و حمایت‌های دولتی پرداخته و اثرات مثبت این سیاست‌ها را بر رشد و رونق صنعت محصولات ورزشی نشان داده‌اند. آن‌ها توصیه کرده‌اند که برای پایداری و توسعه بیشتر، سیاست‌های حمایتی و مالی تقویت شوند. مجموع این پژوهش‌ها چارچوب نظری جامعی را برای تحلیل عوامل مؤثر بر آینده صنعت محصولات ورزشی ایران فراهم می‌کنند و ابعاد مختلف این صنعت را از جنبه‌های مدیریتی، مالی، فناورانه و بازاریابی پوشش می‌دهند.

پاسخ به نیازهای ورزشی و مواجهه با شرایط پیچیده آینده، طبعاً مستلزم آینده‌نگاری این صنعت است تا در نهایت حاصل تلاش‌ها و نوآوری‌ها از اثربخشی، پابرجایی و قابلیت‌های لازم در قبال محیط آینده برخوردار باشند. در این زمینه، عملاً توجه به سیاست‌گذاری ورزشی و آینده‌نگاری در دستور کار و اولویت‌های سازمان‌ها و نهادهای ورزشی کشور قرار گیرد. سیاست‌گذاری با تفکر و دانش درهم آمیخته شده است. دانش آینده‌نگاری، پدیده‌ای مکمل در سیاست‌گذاری عمومی است. از منظری دیگر، مدل صنعت ورزش هر کشوری متناسب با نظام‌های سیاسی، حکومتی و ساختار تشکیلاتی دولتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن کشور طراحی می‌شود که این مدل بدون توجه به آینده و

پژوهش آن نخواهد توانست نیازهای صنعت ورزش را برطرف کند. لذا این تحقیق در راستای پاسخ به این سؤال اساسی انجام شد:

سناریوهای آینده صنعت ورزش ایران چگونه خواهد بود و چه عواملی بر آینده صنعت ورزش در ایران تاثیرگذارند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر به صورت توصیفی و با رویکرد آینده‌پژوهی طراحی شده است تا عوامل مؤثر بر آینده صنعت محصولات ورزشی ایران شناسایی شوند. این تحقیق از لحاظ گردآوری داده‌ها به صورت کیفی انجام شد و بر مصاحبه‌های عمیق و دقیق با متخصصان تأکید دارد. جامعه آماری آن شامل کلیه متخصصان و خبرگان علمی و تجربی فعال در ورزش بود. معیارهای انتخاب برای مصاحبه‌ها عبارت بودند از: حداقل مدرک دکتری در مدیریت ورزش (اعم از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها) یا حداقل ۱۵ سال تجربه کاری در سازمان‌های ورزشی نظیر وزارت ورزش و جوانان، فدراسیون‌ها، کمیته‌های ملی المپیک و پارالمپیک و ادارات ورزش و جوانان و همچنین فعالان صنعت ورزش (مانند تولیدکنندگان تجهیزات ورزشی). به منظور افزایش دقت و تعادل در جمع‌آوری داده‌ها، نمونه‌گیری به صورت هدفمند صورت گرفت و نمونه‌ها از میان افراد دارای تحصیلات آکادمیک (اعضای هیئت علمی) و نیز افراد دارای تجربه مدیریتی و کسب و کار انتخاب شدند. فرآیند مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. پس از انجام ۱۴ مصاحبه، نشانه‌های اشباع نظری مشاهده گردید، اما برای اطمینان بیشتر، ۱۷ مصاحبه انجام شد. همچنین، برای تدوین سناریوهای آینده‌پژوهی از نرم‌افزار Scenario Wizard استفاده شد که به محققان کمک کرد تا با استفاده از داده‌های گردآوری‌شده و تحلیل‌های انجام‌شده، سناریوهای متناسب با اهداف پژوهش تدوین کنند.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱، توصیف آماری شرکت‌کنندگان در تحقیق را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جمعیت‌شناختی، بیش از ۵۰ درصد از شرکت‌کنندگان دارای مدرک دکتری بودند.

جدول ۱: توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	رشته تحصیلی	سمت	مدرک تحصیلی	جنسیت	سن	سابقه خدمت
۱	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	مرد	۴۱	۱۲
۲	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	زن	۴۲	۱۲
۳	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	مرد	۴۷	۱۹
۴	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	مرد	۵۶	۲۷
۵	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	زن	۵۵	۲۴
۶	حسابداری	تولید کننده ورزشی	دکتر	مرد	۵۸	۳۰

۷	مدیریت ورزشی	تولید کننده ورزشی	کارشناسی ارشد	مرد	۵۵	۲۶
۸	مدیریت ورزشی	تولید کننده ورزشی	دانشجوی دکترا	مرد	۵۲	۲۰
۹	مدیریت ورزشی	تولید کننده ورزشی	دکتر	زن	۵۱	۱۹
۱۰	مدیریت ورزشی	کارشناس خبره صنعت ورزش	دانشجوی دکترا	زن	۴۶	۱۷
۱۱	مدیریت ورزشی	کارشناس خبره صنعت ورزش	دکتر	مرد	۵۳	۲۱
۱۲	علوم ورزشی	کارشناس خبره صنعت ورزش	دکتر	مرد	۵۶	۲۷
۱۳	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	مرد	۵۵	۱۹
۱۴	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	زن	۵۱	۲۳
۱۵	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	مرد	۴۰	۱۵
۱۶	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	کارشناسی ارشد	مرد	۳۷	۸
۱۷	مدیریت ورزشی	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتر	مرد	۴۱	۱۲

در مرحله اول، کد گذاری باز به روش چارمز و از طریق جزء به جزء کردن اطلاعات به شکل بندی مقوله های اطلاعات درباره عوامل کلیدی و نیروهای پیش ران صنعت محصولات ورزشی ایران انجام شد. کدهای اولیه^۱ در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲: کدهای اولیه

ردیف	کد باز	فراوانی
۱-	ارتباط دانشکده های تربیت بدنی با صنعت ورزش	۱۱
۲-	همکاری بین صنعت و دانشگاه در توانمندسازی دانشجویان علوم ورزشی	۹
۳-	طراحی و اجرای برنامه های آموزشی جامع و متناسب با نیازهای صنعت ورزش	۸
۴-	به کارگیری فناوری های پیشرفته آموزشی مانند شبیه سازها، واقعیت مجازی، ابزارهای تحلیل داده و نرم افزارهای هوش مصنوعی به ارتقای فرآیند آموزش	۳
۵-	ایجاد محیط های آموزشی تحت نظارت دانشگاه و صنایع ورزشی	۶
۶-	ایجاد سیستم های ارزیابی عملکرد دانشجویان علوم ورزشی در بازار کار	۵
۷-	ایجاد برنامه های کارآموزی برای دانشجویان به منظور کسب تجربه عملی و ایجاد ارتباط مستقیم با صنعت ورزش	۶
۸-	بازنگری در محتوای دروس دانشجویان براساس نیاز صنعت و بازار کار	۱۱
۹-	بازنگری در گرایش های علوم ورزشی	۹
۱۰-	ایجاد برنامه های آموزشی مداوم برای کارمندان	۷

¹ Initial Coding

ردیف	کد باز	فراوانی
۱۱-	تسهیل فعالیت جذب دانش‌آموختگان نخبه علوم ورزشی در صنعت ورزش	۵
۱۲-	تشویق نیروی انسانی به شرکت در دوره‌های تخصصی و کسب تجربه‌های عملی	۵
۱۳-	طراحی برنامه‌های کاری منظم و بهینه با توجه به مهارت‌ها و توانمندی‌های هر کارمند	۴
۱۴-	آموزش استفاده از فناوری‌های نوین به نیروی انسانی حوزه صنعت ورزش	۱۰
۱۵-	ایجاد محیط کاری مناسب، ایمن و دلنشین برای نیروی انسانی حوزه صنعت ورزش	۹
۱۶-	تشویق نیروی انسانی صنعت ورزش به مشارکت در فرآیند نوآوری و ارائه ایده‌های خلاقانه جهت بهبود عملکرد و فرآیندها	۶
۱۷-	تشویق اعضای هیئت علمی به انجام تحقیقات بر روی موضوعات و مسائل مرتبط با صنعت ورزش	۸
۱۸-	برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای مشترک بین صنعت و دانشگاه	۸
۱۹-	سرمایه‌گذاری در ایجاد مراکز ورزشی و تامین تجهیزات مدرن	۱۱
۲۰-	برقراری همکاری‌های مؤثر با تیم‌ها و صنعت ورزشی به منظور انتقال تجربیات عملی و آشنایی دانشجویان با محیط حرفه‌ای	۳
۲۱-	ایجاد ساختار سازمانی مناسب و کارآمد در سازمان‌های مرتبط با توسعه صنعت ورزش	۱۱
۲۲-	مدیریت بهینه منابع انسانی حوزه صنعت ورزش	۵
۲۳-	سیاست‌های کلان بهره‌گیری مؤثر از منابع مالی در ورزش	۱۰
۲۴-	سیاست‌های کلی وزارت ورزش و جوانان در حوزه صنعت ورزش	۱۰
۲۵-	اولویت‌های آتی ورزش کشور	۵
۲۶-	کاهش اختلافات طبقاتی بین مردم	۵
۲۷-	بهبود وضعیت معیشتی کارمندان	۸
۲۸-	بهبود سیستم مالیاتی در صنعت ورزش	۷
۲۹-	توزیع عادلانه بودجه توسعه ورزش در کشور	۵
۳۰-	وضعیت اقتصاد جهانی	۹
۳۱-	عوامل مؤثر بر درآمدزایی و بودجه فدراسیون‌های ورزشی	۵
۳۲-	تقسیم عادلانه بودجه ورزش کشور	۹
۳۳-	وضعیت اقتصادی در کشورهای خاورمیانه	۱۱
۳۴-	نحوه نظارت بر مصارف بودجه‌ای ورزش کشور	۳
۳۵-	میزان رشد اقتصادی کشور	۵
۳۶-	سیاست‌های مالی کشور	۱۰

ردیف	کد باز	فراوانی
۳۷-	وضعیت اقتصادی مردم	۵
۳۸-	میزان پذیرش فناوری‌های جدید در صنعت ورزش	۹
۳۹-	تغییرات در فناوری‌های مرتبط با صنعت ورزش	۳
۴۰-	میزان پذیرش و نفوذ هوش مصنوعی	۷
۴۱-	بهبود کیفیت محصولات ورزشی	۸
۴۲-	خروج از انحصار برخی از فناوری‌های نوین در تولید محصولات ورزشی	۷
۴۳-	میزان سلطه فناوری بر محصولات ورزشی	۷
۴۴-	میزان گرایش مردم به فعالیت ورزشی	۳
۴۵-	سیاست‌های رسانه ملی در ارتباط با ورزش	۴
۴۶-	تغییر در سبک زندگی مردم	۳
۴۷-	تغییرات مربوط به هرم سنی جمعیت ایران	۷
۴۸-	وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه	۷
۴۹-	تغییر در ارزش‌های اجتماعی مرتبط با فعالیت بدنی	۳
۵۰-	وضعیت پروژه‌های ناتمام ورزش کشور	۷
۵۱-	تسهیل دسترسی عموم ورزش به فضاهای ورزشی	۵
۵۲-	تعرفه و قیمت ارائه خدمات ورزشی	۶
۵۳-	افزایش امکانات ورزشی در شهرها	۱۰
۵۴-	توجه به آمایش سرزمین در توزیع امکانات و تجهیزات ورزشی	۱۱
۵۵-	وضعیت تحریم‌های سازمان ملل نسبت به ایران	۲
۵۶-	وضعیت شرکای سیاسی ایران در اقتصاد جهانی	۳
۵۷-	ثبات یا بی‌ثباتی در کشورهای منطقه	۵
۵۸-	ارتباطات با شرکت‌های ورزشی دنیا	۳
۵۹-	وضعیت دیپلماسی ورزشی کشور در ۱۰ سال آینده	۸
۶۰-	ارتباط موثر با مراکز علمی ورزش دنیا	۴
۶۱-	امکان فعالیت نمایندگی‌های شرکت‌های ورزشی در ایران	۹
۶۲-	دیپلماسی ارتباط با کشورهای همسایه	۷
۶۳-	میزان پشتیبانی دولت از صنعت ورزش	۹
۶۴-	میزان تصویب قوانین حمایتی از صنعت ورزش	۸

ردیف	کد باز	فراوانی
۶۵-	تدوین و اصلاح آیین‌نامه‌های مرتبط با توسعه صنعت ورزش	۲
۶۶-	مقررات تسهیل تجارت خارجی در صنعت ورزش	۹
۶۷-	میزان پایداری دولت	۱۰
۶۸-	صنعت ورزش در برنامه هشتم و نهم	۱۰
۶۹-	رشد پتانسیل بازار صنعت ورزش	۶
۷۰-	قابلیت برگزاری رویدادهای مهم ورزشی بین‌المللی	۱۰
۷۱-	توانایی تولید درآمد در صنعت ورزش	۶
۷۲-	حاشیه سود تولیدات ورزشی	۹
۷۳-	بازنگری در مقررات جذب سرمایه در ورزش	۲
۷۴-	ایجاد لیگ‌های ورزشی جذاب	۳
۷۵-	افزایش تماشاگران لیگ‌های ورزشی	۴
۷۶-	افزایش سطح رقابت لیگ‌های کشور	۱۱
۷۷-	استقبال بخش خصوصی برای حمایت از باشگاه‌های حاضر در لیگ‌های ورزشی	۴
۷۸-	افزایش حضور صنعت در لیگ‌های ورزشی کشور	۲
۷۹-	بهبود کیفیت لیگ‌های رشته‌های مختلف	۱۱
۸۰-	افزایش مشارکت مردم در ورزش همگانی	۸
۸۱-	توسعه فضاهای ورزشی عمومی	۸
۸۲-	افزایش سرمایه گذاری دولت در حوزه ورزش همگانی	۲
۸۳-	بهبود فرهنگ فعالیت بدنی منظم در بین اقشار مردم	۱۰
۸۴-	سرمایه‌گذاری در گذران فعال اوقات فراغت مردم	۴

پس از کدگذاری اولیه در جدول ۲، کدهای متمرکز^۱ (عوامل کلیدی و نیروهای پیش‌ران) شناسایی شد

(جدول ۳):

جدول ۳: کدهای متمرکز

کد اولیه	کد متمرکز	مفهوم
ارتباط دانشکده‌های تربیت بدنی با صنعت ورزش		
همکاری بین صنعت و دانشگاه در توانمندسازی دانشجویان علوم ورزشی		

¹ Focused Coding

مفهوم	کد متمرکز	کد اولیه
		طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی جامع و متناسب با نیازهای صنعت ورزش به کارگیری فناوری‌های پیشرفته آموزشی مانند شبیه‌سازها، واقعیت مجازی، ابزارهای تحلیل داده و نرم‌افزارهای هوش مصنوعی به ارتقای فرآیند آموزش ایجاد محیط‌های آموزشی تحت نظارت دانشگاه و صنایع ورزشی ایجاد سیستم‌های ارزیابی عملکرد دانشجویان علوم ورزشی در بازار کار ایجاد برنامه‌های کارآموزی برای دانشجویان به منظور کسب تجربه عملی و ایجاد ارتباط مستقیم با صنعت ورزش
	میزان توانمندی و کیفیت نیروهای انسانی	بازنگری در محتوای دروس دانشجویان بر اساس نیاز صنعت و بازار کار بازنگری در گرایش‌های علوم ورزشی ایجاد برنامه‌های آموزشی مداوم برای کارمندان
آینده		تسهیل فعالیت جذب دانش‌آموختگان نخبه علوم ورزشی در صنعت ورزش تشویق نیروی انسانی به شرکت در دوره‌های تخصصی و کسب تجربه‌های عملی
صنعت		طراحی برنامه‌های کاری منظم و بهینه با توجه به مهارت‌ها و توانمندی‌های هر کارمند آموزش استفاده از فناوری‌های نوین به نیروی انسانی حوزه صنعت ورزش ایجاد محیط کاری مناسب، ایمن و دلنشین برای نیروی انسانی حوزه صنعت ورزش تشویق نیروی انسانی صنعت ورزش به مشارکت در فرآیند نوآوری و ارائه ایده‌های خلاقانه جهت بهبود عملکرد و فرآیندها
ورزش		تشویق اعضای هیئت‌علمی به انجام تحقیقات بر روی موضوعات و مسائل مرتبط با صنعت ورزش
	ارتباط مداوم و دوسویه دانشگاه و صنعت ورزش	برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای مشترک بین صنعت و دانشگاه سرمایه‌گذاری در ایجاد مراکز ورزشی و تامین تجهیزات مدرن برقراری همکاری‌های مؤثر با تیم‌ها و صنعت ورزشی به منظور انتقال تجربیات عملی و آشنایی دانشجویان با محیط حرفه‌ای ایجاد ساختار سازمانی مناسب و کارآمد در سازمان‌های مرتبط با توسعه صنعت ورزش
	وضعیت مدیریتی و	

مفهوم	کد متمرکز	کد اولیه
	ساختاری	مدیریت بهینه منابع انسانی حوزه صنعت ورزش
	صنعت ورزش	سیاست‌های کلان بهره‌گیری مؤثر از منابع مالی در ورزش
		سیاست‌های کلی وزارت ورزش و جوانان در حوزه صنعت ورزش
		اولویت‌های آتی ورزش کشور
		کاهش اختلافات طبقاتی بین مردم
		بهبود وضعیت معیشتی کارمندان
		بهبود سیستم مالیاتی در صنعت ورزش
	میزان رشد	توزیع عادلانه بودجه توسعه ورزش در کشور
	اقتصاد ملی و	وضعیت اقتصاد جهانی
	وضعیت	عوامل مؤثر بر درآمدزایی و بودجه فدراسیون‌های ورزشی
	اقتصادی	تقسیم عادلانه بودجه ورزش کشور
	بین‌المللی	وضعیت اقتصادی در کشورهای خاورمیانه
		نحوه نظارت بر مصارف بودجه‌ای ورزش کشور
		میزان رشد اقتصادی کشور
		سیاست‌های مالی کشور
		وضعیت اقتصادی مردم
		میزان پذیرش فناوری‌های جدید در صنعت ورزش
	جایگاه فناوری	تغییرات در فناوری‌های مرتبط با صنعت ورزش
	در صنعت	میزان پذیرش و نفوذ هوش مصنوعی
	ورزش ایران	بهبود کیفیت محصولات ورزشی
		خروج از انحصار برخی از فناوری‌های نوین در تولید محصولات ورزشی
		میزان سلطه فناوری بر محصولات ورزشی
	وضعیت	میزان گرایش مردم به فعالیت ورزشی
	فرهنگی و	سیاست‌های رسانه ملی در ارتباط با ورزش

مفهوم	کد متمرکز	کد اولیه
اجتماعی مرتبط		تغییر در سبک زندگی مردم
با ورزش در		تغییرات مربوط به هرم سنی جمعیت ایران
کشور		وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه
		تغییر در ارزش‌های اجتماعی مرتبط با فعالیت بدنی
		وضعیت پروژه‌های ناتمام ورزش کشور
تجهیزات و		تسهیل دسترسی عموم ورزش به فضاهای ورزشی
امکانات		تعرفه و قیمت ارائه خدمات ورزشی
ورزشی		افزایش امکانات ورزشی در شهرها
		توجه به آمایش سرزمین در توزیع امکانات و تجهیزات ورزشی
وضعیت		وضعیت تحریم‌های سازمان ملل نسبت به ایران
سیاست		وضعیت شرکای سیاسی ایران در اقتصاد جهانی
خارجی ایران		ثبات یا بی‌ثباتی در کشورهای منطقه
		ارتباطات با شرکت‌های ورزشی دنیا
میزان توسعه		وضعیت دیپلماسی ورزشی کشور در ۱۰ سال آینده
دیپلماسی		ارتباط موثر با مراکز علمی ورزش دنیا
ورزشی		امکان فعالیت نمایندگی‌های شرکت‌های ورزشی در ایران
		دیپلماسی ارتباط با کشورهای همسایه
وضعیت		میزان پشتیبانی دولت از صنعت ورزش
حمایت‌کننده و		میزان تصویب قوانین حمایتی از صنعت ورزش
تسهیل‌کننده		تدوین و اصلاح آیین‌نامه‌های مرتبط با توسعه صنعت ورزش
محیط قانونی		مقررات تسهیل تجارت خارجی در صنعت ورزش
صنعت ورزش		میزان پایداری دولت
		صنعت ورزش در برنامه هشتم و نهم
		رشد پتانسیل بازار صنعت ورزش

مفهوم	کد متمرکز	کد اولیه
	میزان جذب	قابلیت برگزاری رویدادهای مهم ورزشی بین‌المللی
	سرمایه داخلی	توانایی تولید درآمد در صنعت ورزش
	و خارجی در	حاشیه سود تولیدات ورزشی
	صنعت ورزش	بازنگری در مقررات جذب سرمایه در ورزش
		ایجاد لیگ‌های ورزشی جذاب
	مدیریت ورزش	افزایش تماشاگران لیگ‌های ورزشی
	قهرمانی و	افزایش سطح رقابت لیگ‌های کشور
	حرفه‌ای	استقبال بخش خصوصی برای حمایت از باشگاه‌های حاضر در لیگ‌های ورزشی
		افزایش حضور صنعت در لیگ‌های ورزشی کشور
		بهبود کیفیت لیگ‌های رشته‌های مختلف
		افزایش مشارکت مردم در ورزش همگانی
	میزان گرایش به	توسعه فضاهای ورزشی عمومی
	ورزش همگانی	افزایش سرمایه‌گذاری دولت در حوزه ورزش همگانی
		بهبود فرهنگ فعالیت بدنی منظم در بین اقشار مردم
		سرمایه‌گذاری در گذران فعال اوقات فراغت مردم

لذا با توجه به نتایج، عوامل کلیدی و نیروهای پیش‌ران صنعت ورزش عبارت‌اند از:

- میزان توانمندی و کیفیت نیروهای انسانی
- ارتباط مداوم و دوسویه دانشگاه و صنعت ورزش
- وضعیت مدیریتی و ساختاری صنعت ورزش
- میزان رشد اقتصاد ملی و وضعیت اقتصادی بین‌المللی
- جایگاه فناوری در صنعت ورزش ایران
- وضعیت فرهنگی و اجتماعی مرتبط با ورزش در کشور
- تجهیزات و امکانات ورزشی
- وضعیت سیاست خارجی ایران

- میزان توسعه دیپلماسی ورزشی
- وضعیت حمایت‌کننده و تسهیل‌کننده محیط قانونی صنعت ورزش
- میزان جذب سرمایه داخلی و خارجی در صنعت ورزش
- مدیریت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای
- میزان گرایش به ورزش همگانی

بحث و نتیجه‌گیری

لزام آینده‌پژوهی در صنعت ورزش ایران از جوانب مختلف آشکار است. این تحقیقات می‌توانند نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات موجود در حوزه ورزش را شناسایی و به سازمان‌ها، دولت، و اقشار مختلف جامعه راهنمایی کنند. در آینده‌پژوهی، مسائلی چون ارتقای سطح توجه به ورزش در جامعه، توسعه زیرساخت‌های ورزشی، افزایش حضور زنان در ورزش، تربیت نیروی انسانی متخصص در این حوزه و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در طراحی و اجرای برنامه‌های ورزشی می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. آینده‌پژوهی در صنعت ورزش ایران به عنوان یک ابزار راهبردی می‌تواند به جامعه کمک کند تا با چالش‌های فعلی و آینده به بهترین نحو ممکن برخورد کند و از این راه، ورزش را به عنوان یک عنصر اساسی در توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور تقویت نمایند. تحقیقات در این زمینه می‌توانند نقش مهمی در ایجاد تغییرات مثبت و بهبودهای مستمر داشته باشند و به جامعه ایران کمک کنند تا به دنبال رشد و پیشرفت در عرصه ورزش باشد.

این تحقیق با هدف آینده‌پژوهی صنعت محصولات ورزشی ایران با رویکرد سناریونویسی انجام شد. نتایج نشان داد که میزان توانمندی و کیفیت نیروهای انسانی، ارتباط مداوم و دوسویه دانشگاه و صنعت ورزش، وضعیت مدیریتی و ساختاری صنعت ورزش، میزان رشد اقتصاد ملی و وضعیت اقتصادی بین‌المللی، جایگاه فناوری در صنعت ورزش ایران، وضعیت فرهنگی و اجتماعی مرتبط با ورزش در کشور، تجهیزات و امکانات ورزشی، وضعیت سیاست خارجی ایران، میزان توسعه دیپلماسی ورزشی، وضعیت حمایت‌کننده و تسهیل‌کننده محیط قانونی صنعت ورزش، میزان جذب سرمایه داخلی و خارجی در صنعت ورزش، مدیریت ورزش قهرمانی و حرفه‌ای و میزان گرایش به ورزش همگانی به عنوان عوامل کلیدی و پیشران‌های توسعه صنعت ورزش در آینده شناسایی شدند. این نتیجه با یافته‌های تحقیق کریمی و هاشم‌زاده (۱۳۹۴)، کلاته سیف‌ری و همکاران (۱۳۹۵)، عبدالملکی (۱۳۹۹)، هژبر و همکاران (۱۴۰۱)، امری (۲۰۱۰)، یانگ یونگ و دانگ (۲۰۲۲)، بل و و همکاران (۲۰۲۲) و چنچن و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. می‌توان بیان کرد که توانمندی و کیفیت نیروهای انسانی در آینده صنعت ورزش ایران اهمیت چشمگیری دارد،

زیرا این عامل به شدت بر توسعه، سلامت و ارتقای جامعه تأثیرگذار می‌باشد. اولین نکته که باید به آن توجه کرد، ارتباط تنگاتنگ بین توانمندی نیروهای انسانی و رشد اقتصادی در حوزه ورزش است. نیروهای با توانمندی‌های تخصصی در زمینه مدیریت ورزشی، بازاریابی، حقوق و قوانین ورزش به عنوان یک عامل مؤثر در مدیریت تیم‌ها و رویدادهای ورزشی می‌توانند به نحو قابل توجهی به رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در این صنعت کمک کنند. همچنین، توانمندی نیروهای انسانی در زمینه تربیت و آموزش ورزشی نقش مهمی در توسعه و پیشرفت صنعت ورزش ایران دارد. تخصص و مهارت در این زمینه می‌تواند بهبود عملکرد ورزشکاران، افزایش سطح توانمندی جوانان، و تربیت نیروهای متخصص در زمینه ورزش را فراهم آورد و در نتیجه، توسعه استعدادهای ورزشی و کشف استعدادهای جدید را تسهیل نماید. در زمینه مدیریت اخلاق و ارتقای اخلاقیات در صنعت ورزش، توانمندی نیروهای انسانی با اخلاق حرفه‌ای و پویایی در ایجاد فرهنگ اخلاقی در جامعه ورزشی ایران تأثیرگذار است (هژبر و همکاران، ۱۴۰۱). افراد با اخلاقیات بالا می‌توانند به پیشگیری از مشکلات اخلاقی، ارتقای احترام و رفتارهای اخلاقی در تمامی لایه‌های جامعه ورزش کمک کنند و به این ترتیب، صنعت ورزش را از دیدگاه اخلاقی تقویت نمایند. همچنین، توانمندی و حضور زنان در حوزه ورزش به عنوان یک عنصر اساسی، اهمیت بالایی دارد. زنان با توانمندی‌های مدیریتی و ورزشی می‌توانند نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌ها، تربیت و آموزش ورزشی و رشد صنعت ورزش ایران ایفا کنند. توانمندی و کیفیت نیروهای انسانی در آینده صنعت ورزش ایران، عاملی اساسی برای رشد و توسعه این حوزه است. این نیروها با تخصص، اخلاق، و توانمندی‌های لازم می‌توانند به ایجاد صنعت ورزشی پویا، مؤثر، و پایدار در کشور و در نهایت، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صنعت ورزش در ایران کمک نمایند.

ارتباط مداوم و دوسویه بین صنعت ورزش و دانشگاه در آینده ایران اهمیت چشمگیری دارد و این همکاری می‌تواند تأثیرات عظیمی بر توسعه و پیشرفت صنعت ورزش در این کشور داشته باشد. یکی از اصلی‌ترین دلایل اهمیت ارتباط مداوم بین صنعت ورزش و دانشگاه، ایجاد ارتباط میان تئوری و عمل در حوزه ورزش است. دانشگاه‌ها به عنوان مراکز تولید دانش و تحقیقات در حوزه‌های مختلف می‌توانند تخصص خود را در زمینه علوم ورزشی ارتقا دهند و نتایج تحقیقات خود را به عنوان زیرساخت علمی و تخصصی به صنعت ورزش ارائه نمایند (هنری و همکاران، ۱۳۹۹). این تبادل مؤثر در دو سمت باعث ترقی سریع‌تر علم و فناوری ورزشی و به‌کارگیری نتایج تحقیقات در توسعه محصولات و خدمات ورزشی می‌شود. همچنین، ارتباط فعال میان دانشگاه و صنعت ورزش باعث تربیت نیروهای کارآمد و تخصصی در حوزه ورزش می‌گردد. افراد مجرب و متخصصی که با تئوری‌ها و پیشرفت‌های علمی آشنا هستند، می‌توانند در صنعت ورزش نقش به‌سزایی ایفا کنند و با ارتقای کیفیت تربیت ورزشی، به توسعه استعدادها و پتانسیل‌های ورزشی کشور کمک نمایند. در زمینه توسعه برنامه‌ها و سیاست‌های ورزشی نیز همکاری مستمر میان

دانشگاه و صنعت ورزش حائز اهمیت است. دانشگاه با ارائه تحلیل‌ها، طراحی برنامه‌های توسعه و تحقیقات گسترده می‌تواند به سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها در اتخاذ تصمیمات بهینه و تدوین سیاست‌های جامع ورزشی کمک کند. وضعیت مدیریتی و ساختار ورزش در آینده صنعت ورزش ایران اهمیت چشمگیری دارد و تأثیرات عمیقی بر توسعه و پیشرفت این حوزه خواهد داشت. یکی از مهمترین نکات، تأثیر مستقیم ساختار و مدیریت مناسب بر بهره‌وری ورزشی و توسعه همه‌جانبه این صنعت است. ساختار سازمانی صحیح می‌تواند به تقسیم‌کاری مناسب، انجام وظایف با دقت بیشتر و ایجاد تعاملات موثر درون سازمان کمک کند. مدیریت کارآمد نیز تأثیر مستقیم بر بهره‌وری منابع، مدیریت مالی صحیح و تصمیم‌گیری‌های راهبردی دارد. وضعیت مدیریتی و ساختار ورزش در آینده ایران باید بر پایه اصول حاکم بر مدیریت مدرن و به‌روز باشد. این مسئله باعث ایجاد یک سیستم مدیریتی کارآمد و انعطاف‌پذیر که با چالش‌ها و نیازهای روز به‌روز صنعت ورزش سازگار باشد می‌شود. توانایی تطابق با تغییرات سریع در فناوری، مدیریت اطلاعات، بازارهای جهانی و البته نیازهای ورزشکاران و علاقه‌مندان، امری ضروری است. همچنین، مدیریت صحیح و ساختار مناسب می‌تواند در ایجاد فرصت‌ها و حل مشکلات و مواجهه با چالش‌ها به عنوان یک راهبردی راهبردی عمل کند (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۱). بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری، ارتقای کیفیت خدمات ورزشی و جلب حمایت مالی از سوی دولت و نهادهای خصوصی نیز از جمله اثرات مثبت این تحولات خواهد بود.

میزان رشد اقتصاد ملی و وضعیت اقتصادی بین‌المللی در آینده صنعت ورزش ایران اهمیت فراوانی دارد و تأثیرات این عوامل بر توسعه و پیشرفت حوزه ورزش به وضوح قابل تشخیص است. یکی از اهمیت‌های اصلی وضعیت اقتصادی ملی در صنعت ورزش، قابلیت سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی برای پروژه‌ها و فعالیت‌های ورزشی است. رشد اقتصادی ملی به عنوان یک منبع اصلی، قادر به افزایش بودجه‌ها، تأمین منابع مالی و تسهیل در انجام پروژه‌های ورزشی و توسعه زیرساخت‌های مرتبط با این حوزه می‌باشد. وضعیت اقتصادی بین‌المللی نیز بر صنعت ورزش ایران تأثیر مهمی دارد. تبادلات اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی می‌تواند منجر به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی در حوزه ورزش شود. این همکاری‌ها نه تنها می‌توانند منابع مالی فراهم کنند، بلکه با انتقال فناوری و تجارب موفق از سایر کشورها، به بهبود علم و فناوری ورزش در ایران کمک نمایند. وضعیت اقتصادی ملی و بین‌المللی نیز بر میزان مشارکت و حمایت از ورزش و تیم‌های ورزشی تأثیرگذار است. افزایش درآمد ملی و مشارکت فعال در اقتصاد جهانی می‌تواند به توسعه لیگ‌ها، تیم‌ها، و رویدادهای ورزشی منجر شود. همچنین، رشد اقتصاد ملی و بین‌المللی تأثیر بسزایی بر نفوذ و تأثیرگذاری کشور در سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی ورزشی دارد. حضور قوی در این سازمان‌ها به ایران این امکان را می‌دهد تا سیاست‌ها و استانداردهای جهانی را تعیین و در جهت توسعه صنعت ورزش مشارکت کند. جایگاه فناوری نیز در آینده صنعت ورزش ایران اهمیت چشمگیری دارد و تأثیرگذاری آن بر

افزایش کیفیت، تجربه ورزشی و توسعه این حوزه به وضوح مشهود است. یکی از جوانب مهم این اهمیت، تأثیر فناوری بر ارتقای عملکرد و بهبود فیزیکی ورزشکاران است. از فناوری‌های پیشرفته مانند سنسورها، دستگاه‌های ردیابی و داده‌کاوی می‌توان برای اندازه‌گیری و نظارت بر عملکرد ورزشکاران بهره‌گرفت. این اطلاعات ارزشمند می‌توانند به مربیان و مدیران تیم‌ها کمک کنند و بهبودهای لازم در برنامه‌های تمرینی ایجاد نمایند. فناوری به وضوح تأثیر بسزایی در ارتقای تجربه تماشاگران و علاقه‌مندان به ورزش دارد. استفاده از فناوری‌های مانند واقعیت مجازی و افزوده، دوربین‌های ۳۶۰ درجه، و پلتفرم‌های آنلاین، به تماشاگران امکان مشاهده زنده و یا ضبط مجدد رویدادهای ورزشی را در تجربه‌ای تعاملی و فراگیر فراهم می‌کند. این اقدامات باعث افزایش جذابیت رویدادهای ورزشی، افزایش تعامل تماشاگران و ایجاد منابع درآمدی اضافی برای صنعت ورزش می‌شوند. همچنین، در مدیریت ورزش و استقرار سیاست‌های به‌روز، فناوری نقش مهمی دارد. استفاده از سیستم‌های مدیریت اطلاعات، نرم‌افزارهای تحلیل داده و پلتفرم‌های آنلاین به تصمیم‌گیری‌های هوشمندانه در زمینه مدیریت تیم‌ها، تربیت ورزشی و سازماندهی رویدادهای ورزشی کمک می‌کند. در نهایت، فناوری به‌عنوان ابزاری برای ترویج و توسعه ورزش پایدار و سالم نیز دارای اهمیت است. اپلیکیشن‌ها و دستگاه‌های هوشمندی که به افراد کمک می‌کنند (امری و همکاران، ۲۰۲۱) تا فعالیت‌های ورزشی خود را مانیتور و بهبودهای لازم را در سلامتی و تناسب اندام خود اعمال کنند، می‌توانند به گسترش آگاهی از اهمیت ورزش و سلامت کمک و جامعه را به فرهنگ ورزشی سالم‌تری هدایت نمایند. به همین دلیل، نقش فناوری در آینده صنعت ورزش ایران از اهمیت بالایی برخوردار است و وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف علمی، فرهنگی و اقتصادی این حوزه خواهد بود. وضعیت فرهنگی و اجتماعی مرتبط با ورزش در کشور به عنوان یک عامل اساسی، اهمیت چشمگیری در آینده صنعت ورزش ایران دارد. این اهمیت در چندین جنبه مهم قابل تحلیل است. اولین نکته، تأثیر ورزش بر سلامت و آرامش اجتماعی است. فرهنگ و ترویج فعالیت‌های ورزشی در جامعه می‌تواند منجر به افزایش سطح سلامتی جامعه شود و به تقویت ذهنی و جسمی افراد کمک نماید. این امر در آینده می‌تواند به کاهش هزینه‌های سلامت و افزایش بهره‌وری اجتماعی منجر شود. در ارتباط با جنبه‌های فرهنگی، ورزش می‌تواند به عنوان یک عنصر اصلی در ایجاد و تقویت ارزش‌ها و اخلاقیات جامعه عمل کند. ارتقای اخلاق و ارزش‌های فردی از طریق فعالیت‌های ورزشی باعث تشکیل جامعه‌ای با اخلاق مثبت و توانمند می‌شود. این مسئله در طولانی‌مدت می‌تواند به افزایش ایجاد تعاملات مثبت در جامعه و کاهش اختلافات اجتماعی منجر شود. همچنین، فرهنگ و اجتماع مرتبط با ورزش می‌تواند به ترویج توسعه فردی و اجتماعی کودکان و جوانان کمک کند. مشارکت در فعالیت‌های ورزشی نه تنها به توانمندی جسمی و ذهنی افراد کمک می‌کند، بلکه ایجاد اعتماد به نفس، انضباط و همکاری گروهی را نیز در پی دارد و اساس تربیت نیروهای انسانی با استعداد و متعهد به جامعه و صنعت ورزش به شمار می‌آید. در زمینه اقتصادی نیز وضعیت

فرهنگی و اجتماعی مرتبط با ورزش تأثیرگذار است (غفوری، ۱۴۰۰). ترویج فرهنگ ورزشی می‌تواند منجر به افزایش تقاضا برای محصولات و خدمات ورزشی شود و در نتیجه، به رشد اقتصادی این حوزه کمک نماید.

تجهیزات و امکانات ورزشی در آینده صنعت ورزش ایران اهمیت چشمگیری دارد و نقش مهمی در توسعه این حوزه و ارتقای سطح فعالیت‌های ورزشی ورزشکاران ایفا می‌کند. یکی از جنبه‌های اصلی این اهمیت، تأثیر بسزای تجهیزات و امکانات مدرن در بهبود عملکرد و توانمندی ورزشکاران است. از تجهیزات پیشرفته مانند دستگاه‌های تمرینی هوشمند، سنسورها و دستگاه‌های اندازه‌گیری عملکرد می‌توان بهره‌مند شد تا ورزشکاران بتوانند عملکرد خود را بهبود دهند و به حداکثر توانایی‌های فیزیکی خود برسند. تجهیزات و امکانات ورزشی نه تنها به ورزشکاران حرفه‌ای بلکه به افراد عادی نیز کمک می‌کنند تا فعالیت‌های ورزشی را به صورت بهینه و با لذت انجام دهند. این امکانات می‌توانند تنوع و انگیزه را در میان مردم بالا ببرند و فرهنگ ورزش را در جامعه ترویج دهند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۹). تأمین امکانات و تجهیزات ورزشی به افراد از هر لایه جامعه، از هر سن و جنسیت، به سلامتی عمومی جامعه کمک می‌کند و ایجاد فضاهایی را ترویج می‌دهد که افراد بتوانند به صورت فعال در فعالیت‌های ورزشی شرکت کنند.

به علاوه، تجهیزات و امکانات ورزشی مدرن می‌توانند به عنوان یک جذابیت برای جذب استعدادها و ورزشی جوانان عمل کنند. افزایش توانایی تمرینی و امکانات پیشرفته می‌تواند ورزشکاران جوان را ترغیب کند تا در مسیر حرفه‌ای خود به رشد و پیشرفت بیشتری دست یابند. وضعیت سیاست خارجی ایران در آینده صنعت ورزش این کشور اهمیت چشمگیری دارد و تأثیراتی عمیق بر توسعه و پیشرفت این حوزه خواهد داشت. یکی از جنبه‌های مهم این اهمیت، امکان گسترش همکاری‌ها و تبادلات بین‌المللی در زمینه ورزش است. با توجه به نقش بزرگ و پررنگ ورزش در جامعه‌ها، سیاست خارجی ایران می‌تواند به فرصت‌های همکاری با سایر کشورها، ارتقای مشارکت در رویدادهای بین‌المللی و تبادل تجربیات با دیگر ملت‌ها منجر شود. این همکاری‌ها می‌توانند به تبادل ورزشی، افزایش تعاملات فرهنگی و ایجاد فضاهای بین‌المللی برای تبادل نظر و همکاری در حوزه‌های مختلف ورزش کمک نمایند. همچنین، وضعیت سیاست خارجی می‌تواند بر تعاملات اقتصادی و تجاری در زمینه ورزش تأثیر بگذارد. ایران می‌تواند با گسترش همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تولید تجهیزات ورزشی، تبلیغات و حقوق پخش مسابقات ورزشی به عنوان یک بازار جذاب و قابل توسعه در حوزه صنعت ورزش شناخته شود. سیاست خارجی ایران در جهت فراهم‌آوردن امکانات و شرایط ملایم برای سرمایه‌گذاری‌ها و همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه می‌تواند اقتصاد ورزش را تقویت و به رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در این صنعت کمک نماید. در عین حال، سیاست خارجی ایران می‌تواند بر تصویر بین‌المللی کشور در حوزه ورزش تأثیر بگذارد. تعاملات مثبت و سازنده در زمینه مسائل ورزشی می‌تواند

نقشی موثری در ارتقای جایگاه ایران در جامعه بین‌المللی داشته باشد. این تصویر مثبت می‌تواند تأثیرات گسترده‌تری در تجارت، گردشگری و همکاری‌های مختلف با سایر کشورها بر جای بگذارد (بل و همکاران، ۲۰۲۲).

وضعیت حمایت‌کننده و تسهیل‌کننده محیط قانونی در آینده صنعت ورزش ایران اهمیت بسیاری دارد و تأثیرات آن بر توسعه و پیشرفت این حوزه بسیار مرئی خواهد بود. یک محیط قانونی مطلوب به عنوان پایه اصلی صنعت ورزش می‌تواند تأثیرات مثبتی در چندین زمینه داشته باشد (شعبانی‌بهار و فریدفتحی، ۱۳۹۷). اولین نکته که توجه ویژه دارد، جذب سرمایه داخلی و خارجی به صنعت ورزش است. حمایت از حقوق مالکیت فکری، تضمین حقوق قراردادی و ایجاد شرایط معلوم و پایدار برای سرمایه‌گذاری باعث افزایش جذب سرمایه و ایجاد فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف صنعت ورزش می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها نه تنها به توسعه تجهیزات و تسهیلات ورزشی کمک می‌کنند، بلکه در ایجاد ارزش اقتصادی، ایجاد اشتغال و ارتقای سطح فناوری و نوآوری در این حوزه نیز نقش دارند. در ادامه، حمایت از ورزش قهرمانی و حرفه‌ای نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. قوانینی که از تشویق و حمایت از تیم‌ها، ورزشکاران حرفه‌ای و توسعه لیگ‌ها و رقابت‌های ورزشی برخوردار باشند، می‌توانند به نوسازی ورزش در کشور کمک کنند. حمایت مالی، امکانات آموزشی و تجهیزات مدرن برای ورزشکاران حرفه‌ای، میزان شهرت و توانمندی تیم‌ها در رقابت‌های بین‌المللی را افزایش می‌دهند. این اقدامات به ایجاد انگیزه برای جوانان برای شروع ورزش حرفه‌ای و پیوستن به تیم‌های قهرمانی کمک می‌کنند. در زمینه ورزش همگانی نیز وضعیت حمایتی از فعالیت‌های ورزشی اهمیت دارد. تدوین قوانین و سیاست‌های حمایتی از ایجاد فضاهای ورزشی عمومی، ایجاد برنامه‌های ترویجی برای ورزش در مدارس و جوانان و حمایت از رویدادها و جشنواره‌های ورزشی برای عموم مردم باعث افزایش آگاهی جامعه از اهمیت ورزش و بهبود سلامت جسمانی و روحانی می‌شود. این اقدامات می‌توانند به کاهش نقصان جسمی و ذهنی در جامعه کمک کنند و در نهایت، میزان گرایش به ورزش همگانی را افزایش دهند.

جذب سرمایه داخلی و خارجی در صنعت ورزش ایران در آینده نقش بسیار حیاتی ایفا خواهد کرد و این امر بر توسعه و پیشرفت این حوزه تأثیرات عمیقی خواهد داشت. این اهمیت از چند جهت به وضوح ظاهر می‌شود. اولاً، سرمایه‌گذاری در صنعت ورزش به وسیله جذب سرمایه داخلی می‌تواند به توسعه زیرساخت‌ها و تجهیزات ورزشی در کشور کمک نماید. افزایش تعداد و بهبود کیفیت استادیوم‌ها، سالن‌ها و تجهیزات ورزشی به دنبال جلب مخاطبان بیشتر و ارتقای سطح رقابت‌هاست. این اقدامات همچنین به توسعه لیگ‌ها و تورنمنت‌ها کمک و محیطی جذاب و رقابتی در صنعت ورزش ایجاد خواهد کرد که نه تنها بر ورزشکاران بلکه بر مخاطبان و مشتریان هم تأثیر خواهد گذاشت. ثانیاً، جذب سرمایه خارجی نقش بسزایی در ارتقای سطح حرفه‌ای و قهرمانی ورزش ایران خواهد داشت. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به توسعه تجهیزات، فناوری‌های نوین و به‌روزرسانی زیرساخت‌ها کمک کند. همچنین،

ورزشکاران ما در رقابت‌های بین‌المللی برابر با رقبای قدرتمند و متخصص شوند که این امر به نوعی تبلیغات ارزشمندی برای ورزش ایران به حساب می‌آید و میزان شهرت و تأثیر گذاری ورزش ایران در سطح جهانی را افزایش می‌دهد. در ضمن، جذب سرمایه به توسعه صنعت ورزش ایران کمک خواهد کرد تا مسائل مالی و اقتصادی در این حوزه حل شود و بهره‌وری افزایش یابد. سرمایه‌گذاری در تیم‌ها، لیگ‌ها و رویدادهای ورزشی به دنبال ایجاد منابع مالی پایدار است که می‌تواند به حرکت ویژه‌ای در توسعه ورزش ایران ایجاد کند. این منابع مالی به طور مستقیم بر توانایی تیم‌ها، ورزشکاران و نظام ورزشی کلاتری تأثیر خواهد گذاشت.

مدیریت ورزش قهرمانی در آینده صنعت ورزش ایران نقش بسیار حیاتی را در توسعه و پیشرفت این حوزه خواهد داشت. همانگونه که کشکر و همکاران (۱۳۹۸) نیز به آن اشاره کرده اند نحوه مدیریت ورزش قهرمانی به چندین جنبه از جمله تأثیرات اقتصادی، توانمندسازی ورزشکاران، جذب تماشاگران و افزایش شهرت کشور در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. مدیریت صحیح و کارآمد ورزش قهرمانی به ایجاد امکانات و شرایط مناسب برای توسعه این حوزه کمک می‌کند. این امر با جلب سرمایه داخلی و خارجی برای حمایت از تیم‌ها و ورزشکاران، توانمندی‌های مالی را افزایش می‌دهد و امکانات و تجهیزات ورزشی را به‌روزرسانی می‌نماید. مدیریت کارآمد همچنین می‌تواند به بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف منابع منجر شود که این امر به توسعه پایدار صنعت ورزش ایران کمک می‌کند. ایجاد برنامه‌های توسعه ورزشی، آموزش مناسب و ارائه امکانات لازم به ورزشکاران باعث پرورش استعدادها و ارتقای سطح فنی ورزشی می‌شود. این اقدامات نه تنها به بهبود عملکرد ورزشکاران در رقابت‌های ملی بلکه در رقابت‌های بین‌المللی نیز کمک خواهد کرد و جایگاه ایران در صحنه ورزشی جهان را تقویت خواهد کرد. همچنین، مدیریت ورزش قهرمانی به جذب تماشاگران و افزایش شهرت و تعاملات بین‌المللی کشور کمک می‌کند. ایجاد رویدادها و لیگ‌های جذاب، ترویج مسابقات و ورزشکاران موفق و استفاده از وسائل ارتباطی جدید می‌تواند تعداد تماشاگران را افزایش دهد و به ترویج فرهنگ ورزش در جامعه کمک کند. همچنین، این اقدامات به افزایش شهرت و تشویق به همکاری‌های بین‌المللی در حوزه ورزشی منجر خواهد شد.

میزان گرایش مردم به ورزش همگانی نیز در آینده صنعت ورزش ایران اهمیت بسیار زیادی دارد و این موضوع تأثیرات گسترده‌ای بر جوانان، جامعه و حتی اقتصاد کشور خواهد داشت. این گرایش به چندین جنبه از جمله سلامت فیزیکی و روانی، ایجاد انگیزه برای شرکت در فعالیتهای ورزشی، ایجاد فرهنگ سالم در جامعه و ترویج مفاهیم اجتماعی مثبت اثر می‌گذارد (مرادی و مرادی، ۱۴۰۱). گرایش مردم به ورزش همگانی، سلامت فیزیکی و روانی جامعه را تقویت می‌کند. فعالیتهای ورزشی منجر به افزایش سلامت قلبی و عروقی، کاهش ریسک بیماری‌های مزمن و افزایش سطح انرژی و تندرستی می‌شود. این امر به بهبود کیفیت زندگی افراد و کاهش هزینه‌های سلامتی

کلان‌تر کمک می‌کند. از سوی دیگر، گرایش به ورزش همگانی می‌تواند انگیزه برای فعالیت‌های ورزشی را در جوانان ایجاد کند. ایجاد فرهنگ و محیطی که ورزش به عنوان یک فعالیت لذت‌بخش و ضروری در زندگی روزمره قرار گیرد، جوانان را به شرکت در ورزش ترغیب می‌کند. این اقدام به توسعه استعدادهای ورزشی، کشف استعدادهای نهفته و حتی درآمدزایی از طریق حمایت از ورزشکاران تازه‌کار کمک خواهد کرد. همچنین باید توجه داشت که ورزش همگانی به ایجاد فرهنگی سالم و مثبت در جامعه کمک می‌کند. ارتقای ارتباطات اجتماعی، تعزیز همبستگی و همکاری و ترویج ارزش‌های اخلاقی از جمله مواردی هستند که از طریق ورزش همگانی ممکن است به وجود آیند. این فرهنگ و ارزش‌ها تأثیرات بسیاری در حل مسائل اجتماعی، کاهش تنش‌ها و افزایش روحیه مثبت در جامعه خواهند داشت. در نتیجه، گرایش مردم به ورزش همگانی در آینده صنعت ورزش ایران از اهمیت زیادی برخوردار است. این امر به سلامتی جامعه، افزایش توانمندی جوانان، تقویت فرهنگ سالم و مثبت و حتی تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی کشور کمک می‌کند. ترویج و حمایت از ورزش همگانی در کشور سرآغازی برای آینده سالم و موفق صنعت ورزش ایران خواهد بود.

یافته‌های این پژوهش به‌عنوان یک ابزار راهبردی، نقش مهمی در شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های این صنعت در آینده ایفا می‌کند. نتایج می‌توانند سازمان‌های مرتبط با ورزش و دولت را در جهت توسعه زیرساخت‌ها، افزایش مشارکت زنان، ارتقای کیفیت نیروی انسانی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در برنامه‌های ورزشی هدایت کنند. نتایج نشان می‌دهند که عواملی چون: توانمندی نیروی انسانی، ارتباط موثر دانشگاه و صنعت، ساختار مدیریتی کارآمد، حمایت قانونی و اقتصادی، و جذب سرمایه داخلی و خارجی، پیشران‌های کلیدی توسعه آینده این صنعت هستند. این عوامل می‌توانند به افزایش کیفیت تربیت ورزشی، رشد اقتصادی، ارتقای اخلاق ورزشی و بهبود شرایط فرهنگی و اجتماعی منجر شوند. بنابراین، توجه به آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی راهبردی در این حوزه، علاوه بر تأثیرات اقتصادی و اجتماعی، به تقویت جایگاه ایران در عرصه بین‌المللی ورزش کمک خواهد کرد.

منابع

- برومند، محمدرضا. (۱۳۹۵). «تحلیل وضعیت اشتغال و کارآفرینی در ورزش ایران». اولین دوره تربیت مدرس اشتغال و کارآفرینی در ورزش، دانشگاه شهید بهشتی، سخنرانی چاپ نشده.
- خسروی، سعید. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین رویکرد کارآفرینانه و چابکی در شرکت‌های تولیدی شهر کرمان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باهنر کرمان، دانشکده مدیریت و اقتصاد.
- نصیرزاده، علی. (۱۳۹۴). «ارزیابی بلوغ مدیریت دانش و مدل (PCMM) بر اساس مدل تلفیقی بلوغ قابلیت‌های کارکنان».
- رضائیان، علی؛ احمدوند، علیمحمد و توکایی، روح‌الله. (۲۰۱۰). «بررسی الگوهای راهبرد مدیریت دانش و راهبرد دانش در سازمان‌ها». دوماهنامه علمی ترویجی توسعه انسانی پلیس. شماره ۱.

- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگاه
- عظیمی دلرستانی، عادل و رضوی، پرومند، رضا. (۲۰۱۹). «شناسایی عوامل زمینه‌ای تاثیرگذار بر استقرار کارآفرینی راهبردی در کسب‌وکارهای ورزشی». مدیریت و توسعه ورزش. صص ۷۰-۷۸.
- عبدالملکی. (۲۰۲۰). «مدل‌سازی نقش ارگونومی و ویژگی‌های محیطی بر تجربه خدمت مشتریان کسب‌وکارهای ورزش‌های الکترونیکی با میانجیگری تبلیغات دهان به دهان الکترونیکی». فصل‌نامه علمی مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی. صص ۷۱-۸۲.
- منطقی، منوچهر و ثاقبی سعیدی، فاطمه. (۱۳۹۲). «مدل‌های کسب‌وکار، مبنای، ارزیابی، نوآوری رشد فناوری». فصل‌نامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد.
- مژدهی، ناهید؛ مهربان، امیررضا و جلالی، علیرضا. (۱۳۹۶). «معماری مدل‌های کسب‌وکار الکترونیکی در تجارت الکترونیک». چهارمین همایش ملی تجارت الکترونیک.
- معینی فرد، مهرآرا. (۲۰۱۵). «تأثیر وفور منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی کشورهای در حال توسعه». تحلیل‌های اقتصادی توسعه ایران. ۳(۴)، صص ۹-۳۲.
- یدالهی فارسی، جهانگیر؛ غلامی، ناصر؛ حمیدی، مهرداد و کنعانی، علی. (۱۳۹۰). «مطالعه موانع کارآفرینی در ورزش کشور». توسعه کارآفرینی. سال ۳، شماره ۱۲، صص ۱۰۵-۱۲۴.
- فسقری، م. و همکاران. (۱۴۰۱). «بررسی ظرفیت‌های صنعت ورزش ایران در قالب مدل شایستگی‌های کارآفرینی». فصل‌نامه مدیریت ورزش و توسعه. ۱۲(۳)، صص ۴۵-۶۲.
- حسینی، ع. و همکاران. (۱۴۰۰). «نقش زیرساخت‌های اقتصادی و سیاست‌های حمایتی در توسعه صنعت محصولات ورزشی ایران». فصل‌نامه اقتصاد ورزش. ۹(۲)، صص ۳۳-۵۰.
- قادری، ر. و همکاران. (۱۳۹۹). «تحلیل تأثیر فناوری‌های نوین و نوآوری در صنعت محصولات ورزشی ایران». نشریه فناوری و مدیریت ورزشی. ۷(۱)، صص ۲۷-۴۰.
- امینی، س. و همکاران. (۱۴۰۱). «اهمیت برندینگ و بازاریابی در صنعت محصولات ورزشی». فصل‌نامه بازاریابی ورزشی. ۱۰(۴)، ۱۵-۳۰.
- خلیلی، ف. و همکاران. (۱۴۰۲). «بررسی تأثیر سیاست‌های ورزشی و حمایت‌های دولتی بر رشد صنعت محصولات ورزشی ایران». پژوهش‌های مدیریت ورزشی و پشتیبانی. ۱۱(۱)، صص ۵۶-۷۳.
- Bellver, D. O., Pérez-Campos, C., González-Serrano, M. H., & Martínez-Rico, G. (2022). "Towards the development of future sustainable sports entrepreneurs: An asymmetric approach of the sports science's sustainable entrepreneurial intentions". Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education, 31, 100403.
- Davis, Steven J. (2014). "Volatility and Dispersion in Business Growth Rates: Publicly Traded versus Privately Held Firms. Chap. 2 in NBER Macroeconomics Annual 2006 edited by Daron Acemoglu", Kenneth Rogoff and Michael Woodford, vol. 21, pp. 107- 80. Cambridge, MA: MIT Press.
- Hammer, M., & Champy, J. (1993). **Reengineering the corporation: a manifesto for business revolution**. New York: Harper Business Books
- Linder, J., & Cantrell, S. (2000). **Changing Business Models: Surveying the Landscape**. Accenture Institute for Strategic Change
- Ratten, Vanessa. (2010). "Sport-based entrepreneurship: towards a new theory of entrepreneurship and sport management". Int Entrep Manag. J (2011) 7:57-69.
- Scott-Kemmis, D. (2012). **Responding To Change & Pursuing Growth: Exploring the potential of business model innovation in Australia**. Report of a study supported by the Australian Business Foundation.

- Mohammad Kazemi, R., Yadollahi Farsi, J., Zivyar, F., Panahi, F. (2013). **“Designing a Business Model for Educational Institutes (Chess Schools)”**. European Journal of Scientific Research, 103(4), 559-569

طراحی و تبیین مدل توسعه مهارت‌های شغلی جوانان متناسب با مشاغل انقلاب صنعتی چهارم

حامد عبداللهی^۱

محمود دهقان نیری^۲

علی رجب‌زاده قطری^۳

خدیدجه مصطفایی دولت‌آباد^۴



[10.22034/ssys.2024.3382.3472](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3382.3472)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱

این پژوهش به موضوع سرمایه انسانی در انقلاب صنعتی چهارم می‌پردازد. انقلاب صنعتی چهارم یا صنعت ۴،۰، به تحولات ایجادشده در شیوه‌های تولید صنعتی و اداره کسب و کارها اشاره دارد. این تحولات در پی ظهور فناوری‌های آشفته‌سازی چون اینترنت اشیا، کلان‌داده‌ها و رایانش ابری پدید آمده‌اند. هدف این تحقیق شناسایی شایستگی‌ها، مهارت‌ها و دانش مورد نیاز جوانان برای اشتغال در مشاغل تخصصی و پیچیده تولیدی در انقلاب صنعتی چهارم است. در این مطالعه، این مهارت‌ها و شایستگی‌ها متناسب با ساخت و بافت سازمان‌های ایرانی، محیط کلان سیاسی و اقتصادی کشور و روندهای موجود در توسعه فناوری‌های نو معرفی شده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش کیفی به انجام رسیده است. نمونه‌گیری نظری و داده‌ها از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر از خبرگان شامل دانشگاهیان، فعالان مسائل جوانان، مدیران کسب و کارها و پژوهش‌گران حوزه منابع انسانی جمع‌آوری و برای تجزیه و تحلیل آن‌ها و طراحی مدل، از روش داده‌بنیاد استفاده شده است. در این روش با واکاوی متن مصاحبه‌ها گزاره‌ها، مفاهیم، مولفه‌ها و مقوله‌های محوری، استخراج و نتایج در قالب مدل پارادیمی (شامل ابعاد ۶گانه‌ی شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای و پدیده محوری، راهبردها و پیامدها) ساختار داده شد.

بر اساس یافته‌ها، ضمن لزوم ایجاد تحول در فرهنگ سازمانی توسط مدیران کسب و کارها و اعمال تغییر در نظام آموزشی توسط دانشگاهیان، نیروی کار جوان برای اشتغال موثر در کارخانه‌های هوشمند آتی، باید در ۴ محور روش‌شناختی، اجتماعی، فردی و فناورانه به تقویت شایستگی‌ها، مهارت‌ها و دانش خود بپردازد.

واژگان کلیدی: اشتغال جوانان، مهارت‌آموزی جوانان، شایستگی‌ها و مهارت‌های شغلی جوانان، صنعت ۴،۰، نظریه داده‌بنیاد و مدل توسعه سرمایه انسانی.

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۲ دانشیار، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: h.abdollahi@modares.ac.ir

^۳ استاد، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

^۴ استادیار، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۱ اصطلاح «صنعت ۴,۰»^۱ یا «انقلاب صنعتی چهارم» به سطح جدیدی از سازمان‌دهی و کنترل زنجیره ارزش در تمام طول چرخه عمر محصولات اشاره دارد (وایدیا^۲؛ ۲۰۱۸). باید بدانیم که در پس عبارت صنعت ۴,۰ تنها یک مفهوم واحد وجود ندارد، بلکه پیشرفت‌های مستمر فناوری اطلاعات و ارتباطات در ترکیب با رشد تصاعدي قابلیت محاسبه و ظرفیت انتقال و ذخیره‌سازی داده است که ظهور سیستم‌های فناوری قوی و به هم پیوسته را امکان‌پذیر ساخته است (بارتودزیچ^۳؛ ۲۰۱۷). به صورت کلی می‌توان گفت که این مفهوم، با به‌کارگیری دستگاه‌های دارای استقلال عملکردی در یک شبکه همکاری متشکل از دستگاه‌های هوشمند دیگر مرتبط است. دستگاه‌های موجود در این شبکه می‌توانند با استفاده از قابلیت به‌روزرسانی‌های لحظه‌ای^۴ اطلاعات، عملیات لازم را به انجام برسانند (دالمارکو^۵ و دیگران، ۲۰۱۹: ۲).

تغییرات فناورانه به شکل‌گیری پارادایم صنعتی جدیدی با عنوان «انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰)» منجر شده است. در این پارادایم جدید فرآیندهای کسب و کار و شیوه‌های تولید به کلی تغییر خواهند کرد. بنابراین لازم است نیروی کار جوان کشور برای اشتغال موثر، ضمن آشنایی با مفاهیم اولیه صنعت ۴,۰، خود را به مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز این دوره جدید صنعتی مجهز کند. اهداف این مطالعه عبارت‌اند از: ۱. تعریف اجمالی صنعت ۴,۰؛ ۲. شناسایی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر پدیده محوری استقرار انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰) و پیامدهای آن در حوزه اقتصادی؛ ۳. کشف مهارت‌ها، دانش و شایستگی‌های مورد نیاز کارکنان واحدهای تولیدی در انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰) و ۴. پیشنهاد مدل آموزش و توسعه منابع انسانی جوان برای مواجهه موفق با انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰).

بیان مسئله

اولین انقلاب صنعتی با اختراع موتور بخار پدید آمد. این موتور، امکان استفاده از نیروی بخار را برای مکانیزه کردن عملیات تولید فراهم کرد (نانس؛ ۲۰۱۷: ۶). در پایان قرن هجدهم میلادی و با معرفی دستگاه‌های مکانیزه تولیدی، فرآیند صنعتی شدن آغاز شد. با توسعه موتور بخار توسط جیمز وات، ماشین‌ها و موتورها، انقلابی در شیوه تولید کالاها ایجاد کردند. بر اثر این تحولات، برخی جوامع حرکت خود را از شیوه‌های زیست‌مبتنی بر کشاورزی به سمت شیوه‌های زندگی صنعتی آغاز نمودند (بارتودزیچ؛ ۲۰۱۷). در فاصله سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۳۰، موج جدیدی از فناوری‌های در هم تنیده، نرخ رشد اقتصادی و فرصت‌های حاصل از انقلاب صنعتی اول را چند برابر کرد. رادیو، تلفن، تلویزیون، لوازم خانگی و چراغ‌های روشنایی، نشان‌گر قدرت تحول‌آفرین برق بودند. اختراع

¹ Industry 4.0

² Vaidya

³ Bartodziej

⁴ Real-Time

⁵ Dalmarco

⁶ Nunes

موتور احتراق داخلی به پیدایش خودرو، هواپیما و در نهایت اکوسیستم‌های آن‌ها شامل مشاغل تولیدی و زیرساخت‌های جاده‌ای منجر شد. پیشرفت‌هایی نیز در علم شیمی به دست آمد و جهان به موادی جدیدی نظیر پلاستیک‌های مقاوم در برابر گرما دست یافت (دیویس، ۲۰۱۶: ۱). افزایش تولید انبوه و جایگزینی انرژی بخار با انرژی الکتریکی، محرک‌های کلیدی انقلاب صنعتی دوم بودند (نانس، ۲۰۱۷). حدود سال ۱۹۵۰، پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای در «نظریه اطلاعات و رایانش دیجیتال» روی داد که فناوری‌های مستقر در قلب انقلاب صنعتی سوم بودند (دیویس، ۲۰۱۶). انقلاب صنعتی سوم شامل استفاده از فناوری الکترونیک و اطلاعات در خودکارسازی تولید بود (نانس، ۲۰۱۷). این تحول، در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد و در دهه اخیر در حال جایگزینی با صنعت ۴،۰ است. بر اثر این انقلاب، بسیاری از کارها، خودکار و ماشینی شدند و در بسیاری از مشاغل، انسان‌ها جای خود را به ماشین‌آلات مکانیزه دادند. بنابراین، این انقلاب علاوه بر تحولات صنعتی و اقتصادی، باعث ایجاد تغییراتی در مناسبات اجتماعی و فرهنگی شد. انقلاب صنعتی سوم هنوز در جریان است؛ اما در بسیاری از نقاط دنیا، در حال تبدیل شدن به انقلاب صنعتی چهارم است (بارتودزیچ، ۲۰۱۷). مکانیزاسیون، برقی و کامپیوتری شدن، به ترتیب سه کلیدواژه انقلاب‌های صنعتی پیشین بودند.

صنعت ۴،۰ پارادایم جدیدی در تولید است که از به‌کارگیری سیستم‌های سایبر-فیزیکی^۲، اینترنت اشیا^۳، اینترنت خدمات^۴، رباتیک، کلان‌داده^۵، رایانش ابری^۶ و واقعیت افزوده^۷ در محیط صنعت حاصل می‌شود (نانس^۸، ۲۰۱۷). فرانک^۹ و همکاران (۲۰۱۹: ۱۶) صنعت ۴،۰ را به این شکل تعریف کرده‌اند: این مفهوم یک مرحله صنعتی جدید در سیستم‌های تولیدی است که با ادغام مجموعه‌ای از فناوری‌های نوظهور و هم‌گرا باعث ایجاد ارزش در کل چرخه عمر محصول می‌شود. این مرحله صنعتی جدید، مستلزم یک تحول اجتماعی و فنی در نقش انسان در سیستم‌های تولیدی است که در آن کلیه فعالیت‌های کاری زنجیره ارزش با رویکردهای هوشمند و مبتنی بر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات انجام می‌شوند.

این فناوری‌ها دیر یا زود به کشور وارد می‌شوند و سیاست‌گذاران بخش عمومی، مدیران کسب و کارها و جوانان آماده اشتغال باید به نحوه معقولی با آن روبه‌رو شوند. دانش، شایستگی‌ها و مهارت‌های جدید مورد نیاز جوانان برای فعالیت موثر در محیط‌های آینده صنعتی چیست؟ این مقاله بر اساس نظرگاه متخصصان ایرانی،

¹ Davis

² Cyber-Physical System (CPS)

³ Internet of Things (IoT)

⁴ Internet of Service (IoS)

⁵ Big Data

⁶ Cloud Computing

⁷ Augmented Reality

⁸ Nunes

⁹ Frank

مدل مهارت‌آموزی جوانان را متناسب با تحولات فناورانه موجود در انقلاب صنعتی چهارم پیشنهاد، تبیین و تشریح می‌کند.

سئوال‌های پژوهش

۱. شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای در ایجاد پدیده محوری استقرار انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰) و پیامدهای آن در حوزه اقتصادی، کدام‌اند؟
۲. راهبردهای مواجهه با انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰) در حوزه منابع انسانی کدام‌اند؟
۳. مهارت‌ها، دانش و شایستگی‌های مورد نیاز کارکنان واحدهای تولیدی در انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰) کدام‌اند؟
۴. برای مواجهه موفق با انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰) مدل آموزش و توسعه منابع انسانی چگونه است؟

مبانی نظری پژوهش

تعریف صنعت ۴,۰

این عبارت همانند چتری برای جمع‌کردن مفاهیم یک پارادایم صنعتی جدید ذیل خود عمل می‌کند (پیرا^۱، ۲۰۱۷: ۱۲۰۷). پذیرش فناوری‌های دیجیتال برای گردآوری مستمر و آنی داده‌ها، تجزیه و تحلیل آن‌ها و ارائه اطلاعات مفید به سیستم‌های تولیدی، بخش مهمی از مفهوم صنعت ۴,۰ است (فرانک و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۵). پوسادا^۲ و همکاران (۲۰۱۵: ۲۶) جنبه‌های کلیدی مورد توجه صنعت ۴,۰ را به این شرح خلاصه می‌کنند: ۱. سفارشی‌سازی انبوه^۳ محصولات با استفاده از فناوری اطلاعات؛ ۲. انطباق خودکار سیستم‌های تولیدی همزمان با تغییرات محیطی؛ ۳. امکان‌پذیر شدن ردیابی قطعات و خودآگاهی محصولات و توانایی آن‌ها برای برقراری ارتباط با یکدیگر؛ ۴. ارتقای رابط کاربری^۴ ماشین و انسان، هم‌زیستی اشخاص با ربات‌ها و ظهور روش‌های جدید تعامل و عمل؛ ۵. گسترش ارتباطات در داخل کارخانه‌های هوشمند و بهینه‌سازی فرآیند تولید توسط اینترنت اشیا و ۶. ظهور خدمات و مدل‌های کسب و کار نو و تاثیرگذاری آن‌ها بر کل زنجیره ارزش. صنعت ۴,۰ برای بهینه‌سازی فرآیندهای تولید، افزایش کیفیت محصولات، تقویت روابط میان ذینفعان و ارائه مدل‌های جدید کسب و کار و روش‌های تازه عملیات، دارای ظرفیت عظیمی در کل زنجیره ارزش است (فویل^۵ و همکاران: ۲۰۱۶). مارتین و شافر، صنعت ۴,۰ را جریان هوشمند قطعات کار به صورت ماشین به ماشین در یک کارخانه و در بستر ارتباط لحظه‌ای میان ماشین‌آلات، تعریف می‌کنند. در این محیط، با استفاده از سیستم‌های انعطاف‌پذیر و مشارکتی و به منظور حل

¹ Pereira

² Posada

³ Mass Customization

⁴ Interface

⁵ Foidl

مشکلات و اتخاذ بهترین تصمیم‌ها، جریان تولید، هوشمند و با یکدیگر سازگار می‌شوند (آلکاسر^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۹۰۰). صنعت ۴,۰ عبارت است از: دیجیتالی شدن تمام دارایی‌های فیزیکی و ادغام آن‌ها در اکوسیستم‌های دیجیتال به اتفاق تمام شرکای زنجیره ارزش (بوتا^۲، ۲۰۱۸: ۱۴۹). پیرا^۳ ضمن تأکید بر دشوار بودن تعریف این مفهوم، با استفاده از کارهای صاحب‌نظران مختلف می‌گوید که صنعت ۴,۰ مفهومی است مرتبط با دستگاه‌های دارای استقلال و خودمختاری که قادرند در یک محیط هوشمند، با سایر ماشین‌آلات ارتباط برقرار کنند و بر اساس اطلاعات دریافت شده به تصمیم‌گیری و انجام عملیات بپردازند (پیرا، ۲۰۱۷: ۱۲۰۸). کاناس^۴ و دیگران (۲۰۲۱: ۱۵۸) از قول کوهرلر و ویز^۵ (۲۰۱۶) نقل می‌کنند که صنعت ۴,۰ رویکردی برای کنترل فرآیندهای تولید از طریق همگام‌سازی جریان کار و امکان‌پذیر کردن تولید تک‌واحدی و محصولات شخصی‌سازی شده است. هرمان^۶ (۲۰۱۶: ۱۱) می‌گوید در کارخانه‌های هوشمند دارای ساختارهای ماژولار، سیستم‌های سایبر - فیزیکی ضمن نظارت بر فرآیندهای کاری، یک کپی مجازی از دنیای عینی ایجاد و تصمیمات غیرمتمرکز اتخاذ می‌کنند. این سیستم‌ها از طریق اینترنت اشیا، به صورت لحظه‌ای با یکدیگر و انسان‌ها در تماس‌اند و همکاری می‌کنند.

فناوری‌های پایه

بر روی ماهیت و نام این فناوری‌ها، میان دانشگاهیان و سیاست‌گذاران اجماع کاملی برقرار است. گروه مشاوران بوستون^۷ (روپمن^۸، ۲۰۱۵)، ساسدو مارتینز^۹ و همکاران (۲۰۱۷)، آلکاسر و همکاران (۲۰۱۹)، دالمارکو و همکاران (۲۰۱۹) و آجیت تام جیمز^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۹) فناوری‌هایی را به عنوان آجرهای ساختمان صنعت ۴,۰ معرفی می‌کنند. این فناوری‌ها عبارت‌اند از: رایانش ابری، تولید افزودنی^{۱۱}، واقعیت افزوده، کلان‌داده و تجزیه و تحلیل آن، ربات‌های مستقل و خودکار^{۱۲}، شبیه‌سازی^{۱۳}، ادغام عمودی و افقی^{۱۴}، اینترنت اشیا و امنیت سایبری^{۱۵}.

¹ Alcacer

² Botha

³ Pereira

⁴ Canas

⁵ Kohler and Weisz

⁶ Hermann

⁷ Boston Consulting Group

⁸ Rubmann

⁹ Saucedo-Martinez

¹⁰ Ajith Tom James

¹¹ Additive Manufacturing

¹² Autonomous Robots

¹³ Simulation

¹⁴ Horizontal & Vertical System Integration

¹⁵ Cyber Security

سه فناوری مهم سمت کاربر در صنعت ۴,۰ عبارت‌اند از: ۱. تولید هوشمند، ۲. زنجیره تامین هوشمند و ۳. محصول هوشمند. هسته مرکزی لایه فناوری سمت کاربر، «تولید هوشمند» است و دو بخش دیگر، از طریق این هسته با یکدیگر مرتبط‌اند (رادزیون^۱ و همکاران، ۲۰۱۴).

تولید هوشمند

محیط یک کارخانه هوشمند از روش‌های جدید ارتباطات متقابل یکپارچه آنی میان تمامی منابع تولیدی (حس‌گرها، محرک‌ها، نوار نقاله‌ها، ماشین‌ها، ربات‌ها و غیره) تشکیل شده است (پریرا، ۲۰۱۷). در کارخانه هوشمند، ماشین‌آلات به سیستم‌های سایبر-فیزیکی تبدیل می‌شوند. ماشین‌های هوشمند مستقر در یک کارخانه هوشمند می‌توانند فرآیندهای تولید را از طریق قابلیت خودبهینه‌سازی^۲ و تصمیم‌گیری مستقل، بهبود بخشند (روبلک^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). ظرفیت‌های کارخانه هوشمند عبارت است از: ۱. قابلیت استق‌لال؛ ۲. فناوری کام‌ل بصری؛ ۳. هماهنگی و سازماندهی مجدد؛ ۴. قابلیت‌های خودآموزی و نگهداری خودکار؛ ۵. هم‌زیستی انسان و رایانه (وان^۴ و همکاران، ۲۰۱۵).

محصول هوشمند

محصولات هوشمند می‌توانند حجم زیادی از داده‌ها را در خود ذخیره کنند و از این طریق به نوعی خودآگاهی دست یابند و به صورت مستقل با سیستم‌های صنعتی در ارتباط باشند (پریرا و همکاران، ۲۰۱۷). انجام محاسبات، ذخیره‌سازی داده‌ها، ارتباط و تعامل با محیط، از ویژگی‌های کلیدی این محصولات است. این محصولات می‌توانند بدون مداخله عامل انسانی، محیط پیرامون خود را درک و با آن تعامل کنند (کارگرم‌ن، ۲۰۱۴).

زنجیره تامین هوشمند

توانمندسازها و امکانات کلیدی صنعت ۴,۰، جوهره زنجیره تامین را تغییر می‌دهند، اما دیجیتالی کردن زنجیره تامین، تنها در استفاده از فناوری اطلاعات برای انجام بهتر روش‌های فعلی و دیجیتالی کردن جریان اطلاعات و دانش خلاصه نمی‌شود. برای پاسخ‌گویی به نیاز بازارهای نوظهور و ترغیب مشتریان به خرید محصولات سفارشی‌سازی شده باید کل ساختار، فرآیندها، جریان‌ها و مولفه‌های مدیریتی در زنجیره تامین تحول یابند. مزیت اساسی زنجیره تامین دیجیتال نسبت به زنجیره تامین فعلی عبارت‌اند از: افزایش سرعت، سازگاری، هوشمندی، توان گردآوری داده به صورت لحظه‌ای، شفافیت، اتصال جهانی، مقیاس‌پذیری، ابتکار و پایداری (گارای

¹ Radziwon

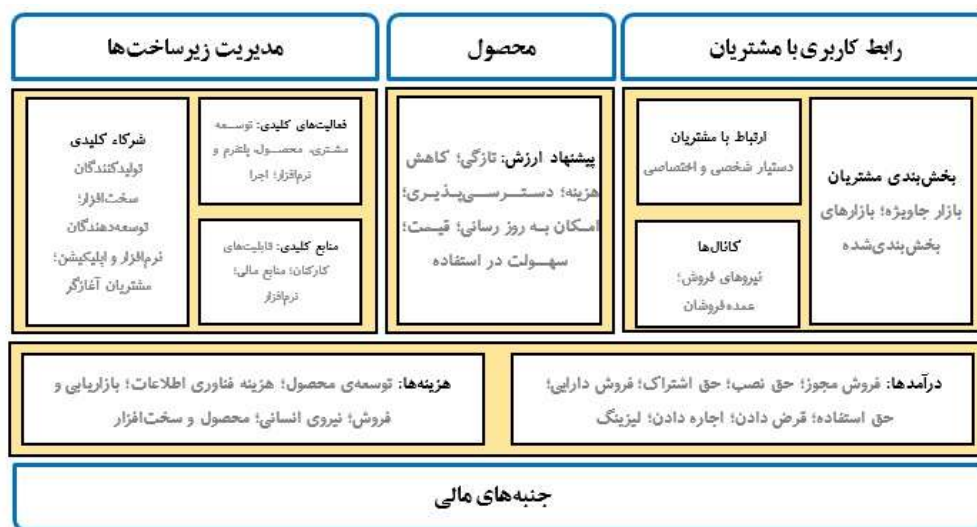
² Self-Optimization

³ Roblek

⁴ Wan

مدل‌های کسب و کار

مارکون و همکاران (۲۰۲۲: ۲۶۰) مدل کسب و کار را این گونه تعریف می‌کنند: یک مدل مفهومی که «معماری» سازمانی و مالی کسب و کار را نشان می‌دهد. این معماری، سیستم فعالیت‌های وابسته به هم یک بنگاه و شرکای آن و سازوکارهای ارتباط این فعالیت‌ها را با یکدیگر توصیف می‌کند. مدل کسب و کار در بطن خود، دو کارکرد دارد: «خلق» و «جذب» ارزش (متالو^۲ و همکاران، ۲۰۱۸). برای تجزیه و تحلیل مدل کسب و کار، مطابق چهارچوب مفهومی اوستروالدر و پیگنور^۳ (۲۰۱۰) (بوم مدل کسب و کار^۴)، باید ۹ عنصر را، شامل شرکاء، فعالیت‌ها، منابع، ساختار هزینه، روابط با مشتریان، کانال‌ها، بخش‌بندی مشتریان، ساختار عایدی‌ها و پیشنهاد ارزش در نظر گرفت (مارکون و همکاران، ۲۰۲۲). متالو و همکاران (۲۰۱۸) اجزای مدل بوم کسب و کار را در شکل ۱ معرفی کرده‌اند:



شکل ۱: مدل کسب و کار در سازمان‌های صنعت ۴،۰ (متالو و همکاران، ۲۰۱۸)

معرفی چهارچوب مفهومی از فناوری‌های صنعت ۴

^۱ Garay-Rondero

^۲ Metallo

^۳ Osterwalder and Pigneur

^۴ Business Model Canvas

در بخش‌های قبلی فناوری‌ها و اصول صنعت ۴٫۰ معرفی شدند. با توجه به در هم تنیدگی مفاهیم مربوطه و به منظور تسهیل در شناسایی دقیق این انقلاب صنعتی، مدل مفهومی زیر پیشنهاد می‌شود:



شکل ۲: مدل مفهومی پیشنهادی محققان در زمینه تاثیرات فناوری‌های نو بر نظام‌های تولید و توزیع

پژوهش‌های متفاوتی پیرامون تأثیرات انقلاب صنعتی چهارم بر نیروی انسانی و شایستگی‌های مورد نیاز آن، انجام شده است. موارد بررسی شده توسط محقق در جدول ۱ خلاصه شده است:

جدول ۱: خلاصه پیشینه پژوهش

پژوهشگر و سال	عنوان کتاب / مقاله	یافته‌ها
بکر ^۱ و دیگران؛ ۲۰۱۶	روندهای آینده در طراحی محیط کار انسانی برای سیستم‌های تولید سایر - فیزیکی	بازتعریف نقش کارگران در کارخانه‌های جدید؛ حذف نشدن کامل انسان از کارخانه‌ها
هکلاو ^۲ و دیگران؛ ۲۰۱۶	رویکرد کل‌نگر برای مدیریت منابع انسانی در صنعت ۴,۰	تجویز یک رویکرد راهبردی برای واجد شرایط کردن کارکنان برای کار در صنعت ۴,۰
فری ^۳ و دیگران؛ ۲۰۱۷	آینده شغلی: مشاغل تا چه اندازه مستعد کامپیوتری شدن هستند؟	دوقطبی شدن مشاغل در دو سر طیف مشاغل ساده و پیچیده
پینزون ^۴ و دیگران؛ ۲۰۱۷	مشاغل و مهارت‌ها در صنعت ۴,۰: یک تحقیق اکشافی	ترسیم مجموعه جدیدی از مهارت‌های صنعت ۴,۰
بنسوا ^۵ و دیگران؛ ۲۰۱۷	الزامات تحصیلات و صلاحیت افراد در صنعت ۴,۰	لزوم انطباق میزان بلوغ سازمانی در استقرار فناوری‌ها با مهارت‌های جدید کارکنان
پریفیتی ^۶ و دیگران؛ ۲۰۱۷	مدل شایستگی برای کارکنان صنعت ۴,۰	توسعه یک مدل شایستگی برای صنعت ۴,۰ بر اساس رویکرد رفتاری و با توجه به سه متغیر سیستم‌های اطلاعاتی، فناوری اطلاعات و مهندسی
هکلاو و دیگران؛	مدیریت منابع انسانی: فرا مطالعه - تحلیل	مرور سیستماتیک تأثیر فناوری‌های آینده و

¹ Becker² Hecklau³ Frey⁴ Pinzone⁵ Benesova⁶ Prifti

۲۰۱۸	شایستگی های آینده در صنعت ۴,۰	دیجیتالی سازی در صنعت ۴,۰ بر
		مهارت های کارکنان
گالاسکه ^۱ و دیگران؛	مدیریت نیروی کار ۴,۰ - ارزیابی آمادگی	پیشنهاد جعبه ابزار مدیریت نیروی کار
۲۰۱۸	عوامل انسانی برای تولید دیجیتال	صنعت ۴,۰
مورتزیس ^۲ ؛ ۲۰۱۸	توسعه مهارت ها و شایستگی ها در تولید به	پیشنهاد مفهوم کارخانه آموزشی با توجه به
	سمت آموزش ۴,۰: رویکرد کارخانه آموزشی	الزامات صنعت ۴,۰ و آموزش ۴,۰
رچوتا ^۳ و دیگران؛	آمادگی منابع انسانی برای صنعت ۴,۰	نحوه آمادگی سرمایه انسانی برای مواجهه با
۲۰۱۹		صنعت ۴,۰ در جمهوری چک
فلورس ^۴ و دیگران؛	سرمایه انسانی ۴,۰: گونه شناسی شایستگی	پیشنهاد: ۱. معماری نو برای نیروی کار با تعاملات
۲۰۱۹	نیروی کار برای صنعت ۴,۰	جدید؛ ۲. اصطلاح برای دربرگیری سرمایه انسانی
		آینده و ۳. نوع شناسی برای ارجاع به شایستگی های
		مورد نیاز برای صنعت ۴,۰
میسیری ^۵ و دیگران؛	بررسی الزامات مهارت های صنعت ۴,۰	مرور سیستماتیک ادبیات برای شناسایی نیازهای
۲۰۱۹		مهارتی صنعت ۴,۰ در حرفه مهندسی
پجیک بچ ^۶ و	متن کاوی صنعت ۴,۰: آگهی های استخدامی	سازمان های صنعت ۴,۰ متمایل به جذب
دیگران؛ ۲۰۲۰		کارشناسان با مهارت های چندرشته ای هستند
	مهارت ها، شایستگی ها و سواد متناسب به	شناسایی مهارت ها، شایستگی ها و دانش
چاکا ^۷ ؛ ۲۰۲۰	صنعت ۴,۰: بررسی محدوده	متناسب به انقلاب صنعتی چهارم بر اساس
		۶۴ مقاله بررسی شده
فارری ^۸ و دیگران؛	تخمین تأثیر صنعت ۴,۰ بر پروفایل های شغلی	توسعه معیاری برای اندازه گیری آمادگی
۲۰۲۰	و مهارت ها با استفاده از متن کاوی	کارکنان یک سازمان برای صنعت ۴,۰

¹ Galaske

² Mourtzis

³ Vrchota

⁴ Flores

⁵ Maisiri

⁶ Pejic-Bach

⁷ Chaka

⁸ Fareri

نئون ^۱ و دیگران؛	صنعت ۴,۰ و عامل انسانی - چارچوب سیستمی	توسعه‌ی چارچوب مفهومی در زمینه
۲۰۲۱	و روش تجزیه و تحلیل برای توسعه موفق	مهندسی عوامل انسانی صنعت ۴,۰
پنا - جیمز ^۲ و	بررسی الزامات مهارت برای صنعت ۴,۰:	شناسایی مهارت‌های شناختی، عملکردی،
دیگران؛ ۲۰۲۱	رویکرد کارگرمحور	راهبردی و مدیریت افراد به عنوان منابع
		مهم در صنعت ۴,۰
بی‌لیون ^۳ و دیگران؛	برای کار در صنعت ۴,۰ آماده‌اید؟ مدل‌سازی	پیشنهاد به یک مدل مفهومی ساختارمند از
۲۰۲۱	سیستم فعالیت هدف و پنج بعد آمادگی کارگر	آمادگی کارگران برای صنعت ۴,۰ بر مبنای
		مطالعات معتبر
دا سیلوا ^۴ و دیگران؛	مدیریت منابع انسانی ۴,۰: بررسی ادبیات و روندها	توسعه نظری مدیریت منابع انسانی در
۲۰۲۲		صنعت ۴,۰
سریواستاوا ^۵ و	شایستگی‌های منابع انسانی هوشمند و کاربرد	معرفی مفهوم منابع انسانی هوشمند و
دیگران؛ ۲۰۲۲	آن‌ها در صنعت ۴,۰	کاربردهای آن در صنعت ۴,۰
آسربی ^۶ و دیگران؛	شناسایی و ارزیابی مهارت‌های مورد نیاز صنعت	ضرورت اتخاذ دیدگاهی روزآمد در مورد
۲۰۲۲	۴,۰ برای نیروی کار شرکت‌های تولیدی	پروفایل‌های شغلی و مهارت‌های مرتبط مورد
		نیاز در کارخانه‌های هوشمند

در همه پژوهش‌های بررسی شده، محققان تلاش کرده‌اند که مسائل مختلف نیروی کار را در دوران انقلاب صنعتی چهارم بررسی کنند.

مارکون^۷ و همکاران (۲۰۲۱) در مورد تأثیرات استفاده از فناوری‌های صنعت ۴,۰ بر نیروی انسانی چنین اظهارنظر می‌کنند: ۱. هر چه میزان به‌کارگیری فناوری‌های صنعت ۴,۰ در سازمان بیش‌تر باشد، سیستم تولید خودمختاری (استقلال) و گسترده‌تری شغلی^۸ بیش‌تری از کارکنان مطالبه دارد؛ ۲. نحوه ادراک صنعت ۴,۰ توسط

¹ Neumann

² Pena-Jimenez

³ Blayone

⁴ da Silva

⁵ Srivastava

⁶ Acerbi

⁷ Marcon

⁸ Job Breadth

کارکنان مهم است. می‌توان استقرار فناوری‌های نو را تهدیدی علیه امنیت شغلی کارکنان تفسیر کرد یا پدیده‌ای مفید برای رها شدن ایشان از انجام وظایف تکراری، بدنی و ساده و همزمان مشارکت در کارهای پیچیده، نیازمند خلاقیت و دارای ارزش افزوده بیش‌تر. این کارهای جدید، به سطح بالاتری از مهارت‌های فنی، اجتماعی و روان‌شناختی نیاز دارند؛ به گونه‌ای که امروزه مفهوم «سرمایه انسانی^۱» یا «کارکردن هوشمند^۲» نیز توسعه یافته و شایستگی‌ها، تحصیلات، سلامت و بهروزی نیروی کار را تحت تاثیر قرار داده است (فلورس^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

پیش‌بینی‌هایی برای وضعیت نیروی انسانی در آینده وجود دارد: ۱. با ظهور صنعت ۴،۰، انسان از کارخانه‌های آینده حذف نخواهد شد؛ ۲. وظایف و فعالیت‌های جدید، پیچیده‌تر می‌شوند. این وظایف به سطح بالاتری از انتزاع، توانمندی حل مسئله، استقلال و ارتباطات بسیار فراگیرتر، نیاز دارد؛ ۳. وظایف و فعالیت‌های آتی به طرز فزاینده‌ای به دستگاه‌های کامپیوتری مرتبط خواهند بود؛ ۴. کارهای ساده و تکراری، مکانیزه می‌شوند و ۵. توانایی‌های منحصر به فرد انسانی، نقش بیش‌تری در فعالیت‌های کاری آتی ایفا خواهند کرد (بکر و استرن^۴، ۲۰۱۶). علی‌رغم دیجیتالی شدن اقتصاد، نیروی انسانی هنوز بسیار پراهمیت است. این نیرو باید بر اساس فناوری‌های نو، فرم‌های سازمان و جریان کار، الزامات جدیدی کسب کند (گالاسکه^۵ و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۰۶-۱۰۷).

کار در دنیای صنعت ۴،۰ نیازمند کسب مهارت‌های خاصی است. نیروی انسانی علاوه بر مهارت‌ها، تحصیلات و شایستگی‌های عمومی مورد نیاز مشاغل، باید خود را به مهارت‌ها و شایستگی‌های جدیدی مجهز کند. تجزیه و تحلیل داده‌ها، مهارت‌های محاسباتی، برنامه‌نویسی، کدنویسی، تصمیم‌گیری افقی، تفکر بین‌رشته‌ای و تحمل ابهام، از این دسته‌اند (چاکا^۶، ۲۰۲۰).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در پارادایم نمادین-تفسیری و با رویکرد استقرایی به انجام رسیده و با توجه به ماهیت اکتشافی (نظریه‌سازی به جای نظریه‌آزمایی) و جوهره پرسش‌های آن، برای تحلیل داده‌ها و ساخت

¹ Human Capital 4.0

² Smart Working

³ Flores

⁴ Becker & Stern

⁵ Galaske

⁶ Chaka

مدل، از روش کیفی نظریه پردازی داده بنیاد^۱ (خوانش کوربین و اشتراوس^۲) بهره گرفته شده است. در این روش با استفاده از مفاهیم مشتق شده^۳ و توسعه یافته^۴ از داده ها و ادغام^۵ آن ها با یکدیگر، نظریه ساخته می شود (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۴).

جامعه‌ی آماری این مطالعه را تمامی صاحب نظران در موضوعات اشتغال جوانان، مدیریت سرمایه انسانی و فناوری های سازنده انقلاب صنعتی چهارم تشکیل می دادند. نمونه گیری به روش نظری^۶ انجام شد و تا آن جا ادامه پیدا کرد که کفایت نظری و یا اشباع در ظهور داده های جدید، حاصل شد. داده ها در بازه زمانی زمستان ۱۴۰۱ تا پاییز ۱۴۰۲ جمع آوری شدند. مصاحبه شونده ها (نمونه ها) حداقل یکی از شرایط زیر را دارا بودند: ۱. تسلط بر مفاهیم مدیریت سرمایه انسانی؛ ۲. دارا بودن سابقه مدیریت در حوزه صنعت یا تجربه انجام پژوهش های تخصصی و ارائه مشاوره مدیریت؛ ۳. آشنایی با موضوعات مرتبط با اشتغال جوانان و مفاهیم صنعت ۴،۰ و شاغل بودن در سازمان های دارای فناوری های برتر.

برای جمع آوری داده ها جمعاً ۱۸ مصاحبه، ۱۳ مورد به صورت حضوری و ۵ مورد به دلیل بُعد مسافت در بستر اینترنت و از طریق نرم افزار «اسکایپ»، انجام شد. ۴ نفر از فعالان حوزه جوانان، ۸ نفر مشاور مدیریت در حوزه صنعت و منابع انسانی و ۶ نفر عضو هیئت علمی دانشگاه و مدرس مدارس کسب و کار، مصاحبه شونده ها را تشکیل می دادند. ۱۵ نفر از آن ها دارای درجه دکتری و ۳ نفر از آن ها دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: اطلاعات مصاحبه شونده ها

کد	تحصیلات	زمینه ی کاری	جنسیت	سابقه کار
۱	دکتری	عضو هیئت علمی دانشگاه	آقا	۱۰
۲	دکتری	عضو هیئت علمی دانشگاه	خانم	۸
۳	کارشناسی ارشد	فعال حوزه ی جوانان	خانم	۱۸
۴	دکتری	محقق و مشاور مدیریت	آقا	۲۰

^۱ Grounded theory

^۲ Corbin & Strauss

^۳ Derived

^۴ Developed

^۵ Integration

^۶ Theoretical Sampelling

۵	دکتری	محقق و مشاور مدیریت	آقا	۱۵
۶	دکتری	عضو هیئت علمی دانشگاه	خانم	۱۱
۷	کارشناسی ارشد	فعال حوزه جوانان	آقا	۱۲
۸	کارشناسی ارشد	فعال حوزه جوانان	خانم	۱۰
۹	دکتری	محقق و مشاور مدیریت	آقا	۱۴
۱۰	دکتری	عضو هیئت علمی دانشگاه	آقا	۱۳
۱۱	دکتری	عضو هیئت علمی دانشگاه	خانم	۱۲
۱۲	دکتری	فعال حوزه‌ی جوانان	آقا	۱۴
۱۳	دکتری	محقق و مشاور مدیریت	آقا	۱۰
۱۴	دکتری	محقق و مشاور مدیریت	آقا	۱۲
۱۵	دکتری	محقق و مشاور مدیریت	آقا	۸
۱۶	دکتری	محقق و مشاور مدیریت	آقا	۵
۱۷	دکتری	محقق و مشاور مدیریت	آقا	۱۲
۱۸	دکتری	عضو هیئت علمی دانشگاه	خانم	۱۲

داده‌ها با عملیات «مقایسه مستمر»^۱ تجزیه و تحلیل شدند. در این فرآیند، داده‌ها به قطعات کوچک‌تر تقسیم و قطعات برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها مقایسه و داده‌های مشابه (به لحاظ مفهومی و نه تکرار یک عمل یا حادثه) ذیل یک مفهوم یکسان، دسته‌بندی گردیدند. در ادامه با تلفیق مفاهیم توسط محقق، دسته‌های بزرگ‌تر شکل گرفت. با ادامه‌ی این روند، گروه‌بندی‌های مختلف حول مقوله یا پدیده مرکزی یک‌پارچه شدند. پیش از آغاز مصاحبه‌ها، پروتکل مصاحبه بر اساس پرسش‌های پژوهش و با کاربرست توصیه‌های موجود در ادبیات موضوع، طراحی و سپس با استفاده از روش کاستیلو - مونتویا^۲ (۲۰۱۶) اعتبارسنجی شد. این روش در ۴ جنبه به تقویت و ساخت‌دهی به پرسش‌های پروتکل کمک می‌کند. این چهار مرحله عبارت است از: ۱. حصول اطمینان از همسویی پرسش‌های مصاحبه با سئوالات تحقیق؛ ۲. شکل‌دهی به یک گفت‌وگوی مبتنی بر پرس‌وجو؛ ۳. دریافت بازخورد در زمینه پروتکل طراحی شده و ۴. اجرای آزمایشی پروتکل مصاحبه. شکل ۳ شیوه تولید نظریه به روش داده‌بنیاد را نشان می‌دهد:

¹ Constant Comparision

² Castillo-Montoya



شکل ۳: فرایند استقرار در نظریه پردازی داده بنیاد

گلیسر و اشتراوس ترجیح می‌دهند که در پژوهش‌های کیفی به جای واژه «روایی»^۱ و «پایایی»^۲ از کلمه «اعتبار»^۳ استفاده کنند (گلیسر و اشتراوس^۴، ۱۹۶۸؛ لینکلن و گوبا^۵، ۱۹۸۵). این کلمه برای ایشان بیش از «معتبر»^۶، به معنای «باورپذیر»^۷ است. در این مطالعه از دو روش برای اعتبارسنجی پژوهش استفاده شده است: ۱. روش توافق دو کدگذار و ۲. روش پیشنهادی گلیسر و اشتراوس.

۱. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق دو کدگذار، از یک دانشجوی مقطع دکتری مدیریت درخواست شد تا به عنوان کدگذار همکار در پژوهش مشارکت کند. آموزش‌های لازم برای کدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان ارائه شد. تعداد سه مصاحبه توسط محقق و همکار پژوهش کدگذاری و درصد توافق میان کدگذاران از رابطه زیر محاسبه شد:

$$\text{تعداد توافقات} \times 100 = \frac{2 \times \text{تعداد کل کدها}}{\text{تعداد کل کدها}} = \text{درصد توافق}$$

تعداد کل کدهای ثبت شده توسط محقق و همکار برابر ۱۹۸ مورد، تعداد کل توافقات بین این کدها ۸۱ و تعداد کل عدم توافقات بین این کدها برابر ۳۶ بود. پایایی بین کدگذاران در مصاحبه‌های انجام‌شده با استفاده از فرمول فوق برابر ۸۲ درصد است. با توجه به بالاتر بودن این درصد از عدد ۶۰ قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است (کواله^۸، ۱۹۹۶) و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه‌ها مناسب است.

۲. گلیسر و اشتراوس شاخص‌هایی را برای تعیین میزان «اعتبار» پژوهش‌های مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد پیشنهاد کرده‌اند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: ۱. پژوهش به میزان قابل قبولی حاوی جزئیات و توصیفات باشد تا خوانندگان احساس کنند که آن‌ها نیز جزئی از فرآیند مطالعه بوده‌اند و بر اساس داده‌های موجود می‌توانند رأیاً نتایج را ارزیابی و نسبت به آن‌ها قضاوت کنند؛ ۲. در تحقیق شواهد کافی از شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها وجود داشته باشد؛ به گونه‌ای که خواننده بر ارزیابی و اظهار نظر در مورد چگونگی دستیابی به نتایج توسط پژوهش‌گر توانا باشد؛ ۳. موجود بودن چندین گروه مقایسه و ۴. تعیین کردن نوع داده‌های مورد استفاده در مطالعه. در طول پژوهش تلاش شد تا حد امکان شاخص‌های فوق در محتوای مطالعه لحاظ و رعایت شوند (گلیسر و اشتراوس، ۱۹۶۷).

¹ Validity

² Reliability

³ Credibility

⁴ Glaser & Strauss

⁵ Lincoln & Guba

⁶ Valid

⁷ Believable

⁸ Kvale

معیار	شاخص	توضیحات
اعتبار یا پایایی پژوهش	وجود توصیفات و جزئیات کافی	■ متن کامل تمامی مصاحبه‌ها موجود و قابل ارائه است.
	تشریح شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها	■ متن کامل تمامی مصاحبه‌ها موجود و قابل ارائه است. ■ نمونه نحوه شکل‌گیری هر یک از گزاره‌ها، مفاهیم، زیرمقولات و مقولات محوری، در متن مقاله موجود و شرح مفصل شکل‌گیری این موارد در متن رساله آمده است.
	وجود چندین گروه مقایسه	■ مصاحبه‌ها با افراد متفاوت از گروه‌های مختلف (صنعت، دانشگاه، مشاوره مدیریت و...) انجام شد و داده‌ها حاصل اخذ نظر از طیف گسترده‌ای از مراجع مختلف است.
	تعیین نوع داده‌های مورد استفاده	■ نتایج تحلیل داده‌ها به تعدادی از مصاحبه‌شوندگان از گروه‌های دارای خاستگاه‌های متفاوت، عرضه و از ایشان در مورد کیفیت خروجی‌های پژوهش، تاییدیه اخذ شد. داده‌ها، متنی و حاصل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و یادداشت‌های محقق است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

در این بخش، مراحل کدگذاری‌ها، مفاهیم کشف‌شده، مقولات دسته‌بندی شده و مدل نهایی پژوهش، تشریح می‌شوند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از دستورالعمل استراوس و کوربین شامل سه مرحله اصلی «کدگذاری باز»^۱، «کدگذاری محوری»^۲ و «کدگذاری انتخابی»^۳ پیروی شده است.

کدگذاری باز

برای کدگذاری باز، پژوهش‌گر با لحاظ کردن حساسیت نظری و در نظر داشتن سؤالات پژوهش و پروتکل مصاحبه، به میدان تحلیل متن گام گذاشت. در ابتدا فایل صوتی مصاحبه‌ها به متن مکتوب، تبدیل و پس از مرور کلی، این متن‌ها پاراگراف‌بندی و شماره سؤال مربوطه در حاشیه آن یادداشت شد. سپس هر پاراگراف به صورت جداگانه در سلول‌های مشخص جدولی از پیش طراحی‌شده، وارد و با مطالعه دقیق و

^۱ Open Coding

^۲ Axial Coding

^۳ Selective Coding

تحلیل کلمه به کلمه و خط به خط آن، کوچک ترین واحد معنایی مرتبط با پاسخ پرسش ها، شناسایی و در سلول مقابل پارگراف در جدول مذکور، درج گردید. جدول ۴ نشان دهنده برشی از نتایج کدگذاری باز است.

جدول ۴: برشی از فرآیند و نتایج کدگذاری باز

مصاحبه	برشی از متن مصاحبه	گزاره
۳	الگوریتم ها این قدر پیشرفته و پیچیده شده اند که در آینده، همه کارهای تحلیلی و فکری بدون انسان قابل انجام است. تنها کار و شغل مردم، تبدیل کردن خواسته هاشون به زبان های برنامه نویسیه. الگوریتم ها، تجهیزات مکانیکی و سخت افزارها رو مدیریت می کنند. همه چیز می شه کدهای کامپیوتری.	اهمیت یادگیری زبان های برنامه نویسی در مشاغل
۶	حتی امروز در ایران هم بسیاری از مشاغل داره از بین می ره. دیگه خیلی از فروشگاه ها صندوق دار ندارند. روند ماشینی کردن کارهای روتین و ساده که خیلی وقته شروع شده، ولی روندها نشون می دن، کارهای پیچیده تر رو هم می شه با هوش مصنوعی ماشینی کرد.	شدت گرفتن میزان حذف مشاغل
۹	الان که تحریمیم، نمی تونیم دستگاه و تجهیزات وارد کنیم، ولی نرم افزار و کد کامپیوتری به اون معنا، قابل تحریم کردن نیست. اصلاً برنامه نویسی رو از هر جای دنیا می تونیم بیاریم ایران یا خدماتش رو از راه دور بخریم. شاید این انقلاب صنعتی دنیا رو برای جهان سوم بهتر کنه.	کم تاثیر بودن تحریم ها در روند ورود امواج انقلاب صنعتی به ایران
۱۱	همین الان هم گاهی تو سامانه های دولتی اشکال ایجاد می شه یا سیستم ها رو هک می کنند. درسته که مردم دچار مشکل و سردرگمی می شن، ولی بالاخره یه جوری سیستم رو از حالت دیجیتالی خارج می کنند و روی حالت دستی می ذارند و کار راه میوفته. حالا فرض کنید که همه چیز بر مبنای هوش مصنوعی و برنامه های کامپیوتری باشه. اگه سیستم ها هک بشه یا به هر دلیل	حیاتی شدن امنیت داده و شبکه در زندگی روزمره

از کار بیفته عملاً بحران درست می‌شه. همیشه هکرها یا دشمن یا رقبا انگیزه دارند که به کامپیوترهای دیگه وارد بشن.

- صنعت ۴,۰ فقط در یک فناوری خلاصه نمی‌شه. در حقیقت جمع و سنتز چند تا فناوری و تاثیرش در فرآیندهای کسب و کارهاست که پدیده‌ای رو ایجاد کرده که اسمش رو بذارند ۱۳
- انقلاب صنعتی چهارم. اینترنت اشیاء، واقعیت مجازی، فناوری ابر، کلان داده‌ها و چند تا فناوری دیگه.
- عوض کردن قالب، ست‌آپ دستگاه، برنامه‌ریزی تولید و... همه کامپیوتری می‌شن. الان خیلی از محدودیت‌ها مربوط به ۱۶
- توانایی‌های حفظ و کسب اطلاعات توسط انسان. بعداً خود سیستم‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند، قالب‌ها رو تغییر می‌دن، تولید می‌کنند، متوقف می‌شن و...
- ظهور فناوری‌های نو (اینترنت اشیاء، کلان داده، رایانش ابری و...)
- سرعت بیش تر تولید

از تحلیل و کدگذاریِ متنِ مصاحبه‌های انجام‌شده، ۱۸۳ گزاره استخراج شد و به واحدهای معنادارِ برآمده از مصاحبه‌ها، مفهومی اختصاص یافت. مفهوم سازی یا به تعبیر دیگر، برچسب‌گذاری معنایی بر روی محتوای تولیدشده از مصاحبه‌ها، به ظهور و کشف ۱۰۸ مفهوم منجر گردید.

جدول ۵: برشی از کشف مفاهیم از گزاره‌های بیان‌شده

گزاره‌ها	فراوانی	مفاهیم
وجود حس‌گرها در همه جا	۷	وصول داده‌ها به صورت
ارزان‌شدن سنسورها	۳	لحظه‌ای از همه جا
ارسال دائم داده‌ها به پردازش‌گر مرکزی	۶	
ظهور مشاغل بسیار پیچیده	۱۱	
شدت گرفتن روند از بین رفتن مشاغل دارای سطوح متوسط پیچیدگی	۱۰	دوقطبی‌شدن مشاغل
تداوم نیاز به انسان در کارهای ساده خدماتی	۶	
پدید آمدن گروه‌های همکاری چندفرهنگی و گروه‌های کاری بین‌المللی	۹	

انطباق پذیری فرهنگی	۸	اهمیت یافتن مهارت‌های ارتباطی، مصالحه و مدیریت تحول
	۳	همکاری نزدیک میان سازمان‌های مختلف در طول زنجیره ارزش
ادغام افقی	۶	به اشتراک گذاشته شدن گسترده اطلاعات میان سازمان‌های همکار
	۶	دیجیتالی شدن تمامی فرآیندهای درون و بین سازمانی
	۱۲	همکاری نزدیک انسان و ماشین
همکاری‌های بین‌عاملی	۱۲	اتحاد راهبردی میان رقبا
	۱۱	اکوسیستمی شدن فعالیت‌ها
افزایش آموزش‌های	۹	یادگیری از طریق جستجو
غیررسمی	۱۰	یادگیری حین اقدام و عمل
ارتقاء قابلیت‌های	۱۲	توانایی تحلیل و حل مسئله
شناختی	۶	خلاقیت در استفاده از فناوری
حیاتی شدن مهارت‌های	۱۳	تعامل و به اشتراک‌گذاری از طریق فناوری‌های دیجیتال
ارتباطی	۹	رشد شبکه‌سازی
	۸	مدیریت هویت دیجیتال
	۱۱	حفاظت از دیوایس‌ها و تجهیزات
امنیت سایبری	۱۶	حیاتی شدن امنیت داده و شبکه در زندگی روزمره
	۱۳	لزوم محافظت از حریم شخصی شهروندان
	۶	کاهش بهای استفاده از اینترنت
تامین زیرساخت‌ها	۸	افزایش پهنای باند
	۱۱	میزان هزینه‌های توسعه زیرساخت‌های لازم

کدگذاری محوری و انتخابی

در این مرحله با تأمل بر مفاهیم و مولفه‌های حاصل‌شده در مرحله قبل، داده‌ها متراکم و در هم ادغام شدند. بنابراین بر اساس اشتراکات یا معنای مشابه، مفاهیم در کنار هم قرار گرفتند. از تجمع کدهای باز (مفاهیم)، مقولات (مفاهیم سطح بالاتر) ایجاد شد؛ به این صورت که محقق کدهای شبیه و مرتبط با یکدیگر را در

کنار هم قرار داد و در سطح بالاتری از انتزاع، عنوانی (برچسب) برای آنها برگزید. در جدول ۶ نمونه‌ای از کنار هم قرار گرفتن مفاهیم برای تشکیل مولفه‌ها نشان داده شده است:

جدول ۶: بررسی از کشف مولفه‌ها (مقوله‌ها) از مفاهیم ساخته شده

مفاهیم	مولفه‌ها
ایصال داده‌ها به صورت لحظه‌ای از همه جا	
امکان ذخیره داده‌ها در حجم بالا	دریافت و پردازش داده‌ها به صورت لحظه‌ای
امکان تجزیه و تحلیل داده‌ها با سرعت بالا و هزینه پایین	
وجود تعداد نیروی انسانی متخصص برای ورود به صنعت ۴,۰	اضافه شدن مهارت‌های فناوری اطلاعات به
توسعه‌ی رشته‌های مرتبط با آی‌تی در دانشگاه‌ها	سرفصل‌های آموزشی رسمی
تعریف پروژه‌های کلان ملی برای جذاب‌تر شدن بخش آی‌تی	
فراگیر شدن اینترنت خدمات	هویت‌مند شدن محصولات
فراتر رفتن خدمات از مرزهای کارخانه	
عاملیت یافتن محصولات	
ادغام افقی	
ادغام عمومی	ادغام (یک‌پارچگی)
ادغام پایان به پایان	
گشودگی روانی به تغییر	
ارتقاء فرهنگ کار تیمی	تحول فرهنگ سازمانی
افزایش انطباق‌پذیری فرهنگ سازمانی	
افزایش آموزش‌های غیررسمی	مادام‌العمر شدن یادگیری
آموزش‌های باز، فراگیر و آنلاین	
ارتقای دانش نوین	
فراگیر شدن الزام دارا بودن مهارت کدنویسی رایانه‌ای	لزوم ارتقای مهارت‌های فنی
ادراک امنیت فناوری اطلاعات	
تولید محصولات اختصاصی‌شده برای مشتریان	انعطاف‌پذیری تولید
افزایش سرعت تولید و تحویل محصول به مشتری	
شبیه‌سازی	
کلان‌داده و رایانش ابری	ظهور و گسترش فناوری‌های پایه
اینترنت اشیاء و ربات‌های مستقل	
برقرار بودن ارتباط تولیدکننده با محصول تا پایان چرخه عمر	اقتصاد چرخه‌ای
مهندسی چرخه عمر محصول	

دسته‌های مختلف ایجادشده، ادغام و برای ساخت مدل پارادایمی، پدیده‌ی محوری، شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها تعیین شدند. مدل پارادایمی یک ابزار تحلیلی در انجام کدگذاری محوری است. محققان می‌توانند در استفاده از این ابزار، با طرح سؤالات متعدد و تأمل بر پاسخ آن‌ها، پیوندها و ارتباطات احتمالی میان مفاهیم را کشف کنند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۴). پدیده محوری، تغییرات آتی در فرآیندهای صنعتی و شرایط علی آن‌ها، تحولات فناورانه بود. از میان تمام راهبردهای قابل شناسایی، این پژوهش بر اقدامات و عملیات مربوط به سرمایه انسانی متمرکز بود. پروتکل مصاحبه پس از شناسایی پدیده محوری و علل آن، به تبیین راهبردهای مواجهه، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر آن و پیامدهای نهایی می‌پرداخت. جدول ۷ هر یک از مقوله‌ها را بر اساس تقسیم‌بندی شش گانه مدل پارادایمی ارائه کرده است:

جدول ۷: اجزای مدل پارادایمی پژوهش

بعد	مولفه محوری	مولفه‌ها
شرایط علی	ظهور فناوری‌های	ظهور و گسترش فناوری‌های پایه
	آشفته‌ساز	ظهور و گسترش فناوری‌های سمت کاربر
	ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد ملی	خلق ارزش به روش‌های جدید لزوم آمادگی برای همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی انطباق با پارادایم‌های جدید کسب و کار دریافت و پردازش داده‌ها به صورت آنی
	قابلیت آنی‌کاری	فراگیری بی‌سابقه حس‌گرها در محیط و تجهیزات دوقلوی مجازی عاملیت‌ها
پدیده	تولید هوشمند	کاهش ضایعات
محوری	تمرکززدایی از فرآیند تصمیم‌گیری	انعطاف‌پذیری تولید لزوم پاسخ‌گویی به تقاضای مشتریان برای محصولات منفرد یاری‌رسانی پردازش‌گرها در تصمیم‌گیری‌ها وجود ردیاب در محصولات و ذخیره‌سازی برنامه تولید در آن

هم‌کنش‌پذیری	ادغام عمومی؛ افقی و ادغام انتها به انتها ^۱ ظهور گسترده سیستم‌های سایبر - فیزیکی استانداردسازی ارتباطات، عملیات و فرآیندها یک‌پارچه شدن زنجیره ارزش
دنای متصل	محو شدن مرزهای سازمانی و ملی اتصال متقابل عاملیت‌ها
گشودگی روانی به تغییر و تحول	نبود مقاومت در مورد حفظ سلسله مراتب اداری سنتی نزدیک شدن ساختارهای صف و ستاد رشد بی‌سابقه تیم‌های کاری
شرایط مداخله‌گر	حفظ محیط زیست وجود و کفایت زیرساخت‌های فنی
ادراک تحول‌های پیش رو	توانایی شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی در ارائه خدمات لازم تخصیص منابع لازم برای توسعه زیرساخت‌های صنعت ۴,۰ میزان سرمایه‌گذاری نهادهای نظامی، امنیتی و اقتصادی بر فناوری‌ها مربوطه
شرایط زمینه‌ای	امنیتی و جاسوسی تلقی نشدن فناوری‌های نو
تعدیل ساختارهای حقوقی، قوانین و مقررات	خوش‌بینی سیاست‌گذاران به ارتقای فناورانه امکان همکاری عملیاتی با کشورهای بلوک شرق همکاری مجلس برای تصویب قوانین مساعد تصویب قوانین جدید متناسب با صنعت ۴,۰ به رسمیت شمرده شدن وجوه حقوقی فناوری‌های آشفته‌ساز قرار گرفتن صنعت ۴,۰ در متن برنامه‌های توسعه کشور

^۱ End to End Integration

اضافه شدن مهارت‌های نرم به سرفصل‌های آموزشی رسمی

ارزان و مادام‌العمر شدن یادگیری

گسترده‌تر شدن دایره و افزایش تنوع آموزش‌های دانشگاهی

مهارت‌های بین‌فرهنگی

تسلط به زبان‌های خارجی

کار تیمی و شبکه‌سازی

مهارت‌های ارتباطی، مصالحه و سازش

خلاقیت و توانایی‌های تحلیلی

تفکر کارآفرینانه

مدیریت تعارض

توانایی‌های حل مسائل پیچیده

توانایی تصمیم‌گیری

افزایش انعطاف و انطباق پذیری

افزایش میل به یادگیری

تحمل ابهام و توانایی کار در فشار

دنبال کردن فناوری روز و دانش‌های جدید

تسلط به امنیت دیجیتال

لزوم ارتقای مهارت‌های فنی

کدنویسی

ادراک فرآیندها

توانایی کار با ابزار و تجهیزات پیشرفته

گشودگی روانی به تغییر

ارتقای فرهنگ کار گروهی

انطباق‌پذیری فرهنگ سازمانی

تحول در نظام آموزشی

ارتقای شایستگی‌های

اجتماعی

ارتقای شایستگی‌های

روش‌شناختی¹

راهبردها

ارتقای شایستگی‌های

فردی

ارتقای شایستگی‌های

فناورانه

تحول فرهنگ سازمانی

¹ Methodological

ارتباط تولیدکننده با محصول تا پایان چرخه عمر

محصول

مهندسی چرخه محصول

شبیه سازی محیطی

امکان بازیافت با تعبیه حس گر و فرستنده در محصولات

مرگ بروکرایی و تولد هولوکراسی

دوقطبی شدن شدن مشاغل

حذف برخی مشاغل و ظهور مشاغل جدید

پایان شغل سپاری

توسعه سیستم های محصول - خدمت

کم رنگ شدن مرزهای سازمان و شبکه ای شدن تعاملات

شکل گیری اکوسیستم ها و شبکه های ارزش جدید

خودمختاری و استقلال در تصمیم و عمل

انطباق پذیری و سازگاری

خودآگاهی و خودبهبودسازی عاملیت ها

خودپیکربندی کننده

اقتصاد چرخه ای

تحول در ساختار کار و

محیط های کاری

پیامدها

تحول در مدل های کسب

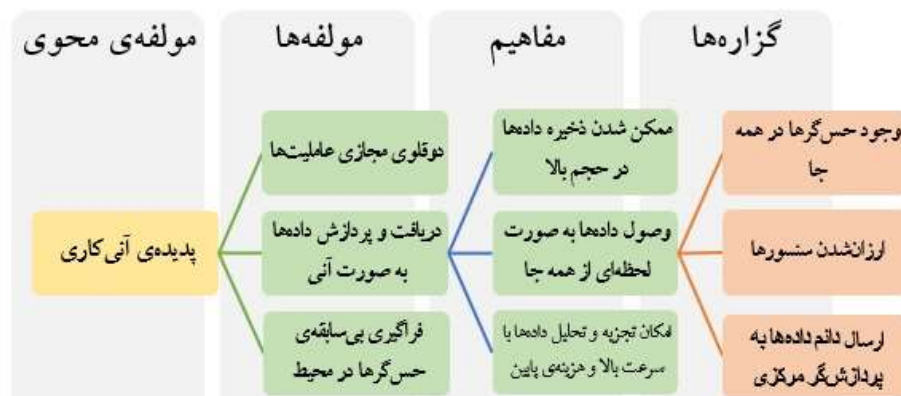
و کار

رسوخ آگاهی در اجزای

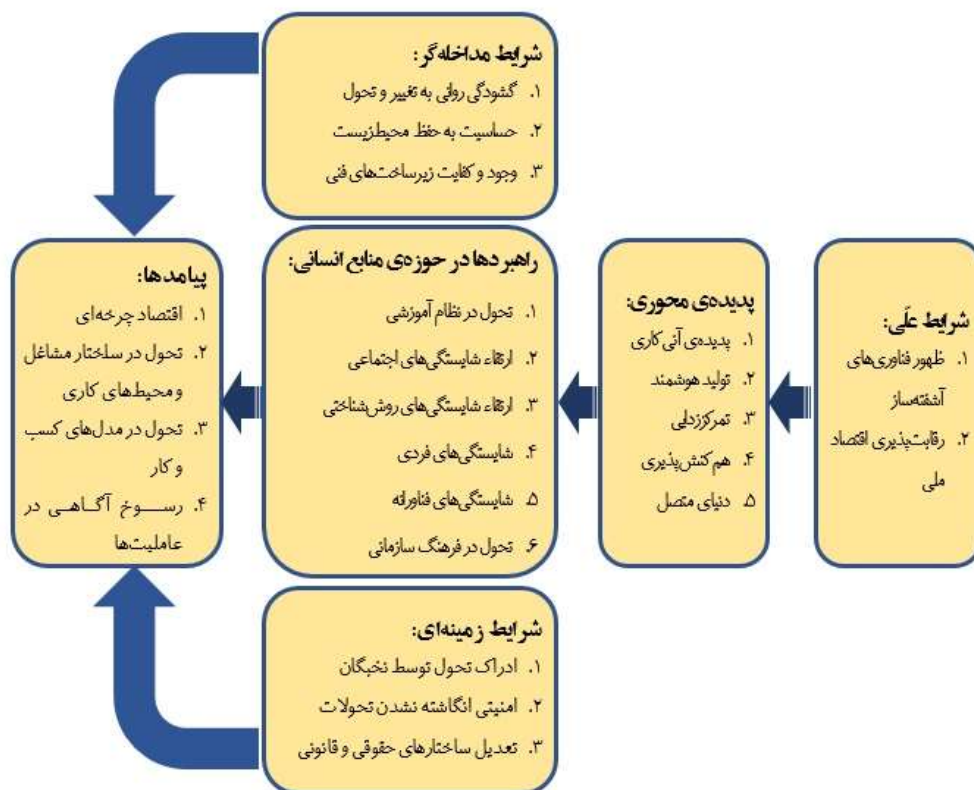
صنعت

شکل گیری یک مقوله محوری

در بخش های قبلی، فرآیند تولید مدل پارادایمی تشریح شد. برای بررسی برش طولی نظریه، در این بخش به مراحل شکل گیری مقوله محوری «آنی کاری» پرداخته شده است. همان گونه که در شکل ۴ قابل مشاهده است، گزاره های «وجود حس گرها در همه جا»، «ارزان شدن حس گرها» و «ارسال مستمر داده ها به پردازش گر مرکزی»، به مفهوم «وصول داده ها به صورت لحظه ای از همه جا» منجر و این مفهوم در کنار ۲ مفهوم دیگر به مولفه «پردازش داده های دریافتی به صورت آنی» منتهی و این مولفه در کنار دو مولفه دیگر به تولید مولفه محوری «آنی کاری» منتج شده است:



شکل ۴: نمایی از شکل‌گیری یک مولفه مرکزی



شکل ۵: مدل پارادایمی تحقیق

شرایط علی^۱

«ظهور فناوری‌های نو» و تلاش جوامع برای «رقابت‌پذیر شدن اقتصاد ملی»، از علل مهم استقرار انقلاب صنعتی چهارم شمرده می‌شوند. فناوری‌های پایه (شامل اینترنت اشیا، کلان‌داده‌ها، رایانش ابری، تولید افزایشی، واقعیت افزوده و...) به تحول در فناوری‌های سمت کاربر (شیوه‌های تولید، محصولات و زنجیره تامین هوشمند) و تغییر اساسی در پارادایم‌های تولید منتهی می‌گردند.

پدیده محوری^۲

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، این انقلاب صنعتی در فرآیندهای تولیدی، ۵ پدیده محوری شامل «آنی‌کاری»، «تولید هوشمند»، «تمرکززدایی از فرآیند تصمیم‌گیری»، «هم‌کنش‌پذیری» و «دنیای متصل» را به وجود خواهد آورد. تمامی این پدیده‌ها بر محیط تولید و صنعت متمرکزند. پدیده «آنی‌کاری» از گزاره‌ها و مفاهیم دریافت و تجزیه و تحلیل داده‌های سیستم‌ها به صورت لحظه‌ای، ایجاد دوقلوی مجازی از نظام‌های عینی، پیش‌بینی شکست‌ها و فرآیند تصمیم‌گیری مستقل و خودمختار حاصل می‌شود. با توجه به پیچیده شدن فرآیندهای تولید و افزایش انعطاف‌پذیری و وجود ماشین‌ها و پردازش‌گرهای دستیار برای نیروی انسانی، بسیاری از تصمیمات در صنایع مختلف در لحظه و توسط کارکنان مرتبط (بدون نیاز به کسب تکلیف از سطوح بالاتر سلسله مراتب سازمانی) اتخاذ خواهند شد.

شرایط مداخله‌گر^۳

شرایطی بر سرعت و سهولت پیامدها موثرند. «گشودگی روانی به تغییر»، «میزان حساسیت به حفظ محیط‌زیست» و «وجود و کفایت زیرساخت‌های فنی» به عنوان عناصر شدت‌بخش یا کاهش‌دهنده (شرایط مداخله‌گر) پدیده محوری شناخته شده‌اند.

شرایط زمینه‌ای^۴

تمامی این رویدادها در بستر نظامات سیاسی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی جامعه ایرانی رخ خواهند داد. بر اساس این مطالعه، «ماهیت ادراک تحول توسط نخبگان»، «جاسوسی و امنیتی انگاشته نشدن تحولات» و «تعديل ساختارهای حقوقی و قانونی» شرایط زمینه‌ای وضعیت کلان مرتبط با موضوع را در بر دارند. سرعت

¹ Causal Conditions

² Core Category

³ Intervening Conditions

⁴ Context

درک تحولات، ضروری انگاشته شدن تطبیق نظامات تولید و توزیع محصولات با نتایج بکارگیری فناوری‌های نو توسط نخبگان صنعتی، دانشگاهی، دولتی و... می‌تواند بر استفاده و چگونگی مواجهه با این پدیده‌ها نقشی اساسی بازی کند. با توجه به وضعیت نظام سیاسی ایران در عرصه بین‌الملل گشوده‌نظری، ابزار جاسوسی انگاشته‌نشدن و خوش‌بینی به فناوری‌های نو و موافقت با استقرار آن‌ها در انواع صنایع، بر جایگاه رقابتی ایران در این انقلاب صنعتی موثرند.

راهبردها^۱

با توجه به تمرکز پژوهش بر موضوع شایستگی‌ها، مهارت‌ها و ویژگی‌های سرمایه انسانی در صنعت ۴،۰ از میان تمامی راهبردهای مواجهه با این انقلاب صنعتی، بر آمادگی نیروی انسانی تمرکز شد. سئوالات پروتکل به گونه‌ای بود که پس از بررسی ابعاد موضوع صنعت ۴،۰، بتوان ملاحظات را در حوزه سرمایه انسانی شناسایی کرد. یکی از مهم‌ترین راهبردها برای مواجهه صحیح با موج جدید فناوری، آمادگی کارکنان و مجهز شدن به مهارت‌های مورد نیاز برای کار در محیط انقلاب صنعتی چهارم است. «ایجاد تحول در نظام آموزشی»، «ارتقای شایستگی‌های اجتماعی»، «ارتقای شایستگی‌های روش‌شناختی»، «ارتقای شایستگی‌های فردی»، «ارتقای شایستگی‌های فناورانه» و «تحول در فرهنگ سازمانی» به عنوان راهبردهای مواجهه با انقلاب صنعتی چهارم در موضوع منابع انسانی معرفی شده‌اند.

پیامدها^۲

در نهایت، پیامدهای کلان ظهور و استقرار فناوری‌های نو «اقتصاد چرخه‌ای»، «تحول در ساختار مشاغل و محیط‌های کاری»، «تحول در مدل‌های کسب و کار» و «رسوخ آگاهی در عاملیت‌های تولید» خواهد بود. تعبیه حس‌گرها در محصولات، توان رهگیری آن‌ها در طول زمان استفاده، فراخوانی آن‌ها در پایان چرخه عمر، بازیافت و از بین بردن اصولی آن‌ها، به کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌انجامد. علاوه بر این، امکان رهگیری قطعات و تعریف برنامه تولید در هر یک از آن‌ها، به کاهش ضایعات صنعتی منجر می‌شود. با استقرار صنعت ۴،۰ تحولات زیادی در ساختار مشاغل و محیط‌های کاری ایجاد می‌گردد. بروکراسی به معنی امروز آن دیگر کارایی لازم را ندارد و سیستم‌های کلان اداره به شیوه‌های جدیدی رخ می‌نمایند. مشاغل کاملاً دوقطبی خواهند شد. تنها ۱. مشاغل خدماتی ساده‌ای که فقط توسط انسان قابل انجام است و ۲. مشاغل بسیار پیچیده نیازمند توانایی‌های بالای شناختی، خلاقیت، مفهوم‌سازی، راهبردپردازی، اقناع، هوش اجتماعی و نظایر آن، باقی خواهند

¹ Strategies

² Consequences

ماند. به عبارت دیگر، بسیاری از کارکنان نیمه‌ماهر شاغل در بازه میانی این طیف، از بازار کار ناپدید می‌شوند. کارهای مربوط به این مشاغل در بستر فناوری‌های نو و توسط ماشین‌ها و رایانه‌های مستقل و خودمختار به انجام خواهند رسید. از سوی دیگر، مشاغل جدیدی همچون تحلیل‌گری داده‌ها و هماهنگ‌کننده ربات‌ها در کارخانه‌های هوشمند نمایان می‌شوند. متخصصان جدید داده‌ها را استخراج، آماده‌سازی و تجزیه و تحلیل می‌کنند و یافته‌های خود را برای بهبود محصولات یا فرآیند تولید، به کار می‌گیرند. در صحن کارخانه هماهنگ‌کننده ربات‌ها نقش ناظر را برای این تجهیزات ایفا می‌کند و باید خطاها یا عملکرد نامناسب آن‌ها را اصلاح و چاره‌اندیشی نماید. با توجه به هوشمند شدن تولید، مشاغل کارگرمحور منتقل شده به کشورهای جهان سوم، به کشورهای اصلی خود باز می‌گردند. بی‌نیازی به نیروی کار ارزان و غیرماهر کشورهای فقیر و انجام کارهای بدنی و تکراری توسط ربات‌ها باعث می‌شود که کشورهای پیشرفته طراح محصول مجدداً کارخانه‌ها را در خاک کشور خود دایر کنند و بالا بودن میانگین سنی نیروی کار کشورهای پیشرفته، دیگر مانعی برای تولید در خاک آن کشورها به حساب نخواهد آمد. در کارخانه‌های هوشمند، همکاری انسان و ماشین بسیار گسترده خواهد شد و سیستم‌های رایانه‌ای عملاً نقش دستیار و تسهیل‌گر تصمیم‌گیری و اقدام را برای انسان‌ها بازی می‌کنند. کمک‌گرفتن از الگوریتم‌های متصل به کلان‌داده‌ها و بهره‌گیری از هوش مصنوعی در نوشتن لوایح حقوقی، تشخیص پزشکی، برنامه‌ریزی و نظارت بر تعمیرات و نگهداری دستگاه‌ها، هواپیماها، ژنراتورها، خطوط لوله، سدها و... از مصادیق این همکاری خواهند بود.

بحث و نتیجه‌گیری

همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، اهداف این مطالعه عبارت‌اند از: ۱. تعریف اجمالی صنعت ۴,۰؛ ۲. شناسایی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر پدیده محوری استقرار انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰) و پیامدهای آن در حوزه اقتصادی؛ ۳. مهارت‌ها، دانش و شایستگی‌های مورد نیاز کارکنان واحدهای تولیدی در انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰) و ۴. پیشنهاد مدل آموزش و توسعه منابع انسانی جوان برای مواجهه موفق با انقلاب صنعتی چهارم (صنعت ۴,۰). بر همین اساس در شکل ۲، مدل مفهومی تأثیرات فناوری‌های صنعت ۴,۰ بر کسب و کارها پیشنهاد شده است. در صفحات پیشین شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر ایجاد پدیده محوری (استقرار انقلاب صنعتی چهارم) و پیامدهای آن در کسب و کارها شناسایی شد. از میان تمامی مولفه‌ها، مسائل اشتغال جوانان و مهارت‌های مورد نیاز ایشان به عنوان راهبرد انتخاب شدند. در ادامه مهارت‌ها، شایستگی‌ها و مدل مفهومی آموزش و توسعه نیروی انسانی در صنعت ۴,۰ ارائه خواهد شد.

روش‌های مختلفی برای دسته‌بندی مهارت، مشخصات، دانش و شایستگی‌های کارکنان جوان، ابداع و

توسعه داده شده‌اند. لکن در این تحقیق برای دسته‌بندی و ساختاردهی به شایستگی‌های مورد نیاز نیروی انسانی در صنعت ۴,۰ از کارهای فابیان هکلاو^۱ و همکاران (۲۰۱۶ و ۲۰۱۸)، مارتا پینزون^۲ و همکاران (۲۰۱۷) و آندری جرمن^۳ و همکاران (۲۰۲۰) الهام گرفته شده است. ایشان شایستگی‌ها را به فردی^۴، اجتماعی^۵، روش‌شناختی^۶ و فنی^۷ دسته‌بندی کرده‌اند. در این جا نیز مهارت‌های مورد نیاز بیان شده توسط مشارکت‌کنندگان و نتایج واکاوی داده‌های مصاحبه‌ها، در این چهارچوب جانمایی گردیدند. اجزای شایستگی‌ها و تغییرات مرتبط با نیروی انسانی جوان در این موج جدید جهانی به شرح جدول ۸ خلاصه و مدل نهایی آموزش و توسعه مهارت‌های شغلی جوانان در قالب شکل ۶ آمده است:

¹ Fabian Hecklau

² Marta Pinzone

³ Andrej Jerman

⁴ Personal

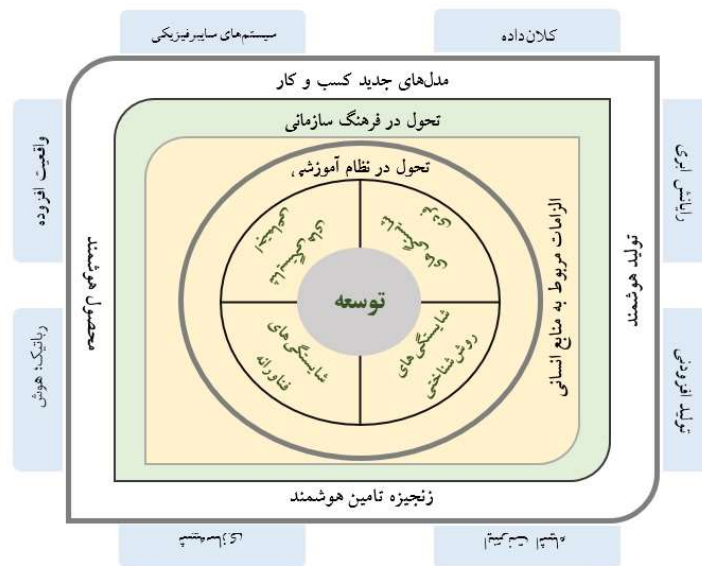
⁵ Social

⁶ Methodological

⁷ Domain or Technical

جدول ۸: تشریح مقوله محوری راهبردهای آماده‌سازی جوانان برای اشتغال در صنعت ۴,۰

ردیف	مقوله‌ی محوری	توضیحات
۱	تحول در نظام آموزشی	■ گسترده شدن مجموعه مهارت‌های موجود در سرفصل‌های آموزشی؛ برای آماده شدن سرمایه انسانی با انقلاب صنعتی چهارم باید مهارت‌های نرمی همچون حل مسئله، مدیریت تعارض، مدیریت ارتباطات و همکاری‌های بین‌فردی و میان‌سازمانی، پذیرش ماشین‌ها به عنوان دستیار، تفکر سیستمی، انطباق‌پذیری به سرفصل‌های آموزش رسمی اضافه خواهد شد. ■ یادگیری مادام‌العمر و از طریق دوره‌های آنلاین، یادگیری از طریق جستجو (سرچ) و در حین اقدام و عمل ■ پیوست شدن آموزش‌های فناوری اطلاعات به رشته‌های کسب و کار و شناسایی و تحلیل فرآیند، ارتباطات، حل مسئله و... به رشته‌های مهندسی ■ افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها در رشته‌های مهندسی کامپیوتر، نرم‌افزار و الکترونیک
۲	ارتقای شایستگی‌های اجتماعی	مهارت‌های بین‌فرهنگی؛ تسلط بر زبان‌های دیگر؛ مهارت‌های شبکه‌سازی؛ مهارت‌های ارتباطی؛ مصالحه و سازش؛ توانایی انتقال دانش و ارائه مطلب
۳	ارتقای شایستگی‌های روش‌شناختی	خلاقیت؛ تفکر کارآفرینانه؛ مهارت حل مسئله؛ مدیریت تعارض؛ تصمیم‌گیری؛ جستجوی اینترنتی و استحصال اطلاعات از آن؛ کار تیمی
۴	شایستگی‌های فردی	انعطاف و انطباق‌پذیری؛ تحمل ابهام؛ انگیزش برای یادگیری مستمر؛ توانایی کار تحت فشار روانی؛
۵	شایستگی‌های فناورانه	دنبال کردن دانش روز؛ مهارت‌های فنی؛ ادارک و تحلیل فرآیند؛ مهارت‌های استفاده و تحلیل شبکه‌های اجتماعی؛ کدنویسی؛ تسلط بر امنیت سایبری؛ توانایی کار با ابزار پیشرفته
۶	تحول در فرهنگ سازمانی	گشودگی روانی به تغییر؛ اتخاذ دید مثبت نسبت به سایر نژادها و عادی‌سازی کار با گروه‌های بین‌المللی؛ ارتقای فرهنگ کار تیمی؛ انطباق‌پذیر کردن فرهنگ سازمانی



شکل ۶ مدل توسعه مهارت‌های شغلی جوانان برای اشتغال در انقلاب صنعتی چهارم

منابع

- Acerbi, F., Rossi, M., & Terzi, S. (2022). "Identifying and assessing the required 14. 0 skills for manufacturing companies' workforce". *Frontiers in Manufacturing Technology*, 2, 921445.
- Alcácer, V., & Cruz-Machado, V. (2019). "Scanning the industry 4.0: A literature review on technologies for manufacturing systems". *Engineering science and technology, an international journal*, 22(3), 899-919.
- Bartodziej, C. J., & Bartodziej, C. J. (2017). *The concept industry 4.0*. (pp. 27-50). Springer Fachmedien Wiesbaden.
- Becker, T., & Stern, H. (2016). "Future trends in human work area design for cyber-physical production systems". *Procedia Cirp*, 57, 404-409.
- Blayone, T. J., & VanOostveen, R. (2021). "Prepared for work in Industry 4.0? Modelling the target activity system and five dimensions of worker readiness". *International Journal of Computer Integrated Manufacturing*, 34(1), 1-19.
- Castillo-Montoya, M. (2016). "Preparing for interview research: The interview protocol refinement framework". *Qualitative report*, 21(5).
- Chaka, C. (2020). "Skills, competencies and literacies attributed to 4IR/Industry 4.0: Scoping review". *IFLA journal*, 46(4), 369-399.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2015). *Basics of qualitative research* (Vol. 14). sage
- da Silva, L. B. P., Soltovski, R., Pontes, J., Treinta, F. T., Leitao, P., Dalmarco, G., Ramalho, F. R., Barros, A. C., & Soares, A. L. (2019). "Providing industry 4.0 technologies: The case of a production technology cluster". *The journal of high technology management research*, 30(2), 100355.

- Davis, N. & Schwab, K. (2016). **Shaping the future of the fourth industrial revolution**.
- Fareri, S., Fantoni, G., Chiarello, F., Coli, E., & Binda, A. (2020). **“Estimating Industry 4.0 impact on job profiles and skills using text mining”**. *Computers in industry*, 118, 103222.
- Flores, E., Xu, X., & Lu, Y. (2020). **“Human Capital 4.0: a workforce competence typology for Industry 4.0”**. *Journal of Manufacturing Technology Management*, 31(4), 687-703.
- Foidl, H., & Felderer, M. (2016). **“Research challenges of industry 4.0 for quality management”**. *In Innovations in Enterprise Information Systems Management and Engineering: 4th International Conference, ERP Future 2015-Research, Munich, Germany*, November 16-17, 2015, Revised Papers 4 (pp. 121-137). Springer International Publishing.
- Frank, A. G., Dalenogare, L. S., & Ayala, N. F. (2019). **“Industry 4.0 technologies: Implementation patterns in manufacturing companies”**. *International journal of production economics*, 210, 15-26.
- Frey, C. B., & Osborne, M. A. (2017). **“The future of employment: How susceptible are jobs to computerisation?”** *Technological forecasting and social change*, 114, 254-280.
- Galaske, N., Arndt, A., Friedrich, H., Bettenhausen, K. D., & Anderl, R. (2018). **“Workforce management 4.0-assessment of human factors readiness towards digital manufacturing”**. *In Advances in Ergonomics of Manufacturing: Managing the Enterprise of the Future: Proceedings of the AHFE 2017 International Conference on Human Aspects of Advanced Manufacturing*, July 17-21, 2017, The Westin Bonaventure Hotel, Los Angeles, California, USA 8 (pp. 106-115). Springer International Publishing.
- Garay-Rondero, C. L., Martinez-Flores, J. L., Smith, N. R., Morales, S. O. C., & Aldrette-Malacara, A. (2020). **“Digital supply chain model in Industry 4.0”**. *Journal of Manufacturing Technology Management*, 31(5), 887-933.
- Glaser, B., & Strauss, A. (2017). **Discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research**. Routledge.
- Hecklau, F., Galeitzke, M., Flachs, S., & Kohl, H. (2016). **“Holistic approach for human resource management in Industry 4.0”**. *Procedia cirp*, 54, 1-6.
- Hecklau, F., Orth, R., Kirsch, F., & Kohl, H. (2017). **“Human resources management: Meta-study-analysis of future competences in Industry 4.0”**. *In Proceedings of the International Conference on Intellectual Capital, Knowledge Management & Organizational Learning* (pp. 163-174).
<https://www.plattform-i40.de/IP/Redaktion/EN/Downloads/Publication/rami40-an-introduction.html>
- James, A. T., Kumar, G., Tayal, P., Chauhan, A., Wadhawa, C., & Panchal, J. (2022). **“Analysis of human resource management challenges in implementation of industry 4.0 in Indian automobile industry”**. *Technological Forecasting and Social Change*, 176, 121483.
- Jerman, A., Bertoncelj, A., Dominici, G., Bach, M. P., & Trnavčević, A. (2020). **“Conceptual key competency model for smart factories in production processes”**. *Organizacija*, 53(1), 68-79.
- Kagermann, H. et al. **Recommendations for implementing the strategic initiative INDUSTRIE 4.0**
- Kvale, S. (1996). **InterViews: an introduction to qualitative research interviewing**. Sage
- Lincoln, Y. S. (1985). **Naturalistic inquiry** (Vol. 75). sage.
- Maisiri, W., Darwish, H., & Van Dyk, L. (2019). **“An investigation of industry 4.0 skills requirements”**. *South African Journal of Industrial Engineering*, 30(3), 90-105.

- Marcon, É., Soliman, M., Gerstlberger, W., & Frank, A. G. (2022). **“Sociotechnical factors and Industry 4.0: an integrative perspective for the adoption of smart manufacturing technologies”**. *Journal of Manufacturing Technology Management*, 33(2), 259-286.
- Marmolejo-Saucedo, J. A. (2018). **“Industry 4.0 framework for management and operations: a review”**. OPENAIRE.
- Metallo, C., Agrifoglio, R., Schiavone, F., & Mueller, J. (2018). **“Understanding business model in the Internet of Things industry”**. *Technological Forecasting and Social Change*, 136, 298-306.
- Mourtzis, D. (2018). **“Development of skills and competences in manufacturing towards education 4.0: A teaching factory approach”**. In *Proceedings of 3rd International Conference on the Industry 4.0 Model for Advanced Manufacturing: AMP 2018 3* (pp. 194-210). Springer International Publishing.
- Neumann, W. P., Winkelhaus, S., Grosse, E. H., & Glock, C. H. (2021). **“Industry 4.0 and the human factor—A systems framework and analysis methodology for successful development”**. *International journal of production economics*, 233, 107992.
- Nunes, M. L., Pereira, A. C., & Alves, A. C. (2017). **“Smart products development approaches for Industry 4.0”**. *Procedia manufacturing*, 13, Osterwalder, A., & Pigneur, Y. (2010). **Business model generation: a handbook for visionaries, game changers, and challengers** (Vol. 1). John Wiley & Sons
- Pejic-Bach, M., Bertonecel, T., Meško, M., & Krstić, Ž. (2020). **“Text mining of industry 4.0 job advertisements”**. *International journal of information management*, 50, 416-431.
- Peña-Jimenez, M., Battistelli, A., Odoardi, C., & Antino, M. (2021). **“Exploring skill requirements for the Industry 4.0: A worker-oriented approach”**.
- Pinzone, M., Fantini, P., Perini, S., Garavaglia, S., Taisch, M., & Miragliotta, G. (2017). **“Jobs and skills in Industry 4.0: exploratory research”**. In *Advances in Production Management Systems. The Path to Intelligent, Collaborative and Sustainable Manufacturing: IFIP WG 5.7 International Conference, APMS 2017*, Hamburg, Germany, September 3-7, 2017, Proceedings, Part I (pp. 282-288). Springer International Publishing.
- Posada, J., Toro, C., Barandiaran, I., Oyarzun, D., Stricker, D., De Amicis, R., & Vallarino, I. (2015). **“Visual computing as a key enabling technology for industrie 4.0 and industrial internet”**. *IEEE computer graphics and applications*, 35(2), 26-40.
- Pereira, A. C., & Romero, F. (2017). **“A review of the meanings and the implications of the Industry 4.0 concept”**. *Procedia manufacturing*, 13, 1206-1214.
- Prifti, L., Knigge, M., Kienegger, H., & Kremer, H. (2017). **A competency model for" Industrie 4.0" employees.**
- Radziwon, A., Bilberg, A., Bogers, M., & Madsen, E. S. (2014). **“The smart factory: exploring adaptive and flexible manufacturing solutions”**. *Procedia engineering*, 69, 1184-1190.
- Roblek, V., Meško, M., & Krapež, A. (2016). **“A complex view of industry 4.0”**. *Sage open*, 6(2), 2158244016653987.
- Rüßmann, M., Lorenz, M., Gerbert, P., Waldner, M., Justus, J., Engel, P., & Harnisch, M. (2015). **“Industry 4.0: The future of productivity and growth in manufacturing industries”**. Boston consulting group, 9(1), 54-89.

- Srivastava, Y., Ganguli, S., Suman Rajest, S., & Regin, R. (2022). "Smart HR Competencies and Their Applications in Industry 4.0". A Fusion of Artificial Intelligence and Internet of Things for Emerging Cyber Systems, 293-315.
- Vaidya, S., Ambad, P., & Bhosle, S. (2018). "Industry 4.0—a glimpse". Procedia manufacturing, 20, 233-238.
- Vrchota, J., Maříková, M., Řehoř, P., Rolínek, L., & Toušek, R. (2019). "Human resources readiness for industry 4.0". Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity, 6(1), 3.

طراحی الگوی ارتقای نشاط اجتماعی در میان جوانان^۱

زهرا فیضی^۲

لیلا خسروی مراد^۳

محمد پارسائیان^۴



[10.22034/ssys.2024.3169.3313](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3169.3313)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۳/۱۹

ایران در گزارش‌های بین‌المللی در زمینه نشاط اجتماعی، رتبه‌های ۱۰۳ و ۱۰۵ را طی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ کسب کرده است. صرف‌نظر از لزوم بازیابی مؤلفه‌های نشاط اجتماعی ایران در این طرح، این سؤال پیش می‌آید که ارتقای نشاط اجتماعی باید یا چه الگویی انجام شود؟ بر این اساس، هدف این مقاله طراحی الگوی ارتقای نشاط اجتماعی در میان جوانان از طریق روش فراتحلیل کیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل منابع تحقیقات نشاط اجتماعی جوانان در نورمگز، پورتال جامع علوم انسانی، اس.آی.دی و ایران‌داک بود که پس از غربالگری، ۵۴ منبع تحلیل گردید.

نتایج نشان داد عوامل تعیین‌کننده در دسته‌های فردی، اجتماعی، فردی - اجتماعی و اجتماعی - اقتصادی قرار می‌گیرند. در دسته فردی عامل امید به آینده، در دسته فردی - اجتماعی عوامل احساس عدالت و امنیت اجتماعی، در دسته اجتماعی مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و میزان دین‌داری و در دسته اجتماعی - اقتصادی پایگاه اقتصادی - اجتماعی به دست آمد. با تحلیل و ترسیم الگو مشخص شد ابتدا لازم است تا در حوزه‌های

^۱ -این مقاله مستخرج از طرحی با همین عنوان به کارفرمایی وزارت ورزش و جوانان کشور است.

^۲ دکترای دین پژوهی - جامعه‌شناسی دین، پژوهشگر گروه قرآن و تربیت اجتماعی، جهاددانشگاهی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Feizi.z.58@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری حکمرانی آموزش عالی، پژوهشگر گروه قرآن و تربیت اجتماعی، جهاددانشگاهی، تهران، ایران

^۴ دکترای علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر گروه قرآن و تربیت اجتماعی، جهاددانشگاهی، تهران، ایران

اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، سیاست‌گذاری‌های کلان با توجه به عوامل تعیین‌کننده صورت گیرد و پس از تغییر در سیاست‌گذاری‌ها، وضعیت اقتصاد، کنشگری اجتماعی، فرهنگی تغییر و بهبود یابد و در نهایت ارتقای نشاط اجتماعی حاصل شود.

واژگان کلیدی: نشاط اجتماعی، جوانان، الگو، فراتحلیل کیفی، ارتقا و سیاست‌گذاری.

موضوع شادزیستی عیان‌ترین لباس هر فرهنگی است (عنبری، ۱۳۹۲: ۱۰۱). شادی‌کردن از زیباترین و متعالی‌ترین احساسات و نیازهای روانی انسانی است که ارتباطی عمیق با رشد، شکوفایی و خلاقیت دارد (افشانی، ۱۳۹۲: ۱). از منظر آرگایل^۱، نشاط^۲ امری اجتماعی و فرهنگی و در بستر جامعه انسانی تجلی می‌یابد و حاصل کنش اجتماعی است (عشایری و جهان‌پرور، ۱۴۰۲) همچنین محرک بشری برای اهداف و آرزوهای اجتماعی است. از نگاه دورکیم، گذر از جامعه سنتی به مدرن همراه با آشفتگی‌های اجتماعی و پایین‌آمدن نشاط اجتماعی است (ریتزر، ۱۳۹۱: ۷۸). نشاط اجتماعی از مؤلفه‌های رفاه اجتماعی به شمار می‌رود و بیش از مداخلات پزشکی و روانی به عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته است و در عین حال یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار می‌باشد (ایلوخانی و دیگران، ۱۳۹۸). در بحث‌های سازمان ملل برای تعیین سطوح توسعه‌یافتگی کشورها، از سال ۲۰۰۰ به بعد متغیرهای نشاط، امید به آینده، خشنودی و رضایت‌مندی افراد جامعه نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است؛ به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس نشاط، خشنودی و رضایت‌مندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه‌یافته تلقی نمود (گلابی و اخشی، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

بنابراین در مطالعات جهانی، نشاط اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی در نظر گرفته شده است؛ به عبارتی، چنانچه جامعه‌ای بخواهد به رشد و توسعه مطلوب دست یابد، باید به نشاط اجتماعی خود توجه داشته باشد. علاوه بر آن، تحقق و افزایش نشاط اجتماعی در جامعه موجب می‌شود تا شکوفایی ظرفیت‌های فردی و اجتماعی، مشارکت اجتماعی، هدفمند بودن افراد در جامعه، حس تعلق و تعهد نسبت به جامعه و تحرک فیزیکی فرد نیز افزایش یابد (شریف‌زاده، محمدتبار و عدلی‌پور، ۱۳۹۶) و همین امر منجر به شکوفایی و بهبود وضعیت جامعه در ابعاد گوناگون شود. این موضوع در کشوری مانند ایران که به دنبال دست‌یابی به توسعه و شکوفایی است، نشاط اجتماعی جایگاه ویژه‌ای می‌یابد.

در گزارش جهانی سال ۲۰۱۷ سازمان ملل، ایران در موضوع نشاط اجتماعی در جایگاه ۱۱۷ در بین ۱۵۴ کشور جهان قرار گرفت. همچنین اگرچه ایران در جدول بررسی میزان شادی در سال ۲۰۱۶ در رتبه ۱۰۵ قرار داشت و در قیاس با سال ۲۰۱۵، پنج پله بالاتر آمده بود، اما در رتبه‌بندی سال ۲۰۱۹، ۱۲ پله سقوط کرده است (ایلوخانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ هلیول، لایارد و ساچس، ۲۰۱۷). بنابر همین گزارش، جامعه ایران در میان چهار رده نشاط (رده بالا، بالاتر از میانگین، پایین‌تر از میانگین و رده پایین) در دسته کشورهای پایین‌تر از میانگین قرار می‌گیرد. نکته

¹ Argyle

² Happiness

نگران‌کننده‌تر اینکه در بررسی روند نشاط طی دو دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ و ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵، نمره نشاط در ایران حدود ۰/۵۰۷ کاهش پیدا کرد. در این گزارش، فنلاند با ۷/۷۷ رتبه اول و سودان با ۲/۸۵ آخرین رتبه را داشته است (هلیول و همکاران، ۲۰۱۶).

نشاط اجتماعی در تحقیقات گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیقات خارجی بیشتر موضوعات به سوی تغییرات روابط اجتماعی با شادی (کویدباخ، تاکوت و گروس، ۲۰۱۹)، ارائه الگوی بهزیستی مبتنی بر ۴ عامل شادی و نشاط (ایواتا، اندو، کاوب و مینو، ۲۰۱۸)، معیارهای نشاط اجتماعی (تای، چان و داینر^۱، ۲۰۱۴) و بررسی نشاط اجتماعی در سیاست‌پژوهی (تین^۲، ۲۰۱۲) انجام شده است. کاریلو و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیقی با روش فراترکیب به بررسی وضعیت بهزیستی از نگاه کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند. شانکلمن و همکاران (۲۰۲۱) مقاله‌ای را با استفاده از روش فراترکیب به وضعیت رفاه نوجوانان به لحاظ استفاده از رسانه‌های اجتماعی تدوین کرده‌اند.

در تحقیقات داخلی نیز موضوعاتی مانند رابطه نشاط اجتماعی با سازگاری اجتماعی (نوروزهی و همکاران، ۱۴۰۱)، نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی با نشاط اجتماعی (جهانی باز، ۱۴۰۰)، راهبردهای رسانه‌ای افزایش نشاط اجتماعی (نقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۹)، تأثیر مشارکت ورزشی بر نشاط اجتماعی (مجد و میرمحمدتبار، ۱۳۹۸)، میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (کیا و امیری، ۱۳۹۱) و مواردی نظیر آنها انجام شده است.

در میان تحقیقات داخلی نزدیک به ۶ مقاله به ارائه مدل یا الگو با روش فراترکیب یا فراتحلیل کیفی پرداخته‌اند. نیازی و ذوالفقاری (۱۴۰۲) در مقاله‌ای الگوی عوامل مؤثر بر نشاط سازمانی کارکنان را با استفاده از روش فراترکیب طراحی کرده‌اند. یافته‌های آنان نشان داد که ابعاد اصلی نشاط سازمانی کارکنان شامل بُعد فردی، سازمانی و اجتماعی است. محمدی‌مقدم، محمدی‌مقدم، طیبی و ساعدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای الگوی نشاط منابع انسانی در سازمان‌های تأمین اجتماعی را طراحی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد برای افزایش نشاط کارکنان در محیط کار باید توجه خاصی از سوی مدیران بر دو بُعد فردی و سازمانی وجود داشته باشد. نورزهی، هراتی، چغازگرگیچ و شیخ حسینی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه نشاط اجتماعی و مؤلفه‌های آن با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان» مطالعه خود را با روش کمی-پیمایشی در میان دانش‌آموزان ابتدایی انجام دادند که نتایج آن نشان می‌دهد نشاط اجتماعی و مؤلفه‌های آن با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی رابطه معنادار دارد. یزدانی، محسنی، زارعی‌متین و عزیزی (۱۴۰۱) در تحقیق خود به ارائه مدل توسعه نشاط اجتماعی با رویکرد فراترکیب پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق که پس از غربالگری با مطالعه ۳۹ مقاله سامان پذیرفته است، در سه بُعد «شهرداری و برنامه‌ریزی شهری»، «امور

¹ Tay, Chan & Diener

²Thin

اجتماعی و فرهنگی» و «روابط و حقوق شهروندی» به دست آمده است. همچنین زارعی‌متین و محسنی (۱۴۰۰) پیش‌تر در مقاله‌ای به طراحی مدل نشاط اجتماعی با تأکید بر توسعه ورزش شهروندی پرداخته بودند. زکی (۱۳۹۹) مقاله‌ای را با هدف ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه در تبیین نشاط اجتماعی در ایران ارائه داده است. روش طراحی این الگو با استفاده از روش فراترکیب بوده است. براساس نتایج مدل پیشنهادی نشاط اجتماعی قابل تفکیک در پنج بخش به ترتیب فراوانی شامل پیشایندها، وضعیت، پسایندها، کلیات و همبسته‌ها گزارش و طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج بررسی پیشینه مطالعات نشاط اجتماعی در مقاله پیش‌رو نشان می‌دهد که قریب به ۸۰۰ تحقیق در داخل کشور سامان یافته است که هر کدام از جنبه‌ها و متغیرهای گوناگونی به این موضوع نگریسته‌اند. تعدادی از آنها به عوامل مؤثر، گروهی به میزان نشاط اجتماعی و برخی به تأثیر نشاط اجتماعی بر عوامل دیگر پرداخته‌اند. در تحقیقات خارجی نیز مواردی که الگو یا مدلی برای ارتقای نشاط اجتماعی ارائه کرده باشند، مشاهده نشد.

با وجود اهمیت نشاط در میان تمامی گروه‌های جامعه، توجه به نشاط اجتماعی جوانان و چگونگی ارتقای نشاط در میان آنان از اهمیت بالاتری دارد، چراکه جوانان به عنوان نیروهای فعالی که ۲۷ درصد از جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند (براساس مرکز رصد جمعیت وزارت کشور) نقش خطیری در سازندگی، رشد و توسعه کشور دارند. همچنین نتایج تحقیقات در بحث ترویج سبک زندگی اسلامی نشان می‌دهد که اشاعه و ترویج شاد زیستن در میان جوانان به عنوان یک مؤلفه کاربردی در تبلیغات است (فیضی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، با توجه به نبود الگوی دقیق ارتقای نشاط اجتماعی در میان انبوه تحقیقات داخلی و خارجی در دسترس، لزوم ارزیابی و ارتقای نشاط اجتماعی در میان اقشار گوناگون جامعه به ویژه جوانان باید مورد توجه قرار گیرد.

بررسی ادبیات علمی از نظر روشی نشان می‌دهد که تعداد اندکی از تحقیقات با روش‌های کیفی-فراترکیب یا فراتحلیل سامان یافته‌اند و عمده تحقیقات با روش‌های کمی انجام شدند. این در حالی است که طراحی الگو در زمینه نشاط اجتماعی به دلیل ماهیت آن، نیاز به تحقیقات اکتشافی و بهره‌گیری از روش‌های کیفی همچون فراترکیب دارد. در کنار موارد یادشده، انجام تحقیق کیفی به منظور ترسیم الگوی ارتقای نشاط اجتماعی در میان جوانان می‌تواند حوزه دانشی این موضوع را گسترش دهد و مسیر و چشم‌انداز مشخصی را در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه جوانان کشور قرار دهد تا به شکل عملیاتی‌تر برنامه‌ریزی حوزه نشاط اجتماعی را در دستور کار قرار دهند. با توجه به این ضرورت‌ها و همچنین خلأ پژوهشی در این زمینه، مسئله اصلی این تحقیق عبارت از چگونگی افزایش نشاط اجتماعی در میان قشر جوان است؛ به تعبیر دقیق‌تر، الگوی ارتقای نشاط اجتماعی در میان جوانان در ایران چگونه است؟

چارچوب مفهومی

تعاریف متعددی از نشاط ارائه شده که هر کدام بر یک بُعد آن بیش از ابعاد دیگر تأکید دارند. یکی از دلایل این مسئله، میان‌رشتگی مفهوم نشاط اجتماعی است. از این رو، برخی از تعاریف بر ابعاد شناختی، برخی بر ابعاد احساسی و عاطفی و برخی دیگر بر کارکردهای نشاط تأکید داشتند (تمیزی فر و عزیزی مهر، ۱۳۹۴: ۲۱۹). برای نمونه، یکی از تعاریف، نشاط را هیجانات مثبت درونی تلقی کرده که انقباض روانی را از بین می‌برد و موجب انبساط خاطر، و پویایی می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱: ۷). بنتهام^۱، نشاط را وضعیت روانی مثبت و توأم با خشنودی تعریف کرده و توضیح داده است که نشاط به صورت رضایتمندی اجتماعی، روانی و جسمانی یا رضایتمندی از جریان زندگی تعریف می‌شود (سجادیان، نعمتی و دامن باغ، ۱۳۹۹ به نقل از کوشین، ۲۰۱۵). لوردوس و همکارانش^۲ (۲۰۱۲) نشاط را براساس سه مؤلفه همبسته به یکدیگر تعریف می‌کنند: حداقل عواطف منفی، حداکثر عواطف مثبت و سطح مناسب رضایت از زندگی (همان). لایارد^۳ (۲۰۰۵) نشاط را به عنوان احساس خوبی، با لذت بردن از زندگی و احساساتی که دوست داریم حفظ شود، توصیف می‌کند (مک‌کاب و همکاران، ۲۰۱۱). بهبود سطح نشاط به مثابه یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان منجر به تأمین سلامت فرد و جامعه می‌شود و می‌تواند نقش مهمی را در توسعه جامعه ایفا نماید (مجدی، میرمحمدتبار، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، نشاط در تجربه و شیوه زیستن انسان‌ها محقق می‌شود و با مناسبات اجتماعی، قدرت، ارزش‌های فرهنگی و بافت تاریخی جامعه پیوند دارد. این مفهوم زمانی مصداق پیدا می‌کند که بین وسیله کنش و هدف آن حائلی وجود نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، نفس کنش عین هدف کنش است. بنابر این تعریف، نشاط دو وجه روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دارد (عنبری، ۱۳۹۱: ۲۴). نشاط اجتماعی یا شادمانی به عنوان یک پیامد مهم در احساس رضایت شغلی و خوشبختی انسان مطرح است که نه تنها زندگی شخصی، بلکه جنبه‌های اجتماعی حیات ما- یعنی کنش‌ها و ارتباطاتی را که با دیگران برقرار می‌کنیم- تحت تأثیر قرار می‌دهد (ون‌پراگ و همکاران، ۲۰۰۴). به عبارت دیگر، احساس نشاط، احساسات مثبت و رضایت خاطر از زندگی از جمله نشانه‌های نشاط اجتماعی است (کار^۴، ۲۰۱۳).

نشاط اجتماعی از نظر متخصصان دارای مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است. عنبری (۱۳۹۱) مؤلفه‌های نشاط اجتماعی را شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های نمادین و معنادار کنش‌های فردی و گروه‌های اجتماعی می‌داند و معتقد است که درک شادی و شادمانی مستتر در این کنش‌ها با فهم معانی رفتارها و درک احساسات جمعی به دست می‌آید.

^۱ Jeremy Bentham

^۲ Lourdes et al.

^۳ Layard

^۴ Carr

رضایت از زندگی، دوست داشتن دیگران، رشد شخصیت، نگرش‌های مثبت و مواردی نظیر آن از جمله خروجی‌های نشاط اجتماعی است (عنبری، ۱۳۹۱).

آرگایل (۲۰۰۱) در تعریف خود از نشاط به بررسی‌های زمینه‌یابی که بر روی نمونه‌های فراوانی انجام شده اشاره می‌کند و معتقد است که شادکامی شامل سه جزء است: ۱. حالت خوشحالی یا سرور (هیجانان مثبت)؛ ۲. راضی بودن از زندگی؛ ۳. فقدان افسردگی و اضطراب (عواطف منفی) (به نقل از شریف‌زاده، میرمحمدتبار، عدلی‌پور، ۱۳۹۶). داینره و سو^۱ (۱۹۹۷) نشاط اجتماعی را دارای سه جزء اساسی می‌دانند: الف) بُعد عاطفی یا هیجانی که در حقیقت خلق و خوهای مثبت و خوشایند را در افراد شامل می‌شود؛ ب) بُعد شناختی که نوعی تفکر و پردازش اطلاعات را در برمی‌گیرد و به ارزیابی مثبت افراد از زندگی منجر می‌گردد؛ ج) بُعد اجتماعی که بیانگر گسترش روابط اجتماعی فرد با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت اجتماعی است. به عبارت دیگر، این جزء از نشاط اجتماعی گرایش‌ها و تمایلات فرد نسبت به اجتماع، همانند علاقه به انسان‌های دیگر، تأثیرگذاری مثبت بر آنها و ... را شامل می‌شود که یکی از مهم‌ترین اجزای آن را تشکیل می‌دهد (داینر و سو، ۱۹۹۷ به نقل از ورعی، ممدوحی، ورعی و ورعی، ۱۴۰۰). براساس نظر محققان، عوامل متعددی بر نشاط اجتماعی تأثیرگذار است. بررسی‌های بسیاری عواملی مانند وضعیت تأهل، جنسیت، دینداری، اعتماد اجتماعی (بخارایی، طالبی و محتشم، ۱۳۹۵)، بهره‌مندی از وسایل ارتباط جمعی، امید به آینده، عزت نفس (حاجی‌زاده میمندهی و ترکان، ۱۳۹۴)، امنیت هستی‌شناختی، شبکه خویشاوندی (هزارجریبی و مرادی، ۱۳۹۳)، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، احساس عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، رضایت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، پابندی به اعتقادات دینی و میزان رضایت از خدمات شهری (کیا و امیری، ۱۳۹۲) را از جمله عواملی می‌دانند که بر نشاط اجتماعی تأثیرگذار هستند.

روش‌شناسی پژوهش

مقاله حاضر به لحاظ هدف، در میان تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. با توجه به ماهیت اکتشاف و شناسایی الگو، دارای رویکرد کیفی است و از میان روش‌های این رویکرد، از روش فراتحلیل کیفی از زیرمجموعه‌های روش فرامطالعه انتخاب شده است. روش فرامطالعه، تجزیه و تحلیل عمیق از کارهای پژوهشی در یک حوزه خاص است که با واژه‌هایی همچون فراتحلیل، فراترکیب (فراستز)، فرانظری و فراروش متفاوت است. در واقع فرامطالعه تمام این مفاهیم را در برمی‌گیرد (پترنسون، ۲۰۰۱). فرامطالعه به طور کلی در چهار روش فراتحلیل، فراترکیب، فراروش و فرانظریه صورت می‌پذیرد.

¹ Diner & Suh

فرا تحلیل از زیرروش های فرامطالعه، روشی است که بر اساس آن سعی می شود تفاوت های موجود در تحقیقات انجام شده قبلی استنتاج گردد و در رسیدن به یک سری نتایج کلی و کاربردی از آن بهره برداری شود. فرا تحلیل با مرور نظام مند منابع برای پیدا کردن، ارزشیابی، ترکیب و در صورت نیاز، جمع بندی آماری، به تحقیقاتی می پردازد که قبلاً درباره موضوع خاصی به رشته تحریر درآمده اند (ایستگلدی، قنبری، پویا و روستا، ۱۳۹۸). دو گونه فرا تحلیل کمی و کیفی وجود دارد: فرا تحلیل کمی با استفاده از تکنیک های آماری پیچیده، درصدد یکپارچه سازی نظریه ها و نتایج تمامی پژوهش ها و همچنین شناسایی متغیرهای مزاحم و مداخله گر است. فرا تحلیل کیفی علاوه بر یکپارچه سازی نظریه ها، روش ها و نتایج پژوهش های مختلف، تفسیر ژرفی از موضوع مورد بحث ارائه می دهد (جان پرور، صالح آبادی و مازندرانی، ۱۴۰۰). فرا تحلیل کیفی در ۵ مرحله انجام می شود: ۱. تنظیم سؤال؛ ۲. جست و جوی ادبیات؛ ۳. انتخاب پژوهش های واجد شرایط؛ ۴. استخراج داده ها و ارزیابی کیفیت و اعتبار آن؛ ۵. ترکیب، تعبیر و تفسیر گزارش (طیبی ابوالحسنی، خاشعی، حقیقی و الیاسی، ۱۴۰۱).

جامعه آماری این تحقیق شامل تمام منابع علمی اعم از مقالات و پایان نامه ها در موضوع نشاط اجتماعی طی سال های ۱۳۹۰-۱۴۰۲ در پایگاه های داده علمی نورمگز، پورتال جامع علوم انسانی، اس.آی.دی^۱، ایرانداک و کتابخانه ملی است. شیوه نمونه گیری در این تحقیق از نوع هدفمند و فرآیند طی شده برای انتخاب منابع نهایی به این شرح است: ۱. ابتدا با کلیدواژه نشاط در سامانه های مورد نظر جستجو شد. ۲. تحقیقاتی که در عنوان آنها نشاط مذکور بود، مورد بازبینی قرار گرفت و مواردی که به نشاط اجتماعی (در حالت های متغیر مستقل، وابسته و عامل اثرگذار) مربوط بود، انتخاب شدند. ۳. در این مرحله تحقیقاتی که نشاط اجتماعی را در گروه های سنی جوانان (۱۸ تا ۳۵ سال بر مبنای دسته بندی مرکز آمار و رصد وزارت کشور) بررسی کردند، استخراج و مورد استفاده قرار گرفت. ۴. موارد مشابه در سامانه های مختلف از مجموعه خروجی ها حذف شد. تمامی این مراحل به تفکیک برای هر یک از سامانه ها و هر کدام از مستندات (مقاله و پایان نامه) انجام گردید. همان طور که جدول ۱ نشان می دهد، پس از حذف موارد اضافی و متفاوت با هدف پژوهش، در مجموع ۵۴ مورد در غربال گری نهایی شناسایی شد.

برای تجمیع داده ها فرمی تفصیلی طراحی شد و اطلاعات هر کدام از مستندات شامل روش تحقیق، جامعه آماری، شیوه نمونه گیری، شناسایی مؤلفه ها و شاخص های موجود در تحقیقات، عوامل اثرگذار در نشاط اجتماعی، تأثیر نشاط اجتماعی و مدل ها و الگوهای استخراجی جمع آوری گردید. سپس بر اساس اهداف تحقیق، ترکیب و تلفیق داده ها صورت گرفت. به منظور تعیین روایی و اعتبار این تحقیق، از دو تکنیک خودبازبینی محقق و کسب اطلاعات

^۱ SID.ir

موازی استفاده شد. پس از جمع‌آوری منابع و کدهای استخراجی، داده‌ها در اختیار تعدادی از محققان و اساتید دانشگاه قرار گرفت تا تأیید شوند. گفتنی است که «عوامل» در این تحقیق به معنای واقعیت‌ها یا موقعیت‌هایی است که منجر به ایجاد نشاط اجتماعی می‌شود. عوامل تعیین‌کننده یا اصلی مواردی هستند که در تحقیقات، معناداری و سطح رابطه آنها با نشاط اجتماعی متوسط به بالا باشد. این رابطه باید در تمامی تحقیقات بررسی شده، عامل تأیید شده باشد. لذا اگر یک تحقیق آن رابطه را به عنوان قوی و در یک یا دو تحقیق دیگر ضعیف ارزیابی شده باشد، به عنوان عامل اصلی انتخاب نخواهد شد. ملاحظه دیگر، تعداد تحقیقات تأییدکننده روابط است. به نظر می‌رسد یک یا دو تحقیق سند محکمی برای پذیرش رابطه نیست. لذا معیار پذیرش عوامل حداقل ۳ تحقیق به بالاست. در نتیجه برای تحلیل نوع و شدت رابطه، بر اساس حداقل ۳ تحقیق تصمیم‌گیری شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در ۴ دسته سامان یافتند: دسته نخست، یافته‌های مرتبط با عوامل اثرگذار و دسته‌بندی آنهاست. دسته دوم، عواملی است که با افزایش نشاط آنها نیز افزایش می‌یابند. دسته سوم، متغیرهایی است که با نشاط اجتماعی رابطه‌ای دوسویه دارند. دسته چهارم، الگوی ارتقای نشاط اجتماعی به‌دست‌آمده از یافته‌هاست.

یافته‌های دسته اول: متغیرهای شناسایی شده و تعداد دفعات توجه به آنها در تحقیقات جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: متغیرهای اثرگذار بر نشاط اجتماعی (به عنوان متغیر وابسته)

متغیر	فرضیه‌ها	میزان	منبع	مکان	بازه سنی
احساس امنیت اجتماعی	بین احساس امنیت اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه قوی وجود دارد.	۰,۷	دهقانی، کریم سراء، مروت (۱۳۹۶)، رضادوست و مقتدایی (۱۳۹۳)، فریدون، شاپور، هاشمیان (۱۳۹۴)، باستانی، ملکی پور (۱۳۹۵)، کیا و امیری (۱۳۹۲)، رادان (۱۳۹۶)، هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۳)، سپه‌وند و جعفری (۱۳۹۵)، محمدی و سیف زاده (۱۳۹۸)، رضادوست، فاضلی و مقتدایی (۱۳۹۳)، بخارایی، طالبی، محتشم (۱۳۹۵)، حاجی‌زاده و ترکان (۱۳۹۴)، هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۳)، کیا، امیری (۱۳۹۲)	شهر تهران	۱۸-۳۵
		۰,۷		خوزستان	
		۰,۹		شهر کرمان	
		۰,۶	۸	محل ۹ شهر تهران	
		۰,۷		شهر اهواز	
		۰,۵		دانشگاه ساوه	
		۰,۷		دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی	
		۰,۵		خرم آباد	
		۰,۵		اصفهان	۱۹ تا ۲۹
		۰,۵		خوزستان	
میزان دین‌داری	میزان دین‌داری با نشاط اجتماعی رابطه متوسط رو به قوی دارد.	۰,۸	۷	یزد	۱۸-۳۵
		۰,۵		دانشجویان دانشگاه	
		۰,۶		یزد	
		۰,۷		دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی شهر اهواز	
		۰,۶		دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی	

۲۰- ۲۹	اصفهان	کبیری، حسینی زاده (۱۳۹۷)،	۰,۵			
۱۸- ۳۵	بیرجند	قنبری، حسینی (۱۴۰۱)،	۰,۸			
۱۹ تا ۲۹	دانشگاه علوم تحقیقات تهران	جعفرونند، فتحی (۱۳۹۴)،	۰,۸			
	دهلران	کلاتنری و کشورز (۱۳۹۷)،	۰,۶	۶	۰,۶	با افزایش سطح سرمایه اجتماعی در افراد نشاط اجتماعی آنها نیز افزایش می یابد.
۱۸- ۳۰	یزد	افشانی (۱۳۹۲)، سپهوند و جعفری (۱۳۹۵)	۰,۵			
	خرم آباد	جعفری (۱۳۹۵)	۰,۵			
۱۹ تا ۲۹	اصفهان	محمدی و سیف زاده (۱۳۹۸)،	۰,۶			
۱۸- ۳۵	دانشجویان دانشگاه یزد	حاجی زاده، ترکان (۱۳۹۴)،	۰,۶			
۱۹ تا ۲۹	دانشجویان شهر شیراز	کهنسال، توکلی و پناهی (۱۳۹۸)،	۰,۶	۴	۰,۶	میان امید به آینده و نشاط اجتماعی رابطه قوی وجود دارد.
۱۸- ۳۵	شهر تهران	دهقان، کر میسرا، مروت (۱۳۹۸)	۰,۶			
۱۸- ۳۵	شهر تهران	میکائیلی، خورسندی، همایونی (۱۳۹۸)،	۰,۷			
۱۸- ۳۵	دانشجویان	گلایی و اخشی (۱۳۹۴)،	۰,۷			
۱۸- ۳۵	بیرجند	قنبری، حسینی، قدرتی (۱۴۰۱)	۰,۸	۴	۰,۸	با افزایش مشارکت اجتماعی میزان نشاط اجتماعی افراد نیز افزایش می یابد.
۱۹ تا ۲۹	دانشگاه علوم تحقیقات تهران	جعفرونند و فتحی (۱۳۹۴)،	۰,۶			
۱۸- ۳۵	شهر اهواز	کیا و امیری (۱۳۹۲)،	۰,۵			
۱۸- ۳۵	دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی	هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۳)،	۰,۶	۴	۰,۶	میان اعتماد اجتماعی با نشاط اجتماعی رابطه قوی وجود دارد.
۱۸- ۳۵	شهر تهران	میکائیلی، خورسندی، همایونی (۱۳۹۸)	۰,۴			

۱۹ تا	دانشگاه علوم	جعفروند و	۰,۷			
۲۹	تحقیقات تهران	فتیحی (۱۳۹۴)،				
۱۹ تا	دانشجویان دانشگاه	بوسجین،	۰,۶		پایگاه اقتصادی	
۲۹	پیام نور اردبیل	بشیری (۱۳۹۵)،			- اجتماعی بر	پایگاه
-۱۸			۳	۰,۷	روی نشاط	اقتصادی -
۳۵	اصفهان	فانقی، امیر (۱۳۹۹)،			اجتماعی تأثیر	اجتماعی
-۱۸				۰,۵	مستقیم و قوی	
۳۵	شهر اهواز	کیا و امیری (۱۳۹۲)			دارد.	
-۱۸				۰,۲	بین احساس	
۳۰	دهلران	کلاتری و			عدالت اجتماعی	احساس
		کشورز (۱۳۹۷)،				عدالت
-۱۸			۳	۰,۳	و نشاط	اجتماعی
۲۹	خرم آباد	سپهوند و			اجتماعی رابطه	
		جعفری (۱۳۹۵)				
-۱۸				۰,۳	ضعیفی وجود	
۳۵	شهر تهران	خادمیان و فرجی			دارد.	
		(۱۳۹۶)،				
-۱۸				۰,۶	استفاده از	
۳۵	شهر تهران	خجیر، رضائیان			شبکه‌های	
		(۱۴۰۰)،				
-۱۸				۰,۶	اجتماعی رابطه	
۳۵	مشهد	جهانی (۱۴۰۰)،			متوسطی با نشاط	
					اجتماعی دارد.	
					(۱)	
			۳		استفاده از	استفاده از
					شبکه‌های	شبکه‌های
					اجتماعی نشاط	اجتماعی
-۱۸				۰,۲	اجتماعی را	
۳۵	خراسان جنوبی	طاهری (۱۳۹۶)			بیشتر می‌کند (۱)	
					استفاده بیشتر از	
					شبکه‌های	
					اجتماعی نشاط	
					اجتماعی را	
					کاهش می‌دهد	
					(۱)	
-۱۸				۰,۵	میان سلامت	سلامت
۳۵	ملایر	بخارایی،			اجتماعی افراد با	اجتماعی
		حسنی (۱۳۹۴)،	۲			
-۱۸				۰,۴	نشاط اجتماعی	
۳۵	درجزین	پارسا، قوشچیان،			آنها رابطه‌ای در	
		خباز (۱۳۹۷)،				

						سطح متوسط وجود دارد. میان احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی رابطه ضعیف و معکوس وجود دارد					
-۱۸ ۳۵	خوزستان			رضادوست، فاضلی و مقتدایی (۱۳۹۳)،	-۰,۲						
					۲	ح. ف. ا.ا.	احساس محرومیت نسبی	هر چه میزان احساس محرومیت نسبی افزایش یابد نشاط اجتماعی کاهش می یابد و نشان از رابطه قوی معکوس بین این دو است. همبستگی اجتماعی با نشاط اجتماعی ارتباط قوی دارد			
-۱۸ ۳۵	دانشگاه ساوه			رادان (۱۳۹۶)	-۰,۴						
-۱۸ ۳۵	شهر اهواز			کیا و امیری (۱۳۹۲)	۰,۵						
					۲	ح. ف. ا.ا.	به این صورت که با افزایش همبستگی اجتماعی نشاط اجتماعی نیز افزایش می یابد. بین ارتباط اجتماعی و نشاط اجتماعی رابطه مستقیم و قوی وجود دارد.	همبستگی اجتماعی			
۱۹ تا ۲۹	دانشگاه علوم تحقیقات تهران			جعفروند و فتحی (۱۳۹۴)،	۰,۵						
-۱۸ ۳۵	یزد			افشانی (۱۳۹۲)	۰,۴	ح. ف. ا.ا.					
					۱		بهره مندی از وسایل ارتباطی				

داشتن ثبات عاطفی	با افزایش ارضای ثبات عاطفی نشاط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.	۰,۵	۱	متین، بحرانی (۱۳۹۱)	دانشجویان مدیریت	۱۸- ۳۵
کیفیت زندگی	کیفیت زندگی با نشاط اجتماعی رابط قوی دارد.	۰,۷	۱	عنبری، حقی (۱۳۹۳)	شهر دلیجان	۱۸- ۳۵
انسجام اجتماعی	انسجام اجتماعی رابطه قوی با نشاط اجتماعی دارد.	۰,۵	۱	میکائیلی، خورسندی، همایونی (۱۳۹۸)	شهر تهران	۱۸- ۳۵
عزت نفس	با افزایش میزان عزت نفس در افراد نشاط اجتماعی آنها نیز افزایش می‌یابد.	۰,۵	۱	حاجی‌زاده، ترکان (۱۳۹۴)	دانشجویان دانشگاه یزد	۱۸- ۳۵
نوع سبک زندگی	نوع سبک زندگی با نشاط اجتماعی رابطه مستقیم و قوی دارد.	۰,۵	۱	پورسعید و پورسعید (۱۳۹۴)	اراک	۱۹- ۲۹
هویت	هویت با نشاط اجتماعی رابطه قوی دارد.	۰,۶	۱	حیاتی (۱۴۰۰)	دانشجویان دانشگاه آزاد یزد	۱۹ تا ۲۹
فعالیت بدنی	ورزش و فعالیت بدنی رابطه قوی با نشاط اجتماعی دارد.	۰,۲	۱	طاهری، اسماعیلی، کاظمی (۱۳۹۸)	بندرعباس	۱۸- ۳۵

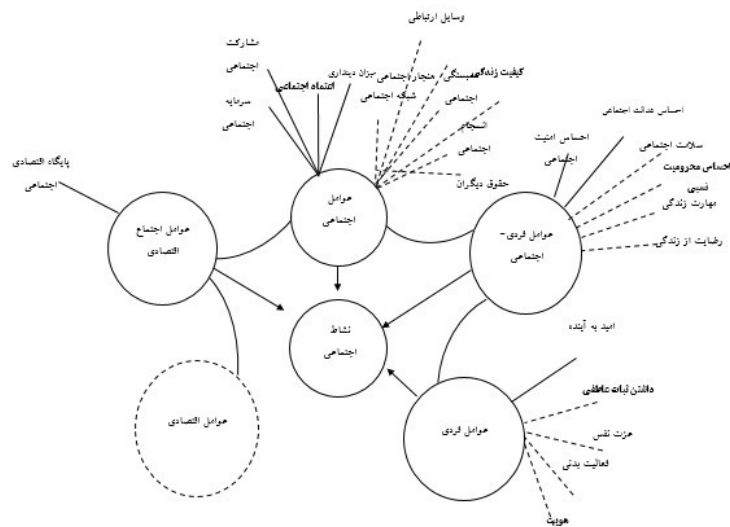
براساس یافته‌های جدول ۱، متغیرهایی که در کمتر از ۳ تحقیق بررسی شدند یا نتایج آنها با یکدیگر همسویی نداشته‌اند، از دایره عوامل اثرگذار حذف می‌گردد. موارد به‌دست‌آمده در دسته‌بندی‌های فردی، فردی-

اجتماعی، اجتماعی و اجتماعی - اقتصادی تقسیم‌بندی می‌شوند. نتایج این غربال‌گری در دسته‌بندی جدید در جدول ۲ قابل مشاهده است:

جدول ۲: دسته‌بندی و تعیین وضعیت نهایی متغیرها

دسته‌بندی	متغیر
فردی	امید به آینده
فردی- اجتماعی	احساس امنیت اجتماعی
	احساس عدالت اجتماعی
اجتماعی- اقتصادی	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
	میزان دین‌داری
اجتماعی	سرمایه اجتماعی
	مشارکت اجتماعی
	اعتماد اجتماعی

داده‌های جدول ۲ را می‌توان به صورت شکل ۱ ترسیم نمود:



شکل ۱: دسته‌ها و متغیرهای تعیین‌کننده آنها بر نشاط اجتماعی

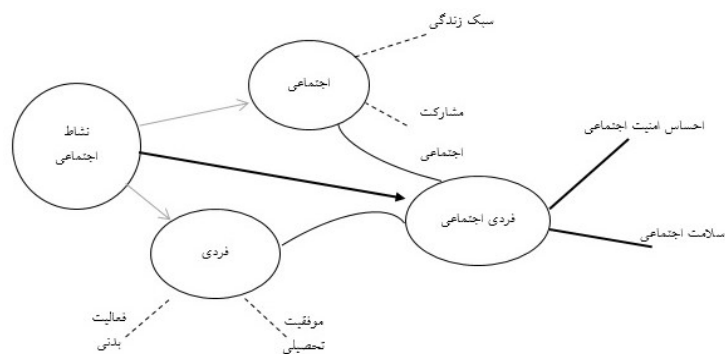
یافته‌های دسته دوم: در این قسمت متغیرهایی که با افزایش نشاط اجتماعی، افزایش می‌یابند در جدول ۳ قابل مشاهده است:

جدول ۳: میزان تأثیر نشاط اجتماعی بر متغیرهای دیگر (به عنوان متغیر مستقل)

متغیر	فرضیه‌ها	دسته بندی	آزمون	میزان	تعداد	منبع	روش	جامعه	مکان	بازه سنی
سلامت اجتماعی	با افزایش سلامت اجتماعی، نشاط اجتماعی هم افزایش می‌یابد	فردی - اجتماعی	پیرسون	۰,۷	۳	(کردی، ۱۴۰۱)؛ (نائینی، ۱۳۹۴)؛ (بخارایی، شریفیان، طوافی، ۱۳۹۴)	پیمایشی	جوانان	اهواز	۱۸-۳۵
	با افزایش احساس امنیت اجتماعی، نشاط اجتماعی هم افزایش می‌یابد	فردی - اجتماعی	پیرسون	۰,۶	۲	(یعقوبی، ۱۳۹۶)؛ (غفاری، ۱۳۹۴)	پیمایشی	جوانان	سمنان	۱۸-۳۵
	با افزایش مشارکت اجتماعی، نشاط اجتماعی هم افزایش می‌یابد	فردی - اجتماعی	پیرسون	۰,۷	۱	(وطن دوست و قلی‌زاده، ۱۳۹۵)	پیمایشی	جوانان	تهران	۱۸-۳۵
	با افزایش موفقیت تحصیلی، نشاط اجتماعی هم افزایش می‌یابد	فردی - اجتماعی	پیرسون	۰,۷	۲	(حیدرزادگان و مشهدی، ۱۳۹۰)	پیمایشی	جوانان	سیاستان و بلوچستان	۱۸-۳۵
فعالیت بدنی	با افزایش فعالیت بدنی، نشاط	فردی	پیرسون	۰,۷	۱	(علیخانی، ۱۳۹۶)	پیمایشی	جوانان	اهواز	۱۸-۳۵

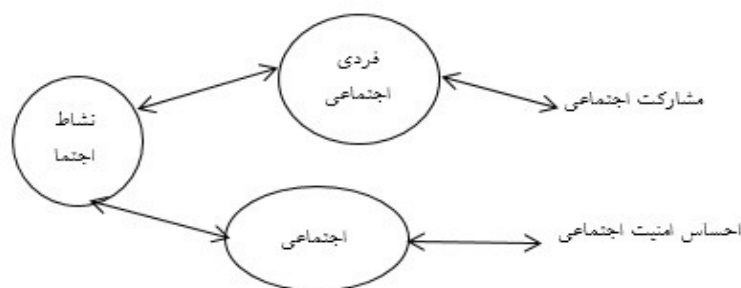
							اجتماعی هم
							افزایش می یابد
							با افزایش
							گرایش به
سبک	سبک زندگی	اجتماعی	پیرسون	۰,۷	۱	(پورسعید، ۱۳۹۴)	پیمایشی
زندگی دینی	دینی، نشاط	اجتماعی	پیرسون	۰,۷	۱	(پورسعید، ۱۳۹۴)	جوانان
	اجتماعی هم						اراک
	افزایش می یابد						۱۸-۳۵

در جدول ۳ نشان داده شده که متغیرهای سلامت اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، موفقیت تحصیلی، فعالیت بدنی و سبک زندگی از نشاط اجتماعی تأثیر می پذیرند؛ یعنی تغییر نشاط اجتماعی به صورت های مستقیم بر این متغیرها تأثیرگذار خواهد بود. شکل ۲ موارد به دست آمد در جدول ۳ را نشان می دهد:



شکل ۲: تأثیر نشاط اجتماعی بر سایر متغیرها

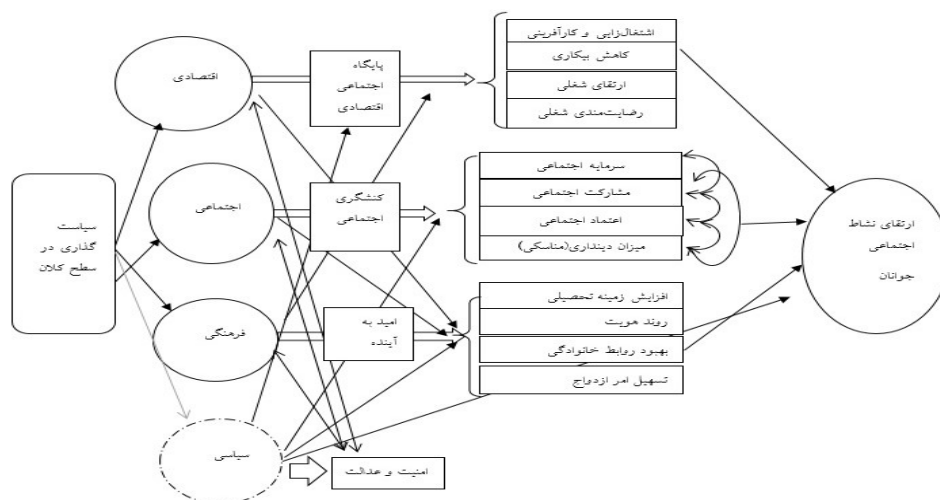
یافته های دسته سوم: این یافته ها شامل متغیرهایی است که به صورت دوسویه با نشاط اجتماعی ارتباط دارند. بنابر داده های جدول ۲ و ۳، متغیرهایی که رابطه قوی و دوسویه با نشاط اجتماعی جوانان دارند عبارت اند از: احساس امنیت اجتماعی (در دسته فردی - اجتماعی) و مشارکت اجتماعی (در دسته اجتماعی). تعداد تحقیقاتی که بر هر کدام تأکید دارند، نشان از روابط ضعیف با دو مورد و قوی با یک مورد است که ترسیم آن در شکل ۳ آمده است:



شکل ۳: رابطه دوسویه متغیرها با نشاط اجتماعی

یافته‌های دسته چهارم، با تحلیل یافته‌های به دست آمده در سه دسته قبلی، می‌توان الگوی ارتقای نشاط اجتماعی را به

شکل زیر ترسیم کرد:



شکل ۴: الگوی ارتقای نشاط اجتماعی جوانان

پیش از توضیح الگو و مسیر به دست آمده، ابتدا لازم است مفاهیم داخل الگو از منظر محقق تشریح و روشن شود. منظور از «پایگاه اقتصادی- اجتماعی» سطح درآمد، نوع شغل، میزان تحصیلات، وضعیت مسکن و تسهیلات مرتبط با آن است. در زیر شاخه پایگاه اقتصادی- اجتماعی، منظور از اشتغال‌زایی و کارآفرینی ایجاد زمینه‌های اشتغال و روند آن و توجه به پایین آوردن میزان بیکاری در جامعه است. در میان شاغلان نیز به معنای بهبود وضعیت شغلی و درآمدی یا امکان ارتقای عادلانه شغلی برای همگان است. در رضایتمندی شغلی نیز توجه به نوع شغل متناسب با سطح تحصیلات، توانمندی‌ها و مهارت‌ها، ارج نهادن به تلاش‌های نیروها و دغدغه‌مندی آنهاست.

«کنش» در مباحث اجتماعی حکایت از وجود روابط میان اعضا و فعالیت در رَبط اجتماعی دارد. به بیان ساده، کنشگری اجتماعی فعال بودن در فضای اجتماعی است. به همین دلیل، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و دینداری در ذیل این مفهوم مورد توجه قرار گرفتند. مراد از مشارکت اجتماعی، فعالیت ارادی افراد با در نظر گرفتن اهداف، انگیزه‌ها و آگاهی نسبت به موضع است. سرمایه اجتماعی به میزان ارتباطات فرد و مشارکت اجتماعی او باز می‌گردد که تحت تأثیر هنجارها، اعتماد و شبکه روابط ساخته می‌شود. منظور از اعتماد اجتماعی، داشتن دید مثبت و حُسن ظنّ به افراد و نهادهای اجتماعی است؛ به صورتی که میزان فعالیت در فضای اجتماعی و روابط اجتماعی را افزایش می‌دهد. منظور از میزان دینداری (مناسکی)، مجموعه همبسته‌ای از اعتقادات، باورها و اعمال است. دینداری در حالت کلی در ابعاد مناسکی، عاطفی، اعتقادی و تجربی قابلیت بررسی دارد. بُعد مناسکی دینداری نیز عبارت است از اعمال جمعی دینداری.

دو مفهوم دیگر که قابلیت توضیح دارد، بحث امنیت و عدالت است. منظور از امنیت، در خطر نبودن یا احساس محفوظ بودن از خطر است. عدالت در سه حیطه اجتماعی، توزیعی و رویه‌ای قابل پیگیری است، ولی در این تحقیق بیشتر بر جنبه عدالت توزیعی توجه شده است؛ چراکه در تحقیقات توزیع امکانات و نحوه دسترسی متوازن مردم به آن در فرصت‌های اشتغال، تحصیل، ارتقای شغلی و حتی در ازدواج از مسائل مورد توجه بوده است. پس از تعریف مفاهیم، نوبت به توضیح و شرح الگوی نهایی می‌رسد. تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده در سه مرحله پیشین نشان می‌دهد که عمده عوامل تعیین‌کننده در نشاط اجتماعی در دسته‌های فردی، فردی- اجتماعی، اجتماعی و اجتماعی- اقتصادی جای می‌گیرد. این عوامل برای زمینه‌سازی و تحقق یا تقویت در جامعه، نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان است. در نتیجه گام نخست در ارتقای نشاط اجتماعی، سیاست‌گذاری در سطوحی است که متغیرهای تعیین‌کننده را بهبود ببخشد. برای این منظور، ابتدا دو سطح اقتصادی و اجتماعی در سیاست‌گذاری وارد شدند. سیاست‌گذاری برای مؤلفه «امید به آینده» که در سطح فردی به دست آمد، علاوه بر موارد مذکور در سطح اقتصادی و اجتماعی، نیازمند برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی است. سیاست‌گذاری برای دو مؤلفه احساس عدالت و امنیت علاوه بر سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نیازمند سیاست‌گذاری در حوزه سیاسی نیز هست. هرچند سطح سیاسی در تحقیقات استخراج نشد، لیکن از آنجایی در مقام عمل، تحقق بسیاری از مؤلفه‌ها از جمله امنیت و عدالت بدون ارتقای ساختارها و تدابیر در عرصه سیاسی امکان‌پذیر نیست، سطح سیاسی (به شکل نقطه‌چین) با دو زیرمجموعه عدالت و امنیت بررسی گردید.

در سطح اقتصادی- اجتماعی متناظر عوامل تعیین‌کننده، بهبود پایگاه اقتصادی- اجتماعی در دستور کار قرار گرفت و به منظور اجرای برنامه در حوزه‌های اشتغال‌زایی، کارآفرینی، رضایت شغلی و بهبود درآمدزایی دیده

شد. در سطح اجتماعی متغیرهای به دست آمده مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و میزان دین داری را نشان داده اند. بنابراین به لحاظ کلی در سطح اجتماعی بهبود روند کنشگری اجتماعی در میان اعضای جامعه مدنظر است. در مجموع هر کدام از موارد مذکور با یکدیگر ارتباط متقابل دارند. به عبارتی، وقتی وضعیت اقتصادی- اجتماعی بهبود یابد، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی و وضع فرهنگی نیز بهبود می یابد. همچنین هنگامی که اعتماد اجتماعی افزایش می یابد، مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی نیز بهبود می یابد و حتی تعلقات دینی در جامعه نیز تحت تأثیر قرار می گیرد. بهبود هر کدام از شرایط پایگاه اقتصادی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و میزان دین داری، بهبود امید به آینده جوانان را به همراه خواهد داشت و تجميع همه این موارد منجر به بهبود وضعیت نشاط اجتماعی و ارتقای آن در میان جوانان می شود.

بحث و نتیجه‌گیری

مسائل هر جامعه متشکل از عرصه‌ها و زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. تعامل، ترکیب و تضارب هر یک از این سطوح می‌تواند به زایش قسم‌های مشترکی مانند اجتماعی - اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، اجتماعی - سیاسی منجر شود. با توجه به تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فناورانه در ایران، بحث نشاط اجتماعی در میان جوانان بیش از پیش اهمیت یافته است، لیکن نتایج گزارش‌های بین‌المللی و مطالعات داخلی نبود الگویی مشخص و سیاست‌های روشن و اثرگذار بر ارتقای نشاط اجتماعی در کشور را نشان می‌دهد. در این مقاله سعی شد تا با استفاده از فراتحلیل کیفی، داده‌های تحقیقات پیشین بررسی و تحلیل و نتایج آن به منظور طراحی الگوی ارتقای نشاط اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. براساس الگوی به‌دست‌آمده، سیاست‌گذاری باید در تمام عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی انجام شود. با توجه به جایگاه اثرگذاری حوزه سیاست به‌ویژه در عدالت و امنیت اجتماعی و نقش و سیطره آن بر سایر عرصه‌ها نمی‌توان سیاست‌گذاری در عرصه سیاسی را نادیده گرفت.

محوریت سیاست‌گذاری فرهنگی در ارتقای نشاط اجتماعی ایجاد و توسعه امید به آینده در جامعه است. حیطه اجتماعی در نسبت تعامل «فرد با دیگران»، حیطه اقتصادی در بهبود رفاه اقتصادی و معیشتی «فرد» و حیطه فرهنگی نیز از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی به بهبود مهارت‌های شناختی، عاطفی و هویتی «فرد» و افزایش امید او به آینده کمک می‌نماید. همچنین بسیاری از عوامل از جمله امنیت و عدالت به شکل مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر ساختارها و مؤلفه‌های سیاسی هستند، ولی به دلیل عدم ذکر در تحقیقات، سیاست‌گذاری حوزه سیاسی به صورت خط‌چین در مدل وارد شده است.

مسئله عدالت در سه معنای عدالت اجتماعی، عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای ظهور می‌یابد. هرچند تحقیقات بیشتر ناظر به عدالت اجتماعی بوده، لیکن بحث عدالت توزیعی و رویه‌ای نیز در ایجاد این احساس عدالت نقش مؤثری دارند. بنابراین پیگیری عدالت در هر سه جنبه (اجتماعی، توزیعی و رویه‌ای) باید در حیطه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عملیاتی شود؛ چراکه اگر عدالت در یکی از جنبه‌ها مانند حیطه اقتصادی نادیده گرفته شود، احساس عدالت اجتماعی لطمه می‌بیند. همچنین اگر عدالت توزیعی در زمینه دسترسی به فرصت‌های شغلی مناسب و تأمین منابع اشتغال‌زایی به شکل عادلانه تحقق نیابد یا فرایند دست‌یابی به امکانات بر مبنای عدالت رویه‌ای سامان نپذیرد، احساس عدالت در جامعه کاهش خواهد یافت. در نتیجه احساس عدالت باید در تمامی روندهای سیاست‌گذاری و اجرایی مورد توجه قرار گیرد.

امنیت اجتماعی در معنای توانمندی برای مراقبت از ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی است. احساس امنیت اجتماعی نیز حسی است که حاصل ارتباط فرد با جامعه است. به بیان دیگر، این احساس

با توجه به شرایط اجتماعی در فرد ایجاد می‌شود. احساس امنیت اجتماعی ذیل موضوع بزرگ‌تر احساس امنیت اقتصادی - فرهنگی قرار می‌گیرد. بحث تضمین پایداری شغلی، تغییر وضعیت کاری و درآمدی و تناسب آن با هزینه‌های زندگی احساس امنیت اقتصادی است. احساس امنیت در ساحت فرهنگ نیز قابل پیگیری است. با توجه به سیطره فرهنگ در مجموعه ارزش‌ها، باورها، مناسک، آداب و رسوم جامعه، تزلزل در ارزش‌ها، باورها و رسوم موجب ایجاد احساس تزلزل هویتی و فرهنگی در فرد می‌شود و او را با سردرگمی مواجه می‌سازد. تهاجم فرهنگی و رخنه باورهای فرهنگی متناقض با ارزش‌های پایدار جامعه در شکل‌گیری تزلزل فرهنگی و سستی در وضع فرهنگی جامعه مؤثر است. امروزه با گسترش شبکه‌های اجتماعی و انبوه تولیدات چندرسانه‌ای، هجسه‌های فرهنگی متعددی در تقابل با ارزش‌های جامعه صورت گرفته که نتیجه آنها ایجاد تزلزل در بنیان‌های فرهنگی و بی‌هویتی فرد یا طرد هویت دینی فرهنگی از جامعه است. بنابراین احساس امنیت فرهنگی هم‌تراز با احساس عدالت اجتماعی باید در سطح میانه و برای تمامی سطوح در نظر گرفته شود. در هر کدام از حیطه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین سیاسی متناسب با عوامل تعیین‌کننده و دوسویه به دست آمده، مواردی نیز در طراحی الگو مدنظر قرار گرفتند. در حیطه اقتصادی عامل تعیین‌کننده پایگاه اقتصادی - اجتماعی است. عناصر اقتصادی این پایگاه مواردی چون برخورداری از شغل، نوع شغل، سمت شغلی، میزان درآمد و خدمات جانبی شغل را در برمی‌گیرد. عناصر اجتماعی این پایگاه نیز به داشتن منزلت اجتماعی متناسب با شغل، تحصیلات و محل سکونت گفته می‌شود. همان‌طور که گذشت، با بهبود پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نشاط اجتماعی نیز بهبود می‌یابد. بنابراین به منظور بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی باید با ایجاد شغل، تسهیل اشتغال‌زایی و کارآفرینی، اختصاص بودجه‌ها و خدمات حمایتی از مشاغل، بهبود سطح درآمدی و خدماتی در مشاغل، ایجاد قوانین حمایتی به منظور بهبود وضعیت امنیت شغلی در فرد، ایجاد زمینه‌های عدالتی در توزیع درآمد و حقوق در میان افراد، دسترسی یکسان و امکان‌پذیر برای تحصیل و بهره‌گیری از امکانات آموزشی و تحصیلی، ایجاد زمینه‌های حمایت برای دست یافتن به مسکن مناسب و تهیه مسکن در فرد مورد نظر باشد.

در حیطه اجتماعی، متغیرهایی نظیر مشارکت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، میزان دین‌داری و اعتماد اجتماعی مطرح است. برای نمونه، وضعیت دین‌داری هر فرد در سطوح اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی مورد سنجش قرار می‌گیرد که بنابر نتایج تحقیقات، هنگامی که هر چهار سطح مذکور افزایش یابد، نشاط اجتماعی نیز رشد می‌کند. به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی می‌تواند در رشد و تغییر وضعیت میزان دین‌داری تأثیرگذار باشد. یکی از عوامل اثرگذار بر بهبود میزان دین‌داری، اعتماد اجتماعی است که جزو عوامل اثرگذار بر نشاط اجتماعی نیز هست. اعتماد اجتماعی در واقع میزان اعتماد فرد به جامعه است. هرچه یک جامعه از ثبات بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان، اعتماد اجتماعی بالاتری دارد. اعتماد اجتماعی گاهی تحت تأثیر شرایط اجتماعی،

سیاسی، اقتصادی و رخدادهای آن جامعه دستخوش تغییر می‌شود؛ برای مثال، در جامعه ایران که بسیاری از نهادها، ساختارها و تصمیم‌سازان دارای وجهت دینی هستند، انتشار اخبار در مورد هرگونه ناکارآمدی، فساد یا قصور از حاکمیت می‌تواند بر دین‌داری افراد اثر بگذارد. از دیگر عوامل اجتماعی، مشارکت اجتماعی است که نقشی تعیین‌کننده در سطح نشاط اجتماعی دارد. مشارکت افراد به میزان شرکت افراد در برنامه‌ها، گفت‌وگوها و همایش‌های جمعی بازمی‌گردد- البته به شرطی که این مشارکت اجباری نباشد. مطابق با داده‌های این تحقیق، یکی از مواردی که سطح مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد، بالارفتن نشاط اجتماعی است. بنابراین رابطه دوسویه میان مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی برقرار است. همچنین دو عامل اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر مشارکت اجتماعی مؤثر هستند. سرمایه اجتماعی میزان اتصالات و ارتباطات فرد با دیگران و روابط اجتماعی قوی فرد را نشان می‌دهد. چنانچه فرد نسبت به جامعه احساس تعلق و اعتماد داشته باشد، سرمایه اجتماعی او افزایش می‌یابد و به میزان افزایش این سرمایه، مشارکت اجتماعی فرد نیز رشد می‌کند. بررسی مجموع تحلیل‌ها از عوامل تعیین‌کننده عرصه اجتماعی، نشان از وجود رابطه دوسویه میان تمام درون حیطه اجتماعی و تأثیر آنها بر رشد نشاط اجتماعی دارد. موضوع دیگری که ارتقای نشاط اجتماعی اهمیت دارد، افزایش امید به آینده است. آنچه در ایجاد یا افزایش امید به آینده در عرصه فرهنگی نقش دارد، ارائه آموزش‌های لازم برای افزایش مهارت‌های فردی و همچنین ایجاد شغل و کسب درآمد است. همچنین عوامل اجتماعی - اقتصادی نظیر بیکاری یا داشتن شغل، سطح درآمد، میزان ارتباط با دیگران و مشارکت اجتماعی بر افزایش امید به آینده تأثیرگذار هستند. در حقیقت اقدامات و مؤلفه‌های سطح اقتصادی بر سطح فرهنگی تأثیرگذار هستند. در واقع، هنگامی که شرایط اقتصادی (داشتن شغل و درآمد مناسب) فرد مطلوب باشد، امید به آینده فرد بیشتر خواهد بود. این رویکرد به شکل مشابه درباره مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی و سطح دین‌داری فرد نیز صدق می‌کند. بنابراین در ترسیم نمودار باید ارتباط میان عوامل نیز در نظر گرفته شود. در مجموع، اگر سیاست‌گذاری کلان و متوسط و اقداماتی عملیاتی متناسب با آنها به نحو مطلوب سامان پذیرد، می‌توان امیدوار بود که نشاط اجتماعی در جامعه ارتقا یابد. برای بررسی و مقایسه الگوی به دست آمده با تحقیقات پیشین، می‌توان به الگوی توسعه نشاط اجتماعی در تحقیق یزدانی و همکارانش (۱۴۰۱) مراجعه نمود. محققان در این مطالعه به مدلی دست‌یافته‌اند که دارای طبقه‌بندی‌های شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری، امور اجتماعی- فرهنگی و روابط و حقوق شهروندی است که هر کدام زیرمجموعه‌هایی دارد. در دسته امور اجتماعی- فرهنگی مواردی نظیر کارآفرینی، تحکیم روابط خانوادگی، سلامت شهروندی دیده می‌شود و در دسته روابط و حقوق شهروندی مواردی مانند هویت ملی و تاب‌آوری ملاحظه می‌شود. مدل ترسیمی این مقاله به صورت دایره‌ای است و نشان از عدم تقدم و اولویت هر کدام از مراحل بر دیگری دارد و لذا با الگوی حاضر تفاوت دارد. لیکن دسته‌بندی امور اجتماعی - فرهنگی در آن مدل

به‌نوعی با دسته‌بندی اجتماعی- فرهنگی در تحقیق حاضر هم‌خوانی دارد و مشترکاتی در زیرمؤلفه‌هایی همچون توجه به خانواده و کارآفرینی و روابط نیز دیده می‌شود.

منابع

- افشانی، سید علیرضا. (۱۳۹۴). «بررسی میزان نشاط اجتماعی در بین جوانان یزدی و عوامل مرتبط با آن». *تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*. شماره ۱، صص ۲۹-۲۹.
- ایستگلدی، مصطفی؛ قنبری، محمد؛ پویا، رضا و روستا، مجتبی. (۱۳۹۸). «فراتحلیل پژوهش‌های انجام شده در حوزه شهرهای مرزی، نظم و امنیت در استان سیستان و بلوچستان». *جغرافیای سیاسی*. شماره ۲، صص ۳۳-۶۱.
- ایلوخانی، راضیه؛ کامرانی‌پور، معصومه؛ غلامی جوادیه، اعظم و باقری‌زاده، میترا. (۱۳۹۸). «تعریف نشاط و راهکارهای عملی در ارتقای نشاط اجتماعی». *بهورز*، سال ۲۹، صص ۵۴-۶۰.
- بخارایی، احمد؛ طالبی، محمدعلی و محتشم، صدرالله. (۱۳۹۵). «مطالعه میزان نشاط اجتماعی در شهر بوشهر و عوامل اجتماعی موثر بر آن (مؤلفه‌های مورد بررسی: اعتماد اجتماعی و دینداری)». *مطالعات علوم اجتماعی ایران*. شماره ۴۸، صص ۱۷-۳۷.
- تقی پور، فائزه؛ فولادی‌نژاد، مهران و زمانی، عباس (۱۳۹۹). «شناسایی راهبردهای رسانه‌ای به منظور افزایش نشاط اجتماعی مبتنی بر ورزش». *مطالعات فرهنگی اجتماعی المپیک*. شماره ۵، صص ۶۷-۸۹.
- تمیزی‌فر، ریحانه و عزیزی‌مهر، خیام. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین اوقات فراغت و نشاط اجتماعی در شهر اصفهان». *پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی علامه طباطبائی*. شماره ۶، صص ۲۰۷-۲۳۲.
- جان‌پرور، محسن؛ بهرامی جاف، ساجد؛ صالح‌آبادی، ریحانه و مازندرانی، دریا. (۱۴۰۰). «فراتحلیل کیفی روش و نتایج پژوهش‌های مرتبط با بازارچه‌های مرزی در ایران». *جغرافیای توسعه ناحیه‌ای*. شماره ۳۶، صص ۱۷۹-۲۰۵.
- جهانی‌باز، حمید. (۱۴۰۰). «بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایجاد نشاط اجتماعی در شهر مشهد». *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*. شماره ۳۷، صص ۳۱-۵۹.
- حاجی‌زاده میمنندی، مسعود و ترکان، رحمت‌اله. (۱۳۹۴). «بررسی میزان و عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط با نشاط اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یزد)». *مطالعات جامعه‌شناسی شهری*. شماره ۱۶، صص ۵۹-۸۶.
- حسینی زاده، سید سعید. (۱۴۰۰). وضعیت نشاط اجتماعی در ایران (رصد پیمایش‌های ملی انجام شده حوزه نشاط در سه دهه اخیر). *تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، مرکز رصد فرهنگی کشور*.
- ریترز، جرج. (۱۳۹۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- زارعی‌متین، حسن و محسنی، امیر. (۱۴۰۰). «طراحی مدل نشاط اجتماعی با تأکید بر توسعه ورزش شهروندی و آزمون متغیرهای سازه با استفاده از روش شبکه‌های عصبی چندلایه پرسپترون». *سومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری*.
- زکی، محمدعلی. (۱۳۹۹). «فراترکیب پژوهش نشاط اجتماعی در ایران: ارائه چارچوب و الگویی جامع و یکپارچه». *فصل‌نامه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*. شماره ۱۲، صص ۱-۲۳.
- شریف‌زاده، حکیمه سادات؛ میرمحمدتبار، سید احمد و عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۶). «بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی در ایران (فراتحلیلی از تحقیقات موجود)». *راهبرد فرهنگ*. شماره ۴۰، صص ۱۸۴-۱۶۰.
- طیبی ابوالحسنی، سیدامیرحسین؛ خاشعی، وحید؛ حقیقی کفاش، مهدی و الیاسی، مهدی. (۱۴۰۱). «بررسی ضرورت فهم عمیق‌تر بدنه دانشی مدیریت راهبردی». *مدیریت کسب‌وکارهای بین‌المللی*. شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۴۵.
- عشایری، طاهرا و جهان‌پرور، طاهره. (۱۴۰۲). «عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی: فراتحلیل پژوهش‌ها». *راهبرد اجتماعی فرهنگی*. شماره ۴۶، صص ۳۱-۶۶.
- عنبری، موسی. (۱۳۹۱). «بررسی زمینه‌ها و راهکارهای ارتقای نشاط اجتماعی در ایران». *شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون اجتماعی*.

- عنبری، موسی و حقی، سمیه. (۱۳۹۲). «اثرات ریسک‌های اجتماعی بر نشاط اجتماعی زنان». *توسعه محلی روستایی- شهری (توسعه روستایی)*. شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۵۸.
- فیضی، زهرا؛ امید بخش، معصومه؛ خسروی، لیلا و صابر فرزام، حمید. (۱۳۹۹). «شاخص‌ها و مؤلفه‌های کاربردی سبک زندگی اسلامی در تبلیغات محیطی». *پژوهش‌نامه سبک زندگی*. (۱)۶، صص ۲۹-۴۹.
- کیا، علی اصغر و امیری، رقیه. (۱۳۹۲). «بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۱۵ تا ۲۴ سال اهواز». *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. شماره ۱۵، صص ۱۳۸-۱۷۷.
- گلابی، فاطمه و اخشی، نازیلا. (۱۳۹۴). «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی». *جامعه‌شناسی کاربردی*. شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- مجدی، علی اکبر و میرمحمدتبار، سید احمد. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر مشارکت ورزشی بر نشاط اجتماعی با تعدیل‌کنندگی سلامت اجتماعی». *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*. شماره ۴۷، صص ۱۴۷-۱۳۳.
- محمدی‌مقدم، یوسف؛ محمدی‌مقدم، یحیی؛ طیبی، علی و ساعدی، عبدالله. (۱۴۰۲). «طراحی الگوی نشاط منابع انسانی در سازمان‌های تأمین اجتماعی». *فصل‌نامه منابع انسانی تحول آفرین*. شماره ۷، صص ۳۹-۵۴.
- نورزهی، زهرا؛ هراتی، شهناز؛ چغاز گرگیچ، زینب و شیخ حسینی، مریم. (۱۴۰۱). «بررسی رابطه نشاط اجتماعی و مؤلفه‌های آن با سازگاری اجتماعی دانش آموزان». *پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*. شماره ۵۱، صص ۲۳۴-۲۶۶.
- ورعی، پیام؛ ممدوحی، زهرا؛ ورعی، پوریا و ورعی، عرفان. (۱۴۰۰). «ورزش همگانی، احساس امنیت اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی: پیش‌بینی‌های سرزندگی اجتماعی در نمونه ایرانی». *مجله عصب روان‌شناسی بالینی ورزشی*. شماره ۱ و ۲، صص ۵۱-۶۴.
- هزار جریبی، جعفر و مرادی، سجاد. (۱۳۹۳). «نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی)». *مطالعات ملی*. شماره ۴، صص ۳-۲۶.
- یزدانی، حمیدرضا؛ محسنی، امیر؛ زارعی‌متین، حسن و عزیزی، زهره. (۱۴۰۱). «ارائه مدل توسعه نشاط اجتماعی با رویکرد فراترکیب». *مدیریت شهری و روستایی*. شماره ۶۹، صص ۷۱-۸۴.
- Diener, E. & Suh, E. (1997). "Measuring quality of life: Economic, social, and subjective indicators". *Social indicators research*, 40, 189-216.
- Helliwell, J. F. Huang, H. & Wang, S. (2017). "The social foundations of world happiness". *World happiness report*, 8, 8-46.
- Iwata, K. Ando, H. Kawabe, Y. Maeno, T., & Iba, T. (2018, October). "Patterns for well-being in Life: Supporting Life design based on 4 factors of happiness". *In Proceedings of the 25th Pattern Languages of Programs conference*.
- Kaushik, V., & Jaggi, P. (2011). "Predicting Happiness in Urban males and females Through Perception of resource adequacy". *Studies on Home and Community Science*, 5(1), 39-44.
- McCabe, K., Bray, M. A., Kehle, T. J., Theodore, L. A., & Gelbar, N. W. (2011). "Promoting happiness and life satisfaction in school children". *Canadian journal of school psychology*, 26(3), 177-192.
- Paterson, B. L. (2001). *Meta-study of qualitative health research: A practical guide to meta-analysis and meta-synthesis*. (Vol. 3). Sage.
- Quoidbach, J., Taquet, M., Deseilles, M., de Montjoye, Y. A., & Gross, J. J. (2019). "Happiness and social behavior". *Psychological science*, 30(8), 1111-1122.
- Rey, Lourdes, Extremera, N., & Durán, M. A. (2012). "Core self-evaluations, meta-mood experience, and happiness: Tests of direct and moderating effects". *Personality and Individual Differences*, 53(3), 207-212.
- Tay, L., Chan, D., & Diener, E. (2014). "The metrics of societal happiness". *Social Indicators Research*, 117, 577-600.
- Thin, N. (2012). *Social Happiness*. Bristol: Policy Press

- Carrillo, G., Alfaro, J., Aspillaga, C., Ramirez-Casas del Valle, L., Inostroza, C., & Villarroel, A. (2021). "Well-being from the understanding of children and adolescents: A qualitative meta synthesis". *Child Indicators Research*, 14(4), 1677-1701
- Shankleman, M., Hammond, L., & Jones, F. W. (2021). "Adolescent social media use and well-being: A systematic review and thematic meta-synthesis". *Adolescent Research Review*, 6(4), 471-492.

مطالعه پدیدارشناختی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در آستانه ازدواج

فاطمه اکبرزاده^۱

مجیدرضا کریمی^۲

کرامت‌الله راسخ^۳



[10.22034/ssys.2023.2446.2763](https://doi.org/10.22034/ssys.2023.2446.2763)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

تحقیق حاضر باهدف مطالعه پدیدارشناختی زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در آستانه ازدواج طراحی و اجرا گردید. تحقیق حاضر ازجمله تحقیقات کیفی بود که به‌صورت میدانی اجرایی گردید. روش کیفی مورد استفاده در تحقیق حاضر از نوع پدیدارشناسی بود. مشارکت‌کنندگان در تحقیق شامل بانوان جوان در آستانه ازدواج شهر شیراز بودند. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و با رویکرد انتخاب نمونه‌گیری همگون و درعین حال با رعایت حداکثر تنوع نمونه‌گیری شدند. این مسئله تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. درنهایت ۱۵ مصاحبه انجام گردید. ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تحلیل موضوعی استفاده گردید.

نتایج نشان داد که ۶ مضمون اصلی و ۴۴ مضمون فرعی وجود دارد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در آستانه ازدواج در ۶ بخش سبک زندگی، مدگرایی، مقبولیت اجتماعی، شغل، نقش‌ها و طبقه اجتماعی و تحصیلات قابل دسته‌بندی هستند.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

^۲ استادیار جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Majidrezakarimi1995@gmail.com

^۳ دانشیار جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

واژگان کلیدی: مدیریت بدن، مسائل اجتماعی، بانوان جوان و ازدواج.

جنسیت به عنوان یک حوزه پژوهشی در جامعه‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چون زنان نیمی از نیروی انسانی را تشکیل می‌دهند و نقش مؤثری در توسعه هر جامعه ایفا می‌کنند (خواجانه‌نوری و کوچانی، ۲۰۲۱: ۱۳۶). اهمیت مسائل جنسیتی سبب گردیده است تا مقوله‌ای از جمله مدیریت بدن به عنوان یک مسئله مهم در محیط‌های اجتماعی درک گردد (ریلی و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۴). استفاده از بدن به عنوان کالا مفهومی است که بورديو در نظریات خود از آن بهره می‌جوید و با طرح مفهوم سلیقه/ذائقه، معتقد است که ذائقه مصرف را جهت‌دهی می‌کند. بورديو معتقد است که گروه‌های خاص به‌ویژه طبقات اجتماعی - اقتصادی از میان انواع کالاهای مصرفی، روش لباس پوشیدن، غذا خوردن و آرایش کردن و ... انتخاب‌های انجام می‌دهند تا سبک و روش زندگی خود را از سایرین متمایز کنند. بر این اساس افراد می‌کوشند تا بر اساس سرمایه فرهنگی خودبین خودشان با دیگران تمایز قائل شوند. در نتیجه سرمایه فرهنگی سبب گرایش افراد به سبک‌های زندگی خاص می‌شود. منظور از مدیریت بدن، انجام تغییراتی در سبک روزمره زندگی، در عادات فردی و اجتماعی و ... می‌باشد. مورد اهمیت قرارداد بدن و توجه به آراستگی و زیبای ظاهری، از جمله رفتارهای است که در جامعه برای تعامل بیشتر (ایجاد ارتباط مؤثرتر)، نمایش دادن خود و یا به دست آوردن محبوبیت در میان افراد (ایجاد مقبولیت جسمانی) رایج شده است (کیان‌پور، ۲۰۲۱: ۱۱۹).

لاغری، یکی از مسائلی است که سبب گردیده تا مدیریت بدن بیش از پیش از سوی زنان دنبال گردد (عبدالحسینی و حقیقتیان، ۲۰۱۸: ۱۰). به نظر می‌رسد که به تدریج لاغری، پیش‌نیاز بدن زیبا به شمار می‌رود و بدن لاغر بر بدن فربه و چاق رجحان می‌یابد. بسیاری از دختران برای رسیدن به احساس رضایت از بدن و تصور بدنی مثبت از خود، سعی در مدیریت بر بدن‌هایشان دارند، اما در این مسیر دچار عوارض جانبی فراوانی می‌شوند - زیرا بیشتر اقدام‌ها بدون مشورت با پزشک است (خواجانه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴). سوالاگانت (۲۰۱۶) نیز در پژوهش‌های خود مشخص نمود که پژوهش در حوزه مدیریت بدن باید به صورت بومی و با توجه به شرایط فرهنگی هر کشور انجام گردد. مدیریت بدن همواره از سوی بانوان به صورت جدی‌تری دنبال می‌شده است (رینالدی و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۲). گروه‌های مختلفی از بانوان جوان درگیر مدیریت بدن می‌باشند و این مسئله را به عنوان یک بحث مهم در سبک زندگی خود مدنظر قرار داده‌اند (مارکولا و همکاران، ۲۰۰۸: ۳؛ کوان، ۲۰۱۰: ۱۴۵؛ ویگینز، ۲۰۰۸: ۲۵).

پژوهش اصغرپور و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن دختران نوجوان شهرستان مشهد» حکایت از میزان بالای توجه دختران به بدن خود دارد. بین متغیرهای اعمال مدیریت بدن و متغیرهای دین‌داری، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، هویت فردی، تأثیرگذاری دوستان صمیمی، مصرف‌گرایی، استفاده از رسانه‌ها و جلب توجه جنس مخالف رابطه وجود دارد. بر اساس رگرسیون چندگانه، چهار متغیر دین‌داری، جلب توجه جنس مخالف، مصرف‌گرایی و استفاده از رسانه‌ها که به ترتیب وارد معادله شدند، در مجموع ۴/۴۰ درصد از واریانس متغیر مدیریت بدن را تبیین کردند. همچنین، پژوهش‌های خواجانه‌نوری و همکاران

(۱۳۹۰)، مارکولا (۲۰۰۷)، دیگیاسومو و همکاران (۲۰۱۸)، مالسون و همکاران (۲۰۰۹) و اسمیت و هولم (۲۰۱۰) نشان‌دهنده آن است که اعمال مدیریتی و اصلاحی در مورد بدن در میان طبقات پایین بیشتر از طبقات متوسط رخ می‌دهد. این وضعیت نشان از این واقعیت دارد که بدن پدیده‌ای اجتماعی- فرهنگی و تاریخی است (مالسون و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۳۲). طبقات پایین جامعه به واسطه وجود مشکلات مالی در برخی گروه‌ها در تلاش هستند تا با مدیریت بدن برخی کاستی‌های ماهیتی موجود در این طبقه را کم‌رنگ‌تر نمایند (قاضی و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۲۶). همچنین طبقات پایین اجتماعی به واسطه مدیرین بدن در جستجو بهبود هویت فردی و حضور اجتماعی مطلوب‌تر می‌باشند (لین و راوال، ۲۰۲۰: ۹۸).

مدیریت بدن در میان بانوان جوان از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و از مسائل مهم در حوزه جامعه‌شناسی است که موردتوجه پژوهشگران مختلفی قرار گرفته است. گروه‌های مختلفی از بانوان جوان درگیر مدیریت بدن می‌باشند و این مسئله را به‌عنوان یک بحث مهم در سبک زندگی خود مدنظر قرار داده‌اند (مارکولا و همکاران، ۲۰۰۸: ۳؛ کوان، ۲۰۱۰: ۱۴۵؛ ویگینز، ۲۰۰۸: ۲۵). سوالاگانت (۲۰۱۶) نیز در پژوهش‌های خود مشخص نمود که پژوهش در حوزه مدیریت بدن ضروری می‌باشد. عبدالحسینی و حقیقتیان (۲۰۱۸) نیز دریافتند که توجه به مدیریت بدن به‌عنوان یک مسئله امروزه در میان گروه‌های مختلفی از جمله بانوان جوان کاملاً مشهود می‌باشد. به‌صورت کلی می‌تواند اعلام داشت که مدیریت بدن به‌عنوان یک مسئله مهم و غیرقابل انکار در میان برخی گروه‌ها به‌ویژه در میان بانوان جوان به‌صورت جدی دنبال گردیده است. کنترل و دستکاری بدن با منظور دست‌یابی به مهارت‌های بدنی و فنی لازم جهت ارتباط مؤثر، افزایش ضریب نفوذ کلامی و افزایش اثرگذاری از طریق زبان بدن و... شیوه‌ای است که امروزه در جامعه ایران بسط و گسترش یافته است. اگرچه تحقیقاتی در حوزه مدیریت بدن انجام شده است، اما فرایندهای زمانی سبب می‌گردد تا ماهیت مسائل اجتماعی درگیر در زمینه مدیریت بدن بانوان جوان از اهمیت بیشتری برخوردار شود؛ به‌صورتی که نیاز است تا با مطالعات عینی، شرایطی جهت بهبود و ایده‌آل‌سازی مدیریت بدن بانوان جوان در کشور ایران به‌خصوص شهر شیراز درک گردد. ابهام در مسیر شناسایی بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان سبب گردیده است تا امروزه نتوان از فنون علمی سعی در شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان داشت. این مسئله منجر به خلأ تحقیقاتی شده که روند بهبود مدیریت بدن با توجه به الگوها و هنجارهای موجود را تحت شعاع قرار داده است. از طرفی، نبود مطالعات جامع در این زمینه سبب گردیده است تا دغدغه کافی و لازم در جهت توجه به مسائل مربوط به مدیریت بدن در میان بانوان جوان شکل نگیرد. لذا تحقیق حاضر سعی در پاسخ به این سؤال دارد:

زمینه‌های اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در آستانه ازدواج چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر ازجمله تحقیقات کیفی بود که به‌صورت میدانی اجرایی گردید. روش کیفی مورد استفاده در این تحقیق از نوع پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی به بررسی تجربیات واقعی افراد می‌پردازد و اعتقاد بر این است

که در این تجربیات، جوهره‌هایی وجود دارند که قابل فهم و بررسی هستند. مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر بانوان جوان شهر شیراز بودند. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند با رویکرد همگون و درعین حال با رعایت حداکثر تنوع انتخاب شدند. این مسئله تا رسیدن به اشباع نظری شکل گرفت. درنهایت تعداد ۱۵ مصاحبه انجام گردید.

ابزار گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، یکی از معمول‌ترین انواع مصاحبه است که در تحقیقات کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مصاحبه بین دو حد نهایی ساختاریافته و بدون ساختار قرار می‌گیرد که گاهی به آن «مصاحبه عمیق» هم می‌گویند که در آن از تمام پاسخگوها سؤال‌های مشابهی پرسیده می‌شود، اما آن‌ها آزادند که پاسخ خود را به هر طریقی که مایل‌اند، ارائه دهند. در این مورد مسئولیت رمزگشایی پاسخ‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها بر عهده پژوهشگر است. در پژوهش حاضر جهت بررسی روایی از قابلیت باورپذیری (اعتبار)، انتقال‌پذیری و تأیید پذیری استفاده گردید. بدین منظور محقق به منظور بررسی قابلیت باورپذیری از تأیید فرایند پژوهش توسط هشت متخصص و همچنین استفاده از دو کدگذار جهت کدگذاری چند نمونه مصاحبه برای کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران استفاده گردید. همچنین به منظور بررسی انتقال‌پذیری، سه متخصص که در پژوهش مشارکت نداشتند در مورد یافته‌های پژوهش مورد مشورت قرار گرفتند. همچنین برای بررسی قابلیت تأییدپذیری از ثبت و ضبط تمامی مصاحبه‌ها و بررسی آنان در زمان‌های مورد نیاز استفاده گردید. به منظور بررسی پایایی، از کمیته‌های تخصصی بهره‌گیری شد؛ بدین صورت که از اعضای این کمیته تخصصی برای کدگذاری موازی برخی مصاحبه‌ها و همچنین ارزیابی برنامه‌های مربوط به مصاحبه‌ها استفاده گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، از تحلیل موضوعی بهره‌گیری شد که از کارآمدترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه در پژوهش‌های پدیدارشناختی است. طی انجام این تحلیل، مضمون‌های فرعی اصلی در مورد اهداف تحقیق شناسایی شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر در جدول ۱ به نمایش گذاشته شده است:

جدول ۱: ویژگی مشارکت‌کنندگان

ویژگی‌های جمعیت شناختی	گروه‌ها	فراوانی	درصد
سطح تحصیلات	کارشناسی و بالاتر	۷	۴۶/۷
	کاردانی و کارشناسی	۵	۳۳/۳
	دیپلم و پایین‌تر	۳	۲۰/۰
رده سنی	زیر ۲۰ سال	۲	۱۳/۳
	۲۰-۳۰ سال	۶	۴۰/۰

همچنین، از میان نمونه‌های پژوهش افراد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر با ۴۶/۷ درصد بیشترین تعداد را دارا می‌باشند. نتایج توصیفی نشان داد که افراد بارده سنی بالای ۳۰ سال با ۴۶/۷ درصد بیشترین فراوانی را داشتند. طی این پژوهش ۶ مضمون اصلی و ۴۴ مضمون فرعی استخراج گردید که در ادامه تبیین می‌شود:

مضمون اصلی اول: تحصیلات

تحصیلات، نقش مهمی در نگرش، رفتارها و سبک زندگی افراد دارد. این مسئله می‌تواند تعیین‌کننده مدیریت بدن بانوان جوان باشد. در این تحقیق ۶ مضمون فرعی شامل وضعیت سطح تحصیلات، وضعیت رشته تحصیلی، کیفیت دانشگاه محل تحصیل، وضعیت تحصیلاتی اعضای خانواده، وضعیت تحصیلاتی دوستان و وضعیت تعاملات دانشگاهی فرد مشخص گردیدند.

مشارکت‌کننده شماره ۴: "جو تحصیلی و گروهی که توی آن قرار داشتم، خیلی روی من تأثیرگذار داشت. این جو می‌تواند نقش مهمی در تصمیم‌گیری شما در خصوص خودتان شود. به نظرم جو و گروه تحصیلی که در آن قرار دارم یک شاخص و عامل مهم در مدیریت بدن بانوان جوان می‌باشد. شما دقت کنید که در دانشگاه‌ها به طبع افراد تغییراتی را انجام می‌دهند. لذا این مسئله بر شاخص مدیریت زبان بدن هم تأثیرگذار باشد. به نظرم تحصیلات و محیط تحصیلی فرد به‌صورت جدی می‌تواند نقش مهم و اساسی بر شرایط فرد در خصوص مدیریت زبان بدن داشته باشد."

مضمون اصلی دوم: نقش‌ها و طبقه اجتماعی

نقش‌ها و طبقه اجتماعی می‌تواند بر رفتارهای بانوان جوان در زمینه مدیریت بدن خود تأثیرگذار باشند. این مسئله نشان می‌دهد که نقش‌ها و طبقه اجتماعی به‌عنوان یک عامل مهم در این حوزه می‌تواند نقش داشته باشد. در این تحقیق ۸ مضمون فرعی شامل جایگاه اجتماعی فرد، محبوبیت اجتماعی فرد، وضعیت تعاملات اجتماعی فرد، شناخت فرد از طبقه اجتماعی خود، اهداف و ارزش‌های موجود در طبقه اجتماعی فرد، وضعیت پایگاه اجتماعی - اقتصادی فرد، رقابت‌پذیری فرد با محیط و طبقه اجتماعی خود و پذیرش عمومی فرد در گروه‌های اجتماعی مشخص گردیدند.

مشارکت‌کننده شماره ۵: "همه ما به طبع در گروه‌های اجتماعی حضور داریم و هر فردی برحسب شرایط و ویژگی‌های خود در یک گروه‌هایی مشغول به فعالیت می‌باشد. این گروه‌ها و شرایط آن می‌تواند تأثیرگذار بر مسائل اجتماعی افراد باشد و نگرش و رفتارهای آنان را تحت شعاع قرار دهد. من خودم در گروه‌های مختلف اجتماعی حضور داشته‌ام که آن گروه سبب گردیده است تا من توجه بیشتری به مدیریت بدن داشته باشم. به عبارتی، در مورد خودم این مسئله را بگم که طبقه و نقش اجتماعی توانسته است تا من مدیریت زبان بدن را به‌صورت مناسب و مطلوب‌تری پیاده‌سازی کنم. به نظرم طبقه اجتماعی می‌تواند مسیری در بانوان جوان در جهت ایجاد و پیاده‌سازی مدیریت بدن داشته باشد."

مضمون اصلی سوم: شغل

در این تحقیق ۷ مضمون فرعی شامل ماهیت شغل فرد، امنیت شغلی فرد، تعاملات اجتماعی فرد در محیط شغلی، میزان فعالیت‌های مشارکتی فرد در محیط شغلی، استرس ناشی از شغل، جایگاه شغلی فرد و وجود ارزش‌های اجتماعی در محیط شغلی مشخص گردیدند.

مشارکت‌کننده شماره ۴: "شغل و محیط پیرامون آن یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار بر هر فردی می‌باشد. برای خود من محیط شغلی بسیار تأثیرگذار بود و به عنوان مثال مدیریت بدن در من به واسطه حضور در محیط شغلی شکل گرفت. به نظرم من محیط شغلی چون همیشه باهاش در ارتباط هستیم و به نوعی در کنار محیط زندگی؛ بیشتر از هر زمانی در محیط شغلی می‌باشیم می‌تواند سبب تأثیرگذاری بر نحوه رفتار و عملکرد فرد در خصوص مدیریت بدن باشد. شما دقت کنید یک فرد بیشتر از اینکه در محیط زندگی خود باشد، در محیط شغلی حضور دارد. حال این محیط شغلی می‌تواند سبب ایجاد خیلی رفتار در وی شود. جایگاه فرد در شغل و اون ارزش‌هایی که در شغل وجود دارد می‌تواند در این زمینه تأثیرات جدی را بر جای گذارد."

مضمون اصلی چهارم: مقبولیت اجتماعی

مقبولیت اجتماعی می‌تواند سبب ایجاد نقش‌های فردی و گروهی در جوامع گردد. همچنین مقبولیت اجتماعی رفتارها و نگرش‌های بانوان جوان در مورد مدیریت بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این تحقیق ۷ مضمون فرعی شامل احترام اجتماعی فرد، اعتبار فرد در اجتماع، ارزش‌آفرین بودن در جامعه، هویت اجتماعی فرد، پذیرش پیشنهادها فرد در اجتماع، میزان نفوذ فرد بر محیط اجتماعی خود و وضعیت پذیرش در گروه‌های همسالان مشخص گردیدند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۳: "مقبولیت اجتماعی می‌تواند مثل یک شمشیر دو لبه عمل نماید و حضورش یک فوایدی را ایجاد کند و نبودش هم منجر به ایجاد خلأ شود، اما همین مقبولیت اجتماعی و برخی مسائل مربوط به آن از جمله نفوذ و قدرت فرد در گروه‌های اجتماعی و پذیرش فرد توسط دیگران می‌تواند تأثیرگذار باشد بر نحوه رفتار و عملکرد فرد در خصوص مدیریت بدن. به نظرم مقبولیت اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در این زمینه داشته باشد."

مضمون اصلی پنجم: مدگرایی

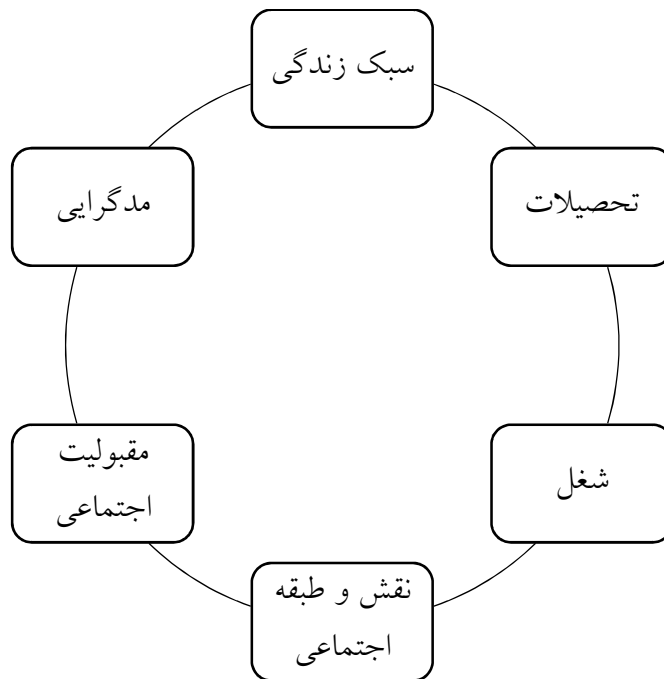
مدگرایی، یکی از شاخص‌های مهم اجتماعی در جهت ایجاد مدیریت بدن در میان بانوان جوان می‌باشد. در این تحقیق ۵ مضمون فرعی شامل همگام بودن فرد با جامعه، تطابق پوشش فرد با هنجارهای جامعه، میزان مدگرایی گروه‌های اجتماعی پیرامون فرد، وضعیت فرهنگ مدیریت مدگرایی در فرد و وضعیت تابعیت از مد در ابعاد پوششی و آرایشی مشخص گردیدند.

مشارکت‌کننده شماره ۲: "امروزه مدگرایی یک عامل بدون شک مهم و کلیدی در مدیریت بدن بانوان جوان است. من خودم زمانی به مدیریت بدن ام بیش از اندازه توجه داشتم که دیدم این مسئله به عنوان یک مد در جامعه مشخص شده است و من نیز چون مدگرا بودم، به طور حتم به مدیریت بدن کشانده می‌شدم که این مسئله نیز رخ داد."

مضمون اصلی ششم: سبک زندگی

سبک زندگی می‌تواند عاملی مهم و کلیدی در جهت شکل‌گیری مدیریت بدن در میان بانوان جوان باشد. در این تحقیق ۱۱ مضمون فرعی شامل اجتماعی بودن فرد در محیط زندگی، کیفیت انجام فعالیت‌های اجتماعی روزمره فرد در زندگی، کیفیت حضور در مکان‌ها و گروه‌های اجتماعی فرد، وضعیت سلامت اجتماعی فرد، پیگیری مسائل رسانه‌ای و مجازی از سوی فرد، وضعیت حمایت اجتماعی خانواده از فرد، وضعیت فشار اجتماعی موجود بر فرد، وضعیت رفتار اجتماعی مطلوب در فرد، باورهای دینی محیط پیرامون اجتماعی فرد، میزان فعالیت‌های مجازی فرد و نحوه گذراندن اوقات فراغت مشخص گردیدند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: "شما دقت کنید مدیریت بدن در میان افراد ناشی از سبک زندگی آنان است. اگرچه عوامل مختلفی می‌تواند تأثیرگذار باشد، اما مدیریت بدن تا حد زیادی ناشی از سبک زندگی می‌باشد. بیایم کمی واقع‌بین باشیم. بانوانی که مدیریت بدن برایشان مهم می‌باشد از جمله خود من، سبک‌های زندگی شبیه به یکدیگر داریم." نتایج نشان داد که ۶ مضمون اصلی و ۴۴ مضمون فرعی وجود دارد. با توجه به نتایج تحقیق حاضر عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در ۶ بخش شامل سبک زندگی، مدگرایی، مقبولیت اجتماعی، شغل، نقش و طبقه اجتماعی و تحصیلات مشخص گردید. شکل ۱ عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان را نشان می‌دهد:



شکل ۱: عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان

بحث و نتیجه‌گیری

جذابیت جسمانی ازجمله موضوعاتی است که در دوران مدرن استانداردهای جدیدی پیدا کرده و از عوامل شکل‌دهنده روابط افراد محسوب می‌شود؛ به‌طوری‌که مدیریت بدن در دوران مدرن اهمیت بیشتری یافته و رفتارهای گوناگون بهداشتی نظیر بدنسازی، رژیم‌های غذایی، تجهیزات ورزشی و آرایشی مختلف در دوره جدید با تحولات جهانی‌شدن به مسئله بدن توجه بسیاری نموده و عواملی ازجمله پیشرفت برای مراقبت از بدن پدیدار شده است. جای تردید نیست که در بیشتر جوامع، بانوان جوان در مقایسه با مردان نسبت به وضعیت زیبایی و ظاهر خود و آنچه به چشم می‌آید دقت نظر بیشتری دارند و حساسیت و توجه بیشتری نشان می‌دهند. این توجه وافر ایشان را و می‌کند تا رفتارهایی گاه افراطی را به‌منظور مطابقت‌دادن ویژگی‌های بدن خود با الگوهای فرهنگی زیبایی چهره و اندام که در رسانه‌های جمعی و عوامل تبلیغاتی صنعت زیبایی تبلیغ می‌شود، اتخاذ کنند که بعضاً تبعات سوئی به بار می‌آورد؛ تصویری که بانوان جوان از خود در ذهن دارند تا چه حد بر احساس رضایتمندی بانوان جوان از خویش و در نهایت بر سلامت روانی و جسمانی بانوان جوان و بر نحوه درک و ارتباطشان با بدن‌هایشان تأثیری می‌گذارد. این مسئله سبب گردیده است تا تحقیق حاضر با هدف واکاوی پدیدارشناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان طراحی و اجرا گردد.

نتایج نشان داد که ۶ مضمون اصلی و ۴۴ مضمون فرعی وجود دارد. عوامل اجتماعی مؤثر بر مدیریت بدن بانوان جوان در ۶ بخش شامل سبک زندگی، مدگرایی، مقبولیت اجتماعی، شغل، نقش‌ها و طبقه اجتماعی و تحصیلات مشخص گردید. مارکولا (۲۰۰۷)، دیگیاسومو و همکاران (۲۰۱۸) و مالسون و همکاران (۲۰۰۹) اشاره داشتند که مدیریت بدن به‌صورت تخصصی و منطقه‌ای باید موردپژوهش قرار گیرد. اصغری‌پور و همکاران (۱۳۹۲) نیز دریافتند که بین متغیرهای اعمال مدیریت بدن و متغیرهای دین‌داری، سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، هویت فردی، تأثیرگذاری دوستان صمیمی، مصرف‌گرایی، استفاده از رسانه‌ها و جلب‌توجه جنس مخالف رابطه وجود دارد. به نظر می‌رسد عوامل مختلفی ازجمله سبک زندگی، مدگرایی، مقبولیت اجتماعی، مسائل شغلی، نقش‌ها و طبقه اجتماعی و مسائل تحصیلی به‌واسطه ایجاد و ساختن محیط اجتماعی افراد می‌تواند سبب تأثیرگذاری بر رفتارها و نگرش‌های افراد ازجمله مدیریت بدن در میان بانوان جوان گردد. بدون شک، توجه به عوامل سبک زندگی، مدگرایی، مقبولیت اجتماعی، مسائل شغلی، نقش‌ها و طبقه اجتماعی و مسائل تحصیلی به‌واسطه بسترسازی اجتماعی در میان بانوان جوان می‌تواند موجب ایجاد رویه‌های جدی در جهت تصمیم‌گیری بانوان جوان در زمینه مدیریت بدن گردد.

با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر اهمیت عامل سبک زندگی پیشنهاد می‌گردد تا با ایجاد کارگروه‌های فرهنگی؛ روند شکل‌گیری و تغییرات در زمینه مدیریت بدن در میان بانوان جوان رصد و جریان‌های ارزشی موجود در این زمینه مدنظر قرار گیرد. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر مبنی بر اهمیت عامل نقش‌ها و طبقه اجتماعی پیشنهاد می‌گردد تا با ایجاد روندهای آموزشی و فرهنگی ازجمله برگزاری دوره‌های فرهنگی و محتوای آموزشی سبب جریان‌سازی در زمینه مدیریت بدن بانوان جوان شد. اگرچه مدیریت بدن و تغییر در چگونگی اعمال آن امری سخت

و دشوار می‌باشد، اما با ایجاد دغدغه در این مورد و توجه به شواهد علمی موجود می‌توان تا حدی پیچیدگی موجود در این حوزه را کاهش داد و محیط‌های اجتماعی مطلوب در جهت اعمال مطلوب آن را فراهم نمود.

منابع

- اصغری‌پور، احمدرضا؛ ناصری، زهرا و حسینی، غلامرضا. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعمال مدیریت بدن دختران (مطالعه موردی: دختران نوجوان شهرستان مشهد)». همایش تحولات سبک زندگی در ایران. صص ۱-۱۰.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ روحانی، علی و هاشمی، سمیه. (۱۳۹۰). «سبک زندگی و مدیریت بدن». فصل‌نامه علمی پژوهشی زنان. ۲ (۴)، صص ۲۱-۴۸.
- Abdolhosseini, A., & Haghighatian, M. (2018). "A Study of Social Factors Affecting the Body Management (Case Study: Adolescents and Youths of Isfahan City)". *Sociological Studies of Youth*, 9(29), 9-26.
- Di Giacomo, D., De Liso, G., & Ranieri, J. (2018). "Self-body-management and thinness in youth: survey study on Italian girls". *Health and quality of life outcomes*, 16(1), 1-7.
- Finn, M., & Dell, P. (1999). "Practices of body management: Transgenderism and embodiment". *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 9(6), 463-476.
- Ghazi, B., Gholizadeh, A., Rashidpoor, A., & Kavosy, E. (2021). "A model for body management with an appearance in woman". *Journal of Iranian Social Development Studies*, 13(49), 325-344.
- Kianpour, M. (2021). "Body management as a resource culture to achieve the good life (the keto diet in Iran)". *Culture & Psychology*, 27(1), 118-130.
- Khaje Noori, B., & Kuchani, M. (2021). "Gender Comparison, the Impact of Cultural Capital on Body Management". *Quarterly Journal of Women and Society*, 12(47), 135-146.
- Kwan, S. (2010). "Navigating public spaces: Gender, race, and body privilege in everyday life". *Feminist formations*, 144-166.
- Lin, K. L., & Raval, V. V. (2020). "Understanding body image and appearance management behaviors among adult women in South Korea within a sociocultural context: A review". *International Perspectives in Psychology*, 9(2), 96-122.
- Malson, H., Riley, S., & Markula, P. (2009). "Beyond psychopathology: Interrogating (dis) orders of body weight and body management". *J Community Appl Soc Psychol*, 19(5), 331-35.
- Markula, P., Burns, M., & Riley, S. (2008). "Introducing critical bodies: Representations, identities and practices of weight and body management". In *Critical bodies* (pp. 1-22). Palgrave Macmillan, London.
- Markula, P. (2007). "Section III Meanings of Body Management Practices: Women's Experiences". *Critical Bodies: Representations, Identities and Practices of Weight and Body Management*, 135.
- Riley, S., Burns, M., & Frith, H. (2008). *Critical bodies: Representations, identities and practices of weight and body management*. S. Wiggins, & P. Markula (Eds.). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Rinaldi, J., Rice, C., LaMarre, A., Pendleton Jiménez, K., Harrison, E., Friedman, M. & Tidgwell, T. (2016). *Through thick and thin: Storying queer women's experiences of idealised body images and expected body management practices*. The British Psychological Society.
- Smith, L. H., & Holm, L. (2010). "Social class and body management. A qualitative exploration of differences in perceptions and practices related to health and personal body weight". *Appetite*, 55(2), 311-318.
- Thualagant, N. (2016). "Body management and the quest for performative health". *Social Theory & Health*, 14(2), 189-206.
- Wiggins, S. (2008). "Section I: Representations and Constructions of Body Weight and Body Management. Critical Bodies". *Representations, Identities and Practices of Weight and Body Management*, 23-26.

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز)

امیر تقی زاده^۱

محمدحسین بنی فاطمه^۲

توکل آقایی هیر^۳



[10.22034/ssys.2024.3308.3415](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3308.3415)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز به انجام رسید. روش پژوهش، پیمایش و جامعه آماری آن شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز بودند. حجم نمونه برابر با ۳۰۰ و شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و از روش‌های آماری در سطح توصیفی و استنباطی از روش همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره، آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه F استفاده شد.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف مضمود است. بررسی همین ضریب همبستگی در مورد رابطه متغیر سرمایه اقتصادی با نگرش به ارزش فرزندان حاکی از آن است که بین دو متغیر رابطه معکوس و نسبتاً قوی وجود دارد. در نهایت بررسی رابطه بین مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان نیز حاکی از این است که بین دو متغیر رابطه معکوس مضمود است که این رابطه تنها در بعد کنترل وزن و تناسب اندام معنادار می‌باشد. در تحلیل چند متغیره نتایج حاکی از این است که مجموع متغیرهای مستقل وارد شده به مدل توانسته‌اند ۳۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. بررسی نتایج مربوط به تفاوت میانگین متغیر نگرش به ارزش فرزندان برحسب متغیرهای زمینه‌ای پژوهش نیز نشان می‌دهد میانگین نگرش به ارزش فرزندان برحسب متغیرهای وضعیت اشتغال و منطقه مسکونی متفاوت و معنادار می‌باشد. در مجموع با توجه به اینکه جامعه ایران همانند بسیاری از جوامع در حال توسعه تحت تأثیر مدرنیته و صنعتی شدن قرار دارد و با توجه به نقش سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در نگرش به ارزش فرزندان، جهت حفظ جوانی جمعیت و آینده کشور لازم است برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف به انجام برسد.

واژگان کلیدی: ارزش فرزند، باروری، جوانی جمعیت، تناسب اندام و سرمایه اجتماعی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۲ استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: Banifatemeh1382@yahoo.com

^۳ دانشیار، گروه علوم اجتماعی و عضو گروه جامعه‌شناسی سلامت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

خانواده^۱ این روزها به شدت مورد توجه و مورد مطالعه است. در کشورهای توسعه‌یافته، تغییرات جاری خانواده به حدی است که برخی از «زوال خانواده» صحبت می‌کنند و برخی جهت ارائه چارچوبی برای مطالعه آن، اصطلاح «گذار جمعیتی دوم^۲» را به کار می‌برند. در کشورهای در حال توسعه نیز در اثر تعامل عوامل و شرایط درونی با تأثیرات بیرونی، خانواده دچار تغییرات شده است و می‌رود تا به طور اساسی دگرگون گردد. در کشور ما نیز این روزها ضرورت توجه به خانواده و مطالعه آن به طور فزاینده‌ای احساس می‌شود. اغلب چنین فرض شده است که وقتی ساختارهای سنتی خانواده تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و اقتصادی در جهت جایگزینی با ساختارهای خانواده مدرن حرکت می‌کند، مجموعه جدیدی از اخلاقیات و ارزش‌های تازه در مورد باروری نیز جایگزین ارزش‌های قبلی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، خانواده مدرن با تولید مجموعه‌ای از ارزش‌ها و ایده‌آل‌های جدید، رفتارهای باروری زوج‌ها را در جهت باروری پایین‌تر تغییر می‌دهد. اگرچه میزان باروری نمود عینی و آشکار باروری در سطح اجتماعی است، اما این نمود حاصل جمع تصمیم تک تک زنان، زوجین و خانواده‌هاست و مقوله فرزندآوری در حوزه خصوصی در سطح خرد صورت می‌گیرد (محمودی و صادقی، ۱۳۹۳: ۲).

مردم و به عبارتی دیگر جمعیت^۳، در مرکز توسعه پایدار^۴ قرار دارند و تأثیرگذار در امر توسعه خواهند بود. در دهه‌های اخیر، تعداد جمعیت ۶۰ ساله و بالاتر نسبت به جمعیت جوان با شیب تندی روبه افزایش است (چشم‌اندازهای جمعیت جهان: بازبینی ۲۰۱۷، ۲۰۱۸: ۱۰-۱).

ارزش‌های خانوادگی^۵ متشکل از مجموعه پیچیده‌ای از ارزش‌های در هم متداخل از جمله: ارزش‌های ازدواج، همسرداری، فرزندآوری و ... است. در این بین، ارزش‌های فرزندآوری مقوله‌ای است که می‌تواند نقش مهمی در تغییرات سطوح باروری و به دنبال آن تغییرات رشد جمعیتی یک جامعه ایفا کند. مفهوم «ارزش فرزندان»^۶ مجموعه منافع هستند که والدین با داشتن فرزندان دریافت می‌کنند. ارزش فرزندان به دو دسته ارزش‌های مثبت و منفی تقسیم‌بندی می‌شوند. ارزش‌های مثبت فرزندان شامل منافع عاطفی، اقتصادی، کسب هویت، دستیابی به کمال و تداوم خانواده است و ارزش‌های منفی شامل هزینه‌های عاطفی، اقتصادی، خانوادگی، جسمانی و محدودیت‌ها و فرصت‌های

^۱ Family

^۲ The second demographic transition

^۳ populations

^۴ sustainable development

^۵ World Population Prospects: 2017 Revision

^۶ Family values

^۷ The value of children

از دست رفته است. ارزش فرزندان به عنوان مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل در تعیین تعداد فرزندان و تصمیم‌گیری والدین، در این باره نقش بسزایی دارند. ارزش‌های فرزندان را می‌توان از بررسی‌هایی که از نگرش‌های مثبت و منفی والدین نسبت به فرزندان دارند، شناسایی کرد. ارزش‌های فرزندان مطابق تحولات اقتصادی-اجتماعی هر جامعه تغییر می‌یابد. ارتقای مولفه‌های توسعه از جمله گسترش شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات زنان و به دنبال آن اشتغال بیشتر آنها علاوه بر آنکه ازدواج را افزایش داده، میل به فرزندآوری را در بین زنان کاهش داده است (مشفق و عشقی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۴).

چنانچه میزان باروری کل به میزان زیادی به زیر سطح جایگزین (دو فرزند به ازای یک زن) سقوط کند، نه تنها جمعیت سالخورده شده و شاخص وابستگی اقتصادی افزایش می‌یابد، دولت‌ها نیز به شدت درگیر مشکلاتی نظیر تامین نیروی کار فعال، بحران سازمان‌های بازنشستگی و نظام خدمات بهداشتی و درمانی می‌شوند (لی و ماسون^۱، ۲۰۱۴: ۲۳۴-۲۲۹). همچنین در طولانی‌مدت مسئله جانشینی نسلی نیز می‌تواند دچار مشکل شود.

در زمینه عوامل موثر بر نگرش به ارزش فرزندان به عوامل مختلفی می‌توان اشاره داشت. تحقیقات مختلفی به تاثیرگذاری متغیرهایی اعم از دینداری و جهت‌گیری مذهبی^۲ (مدیری، ۱۳۹۶؛ عباسزاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹؛ ساعی قره‌ناز، ۱۳۹۵)، رسانه و شبکه‌های اجتماعی^۳ (عباسزاده، ۱۳۹۸؛ سفیری و همکاران، ۱۳۹۶؛ دیلن و سینگ^۴، ۲۰۱۰؛ خاتون^۵، ۲۰۱۱؛ قربانی و همکاران، ۱۳۹۵)، تحصیلات، اشتغال و درآمد^۶ (هاشمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶؛ نقیب‌السادات و همکاران^۷، ۲۰۱۰؛ سیاه‌پوش و ارجمند، ۱۳۹۵)، سرمایه اجتماعی و فرهنگی^۸ (قدرتی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵)، سبک زندگی^۹ (رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵؛ پروینیان، ۱۳۹۷؛ سیاه‌پوش و ارجمند، ۱۳۹۵) و خانواده‌گرایی^{۱۰} (عباسزاده و همکاران، ۱۳۹۸) در نگرش و به فرزندآوری و ارزش فرزند اشاره داشته‌اند.

¹ Lee & Mason

² Religiosity and religious orientation

³ Media and social networks

⁴ Dhillon & Singh

⁵ Khatun

⁶ Education, employment and income

⁷ Naghibsadat

⁸ Social and cultural capital

⁹ life style

¹⁰ familism

از سوی دیگر، معنا و جایگاه ارزش فرزندان، از چند دهه اخیر در ایران تغییر یافته و هر نسل از زنان برداشتی متفاوت از نقش و ارزش فرزندان در خانواده دارند. این تغییر از آن جهت بوده است که خانواده در معرض تغییر و دگرگونی است. خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است (اوجاقلو و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰۹). شهر تبریز یکی از شهرهای صنعتی ایران است که تحولات بسیاری را به لحاظ گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن تجربه کرده است و تغییرات ارزشی مطابق با این تحولات اجتماعی امری محتمل به نظر می‌رسد. ارزش فرزندان و نگرش به باروری نیز یکی از ارزش‌هایی است که تحت تاثیر این تحولات، تغییرات قابل مشاهده‌ای را داشته است. لذا این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوالات می‌باشد:

نوع نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز چگونه است؟ عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان کدام‌اند؟

ادبیات پژوهش

در مرور نظریات مطرح در حوزه فرزندآوری و به طور کلی تحولات مربوط به آن، هر یک از نظریه‌های مطرح از دیدگاه خاصی به این موضوع نگریسته‌اند و آن را تبیین می‌کنند. ارزش‌ها^۱ را می‌توان در زمره مهمترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌های رفتاری اعضای جامعه و نیز زیربنای نظم اجتماعی دانست، چرا که تا زمانی که ارزش‌های یک جامعه تغییر نکند، در آن جامعه تغییری مشاهده نخواهد شد. ارزش‌های اجتماعی دیرپا و ماندگارند و یک شبه تغییر نمی‌یابند. همانگونه که استقرار ارزش‌ها دیر زمانی طول می‌کشد، تغییر آنها و جایگزینی ارزش‌های جدید نیز به همین سیاق بوده است و به مرور زمان و به تدریج صورت می‌گیرد. در دهه‌های اخیر با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران در نتیجه بهبود شاخص‌هایی همچون افزایش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش تحرک اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه زمینه مساعدی برای بروز تغییراتی در ارزش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده ایرانی به وجود آمده است؛ به گونه‌ای که از روابط والدین و فرزندان تحت تاثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید قرار گرفته و دگرگونی‌هایی در آن پدید آمده است.

طبق «نظریه کلاسیک انتقال جمعیتی» (مدرنیزاسیون^۲) باروری در کشورهای توسعه‌یافته به لحاظ هزینه و منافع از اهمیت عمده‌ای برخوردار است. در این جوامع، فرهنگ و تحصیلات هر دو احتمال پذیرش اولیه ایده‌های جدید را فراهم می‌آورد. پس از آن، امیدها برای مصرف افزایش می‌یابد و همچنین شان اجتماعی زنان با اشتغال آنها

¹ Values

² Classical theory of demographic transition

در بیرون خانه افزایش یافته و افزایش هزینه‌های نسبی فرزندان را به همراه دارد. اگر در جامعه‌ای توسعه، نوسازی و ارزش‌های مربوط به آن وارد شود، افراد جامعه برای اینکه بخواهند از لذت‌های همراه نوسازی مانند اشتغال و تحصیلات بهره‌مند شوند یا در این جریان به فردگرایی و استقلال‌طلبی برسند و همچنین به دلیل اینکه زنان شاغل در بیرون از خانه نمی‌توانند باردار شوند و از فرزند خود مراقبت کنند، باروری خود را پایین می‌آورند و تا حدی مراقبت از فرزندان خود را به اقوام یا مراکز مراقبت از کودکان (نظیر مهدکودک‌ها) می‌سپارند. از سوی دیگر، بر طبق «نظریه گذار دوم جمعیتی»^۱ به دنبال ایجاد جنبش‌های اجتماعی، آگاهی جوامع به دنبال تکنیک‌های مدرن در آموزش عمومی و بهبود بهداشت که به جامعه‌ای وارد می‌شود فزایش می‌یابد که به دنبال آن منزلت اجتماعی زنان اهمیت پیدا می‌کند و در نتیجه ازدواج و باروری زودهنگام نیز دچار دگرگونی می‌شود؛ به طوری که جریان فردگرایی باعث تغییر نگرش نقش سنتی زنان به عنوان مادر و همسر شده و ایده‌آل‌های جدید در تضاد با باروری‌های بالا قرار خواهند گرفت و در نتیجه گرایش به باروری کمتر ایجاد و موالید محدود می‌شوند (ترابی و شیدایی، ۱۳۹۸: ۳۷).

«نظریه نوگرایی»^۲ گویای این است که نوسازی فیزیکی محیط و بازسازی اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی در جامعه‌های گوناگون می‌تواند تا اندازه‌ای میزان باروری را تغییر دهد و باعث شود روحیه آینده‌نگری و گرایش به زندگی همراه با آسایش و شادکامی، در اذهان مردم جاری گردد. این نظریه تاکید می‌کند که پیشرفت و توسعه و فناوری بر زندگی مردم حتی در زمینه‌های عاطفی و ارزشی تاثیر می‌گذارد و می‌تواند تغییراتی در زمینه کاهش میزان موالید به وجود آورد. این چارچوب همچنین بر وابستگی متقابل افراد و تعامل اجتماعی آنها تاکید دارد و اینکه تغییرات در آگاهی و رفتارهای برخی افراد، دیگران را تحت تاثیر قرار می‌دهد (چمنی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۱).

در بین نظریه‌های اقتصادی، «نظریه لیبنشتاین» بر این فرض استوار است که منفعت یا عدم منفعت اقتصادی فرزندان عاملی است که در تصمیم‌گیری والدین در مورد تعداد فرزندان تاثیر می‌گذارد. وی در «نظریه هزینه و منافع فرزندان» معتقد است که در تحول از تولید خانوادگی به تولید سرمایه‌داری، بچه‌دار شدن به دلیل مخارج تحصیل و تربیت آنها کمتر و کمتر اقتصادی شده است. همچنین در اقتصادهایی که تورم، فشار شدیدی بر مردم فقیر و متوسط می‌آورد، ناتوانی در تغذیه کودکان، تهیه لباس و سایر تسهیلات برای والدین بار سنگینی است و فشار تورم مانع باروری است (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

به باور وی، منفعت یا عدم منفعت اقتصادی عاملی است که باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند که چه تعداد فرزند داشته باشند. از این رو، ایجاد تعادل بین رضایتمندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند زیربنای اصلی

^۱ The second demographic transition theory

^۲ Modernity

نگرش مردم در مورد تعداد فرزند است. به طور کلی، در مدل‌های اقتصادی، رفتار باروری برحسب خصوصیات اقتصادی و کارکرد فرزندان توضیح داده می‌شود. این والدین به‌خصوص پدران هستند که سبک زندگی و مقررات و ضوابط حاکم را در تمامی زمینه‌های حیاتی از جمله رفتار باروری و تنظیم خانواده مشخص می‌کنند (بگی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۴).

از نظر بکر نیز فرزند به عنوان کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است. بکر می‌گوید: همان طوری که خانواده‌ها در مورد گزینش یک کالا تصمیم می‌گیرند، در مورد داشتن فرزند نیز تصمیم‌گیری می‌کنند. به باور بکر، حرکت اصلی باروری در جامعه را رفتارهای اقتصادی انسان دیکته می‌کند (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۷).

ارزش فرزندان، مفهومی است که مطابق تحولات اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تغییر می‌یابد و به طور کلی، مجموعه چیزهای مثبت و منفی هستند که والدین با داشتن فرزند دریافت می‌کنند. از نظر فاوست، ارزش‌های خاص در نیازهای روان‌شناختی خاص قرار گرفته‌اند که به ساختارهای اجتماعی متصل شده‌اند و با تنوعات فرهنگی و تغییرات اجتماعی مرتبط و تکمیل‌کننده برخی جنبه‌های پدر و مادرشان هستند. وی با توجه به مطالعات مقایسه‌ای، دسته‌بندی دیگری از ارزش عمومی مثبت و منفی فرزندان ارائه می‌دهد. وی مقوله‌های مربوط به ارزش‌های مثبت فرزندان را با عنوان ۵ مقوله منافع احساسی (خوشی و سرور در زندگی والدین و موضوع عشق و محبت و همدلی برای والدین)، منافع و امنیت اقتصادی (کمک در کارهای خانه، سهم داشتن در درآمد خانه، امنیت دوران پیری و)، تقویت و توسعه خود (تجربه بزرگ و تربیت کردن فرزندان، افزایش مسئولیت‌پذیری والدین، عضو کامل اجتماع پذیرفته شدن زوجین با داشتن فرزند)، کسب هویت با فرزندان (لذت بردن از تماشای رشد فرزندان، افتخار کردن به فضیلت و کمال فرزندان) و پیوستگی و تداوم خانواده (فرزندان فرجام طبیعی ازدواج، کمک به تقویت پیوند ازدواج زن و شوهر، ادامه‌دهنده نام خانوادگی) بیان کرده است. ارزش‌های منفی یا همان هزینه‌ها را نیز با ۵ مقوله هزینه‌های احساسی (نگرانی درباره سلامت فرزندان، رفتار فرزندان)، هزینه اقتصادی (هزینه‌های پوشاک، تحصیل و دیگر مخارج فرزندان)، محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت از دست‌رفته (آزادی کمتر زندگی اجتماعی، زندگی حرفه‌ای و علائق شخصی)، مسائل خانوادگی (مشاجره زن و شهر بر سر تربیت فرزندان، کم رنگ شدن روابط زن و شوهر) و زحمات (اضافه شدن کارهای خانگی، کم خوابی و خستگی و) سنجیده است (فاوست، ۱۹۷۴؛ برگرفته از هاشمی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۶-۷۷).

یکی از نظریه‌هایی که در تبیین رفتار باروری به مفهوم فرهنگ و نقش هنجارها و ترجیحات در رفتار اشاره کرده است، «نظریه لی‌وین و اسکریم‌شاور» است. در نظر این دو مولف، فرهنگ^۱ نظام سازمان‌یافته‌ای از معانی مشترک و رایج میان مردم است؛ مجموعه‌ای از مفروضات اساسی و تصوراتی که قوانین و عقاید را ایجاد می‌کند، اما مجموعه‌ای مفروضات اساسی و تصوراتی که قوانین و عقاید را ایجاد می‌کند و قابل تقلیل به آنها هم نیست. یک مدل فرهنگی شامل دو جنبه هستی‌شناسی و هنجاری است (دلالت‌هایی بر آنچه هست و آنچه که باید باشد) که به صورت کد نمادین واحدی برای افراد مشترک است. مفهوم مورد تاکید در این مدل‌ها، عقلانیت فرهنگی است. عقلانیت فرهنگی آشکار می‌سازد که مثلاً رفتار باروری در کدام موقعیت مجاز و در کدام موقعیت باید با محدودیت همراه باشد. برای یک جمعیت خاص، عقلانیت فرهنگی الگوی باروری شامل مجموعه‌ای از مفروضات فرهنگی است که بعضی از آنها منطقی (سازگار با شرایط واقعی) و برخی دیگر غیرمنطقی (منعکس‌کننده هنجارهای سنتی) هستند - اگرچه مردم همه آنها را در مجموع پذیرفته‌اند و فعالیت‌های مرتبط با باروری نظیر تولد، شیردهی، فاصله فرزندان، مراقبت از کودک و نظایر آن را شامل می‌شوند. به بیان دیگر، عنصر واسطه‌ای در اثرگذاری تعیین‌کننده‌های بلا فصل و واسطه‌ای در نتیجه باروری است. مطالعه و شناخت محیط فرهنگی عاملان به عنوان بستر شکل‌گیری کنش و بررسی هنجارهای حاکم بر رفتار کنشگران، توضیح مناسبی از سازوکار عوامل موثر بر رفتار ارائه خواهد داد. لی‌وین و اسکریم‌شاور بر نقش هنجارهای فرهنگی تاکید می‌کنند و معتقدند که عقلانیت فرهنگی است که برای انسان‌ها موقعیت مجاز و غیرمجاز رفتار باروری را تعیین می‌کند. از این رو، پیشنهاد می‌کنند که برای درک رفتار کنشگران باید محیط فرهنگی آنان و هنجارهای حاکم بر آن محیط را شناخت. بر همین اساس اگر محیط فرهنگی از طریق خویشاوندان و دوستان زن، او را تشویق به داشتن فرزند دیگر کنند، گرایش او به داشتن فرزند دیگر بیشتر از زنی است که هیچ تشویقی از نزدیکان و دوستان خود دریافت نمی‌کند و ترغیب به این کار نمی‌شود (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵: ۷-۸).

به نظر بوردیو، انتخاب تحت تاثیر سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افراد قرار می‌گیرد. سرمایه اقتصادی به نظام تولیدی اشاره دارد که به مفهوم مارکسی سرمایه نزدیک است. سرمایه اجتماعی به شبکه آشنایان و روابط گروهی مربوط می‌گردد که فرد در درون آن قرار گرفته است و می‌تواند به نفع خود استفاده کند. مفهوم سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبری سبک زندگی است که شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدرک تحصیلی و شیوه‌هایی می‌گردد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد. به عبارتی، به فرد اجازه می‌دهد از طریق آن به منزلت دست یابد. سرمایه فرهنگی بر مبنای نظر بوردیو دو منبع دارد: نخست عادت‌واره‌ها در زندگی

¹ Culture

خانوادگی؛ دوم تحصیلات. از دیدگاه بوردیو، تحصیلات از جمله متغیرهای بسیار مهمی است که می تواند حتی جانشین عادت‌واره خانوادگی شود. بالاخره سرمایه نمادین که شامل کاربرد نمادهایی می‌گردد که فرد به کار می‌گیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد (بوردیو ۱۹۸۴، به نقل از ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

به طور کلی سرمایه به منابع یا قابلیت‌های در اختیار فرد یا موقعیتی اشاره دارد که از نفوذ اجتماعی یا رواج برخوردار باشد. سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه‌ای اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد، موثر واقع شود. اشکال گوناگون سرمایه که تحت کنترل کارگزاران گوناگون قرار دارند، شانس‌های برنده شدن در هر بازی را تعیین می‌کنند. گروه‌هایی که به بیشترین میزان سرمایه دسترسی دارند، در فضایی قرار می‌گیرند که بوردیو آن را «میدان قدرت» می‌نامد. جایگاه‌های عوامل گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که این عوامل دارند، تعیین می‌کند. مجموع سرمایه‌های یک فرد است که به فرد اجازه می‌دهد تا سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت بگیرد. در میان اشکال متفاوت سرمایه، سرمایه اقتصادی و فرهنگی مناسب‌ترین معیارهای تمایزگذاری را به منظور برساختن فضای اجتماعی در جوامع توسعه‌یافته فراهم می‌کنند. بنابراین موقعیت عاملان در فضای طبقات اجتماعی به حجم و ساختار سرمایه آنها بستگی دارد (بوردیو، ۱۹۹۹؛ چمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۲-۱۴۳). مفهوم دیگری که بوردیو به آن اشاره دارد، مفهوم سبک زندگی است که وی سبک زندگی را در مطالعه اول، دارایی‌ای (کالاهای تجملی یا فرهنگی) می‌داند که افراد دور خود جمع کرده‌اند، مانند خانه، ویلا، ماشین، عطرها، لباس‌ها و ...؛ دوم، فعالیت‌هایی که با آن خود را متمایز نشان می‌دهند- ورزش‌ها، بازی‌ها و تفریحات (پیاده‌روی یا کوه‌پیمایی، اسکی یا سوارکاری، گلف یا تنیس)، رسیدگی به ظاهر بدن خود، نحوه استفاده از زبان و بودجه‌بندی و ... (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۵).

از نظر گیدنز^۲ (۱۳۸۷) هر سبک زندگی مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخورداری از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود، از نظر تداوم امنیت وجودی، پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را نیز تامین می‌کند. در حوزه مطالعات فرهنگی سبک زندگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش‌های هر فرد که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است. به عبارت دیگر، سبک زندگی دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اجتماعی اشخاص در هر جامعه دارد و بیان‌کننده اغراض، نیت‌ها و تفاسیر فرد در رفتار روزمره و زندگی روزانه می‌باشد. بی‌تردید کاهش جمعیت در ایران، معلول عوامل متعددی است، ولی تاثیر مدرنیته و

^۱ Power field

^۲ Gidenz

نفوذ سبک زندگی غربی در لایه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ایرانیان از عوامل مهم کاهش جمعیت در کشور است. فرهنگ غربی که بر پایه اعتقاد به انسان‌محوری بنا شده است، می‌کوشد این برداشت را در ذهن مردم ایجاد کند که برای خوشبختی و لذت بردن بیشتر از زندگی باید اعضای خانواده را محدود کرد و این کار با کنترل باروری و کاهش زاد و ولد محقق می‌شود (جوکار و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۲).

«نظریه منزلت اجتماعی»^۱ میزان باروری در هر خانواده و جامعه را مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنان آن جامعه می‌داند. خانواده با پیشرفت و ترقی حاصل شده در جامعه و موقعیتی که به عنوان یک عضو داراست، به فرزندآوری می‌اندیشد. حال اگر آوردن فرزند باعث حرکت صعودی خانواده می‌شود، آن را ادامه می‌دهد، ولی اگر فرزندآوری را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی خانواده بداند، آن را به طرق مختلف کنترل می‌کند (چمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

پیشینه تجربی پژوهش

با بررسی مطالعات در حوزه فرزندآوری و نگرش نسبت به ارزش فرزندان در جامعه امروزی، می‌توان گفت در راستای موضوع مد نظر تحقیقات متعددی در داخل و خارج کشور به انجام رسیده است که بررسی نتایج آنها در امر انتخاب متغیرها و همچنین ارائه دیدگاهی جامع به محقق امری مفید به نظر می‌رسد. براتی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «سرمایه فرهنگی و باروری: مطالعه‌ای در میان زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله شهر رشت» به بررسی دلایل ذهنی نرخ پایین باروری پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که بین سرمایه فرهنگی و تمامی ابعاد آن و رفتار باروری رابطه معنادار و معکوس حاکم است و با افزایش سرمایه فرهنگی، میزان باروری کاهش می‌یابد. براین اساس، امروزه اگرچه عوامل ساختاری در باروری نقش دارند، نگرش‌ها، سلاقی، ارزش‌ها و در نتیجه انتخاب‌ها نیز مهم هستند و نیاز به ایجاد هماهنگی در انتظارات ذهنی و موقعیت عینی خانواده‌ها وجود دارد.

تقوایی فرد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی مدیریت بدن در بین زنان و تاثیر آن بر نگرش آنها نسبت به باروری (مورد مطالعه: زنان در سنین باروری شهر جهرم)» به بررسی این موضوع در بین ۴۰۰ نفر از زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله ساکن در شهرستان جهرم پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که متغیر مدیریت بدن و بعد مدیریت ظاهر بدن و تناسب اندام بر نگرش زنان نسبت به باروری موثر است. درواقع مدیریت ظاهر بدن تاثیر بیشتری داشته و میزان تبیین آن ۰/۱۵۴ می‌باشد.

¹ Social status

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «نقش دینداری، خانواده‌گرایی، رسانه‌های نوین و بازاندیشی مدرن در نگرش به فرزندآوری در زنان و مردان متأهل ۱۸-۴۹ ساله» به بررسی عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر نگرش به فرزندآوری در بین زنان و مردان متأهل شهر تبریز پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین خانواده‌گرایی، دینداری با نگرش به فرزندآوری همبستگی مستقیمی وجود دارد و بین بازاندیشی مدرن، میزان استفاده از اینترنت و میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با نگرش به فرزندآوری همبستگی معنادار معکوس وجود داشت.

هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر شیراز)» به بررسی این نگرش در بین ۴۰۰ نفر از زنان ۱۵-۴۹ سال ساکن در شهر شیراز پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که حداقل یکی از مقوله‌های ارزش فرزندان شامل ارزش اقتصادی، هزینه فرصت از دست رفته، تقویت و توسعه خود، کسب هویت با فرزندان، تداوم خانواده با توجه به متغیرهای تحصیلات، سن ازدواج، درآمد خانواده، محل تولد، وضعیت اشتغال و سن زنان متفاوت است. بین متغیرهای تحصیلات و سن ازدواج با ارزش‌های منافع اقتصادی، منافع احساسی، تقویت و توسعه خود و تداوم خانواده رابطه معنی‌دار و معکوس وجود دارد. هر چه سن زن و شوهر افزایش می‌یابد، درک زنان از منافع اقتصادی داشتن فرزند بیشتر می‌شود. برای زنانی که درآمد خانوادگی بیشتری دارند، منافع اقتصادی، تداوم خانواده، توسعه و تقویت خود و کسب هویت با فرزندان اهمیت کمتری دارد. حداقل یکی از مقوله‌های ارزش فرزندان با توجه به متغیرهای تحصیلات، سن ازدواج، درآمد خانواده، محل تولد، وضعیت اشتغال و سن زنان متفاوت است. به طور کلی در جامعه مدرن، تغییر مقوله‌های ارزش فرزندان از مفهوم سنتی آن وجود دارد و زنان فرزندان را کالایی اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی می‌دانند که داشتن آن احساس مطلوبیت برای فرد ایجاد می‌کند و ارضاکننده ارزش‌های غیرمادی است و والدین حاضرند با وجود کاهش منافع عینی و کارکردی، داشتن فرزند را تجربه کنند.

کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران)» دریافتند که متغیرهای بررسی شده حدود ۱۶ درصد از تغییرات نگرش در مورد فرزندآوری را تبیین می‌کنند. همچنین براساس تحلیل مسیر، در بین متغیرهای مورد بررسی مهمترین متغیر اثرگذار بر نگرش در مورد فرزندآوری، متغیر مشارکت اجتماعی با ضریب بتای ۰/۳۲۹ بوده است و بعد از آن، متغیرهای شبکه‌های اجتماعی مجازی، سرمایه فرهنگی نهادی و سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته به ترتیب بیشترین سهم را در نگرش زوجین شهر تهران در مورد فرزندآوری دارند. همچنین متغیر مصرف محصولات فرهنگی به عنوان یک متغیر مبانی اثرگذار بر متغیر وابسته بیشترین تاثیرپذیری را از سایر متغیرها داشته است.

ارجمند سیاپوش و برومند (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک با تاکید بر سبک زندگی (مطالعه موردی زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال)» به بررسی این موضوع در بین ۲۴۰ نفر از زنان متأهل کمتر از ۳۵ سال شهر اندیمشک پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین ترجیح جنسی و گرایش به فرزندآوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین پیروی از سنت‌ها، میزان تحصیلات، سبک زندگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با گرایش به فرزندآوری زنان رابطه منفی و معناداری وجود دارد، اما بین مولفه‌های سبک زندگی (اوقات فراغت، مصرف کالای فرهنگی و مدیریت بدن) با گرایش به فرزندآوری زنان رابطه معناداری وجود ندارد.

رسول‌زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)» به بررسی این موضوع در بین ۳۸۴ نفر از دانشجویان این دانشگاه پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین میزان استفاده از رسانه‌های خارجی (اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای) و گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار معکوسی وجود دارد، اما بین استفاده از رسانه‌های داخلی و گرایش به فرزندآوری رابطه معناداری مشاهده نشد. بین سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) و سبک زندگی سنتی با گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار مثبت و بین سبک زندگی مدرن و گرایش به فرزندآوری رابطه معنادار معکوسی وجود دارد. علاوه بر این، از میان متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، مقطع تحصیلی، وضعیت شغلی و گروه قومی) تنها رابطه بین وضعیت شغلی و قومیت با گرایش به فرزندآوری معنادار شد.

پوررحیم (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «ارزش فرزندان از دیدگاه زوجین و رابطه آن با باروری و تنظیم خانواده (مطالعه موردی شهرستان بهشهر)» دریافت که سن ازدواج با ارزش فرزندان رابطه معنادار دارد. محدودیت و فرصت‌های از دست رفته مانند فرصت اشتغال، درآمد، تحصیلات بالاتر، تفریحات و به دلیل داشتن فرزند برای زنان بیش از مردان است و میزان تحصیلات در ارزش‌گذاری فرزند موثر است و با تعداد مطلوب فرزندان رابطه معکوس دارد.

برگر و دسره^۱ (۲۰۲۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی تاثیر مذهب و تحصیلات در باروری در جنوب صحرای آفریقا» به بررسی نقش مذهب و تحصیلات در رفتارهای باروری زنان آفریقایی جنوبی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که مذهب در رفتارهای باروری زنان تاثیر نداشته است، اما در مقابل رفتارهای باروری زنان با تحصیلات مختلف، متفاوت بوده است.

¹ Berge & Dasre

تیتلن و استولپ^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تبیین عدم قطعیت در ترجیحات باروری زنان» به بررسی تمایلات باروری زنان و تغییرات آن پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این است که در ترجیحات باروری زنان نگرش شریک زندگیشان به فرزند بسیار تاثیرگذار است. یافته‌ها حاکی از این است که زوجین بیشتر تمایل به کاهش ترجیحات باروری خود هستند و این تحت تاثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه و محل زندگی می‌باشد.

کلارک و لپینتر^۲ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «یک آزمایش طبیعی در مورد ناامنی شغلی و ایالات متحده: شرایط اقتصادی ساختاری و عدم اطمینان اقتصادی درک شده»، به این نتیجه رسیدند که عدم امنیت شغلی و اقتصادی بر احتمال والدگری اثر نمی‌گذارد، اما بر احتمال داشتن فرزندان بیشتر و اندازه خانواده اثرگذار است.

هاپکرافت^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه تفاوت‌های جنسیتی با تعداد فرزندان در آمریکا» به این نتیجه رسیده است که بین درآمد مردان و تعداد فرزندان آنها رابطه‌ای مثبت و قوی وجود دارد و این رابطه در تمام مقاطع تحصیلی صدق می‌کند؛ به این معنا که با بالا رفتن درآمد مردان، فارغ از سطح تحصیلات آنها تعداد فرزندان آنها افزایش می‌یابد.

برگبوم و همکاران^۴ (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «اولین تجربه بارداری زنان از بدن خود در دوران آغازین حاملگی» که به شیوه کیفی و از طریق مصاحبه با ۱۲ زن باردار انجام شد، به این نتیجه رسیدند که مقوله‌های اصلی استخراج شده از مصاحبه‌ها: ۱- عطش بدن و حس ابهام، ۲- مرد بودن، ۳- مرد بودن، ۳- استقبال از تغییرات در بدن و ذهن، ۴- احساس قدرت درونی و تلاش برای یافتن قدرت، ۵- پذیرش ذهن و بدن و تجربه از بارداری زنان بر حسب این مقوله‌ها متفاوت می‌باشد.

مودنا و همکاران^۵ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «امنیت اقتصادی و تمایل به باروری» نشان دادند که بی‌ثباتی شغلی زنان، تصمیم‌گیری برای داشتن فرزند اول را به میزان قابل توجهی به تاخیر می‌اندازد و رابطه منفی معناداری بین عدم امنیت اقتصادی خانوار و تعداد فرزندان وجود دارد.

لپگارد و همکاران^۶ (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی در باروری» که در بین مردان نروژی به انجام رسید، دریافتند که بی‌فرزندی در بین مردان با سطح تحصیلات پایین بیشتر و در بین مردان با سطح تحصیلات عالی کمتر است. همچنین این مطالعه نشان داد بالاتر بودن تعداد فرزندان مردان با تحصیلات عالی

¹ Tintelen & Stulp

² Clark & Lepinteur

³ Hopcroft

⁴ Bergbom et al.

⁵ Modena et al.

⁶ Lappegard et al.

از طریق متغیرهایی از جمله توانایی برای تامین اقتصادی فرزندان، چشم‌انداز شغلی، امنیت شغلی و انعطاف‌پذیری شغلی قابل توضیح است.

گودمن و کپلی^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «تاثیر عملکرد مدرسه بر ازدواج و موفقیت درازمدت در باروری ۱۰۰۰ مرد و زن سوئدی متولد ۱۹۲۹-۱۹۱۵» به این نتیجه رسیدند که سطح تحصیلات پایین‌تر احتمال داشتن تعداد فرزندان و نوادگان کمتر را افزایش می‌دهد که تا حد زیادی به واسطه کاهش احتمال ازدواج مردان با تحصیلات کمتر به علت موقعیت اقتصادی-اجتماعی پایین توضیح داده می‌شود.

بوهلر^۲ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان «ارزش ساختاری فرزندان و تصمیمات آن برای باروری مطلوب در بلغارستان» به بررسی عوامل موثر در تصمیمات افراد در باروری پرداخت. نتایج این تحقیق حاکی از این است که باروری پیامدهایی دارد که به تغییرات خواسته یا ناخواسته در شبکه‌های اجتماعی افراد و روابط مبادله‌ای آنها منجر می‌شود.

کلین و اکهارد^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «تفاوت‌های آموزشی، ارزش کودکان و نتایج باروری در آلمان» نشان دادند در بین زنان با تحصیلات بالاتر درک ارزش غیرمادی فرزندان اهمیت بیشتری دارد و در مقابل جنبه‌های مطلوب اقتصادی مانند امنیت دوران پیری کمتر اهمیت دارد. زنان با تحصیلات پایین، تمایل بیشتری برای تشکیل خانواده نشان می‌دهند و درک ارزش غیرمادی فرزندان برای آنها کمتر اهمیت دارد.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب مذکور در این پژوهش محقق در پی بررسی فرضیه‌های زیر می‌باشد:

- بین سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن و نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن و نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.
- بین مدیریت بدن و ابعاد آن و نگرش به ارزش فرزندان در بین شهروندان شهر تبریز رابطه معناداری وجود دارد.

¹ Goodman, A., & Koupil

² Buhler

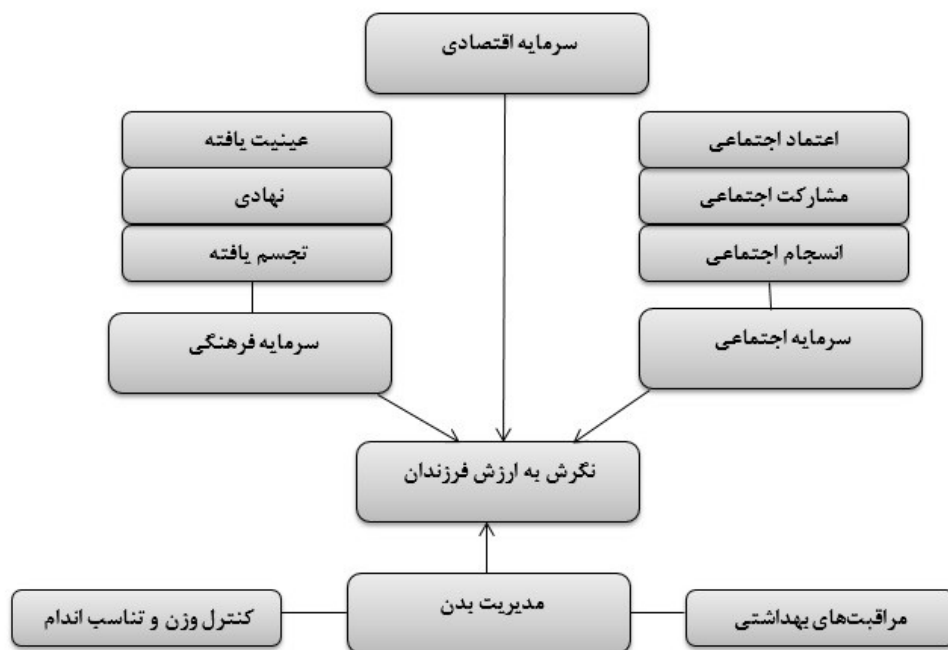
³ Klein & Eckhard

- میانگین نگرش به ارزش فرزندان برحسب متغیرهای وضعیت اشتغال، منطقه مسکونی و طبقه اقتصادی متفاوت و معنادار می‌باشد.

مدل تحلیلی پژوهش

با توجه به مطالب یاد شده در بخش ادبیات پژوهش و فرضیه‌های استخراج‌شده، مدل تحلیلی تحقیق به

شرح زیر می‌باشد:



شکل ۱: مدل تحلیلی پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع، روش مورد استفاده در تحقیق حاضر پیمایشی از نوع مقطعی و نوع پژوهش نیز کاربردی و واحد تحلیل نیز فرد (شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تبریز) بود. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه شهروندان ساکن در شهر تبریز بودند- که طبق آخرین سرشماری که در سال ۱۳۹۵ به انجام رسیده است، ۲۷۵۵۳۵۸ نفر می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران، ۳۰۰ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده جهت گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای شامل سوالاتی درباره هر کدام از متغیرهای مستقل و همچنین متغیر وابسته بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده گردید. برای تعیین پایایی گویه‌های

متغیرهای تحقیق از ضریب آلفای کروناخ بهره‌گیری شد که مقدار آن برای هریک از متغیرها در جدول ۱ درج شده و در حد قابل قبول می‌باشد:

جدول ۱: جدول میزان پایایی و اعتبار متغیرهای تحقیق

نام متغیر	عامل‌ها و تعداد گویه‌های مورد سنجش	آلفا	kmo
ارزش فرزندان	۸ عامل (منافع احساسی، هزینه‌های احساسی، کسب هویت با فرزندان، تداوم خانوادگی، تقویت و توسعه خود، هزینه‌های اقتصادی، منافع اقتصادی، محدودیت‌ها و فرصت‌های از دست‌رفته)	۰/۸۲۷	۰/۷۵۷
سرمایه فرهنگی	داشتن مدرک معتبر در رشته‌های هنری، داشتن مدرک معتبر در تعمیر وسایل الکترونیکی، داشتن مدرک معتبر در جوشکاری و تراشکاری، مسلط بودن به یک یا چند زبان خارجی، رفتن به سینما در طول سال، رفتن به تئاتر در طول سال، رفتن به موزه در طول سال، رفتن به نمایشگاه هنری در طول سال، رفتن به کنسرت در طول سال، خرید کتاب‌های غیردرسی در طول سال، خرید آثار هنری از قبیل تابلو، مجسمه یا آثار هنری در طول سال	۰/۷۲۸	۰/۷۴۶
سرمایه اجتماعی	تلاش در کمک به افراد نیازمند، داشتن روابط صمیمی با اطرافیان، داشتن دوستانی از سایر اقوام و زبان‌ها، دوست بودن با افراد سایر مذاهب، داشتن حمایت عاطفی از سوی فامیل و بستگان در صورت به وجود آمدن مشکلات، شرکت در هیئت‌های عزاداری، مشارکت در جمع‌آوری اعانه به افراد نیازمند، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، قرض دادن پول به افراد نیازمند، عدم‌اعتماد به افراد در این دوره و زمانه، عدم‌اعتماد به افراد دیگر به غیر از خانواده، عدم‌اعتماد به وعده‌های مسئولان جامعه، عدم وجود افرادی در جامعه که بتوان روی حرفشان حساب باز کرد	۰/۶۹۶	۰/۶۵۲
سرمایه اقتصادی	متوسط درآمد ماهانه خانواده، تعداد املاک شخصی (خانه، مغازه، قطعه زمین)، ارزش تقریبی املاک شخصی (خانه، مغازه، قطعه زمین)، تعداد وسیله نقلیه (ماشین سواری، وانت، اتوبوس، مینی بوس، موتور، دوچرخه)، ارزش تقریبی وسایل نقلیه (ماشین سواری، وانت، اتوبوس، مینی بوس، موتور، دوچرخه)	۰/۶۵۴	۰/۶۱۰
مدیریت بدن	استحمام روزانه، اصلاح روزانه صورت، اصلاح یا آرایش روزانه مو، استفاده روزانه از عطر یا ادکلن، زیربغل، استفاده روزانه از کرم‌های مرطوب‌کننده و ضد عرق، استفاده روزانه از کرم‌های ضد آفتاب، انجام ورزش‌های بدن‌سازی و تناسب اندام، کنترل وزن با انجام ورزش و رژیم غذایی، کنترل وزن با استفاده از دارو، انجام ورزش‌های هوازی (پیاده‌روی، یوگا و...)، استفاده از سونا و جکوزی	۰/۸۵۲	۰/۸۰۰

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

الف- ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی پاسخگویان

در بررسی توزیع فراوانی پاسخگویان در متغیرهای زمینه‌ای پژوهش می‌توان گفت در متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو بیشترین فراوانی مربوط به قشر خانه‌دار (۲۴ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به قشر بیکار (۷ درصد) می‌باشد. در بررسی نتایج مربوط به منطقه مسکونی پاسخگویان بیشترین فراوانی مربوط به منطقه ۵ (۲۴ درصد) و بیشترین فراوانی مربوط به منطقه ۶ (۲ درصد) است. در نهایت بررسی نتایج مربوط به متغیر وضعیت طبقه اقتصادی پاسخگویان نیز نتایج حاکی از این است که بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی است که خود را متعلق به طبقه متوسط به بالا (۴۲ درصد) می‌دانند و کمترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی است که خود را متعلق به طبقه بسیار بالا (۱ درصد) می‌دانند.

جدول ۲: توصیف آماره‌های مربوط به متغیرهای زمینه‌ای

نام متغیر	طبقات	فراوانی	درصد فراوانی
وضعیت اشتغال	کارمند دولتی	۳۶	۱۲
	کارمند بخش خصوصی	۳۱	۱۰
	شغل آزاد	۶۱	۲۰
	بازنشسته	۲۱	۷
	دانشجو	۵۵	۱۸
	خانه‌دار	۷۱	۲۴
	بیکار	۲۰	۷
منطقه مسکونی	بی‌جواب	۶	۲
	کل	۳۰۰	۱۰۰
	منطقه ۱	۴۳	۱۴
	منطقه ۲	۴۲	۱۴
	منطقه ۳	۲۷	۹
	منطقه ۴	۳۰	۱۰
	منطقه ۵	۷۰	۲۴
	منطقه ۶	۶	۲

منطقه ۷	۱۱	۴
منطقه ۸	۲۵	۹
منطقه ۹	۱۳	۴
منطقه ۱۰	۳۳	۱۱
کل	۳۰۰	۱۰۰
بسیار پایین	۱۴	۵
پایین	۳۳	۱۱
متوسط به پایین	۷۴	۲۵
متوسط به بالا	۱۲۶	۴۲
بالا	۳۷	۱۲
بسیار بالا	۳	۱
بی جواب	۱۳	۴
کل	۳۰۰	۳۰۰

در جدول ۳، اطلاعات توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش آمده است. این جدول دربرگیرنده کمینه و بیشینه پاسخ‌ها، میانگین و انحراف استاندارد پاسخ‌های ارائه شده می‌باشد:

جدول ۳: یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین درصدی
ارزش فرزندان	۹۶	۲۴۶	۱۷۸/۵۰۳۳	۲۵/۶۲۷۸۴	۷۲
سرمایه اجتماعی	۴۲	۷۸	۵۹/۵۴۳۳	۸/۰۲۲۲	۷۶
سرمایه فرهنگی	۱۱	۶۰	۲۹/۹۲۶۷	۹/۴۲۰۷۵	۴۵
سرمایه اقتصادی	۳	۱۸	۶/۶۸۰۳	۳/۵۶۵۰۷	۲۰
مدیریت بدن	۱۵	۷۲	۴۱/۴۹۰۰	۱۲/۴۲۵۱۶	۱۷

جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین ارزش فرزندان در بین پاسخگویان ۷۲ درصد، سرمایه اجتماعی ۷۶ درصد، سرمایه فرهنگی ۴۵ درصد، سرمایه اقتصادی ۲۰ درصد و مدیریت بدن ۱۷ درصد می‌باشد که حاکی از این است که میانگین ارزش فرزندان و سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان بالاتر از حد متوسط می‌باشد. در مقابل میانگین سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و مدیریت بدن پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد.

یافته‌های استنباطی پژوهش

بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

در بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل پژوهش با توجه به سطح سنجش متغیرهای پژوهش از آزمون‌های آماری متناسب استفاده شده است. با توجه به اینکه سطح سنجش متغیرهای مستقل و نگرش به ارزش فرزندان فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بهره‌گیری شد. نتایج این بررسی در جدول ۴ تا ۷ آمده است:

جدول ۴: میزان ضریب همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان

نام متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۳۸۱**	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۲۶۱**	۰/۰۰۰
مشارکت اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۳۲۷**	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۲۰۳**	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج مندرج در جدول ۴ در بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه مثبت و نسبتاً قوی با ضریب همبستگی (۰/۳۸۱) وجود دارد که با توجه به سطح معناداری مشاهده شده (۰/۰۰۰) این رابطه در سطح معناداری ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. به عبارتی دیگر، با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در بین افراد، میزان اهمیت و ارزش فرزندان نیز افزایش پیدا می‌کند. در بررسی رابطه بین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با متغیر نگرش به ارزش فرزندان نیز می‌توان گفت بعد مشارکت اجتماعی بیشترین میزان همبستگی را با متغیر وابسته (۰/۳۷۱) دارد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. در مقابل، بعد اعتماد اجتماعی با ضریب همبستگی (۰/۲۰۳) دارای کمترین میزان همبستگی با متغیر نگرش به ارزش فرزندان می‌باشد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. در بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان نیز با توجه به اینکه سطح سنجش هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول ۵ آمده است:

جدول ۵: میزان ضریب همبستگی بین سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان

نام متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۱۸۵**	۰/۰۰۱
سرمایه فرهنگی عینی و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۱۱۱	۰/۰۵۵
سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۲۰۸**	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی نهادی و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۰۴۱	۰/۴۸۴

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان با توجه به نتایج مندرج در جدول ۵ می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/185$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/001$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان سرمایه فرهنگی افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند.

در بررسی نتایج مربوط به همبستگی متغیر سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته و نگرش به ارزش فرزندان نیز می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه مثبت ($0/111$) وجود دارد که با توجه به میزان سطح معناداری به دست آمده ($0/055$) این رابطه معنادار نیست؛ میزان همبستگی بین سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و نگرش به ارزش فرزندان نیز نتایج حاکی از این است که بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/208$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/000$) وجود دارد. در نهایت در بررسی رابطه بین بعد نهادی سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان نیز با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/041$) وجود دارد که با توجه به سطح معناداری گزارش شده این رابطه معنادار ($0/484$) نمی‌باشد.

در بررسی رابطه بین سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان نیز با توجه به اینکه سطح سنجش هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول ۶ درج شده است:

جدول ۶: میزان ضریب همبستگی بین سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان

نام متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان	$-0/314$	$0/000$

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان با توجه به نتایج مندرج در جدول ۶ می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و نسبتاً قوی ($-0/314$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/001$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان سرمایه اقتصادی افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند.

در نهایت در بررسی رابطه بین مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان نیز با توجه به اینکه سطح سنجش هر دو متغیر فاصله‌ای می‌باشد، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول ۷ آمده است:

جدول ۷: میزان ضریب همبستگی بین مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان

نام متغیرها	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۰۸۶	۰/۱۳۸
مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی و نگرش به ارزش فرزندان	-۰/۰۱۹	۰/۷۳۹
کنترل وزن و تناسب اندام و نگرش به ارزش فرزندان	۰/۱۲۷*	۰/۰۲۸

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان با توجه به نتایج مندرج در جدول ۷ می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف (-۰/۰۸۶) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان مدیریت بدن افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند. اما با توجه به سطح معناداری گزارش شده در حالت کلی این رابطه معنادار نمی‌باشد.

در بررسی نتایج مربوط به همبستگی بعد استفاده از لوازم بهداشتی و آرایشی و نگرش به ارزش فرزندان نیز می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف (۰/۰۱۹) وجود دارد که با توجه به میزان سطح معناداری به دست آمده (۰/۷۳۹) این رابطه معنادار نیست. میزان همبستگی بین بعد کنترل وزن و تناسب اندام و نگرش به ارزش فرزندان نیز نتایج حاکی از این است که بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف (-۰/۱۲۷) در سطح اطمینان ۹۵ درصد (۰/۰۲۸) وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هر چه میزان دقت پاسخگویان به کنترل وزن و تناسب اندام افزایش پیدا می‌کند، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند.

بررسی تفاوت میانگین متغیر وابسته بر حسب متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

از جمله متغیرهای زمینه‌ای پژوهش که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است، متغیر وضعیت اشتغال، منطقه مسکونی و طبقه اقتصادی پاسخگو می‌باشند. با توجه به اینکه سطح سنجش متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو، منطقه مسکونی اسمی چند حالتی و طبقه اقتصادی رتبه‌ای چند حالتی و سطح سنجش نگرش به ارزش فرزندان فاصله‌ای می‌باشد، مناسب‌ترین آزمون جهت بررسی میزان تفاوت میانگین، آزمون تحلیل واریانس یک طرف F می‌باشد که نتایج در جدول ۸ درج شده است:

جدول ۸: نتایج آزمون تفاوت میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو، منطقه مسکونی

و طبقه اقتصادی

نام متغیر	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
وضعیت اشتغال	بین گروهی	۸۸۶/۱۵۹۹۴	۶	۲۶۶۵/۸۱۴	۴/۷۱۱	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۴۵۴/۱۶۰۷۱۰	۲۸۴	۵۶۵/۸۸۲		
	کل	۳۴۰/۱۷۶۷۰۵	۲۹۰			
منطقه مسکونی	بین گروهی	۱۸۰۸۱/۸۴۳	۸	۲۲۶۰/۲۳۰	۶/۶۰۳	۰/۰۰۰
	درون گروهی	۷۴۲۸۲/۴۹۷	۲۱۷	۳۴۲/۳۱۶		
	کل	۹۲۳۶۴/۳۴۱	۲۲۵			
طبقه اقتصادی	بین گروهی	۶۵۰۶/۷۸۲	۵	۱۳۰۱/۳۵۶	۲/۱۹۵	۰/۰۵۵
	درون گروهی	۱۶۴۲۲۸/۸۲۳	۲۷۷	۵۹۲/۸۸۴		
	کل	۱۷۰۷۳۵/۶۰۴	۲۸۲			

با بررسی نتایج مندرج در جدول ۸ باید گفت در بررسی نتایج مربوط به تفاوت میانگین میزان ارزش فرزندان بر حسب متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو، نتایج حاکی از این است که میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر وضعیت اشتغال متفاوت ($f= ۴/۷۱۱$) و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار ($۰/۰۰۰$) می باشد. در بررسی نتایج مربوط به منطقه مسکونی پاسخگو نیز نتایج حاکی از این است که میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر منطقه مسکونی متفاوت ($f= ۶/۶۰۳$) و در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار ($۰/۰۰۰$) می باشد. در نهایت در بررسی نتایج مربوط به متغیر طبقه اقتصادی نیز نتایج حاکی از این است که میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر طبقه اقتصادی متفاوت نمی باشد.

با توجه به اینکه میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیرهای وضعیت اشتغال پاسخگو و منطقه مسکونی متفاوت است، در مرحله بعد جهت بررسی این نکته که این تفاوت در بین کدام گروه ها معنادار می باشد، از آزمون تعقیبی LSD استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول ۹ آمده است:

جدول ۹: نتایج آزمون LSD میانگین نگرش به ارزش فرزندان بر حسب متغیر وضعیت اشتغال پاسخگو

نام متغیر	وضعیت اشتغال پاسخگو					
	طبیقات	کارمند دولتی	کارمند بخش	شغل آزاد	بازنشسته	کارمند بخش خصوصی
کارمند دولتی						
			۱۲/۲۶۶۱۳*	۱۱/۸۱۱۵*	۱۰/۲۳۸۱	۱۰/۲۳۸۱
						۱۹/۹۹۷۹۵*
						۵/۶۱۵۶۷
						۴/۱۵۰۰۰
کارمند بخش خصوصی						
						۱۲/۲۶۶۱۳*
						۱۹/۹۹۷۹۵*
						۵/۶۱۵۶۷
						۴/۱۵۰۰۰
شغل آزاد						
						۱۲/۲۶۶۱۳*
						۱۹/۹۹۷۹۵*
						۵/۶۱۵۶۷
						۴/۱۵۰۰۰
بازنشسته						
						۱۲/۲۶۶۱۳*
						۱۹/۹۹۷۹۵*
						۵/۶۱۵۶۷
						۴/۱۵۰۰۰
دانشجو						
						۱۲/۲۶۶۱۳*
						۱۹/۹۹۷۹۵*
						۵/۶۱۵۶۷
						۴/۱۵۰۰۰
خانه دار						
						۱۲/۲۶۶۱۳*
						۱۹/۹۹۷۹۵*
						۵/۶۱۵۶۷
						۴/۱۵۰۰۰
بیکار						
						۱۲/۲۶۶۱۳*
						۱۹/۹۹۷۹۵*
						۵/۶۱۵۶۷
						۴/۱۵۰۰۰

نتایج مندرج در جدول ۹ نشان می‌دهد میانگین نگرش به ارزش فرزندان در بین افرادی که شغل آنها کارمند بخش دولتی است با افرادی که وضعیت شغلی آنان کارمند بخش خصوصی و شغل آزاد است متفاوت و معنادار می‌باشد؛ میانگین نگرش به ارزش فرزندان افرادی که کارمند بخش خصوصی هستند با افراد کارمند دولت، دانشجو و

بیکار متفاوت، افراد دارای شغل آزاد با کارمند دولتی، دانشجو و بیکار، افراد بازنشسته با دانشجو، دانشجو با کارمند خصوصی، شغل آزاد و بازنشسته و خانه‌دار، خانه‌دار با دانشجو و در نهایت میانگین نگرش به ارزش فرزندان افراد بیکار با میانگین نگرش به ارزش فرزندان کارمند بخش خصوصی و شغل آزاد متفاوت و معنادار می‌باشد.

در بررسی نتایج همین آزمون مربوط به متغیر منطقه مسکونی نیز با توجه به نتایج آزمون LSD می‌توان گفت میانگین نگرش به ارزش فرزندان در بین افراد ساکن در منطقه ۱ با افراد ساکن در مناطق ۴ و ۸، میانگین افراد ساکن در منطقه ۲ با افراد ساکن در مناطق ۴، ۸، ۹ و ۱۰، میانگین افراد ساکن در منطقه ۳ با افراد ساکن در منطقه ۴، ۸، ۹ و ۱۰، میانگین افراد ساکن در منطقه ۴ با افراد ساکن در منطقه ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، ۱۰، میانگین افراد ساکن در منطقه ۶ با افراد ساکن در مناطق ۴، ۸، ۹ و ۱۰، میانگین افراد ساکن در منطقه ۷ با افراد ساکن در مناطق ۴، ۸، ۹ و ۱۰، میانگین افراد ساکن در منطقه ۸ با افراد ساکن در مناطق ۱، ۲، ۳، ۶، ۷، میانگین افراد ساکن در منطقه ۹ با افراد ساکن در مناطق ۲، ۳، ۶، ۷ و در نهایت میانگین افراد ساکن در منطقه ۱۰ با میانگین افراد ساکن در مناطق ۲، ۳، ۴، ۶، ۷ متفاوت و معنادار می‌باشد. گفتنی است که با توجه به طولانی بودن نتایج آزمون LSD مربوط به متغیر منطقه مسکونی در این بخش از مقاله از بیان جدول مربوطه اجتناب گردید.

تحلیل چند متغیره

در این پژوهش جهت انجام تحلیل چند متغیره، از روش رگرسیون با روش گام به گام استفاده شده است. پس از بررسی پیش فرض‌های رگرسیونی و انجام رگرسیون چند متغیره نتایج حاکی از این است که متغیرهای سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی وارد مدل شده‌اند و در مجموع توانسته‌اند ۳۰ درصد از تغییرات مربوط به متغیر نگرش به ارزش فرزندان را تبیین کنند و مابقی واریانس تبیین نشده متاثر از متغیرهای دیگری است که در مدل تحقیق آورده نشده‌اند.

جدول ۱۰: نتایج ضرایب رگرسیونی چندگانه و تبیین‌کننده‌های ارزش فرزندان

همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون
۰/۵۵۸	۰/۳۱۲	۰/۳۰۵	۱/۸۳

با توجه به مقدار سطح معنی‌داری جدول ۱۰ می‌توان گفت مدل رگرسیونی ایجاد شده مدل معناداری است. به عبارتی دیگر، مدل رگرسیونی ایجاد شده از سه متغیر مستقل سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی و یک متغیر وابسته مدل خوبی می‌باشد و متغیرهای مستقل قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند.

جدول ۱۱: نتایج آزمون رگرسیونی چندگانه مربوط به متغیرهای تبیین کننده ارزش فرزندان

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵۵۴۳۴/۴۹۶	۳	۱۸۴۷۸/۱۶۵		
باقیمانده	۱۲۲۴۷۵/۰۴۲	۲۹۲	۴۱۹/۴۳۵	۴۴/۰۵۵	۰/۰۰۰
کل	۱۷۷۹۰۹/۵۳۷	۲۹۵			

با توجه به ضرایب b جدول ۱۲ می توان گفت مقدار ضریب b متغیر سرمایه اجتماعی (۱/۲۹۰) می باشد. به عبارتی دیگر، به ازای ۱ واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی، ۱/۲ افزایش در میزان نگرش به ارزش فرزندان به وجود می آید که این افزایش معنی دار (۰/۰۰۰) می باشد. متغیر سرمایه اقتصادی نیز با مقدار ضریب b (۲/۰۳۷-) حاکی از این است که به ازای ۱ واحد تغییر در متغیر سرمایه اقتصادی، میزان نگرش به ارزش فرزندان در پاسخگویان به میزان ۲/۰- کاهش پیدا می کند که این کاهش معنی دار (۰/۰۰۰) می باشد. متغیر سرمایه فرهنگی نیز با مقدار ضریب b (۰/۵۰۵-) حاکی از این است که به ازای ۱ واحد تغییر در متغیر سرمایه فرهنگی، میزان نگرش به ارزش فرزندان در پاسخگویان به میزان ۰/۵۰- کاهش پیدا می کند که این کاهش معنی دار (۰/۰۰۰) می باشد. همچنین با توجه به میزان بتاهای مندرج در جدول ۱۲ می توان گفت به ترتیب متغیر سرمایه اجتماعی بیشترین (۰/۴۲۲) و متغیر سرمایه فرهنگی کمترین (۰/۲۷۰) سهم را در تبیین متغیر وابسته داشته اند.

جدول ۱۲: ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی نگرش به ارزش فرزندان

منبع تغییرات	Beta	B	T	سطح معنی داری	Tolerance	Vif
عرض از مبدا		۱۱۶/۸۷۹	۱۲/۴۵۹			
سرمایه اجتماعی	۰/۴۲۲	۱/۲۹۰	۸/۴۰۳	۰/۰۰۰	۰/۹۳۵	۱/۰۶۹
سرمایه اقتصادی	-۰/۲۷۰	-۲/۰۳۷	-۵/۴۳۱	۰/۰۰۰	۰/۹۵۳	۱/۰۴۹
سرمایه فرهنگی	-۰/۱۹۳	-۰/۵۰۵	-۳/۸۸۷	۰/۰۰۰	۰/۹۵۸	۱/۰۴۳

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نگرش به ارزش فرزندان به انجام رسیده است. نتایج بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان نشان می دهد در بررسی میزان همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و نگرش به ارزش فرزندان می توان گفت بین دو متغیر رابطه مثبت و نسبتاً قوی با ضریب همبستگی (۰/۳۸۱) وجود دارد که با توجه به سطح معناداری مشاهده شده (۰/۰۰۰) این رابطه در

سطح معناداری ۹۹ درصد معنادار می‌باشد. به عبارتی دیگر، با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در بین افراد، میزان اهمیت و ارزش فرزندان نیز افزایش پیدا می‌کند. در بررسی رابطه بین ابعاد متغیر سرمایه اجتماعی با متغیر نگرش به ارزش فرزندان نیز می‌توان گفت بعد مشارکت اجتماعی بیشترین میزان همبستگی و بعد اعتماد اجتماعی کمترین میزان همبستگی با متغیر نگرش به ارزش فرزندان را دارند.

در این زمینه باید گفت بورديو یکی از افرادی است که به نقش سرمایه اجتماعی در انتخاب و کنش‌های افراد اشاره دارد. سرمایه اجتماعی دال بر دارایی‌های جمعی دارد که کنش را تسهیل می‌کند و افراد را در دستیابی به اهداف خود یاری می‌دهد. از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است و آن را چنین تعریف می‌کند که سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و بالقوه‌ای است که مربوط به داشتن شبکه‌ای به نسبت پایدار از روابط کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است؛ به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی آن دسته از شبکه‌ها و هنجارهایی است که مردم را قادر به عمل جمعی می‌کند. پاتنام نیز در مورد سرمایه اجتماعی سخن می‌گوید و از دید وی، سرمایه اجتماعی به خصوصیتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید. این نتیجه همسو با نتایج تحقیقات افرادی همچون رسول-زاده و همکاران (۱۳۹۵)، برناردی و کلنر (۲۰۱۴)، ساکو و کلاس (۲۰۰۲)، بوهلر (۲۰۰۹) می‌باشد که در تحقیقات خود به نقش سرمایه اجتماعی در نگرش به ارزش فرزندان و فرزندآوری اشاره داشته‌اند.

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه فرهنگی و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/185$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/001$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان سرمایه فرهنگی افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند. لی‌وین و اسکریم شاور به نقش فرهنگ و هنجارها در رفتار افراد اشاره داشته‌اند. لی‌وین و اسکریم شاور بر نقش هنجارهای فرهنگی تاکید می‌کنند و معتقدند که عقلانیت فرهنگی است که برای انسان‌ها موقعیت مجاز و غیرمجاز رفتار باروری را تعیین می‌کند. اینان معتقدند که برای درک رفتار کنشگران باید محیط فرهنگی آنان و هنجارهای حاکم بر آن محیط را شناخت. بورديو نیز دسترسی به فرهنگ و داشته‌های ارزشمند فرهنگی را همچون یک سرمایه می‌داند که سود و منافع لازم از جمله برخورداری از تحصیلات بالا و نیز امکان بازتولید اجتماعی را فراهم می‌آورد. به نظر وی، سرمایه فرهنگی درون یک فضای اجتماعی پخش شده است و سپس از طریق میراث انتقال می‌یابد و در نهایت به صورت فرهنگ سرمایه‌گذاری می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت که افرادی که سرمایه فرهنگی بالایی دارند با توجه به اینکه در میدان‌های بیشتری با دیگران قرار دارند، پیوندهای اجتماعی بیشتری هم با دیگران دارند. در نتیجه نگاه فرد به فرزندآوری و ارزش فرزند متاثر از سرمایه فرهنگی وی نیز می‌تواند باشد. در دنیای امروز که افراد رغبت بیشتری

برای پیشرفت دارند، ممکن است وجود فرزند مانع دسترسی آنان به این مهارت‌ها شود و در نتیجه به موازات شهرنشینی و صنعتی شدن و اشاعه ارزش‌های جدید، نگرش‌ها و باورهای افراد به فرزند و فرزندآوری نیز قابل تغییر است. این نتیجه همسو با نتایج تحقیقات کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۶)، براتی و همکاران (۱۴۰۰) و کلین و اکهارد (۲۰۰۷) می‌باشد که در تحقیقات خود به نقش معکوس سرمایه فرهنگی در فرزندآوری اشاره داشته‌اند.

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر سرمایه اقتصادی و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و نسبتاً قوی ($-0/314$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/001$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان سرمایه اقتصادی افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند.

در این زمینه لېنشتاین معتقد است که منافع اقتصادی در فرزندآوری موثر است و در حالت کلی، منفعت یا عدم منفعت اقتصادی باعث می‌شود والدین تصمیم بگیرند که چه تعداد فرزند داشته باشند. ایجاد نوعی تعادل بین رضایت‌مندی اقتصادی و هزینه‌های نگهداری فرزند، زیربنای اصلی نگرش والدین در مورد تعداد فرزندان است. از نظر بکر نیز فرزند به عنوان کالای مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است. بکر می‌گوید: همان طوری که خانواده‌ها در مورد گزینش یک کالا تصمیم می‌گیرند، در مورد داشتن فرزند نیز تصمیم‌گیری می‌کنند. از نظر وی، تحصیلات بیشتر، از طریق بالا بردن سطح درآمد و موقعیت بهتر در بازار کار باروری را افزایش می‌دهد. همچنین بوردو نیز به نقش سرمایه اقتصادی به عنوان یک مولفه‌ی تاثیرگذار در کنش‌های انسانی اشاره دارد. این یافته همسو با نتایج تحقیقات شاهنوشی و سامی (۱۳۸۸)، پوررحیم (۱۳۸۰)، کلارک و لپنتر (۲۰۲۰)، هاپکراف (۲۰۱۴) و مودنا و همکاران (۲۰۱۴) می‌باشد که این محققین در پژوهش‌هایی که به انجام رسانده‌اند به نقش سرمایه اقتصادی و درآمد در میزان باروری و ارزش فرزند اشاره داشته‌اند.

در بررسی میزان همبستگی بین متغیر مدیریت بدن و نگرش به ارزش فرزندان می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معکوس و ضعیف ($-0/086$) و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد ($0/001$) وجود دارد. به عبارتی دیگر، هر چه میزان مدیریت بدن افزایش می‌یابد، میزان نگرش مثبت به ارزش فرزندان کاهش پیدا می‌کند. همچنین ضریب همبستگی بین بعد کنترل وزن و تناسب اندام مدیریت بدن در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. در این زمینه می‌توان گفت که از یک طرف باروری و فرزندآوری با بدن زنان در ارتباط است و تغییرات زیستی و ظاهری را در بدن آنها موجب می‌شود و در بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع چنین تصور می‌شود که حاملگی اختلالاتی در کنترل بدن ایجاد و تغییراتی را در اندازه و شکل بدن ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، بدن و مدیریت آن، راهی برای هویت‌یابی در دوران مدرن به حساب می‌آید. گیدنز معتقد است که زنان به طور ویژه‌ای براساس ویژگی‌های جسمانی و ظاهریشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند و احساس شرمساری آنها نسبت به بدن خود رابطه مستقیم با انتظارات اجتماعی دارد.

همچنین هنجارهای اجتماعی در مورد زنان به میزان بیشتری بر جذابیت جسمانی تاکید دارد. دوم اینکه تصویر مطلوب یک زن، تصویر لاغر اندام است تا عضلانی و سوم هر چند زنان نسبت به گذشته در عرصه اجتماعی فعال‌تر شده‌اند، ولی به همان اندازه که براساس موفقیت‌هایشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند، براساس وضعیت ظاهری و جسمانی‌شان ارزیابی می‌شوند. این یافته همسو با نتایج تحقیقات تقوایی فرد و همکاران (۱۳۹۹) و برگبوم و همکاران (۲۰۱۷) می‌باشد که در تحقیقات خود به نقش مدیریت بدن و تناسب اندام در رفتارهای باروری و ارزش و اهمیت فرزندان اشاره داشته‌اند.

در بررسی نقش متغیرهای زمینه‌ای پژوهش که در این تحقیق نقش متغیرهای وضعیت اشتغال، منطقه مسکونی و طبقه اقتصادی بررسی شده است، نتایج تحقیق حاکی از نقش موثر متغیرهای وضعیت اشتغال و منطقه مسکونی در نگرش به ارزش فرزندان دارد. این یافته همسو با نتایج تحقیقات هاشمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۶)، ارجمند سیاپوش و برومند (۱۳۹۵)، رسول‌زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۵) و پوررحیم (۱۳۸۰) می‌باشد که به نقش این متغیرها در رفتارهای باروری و ارزش فرزندان اشاره داشته‌اند.

با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد جامعه ایران مثل تمامی جوامع در حال توسعه تحت تاثیر دنیای مدرن و صنعتی شدن قرار گرفته و به نوعی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی جدیدی را به وجود آورده و همین عوامل باعث تغییر در نگرش به ارزش فرزند شده است. در این راستا به نظر می‌رسد که با تقویت حمایت‌های دولتی از زوج‌های جوان و تقویت برنامه‌های حمایتی در راستای جوانی جمعیت، افزایش حمایت‌های اجتماعی و فرهنگی هم از سوی دولت هم از سوی خانواده‌ها، تشویق زوجین به فرزندآوری با استفاده از ارائه تسهیلات بلندمدت، افزایش مرخصی‌های بعد زایمان برای زنان شاغل و ارائه طرح‌های حمایتی در راستای نگهداری فرزندان زنان شاغل در مراکز اداری و آموزشی می‌توان اقدامات موثری را در زمینه ارتقای ارزش فرزندان در جامعه و تشویق زوجین به فرزندآوری برداشت.

منابع

- ابراهیمی، قربانعلی و ضیاءپور، آرش. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی تاثیر سرمایه فرهنگی بر مدیریت بدن (مطالعه تجربی جوانان شهر گیلان غرب)». فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی. شماره ۱، صص ۱۲۲۵-۱۴۸.
- اوجاقلو، سجاد و سرایی، حسن. (۱۳۹۳). «مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان)». فصل‌نامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. سال ۳، شماره ۲، صص ۲۴۸-۲۶۱.
- براتی، طوبی؛ کنعانی، محمد امین و عبداللهی چندانق، حمید. (۱۴۰۰). «سرمایه فرهنگی و باروری (مطالعه‌ای در میان زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله شهر رشت)». فصل‌نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال ۱۶، شماره ۳۱، صص ۱۵۹-۱۹۱.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. مرتضی مریدیها. تهران: انتشارات نقش و نگار

- بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). **نظریه کنش**. مرتضی مردی‌ها. تهران: نقش و نگار
- پوررحیم، محمدرضا. (۱۳۸۰). «ارزش فرزندان از دیدگاه زوجین و رابطه آن با باروری و تنظیم خانواده (مطالعه موردی: شهرستان بهشهر)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پی‌یر، بوردیو. (۱۳۹۰). **تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی**. حسن چاوشیان. چاپ اول، تهران: نشر ثالث
- ترابی، فاطمه و شیدانی، رضا. (۱۳۹۸). «بررسی عوامل موثر بر گرایش زنان ۱۵-۴۹ ساله ساکن شهر تهران به فرزندآوری کمتر». فصل‌نامه مطالعات زن و خانواده پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا. دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۱-۶۳.
- تقوایی فرد، لیلا؛ کریمی، مجید رضا؛ راسخ، کرامت‌اله. (۱۳۹۹). «بررسی مدیریت بدن در بین زنان و تاثیر آن بر نگرش آنها نسبت به باروری (مورد مطالعه: زنان در ستین باروری شهر جهرم)». فصل‌نامه زن و جامعه. سال ۱۱، شماره ۳، صص ۴۷-۶۶.
- تقوایی فرد، لیلا؛ کریمی، مجید رضا و راسخ، کرامت‌اله. (۱۳۹۸). «تاثیر مصرف رسانه‌ای بر نگرش زنان به فرزندآوری در شهر جهرم». دو فصل‌نامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر. سال ۸، شماره ۱۵، صص ۶۷-۸۷.
- جوکار، محبوبه و صفورایی پاریزی، محمد مهدی. (۱۳۹۳). «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران». پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده. سال ۲، شماره ۲، صص ۳۹-۶۹.
- چمنی، سولماز؛ شکریگی، عالیّه و مشفق، محمود. (۱۳۹۵). «مطالعه تعیین‌کننده جامعه‌شناختی فرزندآوری (موردکاوی: زنان متاهل شهر تهران)». فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۳۷-۱۶۵.
- رسول‌زاده‌ا قدم، صمد؛ افشار، سیمین؛ عدلی‌پور، صمد. میرمحمدتبار، سید احمد. (۱۳۹۵). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)». فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. سال ۵، شماره ۲۰، صص ۱۰۷-۱۳۵.
- ساعی قره‌ناز، مرضیه؛ ازگلی، گیتی؛ حاجی‌زاده، فهیمه؛ شیخان، زهره؛ نصیری، ملیحه و جان‌نثاری، شراره. (۱۳۹۵). «ارتباط جهت‌گیری مذهبی با قصد فرزندآوری و تعداد فرزندان موجود و مطلوب از نظر زنان شاغل در مراکزهای منتخب شهر تهران». فصل‌نامه پژوهش در دین و سلامت. دوره ۳، شماره ۱، صص ۹۰-۷۹.
- سفیری، خدیجه؛ کمالی، افسانه و فرجی، الهه. (۱۳۹۶). «بررسی جامعه‌شناختی نگرش مثبت به فرزند (مطالعه زنان شهر ایلام)». فصل‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. دوره ۱۹، شماره ۷۵، صص ۱۰۹-۸۵.
- سیاه‌پوش ارجمند، اسحق و ناهید، برومند. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر گرایش به فرزندآوری در شهر اندیمشک با تاکید بر سبک زندگی (مطالعه موردی: زنان متاهل کمتر از ۳۵ سال)». فصل‌نامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. سال ۶، شماره ۲۱، صص ۹-۲۴.
- شاهنوشی، مجتبی و اعظم، سامی. (۱۳۸۸). «بررسی تفاوت ارزش فرزندان در مناطق شهری و روستای شهرستان سمیرم». فصل‌نامه جامعه‌شناسی. دوره ۵، شماره ۳، صص ۷۵-۹۶.
- صادقی، حنانه سادات و سرایی، حسن. (۱۳۹۵). «عوامل موثر بر گرایش به فرزندآوری زنان شهر تهران». فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. سال ۷، شماره ۲۷، صص ۱-۳۲.
- طاووسی، محمود؛ مطلق، محمد اسماعیل؛ اسلامی، محمد؛ حائری مهریزی، علی اصغر؛ هاشمی، اکرم و منتظری، علی. (۱۳۹۴). «فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش‌آزمون یک مطالعه ملی». فصل‌نامه پایش. سال ۱۴، شماره ۵، صص ۵۹۷-۶۰۵.
- عباس‌زاده، محمد؛ آقایی‌هیرو، توکل؛ علی‌زاده اقدم، محمد باقر و عدلی‌پور، صمد. (۱۳۹۸). «نقش دینداری، خانواده‌گرایی، رسانه‌های نوین و بازاندیشی مدرن در نگرش به فرزندآوری در زنان و مردان متاهل ۱۸-۴۹ ساله». نشریه پایش. سال ۱۸، شماره ۲، صص ۱۷۳-۱۸۲.

- عباسی شوازی، محمد جلال؛ محمودیان، حسین؛ صادقی، رسول و قربانی، زهرا. (۱۳۹۷). «تاثیر جهت‌گیری‌های ارزشی-نگرشی بر ایده‌آل‌های فرزندآوری در ایران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال ۱۳، شماره ۲۶، صص ۳۷-۶۶.
- قربانی، فائزه؛ گلمکانی، ناهید و شاکری، محمد تقی. (۱۳۹۵). «ارتباط استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش به فرزندآوری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و فردوسی مشهد: مطالعه مقطعی». فصل‌نامه زنان و مامائی و نازایی ایران. دوره ۱۹، شماره ۱۹، صص ۱۵-۲۴.
- کاوه فیروز، زینب؛ زارع، بیژن و جهانپخش گنجه، صادق. (۱۳۹۶). «تاثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزندآوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه شهر تهران)». فصل‌نامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۴۳.
- کرمی قهی، محمد تقی و زادسر، زینب. (۱۳۹۲). «سنجش بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی (مطالعه موردی: زنان ۲۰ ساله و بیش‌تر ساکن شهر تهران)». فصل‌نامه فرهنگ و هنر. شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۱.
- کلانتری، صمد؛ بیک محمدی، حسن و زارع شاه‌آبادی، اکبر. (۱۳۸۴). «عوامل جمعیتی موثر بر باروری زنان یزد در سال ۱۳۸۴». فصل‌نامه پژوهش زنان. سال ۳، شماره ۱۲، صص ۱۳۷-۱۵۶.
- کلانتری، صمد؛ عباس‌زاده، محمد؛ امین مظفری، فاروق و راکعی پناپ، ندا. (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان متاهل شهر تبریز)». فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره پیاپی (۳۷)، صص ۸۳-۱۰۴.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). **تجدد و تشخیص در جامعه جدید**. ناصر موفقیان. تهران: نی
- محمودی، سید جواد و صادقی، حنا سادات. (۱۳۹۳). «تاثیر ارزش فرزندان بر گرایش به داشتن فرزند دیگر در شهر تهران». فصل‌نامه جمعیت، شماره ۸۷ و ۸۸، صص ۱-۲۰.
- مدیری، فاطمه. (۱۳۹۶). «بررسی مقایسه‌ای تاثیر دینداری و نگرش‌های جنسیتی بر قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت در شهر تهران». فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. سال ۸، شماره ۳۲، صص ۲۰۲-۱۷۱.
- مدیری، فاطمه؛ تنها، فاطمه و گیلانی، نرجس. (۱۴۰۰). «تعیین‌کننده‌های اقتصادی-اجتماعی قصد و رفتار فرزندآوری در مردان شهر تهران». فصل‌نامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۱۲۳-۱۱۴۷.
- مدیری، فاطمه و رازقی نصرآباد، حبیبه‌بی‌بی. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران». نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۲۷-۱۶۲.
- مشفق، محمود و غریب عشقی، سارا. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر رابطه ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی». فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان. سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۹۳-۱۲۰.
- هاشمی‌نیا، فاطمه؛ رجبی، ماهرخ و احمدی، علی‌یار. (۱۳۹۶). «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۹ ساله شهر شیراز)». فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۸، شماره پیاپی (۶۷)، شماره ۳، صص ۶۱-۷۸.
- Abu Sadat Nurullah, MA. (2012). "RECEIVED AND PROVIDED SOCIAL SUPPORT: A REVIEW OF CURRENT EVIDENCE AND FUTURE DIRECTIONS". American journal of health studies, No. 27(3):173-188.
- Adsera A. (2006). **Differences in Desired and Actual Fertility: An Economic Analysis of the Spanish Case**. Review of Economics of the Household, Vol. 4, No. 1, and pp.75-95.
- Bachrach, C.A. & Morgan, S.P. (2011). **Further reflections on the theory of planned behavior and fertility research**, Vienna Yearbook of Population Research, 9: 71-74. doi: <https://www.jstor.org/stable/41342805>. [link]
- Beck, U & Beck- Gernsheim, E. (1995). **The Normal Chaos of Love**. Cambridge: Polity Press
- Beck, U & Beck-Gernsheim, E. (2002). **Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequence**. London: sage.

- Beck, U. (1992). **Risk Society: Toward a New Modernity**. London: Sage Publication.
- Bergbom, I., Modh, C., Lundgren, I., & Lindwall, L. (2017). **“First time pregnant women's experiences of their body in early pregnancy”**. *Scandinavian journal of caring sciences*, 31(3), 579-586.
- Berge, Hoel, Dasre b, Aurelien (2024). **“Religious affiliation, education, and fertility in sub-Saharan Africa”**. *Journal of World Development*, 184: 1-32.
- Bernardi, Laura & Klarner, Andreas. (2014). **“Social networks and fertility”**. *Journal of Population Sciences*, No 30; pp. 641-670.
- Buhler, Christoph. (2009). **“On the Structural Value of Children and Its Implication on Intended Fertility in Bulgaria”**. *Demography Research*, No 18: 569-610.
- Chan, R. (2007). **“Family at-Risks: the risks and its management in Hong Kong”**. The 4th Annual East Asian Social Policy Research Network International Conference University of Tokyo, Tokyo, Japan
- Clark, A. E, & Lepinteur, A. (2020). **“A Natural Experiment on Job Insecurity and the United Saates: Structural economic conditions and perceived economic uncertainty”**. *Demographic Research*, 36 (51), 1549-1600. Doi: 10.4054/ DemRes. 2017.36.51.
- Dhillon, P., Singh, L. L. (2010). **“Time varying and unvarying factors affecting ideal and actual family size in North India”**. Received from ppa2010. princeton.edu/download. aspx.
- Fawcett, J. (1974). **“The Value of Children in Asia and The United States”**. East- West population Institute, No. 32.
- Fawcett, J.T. (1972). **“The Satisfactions and Costs of Children: Theories, Concepts, Methods”**. Hawaii, East-West Center.
- Fuse, K. (2013). **“Daughter preference in Japan: A reflection of gender role attitudes?”** *Demographic Research*, 28(36), 1021- 1052.
- Gilbert M. Talaue, Ali AlSaad, Naif AlRushaidan, Alwaleed AlHugail, Saad AlFahhad. (2018). **“The Impact of Social Media on Academic Performance of Selected College Students”**. *International Journal of Advanced Information Technology (IJAIT)* Vol. 8, No.4/5: 27-35.
- Goldstein, J., Lutz, W. & Testa, M. R. (2003). **“The emergence of sub-replacement family size ideals in Europe”**. *Population research and policy review*, 22(5), 479-496.
- Goodman, A., & Koupil, I. (2010). **“The Effect of School Performance upon Marriage and Long-term Reproductive Success in 10,000 Swedish Males and Females Born 1915-1929”**. *Evolution and Human Behavior*, No. 6: 425-435.
- Gunther, I. and Harttgen, K. (2016). **“Desired Fertility and Number of Children born across time and space”**. *Demography*, 53 (1): 55-83.
- Henz, U. (2008). **“Gender Roles and Values of Children Childless Couples in East and West Germany”**. *Demographic Research*, 19(39), 1451-1500.
- Hoffman, L. W. & Hoffman, M.L. (1973). **“A psychological perspective on the value of children to parents”**. In J. T. Fawcett (ed.) *The Satisfactions and Costs of Children: Theories, Concepts, Methods. Hawaii: EastWest Center*.
- Hoffman, L.W., A. Thornton, and J. Dm, Manis. (1978). **“The Value of Children to Parents in the United States”**, *Journal of Population*, Vol. 1(2).
- Hopcroft, R. L. (2015). **“Sex Differences in the Relationship between Status and Number of Offspring in the Contemporary US”**, *Evolution and Human Behavior*, No. 2: 146-151.
- Khatun, T. (2011). **“Desired and actual fertility in Bangladesh: The role of mass media and social interactions”**. Erasmus University.
- Klaus, D., Suckow, J., Nauck, B. (2007). **“The Value of Children in Palestine and Turkey: Differences and the Consequences for Fertility”**. *Current Sociology*, 55(4): 527-544.

- Klein, T., Eckhard, J. (2007). **“Educational Differences, Value of Children and Fertility Outcomes in Germany”**. *Current Anthropology*, 55(4): 505-525.
- Kreyenfeld, M.R. (2005). **“Economic Uncertainty and Fertility Postponement Evidence from German Panel Data”**. MPIDR Working Paper WP 2005-034, <http://www.demogr.mpg.de/papers/working/wp-2005-034.pdf>.
- Lappegard, T., & Marit, R. (2011). **“Socioeconomic Differentials in Multi-Partner Fertility among Men”**. Discussion Papers Statistics Norway, Research Department 653.
- Lee R, Mason A. (2014). **“Is low fertility really a problem? Population aging, dependency, and consumption”**. *Science*, 346 (6206): 229-234.
- Lindsey, L. L. (2015). **Gender Roles: A Sociological Perspective**, Boston, MA: Prentice Hall.
- Lutz W, Skirbekk V, Rita Testa M. (2006). **“The Low-Fertility Trap Hypothesis: Forces that May Lead to Further Postponement and Fewer Births in Europe”**. *Vienna Yearbook of Population Research*, Vol. 4: pp. 167-192.
- Miller, W. B., Jones, J., & Pasta, D. J. (2016). **“An implicit ambivalence-indifference dimension of childbearing desires in the National Survey of Family Growth”**. *Demographic Research*, 34, 203–242
- Mills, M., Mencarini, L., Tanturri, M. L. & Begall, K. (2008). **“Gender equity and fertility intentions in Italy and the Netherlands”**. *Demographic research*, 18, 1-26.
- Modena, F. Rondinelli, c. Sabatini, F. (2012). **“Economic Insecurity and Fertility Intentions: The Case of Italy”**. *Review of Income and Wealth*, Volume 60, Issue S1 p. S233-S255.
- Naghibasadat, S.R. (1389). **“The role of economic, social and cultural factors in women attitude toward fertility”**. *Social science Quarterly Book Review*, (36); [In Persian].
- Régnier-Loilier, A., Vignoli, D. & Dutreuilh, C. (2011). **“Fertility intentions and obstacles to their realization in France and Italy”**. *Population*, 66(2), 361-389.
- Samson A. Arekete, Dorcas M. Okewole, Bosede O. Oguntunde, Godspower P. Osilama. (2017). **“Impact of Social Networking Media Usage on the Academic Performance of Students of the Redeemer’s University”**. *International Journal Of Engineering Research And Development*, Volume 13, Issue 10: 56-66.
- Smith, Stanley K., Tayman, Jeff, Swanson, David, A. (2002). **“State and Local Population Projections: Methodology and Analysis”**. The Springer Series on Demographic Methods and Population Analysis.
- Suckow, J., Klaus, D. (2002). **“Value of Children in Six Cultures”**. In Nauck, B. & Suckow, J. (Ed.): *Soziale Netzwerke und Generation*.
- Testa, M. R. & Grilli, L. (2006). **“The influence of childbearing regional contexts on ideal family size in Europe”**. *Population*, 61(1), 99-127
- Tintelen, Amke M.G. van, Stulp, Gert. (2024). **“Explaining uncertainty in women’s fertility preferences”**. *Journal of Helion*, 10: 1-12.
- United Nations Population Division. (2018). **“World Population Prospects: 2017 Revision”**. United Nations: New York. <https://www.compassion.com/multimedia/world-population-prospects.pdf>
- Weeks, John R. (2002). **“POPULATION an Introduction to Concepts and Issues”**. San Diego State University.
- Wilson, Chris. Pison, Gilles. (2004). **“More than half of the global population lives where fertility is below replacement level”**. *Journal of Population & Societies*, No 405: 1-4.

شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی (با تأکید بر جوانان)

داود محمدی^۱

سیدعلی جبار گلباغی ماسوله^۲

عاطفه لركجورى^۳

وحید زارعی شریف^۴

 [10.22034/ssys.2024.3393.3480](https://doi.org/10.22034/ssys.2024.3393.3480)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

این پژوهش به دنبال دستیابی به تدابیر پیشگیرانه و حمایتی برای زنان بزه‌دیده در جرائم جنسی است و در این راستا، حقوق ایران را بررسی و کاستی‌ها و مشکلات حقوقی در این زمینه را تبیین می‌کند. این پژوهش از نوع مطالعه اسنادی است و متون و مقالات جرم‌شناسی، حقوق جزا، قوانین و قواعد فقهی، قوانین موضوعه و اسناد داخلی نمایه‌شده در پایگاه‌های معتبر اطلاعاتی را مورد بررسی قرار داده است. پس از گردآوری اطلاعات، تحلیل داده‌ها به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام شد. رویکرد این پژوهش انتقادی است و چالش‌های حقوقی مرتبط با زنان بزه‌دیده جرائم جنسی را بررسی می‌کند. براساس یافته‌های پژوهش اهم چالش‌های موضوع در نظام حقوقی ایران عبارت‌اند از: عدم تعریف جامع و دقیق از جرائم جنسی، عدم توجه کافی به مفهوم رضایت در جرائم جنسی، عدم وجود سازوکارهای حمایتی کافی برای قربانیان، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی منفی نسبت به قربانیان. در نهایت راهکارهایی چون: اصلاح قوانین و مقررات، ارتقای آگاهی عمومی، تقویت سازوکارهای حمایتی، ارتقای همکاری بین‌المللی و تقویت نقش جامعه مدنی به عنوان اهم روش‌های برون‌رفت از چالش‌های این حوزه ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تدابیر پیشگیرانه، زنان، جرائم جنسی، چالش‌های حقوقی و جرائم جوانان.

^۱ دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران

^۲ استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران E-mail: Pm.sadra87@gmail.com

^۳ استادیار، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران

^۴ استادیار، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان، ایران

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که جوانان در عین آنکه بیشترین ارتکاب جرائم را به خود اختصاص می‌دهند، بیشترین قربانیان جرائم- از جمله جرائم جنسی- نیز هستند. (فاطمی‌نیا، کاظمی و پروین، ۱۴۰۱). خشونت علیه زنان، یک مسئله عمده بهداشت عمومی و نقض حقوق بشر زنان است. برآوردهای سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که در سراسر جهان، حدود ۱ نفر از هر ۳ زن (۳۰ درصد) در طول زندگی خود مورد خشونت فیزیکی و/یا جنسی قرار گرفته‌اند.^۱ خشونت جنسی، هر نوع رفتار جنسی مضر یا ناخواسته‌ای است که به یک فرد تحمیل می‌شود و مواردی مانند اعمال تماس جنسی توهین‌آمیز، درگیر شدن اجباری در اعمال جنسی، تلاش یا انجام اعمال جنسی با یک زن بدون رضایت او، آزار جنسی، آزار کلامی، تهدید، قرار گرفتن در معرض، تماس بدنی ناخواسته، زنا با محارم و غیره را شامل می‌گردد.^۲ جرائم جنسی علیه زنان بعد از جرائم خشونت‌آمیز بالاترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد (جوان جفری بجنوردی و شاهیده، ۱۳۹۳). نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که زنان جوان در شهر تهران، آزار جنسی کلامی را تجربه می‌کنند (شکری و هاشمی، ۱۳۹۳). همچنین زنان در محیط‌های کار با این مسئله مواجه‌اند (رجب لاریجانی، ۱۳۸۹). سیر صعودی و گسترش جرائم جنسی در زنان و پیچیدگی و سازمان‌یافتگی اشکال مختلف آن، آسیب‌های فراوانی به اجتماع و کانون خانواده‌ها وارد می‌سازد و سهم زیادی در فروپاشی و از هم گسیختگی این نهاد بنیادین دارد (تاج‌بخش، ۱۴۰۰؛ زمردیان و اکبری، ۱۴۰۰). این پدیده به شکل چند بعدی و پنهان و به صورت خزنده در لایه‌های زیرین جوامع رسوخ می‌کند و سلامت امنیتی، اخلاقی، بهداشتی و روانی جامعه را به مخاطره می‌اندازد. همچنین با انواع آسیب‌های اجتماعی و مفاسد دیگر نیز ارتباط می‌یابد و به مثابه تهدیدی جدی اندیشمندان، قانون‌گذاران، سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد را به تفکر و یافتن چاره‌ای برای کنترل و مقابله با این هجوم خطرناک و ناآشکار واداشته است و چون اقدام در این مورد به نوعی با دخالت حاکمیت در حوزه رفتار خصوصی مرتبط است و ضرورت حفظ کیان خانواده نیز از اولویت‌های اصلی جوامع مختلف به شمار می‌آید، اهمیت این موضوع مضاعف گردیده است. بی تردید، لازمه مقابله با این پدیده پر خطر اجتماعی، شناخت صحیح و دقیق از ابعاد مختلف و زوایای پیدا و پنهان جرائم جنسی در زنان و بررسی علل و عوامل بزه‌دیدگی آنان می‌باشد.

بزه‌دیدگی زنان و احصا و شناسایی مواردی که زنان به عنوان قربانیان اصلی این پدیده شناخته می‌شوند، زمانی در حاشیه جرم‌شناسی مطرح می‌شد، اما امروزه به عنوان یکی از عناصر مهم، مباحث کلیدی و اصلی جرم‌شناسی به شمار می‌رود که توجه به قربانیان و نیازهای آن‌ها را مدنظر قرار داده است. از نظر جرم‌شناسی، سیاست جنایی و مطالعات نوین جرم‌شناسی، بزه‌دیدگی یکی از ارکان وضعیت پیش‌جنایی است که در تکوین جرم نقش موثری دارد و از این منظر بزه‌دیده، کسی است که آماج جرم قرار گرفته و به دنبال رویداد جرم از جهت جسمی، روانی یا مالی آسیب و زیان دیده و یکی از انواع حقوق او تضییع گردیده است. در اسناد بین‌المللی نیز بزه دیده، شخصی است که

^۱ <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/violence-against-women>

^۲ <https://www.unwomen.org>

به دنبال وقوع یک جرم به آسیب بدنی، روانی یا درد و رنج عاطفی یا زیان مالی یا آسیب جدی به حقوق اساسی خود دچار شده باشد (کاتیچ^۱، ۲۰۲۰) و طبق این تعریف بزه‌دیده می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد و هر دو گروه بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم را نیز شامل می‌شود.

بی تردید پرداختن به موضوع مذکور و کشف جنبه‌های مجهول و مغفول این پدیده از زاویه نگاه به قربانی و بزه‌دیده و بررسی حقوق و تدابیر حمایتی راجع به زنان بزه‌دیده می‌تواند آثار مطلوبی در تدوین سیاست جنایی مناسب در بزه‌دیده شناسی و حمایت از قربانیان بزه در پی داشته باشد و مشکلات ناشی از کم توجهی به حقوق حمایتی این بزه‌دیدگان را در حد امکان مرتفع سازد. برای نیل به این هدف یعنی علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی، بررسی علل و ریشه‌های بزه‌دیدگی از نکات مهم و ضروری است و می‌تواند در اتخاذ تدابیر حمایتی مطلوب، نقشی اثربخش ایفا نماید.

با عنایت به گستردگی جرائم جنسی علیه زنان، آنچه این پژوهش بدان می‌پردازد و در اولویت قرار می‌دهد، جرائم زنا، زنا به عنف، خشونت جنسی علیه زنان، قاچاق زنان به منظور بهره‌کشی جنسی، قوادی، ایجاد مراکز فساد یا فحشا و تشویق مردم به این امور و روسپی‌گری است، زیرا افزایش این جرائم و خسارات مادی و معنوی ناشی از ارتکاب آنها موجب گردیده تا حساسیت جوامع مختلف نسبت به این جرائم افزایش یابد به نحوی که در قوانین داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گرفته است. لذا در این مقاله از منظر جرم‌شناختی، سیاست قانون‌گذاری در مورد انواع جرائم جنسی و مصادیق آن در حقوق ایران مورد مطالعه قرار گرفته و کنش‌ها و تدابیر حمایتی مبتنی بر بزه‌دیده شناسی و نگرش‌های جرم‌شناختی در حقوق کشورمان را بررسی می‌نماید و کاستی‌ها و نواقص این تدابیر و اقدامات پیشگیرانه را احصا و خلاهای موجود را تبیین می‌نماید. حال با توجه به مطالب فوق این سوال مطرح است:

تدابیر پیشگیرانه و حمایتی در حقوق ایران در قبال بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی با چه کاستی‌ها و چالش‌هایی مواجه است و راه کارهای برون‌رفت از این چالش‌ها کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

بررسی و دقت نظر پیرامون تحقیقات و پژوهش‌های به عمل آمده راجع به بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی مبین آن است که در مورد این موضوعات تالیفات متعددی به صورت کتاب، پایان‌نامه و مقاله به رشته تحریر در آمده و یا از تالیفات نویسندگان خارجی ترجمه شده است، ولی هیچ یک از پژوهش‌های مذکور، مستقلاً و مستقیماً به موضوع تحلیل جرم‌شناختی بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی توأمان از منظر حقوق کیفری و جرم‌شناسی با رویکرد به حقوق ایران نپرداخته است. در اینجا به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود.

¹ Katić

فلاحی (۱۳۸۲) در پژوهشی به ضرورت اتخاذ سیاست‌های پیش‌گیرانه به منظور جلوگیری از اشاعه فساد و فحشا در جامعه اشاره کرده و از منظر جرم‌شناسی، حقوق جزا و فقه امامیه به بررسی پدیده روسپی‌گری و عوامل و پیامدهای آن پرداخته و به نقد عدم تعریف و جرم‌انگاری روسپی‌گری و جبران خلاءهای قانونی اشاره نموده است. زینالی (۱۳۸۳) در پژوهش خود، زنان را به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی برای بزه‌دیده واقع شدن مستعدتر دانسته و معتقد است که بزه‌کاران، قربانیان خود را از بین افرادی انتخاب می‌کنند که آسیب‌پذیرترند و خطر و هزینه بالایی برای آنها ندارند. از نظر محقق، بالا بردن هزینه ارتکاب جرم برای بزه‌کاران موجب کاهش وقوع جرم خواهد شد. به همین منظور اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی با جرم‌انگاری‌های ویژه و تشدید کیفر بزه‌کاران درمورد زنان بزه‌دیده را پیشنهاد می‌نماید.

شاکری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به توجیه حمایت از بزه‌دیدگی اطفال به‌ویژه کودکانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، پرداخته و سپس توجه به اتخاذ سیاست کیفری مناسب توسط قانون‌گذار درمورد این افراد را ضروری بر شمرده است و با انتقاد از سیاست تقنینی حاکم بر وضعیت اطفال و نوجوانان به ارائه پیشنهادات و راه کارهایی به منظور بهبود سیاست کیفری در امر پیشگیری و مبارزه با این پدیده پرداخته است.

بشری، الهی‌پورتی و رحیمی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌ها و راهبردهای سیاست کیفری ایران در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان شاغل» به نقش اشتغال زنان در بزه‌دیدگی آنان پرداخته و ضمن بررسی قوانین موجود با ۲۰ نفر از زنان شاغل در بخش‌های دولتی و خصوصی در سطوح مختلف شغلی مصاحبه کرده است. یافته‌های تحقیق نشان‌گر آن است که در هر سه حوزه تقنینی، قضائی و اجرایی نارسایی‌هایی وجود دارد و بسیاری از اشکال قربانی شدن خشونت‌آمیز زنان جرم‌انگاری نشده است و در آنچه جرم‌انگاری شده نیز ضمانت‌های اجرایی مناسبی که نقش موثری در کاهش جرم داشته باشد، به چشم نمی‌خورد و در نهایت، راه کارهای حمایتی را برای کاهش آمار بزه‌دیدگی، ترمیم آلام روحی بزه‌دیدگان و جبران خسارت‌های مادی و معنوی آنان پیشنهاد داده است.

حیدری و شریفی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به موضوع خشونت جنسی علیه زنان از جنبه‌های زیستی، ویژگی‌های شخصیتی، عوامل محیطی، بیماری‌های روانی و ناکامی‌ها در زندگی پرداخته و بهترین روش برای جلوگیری از آن را آگاهی‌افزایی زنان نسبت به قوانین و حقوق خویش می‌داند و نقش قوه قضائیه، نیروی انتظامی و بهزیستی را در کاهش خشونت علیه زنان موثر دانسته است.

گل پرور؛ نبی‌پور و حاجی‌تبار (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنایت به نقش سیاست‌گذاران در جلوگیری از بزه‌دیدگی و خشونت علیه زنان و از بین بردن عوامل جرم‌زا، پیشنهاداتی را مبنی بر افتتاح خط تلفن ثابت برای دسترسی شبانه‌روزی زنان خشونت‌دیده، افزایش حضور مددکاران اجتماعی در کلانتری‌ها، به‌کارگیری افسران زن متخصص به عنوان پلیس و افزایش اختیارات اورژانس اجتماعی ارائه نموده است.

کوک^۱ و همکاران (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان «مراقبت از قربانیان آزار جنسی»، به تعاریف قانونی سوءاستفاده جنسی و شواهد پزشکی قانونی پرداخته و اثر آزار جنسی را بر قربانیان مطالعه کرده‌اند و بر نیاز به مراقبت جسمی و روانی تأکید نموده‌اند. شواهد بررسی شده نشان می‌دهد که عدم مراقبت از قربانیان، معضلات بالینی ایجاد می‌کند.

مبارک^۲ (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «حمایت قانونی از قربانیان خشونت جنسی در اندونزی» به دیدگاه‌های بزه‌دیده‌شناسی و فقه جنایت به خشونت جنسی به منزله مشکلی جهانی پرداخته‌اند که حقوق بشر و آزادی‌ها را نقض می‌کند.

مانورونگ و پنجیتان^۳ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به بررسی ماهیت چندوجهی تمایلات جنسی می‌پردازد و بر اهمیت آن در بقا و توسعه انسان در چارچوب جامعه اندونزی تأکید می‌کند. این مطالعه جنبه‌های منفی مرتبط با تمایلات جنسی به‌ویژه سوءاستفاده جنسی را که به اشکال مختلف مانند آزار، استثمار و خشونت ظاهر می‌شود، بررسی می‌کند.

بدریانتی^۴ و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «جنبه‌های حمایت قانونی توسط دولت در برابر قاچاق کودکان و زنان»، به قاچاق انسان به عنوان مشکلی پیچیده پرداخته و اذعان کرده‌اند که اکثر قربانیان را دختران زیر سن قانونی تشکیل می‌دهند که با هدف استثمار جنسی یا کار اجباری یا موارد دیگر قاچاق شده‌اند. سوگانی^۵ (۲۰۲۳) به طور خاص، زنان معلول قربانی جرائم جنسی را مورد مطالعه قرار داده است. زنان دارای معلولیت، قربانی جنایت تجاوز جنسی هستند. بنابراین نیاز به حمایت قانونی دارند و لازم است علاوه بر حمایت‌های قانونی، فعالیت‌های پیشگیری نیز به منظور کاهش تعداد اعمال مجرمانه سازماندهی شود. نتایج پیشنه تجربی موضوع نشان می‌دهد شناسایی چالش‌ها و تدابیر پیشگیرانه در قبال بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی در ایران مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. در این مقاله تلاش می‌شود تا به این مهم پرداخته شود.

ادبیات نظری پژوهش

نظریه‌های نقش‌آفرینی قربانی

تئوری‌های نقش‌آفرینی قربانی به دنبال توضیح این هستند که چه اقدامات یا ویژگی‌هایی خطر آسیب قربانیان را افزایش می‌دهند. این رویکرد، مفهوم‌سازی‌های گسترده و محدود مانند مقصر بودن قربانی، درگیر شدن در سبک زندگی مجرمانه، رویارویی مستقیم یا شروع درگیری با دیگران و رفتار بی‌دقتی که به عنوان زمینه‌ساز وقوع جرم

¹ Cook et al.

² Mubarak

³ Manurung & Panjaitan

⁴ Badriyanti et al.

⁵ Sugiani

شناخته می‌شود را در بر دارد. به زبان ساده، اعتقاد بر این است که قربانی نقش فعالی در ایجاد آسیب به خود دارد و برخی از قربانیان ویژگی‌های آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

نظریه‌های مواجهه و فرصت

نظریه‌های فرصت به چگونگی تسهیل بسترهای اجتماعی برای قربانی شدن می‌پردازند. آثار مهم هندلانگ، گوتفردسون و گاروفالو¹ و کوهن و فلسون پایه و اساس نظریه‌های فرصت را فراهم کردند. هندلانگ و همکاران بررسی کردند که چگونه و چرا مرد جوان کم‌درآمد آفریقایی بیشتر در معرض قربانی شدن هستند و انتظارات اجتماعی و محدودیت‌های ساختاری چگونه بر احتمال قربانی شدن تأثیر می‌گذارند. مدل سبک زندگی اذعان دارد که احتمال قربانی شدن هر فرد به شدت به سبک زندگی او وابسته است - این رویکرد تازه‌ای نیست و در علوم مختلف از جمله پزشکی به شکلی بدیهی مطرح می‌شود.

کوهن و فلسون در مورد الگوهای سبک زندگی روزمره اظهار نظر کردند و مقاله تأثیرگذاری در مورد چگونگی فعالیت‌های معمول یا فعالیت‌های مشترک منتشر نمودند. آنها استدلال کردند که فعالیت‌های روزمره‌ای که مستلزم دور از خانه بودن و سپری کردن وقت در مکان‌های عمومی است، زمینه‌های بیشتری برای وقوع جرم ایجاد می‌کند و وقوع این نوع قربانی شدن نتیجه همگرایی در فضا و زمان سه عنصر مجرمان با انگیزه، اهداف مناسب، و عدم وجود سرپرستان توانمند است. این عوامل اصلی زمینه‌ساز با عناوین فرصت، مجاورت/ قرار گرفتن در معرض و عوامل تسهیل‌کننده معرفی می‌شوند.

نظریه‌های فرهنگی

نظریه‌های یادگیری اجتماعی و فرهنگی عقیده دارند که قربانی شدن به عنوان یک فرآیند توسط هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مورد انتظار و از طریق تعامل بین مجرم و قربانی، گروه‌های همسالان، خانواده یا به طور گسترده‌تر، جامعه منتقل می‌شوند. نظریه‌های فرهنگی برای توضیح قربانی شدن به گسترش پذیرش خشونت و توسط فرهنگ‌ها و ارزش‌های تأییدکننده آن که خلاف جریان اصلی فرهنگی است می‌پردازند و عقیده دارند که قربانی شدن از طریق هنجارها و ارزش‌ها آموخته یا منتقل می‌شود.

نظریه‌های انتقادی

نظریه‌های انتقادی تعاریف گسترده‌تری از قربانی ارائه می‌دهند که با تعاریف محدود حقوقی متفاوت است. این نظریات استدلال می‌کنند که خطر قربانی شدن ممکن است از طریق به حاشیه‌راندن اجتماعی مانند نژادپرستی و تبعیض جنسی افزایش یابد و یا نیروهای سیاسی ممکن است از قدرت به نفع قربانی کردن سوءاستفاده کنند. قربانی‌شناسی انتقادی به دسته‌های خاصی از قربانیان می‌پردازد و به عنوان مثال با رویکردهای فمینیستی که از اهمیت بالایی برخوردار بوده، قربانی شدن زنان را تبیین می‌کند و به ساختارهای قدرت مردانه و تحمیل پدرسالاری فرهنگی

¹ Hindelang, Gottfredson & Garofalo

می‌پردازند (دی کیزردی و شوارتز^۱، ۲۰۱۱). پاکسی و رندا^۲ (۲۰۲۳) بر اجرای قانون جرم آزار جنسی با حالت توقف علیه زنان کار متمرکز شده‌اند. پدیده آزار جنسی، به ویژه در محل کار نشان‌دهنده یک موضوع جهانی فراگیر است که از مرزهای ملی فراتر رفته و به اشکال مختلف از جمله آزار و اذیت فیزیکی، غیرکلامی و کلامی خود را نشان می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش به روش مطالعه اسنادی است، به طوری که با بررسی متون حقوق جزا و جرم‌شناسی، مطالعه قوانین موضوعه، منابع معتبر فقهی، مقالات و کتب حقوقی داخلی داده‌های مورد نیاز از پایگاه‌های داده‌ای معتبر داخلی جمع‌آوری شده است. واژگان مورد بررسی شامل خشونت جنسی زنان، جرائم جنسی، جرائم جنسی زنان، تدابیر پیشگیرانه جرائم جنسی در ۳۰ ساله گذشته در ایران می‌شود. متون مورد استفاده ۵۰ سند به صورت تمام‌شمار بوده است. با نگاه جرم‌شناختی، سیاست جنایی ایران را در خصوص بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی با توجه به سیاست‌های قضایی، اجرایی و قوانین موضوعه توصیف و تحلیل نموده و نقاط ضعف و قوت این سیاست‌ها را راجع به تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از منظر بزه‌دیده‌شناسی مورد ارزیابی قرار داده است و در نهایت سیاست‌هایی که حذف، اصلاح و یا پیش‌بینی آن می‌تواند در کاهش بزه‌دیدگی زنان در جرائم جنسی موثر باشد، شناسایی کرده و راه کارهای برون‌رفت از این کاستی‌ها و چالش‌ها را ترسیم نموده است.

یافته‌های پژوهش

۱- عدم جرم‌انگاری برخی از جرائم جنسی: چالشی برای عدالت و حمایت از قربانیان
عدم جرم‌انگاری برخی از جرائم جنسی، یک چالش مهم در قوانین ایران است. این فقدان جرم‌انگاری همه‌جانبه که یک نگرانی مبرم است، مانع کارآمدی سیستم‌های امنیتی، قضایی و اجرایی می‌شود. ماهیت بهم پیوسته این سیستم‌ها به این معنی است که ناکارآمدی یکی، بدون توجه به دلیل، عملکرد سیستماتیک سایرین را مختل می‌کند و زمینه مساعدی را برای گسترش جرائم ایجاد می‌نماید. این ضعف سیستمی با طیفی از قوانین ناکافی، تحریم‌های سنتی نامتناسب و دخالت پرسنل بی‌صلاحیت تشدید می‌شود که به طور جمعی به چالش‌های پیش روی قوانین ایران در رسیدگی به جرائم و انحرافات جنسی کمک می‌کنند. یکی از بارزترین چالش‌های موجود در قوانین ایران در مورد جرائم و انحرافات جنسی، عدم توجه به برخی ناهنجاری‌های موجود است. قانونگذار عمداً یا غیر عمد در احراز عواقب قانونی لازم برای این اعمال کوتاهی کرده است. در نتیجه، به این جرائم کیفری به اندازه کافی در حوزه قانون‌گذاری و مجازات رسیدگی نشده است. این شکاف قانونی، نظام کیفری ایران را با زیرمجموعه‌ای از جرائم و انحرافات جنسی که طبقه‌بندی قانونی خاصی برای آنها وجود ندارد، دست و پنجه نرم می‌کند. اعمالی مانند فحشا، ترغیب جوانان به فسق و انحراف جنسی، هیمنوپلاستی بدون زنا یا ثابت شده و سود بردن از فحشای زنان، روابط

¹ DeKeseredy & Schwartz et al.

² Paksi, A. K., & Renta, P. P.

جنسی اجباری زوجین، اجبار به اعمال جنسی توسط اعضای خانواده، زنا برای ازدواج یا اخاذی، جرائم جنسی علیه افراد دارای کم توانی، فاقد عناوین قانونی خاص یا مجازات تعیین شده است (آخوندی، ۱۳۸۲: ۲۲).

عدم جرم انگاری برخی انحرافات جنسی نیز موضوعی پیچیده و چالش برانگیز به نظر می رسد. در حالی که برخی استدلال می کنند که انحراف جنسی صرفاً یک انحراف است که به بهترین وجه از طریق درمان به آن پرداخته می شود، به نظر می رسد که فقدان پیامدهای قانونی مناسب می تواند اثرات مخربی بر امنیت اجتماعی و رفاه فردی داشته باشد. منظور برابر دانستن همه انحرافات با جرائم جدی و اعمال مجازات های سخت نیست، بلکه درک این موضوع است که این رفتارها اغلب از ریشه های پیچیده و گاه فیزیولوژیکی ناشی می شود که نیاز به مداخله دارد. ما با افرادی روبه رو هستیم که دارای نمایندگی هستند که اقدامات آنها می تواند عواقب قابل توجهی داشته باشد. بنابراین، اجباری کردن برخورد با سطوح فزاینده اجرا، به جای واگذاری آنها به حال خودشان می تواند به عنوان یک بازدارنده مؤثرتر عمل کند و به یک سیاست عدالت کیفری قوی تر و ظریف تر کمک نماید. این رویکرد پیوند بین انحراف و جرم را تصدیق می کند و تشخیص می دهد که در حالی که همه جرائم نشان دهنده انحراف از هنجارهای اجتماعی هستند، اما همه انحرافات جرم انگاری نمی شوند. این درک برای توسعه راهبردهای پیشگیری از جرم موثر است که به علل ریشه ای رفتار مجرمانه می پردازد (روسو، ۱۳۴۹: ۲۷). فقدان بازدارنده های قانونی برای برخی انحرافات جنسی، مجریان قانون و مقامات قضایی را از ابزارهای لازم برای تضمین امنیت عمومی و حفظ ارزش های اجتماعی محروم می کند و در نهایت مانع از توانایی آنها برای رسیدگی مؤثر به این موضوع پیچیده می شود. ساخت و تملک اسباب بازی های جنسی بدون رابطه مشروع، تنوع طلبی جنسی، انحراف جنسی شامل تحقیر و تجاوز و آزار و اذیت شامل لمس فیزیکی از جمله مصادیق این موضوع است.

۲- چالش های قانون گذاری و حمایت قانونی از قربانیان جرائم جنسی

مشکلات و نارسایی های ناشی از فقدان پاسخ های عدالت کیفری و اقدامات حفاظتی کافی

فقدان یک چارچوب قانونی مشخص برای رسیدگی به جرائم جنسی، چالش مهمی را ایجاد می کند. این ابهام با نبود اقدامات پیشگیرانه مناسب و نبود تعاریف و طبقه بندی قانونی مشخص برای برخی جرائم تشدید می شود. این ابهام به مکانیسم های پاسخ ناکافی در سیستم های قضایی و امنیتی نیز تسری پیدا می کند که اغلب بر رویکردهای سنتی که برای رسیدگی به پیچیدگی های جرائم جنسی مدرن متکی هستند، مجهز نیستند. بررسی جامع پاسخ های کیفری به فوریت مورد نیاز است و فراتر از روش های منسوخ برای رسیدگی مؤثر به این الگوهای جنایی در حال تکامل است.

نارسایی ها در کشف، تعقیب و بررسی جرائم و انحرافات جنسی

شیوع بالای جرائم جنسی گزارش نشده که اغلب از آن به عنوان «شخصیت تاریک جرم» یاد می شود، مانع مهمی برای اجرای قانون موثر است. این امر با فقدان یک سیاست شفاف عدالت کیفری تشدید می گردد. نظام کنونی متأثر از تفاسیر سنتی مذهبی، به جای اتخاذ رویکردی فعالانه، کتمان این جنایات را به ظاهر برای حفظ آبرو و ناموس

دست اندرکاران در اولویت قرار می‌دهد. مانند هر جرم دیگری، جرائم جنسی نیازمند ابزارها و رویه‌های تحقیقاتی مؤثر است. عدم‌ارائه این ابزارها، مجازات‌ها را بی اثر می‌کند و به افزایش نگران‌کننده چنین جرائمی کمک می‌نماید. ماهیت پنهان جرائم و انحرافات جنسی

ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به جرائم اخلاقی باعث سردرگمی و بحث در مورد صلاحیت و رویه آنها شده است. این قانون اختیارات گسترده‌ای را برای تحقیقات و پیگرد قانونی به دادسرا اعطا می‌کند، اما به طور همزمان برخی از جرائم جنسی را از حیطه اختیارات آنها خارج می‌نماید. این تناقض، نگرانی‌هایی را درباره دلیل این محرومیت انتخابی ایجاد می‌کند. در حالی که آموزه‌های اسلامی زنا و لواط را محکوم و از مجازات‌های شدید حمایت می‌کند، اما بر احتیاط و پرهیز از قرار گرفتن در معرض عموم برای جلوگیری از آسیب بیشتر و محافظت از افراد درگیر تأکید می‌نماید. این رویکرد زمانی معتبر است که جرائم به صورت خصوصی رخ دهد و حقوق دیگران را تضییع نکند. با این حال، هنگامی که جرائم عمومی هستند یا حقوق فردی را نقض می‌کنند، آنها خواستار تحقیق و پیگرد قانونی هستند.

تاکید سیستم فعلی بر رازداری در موارد جرائم جنسی مشکل‌ساز است. این نه تنها به گزارش ناکافی کمک می‌کند، بلکه به مجرمان اجازه می‌دهد تا از عدالت فرار کنند و به طور بالقوه منجر به جرائم بیشتر شود. با برخورد با این جرائم مانند سایر جرائم، می‌توانیم از ابزارهای تحقیقاتی تثبیت‌شده استفاده، مجرمان را پاسخگو و از جرائم آینده جلوگیری کنیم. نادیده گرفتن مشکل فقط آن را تشدید می‌کند و در درازمدت توانبخشی و اصلاح را دشوارتر می‌سازد. کتمان تجاوزات جنسی و رفتار نادرست موضوعی چند وجهی است. گذشته از فقدان الزام قانونی برای سیستم‌های امنیتی برای کشف این جرائم، عوامل متعددی در ماهیت پنهان آنها نقش دارند. دو چالش مهم در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد:

ملاحظات اجتماعی

در جوامع سنتی، هنجارهای سخت اجتماعی و مذهبی اغلب منجر به سرکوب گزارش جنایات جنسی می‌شود. جوامع ممکن است به جای مشارکت دادن مجری قانون، به مکانیسم‌های حل اختلاف غیررسمی متوسل شوند و این گونه جرائم را از سیستم قضایی رسمی پنهان نگاه دارند. این مسئله برای قضاتی که با موارد خشونت شدید که احتمالاً از جنایات جنسی رسیدگی نشده نشأت می‌گیرند، چالش ایجاد می‌کند. آنها مجبورند به عواقب خشونت رسیدگی کنند بدون اینکه بتوانند به علت اصلی به دلیل فشارهای اجتماعی بپردازند. ترس بزه‌دیده از طرح شکایت

مانع دیگر عدم تمایل قربانی به گزارش جرم است. این ترس می‌تواند ناشی از انتقام‌گیری احتمالی توسط مجرم یا ترس از انگ اجتماعی باشد. در نتیجه، قربانیان، علیرغم تحمل رنج‌های بسیار، سکوت را بر عدالت ترجیح می‌دهند. این سکوت می‌تواند منجر به عوارض بیشتر شود، از جمله متوسل شدن قربانیان به انتقام شخصی و تداوم چرخه خشونت. این واکنش اغلب از این باور قربانی ناشی می‌شود که سیستم حقوقی برای ارائه حمایت، عدالت یا

محافظت از رفاه او مجهز نیست. آنها ممکن است فرآیند پیمایش در سیستم قانونی، جمع‌آوری شواهد و متقاعد کردن مقامات را آسیب‌زاتر از تحمل جرم در سکوت بدانند. این می‌تواند منجر به شکایت قربانیان شود، اما به دلیل بار اثبات و عدم پشتیبانی، از آن منصرف شوند. بنابراین تغییر پارادایم در واکنش نظام عدالت کیفری به این گونه جرائم ضروری است. دور شدن از رویکردهای سنتی، ترکیب پیشرفت‌های علمی مانند علم پزشکی قانونی و ایجاد دادگاه‌های تخصصی می‌تواند محیط امن و حمایتی را برای قربانیان ایجاد کند. این دادگاه‌ها که با قضات مجرب در امور روان‌شناختی کار می‌کنند، می‌توانند از روش‌های علمی برای حقیقت‌یابی استفاده و اقدامات قانونی مناسب را تضمین کنند.

عدم کارایی ابزارهای قانونی در جرائم و انحرافات جنسی

ابزارهای قانونی مورد استفاده برای رسیدگی به جرائم جنسی، احساس ناتوانی محسوسی را نشان داده است. یک قانون تنها زمانی مؤثر است که عدالت ترمیمی را تسهیل کند و با یک خط مشی عدالت کیفری کاملاً تعریف شده هماهنگ باشد. استفاده از ابزارهای حقوقی باید مستقیماً اهداف مورد نظر نظام عدالت کیفری را منعکس کند. در زمینه جرائم جنسی که هدف این سیاست کاهش یا کنترل چنین جرائمی است، آشکار است که سیستم قضایی ما در رسیدن به این اهداف کوتاهی کرده است. افزایش نگران‌کننده در آزارهای جنسی به عنوان یادآوری آشکار این شکست است. نگاهی گذرا به پلتفرم‌های آنلاین یا گزارش‌های خبری نه تنها فقدان کنترل بر این جنایات، بلکه ظهور اشکال جدید و آزاردهنده جنایات جنسی را نشان می‌دهد. این امر بیشتر بر ناکارآمدی پاسخ‌های تنبیهی موجود تأکید می‌کند.

عدم توجه به مقوله اصلاح و درمان در مجازات‌ها

یک اصل اساسی مجازات مؤثر، بازپروری و ادغام مجدد مجرمان در جامعه به عنوان شهروندانی مطیع قانون است. برنامه‌های درمانی و توانبخشی پس از مجازات از دیرباز نشانه‌های بارز یک سیستم قضایی مؤثر در نظر گرفته شده است. اما در حوزه جرائم جنسی، این جنبه چه از نظر مجازات‌های اولیه و چه در مجازات‌های تکمیلی تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال، مصادره دارایی‌ها که یک عامل بازدارنده بالقوه قوی است، به اندازه کافی توسط قانونگذاران مورد توجه قرار نگرفته است. استدلال می‌شود که باید قوانینی برای توقیف تمام دارایی‌های به دست آمده از طریق جرائم جنسی، به‌ویژه در مواردی که شامل جنایات سازمان‌یافته، استثمار و فعالیت‌های سود محور است، وضع شود. بسیاری از حلقه‌های قاچاق و مروج جرائم جنسی، ثروت غیرقانونی قابل توجهی را جمع‌آوری می‌کنند و از آن برای پیشبرد فعالیت‌های مجرمانه خود و فریب قربانیان استفاده می‌کنند. مصادره این دستاوردهای غیرقانونی برای ایجاد اختلال در عملیات آنها بسیار مهم است.

علاوه بر این، قانون به اندازه کافی به شدت جرائم مکرر و متعدد جنسی رسیدگی نمی‌کند. به جز در شرایط خاص، تکرار جرائم - مانند زنا محصنه - یا جرائم متعدد از یک ماهیت، منجر به مجازات شدیدتر نمی‌شود. این امر کاملاً در تضاد با اصل تناسب در صدور مجازات است که در آن مجازات باید شدت جرم را منعکس کند. فردی که

در یک مصداق زنای محصنه مرتکب می‌شود، نباید مانند کسی که مرتکب چندین جرم شده است، مجازات شود. متأسفانه، قانون به اندازه کافی این تمایز را منعکس نمی‌کند و اساساً بر مجازات‌های سنتی تکیه می‌نماید و ماهیت در حال تحول این جرائم را در نظر نمی‌گیرد.^۱ بنابراین، برای قانونگذاران ضروری است که چارچوب قانونی موجود برای جرائم جنسی را دوباره ارزیابی کنند. آنها باید مجازات‌های مدرن و مرتبط با زمینه را در نظر بگیرند و به مسائل مهم تکرار و چند تخلف رسیدگی کنند.

۳- سازوکارهای حمایتی برای قربانیان جرائم جنسی: بررسی انتقادی کاستی‌های قانونی

قربانیان تجاوزات جنسی اغلب ضربه‌های روحی و روانی شدیدی را تجربه می‌کنند. این آسیب در جوامعی مانند ایران تشدید می‌شود؛ جایی که هنجارهای فرهنگی غالب می‌توانند قربانیان را به این نتیجه برسانند که خود را از نظر اجتماعی طردشده و بی‌حرمت بدانند. در نتیجه، این قربانیان ممکن است با انزوا، کاهش عملکرد کاری یا تحصیلی، از دست دادن شغل، ترس از موقعیت‌های اجتماعی جدید و حتی افکار خودکشی مواجه شوند. این تروما همچنین می‌تواند به صورت ترس عمیق از افراد شبیه به مجرم ظاهر شود که منجر به مشکلات در ایجاد روابط و حتی احساس بیگانگی از هویت جنسیتی خود می‌شود. این امر بر نیاز فوری به مکانیسم‌های حمایتی برای کاهش تأثیرات مخرب جرائم جنسی تأکید می‌کند. این مکانیسم‌ها را می‌توان به طور کلی به اقدامات جزایی و غیرجزایی دسته‌بندی کرد. تدابیر کیفری حمایتی: رویکردهای قانونی در مقابله با جرائم جنسی

در حالی که برخی از محققان علیه کارآمدی عدالت کیفری، حتی در موارد جرائم جنسی خشونت‌آمیز استدلال می‌کنند، این غیرقابل انکار است که غرامت مالی یا حمایت غیرجزایی به تنهایی نمی‌تواند جبران خسارت کافی را برای قربانیان فراهم کند. یک سیاست کیفری متمایز و قوی در رسیدگی به جرائم جنسی ضروری است. رویه‌های حقوقی کنونی ایران، تحت تأثیر فقه اسلامی، اغلب اجتناب از اثبات جرائم جنسی را در اولویت قرار می‌دهند.^۲ این رویکرد که ریشه در آموزه‌های دینی دارد، قضات را تشویق می‌کند تا قربانیان را از پیگیری قانونی به‌ویژه در مواردی که شامل اعمال توافقی است، منصرف کنند. در حالی که این رویکرد ممکن است در ترویج بخشش و محافظت از شهرت مجرمین پیشیمان موثر باشد، به شدت حقوق قربانیان را به‌ویژه در موارد اعمال جنسی اجباری تضعیف می‌کند. این امر به دلیل مشکلات ذاتی در تأمین شهود برای چنین جنایاتی که اغلب در محیط‌های خصوصی رخ می‌دهد، پیچیده‌تر می‌شود.

علاوه بر این، چارچوب قانونی موجود نمی‌تواند به موضوع پیچیده بارداری‌های ناشی از تجاوز جنسی رسیدگی کند. در حالی که برخی از مقامات مذهبی سقط جنین را در شرایط خاص مجاز می‌دانند، قوانین ایران هیچ حمایت قانونی یا پناهگاهی برای قربانیانی که مجبور به حاملگی ناخواسته هستند، ارائه نمی‌کند. این شکاف در حمایت

^۱ هر گاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری شود، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است (ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی)

^۲ برای مثال نگاه کنید به ماده ۱۰۸ و تبصره یک ذیل آن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.

قانونی لایه دیگری از آسیب را برای قربانیانی که در حال حاضر با پیامدهای تجاوز جنسی دست و پنجه نرم می‌کنند، می‌افزاید. بنابراین، اتخاذ یک سیاست کیفری قربانی محور که به طور خاص برای جرائم جنسی طراحی شده است بسیار مهم است. این رویکرد، علاوه بر جلوگیری از جرائم آتی، می‌تواند به میزان قابل توجهی اثرات منفی بلندمدت بر قربانیان را کاهش دهد و به یک سیستم حقوقی عادلانه‌تر و عادلانه‌تر کمک کند.

تدابیر غیرکیفری حمایتی: راهبردهای اجتماعی و روان‌شناختی در حمایت از بزه‌دیدگان این تدابیر می‌تواند به اشکال مختلف مانند ایجاد خانه‌های امن و سرپناه برای زنان بی‌خانمان، دختران فراری و کسانی که در خیابان‌ها فعالیت جنسی دارند، ظاهر شود. این افراد به دلیل جنسیت و اغلب موقعیت‌های اقتصادی نامطمئن در برابر جرائم جنسی آسیب‌پذیر هستند. بنابراین، ارائه پناهگاه‌های امن و حمایت‌های لازم می‌تواند آسیب‌پذیری آنها را در برابر استثمار و سوء استفاده به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

علاوه بر این، ایجاد مراکز حمایتی تخصصی برای قربانیان جرائم جنسی بسیار مهم است. این مراکز می‌توانند مشاوره، حمایت عاطفی و راهنمایی حقوقی ارائه دهند و نقشی حیاتی در کاهش آسیب و هدایت فرآیندهای حقوقی اغلب پیچیده ایفا کنند. قربانیان اغلب شدیدترین پریشانی عاطفی و سردرگمی را بلافاصله پس از جنایت تجربه می‌کنند. عواملی مانند سن، موقعیت خانوادگی و اجتماعی و وضعیت شغلی می‌تواند آسیب‌پذیری آنها را تشدید کند و مانع از توانایی آنها برای کمک‌جویی و پیگیری عدالت شود. بنابراین، مراکز پشتیبانی در دسترس و رایگان که با بودجه عمومی کار می‌کنند، می‌توانند به عنوان پناهگاه امن برای قربانیان عمل کنند و کمک و راهنمایی فوری ارائه دهند.

ابتکاراتی مانند «سیستم واکنش اضطراری اجتماعی» و «مراکز مداخله در بحران» گام‌های مثبتی برای رسیدگی به این نیازها هستند. هدف این برنامه‌ها ارائه پشتیبانی فوری و خدمات تخصصی به افراد در بحران، از جمله قربانیان سوءاستفاده جنسی، کسانی که از خانه فرار کرده‌اند و افرادی که بی‌خانمانی را تجربه می‌کنند، است. این برنامه‌ها با ارائه مداخلات به موقع و حمایت‌های مبتنی بر جامعه تلاش می‌کنند تا توانبخشی، ادغام مجدد در جامعه را تسهیل و از آسیب‌های آینده جلوگیری کنند.

نقش سازمان‌های غیردولتی (NGO) به همان اندازه در حمایت از قربانیان حیاتی است. در برخی کشورها، سازمان‌های غیردولتی مراکز حمایتی ایجاد کرده‌اند که اغلب توسط قربانیان سابق خشونت جنسی تأسیس شده یا کارمندان آنها کار می‌کنند. این افراد با تجربیات زیسته خود می‌توانند حمایت عاطفی و راهنمایی‌های عملی ارزشمندی را برای کسانی که از آسیب‌های مشابه عبور می‌کنند، ارائه دهند. حمایت عاطفی و روانی ارائه شده توسط این گروه‌ها، قربانیان را قادر می‌سازد تا زندگی خود را بازسازی کنند، تصمیمات آگاهانه بگیرند و از متوسل شدن به اقدامات شدید مانند خودکشی به عنوان وسیله‌ای برای فرار از آسیب خود اجتناب کنند.

در نتیجه، یک رویکرد چند وجهی که اقدامات قانونی را با سیستم‌های حمایت اجتماعی قوی ترکیب می‌کند، برای رسیدگی مؤثر به جرائم جنسی ضروری است. نهادهای دولتی، سازمان‌های جامعه مدنی و ابتکارات

مبتنی بر جامعه باید برای ایجاد یک شبکه ایمنی که از قربانیان محافظت می‌کند، حمایت اساسی را ارائه می‌نماید و فرهنگ احترام و کرامت را برای همه تقویت می‌کند، همکاری نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با رویکرد انتقادی به بررسی چالش‌های حقوقی مرتبط با زنان بزه‌دیده جرائم جنسی می‌پردازد. سیستم قضایی ایران در زمینه حمایت از قربانیان جرائم جنسی، با وجود برخی اقدامات مثبت، با کاستی‌های قابل توجهی روبه‌روست. فقدان دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به جرائم جنسی، عدم آموزش کافی قضات و ضابطان قضایی در زمینه خشونت جنسی و کمبود مراکز حمایتی تخصصی برای قربانیان، از جمله چالش‌های اصلی هستند. این کاستی‌ها منجر به عدم درک و همدلی با قربانیان، طولانی شدن فرآیندهای قضایی و قربانی شدن مجدد آن‌ها در طول دادرسی می‌شود. علاوه بر این، هنجارهای اجتماعی- فرهنگی حاکم بر جامعه ایران، مانند انگ اجتماعی مرتبط با تجاوز جنسی و فشار بر قربانیان برای سکوت، مانع از گزارش‌دهی جرائم و پیگیری عدالت می‌شود. این هنجارها، ریشه در باورهای سنتی و پدرسالارانه دارند و نیازمند تغییر و تحول اساسی برای ایجاد فضایی امن و حمایتی برای قربانیان هستند.

برای بهبود وضعیت حمایت از قربانیان جرائم جنسی در ایران، نیاز به اصلاحات همه‌جانبه در سطوح قانونی، قضایی و اجتماعی- فرهنگی وجود دارد. در سطح قانونی، اصلاح قوانین موجود برای جرم‌انگاری جامع و دقیق انواع خشونت و سوءاستفاده جنسی، از جمله تجاوز جنسی زناشویی و سایر اشکال تجاوز جنسی، ضروری است. همچنین، باید رویه‌های اثبات جرم در پرونده‌های تجاوز جنسی مورد بازنگری قرار گیرد تا با در نظر گرفتن شواهد علمی و پزشکی قانونی، بار اثبات از دوش قربانیان برداشته شود. در سطح قضایی، ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای رسیدگی به جرائم جنسی، آموزش قضات و ضابطان قضایی در زمینه خشونت جنسی و افزایش تعداد افسران زن در نیروی انتظامی برای تعامل با قربانیان زن، از جمله اقدامات ضروری هستند. همچنین، باید مراکز حمایتی تخصصی برای قربانیان تجاوز جنسی ایجاد شود تا خدمات مشاوره‌ای، روان‌شناختی، مددکاری اجتماعی و حقوقی به آن‌ها ارائه دهند. در سطح اجتماعی- فرهنگی، نیاز به تغییر نگرش‌ها و باورهای سنتی در مورد تجاوز جنسی و قربانیان آن وجود دارد. کمپین‌های آگاهی‌رسانی عمومی برای افزایش آگاهی در مورد خشونت جنسی، مبارزه با انگ اجتماعی مرتبط با آن، و تشویق قربانیان به گزارش‌دهی جرائم، از جمله اقدامات مؤثر هستند. در نهایت، حمایت از قربانیان جرائم جنسی نیازمند رویکردی چند وجهی و هماهنگ است که شامل اصلاحات قانونی، قضایی و اجتماعی- فرهنگی می‌شود. با اتخاذ این رویکرد، می‌توان به سمت سیستمی عادلانه‌تر و انسانی‌تر برای قربانیان جرائم جنسی در ایران حرکت کرد.

به طور کلی می‌توان گفت خشونت جنسی علیه زنان، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که ریشه در عوامل مختلفی از جمله نابرابری جنسیتی، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی منفی و ضعف حاکمیت قانون دارد. برای مقابله با این پدیده و تأمین عدالت برای قربانیان، نیاز به رویکردی جامع و چندبعدی است که شامل اصلاح قوانین و

مقررات، ارتقای آگاهی عمومی، تقویت سازوکارهای حمایتی، ارتقای همکاری بین‌المللی و تقویت نقش جامعه مدنی می‌شود. با اجرای راهکارهای پیشنهادی، می‌توان امیدوار بود که سطح حمایت از زنان قربانی جرائم جنسی ارتقا یابد و گامی مؤثر در جهت ریشه‌کن کردن این پدیده شوم برداشته شود.

نظام حقوقی ایران با وجود پیش‌بینی مجازات‌های سنگین برای مرتکبان جرائم جنسی، در زمینه حمایت از زنان قربانی این جرائم با چالش‌های متعددی مواجه است. برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها عبارت‌اند از:

۱. عدم تعریف جامع و دقیق از جرائم جنسی: قانون مجازات اسلامی ایران در مواد ۶۳۴ تا ۶۴۵ به جرائم جنسی پرداخته است. با این حال، تعاریف ارائه شده از جرائمی مانند تجاوز جنسی، زنا به عنف و سایر اشکال آزار و اذیت جنسی، جامع و دقیق نیستند و ابهامات موجود در این تعاریف می‌تواند منجر به تفسیرهای مختلف و تضییع حقوق قربانیان شود.

۲. عدم توجه کافی به مفهوم رضایت در جرائم جنسی: در نظام حقوقی ایران، مفهوم رضایت در جرائم جنسی به طور کامل مورد توجه قرار نگرفته است. به عنوان مثال، در قانون مجازات اسلامی، عدم رضایت قربانی در جرم تجاوز جنسی به عنوان یک عنصر اساسی جرم در نظر گرفته نشده است و اثبات عدم رضایت بر عهده قربانی است. این موضوع می‌تواند منجر به دشواری در اثبات جرم و تبرئه مرتکبان شود.

۳. عدم وجود سازوکارهای حمایتی کافی برای قربانیان: نظام حقوقی ایران فاقد سازوکارهای حمایتی کافی برای زنان قربانی جرائم جنسی است. به عنوان مثال، مراکز تخصصی برای ارائه خدمات مشاوره‌ای، پزشکی و روان‌شناختی به قربانیان به تعداد کافی وجود ندارد و دسترسی به این خدمات برای بسیاری از قربانیان دشوار است.

۴. نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی منفی نسبت به قربانیان: در جامعه ایران، نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی منفی نسبت به زنان قربانی جرائم جنسی وجود دارد. این نگرش‌ها می‌تواند منجر به سرزنش قربانی، انزوای اجتماعی و عدم حمایت از آن‌ها شود.

برای برون‌رفت از چالش‌های موجود در حقوق ایران در حمایت از زنان قربانی جرائم جنسی می‌توان راهکارهای زیر را پیشنهاد داد:

۱. اصلاح قوانین و مقررات: در نظام حقوقی ایران، نیاز به اصلاح قوانین و مقررات مربوط به جرائم جنسی وجود دارد؛

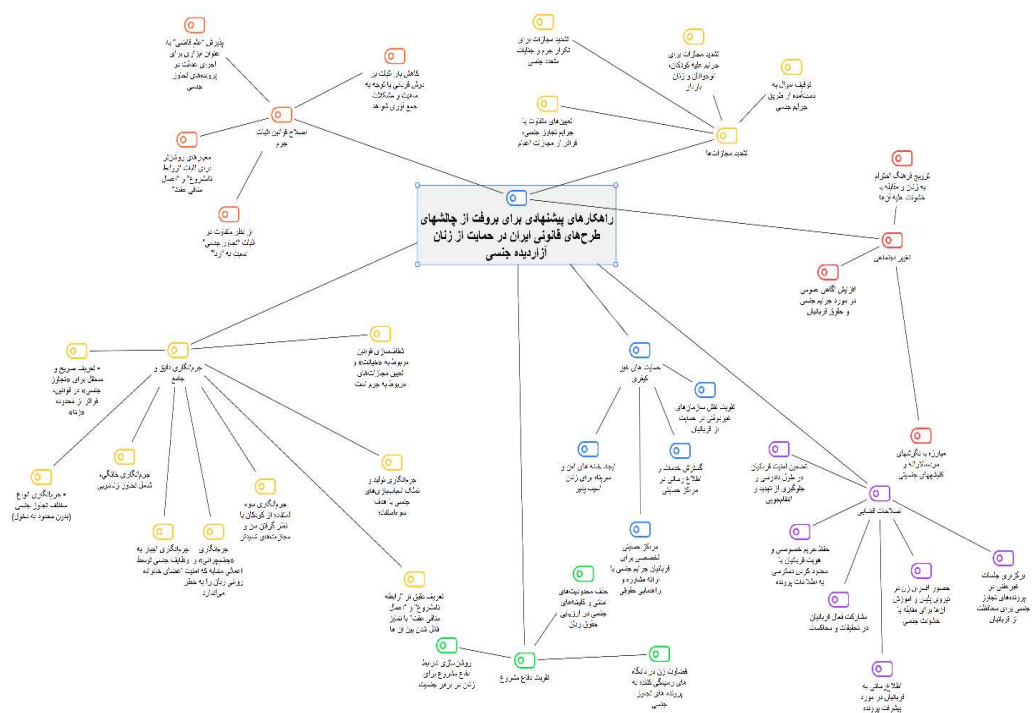
۲. ارائه تعریفی جامع و دقیق از جرائم جنسی با توجه به استانداردهای بین‌المللی؛

۳. توجه به مفهوم رضایت در جرائم جنسی و حذف بار اثبات عدم رضایت از دوش قربانی؛

۴. تشدید مجازات مرتکبان جرائم جنسی و پیش‌بینی مجازات‌های تکمیلی مانند محرومیت از حقوق اجتماعی؛

۵. ارتقای آگاهی عمومی: ارتقای آگاهی عمومی در مورد جرائم جنسی و حقوق قربانیان، یکی از راهکارهای اساسی برای پیشگیری از این جرائم و حمایت از قربانیان است؛

۸. تقویت نقش جامعه مدنی: جامعه مدنی می‌تواند نقش مهمی در زمینه پیشگیری از جرائم جنسی، حمایت از قربانیان و ارتقای آگاهی عمومی ایفا کند.



نمودار ۱: راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های موجود حقوق کشور ایران در راستای حمایت از زنان بزه‌دیده جرائم جنسی

منابع

- آخوندی، محمود. (۱۳۸۲). «اثبات جرائم منافی عفت از نگاهی دیگر». فصل‌نامه کتاب زنان. (۲) ۲۲، صص ۱۰۷-۱۲۲.
- بشری، سارا؛ الهی‌پور، فریبا و رحیمی، سالار. (۱۴۰۰). «چالش‌ها و راهبردهای سیاست کیفری ایران در پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان شاغل». فصل‌نامه رهیافت پیشگیری. شماره ۱۳، صص ۳۷-۶۰.
- تاج‌بخش، غلامرضا. (۱۴۰۰). «واکاوی عوامل زمینه ساز روابط فرازناتشویی». زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان). ۱۹(۴)، صص ۵۹۵-۶۱۴.
- حیدری، مهدی و شریفی، سمیه. (۱۴۰۰). «راهکارهای پیشگیری از بزه‌دیدگی زنان در نظام کیفری ایران». فصل‌نامه قانون یار. سال ۵، شماره ۲۰، صص ۵۶۹-۵۹۰.
- جوان جعفری بجوردی، عبدالرضا و شاهیده، فرهاد. (۱۳۹۳). «نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرائم جنسی (با تکیه بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران)». پژوهش حقوق کیفری. سال ۲، شماره ۷.
- رجب لاریجانی، مهسا. (۱۳۸۹). «مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- زمردیان، نسترن و اکبری، حسین. (۱۴۰۰). «چگونگی شکل‌گیری روابط فرازناتشویی زوجین». پژوهش‌نامه مددکاری اجتماعی. ۸(۲۸)، صص ۲۲۷-۲۶۲.
- زینالی، حمزه. (۱۳۸۳). «اثر فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آنان». فصل‌نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ۳، شماره ۱۳، صص ۱۹۷-۲۲۲.
- ژاک روسو، ژان. (۱۳۴۹). قرارداد اجتماعی. عنایت‌الله شکیباپور. تهران: انتشارات فرجی
- شاکری، ابوالحسن؛ روح‌الامین، نرگس السادات و عمویی سیف‌کنی، ناهید. (۱۳۹۲). سیاست کیفری ایران در قبال حمایت بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان با محوریت جرائم جنسی. تهران: نشر بنیاد حقوقی میزان
- شکری، کبری و هاشمی، سیدضیا. (۱۳۹۳). «بررسی جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان جوان». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۱۳، شماره ۲۴.
- فاطمی‌نیا، محمدعلی؛ کاظمی، قباد و پروین، ستار. (۱۴۰۱). «بزه‌دیده‌شناسی جرائم علیه جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی)». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. دوره ۲۱، شماره ۵۵.
- فلاحی، علی. (۱۳۸۲). «روسیبگری و سکوت سنگین قانون». مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). ۶(۲۲). SID. <https://sid.ir/paper/fa439192>
- گل‌پرور، شهلا؛ نبی‌پور، محمد و حاجی‌تبار، حسن. (۱۴۰۰). «جرم‌شناختی ملی و بین‌المللی در کاهش موقعیت‌های جرم‌زا در قبال بزه‌دیدگی زنان». فصل‌نامه اندیشه حقوقی. سال ۲، شماره ۵، صص ۳۱-۵۱.
- Badriyanti, P. H., Romantika, B., & Kurniawan, M. F. (2023). "Aspects of Legal Protection by the State Against Victims of Child and Women Trade". Education, 3(6), 1054-1063.
- Cook, R. J., Dickens, B. M., & Thapa, S. (2005). "Caring for victims of sexual abuse". International Journal of Gynecology & Obstetrics, 91(2), 194-199.
- DeKeseredy Walter S & Schwartz, Martin D. (2011). **Left realism**. Routledge Handbook of Critical Criminology, London: Published by Routledge.

- Katić, M. (2020). **“Conceptual definition of victim and the relationship of international law to victims”**. In *Proceedings of the International Scientific Conference "Social Changes in the Global World"* (Vol. 1, No. 7, pp. 231-249)
- Manurung, W., & Panjaitan, J. D. (2023). **“Implementation Of Legal Protection Of Children And Women As Victims Of Sexual Crimes”**. *International Journal of Social Research*, 1(2), 82-89.
- Mubarok, A. (2023). **Legal protection for victims of sexual violence in Indonesia in the perspectives of victimology and fiqh jinayah**.
- Paksi, A. K., & Renta, P. P. (2023). **“Indonesia’s pro-people foreign policy: the protection of Indonesian women migrant workers in Malaysia in 2022”**. *Otoritas: Jurnal Ilmu Pemerintahan*, 13(2), 203-216.
- Satriana, I. M. W. C., & Dewi, N. M. L. (2022). **“Law Brakes to Protect Victims of Sexual Violence Against Children and Women in the Private Field”**. *Journal Equity of Law and Governance*, 2(2), 115-122.
- Sugiani, R. A. (2023). **“Implementation of Legal Protection for Women with Disabilities Victims of Rape Crime in Langkat District”**. *Journal of Law Science*, 5(2), 65-69.

Challenges and Preventive Measures against the Victimization of Women in Sexual Crimes (with Emphasis on Youth)

Davood Mohammadi

Ph. D. Student, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

Sayyed Ali Jabbar Golbaghi Masouleh

Ph. D., Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

Atefeh Lor kojuri

Ph. D., Assistant Professor, Theology and Islamic Studies, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

Vahid Zarei Sharif

Ph. D., Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

Received: 29 Sep. 2024

Accepted: 14 Oct. 2024

This research seeks to achieve preventive and protective measures for women victims of sexual crimes and in this regard, examines Iran's laws and explains the shortcomings and legal problems in this field. This research is a documentary study and it has examined the texts and articles of criminology, criminal law, jurisprudence laws and rules, subject laws and internal documents indexed in reliable databases. After collecting information, data analysis has been done in a descriptive and analytical way. The approach of this research is critical and examines the legal challenges related to women victims of sexual crimes.

Based on the findings of the research, the main challenges of the subject in Iran's legal system, are under the topics of lack of a comprehensive and accurate definition of sexual crimes, insufficient attention to the concept of consent in sexual crimes, lack of sufficient support mechanisms for victims, negative cultural and social attitudes towards victims. Finally, solutions such as amending laws and regulations, promoting public awareness, strengthening support mechanisms, promoting international cooperation, and strengthening the role of civil society have been presented as the most important ways to overcome the challenges of this field.

Key Words: Preventive Measures, Women, Sexual Crimes, Legal Challenges and Youth Crimes.

Social Factors Related to the Attitude towards the Value of Children among Citizens (Case Study: Over 18-Year-old Citizens in Tabriz City)

Amir Taghizadeh

Ph. D. Student in Sociology, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Mohammad Hossein Bani Fatameh

Ph. D., Professor, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Tavakol Aghayari Hir

Ph. D., Associate Professor, Department of Social Sciences and Department of Sociology of Health, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 3 Jul. 2024

Accepted: 3 Sep. 2024

The research is to study social factors related to the attitude towards the value of children among over 18-Year-old citizens in Tabriz city. In examining the degree of correlation between the variable of cultural capital and the attitude towards the value of children, it can be said that there was an inverse and weak (-0/185) and the two variables at confidence level of 99% (0/001). Examining the same correlation coefficient regarding the relationship between the economic capital variable and the attitude towards the value of children indicated that there was an inverse and relatively strong relationship between the two variables (-0/314) and significant at the 99% confidence level (0/001). Finally, the examination of the relationship between body management and attitude towards the value of children also indicated that there was an inverse relationship between the two variables, which was significant (0/028) only in the aspect of weight control and fitness (-0/127). In the multivariate analysis, the results indicated that the total of independent variables included in the model were able to explain 30% of the changes in the dependent variable. Examining the results related to the difference of the average variable of attitude towards the value of children according to the background variables of the research also showed that the average attitude towards the value of children according to the variables of employment status and residential area was different and significant.

In general, considering that Iranian society, like many developing societies, is under the influence of modernity and industrialization, in order to preserve the youth of the population and the future of the country, economic, cultural and social planning in various fields is necessary.

Key Words: Child Value, Fertility, Youth Population, Fitness and Social Capital.

A Phenomenological Study about Social Contexts Affecting the Body Management of Young Women on the Verge of Marriage

Fatemeh Akbarzadeh

Ph.D. Student in Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran

Majid Reza Karimi

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran

Karamatollah Rasekh

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran

Received: 24 Jul. 2022

Accepted: 14 Aug. 2023

The research is to study the social contexts affecting the body management of young women on the verge of marriage. It was a qualitative researches that was carried out in the field. The qualitative method used in this research was phenomenological. The participants included young women on the verge of marriage in Shiraz Whom were selected using purposeful sampling through the approach of selecting homogeneous sampling and at the same time observing the maximum diversity. This problem was formed until theoretical saturation was reached. Finally, 15 interviews were conducted in this regard. The data collection tool was a semi-structured interview. In order to analyze the data, thematic analysis was used.

The results showed that there are 6 main themes and 44 sub-themes. According to the results, the social factors affecting the body management of young women on the eve of marriage were identified in 6 sections including lifestyle, fashion, social acceptability, Job, roles and social class and education.

Key Words: Body Management, Social Issues, Young Women and Marriage.

A Model for Promoting Social Happiness among Youth

Zahra Feizi

Ph.D. in Religious Studies- Sociology of Religion, Quran and Social Education Researcher, Jihad-e-Daneshgahi, Tehran, Iran

Leila Khosravi Morad

Ph.D. Student in Higher Education Governance, Quran and Social Education Researcher, , Jihad-e-Daneshgahi, Tehran, Iran

Mohammad Parsaian

Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, Quran and Social Education Researcher, Jihad-e-Daneshgahi, Tehran, Iran

Received: 26 Feb. 2024

Accepted: 8 Jun. 2024

In international reports, Iran has ranked 105th and 103rd in the field of social happiness in 2022 and 2021. Regardless of the fact that it is necessary to review the evaluated components of social happiness in this work in relation to Iran's situation, the question arises, under what model should the promotion of social happiness be done? Therefore, the article is to design a model for promoting social happiness among young people. The research approach is qualitative and qualitative meta-analysis method is used. The statistical population was the sources of youth social happiness research in Noor Mags, comprehensive humanities portal, SID. IR and Iran Doc. After screening, 54 sources were analyzed.

The results showed that the determining factors are in the individual category of hope for the future, in the individual social category are the factors of sense of justice and social security, in the social category are social participation, social capital, social trust, the level of religiosity, and in the social economic category of the social economic base. According to the analysis and drawing of the model, it is first necessary to make macro policies in the social, cultural and political fields.

Key Words: Social Happiness, Youth, Role Model, Qualitative Meta-Analysis, Promotion and Policy Making.

A Model for Development of Youth Job Skills in the Fourth Industrial Revolution

Hamed Abdollahi

Ph. D. Student in Industrial Management, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Mahmoud Dehghan Nayeri

Ph. D., Associate professor Industrial Management Department, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Ali Rajabzadeh Ghatari

Ph. D., Professor; Industrial Management Department, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Khadijeh Mostafaei

Ph. D., Assistant professor, Industrial Management Department, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 13 Sep. 2024

Accepted: 14 Oct. 2024

This research addresses the topic of human capital in the Fourth Industrial Revolution. Based on the structure and context of Iranian organizations, the macro-political and economic environment of the country, and the existing trends in the development of new technologies, the research is to identify the nature and components of Industry 4.0 and then the competencies, skills and knowledge required for youth to be employed in specialized and complex production jobs in the Fourth Industrial Revolution. The method of this research is qualitative and its content is devoid of statistical and mathematical calculations. For this study, theoretical sampling was conducted, and the data was collected through semi-structured interviews with 18 experts, including academics, youth activists, business managers, and researchers in the field of human resources. Grounded theory was used for data analysis and model design. In this method, by analyzing the interview texts, propositions, concepts, components, and core categories were identified, and the results were structured in the form of a paradigmatic model (including six dimensions of causal conditions, intervening conditions, contextual conditions, core categories, strategies, and outcomes).

Based on the findings, while it is necessary for business managers to create a transformation in organizational culture and for academics to implement changes in the educational system, the young workforce must strengthen their competencies, skills, and knowledge in four areas: methodological, social, individual, and technological to effectively engage in future smart factories.

Key Words: Youth Employment, Youth Skills Training, Competencies and Job Skills of Youth, Industry 4.0, Grounded Theory and Human Capital Development Model.

Factors Affecting the Future of Iran's Sports Products Industry

Hassan Dehghan Dizaji

Ph.D. Student, Department of Sports Management, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Mehdi Kohandel

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Seyyed Nemat Khalifeh

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Parivash Noorbakhsh

Ph.D., Professor, Department of Sports Management, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Received: 30 May 2024

Accepted: 18 Nov. 2024

The development of the sports industry as an important factor in realizing the economic, social and cultural goals of society is of particular importance. The study is future research about the Iran's sports products industry through a scenario writing approach. The research method was prospective and conducted qualitatively in terms of how to collect the information. The statistical population included all experts in the scientific and experimental fields in sports. The condition for interviewing in the qualitative section is to have at least a doctorate degree in the field of sports management (university faculty members in the field of sports management) or at least 15 years of experience in sports organizations, including the Ministry of Sport and Youth, sports federations, the National Olympic and Paralympic Committee and sports and youth departments or active in the field of sports industry such as the production of sports equipment. The statistical population in the quantitative part was all professors of sports management, importers, sellers and producers of sports products and experts of sports organizations in unlimited numbers. In selecting the statistical sample of the qualitative part for in-depth interviews, we tried to use both people with academic education (faculty members) and people with management and business experience. Sampling was done in a targeted way. Theoretical saturation occurred after 14 interviews, but continued until 17 interviews to be sure. Scenario Wizard software was used for scenario writing.

According to the results, these were identified as the key factors and drivers of the development of the sports industry in the future: the ability and quality of human forces, the constant and two-way communication between the university and the sports industry, the managerial and structural situation of the sports industry, the growth rate of the national economy and the international economic situation, the place of technology in the Iranian sports industry, the cultural and social situation related to sports. In the country, sports equipment and facilities, the state of Iran's foreign policy, the level of development of sports diplomacy, the state of supporting and facilitating the legal environment of the sports industry, the level of attraction of domestic and foreign capital in the sports industry, the management of championship and professional sports and the level of orientation towards public sports.

Key Words: Future Research, Iran's Sports Products Industry and Scenario Writing Approach.

Structural Challenges of Attracting and Retaining Sponsorship in Professional Niche Sports in Iran

Somayeh Mohammadi

Ph.D. Student, Department of Sports Management, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Behzad Izadi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

Received: 2 Jun. 2024

Accepted: 17 Sep. 2024

The research is to identify and prioritize the structural challenges of attracting and retaining sponsorship in niche professional sports in Iran. The research method was qualitative and quantitative (mixed) in the form of thematic analysis, and the statistical population included experts in the field of sports (presidents, vice-presidents, secretaries and marketing managers of federations and managers and deputy ministers). The sampling method was purposeful and in-depth interviews were conducted with 24 participants until theoretical saturation. In order to analyze the data, coding technique and NVivo software were used. After identifying the challenges, with the aim of ranking them, an AHP questionnaire was designed and provided to 16 experts in the sports and marketing industry.

The results showed that structural challenges to attract financial sponsors in niche professional sports in 10 themes and structural challenges to maintain financial sponsors in professional niche sports were identified in 8 themes and prioritized by AHP method. Finally, according to the obtained results, managers are suggested to pay attention to its long-term consequences for the organization when making decisions in the field of marketing, especially the attraction and retention of financial sponsors. Decisions that are made consciously and carefully can bring people together to achieve common organizational goals.

Key Words: Theme Analysis, Prioritization, Structural Challenges, Sponsorship and Niche Professional Sports.

A Qualitative Model for Economic Planning of the Iran's Football Clubs

Masoud Fereydouni

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Farhangian University, Tehran, Iran

Seyyed Mohammad Hossein Razavi

Ph.D., Professor, Sport Management Department, Faculty of Sports Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran

Received: 5 Mar. 2022

Accepted: 29 Jun. 2022

The study is to design a qualitative model for economic planning of the country's football clubs. In this research, a systematic approach was used and the research data were collected through interviews with experts and the data extracted from the interview were analyzed during the open, axial and selective coding stages, and the concepts and categories in Qualitative pattern templates were designed. The dimensions of the qualitative model included causal conditions (club conditions, economic secretariat, sequential planning, economic adaptation and economic system), contextual conditions (environmental perspective, expert participation, participatory planning and dynamic economic environment), intervening conditions (culture Economic planning and economic attitude), strategies (allocation of monetary resources, function of football economy, liquidity planning and capital program) and consequences (economic growth, quality management of capital, cost control, expansion of the club's economic system and economic development). The qualitative model of economic planning of football clubs was designed and validated.

According to the findings, economic planning through a creative and innovative process creates gradual and limited changes that will underlie long-term financial development for the club.

Key Words: Economic Attitude, Economic Adaptation, Economic Planning, Economic Development and Football Clubs.

Pattern of Financial Management Development in Sports Boards Using Artificial Intelligence Language Models

Mehran Hagh Parast

Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Mohammad Sultan Hosseini

Associate Professor, Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran

Davood Nasr Esfahani

Ph.D., Assistant Professor in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Received: 1 Oct. 2024

Accepted: 23 Nov. 2024

The research is to develop financial management in sports organizations using artificial intelligence language models. The methodology of this research was qualitative. The data was collected through interviews with language models ChatGPT, Command-R, Claude, Google Gemini, Mistral and LLaMA, and initial coding was done using AI TalkBot. Then, to validate the codes, researchers re-encoded the extracted codes and then analyzed them using a Charmaz constructivist approach. The validity and reliability of the research were confirmed using triangulation method, re-coding by a financial expert in sports, and Cohens Kappa coefficient. As a result, 240 initial codes were identified, which were reduced to 28 focused codes in later stages, and finally to 10 core codes.

The findings include financial health and accountability, improvement in disclosure in financial reports, operational budget planning, financial data analysis based on commitment, financial risk management, cash flow management, cost management and process improvement, human capital, investment and financial supporters, and the use of advanced financial technologies on blockchain platform. These axes are interconnected and each axis helps strengthen other axes. The proposed model contributes to improving transparency, accuracy in budget planning, and financial risk management in sports organizations, and implementing this model can lead to long-term financial sustainability and growth of sports organizations.

Key Words: Financial Data, Sports Board, Artificial Intelligence, Financial Performance and Big Language Models.

Strategic Challenges and their Consequences in Holding National Sporting Events: A Constructivist Approach

Farzin Pourghasem

Ph.D. Student, Sports Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Vajiheh Javani

Associate Professor, Sports Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Fatemeh Abdavi

Associate Professor, Sports Management Department, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 6 Nov. 2023

Accepted: 25 Dec. 2023

This research is to identify and explain the strategic challenges and their consequences in holding national sporting events from a constructivist perspective. The present study was qualitative research based on grounded theory. The participants were heads of different sports federations, managers of sports facilities in the province and faculty members of the Department of Sports Management. The selection method of interviewees was done through snowball sampling. The conducted interviews were analyzed using constructivist grounded theory coding.

The findings showed that holding sporting events in the country faces numerous strategic challenges at the macro and micro levels. These challenges included infrastructural, economic, socio-cultural, managerial, legal, security as well as environmental issues at the macro level and the challenges of politicization, monopolization, marketing and attracting capital at the micro level. In addition, trends such as changing laws and regulations related to sporting events, changing people's tastes and declining interest in some sports, climate change and increasing hazard conditions, technological developments and the need for more advanced equipment, increasing safety and health requirements for events, rising costs of holding sporting events and reducing government budgets for sports exacerbate these challenges. The emergence of these challenges can have consequences such as reduced event quality, stakeholder dissatisfaction, decreased participation and attendance of spectators, and a decline in the level of competitions. Therefore, it is essential to take measures to reduce these challenges by improving the economic, political, socio-cultural, infrastructural, security, and sports culture foundations. Given the identification of these challenges and precise and purposeful planning, it is possible to provide the necessary infrastructure for holding successful and high-quality sporting events.

Key Words: Sporting Events, Strategic Challenges and Grounded Theory.

A Suitable News Coverage Model for Women's Sport through Foundation's Data Theory Approach

Naser Rasoulzadeh Jeddi

Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Fatemeh Abdavi

Ph. D., Professor, Department of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Ali Jamali gharakhanlou

Ph. D. in Sports Management, Ministry of Sports and Youth, Tabriz, Iran

Hamed Azimi Nojeh

Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 23 Feb. 2024

Accepted: 8 Jun. 2024

Appropriate news and media coverage is effective in promoting and improving the quality and quantity of women's sport for the general public, athletes and attracting sponsors. Therefore, the research is to present a suitable news coverage model for women's sport. It was conducted using a qualitative method with the foundational data theory approach. The statistical population included sports experts and managers, media management professors and sports elites of East Azarbaijan province, 13 of whom were selected as research participants using the purposeful sampling method until reaching theoretical saturation. The data collection tool was a semi-structured and in-depth interview. After implementation, the data extracted from the interviews were analyzed with the qualitative data analysis software MAXQDA 2020 and with the three-step coding method of Strauss and Corbin. The data analysis led to the identification of 105 primary codes, 37 central codes and finally 4 main categories.

The findings of the research included this main categories: “Women's Sports News Coverage Components”, “Women's Sports News Coverage Factors”, “Women's Sports News Coverage Consequences” and “Women's Sports News Coverage Solutions”. It can be noticed and used by sports organizations and institutions and become effective in the field of media management, advertising and marketing of women's sports.

Key Words: News Coverage, Media, Women's Sport, Advertising and Model Presentation.

A Model for Institutionalizing Sport among Homemaker and Employed Women in Tehran

Ebrahim Alidoust Ghahfarrokhi

Ph.D., Professor in Sports Management, Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences and Health, University of Tehran, Tehran, Iran

Mahdi Ghafouri Yazdi

Ph.D., Associate Professor in Sports Management, Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences and Health, University of Tehran, Tehran, Iran

Ali Amani Samani

Ph.D. Student in Sports Management, Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences and Health, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 24 Jul.2024

Accepted: 28 Oct. 2024

The study is to propose a model for institutionalizing physical activity among housewives and employed women in Tehran. This applied research adopts an exploratory approach and utilizes grounded theory based on Strauss and Corbin's methodology. The research population included experts and specialists in women's sports, female sports authorities, and housewives and employed women from various districts of Tehran. A non-random, purposeful sampling method, specifically the snowball technique was used to conduct in-depth interviews until theoretical saturation was achieved (after 36 interviews). The data analysis was carried out through open, axial, and selective coding. As a result, 714 open codes were identified, which were further refined into 161 concepts grouped under 22 categories.

Based on the findings, it is recommended that institutions and organizations responsible for promoting physical activity implement the proposed model by addressing causal conditions, creating supportive environments, enhancing positive intervening factors, and managing negative intervening factors. By doing so, the institutionalization of physical activity among housewives and employed women in Tehran can be realized, allowing them to benefit from the outcomes of this initiative.

Key Words: Housewives, Mobility Poverty, Social Media, Sports Participation and Employed Women.

Effect of Sports-Oriented Lifestyle on Women's Social and Mental Health

Gholam Reza Tajbakhsh

Ph.D., Professor, Department of Social Sciences, Ayatollah al-Ozma Boroujerdi University, Boroujerd, Iran

Received: 21 Apr. 2024

Accepted: 19 Jun. 2024

Lifestyle is one of the important concepts in the field of humanities and especially sociology, it is necessary to examine the lifestyle of people in society and especially women in Iranian society considering that Iranian society is in the process of transition and modernization. The study is conducted with the to investigate the effect of women's sports-oriented lifestyle on women's social and mental health. This research was done with quantitative method and survey approach. The statistical population included all the women of Borujerd city, which data was collected using a multi-stage and random cluster method in a researcher-made questionnaire. The sample size was estimated to be 250 people using Sample Power software, and Cronbach's alpha test was used for the validity and reliability of the research. SPSS 26 software and statistical tests of Pearson correlation, t-test, analysis of variance and multivariate regression were used for data analysis, and Amos Graphic 26 software was used for the structural equation model of the research.

The findings showed that the Pearson correlation coefficient for the relationship between the two variables of sports-oriented lifestyle and social health of women in Borujerd city was significant at the medium level, and it had a weak but inverse relationship for the mental health variable of women in this city. On the other hand, the multivariable regression results of the research indicated the effect of the dimensions of interpersonal support, self-actualization and responsibility on the dependent variables of women's social health and mental health, as well as the independent variable of sports-oriented lifestyle with 0/55 %of the variance of the social health variable and 0/35%. It explained the variance of the mental health variable of Borujerd city. Finally, the structural equation modeling of the research also showed that the research model was of a good fit and the experimental data of this research supports the theoretical model of the research. As a multi-causal and multi-dimensional phenomenon, sports-oriented lifestyle is a valuable resource for promoting physical and mental health and improving quality of life.

Key Words: Sport-Oriented Lifestyle, Social Health, Mental Health and Borujerd.

Factors Affecting the Self-Development of Iran's Sports Managers and Modeling

Mansureh Tehranchi

Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Nikbakhsh

Ph.D., Associate Professor in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farideh Sharififar

Ph.D., Assistant Professor in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 25 Feb. 2024

Accepted: 8 Apr. 2024

The research is to model the factors affecting the self-development of sports managers in Iran. The statistical population were all presidents, vice presidents and secretaries of sports federations of the country, whose number is 204 people (51 presidents, 102 vice presidents and 51 secretaries), and the statistical sample was selected in full. After distributing the questionnaire, 192 questionnaires were returned. In this research, a researcher made questionnaire was used to analyze the descriptive data, descriptive statistics method was used, and in this way frequency, percentage and structural equation modeling were used. SPSS and Smart PLS version 3 soft wares were used to analyze the data.

The results showed that organizational factors, extra organizational factors, individual factors and self-development mechanisms influence self - development in the macro management of sports in the country. It is of a significant positive effect.

Key Words: Self-Development, Organizational Factors, Extra-Organizational Factors, Individual Factors and Self-Development Mechanisms.

Key Drivers for Development of Volleyball in the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on Strategic Foresight

Mohammad Soleymani

Ph.D. Student in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Tayebah Sadat Zargar

Ph.D., Assistant Professor in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farideh Sharififar

Ph.D., Assistant Professor in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Nikbakhsh

Ph.D., Associate Professor in Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 17 Nov. 2023

Accepted: 6 Apr. 2024

The research is to identify key drivers of the Volleyball Federation of the Islamic Republic of Iran through strategic foresight approach. The research design employed a mixed-methods approach, with thematic analysis in the qualitative section and fuzzy Delphi and structural analysis in the quantitative section. The participants in this research included national and club team coaches, national team athletes, international referees, volleyball federation presidents, executive directors and members of the federation's executive board in the qualitative section, as well as experts and university professors in the quantitative section. The selection of participants in the qualitative section was based on purposive sampling and theoretical saturation, with interviews conducted with 20 individuals. It is worth mentioning that the selection criteria for these individuals included expertise and experience, representation, diversity, and collaboration. In the quantitative section, purposive sampling was also used, and based on four criteria—work experience in volleyball, knowledge of futures studies, having advanced education, and more than 10 years of work experience—10 individuals were selected. The data collection tools in the qualitative study were semi-structured interviews, and in the quantitative section, a fuzzy Delphi questionnaire and a 46x46 matrix were used, which were validated and confirmed for reliability. The qualitative data were analyzed using thematic analysis, while fuzzy Delphi and structural analysis were employed for quantitative data. The results of this research indicated that in total, 46 influential drivers were identified for the future of the Volleyball Federation of Iran, with 8 key drivers under the titles of "Placement among the top four teams in the world and the Olympics," "Dynamic league," "Asian Championship and Asian Games," "Investment in talent identification," "Iran's volleyball capacity," "Strengthening competitors," "Attracting financial supporters," and "Providing support" playing a more crucial role in the federation's future initiatives. Based on the results, it can be concluded that the development of volleyball in Iran in the future will be more influenced by these 8 drivers. Therefore, it is recommended that the Volleyball Federation pay special attention to these drivers and take necessary actions to achieve the desired future.

Key Words: Foresight, Dynamic League, Competitors, Support, Uncertainty and Volleyball.

Factors and Obstacles Affecting the Development of Sport for All during the Corona Era and Appropriate Solutions for the Post- Corona

Mehrali Hemmatinezhad Touli

Ph.D., Professor in Sports Management, University of Guilan, Rasht, Iran

Hossein Barakhas

Ph.D. in Sports Management, University of Guilan, Rasht, Iran

Leila Beirami Jeghanab

Ph.D. Student in Sports Management. University of Guilan, Rasht, Iran

Touba Beig Mohammadi

Ph.D. Student in Sports Management. University of Guilan, Rasht, Iran

Mozhgan Salehi Pour

Ph.D., Assistant Professor in Sports Management, Ilam University, Ilam, Iran

Received: 1 June 2024

Accepted: 17 Sep. 2024

The research is to investigate the factors and obstacles affecting the development of sport for all during the Corona era and presenting appropriate solutions for the post- Corona. The research employed a qualitative methodology, with a statistical population comprising 16 individuals from the human resources and information resources departments, along with the analysis of 45 relevant documents. The interviewees and information sources were purposefully selected to ensure theoretical saturation. The findings were analyzed using a three-step conceptual coding method, resulting in a final conceptual framework with 66 components and 9 dimensions in the factors section, 138 components and 11 dimensions in the obstacles section, and 77 components and 7 dimensions in the solutions section. The factors section highlighted various aspects, including structural and managerial, financial and economic, recreational and sports, cognitive and value factors, creativity and innovation, facilities and services, facilities and equipment, scientific and educational, and informational and media factors. The obstacles section identified dimensions such as structural and managerial, individual and personal, psychological, family, welfare and environmental barriers, accessibility, facilities and economic, infrastructural, cultural, social and informational, and scientific and educational barriers. Moreover, this research offers solutions for the development of sports for all in the post-Corona era .Based on the research findings, it can be said that in the field of sports for all, the state of sports for all in these conditions requires attention to sectors and overcoming its obstacles through areas such as establishing new sports facilities and also equipping and repairing existing sports facilities.

Key Words: Sport for All, Corona Virus, Sports Development and Sport for All Federation.

A Quantitative Model for Factors Affecting the Management of the Generational Gap in Iran's Public Sport

Amir MahianJaghargh

PhD student in Sports Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Shahryar kharazian

Assistant Professor, Sports Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Ehsan Asadollahi

Assistant Professor, Sports Management, Sanabad Institute of Higher Education, Golbahar Mashhad, Mashhad, Iran

Meysam Rezaei

Assistant Professor, Sports Management, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Received: 18 Oct. 2023

Accepted: 25 Nove. 2023

The study is to compile a quantitative model for factors affecting the management of the generation gap in Iranian public sport. In order to obtain a conceptual model and confirm it, first, using a qualitative approach (thematic analysis) and interviewing 14 experts in a purposive sampling method, including professors of sports science and sports management, experts in the field of public sports, experts in the field of sociology and sports sociology and sports managers of organizations in charge of sports such as municipalities, public and recreational sports federations, and student sports federations were done. Then, the structural equation modeling method was used to confirm the conceptual model derived from the research. In order to make the study feasible, a simple random sampling method was used to sample this population. Due to the uncertainty of the size of the community, a total of 384 people were identified as the research sample.

The findings of the theme analysis showed that there are a total of 51 open codes as factors affecting the management of the generation gap in public sports in the country, which are placed in 9 sub-themes and 4 main themes. Also, according to the results of structural equation modeling, the qualitative model of the research was confirmed and all paths were positive and significant and had a good fit. In a general conclusion, it should be mentioned that the existence of a generational gap has caused people's sports interests to differ seriously, so that the generational gap can be an important factor in creating a favorable society or itself a cause for social conflict.

Key Words: Intergenerational Gap, Specialized Factors, Macro Environmental Factors, Promotion Factors and Management Factors.

Effective Factors in the Development of an Active City through the Approach of Promoting Citizen Sport

Sahar Ghasemi

Master Degree in Sports Management, Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences and Health, University of Tehran, Tehran, Iran

Amin Dehghan Ghahfarokhi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences and Health, University of Tehran, Tehran, Iran

Ahmad Mahmoudi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sports Management, Faculty of Sports Sciences and Health, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 22 Sep. 2023

Accepted: 25 Nov. 2023

The research is to identify the effective factors in the development of an active city through the approach of promoting citizen sport. The methodology used in the research was a systematic exploratory qualitative study based on a thematic analysis approach. The statistical population included managers and expert of public sports, managers and expert employees of metropolitan municipalities, managers of municipal sports complexes, people who are experts and knowledgeable about citizen sports, and university sports management professors who were interviewed. The sampling of qualitative parts was done using the judgment method, for a total of 21 people. The interview tool was based on the opinion of experts and the agreement of the editors. It used the library study and interview tools.

The results showed that the effective indicators in the development of an active city through the approach of promoting citizen sports included three parts: process, performance, and outcome indicators. The findings indicated that the managers of the municipalities and the Federation of Public Sport should pay more attention to the holding of hiking and cycling conferences than before and programs (giving prizes to individuals and holding free programs) in order to encourage them. People should plan these activities and also pay special attention to the creation of dedicated paths (cycling, walking, and running), women's parks, and infrastructure necessary for public sport in parks and stations and health skills to encourage people to exercise citizenship and physical activity in order to create an active city.

Key Words: Active City, Citizenship Sport and Sport for All.

The Components of Proactive Management in the Ministry of Sport and Youth

Tahereh Bagheri Zadeh

Ph.D. Student, Department of Sports Management, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran

Seyyed Ehsan Amir Hosseini

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran

Vali Nowzari

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sports Management, Arsanjan Branch, Islamic Azad University, Arsanjan, Iran

Received: 27 January 2022

Accepted: 18 May 2022

The research is to identify and prioritize the components of proactive management in the Ministry of Sport and Youth. This research is applied in terms of purpose and the data were collected in the field and in a mixed manner (qualitative and quantitative). The statistical population was 18 experts in the qualitative section and 158 in the quantitative section, including the directors of the Ministry of Sport and Youth and the general managers and deputies of the provincial directorates of sport and youth, of whom 131 collaborated with the researchers. Due to the limited number of members, the statistical population was equal to the sample. The research tool in the first part was a researcher-made questionnaire containing 39 indicators of proactive management. The validity of the questionnaire was confirmed by 10 professors of sports management and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha test ($\alpha = 0.92$). The data were analyzed by exploratory and confirmatory factor analysis and factor prioritization by AHP method using SPSS and AMOS software. The findings showed that there are 8 components and 39 indicators in the proactive management of the Ministry of Sport and Youth. Also, based on the ranking results, the components of job development, socialization, career path, readiness for change, competitiveness, proactive personality, knowledge, skills and ability and internal motivation of the development of proactive management of the Ministry of Sport and Youth are effective, respectively. It can be said that empowerment, talent management and succession training courses in the framework of the roadmap and career advancement management will help the proactive management of this ministry.

Key Words: Socialization, Proactive and Ministry of Sport and Youth.

An Employee Empowerment Model Based on Social Capital and Professional Ethics in Sports and Youth Departments of Chaharmahal and Bakhtiari Province

Tahmaseb Shirvani

Ph.D., Assistant Professor in Sports Management, Faculty of Tourism, University of Tehran, Tehran, Iran

Rohallah Asadi

Ph.D. in Public Administration, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Received: 16 oct. 2021

Accepted: 15 May 2022

The study is to develop an Employee Empowerment model based on social capital and professional ethics in Sports and Youth Departments of Chaharmahal and Bakhtiari Province. It was applied in terms of purpose and field and correlational in terms of data collection. The statistical population included all employees of sports and youth departments of Chaharmahal and Bakhtiari province (161 people). The statistical sample is selected as a total number equal to the statistical population. The research instruments included the Social Capital Questionnaire by Nahapit and Gushal (1998), Spitzer Empowerment (1995) and the professional ethics of Kirsten et al. (2011) whose validity and reliability were confirmed. Descriptive statistics and inferential statistics in the form of structural equation modeling using Smart PLS2 and SPSS19 software were used to analyze the data.

The results showed that the proposed research model was of a good fit. There was a direct and significant relationship between social capital and employee empowerment ($GOF=0/586$). Also, 49/4 percentage of the effect of social capital on employee empowerment had been explained indirectly by the mediating variable of professional ethics.

According to the findings, it is concluded that employees' social capital develops their empowerment by increasing their professional ethics, and managers should pay special attention to strengthening their social capital in order to increase employees' empowerment.

Key Words: Social Capital, Empowerment, Professional Ethics and Sports and Youth.

A Talent Management Model for the Ministry of Sport and Youth in Islamic Republic of Iran

Elham Ghasemi Harsini

Ph.D. Student in Sports Management, Department of Physical Education, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

Bahram Yosefi

Ph.D., Associate Professor in Sports Management, Razi University of Kermanshah, Kermanshah, Iran

Ali Forooghi poor

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Boroujerd Branch, Islamic Azad University, Boroujerd, Iran

Received: 22 Nov. 2023

Accepted: 24 January 2024

The research is to design a talent management model for the Ministry of Sport and Youth in Islamic Republic of Iran. The method of the current research was applied in terms of the purpose and in terms of the method of implementation, with a mixed (quantitative-qualitative) approach. Using targeted sampling, 11 people were selected as a statistical sample. In a quantitative part, the statistical population included managers and employees of the Ministry of Sport and Youth. In the current research, 335 people were selected as a statistical sample using Morgan's Krejci table and random cluster sampling method. The data collection tool was a semi-structured interview in the qualitative part and a researcher-made questionnaire in the quantitative part. In the qualitative part, data coding was done using MAXQDA software, and in the quantitative part, model fitting was done using confirmatory factor analysis and PLS software.

The findings of the research using the coding process of the conducted interviews showed that 115 initial codes are effective in the form of the concept of the effective factors model (causal and contextual, intervention, strategy and consequences) of the talent management of the Ministry of Sport and Youth in the Islamic Republic of Iran. The 16 categories were fundamental to explain the talent management model of the Ministry of Sport and Youth of the Islamic Republic of Iran: Based on the results, the categories of "attracting efficient staff", "organizational structure" and "employee competencies" as the causal conditions for the establishment of the talent management model, the categories of "support", "job rotation" and "creating opportunities" as the basic conditions, the categories of "Organizational flexibility", "Attention to the talent of employees", "Organizational knowledge" and "Evaluation" as intervening conditions, the categories of "Employee participation in the organization", "Succession", "Delegation of authority" and "Training and evaluation" are solutions for establishing The model of talent management in the Ministry of Sports and Youth and the categories of commitment and responsibility, self-esteem and retention of employees were introduced as the consequences of the talent management of the Ministry of Sport and Youth of the Islamic Republic of Iran. Also, the modeling of structural equations and the partial square method showed the confirmation of the fit of the mentioned model. Therefore, managers should pay attention to the obtained factors in the talent management process.

Key Words: Talent Management, Recruitment and Retention of Employees and Ministry of Sport and Youth.

A Model for Effective Factors in Hosting the Olympic Games

Saeed Molaee

Ph.D. Student, Department of Sports Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Abolfazl Farahani

Ph.D., Professor, Department of Sports Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Ali Mohammad Safania

Ph.D., Professor, Department of Sports Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hamid Ghasemi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 3 January 2022

Accepted: 15 May 2022

Acquiring hosting an event can be formed if the necessary conditions for holding that event are provided in the target country which requires recognizing the required factors and infrastructure. Therefore, the study is to develop a model for effective factors in hosting the Olympic Games. The research method was practical in terms of nature, qualitatively in terms of strategy by the data foundation method with the approach of Strauss and Corbin through semi-structured in-depth interviews. The statistical population consisted of elites in the field of sporting events and the organizers of the Olympics in Germany, in which 15 people were selected by purposive sampling and theoretical saturation. The Qualitative trust was calculated and confirmed by the GABA 4-step method and the validity of the interview protocol, by the percentage of agreement between the two coders, 86/12. Finally, the extracted factors included 229 components (open source), 141 dimensions (central code) in the form of 18 factors from library resources and opinions of managers and experts (interviews). These 18 main factors are the characteristics of physical infrastructure, transportation infrastructure, sports infrastructure, economic infrastructure, management infrastructure, political-legal infrastructure, financial-environmental infrastructure, technological infrastructure, infrastructure Facades and buildings were spectator-related infrastructures, marketing and sales infrastructures, structural infrastructures, environmental infrastructures, structural-organizational strategies, human strategies, technical-executive strategies, primary and secondary consequences.

According to the research results, the framework presented in this research is effective in providing the infrastructure for hosting the Olympics for different countries in order to develop a hosting strategy and planning for hosting.

Key Words: Sports Infrastructure, Olympic Infrastructure, Hosting Acquisition and Data Foundation.

Challenges and Strategies for the Optimal Presence of Women in Championship Sport

Nazanin Rasekh

Ph.D., Associate Professor in Sports Management, Institute of Physical Education and Sports Sciences, Tehran. Iran

Hamid Ghasemi

Ph.D., Professor, Sports Management, Payame Noor University, Tehran, Iran

Saeid Jafari

Ph.D. in Sports Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Abed Mahmoudian

Ph.D., Assistant Professor in Sports Management, Faculty of Sports Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Received: 11 April 2024

Accepted: 8 June 2024

The research is to identify the challenges and strategies for the optimal presence of women in championship sports. It is based on the foundation's data theory with the Strauss-Corbin approach, and the participants were various actors in the field of women's championship sports, including professors and researchers, managers and officials of the National Olympic Committee and federations, coaches, athletes, team owners and there were women's clubs. The method of selecting the participants was purposive sampling and semi-structured interviews were conducted with 15 of them until theoretical saturation was reached.

The findings indicated that 18 subcategories are classified in the form of five main categories such that causal factors include financial and administrative obstacles, rules governing women's sports and the lack of development of female coaches, background factors. This includes family gender values, gender inequality and space and facilities limitations, intervening factors, jurisprudential problem creation and passive reaction in facing inequality, inclusive strategies, commercialization of women's championship sports, talent management, modeling, All-round support for women's championship sports, constructive interaction, gender socialization, legislation in women's championship sports and the consequences also include qualitative and quantitative development of women's championship sports inside and outside the country. The proposed model can be used as an analytical tool for the basis of planning, decision-making and action in the field of Iranian women's championship sports in order to overcome the challenges in the field of women's optimal participation in championship sports by using various strategies.

Key Words: Sports Organizations, Women, Foundation Data Theory and Gender Justice.

A Framework for the Implementation of Women's Championship Sports Development Policies through Interpretative Structural Approach

Sara Khandan

Ph.D. Student, Department of Physical Education and Sports Sciences, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Ahmad Turkfar

Ph.D., Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Seyyed Mohammad Ali Mirhosseini

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Rahim Shirazinejad

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran

Received: 19 March 2024

Accepted: 29 Sep. 2024

The research is to present a framework for the implementation of women's championship sports development policies through interpretative structural approach. The research method was descriptive-survey and practical in terms of purpose. The research data was collected in the field and in a mixed (qualitative and quantitative) way. In the qualitative section, 18 experts were selected purposefully. The statistical population in the quantitative part included managers and experts of women's championship sports in federations and sports and youth departments, who were first randomly selected as a cluster and then 384 people were selected as a sample. The research tool was a researcher-made questionnaire, including 46 indicators of the implementation of women's championship sports development policies and a structured self-interaction form, the validity of the questionnaire was confirmed by 10 sports management professors and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha test ($\alpha=0.83$). In this research, interpretive structural modeling technique was used to level the components. Based on the findings, in the dimensions of policies and executives, management requirements and environmental and socio-cultural conditions, 46 effective indicators on the implementation of women's championship sports development policies were identified in the form of 14 components, and the research model showed the structuring of the components in seven levels. The components of capabilities and power of executives and financial and investment were placed at the basic level of the research model. It can be said that empowering managerial, technical and specialized human resources and increasing the ability and power of policy implementers, increasing income generation and attracting financial resources of the private sector in women's championship sports will facilitate the achievement of policy implementation objectives and the development of women's championship sports

Key Words: Policy, Policy Environment, Interpretive Structural Model and Women's Championship Sport.

Factors Affecting the Implementation of Strategic Plans in Sports Federations of Iran

Zohreh Zolfaghari

Ph.D. Student, Department of Physical Education and Sports sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Hossein Zareian

Ph.D., Associate Professor in Sports Management, Sports Sciences Research Institute, Tehran, Iran

Sirous Ahmadi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran

Received: 19 May. 2024

Accepted: 17 August 2024

The research is to model the factors affecting the implementation of strategic plans in sports federations of Iran. It was quantitative in terms of applied purpose, quantitative in terms of data collection and survey type in terms of data collection. The statistical population included all the employees of the sports federations of Iran. According to the size of the statistical population, 384 people were selected randomly and clustered based on the Karjesi and Morgan table. The data collection tool was a researcher-made questionnaire. In order to check and confirm the validity of the questionnaire from the experts in the field of sports management, the AVE index and the Fronell-Larcker matrix were used, and to confirm the reliability of the tool, factor loadings, Cronbach's alpha and composite reliability were used- the Cronbach's alpha of the questionnaire was 0/87. In order to analyze the data, descriptive and inferential statistics methods including structural equation modeling test were used in smartPLS3.1.1 software and at a significance level of 0/05.

The research results showed that the research model was of a good fit and the causal factors had a significant effect on the implementation of strategic plans ($p=0/001$; $t=25/629$) and the implementation of strategic plans ($p=0/001$; $t=4/368$), contextual factors ($p=0/009$; $t=2/612$) and intervening factors ($p=0/001$; $t=7/347$) had a significant effect on strategies, and strategies also were of a significant effect on the consequences of implementing strategic plans of sports federations of Iran ($p=0/001$; $t=26/009$).

The results showed that access to goals, prevention of problems, characteristics of formulated strategic plans, weakness of program implementers, management problems, economic problems, political problems, the way of implementing strategic plans were of a significant effect on the consequences of implementing strategic plans, including strategies related to human resources and finance, supervisory, motivational and legal. Therefore, in order to properly implement strategic plans in Iran's sports federations, it is possible to achieve sports, social and economic development by using the presented strategies.

Key Words: Sports Federations, Program Implementation and Strategies.

Function of Media in Development of Sport in Iran

Mojtaba Ahmadi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Bandargaz Branch, Islamic Azad University, Bandargaz, Iran

Iman Safaei

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Bandargaz Branch, Islamic Azad University, Bandargaz, Iran

Mohammad Ali Nodehi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Physical Education, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Received: 27 May 2024

Accepted: 29 July 2022

The research is to investigate the function of the media in the all-round development of sports in the country. The statistical population included athletes who are members of national teams, sports business owners and sports managers. Due to the large size of the population, the number of samples was determined based on Morgan's table of 384 people and selected by simple random sampling. In order to analyze the data, structural equation method was used with the help of Smart PLS software.

The results showed that media education, media information, media culture and media-social communication are of a significant impact on the all-round development of sports in the country. According to the findings of the research, managers and people involved in the country's sports can take effective steps by using the capacity of the media for the comprehensive development of the country's sports.

Key Words: Mass Media, Information and Professional Sports.

Qualitative Role of Elite Sport in Creating a National Brand and A Positive Image of Iran in the World

Mohammad Reza Gholamzadeh

Ph.D. Student in Sports Management, Ayatollah Amoly Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

Nasrollah Mohammadi

Ph.D., Associate Professor, Sports Management Department, Payame Noor University, Tehran, Iran

Azim Salahi Kojur

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sports Management, Shafagh Tonekabon Higher Education Institute, Tonekabon, Iran

Farshad Emami

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sports Management, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran

Received: 9 Dec. 2023

Accepted: 23 Dec. 2023

The research is to investigate the role of Elite Sport in creating a national brand and positive image of Iran in the world. It is based on data search and has a qualitative nature and is based on data base theory and is of the type of applied research. The statistical population was 15 members of the academic faculty of the university in the department of sports management and marketing, directors of the Ministry of Sports and Youth and the National Olympic Committee, elite athletes and coaches active in the field of championship sports. The interview with the statistical sample was selected purposefully.

Based on the results of the analysis of the qualitative data obtained from the interview, the presentation of the final model includes: sports dimensions (4 core codes), performance dimensions (3 core codes), social dimensions (2 core codes), marketing dimensions (2 core codes), government dimensions (2 core codes), Media dimensions (2-axis codes) are tourism dimensions (2-axis codes). Therefore, considering the effect of the cooperation between the diplomatic system and the sports system in setting up international sports agreements in developing a positive image of the country, it is suggested that each of the relevant organizations identify the limits of their authority, help and cooperate in moving forward and enter into more agreements with other countries of the world should work more to develop a positive image of the country.

Key Words: Development of Elite Sport, Positive Image, National Brand and Sport.

Sports Diplomacy in the Development of Iran's International Relations with the Countries of the Persian Gulf

Reza Saboonchi

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran

Maryam Hosseini Asgarabadi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sports Sciences, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran

Received: 3 Feb. 2023

Accepted: 25 April 2023

The research is to study the role of sports diplomacy in the development of international relations with the Persian Gulf countries. Based on this, an applied research was conducted in a mixed method with a data-based theorizing strategy based on Glaser's model and inductive approach. 16 interviews were carried out with professors of sports management and sports diplomacy, working in the Ministry of Sports and Youth, national Olympic Committee and Ministry of Foreign Affairs until theoretical saturation. Qualitative data analysis was done during two stages of real coding and theoretical coding and finally 64 open codes were identified in 12 concepts and 4 categories. In order to compile the data model, the data of 311 experts in the field related to the research was analyzed using the structural equation method.

According to the results of cultural, media, economic and public diplomacy, they will have the most effect in sports diplomacy with the Persian Gulf countries. Using the capacity of non-governmental organizations in the region, interacting with the diplomatic system and producing joint media works with other countries, economic cooperation with Persian Gulf entrepreneurs and the cooperation document between the Ministry of Sports and Youth and the Ministry of Foreign Affairs is the most effective.

It is suggested, a committee of institutions in charge of sports and diplomacy of the country is formed and to plan a sports event in the Persian Gulf with a message of peace and friendship.

Key Words: Sports Diplomacy, Persian Gulf and Ministry of Sports and Youth.

A Model for Cultural Diplomacy of Iran's Sport

Reza Ghasemi

Ph.D. Student in Sports Management, Ivanaki Non-Governmental Non-Profit University, Semnan, Iran

Farideh Hadavi

Ph.D., Associate Professor, Department of Physical Education, Ivanaki Non-Governmental Non-Profit University, Semnan, Iran

Rahim Ramezani Nezhad

Ph.D., Professor, Department of Physical Education, University of Guilan, Rasht, Iran

Received: 29 January 2024

Accepted: 27 February 2024

The research is to design a model for cultural diplomacy of Iran's sport. This qualitative research was based on the strategy of foundation data. The participants included all specialists, knowledgeable elites and experts who were of valuable and managerial experiences in the field of international and diplomatic relations and culture with a sports and non-sports approach in the Ministry of Sport and Youth, Foreign Affairs, Culture and Islamic Guidance and..., presidents of the federations in National Olympic and Paralympic Committees, who were selected using the foundation's data method (objective judgment). In-depth interview was used to measure the research variables. The research data analysis method was based on the Strauss and Corbin method. Based on the study of theoretical foundations, interviews with elites, and the results obtained from the research, the researcher came to the belief that Iran's sports cultural diplomacy is inevitably facing a problem with the identity of the labyrinth algorithm on the way to its realization. Iran's sports cultural diplomacy, which is based on the infrastructure rules of Iranian-Islamic governance, is necessary to develop official letters of interaction with various organizations such as the Ministry of Education, Science, Foreign Affairs, Culture and Islamic Guidance federations, clubs and municipalities.

Key Words: Diplomacy. Cultural Diplomacy and Sports Diplomacy.

Optimal Governance Model for Iranian Sports System Using Fuzzy DEMATL

Akbar Akhavan

Ph.D. Student, Department of Sports Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Zahra Hajienzehaei

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sports Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Farideh Ashraf Ganjooe

Ph.D., Associate Professor, Department of Sports Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 14 May 2024

Accepted: 14 Sep. 2024

The research is to design the optimal governance model for the Iran's sports system using the fuzzy Delphi method, which is descriptive and qualitative according to the developmental goal and method of the research. First, in the form of documents and libraries, the indicators and dimensions of sports governance at the international and national levels were collected. The statistical population consisted of two parts: A part of it has been related to the qualitative approach of the research, which consisted of sports management experts. For this purpose, 15 optimal governance models were extracted and studied. The summary of these models showed the existence of 4 dimensions, 15 components and 41 indicators. The matrix obtained from DIMATEL technique identified the cause and effect relationships between the factors as well as the influence and effectiveness of the variables. The validity of the questionnaires was confirmed. To test the optimal governance model, the Ministry of Sport and Youth and the heads of provincial boards were considered. In the quantitative section, considering that the population size was 542, 225 people were determined as a sample by simple random sampling method and with Cochran's formula, and the questionnaire was distributed among the samples. The validity of the drawing model was valid for four dimensions. Finally, four dimensions including financial control, competence of human resources, transparency and accountability, and implementation of policy and policy were obtained.

Key Words: Optimal Governance, Iranian Sports System, Fuzzy Delphi Method and Structural Equation.

Factors Affecting the Future of Iran's Sports Products Industry

Hassan Dehghan Dizaji / Mehdi Kohandel / Seyyed Nemat Khalifeh / Parivash Noorbakhsh

.....

A Model for Development of Youth Job Skills in the Fourth Industrial Revolution

Hamed Abdollahi / Mahmoud Dehghan Nayeri / Ali Rajabzadeh Ghatari / Khadijeh Mostafae

.....

A Model for Promoting Social Happiness among Youth

Zahra Feizi / Leila Khosravi Morad / Mohammad Parsaian

.....

**A Phenomenological Study about Social Contexts Affecting the Body Management of
Young Women on the Verge of Marriage**

Fatemeh Akbarzadeh / Majid Reza Karimi / Karamatollah Rasekh

.....

**Social Factors Related to the Attitude towards the Value of Children among Citizens
(Case Study: Over 18-Year-old Citizens in Tabriz City)**

Amir Taghizadeh / Mohammad Hossein Bani Fatameh / Tavakol Aghayari Hir

.....

**Challenges and Preventive Measures against the Victimization of Women in Sexual
Crimes (with Emphasis on Youth)**

Davood Mohammadi / Sayyed Ali Jabbar Golbaghi Masouleh / Atefeh Lorkojuri / Vahid Zarei Sharif

.....

Effective Factors in the Development of an Active City through the Approach of Promoting Citizen Sport

Sahar Ghasemi / Amin Dehghan Ghahfarokhi / Ahmad Mahmoudi

.....

A Quantitative Model for Factors Affecting the Management of the Generational Gap in Iran's Public Sport

Amir MahianJaghargh / Shahryar kharazian / Ehsan Asadollahi / Meysam Rezaei

.....

Factors and Obstacles Affecting the Development of Sport for All during the Corona Era and Appropriate Solutions for the Post- Corona

Mehrali Hemmatinezhad Touli / Hossein Barakhas / Leila Beirami Jeghanab / Toubia Beig Mohammadi / Mozghan Salehi Pour

.....

Key Drivers for Development of Volleyball in the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on Strategic Foresight

Mohammad Soleymani / Tayebah Sadat Zargar / Farideh Sharififar / Reza Nikbakhsh

.....

Factors Affecting the Self-Development of Iran's Sports Managers and Modeling

Mansureh Tehranchi / Reza Nikbakhsh / Farideh Sharififar

.....

Effect of Sports-Oriented Lifestyle on Women's Social and Mental Health

Gholam Reza Tajbakhsh

.....

A Model for Institutionalizing Sport among Homemaker and Employed Women in Tehran

Ebrahim Alidoust Ghahfarrokhi / Mahdi Ghafouri Yazdi / Ali Amani Samani

.....

A Suitable News Coverage Model for Women's Sport through Foundation's Data Theory Approach

Naser Rasoulzadeh Jeddi / Fatemeh Abdavi / Ali Jamali gharakhanlou / Hamed Azimi Nojeh

.....

Strategic Challenges and their Consequences in Holding National Sporting Events: A Constructivist Approach

Farzin Pourghasem / Vajiheh Javani / Fatemeh Abdavi

.....

Pattern of Financial Management Development in Sports Boards Using Artificial Intelligence Language Models

Mehran Hagh Parast / Mohammad Sultan Hosseini / Davood Nasr Esfahani

.....

A Qualitative Model for Economic Planning of the Iran's Football Clubs

Masoud Fereydouni / Seyyed Mohammad Hossein Razavi

.....

Structural Challenges of Attracting and Retaining Sponsorship in Professional Niche Sports in Iran

Somayeh Mohammadi / Behzad Izadi

.....

CONTENTS

Optimal Governance Model for Iranian Sports System Using Fuzzy DEMATL

Akbar Akhavan / Zahra Hajienzehaei / Farideh Ashraf Ganjooe

A Model for Cultural Diplomacy of Iran's Sport

Reza Ghasemi / Farideh Hadavi / Rahim Ramezani Nezhad

Sports Diplomacy in the Development of Iran's International Relations with the Countries of the Persian Gulf

Reza Saboonchi / Maryam Hosseini Asgarabadi

Qualitative Role of Elite Sport in Creating a National Brand and A Positive Image of Iran in the World

Mohammad Reza Gholamzadeh / Nasrollah Mohammadi / Azim Salahi Kojur / Farshad Emami

Function of Media in Development of Sport in Iran

Mojtaba Ahmadi / Iman Safaei / Mohammad Ali Nodehi

Factors Affecting the Implementation of Strategic Plans in Sports Federations of Iran

Zohreh Zolfaghari / Hossein Zareian / Sirous Ahmadi

A Framework for the Implementation of Women's Championship Sports Development Policies through Interpretative Structural Approach

Sara Khandan / Ahmad Turkfar / Seyyed Mohammad Ali Mirhosseini / Rahim Shirazinejad

Challenges and Strategies for the Optimal Presence of Women in Championship Sport

Nazanin Rasekh / Hamid Ghasemi / Saeid Jafari / Abed Mahmoudian

A Model for Effective Factors in Hosting the Olympic Games

Saeed Molaee / Abolfazl Farahani / Ali Mohammad Safania / Hamid Ghasemi

A Talent Management Model for the Ministry of Sport and Youth in Islamic Republic of Iran

Elham Ghasemi Harsini / Bahram Yosefi / Ali Forooghi poor

An Employee Empowerment Model Based on Social Capital and Professional Ethics in Sports and Youth Departments of Chaharmahal and Bakhtiari Province

Tahmaseb Shirvani / Rohallah Asadi

The Components of Proactive Management in the Ministry of Sport and Youth

Tahereh Bagheri Zadeh / Seyyed Ehsan Amir Hosseini / Vali Nowzari

Editorial Board:

Seyyed Abdol Hamid Ahmadi

Associate Professor in Physical Education (Sport Physiology) Academic Center for Education,
Culture and Research (ACECR)

Mohammad Javadipour

Associate Professor in Educational Planning Curriculum Development & Instruction Methods
Department Faculty of Psychology and Educational Sciences University of Tehran

Gholam Reza Shabani Bahar

Full Professor in Physical Education (Management and Planning) Management and Planning in
Physical Education Department Physical Education and Sport Sciences Department Allameh
Tabatabai University

Rasoul Sadeghi

Associate Professor in Sociology Demography Department Faculty of Social Sciences
University of Tehran

Ali Mohammad Safania

Professor in Sport Management Department of Physical Education and Sport Sciences Science
and Research Branch, Islamic Azad University

Farzad Ghafouri

Associate Professor in Physical Education (Management and Planning) Management and
Planning in Physical Education Department Faculty of Physical Education and Sport Sciences
Allameh Tabatabai University

Kourosh Fathi Vajargah

Full Professor in Educational Planning Higher Education Department Faculty of Education and
Psychology Shahid Beheshti University

Reza Gharakhanlou

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Physical Education Department
Faculty of Humanities Tarbiat Modares University

Shahla Kazemipour

Associate Professor in Sociology Demography Department Faculty of Social Sciences
University of Tehran

Abbass Ali Gaeini

Full Professor in Physical Education (Sport Physiology) Sport Physiology Department Faculty
of Physical Education and Sport Sciences University of Tehran

QUARTERLY OF STRATEGIC STUDIES ON YOUTH AND SPORTS

• No.62. • Spring 2024 •

• E-ISSN: 2821-1286 •

• P-ISSN: 2821-1278 •

• Concessionaire: Ministry of Sports and Youth •

• Director: Amir Hossein Vaezi •

• Editor-in-Chief: Ali Mohammad Safania •

• Office Manager: Zahra Kamalian •

• Layout: Saeid Givari •

**MINISTRY OF SPORTS AND YOUTH
STRATEGIC STUDIES AND RESEARCHES CENTER**

• Add: No.4. Shahid Soltani St. Nelson Mandella Blvd. Tehran, Iran •

• Tel: +98(21)22662369 •

• Fax: +98(21)22662260 •

• <http://faslname.msy.gov.ir> •

*In the Name of Allah,
the Compassionate,
the Merciful*